

تصویر ابو عبد الرحمن الکوردی

فرهنگ قاضی

فارسی - ترکی

تألیف

حاج مراد دوروی قاضی

انتشارات گل نشر - مشهد

۱۳۸۲

قاضی، مراد دوردی، ۱۳۰۷ -

فرهنگ قاضی: فارسی - ترکمنی / تألیف مراد دوردی قاضی

- مشهد: گل نشر، ۱۳۸۲.

بیست و شش، ۷۲۸ ص: مصور.

ISBN 964-93514-9-3 : ریال ۶۰۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان به ترکی: قاضی سوز لوگی فارسچا - تورکمنچه.

۱. فارسی - - واژه نامه ها - - ترکمنی. الف. عنوان.

1. Persian language - Dictionaries - Turkman.

فا ۴۹۴/۳۶۴۳

PL ۲۳۳ / ف۲۴

۳۸۲۴ - ۸۲ م

محل نگهداری:



انتشارات گل نشر

مشهد: بلوار وکیل آباد، وکیل آباد ۱۰ (خیابان لاله)، نبش لاله ۳، تلفن: ۸۶۱۲۵۶۰ - دورنگار: ۸۶۱۰۷۸

نام کتاب: فرهنگ قاضی (فارسی - ترکمنی)

اثر: حاج مراد دوردی قاضی

ناشر: انتشارات گل نشر، مشهد

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۲

چاپ و صحافی: چاپخانه گل نشر

قطع: رقعی ۷۵۲ صفحه

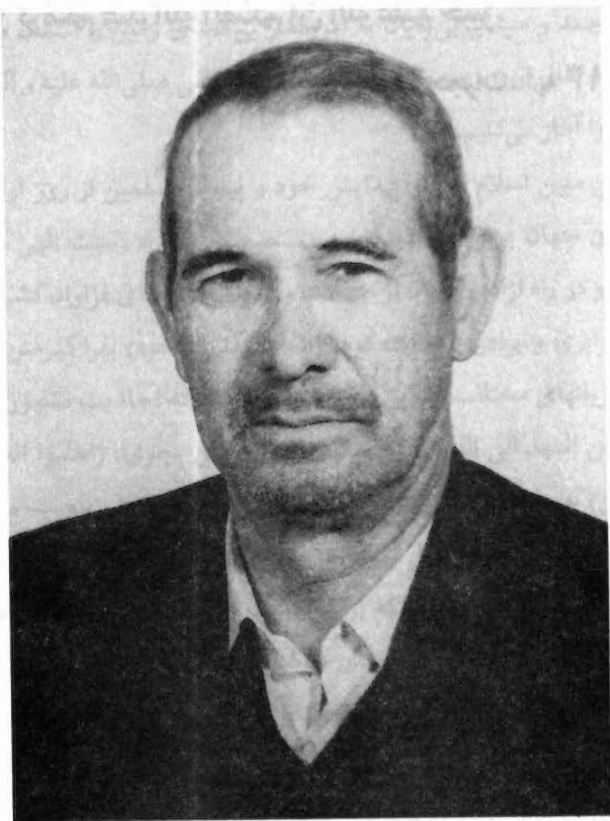
تایپ: محمود عطاگزلی

ویراستار: ملاعاشور قاضی و محمود عطاگزلی

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۹۳۵۱۴ - ۹ - ۳

مرکز پخش: ایران، گنبد کاووس، چهارراه شریعتی، کتابفروشی قابوس، تلفن ۲۶۲۳۳ - ۰۱۷۲



حاج مراددوردی قاضی
مؤلف کتاب

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَجَعَلْنَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

سورة حجرات، آیه ۱۳

تقدیم به فرزندانم:

ملاعاشور، فرهاد، بهمن،

بهروز و قربان محمد قاضی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

با حمد و سپاس بی پایان به آفریدگار بی همتای زمین و آسمان خداوند تبارک و تعالی و درود به خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم سخن را آغاز می کنیم.

دین مبین اسلام از بدو پیدایش خود و پیامبر مسلمین از روز اول بعثت خلقهای جهان بویژه ستمدیدگان و مستضعفین را براه راست الهی هدایت فرمود و در راه آزادی انسان از جهالت و گمراهی رنجهای فراوان کشید و آنها را به برابری و برادری دعوت کرد. (انما المؤمنون اخوه) بفرا گرفتن علم و دانش زبانهای مختلف تشویق نمود، از اینجا است که احادیث مشهور (اطلبوا العلم من المهد الى اللحد) ز گهواره تا گور دانش بجوی، (اطلبوا العلم ولو بالصین) بهر عنوان دانش را بجوئید گرچه در چین باشد، پیوسته مد نظر مسلمانان بوده و به آن عمل نموده اند و از میان مسلمانان دانشمندان بسیاری برخاسته اند، پرواضح است که برای بدست آوردن علوم مختلفه و داشتن روابط فرهنگی و علمی با خلقهای دیگر دانستن زبان ضروری است زیرا آدمیزاد اشرف مخلوقات به اقوام و قبایل و ملت های گوناگون که بزبانهای مختلفی تکلم می کند تقسیم شده است.

در قرآن مجید خداوند متعال می فرماید: (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا) (سوره حجرات آیه ۱۳) یعنی: ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. برای شناخت خداوند و

مردمی که او آفریده ناگزیر باید زبانهای آنها را دانست زیرا زبان وسیله ارتباط خلقها و وسیله تفهیم و تفهم است، بنا بضرر المثل فرانسوی: هر کس که دو زبان بداند دو شخص است سه زبان بداند شخص و الی آخر. جهت فراگیری زبان ناچار باید از انواع فرهنگها یعنی کتب لغت استفاده کرد، علاوه بر این برای یاد گرفتن پدیده‌های نوین تکنیک نیز داشتن فرهنگهای اختصاصی ضروری است.

فرهنگها انواع و اقسام مختلف دارد از آن جمله است: فرهنگ دو زبانه مانند فرهنگ (فارسی به فرانسه) و بر عکس فرهنگ (عربی به فارسی) و بر عکس، فرهنگ توضیحی مانند (فرهنگ دهخدا) و (فرهنگ اصطلاحات) و یا فرهنگهای اختصاصی مربوط به رشته‌های مختلف علم و صنعت، کشاورزی و غیره مانند فرهنگهای پزشکی، سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، کلمات خارجی و امثال آن.

متأسفانه در کشور ما ایران تاکنون هیچگونه فرهنگی از زبانهای دیگر که به زبان ترکمنی ترجمه و چاپ شده باشد وجود نداشت، اما ضرورت چنین فرهنگهایی از مدتها پیش احساس می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و تشکیل جمهوری اسلامی برای هر گونه شکوفائی استعدادهای محلی و قومی امکانات فراوان ایجاد شد، در نتیجه پس از انقلاب تعداد کثیری کتابهای علمی، ادبی، مذهبی، تاریخی به زبان ترکمنی چاپ و نشر گردید، ولی هیچگونه فرهنگی (کتاب لغتی) چاپ نشده بود. کتابی که هم اکنون در دسترس شما قرار گرفته فرهنگ (فارسی به ترکمنی) است که برای اولین بار به وسیله این مؤسسه چاپ و به خوانندگان علاقمند تقدیم می‌شود.

البته فرهنگ نویسی کار آسانی نیست بلکه متضمن دشواری‌های فراوانی

است، صرف اوقات زیادی را طلب می نماید. به همین علت این کتاب در مدت نه چندان زیادی ترتیب یافته، طبیعی است که خالی از نواقص نخواهد بود. بدینجهت ما از خوانندگان گرامی تقاضا داریم که نظریه و پیشنهادات خود را درباره کتاب و نواقص مشاهده شده را کتباً یا شفهاً به ما گوشزد فرمایند، تا در چاپهای آینده اشکالات آن رفع گردد. والسلام.

حاج مراددوردی قاضی

بسم الله الرحمن الرحيم

سوز باشی

یری گونگی، بوتین عالم جهانی اوز یکه - تاک قدرتی بیلن یارادان و اگیلمز گویجی بیلن تمام دنیا ارک ادیان یالنگیز الله تبارک و تعالی غا چاکسیر حمد و ستایش آیتماق بیلن، شونونگ یالی - دا عزیز اسلامینگ فخری، همه مسلمانلارینگ قووانجی بۆلن پیغمبریمیز محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلمینگ و ایزیندا اسلاما رواج برن یارانلاری خلفای راشدین غه کوپ لرچه درود و تحیت آیتماق بیلن ازومیزینگ شو ایشیمیزه باشلاماغی معقول بیلدیک.

اسلام دینی و پیغمبریمیز محمد علیه السلام ایلکینجی گون دن باشلاپ بوتین آدمزادی جهالتدان، قارانگق لیقدان، چیقارماق اوغروندا جان آیامان تلاش اتدیلر، آدملاری نادان لیقدان چیقارماق، خدای تعالی نی تانیتماق و یاغتی یولا سالماق ایشینده دوغری یولباشچیلیق اتدیلر، خود شونگا گورا - ده اسلامدا کی (اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) سالانچاقدان قبره چنلی علم طلب ادینگ، یادا (اطلبوا العم ولو بالصین) علم ختایدا هم بؤلسا، شونی اله آلجاق بولونگ دیین یالی فراستلی سوزلر بوتین دنیائینگ انسانلاری طرفیندان معقوللانیار، شوندان گوره لده آیینیار.

جهاندا یایران همه مخلوقلارینگ آراسیندا دینگه آدمیزاد دُر دانه سوز سوزله مکلیک نغمتی بیلن بزه لدی، اول اشرف مخلوقات بولدی. اما آدمیزاد دورلی دیلدره، گپله یان دورلی ملت لره، دورلی قوملارا بولونپیدیر.

قرآن مجیدده الله تبارک و تعالی: (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا) (حجرات آیه ۱۳)، یعنی: ای آدملار، بیز

اؤل سیزیڭ همانگیزی بیر عیال ارکه کدن یاراتدیق، سؤڭگ سیزی کوپ بولوملره و دورلی قبیله لارا بولدوک تا بیرى -بیرینگیزی تانار یالی، دییار. شو دورلی دیللرده گپله یان قوم قبیله لار بیرى -بیرینگ سوزله یشینده دوشونمک اوچین دورلی سوزلوکلره محتاج بولیارلار.

قالیبرسه -ده، حاضیرکی زمان دورلی علملارینی تکنیکیڭ قازانان تازه لیکلرینی اله آلماقدا هم سوزلوگینگ مهم اهمیتی باردیر.

شونونگ یالی سوزلوکلرده یازولی ادبیاتی بۇلان دنیائینگ همه خلقلاریندا بار دییان یالی دیر. سوزلوکلر دورلی -دورلی بولیار. اولاردان (ایکی دیللی سوزلوک) و (دوشوندیریشلی سوزلوک)، دورلی هنارلره، صنعتا دگیشلی بۇلان سوزلوکلر، اوی ماشغالالار (دایخانچیلیق) سوزلوگی، (هالی چیلیق یا دا طبییچیلیک سوزلوگی) و باشغالاری گورکزمک بولار.

نسیمیز آغیرسا -دا شو وقتا چنلی بیزینگ یوردومیزده باشغا دیللردن ترکمن دیلینه گچیریلن سوزلوک یوقدی. اما شونونگ گوپچولیک اوچین ضرورلیغی همیشه و کوپدن باری دیویلیاردی، قینانساقد، ترکمن دیلینده کوپ سانلی علمی، ادبی، مذهبی کتابلار چاپ ادیلیپ چیقاریلان بولسا -دا، هیچ هیللی سوزلوک نشر ادیلمه ندیر. شو ضرورلیغی نظرا آلیپ بیز بیرنجی گزه ک شو الینگیزداکی (فارس چا -ترکمن چه) سوزلوگی حرمتلی اوقیچیلارا هودورله یاریس. البته بیر علمی ایش یازماق یا دا ایکی دیللی سوزلوک دوزمک، اوندا -دا شيله ایشی آز مدتینگ ایچینده یرینه یتیرمک آنکسات ایش دأل.

مونگا کتاب یازماق، ایلایتا -دا سوزلوک دوزمک ایشی بیلن مشغوللانیان آدملار اؤنگات دوشونیان بولسالار گره ک. سوزلوک دوزمک دینگه بیر یکه -تاک آدمینگ ایشی دألدير. هر کیم بو مهم ایشی دولی یرینه یتیرمک

ایسته‌سه، بوتین عمرونی صرف ادیپ، زحمت چکسه-ده ینه اونونگ
ایشینده یتمزچیلیک بولجاقدینی طبیعی زاتدیر.

شیله فکردن اوغور آلیپ، حرمتلی اوقیچیلار شوکتاب بارادا اوز
نظرلارینی، تاپان کمچیلیک لرینی و باشغا تکلیف لرینی بیزه یازو اوستی بیلن
یادا دیلدن خبر برسه لر کوپ منتدار بولاریس.

انشاء...قویبریلن کمچیلیک لری بولسا، گلجک کی چاپلاردا دوزه لدیپ،
اوستونی یتیریپ، کامل لشدیره ریس دیین امیدیمیز بار. سؤزونگ سونگینده
حرمتلی محمود عطاگزلی دان اوشبو اثرینگ چیقماغیندا بیزه یاقین دان
یاردام برن لیگی اوچین تویس یورکدن اونگا منت دارلیق بیلدیره سیم گلیار.

حاج مراد دوردی قاضی

علائم اختصاری (قیسغالدیلان بلگی لر)

اسم	علامت	ا.
اسم آلت	.	ا.آ
اسم جمع	.	ا.جم
اسم خاص	.	ا.خ.
اسم یا صفت	.	ا.ص.
اسم فاعل	.	ا.فا.
اسم مرکب	.	ا.مر.
اسم مصدر	.	ا.مص.
اسم مفعول	.	ا.مف.
انگلیسی	.	انگلا
پهلوی	.	په
ترکی	.	ت.
حرف	.	ح
روسی	.	رو.
صفت	.	ص.
صفت تفضیلی	.	ص.ت.
صفت فاعلی	.	ص.فا.
صفت مفعولی	.	ص.مف.
صفت نسبی	.	ص.ن.

صوت	•	ص
ضمیر	•	ض.
عربی	•	[ع]
عــــــــــــــــامیانه	•	عا.
فرانسوی	•	فر.
فرانسه و فارسی	•	فر.فا.
عربی و فارسی	•	[ع. فا]
قید	•	ق.
قید و صفت	•	ق.ص.
قبل از میلاد	•	ق.م.
قید مرکب	•	ق.مر.
لاتینی	•	لا.
کنایه	•	کنا.
میلادی	•	م.
مصدر	•	مص.
مصدر جعلی	•	مص.ج
مصدر لازم	•	مص.ل.
مصدر متعدی	•	مص.م.
معرب	•	مع
مغولی	•	مغ
نگاه کنید به...	•	نگا.
هندی	•	هند
یونانی	•	یو.

نشانه‌های آوایی و برابری‌های خطی آنها

نمونه	برابر خطی	نشانه آوایی
«برانت» barā'at ؛ «براعت» barā'at	همزه، ع	'
«آمد» āmad ؛ «دارا» dārā	آ، ا	ā
«از» az ؛ «مرد» mard	آ، ت	a
«سبب» sabab	ب	b
«پرچم» parčam ؛ «پارچ» parč	چ	č
«مداد» medad	د	d
«اجلاس» ejlās ؛ «نگاه» negāh	ا، پ	e
«فراز» farāz ؛ «صفا» safā	ف	f
«گرگ» gorg	گ	g
«حساب» hesāb ؛ «هادی» hādi	ح، ه	h
«ایما» imā ؛ «سیب» sib ؛ «بری» bari	ای، بی، هی	i
«عید» id		
«جمال» jamāl	ج	j
«کامل» kāmel	ک	k
«لبو» labu	ل	l
«مادر» mādar	م	m
«نان» nān	ن	n

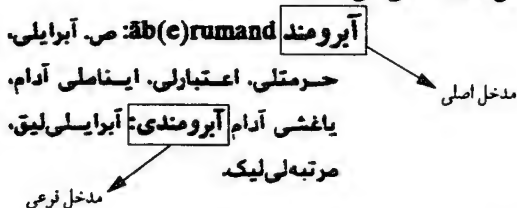
نمونه	برابر خطی	نشانه آوایی
o'bur «عبور» obbohat «آب‌هت»	ا، اُ	o
mow «مو» owbāš «اوباش»	اُو، مَو	ow
parvin «پروین»	پ	p
bāg «باغ» meqdār «مقدار»	غ، ق	q
rāh «راه»	ر	r
samar «ثمر» sāye «سایه» «صبور» sabur	ث، س، ص	s
šām «شام»	ش	š
tabib «طبيب» tāvan «تاوان»	ت، ط	t
ulā «اولی»	او	u
mavāred «موارد» vāli «والی»	و	v
xādem «خادم»	خ	x
sayyās «سیاس» yābes «یابس»	ی	y
reza «رضا» roz «روز» zalil «ذلیل»	ذ، ز، ض، ظ	z
zohr «ظهر»		
aždar «اژدر»	ژ	ž
mavvāj «مواج»	تشدید	تکرار نشانه
mard-afkan «مردافکن»	تفکیک عناصر	
	سازنده واژه	

مزایای فرهنگ قاضی

فرهنگ قاضی نخستین فرهنگ فارسی به ترکمنی است که با رعایت اصول فرهنگ‌های دو زبانه و روش‌های معمول، تألیف یافته است. تجربیات پنجاه ساله فرهنگی و زمینه‌های کاری فراوان مؤلف که تماماً در ارتباط با کتاب‌ها و واژگان ترکمنی بوده است، بر ارزش این کتاب می‌افزاید. استاد قاضی اولین کار خود را در زمینه فرهنگ‌نویسی با آماده‌سازی فرهنگ تک زبانه ترکمنی به ترکمنی (سۆزلوک، ۱۳۶۴) آغاز کرد و با احساس کمبود فرهنگ دوزبانه فارسی به ترکمنی به تألیف این فرهنگ غنی همت گماشت. گرچه پیش‌تر از او کار شادروان استاد نورمحمد متقی به چاپ رسید، ولی وی با اعتقاد به ارائه کتابی کامل‌تر و کم‌نقص‌تر از کوشش باز نایستاد و حاصل زحماتش، فرهنگ حاضر است که پیش روی خود دارید.

اینجانب به حکم وظیفه و همکاری نزدیک با مؤلف، نکاتی را در رابطه با مزایای این کتاب یادآوری می‌کنم:

۱. هر واژه فارسی به صورت مدخلی مستقل، با حروف درشت‌تر و اندکی به طرف حاشیه صفحه آورده شده است. مدخل‌های فرعی، ریزتر از مدخل‌های اصلی می‌باشند:



۲. پس از هر مدخل، تلفظ واژه، آوانویسی شده است. در انتخاب حروف آوایی از نشانه‌های آوایی بین المللی پیروی شده است (← نشانه‌های آوایی و

برابره‌های خطی آن). در تلفظ هر واژه، در درجهٔ اول صورت آوایی متداول ارائه شده است و اگر تلفظ دیگری از آن وجود داشته باشد، تفاوت در داخل پرانتز آورده شده است:

آب زیرگاه **āb-e-zir(e)kāh**: امر. ۱.

تلفظ واژه

سامان آشغیندا گیزلین قالان سو ۲.

که یکی یوزلی یالچی آدام: یوزونکه

ساده الجکه اما ایزینگدان

بیقیلسانگ دپانگه دپجک آدام.

برای تفکیک عناصر سازندهٔ یک واژه از خط تیره (-) بهره گرفته شده است.

۳. در مقابل هر واژهٔ مدخل، مقولهٔ دستوری واژه با علائم اختصاری ذکر شده است. (← فهرست علائم اختصاری).

آبدان **ābadān**: صی. آبدان سوزونینگ

مقوله دستوری

ینگیلدیپ آیدیلماغی، آباد.

۴. در مقابل واژه‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده‌اند، نام منبع زبانی با استفاده از علائم اختصاری ذکر شده است. در مورد واژه‌های متداول عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و غیره، املاي فارسی و تلفظ آن داده شده است.

آبدۀ **ābedeh**: ا[ع] (آبدۀ) ۱. اوّلی

زبان منبع

امر. قاتی یاددا قالان بلا. غریب

سوژی. غریب زات ۲. وحشی جانوار.

اوابد جمعی.

۵. پس از هر مدخل، اگر واژه املاي دیگری نیز داشته باشد، آورده

شده است:

آبرو āb(e)ru: ا.مر. (= آبروی) اعتبار.

گونه دیگر املا → آبرای، شأن، اینام، خُرمَت، سیلاغ،
مقام، مرتبه، قدر، اُزُرُون.

۶. پس از هر مدخل اگر واژه مدخل مترادفی در زبان فارسی داشته باشد،
آن نیز آورده شده است:

آب زندگی āb-e-zendegi: ا.مر. (=)

آب زندگانی، آب حیات) دیرلیک → مترادف فارسی
سُوی، یاشایش سُوی، آب حیات.

۷. معنای هر واژه مدخل با حروف ریزتر پس از هر مدخل آورده شده
است. در مواردی که مدخلی بیش از یک معنی داشته باشد، با اعداد فارسی از
همدیگر جدا شده اند:

آبدیده ābdide: صی. ۱. پارچه و ش. م

زاتلرینگ سُو گیرپ نم چکمه گسی
۲. کُوپ دُوووشی باشدان گچیرن،
کُوی گُون آدم. → مقوله فرعی معنایی

۸. در معنای هر واژه مدخل، سعی شده است، معنای آن با استفاده از
دقیق ترین واژه ترکمنی آورده شود. در مواردی که مدخلی احتیاج به توضیح
ترکمنی داشته، داخل پرانتز توضیح داده شده است.

آبدزدک ābdozdak: ا.مر. (= خاکی

سنبه، زمین سنبه) ماوین

(چیکیرتگه لر تَویاریننان بُولان
مُوجه جیک؛ اول یری قازپ گُوی
اُونوم لرینگ کُکونه نقصان یتیریان).

توضیحات ترکمنی

۹. در هر صفحه، نخستین واژه مدخل در بالا سمت راست صفحه و آخرین واژه مدخل در بالا سمت چپ صفحه آورده شده است:

آخرین واژه مدخل در صفحه

اولین واژه مدخل در صفحه

آبال

۵

آبراکد

آبراکد āb-e-rāked: امر. یاتا سوو، آبرایینی ایسته یان، آبرایینی ساقلایان
 آقمایان سوو، آدم، آبرایینی برک ساقلایان
 آبراه ābrāhe: امر. سوو یولی، سیل آبرودار āb(e)rudār: ص.فا. آبرایلی،
 یولی، آقار، حرمتلی، اعتبارلی.

بغیر از مزایای فوق که مطابق با روش‌های معمول فرهنگ‌نویسی است، فرهنگ قاضی سرشار از واژه‌های اصیل ترکمنی می‌باشد که در معانی واژه‌های مدخل آورده شده است. یکی از وظایف مؤلفین فرهنگ‌های یک‌زبانه و چندزبانه اینست که واژه‌های فراموش شده را ثبت کنند و آن را به جامعه برسانند. البته در این فرهنگ، برخی از واژه‌ها جزو واژگان فراموش شده به حساب نمی‌آیند، بلکه مربوط به لهجه‌های مختلف طوایف ترکمن هستند. به عنوان مثال در واژه «آبجی» (= خواهر)، از تمامی معانی مورد استفاده آن در طوایف مختلف، بهره گرفته شده است:

آبجی ābjī: ۱. [ت] (= خواهر) عایال دوغان، سینگلی، اویا، قیزا، قیز دوغان.

عایال دوغان، قیز دوغان (خواهر): در لهجه ترکمن صحرای ایران، بالاخص شمال ایران.

اویا (خواهر): لهجه ادبی ترکمنی.

سینگلی (خواهر): ترکی قدیم (در دیوان لغات الترك کاشغری «سینگیل»).

قیزا (خواهر): در لهجه گوکلنگ.

مؤلف در برخی موارد برای ثبت واژه‌های ترکمنی از عرف معمول نیز فراتر رفته است:

گوسفند دو ساله gusfand-e-do-sāle: ایششک.

گوسفند نرکوهی gusfand-e-nar-e-kuhi: آرغالی.

گوشت خالص gušt-e-xāles: چیلقا.

استاد قاضی با یک عمر تجربه در عرصه فرهنگ و ادب ترکمنی، اینک با تألیف این واژه‌نامه اثری دیگر از خود به یادگار می‌گذارد. این واژه‌نامه، یکی از آثار باارزشی است که برای استفاده عموم تألیف یافته است. از این واژه‌نامه، محققین، نویسندگان، مترجمین و دیگر علاقمندانی که در جستجوی معادل‌های ترکمنی واژگان فارسی هستند، می‌توانند استفاده کنند.

محمود عطاگزلی



بسم الله الرحمن الرحيم

در پرتو نگرش معنوی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگران ترکمن توجه شایانی به گذشته پربار و پر فضیلت خود دارند.

این حرکت فرهنگی مقدس است و با الهام از آرمان‌های والای انقلاب می‌رود. تا بستر تدریس زبان و ادبیات ترکمنی در دانشگاه‌ها را مهیا سازد.

هدف اولیه از این واژه‌نامه، آموزش واژگان فارسی و ترکمنی به علاقمندان است. مراد از اقوام و ملل با یکدیگر تأثیر و تأثر زبانی را در پی دارد.

قوم ترکمن نیز در مراحل مختلف تاریخی خود از این قاعده مستثنی نبوده است. در آثار نویسندگان و شعرای ترکمن تأثیر زبانهای عربی و فارسی را مشاهده می‌کنیم.

تدوین این واژه‌نامه می‌تواند قدمی کوچک در جهت تسهیل استفاده از این آثار باشد. از طرف دیگر امیدواریم که این واژه‌نامه کمکی هر چند ناچیز به مترجمان متون اصیل فارسی به ترکمنی و بالعکس باشد.

فرهنگ قاضی حاصل حدود بیست سال کار پژوهشی است.

آقای حاج مراد دردی قاضی که از عاکفان روضه جمال و طائفان کعبه جلال حضرت مختوم‌قلی فراغی است، به سابقه ارادت که بدان عنق‌ای قاف معرفت و علاقه‌ای که به زبان و ادبیات ترکمنی دارد و به برکت همتی که بدرقه راهش شده است، دست به تدوین فرهنگ لغت فارسی - ترکمنی گشوده است.

زبان ترکمنی دارای چند هزار سال پیشینه درخشان تاریخی است. برخی از زبان‌شناسان آنرا به هفت دوره و بعضی به پنج دوره زبانی تقسیم می‌کنند.

پروفسور زینالی پیشینه تاریخی این درخت کهنسال را به پنج دوره به شرح زیر تقسیم می‌کند:

I. «دوران ماوراء تاریخ و آلتای» که برای آن چهار دوره‌ی:

(۱) ماوراء تاریخ، (۲) دوره‌ی پیدایی السنه التصاقی (۳) دوره‌ی آلتای،

(۴) دوره‌ی ترکی مادر را قائل است.

II. «دوران هون» جدا شده از «ترکی مادر» شامل دو دوره‌ی:

(۱) «هون خاوری» و (۲) «هون باختری»

III. «دوران ترکی باستان» شامل دوره‌های کهن قرغیز، اویغور، قارلوق، قپچاق،

خزر، بلغار

IV. دوران «ترکی میانه» شامل دوره‌های کلاسیک قرغیزی، آلتای جنوبی، یاقوتی، تواتی، قاراقیش، قارلوق، خوارزمی، اوغوزی، سلجوقی، اوغوزی بلغاری و ...
 V. دوران «ترکی معاصر» که از سده‌های پانزدهم میلادی آغاز می‌شود و دوره‌های تکاملی همه‌ی زبانهای تکی موجود در دنیا را دربرمی‌گیرد.

(نگاه، دکتر محمدزاده صدیق، یادمان‌های ترکی باستان، صفحه ۲۵).

زبان‌شناسان زبانها را از نقطه نظر ساختار به چهار دسته تقسیم می‌کنند:
 زبانهای قالبی، زبانهای تحلیلی، زبانهای هجایی و زبانهای التصاقی (پیوندی).
 زبان ترکی جزو زبانهای التصاقی و از خانواده زبانهای اورال - آلتای است.
 نخستین تقسیم‌بندی زبانهای اورال - آلتای در نیمه اول قرن هیجدهم یعنی به سال 1730 توسط Ph.j.von Strahlenberg سوئدی انجام می‌گیرد.

در این زمینه همچنین می‌توان از تحقیقات N.Schott (1849) و M.A.Castren (1813-1852) نام برد.

Castren را بنیانگذار فیلوژی اورال - آلتای به حساب می‌آورند.

زبانهای این خانواده همینطور تحت نام زبانهای «اسکیتیک» (Leibniz-1910)، زبانهای «فلات آسیای میانه» (J.CH.Adelung-1806)، زبانهای «فین - تاتار» (W.Schott- 1849)، زبانهای «تورانی» (F.Max Müller-1854) و گاهی نیز «اوگرو - آلتای» مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. در سایه تحقیقات و بررسی‌های رو به رشد یک صد ساله زبان و ادبیات، فولکلور و ابزار فرهنگی گوناگون مردم ترک، تونگوز، مغول (همینطور ژاپن و کره)، یکی از شاخه‌های علم و دانش یعنی Altayistik پا به عرصه حیات می‌گذارد. زبان‌شناسی تطبیقی آلتایی با G.J.Ramstedt شروع می‌شود. Ramstedt در این زمینه کتاب و مقالات متعددی تألیف و منتشر می‌کند. بر اساس دیدگاه این دانشمند، زبانهای آلتایی ریشه واحدی دارند. بعد از وفات Ramstedt، شاگردان و طرفدارانش از جمله P.Aalto و N.Poppe تحقیقات در زمینه زبانهای اورال و آلتایی را ادامه می‌دهند. بعضی از زبان‌شناسان علاوه بر زبانهای زنده ترکی (ترکمنی، ترکی آذری و ...)، مغولی، منچوری، تونگوزی، فنلاندی و مجاری، زبانهای «ژاپنی و کره‌ای» را نیز جزو خانواده زبانهای اورال - آلتای به حساب می‌آورند.

از میان دانشمندانی که سعی در وسیع‌تر کردن دایره خانواده زبانی اورال - آلتای داشته‌اند می‌توان از H.Winkler و F.Max müller و ... نام برد.
 H.Winkler سعی داشت زبانهای آسیای مقدم مانند سومری و ایلامی را نیز در خانواده زبانهای اورال - آلتای داخل نماید. با در نظر گرفتن تقسیمات Schott, Castren, Ramstedt, Poppe و ... می‌توان زبانهای زنده ترکی (ترکمنی، ترکی

آذری و ...) و مغولی، منچوری، تونگقوزی، مجاری، فنلاندی، کره‌ای و ... و از زبانهای قدیمی سومری، ایلامی، هیتی، اورارتویی، مانتایی، هوری، کاسی و ... را از جمله زبانهای التصاقی به شمار آورد.

(نگا، محمد رحمانی‌فر، نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترکهای ایران، ۱۳۷۹، صفحه ۲۵) همان طور که می‌دانیم، قومی که در بین‌النهرین دارای تمدن درخشان بودند و خط را اختراع کردند، سومرها بودند.

زبان سومری از خانواده زبانهای سامی و زبانهای هند و اروپایی، نبوده بلکه مانند زبانهای اورال - آلتایی زبانی التصاقی است.

زبان سومری با زبانهای ترکی و مجاری و با بعضی از زبانهای قفقازی شباهتهایی در موضوع ساختار دارد. (به نقل از دایرة المصارف اسلام، جلد ۳۰، صفحه ۱۲۷).

زبان سومری از نقطه نظر تشکیل جمله نیز به ترکی نزدیک است. (همانجا). سومرها حدود سال ۳۲۰۰ قبل از میلاد به مزوپوتامیای جنوبی (بین‌النهرین جنوبی) کوچ کرده‌اند. (همانجا، صفحه ۱۹).

بعضی از اندیشمندان معتقدند که سومرها از شرق به احتمال زیاد از آسیای میانه به مزوپوتامیا (بین‌النهرین) کوچ کرده‌اند (Y. Gagalayan, 1976, صفحه 45-46).

F. Hommel سومرها را با ترکان آسیای مرکزی خویشاوند می‌داند و علاوه بر آوردن دویست کلمه مشترک بین زبان سومری و ترکی، به وجوه اشتراک در میتولوژی و جغرافیای حیوانی و ...، به عنوان دلایلی در اثبات مدعای خود استناد می‌جوید (F. Hommael, صفحه 22-24).

(Y. Gagalayan 1976 صفحه 45-46) با استناد به نتایج حفريات تمدن آنو و تمدن آسیای مقدم یعنی سومر (ایلام - سوس)، به ارتباط سومر با آسیای میانه معتقد است. باید اشاره کنیم که تمدن آنو در نزدیکی آشفاغات پایتخت ترکمنستان واقع شده است و قدمت آن تا به سالهای ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ قبل از میلاد می‌رسد. زبان ترکی یکی از شاخه‌های رشد یافته خانواده زبانی آلتایی است.

زبان ترکی که دارای گذشته و تاریخ است، محدوده جغرافیایی وسیعی را در برمی‌گیرد. در زمینه زبان ترکی (از نیمه اول قرن نوزدهم) تا کنون تحقیقات متعددی انجام یافته است و کتابها و مقالات گوناگونی توسط دانشمندان و زبان‌شناسان کشورهای مختلف از جمله پیرامون تقسیم‌بندی آن به رشته تحریر در آمده است. ما در این قسمت به یکی از آخرین تقسیم‌بندی‌ها، براساس تقسیم‌بندی Räsänen و ... نظری کوتاه می‌افزایم. در این تقسیم‌بندی، این زبان به

۶ گروه (۱) چوواسی، (۲) یاقوتی، (۳) گروه شمال شرقی (شمالی)، (۴) گروه شمال غربی (غربی) (۵) گروه جنوب شرقی (شرقی) (۶) گروه جنوب غربی (جنوبی) = اوغوز) تقسیم شده است.

ترکمنی به گروه ششم یعنی گروه جنوب غربی (اوغوز) تعلق دارد. به این گروه «تاغلی» نیز گفته می‌شود.

گروه «اوغوز» خود به دو شاخه «اوغوز شرقی» و «اوغوز غربی» تقسیم می‌شود. شاخه غربی گروه اوغوز را «ترکی ترکیه» و «ترکی آذری» و شاخه شرقی آنرا «ترکمنی» و «ترکی خراسانی» تشکیل می‌دهند.

زبان ترکمنی از شاخه ترکی جنوب غربی (اوغوز) و طبق تقسیم‌بندی پروفیسور زینالی از تنه‌ی هون غربی است.

قدمت کتابت سنگ نبشته‌های ترکمنی باستان با در نظر گرفتن الواح سومری به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد. «در سال ۱۹۷۰ نیز مقبره‌ای در ۵۰ کیلومتری الما آتا در کنار ایسیق گول در کاوشهای زمینی کشف گردید. این مقبره متعلق به یک ولیعهد ترک بود که ۲۵۰۰ سال پیش فوت کرده و در آنجا دفن گردیده بود. از این مقبره ۴۸۰۰ قطعه طلا بدست آمد. این امر خبر از وجود فرهنگی غنی، تمدن پایدار، آداب و مراسم تثبیت شده می‌داد و مراسم دفن مردگان را در آن دوران مطرح می‌ساخت. شگفت‌انگیزتر از اینهمه طلا و جواهرات دو سطر نوشته‌ای بود که روی یک سینی نقره حکاکی شده بود و باز خیره کننده‌تر اینکه این خط رونیک بود یعنی با قلم فولادین روی سینی نقره‌ای نوشته شده بود. دانشمندان جهت خواندن آن به تقلا افتادند و طولی نکشید که تمامی خط دقیقاً خوانده شد و مفهوم آن به زبان امروزی چنین بود:

«خان اوغلی بیگرمی اوچ یاشیندا اولدی - ایسیق خالقی نینگ باشی ساغ بولسون».

دانشمندان با کمک لیزر و آنالیز رادیو کربنیک قدمت آنرا تعیین کردند و اعلام گردید که این خط ۲۵۰۰ سال قدمت دارد. این الفبا از هیچ الفبای دیگر مشتق نشده است. گوگ تورک‌ها در سده ششم الی هشتم و ترکان ۱۲۰۰-۱۳۰۰ سال پیش از آن از الفبای یکسانی استفاده کرده‌اند. لذا این الفباء، الفبای ملی ترکان محسوب می‌گردد. این خط از قرن پنج پیش از میلاد تا قرن هشتم میلادی رایج بوده است. بعد از ظهور اسلام و گرویدن انبوه عظیمی از جمعیت ترکان به اسلام که با ابراز رشادتها و جانبازی‌های فراوان همراه بوده است، ترکان الفبای عربی را می‌پذیرند. الفبای عربی خط اکثریت ترکان جهان را تشکیل داده است و گنجینه هزار ساله زبان و فرهنگ ترکی در سراسر جهان به الفبای عربی بوده است. در

جمهوری‌های شوروی سابق نیز در اوایل قرن بیستم الفبای عربی و سپس الفبای لاتین و بالاخره الفبای کریل جایگزین الفبای لاتین می‌شود. ترکیه نیز الفبای خود را به لاتین تغییر می‌دهد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییر دوباره الفبا مطرح گردید و برخی از جمهوری‌ها تغییر الفبای کریل به لاتین را تصویب کردند.

مسلم است الفبای عربی با توجه به هزار سال ریشه در ادبیات و فرهنگمان و پیوند این زبان با دین مبین اسلام، حفظ آن ضروری می‌نماید، اما این الفبا قادر به رفع نیازهای زبان ترکی نیست و ایجاد تغییراتی در آن بلاشرط است. زیرا برای آموزش و از بین بردن بیسوادی سادگی الفبا مطرح است. مسلم است که مدت زیادی نیاز است تا این الفبا کاملاً جا بیفتد ولی یقین است که بیش از یک دهه به طول نخواهد انجامید». (نگا، م. کریمی، زبان ترکی در بوته زبان‌شناسی تطبیقی. صفحه ۶۲-۶۱).

تهیه و تنظیم الفبایی ساده و همگون به همراه قواعد درست نویسی یکسان و فراگیر اولویتی غیر قابل کتمان است و به تأخیر افکندن آن منطقی و معقول به نظر نمی‌رسد. البته در جای خود باید اشاره کنیم که در این امر مهم نزدیکتر شدن «زبان گفتار» و «زبان نوشتار» را نباید از نظر دور داشت.

امید است که در آینده‌ای نزدیک مراجع ذی‌صلاح و چهره‌های علاقمند فرهنگی به این مشکل رسیدگی و در جهت رفع فقدان الفبایی یکسان با قواعد درست نویسی همگون و فراگیر اقدام نمایند.

به دلیل فقدان فوق ممکن است که کاستیها و نارساییهایی در ویرایش این واژه‌نامه به چشم بخورد. لذا از مصلحان پژوهشگر استدعا داریم در این مورد به ما تذکر دهند تا در صورت تجدید چاپ اصلاح لازم به عمل آید.

احسان چنان مصلحی فیض رسان موجب قدردانی خواهد بود.

در خاتمه خداوند تبارک و تعالی را سپاسگزاریم که ما را از عالم غیب به عرصه شهود آورد تا از نعمت‌های بیشمارش بهره‌ور شویم. گوهر درخشان خود عطا کرد تا در تاریکیهای زندگی راه را از بیراه باز شناسیم. استعداد خط و کتابت در نهاد ما گذارد تا حلقه‌های تمدن را به یکدیگر پیوند دهیم و ثمره کوشش و تلاشهای خود را به آیندگان انتقال دهیم.

من الله التوفیق و علیه التکلان
ملا عاشور قاضی
بهار ۸۱



- آ ā: اۆستوندە مە قویولان الپ،
مەلى الف، الف، «ا-آ».
- آب āb: [ع] آتالار، بابالار، آتا-بابالار،
جمع اب.
- آب آتاشگون āb-e-ātašgun: ۱. مەر.
۱. اۇدا منگەش سۇو ۲. (كنا). قىرمز
رنگلى شراب.
- آب آشاميدنى āb-e-āšāmidani: ۱. مەر.
ايچىليان سۇو.
- آب آلو āb-e-ālu: ۱. مەر. الۋىنگ
سۇوى.
- آب آلودە āb-e-ālude: ۱. مەر. ھاپا
سۇو، بۇلانچاق سۇو.
- آب آورد āword _ ābāward: ۱. مەر.
ص. مە (= آب آورده) سيلينگ گتيرن
زادى، داشغين بيله گلن زات.
- آباد ābād: ۱. مەر. ۱. صفالى، اۆتلى-
سۇولى، يۇرگونلى ياشاليان ير ۲.
اۋبا- شەر آدى نيتىگ ايزينا
قوشولپ-دا گليار: «حسن آباد».
- آئەس ā'es: ۱. ص. فا. [ع] (= آيس)
اميدسىز، ارمانسىز طماسىز.
- آئەسە ā'ese: ۱. ص. فا. [ع] (= آيسە) اللى
ياشنان گچن عيال، ييلدا حيض
بۇلمادىق (گوريم گورمە دىك) عيال،
نمازى، آى باشى گۇرونمە يان.
- آئورت ā'ort: ۱. [فر] (= آورتا، ام
الشرائين) اۇلى قىرمز دامار، ايچدە
قلىپىنگ چپ طرفىندا يرلشيار، اول
آونىق دامارلارنىگ اوستى بيلن قانى
اندامىنگ بوتىن يرينە يتىريار.
- آب āb: ۱. سۇو.
- آب āb: ۱. ۱. آب-راى، شەرف ۲.
يالدىراۋىقلىق، ياغتلىق بىرجىلىك،
يالقىملىق، پارلاقلىق، ۳. يۇرگون،
رواج، طار، يۇل-يۇردا.



«حسین آباد».

آباد ābād: [ع] همیشه، باقی،

میدامالیق، ایمیقلى، آباد، جمع ابد.

آبادان ābādān: ص. آباد، یربهر،

صفالی، اوتلى سؤولى یاشالیان یر،

ویرانینگ ترسی. آبادانی: آبادلیق،

آبادانلیق.

آبادانی ābādāni: ص. ن. خوزستان

ولایتی نینگ آبادان شهرینه دگیشلى

بۇلان آدام، آبادانلى.

آبادبوم ābād-bum: ا.مر. آباد یر، آباد

یورت.

آبادجای ābād-jay: ا.مر. آباد یر، آباد

جای، اوتلى- سؤولى آباد یر.

آبادگر ābādgār: ص.فا. آباد ادیجى،

ایشى آبادلیق بیلن بۇلان.

آبادى ābādi: ا. اۇبا، کنت، آباد و اوتلى

-سؤولى یر.

آبار ābār: ا. (= سرب، توتیا) قۇرشۇن،

یانان قۇرشۇن.

آبار ābār: [ع] قۇيىلار، جمع بئر.

آبال ābāl: [ع] دویهلر، جمع ابل.

آبان ābān: ا. (= آبانماه) شمسى

ییلینگ سکیزینجى آیى نینگ آدى،

گويز فصلی نینگ اکینجی آیى.

آبانبار ābanbār: ا.مر. لاری، سؤو

آممارى (انبارى)، سؤوساقلانیان جای.

آب انداختن āb andaxtan: مص.م.

۱. یر یوزونه سؤو آقدیرماق ۲.

سیمک، پشو اتمک.

آبانگور āb(e)angur: ا.مر. ۱.

اوزوم سؤوی ۲. عرق، شراب.

آب باز āb-bāz: ا.ص. یوزوجى، غواص.

آب بازى: یوزوجى لیک، غواص لیک.

آب بسته āb-e-baste: ص.مر. ۱. (=

آب فسرده، آب خفته) بۇز، قار،

جووه نك ۲. (= شیشه، آبگینه)

سويشه.

آب بقا āb-e-baqā: ا.مر. [فاع] آب

حیات، دیریلیک سؤوی، یاشاییش

سؤوی.

آب بند āb-band: ا.ص. بۇز دۇنگدۇرما

ایشینده بۇلان: آب بندى: ۱. یرلشمه،

جایینا دوشمه (دینگه موتورا

خاصلانیار) ۲. بۇز دۇنگدۇرما؛ قاتیق

-پنیر اۇیدۇرما؛ قاپ-قاشینگ

یاریفینی تۇتدۇرما.

آب بها āb-bahā: ا.مر. سؤو پولی،

سؤو بهاسى، سؤو حقدا بریلیان پول.

آب بینی āb-e-bini: ا.مر. (= خل،

خیل) بۇرۇن سؤوی، مانگقا.

آپاش ābpāš: ا.مر. سؤو سپگیچ، سؤو

- سېڭىسى، سۇوپور كگوچ، سۇوچۇدوريم. **آبجى** ābji: ۱. [ت] (= خواهر) عايال
 دۇغان، سىنگلى، اۇيا، قىزا، قىز
 دۇغان.
- آب پز** ābpaz: ص. مر. سۇوا قايناتما،
 سۇو بىلن قاينادىلىپ بىشىرىلن
 نارسە - ايىمىت.
- آب پشت** āb-e-pošt: ۱. مر. دۇل،
 منى، ار كىلىك ارگانىندان گلىان
 سۇو.
- آب تابه** ābtābe: (= آفتابه) كوندوك.
آب تاختن āb tāxtan: م. ص. ل.
 سىمىك، پشو اتمك.
- آب تره** āb-tare: ۱. (= بولاغ اوتى،
 شامى آبي، غلف چشمه) بۇلاق اوتى،
 تره (چۆلدە بيتيان اوت).
- آب تلخ** āb-e-tax: ۱. مر. (كنا.) شراب،
 چاقير.
- آبتنى** ābtani: ۱. م. ص. سۇوا دوشمه،
 ساويق سۇوا اندامى يۇوما، سۇوا
 يۇوۇنما، سۇوا چوممه.
- آب جارى** āb-e-jāri: ۱. مر. آقار سۇو،
 آقىپ دۇران سۇو.
- آبجو** ābjō: ۱. مر. آريا سۇوى، پيو.
- آب جوش** āb(e)juš: ۱. مر. قاينان
 سۇو.
- آب جهيدن** āb jahidan: سۇو
 زۇغدۇرىلماق، سۇو زىنگىلماق، سۇو
 چۇودوريم.
- آب چك** ābček: ۱. مر. ياغيش -
 ياغين دامجالاما، ياغين گچيرمه.
- آب حيات** āb-e-hayāt: ۱. مر. [فاع]
 ۱. (آب حيوان، آب بقا) ديرىلىك
 سۇوى، ياشايىش سۇوى (ظلماتدا
 بىر چشمه نىنگ آدى، آيدىلشينا گۇرا
 خضر پىغمبر شول سۇودان ايچىپ
 ديرى قاليار) ۲. (كنا.) يارىنگ
 دۇداغى.
- آبخانه** āb-hāne: ۱. مر. مستراح،
 حاجت خانه.
- آب خضر** āb-e-xezr: ۱. مر. [فاع]
 (= آب حيات) ديرى لىك سۇوى.
- آبخور** ābxor: ۱. مر. ۱. بهره، نصيب،
 پاى، ايرىسغال ۲. چشمه باشى، سۇو
 آلىنيان ير.
- آبخورى** ābxori: ۱. مر. ۱. سۇو
 ايچىليان قاپ، چلك مارداق،
 كوروشكه، جونگول ۲. آطينگ اۇيانى.
- آبخوست** ābxost: ۱. (= جزيره) آدا؛
 ايزغارلى پورسى لاي آدا.
- آبخيز** ābxiz: ص. كۆپ سۇولى ير،
 سۇو چىقايان ير، سۇولوق ير.

سۇوۇنگ جۇشيان یرى.

آبخیز ābxiz: ۱. مر. تۇلقۇن، سۇو داشغینی.

آب دادن āb dādan: مص. م. سۇو برمک (آداما، حیوانا و اکرانچیلیغا).
آب داده āb dāde: ۱. ص. سۇو بریلن قاما- قیلیچ.

آبدار ābdār: ص. ۱. سۇولی، سۇولی بۇلان ترجمه - تازه ۲. یۇرگونلی، شاولی، بادلی، صفالی، یالديراویق، صاف ۳. جوهرلی.

آبدارخانه ābdārxāne: ۱. مر. عمومی یاشاییش جایلاردا چای و قهوه تاییارلانیاں یۇرتیه یر: آبدار- آبداریاشی: قهوه و شربت برمک ایشینده بۇلان آدام، چایچی، چایخانهچی.

آبدان ābdān: ۱. لاری، حوض، سۇو ییغنانیاں یر.

آبدان ābdān: ۱. مر. (= آبدانک) انسانینک - حیوانینک سیدیکلیگی، قاسیق.

آبدان ābadān: ص. آبدان سۇزونینگ ینگیلدیپ آیدیلماغی، آباد.

آبدزدک ābdozdak: ۱. مر. (= خاک سنبه، زمین سنبه) ماوین

(چیکیرتگه لر تۇپاریندان بۇلان مۇجهجیک؛ اول یرى قازیپ گۆک اۇنوم لرینگ کۆکونه نقصان یتیریار).

آبدست ābdast: ۱. مر. ۱. ال-یوز یۇویلیان سۇو ۲. (= وضو) طهارت قیلما.

آبدست ābdast: ص. چالت، چاققان، چپر، ایشینه چپر و اۇستاد بۇلان.
آبدوغ ābdūq: ۱. مر. (= دوغ) چال، سوو چال آیران.

آبده ābedeh: ۱. [ع] (= آبدۀ) ۱. اۇلی امر، قاتی یاددا قالان بلا، غریب سۇزی، غریب زات ۲. وحشی جانوار، اوابد جمعی.

آبده ābdeh: ص. فا. سۇو بریجی، یر آستینداقی کاریزینگ دشیکیندن سۇو داشینا چیقپ قناتا قۇیاں یرى.

آبدهان ābdahān: ۱. مر. اغیز سۇوی، تویکوریک.

آبدیده āb-e-dide: ۱. مر. یاش، گۆزیاش.

آبدیده ābdide: ص. ۱. پارچه و ش. م زاتلارینگ سۇو گیرپ نم چکمه گی ۲. کۆپ دۇووشی باشدان گچیرن، کۆی گۆرن آدام.



سنبه

- آب راکد āb-e-rāked: ۱. مر. یاتا سؤو، آقمايان سؤو.
- آبراهه ābrāhe: ۱. مر. سؤو يۇلى، سيل يۇلى، آقار.
- آبرخ āb-e-rox: ۱. مر. آبرای، شرف، اينام، قدر-قيمت.
- آبرز āb-e-raz: ۱. مر. ۱. آغاجينگ كسيلن شاخاسيندن داميان سؤو ۲. باده، شراب، چاقير.
- آبرزان āb-e-razān: ۱. مر. باده، اوزوم، شرابی، چاقير.
- آبرفت ābroft: ۱. مر. آقار سؤوونگ اته كينده سيريلىپ- سوروليپ قالان داش و ش. م زاتلار.
- آبرفتن āb-raftan: مص. ل. پارچه و اگين - اشيك لرينگ اؤل بؤلۇپ، سؤو گيريپ اينى- بؤيى كيچه ليپ سيقيلماغي، سؤو گيرمه گى.
- آبرنگ ābrang: ۱. مر. (= آب و رنگ) باق: آب و رنگ.
- آبرو ābrō: ۱. مر. (= آبراهه، كانال) سؤو آقار، سؤو يۇلى.
- آبرو āb(e)ru: ۱. مر. (= آبروى) اعتبار، آبرای، شأن، اينام، حرمت، سيلاغ، مقام، مرتبه، قدر، اورۇن.
- آبروخواه āb(e)ruxāh: ص. فا. آبراييني ايسته يان، آبراينى ساقلايان آدم، آبراينى برک ساقلايان.
- آبرودار āb(e)rudār: ص. فا. آبرايلى، حرمتلى، اعتبارلى.
- آبرومند āb(e)rumand: ص. آبرايلى، حرمتلى، اعتبارلى، ايناملى آدم، ياغشى آدم آبرومندى: آبرايلى ليق، مرتبه لي ليك.
- آبريز ābriz: ص. مر. ۱. سؤو دؤكوليان ير، سؤوونگ داغدان- آرنادان و دريالاردان دنكيژه قۇييان يري ۲. حاجتخانه نينگ قۇيى سى.
- آب زمزم āb-e-zamzam: ۱. مر. زمزم سؤوى (كعبه ده مسجد الحرامينگ ياقين يانينداقى قۇيى نينگ سؤوى).
- آب زندگى āb-e-zendegi: ۱. مر. (= آب زندگاني، آب حيات) ديرليك سؤوى، ياشاييش سؤوى، آب حيات.
- آبزي ābzi: ص. سؤودا ياشايان حيوان، دريا جانلى سى.
- آب زيرگاه āb-e-zir(e)kāh: ۱. مر. ۱. سامان آشاغيندا گيزلين قالان سؤ ۲. ك. ايكي يوزلى يالچى آدم؛ يوزونگه ساده الجك، اما ايزينگدان ييقيلسانگ دپانگه دچك آدم.
- آبسال ābsāl: ۱. مر. (= آبسالان) ۱. يان

ياغيشلى يىل، ياغىنلاق يىل ۲. باغ و بوستان، گلزارلىق، چمنزارلىق.

آب سبز āb-e-sabaz: ۱. مر. گۈزۈنگ بىر ھىل كىلى، گۈزۈنگ ايچى نىنگ ايزاسىنى كۆپلدىپ و تۈۋرگىنى قاتىدىپ و گوراجىنى آزالدىپ سۈنگ گۈز كۈرلىگىنە سبب بوليان كىل.

آب ستن ābestan: ۱. ص. گۈۋرەلى، ايکى قات، قارنى چاغالى (حيوان يا خاتىن).

آب ستنى ābestani: ۱. گۈۋرەلىلىك، حاملەلىق.

آب سفيد āb-e-sefid: ۱. ص. مر. (=آب مرواريد) آق سۇ، گۈزە سۇ اينمە كىلى، گۈزە قارا سۇ اينمە.

آب سنج ābsanj: ۱. ص. مر. سۇ ۋلچىك، يورىتە سۇۋىق زاتلارنىڭ آغرامىنى و ۋلچەگىنى ۋلچە يان قۇرال.

آب سە ābse: ۱. [فر.] دىشە يا اندامدا دۈرە يان چىركىلى چىش.

آب سياه āb e-siyāh: ۱. مر. قارا سۇ، گۈز كىلى (گۈزۈنگ كۈز بۇلماغىنا سبب بوليان كىل).

آب سياه āb-e-siyāh: ۱. مر. (= آب سياه) ۱. اوزوم شرابى، قارا اوزومدن آلىنيان شراب ۲. كۆپ

چونگۈر سوو.

آبشار ābšār: ۱. مر. ۱. شارلاويق، شاغلاويق، بارغا (بىيىكلىك دىن آشق قۇييان سۇ) ۲. وزش. والىبال اۋىنۇندا توپى تۈرۈنگ دپەسىندىن باش آشق اۋرما، آبشار.

آبشخوړ ābešxor: ۱. مر. ۱. آقار سۇ يا چشمەلرىنگ يا آرنانىنگ سۇ ۲. آلىنيان ۋلۇمى، يرى ۲. ياشاليان ير ۳. قسمت، نصيب.

آب شىدن ābešodan: ۱. مصل. ۱. قىزغى نىنگ ھاۋىرىنا ارىمىك ۲. (كنا.) ۋيالماق، ۋتانماق، ۋتانچلىقدان سۇ بۇلماق.

آب شش āb-šoš: ۱. مر. بالىقلارنىڭ سۇۋدا دم آلىش عضوى، بالىقلارنىڭ سۇۋدا دم آليان اساسى عضوى، برانشى.

آب شور āb-e-šur: ۱. مر. شور سۇ، آجى سۇ.

آب شىرىن āb-e-širin: ۱. مر. سۈيچى سۇ، شىرىن سۇ.

آبغوره āb-qure: ۱. مر. ۱. بيشمەدىك اوزومىنگ سۇۋى ۲. (كنا.) آغلاما، گۈزدىن ياش دۈكمە.

آب فشاندن āb-fešandan: سۇۋسپىمىك.

جۇشوپ چىقپان سۇو، اندام آغىرا
پيدالى بۇلان قىزغىن سۇو. ۲. قىزغىن
سۇو، ايسسى سۇو.

آب گرم کن **ābgarmkon**: ۱. مر. سۇو
قىزدىريان دستگاہ، قۇرال.

آبگند **ābgand**: ۱. مر. پۇرسى ياتا
سۇو، لای سۇو، آجان باتغاليق.

آبگوشت **āb(e)gušt**: ۱. مر. چۇريا،
ات، كىرتوپ، نخود و پومازور بىلن
تاييارلانيليان اييميت.

آبگون **ābgun**: ص. (= آبگونه) ۱.
ارگىن، سۇوا منگىزىش اريدىلن سۇووق
زات، سۇو يالى ۲. (مجا)، پارلاق،
يالقىملى.

آبگیر **ābgir**: ۱. مر. حوض، استخر،
اولى سۇو ياتاق، گۆل.

آبگینه **ābgine**: ۱. مر. سويشه، بلون
آينا ۲. شراب سويشهسى؛ گۆزگى.

آبگینه گر **ābginegir**: ۱. ص. سويشه
بحريان، آينا بحريان.

آب لمبو **āb-lambu**: ص. سۇولى
يۇمشان اييميش، ماخول دوروپ
يۇمشان ميوه، ميلقىلان ميوه، ال
بىلن سىقپى يۇمشادىلان اييميش.

آبله **āb(e)le**: ۱. ماما خاسسالىنى،
جاچك كسلى ۲. قابارچاق.

آبکی **ābak**: ۱. سىماب، جيوه.

آبکار **ābkār**: ۱. ص. ميراب، اۋىلره
سۇو پايلايچى، ساقى ۲. دمير
اۋرۇنا سۇو برمک ايشينده بۇلان
آدام.

آب کردن **āb-kardan**: مص. م. ۱.
اۋدۇنگ ھاويرينا اريتكم ۲. اۋتمه يان
زادى ھايبارلىق و زرنگلىك بىلن
ساتماق.

آبکش **ābkeš**: ص. فا. ۱. قۇيىدان يا
لاريدان و ش. م. يردن سۇو چكىان
آدام ۲. آش سوزگۈچ.

آبکشیدن **āb-kešidan**: مص. م. ۱.
قويى و لارى و ش. م. بدره يا شۇلار
يالى زات بىلن سۇو چكمك ۲. سۇو
اوغورلاماق.

آبكوپيل **ābkupil**: ۱. (= آبقُمبُل)
جويتون.

آبکی **ābaki**: ص. ن. سۇولانگ،
سۇووق، سۇولى، سۇوجۇق.

آبگردان **ābgardān**: ۱. مر. ميس
سۇوساق (اونونگ بىلن سۇولانگ
نهارى قاپدان آليپ ايلهكى قبا
قۇيماق اوچين اۋلانيليان).

آب گرم **āb-e-garm**: ۱. ۱. مر.
كوکورتلى مەدن سۇوى، يردن

آبله رو ru: ص. ماما كسليندن قالان

قۇتۇر يوز، ماما ديشان.

آبله فرنگى āb(e)le-farangi: ا.مر.

سيفليس كسليندن انداما اۇريان
ماما.

آبله كوب āb(e)le-kub: ا.ص. ماما

كسلينه ايگنه اوريان آدام.

آبله كوبي āb(e)le-kubi: ماما

كسلينه ايگنه اورماقلىق.

آبله گاوى āb(e)le-gāwi: ا.مر. ماما

خاسساليغيندان سيفيردا دۇره يان
كېسل.

آبله مرغان āb(e)le-morqān: ا.مر.

تاويغا ماما خاسساليغيندان گليان
كېسل.

آب ليمو āb(e)limu: ا.مر. ليمون

سۇوى.

آب مرواريد āb-morwārid: ا.مر.

گۆزه آق سۇو اينمه (گۆزونگ باطل
بۇلماغينا سبب بۇليان كېسل).

آب مژه āb(e)može: ا.مر. گۆزياش.

آب معدنى āb(e)ma'dani: ا.مر.

[فاع] معدن سۇوى.

آب مقطر āb(e)moqattar: ا.مر.

[فاع] قاينان سۇوونگ بۇغۇندان
عمله گليان سۇو (اول درمان اتمك و

درمان بجرمك ايشينه ايشلنيا).

آب منى āb-e-mani: ا.مر. دۇل، منى

سۇوى (ارككليك مازيندن چيقيان
مايع).

آبناك ābnāk: ص. سۇولى، چيغلى،

ايزغارلى، ايغاللى.

آب نبات āb-nabāt: ا.مر. پيسك

شيره سيندن عمله گليان چويچوك.

آب نقره āb(e)noqre: ا.مر. كوموش

سۇوى.

آب نما ābnama: ا.مر. اۋى دور يا باغدا

گۆرنوپ دوران حوض يا آقار سۇو ۲.
سالفين.

آبنوس ābnus: ا. [يو.] اين Eben

(هۇزا منگزش هندوستان دير حبشه

يالى يورتلاردا بيتيان بير هيلي
آغاچ).

آب نيسان āb-e-neysān: ا.مر. شكر

چينگريك.

آبو ābu: ا.ص. دايى.

آب ورز ābwarz: ص.فا. يوزوجى،

غواص، سۇودا يوزوجى.

آب ورنگ ābo-rang: ا.مر. (كنا يوز،

گۆزونگ يالديراپ دۇران گۆركى،

گۆركلىك، يالديراويق، پارلاق.

آب وگل ābo-gel: ا.مر. اۋى، تام،



نوس

میرابینگ ایمیقلى ایشی پیشه‌سی،
میرابچیلیق.

آب یخ āb-e-yax: ۱. مر. بۇزلى سۇو،
دۇنگ سوو.

آبی روشن ābi-e-rōšan: ۱. مر. آجیق
گۆک.

آپارات āpārāt: ۱. [رو.] صورت
چکیلیان و نمایش و ش. م. زادینگ
دستگاسی، قورالی.

آپارتمان āpārt(e)mān: ۱. [فر.]
عمارت، اولی عمارت‌دان بیر بۆلوم، بیر
ناچه اۇتاغ‌دان عبارت یعنی قات به
قات اولی جای.

آپاندیس āpāndis: ۱. [فر.] آرتیقماچ
کۆز ایچه‌گه، آدامینگ ساغ طرفیندا
یرلشیان کۆزایچه‌گه.

آپاندیسیت āpāndisit: ۱. [فر.]
کۆزایچه‌گانینگ قاتی آغیرلی بولوپ
چیشمه‌گی.

آتابای ātābāy: ۱. [ت] بای آتا، ۲.
تورکمنینگ بیر ایلی‌نینگ آدی،
آتابای یومۇدینگ چونی اولادیندان.

آتاش ātāš: [ت] آد داش، آدلاش.
آتریاد ātryād: ۱. [رو] بیر بۆلک سرباز.
آتش ātāš: ۱. اوت.

آتش افروختن ātāš afruxtān

جای. ۲. (کنا) چاغانگ اۇنوپ
اۇسوپ اۇلالماغی.

آبوند ābwand: ۱. مر. کویزه، سۇو قاپ.
آبونمان ābun(e)mān: ۱. [فر.]
روزنامه‌دیز مجله، تلفن، برق، سۇو،
گاز یالی نارسه‌دن همیشه‌لیک
آی به آی آیینیان پول.

آبونه ābune: ص. [فر.] روزنامه یا
مجله‌نینگ دایمی یعنی ایمیقلى
مشتری‌سی.

آب و هوا ābo-hawa: ۱. مر. [فا. ع]
هوانینگ دورموشی، یاغداپی.

آبه ābe: ۱. آنانینگ قارنیندان جنین
بيله چیقیان قوی مایع.

آبی ābi: ص. ن. ۱. سۇوا دگیشلی:
«اسب آبی / سۇو آتی»، «مار آبی /
سۇو بیلانی» ۲. آسمانینگ رنگینه
منگزش رنگ، گۆک: «پیراهن آبی /
گۆک کۆنیک» ۳. سولی یر،
سۇواریلیان یر: «زراعت آبی /
سۇواریلیان اکین».

آبیار ābyār: ۱. ص. باغ-باغچا و اهلی
اکرانچیلیغا، اؤی لره سۇو بریان آدام،
میراب، سۇوچی. آبیاری: سۇواریم،
سۇوارما، باغ-باغچا و اهلی
اکرانچیلیغا سۇو برمکلیک،

اۋدا چ ———— ۇقۇنماقلىق، اۋدا
سىغىنماقلىق.

آتشخانه ātaš-xāne: ا.مر. كوره،
اۋتلۇق، اۋجاق كوره.

آتش خو ātaš-xu: ص.مر.بدقىلىق،
قهرجانگ.

آتشدان ātaš-dān: ا. اۋجاق، اۋتلۇق،
كۈرە، اۋت قۇيۇلغان مانگال و ش. م.

آتش رنگ ātaš-rang: ص.مر.اۋدۇنك
رنگىندە بۇلان، قىزىل رنگ ۲. (كنا)
قرمز رنگە بۇلان شراب.

آتش روشن کردن rōshan kardan
ātāš: مص.م. اود ياقماق ۲. (كنا)
قتنە تۇرۇزماق.

آتش زا ātaš-za: ص.ف. ———. اۋت
دۈرەدىجى، اۋت اۋندورىجى.

آتش زبان ātaš-zā: ص.مر.دىلى آوى
بۇلان، آجى سۆزلى.

آتش زدن ātaš-zabān: مص.م. اۋت
برمك، بىر زادى اۋت برمك، ياقماق.

آتش زنه ātaš-zane: ا.مر. چاقماق،
اۋت ياقىلىغان مخصوص داش،
چاقماق داشى.

آتش سوزى ātaš-suzi: ا. مص. اود
آلما، يانما، اۋت ياقما، دوكان ياۋى و
ش. م. اۋت آلماقلىغى.

مص.م. ۱. اۋت ياقماق ۲. كنايە
سۈزۈندىن: شىر تۇرۇزماق،
بۇزغاچقىلىق اتمك، اۋرۇش
تۇرۇزماق.

آتش افروز ātaš-afroz: ا.ص. اۋت
ياقىجى ۲. كنايە سۈزۈندىن: قتنەچى،
بۇزغاچچى، اۋت اۋقلايجى.

آتش افروزي ātaš-afruzi: ا. مص. ۱.
اوت ياقماقلىق ۲. (كنا) اۋرۇش
تۇرۇزماقلىق، اۋدى اۋلچىرمكلىك، آرا
بۇزماقلىق، قتنەچىلىك.

آتشبار ātaš-bār: ا.ص. اۋت ياغيان
زات ۲. اۋردانىنىڭ، قوشونىنىڭ
توپخانه بۇلومى.

آتش بازى ātaš-bāzi: ا. مص. اۋت
اۋىنماقلىق، تۈزىدا، بايرامدا
شاغلانگدا، اۋدى دورلى رنگە ادېپ
آسمانا طرف گۇچورمك، آتماق.

آتش بس ātaš-bas: ا.مر. (نظا)
اۋرۇشى ياتيرما، آتېشىنى بس اتمە.

آتشپاره ātaš-pāre: ا.مر. ۱. بۆلك
اۋت ۲. (كنا) چاققان، زىنگ، آلىپ-
يۇلۇپ بارىان آدم، هرزە، پۇتۇر.

آتش پرست ātaš-parast: ا.ص. اۋدا
سىغىنىيان، اۋت پاراز.

آتش پرستى ātaš-parasti: ا. مص.



آتش فشان

- آتش فشان ātaš-fešān: ص. فا. داغ‌بینگ دپه‌سیندن، کوکورتلی چیقیان یانغین، کؤیلنج دریا قیراسیندان دۆره‌یار.
- آتش کردن ātaš kardan: مص. م. اوت یاقماق ۲. اوق آتماق ۳. اوجشدیرمک.
- آتش گرفتن ātaš gereftan: مص. ل. ۱. بیر زات دوشوپ اود آماق ۲. (کنا) قهرلانماق؛ توپ و تشراتمک، هایبات اۇرماق.
- آتش گون ātašgun: ص. اوت رنگلی؛ اودا منگزش، اوت رنگینه بۇلان آب آشگون؛ (کنا) قرمز شراب.
- آتش نشانندن ātaš nešāndan: مص. م. اوت سۇندورمک.
- آتش نشانی ātaš nešāni: ۱. شهرداری اداره‌سی‌نینگ یوریته اوت سۇندوریان بۇلومی، اودا قارشى گۆره‌شیان قۇراما.
- آتشی کردن ātaši kardan: مص. م. اوت یالی اتمک.
- آتشین ātašin: ص. ن. اوت یالی.
- آتی āti: ۱. فا [ع] گلجککی، گلجک زمان.
- آتیہ ātiye: ۱. فا [ع] مۇنث آتی، گلجک زمان، گلجک.
- آثار āsar: [ع] نشانه‌لار، ایزلار، بللیکلر، اثرلر، جمع اثر.
- آسام āsām: [ع] گناهلر، یازیقلا، جمع اثم.
- آسم āsem: ص. [ع] گناه‌کار، گناه‌لی، یازیق‌لی، جمع اثم.
- آجال ājāl: [ع] وقتلار، مهلتلر، جمع اجل.
- آجر ājor: بیشن کرییج، کورده بیشیریلن کرییج.
- آجر فرش ājorfaš: ۱. بیشن کرییچدن دوشه‌مک، دوشه‌لن یر.
- آجودان ājudān: ۱. [فر] یوقار درجه‌داکی یعنی اولی مرتبه‌ده بۇلان افسرلرینگ بویروغینی بر جای ادیان کیچیراک افسر.
- آجیل ājil: ۱. قاویریلان کادی و قاریز چیکیدی ۲. پیکیقدیر بادام و پسته یالی نارسه‌دن عبارت.
- آچار āčar: ۱. ص. سرکه لیمو سۇوۇنا یاتیرلان تۇرشى نارسه، تۇرشى طغاما گیرن ۲. چاشنی.
- آچار āčar: ۱. [ت] آچار، قۇلپ‌لاری آچیان قۇرال، آچنی، آچنیج.
- آحاد āhād: [ع] یالنگیز، تاک، بیر و یک، جمع احد.

- آخ āx: قينانچ سۆزى، آخ، واخ.
- آخال āxāl: ۱. ھاپا، چۆر- چۆپ،
 اتىرىندى، آشغال، دۆكوندى،
 قاليندى.
- آختن āxtan: مص.م. قىلىچ دىر يا قاما
 يالى زادى قىينىندان چىقارپ
 سىرماق.
- آخته āxte: ص. بىچىلن، خاياسى
 چكىلن (آدام يا حيوان).
- آخذ āxez: ص. فا [ع] آلىجى، آليان.
- آخر āxar: ص. [ع] غىرى، آىرى،
 اوزگه، ايكي زادينگ بىرى.
- آخر āxar: ص. [ع] آخر، سۇنگ، بىر
 زادينگ قۇتاران ىرى؛ آخرين: اينگ
 سۇنگى.
- آخر الامر āxerol-amr: ق. [ع] ايش
 سۇنگۇندا، آخردا، اينگ سۇنگۇندا.
- آخر الزمان āxeroz-zamān: ۱. مر.
 [ع] آخر زمان وقتى، قيامت وقتى،
 محشر وقتى.
- آخرت āxerat: ۱. [ع] «آخرة» اول دنيا،
 قيامت گونى، آخر زمان، دنياينىڭ
 سونگى، آخرت.
- آخور āxur: ۱. (= آخر) مالىنگ ايىم
 قابى، آخور مالىنگ ياتاغى.
- آخورچى āxurči: ۱. ص. [فات] آخوردا
 ايشلەيان، مەھر، سېيس، اطلارا ايىم
 بريان آدم.
- آخوند āxund: ۱. ص. دىن علمىنى
 اوقان، آخوندلىق پاتاسىنى آلان مُلا،
 عالم، روحانى، آخۇن.
- آخوندك āxundak: ۱. اط باقار
 (چىكىرتگەر ماشغالاسىندان بۇلان،
 چىكىرتگەدن اولىراق، ياشىل رنگلى،
 آياقلارى اوزىن مۇجك).
- آداب ādāb: [ع] داپلر، عادتلار،
 يۇرلەر، يۇل-يۇردالار، جمع ادب.
- آداب دان ādābdān: ص. فا. [ع. فا]
 ادبلى، يول-يورداه تانىش آدام.
- آداك ādāk: ۱. دريانىڭ اورتاسىندا
 يرلشيان بۇلك ير، آدا.
- آدامس ādāms: ۱. [فر.] ساقىچ،
 ساقىچىڭ بىر گۇرنوشى.
- آدرس ādres: [فر.] آدرس (پاكتىڭ
 يوزۇندە بارجاق ىرىنى و اونى آلجاق
 آدامىنى گۇرگزيان يازغى).
- آدرنگ ādarang: ۱. ايىجى، اونجى،
 آزار، محنت، قاينى، رنج، ھلاك.
- آدم ādam: ۱. [ع] ۱. ابوالبشر،
 ايلكىنجى آدام، انسان ۲. آدام، نوكر،
 قۇللۇقچى ۳. آدام-يزاد
 اولادلارى نىڭ بىرىنە باغلى، بىر آدام

آذرنگ āzarang: ۱. مر. قایمی،

محنت، رنج، هلاک بولماق.

آذر نوش āzarnš: ۱. مر. بلخدا بۆلن

اینگ اولی یدی آتشکده نینگ بیرى.

آذرى āzari: ص.ن. آذره دگیشلى،

آذره باغلى، اودا منگزش، اوت يالى ۲.

آذریایجانا باغلى، آذریایجانینگ

یۆرگونلى قدیم فارسى لهجهسى.

آذوقه āzuqe: ۱. آزیغا. آذیق.

آذین āzin: ۱. (= آدین) بزک، زینت ۲.

دأپ، یول-یوردا. آذین بندى: دورلى

ایشیقلار بیلن دوکان لری و کوچه-

بازارلاری بایرامچیلیق گون لرینده

بزه مک و زینتلاماقلیق.

آرا ārā: [ع] رای لار، اؤی لار، پیکی رلر،

جمع رای.

آراستن ārastan: م.ص.م. بزه مک،

تیجندیرمک، تیمارلاماق، آوادانلاماق،

بسله مک، گۆرکلندیرمک آرایش:

۱. م.ص. بزه مک، زینت، آوادانلیق، گۆرک،

بزه مه آراسته: بزه ملن، تیمارلانا،

گۆرکلنه ن آراستگی: بزه مکلیک،

آوادانلاماقلیق، بسله مکلیک.

آرام ārām: ۱. دینج، راحت، آسوده،

اویغون، پسه ی: آرام آرام: یوواش

-یوواش، آستا-آستا، یوغلا

آدمی: آداما باغلى بۆلن، آدمازاد، آدم

فرزندى آدمیان: جمع آدم؛ آداملار،

انسانلار.

آدم خوار ādamxār: ص.فا. [ع.فا]

آدمی نینگ ایتینی ایییان، آدم اییجی،

آدامخور.

آدمک ādamak: ۱. [ع.فا] کیچی آدم،

هیکیلى آدم شکلینده بجریلیان

قۇرجاق و ش. م.

آدمیزاد ādamizād: ۱. ص. [ع.فا] آدم

اوغلى، انسان، بشر، آداملار، آدمیزاد.

آدینه ādine: ۱. جۇما، آنا، هفتانینگ

آخرقى گونى.

آذان āzān: [ع] قۇلاق لار، جمع اذن.

آذر āzar: ۱. ۸. اوت ۲. شمسی ییل

حسابی نینگ دوقۇزینجی آیى،

گوزیونگ آخرقى آیى.

آذرآبادگان āzarābādegān: ۱. مر.

آذریایجانینگ ایلکینجی آدی ۲. اوت

مکانى.

آذرخش āzaraxš: ۱. ییلدیریم.

آذرکیش āzarkiš: ۱. ص. اودا

سیفینیان، اوت پاراز.

آذرگون āzargun: ۱. ص. اوت رنگینده

بۆلن، اودا منگزش ۲. قرمز گل، گل

لاله، چوغان اؤسوملیگی، چیگدیم.

- آرام بخش *ārāmbaxš*: ص. فا. دینچلیق بریان، راحتلیق بریان، اینجالیق بریان، اینجالدیان.
- آرامش *ārāmeš*: ا. دیسَنچلیق، فراغتلیق، آسودالیق، اینجالما.
- آرام کردن *ārām kardan*: مص. م. اینجالتماق، راحت اتمک.
- آرامگاه *ārāmghāh*: ا. مر. قبر، گور، مزار، مرقد.
- آرایشگاه *ārāyešghāh*: ا. مر. دللیک خانه، ساج ساققال سیریلیان جای.
- آرایشگر *ārāšgar*: ص. فا. دللیک، ساج ساققال سیریان آدام، ساج ساققال سیریحی.
- آرتیست *artist*: ا. [فر.] بازیگار، آرتیست، رول اویینایچی (تأثر صحنه سینده رول اویینایان آدام، صنعت اثرلرینی صحنه ده کؤیچولیکینگ اؤنگونده یرینه یتیرمک بیلن مشغوللانیان آدام).
- آرد *ārd*: ا. اؤن.
- آردبیز *ārdbiz*: ا. مر. الک، اؤن الینیان الک، غالبیر.
- آردینه *ārdine*: ص. ن. اؤنا باغلی، اؤندان بییشیریلیان نارسه لر (اؤن آش و ش. م.).
- آرزو *ār(e)zu*: ا. امید، آرمان، دیلهک، ایسلک، مقصد، تلواس، آرزو.
- آرزو کردن *ār(e)zu kardan*: مص. م. کویسه مک، هوس اتمک، ایسه مک.
- آرزومند *ārezumand*: ص. آرزولی، امیدلی، هوسلی آرزومندی: آرزولی لیک، هوسلی لیک.
- آرشین *āršin*: ا. [رو] روسیه نینگ بوی اؤلجه کی، ۷۱ سانتیمتر بیلن برابر بۆلان، آرشین، آرچین.
- آرشیو *āršiw*: ا. [فر.] بایگانی (اهلی ملی و دولتی ضرور مدرک لرینگ ساققلانیان یری).
- آرم *arm*: [فر.] آیراتین دولت اداره لارا و تجارتخانه لارا و ش. م. باغلی بۆلان علامت، نشان، بلگی.
- آرمان *ārmān*: ا. آرزو، امید، حسرت، مقصد، آرمان.
- آرمیدن *āramidan*: مص. ل. دینچ آلماق، اؤزانماق، راحت بۆلماق، یاتماق، اینجالماق.
- آرنج *āranj*: ا. تیرسک (قؤلونگ چيگین سونگکی بیلن بیلک سونگونینگ بییریگیان یری).
- آرواره *ārware*: ا. انگی.
- آروغ *āruq*: ا. کاکیرمک.

- آروين ārwin: ۱. سيناغ و تجربه
اوستى بيلن گچيريليان بارلاغ.
- آرى āri: ۱. جوغاب سۆزى، هاوا
دييمك.
- آريا āryā: ۱. (= آريايى) اروپا، آسيا و
نژاد هنده بۇلان مهم آقياغيزلارا
خاصلانيار.
- آز āz: ۱. حرص و طمع، ايمتيلما، حندن
آشا طاماكين ليك، آچگۆزلوليڪ.
- آزاد āzād: ص. ارکين، اۆز ارکينده
بۇلان، ارکلى، اۆز اختيارلى،
قاراشسىز، آزاد؛ آزادی: ارکين ليك،
آزادليق، اۆزباشداقلىق، ارکلى ليك، اۆز
اختيارلىق؛ آزادگی: ارکينلى ليك،
آزادلىق، ارکينلى ليك،
جومارتلىق، قاراشسىزلىق.
- آزادمرد āzādmard: ص. مر. ارکينلى،
جومارت، اۆزباشداق.
- آزاده āzāde: ص. آزاد آدم، ارکين
کيشى، جومارت، حقلى، ارکلى.
- آزادىخواه āzādixāh: ص. فا.
ارکين ليك ايسله يان، اۆز باشداقلىق
ايسله يان، ارکين ليگينگ خوسسارى.
- آزار āzār: ۱. ايزا، اۇرغى، آغيرى،
خورلىق، اونجى، درد، اۇرتنمه،
اۇرتنمىش، آزار.
- آزار دادن āzār dādan: مص.م. ايزا
برمك، اينجيتماق، اۇرتنمك،
خۇرلاماق.
- آزردن āzordan: مص.م. ايزا برمك،
اذيت برمك، اينجيتماق، آزار برمك،
گۆونه دگمك؛ آزرده: گۆنى قالان،
اينجان آزردگی: اينجىما، اذيت
چكمه
- آزرده خاطر xāter _ : ص. مر. [فاع]
گۆنى قالان، اينجان.
- آزرده دل - ص. مر. اينجان، گۆنى
قالان، اۆيكلان.
- آزرم āzarm: ۱. شرم، حيا، اۇتانچ،
اۇيات، يۇمشاقلىق، رحملى ليك ۲.
بييك ليك، اۇلۇلىق، شرف.
- آزمایش āzmayeš: ۱. مص. درنگه و،
سيناو، سيناغ، بارلاغ.
- آزمایشگاه āzmayešgāh: ۱. مر.
سيناغ جاي، علمى و فنى
سيناغلارينگ بارلانيان یرى، بارلاغ
جايى.
- آزمایشگر āzmayešgar: ص. فا.
سيناغچى، سينچى.
- آزماییدن āzmāidan: مص.م.
سيناماق، سلجرمك.
- آزمند āzmand: ص. مر. آچگۆز،

حریص، طاماکین، نبسه‌ور.

آزمودن *āzmudan*: م.م. یاغشی

یامانی سیناماق، یاغشی یامانی

سایفارماق، سلجرمک، سیناغدان

گچیرمک.

آزمون *āzmun*: ا.م.م. سیناو،

برنگه‌و، تجربه حاصلی.

آزوغه *āzuqe*: ا. آزیقا، اییمیت اوچین

گِرک بۆلن اؤنوم.

آزان *āžān*: ا. [فر.] ۱. آجان، پاسبان،

۲. آرا دوشوپ ایش بیتیریان.

آزانس *āžāns*: ا. [فر.] وکیلچیلیگی

یرینه یتیریان/خبرگزاری (خبر

برجی‌لیک)، بیر قورولشیق آیری بیر

قورولشیغینک وکیلچیلیگینی بویون

الیپ ایش‌لرینی یرینه یتیرمک‌لیگی.

آژیِر *āžir*: ص. ۱. دهینلی، فہملى،

هوشلى ۲. خطر جانگى، خبر برمه.

آس *ās*: ا. بۇغدايى اون اديان دگيرمن

داشى.

آسا *āsā*: پ.س. بو سۆز دینگه منگزه‌تمه

سۆزونى آنغلاديار، «يالى، کيمين»

معنى‌لرى بریار، مثال اوچين: «برق

آسا/ برق يالى»، «شیرآسا/ شیر ديين

يالى».

آسال *āsāl*: ا. [ع.] ۱. اخلاق و قیلىق ۲.

اندیک‌لر، بللیک‌لر، نشانه‌لار.

آسان *āsān*: ص. آنکسات، زحمت‌سيز.

ینگیل، قین بۆلمادیق.

آسانسور *āsānsor*: ا. [فر.] آسانسور،

برقی باسانچاق (بییک جایلارینگ

اؤستونه باسانچاق یرینه برق بیلن

چیقپ اینیلیان قۇرال).

آسان‌گیر *āsāngir*: ص. فا. آنکسات

تۆتیان، قین تۆتمایان.

آسایش *āsāyeš*: ا.م.م. دینچلیق،

راحتلیق، فراغتلیق.

آسایشگاه *āsāyešgāh*: ا.م.ر. دینچ

آیش جای، سیرقاو‌لاری ایلاتا-دا

کسل‌ل‌لری ساقلاپ درمان ادیلیان

جای.

آسایدن *āsāidan*: م.م.ل. دینچ

آماق.

آسپیرین *āspirin*: ا. [فر.] تگه‌لک آق

قرص، قیزدیرمانی و آغیرینی

کؤشومتک اوچین اولانیلیان درمان.

آستان *āstān*: ص. آرقایین یاتان،

اؤزانیپ آرقان یاتان آدم.

آستان *āstān*: ا. آستانه: ایشیک،

بۇساغا، بارگاه، دربار، کؤووش

چیقاریلیان یر، درگاه.

آستر *āstar*: ا. ایشلیک، ایچلیک



بر

آسترى: ايچلىكلىك.

آستين āstin: ۱. يىڭ، گىيىمىڭ يىڭى.

آسفالت āsfālt: ۱. [فر.] آسفالت

(كۆچەدىر يۇللار قارا قىرى چاگە

بىلەن قارىلىپ قاينادىلىپ يولى

تەكۈزەلەمەك اوچىن دۇكولىان نارسە).

آسم āsm: ۱. [فر.] دىم قىسم، دىم كوتە.

آسمان āsmān: ۱. گۈڭ، گۈڭ، گۈڭ،

آسمان.

آسمان جىل āsmānjol: ص. مىراۋى -

ايل سىز، ساللاخ.

آسمان خراش āsmān xarāš: كۆپ

قاتلى جاي، گۈڭە يىتىپ ياتان اۋى،

اگىرت اۋلى جاي.

آسمان غرش āsmān qorēš: ۱. مىر.

يىلدىرىم، گۈڭ گۈپۈردەمە.

آسمان فرسا āsmān farsa: ص. فا.

گۈڭە يىتىپ دۇران، قاتى بىيىك، گۈڭە

چكىلىپ دۇران.

آسمان گون āsmān gun: آسمان يالى،

گۈڭ يالى، گونگ رىڭىنە بولان.

آسمانى āsmāni: ص. ن: ۱. گۈڭە

دگىشلى، آسمانا باغلى، گۈڭە

دگىشلى، ۲. خدای لىقولى، خدایا

دگىشلى.

آس و پاس āso-pās: ص. عا. مىفلس،

غرىپ، فقير، يۇقسول، ماناچ.

آسودن āsudan: ص. ل. دىنچ آلماق،

ايشىدىن راحت بۇلماق، آرقايىن بۇلماق،

اينجالماق.

آسوده āsude: ص. مە. دىنچ، آرقايىن،

فراغت، راحت، ارگىن، آسودە.

آسوده خاطر āsude xāter: [فاع.]

كۈڭۈل دىنچلىق، كۈڭۈل راحتلىق،

جايلى، اينى قانى.

آسوده دل āsude del: ص. مىر. كۈڭۈل

آسودەلىنى، كۈڭۈل دىنچلىقى،

كۈڭۈللى، آلا داسىز.

آسە āse: ۱. ۱. دگىرىم داشى، ھاراز

داشى ۲. يىر تۇخۇملاغا تاييارلىق

گۈرمە.

آسە āse: ۱. بۇغداي اگىنىنە دوشىيان

سارلىق كىسلى.

آسە āse: ۱. بۇيۇن اونگورغانگ

ايكىنچى دندەسى، بۇغۇنى.

آسىا āsyā: ۱. ۱. ھاراز ۲. يىر يوزونىڭ

باشىدىن بىر بۇلەگى نىڭ آدى، آسىا.

آسىابان āsyābān: ۱. ص. دگىرىمىنچى،

ھارازيان، كلوانچى.

آسىاسىڭ āsyāsang: ۱. مىر. دگىرىم

داشى، ھاراز داشى.

آسىب āsīb: ۱. ايزا، اۋرغى، زيان، اذىت،



آزار.

آشتی کنان āštikonān: ۱. م. —.

یاراشماغی یولا بریلمه، میللیس،
یاراشیق میللیسی یولا قویما.

آشخانه āšxāne: ۱. م. —. آشپزخانه،

آشاوی، یوریته ناھار اوچین سالینان
جای.

آشغال āšqāl: ۱. چۆر- چۆپ، ھاپا،

اتیریندی زاتلار، قالیندی، دۆکوندی.

آشغالدان āšqāldān: ۱. م. —. ھاپا، چۆر

چۆپلری قویولیان قاپ، آشغال
قویولیان جای.

آشفتن āštoftan: م. ص. ل. ۱. توقات

یاغدا یا دوشمک، چاشغین حالا

دوشمک، ۲. قاھارلانماق، آجیراماق.

آشفته āštofte: ۱. سرگزدان، آنگالان،

دارغان، چاشغین، آجیرانگ، پریشان

آشفتگی: چاشغینلی لیق،

توقاتلی لیق، آجیرانگلیق.

آشفته دل āštoftedel: م. م. —. پریشان

حال، توقات یاغدا یلی، بوزوق

کۆنگوللی، چاشغین، آجیرانگ.

آشفته عقل āštofteaql: م. م. —. مجنون،

دالی، عقلین ییتیرن، چاشان،

آجیرانگ، الم تاس.

آشکار āškār: م. ص. —. آیدینگ، عیان،

آچیق، مالییم، آنیق، بللی، آشکار، مه سانگا.

آسیمه āsime: م. ص. —. توقات، چاشغین،

آجیرانگ، اوغرونی ییتیرن،

قایغیلی.

آش āš: ۱. سوووق داماق، سوووق آش،

آش رشته: اؤنلی آش آش شیربرنج:

سویتلی آش، آش شل: سوووق آش

آش دهان سوز (کنا). پیدالی

کیردهجی معنیده آش ماست:

قاتیقلی آش.

آشام āšām: ۱. (=اشام) ایچمەلی زات،

شریت و اییمیت.

آشامیدن āšāmidan: م. م. —. ایچمک

آشامیدن: ایچمەلی زادا دگیشلی،

سوو، چال و نوشابه یالی نارسه.

آشپز āšpaz: م. ص. —. آش بی شیریان آدم،

یوریته ایشی آش بی شیرمه بیلن

بولیان، اییمیت بی شیرجی، آشپز.

آشپزخانه āšpazxāne: ۱. م. —. آش اوی،

یوریته آش بی شیریلیان جای.

آشتی āšti: ۱. یاراشیق، بارلیشیق،

اویک- کینه یا اوزوشدان سۆنگ

بولیان ایلا شیق، یاراشیقلیق.

آشتی پذیر āštīpazir: م. ص. —. فا یاراشیغا

تاییار بۆلن آدم، ایلا شیغا اوپجون

بۆلن آدم.

آشکارکردن āškār kardan:

مص.م. یایماق، عیان اتمک، آشکار اتمک.

آشکوب āškub: ۱. جایینگ هر بیر

مرتبه‌سی، جایینگ اوستی، بام ۲. یر آدالغاسیندا: یرینگ بیرقاتی، قاتلاق، قات.

آشنا āšenā: ص. تـانـیش،

دوست-یار، آشنا.

آشناگر āšenāgar: ص. یوزوجی،

غواص.

آشوب āšub: ۱. مص. بـۇـلاـغـایـلیـق،

فتنه، بۇزغاق‌لیق، غۇغا، آغیم-دونوم‌لیک.

آشوبگر āšubgar: ص. فـا.

بۇلاغایچی، فتنه‌چی، بۇزغاقچی،

شرچی.

آشوفتن āšoftan: مص.ل. ۱. توقات

بۇلماق، آنگالماق، آلبیرانگلی

بۇلماق، چاشماق، ۲. غضبلانماق،

قاهارلانماق.

آش‌ولاش āšo-lāš: ص. دربی داغین،

پیتیرانگ، چاشغین، یارانگ

ایزاسیندان چیرکله‌مک، قان قوق یوزه

چیقماق، پورسان پیتیران ماسلیق،

مردارینگ پیتیراماگی.

آشیان āšiyāne: ۱. (=آشخانه)

هۇوورتگه، کیتک ۲. اووی، مسکن،

مکان معنی‌ده.

آصال āsāl: ۱. [ع] ۱. تویس، اصللی

آدم‌لر، ۲. آغشام آرا، گون آیاغینی یره

دیکن چاغی، جمع اصیل.

آصف āsef: ۱. خ. اول برخیانینگ

اوغلی، سلیمان پیغبرینگ وزیری،

ارته‌کیلرده هم آدی گلیار. روایت

ادیارلر: اول علم غیبیدان خبرلی

بولوپ، ملکه بلقیسینگ تختینی گوز

آچیپ یومیانچالار سلیمانینگ

قاشینا گتیرنمیش. شيله‌ده اول دانا

و فراستلی وزیر بۇلمالی، آصف جاه:

اؤلی وزیرلرینگ بیر ناچه‌سی‌نینگ

لاقامی.

آقا āqā: [ت] حرمت سۆزی بۇلۇپ آت

بیلن باغلانیشیق‌لی، خاص-دا

عیاللارینگ و خواجسه‌لارینگ

آدی‌نینگ اۇنگی بیلن بيله‌لیکده

چکیلیار، ارکک آدم‌لار حقدا آقا

دییلیار.

آغاچ āqāč: ۱. [ت] آغاچ، باغ ۲.

فرسنگ معنیده.

آغار āqār: ۱. چیغ، نم، ایزغار، اؤل،

ایغال.

آغاز āqāz: ۱. باشلانغیج، باشلاما،

ایلکی ایشینگ باشی، دسلاپ.

آغازگر āqāzgar: ص. فـا. ۱. ایلکی

باشلایجی، باشلایجی، ۲. آط چاپنی



آدالغ-اسیندا: آط اۇغلانلاری
اۇغرادیان.

آغر āqar: ۱. قۇرى چای، سیل گلیپ
گچنده چایدا بۆلک بوچک، آز اولاق
قالان سؤو.

آغشتن āqēstan: مص.م قارماق،
ازمک، قاریشدیرماق، بۇلاشدیرماق،
قاریم-قاتیم اتمک، یۇغۇرماق.
آغشته āqēšte: ۱. مذ یۇغۇریلان،
بۇلاشان، قاریشان.

آغل āqol: ۱. [ت] (= آغال) آیمان،
آیلاو، ماللاری ساقلاماق و اکله‌مک
اوچین چکیلن دیوار، آغاچ آیلانان یر،
قویون یاتاق، تاویق کتیک.

آغنده āqonde: ۱. ۱. پامیق‌دان ادیلن
گوله، اگیرمک اوچین تاییارلانا
پامیق ۲. زهرلی کلپلی موی، رتیل.
آغوز t.āquz: (= آغز) آویز، تازه قۇزلان
سیغیر و قویون یالی مالینگ ایلکی
سودی.

آغوش āquš: ۱. [ت] تورک دیلیندن
آلینان: بو آت تورک‌لرینگ بنده و
غلاملارینا داقیلیان آت دیییپ
دوشوندیریش بریلیار.

آغوش āquš: ۱. قۇجاق، قۇیۇن،
قۇلتۇق. در آغوش گرفتن:
قوجاقلاماق، قوجاغینکا آلماق، قۇینا

سالماق.

آغیل āqil: ۱. ۱. گۇزونگ قیتاغی بیلن
گۇزله‌مک، ۲. قاهار بیلن سراتمک.
آفات āfāt: [ع] کسللر، دردلر،
امگکلر، ناساغ‌لیقلار، جمع آفت.

آفاق āfāq: ۱. [ع] کناره‌لار، قیرالار،
أفق‌لار، جمع افق.

آفت āfat: [ع] بلا، زیان، کسل، درد،
امگک، آفات جمع.

آفتاب āftāb: ۱. گونش، گون.

آفتاب‌پرست āftābparast: ۱. ص. ۱.
گونه چوقۇنیان، گونه سیغینیان،
گون‌پاراز ۲. (= حرباء) پاشلاق، کلپزا
منگزش سويرنجی حیوان؛ بو جانلی
گونیشده اۇز رنگینی اویستگه‌دیپ
اوتلارینگ اوستونده اۇتۇراند اۇزونى
شول اوتلارا منگزدیار.

آفتاب‌زدگی āftābzadegi: ۱. ص. ۱.
گون اورماق‌لیق، گون یاقماق‌لیق.

آفتاب‌زده āftābzade: ۱. ص. ۱. گون اۇران،
گون یاقان، گون کۇیدورن.

آفتاب‌گردان āftābgardān: ۱. ص. ۱. مر.
گونه باقار.

آفتاب‌گیر āftābgir: ۱. ص. ۱. گون
دوشیان یر، گون دگیان جای، ۲. چتر،
سایه‌بان.



بگردان



آفتابه

آکادمی ākādemo: ۱. [فر] یونانیڭ

آتئ دیین شهرینده بۇلان بیر باغینگ

آدی. اول باغدا افلاطون اۆز

شاگردلرینه فلسفه سافاغینی برن

اکن. سۆنگ سونگلار علمی مرکزله

اؤورولپ گۆرنوکلی عالملارینگ

علمی و ادبی مسئلهلر بویونچا

یۆریته علمی درنگه و ایشینی آلیپ

باریلیان یرینه اؤورولپ آخر

«آکادمی» دیین آد قالیار و قالپیدیر،

شيلهده آکادمی سۆزی علمی ادبی

اؤتۆرشیقدا شوندان قالیار.

آکادمیسین ākādemisiyan: ۱. [فر]

آکادمی نینگ عضوی، ایشکاری.

آکتور ākor: ۱. [فر] آرتیست، تآتیر

صحنه سینده رول اویئایان آدام.

آکتیو āktiwo: ۱. [فر] تالاشجانگ،

ایشنگر، ایشه یشیشن.

آکروباسی ākrobasi: ۱. [فر] طناب

اوینی، آغیر دمیری زینگما و

ژیمناستیک یالی اویون، اول چتین

ورزشلردن حسابا گلیار.

آکل ākel: ۱. [فاع] داماقچی، اییه جن،

اییه چنگ، آکلین جمع.

آکندن ākandan: ۱. مص.م. دۆلدۆرماق،

بیر قابی یا بیر زادی دۆلدۆرماق،

آفتابه āftābe: ۱. کوندوک.

آفتابی āftābi: ۱. ص. گونشلی، گونش.

آفریدگار āfaridegār: ۱. ص.فا. یارادان

الله، خلق ادیجی، یوقدان بارا

گتیرجی، خدای تعالی نینگ

آدلارینینگ بیرى.

آفریدن āfaridan: ۱. مص.م. یاراتماق،

خلق اتمک، دۆرتمک، یوقدان بارا

گتیرمک.

آفریده āfaride: ۱. مذ. مخلوق، خلق

بۇلان، دۇران، یوقدان باره گلن.

آفرین āfarin: ۱. بره کسلا، تسوهلهمه،

ساغ بول، یاغشی، دعا، شکر ثنا.

آفرینش āfarineš: ۱. مص. یاراتما،

دۆرتمه، دۆره دیش، یارادیلیش،

دۆره دیجیلیک.

آفند āfand: ۱. اۇرۇش، سۇۇش،

دوشمانلیق یوزوندن بولیان اۇرۇش.

آق āq: ۱. ص. [ت] آق.

آقا āqā: ۱. [ت] حرمت سۆزی بولوپ

آداملارینگ آدی بیلن همرا، مثال

اوچین فلان آقا دیین یالی.

آقاسی āqāsi: ۱. [ت] بییک، اۇلی، بایار.

آق ساقال āqsaaqāl: ۱. ص. [ت]

آق ساقال، آق ساققال، یاش اۇلی، اویا

یاش اۇلۇسى، قۇجا.

هم زنانه لرینگ آیدیشی یالی: تآزه
چاغا دوغوران عایال اؤیده یکه قالسا،
اونگا جن دیر پری و ش.م. صدمه و
آزار یتیرپ هلاک ادیانمیش دییارلر.
اول آلتینجی گيجه چاغا دوغاندان
سؤنگ، چاغا دوغوران عایالینگ باش
اوجونا گلیپ اونونگ یورک باغیرین
چیقاریپ اکیدیانمیش. آیدیلشینا
گؤرأ: چاغا دوغوران عایالی حماما
اکیدیلمانی، یکه قویولمایان.

آل āl: ا. [ع] اهلی ماشغالا، فرزندلر
آل الله: اولیای الله، پیغمبر اسلامینگ
خاندانسی. آل رسول: حضرت
رسولینگ اولادلاری، آل علی، سادات،
امیرالمؤمنین علی و فاطمه زهرا
نسلیندن بۇلان، علویین.

آل āl: ص. آل، قیزیل رنگ، آچیق
قیزیل.

آلات ālāt: ا. [ع] آبزاللار، ابزارلار،
قۇراللار، شای-شویلار، جمع آلت.
آلاچیق ālāliq: ا. [ت] آغاچ اؤی،
تورکمن آق اؤی.

آلاف ālāf: [ع] مونگلر، جمع الف.
آلاله ālāle: ا. لاله گل، قیزیل لاله،
چیکیلدیم گل.

آلام ālām: [ع] اونجیلر، دردلر،

یاسسیق و یۇرغان یالی زادی
پامیقدان یونگدن دۆلدورماق.

آگاه āgāh: ص. خبرلی، ساق، یتیک،
خبردار، آگاه، سرهساپ.

آگاهی āgāhi: ا. مص. خبرلی بۇلماق،
بلیملی بۇلماق، آگاهی خواستن: خبر
سورماق، آگاهی دادن: خبر برمک،
آگاه اتمک.

آگاهی āgāhi: ا. انتظامی قۇرمانینگ
بیر بۆلومی، اول یاداوسیز اوغری و
جسنایتکارلرینگ قارشیسینا
گۆرشیان اداره.

آگاهیدن āgāhidan: مص. ل. آگاه
بۇلماق، خبرلی بۇلماق، خبردار و ساق
بۇلماق.

آگرت ساحل āgart-e-sāhel: ا. مر.
آق هۇقار.

آگشتن āgāštan: مص. م. (= آغشتن)
إزمک، قاریم قاتیم اتمک،
قاتیشدیرماق، یوغۇرماق.

آگهی āgāhi: ا. ایغلان، بیلدیریش،
رکلاما.

آگنیدن āganidan: ا. دولدورماق،
آنبارلاماق، دۆلی، قیرما-قیرات اتمک.
آل āl: ا. عاملار-تویارلرینگ و هم
بولغیسیز دأبلر آدالغاسینا گؤرأ و

كۆركىلەر، آغىرىلار، رىنجلەر، ايزالار،

جمع الم.

آلايش *ālāyesh*: ا.مص. بۇلاشيقلىق،

قاتىم- قارىملىق، يوغورىلىشيق،

آراسسا و ناپاك زادىنىڭ قاتىشماغى.

آلايىدن *ālāyidan*: م.مص.م.

بۇلاشدىرماق، قارىشىدىرماق،

يۇغۇرىشىدىرماق.

آلب *ālb*: [ع] تىكەنلى آغاچ.

آلب آرسلان *ālbarslan*: ا.خ. سلجوق

شاھلاردان، چۇغرل بېكەتنىڭ اۇغلى.

آلبالو *ālbālu*: ا. تۇرشۇمتىق ائىمىش،

عموماً اۇنگا «آلبالو» دىيىلىار.

آلبوم *ālbūm*: ا. [فر] صورت، تىمىر

يالى نارسانى يۇزىتە يادگارلىك

اۈچىن اۈنۈنگ ورقلارىنىڭ يۈزۈنە

بىلمىيان دىقتەر تۈۈرەلى نارسە.

آلت *ālat*: [ع] آبزال، اسباب، قۇرال،

شاى-شۈى، آلات جمع.

آلبا *āle-abā*: ا.مر. [ع] پىغمبىرىمىز

حضرت رسول اكريمىنگ (ص)

ماشغالاسى. حضرت رسول اكرم و

اميرالمؤمنين على، فاطمە، حسن و

حسين عليهم السلام (بىر گۈن

پىغامبىرىمىز اۈز كۆرەكنى على و

قىزى فاطمە زهرا (س) و ايكى

آغتىغى بىلەن بىلەلىككە بىر دۈنۈنگ

آشاغىندا ياتان اكنلەر. اۈنى گۈرلەر،

اول گۈندىن سۈنگ، اۈلار ۵ تن يعنى

باش آدم بۇلماقلارينا كۇرأ باش تن آل

عبا دىيىپ آدلاندىرىپ دىرلار.

آل عمران *āle-omran*: ا.مر. [ع]

حضرت موسى دان قالان نسللەر.

اۈنۈنگ آتاسىنىڭ آدى عمران

بۇلماغىنا كۇرأ، اۈنگا عمران

دىيىلىپ دىر. ۲. قرآن كريمىنگ

سۈرەلارنىڭ بىرىنىڭ آدى.

آلفتن *āloftan*: م.مص. تىلبە بۇلماق،

آلجىرانگ بۇلماق، چاشغىن بۇلماق.

آلفتە *ālofte*: ا.مف تىلبە، اۈغرىنى

يىتىر، آلجىرانگ، چاشغىن.

آلنگ *ālang*: ا. سىنگر، خندق،

قالانىڭ داشىنا چكىلىان دىۋار. اول

دىۋارىنىڭ دىنگە دوشمانىنىڭ

قارشى سىندا قۇرئانماق اۈچىن،

كۆرۈلىان چارە و آدادالار.

آلو *ālu*: ا. آلو، ميوەلەر توپارىندىن بۇلان

توروشۇمتىق ائىمىش.

آلوبالو *ālubālu*: ا. عموماً آدى آلبالو.

اول توروشۇمتىق ميوەلەردىن بولىار.

آلوچه *āluče*: ا. ھالچك آدىندا بۇلان

ميوە.



آلوبالو



آلو

آلودن āludan: مص.م. بۇلاشديرماق،

يۇغۇرماق، ھاپالاشديرماق. اگرده:

«ا.مف» بولاشيق، قاريشيق، ھاپاليق.

آلونك ālunak: ا. چاتما، كومه، إشك

آرقا، نيژده، پارخاۋ.

آلهه ālehe: ا. [ع] خدای لار،

تانگري لار، معبودلار، اربابلار، جمع

اله (قدیمقى ايناملار).

آلى āli: ص.ن. شیمی علمى نینگ بير

رشتهسى، بير بۆلۈمى.

آماج āmaj: ا. ۱. نيشانا، بلىك، تارپ،

تومىك ير، ۲. دمير آزال.

آمادگاه āmādgāh: ا.مر. اُرتيشه-

قوشونا تاييارلىق گۇروليان ير، اييم-

ايچيم و اگين-إشيك نارسه لرى

تاييارلانغان جاي.

آمادگى āmādegi: ا. تاييارلىق،

حاضيرلىك، اوپچينلىك.

آماده āmāde: ا.مف تاييار، حاضير،

اوپچين، تاييار.

آمار āmār: ا. سان، حساب،

كۆيچوليگىنىڭ ياشايشىنا و

دورموشىنا گۆز يتيرمك اوچين بير

شهرىنىڭ يا يوردونگ اداملارى نىڭ

سانىنى و دورموشىنى گۆز كزمه.

آماردار āmārdār: ا.ص. حسابگار،

حسابدار.

آمارشناس āmāršenās: ا.ص.

آمارىنىڭ قاعده و دوزگونىدىن خبرلى

آدام، آمار بىلن قىزىقلانغان آدم.

آمارگر āmārgar: ا.ص. آمار ايشىنى

يرىنى يتىرىغان آدم.

آماس āmās: ا. چىش، پۆكگرمه،

اندامىنىڭ ناساغلىغىنىدىن عمله گلىان

يارىلما و دۈۋويلمەدن يۈزە چىقىغان

چىش.

آماسىدن āmāsīdan: مص.ل.

چىشمك، قابارماق.

آمال āmāl: [ع] آرزولار، اميدلار،

ايسلگەر، جمع امل.

آمايش āmāyesh: ا.مص. زىباليق،

گۆزگىلىك، بىزگىلىك، آۋادانلىق،

تاييارلىق.

آمبولانس āmbulans: f. [فر] ناساغ،

سرقاۋلارى شفاخانه بيمارستانا

قاتنادان يۈرۈپ تىزگۈمك ماشىنى.

آمپر āmper: ا. [فر] برق-الكترىك

انرگه گويجۈنى ۈلچەيان يۈرۈپ

قۇرال.

آمپرسنج āmpersanj: ا.مر. برق-

الكترىسىتەنىڭ گويجۈنى

ۈلچەليان قۇرال.

آمپول āmpul: ۱. [فر] ناساغلارا
اۋرۇلىان ايگنه.

آمدن āmadan: مصل. گلمک،
يتيشمک، حضور تاپماق. آمد و شد:
گليم-گيديدیم، قاتناشيق،
باريش-گليش.

آمر āmer: ۱. [فاع] بويروقچى، حکم
ايدىجى، فرمان بروجى.

آمرزش āmorzeš: ۱. مصل.
باغيشلاماق، خداى تعالى نينگ
بندهلرينه ادن عاصى چيلينغىنى،
اۋلندن سۇنگ اۋتمک ليگى،
باغيشلاماغى.

آمرزنده āmorzande: ۱. فنا
باغيشلايچى، يازيق گچى جى،
يالقايچى.

آمرزيدن āmorzidan: مصل. م.
باغيشلاماق، يازيغى اۋتمک.

آمرزیده āmorzide: ۱. م. باغيشلاناتان،
يارادان يازيغىنى گچن آدام.

آمرزش āmorziš: ۱. مصل. (= آمرزش)
باغيشلاييش، باغيشلاماق، عفو
اتمک.

آمنه āmene: ۱. بير آرقا اۋدون، بير
اويشمک اۋدون.

آمنه āmane: ۱. [ع] عربلارينگ

قىزلارينا داقيان آدى، ۲. حضرت
رسول اکرمينگ (ص) اجهسى نينگ
مبارک آدى.

آموختن āmuxtan: مصل. ۱.
اۋورنمک، اۋورتىمک، آموخته:
اۋوره ديلن، اۋورهنن، ۲. اندىک ادن،
بيشيشن.

آموزش āmuzeš: ۱. مصل. اۋورتىمک،
اۋوره ديش، اۋورهنيش.

آموزشگاه āmuzšgah: ۱. مر. ساپاق
اۋوره دىليان جاي، علم و هنر
اۋوره دىليان مكان، مکتب، مدرسه.

آموزگار āmuzgār: ص. فا. مکتب-
مدرسه نينگ معلمى، ساپاق بريان
آدام، اۋوره ديجى، استاد.

آموزيدن āmuzidan: مصل. ل.
اۋوره تىمک.

آميختن āmixtan: مصل. م.
ياناشديرماق، ياقينلاشماق،
قاريشديرماق، يۇغۇرماق.

آمیزش āmizeš: ۱. مصل. ياناشماق،
ياقینلاشق، بيله ياتماق.

آمین āmin: [ع] دعادان سۇنگ

ايدىليان سۇز، خداى تعالى غا «قبول
ات، مستجاب ادهور» دىيىپ يالبارما
سۇز.

- آن ān: ض. اؤل، اۆم-اشاره سۆز، داشدا
دۇران آداما اشاره: «اؤل آدام»، «شول
آدام» دیین یالی.
- آن ān: [ع] وقت، چاق، چاغ، دۇویر، گۆز
آچیپ یۇمیانچا. آنا: شۇل دیم،
پاسیر-پوسیر، دررهو، شول حال.
- آنا ānā: [ع] بوتین گون یا گوندیزینگ
بیر بوله کی.
- آنا تومی ānātumi: ا. [فر] اندام
تانیجیلیق بارادا بۇلان علمی بارلاق;
اندامی دیلمه، اؤلن آدمینگ سیناو
اوچین اندامینی کسمه.
- آنارشی ānārši: ا. [فر] دوزگون-
سیزلیک، بوزغاچیلیق، یۇردۇنگ
حاکم سیزلیگی و قانون سیز لیغی.
- آنارشست ānāršist: ص. [فر]
دوزگون سیزلیگی ایسله یان، فتنه نی
سوییان لار.
- آناف ānāf: [ع] بورونلار، جمع انف.
- آناناس ānānās: ا. [فر] آناناس (آسیا،
آفریقا و اروپانینگ ایسیسی یرلرینده
عمله گلیان اؤسوملیک و اونونگ
اگره لپ دوران توغلاقی، یاقیم لی
ایسلی اییلیان میوه سی).
- آنجا ānjā: ق. داش یره و یا بیر مکانا
اشاره، اؤل یر، اول جای.
- آنجهان ānjahān: ا. مر. اول دنیا،
آخرت.
- آنچنان ānčēnān: ق. اؤل جوره، اول
تأویره، اول هیللی.
- آنچه ānče: ا. هر زات، اول زات.
- آنفلو آنزا ānfeloānzā: ا. [فر]
قۇرساق- سونگک آغیری یونگا لاما،
دومه وله مه و یۇقۇشیق قیزدیرما
کسلی.
- آنقوت ānqut: ا. آلاغان، آنقۇغان.
- آنی āni: [ع] دررهو، شۇ دیم، شۇ چاق،
باسم، چالت، چاقغان. بیر دنء
- آوا āwā: ا. آواز، اهنک، سس.
- آوار āwār: ا. توت توزان، جای
بوزولپ بیقیلان بام و دیوار.
- آوار āwār: ص. آواره ســـــــۆزۆنگ
قیسغالتماسی، یوردوندان داش
دوشوپ ایغیپ یۇن، بللی
مسکن سیز.
- آوار āwār: ا. ایذا، رنج، ستم، زورلیق،
تالاماق، دوزگون سیزلیک.
- آواره āwāre: ص. بللی مسکن سیز،
ایش سیز انتاپ یۇن، سرگزدان، آواره،
ساللاخ. آوارگی: سرگزدانلیق،
ساللاخ لیک، آوارالیک.
- آواریه āwāriye: ص. [فر] زوال یتن،

آویز āwiz: ا. مص. اوروښ، سوږوش،
دوشمان بیلن سوږوش اتمک.

آویزان āwizān: ص. فا. ساللاغلی،
آسغیلی، آسیلیپ قویولان.

آویشن āwišan: ا. کاکیلیک اوتی.

آه āh: ا. اؤکونچ سوژی، آخ دیییپ
اؤزیندان دم آلماق.

آهار āhār: ا. کتیرا و نشاسته دان
بجیریلیان مایع، اؤل مایعی پارچا
اوروپ قاتیدیپ، سؤنگ، پتلی ادیپ
قاتلاو اوچین گیم لره اؤلانیلیار.

آهسته āheste: ص. یوواښ، آسسا،
سس سیز، اوین سیز، آهستگی:
یوواشلیق، آسسالیق.

آهک āhak: ا. هک، اکسید کلسیوم.

آهمند āhmand: ص. یالانچی،
یازیقلی، عاصی، گناهلی.

آهن āhan: ا. دمیر.

آهن پاره āhanpāre: ا. مر. بۆلک
پوچک دمیر، اونیق اوشاق دمیر.

آهن ریا āhanroba: ا. ص. دمیری
اؤزونه چکیان قۇرال، دمیره حرکت آهن ریا

سالیان مغناطیس، داش مغناطیسی.

آهنگار āhankār: ا. ص. دمیر
اؤسسای، آهنگر.

آهن کش āhankeš: ا. ص. دمیر

خرابلانان، ضایالانان، خسارت گۆن،
آواریه.

آواز āwāz: ا. سس، آهنگ، آواز.

آوازه āwāze: ا. چاو، شهرت، دابارا، آد
چیقارما، سارسغین.

آوازه خوان āwāzexan: ا. ص. (=)
آوازخوان) آیدیمچی، باغشی.

آوانس āwāns: ا. [نر] بیعانه،
اؤنگوندن کسگیتلاپ بریلیان پول،
زحمت حق.

آوردگاه āwardgāh: ا. مر. اوروښ
میدانی، سوږوش مکانی.

آوردن āwardan: ا. ص. م. گتیرمک،
بیر یردن آلیپ گلک.

آورنده āwarande: ا. فا. گتیریچی،
آلیپ گلیچی، آلیپ گلن.

آوریل āwri: ا. [فر] فرنکی، یعنی
میلادی تقویمینگ دوردونچی

آیینینگ آدی.

آوند āwand: ا. ۱. قاپ، کویزه، سوو
کویزه سی، شراب کویزه سی، ۲.

اؤسوملیکلرینگ آدالفاسیندا
اوتونگ شیره سی نینگ آقیان

تؤریاسی، لوله سی.

آویختن āwixtan: ا. ص. م. آسماق،
ساللاماق، بیر زاتدان ساللانماق.

چکيجی قۇرال.

آهنگ āhang: ۱. ساز، آواز، هېنگ، ۲.

قصد، نیت.

آهنگر āhangar: ۱. ص. دمیر اۇسس،

دمیر ایشی بیلن قیزیقلانیان اۇسس.

آهنگساز āhangsāz: ۱. ص. ساز

دۇردیان آدم، آهنگ یاسایان.

آهنین āhanin: ۱. ص. ن. دمیره باغلی

بۇلان، دمیردن یاسالان پوختا و ماکام

نارسه، دمیردن دمیر.

آهو āhu: ۱. کیک، چرن، مارال.

آهوبره āhubarre: ۱. کیک چاغاسی،

توقار.

آهوپا āhupā: ۱. مر. کیک یالی

یورتیان، ییلدام، قاتی یوۆرۆک جانلی.

آهوپا āhupā: ۱. مر. (=آهوپای)

جایینگ دیوارینگ یوزونه چکیلیان،

بیر تویسلی گچئری نینگ ادی.

آهوچشم āhučesm: ۱. ص. مر. آوادان

گۆزلی، کیک گۆزلی، چرن گۆزلی.

آهودل āhudel: ۱. ص. مر. قۇرقاق، سهل

زاتدان قۇرقیان هیک.

آهوکوهی āhukuhi: ۱. مر. آیراق، داغ

کیکی.

آهون āhun: ۱. کاریز.

آهونبر āhunbar: ۱. ص. کاریز قازان.

آهیانه āh(i)yāne: ۱. کلّه کاسه سی،

مغزینگ اۆستونده یرلشیان سونگک.

آی āy: خطاب ادیب قیغیرما، یوزلنمه.

آی āy: اۆکونچ سۆز، آی درینغا، واخ

بۆلمادی دیین یالی، آی.

آیا āyā: سورماق نشانه سی، بیر زادا

دوشونمک یا آگاهی تاپماق اوچین

اولانیلیان سۆز.

آیات āyāt: [ع] آیەلار، نشانهلار،

علامتلار، معجزه لار، قرآنینگ

آیهلاری، جمع آیه.

آیت āyat: ۱. [ع] (=آیه) آیت، نشان،

بلگی، علامت، معجزه.

آیه الکُرسی āyatol-korsi: ۱. مر. [ع]

اول سورة بقره ده: «الله لا اله الا هو

الحی القيوم» سۆزلر بیلن باشلایار.

آیه الله āyatol-lāh: ۱. مر. [ع] دین

اوغروندا بیلیم آلان عالم، روحانی،

مجتهد، آخوندلیق درجه سینی آلان.

آیش āyeš: ۱. مص. بیر ییل اۆنگوندن

اکیش یری سؤوارپ قویماق، یری

تخت ادیب منگرتمک، یرینگ زورینی

کۆیلمک اوچین گۆزولیان چاره.

آینده āyande: ۱. فا. گلجک، گلجکی.

آینه āyene: ۱. آینا، گۆزگی.

آیین āyin: ۱. دوزگون، عادت،



یول-یوردا، قادا، دسسور.

آیین بندی āyinbandi: ا.مر.

بزه مک، کوچه و خیابانلاری و

دکانلری دورلی گۆرنوشده، دوره گهی

ایشیقلار بیلن شاغالانگدا

بایرامچیلیقدا آوادانلاماق، بزه مک.

آیین جمشید āyine-jamšid: ا.مر.

قدیمقی ایرانی سازلارینگ بیرینینگ

آدی.

آیین دادرسی āyine-dādrəsi: ا.مر.

محکمه لرینگ پایه اصولی،

دادرسی-نینگ یول یورداسی.

حقوقی و کیفیری دعوالارا

یتیشیک لیک اتمک اوچین قانونلار

بیونچا دوزولن دادگاهلار طرفیندان

دعوا ایه لرینگ حقینا اؤنگات

گۆزلگچی لیک ادیلمه.

آیین نامه āyinnāme: ا.مر. دوزگون-

نامه، اساسنامه، قاعده و دستورنامه.

آیینه بندان āyinebandān: ا.مر. کۆپ

آینالاری بایرامچیلیقدا قاپی یا

دیوارینگ یوزونده اؤنگاتجا قویۇپ

بزه مکلیک.

آیینه کار āyinekār: ا.ص. آینا ایشی

بیلن قیزیقلانیان آدم.

آیینه گون āyinegun: ا.ص. آینا یالی،

آینا منگز ۲. آچیق، صاف.



alef (همزه يا الف فارسی) الفبانیڭ

بیرینجی حرفی.

ائتلاف e'telāf: مص. [ع] بیرلشمک،

دوستلاشماق، بیریکمک.

ائمه a'emme: [ع] اماملار، دینی

یولباشچیلار، جمع امام.

اب ab: ا. [ع] آتا، دأده، آقغا، آبا جمع.

إيا ebā: مص. [ع] ساقلانماق، قایرا

دۇرماق، یوز دۇندۇرماق.

ابايل abābil: ا. جمع سۆزی،

کلمهسی، دسته، بۆلک-بۆلک.

ابان abān: ا. شمس ییلىڭ

سکیزینجی آیینىڭ آدى.

ابتدا ebtedā: مص. [ع] باشلاماق،

باشلانغیچ، ایش-باشلاماق، ایلکى.

ابتدال ebtezāl: مص. [ع] کۆپ

ایشلاپ کۆنلتمک، قدرسیزلىق،

کۆنهلىک، ایمىقلى ایشه اۇرماق.

ابتر abtar: ص. [ع] قۇرۇغى کىسىک،

ذریاتسىز، فرزندسىز.

ابتکار ebtekār: مص. [ع] تازهدن

تاپماق، تازهلک، اوزال گۆرولمه دیک

زادى تازهدن تاپماق گتیرمک.

ابتلا ebtelā: مص. [ع] بلا دۇچار

بۇلماق، غضبا قالماق، ناساغلىغا

اۇچرماق، یۇلۇغماق.

ابتهاج ebtehāj: مص. [ع] خوشلوق،

شادلىق، شادىانلىق.

ابتیاع ebtyā': مص. [ع] ساتین آلماق،

خرید اتمک، آلیجىلىق.

إبرام ebrām: مص. [ع] آياق ديره‌مک،

برک دۇرماق، بير ايشده پوختا
دۇرماق.

إبراء ebrā: مص. [ع] ياکله‌مک،

بيزارلاماق، ناساغليقدان ديندارپ
شفا بىرمک.

إبرش abreš: مص. [ع] اۆز دۇرمۇش

رنگيندن يعنى آيراتين ليقدان بۇلان
ساقنار خال خاللى بۇلان چيپار آط،
ساقنار آط. مکان ابرش: دورلى رنگه
بولان اوتونگ مکانى، یرى؛ دورلى
رنگه بۇلان اوتلى پر.

ابرنو بهار abre-nō bahār: ا. مر. ياز

فصلى نينگ بۇلۇدى.

ابرو-ا. abru: قاش، ابروان جمع.

ابروتريش کردن abru torš kardan:

مص. ل. قاش چيتمک، يوز
تورشوتماق.

ابرو کمان abrukamān: ص. قاشى

ياى، ياي قاشلى.

ابرو گشاده abru gošāde: ص. آچيق

يوزلى، گولر يوزلى.

ابره کوچک abrahe-ye kuckak:

ا. تۇغدارى.

ابرى abri: ص. ن. بۇلۇتلاق، قاراميق

هوا.

ابد abad: ا. [ع] هميشه ليک، مداماليق،

عمرليک، باقى، ابد.

ابداع 'abdā: [ع] جمع بدع، بدعتلار.

ابداع 'ebdā: مص. [ع] تازمدن بير

زادى تاپماق، دۇرتمک، يۇقدان بارا
گتيرمک.

أبدال abdāl: [ع] جمع بدل و بدیل؛

چهلتنلر، بدللر، صالح تقوا آدم‌لار،
ارلر، درويشلر، قلندر.

إبدال ebdāl: مص. [ع] اۇويرمک،

بگشيرمک، چالشيروماق.

أبدان abdān: [ع] جمع بدن، بدنلر،

انداملار، تنلر.

إبداء ebdā: مص. [ع] اشکار اتمک،

آنيقلاماق، آيدينگلاماق، عيان اتمک.

أبدى abadi: ص. ن. [ع] هميشه ليک،

מידاماليق، اۆلمز ييتمزليک، باقى ليق.

أبدیت abadiyyat: ا. [ع] ايميقلى ليق،

هميشه ليک، مداماليق؛ ۲. آخرت،

محشر.

أبر abr: ا. بولوت.

أبر abar: ا. يۇقارى، اۆست.

أبرار abrār: [ع] جومارتلار، سخیلار،

الى آچيقلار، ايله يارايانلار، جمع پر.

إبراز ebrāz: مص. [ع] آچيقلاما، يوزه

چيقارما، بيلديرمه، اشکار اتمه.



ابريق

ابكار ebkār: مص. [ع] دانگ آتيرماق،

گيجانى اؤتورمك.

ابكار ebkār: [ع] جمع بكر، ال

دگمه ديك، ال اورولماديق، قيز اؤغلان،

بير زادينگ ايلكىسى، انه آتانگ

دسلايقى چاغاسى.

ابكار abkār: ا. (= ابكاره) اكرانچيلىق،

تايخانچيلىق.

ابل ebel: ا. [ع] دويه، ديه، آبال جمع.

ابلاغ eblāq: مص. [ع] قاوشيرماق،

خير برمه، بيلديرمك، خط دير يا

بيلديرش يالى نارسانى بيرينه

يتيرمك، بيرى نينگ سارغيدىنى

قاوشيرماق.

ابلق ablaq: ص. [ع] آلا رنگ، قارا آلا،

چيپار آق آلا آط، چال آط.

ابله ablah: ص. [ع] آقماق، آنگلامازاق،

ساسوو، سامسيق، عقتليسز،

سنگسه.

ابلهانه ablahāne: ق. ص. [ع. فا]

نادانليقدان، سامسيقلىق،

سامسيقلار يالى، آقماقلار يالى.

ابليس eblis: ا. [ع] شيطان، عزازيل،

عزازيل، ملعون، خداى تعالى نينگ

رحمتيندن اميدسيز بولوپ داش

دوشين، ابليس، ابالسە جمع.

ابريشم abrišam: ا. يوپك.

ابريشمى abrišami: ص. ن. يوپكدن،

يوپكدن اديلن، يويه گه باغلى بولان.

ابريق ebriq: ا. [ع] سفالندان بجريلن

آيراتين سوؤ، شراب قويماق اوچين

ياسالانميس كونديكە اباريق جمع.

ابزار abzār: ا. شای شوى، قووال،

آبزال.

ابصار ebsār: مص. [ع] گؤرمك، سر

اتمك، باقماق، گؤركزمك.

ابصار absār: [ع] جمع بصر، گؤزله.

ابطال ebtāl: مص. [ع] باطل اتمك،

پوچ اتمك، پوچا چيقارماق، بيدرك

اتمك.

ابطال abtāl: [ع] ايرمن لر، چاپارمانلار،

غيراتلى لار، جمع بطل.

إبعاد eb'ād: مص. [ع] قاوماق، داشا

سالماق، داشلاشديرماق،

داشلاشماق.

أبعاد ab'ād: [ع] جمع بُعد: داش، اؤزاق

معنيده ۲. هندسه اصطلاحيندا: اين،

بؤى، يۇغين ليق اؤلچه گى.

إبقاء ebqā: مص. [ع] ايميقلى

قالديرماق، اؤنگكى ايشينده قويماق،

برك ساقلاماق، برقرار اتمك،

بركيتمك.

ابن ebn: ۱. [ع] اوغۇل، ارېك اوغلان.
ابن الوقت ebnol-waqt: ص. مر. [ع]

دۈورە گۇرا ايشله يان، زمانا گۇرا ايش
گۇريان، دۇرمۇشا گۇرا رۇل اوينايان

آدم، فرصت طلب.

ابناء abnā: [ع] اوغوللار، چاغلار، جمع

ابن.

ابنه abna: ۱. [ع] قيز، بنت.

أبنه obne: ۱. [ع] عيب، كينه، دووين.

ابنيه abniye: [ع] بنالار، تاملار، جايلار،

جمع بناء.

ابو abu: ۱. [ع] آتا، دأده.

ابواب abwāb: [ع] جمع باب، قاپىلار،

ايشىكلر.

ابواب جمعى tabwābe-jam'i: مر.

دورلى طأرده گيرده جى دن ييرى نينگ

يانيندا ييغنانىپ سۇنگ حساب

برمه لى اديلمك.

ابوالبشر abolbašar: ۱. مر. [ع]

انسانلار نينگ آتاسى، آدم آتا، حضرت

آدم عليه السلام.

ابوالهول tabolh: [ع] قديم

مصرى لر نينگ داشدان ياسالان

انسان نينگ كلّسى و يۇلبار سىنگ

هيكلى يالى مجسمه سى ۲.

قۇرۇقۇنچلى معنيده.

ابوت obowwat: مص. [ع] آتا بۇلماق،
آتالايق.

أبوتراب abutorāb: ۱. [ع]

اميرالمؤمنين حضرت على كرم الله

وجهه نينگ بير آدى. بير گون حضرت

رسول صلوات الله عليه اميرالمؤمنين

على كرم الله وجهه نى مسجده يوزى

گۇزى توپراقلى حالتدا گۇريار. شول

وقتدا اونگا يوزلە نىپ: «قم يا اباتراب»

دييىپ خطاب اديار.

أبو طالب abutāleb: ۱. [ع] حضرت

على كرم الله وجهه نينگ دأده سى،

قاقاسى.

أبو طيلون abutilun: ۱. باش بۇغداى.

أبو عطا abu'atā: ۱. مر. ايراندا شور و

همايون دستگامسى نينگ مشهور بير

أهنكى نينگ آدى.

أبوى abawi: ص. ن. [ع] ۱. آتا باغلى،

آتالايق، ۲. پارس ديلى نده آتا، دأده

معنيده.

أبه obe: ۱. [ت] (=اوبه) طايپا، ايل، ناچه

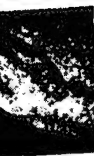
اۇيدن عبارت كنت، گۇچمه قۇنما،

يرلى اوتوريملى اوبا.

إيهام ebhām: ۱. [ع] باشام بارماق.

إيهام ebhām: مص. [ع] ناتحقيق

ياشيري ن سۇزلە مك، اوستى



أَبِيل abil: ۱. [ع] راهب، عیسی دینینه
سیغینیانلارینگ یول
گورکزیجی سی، یولباشچی سی، آبال
جمع.

اَپْرا operā: ۱. [فر] آرتیستلرینگ ساز
آواز بیلن تئاتردا یرینه یتیریان اوینی.
اَپیدمی epidemi: ۱. [فر] یوقۇنچ
کسل، کۆچچولیک کسلی، یوقۇشیق،
سیرقاوچیلیغی.

اَتا atā: ۱. [ت] آتا، دادە.
اَتابک atābak: ۱. ص. [ت] ۱. آتا، دادە
معنیده، بییک اولی آتانگ، چاغا
تریه لیجی ۲. اولی وزیر دییپدە
دوشوندیریش بریلیپدیر.

اَتاق otaq: ۱. [ت] اوتاق، یاشالیان
جای، جایینگ بیر اوتاغی.
اَتباع atbā: [ع] تابینلار، ایزارلایانلار.
اَتباع etbā: ص. [ع] منگزش آغرامی
دنگ سؤزی آیری بیر سؤزۈنگ
ایزیندان گتیرمه، ایزیندان گیتمه.

اَتباع ettebā: ص. [ع] ایزارلاماق،
ایزینی ایرمک، ایزیندان گیتمک.
اَتحد ettehād: ص. [ع] بیرلشمک،
بیریکمک، آغیز بیر بولماق.

اَتخاذ ettexāz: ص. [ع] آلماق، اله
گتیرمک، تۇتماق، اوزونگە گچیرمک.

باسیرغیلی گورله مک؛ علم بدیع
آدالغاسیندا شاعر و یا یازجی نظم و
نثرده ایکی معنالی سؤز آیتماقلیغی.
اَبْهَتْ obbohāt/ obohhat:

ا. مص. [ع] اؤلۇلیق، هاشاماتلیق،
شانلی مرتبه لی لیک، درجه لی لیک.
اَبھر abhar: ۱. [ع] بویۇن دامار، ینگسه
دامار، یورهگە بیرگیان ام الشرائین
آدلی دامار.

اَبھر abhar: [ع] قاتی آیدینگ، اۇران
پارلاق، یاغتی، آچیق.

اَبی abi: «بی» معنیده کلمه نینگ
سؤزۈنگ اۇنگوندن گلیان سؤز.

اَبی abi: ۱. [ع] آتا باغلی، آتام دیین یالی
سؤز.

اَبی abiy: ص. [ع] بۆکدنجی، بویۇن
تاو لایجی، بویۇن قاچیرجی.

اَبیات abyat: [ع] ۱. اوی لر، ۲.
شعرینگ ایکی مصراع سی، جمع
بییت.

اَبیاری abyari: ص. ن. ۱. مصرده بیر
اوبانینگ آدی ۲. یومشاق پارچا، یول
یول نازیک اگین اشیک ۳. بیر تاویره
کبدر.

اَبیض abyaz: ص. [ع] آق یوزلی، آق
یاغیز.

اتراک atrāk: [ع] تورک‌لر، جمع ترک.

اتّصاف ettesāf: مص. [ع] تارييلاماق،

نارييلانماق، بير زادی بيله اؤومک.

اتّصال ettesāl: مص. [ع] سېلشمک،

چاتيلماق، ايلتشمک، بير بيرينه

چاتماق، باغلانتماق.

اتّفاق ettefāq: مص. [ع] ۱.

بيرلشمک، بيریکمک، ايللاشماق، بير

فکره کلمک ۲. پارس ديليندن آلساق

حادثه، دويدانسیز بۇلان ايش

معنيده.

اتّكاء ettekā: مص. [ع] سؤيونمک،

ديرنمک، آرقا تۇتماق، ياپلانماق.

اتّلاف etlāf: مص. [ع] وقت

گچيرمک، آرادان چيقارماق، يوق

اتمک.

اتم atam: ص.ت. [ع] قاتی دولی، اۇزان

کامل.

اتم atom: ۱. [فر] اوچغون، ذره.

اتمام etmām: مص. [ع] تماملاماق،

سونگلاماق، بيتيرمک، انجام برمک.

اتو otu: ۱. گييمينگ يعنى ايشيگينگ،

ييفريغيني آييرماق اوچين اولانييلان

دستگاه، قۇرال؛ اوتوک، اوتو.

اتوبوس otubus: ۱. [فر] يۇرিতে

يولاغچی قاتناديان اولی ماشين،

آوتابوس.

اتويوگرافي otubiyogerāfi: ۱. [فر]

اؤز ياغداي دۇرمۇشينگي يازماق،

ياشايشينگي يازماقلىق.

اتوشوي otușuyi: ۱. مر. (مخفف

اتومبيل شونى): يۇرিতে ماشينلار

يويوپ آراسسالانيان جاي.

اتوماتيك otmātik: ص. [فر] اؤز

اؤزى دستگاهلارينگ گويجي بيلن

يولا دوشيان قۇرال.

اتومبيل otomobil: ۱. [فر] ينگيل

ماشين، سوارى.

اتّهام ettehām: مص. [ع] تهمت

اتمک، بدنام اتمک، ميحابت ياپماق،

گناهكار اتمک، قارالاماق.

اتيکت etiket: ۱. [فر] علامت، بىلگى،

چاپ اديلن بۆلک كاغيذ؛ ۲. رسم،

عادت، انديک.

اثاث asās: ۱. [ع] مال ماتا، اؤي

اسبابى، اؤي قۇشى.

اثبات esbāt: مص. [ع] بيرکيتمک،

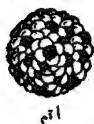
ثبوت ياتيرمک، ايميقلى لاشديرماق.

اثبات asbāt: [ع] جمع ثبت، اينامدار

آدملار.

اثر asar: ۱. [ع] نشان، بىلگى، ايز،

علامت، حديث و خبر، اثر، آثار جمع.



اثراب esrāb: مص. [ع] یا زغارماق،

اړیت ایشدن قایتارماق، کأیییمک.

اثلاث asās: [ع] جمع ثلث، اوچدن

بیرلر.

اثم esm: ۱. [ع] گناه، یازیق، آثم جمع.

اثمار asmār: [ع] میوهلر، ایری

اییمیشلر، جمع ثمار.

اثمان asmān: [ع] قیمتلار، نیرخلار،

بهالار، جمع ثمن.

اثمه asame: [ع] یازیقلىلار، گناهلىلار،

تقصیرلىلار، عاصىلار، جمع آثم.

اثنا عشر asnāašar: [ع] اون ایکى،

کیچی ایچه گهلرینگ آش قازانا

بیریگیان ایلکی بوله گى.

اثنا عشری asnāašari: ص. [ع] (=)

اثنا عشریه) شیعه مسلمانلارینگ

اولی طایپاسى، اون ایکى اماما

سیغینیانلار، اون ایکى اماما باغلى

بۇلار.

اثنان asnān: ۱. [ع] ایکى، ساندان

ایکى.

اثناء esnā: [ع] اورتالار، آزالیققلار،

ایکى زادینگ آراسى، جمع ثنى.

اثناء asnā: مص. [ع] دعا اتمک،

اؤومک، حمد-ثنا آیتماق.

اثواب aswāb: [ع] اگین اشیکلر،

جمع ثوب.

اثوار aswār: [ع] اؤکوزلر، جسونگه لر،

جمع ثور.

اثم asim: ص. [ع] گناهکار، عاصى،

یازیقلى، اثماء جمع.

اجابت ejābat: مص. [ع] جواب برمک،

قبول اتمک، حاجتینى بیتیرمک.

إجاره ejāre: مص. [ع] مزد، کیره ی،

بیر ملکی وقتلايينچا کیره یینه

بیری نینگ اړکینده قۇیماق.

اجاره ejāre: مص. [ع] (= اجارت)

بیرینی نجات برمک، پناه برمک،

بیری نینگ دادینا یتیشمک.

اجاره نشین ejārenešin: ص. فا. [ع. فا]

بیر ملکده کیره یینه، آیینا بیر زات

تۇلۇپ اوتوریان.

اجازه نامه ejāze: ۱. مر. [ع. فا] جوان

رخصت، خط، اذن خط، اجازه خط.

أجاق kojāq: [ت] ۱. اوجاق، قازان

آتارلییان جای، ۲. کرامتلى پیر و

مرشد.

اجانب ajāneb: [ع] کسه کیلر،

بیگانه لار، اؤزگه لر، جمع اجنب و

اجنبى.

اجبار ejbār: مص. [ع] بیرینی

زورلاماق، قیسساماق، مجبور اتمک،



اجبار

اجتماع 'ejtemā: مص. [ع]

ییغنائشیق، ییغناق، قاوجیم بیر یره
جملنمک، توپلانماق، جملشمه.اجتناب - مص. [ع] قاچا دورماقلیق،
داشدا دورماقلیق، چکینمک.

اجتهاد 'ejtehād: مص. [ع] ۱. تلاش

اتمک، تقلاً اتمک، ۲. فقه تایدان قرآن
و حدیث نبوی دن شرعی مسئله لره
دوشونمک.

اجحاف 'ejhāf: مص. [ع] ستم اتمک،

زورلاماق، چورکریمک، چیرکریمک، آشا
گیتیمک، هورلاماق، انصافدان
چیقماق، توقینماق.

اجداد 'ajdād: [ع] جمع جد، آتالار،

داده لر، آتابایا، آرقا به آرقا گلیان.

اجر 'tajr: [ع] اجر، مزد، ال عذاب، ال

حق، اجور جمع.

اجراء 'ejrā: مص. [ع] حرکت ه سالماق،

یولا دوشوریمک، یولا سالماق،
یورگینلشدیریمک.

اجرت 'tojrat: [ع] ال عذاب، ایش

حق، مزد، کیره ی.

اجزاء 'ajzā: [ع] بؤلک لر، تیکه لر،

پارچالار، جمع جزء.

اجساد 'ajsād: [ع] تن لر، جسد لر،

میت لر، لاش لر، جمع جسد.

أجسام 'ajsām: [ع] جمع جسم، تن لر،

میت لر. فیزیک و شیمی آدالغاسیندا :

اجسام ایکی بؤلک دن عبارت : مفرد و

مرکب. جسم مفرد و یا بسیطدن

باشغا زات عمله گلمه یار، دینگه

قیزیل کومیش یالی. اما جسم مرکب

ایکی یا ناچه زات دان ترکیب بولیار

سوؤو یالی، اول اکسیژن دن

هیدروژن دن یوغوریلیار.

أجل 'ajal: [ع] مهلت، اولوم وقتی،

اولوم فرصتی، عمرینگ دیر و یا

شولار یالی زادینگ سونگی، آجال

جمع.

اجلاس 'ejlās: مص. [ع] اوتوریشماق،

بیر ایش اوچین مصلحتلاشماق،

گنجشمک.

أجلاف 'ajlāf: [ع] جمع جلف، کاس لر،

سوجوقلار، پانگ ینگیل کلهر.

أجلال 'ejlāl: مص. [ع] اولی سایماق،

اولی توتماق، عزتله مک، حرمتلاماق.

أجلَاء 'ajellā: [ع] جمع جلیل، اؤلی لار،

بییک لر، مقامدارلار.

إجلاء 'ejlā: مص. [ع] وطنی ترک

اتم، او یاراردان ال چکمک، جلاء

وطن اتمک، داشا دوشمک.

- اجم ajam: [ع] جنگلچه، قارغی ليق و اکزلیک، جمع اجمه.
- اجماع ejmā' مصص: [ع] توپلانماق، جملنمک، اویشمک، بیغنانشماق.
- اجمال ejmāl مصص: [ع] قیسغالتماق، سۆزی قیسغا طارده آیتماق، کپی قیسغالتماق.
- اجمال ajmāl: [ع] دویهلر، جمع جمل.
- اجمل ajmal: ص.ت. [ع] قاتی آوادان، قاتی کۆزنوکللی، اۆرآن گۆزل.
- اجناس ajnās: [ع] جمع جنس، مال ماتالار، زاتلار، خریدلار.
- اجنبی ajnabi: ص. [ع] اجنب، کسهکی، غیری، یاد، اۆزگه، جمع اجانب.
- اجنه ajenne: [ع] جمع جنین، انانینگ قارنیندا بۆلآن چاغلار، اوستی باغلی. پارس دیلینده یالنگیشلیق بیلن اجنه : جینلار معنیده گتیریلیار.
- اجور ojur: [ع] جمع اجر، مزدلار، ایش حقلار، پاداشلار، ال عذابلار، اجرلر.
- اجوف ajwaf: ص. [ع] ایچی بوش، زات سیز.
- اجهار ejhār مصص.م. [ع] قاتی قیغیرماق، جار چکمک، آشکار اتمک، سسینگی جهریا اتمک.
- اجیر ajir: ص. [ع] گونه مزد، گونه ایشلاپ حق آلیان، گونلوگونه ایشلاپ مزد آلیان، تالابان.
- احادیث ahādīs: ا. [ع] ب. جمع حدیث و احدثه، خبرلار، نقللار و روایتلار.
- احاطه ehāte مصص: [ع] ط. تۆۆرگنه آیلانماق، قابساماق، غورشاماق، قاباماق، داشینی آلماق، بیر زادی بیلیپ اۆکدهله مک، غورشاماق.
- أحبّا ahebbā: ا. [ع] دوست یارلار، جمع حبیب.
- أحباب ahhāb: ص.ا. [ع] دوست یارلار، سیردداشلار، یارلار، جمع حبیب.
- أخبار ahhār: ص.ا. [ع] دانشمندلر، دانالار، بیلیملی لر، روحانیلار، یهودی لرینگ رهبری، جمع خبر.
- احتجاج ehtejāj: مصص. [ع] بیر زادی ثبوت اتمک اوچین دلیل گتیرمک، بیر دعوا اوچین دلیل تاپماق.
- احتراز ehterāz: مصص. [ع] داشدا دۇرماق، پرهیز اتمک، قایرا دۇرماق، چکینمک، ساقلانماق، قاچا دۇرماق.
- احتراق ehterāp: مصص. [ع] یانماق، اوت آلماق.

- احترام ehterām: مص. [ع] حُرمت
ساقلاماق، سیلاماق، عزیز گۆرمک،
سیلاغ.
- احتساب ehtesab: مص. [ع]
ساناماق، سانا گیریزمک، حساب
اتمک.
- احتشام ehtešām: مص. [ع] ۱-
اویالماق، ۲- حیا اتمک، شانلی
مرتبه‌لی بۇلماق، اولالماق، حاشاماتلی.
- احتضار ehtezār: مص. [ع] ۱- حاضر
بۇلماق، ۲- قارقارا گلیمک، اولوم
حالتدا یاتماق.
- احتفال ehtefāl: مص. [ع] میلیس
قۇرماق، بیر یریک ییغنانماق،
اویشمک.
- احتقار ehtepār: مص. [ع] کیچلتمک،
پسه دوشورمک، اورنونی پسه
سالماق.
- احتقان ehtepān: مص. [ع] قان
دونگماق، پشو توتولماق.
- احتکار ehtekār: مص. [ع] ۱-
انبارلاماق، ۲- ساتانی آرزان آلیپ
قیمت ساتماق، یۇقاربهاء ساتماق.
- احتکاک ehtekāk: مص. [ع]
قاشینماق، سویکنمک، اندامینگی
دیرناق بیله دیرماماق، قاشیماق.
- احتلام ehtelām: مص. [ع]
دیشیرگه‌مک، شیطان بۇلماق.
- احتمال ehtemāl: مص. [ع] ۱- گمان
اتمک، ۲- آخمال بۇلماق، ۳- چن
چاق اتمک، ۴- صبرلی جیداملی
بۇلماق، یوک گۆترمک.
- احتمالاً ehtemālan: ق. چن بیلن،
گمان بیله، بلکی، بلکم یالی سۆز.
- احتیاج ehtiyāj: مص. [ع] گرکلی‌لیک،
احتیاجلی‌لیق، ضرورلی‌لیق،
ماتأچلیک، ضروری‌لیق.
- احتیاط etiyāt: مص. [ع] اویلانشیپ
ایش اتمک، سونگون سایغارماق،
اویلانماق، صره‌صاپلی‌لیق.
- أحد ahad: ا. [ع] بیر، یک، یالنگیز،
منگزشسیز، آحاد جمع.
- أحد (d) ahad(d): ص.ت. [ع] تیززاک،
قاتی‌راق، یتی‌راق، کسیجی‌راک.
- أحداث ehdās: مص. [ع] تازه‌دن
قۇرماق، تازه‌دن بچرمک، تازه‌دن
یاسماق، تازه‌دن بنا اتمک، قۇرناماق.
- أحداث tahdās: مص. [ع] ۱- تازه
زاتلار، ۲- بدعتلر، تازه‌تاپیلانلار
شرعه قارشى ایشلر، جمع حدث.
- آخِدیٔ ahadiyyat: مص. [ع] ح د
ی) بیرلیک، تاکلیک، تانگری‌نینگ

بیرلیگی.

احرار ahrār: ص. [ع] آزادلار،

جۇمارتلار، ارکینلر، جمع حُرّ.

احراز ehrāz: م.ص. [ع] ۱- بیر

مقصده یتمک، ۲- اله گتیرمک، ۳-

ساقلاماق، ۴- برکیتمک.

احراق ehrāq: م.ص. [ع] یاقماق،

یاندیرماق، اودلاماق.

احرام ehrām: م.ص. [ع] حرمة

گیرمک، حاجی‌لارینگ کعبا زیارت

اتمزدن اؤنگ احراما گیرمه‌گی احرام

بستن: احراما گیرپ کعبا (الله‌نینگ

اؤیونه) زیارت اتمک.

أحرام ahrām: ا. [ع] حرم‌لر، جمع

حَرَم.

احزاب ahzāb: ا. [ع] دسته‌لر،

بۆلک‌لر، تۇپارلار، جمع حزب.

احزان ahzān: ا. [ع] غم غصّه‌لار،

قایغی‌لار، توقاتلیقلار، جمع حُزن.

احساب ahsāb: [ع] جمع حسب،

قوشولماق، سانا گلیمک.

احساس ehsās: م.ص. [ع] دۇیماق،

آنگشارماق، دوشونمک، سیزماق،

آنگماق، دۇیۇم.

احساسات ehsāsāt: ا. اؤجیگمک،

دویماقلیقلار، جمع احساس.

احسان ehsān: م.ص. [ع] قاویلیق،

آدمکارلیک، یاغشی‌لیق، سخی‌لیق،

خیر ثوڭاپ، ثواب.

احسن ص.ت. [ع] اؤرآن قاوی، بتر

اؤنگات، احاسن جمع.

احسنت ahsant: [ع] ۱- قاوی ایش

اتدینگ! اؤنگات ایش عمله

آشیردینگ! ۲- پارس دیلینده:

مرحبا، آفرین، بره‌کلا معنیده.

احشام ahšām: [ع] جمع حَشَم،

سورلی قویون، سیغیر قارا مال.

احشاء'ahšā': [ع] ایچ اعضاسی، یورک

باغراؤیکن و قارین ایچه‌گه و آش

قازاندان عبارت، جمع حشاء.

احصان ehsān: م.ص. [ع] برکیتمک،

ساقلاماق، عیال آلماق، اویلمک.

احصاء'ehsā': م.ص. [ع] حسابلاماق،

ساناماق، آمار تۇتماق.

احضار ehzār: م.ص. [ع] ۱-

حاضیرله‌مک، ۲- طیارلاماق، ۳-

ایسله‌مک، یانینگا چاغیرماق.

احضاریّه ehzāriyye: ا. [ع]

چاغیریش خط، دادگاه‌نینگ

چاغیریش خطی، چاقیلیق خط.

احفاد ahfād: [ع] آغتیق چاولیقلا،

جمع حَفَد.

احقّ (q)ahaq: ص.ت. [ع] قاتی حقلى،

اۋرۇن حقلى، قاتى دوغرى، اۋرۇن ياراشىقلى.

احقاق ehqāq: مص. [ع] حقلاشماق،

حق سوراماق، حقه دوغرى حكم اتمك.

احقر ahqar: ص.ت. [ع] اۋرۇن كىچى،

بتر پس، قاتى اريت، قاتى عجيز.

احكام ehkām: مص. [ع] بىر زادى

ماكامله مك، بركىتمك.

احكام ahkām: [ع] جمع حكم،

فرمانلار، بويروقلار، يارليقلار.

احلاف ehlāf: مص. [ع] آنت برمك،

قسم برمك.

احلاف ahlāf: [ع] پيمانلار، شرطلر،

عهدلر، جمع حلف.

احلال ehlāl: مص. [ع] حلاللاماق،

حلاله اۋويرمك، حلال لاشد يرماق،

حرامليقدان چىقارماق.

احلام ahlām: [ع] باسىرغانمالار،

آلجىرانگ اوقىلار، دويش لر،

دويشورگه مكلر، جمع حلم.

احمد ahmad: [ع] قاتى اۋوگا

مىناسىپ، بتر اۋوگولى راك. محمد

پىنمىرمىزىنگ يۇرتيه آدلارى نىنگ

بىرى، خاص دا پىنمىرمىزه احمد

مختار دىيىپ ده آيدىليار اكن.

احمر ahmar: ص. [ع] قىزىل،

قىرمىزى رنگ، جمع احامر.

احمق ahmaq: ص. [ع] عقلىسىز،

نادان، آقماق، سامسىق، كلّەسىز،

تنتك، ىرره، گدى.

احمقانه ahmaqāne: ق. [ع. ف. ا]

آقماقلانچ، سامسىقلىقدان،

احمقلىغا باغلى، سامسىق يالى.

احوال ahwāl: [ع] ياغدا يىلار،

دۇرمۇشلار، حاللار، جمع حال و حول.

احور ahwar: ص. [ع] (و) قاراگۇن،

مارال گۇن، جرن گۇن، آوادان گۇزلى،

حور جمع.

أحوال ahwāl: ص. [ع] قىشيق گۇن،

چپ گۇن، بۇله گۇن، گۇزونىنگ قاراسى

بأبه نه گى قايداليندا بۇلان.

احول ahwal: ص.ت. [ع] قاتى

حيله چى راك، مكرچى راك، اۋرۇن

اويونچى، چاره گۇروجى.

احيان ahyān: [ع] وقتلار، زمانلار،

دۇويرلر، جمع حين. احياناً: كآ-كأ،

كاتە-كاتە، وقت-وقت، دويدانسىز،

بىيرىنكأ.

احياء 'ahyā: [ع] دىرى لر، قىبيله لار،

قوملار، جمع حى.

- احياء 'ehyā: مصص. [ع] ۱- جانلانديرماق، ديرلتمك، ۲- گيجانى عبادت بيلن گچيرمك.
- اخ tax: [ع] دوغان، قارداش، اخوه و اخوان جمع.
- اخاذ axxāz: صص. [ع] خ) ۱- كۆپ چكيجى، قاتى آليجى، اۇران توتوجى، ۲- سومسيز، يوزى قالينگ باج آليجى، پارا آليجى.
- اخافه exāfe: مصص. [ع] قۇرقوزماق، خوف سالماق، قۇرقى برمك.
- اخبار exbār: مصص. [ع] خبر برمك، خبرلى اتمك، خبردار اتمك، آگاه اتمك.
- اخبار axbār: [ع] آگاهليک، خبرلار، جمع خبر.
- اُخت oxt: ا. [ع] عيال دوغان، قيز دوغان، اۇيا، سينگلى، اخوات جمع.
- اختبار extebār: مصص. [ع] سيناماق، سيناپ گۆرمك، بير زاتسدان خبرلى بۇلماق، آگاه بۇلماق، سيناو، درنگو.
- اختتام extetām: مصص. [ع] قوتارماق، سونگلاماق، تماملاماق.
- اختتان extetān: مصص. [ع] سنت اتمك، اۇغلانى سنتلنديرمك.
- اختر axtar: ا. ت) ۱- بخت، ييلديز، ۲- بخت، طاله‌ى.
- اختراع 'exterā: مصص. [ع] دۇرتمك، يوق زادى يوزه چيقارماق، تازهدن يوزه چيقارماق، اوزال چيقماديق زادى دۇرتمك.
- اخترآق exterāq: مصص. [ع] يسيرتيلماق، كسيلمگ، اوزولمك، ديلينمك.
- اخترام exterām: مصص. [ع] كسمك، كۆكوندن يۇلماق، دويپوندن اوزمك.
- اخترشناس taxtaršenās: صص. ييلديز تانيجى، منجم
- اختصار extesār: مصص. [ع] قيسغالتماق، قيسفا صوراتا گتيرمك، سۆزى قيسغالتماق.
- اختصاص extesās: مصص. [ع] آيراتينليق، خاصلاماق، آيراتينليغا اوويرمك، آيراتينليق.
- اختصام extesām: مصص. [ع] بيله دوشمانليق اتمك، قصد اتمك، ياغى بۇلماق.
- اختفاء 'extefā: مصص. [ع] گيزگنمك، ياشيرينماق، بوقولماق، اۇرتونمك.
- اختلاس extelās: مصص. [ع] اوغورلاماق، پول دير يا ش.م. زادى حق حقوقسيز بير قۇراما يا

یوقار پألیک اتمک، ۲- گمان اتمک.

اُخْتم axsam: ص. [ع] یاسسى، قالینک

بورون، یاسسى بورون و قولاق.

اُخْذ axz: مص. [ع] (خ) آماق، اله

گتیرمک، قولا سالماق، اوزونگه

گچیرمک.

اُخْراب axrāb: [ع] خُربه یا خرابه، بیر

زادینک دشیگی، ایگنه نینگ دشیگی

یالی، جمع خُرب.

اُخْراب extrāb: مص. [ع] ویران

اتمک، درى داغین اتمک، خراب

اتمک، بوزغونلیق سالماق.

اُخْراج axrāj: [ع] خراج، خرجلار،

چیقداجى لار، جمع خرج.

اُخْراج extrāj: مص. [ع] داشارى

چیقارماق، داشار قاماق.

اُخْرب axrab: ص. ت. [ع] قاتی خراب،

اُوران ویران.

اُخْربه axreba: [ع] خرابچیلیقلار،

خرابه لار، بوزوقلیقلار، جمع خراب.

اُخْرس axras: ص. [ع] لال، دیلى

پلتک، دیلى باسیق.

اُخْرم axram: ص. [ع] بورنى کسک،

بورنى دلیک، بورنى دشیک.

اُخْروى oxrawi: ص. ن. [ع] آخرت گونا

باغلى، قیامت باغلى، محشر گونینا

اداره نینگ صندینیندان اوغورلاپ

گؤترمک، آماق.

اختلاط extelāt: مص. [ع] قاتیشماق،

قاریشماق، قوشولماق، قاریشقیلیق،

یوغوریلماق.

اختلاف extelāf: مص. [ع] بیر

بیرینگه بيله قارشىلىق گؤرکزمک،

آغیز آلايىق، اونگیشمازلىق،

تَرسله شیک.

اختلال extelāl: مص. [ع]

چاشغینلىق، اوزونگى ييتيرمک،

درى داغینلىق، دوزگون سیزلیک،

آلجرانگلىق.

اختناق extenāq: مص. [ع]

بوغولماق، بوغاز قیسىلماق، خفه

بۇلماق، بوغولماق.

اخته axte: ص. خایاسى چکیلن،

ارککلىک مازى چکیلن، بیچیلن.

اختیارات extiyārāt: [ع]

ارکینلىکلر، آزادلىقلار، جمع اختیار.

اختیار extiyār: مص. [ع] بلله مک،

ارکینلىک، آزادلىق، دینچلىق،

حالماق، اختیار اتمک.

اختیال extiyāl: مص. [ع] ۱-

منلىکلىک اتمک، تکبَرلىک اتمک،

بۇيۇن یوغینلىق اتمک، اولى تۇتماق،

باغلى.	اخطاء' extā': مص. [ع] خطا اتمک،
آخرى oxrā': ص. [ع] مؤنث آخر،	يالنگيشماق.
باشغا، غیری، اوزگه، کسهکی	اخطب axtab: ص. ت. ۱- دیله وار،
معنى لرده.	کپه چپر، ۲- خطبه نی اؤنگات
اخرز axzar: ص. [ع] کیچی جک	اوقییان.
گوزلی، کیچی گوز.	أخفاف axfāf: [ع] جمع خَفّ و
اخرم axzam: ا. [ع] ارکک ییلان.	خفیف، ینگیلر، آغرام سیزلار.
أخس axas(s): ص. ت. [ع] بـ	إخفاف exfāf: مص. [ع] ینگیل
خسیس، قاتی بخیل، بتر پس، قاتی	بؤلماق، ینگلیتمک، ینگیل یوک
اربت، اؤران بیچاره و عجیز.	بؤلماق.
أخس axš: ا. [ع] دگرلی، بها، قیمت، نرخ،	اخفاق exfāq: مص. [ع] ۱- امیدسیز
دگری.	اؤورولمک، الی بوش اؤورولمک، بوش
اخص axas(s): ص. ت. [ع] قاتی	قایتماق، ۲- اؤچی اوسیز بوش
آیراتین، خاص سایلانان، سچیلن،	قایتماق.
بلله نن.	اخفاء' axeffā': [ع] جمع خفیف،
اخصاء' exsā': مص. [ع] اخته اتمک،	ینگیل لیکلر.
ارکک لیک مازینی آییрмаق، بیچمک.	إخفاء' exfā': مص. [ع] بوقدورماق،
اخصر axzar: ص. [ع] یاشیل رنگ.	گیزگه مک، یاشیرماق، اؤستونی
اخصع' axza: ص. [ع] خوارلیق،	اؤرتمک.
اؤزونی پس پأللیگه اوریان، اوزونی	اخفی axfā: ص. ت. [ع] اؤران گیزلین،
کیچی تۇتماق لیغا راضی ادیان آدم.	بتر یاشیرین.
إخطار extār: مص. [ع] اؤزینگی	اخفیه axfiye: [ع] جمع خفاء،
خطرہ سالماق، بیلدیرمک، خبردار	گیزلینلر، یاشیرینلار.
اتمک، یادا سالماق، دویدورماق.	اخگر axgar: ا. اود، یانان اودونگ یا
أخطار axtār: [ع] خطرلار، خوفلار،	کؤمورینگ بؤلگه، کؤز.
قورقلار، وهملر، جمع خطر.	إخلاص exlās: مص. [ع] پاک و

أَخْلَاءُ 'axellā: [ع] دوغرى وفادار دوستلار، جمع خليل.

أَخْلَص axlas: ص.ت. [ع] اۇرۇن الين،

قاتى پاك، بولاشيق سيز، بقر آراسسا.

أَخْلَف axlaf: ص. [ع] ۱- چىپه گى،

سۇل چى، ۲- احول: آقماق و ارکک

ييلان معنيده.

أَخْم axm: ا. يوز گۆزى آسماق،

يوزونگ تورشوتماق، مانگلاي

چيتمك، سوس، يوز گۆزى چييتيك،

سورتورماق.

أَخْمُ أَلُود axmālud: ص. ۱-

مانگلاي چييتيك، يوز گۆزى

تورشيدان، قاهاردا ۲- اريت ياغايدا

بۇلان.

أَخْمُو axmu: ص. قاشى چييتيك،

توتوق، يوزى ساليق، يوزى گۆزى

آسيق، سورتوريش.

أَخْمُ وَتَخْم axmotaxm: ا. مـر.

توتوقلىق، يوزى گۆزى چييتيكلىك،

سورتورما.

أَخَوَات axawāt: [ع] عيال دوغانلار،

جمع أخت.

أَخْوَال axwāl: [ع] جمع خال،

دايىلار، اجنگ دوغانلارى.

أَخْوَان axawān: [ع] ايکى دوغان.

آراسسا، آيراتين دوست بۇلماق،

اخلاص. سورة اخلاص: «قُلْ هُوَ اللَّهُ

أَحَدٌ» سوره سى، توحيد سوره سى.

أَخْلَاط axlāt: [ع] يوغورلان زاتلار،

قاقيليق، چيرک، جمع خلط.

إِخْلَاف exlāf: مـص. [ع] وعده

خلافلىق، اقرار سيزلىق، عهدى

يالانلىق، بير زادى گيديپ يرينه بير

زات آلماق.

أَخْلَاف axlāf: [ع] ۱- اۇرۇندا

اوتورانلار، ايزيندا قالانلار، ۲- اوغۇل

قىزلار، جمع خَلَف.

أَخْلَاق axlāq: [ع] عادتلار، قىلىقلار،

اندىكلر، اخلاق، جمع خُلُق.

أَخْلَال exlāl: مـص. [ع] فسادا چكمك،

بولاشديрмаق، زوال ييتيرمك، فتنه

تـوـرۇزماق، بـوـلـاـغـاـي چىلىق،

دوژگون سيزلىك، دوژگونى پوزماق

أَخْلَالِگَر exlālgar: ص. فا. [ع. فا.] ايش

دوژگونى پوزيان، بوزوقچىلىق،

فتنه چىلىك، بوزغاق چىلىق اديان.

إِخْلَاءُ 'exlā: مـص. [ع] ۱-

چۇلاشديрмаق، ۲- بوشاتماق، ۳-

بوش جاى تاپماق.

أَخْلَاءُ 'axlā: [ع] عيال سيز ارککلر،

ارکک سيز عياللار، جمع خلو و خالى.

اخوان exwān: [ع] دوغانلار، قارداشلار، جمع آخ.

اخوت axowwat: مص. [ع] دوغان بولماق، دوغانلىق، دوستلۇق.

آخوي axawi: ص.ن. [ع] دوغان، دوغانا باغلى، دوغانلىق، فارسچه دوغان ديبيليار.

اخيار axyār: [ع] ۱- اۇران اونگاتلار، ياغشىلار، آدى بىللىلر، ۲- سخاوتلىلار، جومارتلار، جمع خيّر.

اخير axir: ص. [ع] آخىرقى، سونگقى، اخيراً: آخردە، تازەلىك.

آخير axyar: ص. [ع] اۇران قاوى، قاتى ياغشى، قاتى اۇنگات.

اخيل axyal: ص. [ع] ۱. اندامى منگلى، انداميندا منگى كۆپ بۇلان ۲. داش دېش قوش، داركوب تاويق معنيده.

اخيون axeyun: ا. [ع] يونانلى نينگ سۆزوندىن: گل گاوزيانا منگزش اوت، قاققلىق و خاصدا يىلان ايچيان چاقانينگ درمانى.

آدا adā: ا. ناز و كرشمه، نازيرگه مه، ۲. بىرى نينگ اده نينى اتجك بۇلماق معنيده، آغيز اويكنمه.

آدات adāt: ا. [ع] «اداة» آبزال، شای شوى، جمع ادوات.

اداره edāre: مص. [ع] دولانديرماق، دولتى جايلار، دولت آدم لارينگ ايش جايى، اداره؛ رئيس-باشلىق و ناچه ايشكاردن عبارت. اداره كردن: باش چاراماق، اداره اتمك.

ادامه edāme: مص. [ع] دوام برمك، عمله آشيرماق، سونگون ايتيرمك، سونگلاماق، ايزينى تۇتماق.

آداء adā: مص. [ع] انجام برمك، برگينگ برمك، قرض آلان پولونكى بريپ ساوماق.

آداب adab: ا. [ع] علم بيليم، مدنيت، يول يوردا، ادب اركان. علم ادب: علمه دولى اوستيم بولوپ اله آلانلار، دوغرى شمر دوزمه گى و اۇنگات اثر يازماغى ۲. دوغرى و يانادوغرى يازيلان يازغىلارى سلجرمه گى و سايفارماقلىقى دولى باشاريان؛ قديمى عالملارينگ فكرينه گۇرا علم و ادبه آشاقداكى زاتلار گيريار: عرب دىلى نينگ دستورى (صرف و نحو)، سۆزلوك، بيان، عروض، بديع، قافيه. ادبيات: ادبه دگيشلى علملار، ادبى مسئلهر و علملار حقد كوررونك گچيان يازغىلار، ادبيات.

ادبار edbār: مص. [ع] ۱- يوز

- اوویرمک، پنگسانگ تۇتماق، ۲-
بدبختلیق، یوزی قارالیق.
- ادبار adbār: [ع] جمع دُبر، ایزلار، بیر زادینگ ایزلاری.
- أدباء 'odabā: [ع] جمع ادیب، علملیلار، بیلیملیلر، ادبیات علمیندان خبرلیلار.
- آدب گاه adabgāh: ۱. امر. [ع.فا] ۱. ادب جایی، ادب مکانی، ۲. مدرسه، مکتب.
- ادرار edrār: ۱. [ع] پشه و، سیدیک.
- ادرار edrār: مص. [ع] آقدیرماق، روان اتمک، یوریتمک.
- ادراک edrāk: مص. [ع] دوشونمک، آنگلاماق، دویماق، بیلمک، عقل یتیرمک.
- ادرم adram: ۱. آط کچهسی، آطینگ ایر کچهسی.
- آدعانا مه edde'ānāme: ۱. امر. کیفر خواست، جزا ایسلهگی، جزا طلب اتمک.
- آدعاء 'edde'ā: مص. [ع] دعوا تۇتماق، دعوا لاشماق، دعوا تۇرۇزماق، من حقلی دییمک.
- ادعیه ad'iye: [ع] جمع دُعاء، دعا لار.
- ادغام edqām: مص. [ع] بیریکدیرمک، یوغورماق، قاتیشدیرماق، ایکی زادی بیریکدیرمک.
- إدناء 'ednā: مص. [ع] یاقینلاماق، قولایلاماق، یاقینلاشماق.
- آدناء 'adbā: [ع] جمع دُنى، دلیل لر، خبیسلار، خورحومسیلار.
- آدوات adawāt: [ع] آبالار، شای شویلار، قۇراللار، جمع ادات، اداة.
- ادوار adwār: [ع] گردش لر، زمانلار، دؤیرلر.
- ادوکلن odokolon: ۱. [فر.] ادوکلون، عطر ماده دان، آلمانینگ کلنی شهرینده دؤره یار.
- آدویه adwiye: [ع] ناهارلار، آتیلیان داری درمانلار، درمانلار، جمع دوا.
- آدهان adhān: [ع] یاغلار، جمع دهن.
- آدهان edhān: مص. [ع] خیانت اتمک، اربت ایش اتمک، ایچیندأکینی یوزه چیقارماق.
- آدهم adham: ص. [ع] ۱. قارا رنگ، قارا آط، کؤنه چویران زات، ۲. یوپ باغ.
- آدیان adyān: [ع] دین لر، کیش لر.
- آدیب adib: [ع] شاعر، بیلیملی، یازیچی، دیله وار، علملی و ادبلی، یاغشی یامانی سایغاریان، ادبیات

علمینی اووردیان، چپر ادبیاتچی،
ادباء جمع.

ادیبانه adibāne: ق.ص. [ع.فا] ادیبه
منگزش، ادیب یالی، چپر ادبیاتچا
منگزه یان.

اذاعه - اذاعت ezā'at: مص. [ع] فاش
اتمک، جار اتمک، یایراتماق، خبر دیر
یا باشغا سیرلی خبری فاش اتمک.

اذاله ezāle: مص. [ع] عجیزلتمک،
پسلتمک، اورانیشدیرماق، اته گینی
گینگلتمک، اتکلی اتمک.

اذان azān: [ع] نماز چاقیلینی، نماز
چاغیرشی، آذان.

اذخار azxār: [ع] آرتیب
سویشیریلن لر، تیغشیتلان لر، جمع
ذخر.

اذخار ezzexār: مص. [ع] آرتدیرماق،
پس انداز اتمک، تیغشیتلی لیق.

اذعان ez'ān: مص. [ع] اقرار اتمک،
بویون آلماق، بویون بولماق، بویروغا
باش اگمک.

اذکار azkār: [ع] دعا لار، ذکر لر، جمع
ذکر.

اذکار ezkār: مص. [ع] اوورتمک،
بیری نینگ یادینا سالماق.

اذن ezn: مص. [ع] رخصت برمک،

بویروق برمک، اذن.

اُذن ozon: ا. [ع] قولاق. آذان جمع.

اذن الفار ozonolfār: ا. [ع] قایاوتی.

اذهب ežāb: مص. [ع] ۱. آلیپ

گیتمک، ۲. بیرینی داشا دوشورمک،

داشا سالماق.

اذهب ažāb: [ع] طیلار، قیزیلار،

آلتینلار، جمع ذهب.

اذهان ažān: [ع] یادلامالار، ذهین لر،

اؤی و پیکیرلر، جمع ذهن.

اذیت aziyyat: ا. [ع] ایذا، درد، اورغی،

محنت، آزار، اذیت، اؤنجی.

ارائه erā'e: مص. [ع] گورکزمک،

اشکار اتمک، بیلدیرمک.

ارابه arrābe: ا. آرابا، یوک چکیان آرابا.

ارابه چی arrābeči: ا.ص. [فات] آرابا

سوریان، آراباچی.

اراحت erāhat: مص. [ع] راحت،

دینچلیق برمک، دینچ آلدیرماق.

ارادت erādat: مص. [ع] ۱. اراده،

قاوی گورمک، میل، ایسلگ. ۲. فارس

معنیده: چین دوستلوق، قاوی

گوروشمک.

ارادتمند erādatmand: ص. [ع.فا]

ارادتی بولان، قاوی گورمکلیک، اوران

قاوی گوریان.

سۆزلەمک، پیکیرلنمائی قوشغی
آیتماق.

ارتجاع 'ertejā: مص. [ع] امیدلیلیق،
امیدلی بۇلماق.

ارتحال 'erteḥāl: مص. [ع] دونیادن
اۆتمک، وفات بۇلماق، بی یردن باشغا
بیر یره گۆچمک، اۆلمک.

ارتداد 'ertedād: مص. [ع] مرتد
بۇلماق، دیندان چیقماق، اۋوریلیمک،
دۆنمک، دیندان یوز دۇندیرمک.

ارتداع 'ertedā: مص. [ع] اۋوریلیمک،
بیر ایشدن قسایرا دۇرماق، بیر زادا
دوچار بۇلماق، بیر زادا بولاشماق.

ارتزاق 'ertezāq: مص. [ع] اکلنچ
اتمک، رزقینگ ایزیندا بۇلماق،
رزقلانماق، اونگشیق قاولاماق، رزق
طلب اتمک.

ارتش 'arteš: ا. ج. بیر یوردونگ اهلی
سربازلاری، قوشونی، حربی
گوچلری.

ارتشاء 'ertešā: مص. [ع] پارا آلماق،
پارا اییمک، پاراخورلیق.

آرتشبد 'artešbod: ا. اولی افسر،
ایرانینگ یوقار درجده بۇلان نظامی
افسری.

ارتشتار 'arteštār: ا. ص. ارتیشتر :

إرادة 'erāde: مص. [ع] (=إرادت) ۱.
ایسلگ، قصد، یۆزلگه ۲. فارس
دیلینده: اخلاص، اینام، طلب اتمک،
ایسته مک، دوست گۆرمک.

آراذل 'arāzel: [ع] اربت آدملا، پست
آدملا، جمع ارذل.

آراضی 'arāzi: [ع] یرلر، توپراقلا، دوز
میدانلا، جمع ارض.

آراقیطون 'arāqitun: ا. آبی پنجه.

آریاب 'arbāb: [ع] ۱. ایهلر، اکلہ یانلر،
جمع رِب ۲. فارسچا مفرد صؤراتدا
آقا، ایه و ملکدار معنیده.

آربع 'arba: [ع] دۇرت، دۇرت خاتین.

آربعاء ۱- [ع] چهارشنبه گونی.

آربعه 'arba'e: [ع] دۇرت، دۇرت ارکک.

آربعین 'arba'in: [ع] قیرق، قیرقینجی،

وفات بولانینگ قیرقی. حضرت امام
حسینینگ قیرقی.

ارتباط 'ertebāt: مص. [ع] باغلانشیق،

باغیللیق، بیرگشیک، یاقین

قاتناشیق، آراقاتناشیق،

ارتجاع 'ertejā: مص. [ع] اۋوریلیمک و

دۆنمک، سیاست تارشى چیقماق،

دوزگونى پوزماق، کۆنانى ایزارلاماق،

کۆنه یاغدا یا اۋوریلیمک.

ارتجال 'ertejāl: مص. [ع] اویلانمانی

اورده، جمع ارتشتاران.

ارتصاد ertesād: مص. [ع] گۆز يولدا
بۇلماق، گۆزلى در بۇلماق.

ارتضاع 'ertezā: مص. [ع] سويت
ايچمك، سويت اممك، چاغانينگ
انه سىنينگ امجه گيندن سويت
اممه گى.

ارتضاء 'ertezā: مص. [ع] شاد
بۇلماق، خوش بۇلماق، حالماق،
بگنمك، سايلاپ آلماق، سچمك.
ارتعاب erte'āb: مص. [ع] وهم
اتمك، قۇرقماق، قۇرقا دوشمك،
حواتيرلانماق.

ارتعاد erte'ād: مص. [ع] بى طاقت
بۇلماق، حالينگ دگيشمك،
تيتيره مك، توقات ياغدايا دوشمك.
ارتعاش erte'āš: مص. [ع] تيتيراپ
دۇرماق، تيتيره مك، لرزان اۇرماق،
لرزانلىق، سانديرماق.

ارتفاع 'erteḡā: مص. [ع] يوقار قالماق،
بييك ليك، يۇقار چيىقماق، يۇقار
قالديرماق، گۆترمك، زراعت
حاصليني گۆترمك.

ارتفاع 'erteḡā: مص. [ع] يۇقار
چيىقماق، يله يله يۇقار قالماق، يۇقار
درجه ببيگه يتيشمك، ببيگلمك.

ارتكاب ertekāb: مص. [ع] بير ايشه
باشلاماق، بير ايشى بيتيرمك، بير
گناه ايشه يوز اۇرماق، عاصى ايش
اتمك.

ارتماس ertemās: مص. [ع] سۇوا
چوممك، بير اوغور كلە سيني سۇوا
سوقماق.

ارتهان erteḡān: مص. [ع] گرو
تۇتماق، گرو آلماق.

رتياب erteḡāb: مص. [ع] شكه
دوشمك، شك اتمك، شبهه لنمك، بد
گمان بۇلماق، بيرينه تهمت اۇرماق.

ارتياح ertiyāḡ: مص. [ع] شاد
بۇلماق، كۇشىمك، راحتلانماق،
شادلىق.

ارث ers: مص. [ع] آزادان چيىقان
آدمى نينگ مالىندان يعنى
بايليغيندان ميراث دوشرلرينه يتيان
مال، تركه دن يتن مال، ۲. ارث آليانلارا
ارث يتمك.

آرچ arj: ۱. دگر بها، قيمت، قدر، مرتبه.
ارچ arj: مص. [ع] حقى باطिला
دۇندرمك، حقى باطل اتمك، حقى
بۇچا چيقارماق.

آرچ araj: ۱. تيرسك بيلن بارماغينگ
آرا اؤلچه گى، ال لرينگ ايكي قاپدالا

آجیلدیق اؤلچەگى.

ارج [arej: ص.] اۈنگات ايسلى
بۇلان، اۈران ايسلى.

ارجاع [erjā': مص.] ۱. اۈۈيرمک،
دۇلاماق، قايتارماق، ۲. ايکيلاپ بير
ايشى بيرينه تابشيرماق.

ارجاء [erjā': مص.] ايشى ايزه
سالماق، اميدگار اتمک، سۇنگرا
قويماق.

ارجاء [arjā': ع.] طاراپ، يان، جهت،
قىراق، چت و اولکه ممئيدە: جمع رجا.
ارجح [arjah: ص.ت.] اۈران اۈنگات،
قاۋىراق، بتر قاۋى، آرتيقماچراق.

ارجل [arjal: ص.] آياغى اولى
ارکک آدم، اولى آياق، اۈۈ و يا ايزقى
آياغى سکیلىلى آط، توتوش قۋاتلى
کامل آدم.

آرجل [ārjol: ع.] آياقلار، آردىملار،
قدملار، جمع رجل.

ارجمند [arjmand: ص.] قيماتلى،
قدرلى، دگرلى، عزيز، سيلاغلى.

آرچين [arčīn: ا.] پايا، مرتبه،
باسسانجاغينگ پلەسى.

ارحام [arhām: ع.] دۇغان
قارداشلار، ايلن- چالانلار رَحْمَلَر،
جمع رَحْم.

ارحم [arham: ص.ت.] [ع] قاتى
رحملى، قاتى مەرلى، اۈران
باغيشلايچى ارحم الرّاحمين:
رحملى لرینگ رحملىسى، خدای
تبارک و تعالى نینگ صفتى نینگ
بيرى.

ارد [ard: ا.] گۈنۈلىک، پاکلىک،
دۇغرۇلىق، آراسسالىق، قۇجۇرلىق،
قۇربۇلىق، غضب قهر.

أرد [ord: ا.مر.] [فر.] نظم، ترتيب،
دوزگون، يۈل يۇردا، حکم، بۇيرىق.
اردشیران [ardeširan: ا.] اردشیروان:
مرو، آجى ايسلى اوت، دأرى
درمانلىق اۋتى.

اردک [ordak: ا.] [ت] اۈردک، سۈۈ
قوشى، چۈل يرلردە هم ياشاپ
بيليار.

اردک ماهى [ordakmāhi: ا.مر.]
اۈردک تاۋيرالى بالىق، اۈردک بالىق.

اردلان [ardalān: ا.خ.] کـــرد
طايفاسى نینگ بير تيرهسى.

اردنگى [ordang: ا.] (= لگد) چۈۈمه،
آياق بيلن بيرىنى دپمه.

اردو [ordu: ا.ج.] لشگر، سپاه، اوردا،
قوشون.

اردو [ordu: ا.] اوردو دىلى؛ بو دىل



- فارس، عرب، هندی دیللردن عبارت،
اۋزی-ده پاکستان بیلن
هندوستانلی نینگ دیلی.
- اردوگاه **ordugāh**: ۱. مر. اوردانگ،
قوشونینگ یرلەشن یری،
وقتلايينچا دوينه يان یری.
- اردیبهشت **ordibehešt**: ۱. یاز
فصلی نینگ و شمس ییلی نینگ
ایکینجی آی.
- ارذال **arzāl**: [ع] ناکسرلر، اربتلر،
جمع رذل.
- ارذال **erzāl**: مص. [ع] پس سایماق،
خوار اتمک، عجیزلتمک، بۇلغى سیز
ایش اتمک.
- ارز **arz**: ۱. بها، قدر، قیمت. تجارت
چیزییندا یعنی آدالغاسیندا خارجی
پول بیلن قیمتداش، یعنی مشخص
بولان بولسون.
- آرۇز **aroz**: ۱. [ع] تووی.
- آرۇز **arz**: ۱. [ع] صنوبر آغاجینگ بیر
گۆرنوشی.
- ارزاق **arzāq**: [ع] رزقلار، آزیقلار،
جمع رزق.
- ارزان **arzān**: ص. بهاسی آز، قیمتاتی
آز بۇلان، آزان.
- ارزانی **arzāni**: ۱. مص. آزان بۇلماق،
آرزانلیق، هۇدور، بهاچیلیغینگ
ترسینه ۲. باغیشلايش، پشکش.
- ارزش **aržeš**: ۱. مص. ز. دگرلی، بهالی،
قیمتلی.
- ارزن **arzan**: ۱. داری.
- ارزنده **arzande**: ۱. فا. دگرلی، بهالی،
بهاسی یتیک، قیمتاتلی.
- ارزیاب **arzyāb**: ۱. ص. گمرک
اداره لاردا ماتالارینگ گمرکینی
کسگیتلەیان، ماتالارینگ گمرکینی
کسیان آدم، دگر-بهاسینی اؤلچەیان
آدم.
- ارزیدن **arzidan**: مص. ل. دگرلی
بۇلماق، قیمتاتلی بۇلماق ۲.
یاراشیقلى بۇلماق.
- ارژنگ **aržang**: ۱. مانی غا دگیشلی
کتاب، مانی نینگ کتابی، اونونگ
ایچینده دورلی نقشلی صورتلار
چکیلن بۇمالی.
- أرس **ors**: ۱. داغ آرچاسی، سروی آغاچ،
جنگل کناریندا بیتیان آغاچ.
- أرس **ars**: ۱. گۆزیاش، گۆز یاشی.
- أرس **oros**: ۱. اؤرس، اؤرس آدم سی.
- إرسال **ersāl**: مص. [ع] گۆندرمک،
ایسبرمک، گۆیبرمک، یوللماق،
اوغراتماق.



ارسال arsal: [ع] پاره‌لار، تیکه‌لر، بیر زادی‌نگ تیکه‌سی، جمع زسل.

ارسالان arsalān: ۱. [ت.] یولبارس، بیرتیجی بارس. هاتیر و غیراتلی آدم؛ ۲. و ترکی آدلارنینگ بیرى.

ارشاد eršād: [ع] یول گورکزمه، گونوکدیرمد یولا سالماق، هدايت اتمک، یول گورکزمه.

ارشاء eršā': مص. [ع] رشوه پارا برمه. ارشد aršad: ص.ت. [ع] اۇران اولی، مرتبه‌سی اولی بۇلان، کۆپینگ آراسیندا یۇقار درجه‌لی آدم.

ارض arz: [ع] یر، توپراق، یر شارى، اروض و اراضی جمع.

ارضاء erzā': مص. [ع] راضی اتمک، شاد اتمک، دیل بیلن و یا بیر زات برپ راضی اتمک، کونگلونی آلماق. ارضاع erzā': مص. [ع] آیلانگ چاغا سویت برپ امیدیرمه‌گی، سویت برمک.

ارباب er'āb: مص. [ع] قۇرقۇزماق، و هم سالماق (بو سۆز عربینگ لغت کتابلاریندا گلماندیر).

ارغام erqām: مص. [ع] قوما توپراغا بولولماق، توپراغا قارماق، بولاشدیرماق، پسیلتمک، خۇرلاتماق.

ارغب arqab: ص.ت. [ع] اۇران هوسلی، اۇران گۆوینجنگ.

ارغنون arqanun: ۱. [یو] پیانو منگزش ساز قۇراللارینگ بیو گۆرنوشی، ارک، کۆپلنج کلیسالاردا اوندان پیدالانیلیار.

ارغنون orqanun: ۱. [یو] علم منطقدا بۇلان ارسطونینگ جملان کتابی؛ ارسطونینگ منطق کتابی نینگ آدی.

ارغوان arqawān: ۱. تگه‌لک یاپراقلی آچیق قیزیل گُللی آغاچ، اول یاپراق چیقارمازدان اۇنگ گل چیقاریان بۇلمالی.

ارفاق erfāq: مص. [ع] یومشاق‌لیق اتمک، مهربانلیق اتمک، نپ گۆرکزمک.

ارفاه erfāh: مص. [ع] دینچ یاشاماق، راحت گۇذران اتمک، راحتلیق، دینچلیق.

ارفع arfa': ص.ت. [ع] اۇران بلند، بتر یۇقاری، اۇران اولی، قاتى تفاوتلی، بلند پایه‌لی.

ارقاب erqāb: مص. [ع] شرطلی بخشش اتمک، اوی دیر دکان دیر شیله جایى بیرینه شرط بیلن برمک،



ارغوان



ارغوان

أرگان **orgān**: ۱. [فر] ۱. ایشگار، بیر
حزبینگ طرفدارى، ۲. اندام، آدمینگ
اندامنینگ بیر بۆلهگی، اعضاسى.

ارگانيسم **orgānism**: ۱. [فر] تنى نینگ
اۋسماگه و یاشاماغا اوقییبى بۇلان
اهلى جانلى زاتلار: (آدم و حیوان).

إرم **eram**: ۱. [ع] یول گۆرکزمک اوچین
یولدا قویولیان بلگی داش، آرام و اروم
جمع.

إرم **eram**: ا.خ. [ع] روایتہ گؤرا یر
یوزینده بهشت حکمینده شدادینگ
سالدیران شهرى یا باغى. سامى
افسانه لاردا آیدیلشی یالى شداد عاد
اوغلى پیغمبرلرینگ بهشتی وصف
ادیشی یالى اۋزدار و دسته سینه اون
ایکی فرسخدان اون ایکی فرسخ
گینگلیکده یرده بهشت یالى ادیب
شهر سالدیریپ سۇنگ اۇنۇنگ
ایچینه گیرماگه رخصت بریلمانى
اۇنۇنگ جانی آلینیار.

ارمان **armān**: ۱. آرزو، ارمان، حسرت،
ایسلیک، رنج، عذاب.

ارمغان **armaqān**: ۱. ساوغات.

أرواح **arwāh**: [ع] روان، جان، ارواح
معنیده، جمع روح ارواحنا فداه: دعا
سسۇزى، «جانلاریمیز سانگا فدا

مثال اوچین من وفات بولسام، اۋى
مال سنینگكى، اما سن اۋلسنگ اۋى
مال ملک منینگكى بۇلسۇن
ادیلکم.

أرقام **arqām**: [ع] جمع رقم، نشانلار،
خطلار، سانلار، سانلارینگ بللى
علامتلارى ۱-۲-۳-۴.

أرك **ark**: ۱. کۆشک، قصر.
أرکاک **arkāk**: [ع] جمع رک، آونیق
یومشاق یاغیش، سینگه دن یاغان
یاغیش.

أركان **arkān**: [ع] پایه لار، اساسلار،
ستونلر، جمع رکن.
أرکستر **orkestr**: ۱. [فر] کۆپ بولوپ
ساز چالپپ آواز اوقیما، دورلى ساز
چالیا نلارینگ تاپغیری.

أرکیدہ **orkideh**: ۱. [فر] اۋزان
گۆرنوکلى، باغچالاردا گلدانلاردا
اکیلیان آوادان گۈل لرینگ بىیر
گۆرنوشى.

أرگ **org**: ۱. [فر] پیانوا منگزش
سازلارینگ بىیر گۆرنوشى، فارسچا
ارغنون هم دییلیار.

أرگ **arg**: ۱. ارک: پوختا برک قالا،
دولت جایی، اولی قالانگ ایچینده
بۇلان کیچی قالا.



بۇلسۇن» دېيىمك.

أرواح arwāh: [ع] يىلر، جمع ريح.

ارواق arwāq: [ع] يىقايىن

دۇستلۇقلار، جمع روق.

اروج aruj: ۱. عىرەر آغاج، اورس آغاجى.

اروح arwah: ص.ت. [ع] قاتى

روحى، قاتى دىنچلىقلى، ۲. آبشى

آچىق آدم.

أروس arus: ۱. مئا، زات، اسباب.

اروس aros: ۱. [يو] قديمدا آيدىليان

يونانىلارنىڭ عشق تانگىرىسى.

اروغ uruq: ۱. [مغ] ايچر ماشغالا،

قارىنداش دۇغان، طايغا و تېرەلەر.

اروند arwand: ۱. سىناغ، سىناو، ۲.

رنج، حسرت، آرزو.

اروين arwin: ۱. تجربە، سىناو، سىناغ.

آرە arre: ۱. آ. پىچنى.

اريش ariš: ص. عقللى، بېلىملى.

ارىكە arike: ۱. [ع] پادشاهلارنىڭ

تختى، كۆشك، ارانك جمع.

ازار ezār: ۱. [ع] انداما اورتىليان زات،

چادر، اورتكى دىر و اگىن اشىك يالى

اندامى اورتىيان زاتلار.

ازاء 'ezā: ۱. [ع] قارشى، برابر، دنگ،

اۈنگ يىرىنە.

أزبر azbar: ۱. مر. ساقلاما، يادكش، ازبر

ازبر كردن: سافاغيىنى يا شعرى

اۈنۇتماسىزلىق، يادىنگدا ساقلاماق،

يادداشتلىق، يادكشلىك.

أزبك ozbak: ۱. خ. اۈزىك، جمهورى

اۈزىكسىستانىنگ آدمىلارى،

اۈزىكىستانلى.

أزبىخ az bix: دويپدن، دويپ گۈتر.

أزوت azot: ۱. [فر] ايس سىز و رنگ سىز

گاز، هوانىنگ باشدان دۇرت بۇلگىنى

شكىللندىريار. اول يومورتغانىنگ

آغىندا، اتدە و سويتدە بوليار، نيتروژن

آدىندا.

أزدهام ezdehām: مص. [ع] كۈپلىك،

اويشمەلنگ، دىقنىشىق، باسا-باس،

آدملارنىڭ كۈپ يىغىنايان ىرى، آلا

باسنى، ھومبىردە ھومبىر، اوده

برولىق، تىقىلدا تىقىل بۇلما.

أزدم az dam: بىرلاى، اوچدان تۇتماچ

أزدواج ezdewāj: مص. [ع] آيال

آلماق، ار خاتىن بۇلماق، ھوبىتلىنمك،

اۈىلنمك.

أزدهار ezdehār: مص. [ع]

ياغتىلانماق، اۈووسمك، يىلدىراماق،

آيدىنگلاشما، بىر زادا بگنمك،

شادلانماق.



- ازدياد ezdiyād: مص. [ع] آرتماق، كۆپلەمك، آرتيقلق.
- ازرق azraq: ص. [ع] ماوی گۆز، گۆك گۆز، آسمانینگ رنگی، ماوی رنگ.
- ازكار افتادن az kār oftādan: ايشدن قالماق.
- ازگيل azgil: ا. كوندیز، آلماوش آدیندا آغاچلارینگ ماشغالاسیندان بۇلان گویزینگ آحریندا بییشیان اییمیش.
- ازل azal: ا. [ع] باشلانغیجی آخری بۇلمادیق، همیشه باقی.
- ازل azall: ص. [ع] ییلدام، هاوایقماچ، آریق دوریق آدم، عروض علم آدالغاسیندا : زلل.
- ازلیت azaliyyat: مص. جم. [ع] همیشه لیک، مبدالمیق.
- از ما بهتران az mā behtarān: ا. مر. جنلار پری لر.
- ازواج azwāj: ا. [ع] آر-هله ی لر، عیالار، جوبوتلر، جمع زوج.
- ازهار aẓār: [ع] شکوفه لار، آچیلپ فندقلاملار، جمع زهره و زهر.
- ازهار eẓār: مص. [ع] شکوفه له مک، گل آچماق، اود یاقماقلیق، پیندیقلماق.
- ازهد aẓad: ص. ت. [ع] تقواراق، قاتی خدایلیق بۇلان، پاک راک، مقربلار.
- ازهر aẓar: ص. [ع] قاتی یاغتی، گوندن و آیدان یالقیماق، پارلاق و آیدینگ راق.
- ازدر aẓdar: ا. آژدارها، آژدار ییلان، اولی ییلان.
- ازدر افکن aẓdar afkan: ا. ص. کیچی راک اۇرۇش پاراخودی، دریا گویچ لریندن بۇلان، آژدر آتلی دوشمانینگ پاراخودی نینگ اوستونه زینگیان گامی.
- ازدرها aẓdarhā: ا. ۱. آژدار، آژداها، قاتی اولی ییلان، افسانه لاردا آغزیندان اود چیقیانمیش دییارلر. ۲. گۆچمه معنادا: شاعرلار اثرینده آیالینگ قارا اوزین ساچینی آژدار ییلانا منگز دیارلار.
- ازدها aẓdahā: ا. بتر اولی ییلان، آغزیندان اود چیقیانمیش دیییپ قدیم حکاتلاردا گلیار، آژدار.
- اُس oss: [ع] پایه، اساس، دویپ، بنیاد، اساس جمع.
- اسائه esā'e: مص. [ع] بدلیک اتمک، یامانلیق اتمک، اربتلیک اتمک، تله که لیک اتمک.
- اساتید asātid: [ع] استادلار جمع

استاد.

اسامي asāmi: ا. [ع] آدلار، جمع اسم؛

آدينگ جمعی.

اساتير asātir: [ع] ساندا حسابدا

دۇرت، آغرام اۆلچەگينده دۇرت مئقال

ياريم، جمع استار.

اسانس esāns: ا. [فر] كايير اوتلاردان يا

حيواندان آينيان عطرى و سۇوۇق

مادە ياغ شكيلينده، اسانس نئاع:

جوهر نئاع.

اسارت esārat: مص. [ع] بيرينى يوپ

بيلن دانگماق، باغلاماق، تۇتماق،

يسير اتمك، قولنى باغلاماق.

اسب asb: ا. () آط.

اسب آبي asbe ābi: امر. سۇو آطى؛

سۇو آط.

اساس asās: ا. [ع] كۆك، هر زادينگ

اساسى، پاياسى، پايا، فوندامنتى،

جمع اس.

اسباب asbāb: ا. [ع] سببلر، جمع

سبب، علتلر.

اساس asās: ا. [ع] پايا، كۆك، پايا

دويپ اساسى: پايا دگيشلى قانون

اساسى: اهلى قانونلارينگ كۆكى،

پايەسى دويىي.

اسباط asbāt: [ع] آختيق، چاوليق،

اوغوللارينگ اوغلى، قيزلارينگ

اوغلى، جمع سبط.

اساسنامه asāsname: امر. [ع. فا] بير

قۇراما يا حزينگ قۇرالماغيندان

اۇنگ، كاغيذ يوزونه يازيلان دوزگون

نامهسى، شرطنامهسى.

اسباع asbā': [ع] جمع سبع (بضم

سين)، بير زادينگ يىدى دن بيرى.

اساطير asātir: ا. [ع] جمع اسطوره و

جمع الجمع سطر؛ قديم دؤويره

دگيشلى داستانلار، سؤزلر، كپلر،

يالان حكاتلار، ارتەكىلر؛ قديم

دؤويردن قالان پهلوانلار.

اسباق asbāq: [ع] ۱. جمع سبق،

ياريشدا گرو- شرط باغلاما؛ ۲. درس،

سافاق.

اسافل asāfel: ص. ا. [ع] جمع اسفل،

قاتى پس؛ قاتى ياراما؛ قاتى اتكده،

بلنديگ ترسى.

اسب چرمه asb-e čarme: ا. چيپار

آط.

- اسب خاکستری asb-e xākestari: ۱. چال آط، چپار آط.
- اسب دریایی asb-e daryāyi: ۱. مر. آطا منگزش دریادا یاشایان کله‌سی بالیق و بویونی آط بونونا منگزش بۆلن جانلی.
- اسب دریایی asb-e daryāyi: ۱. دنگیز آطی، سؤو آطی.
- اسب سمند asb-e samand: ۱. ساری آط.
- اسباق asbaq: ص.ت. [ع] اۆنگرآک، گچن وقت، اۆنگدن اۆنگرآک.
- اسب کرند asb-e karand: ۱. دور آط.
- اسبوع 'asbu: [ع] هفته، یدی گون شنبه‌دن جمعه چنلی، اسایبع جمع.
- اسباس espās: ۱. اؤوگی، سپاس، حمد و ثنا، شکر، درود.
- اسبانچ espānač: ۱. ایسپاناق.
- اسبانیول espānyul: ص. [فر] اسپانیا دییلن یوردونگ آدملاری و دیلی.
- اسباه espāh: ۱. ج. سپاه: قوشون، اؤرده.
- اسبه espar: ۱. سپر: قالقان.
- اسبور espor: ۱. [فر] گل‌سیز اوتلارینگ تخم‌لیق اوچین اۆندریان آونیق
- دانه‌لری.
- اسپرانتو esperantu: ۱. [فر] ۱۸۸۷ نجی ییلدا دکتر زامنهوف‌نینگ ساده آسان دۆرمدن دیلی، بجریلن خلق آرا دیللرینگ بیرى.
- اسپرت esport: ۱. [انگلا] اهلی ورزشلری اؤز ایچینه آلیان: (آط چاپما، گامی دیر، دوچرخه و چوگان یالی آزاد ورزشلردن عبارت).
- اسپرس espers: ۱. حیوانلارینگ ایبیان اوزین اوتی، یاز اوتی (بده) آدیندا.
- اسپرس espers: شایلی اؤت.
- اسپند expand: ۱. اوزارلیک.
- اسپهبد espahbod: ۱. ص. سپاه باشلیغی، سپهبد، سردار، اسپهبدان جمع.
- اسپهسالار espahsālār: ۱. ص. سپهسالار، سپاه باشلیغی.
- اسپیدار espidār: ۱. تبریزی آغاچ، اسفیدال.
- اسپیده espidah: ۱. یومورتغانینگ آغی، دانگ آتیپ جهان یاییلما، دانگ آغارما.
- است ostā: ۱. مخفف اوستا: زرتشتی‌لرینگ مذهبی کتابی.
- است est: [ع] اصل، اساس، پایه،

دويپ.

استاره estārah: ۱. ييلديز، استارگان

جمع.

است ast: ۱. سونگک.

است -استی Ost-osseti: ۱. ن. قفقازده

استا ostā: ۱. مخفف استاد.

اوتوريملى، ايرانلى نژادا باغلى طايفا

استاد ostād: ص. استاد، اوورهديجي

و ديل لرى بولسا فارس ديلي نينگ

معلم، دانا، علم بيلمى آدملازا اورديان

بیر بولومی.

کیشی.

استامپ estāmp: ۱. [فر.] مهر، کاغذ

استادانه ostādāne: ق. ص. استادلارا

يوزونه باسيليان جوهرلى پچات.

منگزش، استادلار يالى.

استان ostān: ۱. دوروملى ير، ياشامالى

استادکار ostādkār: ص. مر. ايشينه

ير؛ ولايت؛ اوزالقي آدى ايالت : اول

اؤكده و چپر بۇلان.

بیر ناچه شهرستانينگ و بخشينگ

استاديوم estādiyom: ۱. [انگلا] ورزش

مركزى، يعنى ناچه شهردن و

ميدانى، ورزش ياريشى گچيريليان

بخشدان عبارت بۇلان اولكه.

يۇريته ميدان.

استاندار ostāndār: ۱. والى،

آستار astār: [ع] اؤرتوكلر، پردملر،

استانينگ حاكمى، ولايت حاكمى،

جمع ستر.

استانينگ باشليقى.

استار estār: ۱. [ع] ساندان دؤرت، آغرام

استاندارد estāndārd: ۱. [فر.] نمونه،

تايدان دؤرت مثقال يا دؤرت مثقال

قاعده، دوزگون، اؤلچك، قبول اديلن

ياريم، اساتير جمع.

گؤركزमे.

استارت estārt: ۱. [انگلا]. ۱.

استانه astāne: ۱. ايشيك، بۇساغا،

باشلاماق، حركت اتمك، يولا سالماق،

بارگاه.

يولا دوشورمك، ۲. ياريش

استبداد estebdād: ص. [ع]

ورزشلرى نينگ تازه باشلان وقتى.

يکەليکده توتوم توتوپ ايش اتمک،

استاره estārah: ۱. اوچ کریشلى تار،

يکە اؤز کلهسى بيله ايش اتمک،

اوچ تارلى ساز.

قانونا بيل باغلامان اؤز کلهسىنه

استاره estārah: ۱. [ع] چادر، اؤرتكى،

گله نينى اتمک، بو لاقام استبدادليق

اوسته اؤرتيليان نارسه.

بیلن حاکم لیک ادن محمد علی شاه
 قاجارا بریلیپ دیر.
 استبداع 'estebdā: مص. [ع] تازه
 بیلیمک، بیر زادی تازه سایماق.
 استبدال 'estebdāl: مص. [ع] عوضینه
 آماق، بیر زادینگ دره گینه بیر زادی
 آماق لیق.
 استبر 'estabr: ص. قالینگ، پوگکی،
 یوغین، کوتی.
 استبراء 'estebār: مص. [ع] عیبدان
 مبرالیق ایسته مک، عیبدان تهمت دان
 پاک لیک ایسته مک، آراسسالماق.
 استبشار 'estebšār: مص. [ع] شاد
 بولماق، شادلیق تاپماق، شادلیق،
 آچیق یوزلی لیک.
 استبصار 'estebśār: مص. [ع]
 دوشونجه لی لیک بیلیملی اتمک،
 گورمک لیک ایسته مک،
 دوشونجه لی لیک، دانالیق،
 گورگورلیک.
 استبعاد 'esteb'ād: مص. [ع] داش
 سایماق، داش دۇرماق، داش قاچماق،
 داشلاشما، داشلیق، اۇزاقلیق.
 استبقاء 'estebqā: مص. [ع] بیر
 زادینگ دوام لی بولماغینی
 ایسـله مک، یـرینـده

اوتورتماق-قویماق، دیری و ایمقلی
 قویماق.
 استتار 'estetār: مص. [ع] یاشیرماق،
 اؤرتـمک، بیر زادا گیزلنمک،
 اؤرتونمک.
 استتمام 'estetmām: مص. [ع]
 تماملاماق، سونگلاماق، آخیرینا
 یتیرمک.
 استثمار 'estesmār: مص. [ع]
 اییر-اییمیش ییغماق، ثمر آماق،
 نتیجه لنمک، بیرینینگ ال عذابینی
 یاتیب اییمک، بیرینینگ ال
 عذابیندان پیدالانماق و حایرلانماق.
 استثناء 'estesnā: مص. [ع] قاعده
 دوڭگون دان چیقارماق، چۆله
 چیقارماق، آیری، شاید، مگر سۆزی
 بیلن عمومی بویروقدان جدا اتمک،
 آییрмаق، قاعده دان چیقماق.
 استجاب 'estejābat: مص. [ع] جواب
 آیتماق و ایسـله مک، روا گۆرمک، قبول
 اتمک، جواب برمک و حالماق.
 استجاره 'estejāre: مص. [ع] پناه
 ایسـله مک، مدد ایسـله مک، فارسی چا
 اجاره اتمک و اجاره ایسـله مک.
 استجازه 'estejāzah: مص. [ع]
 رخصت ایسته مک، اجازه ایسته مک،

ماكاملەمەك.	اذن طلب اتمەك.
استحكام estehkām: مص. [ع]	استجماع estejmā': مص. [ع]
ماكاملەمەك، بركىتمەك، قايىملاماق.	يىغىنناماق، يىغىنناماق، اويشمەك.
استحلاف estehlāf: مص. [ع]	استحاضه estehāze: مص. [ع]
برمەك، آنت ايچ دىيىمەك.	عائىلارنىڭ رەھبەرلىرىدىن قان
استحلال estehlāl: مص. [ع]	گەلەكلىكى، نامازى گۈزەللىكى،
يىلمەك، حلال اتمەك، حلال سايماق.	حىض غەدەتتىن سۈنگە.
استحمام estehmām: مص. [ع]	استحداث etehdās: مص. [ع]
ھامما گىتەمەك، ئۈزۈنگى يىلى سۇ	گەتەرەمەك، ئازەدىن تاپماق، ئازەلەمەك،
يىلىن يۇماماق، يىلى سۇ يۇيىنماق.	ئازەدىن ايسلەمەك.
استخاره estexāre: مص. [ع]	استحصال estehsāl: مص. [ع]
چەكسەن دىيىمەك، خەير زادى طلب	آلماق، ئۈنۈم طلب اتمەك، نەتىجە
اتمەك، ياغشى فال اتمەك، ياغشى	آلماق. ئۈنۈم ئالدىرىمەك
نەت اتمەك، فال آتماق.	استحضار estehzār: مص. [ع]
استخبار estebār: مص. [ع]	تەييارلاماق، تەييارلاماق، تەييارلا
ايسىتەمەك، خەبەر سورىماق، خەبەر آلماق.	ايسىتەمەك، گەتەرەمەك، يادلاماق،
استخدام estexdām: مص. [ع]	خەبەرلى بۇلماق، خەبەرلى ئېلىق.
يېرىنى ايشە قويماق، يېرىنى قوللىنا	استحفاظ estehfāz: مص. [ع]
چاغىرىماق، ايشە يوللىدىرىمەك، ايشە	ساقلاماق، قەيىم تۇتماق، يادلىنىدۇ
قويماق.	ساقلاماق، ئۈزۈنمەك.
استخر estaxr: ا. اولى حوض، گۈل،	استحقار estehqār: مص. [ع]
بويى ۵۰ مەتر ايني ۲۵ مەتر لىككە	سايماق، كىچى تۇتماق، پەسە
بۇلان يۈزىچىلەر غەدەت دۈزگۈنە گۈزۈ	دۈشۈرمەك، تەقەير اتمەك، خوارلاماق.
ئۇندىن يارىش گەچەرە يىلىسىنلەر.	استحقاق estehqāq: مص. [ع]
استخراج estexrāj: مص. [ع]	ياراشىقلى بۇلماق، ھەقىقى بۇلماق،
چىقارماق، بىر زادى يىرىنىڭ	سوزوار بۇلماق، قايىملاماق،

استدعاء 'ested'a: مص. [ع]

خواهیش اتمک، تؤولا اتمک،
یالبارماق، ایسته مک.

استدلال 'estedlāl: مص. [ع]

گتیرمک، دلیل ایسته مک
دلیللندیرمک، دلیلینی سؤراماق.

استر 'astar: ا. قاطیر، یوک چکیان ارکک

مال، اشه گینگ بایتالا یاناماغیندان
عمله گلیان اشکدن اولی آطدان
کیچی مال.

استر 'estar: ا. [فر.] یاغلی ماده، الک و

اسید آلینگ بيله یوغوریلماغیندان
عمله گلیان زات.

استراتژی 'esterāteži: ا. [فر.] لشکر یا

سپاهینگ اوروشدا عملیات و
حرکاتینی یولا قویماقلیق، و اونونگ
یول-یورداسی نینگ تاری، یولی،
سیری.

استراتژیک 'esterātežik: ص. [فر.]

اوروشدا لشکر چکمکلیگه باغلی
بۆلان یول-یؤدا، و سیر.

استراحت 'esterāhat: مص. [ع]

دینچلیق تاپماق، دینچ آلماق،
آسودالیق، راحتلیق استراحتگاه:
دینچ آلیش جایی.

استراق 'esterāq: مص. [ع]

آشاغیندان یا معدندن اله گتیرمک، یا
اؤی-فکر بیلن بیر مطلبی تاپماق یا
بیر مادهنی آیری بیر مادهدان
سایناریپ چیقارماق و سایلاماق.

استخصاص 'estexsās: مص. [ع]

بیر
زادی اؤزونگه خاصلاماق،
ایسله گینگ اؤزونگه طرف اؤویرمک.

استخفاف 'estexlāf: مص. [ع]

ینگیللندیرمک، بیرینی ینگیل
سایماق، پسه دوشورمک، خوارلاماق،
ینگلتمک.

استخفاء 'estexfā: مص. [ع]

گیزلنمک، باسیرینماق، یاشیرینماق.

استخلاص 'estexlās: مص. [ع]

خلاص اتمک، بوشاتماق، آزاد بۇلماق،
بیر زادی اؤزونگه حاصللاماق.

استخلاف 'estexlāf: مص. [ع]

بیرینی اؤز
یرینگه اوتورتماق.

استخوان 'ostoxān: ا. خرما و زردآلو و

ایگده یالی زادینگ شانیگی.

استخوان 'ostoxān: ا. سونگک.

استدراج 'estedrāj: مص. [ع]

آز-آزدان
ایسته مک، یوواش-یوواشدان
یاقینلاشدیرماق، بیر زادا بیرینی آز
آزدان یاقینلاتماق.



اوغورلاماق، ياشيرماق استراق سمع:
گيزلين قولاق آسماق، بيلديرمان
قولاق آسماق.

استربان astarbān: ا.ص. قاطيرچی.

استرجاع 'esterjā: م.ص. [ع]

دولانماقلينى ايسته مک، ايزينا
اوويرمک، برلن زادی ايزينا اوويرپ
آلماق، بير آدم وفات بولاندا «انا لله و
انا اليه راجعون» ديپپ آيتماق، «الله
رحمت اتسين» دييمک.

استرحام esterhām: م.ص. [ع] رحم

طلب اتمک، رحملى ليک ايسته مک،
مهربانلىق ايسته مک، يالبارماق،
يؤزرمک» خوايش اتمک»

استرداد esterdād: م.ص. [ع] ايزينا

آلماق ينه ايزينا اوويرپ آلماق، ايزينا
آلماغى طلب اتمک، بره نينگى ايزينا
آلماق.

استردار astardār: ا.ص. قاطيرچی؛

قاطير ساقلايان.

استرزاق esterzāq: م.ص. [ع] رزق

قاوالاماق؛ گونده ليک اونگالغانينگ
ايزيندان گيتمک، اونگشيق قوالاماق.

استرشاد esteršād: م.ص. [ع]

اوسمک ليگى و دوغرى يول طلب
اتمک، يول تاپماق، بلد ايسته مک،

«دوغرى يولا هدايتات» ديپپ
آيتماق.

استرشاء 'esteršā: م.ص. [ع] ۱.

بيريندن اطاعت اتمک و اونونگ
خوشليغيني ايسته مک ۲. يارا
ايسته مک، رشوه آلماق.

استرضاع 'esterzā: م.ص. [ع] سويت

برمک ليک ايسته مک، انه که طلب
اتمک، سويت اميان اوغلانا انه که
طلب اتمک، انه کا اوغلانى امديرماگه
برمک.

استرلينگ esterling: ا. [انگلا]

انگليستانينگ كوموش سکه پولى ليره
استرلينگ انگليستانينگ واحد پولى.

أستره ostorah: ا.آ. کلّه سيريبيان
تيغ.

استرهاپ esterhāb: م.ص. [ع]

قۇرقيزماق، بيريني قۇرقيزماق، خوف
سالماق.

استسلام esteslām: م.ص. [ع] بويۇن

انگمک، بويروغا باش انگمک مطيع
بۇلماق، ساغليق طلب اتمک.

استشراق estešrāq: م.ص. [ع] ادبياته

و علومه و دأبلر بارادا شرقشناس و
خاورشناسلار طاراپدان تحقيق
اتمک ليک، يعنى بارلاق اتمک ليک.



استره

استشمام estešmām: مص. [ع]
ایستفاماق، ایسی دؤیماق، ایس
بیلیمک.

استشهاد esteš-hād: مص. [ع]
شایادلیق ایسته مک شهادتلیغا
چاغیرماق، گؤألیک ایسته مک.
استصباح estesbāh: مص. [ع] چیرا
یاقماق، چیرا ایسته مک، یاغتیلیق
طلب اتمک.

استصلاح esteslāh: مص. [ع]
مصلحت سورماق، یاغشلیق اتمک
و ایسته مک، قاضی نینگ مصلحته
گؤزادرک ادیب اؤنگا بریان رایى.
استصناع estesnā: مص. [ع] ۱.
صنعتگرلیک ایشی طلب اتمک.
اوستا قاپی پنجارا بجرمک لیگی
تابشرغی برمک ۲. صنعتگرینگ
بجریپ ساتیان زادی.

استضعاف estez'āf: مص. [ع] خوار
سایماق، بیرینی پس و عجیز
سایماق.

استطاعت estetā'at: مص. [ع]
باشارماق، پوللیق، باراندالیق،
قوجورلیق، قورپلیق. شرع
آدالغاسیندا : قوجورلی قورپلی
بؤلماق، تاپماق.

استطراب estedrāb: مص. [ع]
شادلیق ایسته مک، شاد بؤلماق،
خوشلیق اتمک.

استطراف stedrāf: مص. [ع] حیران
قالماق، بیر زادی تازهدن تاپماق، تازہ
حساب اتمک، تازہ سایماق.

استطعام estet'ām: مص. [ع] ۱. طعام
طلب اتمک، اییمیت ایسته مک، ۲.
قرآن اوقانا لقمه برمک.

استطلاع estetlā: مص. [ع] خبر
ایسته مک، آگاهلیق تاپماق، بیر ایش
دیرکلی خبر طلب اتمک.

استطلاق estetlāq: مص. [ع] ۱.
بوشادیلماغی ایسته مک، بنددن
نجات برمک، باغلی لبقدان چیقماق،
۲. ایچ گچمک، ایچ آغیرا دوش
بؤلماق.

استظلال estezlāl: مص. [ع]
کؤله گله مک، کؤله گأ پناه گتیرمک،
کؤله گده اؤتورماق.

استظهار estez-hār: مص. [ع] هارای
ایسته مک، مدد طلب اتمک، مدد
طلب اتمک، بیرینی آرقا تۇتماق.

استعاده este'āde: مص. [ع] بیر
زادینگ اووریلیمه گینی ایسته مک، بیر
زادا اندیک اتمک، بیر ایشه اووریلیپ

كلمەگىنى اىستەمك.

استعاذە *este'āze*: مص. [ع] پناھ
اىستەمك، آرقا توتونماق، مدد و
ھاراي طلب اتمك، كلمە اعوذ بالله
من الشيطان الرجيم دىيمك.

استعارە *este'āre*: مص. [ع] قرض
آلماق، وقتلايىنچا امانت آلماق.
استعاضە *este'āze*: مص. [ع] عوضنە
آلماق، عوضنە اىستەمك، دراگىنە
آلماق.

استعانت *este'ānat*: مص. [ع] ھاراي
اىستەمك، يارى لىق ايسلەمك، كمك
طلب اتمك، مدد اىستەمك،
ياردام لىق، قولداوللىق.

استعباد *este'bād*: مص. [ع] بىرىنى
اۈز بىندەلىنگە آلماق، اۈيرمك،
بىندەلىگە سالماق، غلاملىغا آلماق.

استعجاب *este'jāb*: مص. [ع] حيرانا
قالماق، بىر زاتدان گنگ قالماق،
گنگلىگە سايماق، تعجىبە قالماق.

استعجال *este'jāl*: مص. [ع]
ھاۋالىقماق، بىر ايشە ھاۋالىقماقلىق،
ھاۋىل ھالاتلىق، يۈگىرمك،
قىساقلىق.

استعجام *este'jām*: مص. [ع]
سۆزلەمكدە سۆز تاپمان عاجز

بۇلماق، سۆزلەمكدە عجىز بۇلماق.

استعداد *este'dād*: مص. [ع] آمادە
بۇلماق، باشارجانگلىق، ايشە قۇرىلى
بۇلماق، ذهينلىلىك، تالانتلى، تاييار
بۇلماق، اوقىپپىلى.

استعذاب *este'zāb*: مص. [ع]
ايچمەلى سويچى سۇو طلب اتمك،
سويچى دورى سۇو ايچىرمك،
آراسسا سويچى سۇو اىستەمك.

استعراب *este'rāb*: مص. [ع] ۱. عرب
يالى بۇلماق، عربلارنىڭ ادەنىنى
اتىچك بۇلماق، فارسى سۆزىنى
عربچا اۋويرچك بۇلماق، ۲.
بۇلغىسىز سۆز آيتماق، سۆۈمك.

استعفاف *este'tāf*: مص. [ع]
مەربانلىق طلب اتمك، كۈنگۈل
آولماق، مەرلى بۇلماق، يۈرك الە
آلماق.

استعظام *este'zām*: مص. [ع] بىرىنى
اۋلى بىلمك، بىيىك سايماق، اۋلۇلىق
اتمك.

استغفاف *este'fāf*: مص. [ع]
آراسسالىق اتمك، پاكلىك اتمك،
حرامدان قاچا دۇرماق، حرامدان
ساقلانماق.

استغفاء *este'fā'*: مص. [ع] اۋتونۇچ

تعجیبه قالماق، گنگ قالماق، گنگ
سایماق.

استغراق esteqrāq: مص. [ع] ۱. همه

یرینی آلماق، سؤوا غرق بؤلماق، ۲.
بیر ایشه قاتی قیزیقلانماق.

استغفار esteqfār: مص. [ع] خدای

تعالی دان رحمت دیله مک، توبه
اتمک، عفوات دییمک، مغفرت طلب
اتمک.

استغفرالله [ع] توبه کلمه سی یعنی

استغفار، خدای تعالی دان مغفرت
طلب اتمک.

استغلاظ esteqlāz: مص. [ع] قوی

بؤلماق، قالینک بؤلماق، بیر زادی
قالینک سایماق.

استغلاق esteqlāq: مص. [ع]

باغلانماق، سؤزونک باغلانماغی،
سؤزونک چتین بؤلماغی.

استغلال esteqlāl: مص. [ع] غله

طلب اتمک، غله آلماق، غله اؤنیم
بیغناماق، غله لی بؤلماق.

استغنām esteqnām: مص. [ع] غنیمت

تایماق، نپ سایماق، غنیمت بیلیمک،
پیدا بیلیمک.

استغناء esteqnā: مص. [ع] قناعتلی

بؤلماق، قوجورلی بؤلماق، ماتاچ

ایسته مک، ایشدن ال چکمک، ایشدن

خدمتدن بوشاماقلینی ایسته مک،

عذرا ایسته مک.. ایشدن چیقماق.

استعلاج este'lāj: مص. [ع] علاج

طلب اتمک، چاره ایسه مک، دردینکه
درمان ایسه مک، علاج سورماق.

استعلام este'lām: مص. [ع] بیر

زاتدان خبر ایسته مک، بیر زاتدان خبر
تؤتماق و سورماق، خبر آلماق و
سورماق.

استعمار este'mār: مص. [ع] آبادانی

طلب اتمک، آبادلیق اتمکلیک،
آبادلیق بهانه سی بیلن کیچی
دولت لرینگ، بایلیغینی آلماقلیق
اوچین اولاری ارکینکه آلماق.

استعمارگر este'mārgar: ۱. ازیجی،

اولی دولت لرگو یجینه بو یسانپ
کیچی دولت لری ازیان، کیچی
دولت لره آقالیق ادیان.

استعمال este'māl: مص. [ع]

ایشلتمک، عمل اتمک، اولانماق،
پیدالانماق.

استغائه estqāse: مص. [ع] داده

یتیشمکلیک، قینچیلیغی
چؤزمکلیگی ایسته مک.

استغراب esteqrāb: مص. [ع]

بۇلماسىزلىق.

استفاده *estefāde*: مص. [ع] اولانماق،
پيدالانماق، نېلنمك.

استفاضه *estefāzah*: مص. [ع]
سۇوۇنگ آقىملى بۇلماغىنى طلب
اتمك، بخشش ايسته مك، بخشش
آلماق، ۲. خبرىنگ فاش بۇلماغى و
يايراماق معنيده.

استفراغ *estefrāq*: مص. [ع] قوسماق،
ايين اييميتىنگ ايزينا اۋوريلمەگى.

استفسار *estefsār*: مص. [ع]
آچىقلاماغى ايسته مك، سوراماق،
بيلمك ايزينا يتمك، تفسيرلە مك.

استفعال *estefāl*: مص. [ع] بير ايش
يا بير زادى طلب اتمك.

استفهام *estefhām*: مص. [ع]
دوشونمك، بير زادى بيلمك اوچين
سوراماق بير زادىنگ ايزينا
يتمك ليك.

استقامت *esteqāmat*: مص. [ع] گونى
ديك دورماقلىق، آياق ديرە مك،
دوريملىق، جيداملىق،
ارجل ليك، آياق اۋستونده برک
دۇرماق، دۇرنۇقلىق.

استقبال *esteqbāl*: مص. [ع] بير زادا
يوزلنمك، بيرى نىنگ اۋنگوندن

چىقماق، قارشى آلماق، اۋنگوندن

گيتمك، قبول اتمك، دوشوشماق.

استقدام *esteqdām*: مص. [ع] اۋنگە

گيتمك، اۋنگە دوشمك، اۋنگە
دوشىپ باتيرلىق اتمك.

استقرار *esteqrār*: مص. [ع]
جايلاشماق، دينج آلماق، دوينه مك،
بركيمك، قرار تاپماق.

استقراض *esteqrāz*: مص. [ع] قرض
آلماق، وام ايسته مك، بيرىندن قرض
آلماق.

استقراء *esteqrā'*: مص. [ع] بير زادى
بارلاماق اوچين تلاش اتمك، بير
زادىنگ ايزىندان گيتمك.

استقلال *esteqlāl*: مص. [ع]
اۋزباشداقلىق، اۋزاركىنگە ايش اتمك،
غىرى نىنگ قوشولماسىزلىغى
بىلن ايشىنگى آليپ بارماق،
اۋزباشداقلىق، اركىن ليك، اۋز
اختيارلىق، قاراش سىزلىق

استكان *estekān*: مص. [ع] اۋزىنگى
پس تۇتماق، پسە دوشمك، كيچى
تۇتماق.

استكان ۱. روس چشمه سىندن آلنان :

چاى ايجىليان نارسه، استكان.

استكانت *estekānat*: مص. [ع] ۲.

چىقماق.

استكفاء 'estekfā: مص. [ع] بس
ادىلمەگى ايستەمك، آيرى آدم
ايشى يولا دوشمك ليگىنى
ايستەمك.

استكمال 'estekmāl: مص. [ع]
قۇتارماقلىنى ايستەمك، كمالا
يتيرمك، تمام اتمك، قوتارماق.

استماع 'estemā: مص. [ع]
دينگەلەمك، قۇلاق آسماق، اشيتمك،
قۇلاق قۇيماق.

استمتاع 'estemtā: مص. [ع]
پيدالانماق، خىرلانماق، پيدالانماق و
نپ آماق.

استمداد 'estemdād: مص. [ع] ھاراي
ايستەمك، مدد ايستەمك،
قولداوليۇق.

استمرار 'estemrār: مص. [ع]
ھمىشەلىك، ايزى گىدرلى دوام
برمك، بير يۇل بىلن ادامە برمك،
آقىملى بۇلماق، بير يول بىلە گىتمك،
دواملىلىق.

استمساك 'estemsāk: مص. [ع] بهانه
اتمك، بير زادى الە سالماق،
بهانالانماق، ال اۇرماق، قۇلا سالماق.
استمگر 'estamgar: ص. قا. ظالم،

اۋزىنگى پس تۇتماق، يىغنى اۋزىنگى
آيرى آدم لاردن بىوك سايمانلىق،
اۋزىنگى كىچى تۇتماق پس پاللىك،
زارىنلىق.

استكبار 'estelbār: مص. [ع] بىرىنى
يا اۋزىنگى اۋلى سايماق، غورولانماق،
منلىكلىنمك، نافرمانلىق اتمك.

استكتاب 'estektāb: مص. [ع] بير
زادى يازماقلىنى طلب اتمك،
بىرىنىنگ خطىنى درنگەمك اوچىن
بير مطلبى يازماقلىنى تكليف اتمك.

استكتام 'estektām: مص. [ع]
گىزىلنلىگى ايستەمك، بير زادى
ياشىرىن بۇلماغىنى ايستەمك،
اوغرىن بۇلماغىنى ايستەمك.

استكثار 'esteksār: مص. [ع]
بۇلچۇلىنى ايستەمك، كۇپى
ايستەمك، طلب اتمك، كوپى طلب
اتمك.

استكشاف 'estekšāf: مص. [ع] ۱. بير
زادى بارلاماغى ايستەمك، اۋستونى
آچماق، ۲. آيدىنگلاشديرماق.

استكفاف 'estekfāf: مص. [ع] بىرىنە
يالبارىپ الىنگ سرمك، بير زادىنگ
تۈۋەرەگىنە آيلانىپ يا آلىپ اونگا سر
اتمكلىك، بير زادىنگ داشىنا

ستم بریجی خورلایجی، ازیجی.

استملاک estemsāk: مص. [ع] ملک
طلب اتمک، بیر یردن ملک ادینمک،
ملکلی بۇلماق.

استملال estemlāl: مص. [ع] دار
قۇرساق بۇلماق، بیزار بۇلماق،
حالیس یادماق، داریقماق.

استمهال estemhāl: مص. [ع] مهلت
طلب اتمک، وقت ایسته مک.

استنابت estenābat: مص. [ع]
بیرینی کفیل ادینمک، بیرینی اؤز
طرفینگدان وکیل قویماق،
بیرینی اورنینگا بلله مک.

استناد estenād: مص. [ع] بیر زادا
سوینمک و آرقا برمک، سند قرار
برمک، دیرانمک، سند توتونماق.

استناره estenāre: مص. [ع]
یاغتیلیق و نور طلب اتمک،
یاغتیلیق تاپماق، یاغتیلانماق.

استنامت estenāmat: مص. [ع]
یاتماقلیق طلب اتمک، یاتماغا میل
اتمک، اؤزینگی اؤقا اؤرماق، اؤزانماق،
دینج آلماق.

استنان estenān: مص. [ع] سنت قرار
برمک، بیرینینگ دۇرمۇشی یول
یورداسینی سنتنی آلماق،

یۆزلگه سیننی یولابریمک اتمک.

استنباط estenbāt: مص. [ع]
دوشونمک، دویماق، اؤز دوشونجانیگ
بیلن بیر زادا گۆز یتیرمک، بیر مطلبی
باشغا بیر مطلبدن دوشونجنگلیک
بیلن چیقارماق، ایزینا یتمک.

استنتاج estentāj: مص. [ع] نتیجه
آلماق، نتیجه طلب اتمک، بیر
مطلبدن نتیجه آلماق، دوشونمک.

استنجااء estenjā': مص. [ع] خلاص
بۇلماق، بسوق سیدیکدن
آراسسالانماق.

استنشاق estenšāq: مص. [ع] دم
آلماق، ایسغاماق، دم آلیش آرقالی
هوانی-گازی یا-دا درمانی اویکه نه
گیریزمک.

استنطاق estentāq: مص. [ع] بیرینی
سۆزلتمک، گوررونک آلماق، بیرینی
کیله ماگه مجبور اتمک،
سوراغچیلیق، سوراغلیق اتمک.

استنکاح estenkāh: مص. [ع] نکاح
اتمه گی طلب اتمک، عقد اتمک، عیال
آلماق، اویلمک.

استنکاف estenkāf: مص. [ع] ۱.
اولومسیلیق تکبَرلیک ادیب بیر
ایشدن اِل چکمک، ۲. بیر زات اتمه گی

- عار بيلمک، ۳. بیر زات اتمکدن ساقلانماق.
- استواء 'estewā: مص. [ع] دنگ-برابر بولان، جغرافیا آدالغاسیندا یر شارینی گون اورتا و دمیر قازیغا دنگ و برابر بؤلیان اولی خط چیزیق، اونگا یاریم گون هم دییلیار.
- استوار ostowār: ص. پوختا، ماکام، برک، سارسمان، قاییم دوروملی، دواملی.
- استوارنامه ostowār nāme: ا.مر. اعتبار خط، اینانچ خطی، ایلچی گه یا وزیر مختاره، دولت طرفیندان صادر بولیان بویروق خطی، اول مأمور بولوپ باران یوردی نینگ باشلیغینا اونی تابشیریار.
- استوانه ostewāne: ا. هر زات ستون یالی بولسون، یکی باشی دنگ تارده بۇلان تگه لک جسم، ستون یالی.
- استودن ostudan: مص. [ع] آلقیش اتمک، دعا اتمک، مدح اتمک.
- استودیو estodiyo: ا. [ق.ر.] صنعتگرلرینگ ایش اوتاغی، رادیو-تلویزیون برنامه لارینی ترتیبه سالیپ پخش ادیان جای، گؤبریلیان یری.
- استون ostun: ا. ستون، تۇغلاق ستون یالی نأرسه.
- استهانت estehānat: مص. [ع] ینگیل سایماق، ذلیل و عجیز لتمک، خوارلاماق.
- استهزاء 'estehzā: مص. [ع] بیرینه گولمک، بیرینی مسخره لاماق، یووالاماق، شیلتاقتا اتماق؛ آبرایینی آتماق؛ یانگسی لاماق.
- استهلاک estehlāk: [ع] ۱. آرادان آیرماق، هلاک له مک ۲. وامی یا قرض یالی آلان پولونگی آز-آزدان برپ تمام لاماق، قوتارماق.
- استهلال estehlāl: مص. [ع] ۱. آی گؤزلگنه گیتمک، تازه دوغان آیی گؤرمک لیک؛ ۲. چاغانینگ دوغان وقتی آغلاماغی؛ قاتی سس اتمک؛ ۳. حاجی لارینگ حج وقتی «اللهم لیبک» دیمه گی.
- استیجاب estijāb: مص. [ع] گرکلی و ضرور بيلمک لیک، بیر زادی گرکلی بيلمک، بیر زادا حقلی بۇلماق.
- استیجار estijār: [ع] بیرینه حق برپ قوللوغا تۇتماق؛ اجاره ایسته مک؛ قوللوغا تۇتماق، اجاره اتمک.



استوا



استوا

استیجال *estijāl*: مص. [ع]. مهلت

استه مک، زمان طلب اتمک.

استیحاش *estihāš*: مص. [ع]. خوفه

دوشمک، وحشتلی بولماق، توقاتلی

بولماق، قایغا قالماق.

استیصال *estisāl*: مص. [ع] کوکی

بیلن یولماق، کوکونی کسمک، غریب

و یوغسول بولماق، زات سیز و بیچاره

بولماق.

استیضاح *estizāh*: مص. [ع] سوراغا

چکمک، مجلس وکیللری وزیرلرینک

بیرینی سوراغا چکمکلیگی و بیر و یا

ناچه مطلبی آچیقلاماگی طلب

اتمکلیک.

استیفاء *estifā*: مص. [ع] بارینی

آلماق، اهلی حق طلب اتمک، بوتین

حق زات قویمان آلماق.

استیقاظ *estiqāz*: مص. [ع]. اویانماق،

اویا بولماق، هشیار بولماق،

هوشیارلیق.

استیلا *estilād*: مص. [ع]. فرزند طلب

اتمک، بوغاز اتمک.

استیلاء *estilā*: مص. [ع] ینگیش

قازانماق، بیر زادی اله سالماق،

اوستونلیک، اوستم چیقماق.

استیمان *estimān*: مص. [ع]. امان

استه مک، بیرینه بویون بولماق.

استیناس *estinās*: مص. [ع].

اورانشمک، انس تاپماق، ایسنشیق

تاپماق.

استیناف *estināf*: [ع] ۱. تازه دن

آلماق، تازه دن باشلاماق، ۲.

دادگستری نینگ آدالغاسینده اونگی

رایا اعتراض ایدیلمه گینگ

نتیجه سینده یانگادان یوقاری دادگاه

عرضه بریپ دعوا تۇتماق لیق.

اسجد *esjād*: مص. [ع]. انگیلیمک،

بویون انکمک.

اسجاء *esjā'*: [ع]. جمع سجع،

قافیه لار.

اسجال *esjāl*: مص. [ع] کۆپ بخشش

اتمک، لاری نی سؤودان دولدورماق،

بیر ایشی بیرینه گؤیبرمک.

اسحار *as-hār*: [ع] جمع سحر،

دانگلار، دانگ آتان وقتلاری.

اسحار *as-hār*: [ع] جمع سحر،

جادوی لیک، جادی لیق.

اسحار *es-hār*: مص. [ع] سحر

وقتی بولماق، جهان یاییلاندا ایردن

بیر یانگا گیتیمک.

اسحاق *es-hāq*: مص. [ع] کؤنه لمک،

سورورلمک سوربه گی چیقماق،

اسرائیل esrā'il: ا.خ. [ع] عبری
سۆزۆندن آلینان یعقوب بن اسحاق
پینمیرینگ لاقامی، خدایینگ
بنده سی اسرائیلی - بنی اسرائیل یهود،
یهودی نینگ اهلی طایفالاری،
کلیملر، بنی اسرائیل لار.

اسرار asrār: [ع] ۱. رازلار، سیرلار،
گیزلین سۆزلر، جمع سر. ۲. فارسدا:
حشیش و بنگ معنیده - ده آیدیلیار.
اسرار asrār: [ع] جمع سر، مانگلای و
إل آیاغینگ خطالاری.

اسرار esrār: مص. [ع] باسیرماق،
گیزله مک، ایچینگ سرینی بیرینه
آیدیپ آرا قویماق.

اسراع esrā': مص. [ع] یورتماق،
داریماق، قاتی گیتیمک، یورتدیرماق.

اسراف esrāf: مص. [ع] اسریر
اتمک، آشا خرج اتمک، چندن آشا
گیتیمک، خرجی وی لیک، بیدرک خرج
اتمک، بی صرفاتو تماق.

اسرافیل esrāfil: ا.خ. [ع] یل وکیلی
بۆلان فرشته. اول قیامت قویچاق
بولاندا، الله نینگ امری بیلن
تویدوگینی چالیپ اولن لری
دیرلتجک.

اسرابول asr-öl-bowl: ا.مر. [ع].

قۆزیرماق، اشیگینگ کونه لمه گی، داشا
دوشورمک، داشا سالماق.

اسحر as-har: ص.ت. [ع] جادوی راق،
اوقیمیشراق.

اسخان esxān: مص. [ع]. قیزدیرماق،
بیر زادی قیزدیرماق، اسسی لاتماق.

اسخی asxi: ص.ت. [ع] قاتی سخی،
قاتی جورمات، اؤرآن بریم لی.

اسخیاء asxiyā': [ع] جومارتلار،
سخیلار، جمع سخی.

اسد asad: ا. [ع] آرسلان، یۆلبارس،
بیرتیجی شیر؛ ارکک یا اورقاچی
یۆلبارس.

اسدال asdāl: [ع]. عقد معنیده، بوینه
داقیلیان جواهر قیزیل.

اسدال esdāl: مص. [ع]. یره قویماق،
آشاق قویماق، قیسدیرماق.

اسدالله asadollāh: ا.مر. [ع]
خدانینگ شیر، ۲. حمزه بن
عبدالمطلب بیلن علی بن ابیطالبینگ
لاقامی.

اسر asr: مص. [ع]. اسیر اتمک،
باغلاماق، یسیر اتمک، برده لیک.

اسر OSR: مص. [ع]. پشوا ده بیلیمان،
سسیدگی نینگ اونگی باغلانماق
توتولماق.

ادرايىنگ دشيگى توتولماق،

پيشووينگ اونگى توتولماق.

اسراء 'osarā: [ع] جمع اسير، اسيرلر،

يسيرلر، بندىلر.

اسراء 'esrā: مص. [ع] گيجه يول

يوريمك، گيجه سير اتمك حديث

اسرا: حديث معراج.

اسرع 'asra: ص.ت. [ع] قاتى چالت،

قاتى ييلدام، هاوليقماچليق،

قيسساقليق، چاققانليق.

اسره 'osra: ا. [ع] خاندان، ايچر

ماشغالا.

اسرى 'asra: [ع]، اسيرلر، يسيرلر،

باغلىلار.

اسطار 'astār: [ع]، جمع سطر، سطرلر،

سيرداشلار.

اسطار 'estār: مص. [ع]، خطا اتمك،

اوقىماقدا يالنگشماق.

اسطار 'estār: ا. [ع]، اسطارة، يازغى،

باى، حكات، پوچ سؤز اساطير جمع.

اسطبل 'establ: ا. مالينگ ياتاغى، مال

طبلهسى.

اسطربلاب 'ostorlāb: ا. [ع] يونان

چشمه دن آلنان نجومه دگيشلى :

ييلديزلارينگ اوزاقلينغىنى و نجومه

دگيشلى زاتلارى اؤلچه يان آبزال،

قۇرال.

اسطوره 'osture: ا. [ع] قصه، ارتهكى،

حكات، باى، پوچ بوش سؤز؛ اساطير

جمع.

اسطول 'ostul: ا. [ع]، يونان سؤزى،

كشتى، پروخوت، اوروش گامىسى.

اسعاد 'es'ād: مص. [ع]، يارى اتمك،

ياران بولماق.

اسعار 'as'ār: [ع]، نرخلار، بهالار.

اسعاف 'es'āf: مص. [ع]، دوغرى

ييلمك، حاجتى بيتيرمك، كمك

اتمك، قولداوليقت اتمك.

اسعد 'as'ad: ص.ت. [ع]، قاتى بختلى،

قاتى بلند درجهلى، يوقارى بختلى،

بختى گلن.

اسعر 'as'ar: ص. [ع]، خور، عجيز،

ياغداى سيز آدم، آريق آدم.

اسغر 'osqor: [ع]، اولى اوقلى كيرپى،

اوق آتيان كيرپى.

اسف 'asaf: مص. [ع]، اوكونمك،

قىنماق، قىنانچ بيلديرمك.

اسفار 'asgār: [ع]، جمع سفر «س ف»،

اولى كتاب، توراتينگ بير يا ناچه

بولهگى، اسفار خمسه: موسى نينگ

باش سفرى و باش كتاب بيرينجى

تورات



اسفار asfār: [ع] سفرلار،

یولاغچیلیقلار، جمع سفر.

اسفار esfār: مص. [ع] یاغتیلانماق،

دانگ آتیپ جهان یا ییلماق،

آیدینگلانماق؛ یوز-گوزونگ

یاغتیلانماق.

اسقاط asfāt: [ع] سبدر، چمدانلار،

جمع سفت.

اسفالت asfālt: ۱. [فر.] آسفالت،

اسفالت.

اسفاناج esfānāj: اسپاناق.

اسفراج esfarāj: ۱. [معر] یونانلی

سۆزدن: مارچوبه، ییلان اوتی.

اسفل asfal: ص.ت. [ع] آشاقراق، قاتی

پس و اتکراک، اسافل جمع اسفل

الساقلین: اینگ اتکده بۆلان دوزخینگ

یدینجی قاتی.

اسفناج esfenāj: اسپاناق، اسماناق.

اسفنج esfanj: ۱. دریادا یاشایان اوتا

منگزهش جانلی.

اسفند esfand: ۱. شمسی ییلینگ اون

ایکینجی آیی، شمسی ییلینگ

آخرقی آیی.

اسفند esfand: ۱. اسپند، اوزارلیک.

اسفیدار esfidār: ۱. تبریزی آغاچ ۲.

دوویک ینجیک اتبریندی نارسه.

اسقاط asqāt: مص. [ع] ۱. اوقلامالی،

زینگمالی، تاشلانندیق زاتلار؛ دوویک

-ینجیک اتبریندی کۆینه نارسه لر.

اسقاط esqāt: [ع] ۱. اوقلاماق؛

زینگماق؛ ۲. سۆزده یالنکیشماق؛

جمع سقط.

اسقام asqām: مص. [ع] سیرقاوولقلار،

ناخوشلیقلار؛ ناساغلیقلار؛ جمع

سقم.

اسقف osqof: ۱. ص. [ع]. یونانلی

چشمه دن، رهبر، پیشوا، کشیش.

اسقف asqaf: ص. [ع]. ۱. اوزین، بوکیر،

۲. توی سیز دیه.

اسقف osqof: ۱. [ع] یونانلی سۆزوندن؛

پیشوا، رهبر، کشیشدن اولی واعظ.

اسقیل esqil: ۱. [ع]. یونانلی چشمه دن

سیچان سوغانی؛ داغ سوغانی، گوتی

سوغانه منگزش اوت.

اسقیه asqiye: [ع]. مشک معنیده، سؤو

مشکی.

اسکات esqāt: مص. [ع] دیندارماق،

کوشیتمک، سوندیرمک، سسینی

قویدورماق.

اسکاف eskāf: ۱. ص. [ع] کؤویش

تیکیحی، آیاق قاپ تیکیان آدم،

اساکفه جمع.



اسكان eskān: مص. [ع] اوتورتماق،

جای برمک، يرلشدیرمک، بیرینه
یانینگدان جای برمک، اوروں برمک.

اسکدار askodār: ا.ص. اسکدار،

اسکدار، قاصد، یومیش اوغلان، چاپار،
خط قاتنادیان.

اسکرک eskerak: ا. سینجفیلاویق.

اسکره oskore: ا. بشقاب، تاباق، سؤو

ایچلیان جام اوقارا.

اسکفه oskoffe: ا. [ع] ایشیک.

اسکلت eskelet: ا. [فر.] آدم و یا

حیوانینگ اندامیندا بۇلان سونگک

بووغونلاری، آدامینگ أهلی

سونگکلیرى، ستمیک.

اسکله eskele: ا. ایتالیا سۆزۆندن:

دریانینگ قیراغیندا بۇلان گامی

دورالغاسی، گامینگ یوریته یوک

دوشوریپ یوکله یان یری. پورت

اساکل جمع.

اسکناس eskenās: ا. روسی سۆزۆندن

آلینما: آرقاسی کوچلی بۇلان کاغذ

پول.

اسکنه eskene: ا. اسکنه، آغاچ

اوسسالارینگ آغاچ دشیان آبزالی،

یعنی آغاچ دشیلیان یوریته شای.

اسکنه eskenah: ا. آغاچا پیوند

اورمانگ بیر گۆرنوشی.

اسکورت eskort: ا. [فر.] بیر بییک

شخصی سیلاپ مامورلارینگ

قارشى آلیپ داشین قۇرشاپ یولا

سالیپ، اوغراتماقلیق لری و

گتیرمکلیک لری.

اسکی eski: ا. [فر.] ایکی آغاچلی قار

اۆستونده اوینالیان ورزشینگ بیر

گۆرنوشی.

اسکیزه eskize: ا.ص. شاللاقلاماق،

مالینگ شاللاقلاماسی.

اسکیزیدن eskizidan: مص. ل.

شاغلانلار، بوکما، مالینگ

بوکماسی.

اسگر osgor: ا. اوقلی کیرفی.

اسل asal: ا. [ع]. نیزه، اۇچلی زات،

باشی اینچه زات.

اسلاب aslāb: [ع] جمع سَلَب؛

غضب بیلن آلینیانلار.

اسلاف aslāf: [ع] دنیادان اوتنلر،

گچنلر، جمع سلف.

اسلام eslām: مص. [ع] بؤیۆن

قویماق، مسلمان بۇلۇپ اسلام

دینینییه گیرمک، اساسی مهم

مذهب لرینگ بیرینیگ آدی،

۶۱۱-نجی میلادی ییلده حضرت



اسکته (هيو)



اسکته

اسماع' asmā': مص. [ع] قۇلاقلار،
جمع سمع.

اسم اعظم esme-a'zam: [ع] خدای
تعالی نینگ بیر اولی آدلاری نینگ
بیری.

اسماء' asmā': [ع] آدلار، جمع اسم.

اسماء الحسنی asmā'-ol-hosnā:

ا.مر. [ع]. شهراتلی آد، خدای

تعالی نینگ ۹۹ آدی جبار، خالق،

رحمان، رحیم یالی.

اسمر asmar: ص. [ع] بۇغداي رنگ،

بۇغداي ارنگده بۇلان.

اسمن asman: ص. [ع]. سمیزاک،

اتلی راک.

اسن asan: ص. چۆوره گیلن اگین

اشیک، چوره اگین اشیک، فارسینگ

قاوونى.

استاد asnād: [ع] جمع سند، مدرک،

سندلر.

اسناد esnād: مص. [ع] باغلی بیلیمک،

بیر زادی آیری بیر زادا باغلی بیلیمک،

آزقا بریمک، سۇنیمک.

اسنان asnān: [ع] دیشلر، یاشایش

ییللری، جمع سن.

اسنه asennah: [ع] جمع سنان، سر

نیزه معنی ده.

محمد بن عبدالله نینگ اوستی بیلن

اسلام دینی یولا سالی نیپ رواج تاپیب

و اؤنؤنگ اوستی بیلن هم قرآن نازل

بولدی.

اسلايد eslāyd: ا. [انگلا] صورت، بیر

منظره دن گۆریش ردن آلینان فیلم،

اول پرده یوزینده دۇرنۇقلی فیلم

بۇلۇپ دستگامده گورکزمه گی.

اسلحه aslahe: [ع] اۇرۇش یاراغی،

یاراغ، اۇرۇش تتاریگی، حربی یاراغ.

اسلخ aslax: ص. [ع]. مانگلاي ساچی

یۇق آدم، ساقنار آدم.

اسلع' asla: ص. [ع]. آیاغی دفه سی

یاریق آدم، آیاغی یانیب اثر قالان

یاراسی نینگ ایزی قالان.

اسلم aslam: ص.ت. [ع] قاتی سالم،

قاتی ساغ، زیان سیز.

اسلوب oslub: ا. [ع] یول یۆزلگه،

شیوه تار' یول یودا، اسالیپ جمع.

اسم esm: ا. [ع] آد، اسما و اسمی

جمع.

اسمار asmār: [ع] افسانه لار،

حکاتلار، جمع سمر.

اسمار asmār: ا. دگیرمن داشلاری.

اسماع' esmā': [ع] گورونگ

اشیتدیرمک، اشیتدیرمک.

اسنہ asennah: [ع] جمع سن،
دیشلر معنیده.

اسوار aswār: ص. آطا مینیب باریان،
پیاده دال. اسواران جمع.

اسوار oswār: ا. [ع] (= سوار)
بیله زیک، بیزه لیک، سور و اسوره و
اساور و اساوره جمع.

اسواران aswārān: جمع اسوار،
آطلی لار، ساسانیانلارینگ اؤز وقتیندا
بۇلان سواره نظام لاری، یکه آطلی غا
هم سواره دییپ آیدیلیارمیش.

اسواط aswāt: [ع]. شاللاق لار،
قامچی لار، جمع سوط.

اسواط aswāt: [ع] قامچی لار،
شاللاق لار جمع سوط.

اسواق aswāq: [ع] بازارلار، جمع
سوق.

اسود aswad: مص. [ع] قارا، سود و
سودان جمع.

اسود oswod: [ع] آرسلانلار،
یولبارسلار، جمع اسد.

اسوه oswe: ص. [ع]. پیشوا، رهبر،
اونگدن گیدیان، سردار، یولباشچی.

اسوء aswa': ص. ت. [ع]. اربد، قاتی
پس، تله که.

اسهاب eshāb: مص. [ع] کان

کیله مک، کپی اؤزالتماق، چندن
چیقماق، حندن چیقماق، قاتی
گیتمک.

اسهال eshāl: [ع] ایچ گچمه، ایچ
آغیری، ایچ چوزولمه، ایچ گیمه

اسهال خونی eshāl xuni: [ع. فا]
قانلی ایچ گچمه آغیری، قانلی ایچ
گچمه.

اسهل ashal: ص. ت. [ع] قاتی ینگیل،
قاتی آنکسات.

اسیاف asyāf: [ع] قیلیچلار، جمع
سیف.

اسید tasid: [فر]. باطری نینگ اسیدی،
باطرا قویولیان اسید، کیسلاتا.

اسید سولفوریک asid sulfurik: ا.
[فر]. گوگردینگ جوهری.

ایس سیز رنگ سیز سؤووق مایع.

اسیر asir: ص. [ع] قولى باغلى، بندی،
یسیر، اوروشدا یا چوزوشدا
دوشمانینگ الینه دوشوپ گرفتار
بۇلان، اسراء جمع.

اشادات ešādāt: مص. [ع] بیر زادی
قالدیرماق، بنانی یوقاری دیکلتمک،
بیرزادی آیدینگ لاشدیرماق.

اشارات ešārāt: [ع] جمع اشاره، املر،
گۆز قاش بیلن دوشوندیرمک، سیر

بیلن آنکلاتماق.

اشاره ešāre: مص. [ع] بیرینی اومله مه، ایچکی دویغینی اوم بیلن و یا گوز قاش بیلن یا بارماق بیلن دوشوندیرمک، دویدریلیش، اوم.

اشاعر ešā'er: [ع] شاعراقلار، داناراقلار، اؤنگاتراقلار، جمع اشعر.

اشاعه ešā'e: مص. [ع] یایراتماق، عیان اتمک، فاش اتمک، چاشیرماق، رواج برمک، بیر خبری جار اتمک.

اشام ašām: ا. (= آشام) ایچلیان زات، اییمیت، حاجتینگا گؤرا اییمک.

اشانتیون ešāntiyon: ا. [فر.] گورکزمه، بیر نمونه مالی متانی بیر یردن بیر یره ایبریلمه گی.

اشباح ešbāh: [ع] قارامچی لار، خیالاتلار. جمع شبیح.

اشباع ešbā': مص. [ع] ۱. دویورماق، آجی ناهارلاماق، دویورماق، کؤپلیگه اوویرمک؛ ۲. شیمی آدالغاسیندا قاتی جسم، قاتی زات ارگین زات بیلن یعنی اریلینده، حل ادیلنده قاتی جسم آشاق چوکوپ حل بولمانی دوریار، اول حالتدا اول محلول حل بولمانی آشاق چوکوپ اشباع حدینه یتن سونگ اشباع بولدی دیییلیار.

اشباه ašbāh: [ع] جمع شبه، منگزشر، شبیه لار.

اشباه ešbāh: مص. [ع] بیرینه منگزش بولماق، بیر زادا منگزش بولماق، منگزشیک.

اشبل ošbol: ا. اشبیل.

اشپون ešpun: ا. چاپخانه دگیشلی، خطلارینگ آراسینی بیر مؤچبرده دنگله مک اوچین قویولیان ابزال، قورال، اولچک.

اشافتن eštaftan: مص. یورتماق، داریماق، یوگیرمک.

اشتباه eštebāh: مص. [ع] یالنگیش، خطا، ساو دوشمه، انسانینگ کونگلینه بیرنارسه نینگ باشغا بیر زادا منگزش بولوپ گورونمه گی، و یا بیر ایشی یالنگیش اتمه گی.

اشتجار eštejār: مص. [ع] ایکی دسته بولوپ دعوالاشماق، ایکی تۇپار بولوپ اؤرؤشماق.

اشتداد eštedād: [ع] برکیمک، قایملاماق، قؤجورلنماق، قین چیلیق، هر بیر ایشده پوختالیق.

اشتر oštor: ا. دویه، دیه.

اشتر aštar: [ع] ۱. گوزونگ قاباغیندا

چورنگه مک، بیر ایش بیله
قیزیقلانماق.

اشتقاق ešteqāq: مص. [ع] یارماق،
بیرزادینگ دنگ یارسینی آلماق، ایکی
بولمک بیر کلمه دن باشغا بیر کلمه نی
یاساماق.

اشتمال eštemāl: مص. [ع] داشینی
آلماق، تۈۈرگینی آلماق، بیر زادینگ
آیری بیر زادینگ داشینی آماغی.
اشتهار eštehār: مص. [ع] آنیقلاماق،
آد آبرای قازانماق، شهرت قازانماق،
آدینماق لیق.

اشتهاء eštehā': مص. [ع] ایشدا، بیر
زادی ایسله مک، بیر زادی آرزو اتمک،
غذا ایمیته کوپ میللی بۇلماق،
ایشدا آرزو اتمک.

اشتیاق eštiyāq: مص. [ع] آرزولی لیق،
هوسلی بۇلماق، بیرزادا تولقونماق،
بگنمک؛ شوقلی بۇلماق، ایسلک لیک،
هوسجنگ لیک.

اشجار ašjār: [ع] باغلار، آغاچلار،
جمع شجر.

اشخاص ašxās: [ع] گۈۈرهلر، تنلر،
جمع شخص یعنی؛ آدمالار.

اشخاص ešxās: مص. [ع] ۱.
تولقوندیرماق، قیمیلداتماق، حرکت

انه دن دوغما یارا ایزاسی بولان آدم ۲.
حضرت علی بن ابی طالبینگ مالک
بن حارث دیین صاحابه سنینگ
لاقامی.

اشتراط ešterāt: [ع] ۱. شرط اتمک،
شرط نامه باغلاماق ۲. بیر زادی بیر
زادا آسیپ قویماق.

اشتراک ešterāk: مص. [ع] اورتاق
بۇلماق، شرکت اتمک، بیرری بیرینگی
قولداماق.

اشتراکی ešterāki: ص.ن. [ع]
شریک لیگه باغلی، ایراندا کمونیسم
یا کمونیزمی ایزارلایانلارا آیدیلیر،
عرب دیلینده اشتراکی نی یعنی
کمونیزم سؤزونی سوسیالیست
دیپ اولانلیلار سوسیالیست و
کمونیست یرینه شیوعی دیبیلیر.

اشتریان oštorbān: ا.ص. دویه
چوپان، دویه چوپان، دویه ساقچی،
دویانی ایده یان، دویه باقیان.

اشترچران oštorčērān: ص. فا. دیه
چوپان، دویه باقیان.

اشتعال ešte'āl: مص. [ع] اودونگ
یالینلاماگی و گویچلی یانماگی.

اشتغال ešteqāl: مص. [ع] ایشه
باشلاماق، بیر ایشه باشینگ

- اتدیرمک، یریندن قوفارماق، یولماق
 ۲. تبعید اتمک، روانا اتمک.
- اشد *ašdd*: ص.ت. [ع] قاتی شدید، بتر
 قواتلی، بتر ماکام، برک راک، قاتی راق.
 اشرار *ašrār*: [ع] شرچی لر، پسر لر،
 اربیت ایشلی لر، اربیت لر، بولغی سیزلار،
 جمع شیریر.
- اشراط *ašrāt*: [ع] جمع شرط، بلگی لر،
 نشانلار، باشلانغیچلار.
 اشراف *ešrāf*: مص. [ع] یوقار قالماق،
 یوقاردان آشاغا سر
 اتمک، بییکلیکدن آشاغی گوز
 آستینا آلماق.
- اشراف *ašrāf*: [ع] اولی لر، بییک لر،
 یوقار درجه لی لر، بایارلار.
- اشراق *ešrāq*: مص. [ع] ۱.
 یاغتیلانماق، پارلاماق، گون دوغماق،
 یالديراماق ۲. الهام آلماق.
- اشراک *ešrāk*: مص. [ع] مشترک
 بولماق، بیرینی بیرا یشده یا بیر زادا
 اورتاق سایماق، خدای تعالی غا اورتاق
 فرض اتمک، اورتاق سایماق.
- اشراک *ašrāk*: [ع] ۱. جمع شریک و
 جمع شرک، اورتاقلار ۲. اولارینگ
 دوزاغی معنیده.
- اشراف *ašraf*: ص. [ع] قاتی شریف،
 اتدیرمک، یریندن قوفارماق، یولماق
 ۲. تبعید اتمک، روانا اتمک.
- اشرفی *ašrafi*: اون سکگیز نخود
 آغراملیقدا بولان قدیم ایرانینگ رواج
 آلتین پولی.
- اشعار *aš'ār*: [ع] جمع شعر،
 شیغیرلار، قوشغی لار.
- اشعار *eš'ār*: مص. [ع] خبردار اتمک،
 خبر یتیرمک، بیلدیرمک، آگاه اتمک.
- اشغال *aš'al*: مص. [ع] اود آلماق، اود
 یاقماق.
- اشعر *aš'ar*: ص.ت. [ع] اندامی توپلک
 آدم، توی اوزین آدم، اشاعر جمع.
- اشعر *aš'ar*: ص.ت. [ع] شاعراق قاتی
 دانا، اؤنگات شیغیرلی.
- اشعری *aš'ari*: ص.ن. [ع] اشعر طایفا
 باغلی بولان (فرقه اشعریه).
- اشعل *aš'al*: ص. [ع] گوزی انه دن
 دوغما گللی بولان آدم ۲. مانگلایی
 ساققار سکیل آط معنیده.
- اشعه *aš'a'e*: [ع] یاغتیلیقلار،
 آیدینگلیقلار، پارلاقلیقلار، جمع
 شعاع.
- اشغال *ašqal*: [ع] ایشر گویچلر، کارلر،
 جمع شغل. پاسیب آلماق
- اشغال *ešqal*: مص. [ع] ۱. گویمه مک،
 ایشه قویماق ۲. بیر جای ایه لمک،

اشک ašk: ۱. گوزیاش، دامجه، قطره.

اشکار eškār: ۱. شکار، آو.

اشکاف eškāf: ۱. اشکاف، قاپی‌لی

قفسه، قاب قاش کتاب قویماق اوچین
پیدالانیلیان نارسه.

اشکال aškāl: [ع] صورتلار، شکل‌لر،
هیکل‌لر، گورنش، دوروق.

اشکال eškāl: [ع] قینلانماق، تاولی
بۆلماق، قین چیلیغا دوشمک،
قینلاشماق، مشکل بۆلماق،
باسسیریلماق.

اشکال eškāl: ۱. عرب چشمه‌سیندن
آلنان: دوشاق، آياق‌باغ، قاطر یالی
مالینگ آياغی دانگلیان کوسسک.

اشکبار aškbār: ص.فا. گۆزی یاشلی،
گریان.

اشک تمساح ašk-e-temsāh: ۱. مر.

ایلی آلدماق اوچین ادیلیان آغی،
یالاندان آغلاما، جاوی‌لیک.

اشکم eškām: ۱. قارین.

اشکنجه eškanje: ۱. شکنجه، اذیت،
عذاب، آزار، روحی حورلیق.

اشکنه eškane: ۱. اییمتینگ بیر
گۆزنوشی.

اشکنه eškane: ۱. تاولی بۇیرالی ساچ
و اگری-بۇغری معنیده.

جای آلماق، حربی‌گوجی مدامالیق
یا وقتلایینچا بیر ییرینی آلماق اوچین
قول آستینده آلماق.

اشغالگر ešqalgar: ص.فا.[ع.فا]
زورلیق بیلن بیر جایی آلان و ایه‌لأن،
بیری‌نینگ زادینی زورلیق بیلن ایه
بۆلأن، بیر یوردی زورلاپ آلان.

اشفار ašfār: [ع]. جمع شفر، گوزونگ
قاباغی، هر زادینگ قیراسی معنیده.
اشفاق ešfaq: مص.[ع]. قورقماق، هدر
اتمک، وهم اتمک، مهربانلیق اتمک.

اشفی ašfā: ۱. [ع]. تمن، بیز.
اشق ošaq: [ع] کوندور یالی آجی
طغاملی نارسه، قدیم‌ده طبیب‌لر
بۆورک داشی آییрмаق و بوغون
آغیرینی آییрмаق اوچین اؤندان
پیدالانیانمیش‌لار.

اشق ašaq: ص.ت. [ع] قاتی قین، قاتی
برک، قاتی قایم، قاتی چتین.

اشقر ašqar: ص. [ع] آل، قرمز و آق،
سارا یا قین قیزیل چین‌لگ آدم.

اشقی ašqī: ص.ت. [ع] یوره‌گی قاتی،
یوره‌گی قارا، یوره‌گی داش یالی بۆلأن،
بخت‌سیز، باختی قایدان.

اشقیاء ašqiyā: [ع]. بختی یاتان‌لار،
عاصی‌لار، جمع شقی.

- اشکنه eškane: ۱. قدیم ایرانینگ سازلارینینگ بیرینینگ آدی.
- اشکوب aškub: ۱. (= آشکوب): کمدینگ بیر گورنوشی.
- اشکوفه oškufe: ۱. میوهلی آغاجینگ گلی، آغاجینگ یاپراقلاپ پیندیقلاماغی.
- اشکوفه oškufe: ۱. ۱. فندقلاماق ۲. قۇسماق.
- اشکوه oškuh: ۱. مقام، مرتبه، شان، شوکت، بییکلیک.
- اشگرف ošgarf: ص. تاسیز، قیت، گنگ، انایی، گورنوکلی، آوادان لیقدا تاسیز.
- اشل ašall: ص. [ع] الی ایسمایان، شل، ماییب، ایشدن قالان.
- اشل ešel: ۱. [فر.] باسغانچاق، پایه، درجه، ایشکارلرینگ پایه سی، رتبه سی.
- اشم ašamm: بورونلاق آدم، اوزینه کونگلی یتیان، اولی آدم.
- اشمام ešmām: بیر زادی ایسغاماق، ایس دویماق.
- اشنا ašnā: ۱. ص. قیمتی گوهر، بهالی، قیمتی کوپ بۇلان، بهاسی کان بۇلان، دگرلی.
- اشنا ašnā: ۱. (= شنا): ۱. یوزمه، یوزجی لیک ۲. سوودا اویناما و یوزجی لیک هم دیلیپدیر.
- اشناور ašnāwar: ص. یوزجی، یوزیان.
- اشنیدن ešnidan: ص. ل. (= شنیدن) اشیتکم.
- اشوع ašwa: ساچی تاوولی لیک، پریشان، آلجرانگ آدم.
- اشوق ašwaq: آرزولی راق، امیدلی راق، هواسلی راک.
- اشهاد ašhād: [ع] شایادلار، گواهلار، جمع شاهد.
- اشهاد ešhād: ص. [ع] گواه آلماق، حاضرله مک، شاید گتیرمک.
- اشهار ešhār: ص. [ع] اشکار اتمک، عیان اتمک، آدیغدی راق، شهرت برمک، تانیتماق.
- اشهب ašhab: رنگی آق و قارا بۇلان زات، قارا آلا، آقی کوپ راک، آلاجا آط.
- اشهر ašhar: ص. ت. [ع] قاتی مشهور، قاتی آدیغان، قاتی بُللی، اشکار راک، آیدینگ راق.
- اشهر ašhor: [ع] آیلار، جمع شهر.
- اشهل ašhal: گوزی گوک آدم.
- اشهی ašhā: قاوی راق، یوراک

سۆيان راک.

اشياخ ašyāx: قارى لار، ياشى قايدان،

جمع شيخ.

اشياخ ašyā': تايين لار،

جانىپ كىشلىر، مەرلى لار، دوست

يارلار، همراق لار، ايزارلايانلار، جمع

شيعة.

اشياف ašyāf: جمع شياف، گۆز

درمانى، فارسچا هر بير باش شکر

شکلينده توغلاق قاتى درمانا

آيدىليار.

اشياء ašyā': زات لار، نارسه لار، جمع

شىء قوشء نارسه.

اشيب ašyab: چال ساچ آدم، ساچى

آغاران آدم.

اشيم ašyam: اندامى خالى، منگلى

آدم.

اشيه ašihe: ۱. (= شيهه) آط

كىشىنگه مەسى.

اصائل asā'el: جمع اصیل، اصللى،

پاک، تىلى، تويس.

اصابت esābat: مص. [ع] ۱.

دوغريلماق، دوغرى سۆزلەمک، ۲.

اوقىنىگ گونى نشانا دگمەگى،

گۆنىلەمک، بير زادينگ بير زادا

دگمەگى» نشانا اورماق.

اصابع 'asābe: [ع]. بارماق لار، جمع

اصبع.

اصابع 'asābi: [ع]. بارماق لار، جمع

اصبوع.

اصحاب asāhib: [ع]. جمع اصحاب،

اصحابلار، ياران لار.

اصارم asarem: [ع]. جمع صرم،

جماعت معنیده، تويار آدم.

اصاغر asāger: [ع] ياشلار،

كىچى راکلر، جمع اصغر.

اصاغرہ asāgere: [ع] كىچىلر،

چاغلار، جمع اصغر.

اصالت esalat: مص. [ع] اصللى

بۇلماق، تويس بۇلماق، نژادى نسلى

دوغرى بۇلماق، كۆكلى بۇلماق،

نژادينگ سوي بۇلماق. اۇنگات

بۇلماق.

اصباح asbāh: [ع] ارتيرلر، دانگ

آغاران وقتى، جمع صبح.

اصباح esbāh: مص. [ع] ارتيره

يتيرمک، جهان ياييلماق، دانگ

آتيرماق، ارتيرلتمک.

اصبار esbār: مص. [ع] صبرلى ليئا

چاغيرماق، دوروملى ليئا چاغيرماق،

بييرنى صبرلى ليئا جيداملى ليئا

بۇيۇرماق.

اصبار asbār: [ع] ۱. بىر زادينگ

قىراسى و انگرهكى و قالينگلىنى، ۲.

آق بولوت معنيده، جمع صبر.

اصباغ asbāg: [ع] رنگلر، جمع صبغ.

اصبع asba': [ع] بارماق، ال يا آياق

بارماغى.

اصبعين asba'ayn: [ع] ايكي بارماق.

اصبغ asbaq: ص. [ع] سحر تاوويغى،

دانگ حورازى، مانگلای ساققار آط.

اصبوع osbu': [ع] اصبع : بارماق

(انگشت)، اصاييع جمع.

اصح asah: ص.ت. [ع] دوغرى راق،

دوزراک، آراسساراق.

اصحاب ashāb: [ع] يارلار، دوستلار،

مالک لار، بارلى لار، جمع صاحب.

اصحاب eshāb: مص. [ع] دوست

ايهسى بۇلماق، همرايىق اتمک،

بيرىنى يا بىر زادی بىرىنه همرا اديپ

قۇشماق.

اصحاب السعير ashāb-os-sa'ir:

ا.ص. مر. [ع] يانغىنلى اود يارانلارى،

دوزخى لار، جهنمى لر، اهل دوزخ لار.

اصحاب الشمال ashāb-oš-šomāl:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب شمال، سۇل

اصحاب، سۇل چى آدملا، سۇل چى،

دوزخى لار، قيامتده نامه اعمال لارى

سۇل اللرينه بريلجک.

اصحاب المشأمة ashāb-ol-maš'ame:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب شامه، سۇل

اصحاب لار، شوم لار، دوزخى لار.

اصحاب الميمنه ashāb-ol-maymane:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب ميمنه، ساغ

اصحاب لار، ساغ يارانلار، بهشتى لر.

اصحاب اليمين ashāb-ol-yamin:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب يمين،

ساغ چى لار، نامه اعمال لارى ساغ

الينه بريلجک لر، بهشتى لار.

اصحاب كهف ashāb-e-kahaf:

ا.م. مر. [ع] اسلام دان اۇنگ

مسيحى لر دن یدی کيشى بىر ايت

بيلن دقيانوسينگ دورينده

بت پرست لر ينگ قۇرقوسيندان بىر

قاواغا گيريپ ياتيپ، اوچ يوز ييلدان

سۇنگ اويانيپ ديرلار.

اصحاء asehhā': [ع] جمع صحيح،

دوغرى لار.

اصدار esdār: مص. [ع] صادر اتمک،

ايبرمک، گوندرمک، يۇللاماق،

اؤويرمک.

اصداغ asdāg: [ع] قولاق لار يانى،

قولاق لار يوشاغى، چگه لر، قولاق

آى لر، جمع صدغ.

اصطبل establ: [ع] طبله، طبيله، مال ياتاڭى، مال جايى، اصطبلات جمع.

اصطحاب esthāb: مص. [ع]. بىرى بىرىنگ بيله صحبتدش بولماق، گوررىنگدش بولماق.

اصطرک astorak: ۱. [ع]. آغاچىنگ بىر صورتى، اول هواسى قىزغىن يرلرده اوسيار.

اصطرلاب astorlāb: ۱. يونان چشمه سىندن: اسطرلاب، قديم نجوم يعنى يىلدىزىنگ اۆلچك قورالى، اۆنۇنگ بىلن يىلدىزلارىنگ اۇزاق و بلندلىگى و بىر ناچه نجومه دگىشلى مسئله لرى تاپماغا ايشلنىار.

اصطفاء estefā': مص. [ع]. بللامك، بىرىنى سايلاماق.

اصطكاك estekāk: مص. [ع]. ايكي زادىنگ بىر بىرىنه دگمه گى، بىر بىرىنه سويكنمه گى، بىر بىرىنه ضربلى دگمه گى، نتيجه سىنده سورولماگى.

اصطلاح estelāh: مص. [ع]. بارىشيق اتمك، ايللاشماق، اۇنگۇشماق، ياراشماق، ۲. علمىنگ - ھنارىنگ بىللى بىر پوداغىندا: اۇز اصل

اصداڤ asdāf: [ع] دريانيگ كيچى جانلى سى، ۲. دريانيگ تولقونى معنيده، جمع صدف.

اصداق esdāk: مص. [ع] قىز مھرىنى بلله مك، بىرى نىنگ سۆزىنى ماقوللاماق، بلله مك، مھر بللاب نكاح اتمك.

اصرار esrār: مص. [ع] بىر زادىنگ ايزىندا قاتى ارچلىك بىلن دۇرماق، اينجىقلىق اتمك، برک يايىشماق، ايشده دورۇملى، توتان پرلى ليك

اصرار ورزىمدن esrār: warzidan مص. [ع. فا] قاتى ارچلىك بىلن دۇرماق، برک دۇرماق، قاتى دورماق، ليق.

اصراف esrāf: مص. [ع] ۱. اۋويرمك، دولاماق ۲. عروض علمينده: شمىرىنگ آخرقى منگزش سۆزلىرى نىنگ حركتى دورلى گورنوشده گتيرمك.

اصرام asrām: [ع] جمع صرم «ص»، كۆپچوليك، جماعت، كوپ اۋىلرىنگ بىر يرده جمع بولوپ اۋتۇرماغى.

اصطبار estebār: مص. [ع] صبر اتمك، جىداماق، دورىملى ليق.

- معنیسیندن آییری بیر معنادا
اؤلانیلیان سۆز، اصطلاحات جمع.
- اصطلاح *estelam*: مص. [ع]. کوکیندن
کسمک، ریشه دن یولماق.
- اصطناع *estenā*: مص. [ع]. بیر زادی
ایسته مک، بلله مک، بیر زادی
بجرماگه بویورماق، قاولیق اتمک.
- اصطوانه *ostowāne*: ا. [ع]. اسطوانه،
استوانه، توغلاق نارسه، توقلاق
لوله.
- اصطیاد *estyād*: مص. [ع]. آو اتمک،
شکار اتمک، آولماق.
- اصعاب *es'āb*: مص. [ع]. قینلاشماق،
قینا یازماق.
- اصعب *asab*: ص. ت. قین راق،
مشکل راق.
- اصغاء *esqā*: مص. [ع]. قولاق آسماق،
دینگله مک، بیرینینگ سۆزینی
دینگله مک.
- اصغر *asgar*: ص. ت. [ع] قاتی کیچی،
بتر کیچی، اوران کیچی، اصغر و
اصغره جمع.
- اصف *asaf*: ا. [ع]. تیکنلی، اوتونگ بیر
گۆرنوشی.
- اصفاد *asfād*: مص. [ع]. باغلاماق،
باغیشلاماق، بیر زادی باغیشلاماق.
- اصفاء *esfa*: مص. [ع]. سایلاماق، اؤز
ارکینگه آلماق، یورکدن دوستلوق
اتمک: ۲. تاوینینگ کورچوگمه گی.
- اصفح *asfah*: ص. [ع]. مانگلایی گینگ
آدم، مانگلایی اولی آدم.
- اصفر *asfar*: ص. [ع]. ساری،
ساری رنگ.
- اصفرار *esferār*: مص. [ع]. سارالماق.
- اصفهان *Esfehān* ا. (= اسپاهان،
سپاهان): ایرانیینگ اولی
شهرلری نینگ بیر، اؤنؤنجی استان
۲. اصفهانک آدیندا آواز، هنگ و
ایرانیینگ بیر هیل سازی نینگ آدی.
- اصفهانک *esfehānak*: ا. اسپهانک،
اصفهان دن بیر اویانگ آدی و همده
اصفهاندا بیر حیل سازینگ آدی.
- اصفی *asfa*: ص. ت. [ع] قاتی آیدینگ،
قاتی یاغتی، قاتی پاک آراسسا،
بلله ن راک.
- اصفیاء *asfiya*: ا. ص. [ع] سایلانانلار،
بلله ن لر، پاکلر، یاغشیلار،
یورکدش مخلص دوستلار، جمع
صفی.
- اصقاع *asqā*: اولکه، کنار، دریانگ
قیراسی.
- اصل *asl*: ا. هر زادینگ کوکی، نژادی،

- تخم تیج دویبی؛ تویس خانازات، اساس، اصل، اصول جمع.
- اصلاح *eslāh*: مص. [ع] دوزلتمک، بجرمک، بزمک، تیمارلاماق یاراشماق.
- اصلان *aslan*: ۱. [ت] ۱. آرسلان، یۆلبارس، شیر، ۲. مردلارینگ آدلاری.
- اصلان *oslān*: [ع] اصیل لر، الین لر، تویسر لر، جمع اصیل.
- اصلب *aslab*: ص. ت. [ع]. قاتی راق، برک راک.
- اصلح *aslah*: ص. ت. [ع]. یاراشیق لی راق، قاوی راق، مناسب راق.
- اصلخ *aslax*: ص. [ع]. قولاغی بیلکُل اشیتما یان، ایمه دیمه کر، اشیتمه یان آدم.
- اصلع *asla*: ص. [ع]. کلّه سی تاس آدم، مانگلایی ساچی یۆق آدم.
- اصلم *aslam*: ص. [ع]. قولاغی دویبندن کسیک آدم.
- اصله *asle*: [ع] بیر دویپ، بیر کوک، یاش آغاچ.
- اصلیه *asliye*: ص. [ع]. دویبندن اساس لی، کوکیندن.
- اصم *asamm*: ص. [ع] ۱. کر، قولاغی آغیر، اشیتمه یان، ۲. قاتی برک، صم و
- صمان جمع.
- اصمام *esmām*: مص. [ع] کر بۆلماق، کر اتمک، بیرینی کر تاپماق، ضرور و توقونجی.
- اصمع *asma*: ص. [ع] کسگیر قیلیچ، ییتی قیلیچ؛ یوره گی دیری آدم، آگاه یورکلی؛ قولاغی کیچی دولوغینا یاییشپ دوران آدم.
- اصناف *asnāf*: ۱. [ع] دورلی دسته لر، کاسب لر، دوکان چی لر، جمع صنف.
- اصنام *asnām*: ۱. [ع] بُت لار، جمع صنم.
- اصنع *asna*: ص. ت. [ع] قاتی صنعت لی، صنعت لی راک.
- اصوات *asawāt*: ۱. [ع] سسر لر، هنگ لر، آواز لار، جمع صوت.
- اصواع *aswā*: [ع]. اولچک، اسلام حکمی کفاره و فطریه بریلمه گی اول بیر من تبریز یا سه کیلوگرم آغراملیقده بولمالی.
- اصواف *aswāf*: ۱. [ع] قویون یونگلری، جمع صوف.
- اصول *usul*: ۱. [ع] پایه لار، کوکلر، دوزگون لر، اساس لار، جمع اصل.
- اصولی *usuli*: ص. ن. [ع] تویسه اصولا باغلی بۆلن، اصول لره قاعده لارا

اۋییان.

اصونه aswene: [ع]. جمع صوان،
چمەدان، صندوق، کتاب و لباس
قویولیان جای.

اصهار ashār: [ع]. جمع صهر،
قارینداش، گیووی.

اصهار eshār: مص. [ع]. گییەولیکە
بیرینی قبول اتمک، بیرینی
گییەوی بولماق، بیرینی بیلە قودا
قارینداش بولماق.

اصیل asil: ص. [ع]. تویسرلی، ماکام،
برک، تیلی، دویپالی، تخم تیچلی
بولان.

اصیل asil: ا. [ع]. ایکیندی بیلن آغشام
آراسی، شامگاه، آصال، اصائل و
اصلان جمع.

اصیل osayl: ا. [ع]. اصیل، یارانلارینگ
صحابەلارینگ آدی.

اضائە ezā'e: مص. [ع]. یاغتی لانماق،
آیدینگ لاتماق، ضرور و توقونماق.

اضاعە ezā'e: مص. [ع]. ضایع اتمک،
ضایالاماق، پسلتمک.

اضافە ezāfe: مص. [ع]. آرتیقماچ،
آرتیق، آغدیق، آرتدیرماق، بیر زادی
کوفاتتمک.

اضافی ezāfi: ص. ن. [ع]. آرتیقلیفا

باغلی، آرتیقماچلیق، آرتیق.

اضحی tazhā: [ع]. عیدقربان گونی،
قربان عید، قربانلیق چالینان گونی،
دیحجە آیینگ اۋنی گونی.

اضراب ezrāb: مص. [ع]. ۱. بیر یرده
اوتوریملی بولماق، مقیم بولماق، ۲.
بیریندن یوز اۋویرمک، ۳. باش اگیپ
دیمپ اۋتورماق، آشاق باقیپ دیمپ
اۋتورماق.

اضرار azrār: [ع]. زیانلار، ضررلر،
جمع ضرر و ضریر.

اضرار ezrār: مص. [ع]. ضرر یتیرمک،
نقصان یتیرمک، آویندیرماق،
اینجیتماق.

اضطراب ezterāb: مص. [ع]. تیتراپ
لرژانه دوشمک، آلجرانگلیق، واس
واسالیق، زورزاناقلاماق.

اضطراب ezterār: مص. [ع]. بیرینی
بیچاره اتمک، بیچاره بولماق،
عاجیزلیق، بیرینی ماتاچ اتمک،
بیچارەلیک.

اضطلاع eztelā': مص. [ع].
کویچلنمک، قۇجۇرلانماق، ایشه زور
کلمک، غیراتلیلیق.

اضعاف ez'āf: مص. [ع]. یاغدیدان
دوشورمک، حال سیز اتمک، ۲. بیر

زادی یکی اسسه اتمک.

اضعاف az'āf: ا. [ع] جمع ضعف،

ایکی اسسه، ایکی برابر.

اضلاع azlā': ا. [ع] یان قاپدالار،

دندهلر، غیرالار، کنارهلار. قافییرغالار،

چت قیراقلار، جمع ضلع.

اضلال ezlāl: م. [ع] گمراه

اتمکلیک، یولدان چیقارماق لیق،

یول سیز یره دوشورمک، گمراهلیق.

اضمحلال ezmehlāl: م. [ع]

یسوغالماق، آزادان چیقماق،

ضایالانماق، ییقیلماق، دارغاماق،

نابود بولماق.

اضیق azyaq: م. ت. [ع] قاتی دار،

قاتی تنگ.

اطاعت etā'at: م. [ع] مطیع

بولماق، بویون بولماق، اویماق،

بویروغی برجای اتمک، بویون اگمک،

قولاق آسماق.

اطاق otāq: ا. [ت] ترک سۆزۆندن

آلنان، اوتاق، یاشالیان جای، تامینگ

اوتاغی نینگ بیر بؤلومی.

اطاله etāle: م. [ع] اوزالتماق،

اوزاغاچکدیرمک. اطاله السان: دیل

اؤزاتماق، دیلینگ بیر قاریش اتمک.

اطباق atbāq: [ع] سفره لار،

دسترخانلار، طاباقلار جمع طبق.

اطباق etbāq: م. [ع] اورتمک،

گییندیرمک، ابله مک، بیر ایشه کوپ

بولۇپ ییغنانماق، یولداشلیق اتمک.

اطبال atbāl: [ع] جمع طبل،

لانگارالار.

اطباء atebba': [ع] جمع طبیب،

دکترلر، طبیبلر، لقمانلار.

اطراب etrāb: م. [ع] آیدیم

آیتماق، بیرینی شادلیفا چاغیرماق و

کتیرمک.

اطراح etterāh: م. [ع] تاشلاماق،

دشا زینگماق، تاشلاماق.

اطراد ettrād: م. [ع] بسیری

بیری نینگ ایزیندان گلک، ایشینگ

ایز ایزندن گلکی.

اطراد etrād: م. [ع] قاوماق، بیرینی

دشا سالماق، یانینگدان آیییرماغی،

بویورماق، بیرینی قاوماغا بویورماق.

اطرار atrār: [ع] جمع طره، زادینگ

کناره لاری، قیرالاری.

اطراف atrāf: [ع] دولمی دوویشلر،

توهرک لر، جمع طرف.

اطعام et'ām: م. [ع] طعام برمک

ایدیرمک، دویورماق.

اطعمه at'ame: [ع] ایسیمیتلر،

اییمه‌لی‌لر، جمع طعام.

اطفائیه etfā'iyē: ۱. [ع] اودا قارشى

گوروشیان، اود سوندیرش بولیمی.

اطفال atfāl: [ع] چاغلار، اوغلانلار،

اوشاقلار، جمع طفل.

اطفاء etfā': مص. [ع] اود سوندورمک،

اوچورمک.

اطلاع ettelā': مص. [ع] ایزینا یتمک،

خبردار بۇلماق، خبر برمک‌لیک، آگاه

بۇلماق.

اطلاق etlāq: مص. [ع] بوشاتماق،

کویبرمک، آپچماق، چوزمک،

علی‌الاطلاق: ارکین مطلق،

شرط‌سیز.

اطلال atlāl: ۱. [ع] اوی‌لرینگ،

کنت‌لی‌لرینگ اثری، جمع طلل.

اطلس atlas: [ع] آطلان، یویک

پارچانگ بیر گۆرنوشی.

اطلس atlas: ۱. [فر.] یونان

چشمه‌سیندن، کرک، برخیل یویک

پارچا،متا، نقشه‌لی جغرافیالی، بۇلان

کتاب (اطلس) جغرافیا.

اطلس atlas: ۱. [فر.] ۱. کله‌اته‌کینده

بۇیۇن سۇنگ‌لری‌نینگ ایسلکینجی

دنده‌سی، ۲. بو آدی رب‌النوع‌دان یا

یونان قدیمینگ، حکات‌لاریندان یر

شارینی اۇز بوینونا یوکلأپ بارشینا

آلینیپ‌دیر.

اطماع atmā': [ع] جمع طمع، خام

طماچیلیق‌لار، طماکین‌لیک‌لر.

اطماع etmā': مص. [ع] بیرینی طاما

سالماق، طاما دوشورمک،

امید‌لان‌دیرماق.

اطمینان etminān: مص. [ع] دینج

آلماق، اینجالیب اؤتورماق، خاطر

جمع بۇلماق اطمینان دادن: آرقایین

اتمک، خاطر جمع‌لیک برمک،

اطمینان داشتن: خاطر جمع بۇلماق،

اینانماق.

اطواد etwād: [ع] جمع طود، اولی‌داغ.

اطوار atwār: [ع] جمع طور، اؤلچک و

هیئت، دۆرمۇش و یاغداى.

اطواق atwāq: [ع] بۇیۇن باغلار، جمع

طوق.

اطوال atwāl: [ع] جمع طول،

اوزین‌لیق، بوی معنیده.

اطهار athār: ص. [ع] پاک‌لار،

آراسسالار، جمع طاهر.

اطهر athar: ص.ت. [ع] قاتى پاک،

قاتى آراسسا.

اطیار atyār: [ع] اوچوجی قوشلار،

جمع طائر.



اطیب atyab: ص.ت. [ع] قاتی آراسسا،
اطایب جمع.

اظلم azlam: ص.ت. [ع] قاتی ظالم،
بتر ستم ادیجی، ظالم راق.

اظهار ezhār: [ع] آشکار اتمه، بیان
اتمه، آیدینگ لاتما. یوزه چیقارما.

اظهر azhar: ص.ت. [ع] قاتی آشکار،
بتر آیدینگ، اوران آچیق.

اعاده e'āde: مص. [ع] اوویرمک،
قایتارماق، کپی ایکیلاپ آیتماق، بیر
زادی اولقی یرینده اوویریپ قویماق،
تازمدن باشلاماق ایزنه برمه.

اعاشه e'āše: مص. [ع] دیرلتمک،
یاشاتماق، یاشاماق، رزقینگ
تاییارلاماق.

اعانه e'āne: [ع] یاری اتمک، مدد
برمک، کمک برمک، کمک اتمک،
قولداماق.

اعتبار e'tebār: مص. [ع] عبرت آلماق،
پند آلماق، اوویت آلماق، آبرای و اینام،
اینانچ، دوغری لیق.

اعتبارنامه e'tebār-name: ا.مر. [ع].
[فا] اینانچ خطی، انجمن یا بیر اداره
طرفدان بیرینه بریلیان یازغی حکم و
یا تانیماق اوچین سفیر و یا وزیر
مختاره، دولت طرفدان باشقا بیر

یوردونگ باشلیغنا بریلیان اینانچ
خطی (استوارنامه).

اعتداد e'tedād: [ع] حسابا گتیرمه،
اهمیت برمه، سانا گتیرمه، اهمیت
برمه، اسگرمه.

اعتدال e'tedāl: مص. [ع] آرالیق
ملایم بۇلماق، دنگ بۇلماق، دوغری
برابر بۇلماق، یۇمشاق بولماق،
آرامیان، اورتا میانا بۇلماق، قیزغین یا
سایوق و یادا قۇراقلیق و ایزغارینگ و
ایفالیینگ آرالیغی.

اعتداء e'teda': مص. [ع] ستم اتمک،
ظلم اتمک.

اعتذار e'tezār: مص. [ع] اؤتونچ
ایسته مک، گچیریم سورماق.

اعتراض e'terāz: مص. [ع] ۱. منع
اتمک، عیبینی آیتماق، یتمز چیلینگی
بیلدیرمک، ۲. بیرینینگ اؤنگونده
دۇرماق، قارشى لیق گورکزمک،
اونگینی آلماق، عموماً آد داقماق.

اعتراف e'terāf: مص. ع ادهنینگدن و
دۇرمۇشنگدن بیرینی اگاه ادیپ، اقرار
اتمک، تانیتماق، بولیار هاوا دییمک.

اعتزاز e'tezāz: مص. ع سویولمک،
غزیز بۇلماق، یاغشی گوریلیمک، عزیز
سایماق، حرمتلاماق.

اعتصاب e'tesāb: مص. [ع] برلشیپ
کوپ ایشچی بولوپ حقى كۆپلتمک
و یا ایش وقتینگی آزالتماق اوچین
ایشدن ساقلانماق، إل چکمک، بۆلک
بۆلک توپار توپار بۇلماق.

اعتصار e'tesār: مص. [ع] ۱. اوزوم
دیر یا اشیگینگ سووونی سیقیپ
آلماق، ۲. بیرى نینگ الیندن مالینی
غرامت اوچین یا آیری سبب بیلن
چیقارماق.

اعتصام e'tesām: مص. ع بیر زادا إل
اؤزاتماق، ینجه اؤرماق، اؤزونگی
یازیقلىقدان ساقلاماق، عاصی
چیلیقدان قالماق.

اعتضاد e'tezād: مص. [ع] بیرى
نینگ قولنى تۇتماق، ياردام بىرمک،
ياران بۇلماق، قولداماق.

اعتقاد e'teqād: مص. [ع] عقیدالی
بۇلماق، اینانچلىق، ایناملىق،
اینانچلى بۇلماق، اینانماق،
اینانچلىق.

اعتكاف e'tekāf: مص. [ع] مسجد
ده يکە لیگده اؤتۇرماق، بیر یرده
قالماق طاعت، عبادت اوچین
مسجدده يکە قالماق، قیراقدا چتده
قالماق.

اعتلال e'tedāl: مص. [ع] نا ساغ
بۇلماق، عجیز یاغدا یا دوشمک، بهانه
کتیرمک، علتلى بۇلماق.

اعتلام e'telām: مص. [ع] خبرلى
بۇلماق، بیرزادی بيلمک، آگاه بۇلماق.
اعتلاء e'telā': مص. [ع] اۆستون
چیقماق، بلندە قالماق، یۇقاری
چیقماق، بیلەکی لردن بیگلکمک.

اعتقاد e'temād: مص. [ع] سۆینمک،
بیرینه بیر ایشی اینانیپ تابشیرماق،
بیر ایشی اینانچ بیلن قویماق،
ایناملیق.

اعتناق e'tenāq: مص. [ع] ۱. بیرى
بیرى نینگ بوینینا قول سالماق، ۲.
بیر ایشی بۇیۇن آلماق.

اعتناء e'tenā': مص. [ع] ۱. بیر ایشه
تلاش اتمک آنگشارماق ۲. بیر ایشی
یا بیر زات اوچین بیرینه یوزلنمک،
أسگرمک.

اعتیاد e'tiyād: مص. [ع] عادت اتمک،
اندىک اتمک، اؤوره نیشمک، اونس
تاپماق، تریک هروئین یا الکلیالی
زادا اندیک اتمک.

اعجاب e'jāb: مص. [ع] بیرینی گنگ
گورکزمکلىک، منلیکلىک،
تکبرلىق.

اعجاز e'jāz: مص. [ع] دۇرمۇش
ياغدايدان دوشورمك، پسه سالماق،
قوريدان دوشورمك، باشغا كيشى
-نينگ اونگارمىيان ايشىنى بيتيرمك.
اعجاز a'jāz: [ع] جمع عجز، بير
زادينگ سونكى معنيده، شميرنگ
ايكىنجى مصراعى.

اعجم a'jam: ص. [ع] قاوى سۆزلاب
بيلمەيان، اۆنگات عربچه گورلاب
بيلمەيان، اعجم جمع.

اعجوبه ojube: ص. [ع] بير زات يا
بيري آدملارى حيرانا قالديرسين،
گنگ قالديرجى، آگيرت آدم، اعجيب
جمع.

اعداد a'dād: [ع] سانلار، جمع عدد.

اعداد e'dād: مص. [ع] تاييارلاماق،
اويچين اتمك، تايينلاماق.

اعدال a'dāl: [ع] تاي لار، جفتلر،
جمع عدل

اعدام e'dām: مص. [ع] يوق اتمك،
نابود اتمك، آتيپ يا آسيپ
اولديرمكه اولوم جزا سى .

اعذار a'zār: [ع] اۆتونچلر، گچيريملر،
جمع عذر.

اعذار e'zār: مص. [ع] باهانا گتيرمك،
اۆتونچ ايسته مك.

اعراب e'rāb: مص. [ع] آنيق و آچيق
اتمك، دوغرى سوزلمك و اليپى
حرفلارينگ آستين اوستىنى و اوتور
مدّه تشديد حركتلرى معنيده.

اعراب a'rāb: [ع] چاروا عربلار،
دوزده مسكن تۆتۆپ ياشايان
عربلار.

اعرابى a'rābi: ا. [ع] عرب ملتينه
باغلى، دوزده اوتوريان چاروا عربلار،
اعراض a'rāz: [ع] جسدلر، جانلار،
جمع عرض.

اعراض e'rāz: مص. [ع] يوز
اؤويرمك، داش دورماق، پرهيز اتمك،
قاچا دورماق، بير زاتدان قايرا دورماق.

اعراف a'rāf: ا. [ع] ۱. مسلمانلارينگ
عقيدەسینه گورا دوزخ بيلن
بهشتينگ آراليغيندا يرلشيان جاي
۲. قرآنينگ سوره لرى نينگ
بيري نينگ آدى.

اعراف a'raf: [ع] بيبك مكانلار، بيبك
جايلار، جمع عرف.

اعراق a'rāq: [ع] دامارلار، كوكلر، بير
زادينگ اصلى، كوكى، جمع عرق.

اعزاز e'zāz: مص. [ع] عزتله مه، عزيز
سايماق، حرمتلاماق، عزيز گۆرمك.

اعزام e'zām: آتارماق، يۇلا سالماق

بیرینی بیر یره ایبرمک، اوغراتماق.
 اعصار e'sār: مص. [ع] ال دار بۇلماق،
 قول یوقالیق، محتاج بۇلماق،
 قین چیلیغا دوشمک.
 اعشار a'shār: [ع] جمع عشر، اون دان
 بیر معنیده.
 اعشى a'shā: ص. [ع] گيجهلر گۆزی
 گۆرمه یان، (شبکور).
 اعصاب a'sāb: [ع] اعصاب، سینگرلر،
 عصبلر، آدمی حرکتک سالیان اورغان
 جمع عصب.
 اعصار a'sār: ا. [ع] عصرلر، دوویرلر،
 زمانلار، جمع عصر.
 اعصار e'sār: [ع] تووهلی، ییلدیریم و
 بولوتینگ اثریندن دورایان یل، اعاصر
 و اعاصیر جمع.
 اعضاء a'zād: [ع] قوللار، جمع عضد.
 اعضاء a'zā: [ع] اون ایکی اندام، اون
 ایکی سونگک، اعضاء
 اعطاف a'tāf: [ع] جمع عطف، قۇلتۇق
 و چت قیراقلار.
 اعطاء e'tā: [ع] باغیشلاماق، برمک،
 هودورله مک.
 اعطیه a'tiye: [ع] بخششلر، بریملر،
 جمع عطاء.
 اعظام e'zām: مص. [ع] اۇلاتماق،

اۇلی سایماق، صرفه قۇیماق.
 اعظم a'zam: [ع] اۇران بییک، قاتی
 اۇلی، اعظم جمع.
 اعلاء e'lā: مص. [ع] گۆترمک،
 یۇقاری چیقارماق، قالدیرماق.
 اعلال e'lāl: مص. [ع] ناساغ لاتماق،
 دردلی اتمک، ناخوش اتمک.
 اعلام e'lām: مص. [ع] خبرلی اتمک،
 خبر برمک، ییلدیرمک، جار اتمک.
 اعلام a'lām: [ع] جمع علم: ۱. بلگی،
 بایداق، ۲. باشلیق، قوم اولی سی.
 اعلامیه e'lāmiye: ا. [ع] ایلینگ
 دقتینه یتیریلیان خط کاغذ،
 ییلدیریش.
 اعلان e'lān: مص. [ع] آچیقلاماق،
 آشکار اتمک، بیر مطلبی یازیب
 آدملارینگ گوزیندن گچیرمک، جار
 چکمک، جار اتمک ییلدیریش لیک .
 اعلم a'lam: ص.ت. [ع] قاتی دانا، بتر
 بیلیملی، اینگ علملی، کوپ دانا،
 بیلان آدم، فراستلی آدم.
 اعلى e'lā: ص.ت. یۇقارراق، بلندراک،
 اۇنگاتراق.
 اهم a'amm: ص.ت. [ع] اۆز ایچینه
 آلماق، عمومی راق، کۆچولیکلی راک.
 اعمار a'mār: [ع] یاشایشلار، عمرلر،



اعصاب

ياشلار، جمع عمر.

عنقاء.

اھمار e'mār: مص. [ع] آبادلاماق،

اعنى a'ni: [ع] تفسیرده و آچیقلامادا

یری آباد اتمک، بیرینی ماتاچسيز

بیر مطلبه شيله قصد ادیارین

اتمک، بیرینه اوی ایل دیکپ برپ

دیمک.

اولیانچا خیرلانماغا هودورلمک،

اعواض a'wāz: [ع] بدلر، عوضلر،

ارکینده قویماق.

جمع عوض.

اهماق a'māq: [ع] اویلار، چوقۇرلار،

اعوام a'wām: [ع] ییللار، جمع عام.

ترینگیلیکلر، جمع عمق.

اهوج a'waj: مص. [ع] قیشیق، اگری،

اعمال a'māl: [ع] عمللر، ایشلر،

اربت قیلیقلی.

جمع عمل.

اعمال e'māl: مص. [ع] ایشه التمک،

اعوجاج e'wejāj: مص. [ع]

ایشه چکمک، ایشه بویۇرماق.

قیشارماق، تاوانماق، قیشیقلیق.

اعماء e'mā': مص. [ع] گوزی باطل

اهوذ a'uzo: [ع] فعل متکلم وحده

اتمک، کور اتمک معنیده.

یعنى: «سانگا سیفینیارین».

اعماء a'mā': [ع] جمع اعمی، کور

اهوذبالله: الله اشاره ادیب: «سانگا

معنیده.

پناه گتیریارین» دییمک.

اهمی a'mā: ص. [ع] کور، گوزسيز،

اهور a'war: ص. [ع] بیر گوزی کور

گوزی گورمکدن باطل بۇلان، عمی و

آدم، بیر گوزلی آدم، اؤنۇنگ مونثی

عمیان و اعماء جمع.

عوراء، عور و عوران جمع:

اهناب a'nāb: [ع] اوزوملر، جمع.

اعیاد a'yād: [ع] عیدلار، بایراملار، جمع

عنب.

عید.

اهنات - مص. [ع] اینجیتماق، بیرینی

اعیان a'yān: [ع] جمع عین، اولی

قین چیلیفا سالماق، کونگلینه دگمک.

آدملار، پوللی بایلار، بییکلر اعیانی :

اهناق a'nāq: [ع] بویونلار، جمع عنق.

جایلار، جایینگ گِرکلیکلری،

اهنق a'naq: ص. [ع] بوینی اوزین

مصالح، داش کرفیج آغاچ دیر قاپی و

بۇلان، بۇینی اؤزین اؤنۇنگ مونثی

پنجره یالی.

اغتراب eqterāb: مص. [ع] اؤز اولکه

اغتراب

يۇردۇنگدان داش دوشمك، ياد آدم لارا
 بيريكمك، غريته دوشمك.
 اغتراف eqterāf: مص. [ع] آيا بيلن
 سۇو آلماق، الينگ آياسى بيلن سۇو
 گۇترمك.
 اغتسال eqtesāl: مص. [ع] غسل
 اتمك، يويونماق، سۇوا دوشمك.
 اغتشاش eqtesāš: مص. [ع] آغيم
 دونوم بۇلماق، آختار دونگتر بۇلماق،
 بۇلغاى چيلىق، قاريم قاتيم ليق،
 ييقان يومرانليق، آياغا قاليش ليق.
 اغتصاب eqtesāb: مص. [ع] غصب
 اتمك، زور بيلن بيرى نينگ زادىنى
 آلماق.
 اغتفار eqtefār: مص. [ع] باغيшлаماق،
 خدای تعالى نينگ بندهسى نينگ
 گناه سىنى باغيшлаماغى، اۆتمه گى.
 اغتمام eqtemām: مص. [ع] غم
 لايىنا باتماق، قاينا قالماق، توقات
 ياغدايا دوشمك.
 اغتنام eqtenām: مص. [ع] غنيمت
 بيلمك، پيدا و نپ بيلمك، غنيمت
 سايماق.
 اغذيه aqziye: [ع] غذالار، اييميت لر،
 داماق لار، خوراك لار، جمع غذا.
 اغرار aqrār: [ع] جمع غر، ايش

گۇرمه ديك تجريه سيز، ياسيم
 آلدانيان، ياش يتگنجك، جوان.
 اغراس aqrās: [ع] آغاچلار، باغلار،
 جمع غرس.
 اغراس eqrās: مص. [ع] آغاچ اكمك،
 باغ اكمك.
 اغراض aqrāz: [ع] ايسلگلر،
 مقصدلار، غرضلار، جمع غرض.
 اغراق aqrāq: مص. [ع] بويلاتماق،
 غرق اتمك، چن چاقدان گچيرمك،
 اوستينه ساليپ آيتماق، اوته گچمك
 سۇزده آلداپ اوتيشديرمك.
 اغشاء eqs'ā: مص. [ع] اورتمك،
 اوستونى باسيرماق.
 اغصان aqsān: ا. [ع] شاخه لار،
 پوداقلار، جمع غضن.
 اغضاء eqzā: مص. [ع] گوز يۇمماق،
 گوزى باغلاماق، بير زات دان گوز
 يۇمماق.
 اغفال eqfāl: مص. [ع] غفله سالماق،
 غافل اتمك، آلدماق، خبر سيز
 دويدان سيز ليغا سالماق، الدوا سالماق.
 اغلاط eqlāt: مص. ا. [ع]
 يالنگيشديرماق، بيرىنى يالنگيشليغا
 سالماق.
 اغلاط aqlāt: [ع] يالنگيشليقلار،

جمع غلط.

اتمک، مالدار اتمک، پوللی وقۇجۇرلى

قۇرلىلى اتمک.

اغنى **aqnā**: ص.ت. [ع] قاتى باى،

ماتاج بۇلمادىق، قۇجۇرلى، قۇرلىلى.

اغنياء **aqniyā**: [ع] بايلار، قۇرلىلىلار،

دولتلىلر و بارلى مال و ملكلىلر،

جمع غنى.

اغواء **eqwā'**: مص. [ع] گمراه اتمک،

آلداماق، يولدان چىقارماق.

اغيار **a:aqyār**: [ع] كسه كىلر،

اوزگەرلر، بىيگانەلار جمع غير.

افاده **efāde**: مص. [ع] (=افادت) پيدا

برمک، نپ يتيرمک، افاده فارسى

ديلىنדה : تكبرلىك و پانگقىلىق

اولومسى منلىكلىك دىيپ آيدىليار.

افاضل **afāzel**: [ع] يۇقار درجەلىراق،

بلند مرتبەلى، يۇقار درجەلى آدملر،

مرتبهسى بلند آدملر، جمع افضل.

افاضه **efāze**: مص. [ع] افاضت

اوستونگە سۇو دۇكمك، ماخلول

سوددان دولدورماق، سۇزده حديثه

گيرمک، فيض يتيرمک.

افتادن **oftadan**: مص.ل. يره دگمک،

يۇقاردان آشاق يىقىلماق، آياقدان

دوشمک، ايشدن قالماق.

افتتاح **eftetāh**: مص. [ع] آچماق،

اغلاق **eqlāq**: مص. [ع] قابى ياپماق،

بير زات اوچين قين چىليق دورتمک،

کلمه و عبارتلارى، مشکل لشديرمک،

چيرماشيغا سالماق و کلمه نينگ

مضونينى اويتگتمک.

اغلاق **aqlāq**: [ع] قولف و يا قولفه

منگزش نارسه، اۇنۇنگ بىلن قابى

برکلنيار (اورىليار)، جمع غلق.

اغلب **aqlab**: مص. [ع] کويلنج،

کوپوسى، زيادراق، غالاپا.

اغمار **aqmār**: [ع] نادانلار،

آنگلامايانلار جمع غمر، سامسئقلار

تجربه سىزلر، جمع غمر.

اغماز **eqmāz**: مص. [ع] عيىلاماق،

بىيركىشىنى كوپونگ يانيندا

كىچلتمک، پسه دوشورمک، پسه

سالماق.

اغماض **eqmāz**: مص. [ع] گۇزى

يوماق، گۇز يوماقلىق،

اغماء **aqma'**: مص. [ع] بيهوش

اتمک، هوش سىزلىق، بى هوش

بۇلماق، هوشى گيتمک.

اغنام **aqnām**: ا. [ع] داوارلار، قويون

قوزىلار جمع غنم.

اغناء **eqnā'**: مص. [ع] ماتاج سىز

باشلاماق.

افتان eftetān: مص. [ع] فتنه گه دوشمک، فتنه تۇرۇزماق.

افتخار eftexār: مص. [ع] فخرلانماق، قۇوانچ، قۇوانماق، بویسانچلیق.

افتراق efterāq: مص. [ع] بیرک بیرکدن جدا دوشمکلیک، آیرالیق.

افتراء' efterā': مص. [ع] یالاندان بیرینه تهمت اۇرماق تونگکه مک، یالاندان بیرینه تهمت اۇرماق.

افتضاح eftetzāh: مص. [ع] بی آبرای بۇلماق، ارسوا بۇلماق، اویات سی بۇلماق.

افت وخیز oft-o-xiz: ا. مص. ییقلیپ قالماق، ییقلیما حالتیندا بۇلماق، اوغراماق و اۆتۇرماق لایق آرالیغیندا، اوتوریپ-تۇرماق یاغدایدا.

افخم afxam: ص. [ع] قاتی اولی، بتر گویچلی، اوران قوجورلی، یۇقاردیرجه لی، بلند مرتبه لی.

افر ofr: ا. [فر] عرضا، هودورلامه، عرضه، عطا، بخشش، تکلیف.

افرا afra: ا. چنار تاویره لی کوپ یاپراقلی و شاخالی بوی ۲۰ متره یتیان آغاچ، چچک، کرکاو، کرکوو.

افراخ efracx: مص. [ع] اوچوجی

قوشلارینگ چویچه له مەگی و یومیرتفادان چویچه چیقارما یورکدن قۇرقی آیریلماغی، سیرینگ آشکار بۇلماغی.

افراخ afrax: ا. [ع] چویچه، جمع فرخ. افراختن مص. م. اولالتماق، یۇقار قالدیرماق، بلند چیقارماق، یۇقار یتیرمک.

افراد afrād: ا. [ع] جمع فرد، بیردن آرتیغا و کۆپه خاصلانیا.

افراد efrād: مص. [ع] بیر اتمک، بیر زادی یکه بۇلۇپ یرینه یتیرمک، یکه لیکده ایشه باشلاماق، یکه لیک.

افراز afrāz: ا. بلندلیک، بییکلیک، و کرسی دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

افراز efrāz: مص. [ع] آیری اتمک، جدا اتمک، آراسینی آچماق، بیر نارسانینگ بیر نارسه دن آراسینی آچماق.

افراشتن afrāstan: مص. م. یۇقار قالدیرماق، یۇقار گۇترمک، یۇقار چیقارماق، بلند گۇترمک.

افراض efracx: [ع] بیرینه بللی بیرمچبرده زات برمک، قویون مالینگ بللی بیرچنه زکات دوشرنه بارماغی، زکاة واجب بۇلماغی.

افراط efrāt: مص. [ع] چندن چيقماق،

حندن چيقماق، چندن آشا آرتيق راق
گيتمكه قاتی گيتمكه.

افراه afrāh: ا. توسساق لارا پايلانيان
داماق، ايميت.

افرنند afrānd: ا. گوزلليک،
گورکلیليک، آوادانليق، اولۇليق، شان،
شوکت.

افرنند afrānd: ا. قيليجينگ جوهری،
قيليجينگ ييلديراماغي، عربلار افرند
دييپ آيديارلار.

افرننگ afrāng: ا. پادشاه لارينگ
تختی، بزگ، گوزلليک، گورک، شان
شوکت.

افروختن afruxtan: مص. ياقماق،
پارلاتماق، چراغی يا اودی ياقماق،
يانماق، پارلاماق.

افروزاندن afruzandan: مص. م. (=)
افروزانیدن) ياقماق، ياغتی لاندیرماق.
افروزشي afruzeš: ا. مص. ياغتيليق،
گون شعله سی دوشمک ليگی، گونش
نوری دوشمک.

افزار afzār: ا. قۇرال، شای شوی،
ابزار.

افزار afzār: ا. ابزار، قازانا آتيليان داری
درمان، بورچ، ساری بوغا، اوزوم يالی

نأرسه.

افزایش afzāyeš: ا. مص. آرتيق ليق،
کان آرتدیرماق، کوپ، بؤل.

افزودن afzudan: مص. کوپلتمک،
آرتدیرماق، قۇشماق.

افزون afzun: ص. کوپ، کان،
آرتيقماچ

افساد efsād: مص. [ع] ضايلاماق،
فسفی فجورليق، فتنه و فساد
تورۇزماق، غوغا.

افسار afsār: ا. اريشمه، آط
اريشمه سی، آوسار، آغيزديريرق،
اویان.

افسان afsān: ا. پيچاق چالينيان داش،
پيچاقی يیتی اتمک اوچين
اولانيييليان داش، نازداق داش، سان و
ساو هم ديييليار.

افسانه afsāne: ا. قصه، حکایت، باي،
ارته کی، گلر گچر، پالان روايت.

افست ofset: ا. [انگ] بيرهيل چاپ
ماشینی اؤنؤنگ بیلن کتابلاری و
صورتلاری دورلی نقشه لاری چاپ
اديليار.

افسر afsar: ا. سربازلارينگ اولی سی،
درجه لی، ستوان دان یوقاری.
افسردن afsordan: مص. ل. سولماق،



- ساویماق بوز باغلاماق، دونگماق،
توقاتلیق.
- افسوس afsus: ۱. قینانچ، اؤکونچ،
حسرت، قایغی، حسرت، ظلم و جبر
و تاوقی.
- افسون afsun: ۱. آلدواچ، حیلہ
جادوی، مکر، هیترلیق جادیچی
لارینگ جادی ادیان وقیتینده اوقایان
سۆزلری.
- افسونگر afsungar: ص. فا. جادیچی،
جادی چیلیق بیلن قیزیقلانیان.
- افشار afsār: ۱. تخته نردینگ
اوی لری نینگ بیر آدی، افشار، آوشار
طایفادان بۇلان ترک نژاددان.
- افشار afsār: ۱. ایرانی سازی لرینگ
بیری نینگ آدی.
- افشاندن afsāndan: م. م. (=)
افشانیدن) سپمک، دوکوپ ساچماق،
نثار اتمک، پیتراتماق.
- افشاء efsa': م. [ع] فاش اتمک،
اشکار اتمک، پیتراتماق،
آنیق لاشدیرماق، اوستونی آچماق،
یایماق. ءسیر آچماق.
- افشردن affordan: م. م. سیقماق،
بیر زادینگ سقیپ شیره سینی یا
سۋوینی آلماق.
- افضال efzāl: م. [ع] آرتدیرماق،
کۆپلتمک تایدان بخشش برمک،
حسنات یوقاری بۆلماق، قاوی لیق
جوماردلیق، سخاوتلی لیق.
- افضل afzal: م. ت. [ع] قاتی فاضل،
قاتی یوقاری، اینگ علملی آدم،
بیلیملی آدم، فاضل جمع.
- افطار eftār: م. [ع] آغیز آچماق،
آرازانی ایمک، آغیز آچارا رمضان آیی
آدمینگ آغیز آچاردا اییان داماغی.
- افطام eftām: م. [ع] چاغانی
سویتدن کسمک وقتی.
- افعال afāl: ۱. [ع] ایشلر، عمل لر، جمع
فعل.
- افعی afi: ۱. [ع] فارس چه قارا زهرلی
ییلان، اولی ییلان.
- افغان afqān: ۱. فریاد، قیقیلیق، ناله،
اینگراما، آخ واخ.
- افغان afqān: ۱. بخ. اوغان، افغانستاندا
اوتسوریملی طایفانینگ آدی،
آوغانینگ آدملاری، اولارا افغانه
دییارلر.
- افق ofoq: ۱. [ع] شفق، اینگریک، گۆز
یتیم، آفاق جمع.
- افقم afqam: ص. [ع] اووکسی یوقار
دیشی چوممالیپ اووه گلیپ دوران

آدم، آنگگا دیشلی آدم.

افکار afkār: [ع] اوۛی لان آدادلان.

فکرلر، جمع فکر.

افکندن afkandan: مص.م. زینگماق،

داشاری تاشلاماق.

افگار afgār: ص. خسته، یارالی،

ایزالی اینجیلی.

افلاس eflās: مص. [ع] یوق سیزلیک،

غریب-مال سیزلیق، یوغسوللیق.

افلاق eflāq: مص. [ع] شاعرینگ

انایی، گنگ کپ گتیرمگی.

افلاک aflāk: [ع] گونگلر، گوکلر،

جمع فلک.

افلیج eflīj: ص. [ع] ال آیاغی

ایسمایان، مایب، اندامی، ایسمایان

مایب مجریب.

افندی afandi: ا. [ت] آقا، بایار، فلان

آقایاده بایاری دیین یالی.

افواج afwāj: [ع] دستهلر، بۆلکلر،

جمع فوج.

افواه afwāh: [ع] آغیزلان، جمع فوه.

افواه afwāh: [ع] نهارد قویولیان

داری درمان، افوايه جمع.

افهام efhām: مص. [ع]

دوشوندیرمک، قولاغنه قویماق،

دویدورماق.

افهام afhām: [ع] دوشونجهلر،

آنگیل لان، جمع فهم.

افهم afham: ص.ت. [ع] قاتر

دوشونجهلی، قاتی دانا.

افیون afyun: ا. شیره، تریاک، افیونی

شیره کش، تریاک کش، معتاد.

اقامت eqāmat: مص. [ع] دۇرماق

بیر یرده دینچ آلیپ دۇرماق،

یرلشمک.

اقبال eqbāl: مص. [ع] یوز به یوز

گلمک، بیرزادا یوزلنمک، آغیردولته

دوش گلمک، فارسچه باخت، اقبال

دییلیار.

اقبیل eqbil: اقبال، باختلی.

اقتباس eqtebās: مص. [ع] نورآلماق،

بیلم اوورانمک، بیرینینگ بیلمیندن

پیدالانماق.

اقتدار eqtedār: مص. [ع]

قوجورلانماق، کویچلنمک، قواتلی

بۇلماق، قۇریلی بۇلماق، قۇجۇرلیق.

اقتداء eqtedā: مص. [ع] اویماق،

گۆزلده آلیپ شونگاگوزا حرکت اتمک،

گیتمک، ایزینا اییرمک، امام جماعته

اویماق، امامینگ ایزیندا اویماق نمازا

دۇرماق.

اقتراح eqterāh: مص. [ع] اوۛی



اقتضاء 'eqtezā: مص. [ع] برن قرض
پـۇلۇنگى ايزينا ايستهـمك،
ترخواست، خواهش، بىرىنىڭ
برگى سىنى طلب اتمك و آماق.

اقتطاع 'eqtetā: مص. [ع] كسمك،
بولمك، بىر زاتدان بىر بولگنى آماق.

اقتطاف 'eqtetā: مص. [ع] ايميش
يىغماق، ميوه يىغىلماغنىڭ وقتى
يتمك، موسمى ييتىشمك.

اقتلاع 'eqtelā: [ع] كوكنى كسمك،
دوپىندن يىغماق، قوفارماق.

اقتناء 'eqtenā: مص. [ع] مال
يىغناماق، سرمايه ادينمك، مال
تغشىدلماق، مال جملهـمك.

اقتناص 'eqtenās: مص. [ع] آو
آولاماق، آو اتمك.

اقدام aqdam: ا. [ع] آرديم لار، اديم لر،
جمع قدم.

اقدام eqdām: مص. [ع] اؤوه گيتمك،
باشلاما، بىر ايشه باشلاماق، آياغا
قالماق، يوزلنمك، بىر ايشىنىڭ
اوغرۇنا چىقماق.

اقدس aqdas: ص. ت. [ع] قاتى
آراسسا، قاتى پاكيزه، اوران مقدس.

اقدام aqdam: ص. ت. [ع] قاتى
قديمقى، قاتى اۇنگ، اير وقتقى.

فكرسىز كپلمك، اويلانمانى سۆز
آيتماق، اۆز فكرىنگە گورا تازه زات
تاپماق و دورا تمك، بىرىندن بىر زات
استهـمك، سۇراماق.

اقتراض eqterāz: مص. [ع] وام
آماق، قرض آماق قرض اتمك.

اقتراع 'eqterā: مص. [ع] چك آتماق،
قرعه چكمك، بيجه آتماق.

اقتران eqterān: مص. [ع]
ياقنىلاشماق، بىرىنە يار بۇلماق،
مددكار بۇلماق، ياقىنلىق و بىرىكمك.

اقتسام eqtesām: مص. [ع] ۱. قسمت
اتمك، بۇلمك، ۲. آنت اىچمك، قسم
اتمك.

اقتصاد eqtesād: مص. [ع] هر بىر
ايشده اۇرتا يۇرۇش تۇتماق، اوز
گيرده جىنگە گورا خرچ اديپ خرچ و
دخلىنىڭ دنگلهـمك، خرچ دخلى
تايلاماق، ميزانلاماق.

اقتصار eqtesār: مص. [ع]
قيسغالتماق، قيسغالتجاق بۇلماق،
چاكلندىرمك، بس اتمك.

اقتصاص eqtesās: مص. [ع] قصاص
اتمك، قصاص آماق، جزا برمك،
اديشى يالى اتمك، قصه آيتماق،
روايت اتمك.

اقرار eqrār: مص. [ع] اوزکپینگ بيله
بیرایشی یا بویروغی ثابت اتمک،
بویون آماق، سۆزینگی آشکار اتمک،
سۆزینگده دۇرماق.

اقراص aqrās: [ع] قرصلار، جمع
قرص.

اقراض aqrāz: مص. [ع] قرض برمک،
وام برمک.

اقرع eqrā': مص. [ع] بیرینی
بیرایشدن ساقلاماق، چک آتماق.

اقران aqrān: ا. [ع] یاقینلار،
قرینداشلار، منگزشلر، جمع قرن.

اقران eqrān: مص. [ع]
یاقینلاشدیرماق، یکی بویروغی یا
ایکی زادی بیر بیرینه دوشورماق.

اقرء aqrā': [ع] قافیه دورلی شعر،
جمع قر.

اقرء eqrā': مص. [ع] اوقیماغا مجبور
اتمک، اؤویریلیمک، یاقینلاماق،
عیالینگ آیی گورونمه سی.

اقراب aqrab: ص.ت. [ع] اینگ یاقین،
بتر یاقین، یاقینراق، اقارب جمع.

اقرباء aqrabā': ا. [ع] دوغان
قارینداش یاقین، ایلن چالان
قوم قارداش، جمع قریب.

اقساط aqsāt: ا. [ع] قسطلار، بولاکلر،

جمع قسط.

اقساط eqsāt: مص. [ع] عدل و داد
اتمک، انصاف اتمک، اورتا
یوریملی لیک.

اقسام aqsām: [ع] بخشلار، بۆلکلر،
بولیملر، جمع قسم، پیدالار.

اقسام aqsām: [ع] آنتلار، قسملار،
جمع قسم.

اقسام eqsām: مص. [ع] آنت ایچمک،
قسما بارماق.

اقصاء eqsā': مص. [ع] داشلاتماق،
اوزاغا سالماق، داشلاشدیرماق، داشا
سالماق.

اقصاء aqsā': ا. [ع] داشلار، اۇزاقلار
معنیده، جمع قاصی و قصی.

ا قصر aqsar: ص.ت. [ع] قیسغاراق،
کلتەرآک، اقاصر جمع.

اقصی aqsā: ص.ت. قاتی داش، قاتی
اۇزاق، داشراق، جمع اقاصی.

ا قطاب aqtāb: [ع] اولیاءلار، پیرلر،
قطبلار، مرکزلر معنیده، جمع قطب.

اقطاع eqteta': مص. [ع] کاییمک،
بیریندن اۆستون چیقماق، بیر ملکی
بیرینه پیداسیندان اونگار یالی برمک،
جمع قطع.

اقطاع eqteta': مص. [ع] خلیفه نینگ

اۋز مالیندن کسپ بیرینه اونگار یالی
بومک لیگی.

اقلام aqlām: ۱. [ع] قلملار، جمع قلم.

اقلیت aqaliyat: مص.ج. [ع] آز

بۆلماق، کۆیونگ قارشىسى،

کۆیونگ آراسیندا بۇلان آزلار.

اقلیم eqlim: ۱. [ع] یۇنانلىلار

چشمه دن: یۇرت، اولکه، دیار،

عالمینگ ناچه دن بیر بۆله گى، هوا

شرطلری نینگ اورتاچا طبیعی

یاغدايى، اهلى یدی دن بیر عالمینگ

قۇرى یری.

اقدار aqmār: [ع] آىلار، ییلدیزلار،

جمع قمر.

اقدار aqmar: مص. [ع] آق رنگ، آى یالى،

آق یاشیلا یاقین.

اقداع eqnā: مص. [ع] قانع اتمک،

خوشحال اتمک، راضى اتمک،

قناعتلاندیرماق، اېئانديرماق

اقوام aqwām: ۱. [ع] قارىنداشلار، قوم

خويشلار، دۇغانلار.

اقيانوس oqyānus: ۱. دنيانگ

دۇرت دن اوچ بۆله گینی توتان - دنگیز،

اۇلاری باش بولپ دیرلر. اۇلار

اقيانوس آرام، اقيانوس هند، اقيانوس

اطلس اقيانوس منجمد شمالي،

اقيانوس منجمد جنوبى دان عبارت.

اکابر akāber: [ع] جمع اکبر، اولىلار،

ياش اولىلار، ياشى گيدنلار.

اکاذيب takāzib: [ع] يالانلار، يالان

سۆزلر جمع اکذوبه.

اکالپتوس tokaliptus: [فر.] [ع]

آغاجینگ بیر گۆرنوشى، همیشه

گوک آغاچ.

اکبر akbar: ص.ت. [ع] قاتى اولى،

قاتى بيبک، اکابر جمع.

اکبر akbar/ ekber: ۱. [ع] آرى نینگ

اۋندريان بیر هیل قۇراق حلوا منگزش

مادهسى.

اکتاف aktāf: [ع] ياغرینلار،

گريشلر، جمع کتف.

اکتبر oktobr: ۱. [فر.] [ع] فرنگى

ییلینگ اونونجى آيى نینگ آدى، مهر

آيى بیله جيس گليار.

اکتتاب ektetāb: مص. [ع] کتاب

يازماق، يازماق.

اکتساب ektesāb: مص. [ع] اله

گتيرمک، اۋنوم آلماناق، اويشیرمک،

کسب اتمک.

اکتشاف ektešaf: مص. [ع]

آختارماق، تاپماق، يوزه چيقارماق،

دوزاتمک.

اكتفاء 'eqtefā: مص. [ع] بس اتمک،
بولیار اتمک، چاکلنمک قناعتلانماق.
اكتتاف eqtenāf: مص. [ع] پناه
گتیرمک، گیزلین یر سالماق، داشین
آلماق.

اکثر aksar: ص.ت. [ع] آغلابا، کویراک،
کۆیلنج.

اکثریت aksariyat: مص. قالاباراغی،
کوی، اغلبباراغی، کویراک.

اکرام akram: مص. [ع] اولی تۇتماق،
بییک سایماق، حرمتلاماق، بخشش
اتمک، بریم برمک، هودورله مک.

اکران ekran: ا. [فر.] سینمانینگ آق
پردهسی، تصویر دوشیان آق پرده.

اکراه ekrah: مص. [ع] بیرینی مجبور
ادیپ بیر ایشه قویماق زورلیق.

اکرم akram: ص. [ع] اوران حرمتلی،
قاتی اولی، بتر جومارت.

اکزما ekzemā: ا. [فر.] بیرهیل دری
کسلی، اندام چیشمه، قیزارما و
گیجیلوویکلی خستهلیق.

اکزیستانسیالیزم ekzistānsiyalizm:
اصلی توپس بولان، فلسفی مکتبی

اروپاده رواج بؤلماغینا و اولارینگ
عقیدهلارینا گؤرأ، انسانینگ
یارادیلشی یعنی ماهیتی گِرک یوزه

چیقما یولی بیلن دوشونیلمالی
یعنی درک ادیلمهلی، ایسیم علمی و
فرضی آدالفا یوزوندن دال، آیدیارلار
انسانینگ یاشایشینه قارشی بولیان
دورلی یاغدا یلار اوه گلیار، شیلهده
آدم پوچ و بیهوده زادا چکلیب
اینجالیفنی الدن بریار، و اغلب
هدفسیز پوچ زادا تلاش ادیار، گمان
ادیاریس انسانینگ مادی وجودی
جوهریندن و یارادیلشیندن و
روحوندان باشاریار اوژ ایستان جورده
اوزونی بجرسین و دوزالتسین و اوژ
دورموشنی گلجگنی سرنوشتنی
اوژی بلله سین یعنی تعیین اتسین
دیین یاغدا.

اکمال ekmāl: مص. [ع]
دولیلاندرماق، بیتین اتمک، کامل
اتمک، تماملاماق.

اکمام akām: [ع] ینگلر، جمع کُم.
اکمل akmal: ص.ت. [ع] قاتی دولی،
قاتی بتین و کامل.

اکناف aknaf: [ع] تۆرگی داشی، چت
قیرا لار، جمع کنف.

اکنون aknun: ق. شوندی، شو وقت،
ایندی دیین یالی.

اکواریوم akwariyom: ا. [فر.]

- وقتلايىن بجرلن اولى حوض، اوندا
بالىق يالى جانلى زادى ساقلاڭيار
كۆپلنچ، بلوردان بجرىليان.
اكونومىست ekonomist: ا. [فر.]
اقتصاددان، اقتصاد اوغىردە كوپ
بىليان، اقتصاد ايشى بىلن
قىزىقلانغان.
اكونومىك ekonomik: ص. [فر.]
پيدالى اقتصاد، صرفهلى اقتصاد.
اكيپ ekip: ا. [فر.] بىر توپار
كارندهلرينگ بىر ايشە مشغول
بۇلماغى، ايشچىلرينگ ايشە
ايشچىلرينگ توپلومى
اگو ego: ير آستىندا خافا سۇويى
آقئيرىليان يول، سۇ يولى، سۇ يابى،
اگو آدىندا.
ال al: ا. مازندرانينگ جنگلينده بيتيان
ياپراغلارنى اوچلى اوزىن سارى گللى
ميوهسى ترشى قاتى آغاچ.
الا alā: ح. [ع] اى، دويدوريش سۆزى،
بىلگىن و آگاه بولغون دىين يالى.
الا ellā: ح. [ع] استثناء حرفى، مكر،
اكرده، آيرى.
الاحيق alačiq: ا. [ت] تركمن اۋىسى،
آغاچ اۋى.
الاغ olāq: ا. ترك سۆزوندن آلينان،
اشەك.
الام olām: ا. تركى مغولى سۆزوندن
قلاڭك يالى، اووه دوشوپ يول
گوزكزيان آدم.
الامان al-amān: ص. ت. ا. [ع]
دوشماندان قۇرقىپ پناه ايستاپ
وحشته دوشن وقتى دىيىليان كپ.
الان alān: ق. [ع] شو وقت، ايندى،
شوندى، شۇ چاقدا.
الپ elb: ا. ع. تيكنلى تورنيچ آغاچ يالى
باغ.
الپ elb: ا. [ع] هوللۇك، باشام بارماق
بيله سويوم بارماغينگ آرا اۋلچەگى.
الباب al-bāb: [ع] عـقـلـلـىـلـار،
دوشونجهلىلر، مغزلىلار، دانالار.
الباء alebbā: ا. [ع] دانالار،
عاقىللىلار، فراستلىلار، بىليملىلر،
جمع لىبى.
البتة albatte: ق. [ع] تاكيد سۆزى
البتده، نيقتاما سۆزى، البتە،
كسگيتلى سۆز حكمان.
البسه albese: [ع] گييم گچيملر، اكين
اشيكلر، جمع لباس.
التزام eltezām: [ع] بىرايشى بۇيۇن
آلماق، اديلمهلى حكمان ايش، ضرور
ايش، درواييس ايش.

- التفات eltefāt: مص. [ع] بیرینه یوزلنمک، بیرینه طرف باقماق، مهربانلیق اتمک، خوشامایلاماق، همرالیق اتمک.
- التفاف eltefāf: مص. [ع] بیرى بیرینه چولاشماق لیق، اگین اشیک اؤزونگه چولاشماق لیق.
- التقاء 'elteqā': [ع] گوروشمک، یتیشمک، دوشیشماق.
- التماس eltemās: مص. [ع] یالبارماق، یوزرمک، بیرزادی ایسله مک، بیریندن بیرزادی خوایش اتمک، بیرزادی اغتارماق.
- التهاب eltehāb: مص. [ع] اودونگ یالینلاپ یانماغی، اود توتاشما. توتاشیپ یانماق چیشمه .
- التيام eltiyām: مص. [ع] بیریکمک، بیتمک، یارانینگ قاوی لاشماغی و قاوی بولماغی، یارانگ بیتمه گی، قوتولماغی، ایکی زادینگ آراسینی ایلا لاشدیرماق.
- الحاد elhād: مص. [ع] دیندن خدای دان یوز اؤویرمک، دین دان چیقماق، کفر، دین سیزلیق.
- الحاد alhād: ا. [ع] قبرلان، مزارلان جمع لحد.
- الحاق elhāq: مص. [ع] بیرینه بیریکمک و یتمک، بیرى بیرینه یتیرمک و باغلانشدیرماق، باغلی لیق.
- الحال alhāl: ق. [ع] شو دمده، شو وقت، شو چاق.
- الحان alhān: ا. [ع] سسرلر، هنگلر، آوازلا، جمع لحن.
- الحق al-haq: [ع] حق، شک سیز، عین حقیقت، دوغریدان دوغری.
- الحکم لله al-hokmo-lallah: [ع] حکمی و فرمان خدای تعالی بیلن دیر.
- الحمد al-hamd: [ع] ستایش، سوره حمد، الحمد سوره سی، فاتحه سوره سی.
- الخ elax: [ع] ینگلتمه سؤزی، آخینه چنلی، سونگونو چنلی.
- الزام elzām: مص. [ع] مجبور اتمک، واجب اتمک، بیرینه بیرایشی واجب اتمک، بیرینه یا اؤزینگه ضرور بیلیمک، بورچلی بیلیمک.
- الزام آور elzām-āwar: ص. ف. [ع] حکمانی ایدیلمه لی ایش، ایدیلمه لی ضرور ایش، دراویس ایش.
- السّاعه assā'e: ق. [ع] شو وقت، شو دمده، دررو، قیامت، آخرت معنیده.

حروف تهجی، الف دن بی گه چنلی،

فارسی الفبىسى ۳۲ حرفدان

عبارت دیر، ترکمن الیپبىسى ۲۸

حرفدان عبارت.

الف olfat: مص. [ع] اؤرنیشمکلیک،

دوستلیق.

القاح elqāh: مص. [ع] گؤورهلی

اتمک، ایکی قات اتمک، بوغاز اتمک.

القاء elqā': مص. [ع] اوقلاماق، بیر

سۆزی بیرینینگ ذهیننه قویماق،

تاشلاماق، بیر کپی بیرینینگ یادینا

دوشورمک.

القصة al-qesse: [ع] سۆزۆنگ

قیسغاسی، الغرض، القصة.

الک alak: ا. الک.

الکترال elektorāl: ص. [فر.]

سیایلارچیلیق، بىلىکلیک،

بلله مکلیک.

الکترونیک elekteronik: ص. [فر.]

الکترونیکه دگیشلی، الکتریک،

فیزیک علمینگ مهندسی، برق

علمی نینگ بیر بۆلومی.

الکتریک elekterik: ص. [فر.] برق و

برقه دگیشلی و باغلی بۆلآنلار.

الکل alkol: ا. [فر.] کؤیلنج

طیببچىلىك اوجین پیدالانسیلیان

الصاق elsāq: مص. [ع] یلمه مک،

یابشیرماق.

الطاف altāf: [ع] مهربانلیقلار،

یاغشیلیقلار، مهرلی لیکلر،

عزتلی لیک، جمع لطف.

الطاف eltāf: مص. [ع] یومشاقلیق

اتمک، قاولیق، رحملى لیک، ساوغات

برمک.

الغار elqār: ا. آط قویماق، ایلغار،

دوشمانا آط سالماق، دونولماق.

الغاز alqāz: [ع] ماتال، سیرلی سۆز،

جمع لغز.

الغاز elqāz: مص. [ع] اوغرىن کپ

آیتماق، ماتال آیتماق، بیللمجه، ادب

آدالغاسینده وصف ایدلنه اشاره.

الغاء elaqā': مص. [ع] باطل اتمک،

ساندان چیقارماق، اینامدان

دوشورمک.

الغرض al-qaraz: [ع] سۆزۆنگ

قیسغاسی، الغرض، الغرض.

الغیاث al-qiyās: [ع] غیاث، قیقیلیغا

یتمه، حقى طلب اتمه، عرضاً داده

یتمکلیگه آیدیلیار.

الفاظ alfāz: [ع] سۆزلر، کپلر، جمع

لفظ.

الفباء 'alefbā: ا. مر. حروف هجا یا



الک

مايع، الكل.

الکلی alkoli: ص. الکله دگیشلی،

الکل ایچماگه اندیک ادن، الکلی
چاقیر ایچیب همیشه بیان بولیان
آدم، آلقاش.

الگو olgu: ا. گۆزنوش، گۆزکمه،

خیاطلارینگ اؤلچک اوچین
پیدالانیان مقوادیر کاغذی نسخهالله allāh: ا. [ع] خدای، تانگری،
یارادان، خالق.

الله اعلم allāho-a'lam: [ع] (=والله

الاعلم) خدا قاتی دانادیر،
بیرمطلبینگ دوغری و یا نادوغری
لیغنی شکلی بولناده الله اعلم دیب
دوغریدان دوغری الله تعالی قاتی
دانادیر دیب آیدیلیار.

الله اکبر allāho-akbar: شیله جمله:

«خدای تعالی قاتی اولی دیر»، آذان
چکیلنده هم آیدیلیار، «تانگری تعالی
قاتی اولی دیر»، آذان چکیلنده هم
قیغیریلیار، «تانگری تعالی قاتی اولی
دیر» دیب، الله اکبر دییلیار.

الله تعالی tallāh-ta'ālā: خ. خدای

تعالی، تانگری تعالی، بیک تانگری،
الله تعالی.

اللهم allāhomma: [ع] یا الله، یا

تانگری دییب ندا سۆزی، سسله نیش
سۆزی.الم alam: ا. [ع] درد، عذاب، ایزا،
قایغی، غم، آلام جمع.

الم alom: ا. ارزن، داری.

الماس almās: ا. بهالی قیّمات
داشلارینگ بیرى، آلماس. آلماز

المپیاد olampiyād: ا. [فر.] قدیم

یونان یۇردۇندا المپیک اویونلاری هر
دؤرت ییلدان بیر گزک المپی
شهرینده یولا قویولماغی اوچین
ایکی دؤیر دؤرت ییل آرالییغینا
المپیاد دییب آد قویانسونگلار
سونگ المپیاد سۆزه شهرت تاپیپ،
آدلانیپ قالیار.

المپیک olampik: ا. ص. [فر.] قدیم

یونانده بۇلان هر دورت ییلده بیر گزک
دورلی ورزشلرینگ یاریشنینگ یولا
قویولماغی اوچین المپیک دییب آد
قویلیپدیر.

المثنی almosannā: ا. [ع] (=المثنا)

هر بیر مدرک و یازغی نینگ یوزوندن
آنان ایکیلانجی نسخه سی.الم شنگه alam-šange: داد و بیداد،
قیق چیق اتمک، آلاقویغی تۇرۇزماق،
بولا قویلیق سالماق.

النگ olang: ۱. [ت] گویلیک، اوتلیق،

چمنلیک میدانی، اوری میدان.

النگو alangu: ۱. بزهلیک، بیله زیک،

قوشاره داقیلیان بزهلیک.

الو alaw: ۱. یالین، اودونگ یالینی،

شوهله، شعله.

الو oloww: ۱. آغاچ شاخه سی، بورنا

قاینادیپ بخور ادیب بوغی بورونا

توتولیار.

الوار alwār: ۱. کوتل، آغاچدان کسیلن

اولی دورت غیرانگ کسیلن تخته

الواط alwāt: ص. عا. ساللاخ آدم،

عارسیز ایقلاپ یورن آدم، ساللاخ آدم،

ایغیپ یورن.

الوان alwān: ۱. دورلی رنگلر، جمع

لون.

الوداع alwedā: [ع] خوش لاشماق،

الله یارلاشماق، دوستلاردان

آیریلشانیلاندا یا سفره گیدیلنده

آیدیلیان سۆز.

الهام elhām: [ع] یوره گینگه دوشیان

دوینی، بیوردن فکرینگه گلیمک، الله

تعالی، انسانینگ یوره گینه یا ذهنینه

قوییان دوینی سی، ایلهام.

الهیات elāhiyāt: ا.ج. [ع] الله تعالی

نینگ حقنده بحث، دین تعلیماتی.

الهیار allahyār: ص. [فاع] خدا یاری،

تانگری اؤنؤنگ یاری بۆلان، ارکک

آدملارینگ آدلاری، الهیار.

الیم alim: ص. [ع] آغیرلی، ایزاسی

کوپ بۆلان، قاتی ایزالی.

ام omm: ۱. [ع] اجه، انه امات وامهات

جمع.

اما ammā: ق. [ع] شرط سۆزی، ولی،

اگرده، اما.

اماج omaj: ۱. اوماچ، بۇغداي دن

بشیرلیان سوویق ناهار، سوویق آش،

اوماچ.

امارات amārat: [ع] علامتلار،

نشانه لار، بلگی لر، جمع اماره.

امارات emārat: ص. [ع] امیر

بۆلماق، بویروغی یورییان و حکمی

روان امیرینگ یۆردی، جمع امارت.

اماکن amāken: [ع] مکانلار، جایلار،

مکان، مسجد و عمومی یاشالیان

جای.

ام الفساد ommo-ifesād: ص. مر. [ع]

فسق فجورلیق، فتنه، خراب

کارلرینگ باشی.

امام amām: ق. [ع] یوزبه یوز، اونگده.

امام emām: ۱. ص. [ع] پیش نماز، امام

امپراتورینگ طرفدارى، اولى
يوردونگ بيلهكى يوردلره اورناب زور
بيلن گيريپ حكمرانى ليغنى
كينگليپ اؤز قول آستينا آلماق ليق
سياستى.

امت ommat: ا.ج. [ع] بير بۆلك تابين
آدم، و بير پيغمبره اوييان جماعتلار
امم جمع.

امتحان emtehān: مص. [ع] بارلاق،
سيناو، درنگاو.

امتداد emtedād: مص. [ع] اوزالما،
چكيلمه، اوزالما، اوزالتما.

امتناع emtenā: مص. [ع] ساقلانماق،
قايرا دۇرماق، يوز دوندرمك، بير
ايشدن و بويروغدان قايرا دۇرماق.

امتنان emtenān: مص. [ع] منتلى
بۇلماق، منت قويماق، قدر بيلديرمك،
منتدار بۇلماق، نعمت برمك.

امتيياز emtiyāz: مص. [ع] آيراتين
بۇلماق، جدا بۇلماق، اۆستون
چيقيماق، دولت طرفيندان كارخ'نا
باشغا بير قۇراما و ش.م. سالماغا و يا
روزنامه چيقارماغا بريليان اجازه
رخصت. آرتيقيماچليق.

امثال amsāl: ا. [ع] مثلر، منگزشرلر،
منگزشر، جمع مثل، چاليمه اش لاره.

جماعت و امام جمعه، ائمه جمع.
امامت emāmat: مص. [ع] پيش
نمازليک اتمك، رهبرليک اتمك،
يولباشچي ليق اتمك.

امامزاده temām-zāde: مر. [ع]
اماملارينگ فرزندى يا آغتيق
چاوليغى نييرهسى.

امان amān: مص. [ع] قۇرقى
بۇلماديق، خوف سيزليق، دينچليک،
آرامليک.

امانات amānāt: [ع] جمع امانت،
امانتلار، امينليک و دوغريليقلار.

امانت amānat: مص. [ع] دۇغۇرليق،
امين بۇلماق، بيرزادى بيرينينگ
الينده ساقلاماغا تابشيريلماق.

امانى amāni: [ع] آرزولار، جمع امنيه.
امانى amāni: ص.ن. [ع] امانتى بيرينه
امانت صورته تابشيرلان نارسه.

امپراتور emperātur: [ع] قديم
رومده اولى سردارلارينگ لقمى، شو
زماندا بو لقم بير نيچه پادشاهلارا هم
خاصلانيار، سالتان، سلطان.

امپرياليست emperyālist: ص. [فر].
امپراتور سياستىنينگ طرفدارى،
امپرياليسمينگ قولداوچيسى.

امپرياليسم temperyālism: [ف]

- امثال amsāl: ا. [ع] ایل آراسیندا بۇلان
قصه و ارته کی معنیده.
- امحاء 'emhā: [ع] آزادان چیقارماق،
یوغالتماق، یوق اتمک.
- امداد emdād: مص. [ع] کمک برمک،
مدد برمک، قولدا ماق، یاردام برمک،
حارای یتیرمک.
- امر amr: مص. [ع] فرمان برمک،
بویروق، حکم، اوامر جمع.
- امرار emrār: مص. ا. [ع] گچیرمک،
بیرینی بیریردن گچیرمک، وقت
گچیرمک.
- امراض amrāz: [ع] جمع مرض،
کسل لر، ناخوش لیق لار، سیرقاو لیق لار،
ناساغ لیق.
- امراء 'omara: [ع] بییک لر، امیر لر،
جمع امیر.
- امرداد amordād: ا. شمس ییلی
نینگ باشینچی آیی نینگ آدی،
مرداد.
- امروز emruz: ق. بوگون، شوگون.
- امروزه emruze: ق. شو زماندا، شو
نوویرده، شو عصرده.
- امروزی emruzi: ص. ن. بوگونکی،
شوگونکی.
- امسال emsāl: ق. بو ییل، شو ییل.
- امشب emšab: ق. بو گیجه، شو
گیجه.
- امضاء 'emzā: ا. مص. [ع] قول چکمه،
خطینگ یا سندینگ آشاغینا هایسی
شخصینگ قول چکیلنی بیلمک
اوچین ادیلیان آد و علامت.
- امضاء کردن emzā' kardan: ا.
مص. م. امضالا ماق، قول چکمک.
- امعاء 'ām'ā: ا. [ع] ایچه گهر، جمع
معی.
- امکان emkān: مص. [ع] بیر
بویروغی باشارماق، جای برمک،
ممکن چیلیک: فلسفه ماغانده
بولاری بۇلمازی بللی بۇلما دیق زات.
- امکنه amkane: ا. [ع] جای لار، یرلر،
جمع مکان.
- امل amal: ا. [ع] امید، آرزو، آمال جمع.
- أُمْلُ ommol: ص. عامی، قارا مایاق،
مدنیه تربیته گیرمه دیک کؤپلنچ
عیالارا خاصلانیار.
- املاء 'emlā: مص. [ع] دولدورماق، بیر
مطلبی کلماتی معلمینگ
شاگردلرینه دوغری یازماق اوچین
ادیان سیناوی، دورست یا زوه
- املاح amlāh: ا. [ع] دوزلار، جمع ملح.
- املاک amlāk: ا. [ع] یر یورت لر،

ملک‌لر، جمع ملک.

جمع.

امن amn: مص. [ع] قۇرقى سىزلىق،
يۈرک دىنچلىقى، دىنچلىق، خوف
سىزلىق.

امناء omanā: [ع] جمع امين، امين‌لر.
امنيات amniyat: مص. [ع]

فراقت‌چىلىق، آماندا بۇلماق،
قۇرقى سىزلىق، خوف سىزلىق، گۈل آلا
گۈللىك.

اموات amwāt: ا. [ع] ميت‌لر، اولن‌لر،
جمع ميت.

اموات amawāt: [ع] قىرناق‌لار،
كنىزلر، جمع امه.

امواج amwāj: ا. [ع] تولقىن‌لار،
قۇملار، جمع موج.

اموال amwāl: [ع] مال‌لار، جمع مال.
امور omur: ا. [ع] ايشلر، كسب و

كارلر، حادثه‌لار، جمع امر.

امونياك amoniyāk: ا. [فر-]
طبيب‌چىلىگه اولانيليان مابع.

اميد amid: ا. آرزو، قاراشيق، طمالى،
آرمان، تووقا، ايسلگ.

اميدوار amidwār: ص. اميدلى بۇلما،
آرزولى، اميدلى، تاواقالى.

امير amir: ص. ا. [ع] سردار، باش
توتان، امير و مير هم دىيىليان، امرا

امير المؤمنين amirrol-mo'menin:

ص. مر. [ع] مسلمان‌لارنىڭ سرورى،
امير مومنان حضرت على بن
ابىطالبنىڭ لقىمى و بىلەكى
خليفالارادا خاصلانيار.

اميل amyāl: ص. [ع] اگرى بوغرى،
ايرىڭ اۆستۈندە دوغرى اۆتۈرۈپ
بىلمەيان، قىلىچ و سپرسىز آدم،
يامان قارا يۈرگۈلى آدم.

امين amin: ص. [ع] دوغرى چىل
امانت ساقلايچى، ايسنام‌دار،
دوغرىلىقدا ايله اوزونى تانىدان آدم،
ايناملى

اميه omayye: ا. [ع] مصفرامه، كنىز،
قىرناق قىرىش تيره‌سى نىڭ بىرى
نىڭ آدى.

انابت enābat: مص. [ع] (=انابة) توبه
اتمك، گناه‌دان ال چكمك و خداى
تعالىغا قارشى اۋورۇلمك، تانگىرى
تعالىنى ذكر اتمك.

اناث enās: [ع] زنانه‌لار، عيال‌لار، جمع
اثنى.

انار anār: ا. نار.

اناس onās: [ع] آدم‌لار، جمع انس.
اناھيتا anāhitā: ا. بولاشمادىق، پاك،

سۇۋۇنگ موكل فرشته سىنىنگ
آدى، سونگلر زهره يىلديزه هم
آدلاندىرىپ دىرلار آناھيد هم
ديلىپ دىر يعنى اناھيد سۆزى
اۋنۇنگ مخفى.

انبات enbāt: مص. [ع] يردن گوگريپ
چيقماق، گوگرمک.

انبار anbār: ا. انبار، اعمار، پارخاو.
انباردار anbārdār: ص. نا. آنبارينگ
ساقلايچىسى، ساقلاوى، آنبار
ساقچىسى.

انبار شدن anbār šodan: ۋويلمک،
اويشمک.

انبار anbāz: ا. ص. آرقاداش، ايشدش،
اۋرتاقداش، كاردش، شارىك.

انباشتن anbāstan: مص. م. انبار
اتمک، آنبارى دولدورماق، اوستى
اۋستونه قويماق، جايلاماق،
اويشورمک.

انباء 'anbā: ا. [ع] خبرلار، جمع انباء.
انباء 'enbā: مص. [ع] اگاه اتمک،
خبربرمک.

انبان anbān: ا. ميشىك.

انبر anbor: ا. اود و ش. م. توتوليان
نارسه، ماشا.

انبردست anbor-dast: ا. پيچ مهره

آچماق اوچين اۋلانىليان قۇرال ۲.
سيم كسيليان آبار.
انبساط enbesāt: مص. [ع] آچيلماق،
يازيلماق، يايراماق.

انبوه anbuḥ: ص. دولى،
گۆرمه له شىك، اويشمالنگ، تاولى
كۆيلوك، هومبرده هومبرليك،
كۆيلوك.

انبىاء 'anbiyā: ا. [ع] پيغمبرلار،
نبىلار، جمع نبى.

انتحار entehār: مص. [ع] اۋزۇنگى
اولدورمک، اۋزۇنگه قصد اتمک، اوز
جانينگا قصد اتمک.

انتحال entehāl: مص. [ع] اۋزۇنگه
دگيشلى اتمک، باغلانىشىدورماق،
بىيرىنىنگ قوشنى سىنى و يا
سۆزىنى اوزىمكى دىيمک، اۋزۇنگه
خاوصلاماق.

انتخاب entexāb: مص. [ع] بلله مك،
بىيرىنى كۆپونگ ايچىندىن بللاپ
سايلاماق، سچمک، بىيرىنى اۋز
آرانگدان بىر ايشه سايلاماق.

انتخابات entexābāt: سايلاوچىلىق،

سچيم، سچكى، سچمكلىك.

انتر antar: ا. مايمين، ميمون.

انترناسیونال enternasiyonal:

ا.ص. [فر.] بیرلەشن ملتلر ایشچی لر
قۇراماسینا عقیدەلی بولانلارینگ
طرفداری قولداوی، ایشچی لرینگ
جهانلیق عمومی توپاری،
ایشچی لرینگ حقینی قوریماق
اوچین جهانلیق دیکلدیلن
قۇرلیشیق.

انتزاع 'enteza': مص. [ع] جایندان
قوفارماق، یۇلماق، یۇلۇنماق.

انتساب entesāb: مص. [ع]
باغلانشیقلی بۇلماق، قارینداش،
بۇلماق، سبله شیک.

انتساخ entesāx: مص. [ع] نسخه
گوترمک، نسخه آلماق، بیرزادینگ
یوزوندن یازیب گوچیرمک.

انتساق entesāq: مص. [ع] دوزگونه
سالماق، پیترانگیلیفی
دوزگونلشدیرمک، ترتیب برمک،
ترتیبه سالماق.

انتصاب entesāb: مص. [ع] 'قرار
تاپماق، جایلاشماق، ایشه قویماق،
بیر ایش اوچین آیاغا قالماق.

انتصاح entesāh: مص. [ع] اوویت
نصیحت آلماق، اوویت قبول اتمک.

انتصار entesār: مص. [ع] ینگیش
قازانماق، ینگمک، اوستونلیک

همرانگ بۇلماق.

انتصاف entesāf: مص. [ع] بهره
آلماق، یاری یولا یتمک، بیرزادینگ
یارسینی آلماق، حقنکه یتشمک.

انتطاق entāq: مص. [ع] سۆزله مک،
کپله مک بیلی باغلاماق.

انتظار entezār: مص. [ع] گۆزلی در
بۇلماق، قاراشماق، بیرزادا یایییرینه
قاراشماق، گۆز یولدالیق.

انتظار داشتن entezār dāštan:
طماکین بۇلماق، ایمتیلماق،
قاراشماق.

انتظام entezām: مص. [ع] مرورینگ
دوزولمه گی، مرتب بۇلماق،
نظم لیلیک، دوزگون لیلیک،
ترتیب لیلیک.

انتفاع 'enteḡā': مص. [ع] پیدا لانماق،
نپ گۆرمک، خیرلانماق

انتقاد enteḡād: مص. [ع] پولی نقد
آلماق، اربت پولی قاوی دن سایلماق،
کتاب یا مقاله درک لی بحث اتمک،
تنقید اتمک، شعرینگ عیبینی
کمچیلیگینی اشکار اتمک.

انتقال enteḡāl: مص. [ع] گوچمک،
بیر یردن بیر یره گوچمک، فارس
معنیده مالینگدن بیرینه برمک، بیر

مطلبه دوشونمک.

انتقام ente qām: مص. [ع] بیریندن

اویکه لی بۇلماق، کینه ساقلاماق، عار آلماق.

انتقاء 'enteqā: مص. [ع]

آراسسالاماق، بلله مک، پاک اتمک.

انتهاج entehāj: مص. [ع] یاغتی

یولدان گیتمک، آیدینگ یاغتی یول تاپماق، یول گۆزله مک.

انتهاء 'ente hā: مص. [ع] آنگری باشا

یتمک، سونگوننا یتیشمک، بیرزادی سونگوننا یتیرمک، سونگلماق.

انثی onsā: [ع] اورقاجی، زنانه، عیال،

انات و انائی جمع.

انجام anjām: ا. سونگ، آخیر.

انجامیدن anjāmidan: مص. ل.

ایشی یرینه یتیرمک، پرینه یتیرمک، سونگونه یتیرمک، قۇتارماق.

انجم tanjom: [ع] ییلدیزلار، جمع نجم.

انجماد enjemād: مص. [ع] دونگماق،

بوز باغلاماق، باغلاماق.

انجمن anjoman: ا. تۇپار آدم لار،

یییناق، بیر تۇپار جمعیت، گنگش اوچین یا باشا امر اوچین ایش

اوچین بللنمه گی.

انجیر anjir: ا. اینجیر.

انجیر anjir: (= انجیره) ا. دشیک.

انجیل anjil: ا. [ع] ۱. یوناندان آلینان

سۆز، قولاق بوشلیق معنیده، ۲.

حضرت عیسی نینگ یاشایشی و

معجزاتی حقده یازیلان رسالانینگ

آدی، اناجیل جمع.

انحراف enherāf: مص. [ع] اونگکی

دورموشینگ دان اویتگاپ یولونگدان

چیقماق، دوغری یولینگدن، دونمک،

یولینگی ساوماق، یولدان چیقماق.

انحصار enhesār: مص. [ع] بیر

زادینگ بیرینه آیراتینلانماغی،

خاصلانماق، چاک لی بۇلماق،

مخصوص بولماق.

انحطاط enhetāt: مص. [ع] یاپ

آشاق اینمک، پسه دوشمک،

اربتلیکه چکیلک.

انحلال enhelāl: مص. [ع] دوگون

چوزولمک، حل بۇلماق، بنگاه دیر یا

ادارانگ آرادان گیتمک لیگی

پوزولماغی.

انداختن andāxtan: مص. م.

یایراتماق، تاشلاماق، زینگماق،

انداختنی : اتبریندی.

اندازه andāze: ا. مقدار، مقیاس،

اؤلچک، موچبر، چنگ.

- اندام andām: ۱. تن، اندام، بدن، گووره.
 اندر andar: ۱. قاپی، ایچ، ۲. اۋوی
 انه، اۋوی آتا معنیده.
 اندر andar: ص. [ع] قاتی قمت، بتر آن،
 تاپیلمايان.
 اندر andar: [ع] بۇغداي خرمن، انادر
 جمع.
 اندرز andarz: اۋویت، پند، نصیحت،
 اوندواو.
 اندرون andarun: ایچ، بییرزادینگ
 ایچی.
 اندک andak: ص. ق. آن، انتک، کم.
 اندوختن anduxtan: م. ص. م.
 تیغشیدلاماق، تیغشیتلی بۇلماق،
 آرتدیرماق، سويشورمک، آیماق.
 اندود andud: ۱. پالچیقلى سامان
 یالی جایینگ دغه سینه و دیوارینه
 سۇوارلیان نارسه.
 اندوه anduh: ۱. غم، غصه، قایغی،
 خونا، توقاتلیق.
 اندوهگین anduhgin: ص. قایغیلى،
 غم غصهلى، توقاتلى.
 اندیشمند andišmand: ص. اۋویلى،
 آیدینگ فکری، متفکر، اوی فکره
 باتان، بیلیملى، علملى.
 اندیشناک andišnāk: ص. اۋویلى،
- فکری، علملى، آلا دالى.
 اندیشه andiše: ۱. اۋوی، فکر، آلا،
 انتتته شه.
 اندیشیدن andišidan: م. ص. ل. فکر
 اتمک، اویلانماق، خیال اتمک.
 اندیکاتور andikātor: ۱. [فر] یتن و
 ایبرلن خطلاری قیسغالديپ یازیلیان
 و خطلاری ثبت ادیلیان دفتر.
 انرژى enerži: فر گویچ، قوات،
 قۇجۇر، تلاش، قۇرپ ایشلاماگه
 تاییارلیغی بۇلان.
 انزار enzār: م. ص. [ع] آزالتماق، عطا،
 بخشش، سخاوتلیق جومارتلیق.
 انزال anzāl: [ع] جمع نزل، گلن
 میهانا بریلیان طغاملار، بخشش،
 احسان.
 انزال enzāl: م. ص. [ع] ایندرمک، آشاق
 دوشورمک. آشاق یوللاماق.
 انزجار enzejār: م. ص. [ع] بیزارلاماق،
 ییگرنمک، ییگرنچ بیلدیرمک.
 انزوا enzewā: م. ص. [ع] ایشدن قالیپ
 اویده اۋتۇرماق، یکه لیکه گچیرمک،
 یکه مزک، ترک دونیالیک،
 انس ons: م. ص. [ع] اۋوره نیشمک،
 دوستلاشماق، یاقینلاشماق.
 انس ens: [ع] خلق، انسان، آدملار،

آناس و آناسی جمع.

انسان ensān: [ع] آدم، بشر، آدم‌لار،

آناس و اناسی جمع.

انسانیت ensāniyat: مص.م. [ع]

آدمکارچیلیک، اخلاقلیلق،

ادبیلیک، تربیتلیک،

مدنیتلیک.

انسجام ensejām: مص. [ع] یولا

دوشمک، کلامینگ روان بؤلماغی،

سۆزۆنگ یۆرگۈن‌لیلیگی، یاش آقئین

بؤلماغی، یۆرگۈن بؤلماق، ایلاشلیق.

انسداد ensedād: مص. [ع] باغلانماق،

دانگیلماق، بند بؤلماق.

انشاء enšā': مص. [ع] باشلاماق،

اوزینگدن بیر زات تاپماق، دۇرتمک.

انشاء الله enšā-allah: [ع] اگر خدای

تعالی ایستسه، تانگری تعالی میسر

اتسه، خدای حالاسا دییمک.

انشعاب enšeāb: مص. [ع] بۆلک

بۆلک بؤلماق، آغاجینگ یا یۆلۆنگ

شاخا شاخا بۆلۆپ آیریلماغی،

یۆلۆنگ چاتریق بؤلماغی، پیترماغی،

یایراماق.

انصاب ansāb: [ع] جمع نصب،

دیگالیدیلان‌لر، اوتوردیلان‌لار.

انصار ansār: [ع] حضرت رسول

مکه‌دن مدینه هجرت ادن سۆنگ،

اونگا ایمان گتیریپ یاران بۆلن،

آدم‌لار. جمع ناصر و نصیر.

انصاف ensāf: مص. [ع] عدللیق

اتمک، اورتا یوریم، زادینگ اورتاسی،

جمع نصف.

انصاف ansāf: [ع] زادینگ اورتا

میانه‌سی، اورتا گورپی، جمع نصف.

انصراف nserāf: مص. [ع] دۆلنماق،

اؤویریلیمک، یوز دۆنیرمک، یایماق.

انضباط enzenāt: مص. [ع] ترتیب‌لی

بؤلماق، دوزگون‌لی بؤلماق، ترتیبه

گلمک.

انضمام enzemām: مص. [ع]

تاییارلانماق، بیر زادینگ بیر زادا

سپلنمگی، باغلی بؤلماق‌لیق،

یابشیرماق.

انطباق entebāq: مص. [ع]

دنگلشمک، برابر بؤلماق، یکسان

بؤلماق تایلاشماق، اوورنیشمک.

انظار enzār: مص. [ع] نظرلار، قولاق

آسماق، وقت برمک، بیرینی بیئر زادا

منگزتمک، گۆزلیگر، قاراشیق‌لار،

جمع نظر.

انعام an'ām: [ع] دورت آياق‌لی‌لار،

جمع نعم اولاغ‌لار، اشاک‌لار.

انعام en'ām: مص. [ع] بخشش،

سریای، خالات، حقدن آرتیق بریلیان
زات، سریای.

انعطاف en'etāf: مص. [ع] اگیلمک،

اگرالمک، قیشارماق، اؤورولمک.

انعقاد en'eqād: مص. [ع] پیمان

باغلانماق، باغلانماق، دانگیلماق،
شرط نامه باغلانماق، ارگین زادینک
باغلانیپ قویالماق.

انعکاس en'eās: مص. [ع]

اؤوریللمکلیک، صورتی گورکزمک،
ساچماق، بیر زادینک تۇلقۇنى
یالقیمی چاقیریمی ایزینا
اؤوریللمه‌گی، یانگلانماق. انعکاس
صوت: صدانینگ سسینگ آینا و
سؤو و ش.م یالی زات اؤز ایچینه
دوشۆپ ایزینا اؤوریللمه‌گی،
دؤنگیریللمه‌گی.

انفاس anfās: [ع] نفسلر، دم لر، جمع

نفس.

انفاق enfāq: مص. [ع] نفقه برمک،

خرج برمک، اکله‌مک، بیرینه مال
برمک، جمع نفقه.

انفاق anfāq: [ع] جمع نفق، دشیک و

یر آستی‌نینگ یولی، تونل.

انفال enfāq: [ع] اولجالار، پیدالار،

بأفیت‌لر، جمع نفل.

انفجار enfejār: مص. [ع] دانک

آغارماق، دانک آتماق، بیر زادینک
باشی یاریلماق، سؤوونگ آقماق،
بمب یالی زادینک پارتیللماق،
پارتلاییش.

انفراد enferād: مص. [ع] یکه بۇلماق،

یکه‌لیک، آزادلیق، ارکین‌لیک،
یالنگیزلیق، یکه‌لیکده ایش اتمک.

انفس anfos: جمع نفس، دم لر، نفسلر.

انفس anfas: قاتی قیّمات‌لی، قاتی
بهالی، قاتی زیبا، اینچه نفیس.

انفصال enfesāl: مص. [ع] آرانسی

آچماق، آچیلماق، آیریلشما، اوزیلمه.
انفعال enfe'āl: مص. [ع] ایش بیتمک،
بیر زادا اؤکۆنمک، قینانماق، اؤتانچلی
بۇلماق اؤیاتلی‌لیق.

انفلوانزا anfulanza: ا. [فر.]

یوقۇشیق‌لی ساویقلاما، دم آلیش
اورگانی خطرہ سالیپ قاتی قیززما،
اوسگییرما و قۇرساق آغیرا
سونگک‌لرینگ آغیرماغنا سبب
بولیان کسل.

انقباض enqebāz: مص. [ع]

توتولماق، توتوقلیق، بیری بیرینه
چکیلیمک، چکه‌لشیک.

انقراض enqerāz: مص. [ع] آرادان

گیتمک، یوق بۇلماق، اولمک، کسيلمک.

انقسام enqesām: [ع] بۇلونمک،

بۆلک بۆلک بۇلماق، پای لانماق.

انقضاء enqezā: مص. [ع] وقتى تمام

بۇلماق، وقتى قۇتارماق، موسمى

گچمک، وقتى دۇلماق.

انقطاع enqetā: قطع بۇلماق،

کسيلمک، اوزيلمک، جدا بۇلماق.

انقلاب enqelāb: [ع] آغيم دونوم،

بیر ياغدايدان آيرى بیر ياغدايا

دوشمک، آغدار دونگتر بۇلماق،

اوزگريش، کوپ چيلیک بۇلۇپ

خلقىنگ آياغا قالماغى ضرارلى بیر

ياغدايىنگ باشقا بیر ياغدايا،

اؤورولماگی. انقلاب اسلامى ايران: بو

انقلاب امام خمينى نىنگ باش

توتانليقىندا بهمن آيينگ ۲۲-سینه

ينگشه يتدی.

انکار enkār: مص. [ع] منکر بۇلماق،

اينانمازلىق.

انكسار enkesār: مص. [ع] دوويلن،

پس پاللىک، و دوویشلىک.

انکيس enkis: ص. [ع] ۱. اؤوريلمه،

دونگ—يريلمه، ۲. رملينگ

شکل لرى نينگ بیر گۇرنوشى.

انگ ang: ۱. علامت، تجارت

مال لارينگ اوستينه يازيليان بلگی،

علامت، آدریس.

انگاشتن engāštan: مص. م. گمان

اتمک، خیال اتمک، شيله ميقا

دييمک، شبهه لی بۇلماق.

انگشت angōšt: ۱. بارماق، انگستان

جمع. انگشت ابهام: باشام بارماق،

باشام بارماق. انگشت بنصر: اؤغۇل

بىرى. انگشت خنصر: گول بيکه.

انگشت وسطى: اورتا بارماق. انگشت

شهادت (سبابه، اشاره) سؤين بارماق.

انگشتر angōštar: ۱. يوزوک.

انگشت نگارى angōšt-negāri:

نظميه طرفدان بارماقدان آلينان بلگی

علامت.

انگشت نما angōšt-namā: ص. آد

قازانان، ايل ايچنده مشهور بۇلان،

بللى تانيليان آدم.

انگل angal: ۱. ۱. (=طفیلی) پارازيت

(باشقا بیر اورگانيزمينگ حاسابينا

ياشايان، اونونگ شيرمسی، قانى

بيلن اييميتلن يان اؤسومليک،

حيوان، مؤجه جيک) ۲. (مجا.)

آدملارينگ ايشينه سلتنگ بريان آدم.



انگاش

اچام
سايو
دشلى
بصر
خنصر

- انگل angol: ۱. (= انگول) بارماق، إل بارماغی.
- انگل angol: ۱. ۱. کلید، منگوله، ۲. حلقا، دکمه جایی، کلید جایی.
- انگور angur: ۱. اوزوم، سالقیم اوزوم.
- انگیزاندن angizāndan: مص. [ع] اوجوکیدرمک، کوشگورمک، مچو برمک، تولقوندیرماق، حرکتہ سالماق، قیلاویرمک.
- انگیزه angize: ۱. سبب، علت، ضرار.
- انوار anwār: [ع] نورلار، یاغتیلیقلار، آیدینگلار، جمع نُور.
- انوار anwār: [ع] پندقلار، شکوفه‌لر، جمع نُور.
- انوار enwār: ۱. [فر.] دمیردن و نیکلدن بۇلان زات اۇنۇنگ یوزده ۳۶-سی نیکل بۇلمالی.
- انواع anwā': [ع] هیلرلر، تويسرلر، جمع نوع.
- انور anwar: ص.ت. [ع] نوراناراق، قاتی نورلی.
- انهدام enhedām: [ع] ویران چیلیق، خرابلیق، دارغاولیق، ویران بۇلماق، بۇزۇلماق، ییقان یۇمرانلیق.
- اوا awā: ۱. آواز، سس.
- اوا awā: ۱. (= ابا، آش) آش، سۇوق آش.
- اوائل awāyel: [ع] (=اویل) اۇل‌لار، ایلکینجیلر، جمع اۇل.
- اواخر awāxer: [ع] جمع آخره و اخیر، سۇنگ‌لار.
- اوار owār: [ع] قیزقینلیق، اودینگ یا کونونگ ایسسی‌سی، سۇوسیزلیق.
- اواره awāre: ۱. بئیر هیل حساب دقتری.
- اواسط awāset: [ع] آرا میانه‌لار، اۇرتالار، اۇرتالیقلار، اۇرتالار، آرالار، جمع وسط.
- اوام awām: ۱. قرض، وام.
- اوام awām: ۱. رنگ.
- اوام owām: ۱. [ع] ۱. سۇوسیزلیق، ۲. باش آیلانما.
- اوباش owbāš: [ع] اربیت یازاما، آدملار، بی‌باش آدملار، ساللاخ، قاراما‌یاق، نادان، تربیت‌سیز آدملار، مدنیّت‌سیز آدملار، شردن چیقما‌یان‌لار.
- اوبه owbe: چادر، آلاچیق، ترکمن اوی، آق اوی، ترکمن دیلینده بئیر آیلانم اوتوریملی اوبه، یعنی بئیر سیرغین اوتوران اوبا آیدیلیار.
- اوپراتور operator: ۱. [فر.] ۱. عمل ادیجی، فیزیکی عمل‌لری یرینه

یستیریان ۲. سینمالاردا
یولباشچینینگ نظری بیلن
صحنه لردن فیلمبرداریق ادیان آدم.
اوپک OPEK: نفت صادر ادیان
قۇرامالار، ایران، عراق، عربستان
سمودی، الجزایر، لیبی، نیجریه،
ونزوئلا، اندونزی و اکوادریالی
یورتلردن عبارت.
اوت ut: ۱. [فر.] فرنگی تقویمی نینگ
سکزینجی آی نینگ آدی، مرداد آی
بیله برابر.
اوت owt: [انگ.] داشار چیقان، جابجا
یربه یر بولوپ یرلەشن، فوتبال اویون
آدالغاسیندا توپ چیزیقدان یسنى
تارپیدان داشاری چیقماق لیغی.
اوتاد owtad: [ع] چوی لر، اولی لر،
طریقته رهبرلری، تقوالیقده و خدای
تعالی نی تانیماقده رهبرلیک ادیان
یولباشچیلار، برک قایم دورانلار،
دورت رکن لر، جمع وتد.
اوج owj: [ع] بلندلیک، بییکلیک،
اینگ بییک یر، گویچ لنمک، اینگ
یوقار حد.
اوحال owhāl: [ع] لای لار،
پالچیق لار، جمع وحل.
اوحاد owhad: ص. [ع] یکە، یالنگیز،

دنگ سیز، تایی سیز.
اوراد owrād: [ع] دوغالار، ذکرلر،
جمع ورد.
اوراق owrāq: [ع] ورقلر، کاغذلار.
اورانوس orānus: ۱. [فر.]
یونانلی لارینگ سؤزوندن گونگ
معنیده. یونانلی لارینگ رب النوع غا
سیغینیان لرینگ آدالغاسینده
گوگینگ خدایی یا رب النوع گوک،
۷۰ برابر یر شاریندن اولی منظومه
شمسی یعنی اولی سیاره نینگ آدی
دورت آیلی اول ۸۴ ییلدن بیر گزک
گونونگ داشینا آیلانیار اونى
۱۷۸۱ نجی. م. هرشل آدینداکی آدم
تاپیار.
اورانیوم oraniyom: ۱. [فر.] اول دینگه
بیرلیک زاتلاردان شیلده کولتوم
اورانیوم نینگ جزئی بۆلهگی، اؤزیده
بهالی، کول ایرنگک نارسه.
اورده owrede: [ع] قانی یورهگه
اؤویریپ گتیریان دامارلار، قارادامار،
جمع ورید.
اورژانس uržans: ۱. [فر.] فوریتلی،
چالتلیق، هاولیقماچلیق،
چاققانلیق، ضرورلیق،
قیسسایلیق.

- اورند owrand: ۱. گورکلیلیک، گوزللیک، مقام و اولۇلیق، شان شوکت.
- اورند owrand: ۱. ۱. عقل، بیلیم ۲. حیل، آلدایچ.
- اورنگ owrang: ۱. پادشالیق تختی.
- اورنگ owrang: ۱. عقیل و بیلیم، اولۇلیق، بلند درجەلیلیک، مقام، مرتبه.
- اورنگ owrang: ۱. آبرنگ سۇولی رنگ، گوک رنگ، قاتی گوزللیک.
- اوره ure: ۱. [فر.] جوهر بول، رنگ سیز آجی تلخ انسانده و بیر ناچا حیوانانده بولیان زات هیدروژن و کربن دن دوغرالیار، اول قارا باغیردان عمله کلیپ قانا گیریار، یعنی بیرگیار.
- اوره owre: اگین-یشیگینگ داش یوزی.
- اوریون oreyyun: ۱. [فر.] قۇلاق و آلقیم چیشمه، غده دۆرمهگی نینگ سباییندن، شیلە-ده اول مازینگ دۆرمهگی بیلن قولاغینگ اتهگی یعنی چگه نینگ چیشماگنه و ایرینگلاپ یارا بۇلماغنا سبب بولیار.
- اوزار owzār: ۱. آبرال، شای و شوی، قۇرال.
- اوزار owzār: [ع] گـ____ناهلر، عاصی لیلقلار، آغیر یوکلر، یازیق لار، جمع وزد.
- اوزان owzān: [ع] آغـ____یرلیقلار، سالدام لار، اولچکلر، مقدارلار، جمع وزن.
- اوساط owsāt: [ع] اؤرتالار، آرالار، جمع وسط.
- اوستا awesta: ۱. زرتشت دینینداکی لرینگ کتابی، دینینده بۇلان آدم لارینگ کتابی.
- اوستاد ustād: ص. اوستا، چپر، استاد.
- اوسط owsat: ص. [ع] اؤرتا، آرامیق، اواسط جمعی.
- اوشاق tušāq: قول، اوغلان، چاغا، غلام.
- اوشال ušāl: [ع] ۱. آز سۇو، داشدان داغدان دامیان، گوزونگ یاشی، ۲. داغدا ییغنانان سۇو، گوزیاش معنیده، جمع وشل.
- اوشین awšin: ۱. اؤتۇنگ آدی، یووشان.
- اوصاف owsāf: [ع] وصفلار، تاريفلار، اؤوگیلر، صفتلار، جمع وصف.
- اوصال owsāl: [ع] جمع وصل، آدمینگ سونگیکی نی بیریکدیریان

- بۇغۇنلار. اولوالابصار ulul-absār: ص.مر.ع]
- اوضاع owzā': ع] ياغداي لار، جمع وضع.
- اوطان owtān: ع] وطن لار، يۇرت لار، اولكەلەر، اونوپ اوسولن يرلەر، جمع وطن.
- اوقات owqāt: ع] زمانلار، دويرلەر، چاق لار، هنگام لار، جمع وقت.
- اوقار owqār: ع] قسمتلى يوك، و كوپ ياغينلى بولوت، جمع وقر.
- اوقاف owqāf: ع] وقف بۇلان مال لار، ملكلەر، و ماتاچلەر، مزارلار و مسجدره بريليان كمك، جمع وقف.
- اؤل awwal: ا.ع] بيرينجى، ايلكى، اوانل، اولون جمع. اول آخر: اونكى سونكى.
- اولاد owlād: ع] اۇغلانلار، اوشاقلار، چاغالار، جمع ولد.
- اولتيماتوم oltimātom: ا.فر.] آخرقى برلن شرط، آخرقى بريلن فرصت، آخرقى بريلن پروجە، وقت، كسگيتلى توتوم.
- اولو ulu: ع] بارلى لار، ايهلر؛ اونونگ بيرليگى «ذو» دير «ايە» معنيده.
- اولوالعزم، اولى درجەلى گۇرگورلر، فراستلى لار، عقلدار آدم لار.
- اولوالالباب ulul-albāb: ص.مر.ع] عقللى لار، فراستلى لار، عقل ايهلر.
- اولويت owlawiyāt: م.ص.ج.ع] قاتى لايىق، تفاوتلى، كانلىك، كۆپلوك قاتى ياراشيقلى، اوران دروايىس.
- اولى awlā: ص.ت.ع] قاتى لايىق، قاتى شايسته، مناسب، قاتى ياراشيقلى، بلندراك.
- اولى ulā: ا.ع] مونث بير، ايلكىنچى بيرينجى معنيده.
- اولياء owlīyā': ع] دوست يارلار، تقوالار، ياقينلار، كرامتلى لار.
- اولين awwalin: ايلكىنچى، بيرينجى.
- اوماج umāj: ا.بۇغداي دن اؤويليپ اديليان آش، اوماچ.
- اونس ons: ا.فر.] قديم رومده اون ايكى دن بير ليور فرانسده اون آلتى دن بير ليور آغرام اؤلچەگى بۇلمالى اول ۳۰ گرمە برابر.
- اونيفرم oniform: ص.فر.] بير منگزاش اكين اشيك، رسمى لباس.
- اونيورسال oniwersāl: ص.انگل

عمومی، دولی، اهلی، بوتین، جهانی
توتوجی، ییغناجی، توپلایجی.
اوهام **owhām**: [ع] خیالات، اؤویتلر،
جمع وهم.
اویس **oweys**: ۱. [ع] بوری، موجک،
قۇرت.
اویغور **uygur**: ۱. [ت] چینده یاشایان
ترک طایفاسیندان بۇلان ملت، آدملار،
قوملار، ترکستانده یاشایان ترکلردن
اولار اوغوزه اویوپ دیل لری بولسا
ترک، خطلاری هم سریانی اؤیغۇری
دیپ آدانیپدیر.
اویماق **uymāq**: ۱. [ت] (=ایماق)
اوروغ، طایفا، تیره.
اهالی **ahāli**: [ع] آدملار، جمع اهل.
اهانت **ehānat**: مص. [ع] پستلمک،
توهین، کمسیتیمک، خارلاماق،
کیچالتمک، توقونماق.
اهتداء **ehtedā'**: مص. [ع] یولا
سالینماق، دوغری یول تاپماق.
اهترار **ehterāz**: مص. [ع] تترامک،
پارلاماق، قیلیمداماق، قالغیماق،
شادلیق اتمک.
اهتمام **ehtemām**: مص. [ع] تقلا
اتمک، تلاش اتمک، بیر ایشده
قۇجۇرلی لیق گورکزمک، آلادا اتمه

اهداف **ahdāf**: ص. بلگیلر، تارپلار،
نشانهلار، اۇق تاربی، گولله بللیگی.
اهداء **ehda'**: مص. [ع] ساوغات
ایبرمک، سریای برمک.
اهرام **ahrām**: ۱. [ع] کله قند شکلینده
بۇلان هیکل، جمع هرم.
اهرم **ahrom**: ۱. قالینگ چسیبیق
دمیردن، یا آغاچدان ادیلن تال.
اهریمن **ahriman**: ۱. شیطان، ابلیس،
فسادلیغینگ فسق و فجورلیغینگ
گوزیاشی، ایه سی.
اهل **ahl**: ۱. [ع] یاراشیقلی، گلشیکی،
ایچری ماشغالار و قارینداشلار
دۇغان و طایفالار، جمع اهالی.
اهلاً و سهلاً **ahlan-wa-sahlan**: [ع]
عریجه «خوش گلدینگ» دییمه.
اهل بیت **ahl-e-beyt**: ۱. مر. [ع] ۱.
اوی اهلی، ایچر ماشغالار ۲۰. پیغمبر
اسلامینگ اولادی، امیرالمؤمنین
علی و فاطمه زهرا و اؤنؤنگ
چاغالاری.
اهل سنت **ahl-e-sonnat**: ۱. مر. سنت
اهلینه باغلی بۇلان، سنّی، حضرت
ابوبکری ایلکینجی خلیفه بیلیانلر.
اهل صفا **ahl-e-safā**: ص. یورهگی
آچیق آدملار، پاک آراسا آدملار، گؤلر

- يوز دوشونجه لی آدم‌لار، صفایی
آدم‌لار.
- اهل طریق ahl-e-tariq: ص. صوفی‌لار آدالغاسیندا؛ احکام شرعه بویون بؤلۆپ عمل اديان و پیغمبر اسلامینگ بویروقلارینا مطیع و اینامی بار بۆلآن‌لار.
- اهلی ahli: ص. [ع] آدم‌ا و اویه اووره‌نیشن حیوان‌لار، اکدی‌لر.
- اهم ahamm: ص. ت. [ع] قاتی مهم، قاتی چتین، ضرور بۆلآن.
- اهم ا. [فر] اؤم (جسم‌لرینگ الکتریک قارشیلیغی‌نینک اؤلچک بیرلیگی).
- اهمال ehmal: مص. [ع] بیرایشده سست‌لیک اتمک، ایشده کم‌چلیک گووبرمک، تنبل‌لیک ادیب قایرا دۇرماق، یالتاللیق اتمک.
- اهمام ehmam: مص. [ع] بیرنی قایغا قویماق، بیرینی اینجیتماق، کونگلینه دگمک، قازِماق.
- اهمر ahmar: ا. شاغال.
- اهمیت ahmiyat: مص. [ع] قاتی گرکلی‌لیک، یوقار درجه‌ده بۆلماق، اهمیت، اهمیتلی بۆلماق.
- اهواء ahwa': [ع] خواهلار، هووس‌لر، ایسلگر، جمع هوی.
- ای ey: ح. ای (بیرینه خبر قاتیلاندا اۆلانیلیان یوز تۆتما سۆز — اوملوک): ای اوغلو، ای آدم.
- ایا ayā: ح. ای (بیرینه خبر قاتیلاندا اۆلانیلیان یوز تۆتما سۆز — اوملوک).
- ایادی ayādi: [ع] جمع ایدی و جمع‌الجمع ید، ال‌لر.
- ایاز tayāz: (= یاس) گسیجانگ ساویجاق یلی، شمال، ساویجاق یل، یر یوزونه قار یالی بۆلۆپ دوشیان چیغلیق، آياز.
- ایازی ayāzi: ا. (= یاسی).
- عیارل‌لرینگ یوزونه مانگلاینا توتیان قارا یاشماغی.
- ایالت eyālat: [ع] استان، یوردۇنگ نأچابۆلکدان عبارت بۆلآن بیر بۆله‌گی، ولایت، جمع ایالات.
- ایثار isār: مص. [ع] اؤز حقینگدن گچیپ باشغا بیرینه حقینگى باغیشلاماق، اوز گرک زادینگى بیرینه باغیشلاماق.
- ایجاب ijāb: [ع] مص. [ع] گرکلی اتمک، ضرور بیلیمک، گرکلی‌لیک، ضروری‌لیق.
- ایجاد ijād: مص. [ع] یوقدان بارا

آشاق دوشورمک، بهانه و آد داقماق،
گیریزمک، دالناماق.

ایرادگیر irād-gir: آد داقاغان،
دالنايان، دالنايجی.

ایران شناس irān-šenās: ا.ص.
ایرانینگ جغرافیا و تاریخ تایید
تانیش لیغی بۇلان دانشمند و
یازیجی داشاری یورتلی آدم.

ایرانیت irānit: ا. تام باسیریلیان

سسیماندان و داغ پامیغیندان،
پاغتاسیندان قاریپ بجریلیان نأرسه.

ایز iz: ا. [ت] آياق ایز، بىلگى، ایز

گم کردن: ایز یتیرمک، آياغ ایزنى
یتیرمک، ایز قالديرمازلیق، بیرینى

یالنگیشدیرماق، یولۇنى یتیرمک.

ایزد izad: ا. خدای تعالی، تانگری
تعالی.

ایساغوجی isāquji: ا. [یو] یونانى

چشمه دن: منطقده تازه بیر بولوم.

ایستادن istādan: م.ص.ن. دۇرماق،
آياق اوستونده دۇرماق، تۇغتماق.

ایستگاه istgāh: ا. بللى دۇرۇلیان یر،
دۇرالغا، ماشینلارینگ بللى دۇریان
یرى.

ایشان išān: ص. انسانه باغلى،

یکه لیکده حرمت اوچین بیرینه

آیدیلیان، ضمیر جمع.

کتیرمک، بولدورماق، دۇرتمک، وجوده
کتیرمک. اویلاپ تاپماق.

ایجاز ijāz: م.ص. [ع] سۆزى
قیسقالتماق، سۆزۆنگ قیسقاسى،
کپی آزالتماق.

ایدئولوژی ideoloži: [فر]
دونىا قاراییش، ایدئولوگیا
(قاراییشلارینگ و ایدئولارینگ
سیتماسى).

ایدآل ideāl: ا. [فر.] یۇقاری آرزو،
باریپ یاتان ایسلگ، نهایت آرزو، اوى،
فکر.

ایده ide: [فر.] اوى، فکر، عقیده خیال،
نیت، سلیقه.

ایده ئولوژی ideoloži:
ایده ئولوگیک (ایده ئولوگیا دگیشلى
بولان، ایده ئولوگیا خاص بولان).

ایده آلیسم idealism: ا. [فر.]
ایده آلیزم، خیالی تۇسلاما،
آرمان چیلپق (همه زادینگ اساسى
ماتریال بۇلمان، روح، ایده یا شۇلار
یالى زات دیییب حاساپلایان،
ماتریالیزمه قارشى بۇلان فیلسوفیا
اوغرى).

ایذاء izā: [ع] اذیت اتمک، عذاب
برمک، آزار برمک، اینجیتماق.

ایراد irād: م.ص. [ع] ۱. بیان اتمک ۲.

ایناملیق، عقیدانگ بۇلماق، شرعی
معنیسی یورکدن تصدیق ادیب عمل
اتمک، اقرار ادیب و یورک بیلە عمل
اتمکلیک.

ایمان **ayman**: [ع] جمع یمین ۱.
گویج و برکت ۲. آنت، قسم.
ایماء **imā'**: مص. [ع] ام اتمک، اشاره
اتمک، کنایه، سیر گوز قاش بیلن
دویدیرماق، کنایه سوزی،
ایمن **iman**: ا. [ع] ۱. دوغری، گونی،
ساغ الینگ طرفی، ایامن جمع ۲.
مبارک، قوتلی، بختلی.

این **in**: بی، شو، بو.
اینک **inak**: ا. یاقینا اشاره یعنی «بؤ»
و «شؤ».

ای واللہ **ey wallāh**: خدایا قسم
اتمک، دوغری دیر دیمک، خدایا
قسم.

ایوان **eywān**: ا. جایینگ ایوانی،
جایینگ آچیق اؤنگ طرفی.

ایها الناس **ayyoh-an-nās**: [ع] ای
خلایق، ای آدملار.

ایهام **ihām**: مص. [ع] ۱. گمان و شکه
سالماق، شکه دوشورمک،
یالنگیشماق، یالنگیشلینا سالماق،
شبهلی بۇلماق، ۲. علم بدیع آدالغادا:
ایکی معنالی سؤز گتیرمک.

ایصال **isāl**: مص. [ع] بیر بیرینه
ساپماق، چاتماق، بیریکدیرمک،
باغلانیشدیرماق، یتیرمک،
سپلشدیرمک.

ایضاح **izāh**: مص. [ع] آچیقلاماق،
آیدینگلاماق، بیرزادی آچیق اتمک.
ایضاً **ayzān**: ق. ینه، ینه-ده.

ایفاد **ifād**: مص. [ع]
یولاسالماق، ایبرمک، گوندرمک.
ایفاء **ifā'**: مص. [ع] عهدینگده دۇرماق،
بیری نینگ حقینی برپ قوتارماق.
ایل **il**: ا. [ت] کوپ اوتوریملی آدملار،
طايفا، تیره.

ایل **il**: یؤرت، وطن.
ایل بیك **il beyk**: امر. [ت] ایلینگ
بیگی، ایلینگ اؤلۆسی ایلینگ
باشلیغی، ایلینگ سرداری.

ایلچی **ilçi**: ا. [ت] یوریتە ایبریلیان
آدم، شو وقت سفیرکبیرلره
خاص لانیار.

ایلخی **ilxi**: اص. [ت] ییلقی، سوری
بایتال.

ایلغار **ilqār**: ا. [ت] چالت حرکت،
قیساقلی، دوشمانینگ اؤستونه،
آط قویماق، چوزوش اتمک،
دوفولماق.

ایمان **imān**: مص. [ع] اینانچ،



ب be: فارسی الی‌ب‌بی‌نینگ ایکینجی

حرفی، ابجد حسابیندن ایکی. (۲)

باب bāb: ا. آتا، داده، بابا.

باب bāb: ا. ص. حق و یاراشیقلی

فلانینگ بابی دیین یالی معنیده.

باب bāb: ا. [ع] ۱. قاپی، اویونگ

قاپی‌سی، دروازه ۲. فصل و کتابینگ

بیر بؤلومی، ابواب جمع.

بابا bābā: آتا، بابا، قاقا، دادنگ

داده‌سی؛ تورکمنجه: اجه‌نگ

داده‌سی.

بابا آدم bābā-ādam: ا. خ. آدم،

ابوالبشر، حضرت آدم، آدم آتا.

بابا سلمان bābā- salmān: ا. سلمان

فارسی.

باباغوری bābā-quri: ص. چاقان

گۆز، آق بیله قاراسی قاتیشان ناقص

گۆز، عیبلی گۆز.

بابانوئل bābā-nuel: [فر] قارری آق

ساقغاللی مسیحی قیزیل اگین

اشیکلی آدم، اول میلادی عیدلاردا

چاغالارا و اؤغلانلارا اویناواچ،

سویجی کوکه یالی زاتلاری شاد

اتمک اوچین پایلایار، تورکمن‌لر

آیازیبا دییپ آدلانديريارلار.

بابات bābat: [ع] باراده، حقه، و

اوچین یالی سوزلری آنکلاریار.

بابک bābak: آتاجیق، کیچی باب،

کیچی آتا، تربیه‌چی، تربیه بریان

دوغری یرک امین آدم.



باجناق **tbājenāq**. ص. ت. (= همزلف،
باجناغ) باجا، عیال لاری دوغان
بۇلان لارا خاصلانان آد.

باجه **tbāje**. ۱. کیچی قافی، دشیك،
سینمالارینگ یوریتیه بلیط ساتیان
جایی ۲. بانک لرینگ پول بریپ آلیان
یری.

باجی **tbāji**. [ت] عیال دوغان، اویا،
سینگلی، قیزا، دۇرمۇشا چیقما دیق
بولسا، قیزدوغان.

باختر **tbāxtar**. گون باتار، گون یاشار،
باتی.

باختن **bāx-tan**: مص. ل. اوتدیرماق،
اویوندا، سودادا یا قماردا پۇلۇنگی
اوتدیرماق.

باد **tbād**. یل.

باد **tbād**: دعا کلمه سی، «دوروملی
بولسون» معنی ده، زنده باد:
یاشاسین مرده باد: اۇلسون.

باد **tbād**: غرور، تکبرلیک، یل یالی
چیشمه، منلیک، پانگق، کله سینده
هوا بۇلان، اولومسی.

باد **tbād**. هوا، اویتکاب دوران هوا
گویچلی و هم یوغلا هوا.

بادآور **bād-āwar**: ص. ف. یل
کتیریجی، ایچی یللی ایدیان اییمیت.
بادآورد **bād-āward**: ۱. مر. داغدا

بابو **tbābu**. ۱. کیچی باب، آتا ۲.
درویش و قلندر، اولی درویش لر و
قلندرلار.

بابونه **tbābune**: رکک چویان تلپک.
بابونه گاوی **bābune-ye-gawi**: بر
هیل عطر ایسلی اوت.

بابی **bābi**: ص. ن. ۱. بابیه باغلی،
حلبده بیر کنت ۲. باب الابواب غا
باغلی، دریسند قفقازیه نینگ
شهرلریندن.

باتری **bātri**: (=باطری) برق یرین
تۇتۇپ ماشین آلاتا برق بریان دستگاه.
باتلاق **tbātlaq**. [ت] پالچیق لیق،
لای لیق، باتغالیق.

باتون **bā tun**: ۱. مر. پلیس لرینگ
تایاغی، آجان لرینگ بیلینه باغلیان
مخصوص تایاغی.

باج **tbāj**. ۱. مالیات، سالغیت، آلمیت،
قراقچی لرینگ زور بیلن آلیان پولی
۲. اولی پادشاه لرینگ کیچی
دولت لردن آلیان باجی، آلمیتی.

باج **bāj**: (=واج، وچ) ۱. اوستا کلمه دن
آلینان : سۆز، کپ معنیده ۲.
زرتشتی لرینگ بایرام-
چیلیق لاری نینگ بیر.

باج سیل **tbāj-e-sebil**. قولدورلیق و
زورلیق بیلن حلقدن آلینیان پول.

بیتیان قیزیل آلا بادمجان رنگ گللی
بیر متر بویلی، دیگ گونی آق تکنلی
دوز اوتی.

بادآورده bād-āwarde: ص. مز. (=)
بادآور ۱. یل بیلن گلن زات ۲. کنایه
سۆزۆندن: موغت، زحمت سیز اله
گلن زات ۳. خسرو پرویزینک
گنج لرینینک ایچنده بیر گنجینک
آدی.

باداباد bādā-bād: تامه بولسا شول
بۆلسۆن دیمک، توکل اتمک.
بادام bād-ām: بادام.

بادام زمینی bād-ām- zamini: بادام
حوز، یر بادام.

بادبادک bād-bādak: اوجار کاغذ،
چاغلارینک کاغذدن بجریان هوا
ایبریان ویناواجی.

بادبان bād-ebān: یلکن.
بادبزن bād-bezan: ۱. مر. یل اوربان،
یل اورغیچ، یلپازه.

بادپا bād-pā: ص. ۱. یل آیاغ، کنایه
سۆزۆندن ییلدام، یووروک، کۆیلنچ
چاپیلیان و یورغا یووروک آطا
خاصلاندیریلیار.

بادسر bād-sar: ص. کنایه سۆزۆندن:
منلیکچی، تکبرلی، اولومسی، یاغی،

کلهسینینک اوغرۇنا.

بادسنج bād-sanj: ص. کنایه
سۆزۆندن: خام طماع، منلیکچی،
اوزینه گوونی یتیان، اوزونی اولی
توتۇپ ایلدن اوزنی اولی حسابلايان.
بادسنج bād-sanj: یل اۆلچگی، یل
اۆلچیان قۇرال.

باد صبا bād-e-sabā: گون دوغار و یا
دمیرقازیق گون دوغاردن اوسیان یل،
شمال.

باد صرصر bād-e-sarsar: [ع] قاتی
دوشیان یل، قارایل، توهلی.

بادکردن bād kardan: ص. ییل
دۆلماق، یل اۇرماق، چیشمک،
تینگقارماق.

بادکنگ bād-konag: یل دولدوریلیان
کیچی پلاستیک اویناواج.

بادگلو bād-e-gālu: ۱. مر.
گاگیریشلیک، گاگیرمه، آغیزدان
چیقیان قاتی یل.

بادگیر bād-gir: ۱. مر. یلی اوزونه
چکیان، یلینک اونگونى توتیان، یل
کچیرمیان.

بادگیر bād-gir: ص. ۱. یل دگیرمک
اوچین جایلارده قویولیان دشیک.
بادله bādele: ۱. (=بادلی) هندی





دا



بادمجان

سۆزۈندىن زىلى پارچا قىزىل كومىش
رنگدە بۇلان تەكىلن پارچا.

بادمجان: bādēm-jān. بادمجان.

بادناما: bād-namā. بىك يردە يلىنگ
اوغرىنى جەتتىنى آچىقلاماق اوچىن
دىكىلدىليان قۇرال.

بادوام: bādawām. ص. [فاع] برى،
ماكام، پوخته.

بادە: bāde. ۱. شراب، ايچكى، چاقىر،
۲. عرفان آدالفاسىندا: اللەنىنگ
عرفان بادەسى، نصرتى، يارانى،
عشق.

بادە: bāde. ص. [ع] دويدانسىز،
بىردىنكا، بىرى اونگا گلىپ گىنگ
قالماغى.

بادى: bādi. ص. بادە، يله باغلى بۇلان،
يل حاراز، يل دگىرمن دىين يالى.

بادى: bādi. [فاع] دعا خطاب اتمە هر
زادىنگ باشى، باشلانغىچ.

بادىە: bādiye. اولى مىس كاسەسى.

بادىە: bādiye. [ع] صحرا، دوز، چول،
بىيابان، بوادى جمع.

بادىە نشىن: bādiye-našin. ص. [ع]

چاروا، دوزدە اوتتورىملى،
دوزدىاشايانلار.

بار: bār. يوك، آرقا، مالا، آرابا، ماشىنا

اۋرولىان يوك.

بار: bār. ۱. كرت، گزك: «يك بار/ بىر

گزك»، «دوبار/ ايكي گزك» دىين يالى.

بار: bār. اولى، بىيك، سۆزلر، اى بار
الله، اى بار خدا.

بار: bār. رخصت، ازگىن، اجازە.

بار: bār. پساوند، اول سۆزۈنگ آخرىندا
گلىار، ساي، كىنار، گۆرمەلشىك و

بىلاگى ش.م. مثال اوچىن جوببار،
درىابار، رودبار، زنگبار دىين يالى.

بار: bār. ص. [ع] كوپ خىرلى، صالح،
ايله يازارلى ايش ادىان، برره جمع.

بار: bār. مر. مىخانه، آياق اوستونده
دوروپ ايچكى اىچلىان ير.

بار: bār. خ. هوانىنگ گويجونى،
فشارىنى اۋلچە يان قۇرال.

بار آوردن: bār āwardan. ص.م. ۱.

آغاجىنگ مىوه گتىرمەگى، مىوه
برمكى، ۲. چاغالى بۇلما و تربىەلەمە.

باران: bār-ān. ياغىن، ياغىش،
ياغمىر.

بارانداز: bār-andāz. ۱. مر. يوك
دوشورىليان ير، بندر، پورت.

باران سنج: bārān-sanj. مر. ياغىن
اۋلچكى، ياغنىنگ مچبرىنى بللى

ادىان قۇرال.

بارانی tbārān-i. یاغین گچرمیان

گییم؛ یاغینلی هوادا گیلیان اوستکی اشیک.

بارانی tbārān-i. ص.ن. یاغینا باغلی

بۆلان، یاغیشرلی هوا.

بارانی tbārāni. خ. ترکی

طایفالاری نینگ بیرینینگ آدی.

بارانی bār-āni. ۱. یاغیشا باغلی ۲.

ماریدا بیر کیچی اوبانینگ آدی.

باربر tbār-bar. ص. حال، آرقاسی

بیله یوک چکیان، اصلینده حمل بار.

بار بردن bār bordan. مص.م. یوک

اکیتمک، یوکی آرقا بیله بیر یردن بیر

یره التمک.

باربند tbār-band. مر. ماشین لرینگ

دِفِه سینده یۆریته یوک دانگیلیان

یری.

باربند bār-band. ۱. آط دانگیلیان یر،

آط طویلہ سی، طبلہ سی.

باردار bār-dār. ص. یوکلی، میوه

بریان آغاچ، گوروالی عیال، یکی قات

عیال، یوکلی.

بارز bārez. ص. [ع] آشکار، آیدینگ،

آچیق، بللی.

بارزانی bārezāni: ایرانینگ گون باتار

یرینده یاشایان کردلرینگ بیر

تیره سی، طایفاسی.

بارفروشی tbār-foruš. ص. اهلی

میوه لری کولتوم ساتیان آدم.

بارک الله bārak-allāh: [ع] دعا و

اووگی سۆزی، تانگری تعالی مبارک

اتسین برکتلی ادسین دیمه.

بارکش bār-keš. ص. یوک چکیان،

ماشین، آرابا یادا یوک اکیدیپ

کتیریان حیوان و ینه شولار یالی آیاق

اولاغ.

بارکش tbār-keš. ص. غملی، غصه لی،

قایغی لی.

بارگاه bār-gāh. ۱. مر. کوشک، پادشاه

لاریینگ دورلی قاتلاق لاری

حضورلارینا قبول ایدیان یری، کاخی،

کوشکی.

بارنامه tbār-nāme. مر. تیکه کاغذ،

یوزونه کالانینگ آدی و آلجاق

آدسینگ آدی و بارجاق شهری، یازیلان

بۆلمالی.

باروبنه bār-o-bone. ۱. مر. اسباب،

اثاث، یاشایشا دِرکلی زاتلار.

باروت tbārut. داری.

بارور bār-war. ص. ایمیش بریان

میوه لی آغاچ.

باره tbāre. قاتلانگ دیواری، دیوار.



- باره *tbāre*: یوک چکیان آط، سمیز دایاو آط، اولاغ، یوک آطی.
- باره *tbāre*: کرت، گزک، دفعه.
- باره *bāre*: ۱. یۆزلگه، دوزگون، رسم، اندیک، ۲. حق و مقام معنیده.
- باره *bāre*: پساوند بیر نیچه سۆزلر بیلن بیریکیب گلیار، دوست و دوستدار معنی سین بریار.
- بار یافتن *bār yāftan*: مص. پادشاه یانینا بارماق، حضورینا یتمک.
- باریدن *bāridan*: مص. یاغین یاغماق، یاغین، غار-جووه نیک یاغماق یالی.
- باریک *bārik*: ص. اینچه، آریق، یوقا، این سیز، باری بارک ده دیلیلپ دیر.
- باریک بین *bārik-bin*: ص.ف. سینچی لیق، دقتلی لیق، زیرکلیک، دانا، اینجیق لیق.
- باز *bāz*: کؤپلنچ کلمه لرینگ باشینده گلیب ینده، ایکینجی گزک، تازه دن دیان معنی لری بریار.
- باز *bāz*: «باختن/ اوتدورماق» و «بازی کردن/ اوینماق» ایشلیک لری نینگ بویروق فورماسی.
- باز *bāz*: ۱. قونگور رنگلی آوچی قوشلارینگ بیر گورنوشی، آلفیر، القوش، اوتلگی، تورقوش.
- باز *bāz*: ص. آچیلان، آچیق، دیده باز: گؤزآچیق.
- باز آمدن *bāz āmadan*: مص.ل. یانگادان گلک، تازه دن گلک.
- باز آورد *tbāz-āward*: مر. یول گتیرمه، ساوغات، پیشکش.
- باز آوردن *bāz-āwardan*: مص.م. تازه دن گتیرمک.
- باز آوردن *bāz-āwardan*: مص.م. اکیلاپ گتیرمک، اوویرمک.
- بازار *tbāzār*: زات آلیپ ساتیلیانیر، بازار، آلیش بریش ادیلیان جای، سودا ادیلیان یر.
- باز ایستادن *bāz istādan*: مص.ل. دورماق، آیاق ساقلاماق، دورماق، ساقلاماق.
- بازین *bāz-bin*: ۱. ص. قطاردا، تماشاخانه لاردا و یا سینمالاردا بلیط لری گؤزدن گچیریان، کنترول چی بارلیجی آدم.
- بازپرداختن *bāz- pardāxtan*: مص.ل. بیر اشیدن ال چکمک، بیر ایشی تماملاماق.
- بازپرس *bāz-pors*: ۱. ص. سوراغچی، پورکورور، گناهکارلری و مجابت دیر تهمت، یافیلیان آدم لاردان سوراغ

سورایان آدم.

بازداشت کردن bāz-dāšt kardan

توسساق اتمک.

بازتاب bāz-tāb: ا.مص. ایکیلاب

بازداشتگاه tbāz-dāštghāh: م.

یاغتی لیق دوشمک، گون شعله سی

توسساق لاری ساقلانیان یر.

ایکیلاب دوشمک، یاغتی لیق سالماق.

زندانی لاری ساقلانیان جای، تورمه.

بازجستن bāz-jostan: م.ص.ل.

باز داشتن bāz dāstan: م.مص.م. منع

ایکیلاب بارلاق اتمک، ایزینده گزمک،

اتمک، اؤنگونی تۇتماق، اؤنگونه

تاپجاق بۇلماق.

گچمک.

بازجو bāz-ju: ا.ص. دولت یا بیر

بازده bāz-de: زحمت چکمک لیک

قۇرمانینگ طرفیندن بیر ایش

نتیجه سینده اله گلیان اونوم.

اوجین بارلاغ گچیریان آدم، تحقیق

بازدید tbāz-did: م.ص. گؤزدن

ادیجی. بارلایجی.

گچیرمک، گۆرمک، ایکیلاب گۆرمک،

باز خریدن bāz xaridan: م.مص.م.

بیر ایشه قایتالاب سر اتمک، بیر

ایکیلاب ساتین آلماق، یانگادان

ایشه یتیشکلیک اتمک.

ساتین آلماق.

بازرس tbāz-ras: ص. وزارتخانه یا

بازخواست tbāz-xāst: م.ص. سوراق،

ش.م. طرفیندان بیر اداره و یا

یازیقلى دن سوراغ سورماق،

ایشکارلرینگ ایشینه سر ادیان بارلاغ

بیری نینگ گناه سنینگ سبابینی

ادیان آدم.

بیلمک. روز بازخواست: قیامت گون،

بازرگان tbāzar-gān: ص. تاجر،

تانگلا معنیده.

سوداگار، بزرگن.

بازخواندن bāz xāndan: ایکیلاب

اوقویماق.

بازسرخ پا tbāz-e-sorx-pā: ل.اچین.

باز دادن bāz dādan: م.مص.م. برمک،

باز شدن bāz šodan: م.ص.ل.

تابشیرماق، اوویریپ برمک، تازه دن

آچیلماق، قافی یا ش.م. زات،

آچیلماق.

اوویرمک.

باز شدن bāz šodan: م.ص.ل.

بازداشت tbāz-dāšt: م.ص. توسساق،

اوورولمک، ایکیلاب بیر یانگا گیتمک.

حبس.

ایشدن قالماق، ایشدن بوشانماق،
ایشدن ال چکمک، پنسه چیقماق.

بازنشسته bāz-nešaste ایشدن قالان،
یاش یوقاری چیقپ ایشدن قالان،
پنسه چیقان.

باز نمودن bāz nemudan مص.م.
ایکیلاب گورکزمک، گورکزمک شرح
برمک، بیان اتمک.

باز نهادن bāz nahādan مص.م. بیر
یرده قویماق، بیر یرده بیرزادی قرار
برمک، قویماق، نقشلی پارچادیر،
دعا و قمتلی زادی.

بازو tbāzu قول.

بازوبند bāzu-band ا.مر. قول
دانگلیان، باغلانیا، قول باغ.

بازوکا tbāzuka [فر] اوتلی
یاراغ لارینگ بیرینینگ آدی، بازوکا.

بازی tbāzi او یون.

بازیار tbāzyār ص. تایخان، دایخان،
اکرانچی، گونه مزد، پای آلیان
دایخان.

بازیار bāz-yār ا.ص. آلفیر قوش
ساقلاچی سی، ال قوش
تربیه لی جی سی، وحشی قوشی
الده کی ادیب ساقلایان.

باز یافتن bāz yāftan مص. ایکیلاب

باز شناختن bāz šenāxtan مص.م.
تانیماق، سایفارماق.

بازکردن bāz kardan مص.م.
آچماق، چوشلاماق، آچماق لیق.

باز گذاشتن bāz gozāstan مص.م.
آچپ قویماق، آچغلی قویماق.

بازگرداندن bāz gardāndan
(= بازگردانیدن) مص.م. اوویرمک،

قایتارماق، ایزینا دولماق.

بازگرفتن bāz gereftan مص.م.
ایزینا آلماق، بیریندن بیر زادی

اوویرپ ایزینا آلماق، بیر زادی اله
سالماق.

بازگشت tbāz-gašt مص.م. بیر یردن
اوویریلیمک، دولانماق.

بازگشتن bāz gaštan اوویریلیمک،
اونگی یرینگه گلیمک.

بازگشتن bāz gaštan مص.ل. ۱.
ایزینکا اوویریلیمک، دولانماق، ۲. توبه
اتمک.

باز گفتن bāz goftan مص.م. آیتماق،
ایکیلاب آیتماق، بیر مطلبی
قایتالاماق.

بازگو bāzgu ا.مص. سوزی ایکیلاب
آیتماق، سوزی و کپی قایتالاماق.

باز نشستن bāz nešastan مص.ل.

تایماق، الدن گیدن زادی اله گتیرمک،
زادی زحمت سیز آنکسات لیق بیله اله
سالماق.

بازیچه *bāzi-če*: ۱. مر. اویناواج،
اوینالیان زات، چاغلارینگ اوینایان
زادی.

بازی کردن *bāzi karan*: مص. م.
اویناماق.

بازیگر *bāzi-gar*: ۱. ص. اوینونچی،
آرتیسر، تماشاخانه دا تیاتردا اوینایان
آدم، بازیگری: آرتیسر لیق بیلن
قیزیقلانما.

بازیگوش *bāzi-guš*: ص. های کویی
اویوندا بۆلن، اویونا قیزیغیان اؤغلان،
هرزه.

بازگون *bāž-gun*: ص. دونگیریلمه،
آغما / دونمه.

باستان *bāstān*: ص. کؤنه گچن، قدیم
زمان.

باستان شناس *bāstān-šenās*: ص.
کؤنه گچن قدیمی زاتلاری تانییان
آدم، قدیمی زاتلاری تانیماقدا
عالم لیفا یتن.

باستان شناسی *bāstān-šenāsi*:
مص. کؤنه گچن آثار ی تانیماق و
بحث اتمک اوچین ایشلنیان تانیلیان

علم.

باستانی *bāstān-i*: قدیمی تاریخی.
باسره *tbāsare*: اکرانچیلیق، اکن
اکماگه یری منگزتمک.

باسکول *bāskul*: ۱. [فر] اولی قاپان،
فرنکی اولی قاپان آغیر یوکولری
چکیان یوریته اولی قاپان.

باسلیقه *bā-saliqeh*: ص. [فاع]
سلیقاتلی، ایشی ترتیبلی دوزگونلی
بۆلن، ذوقلی، یاراشیقلی، ایل هالان.
باسم *bāsem*: ص. [ع] ییلغریجی،
میلغریجی.

باسمه *bāsme*: ترکی سۆزوندن، چاپ.
باسواد *bā-sawād*: ص. سوادلی،
یازماغی اوقویماغی بیلیان، عالم،
دانشمند.

باسیج *bāsij*: ۱. قارلاواج.
باش *bāš*: «باشیدن» و «بودن» (بۆلماق،
قالماق) ایشلیکلری نینگ بویروق
فورماسی «بۆل» معنادا.

باش *tbāš*: [ت] باش، باشلیق، سرور،
رنیس.

باشق *bāšaq*: قیرغی، بالابان.

باشگاه *bāš-gāh*: ۱. مر. اولی حیاط،
اولی حوت، ورزش اویون اوچین





بـاعفت bā'-effat: ص. عفتلى
ناميسرلى، ناميسر جانگ، پارسا،
آراسسا.
بـاغ bāq: ا. بوستان، آغاچلارینگ جایی،
باغلیق یر.

بـاغبان bāq-bān: ص. باغینگ
ساقچیسی، باغ ساقلايچی، باغبان،
باغبانچیلیق بیلن قیزیقلانیان آدم،
آغاچلاری و گل لری اؤسدوریپ
ایدگلیک ادیان آدم.

بـاغچه bāq-çe: کیچی باغ، گل اکیلیان
بۆلک یر، باغچه.

بـاغدار bāq-dār: ص. باغ ایهسی، باغ
بیله مشغول لانیان.

بـاغستان bāq-estān: باغلیق، باغینگ
کوپ اکیلن یری.

بـاغوحش bāq-e-wahş: وحشی چۆل
حیوانلاری یوریته ساقلا نیان یر.

بـاغوش bāquş: م. ص. سوه چومکک.
بـاغی bāqi: [ف.ع] بویروق سیز، بوینی

یوغین، اوزیاشینا گیدن.

بـافت bāft: دو قولمه، دو قیجی لیک
عملی.

بـافتن bāftan: م. ص. دو قیماق.

بـافنده bāfande: ف.ا. دو قوچی، پارچا و
یا هالی یالی زادی دو قییان.

یوریته سالیان جایی، کلوپ.
بـاشلق bāş-loq: ترکی سۆزۆندن
یاغین وقتنده پاپاغینگ اؤستۆندن
چکلیان یاغین گچیرمه یان نارسه،
اؤرتوک.

بـاشماق bāş-māq: [ت] کؤویش.
بـاشی bāş-i: ص. ترک سۆزۆندن،
سردار باشلیق، سرور مغنیده.

بـاصره bā-sere: [ع] گۆرهچ، گۆز،
بواصر جمع.

بـاصفا bā-safā: ص. [ع] صفالی،
آراسسا پاکیزه و شادلیقلى، آب و

هواسی آراسسا باغ بستانلی یر.
بـاصلابت bā-salabat: ص. [ف.ع]

قاتی ماکام، چتین، هیباتلی.

بـاطل bātel: ص. [ع] ناحق، پوچ،
بیدرک، نادوغری، بیهوده، هوانی،
بوش، اباطیل جمع.

بـاطله bātele: ص. [ع] پوچ، مونث
باطل، بیهوده، درک سیز، یاراماز.

بـاطن bāten: [ع] گیزلین، یاشرین،
ایچ، اوغرین، ایچکی، مالیم بۆلمادیق.

بـاطنی bāteni: ص. ن. ایچکین سۆزه
دگیشلی، ایچکین.

بـاعث bā'es: [ف.ع] سبب، علت،
ضرار.

باقر bāqer: [ع] یاریجی، آچیجی، کۆپ

علملی و ماللی دانا آدم.

باقلاء 'tbāqelā: [ع] لوبیادان اولی راق

اییلیان نارسه، باغالا.

باقی bāqi: ص. [ع] همیشه لیک، باقی،

ایمیقلی، اولمز یتمز.

باقی ماندن bāqi māndan: مص. [ع]

همیشه لیک قالماق، برقرار قالماق،

ایمیقلی قالماق.

باک tbāk: قورقی، اورکی، بی باک :

قورقمازاق، قوجورلی، قیراطلی.

باک bāk: ۱. مر. ماشینینگ بنزین و

گازوئیل قابی.

باکر tbāker: [ع] ارتیر، سحر.

باکره bākere: قیز، دؤرمۇشا

چیقمادیق قیز، آره بارمادیق قیز.

باکی tbāki: [ف.ع] آغلايجی، بکاه

جمع.

باگذشت bā-gozašt: ص. گچریملی،

اؤتونچلی، حقیندان گۆز یومیان و

بیری نینگ گناه سیندن گچیان،

بخشلايجی، بخشنده.

بال bāl: ۱. قانات ۲. آدمینگ قولى.

بال tbāl: [ع] یورک، حال یاغداى،

خاطیر، عیش.

بال bāl: ۱. مر. اویسونچی لارینگ

میلیسی اویونچی تانس ادیان لارینگ

یری.

بال bāl: ص. مر. (=بالن) دریادا یاشایان

قاتی اولی بالیق.

بالا tbālā: ۱. یۇقاری ۲. بوی، قامت.

بالابان tbālābān: ترک سۆزوندن:

لانگارا، طبل، بالابانچی: لانگاراچی.

بالا پوش tbālā-puṣ: مر. ۱. یورغان،

یاتانگدا اوستونگه چکلیان اؤرتوک ۲.

اگین اشگینگ اوستوندن گیلیان

کییم.

بالاخانه tbālā-xāne: مر. اویونک

اوستکی طبقه لاری.

بالاخره tbela-xare: آخر سونگی،

آخردا.

بالادست tbālā-dast: ص. ۱. یۇقاری،

بییکلرینگ اوتوریان یری ۲. اینچه

یوپکدن ادیلن بهالی زات دییپ-ده

آیدیلب دیر.

بالانس tbālāns: [فر] ترهزی، میزان

اؤلچگی، حساب علمینده دنگ لیان و

ورزش تایدان بدن دئورلی یاغداى لاردا

ساقلايان قۇرال، دستگاه.

بالش tbālēṣ: مص. قۇوانماق،

قالقینماق.

بالش bālēṣ: ۱. یاسسیق، کویچک.

بالش bāleš: ۱. (= بالشت) ترکی

سۆزۈندىن سىم و زر، اۆلچک و مۆچبر

معنیده.

بالشتک tbāleš-tak: کىچى کوچک.

بالغ tbāleq: [فاع] يىگىتلىگه يتن،

يتگىنچک.

بالقوه bel-qowwe: [ع] قوۋا، قوت

حالتده، ياغديدا، هنيز يۈزه

چىقماديق گىزلىن بۇلان اثر ايز.

بالکن bālkon: ۱. مر. ايوان، پال.

بالن tbālen: مر. اولى نهنگ باليق.

بالنگ tbālang: مـرکبات

ماشغالاسىندىن بۇلان، كۆپلىنچ مربا

بجىرلىيان ميوه.

بالون bālon: ۱. مر. گاز هيدروژندىن

دولدىرىپ گۈنكە اوچورلىپ

گويىرلىيان اولى كىسە، شار.

باليدىن bālidan: يللىنمك، پانگقارماق،

بويسانماق، غابارماق.

بالين tbālin: ياسسىق، دوشك،

يورغان دوشك، باش اوج.

بالىنى bālin-i: يۈرغان دوشك و ش.م.

باغلى بۇلان، سىرقاوينگ بىستىرى

بۇلۇپ يعنى دوشكده ياتماقلىق

ياغدايى.

بام bām: ۱. اير ارتى، گون دوغمازينگ

اۋنگ يانى.

بام bām: ۱. ساز آدالغاسىندە سازىنگ

بىر گۆرنۈشى.

بام bām: جايىنگ اوستى، تركمن

دىلىندە جايىنگ اوستى نىنىگ اىچ

اتەگى.

بامداد tbām-dād: ارتىر اير بىلن،

سحر، گون دوغمازينگ اۋنگ يانى.

باميه tbāmiye: ۱. ياپراقلارى

ياسسى پنجه يالى گللىرى اولى

يرلىگى ياشىل اوزىن اوت ۲. اوتىدىن

عمله گلىان ياغ - شكر - نشاسته يالى

زاتىدىن بشىرلىپ ايللىان نارسه.

باند tbānd: [فر] ۱. نوار، اين سىز ماتا

۲. دسته، توپار.

بانداز bāndāz: ۱. [فر] نوار، دولاما،

اينسىز يارا باغلانىان يۇقا ماتا.

باندول tbāndrol: [فر] سويسشانىنگ

آغزىنى يلمنىان اۋزىن اينسىز نوار

هم - ده دىلكاۋ چاپ بولان كاغذ.

بانك bānk: ۱. [فر] ايلىنگ، پول آليپ

هم پول تابشريان جايى، بانك.

بانك خون bānk-e-xun: ۱. مر.

[فر.ا] يورپته دىكلدىلن ايلىنگ

قاننى ساقلىانىان بوز انبار.

بانكه bānke: روس سۆزۈندىن، بىنكه،

قاب.

بانگ *tbāng*. آواز، سس. قیقیلیق.بانو *tbānu*. ص. حرمت اوچین عیال

لارینگ آدی نینگ اونگیندن آیدیلیان

سۆز، بانوان، بانویان جمع.

بانی *tbāni*. [فاع] بنا ادیجی،

یاسایجی، پایه سینی قویان، دویبونی

توتان.

باور *tbāwar*. عقیده، یقین، اینانچ،

اینانمه.

باور کردن *bāwar-kardan*: مص. م.

اینانماق.

باهر *bāher*: ص. [ع] یاغتی، یالذیراق،

پارلاق، آیدینگ، آشکار.

باهم *bā-ham*: ص. بيله.باهوش *bā-huš*: دوشونجهلی،

اوقیپلی.

بای *bāy*: ص. ت. پوللی، بای، ماللی

قارالی.

باید *bāyad*: تاکید سۆز باید برود: گِریک

گیتسین

بایر *bāyer*: بائر - ص. [ع] ویران، خراب،

اکیلمیانیر.

بایزید بسطام *bāyazid-bstām*:

سلطان عارفین اولی پیرلرینگ بیری

بسطام شهرینده ۷۷۶-۷۷۷-نجی

بیبل لاردا دوغولیب ۸۷۴-۸۷۵-نجی

بیبل لاردا آرادان چیقپیدیر.

بایقوش *tbāy-quš*. [ت] (= جفد، بوم،

بیغوش) بایقوش.

بایگان *tbāygan*. ص. ساقلايچی،

خط و سندلری بیر آیراتین جایدا

ساقلیان آدم.

بیر *babr*: ۱. آلاجا پارس، قاپلانگ.بیغاء *tbabqā'*. [ع] طوطی.بت *tbət*. داش، آغاج و یا دمیر یالی

زاتدان انسانینگ و حیوانینگ

شکلینده بجریلیان هیکل مجسمه

بت.

بت پرست *tbət-parast*. ص. بت-غ

سیغییانلار، بته اینانیانلار. بت پاراز.

بتخانه *tbət-xāne*. م. بت اویسی، بت

قویولیان جای، بتخانه.

بتکده *bot-kade*: بتلرینگ یری،

بتخانه.

بتو *batu*: موش، آغاج دوگونوی یا

اوتونگ دویبی، دؤوچ ساپی.

بتول *batul*: ص. [ع] ۱. دنیادن ال

چکیپ خدایا بیریکن، ۲. دورموشا

چیقماقدان ساقلانان، آراسسا،

آبرایلی ۳. حضرت فاطمه حضرت

رسولینگ قیزی نینگ لقبی و عیسی



بت

آراليفيندا، اويونگ اورتاسى، آزاليفنى.
 بحث bahs: مص. [ع] جدل، گورونگه
 چكىشمه، دعوا، جدلى كپ. اباحت
 جمع.

بحر bahr: ا. [ع] دريا، دنگيز، ابحر و
 بحور و بحار جمع.

بحرالعلوم bahr-ol-'ulum: ص. [ع]
 بيليم و دانش دنگيزى، اهلى علمده
 استادليفنى بۇلان، استادليفنا يتن.

بحران tbohrān: [ع] بۇلاغاليق،
 بوزغينليق، ياغدايىنگ اويتگه مه گى،
 قۇيۇندى، آغيم-دۇنوم.

بحرانى bohrān-i: ص. ن. [ع]
 بولاغاليغا باغلى، چاشغينليق،
 بۇلاغلى، ياغداي دگيشمك ليگه
 باغلى بۇلان، دوزگون سيزليك.

بحرانى bahrāni: ص. [ع] بحرين
 خلقينا باغلى، بحرينلى، بحرين
 ايليندن و يورديندن بۇلان.

بحرى bahr-i: ص. ن. [ع] دنگيز و دريا
 باغلى بۇلان، دريا يوللارينا
 تانيش ليفنى بولان.

بھمدالله be-hamd-o-llāh: [ع]
 شكراتمكليك سۇزى، خداي
 تعالىغا بولان اؤوگى، حمد و ثنا،
 خدايا شكر.

پيغمبرينگ اجه سى مريم نينگ
 لقبى.

بتون beton: (= بتن) ا. [فر] شيفته،
 هك، آهك اونيقيق داش و ماسه و
 سيمان قاريلان نارسه، مالات.

بتون آرمه beton-ärme: ا. [فر]
 چيبيق دميرلى بتون.

بتياره batyäre: (= پتياره) آفت، بلا،
 پيس اريت، تله كه يولدا گزيان عيال،
 كونتى عيال.

بجا beiä: ص. يرينده، اوز وقتنده و
 دگيرلى يرينه يتريلن ايش يا بو يروق.
 بجا آوردن bejā āwardan: مص. م.
 طاعت، عبادت يا مراسمي يرينه
 پتيرمك، ادالانماق يا بيززادى و
 بيرينى تانيماق ليق.

بجز be-joz: ح. «حرف استثناء» مگر،
 ممكن دير، اوندان باشغا ديين يالى
 معنا لاردا.

بجول bojul: ا. آيلاق و ال
 سونگكلىرىنگ بوغونى اوينايان يرى
 بندى، آشيق.

بچه bačče: ا. چاغا، اؤغلان، فرزند.
 بچه دان bačče-dān: ا. مر. اؤغلان
 ياتقى.

بجوبوھ tbohbue: [ع] ايش

بخار tboxār [ع] بوغ.

بخاری boxār-i: ص.ن. بخارا

شهری غا باغلی بۆلن.

بخاری tboxāri: پج.

بخت baxt: ۱. اقبال، نصیب، طالی،

بخت، غوت.

بخت آزمایی baxt-āzmā'i: ۱. مص.

بختی سینماق، بختا چک آتماق،

قرعه تاشلاماق.

بختور baxt-war: ص. بختلی،

دوستلی، بختیار.

بختیار baxt-yār: ص. ۱. خوشبخت،

بختلی، ۲. اصفهان خوزستان و

لرستان و فارس اطرافیندا یاشایان بیر

اولی طایفانینگ آدی. بختیاری:

بختیارا باغلی، بختیار طایفادان

بولان. بختی یارلیق.

بخسانیدن baxsānidan: مص.م.

سۆلدورماق، اینجیتماق، آزار یتیرمک،

قیزدیرماق.

بخش tboxš: بۆلک، پای، تیکه.

بخشایش baxš-āy-eš: ۱. مص.

باغیشلاماق.

بخشدار tboxš-dār: ص. اییچری

ایشلر وزارتسینینگ ایشکاری، بیر

بخشینگ ایشینی دولاندیریان آدم.

بخشدارى baxš-dār-i: ۱.

بخشدارى-نینگ اداره-سى،

بخشدارینگ ایشله-یان یری، یعنی

اداره-سى.

بخشش baxš-eš: باغیشلاما، عطا اتمک،

گچمک.

بخشنامه baxš-nāme: ۱. مر. ادارالیق

حکمی و دستوری، وزارتخانه و یا بیر

ادارانینگ طرفیندن ناچه نسخه-ده

آیری آیری بولوم-لره و یا اداره-لره یا

کارمندلره ایشکارلره بریلیان حکم و

یرینه یتیریلمه-لی بویروق.

بخشیدن baxš-idan: مص.

باغیشلاماق، زات برمک.

بخل boxl: مص. [ع] گۆریپ چیلیک،

قیسغانچلیق، بخیل لیق، خانناس.

بخود آمدن be-xod-āmadan

آییلماق، اۆزۆنگه گلیمک.

بخور boxur: ص. کول ارنگ، هر

زادینگ آچیق کول ارنگه منگزش

بولانی، قوی ارنگ.

بخور tbaxur: [ع] قاینان سؤوا

مخصوص قاوی ایسلی درمان

باغینگ یاپراغی اکالیتوس باغینگ

یاپراغینی قاینادیپ بۇرنا تۇتۇلیان

نأرسه.

بخون baxun: ۱. مریخ آدلی ییلدیز.

بخیل baxil: ص. [ع] خسیس، ایچی

قارا، گوریپ، قیسفانچ. بخلاء جمع.

بخیه زدن baxiye zadan: مص. م.

تیکمک، آدمینگ اندامینی تیکمک،

عمل ادیلن آدمینگ اندامینی

تیکمک، پارچانگ آراسینی تیکمک،

کوک آتماق.

بد bad: ص. تله‌که، پیس، اربت، یاراماز،

یامان.

بد bad: پساوند، سؤزونگ آخیرنده

گلیار. مثال اوچین: سپهبد، بارید،

هربد دیین یالی.

بد bad: [ع] چاره، آیرالیق، ناچار،

ناعلاج.

بدآموز bad-āmuz: ص. فا. ایله اربت

زات یا آیری یاراماز بولغی سیز زادی

اووردیان.

بدانجام bad-anjām: ص. مر. آخری

سونگی اربت بۆلن ایش، عاقبتی

پیس ایش، یاراماز ایش.

بداندیش bad-andiṣ: ص. فا. اربت

یورکلی، یوره‌گی یامان، نیتی اربت

بۆلن. اربت فکرلی، ایچی قارا.

بدهات badāhat: مص. [ع] بیردن

گلمک، دویدانسیز گلمک، آشکار و

آچیق بۆلماق، اویلانیپ سؤز آیتماق.

بدايت badāyat (= بداءة) ا. [ع]

باشلانغیچ، هر بیر زادینگ باشی.

بدایع 'badāye': [ع] تازه تاپیلان زاتلار،

گنگ دوران زاتلار، جمع بدیعه.

بدباطن bad-bāten: ص. مر. [فاع]

زانندی یامان، ایچی قارا، ذاتی اربت.

ایل بیله چیقیشمایان اخلاقی اربت

آدم.

بدبخت bad-baxt: ص. مر. باختی

قارا، مانگلای قارا، قارا مانگلای،

بدبخت، اربت بختلی.

بدبدک bad-badak: بیلدیرچین.

بدبو bad-bu: ص. مر. تله‌که اربت

ایسلی، پیس ایسلی.

بدبین bad-bin: ص. فا. هر. بیر ایشه

تله‌که فکر ایدیان، گمانلی سر ایدیان،

هر بیر ایشه اینامسیزلیق بیلن

قارایان آدم. شکلی شبهه‌لی.

بدجنس bad-jens: ص. مر. [فاع]

بدذات، دؤرمؤشی تله‌که،

آدمکارچیلیگی اربت، پیس، یاراماز.

بدچشم bad-češm: ص. مر.

نامحرم‌لری تله‌که گؤز بیلن

گؤزله‌یان.

بدحال bad-hāl: ص. مر. سیرقاو،

ناساغ، غملی، بدبخت.

بد حساب bad-hesāb: ص. مر. [فاع]

آلانی نی بر میان، برگیسینی وقتنده
برمه یان، یاقاسی قایشلی.

بد خط bad-xat: ص. مر. [فاع] خطی

اړیت بۆلان، اوقاریالی خط یازمایان.
بد خو bad-xu: ص. مر. بد اخلاق،
تله که قیلیقلی، اړیت اخلاقلی،
قیلیق سیز.

بد دهان bad-dahān: ص. مر. آغزی

پایش، اونگه مونگه سوویپ یورن،
دیلی آوی.

بد دین bad-din: ص. مر. بدمذهب،

ملحد، دین سیز، کافر.

بد ذات bad-zāt: ص. مر. اصل سیز،

زانندی یامان، تویس سیز، تی سیز،
بداصل.

بدر bdr: [ع] اون دردی گيجانینگ

آیی، دولان آیی.

بدر دنخور be-dard-na-xor: ص. مر.

یارامان، لاقاشا، زادا یارامایان، درده
دگمه یان.

بدر رفتار bad-raftār: ص. مر. قیلیغی

اړیت، یارامان، حرکتی، گیدی شی اړیت
بۆلان.

بدر قه bad-raqe: یولا سالماق،

اوغراتماق، آتارماق.

بدرگ bad-rag: ص. مر. بداصل،

قیلیق سیز، اخلاق سیز، باشینا گیدن.

بدر یخت bad-rixt: گلشیک سیز،

شکیل سیز، بدشکیل.

بدر زبان bad-zabān: ص. مر. آغزی

پایش، دیلی آوی، اونگا مونگا
سوویپ یوران.

بدست آمدن be dast āmadan:

مص. ل. اله گلمک، تاییار بۆلماق،
اؤنوم آلماق.

بدست آوردن be dast āwardan:

مص. م. اؤنوم اتمک، تاییار اتمک،
تاپماق.

بد طعم bad-ta'm: ص. مر. طغام سیز،

طغالی بۆلمادیق.

بد طینت bad-tinat: قیلیق سیز،

خاصیت سیز، اخلاق سیز.

بد عادت bad-ādat: ص. [ع] تله که

اړیت زادی اندیک ادن، اړیت اندیکلی.

بدعت bed'at: [ع] اوزال یوق زادی

تاپما، دستوردن و دیندن سنتدن

آیری یول تاپماق، بدع جمع.

بدکار bad-kār: ص. مر. گناهکار،

یازیقلی، عاصی، حالانمایان اړیت

ایشلره یوز اوریان.

بدکردار bad-kerdār: قاوی ایش

اتمه یان، بۇلغۇسىز حرکت و یول.

بدگمان bad-gomān: ص. مر. اربت

گمانلى، شكلى، منكر، شك شبهه‌لى.

بدل badal: [ع] ۱. عوض ادیلن زات،

عوضى يعنى چالشیق قویلان زات، فارسچا بدل و بدلى ۲. بجرمه، تقلبى دىيپ-ده آیدیلیار، بيله‌كى بجرمه زاتلار یالى، ابدال و بدلا جمع.

بدلگام bad-legām: ص. مر. اوریکک

آط، سرکش آط، اله اورنمه دیک مال.

بدمعامله bad-mo'āmele: ص. مر.

آلیش برش ده دوغرى ایشله میان، بدحساب، حسابى دوغرى بۇلمادیق.

بدن badan: [ع] ۱. اندام، تن، اکین،

ابدان جمع.

بدنام bad-nām: ص. مر. رسواىی

آبرای، آدى یامان، اوتانچ سیز آدم.

بدنما bad-namā: ص. گلشیك سیز،

گورنوك سیز، گورنوم سیز، گۇرومى بۇلمادیق.

بدنه badane: بیلدیرچین.

بدو badw: [ع] باشلانغیچ، ایلکی،

ایش باشلانغیجی.

بدو bedaw: ص. یورتیجی، یووروک

آط، ییلدام آط.

بدو badw: [ع] ۱. دوز، چول، بیابان.

بدون امضاء 'bedun-e-emzā:

امضاسیز، قول سیز.

بدون سروصدا bedun-sar-o-sedā:

دم-دویت سیز، سس سیز-اوینسیز.

بدون وقفه bedun-waqfe:

بوکدنچ سیز، پاسگل سیز، دینوسیز، دپگین لی.

بدوی badawi: ص. ن. [ع] باشلانغیچ،

ایلکی.

بدوی badawiy: ص. ن. [ع] بدوه

باغلی، عرب تیره سیندن چولده یاشایان، چاروا.

بدهکار bedeh-kār: ص. برگیلی،

بورچلی.

بدهی bedehi: ۱. برگی، بورچ.

بدیع badi': ص. [ع] تازه دوران، گنگ

زات، تازه یوزه چیقان.

بدیهی badihi: ص. [ع] عقلا عیان،

واضح، آشکار، آچیق، بللی.

بذر bazr: [ع] ۱. تخم، دانه. بذور جمع.

بذرافشان bazr-afšān: ص. [فاع]

تخم سپیان، دانه اکیلجک یره اؤزی اندیگان سپیان مخصوص دستگاه.

بذل bazl: مص. [ع] عطا، بخشش،

کرم، بریم، سخاوت.

بر bar: ۱. قۇلتۇق، قۇجاق.

بر berr: ۱. [ع] ياغشىلىق، قاويللىق.

بر barr: ۱. [ع] دوز، چول، قۇراق ير.

بر tborr: [ع] بۇغداي.

بر bore: ۱. فرز. بر هيل قویی رنگ، قاتی

توقالاق زات، کریستال دمیر

ماشغلا سیندان.

برآورد tbar-āword: مص. بللی

اتمک، قیمتینی اویلا نیپ آچیق

اتمک.

برائت barā'at: (=براءة) مص. [ع]

عیبدن خلاص بۇلماق، تهمتدن

ساویلماق، آقلانماق *

بر bar: ۱. ای میش، میوه، ثمر.

برابر barābar: ص. دنگ، تایی.

برات barāt: ۱. بیر یازغی بانکینگ

اوستی بیلن آلمالی یا برمهلی

بۇلۇنان پولی بیرینه تابشیرماق، برات

بیر سند، برات چکیان بیلە و برات

آلیانینگ آراسیندا بولان سند.

برادر tbarādar: دوغان، قارداش، برادر

کوچکتر از خود: باللی، جیگی.

برادرانه tbarādar-āne: ق. دوغان

یالی، دوغان تاردا، دوغان مثالی.

برازنده tbarāzande: لایق،

یاراشیقلی، گۆرنوکلی، گۆزکلی،

مناسب.

براعت barā'at: مص. [ع] بلندلیک،

اۇلۇلیق، اۆستون لیک چیقماق.

برافراشتن tbar afrāştan: مص. م.

یۇقار قالدیرماق، یۇقار دارتماق، یۇقار

چکمک، پارلاتماق.

براق tborāq: [ع] معراج گيجه سینده

حضرت رسولینگ مینن آیاق اولاغی،

براق. دوری.

براق barrāq: ص. [ع] یاغتیلی،

برقلی، بیلدیراویق.

برانداختن tbar-andāxtan: مص. م.

بیقماق، آزادان چیقارماق، یوق اتمک.

برانداز tbar-āndāz: ۱. مص. چن

اورماق، چاق اتمک، —، سایغارماق

برانکار tbrānkār: [فر] (=تخت روان)

سیرقاو و یارالی لاری اۇنۇنگ

اۆستونده یاتیریپ، بیر یردن بیر یره

اکیدیلیار.

براه افتادن tberāh oftādan: یولا

دوشمک، اۇغراماق.

برای tbarāye: ۱. علت، ضرار، سبب،

شو خاطر، اوچین

برباد tbar-bād: ص. خراب، ویران،

نابودلیق، بوزوقلیق.

برباد دادن tbar-bād dādan: مص. م.

يوق اتمك، يله ساویرماق،

يازغی.

سرمایانگی یله ساویرماق، یله

برچیدن bar čidan: مص. م.

برمک.

ییغناماق، تویلاماق، اله آلماق.

برپا barpā: ص. آیساق اوست، برپا

برچیدن bar čidan: مص. م. بیرزادی

خاستن: آیساق اوستونه قالماق، آیساق

یردن ییغماق، قاویسینی سایلاب

اوستونده دۇرماق.

آلماق، ییغناماق، جمله مک.

برپای bar-pāy: ص. آیساق اوستونا

برخاستن bar-xāstan: مص. ل.

قالدیرما، دیکلتمه.

یوقاری قالماق، آیساق اوستونه قالماق،

تورماق.

برتر bar-tar: ص. ت. قاتی بلند، قاتی

برخورد bar-xord: ا. مص.

اولی، بلندراک، یوقارراق، اوستمراک.

چاقیشماق، ساتاشماق، یۇلۇقماق،

برج [ع] a. borj: [ع] کوشک، قصر، قلا،

اوجراماق دوشیشماق، یوز به یوز

گنبد یالی دینگ بیر یردن قۇریماق یا

چاقناشیق، توقوشماق.

یادگارلیک اوجین قاراویله سالینان

بلند دینگ.

برخوردار bar-xordār: ص.

برج [ع] t. borj: [ع] اون یکی آیینگ آدی،

پیدالانمه، خیرلانمه.

برخه barxe: ا. بۆلک، زادینگ بیر

حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد،

تیکه سی، حساب آدالغاسینده بتین

سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی،

سانینگ نأچادن بیرى.

دلو، حوت، بروج جمعی.

برخی barxi: ا. کأبیری، کاسی،

برجا bar-jā: ص. برجای، برقرار، برک،

زادینگ بیر بوله گی، آزی.

ماکام، دۇرنۇقلى.

برداشت bar-dāšt: ا. مص. حاصیلی

برجستگی bar-jastegi: یۇقارلیق،

ییغناماق، اونیمی اله گتیرمک.

بلندلیک، یردن بلندلیک، قالبانگلیق.

برداشتن bar-dāstan: مص. م.

برجسته bar-jaste: قالبانگ، یۇقار

یوقاری قالدیرماق، اله آلماق، بیر

قالان، اۇلۇق تاپان.

زادی یردن گوترمک.

برچسب bar-časb: ا. مر. بوله جک

بردبار bord-bār: ص. صبرلی،

کاغذ، زادینگ اوستونه یلمنیان

قناعتلى، جيداملى، جفاکش.

بردن bor-dan: م.ص.م. اکیتمک، اوزینگ بيله آلیپ بارماق.

برده barde: ا.ص. غلام، قول، قیرناق.

بردی bardiy: ا.ع] اوتونگ بیر گۆرنوشی، قارغا منگزش اینچه اوزین اؤت.

بررسی barrasi: م.ص. بارلاماق، درنگه مک، بیر ایشه یتشیکلیک اتمک، گۆزدن گچرمک.

برزخ barzax: ا.ع] دوزخ بيله بهشت آرالیغیندا بۇلان جای، برازخ جمع. برزگار bar-zegār: ص.فا. دایخان، تایخان.

برزگر bar-zegar: ص.فا. تایخان، دایخان، اکرانچی.

برزن barzan: ا.شهرینگ بیر بولاگی، بیر محله سی، محله، کوچه، شهرداری نینگ سۇزایان یری نینگ بیر بؤلومی.

برزیدن barzidan: م.ص.م. شاراپلیق، ایشی ایزلی ایزنه یرینه یتیرمک، ایشی دوام برمک، ایشه شاراپ بۇلماق.

برزیگر barzigar: (برزگر) ص.فا. تایخان، دایخان، اکرانچی.

برزین barzin: ا.۱. حرمتلانا، ۲. خراساندا بیر آتشکده نینگ آدی، گچمیشده اونگا «آذر برزین»، «آذر برزین مهر»، «آتش برزین» هم آیدیلیپ دیر.

برس bars: ا.دویانینگ بۇرۇنلینی. برس bores: ا.فر] قلم موه منگزش نارسه اۇنۇنگ بیلن ماتا زادی آراسسالانیار.

برس bors: ا.داغده بتیان سرو آغاجی نینگ میوه سی.

برس t.bors: ا.ع] پامیق، پاختا. برسر t.barsar: ص.۱. باش اوستی ۲. بلند مرتبه.

برسم barasm: ا.زرتشتی لار بایرام چیلیق لری گچریپ دورقالار، گز و نار آغاجیندن اینچه شاخاسینی کسیب اله آلماق لیق لری.

برش boreš: ا.م.ص. کسمک. برش boreš: ا.تجارتلیق پایدان بیر برکدن بیر بۆله گی، بیر زاتدان کسیلن بۆلک، کوین، قاوی نینگ بیر دیلیمی. برش t.borš: ا.رو] ات، کلم، پۇمازور یالی زاتلاردان ادیلن سوویق نهار.

برش t.baraš: ا.ع] انسانینگ و حیوانینگ اندامیندا و یا دیرناغینگ

اۆستونده بۇلان قارا آلا منگی.

برش bereš: ۱. [فر] ایشغالانگ،

دشیک، تخته داش، اونیق داشینگ

بیر بیرینه جوش توتانی.

برعکس bar-'aks: ق.ص. [فاع]

ترسینه، قارشى سینه.

برف tbarf: غار.

برف پاک کن tbarf-pāk-kon: ص.

ماشینلارینگ سویشه سینه دگن

قاری و یاغین سووینی برق بیله

آراسسالایان قۇرال.

برف روب barf-rub: ص.فا. غار،

آراسسالایان ماشین.

برفک tbarfak: ناساغ لیغینگ بیر

گۆرنوشی، کۆلنچ یاش چاغلاردا

گۆرنویان آغیز قایناما.

برق barq: [ع] ییلدییراویق، پارلاق،

برق، ییلدیریم.

برق آسا barq-āsā: ق.ص. [ع] برق

یالی، چالت برق یالی، گۆز آچیپ

یومیان چانگ.

برقرار bar-qarār: دۇرۇقلی، دواملی

همیشه لیک، ماکام.

برکات barakāt: [ع] جمع برکت،

آرتیق لیک کۆپلۈک، کانلیک.

برکت barkat: مص. [ع] ۱. اۆسمک،

اۆلماق، آرتماق ۲. سعادت، کۆپلۈک،

کانلیک، بۆلچۆلیق؛ جمع برکات.

برکشیدن bar-kešidan: مص. [ع]

یۇقار چکمک، یۇقاری اکیتمک، تربیه

برمک، اکلەمک.

برکنار شدن bar-kenār šodan:

ایشدن بۇشالماق.

برکندن bar-kandan: مص. م.

یۇلماق، بیرزادی باشقا زاتلاردن

یۇلماق، کوکی بیلە آییрмаق، کۆکوندن

یۇلماق، قۇیارماق.

برکه tberke: [ع] سۇو حوضی، سۇو

یېغنانیان یر، کیچی استخرلار، گۆل.

برگ tbarg: ورق، یاپراق.

برگ tbarg: سامان، اوی اسبابی.

برگردان bar-gardān: اوویرمه،

دولامه، قایتارما، کپیه کاغذ، کاربن.

برگرداندن bar-gardāndan: مص. م.

قایتارماق، دولاماق، چۆویریپ ایزینا

اؤویرمک.

برگزیدن bar-gozidan: مص. م.

بلله مک، سایلماق، سایلپ سچمک،

هالاپ آلماق.

برگ سبز tbarg-e-sabz: مر. تازه

گوک یاپراق، درویشلرینگ آدملا

ایسلی تازه هؤدورله یان یاپراغی.

برنشیت boronšit: م. ناساغ
لیغنینگ بیر گۆرنوشی، اویکن
چیشمه کسلی.

برودت borudat: م. [ع]
سایق لیک، ساویماق.

بروز boruz: م. [ع] عیان بۇلماق،
آنیقلاماق، آشکار بۇلماق، یوزه
چیقماق.

برومند borumand: م. ثمرلی،
میوهلی، اییمشلی.

برومند barumand: م. «آبرومند»
سۆزونگ قیسفالتماسی، آبرایلی
آبرایی کوپ بۇلان، حرمتلی.

برون tberun: آرتیق کپ، سبب، سانگا
برون تو: سنینگ اوچین.

بره tbarre: قوزی.

بره bere: ا. [فر] ساده ارنگک سیز
قالینگ پارچه دن ادیلن پاپاق.

بره bere: م. یاغشی آراسسا یول،
یاراشیقلی، مناسیب.

برهان tborhān: [ع] دلیل، سبب،
ضرار، برگلشن دلیل، براهین جمع.

برهم زدن bar-ham zadan: م. م.
بولوماق، قاتیم قاریم اتمک،
بولاشدیрмаق، قارماق.

برهنه berahne: م. یالانکاچ، چپلاق.

برگشتن bar-gaštan: م. ص. اؤورولمک،
دولانماق، دۈنمک، ایزینگا دۈنمک.

برگ ماهی barg-māhi: ا. م. دریای
سیاه دان خزر دریاسینا کوپلتمک
اوچین گتیرلن بیر هیل بالیق.

برگه tbarge: یاپراق، یاپراق یالی زات.

برگه tbarge: بیر اؤلچکده کسیلن
بۆلک کاغذ یا مقوا، کتاب و آیری
زاتلارینگ آدی مرتب بۇلماق اوچین
یازیلیار و برگه دان دا قۇیۇلیار.

برلیان tbarelyān: ص. [فر] قمت بها
داش، برلیان، یالدیدراویق-پارلاق
اؤوسیپ دۇران آلماس.

برمکی bar-maki: م. ن. برمکه
باغلی، برمک خاندانینا دگیشلی.

برملا bar-malā: م. آشکار، عیان،
آچیق، اوستی آچیلیان.

برمه barme: ا. آ. (= پرما) مته، آغاچ و
دمیر یالی زادی دشیلیان قۇرال.

برنا bornā: م. ییگیت، جوان، جوان،
یتکینجک، جومارت.

برنامه tbar-nāme: کتابینگ یا
خطینگ باشینده یازلیان یازغی،
پروگرام، مقدمه دیباچه، باشلانغیچ.

برنج tber-enj: بورونج.

برنج tber-enj: تئوی.

اگین اشیک سیز، لوت.

بزاق t.bozāq: ص. آغیز سووی،

سوله کی.

بری barriy: ص. [ع] چوله باغلی،

بزداغ bezdāq: ۱. قیلیچدیر قاما یالی

چولده و دوزده گزیانه باغلی،

زادینگ پوسینی آیریان قورال.

صحرا لی.

بزدل boz-del: ص. قورقاق، هیک.

بریān beryān: ص. شارا اتی یا بالینی

بزرگ bozorg: ص. اولی، حرمتلی،

شارا چیشه دوزیب اوده کباب ادیلن.

کابه، شریف، آبرایی.

برید t.barid: قاصد، آطلی، چاپار،

بزرگ ارتشتاران bozorg arteštārān:

عربچه برید دیلیار، برد جمع.

ارتشینگ اینگ اولی بویروقچی سی،

بریدن boridan: مص. آییرماق،

ارتشده اولی مقاملی کؤیلنچ شاهلارا

کسمک، اوزمک، غیماق.

خاصلانیار.

بریگاد berigād: ص. [فر] ۱. بیر تۇپار

بزرگداشت t.bozorg-dāšt: مص.

کارگر، بیر باشلیغینگ الی نینگ

اولی تۇتۇپ حرمت قویمان، صرفه

آشاغیندا ایشله مه گی ۲. قوشون

قویماق، اولی قوتماق.

قۇرلۇشیغیندا بیر تیپ، ایکی هنگ.

بزرگسال bozorg-sāl: ص. مر. کوپ

بز boz: ۱. گچی.

یاشان، یاش اولی.

بز baz: «بزیدن» ایشلیگی نینگ بویروق

بزرگ منش bozorg-maneš:

(فعل امر) فورماسی: قیمیلا، حرکت

ص. مر. همتی بلند، اولی اورونلی.

ات، اوس.

بزرگوار bozorg-wār: ص. حرمتلی

بز baz: (=بزم) یۇرلگه، آئین و رسم دأب

شخص، شریف و اولی آبرایی

معنیده.

حرمتلی آدم.

بز t.boz: دغه.

بزغاله t.boz-qāle: اولاق.

بز t.bozz: [ع] کتندن و یا پامیق دیر و یا

بزک t.bozak: کیچی گچی، چیش.

آیری زاتلاردان ادیلن گیم، پارچا، متا.

بزک t.bazak: بزهک، گؤزلشدیرمک،

بزاخته boz-e-axte: ۱. ارکج.

آوادانلاماق.

بزاز bazzāz: ص. [ع] پارچه ساتیان،

بزکوهی t.boz-e-kuhi: داغ گچی، داغ

ماتا ساتیان، ماتا ساتیچی.

گچیسی، اول چۆلدە یاشایار.

بزم t.bazm. چاقیلیق، میهمانچیلیق،
توی بایرام میلیسی، عیش عشرت
ییفناغی.

بزم آراء bazm-ārā: ص. فا. میلیسی
بزه یان کیشی، میلیسی عیش و
عشرتلی ادیان بزه یان.

بزنگاه bezangāh: ا. مر. قورقولی یر،
امن بۆلما دیق یر، قالتامان لارینگ
اوغری لارینگ ایلی تالایان یری.

بزه bezeh: ا. گناه، خطا، یازیق،
عاصی لیق.

بزه کار bezeh-kār: ص. فا. گناهکار،
یازیقلی، عاصی، خطاکار.

بستان bostān: ا. بوستان، باغ باغچه لی
کوپ میوه لی آغاچ لی یر.

بستانکار t.bestān-kār: ص. آلفیلی،
بیریندن آلمالی پولی بۆلن.

بستر t.bastar. یورغان دوشک، یازغیلی
یورغان دوشک، یازغیلی دوشک،
یاتیلمالی یر.

بستری bastar-i: ص. ن. بستره
دگیشلی، سیرقاو، ناساغ یاتان،
مریض، یریندن قالا بیلمه یان.

بستن bastan: م. ص. باغلاماق،
دونگماق، بیر زادی بیر زادا باغلاماق،

دانگماق، اوشلاماق.

بستنی bastani: ا. ص. بوز قایماق،
دۆنگدورما.

بستوه besotuh: ص. یاداو، آرغین،
بیزار بولان.

بسته baste: ص. آرغین، خسته، ملول.
بسط bast: م. ص. [ع] یایراتماق،

کینگلتمک، اوسدیرمک.

بسک bask: ا. اوزۇلان آرپا و
بۇغدا یینگ دسته سی.

بسکتبال t.basketbāl. کۆپ بۆلۆپ
اوینالیان ورزش، ایکی توپار بۆلۆپ
اوینالیان اویونۇنگ بیر گۆرنوشی.

بس کردن bas kardan: م. ص. م.
ایشدن ال چکمک، ایشدن ساقلانماق.

بسم besm: [ع] «بِسْمِ» ینگ
ینگلیتمه سی، یعنی: «بِسْمِ اللّٰهِ

الرحمن الرحیم».

بسمل besmel: ا. ص. حیوانینگ
اۆلدورجک بۆلناندا «بِسْمِ اللّٰهِ» دییپ
اۆلدوریلیار و اۆلن حیوانا «بِسْمِ ل»
دییلیار.

بسیار besyār: ق. کوپ، کان، آرتیق.
بسیج basij: ا. اسباب و سامان، یاراغلی

کوچ لرینگ بیر یرده قصد و اراده
ادیپ تاییار بۆلماغی.

بش t.baš: بۇغۇن، صندوقە بند ادیلیان دمیور.

بش t.boš: یال، آطینگ یالی، آطینگ بۇیۇن ساچی.

بش beš: [ت] باش.

بش bašš: مص. [ع] خوشلیق، شادلیق، آچیق یوزلیلیک، گولر یوزلیلیک.

بش bašš: مص. [ع] شاد، آچیق یوزلی، گولر یوزلی.

بشارت t.bešārat: [ع] خوش خبر، بوشلیق، شادلیقلى خبر.

باشاش baššāš: ص. [ع] گولر یوز، آچیق یوز، شاد خرم.

بشر bašar: [ع] انسان، آدم.

بشر bešr: ا. مص. گولر یوز، آچیق یوز. بشقاب t.bošqāb: [ت] تاباق، آش

سالنیاں تاباق.

بشکن t.beškan: بارماق لاری شارقیلاتماق دان چیقیاں سس. بشکن

زدن: بارماق لاری شارقیلاتماق.

بشکوفه t.beškufe: شکوفه، غنچه، آغاچینگ فندق لاب گل برمه گی،

گولله مه گی.

بشکول beškul: ص. ۱. چالت، یووروک، ۲. حریص، ایشنگر،

زحمتکش.

بشکه boške: [رو.] چلک.

بشور t.bošur: قارغیش، اربت دعا،

پشور و بسور هم دیلیپ دیر.

بشیر bašir: ص. [ع] خوش خبر گتیریجی، اؤنگات خبر یتیریجی،

بوشلیق چی.

بصارت basārat: مص. [ع] گوزگور- لیک، بیلیم لیلیک، دانالیق،

گوزوجی لیک.

بصر t.basar: [ع] گون، گوز گوزوجی لیک، ابصار جمع.

بصری t.basri: [ع] بصره باغلی بۇلان، بصره لی، بصره آدم لارا دگیشلی.

بصیر basir: ص. دانا، گوزآچیق، گوزگور، دانا، گوزوجی، بصائر جمع.

بضاع beza': [ع] بۆلک اتر، جمع بضعه.

بضاعت beza'at: [ع] پول، بایلیق، سرمایه مال، بضائع جمع.

بطل battāl: ص. [ع] بیکار، ایش سیز، ساللاخ، آغزینا گله نینی سامراپ

یۇزن.

بطلالت batālat: مص. [ع] باتیر بۇلماق، غایراتلیق، قۇجۇرلیق.

بطلالت betālat: مص. [ع] بیکار بۇلماق، یالتالیق، ساللاخ لیک.

بَطَر batar: مص. [ع] شادلیغینا

بویسانماق و حددن چیقماق، نعمتی

کۆیه لنده شادلیغی چندن چیقماق.

بَطَر batr: مص. [ع] کسمک، دیلمک.

بَطَری tbotri. [انگلا] سویشه.

بَطَریر betrir: ص. [ع] دیل اوزین،

قیق چیلیق چی، اؤتانچ سیز.

بَطَریق betriq: ا. [ع] بو سۆز

قَـدیم لاردا، اولی بییک، روم

قوشونینینگ حاکم و فرمانده سینه

آیدیلیان اکن.

بَطَل botl: ص. [ع] باتیر، قۇجۇرلى،

غایرات لی، ابطال جمعی.

بَطَل botl: مص. [ع] باطل بۇلماق، پوچ

بۇلماق، ضایالانماق، ایشدن قالیپ

بیکار بۇلماق.

بَطْلان botlān: مص. [ع] باطل بۇلماق،

ضایا بۇلماق، ایش و بیکار بۇلماق،

بیکارلیق، پۇچ لىق، ایشدن قالماق.

بَطْن tbatn. [ع] ۱. قارین، بیر زادینگ

ایچی ۲. طایفا تیره معنی ده، بطون

جمع.

بَطْن batan: ا. [ع] ایچ آغیری، کوپ

اییمکدن یا قارین اۇلۇلیقدن یتیان

ایچ آغیری.

بَطْن baten: ص. [ع] قارینلاق.

بَطْن batin: ص. [ع] قارینلاق، اۇلى

قارین لی آدم.

بَعَث ba's: مص. [ع] ایبرمک،

ایبریلیمک، تۇرۇزماق يوم البعث:

قیامت.

بَعَث be'sat: مص. [ع] ۱. یۇللاماق،

ایبرمک، اۇیاندىرماق، تۇرۇزماق، ۲.

آیاق اۆستونه قالدیرماق.

بَعْد ba'd: ق. [ع] اۇندان سۇنگ،

گلجکده، سۇنگرا، اۇنگ سۇنگ،

سۇنگ.

بَعْد tbo'd. [ع] ۱. داشلیق، داش، اۇزاق

۲. بۇی-این، یوغین لىق، ابعاد جمع.

بَعْض tba'z. [ع] بیر زادینگ بوله گی،

بیرنأچا، ابعاد جمع فارسى ده بیر

نیچه کوپ زادینگ بیر بوله گی.

بَعْوَض tba'uz. [ع] چیبین و یا ش. م.

بیرلیگی: بعوضه.

بَعِيد ba'id: ص. [ع] داش، اۇزاق، یاقین

بۇلمادیق.

بَغَا baqā: ص. محنت، دیوٹ، فاحشه،

تله که ایش اِدیان عیال.

بَغَات boqāt: [ع] اوز باشینا گیدن لر،

بوینی یوغین لار، زورلی لار.

بَغَاز tbeqāz. گاز، کفش چی لر کووشه

قویان تیکه آغاچی.



بَطَر



بَغَاز

بغاز boqāz: ۱. [ت] بۇغاز، ايكي آرانگ

آراسيندان گليان دريانگ بير بۇلومى،
ايكي درياني بيرى بيرينه يتييريار
يعنى بيريكديريار.

بغرا baqrā: (= گراز) ۱. ارکک دۇنگۇز،
يکه قاپان.

بغرا boqrā: ترک سۆزۈندن: اونلى آش،
بغراخانى هم دييليار. ترکستانينگ
پادشاسى بغراخانا دگيشلى.

بغرنج boqranj: ص. قين، چتين
چيلىشريملى، اوستى اوستونه.

بغض boqz: [ع] كينه، دوشمانلىق،
يورک قارالىق، اؤيکه.

بغل tbaql: [ع] قاطير، ابغال، بغال
جمع.

بغل baqal: قۇجاق، قويون، قيرا، يان.
بغل کردن baqal kardan: مص.م.

قوجاينگا آلماق، قۇينا سالماق،
باغرينگا باسماق، قۇچماق.

بغل گشودن baqal gošudan:
مص.ل. قۇجاق آچماق، قۇيىنى
آچماق.

بفور befowr: ق. [ع] (=فورى) تيز،
چالت، چاققان.

بقاع beqā: [ع] زيارتگاهلار، بقعهلار،
جمع بقعه.

بقال baqqāl: ص. [ع] ايسيم-ايچيم

زاتلارى ساتيان، اونسىق دۇونوك
زاتلارى ساتيان آدم.

بقايا baqāyā: [ع] قالانلار، قاليندىلار،
جمع بقيه.

بقاء baqā: مص. [ع] ياشايش،
ياشاماق، المدام بۇلۇپ دورماقلىق.
هميشه ليک قالماق، ميداماليق،
هميشه ليک.

بقره tbaqare: [ع] ۱. جۇنگه، بير اؤكوز
۲. قرآينگ بير سوره لرى نينگ آدى.

بقعه boq'e: [ع] دين يول
باشچىلارينگ و صالح آدميلارينگ
جايلانان يرى، بقاع جمع.

بقول boqul: [ع] جمع بقل، سبزی،
گوك اونوم، دانه، ميوه يالى.

بقيع baqi: ۱. [ع] ۱. كوپ باغلى و
آغاچلى ير ۲. مدينه ده بير
قونام چيلىينگ آدى، جنت البقيع.

بقيه baqiye: ۱. [ع] آرتىپ قالانى،
قاليندى، آرتىپ سويشن، آرتيقيماچ،
بقايا جمع.

بکارت bekārat: مص. [ع] قيزلىق، ال
دگمه ديك.

بكاول tbe kāwol: ص. تركى
سۆزۈندن، بقاول، پادشالارا و اولى

آدملار ایمییت تایارلایان آدم.

بکاء 'bokā: مص. [ع] آغلاماق، آغی.

بکاء 'bakkā: ص. [ع] کوپ آغلایان،

کان آغلایان.

بکبکه babake: ۱. چۆرک خورش،

قورد و یاغ ییلن ادیلن چۆرک خورش.

بکتاش t.baktāš: [ت] ۱. بک بیله

تاش قاتیشدیرما خیلتاش خواجه

بک تاش یالی ۲. ایلینگ اولیسی

دیپپ آیدیلیان، امیرینگ یانینده

ایشلیانلار، اولار بیر بیرینه بکتاش

دیپپ آدلانديريار اکنلار.

بکر bekr: ص. [ع] قیز، ال دگمه دیک،

انه آتانینگ ایلکینجی فرزندى، ابکار

جمع.

بکر t.bakr: [ع] ۱. ديه كۆشه گى، ياش

دويه، ۲. بیر عرب تیره سی نینگ

آتاسى.

بکره t.bokre: [ع] «بكرة»: ارتیر ایر،

جهان یاییلان وقتى، سحر وقتى.

بگاہ be-gāh: ق. تیز، ارتیر ایر، بگه و

پگاه و پگه دیپپ ده آیدیلیار.

بگردن گرفتن be-gardan-gereftan:

مص. ل. بویون آلماق، سؤز اتمک، عهد

اتمک، هوتده لنمک.

بگرس bagras: ۱. متانینگ بیر

گۆرنوشى، ایر وقت اۇندان پایاق دیر و

یاغین اشیکى یالى زات تیکیان اکن.

بگلر t.beglar: [ت] بیگلر، خانلار.

بگم t.begom: ص. ت. بانو، خاتین.

بل bol: پیشوند بؤلۆپ گلیار. کوپ بول

معنیده.

بل bal: حر. [ع] عطف سؤز، بلکه، بلکه.

بل t.bol: ایگده.

بل t.bel: اؤکجه، آياق اؤکجه سی.

بل t.bell: [ع] ۱. شفا، ناساغینگ شفا

تاپماغى ۲. دانا، بیلیم لی معنیده.

بل bel: ینگلیتیمه سؤز، مخفف بهل،

بیر زادی قوی دیین معنیده.

بلاد belād: [ع] شهرلر، جمع بلد.

بلاد balādat: مص. [ع] «بلادة»:

ذهین سیز، دوشونجه سیز، کوتدک،

ذهین سیز.

بلاد balāde: ص. فاسق، بدکاره،

بدنام، یوزی قارا.

بلاغت balāqat: مص. [ع] ۱. آچیق

آراسسا کپله مک، یترلیک لی

سؤزله مک، دیله وارلیق، کپه چپرلیک

۲. اصطلاح کلاندا کپلشیان آدمینگ

یاغدا یانا و دوشونجه سینه گؤرا

گورلشمک.

بلاغی balāqi: ص. [ع] دیله وار، کپه

بلغ balx: آغاجینگ بیر گۆرنوشی،
بلوط آغاجی.

بلغ balax: ۇلۇلیق، بییکلیک،
منلیکچی، اولی توتیان، اولومسی.

بلد balad: [ع] شهر، بلاد جمع.

بلد balad: ص. یول گۆرکزیجی، بلد،
سردار.

بلدان boldān: جمع بلد و بلده،
شهرلر.

بلدان baladān: بصره و کوفه شهری.
بلدرچین t.belderčīn: [ت] بۇغداي

آرما اکین لرینگ ایچینده قوزلایان
قوش، فارسچا کرک دیییلیار.

بلدیة t.balad-ıye: [ع] شهرداری.
بلشویک t.bolšewik: [رو]

بلشویگینگ طرفداری.
بلعم bal'am: ص. [ع] داماقچی،

خوران، داماغی ایه جن چالت باسیم
یوویدیان.

بلعیدن bal'-idan: ص. [ع]
یوویتماق، ایمتی اییمک، بوغازدان

گچیرمک.
بلغار t.boqār: هشرخانده بویرالی

قیزیل قایش اۇنگات ایسلی
آغاجینگ قابیغیندان بجریلیان یعنی

عمله گلیان قاییش.

چپر، آیتجاق کپنی یترلیکی
دوشوندیریپ آیدیپ بیلان آدم.

بلاگردان balā-gardān: [ف.ع]
آدمدان بلانی ساویان، دولایان

قایتاریان و داشا سالیان، صدقه و
خدای یولی.

بلال t.balāl: جوون، مکه جوون.
بلال t.balāl: [ع] بوغازی اولجردیان،

سؤو و یا سویت یالی نارسه.
بلاء balā': [ع] عذاب، درد، آغیری، بلایا

جمع.
بلبرینگ t.bolbering: [انگ]

ماشین لرینگ تگیری نینگ ایچیندن
گلیان قورالی، ماشین لرینگ تیگیرنی

آنگسات آیلیان آبزالی.
بلشو bel-bešu: پل بشو مخفف بهل

و بشو یعنی قوی گیت، کنایه سؤزی
غوغا بولاغایچیلیق.

بلبل bolbol: [ع] خوش آواز قوش،
بلبل.

بلبلی bolbol-i: ۱. شراب و شراب
کأسه سی، کادی و شیشه دن بجرلن

قاب.
بلح t.balah: چیک خرما.

بلغ balx: شراب قویولیان قاپ،
کادی دن شیشه دن ادیلن قاپ.

بلغم balqam: [ع] اندامدان چیقیان آق

ماده طبابت آدالغاسینده قاقیلیق

لاردان حسابا گلیار، قاقیلیق.

بلقاء balqā: ص. مونث ابلق، قاراآلا،

یعنی هر زادینگ آق قاراسی.

بلکامه bol-kāme: ص. هؤوسجنگ،

آرزولی، کۆپ حسرتلی.

بلکه bal-ke: [ع.فا] شاید، ایسم،

بلکی.

بلند boland: ص. اوزین بویلی، بوی

دارتملی، چکیملی، یوقاردا

بییکلیکده یرلشن، بلند.

بلندآواز boland-āwāz: ص. مر. آدلی

آبرایلی آدم، شهرت تاپان آدم، آدیغان

سسسی قاتی آدم.

بلنداختر boland-axtar: ص. مر.

بختلی، اقباللی، بلند بختلی.

بلندبالا boland-bālā: ص. مر.

چکیملی، بوی اؤسگون، اوزین

بویلی، بوی دارتیملی.

بلندپایه boland-pāye: ص. مر.

مرتبهسی درجه سسی اولی، اورنی

اولی، مقامی مرتبهسی عالی.

بلندپروازی boland-parwazi:

گۆچگونلیک، یارداقلیق.

بلند شدن boland šodan: مص. ل.

یوقاری چیقماق، بییکلیک ییتشمک،

یرینگدن تورماق، اوزانماق.

بلندگو boland-gu: ص. سسی قاتی

چیقاریان دستگاه، سسی

گویچلندیریان قۇرال، ییغناقلاردا

همه کیشا سسی اشیتدیرمک اوچین

اولانیلیان دستگاه.

بلندنام boland-nām: ص. مر.

شهرتلی، آدلی، جومارت.

بلندنظر boland-nazar: ص. مر. [ع.فا]

همتلی یوقاری، بلند همتلی، قاتی

داشردان گۆریان آدم.

بلندهمت boland-hemmat: ص. مر.

[ع.فا] نیتی قاتی یوقاردا بۇلان اولی

همتلی بۇلان.

بلوچ baluĉ: ۱. ۱. تاج خروس،

حورازینگ تاجی، ککجی، ۲.

بلوچستانده اوتوریملی ایرانلی اولی

طایفانینگ آدی.

بلور bolur: ۱. [ع] شیشه

ماشغالاسیندن بۇلان، قاتی دوری و

صاف فارسچا'اونگا بلور دیییارلر.

بلوز boluz: ۱. [فر] ایش گیمی، یقالی

کونیک، فارس دیلینده بلیز.

بلوط balut: ۱. [ع] اوزین یوغین

آغاجینگ بیر گۆزنوشی.

بلوغ boluq: [ع] ياشى يىگىت ليگە

يتن، يتگىنچك.

بلوف t.bolof: [فر] توپ و تشر،

قۇرقى برمه، پارداق ھايات آتما .

بلوك t.belok: [فر] بۆلك، تۇپار،

سياستداش، آغزى بىر بۇلان

يورتلارنىڭ يىغىمى.

بلوك t.boluk: شراب ايچلىان قاب.

بلوك t.boluk: [فر] ولايت، ناچە اوبە و

قصبە دن عبارت.

بله bale: عرب سۆزۈندىن: ھاوا دىيىن

سۆزى.

بله bolh: [ع] جمع ابله، فارس دىلىندە

عقل سىز نادان آقماق معنيدە.

بليارد t.belyārd: [فر] ميز اۆستۈندە

اوينالىان ورزشىنىڭ بىر گۇرۇشى.

بليت belit: ا. [فر] بليت، اتوبوس دىر

قطاردىر و يا سىنمىلارا گىرمك

اۋچىن يورپتە چاپ ادىلن رخصت

كاغذى، بليت.

بليغ baliq: ص. [ع] اۋنگات گۈرلە يان ،

دىلە وار، كپە چپر، سۆزى يتىرلىكلى،

بلغاء جمعى.

بمب bomb: ا. مر. گويچلى پارتلايچى

ياراغ لاردان اۋنى اۋچيان بىلە ھۋادان

دوشمانىنىڭ اۆستۈنە ياغدىرىلپار

اۋقلانىار، بمب.

بمب اتمى t.bomb-e-atomi: مر.

باران يىرىنى ياقىپ نابود ادىان

پارتلايچى بمبلاردان.

بمباران t.bombārān: [فر.فا] بمب

ياغدىرماق، بمب آتماق.

بمب افكن t.bomb-afkan: ص.

اۋرۇش اۋچيانى، بمبى حربى يارغلى

دوشمانىنىڭ اۆستۈنە تاشلايان

اۋچاغ، اۋچيان.

بن bon: ا. دۈيپ، اساس، كوك، ابنيه

جمع.

بنادر banāder: [ع] جمع بندر، بندرلر،

نۋالارىنىڭ يۈك يۈكلەپ و بوشاديان

يرلرى، پورتلر.

بنا كردن banā kardan: قۇرناماق.

بنا گاه be-nāgāh: ق. بىردن، خبرسىز،

دويدانسىز.

بنا گوش t.banā-guś: مر. قولاغىنىڭ

يوشماغى، قولاغىنىڭ دۈيى.

بنام be-nām: ص. آدىلى، شەرتلى،

آدىغان، مشهور.

بنام ايزد benām-izad: خدايىنىڭ

آدىنا، تانگىرىنىڭ آدىنە.

بنان t.banān: [ع] بارماقلارنىڭ اۋجى

باشى، تۈۋەرگى.

بنان tbanān. [فر] موز.

بنا نهادن benā nahādan: ص. مر.

[ع. فا] دیکلتمک، جای سالماق.

بناور bonāwar: ص. ۱. کوکلی،

دوئپلی، اوی ۲. اولی یارا چیش

دیپ-ده آیدیلیب دیر.

بناء tbanā' [ع] تام، جای، عمارت.

بناء bannā': ص. [ع] داش اوسساسی،

بناء.

بن بست bon-bast: ص. اونگی-اووی

یاییق، اووی توتوق بۇلان کوچه، یول.

بنت tbent. [ع] قیز، بنات جمعی.

بنجل bonjol: ص. پس، اوتمه دیک

مال، تله که، مشتری سی بۇلما دیق

قالان مال.

بند band: ۱. آدمینگ اندامی نینگ

سونگک لرینینگ بیرگیان یری،

بوغون، ایکی زادینگ بیرگن یری، و

هم -ده یوب و یاغ معنیده.

بند آب tband-āb: مر. پل، سووینگ

اووینی توتیان پل، سد.

بند آمدن band āmadan: مص. ل.

باغلانماق، اونگی توتولماق، اووی

کسیلمک.

بندر tbandar: دریانینگ قیراسیندا

گامی لرینگ یوک یوکلاپ و

دوشوریان یری، پورت، بندر.

بندر آزاد tbandar-e-āzād: مر.

هایسی بیر یۇرتده گامی لرینگ یوک

دوشوریب یوکله مه گی و گلیب

گیتمه گی آزاد بۇلان بۇلسا اونگا بندر

آزاد دیپ آدلاندیریلیان.

بندرگاه tbandar-gāh: مر. بندر،

دریانینگ قیراسیندا گامی لرینگ

دویناپ لابیر اوقلیان یری.

بندشدن band šodan: مص. ل. بیر زادا

ایلتشمک، بیر زادا سالانماق، بیر زادا

سالانماق.

بندکردن band kardan: مص. م.

باغلاماق، ییلمامک، بیر زادی باشغا

بیرزادا قیسیدیرماق.

بندکشیدن band kešidan: مص. ل.

زنداندا گچیرمک، زنداندا اوتورمک.

بندمه tbandeme: کلید، کویناکینگ و

گیم یالی اکن اشیکینگ کلیدی.

بنده bande: ص. غلام، قوللیقچی،

قول، خدای تعالی بنده، بندگان جمع.

بندی tbandi: باغلی، اسیر، توسساق،

بندی، بندیان جمعی.

بنصر tbenser. [ع] اۇرتا بارماق بیله

گول بی بی بارماغینگ آراسینداکی

اوغۇل بی بی.

بنفش tbanafš.ص. بادمجان رنگ،
مور. ۴ ماوی.

بنفشه tbanafše. بنوشه، گولونگ بیر
گوزنوشی.

بنک tbonak. ایز، اثر.

بنک tbonk. [ع] ۱. زادینک اصلی، بیر
زادینک دویبی ۲. گیجه دن بیر ناچه
ساعت گچمه گی.

بنکدار tbonak-dār.ص. زادی
لوممای ساتیان ساتیجی، چولکه
ساتیان دکان چی لره خرید بریان،
کولتیم ساتیجی مغازین.

بنگاه tbongāh. اوی، انبار، آلیش
بریش جای، قوراما، ایش مکانی.

بنوت tbonowwat.ص. [ع] «بنوة»:
اوغول لیق، اوغول لیغا آماق.

بنه tbone. اصل، ریشه، کوک، دویپ.

بنه tbane. (=بنک) پستامنگزش آغاچ،
ساقیچ باغی هم دیییلیار، اوندان
ساقیچ آلینیار، چاتلانقوش.

بنه tboneh. جای، مکان، دکان، اگین
اشیک، اسباب.

بنی bonayy: [ع] «ابن» سوزونینگ
کیچلتمه سی: «یا بنی/ ای عزیز
فرزندیم، ای عزیز اوغلوم».

بنی آدم tbanī ādam. مر. [ع] آدم

اوغلانلاری، آدم اولادلاری.

بنیاد tbonyād. پایه، اساس، دویپ،
کوک.

بنیادگر tbonyad-gar.ص. بناء،
معمار، تام اوستاسی.

بنیاد نهادن bonyād nahādan:
مص.م. بنا اتمک، باشلاماق، پیین
دؤکمک.

بنی اسرائیل tbani-esrā'il. مر. [ع]
حضرت یسقوبینگ اولادلاری،
یهودلار، شو گونکی کلیمی لرینگ
اولادی.

بنی فاطمه tbani-fātemeh. مر.
حضرت فاطمه نینگ اولادی اؤنؤنگ

فرزندلری امام حسن و امام حسین.
بنی هاشم bani-hāšem: ۱. مر. هاشم
بن عبدمناف اوغلی نینگ فرزندلری
قریشینگ آبرایلی آدملاریندن
عبدالمطلب نینگ قاقاسی.

بو tbaww. [ع] گاپ، حیوانینگ اولن
چاغاسی نینگ ایچینه سامان
دولدوریپ انه سیننی آلداپ سویت
ساغماغی.

بو bu: ۱. ایس، قۇق.

بوئیدن bu'idan: (=بوئیدن) مص.م.
ایسناماق.

بواسير *bawāsir*: [ع] باباسيل،
بواسير.

بواعث *bawā'es*: [ع] جمع باعث و
باعثه، سبب لر، ضرارلار.

بوالهوس *bol-hawas*: ص. [ع]

هووسى كۆپ بۇلان، هۇوسچىنگ،
فارسچا «بلهوس» هم يازيليبار.

بو برداشتن *bu bardāštān*: مص. ل.
ايس آلماق، ايس تۇتماق.

بو بردن *bu bordan*: مص. ۱. ايس
بيلمك، ۲. كنايه سۆزوندن: انتك بىر

سىرلى خبرى دويماق، گمان اتمك.
بوته *t.bute*: ۱. كوپ ياپراقلى كيچى

اوت، ۲. دورلى نقشينگ بىر هيلى ۳.
زلف، ساچ هم ديييليبار.

بوته *t.bute*: قيزيل اريديليبار قاپ.

بوتيمار *butimār*: ۱. هوقار (سووينگ
كناريندا قيراسيندا دوروپ باليق
آولايان بويى اوزين بويىنى قيسنا
قوروقلى آق ياشيل و ماوى رنگده
بۇلان قوش).

بوجار *t.bujār*: ص. غلنه
آراسسالايان آدم. بوجارى: الك بيلن

غله آراسسالايان دستگاه.
بودار *budār*: ص. فا. ايسلى.

بودجه *budje*: ص. مر. دولتينگ يا بىر

خصوصى بنگاهنينگ بىر يىلده بۇلان
چيقداجىسى هم ده گيردهجى-
سىنينگ جمعى.

بودن *budan*: مص. ل. بۇلماق، بار
بۇلماق.

بوران *burān*: ۱. قاتى يللى ساويق غار
ياغين قاتيشيقلى آنگزاق هوا،

سيرغين قاتى قارلى يللى ياغين هوا.
بورژوا *buržewā*: ۱. مر. شهرده

اوتوريملى پوللى باى ارباب، ماللى
قازالى آدم.

بورك *t.burak*: (= سنبوسه) بۇغداي
اونى بيله بيشيريليبار سۇۇق آش.

بورياء *t.buriyā*: [ع] كۆلۆش،
قارغىدان دۇقلان دوشك، فارسچا
بوريا ديييليبار.

بوز *buz*: ۱. ص. ۱. يووروك آط، گۆك
دور آط ۲. ذهنى دوشونجهلى

اوقىپلى آدم.
بوزينه *t.buzineh*: ميمون، انتر.

بوستان *t.bustan*: ۱. باغ، گلستان،
گلزارليق، ۲. شيخ سعدى نينگ يازان

شعر كتابى نينگ آدى.
بوسه *t.buse*: ۱. اؤيمه، اوپوش، اوغشاما.

بوسیدن *bus-idan*: ۱. اوغشاما،
اوپمك.



بوش buweš: ۱. مص. ۱. اسم مصدر بۇلماق، بولوش، بارلیق ۲. یازغیت، تقدیر.

بوش t.buš: [فر] آغیز، آغیزلیق.
بوش buš: ۱. [ع] هر طایفه و صنفدان بۇلان قاتیشیق، اوباش جمع.
بوش buš: ۱. دریند و ارمنستاندا عمله گلیان آغاچ، باغ.

بوش bawš: ۱. اوزونسی گۆزکزمه، اوزونگی بزمه، اولی لیک و قدرتلی لیک، بوچ، پوچ هم دیییلیپ دیر.

بوغ buq: ۱. بۇق، بوغ، توبدوک.
بوف buf: ۱. بايقوش.

بوفه bufe: ۱. [فر] کۆپونگ ییغنانیان یرینده اییمیت نوشابه ساتیلیان یر.
بوقلمون buqalamun: ۱. تاویقلار ماشغالاسیندان بۇلان اویسده

ساقلانیان اولی قوش، هندی تاوویق.
بوکس boks: ۱. مر. ایکی بۇلۇپ یومریق اورماق بیلک گچریلیان یاریش، اول هم ورزشینگ بیئر گۆرنوشی.

بوکه bu-ke: (= باشد که، بود که) بولدی کی، بۇلسۇن کی دیین یالی، کاشکی بولسادی.

بوگرفت bu gereftan: مص. ل. ایس گوترمک، تۇتماق، اربت یا اؤنگات ایسلی بۇلماق.

بول t.bowl: [ع] سیدیک، پشو.
بولتن t.bulten: [فر] رسمی آچیقلاما، عمل لره باغلی بۇلان نظامی و یا طبیب چیلیک حقه آچیقلاما.

بولدزر boldozer: ص. [فر] یر قازیان ماشین، یۆریتک یر قازماق اوچین بجرلن ماشین.

بولوار t.bulwār: [فر] گللی چمنلی بۇلان گینگ گزلهنج اوچین بجرلن خیابان و میدان.

بوم t.bum: یر. شهر، اولکه، فراغت جای.

بوم bum: یرینی تاییارلاما، زمینه سینی تاییارلاما، نقاشی چکک یرینگی اوچون اتمک.

بومهان t.bumahan: یر تیترمه، یر ایرغیلداما.

بومی t.bum-i: توبه لی، اویا آدما دگیشلی، اویه آدمسی.

بیوزه be-wiže: ق. مر. خاص-دا، ایلاتا-دا.

به t.be: باهی، بهی.
به beh: ص. قاوی، یاغشی، اؤنگات،

قبول اتدیلن.

به beh: قاوی لیغا و حالانماغا دگیشلی، حیران قالدیریجی سۆز، یاہ.

بهائی bahā'i: ص.ن. بهانیہ باغلی بۆلن، بهائی یولینه دوشن، بهائی فرقه سیندن بۆلن.

بهادر bahā-dār: قیمتلی، بهالی. بهادر bahādor: ص.[ت] باتیر، غیراتلی، پهلوان، قورقمازاق قۇجۇرلى، اصلینده باتیر سۆزی، بهادر سۆزوندن آلینان بۆلمالی. بهار bahār: یاز، بهار.

بهار t.bohār: ۱. بت، بتخانه، ۲. آتشکده.

بهار t.bahār: [ع] ۱. گۆزلیک، گۆزنوکلیلیک، ۲. بیر گولونگ آدی. پارسلار اونگا «گل گاو چشم» یعنی «سیغیر گۆز» دیییارلر.

بهاران bahārān: مر. یاز، یاز وقتی، بهار فصلی، بهار وقتی.

بهارستان bahārestān: مر. تورنوج آغاجی و مرکباتی کوپ اکلینیر، دورلی گلر اکیلن باغ و بوستان.

بهاره bahāre: ص.ن. یازا دگیشلی، یاز وقتی اله گلن اؤنوم.

بهانه t.bahāne: ۱. بهانه، بولفی سیز، بویتر- سویتار اتمه، جای سیز اؤتونچ بهانه جو: بهانه نینگ ایزیندا گزیان، بهانه آرایان، بهانه چی، ساپالاقچی.

بهانه آوردن bahāne āwardan: بهانه گتیرمک.

بهانه جو bahāne-ju: ص.فا. بهانه ایسته یان، بهانه آزالایان، بهانه چی. بهاء t.baha: نرخ، قیمت، دگر، بهاء. بهبود behbud: مص. قاوی بۆلماق، قوتورماق، آیینماق، ساغلیق، سلامتلیق.

بهت boht: [ع] یلان تهمت، قارالاما، قاراچکمه، تهمت اتمه.

بهتان t.bohtān: [ع] تهمت، میجابت، قارالاما، یلان تهمت قارالیق یاپما.

بهتر behtar: ص.ت. قاوی راق، یاغشی راق.

بهرداری t.behdāri: سساغلیق ساقلایش اداره سی.

بهداشت t.behdāšt: مص. پاکیزه لیک، آراسسالیق، سساغلیقی ساقلایش بۆلومی.

بهر bahr: ۱. قسمت، نصیب، پای. بهر t.bahr: دووینینگ یارسی، البته

۱۶ دووین بیر ذرع بولیار.

بهر bahr: نصیب، پای، نپ سبب، ضرار، اوچین.

بهرمند bahre-mand: ص. (= بهره‌مند) نپلی، پیدالی، خیرلی.

بهرروز behruz: ص. خوش گون، اؤنگات گون، یاغشی گون.

بهرروز behruz: ۱. قویی کوک رنگده بۆلن ییلدیراویق بلور ۲. هندی کندر.

بهره bahre: ۱. قسمت، نصیب، پای، پیدا، نپ.

بهره‌برداری bahre-bardāri: ص. پیدالانماق، خیرلانماق، زراعتدان اؤتوم آلماق، کارخانانینگ اؤنومینی ساتماق.

بهره‌ور bahre-war: ص. نپله‌نین، پیدا تاپان، نپلی.

بهزاد behzād: ص. مر. ۱. قاوی نسللی، تیلی، اصللی ۲. آدمینگ آدی.

بهشت behešt: ۱. جنت، اؤچماخ، اؤچما، بهشت.

بهشتی behešti: ص. ن. بهشته باغلی، بۆلن، بهشته دگیشلی، بهشتلی، خیراتلی، بهشتی، بهشت نصیب بۆلن.

بهلول bohlul: ص. [ع] گولر یوز آدم،

آچیق آدم، طایفا تیره‌نینگ اولوسی.

بهم be-ham oftādan: افتادن

مص. مر. بیلک کجالیک ادیب

اوروشماق، ایکی، یا ناچه نفر بۆلۆپ

چکه‌له‌شیپ سؤوش اتمک،

یاقالاشماق.

بهم بستن be-ham bastan: مص. مر.

چاتماق، بیرری بیرینه چاتماق،

دانگماق، باغلاماق.

بهم پیوستن be-ham peywastan:

مص. ل. بیرریگمک، سساییلماق،

دوشوشماق، بیر بیرینه یاییشماق،

چاتماق.

بهم زدن be-ham zadan: مص. م.

خرابلاماق، بولاماق، پوچ اتمک، آختار

دونگتر اتمک، قارماق، پوزماق، بیرری

بیرینه اورماق.

بهمن bahman: ۱. شمسی ییلینگ اون

بیرینجی آیینینگ آدی.

بهمن bahman: ۱. قارنگ داغا کوپ

یاغیپ ییغنانیپ یلینگ گویجی بیلن

باش آشاق انگپ اؤنگونده، یولیندا

ناما بولسا ویران اتمه‌کی.

بهمن bahman: ۱. اوتونگ بیر

گۆرنوشی.

بەھمنش beh-maneš: ص. مر. قاوى
 قىلىقلى، اۋنگات اخلاقلى، گولر يوز
 آچىق.

بەنام beh-nām: ص. مر. ياغشى آدىلى،
 ياغشى آد. آلان آدم، آبراىلى آدم،
 قاوى آدىغان آدم.

بەھوش be-huš: ص. دهنلى، هوشلى،
 دوشونجەلى، عقللى. بەھوش باش:
 هوشلى بول، آگاه بول.
 بەھى tbehi.

بەھى behi: ص. [ع] قاوى، آوادان،
 گۈزىنوكلى، ياغتى، آيدىنگ، پارلاق.

بەھى behi: ۱. م. ص. قاويلق، ياغشىلىق.
 بەھيار beh-yār: ص. آموزشگاهدا،
 پرستارلىق دورەسىنى اوقونى
 قوتازىپ درمانگاهدا و يا كسلخانەدا
 ايشە باشلان آدم.

بەھيارى beh-yār-i: م. ص. ايشى و
 درجەسى، اورنى بەھيار بۇلان،
 بەھيارلىغا يتن، تانىلان، قاويليغا
 يازانلىق.

بى آب bi-āb: ص. مر. ۱. سووسىز،
 سوۋ بۇلمادىق ىر ۲. آبرائى سىز،
 اوتانچسىز معنيدە.

بىابان tbiyābān: ص. حرا، دون چۇل،
 يابان.

بىات bayāt: ىرانى سازلارىنگ
 بىرى نىنگ آدى: بىات اصفهان، بىات
 ترك دىين يالى.

بىات bayāt: م. ص. [ع] ۱. دوشمانا
 چوزىش اتمك اوچىن گىجە قالماق
 ۲. گون آشان قاتى چۆرك قاقان.

بىات bayāt: ۱. اىرانى ترك
 طايفالارىنگ بىرى ۲. لرستاندە بىر
 قالانىنگ آدى.

بى احتياط bi-ehtiyāt: آداداسىز،
 فكرسىز.

بى اختىار bi-extiyār: ترك سىز،
 اوزونده ارک بۇلمادىق.

بى ارزش bi-arzeš: اوجىت سىز
 دگرسىز.

بىاض bayāz: [ع] آق.
 بى اعتناىى bi-e'tenāi: اىگرەمە-

سىزلىك، اهمىت برەمە سىزلىك،
 آنگشارماسىزلىق.

بى امان bi-amān: ص. مر. رحم سىز،
 يورەگى قارا و قاتى.

بىان bayān: م. ص. [ع] ۱. آشكار
 بۇلماق، تاپىلماق، ۲. دىلە وارلىق و
 آچىق سۆزلىك، آچىقلاما، تعبىر،
 بىان اتمك.

بى ايمان bi-imān: ص. مر. ايمانى

بولمادیق، ایمانسیز، اعتقادسیز.

بی باک bi-bāk: ص. مر. قورقمازاق،

باتیر، قوجورلی، قایدوسیز، غیراتلی.

بی برگ bi-barg: ص. مر. یاپراق سیز

آغاچ.

بی برگشت bi-bargašt: ص. مر. ایزینا

قایتماز بولان، ایزینا اوورولمز بولان،

ایزینا اوورولمەدیک.

بی بضاعت bi-bezā'at: سرمایه سیز،

الی دار، ماتاچ، فقیر، یوقسول.

بی بندوبار bi-band-o-bār: یل

دوزگونینه و عادتینه و داب دستورینه

گیتمه یان، کوپچیلیگینگ دأبینه

بویون اگمه یان.

بی بهره bi-bahre: ص. مر. نصیب سیز،

پای سیز، زات سیز، یوقسول.

بی پایان bi-pāyān: سؤنگ سیز،

سونگی بولمادیق، آخری بولمادیق،

ایمغیر.

بی پروا bi-parwā: ص. مر. قورقمازاق،

کله پروای، یوزی نینگ اوغرینده

بۇلان، آلا داسیز.

بی پناه bi-panāh: ص. مر. هیچ

زات سیز، اینداوسیز، دوست-یارسیز،

آرقاسیز، پناه سیز.

بی پول bi-pul: ص. مر. پول سیز، پولی

بۇلمادیق.

یت t.beyt. [ع] اوی، تام، بیوت، بیوتات

جمع. شعردن ایکی مصراع،

قوشغی دن ایکی سطر، ابیات جمعی.

بی تاب bi-tāb: ص. مر. بیقرار،

جیدامسیز، اینجالیق سیز.

یت الحرام t.beyt-ol-harām. [ع] خ.

کعبه اوی، کعبه، بیت الله، الله نینگ

اوی، خدانینگ اوی، اول مشرک لر

اوچین حرام بولماغنا گوراً سؤنگ

شيله آد قویلیب دیر.

یت الله t.beyt-ol-lāh. [ع] مر. کعبه،

خدانینگ اوی، کعبه اوی.

یت المال t.beyt-ol-māl. [ع] مر.

یوردونگ خزینه سی، اسلامی

دولت نینگ خزینه سی، یووردینگ

خزینه سی.

بیجا bi-jā: ص. مر. جای سیز،

سبب سیز، دلیل سیز.

بیجک t.bijak. بۆلک کاغذ،

ساتیجی لارینگ زادی نینگ هیلنی و

سانینی یازیب ایبری ان کاغذی،

آلیجی خطی.

بیچاره bi-čāre: ص. مر. چاره سیز،

علاج سیز، اوغرین یتیرن، پناه سیز،

یوقسول، ماتاچ، بیچاره، تاقا داسیز.

بی چشم ورو bi-češm-o-ru:

ص.مر.کنایه سؤزوندن حیاسیز،

شرم سیز، اوتانچ سیز، سؤوم سیز.

بیچون bi-čun: ص.مر.تای سیز،

دنگ سیز، منگزشر سیز.

بی چون و چرا bi-čun-o-čera:

کپ سیز، سؤز سیز، گؤرونک سیز.

بی حال bi-hāl: ص.مر.عجیز، یاراماز،

یاغدا سیز، توقاتلی، حال سیز.

بیحد bi-had: ا.بیچاق، چاک سیز، چن

چاق سیز، حد سیز.

بیخ bix: ا.دویپ، کوک، ریشه، اساس.

بی خانمان bi-xānman: ص.مر.عیال

اوغلان اوشاق سیز و او ی ایل سیز

ساللاخ، آواره، سرگردان.

بی خرد bi-xerad: ص.مر.عقل سیز،

نادان، سامسیق، علم سیز، آقماق،

دوشونجه سیز.

بی خواب bi-xāb: ص.مر.اوقی سیز،

یاتیب بیلمه یان، اوقلاب بیلمه یان.

بیخود bi-xod: ص.مر.بی هوش،

هوش سیز، حال سیز یاغدا سیز،

کله سینده هوشی بؤلما دیق،

ارک سیز، آلجرا نک.

بی خیال bi-xiyāl: ص.مر.[ع] اوی

فکر سیز، انته شه، قایفی غم سیز.

بید bid: سایه لی آغاج، سؤووت

آغاجی.

بید bid: ا.گۆیه.

بیداد bidād: ا.ص. ۱. ظلم، ستم ۲.

ظالم.

بیداد کردن bidād kardan: ص.م.

ظلم اتمک، ازمک، ستم اتمک،

حورلاماق.

بیدار bidār: ص. اویا، اوقلاما دیق.

بیدار باش bidār-bāš: اویا بولونک

دیمک، دانگدان سربازلاری اوقی دان

توروزماق اوچین چالینان شیپور.

بیدار خواب bidār-xāb: ص.مر. اویالی

اوقیلی بؤلماق، اوقلامان اویا بؤلماق.

بیدار شدن bidār šodan: ص.ل.

اوقودان توروماق، آگاه بؤلماق.

بیدار کردن bidār kardan: ص.م.

اوقودان توروزماق، آگاه اتمک، خبردار

اتمک، اویان دیرماق.

بیدخ tbaydax: ص. ییلدام، یووروک،

اؤرۇش آطی، سؤۇش آطی.

بیدخت tbaydoxt: زهره ییلدیزی.

بی درمان bi-darman: درمان سیز،

دردینه درمان تاپیلما دیق.

بی درنگ bi-derang: ص.مر.درو،

چالت، چاققان، کوتگیرمان.

بی دریغ bi-dariq: دوریم سیزلیق،

آیاماسیزلیق و قایغیرماسیزلیق بيله

جومارتلیق بیلله گجریم لیک.

بیدستر bidastar: ۱. قوندوز.

بی دست و پا bi-dast-o-pā: ص. مر. ال

آیاغی ماییپ موجریب بۆلن، یاراماز، عاجز.

بی دوام bi-dawām: مر. دوریم سیز،

باسیم آرادان چیقیپ نابود بولیان،

ارمک، وارسیز، دوام سیز.

بی دین bi-din: ص. مر. مذهب سیز،

دین سیز، دینی بۆلما دیق.

بیر bir: ۱. یورغان دوشک، یاتماق

اسبابی، یاتماغا گرکلی زاتلار.

بیر bir: ۱. ییلدیریم، توفان، یللی

چاغبالی یاغین غار غای.

بیراه bi-rāh: ص. مر. انصاف سیز،

گمراه، یولونی یترن. انصاف سیزلیق.

بیراهه tbi-rāhe: ص. یولی بۆلما دیق،

یول ایزسیز، مقصده یتیب بۆلما جاق

یول، اگر ی نادوغری یول.

بی رحم bi-rahm: ص. مر. [فاع]

یوره کی قاتی، ظالیم، ستم کش،

ایزغیت سیز، دونگ یورک، رحم سیز.

بیرگ bi-rag: ص. مر. کنایه سۆزیندان

غایرات سیز، تعصبی بۆلما دیق،

قوجور سیز.

بیرون t.birun: ۱. داشاری، زادینگ داش

طارافی.

بیرون شدن birun šodan: مص. ل.

داشاری چیقماق.

بیرون کردن birun kardan: مص. م.

داشاری چیقارماق.

بی ریا bi-riyā: ص. مر. ریاسیز، ایل

گۆزی اوچین بولمان خدای اوچین

بولان ایشلر.

بی ریخت tbi-rixt: ۱. درنج، الهنج،

یاراشیق سیز، گلشیک سیز.

بیزار bizār: ص. بیر زاتدان یوز

اوویرمک، بیر زادی حالامان اوندان

قاچماق، بیزار، یادماق.

بیست bist: ۱. سان دان ۲۰، بیگریم.

بی سروپا bi-sar-o-pā: ص. مر.

ساللاخ، بیچاره، اصل سیز، تی سیز.

بی سروته tbi-sar-o-tah: ۱. وغور سیز،

باش سیز، گۆت باش سیز.

بی سروصدا bi-sar-o-desā: ق.

دینج، سس، اوین سیز، قیقیلیق سیز.

بیش از حد biš-az-had: چاک سیز.

بیشترین bištarin: کوپراگی، کانراگی.

بیشمار bi-šomār: ص. مر. سان سیز،

بی حساب، کوپ، کان.

بیشه biše: ۱. جنگل لیک، قارقى اکزلیک،

آغاچینگ کوپ بیتن یری، توقای.

بی صبر bi-sabr: ص. مر. [فاع]

صبر سیز، جیدام سیز، طاقت سیز.

بیضه t.beyze: [ع] خایا، قوتداق،

تاششاق، یومورتقا.

بی طاقت bi-tāqat: ص. مر. عجیز،

یاراماز، زوردان، جیدام سیز،

دوریم سیز، اینجالیق سیز.

بی طرف bi-taraf: ص. مر. طرف سیز،

هیچ کیمینک طرفنی چکمه یان،

توتمه یان.

بیعانه t.bay'āne: مر. اؤنگوندن

سودانینگ قایم لینى اوچین پول

کچیرمه، آلیش برش ده ساتیجا

بریلیان پول، بیعانه.

بیعت t.bey'at: [ع] عهد و پیمان،

شرطنامه، دؤستلۇق باغلاماقلیق،

وفالılık، مسلمانلار خلیفه بیلن

دؤستلۇق و وفالılık اوچین باغلان

عهد و پیمان لری.

بی عرضه bi-orze: ص. مر. [فاع]

تاقاداسیز، همت سیز، یاراشیق سیز،

باشارنیق سیز.

بی عصمت bi-esmat: نامیس سیز،

آبرای سیز، گناه دان فسق و فجوردان

قاچمایان.

بی عقل bi-'aql: ص. مر. نادان،

بیلیم سیز، دوشونجه سیز، عقل سیز،

سامسیق.

بی علاقه bi-'alaqe: ص. مر. هیچ کیمه

هیچ زادا هوسی بۇلما دیق، میلى

بۇلما دیق، میل سیز.

بی عیب bi-'eyb: ا. م. وین سیز،

عیب سیز.

بیغوله bayqule: ا. چت، بوچ،

یول سیز، خرابا، اوبادان اۇزاق، قیراق.

بیفتک biftek: ا. مر. سیغیرینگ

اتیندن قاوویریپ بشیریلیان

داماق - اییمت.

بی فرهنگ bi-farhang: ص. مر. ادب

ارکان سیز، پاکیزه بۇلما دیق، آراسسا

بۇلما دیق تربیت سیز، بیلیم سیز،

مدنیت سیز.

بی فکر bi-fekr: ص. مر. ایشینگ

سۇنگۇنى گۇزله مه یان، سۇنگۇنى

سایفارمایان، اوی - فکر سیز.

بیکاره bi-kāre: ص. مر. بیکار،

هنارسیز، ایشرسیز، یؤنه ساللاخ

ایغیپ یۇرن.

بیکران bi-karān: ص. مر. سۇنگ سیز،

چن - چاق سیز، چاک سیز.

بیکس bi-kas: ص. مر. یکه، یالنگیز،

ایدگ سیز، دوست یارسیز، ایه سیز،

قارینداش سیز.

یگ beyg: ص. ت. امیر، اولی شخص،

باشلیق، قدیملاردا شاهزاده امیرلره و

قوشون باشلیقلارا بریلیان آد.

یگار bigār: مزدسبز ایش، حقسبز
ایش، موغت ایش.

بیگانه bigāne: ص. ناتانیش،
کسه کی، آیری یورتلی، غیری، یاد
آدم، اوزگه، بیگانه.

بیگانه پرست bigāne-parast:
ص. فا. ناتانیش کسه کی و غریبه لار
بیلن ایلا لاشیان، قاوی چیقیشیان
آدم، بیگانه لرینگ نفعینه ایشلاپ و
ایلدش لرینگ زیانینا ایش ادیان آدم،
غریبه پرست.

بی گزند bigazand: آسیب سبز،
ضرر سبز، نقصان سبز، شکست سبز.
بیگم bigom: ص. ت. عیال لقبی،
خاتین، التی اجه، کیوانی، دیین یالی،
بیگ اولی معنیده یعنی منینگ بیگیم
دییمک.

بی گمان bi-goman: ق. شک سبز،
گمان سبز، شبهه سبز،
گورمورتیک سبز.

بی گناه bi-gonāh: تقصیر سبز،
عاصی بولمادیق، یازیق سبز،
گناه سبز.

بیل bil: ا. آ. بیل، یر قازیلیان قۇرال.
بیلان bilān: ا. [فر] بیر ادارانینگ یا

قۇرامانینگ بیر بیل ده گیرده جی و
چیقدا جی سی نینگ حسابین

گۆزکیان بیلان آدیندا یازغی.

بیم bim: قۇرقی، خوف، ایمنج،
اویشونمه.

بیمار bimār: ص. ناساغ، سیرقاو،
مریض، ناخوش.

بیمارستان bimār-estān: ا. مر. کسل
خانا، مریض خانا، ناساغلار اوچین
یوریته دیکلدیلن جای، شفاخانه.

بیمانند bi-mānand: ص. مر. تایی سبز،
منگزش بولمادیق، اگیرت، قاوی لیغا
اربت لیگه تایی بولمادیق.

بیمایه bi-māye: ص. مر. مایه سبز،
دویپ سبز، اصل سبز، ال دار عجیز.

بیمناک bim-nāk: ص. قۇرقولی،
خوفلی، قۇرقی گتیریجی.

بیمه bime: ا. دوشن چیقدا جینی
ضرری تۆله یان یوریته بللی اداره،
الته اوزال اونونگ قارشى سینده
آی-دا بیر بللی حقى تۆله مه لی
ادیلن.

بیین bayyen: ص. [ع] آچیق، آشکار،
آییل ساییل.

بین beyn: ا. [ع] اورتا، آرا.
بینا binā: ص. فا. گۆرگور، خبردار، آگاه،
بیلیجی.

بین الملل bin-ol-melal: [ع]
بیرلشن ملت لر قۇراماسی،

شیلہ - ده بیرلہ شن خلق آرا
قوراماسی.

بی نام bi-nām: ص. مر. ۱. آدی
بۆلمادیق، آدسیز ۲. آدی ییتن،
گمنام.

بی ناموس bi-nāmus: ص. مر. [فاع]
آبرای سیز، نامیس سیز.

بینایی bināi: ا. مص. گۆرگورلیک،
دوشونجه لیک، گۆز آچیق لیق.

بین خود tbeyn-e-xod: وز آرا.
بینش bineš: ا. مص. ۱. گۆرگورلیک،

گۆرهچ لیک، گۆرهچن، گۆروجی لیک،
گۆزی آچیق لیق، ۲. نظر معنیده.

بی نشان bi-nešan: ص. مر. ایزسیز،
بلگی سیز، اثرسیز، آدی سولی

بۆلمادیق، یتپ گیدن، نشان سیز.
بی نظیر bi-nazir: تای سیز، تای

بۆلمادیق، دنگی بۆلمادیق،
منگزش سیز.

بی نماز bi-namāz: ص. مر. نمازسیز،
نماز اوقیمايان، بی نماز.

بی نمک bi-namak: ص. مر. ۱.
دۆزسیز؛ کنایه سۆزۆندن: الی دوزسیز

۲. قیلیق سیز، خاصیت سیز.
بیننده tbinande: فا. ۱. گۆریجی ۲.

گۆز، گۆرهچ معنیده، بینندگان جمعی.
بینوا bi-nawā: ص. مر. زات سیز،

یوغسول، عجیز، بیچاره، ماتاچ،
غریب.

بی نهایت bi-nahāyat: ص. مر. ۱.
سۆنگ سیز، ایمنیر، چاک سیز،
سونگی بۆلمادیق ۲. آنگیرباش کوپ.

بینی bini: ا. بۆرؤن.
بی نیاز bi-niyāz: ص. مر. قدرتلی،

قۇجۇرلی، قۇرلی، ماتاچ بۆلمادیق،
قۇرلی، باراندالی آدم، بای آدم.

بیوگراف biyogerāf: [فر]
یاشاییش حالی یازیان، ترجمه حالی

یازیان، یازیجی.
بیوگرافی tbiyogerāfi: [فر]

یاشاییش حال، ترجمه حال.
بیولوژی biyoloži: ا. [فر] علمی

یاشاییش، دیری جاندارلار باراسیندا
بحث ادیان علم.

بیوه biwe: ص. آری اؤلن عیال، دؤل
عیال.

بی همتا bi-hamtā: ص. تئای سیز،
یالنگیز، سینگیگر، تایی بۆلمادیق.

بیهوده bihude: ص. باطل، پۇچ،
بیدرک، پیداسیز.

بییهوش bi-huš: ص. مر. هوش سیز،
سنگسه، دوشنوک سیز، آنگ سیز.



پ pe: فارسی الیپسی سى نینگ

اوچنجى حرفى، ابجد حسابىندى (۲)،

بو حرف عرب دىلىندە يۇق.

پا pā: (= پاى) ۱. آياق.

پا انداز pā-andāz: ۱. مر. آياق آستا

اوقلانان، آياق آستا اوقلانان دوشك.

پا پيا pā-be-pa: ق. همرا، يولى بىر، بىر

آردىم آزالىقدا، يولداش، تىركشمە.

پا پيا كردن pā-be-pā-kardan:

م.ص. حسابدارى آدالغاسىندە،

آلفىنىكى باشغا بىرى نىنگ آلفىسى

بىلە دنگلە مك و قبول اتمك.

پا برجا pā-barjā: ص. مر. برک، قايم،

ماكام، پوختا، دوروملى، سارسماز.

پا برچىن pābar-čin: ق. م. آستا

بىرھىل يۇواشلىق بىلن آياق باسماق

پا برھنە pā-berahne: ص. مر. آياق

يالانگ، آياق يالانگاچ، كۇوش سىز.

پا بست pā-bast: (= پاى بست) ۱. ص.

آياق باغلى، دانگىلىنى، آياغى

دانگىلىلى، ايشە ھۇسى بۇلما دىق.

پا بلند pā-boland: ص. مر. آياغى



پابند



پاجو

پایچ pā-piç: ۱. مر. آياغا يعنى
اينجيگه اوزاليان دۇلاق.

پاپيون pāpiyun: ۱. [فر] ۱. كېلەك،
شاھپەر، ۲. پوكولينگ و كراواتينگ
بىر گۇرۇشى.

پاپيون tpāpiyun: [فر] ماييمينگ
بىر گۇرۇشى هيلى، ماييمين.

پاتريس pātris: ۱. [فر] روم
امپراطورلارينگ مصلحتچىسى-
نينگ مخصوص آدى و لاقامى.

پاتۇق pātuq: ۱. مر. علم جايى، بايداق
تيكىلىپ تۇرۇرگىنە اويشوليان يىر
بىللى وقت يىغنائىليان جايى.

پاجوش pā-juš: ۱. مر. آغاجينگ
قابداليندان اوزياشينا چىقايان شاخا،
اوسونتگىسى، بچەلمەسى.

پاچال pā-čāl: ۱. مر. ۱. اۋى، قۇرپ،
اولى چوقور، ۲. دكانچىلرينگ دكاندا
دوروپ زات ساتيان يىرى.

پاچراغ pā-čeraq: ۱. مر. چراغ يىرى،
مسجدلرده چراغ اوتور دىليان جايى،
چرا جايى.

پاچه pāče: ۱. بيشيريلن آياق، دابانندان
ديزا چنلى.

پاد pād: ۱. ۱. ساقلاو، قازاويل،
قازاويللىق ۲. تخت معنى ده.

پاد pād: ۱. اولى، بىيىك.

اوزين، آياغى اوزين حيوان، ديه آت
قاتير يالى.

پابند pā-band: ۱. ص. ۱. دوشاق،
كوسسگ، حيوانلارينگ آياغىنى
باغلانيان يوپ، آياغ باغ ۲. الى باغلى،
يا بىر زادا علاقەسى بولان پاى بند و
پايوند و پاوند هم دييلىپدير.

پابوس pā-bus: ۱. مـص. آياقدان
اوپىمك، آياقدان اوغشاماق،
بىرى نينگ آياغنا يىقىلماق، زيارت
اتمك.

پاپ pāp: ۱. مر. قاقا، رومده ياشايان
كاتولىك مذهبىنگ رهبرى، باشىلغى.
پاپا pāpā: ۱. [فر] داده، آتا.

پاپاخ pāpāx: ۱. درى پاپاغيىنگ
اولوسى، پاپاق.

پاپك pāpak: ۱. بابك، كيجى داده.
پاپوش pā-puš: ۱. مر. ۱. كۆۋۈش، آياق

قاب، ۲. گوچمه معنىده، بىرى نينگ
دوشمانلىقدان غارالاب ترسىنه
پرونده دوغورلاپ دوزاغا دوشورمك
قصدينده بولان، آزار يىتيرمك
قصديندا بولماق.

پاپى pā-pey: ۱. مر. ايزىندان گىتمك.
پاپى بودن pā-pey budan: بىر
ايشىنگ ايزىنده بۇلماق، بىر ايشى
ايزارلاماق.

پادار pā-dār: ص. مر. برک، قایم،

پوختا، باقی، برقرار.

پاداش pā-dāš: ا. مزد، اجیر، قاتانج،

آقلیق، یاغشی یامان ادیان ایشینگ

اجری.

پادرختی pā-deraxt-i: ص. مر. آغاچ

باشیندان یره دوکولیان ایمیش، میوه.

پادرد pā-dard: ا. مر. آیاق آغیری.

پادرهوا pā-dar-hwā: ص. مر. ۱.

ارمک ادیلن ایش، اساس سیز ایش ۲.

یالان سوز، اوغور سیز پوچ گپ.

پادزهر pād-zahr: ا. آوی زهرینگ

قارشى سی، آوینگ ترسینه بولان،

آوی نینگ ترسینه یورپیان نارسه.

پادشاه pādešāh: ا. ص. حاکم،

بویروقچی، سلطان، یورت ایه سی،

تاج تختینگ ایه سی.

پادگان pādegān: ا. ساقلاو،

سربازلارینگ ساقلاولیق ادیپ

دوینه یان یری، مکانی.

پادو pādu: ا. ص. شاگرد، یورتاویل،

خدمتکار، قوللوقچی، یوموش اوغلان.

پاده pāde: ا. سورى، مال سورى سی.

پاده بان pāde-bān: ا. ص. چوپان،

ساقچی، پاسبان دیپ-ده آیدیلیار.

پار pār: ق. گچن بیل، اوتن بیل.

پار pār: ص. مخفف پاره: کؤنه اسگی،

بۆلک ماتا.

پار tpār: رشوه، پول دیر یا مال، بيله

حقى ناحق اتمک اوچین قاضا

بریلیان پاره.

پارا pārā: ا. مر. بریلیان پاره.

پارابلوم tpārāblom: [فر] بيله

باغلانیاں کیچی یاراغ، موززیر.

پارازیت pārazit: ا. [فر] ۱. آیری

آدملارینگ گیرده جی سینه یعنی

پولی بیلن گذران ادیان مفتخورلار ۲.

آدمینگ اندامی نینگ ایچی داشیندا

یاشاپ اوندان اییمیتلنیاں جانلی و

قالییرسه-ده الکترو مغناطیس

گویجی بیلن دؤره یان سس.

پاراف pāraf: ا. [فر] قیسفا قول

چکمه، کیچی امضا، کیچی قول

چکمه.

پارافین pārafīn: ا. [فر] موم یالی

نارسه آق بلوریالی ایس سیز طغام

سیز نفتینگ آغیر یاغلاریندان اله

گلیب بیر ناچا درمانلار و

زینتلیکلره گرکلیکلر، شمع

یاسالیان یرلرده اوندان پیدالانیلیار.

پارا گراف pāregraf: ا. [فر] بو بیر

بولک، بیر پارا کتابدان یا باشغا

یازغى دان، کیچی بۆلک یا باشغا

یازغیدان سؤنگ شولار یالی §

علامت.

یر، کوپینگ گزهلنج و سیرادیان
جایی.

پارک pārk: ۱. [انگ] ماشین لارینگ
دورالغا یری، ماشین لارینگ دوینه یان
مکانی.

پارکینگ parking: ۱. [انگ]
ماشین لارینگ دوینه یان یری، ماشین
پارک ادیلیان قویولیان مکانی.

پارلمان pārlemān: ۱. [فر] ۱.
مشروطه و جمهوری یوژت لارینگ
ملتی نینگ وکیل لری نینگ یوژته
قانون لارینی بیر آغیزدان ماقوللاپ
دوزگونلشدیریان یری ۲. دولتینگ
ایشینه یتشیکلیک ادیان، یری،
شیله ده ایرانینگ میلیسی
(مجلسی) شورای اسلامی دیر.

پارو pārū: (=پاروب) ۱. مر. کورک،
حاورى، چاپا منگزش نارسا، اؤنؤنگ
بیله سوده قایق، تایمیل دوممال یالی
گامینی سورولیار.

پاره pāre: ص. بؤلک، پارچا،
بیرزادینگ بوله گی، اگین اشیکه
سالینیان یاما.

پاره pāre: سال سال، یرتیق ایریک.
پاره پوره pāre-pure: ساللام ساجام.
پاره دوز pāre-duz: ص. فا. یاماچى،
کؤووش دیر اگین اشیک یالی زادی

پارت pārt: ۱. اوچوجی قوشلارینگ
بیر گورنوشی، اتی حلال قوش. اولی
یعنی کاکلیک یالی چونتی اوزین
اونگا چونتی اوزین هم دیییلیار.

پارتی pārti: ۱. [فر] بولک، تیکه،
دسته، ضرب، حمایتچی، جانبکش.
پارتی pārti: ص. ن. پارتا باغلی بولان،
پارت دیلی، قدیم اشکانی لارینگ
رسمی دیلی.

پارتیزان pārtizān: ۱. [فر] جانبکش،
طرفدار، سرباز، چریک، حمایتچی.

پارچ pārc: ۱. سوو ایچیلیان قاب،
کوروشگه، جونگول، چلک مارداق.

پارچه pārcē: ۱. بؤلک، تیکه، متا، اگین
اشیک تیکیلیان ماتا.

پارس pārs: ۱. ایتینگ هاولاماسی،
ایتینگ اویرماسی.

پارس pārs: ۱. ایرانی لارینگ قومی،
گون اورتا طرفیندا یاشایان
آدملارینگ آدی، فارس.

پارسا pārsā: (=پارسای) ص. زاهد،
تانگرینی تانیجی، تقوا خدایلیق لی،
خدایینگ قوللووغینداکی آدم.

پارسال pārsāl: ق. بیلدیر، گچن ییل،
اوتن ییل.

پارک pārk: ۱. [فر] کوپ باغ باغچه لی

پاسخ pāsox: ۱. جواب، جو غاپ،
قایتارغی.

پاسدار t:pāsdār: ص. قاراویل،
ساقچی.

پاسداری pāsdār-i: ساقچی لیک،
ایدگلیک.

پاسگاه pāsgāh: ۱. مر. ساق لیک
ادیلیان جای، یاسبانلارینگ جای،
نظامی مامورلارینگ و ساقچی لیک
ادیان یری.

پاسنگ pāsang: ۱. پارسنگ، میزان
ترهزی نینگ داشی.

پاشکسته pā-šekaste: ص. مر. ۱.
آیاغی دؤوۆلن، آیاغی دؤوۆک ۲.
کنایه سؤزۆندن: یاراماز، عاجز، عجیز
و یردن قالا بیلمه یان.

پاشنه pāšne: ۱. اوکچه.

پاشنه کش pāšnekeš: ۱. مر. کؤوۆش
گیمک اوچین اولانیلیان قۇرال.

پاشیدن pāšidan: ص. پیتراتماق،
سپمک، ساچماق، داغیتماق.

پافشاری pā-fešari: ۱. دورنوقلی لیک،
جیداملی لیک، آیاق دیره بییش،
کپینگده برگ دورماق لیک، آیاق
دیره مک.

پاک pāk: ص. ۱. آراسسا، آریغ،
هافالانما دیک، بولاشما دیک، ۲.

یامایان آدم.

پازند t:pāzand: زندی لرینگ

کتابی نینگ تفسیری، ترجمه بولانی.

پازند t:pāzand: ۱. یکی آغاجینگ بیر
بیرینه سویکاب چاقیشدیریپ
یا قماق، اود چاقماق.

پاس pās: ۱. ساقچی لیک،
ساقلاماقلیق ۲. پارچا، بۆلک یا گیجه
و گوندیزینگ بیر بوله کی.

پاسارگاد pāsārgād (= بازارگاد) ۱.
قدیم دؤویرده هخامنشی لرینگ
پایتختی.

پاسارگاد pāsārgād: ۱. پارسیان ادلی
شهر، اول هخامنشی لارینگ قادیم
پایتختی.

پاساژ pāsāž: ۱. مر. بازارچا، اوتلگه،
گذرگاه، تیمچه، گچیت، اوتوک.

پاسبان t:pāsbān: ص. قراویل،
ساقچی، شهر ساقلا یجی سی نظمیه
اداره سنینگ ماموری.

پاسپورت t:pāsport: [فر] تذکره،
باش بیلیت، گذرنامه.

پاستوریزه pāsturize: [فر] علمی
اصول بیلن سویت و ش.م نارسه نی
اونگات قاینادیب زیانلی میکرب
لرینی علمی اصول بیلن یوق ادیلمه
و ادیلمک.

خدای لیلی، دوغروچیل، پاکان جمع.
پاک pāk: ۱. [فر] پاک آدلی عید،
یهودی لرینگ هر ییلدا مصردن جدا
و اوز باشداق بؤلماغی اوچین توتیان
عیدی و بایرامی.

پاکت pākat: ۱. [فر] کاغذدن بوقجا،
مقوادان و کاغذدان بجرلن کاغذ
بوقجاسی، پاکت.

پاک تن pāktan: ص. فر. ۱. اگنی
آراسسالیق، آراسسا انداملی ۲.
نجیب.

پاکدامن pāk-dāman: ص. فر. نجیب،
نامیسلی، نامیس جانگ، شرفلی،
اتهگی پاک بولان.

پاکدل pāk-del: ص. فر. یورکی
کینه سیز، آق یورک، یورک گونگلی
آچیق، حیلہ سی بؤلما دیق.

پاکردن pā kardan: مص. م. کزووش
دیر و اگین-اشیک جولبار یالی گیمی
آباغا گیمک.

پاکروان pāk-rawān: ص. مر.
یورگی کونگلی آچیق آراسسا
اصیل زادا، تویس آتاسی نینگ دولی
بولان.

پاک سرشت pāk-serešt: ص. مر.
یاغشی، آراسسا، اصل زادا و اونگات
قیلیقلی، طریقت و مذهب یولوندا

یوقار درجده بولان، زانتلی.

پاک طینت pāk-tinat: ص. مر.
یاغشی زانتلی، اونگات قیلیقلی،
کونگلی آچیق، قاوی قیلیقلی،
آراسسا، پاک.

پاک نژاد pāk-nežād: ص. فر.
اصللی، تویس آتاسی نینگ دولی
بولان، اصل زادا.

پاک نویس pāk-newis: ۱. [فر] ایلکی
یازیلان یازغی نینگ یوزوندن ایکیلپ
آراسسا یالنکیش سیز یازماق.

پاک نهاد pāk-nahād: ص. مر. قاوی
قیلیقلی، اونگات پاللی، کونگلی
آچیق، اصل زادا.

پاکوفتن pā-kuftan: مص. ل. آباق
اورماق، اویون اوینا ماقلیق.

پاککی t:pāk-i: مص. آراسسالیق.

پاکیزه pākize: ص. پاک و آراسسا،
بولاشیق سیز، گول یالی آراسسا
بولان، پاکیزه.

پالاس pālās: (= پلاس) ۱. پالاس.

پالان pālan: ۱. پالان، مالینگ آرقاسینا
مینمک و یوک اورماق اوچین
قویولیان نارسه.

پالان دوز pālan-duz: ا. ص. پالان
تیکیان آدم، پالان تیکجی.

پالانه pālāne: ۱. حوت، اوستی



پاک

اورتگولی، قافی نینگ دغه سی، اوستی
باسیرغیلی، چار دیواری،
باسسانجاغینگ اوستی.

پالایش pālāyesh: ۱. مصص.
آراسسالاماق، تمیزله مک، نفت
آراسسالایان دستگاه و زاوود.

پالایشگاه pālāyesh-gāh: ص. مر. نفت
آراسسالان زاوود، نفت تصفیه
خانه سی.

پالتو paltu: ۱. مر. اوزین قیش اشیکی،
پالتون.

پالوده pālude: ۱. بوز یا قار و نشاسته
و شکر بیلن یوغوریپ بجریلیان
ساویق سویجی نارسه.

پالیز pāliz: ۱. باغ باغچه، بوستان، خیار،
قاوون، قاریز اکیلن یر.

پالیزبان pāliz-bān: ۱. باغ بوستان
ساقچی سی، گوک اکین اکیان
دایخان، تایخان.

پامال pā-māl: (= پایمال) ص. مھ آیاق
آستیندا دغه له نن، آیاق آستیندا قالان.

پامال شدن pāmāl šodan: (=)
پایمال شدن) مص. ل. آیاق آستیندا
دغه لنمک.

پامچال pāmčal: ۱. نوروز گل.

پاندا pāndā: ۱. [فر] اولولینی پیشیک
یالی خرسا-آیا منگزش حیوان.

پانزده pānzdah: ۱. اؤن باش (۱۵).

پانسمان pānsemān: ۱. [فر] یاپی
یارادیروباشی یوویب آراسسالاب
مرهم اتمک، یارانی درمان ادیب
دانگماق، ساراماق دانگماق.

پانسیون pānsiyon: ۱. [فر]
میهمانخانه ده و آیری بیر یردن بیری
مسکن توتوپ، اییمیت و اتاق
کرایه سینی آی به آی بریلمه لی
ادیلن.

پانصد pānsad: ۱. باش یوز

پانی pāni: ۱. سوو.

پاورچین pā-war-čin: ق. باسایین
می باسمایین می دییپ آستا
یوریمه گینگ بیر گورنوشی.

پاورقی pā-waraqı: ص. کتاب دیر یا
گونده لیک و آی ده بیر گزگ چیقیان
مجله نینگ آشاغیندا توضیح بریب
یعنی دوشوندیریش بریب یازیلیان
یازغی، صحیفه اته گی.

پایاب pā-yāb: ۱. مر. سوو دویبی،
سوو اته گی.

پایاب pāyāb: ۱. مر. طاقت، جیدام،
قوجورلی لیق، دوریم لی لیق،
ادرمن لیک.

پایاپای pā-ya-pāy: ق. آتمان تابار،
مال بیله مال سودا اتمک، باشاباش.



لتو



لسا

پایان pāyān: ا. آخر، سونگی، ایزی.

پایان نامه pāyān-nāme: ا. [فر]

دکترلیک رساله سی، تز.

پای برهنه pāy-berahne: ص. فر.

آیاق یالانگ، آیاق یالانگاچ، کوووش سیز.

پای بریده pāy-boride: ص. مر.

آیاغی کسک، آیاغی کسین.

پای بسته pāy-baste: آیاغی

دانگنیل، آیاغی باغلی.

پای بند pāy-band: ا. ص. آیاق باغ،

یوب، آیاق یوفی، مالینگ آیاغینی باغلانین دوشاق.

پایتخت pāy-taxt: ا. [فر] بیر

یوردونگ رهبری نینگ یعنی باشلیغی نینگ یاشایان شهری و بولیان یری.

پایدار pāy-dār: ص. فا. همیشه لیک،

برک میداملیق، باقی، ماکام، دۇرنۇقلی.

پایدارى pāy-dār-i: برکلی لیک،

یوختالیق، دۇرنۇقلی لیق.

پایکوبی pāy-kub-i: ا. مص. آیاق

اورماق، آیاق دپک، اویون اویناماق.

پایگاه pāy-gāh: ا. مر. مکان، جا،

مرنبه، درگاه، بوساغا، ایشیک، اورون مقام.

پایمال pāy-māl: ص. مف. دفته نین،

آیاق آستیندا آورانان، آیاق آستیندا قالان.

پایمرد pāy-mard: ا. ص. قولدا یجی،

هارای یتیرن، مدد یتیریجی.

پاینداز pāy-andāz: آیاغ آشاغا

آتیلیان زات.

پایندان pāyandān: ا. کوووش

چیقاریلیان ایشیک، غرامت کش.

پایندان pāyandān: ا. ص. ضامن،

کفیل، آراچی.

پاینده pāyande: ص. فا. همیشه لیک،

ابدی لیک، ماکام، برک، باقی.

پایه pāye: ا. اساس، فوندامنت، دوپ،

باسسانجاق، هرزادینگ دوپ پایه سیء درجه.

پاییدن pāyidan: مص. م. قاراماق،

باقماق، سراتمک، سره صاف بۇلماق.

پاییز pāyiz: (= پاییزه) ا. گویز، گویز

فصلی، خزان اوروپ یاپراق دوکولیان چاغی.

پایین pāyin: (= پائین) ص. ن. آشاق،

اتک، آست.

پتروشیمی petrošimi: ا. مر. [فر]

شیمیایی عمل لری بیلن چیگ نفت و طبیعی گاز صنعتیندن آلنایان اونوم لر.

پتک potk: ا. اولی چکیش، هوتدیک.

پتک patak: ۱. چوپانلارینگ دؤلاغی،

نوار، اینلی نوار.

پتو pataw: گونش، گونه‌ی، گون

دوشیان یر، یان، طرف.

پتو patu: ۱. آدیبول، اوسته اورتمه‌گه

پیدالانیلیان نارسه.

پتیاره patyāre: ۱. ص. آفت، بلا، یارامان،

ارید ایش ادیان عیال، اربت مخلوق.

پتيله patile: ۱. پلته.

پخت poxt: ۱. مص. بیشدی،

بیشیردی.

پخت paxt: ص. ۱. یایرایش، پیتراتما،

یایراتما.

پخت paxt: ۱. اگین اشیکه باغلی،

بولان اگین اشیکه دگیشلی.

پخت poxt: ۱. ص. (= پَخ) قابدال،

انگرگی بولمادیق، یتتی یری

بولمادیق.

پختن poxtan: مص. م. بیشیرمک،

یانماق، کویمک و اورتنمک.

پختو poxtu: ۱. نگا. پُشتو.

پخته poxte: ص. بیشن، تایین بولان.

پخته poxte: ص. بیشیرگیلی، بیشن

میوه، بیشگیلی زادا باغلی.

پخش paxš: ص. یایراتما، پیتراتما،

داغیتما.

پخش کردن paxš kardan: یایراتماق،

پیتراتماق، یایماق.

پخمه paxme: ص. عقلی و

دوشونجه‌سی آز بولان، هوش‌سیز، نادان.

پداگوژی pedāguži: ۱. [فر] چاغالارا

علم بیلیم تربیه بریجی یولی،

معلم‌چی لیغینگ اصولی و فنی یولی.

پدال pedāl: ۱. [فر] رکاب، اوزنگی.

پدر pedar: ۱. داده، آتا، آقاه قاقا

پدرام pedram: ص. شادیان، گوزل

لاشن، بزه‌لن.

پدرانه pedarnāne: ق. ص آتا

منگزش، آتا یالی.

پدراندر pedar-andar: ۱. اووه‌ی آتا،

آتانگ یرینه قالان آدم، آتالیق ادیان.

پدربزرگ pedar-bozorg: ۱. م دادنگ

داده‌سی، قاقا.

پدرخوانده pedar-xānde: ص. مر. آتا

یرینه قبول ادیلن، آتالیق.

پدردار pedar-dār: ص. ق ۱. آتاسی

بار بولان، ۲. کنایه سوزی، نجیب،

تویس، اصللی.

پدرزن pedar-zan: ۱. مر. قایین آتا،

عیالینگ داده‌سی.

پدرمرده pedar-morde: آتاسی اولن

چاغا، یتیم چاغا، آتاسیز.

پدید padid: ص. آچیق، آیدینگ،

عیان، بللی، آشکار.

پدید آمدن padid āmadan: مص.ل.

آنیق بۆلن، بللی بۆلن، دۆران، یوزه
چیقان.

پدیدار padid-ār: ص.مر.آشکار، آنیق،

آیدینگ اتمه، ظاهر اتمه.

پذیرا pazirā: ص.فا. قبول ادیجی،

قارشى آلیجی، قارشى آلماق.

پذیرایی pazirāyi: حامص.

میهمان قبول اتمک، قوللیق اتمک،

خدمت اتمک، سیلاماق، حرمت

اتمک.

پذیرش pazireš: مص. قبول لانما،

قبول، حالانیش، قبول ادیش.

پذیرفتن paziroftan: مص.م. قبول

اتمک، حالاماق، بۆیؤن آلماق.

پر par: یلک، قانات قوش و ش.م.

یله گی.

پر por: ص.دولی، پره پر، دوب دولی،

قیرمه قیراد.

پرآب por-āb: ص.مر.سوودن دولی،

سوولی، سوولی میوه.

پرآفت por-āfat: ص.مر.کوپ

امگکی، قاتی دردلی آفتلی، اؤران

کسللی، کسللی کوپ بۆلن.

پرآوازه por-āwaze: ص.آدلی،

مشهور، شهرتلی، بنام، دارابالی.

پراکندن parākandan: ص.م.

چاشیرماق، پیتراتماق، یایراتماق.

پراکنده parākande: ا.مف. یایرانگ،

چاشغین، یایغین، داغینیق، پیترانگ.

پرانتر par-āntez: ا.فر[قوشا دیرناق،

سۆزلرینگ ایکی طرفیندا شونونگ

یالی () آچیپ قویماق.

پرانندن parāndan: (= پرانیدن)

مص.م. اوچورماق، تاشلاماق،

زینگماق.

پر باد por-bād: ص.مر.۱. یلدن دولی

بۆلن، یللی، چیشگین ۲. کنایه:

تکبرلی آدم، منلیکلی آدم.

پر بار par-bār: (= فروار) جایینگ

دفعه سی، تومیس جای.

پر بار por-bar: ط.مر.کوپ میوه لی

آغاچ، کان ایمیش بریان باغ، کوپ

حاصل بریان آغاچ.

پربرکت por-barakat: برکتلی، کوپ

نعمتلی، حاصللی، اونومی اؤران

کوپ بۆلن.

پر بهاء por-bahā: ص.مر.دگرلی،

بهالی، قیمتلی.

پرت port: ا.فر[بندن گامی لرینگ

سوده دورالغا یری، گامی لرینگ یوک

دوشوریب یوکله یان یری.

پرت part: ا.داشا ساا، کنار، داش



قیرا، ساوا.

پرتاب par-tāb: ا. مص.، اوقلاما،
زینگما، تاشلاما.پرتاب شدن partāb šodan: مص. ل.
یوقاردان اته‌گه قاچماق، باش آشاق
قایتماق، ایرغیماق.پرتاب کردن partāb kardan: مص. ل.
اوقلاما، تاشلانا، داشا
زینگماق.پرتغال t: portoqāl: پورتیغال.
پرت کردن part kardan: مص. م.
اوقلاما، تاشلاما، یوقاردان آشاق
بسیر زادی و یا بسیرینی زینگماق،
تاشلاما.پرتگاه part-gāh: ا. م. اوچیت، قایا،
دره‌نینگ قیراسی، کرت.پرتو par-taw: ا. پارلاق، قویاش،
یاغتی‌لیق، نور چاییلما، گونش
نورینی ساچما، شعله یالقیم ساچما.
پرتوافکن partaw-afkan: یاغتی
سالیان، ایشغالانگ بریان، نور
سالیان.پرتویلا t: part-o-palā: ص. بولار
بؤلماز کپ، یاراماز گپ، بی‌معنی گپ.
پرتمر por-samar: ص. مر. [فاع] کوپ
میوه‌لی، کان ایمیшли، کوپ

حاصل‌لی، کوپ پیدالی، ثمرلی.

پرجاذبه por-jāzebe: ص. مر.
چکیمی‌راک، دارتیمی‌راک، اوزینه
چکيجی‌راک.پرجرات por-jor'at: ص. مر.
قوجورلی‌راک، باتیرراک، غیراتلی‌راک.پرجانه por-čāne: ص. مر. کوپ
گورله‌ویک، ساقیرداویق، لاوزا، قایزا.
پرچم t: par-čam: بایداق، یالاو، توغ.پرچین t: par-čin: تیکنلی شاخادان،
چیبیق‌دان ادیلن چپر، آیللو، مال
قارادان قوریماق اوچین، باغ دیر
حیاطینگ داشینا اوریلیان آیللوچا.
پُرچین por-čin: ص. مر. ییغیرینی
کوپ بۇلان، تاوانچا بولان.پرحاصل por-hāsel: ص. مر. کوپ
حاصل‌لی، ایمیшли کوپ بریان آغاچ.
پرحرارت por-harārat: ص. مر.
قیزقین‌لی، ارجل، ایشنگر، قالجانگ،
فعال، قیزیق‌لی.پرحرف por-harf: ص. مر.
ساقیرداویق، لاوزا، یانگرا.پرحوصله por-hawsele: ص. مر.
جیداملی‌راک، اوران صبرلی، قاتی
دوریم‌لی.

پرخاش par-xāš: ا. مص. قینگرالما،



قاهازلانما، جدل لشمک، پاییش سوز
آیتما، چکه لشمه.

پرخاش کردن parxāš kardan:

مص. م. قاهازلانماق، سوومک.

پرخارج por-xarj: ص. مر. کوپ

چیقداجلی بۆلان، خرجی کوپ
بولان.

پرخروش por-xoruš: غوغالی،

جنجاللی، قیقلیقلی.

پرخور por-xor: ص. فا. داماقچی،

ایه جن.

پرداخت کردن pardāxt kardan:

مص. م. ۱. توله مک، بیرینه پول

برمک، ۲. ییلدیراتماق.

پرداختن pardāxtan: مص. م.

ییلدیراتماق، بزه مک، یرینه یتیرمک.

پردرآمد tpor-dar-āmad: اوران

پیدالی، قاتی نپلی، کوپ

گیرده جلی.

پردرد por-dard: ص. مر. قاتی دردلی،

بتر ایزالی، اوران اونجلی، قاتی

آغیرلی.

پردل por-del: ص. مر. یورکلی،

قوجورلی، ادرمن، غیراتلی،

قورقمازاق، باتیر.

پردوام por-dawām: ص. مر. قاتی

برک، اوران پوغتا، قاتی دۇرۇملى،

کوپ دواملى، دورنوقلى.

پرده parde: توتی، گیردک، پرده.

پرده parde: چادر، یوز اورتگی،

پنجارا قارا توتولیان پارچا.

پردیس pardis: ۱. باغ بوستان، کوک

باغلی یر، باغلیق یر.

پرزنگ por-rang: ص. مر. قویی

رنگ، قارا یاقین رنگ.

پررو por-ru: ص. مر. حیا سیز،

اوتانچ سیز، اویات سیز، سووؤمسیز،

هاییار.

پرزحمت por-zahmat: [فاع] قاتی

زحمتلی، قاتی مشقتلی، قاتی

چتین، کلچیک، کأس.

پرزور por-zur: ص. مر. اوران

گوپچلی، اوران قواتلی، قاتی ادرمن،

اوران باتیر.

پرزیدنت tperzidant: [فر] بیر

یوردۇنگ جمهوری باشلیغی.

پُرس tpors: [فر] بیر آدملیق اییمیت.

پرس tpères: [فر] زاوود و

کارخانه لاردا قیسیج، دستگاه منگنه،

کاغذدیر پامیق یالی زادی دانگیپ،

قیسماغی بیلن پرس ادیلیمک عملی.

پرس pars: ۱. پرده، اورتگی، حجاب.

پرسش pors-eš: ا. مص. سوراغ،
سوراما.

پرستل personel: ا. [فر] شخصی،
خصوصی، شخصیتہ باغلی،
ایشکارلرینگ همه سی باری یوغی،
کارگزینی.

پرسه porse: ا. مص. عیادت،
بیرینینگ یاغداینی سوراماق، ناساغ
آدمینگ یاغداینی سوراماق.

پرسه زدن parse zadan: مص. ل.
گزنج اتمه، سیل اتمه، گردش اتمه.
پرسیدن porsidan: مص. م. سوراماق،
خبر آماق، ایزینا یتمک.

پرش pareš: ا. مص. تاویسماق،
بوکمک، زینگماق، ارغیماق.

پرشدن por šodan: مص. ل. دولماق،
پره پر بولماق، قیرمه-قیرات دولماق.

پرشور por-šur: ص. مر. غوغالی،
قیزغینلی، قاتی تولقوندیریجی،
شوقلی بولان، قیزیقلی.

پر تراوت por-tarawat: ص. مر.
قاتی ترجمه، تازهجه.

پر طمع por-tama: ص. مر. طاماسی
کوپ بولان، اوران طاماکین، حانطاما.

پرفراژ perforāž: [فر] کاغذی
آنگساتلیق بیلن بلله نن یردن

پرس pers: (=پرسیا) ا. ایران
یوردی نینگ آدینی ایلکی اروپایی لار
شو آد بیلن تانییان اکن لر.

پُرسان porsān: ص. فا. سوراما
سوراما، اوندان موندان سورا

پرسانتاژ porsantāž: [فر] یوزه
بیرزادشرط اتمه، یوزه بیر ناچاسینی
آلماغا یا برماگه قرار اتمه، سودادا
یوزه بیر ناچا قرار ادیلن حق، یوزه بیر
زات بریلمه لی ادیلن شرط نامه.

پرستار parastār: ا. ص. ایسیدیجی،
ایندگیجی، قۇللۇقچی، خدمتکار،
ناساغ لارا کسل خانه ده خدمت ادیان
آدم.

پرستاری parastār-i: ایشی عملی
پرستارلیق، پرستارلیق بیلن
قیزیقلانیان ایشکار.

پرستش parasteš: مص. سیغینما،
چوقونما.

پرستشگاه parasteš-gāh: عبادتگاه،
خدای تعالی نینگ امرینی برجای
ادیلیان یر.

پرستو paras-tu: ا. قارلاواچ.

پرستیدن parastidan: مص. م.
بنده لیک اتمک، عبادت اتمک، خدمت
اتمک، قاتی دوست گورمک.

بیرتماق اوچین یۇرتتە آبزال بیلن
دشمک.

پرفسور tporofesor. [فر] معلم،
دانشمند، یۇقار مکتب
مدرسەسی نینگ استادی.

پرک tparak. ۱. کیچی قانات، کیچی
یاپراق، ۲. جیغا.

پرک perk: ۱. قاباق.

پرک tparak. سهیل بیلدیزی.

پرکار por-kār: ص. مر. ۱. ایشنگر،

آرمان یادامان ایشلەیان، ارجل ۲.

نقاشی تابلو و نقش نگار بارادا
ارجل لیگی بولماق.

پرکردن por kardan: ص. م.

دولدورماق، بیر نارسانی بیر قابدان

آلیپ آیری بیر قابا قویۇپ دولدورماق.

پرکنده par-kande: ص. م. ۱.

یلەگی اوتیلن، اوتگیلی، تاوویق قوش

۲. کنایە سوزوندن: عاجیز، یاراماز

معنی لردە.

پرکنده tpar-kande. م. پیترانگ،

چاشغین، سلچنگ.

پرگار pargār: ۱. هندسە

حسابادگیشلی قورال، تگلک چیزیق

چکمک اوچین اولانیلیان آبزال.

پرگرام porogrām: ۱. [فر] برنامه،

تاسلاما، ادیلمەلی ایشلرینگ
ترتیبب دوزگونى.

پرمان par-man: ۱. فرمان، بۇیۇق،
امر.

پرمايه por-māye: ص. مر. ۱. مایالی،

بهالی، قمتلی ۲. قاتی دانا حرمتلی
سیلاغلی آدم.

پرندە par-ande: ۱. اوچوجی قوشلار،

هوادا اوچیانلار تۇپاریندن، پرنندگان
جمع.

پرندە شکاری parande-ye-šekāri:

تۇر قۇش، یابانی قوش.

پرنسس peranses: ۱. [فر] شاهزاده

خانم، پادشاه قیزی، پادشاه خاتینی.

پرنگ parng: ۱. جوهر قیلچ،

جوهرلی تیغ، قیلجینگ

یالپیلداغی.

پرنیان tparniyān. ابنجه یۇمشاق

یوپک، قاتی لطیف نفیس یۇمشاق

گللی یوپک ماتا.

پروا parwā: صبر و قرار، آلا،

جیداملی، قورقی، اورکی، چکینمه.

بی پروا: قورقی سیز، اورکی سیز،

قرار سیز.

پروار parwār: ص. سمیز، قویون دیر

سیغیری باغا دا قیپ سمریتمه.

مسیح دینی نینگ بیر بۆلومی، اولار روحانی باشلیغی پایا عقیده لری یوق بۆلمالی.

پروتکل tporotokol: [فر]

میلیسینگ سیاسی کپله شی، گینگ صورتی. رسمی شرط نامه لار، اونگدن یازیلیان شرط نامانینگ صورت جلسه سی، اول صورت جلسه اونگا اساس بولوپ پیمان صورتده یوزه چیقیار.

پروردگار parward-e-gār: ص. فا.

تربیه لیجی، تربیه بریجی، الله تبارک و تعالی نینگ بیر آدی.

پروردن parwar-dan: ص. م.

اکله مک، ساقلاماق، سمیرتمک، تربیه لمک، تاییارلاماق.

پرورش parwar-eš: ص. ۱. تربیه،

اکله مه عملی، ۲. خدمت اتمک لیک،

خورش و ایمیت معنیده هم آلینار.

پرورشگاه parwar-eš-gāh: تربیه

جایی، اکلاتیان مکان، چاغلاری اکلاب

ساقلاتیان جای، اؤنگ دارالتربیه

دییلیاردی.

پروژن tpar-wazan: ص. ورزش

آدالغاسینده، ورزش چیلرینگ

اندامی نینگ آغرامی ۵۶ کیلو

پرواز tparwāz: ص. قانات آچما،

قوشونگ قانات آچماغی.

پرواز کردن tparwāz kardan:

اؤچماق، هوادا اؤچماق.

پروان tparwān: ۱. ابریشم، یعنی

یوپک اگریلیان دستگاه، قورال.

پروانه tparwāne: کبه لک، ماشین

دیر هواپیما نینگ پری، عموماً پرلی

زادا حاصلانیار.

پروانه tparwāne: قارا قولاق، شاغالا

منگزش بیریتجی، یابانی حیوان.

پروانه tparwāne: رخصت، اذن،

اجاره، رخصت نامه یالی زادیتگ

دراگنه اولانیلیان.

پروبال par-o-bāl: ص. مر. ۱. تاویق

دیر اوچینجی قوش لارینگ قاناتی و

یله گی، ۲. کنایه سؤزوندن گویج،

قوات، قوجور معنیده.

پروتین tporote'in: [فر] ماده نینگ

آغی، اول آق ماده، ازت بیلن یوغورلان،

بو بولسا حیوانده و اوتدا تایپیلیار اول

آیدیلشینا گؤزاً انسانینگ اندام

اعضاسینا گِرک ماده بۆلمالی.

پروتستان tporotestān: [فر]

عمومی آد، مسیحی یولونا

کؤپچولیک له بین اینانیان لار، اول

بۆلمالی.

پروژن par-wezan: قالبیر، آش

سوزگیچ یالی نارسه لر.

پروژکتور pero-žektor: [فر]

نورافکن، یاغتی دوشوریان، یاغتی لیق

بریان، یالقیم سالیان نارسه.

پروژه poro-zh: [فر] نقشه، قصد،

نیت، تاشلاما، یرینه یتملی

ایشلرینگ نقشه سی یعنی

گۆرکزمه سی.

پروستات porostat: [فر] کیچی

ماز، کلّه قند شکلینده، ارکک آدمینگ

قاسیغی نینگ آشاغیندان دۆره یار. اول

پشه و وینگ چیقیان یرینده یرلشیار،

شیله ده منی نینگ یولی هم

شؤل اوغوردان گچیار.

پروفیل porofil: [فر] بیر یوزی،

قورولیان جایینگ بیر طرفینی

گورکزیان نقشه.

پرولتاریا poroltariya: ا. [فر]

ایشچی، زحمتکش، قاتلاق لارینگ،

گونده لیک ایش حقیندان آیری

گیرده جیسی بۆلما دیق آدم لار.

پرونده parwande: فرانسه

دی لینده: دوسیه؛ بیر دانگی پارچا،

ایشچی لرینگ شای شوی سالیان

کیسه سی، بوقجانینگ ایچینده

سالنیز قویولیان، سندلر و یازغی لار.

پروین parwin: ا. اولکر ییلدیزی.

پرهیز parhiz: ا. مصر. ساقلاماق،

قاجماق، بیرایشی اتمک بۆلسۆن یا

ایمک بۆلسۆن شوندن ضرر یتمز

یالی ساقلاماق، کسللی ناساغینگ

اوزونه یازار یا یازاماز زادی ایمک لیک

یا ایمزلیک دوزگونی.

پری pari: ا. کونه ارته کی لره گورأ

اوران، گورنیکلی عیال، اول دؤوینگ

قاپما قارشى سی حسابلانیا،

حکات لاردن دوش گلیان جین یالی،

بیر موجود بولمالی، ۲. گوزل

عیال لاری شونگا منگزه دیلیار،

پریان جمع.

پری pari: ق. مخفف پریر، اونکی گون،

اونکی آغشام، ایکی گون یا ایکی گیجه

اؤنگ.

پری peri: [فر] پاداش، حالات،

جایزه، سرپای، بایراق، یاریش لارده یا

مدرسه لرده بریلیان حالات.

پری پیکر pari-peykar: اندامی

پرینینگ اندامی یالی بۆلان، پری

انداملی، پری بدنلی، پری سیرتلی،

پری قامتلی، گلشیکلی، آوادان.

پرچهر pari-čehr: ص. مر. پری

یوزلی، آوادان یوزلی، گوزل، کورکی

پری یالی بولما.

پریدن pari-dan: مص. ل. اۇچماق،

بوکمک، زینگماق، بوغ بۇلۇپ هوا

گیتمک.

پریدن pori-dan: مص. ل. دۇلماق،

اۆست اۆستونه ییغناماق، اۆشمک.

پرروز pari-ruz: ق. اۇنگکی گۆن،

دوین دال، اۇنگ گۆن.

پریزاد pari-zād: ص. مر. پری

چاغاسی، پری فرزندى، اوران آوادان

چاغا، پری زادگان جمع.

پریشان parišān: ص. چاشغین،

آلجرانگ، توقات، سوس، اینجالیق

سیر، قایغیلی.

پریشان حال parišān hāl: ص. مر.

[فاع] اربت یاغدایدا بولان،

آلجیرانگلیق یاغدایدا.

پریشب pari-šab: ق. اۇنگکی آغشام

ایکی گیجه اۇنگ.

پزشک pezešk: ا. ص. ناساغلارا إم و

علاج ادیان، طبیب، دکتر.

پزشکیار pezešk-yār: ص. طبیب

قولداوچیسی، کسل خانهلارده

طیبیه کمک بریان آدم.

پژمان pežmān: ص. قایغیلی، غملى،

سوس، توقات.

پژمردن pažmordan: مص. ل.

سولماق، توقاتلانماق، قایغا قالماق.

پژوهش pažuheš: او مص. بارلاغ،

بارلايش، آغتاریش.

پژوهشگر pažuheš-gar: ص. فا.

بارلاغچی، آغتاریجی، تحقیقچی.

پس pas: ق. ۱. ایز، آرقا طرف،

باغلانشیقلی سوز حکمینده اوندان

سۆنگ وینه قالیبسه دیین یالی.

پس pos: ا. اۇغۇل، چاغا.

پس افتادن pas oftādan: مص. ل.

ایزا قالماق، ایزا دوشمک، دالا

دوشمک، قالماق.

پس انداز pas-andāz: ص. ایزه

تاشلاما، تنفشیدلیلیق، پول آرتدیرما،

تیغشیتلیلیق، پول سنویشورمه

آیاولیلیق.

پساوند pas-āwand: شعرده قافیہ

معنى سینده، و یا فارسی دستورینده

بیرناچا قوشما سۆزۆندن عبارت بۇلان

کلمهنى دگیشیریان وار، بندوار و یا بان

: باغبان، دریان دیین یالی.

پس پرروز pas-pariruz: ق. مر.

ایکی گون اۇنگ، اۇنکیسی گون.

پست past: ص. قيسنا، آشاق، اتك، عجيز، ياراماز.

پست tpest: اون، بۇغداي و يا آريا اونى نىنگ قاويرغاسى، تالخانى.

پست post: ا. [فر] چاپار، ايلينگ خطنى بىر شهردن آيرى بىر شهره يتيرىان، پست، پشته.

پستان pestān: ا. گوويىس، عيال لار و اورقاچى حيوان لار ينگ چاغا دنيا ايندرنده چاغانى ايميت لنديريان امجگى، امجك، يلين.

پستانك pestānak: ا. امجگه منگزش بولان نارسه لر. ء امزيك. پستانك pestānak: ا. ايگده.

پستچی tpost-či: مـر. پست اداره سنىنگ مامورى، گلن خط لرى ايه لر ينه يتيرىان آدم.

پستخانه post-xane: ا. مـر. پست اداره سى.

پست شمردن past šomordan: مـص. م. عجيز ياراماز سايماق، اريد بيلمك، اورنوني پسه دوشورمك. پسته tpeste: پسته.

پسته زمينى tpeste-ye-zamini: اشك ماش.

پس دادن pas dādan: مـص. م. اوويريب برمك، قايتاريپ برمك.

پسر pesar: فرزند، اۇغۇل، چاغا. پسراندر tpesar-andar: اووى اۇغۇل، اوغللىق.

پس زدن pas zadan: مـص. م. ايزه اورماق، بىر زادى بىر زادينگ يوزوندن آييرماق.

پس فردا pas-farda: ق. مـر. بىرى گون.

پس گرفتن pas gereftan: بـرن زادينگ ايزينا آلماق.

پسند کردن pasand kardan: مـص. م. خالاماق، قبول اتمك، سويمك.

پسندیدن pasandidan: مـص. م. حالاماق، قبول اتمك، سويمك.

پشت pošt: ايز. آرقا، هر بىر زادينگ آرقا طرفى، آرقا يوزى، بيل بيله گرشىنگ آرايىنى، نسل.

پشت پا tpošt-e-pā: آياق يوزى، آياق اوستى.

پشت پا زدن pošt-e-pā zadan: مـحى. م. كنايه سوزوندن: ترك اتمك، يوز اوويرمك، يوز دوندرمك، ايسله مزليک، آرانى آچماق، سوزدن دانمك.

پشت پرده pošt-e-parde: قابات دا كنايه سۆزى، ياشيرين گوز اۇنگوندن

داشدا بۇليان زاتلار.

پشت رو tpošt-e-ru. چووره.

پشت ساق pošt-e-sāq: داراقلیق.

پشت سر tpošt-e-sar. ینگسه.

پشتکار pošt-kār: ص. مر. ایشده تقلا

تلاشلیق، ایشنگرلیک، ارجللیک،

باشلان ایشنگی قوتارما، دورملی لیق،

برکلیک.

پشت کردن pošt kardan: مص. ل.

یوز دۇندرمک، یوز اوویرمک، قاچماق،

سویانمک.

پشت گرمی tpošt-garm-i. مص.

بیرینه یا بیر زادا دایانماق، ارقا دایانچ،

آرقالانماق.

پشت نویسی tpošt-newisi. مص.

بیر یازغی یا سندینگ آرقا طرافینا

یازیب امضاء اتمک.

پشتو tpaštu: افغانستاندا یاشایان

یرلی آدملارینگ دیلی بۇلان، پشتو،

اول اوچ دیلدن عبارت: فارس، عرب،

هندی دیل بیلن یوغورلان دیل،

خطلاری فارس عرب الفباسی.

پشتوانه tpoštwāne: ص. ۱. دولت

دیر یا بانگ طرفیندن یایرادیلیان

پۇلۇنگ برابرینده یورپته چاپ ادیلن

مخصوص کاغذ ۲. دولتنگ

صندیغینده ساقلانیان قیزیل دیر

کومیش جواهر و آیری قمتلی

زادلار.

پشت وپناه pošt-o-panāh: ص. مر.

قراوویل، یاور، حارای، دایانچ، یترن،

کمکچی، قولداوچی.

پشته tpošte. ۱. آرقا یوکی، ۲. دفه،

تومک، ایکی کاریزینگ آراچاگی.

پشتی pošti: ص. ن. قارچین.

پشتیبان poštibān: ص. حمایتچی،

آرقا دایانچ، مددکار، قولداوچی، کمک

یتیرن، هارای یتیرن.

پشتیبان poštibān: آرقا دایانچ،

مددکار، یاران، حمایتچی، سؤیگ،

دیرک.

پشم pašm: ۱. یونگ، دیه بولسون

قویون بولسون اولارینگ اندامیندن

اونیان یونگ اونیمی.

پشمک pašmak: ۱. یونگ یالی بیر

هیل سویجی نارسه، شکردن

بجریلیار.

پشه paše: چیبین. پشه خاکی:

سومسون.

پشه بند paše-band: ۱. پشانا، چیبین

گیرمز یالی قاتی یوقا پارچادان یورپته

بجریلیان چادر.

- پشیمان pašimān: ص. اوکونچلی، پشمان، قینانچلی.
- پفیوز pofyuz: ص. یالتا، تنبل آدم، بی‌غیرات، قوچورسیز، دامارسیز، یاراماز آدم.
- پگاه pegāh: ق. ایر ارتی، سحر وقتی.
- پل tpol: کوفری.
- پل tpol: گوریش یاریشی‌نینگ آدالغاسیندا بیر عملینگ، فنینگ آدی.
- پل pal: ا. سرحد، آراچاک، سامان.
- پل pel: ا. اؤکجه، آیاق اؤکجه‌سی.
- پلاس palās: ا. پالاس، اولی کلیم، دوشلیان دوشه‌گینگ بیر گورنوشی.
- پلاک tpelek: [فر] یوزونه آد یا نمره یازیلان قالایی دمیر.
- پلاکت tpelekat: [فر] مایدا آونیق نارسه.
- پلک pelk: ا. قاباق، گوزونگ قاباغی.
- پلکان pellekān: ا. باسسانجاق، باسغانجاق.
- پلمب polomb: ا. فر. قورشون سچمه، قورشوندان کیچی مهر.
- پلنگ palang: ا. آلاجا قاپلانگ، بیرتیجی یابان حیوانی.
- پلو tpolo: چکدیرمه و سوزمه‌یالی ایمیت؛ تووی، یاغ، ات، تاویق و بالیق
- یالی نارسه بیلن قاویرلیپ بیشیریلیان ایمیت.
- پله pelle: ا. ۱. مخفف پیله، یوپک قورچیغی‌نینگ پرده‌سی ۲. آز سرمایه، مایه قویوم معنیده.
- پله pale: ا. آغوز، قویون دیر سیغیرینگ آغوزی.
- پله pele: آغاجینگ بیر گورنوشی، بید آغاجی.
- پله pelle: ا. پایا، مرتبه، درجه.
- پلید palid: ص. ناپاک، نجیس، چیرکین، مردار، یاراماز، اربد.
- پلیس polis: ا. [فر] انتظامی ادارانگ خدمتکاری و ماموری، آژان، پاسبان.
- پلیکان pelkān: ا. قوتان.
- پلی‌کی poli-kopi: ا. [فر] ماشین تحریردن اولی‌راق دستگاه، اول یازغی‌لارینگ یوزوندن کپی‌آلیپ کوپ نسخه‌لارده چیقاریار.
- پماد tpomād: [فر] ۱. مرهم یالی، یارانینگ ۲. چیشینگ یوزونه چالینیان یاغ.
- پمپ pomp: ا. [فر] تلمبه، ناسوس، پومپ، ناس‌قوس.
- پناه panāh: ا. قاچالغا، بوقالغا، ساقلایش، حمایتچی، قولداو، امانده

بؤلما، آرقا دایانچ، بوقی یر.

پناه آوردن panāh āwardan:

مص.ل. پناه گتیرمک، آرقا توتونماق، سیغینماق.

پناهگاه panāh-gāh: ص.مر. جان

قورقیسیندان قاجیب باریلیان بوقی جای، دوشمانینگ قورقیسیندن باریپ پناه گتیریلیان یر، پناه یر، بوقالغا، سنگر.

پناهنده panāhande: ا.فا. آرقا توتما،

پناه گیترمه ۲ آمان بریلن یر.

پنبه panbe: ا. پامیق، یاغت.

پنبه کار panbe-kār: ص.فا. پامیق اکیان، پاختا اکیان.

پنج panj: باش.

پنج انگشت panj-angošt: باش بارماق.

پنجاه panjāh: ا. سان جسابیندن اللی.

پنج تن panj-tan: ا.مر. حضرت

رسول(ص)، علی(ع)،

فاطمه زهرا(س)، حسن(ع) و

حسین(ع)؛ آل عبا.

پنج تیر panj-tir: باش آتار.

پنجره panjare: پنجاه، ابیشکه.

پنجشنبه panj-šanbe: هفته نینگ

آلتینچی گونی، پنشنبه.

پنجگانه panj-gāne: ص.ن.

باشلیک، باش سانا باغلی بؤلان.

پنجه panje: پنجه، باش بارماق، ال پنجه سی.

پند pand: اؤویت، نصیحت، اوندان.

پند pand: زغن، اؤجوجی قوشلاردان، اول قارغانینگ بیر گؤرنوشی.

پُند pond: چاپچی لرینگ

آدالغاسینده کوادرات آدیندا

حروف لارینگ آرایلیغیندا

جایلاشدیریلیان آرا اولچه گی.

پنکه panke: هندی سوزوندن

آلسانگ برق بیله آیلانیان یل اوریان

قورال، برق یلپه ویچ، یل اؤرغۇچ.

پنگوئن pangu'an: [فر] آیاغی

برده لی و قاناتی کیچی اؤجوجی

قوش، قاناتی کیچی لیگیندن اوچا

بیلمه یان اول دریاده یوزیار و اوزونی

برده دیک ساقلایار.

پنهان penhān: ص. گیزلین، یاشرین،

اوغرین، اؤرتوک، باسیرلان.

پنهان شدن penhān šodan: مص.

بوقولماق، یاشیرین ماق، بوقولماق.

پنیر panir: پنیر.

پنیرک panirak: ا. امام چؤرک.

پوت tput: [فر] اون آلتی کیلو گراما
برابر بۇلان آغرام اۆلچەگى.

پوت put: ۱. ايىميت-داماغيىنگ بىر
گۆرنوشى.

پوتىن tputin: [فر] دورقى اوزىن، آياق
قايىنىگ بىر گۆرنوشى، ادىك آدىندا.

پوچ puč: ص. ايچى بوش، پوك،
مغزسىز، پوچ.

پودر pudr: ۱. [فر] توت توزان، اونتا،
عياللارنىگ يوزلرىنە چاليان، آق زادى،
آق مادەسى.

پور tpur: اوغۇل، اوغلان، ارکک، چاغا،
قىز دال، پوران جمع.

پورمند purmand: ص. اوغۇللى.
پوره pure: چگىرتگانىنگ تخمى،
چگىرتگانىنگ چاغاسى.

پوره pure: اوغۇل، فرزند، چاغا.
پوره tpure: [فر] ايمىتنىگ بىر
گۆرنوشى.

پوزخند tpuz-xand: مر. بىدرک
بيجاي يىلغىرما، بىرىنى كىمسىدىپ
مسخرەلاب گولمە، يانگىسلاما.

پوزش tpuzeš: مص. اوتنىچ، گچرىم.
پوست tpušt: قابىق، درى، حيوانىنىگ،

انسانىنىگ اندامى نىنىگ درىسى، درى.
پوست کلفت tpušt-koloft: مر.

درىسى قالىنىگ بۇلان، كنايه
سۆزۈندىن ھىچ زادى كونگلىنە
گتىرمەيان، قىن چىلىغى مشقتى
گورن كايىلسە دە كۆنگلە
گتىرمەيان.

پوست كندە pust-kande: ص. ۱.
قابىغى آيىرغىلى ۲. آيدىنىگ آشكار و
آچىق كپلەمە معنيدە.

پوستە tpušt-e: ۱. كىچى. يوقا قابىق،
۲. يوقا نازك زادا باغلى بۇلان نارسە.
پوستىن tpušt-in: ايچمك،
پوسسىن.

پوسىدن pus-idan: مص. ل.
چویریىمك، چویرهەمك، سولماق.
پوشاك tpušāk: اگىن اشىك، اگىن
باش.

پوشال tpušāl: قورى اوت، پوشالى،
ايچى بوش، وارسىز برک بۇلمادىق
نارسە.

پوشاندن tpušāndan: مص. م. (=)
پوشانىدن گىدىرىمك، اگىن اشىك
گىدىرىمك، ياپماق، اورتمك.

پوشش tpuš-eš: مص. اورتگى، اگىن
اشىك، حجاب، گىمك.

پوشه tpuš-e: پردە، يازغى لرى
ساقلاماق اوچىن يورىتە ادىلن

قالینک کاغذ، پوشا.

پوشیدن puš-idan: مص. م. اگین

اشیک کیمک.

پوک puk: مص. لاق، ایچی بوش،

مغزسیز، چویریک.

پوکه puke: ا. ایچی داری سیز بوش

فشنگ.

پول pul: ا. پول، دولت طرفیندن چاپ

بۇلان یوریتە کاغذ و قران پول، پول.

پولاد pulād: ا. پۇلات؛ قاتی دمیر

پولاد آدیندا.

پولادین pulādin: ص. ن. پولادا

باغلی، کنایه قین، برک، ماکام.

پولک pulak: ۱. قیران پول، ۲. بالیق

تنگه سی.

پوند pund: انگ. لیله انگلیسی قزیل،

و ۴۵۳ گرمدن عبارت آغرام اؤلچه گی.

پونز punez: [فر] گل میخ، پونز.

پونه pune: نـمعناع تاویره،

سبزی نینگ بیر گۆرنوشی، اول

یابانده بتیان اوت.

پویا puyā: یورغلاماق، ایلغاماق،

داریماق.

پهلو pahlū: ا. کنار، قاپدال، چت،

یان باش، بووور.

پهلو pahlaw: ا. پارت قومی،

ساسانی لار و اشکانی لار نسلیندن.

پهلو pahlaw: ص. ادرمن، باتیر،

قۇجۇرلی.

پهلوان pahlawān: ص. گوراشجنگ،

زورلی، پالوان، بوکه.

پهلو گرفتن pahlū gereftan: مص.

ل. کناره، قیراغا یاناماق، کناره گلک،

لابیر، لنگر آتیپ بندره یوک

دوشورمک یا یوکلمک اوچین آیاق

ساقلاماق.

پهن pahn: ص. اینلی، اینی کوپ

بۇلان.

پهن pehen: ا. درس، تـزک،

حیوانلارینگ تزه گی.

پهناور pahnāwar: ص. گینگ، یایراب

یاتان، یایبانگ، اینی بوی کوپ

اوسن.

پی tpey: ۱. آیاق ایز ۲. جاینگ

اساسی پایه سی، فوندامنت.

پی tpay: سینگیر، ساچ.

پی tpi: آشیق.

پیای پی pey-ā-pey: ق. ایزلی ایزینا،

ایزی گیدرلی، دال با دال.

پیاده piyāde: ص. اوز آیاغی بیله یؤل

یوریان، یؤل گیدیان آدم.

پیاده روی piyāde-rawi: او. مص.

پيدا peydā: ص. آشکار، گورنوب دوران،
آجیق، آیدینگ، بللی.

پيدا کردن peydā kardan: مص. م.
اله سالماق، تاپماق، قولا سالماق.

پيدایش peydāy-eš: مص. دؤرمه
پيدا بؤلما، تاپیلما، یوزه چیقما
تافیلیش.

پی در پی pey-dar-pey: ق. ایزلو
ایزینا، ایزی گیدرلی، دوام لی.

پیر pir: ص. یاش اولی، اوران قارتاشان،
قارری، رهبر، پیر طریقت.

پیراشکی pir-āški: [رو] روسی
سوزوندن سویجی چوراگینگ بیر

گؤرنوشی، بۆرک دییپ-ده آیدیلیار.
پیرامون peyrāmūn: تۋورک داش،

دوملی دوش، اطراف.
پیراهن pirāhan: کونگ.

پیرایش pirāyeš: مص. بزه مک،
گورکلندیرمک، زینت له مک.

پیرزال pir-zāl: ص. مر. قارری چال
خاتین، یاش اولی عیال، کؤیلنج

ساجی آغاران کمپیره خاصلانیار.
پیرزن pir--zan: ص. مر. (= پیره زن)

قارری عیال، یاشی گیدن خاتین.
پیرمرد pir-mard: ص. مر. قارری آدم،

یاشی گیدن آدم، یاش اولی.

پیاده یؤل یوریمک، گزنج اتمک، آیاق
بیله یوریمک.

پياز piyāz: ا. سوغان.
پیاله piyāle: ا. کاسه.

پیام payām: ا. خبر، سارغیت بیر
زادی، یا بیر سوزی بیرینه
قاوشیرماق یا اشیتدیرمک.

پیامبر payām-bar: (= پینمبر) ا. ص.
خدای تعالی نینگ ایلچی سی،

سارغیت یتیرجی سی، بیرى نینگ
سارغیدنی آیری بیرینه یتیریان، بو آد

دینگه خدای تعالی نینگ رسولنه
خاصلانیار.

پیانو piyāno: ا. [فر] سازینگ بیر
گؤرنوشی.

پی بردن pey bordan: مص. م. ایزینا
یتمک، دوشونمک، بیر زادی

آنکلاماق، خبرلی بؤلماق، ایزیندان
گیتمک.

پیت pit: ا. بنکه، پوتلیق بنکه.
پیچ pič: ا. بوروم-بوروم، اگری بوغری

تاوولی چوی.
پیچاندن pičāndan: (= پیچانیدن)

مص. م. اگرلتمک، تاوولماق، بورماق.
پیچ دادن pič dādan: مص. م.

تاوولماق، بورماق، اگرلتمک.

بریلمالی وقتینی یعنی تاریخی

بلاپ بریلیان خط.

پیش آمد piš-āmad: دویسدانسیر

تاپیلیان، اووه گلمه، واقعه، حادثه،

بردن دوشن ایش.

پیشاب piš-āb: ص. مر. سیدیک، پشو.

پیشاپیش piš-āpiš: ق. همەدن اونگ،

اونگده بۆلان، همەدن اونگده.

پیشانی piš-āni: مانگلای، آلین ساچ

اتهگی بیلن قاش آرالیفی.

پیشانی piš-āni: بخت، اقبال، طالی،

لایق، یاراشیق.

پیشاهنگ piš-āhang: ص. مر. اونگده

باریجی، اونگدن گیدیجی، کروانینگ

اونگیندن گیدیان، اؤنگه دوشوجی

پیشبرد piš-bord: م.ص. اونگه

گیدیش، ینگیشلیک، بیله ایشی

یرینه یتیرمک.

پیش بین piš-bin: ص. فا. گلجهگه

اویلانیان آدم، ارتیرین گوزله یان آدم،

سونگونو سایغاریان.

پیش بینی piš-bin-i: سونگونو

آنگشارما، سونگونا اویلانیان.

پیش پا piš-e-pā: ص. مر. آیاق آستی،

پیش پا افتاده: کنایه، بؤلغوسیز، قمت

سیرزات.

پیرمغان pir-e-moqān: ص. مر.

زرتشتی لرینگ یاش اولی سی،

اصلیندا روحانی لارینگ باشلینی.

پیرو pay-raw: ص. ف. ایهریجی،

اویمه، ایزیندان یوره مک، ایزیندان

گیتمه، تاین بؤلماق.

پیرو piru: ص. کیچی قاری، اندامی

کیچی یاش اولی.

پیرو piru: ا. کیسه، پول کیسه.

پیروز piruz: ص. ینگیش، اوستم لیک،

دوشمانه یا یاریشده اوستون

چیقماق، ینگیش قازانماق.

پیروزمند piruz-mand: ینگیش

قازانان، ینگشیتن، اوستون چیقان.

پیروی pay-raw-i: ایزیندان گیتمه،

ایزنی ایمره، بیزینه اویمه،

ایرمک لیک، اویماق لیک.

پی ریزی tpay-rizi: م.ص. جای دیر

جایینگ دیفاری نینگ شیفته

دوکولمه گی، فوندامنتی، اساسی

دوکومی.

پیژاما pižāmā: ا. [انگل] بالاق.

پیش piš: اؤنگ، یوز به یوز، ایله ری،

آرقا، اونگ، گچن، گچمیش.

پیش آگهی piš-āgahi: ص. مر. بانک

آدالغاسیندا پول سندینی برگی لا

پیش پرداخت pis-pardāxt: ا.مر. بیر

زادینگ بهاسی درکلی اونگیندن
بریلیان پول، اونگیندن گچیریلیان
پول.

پیش تاز piš-tāz: ص. فا. چاپاری، آطلی

سواره، همه دن اونگ دوشمانا
دوپولیان آدم.

پیش خدمت piš-xedmat: ص.

قوللوقچی؛ اویده، اداره ده آياق
اوستونده بؤلۆپ، آياق اوستی نینگ
ایشلیرینی یرینه یتیریان خدمتکار.

پیش درآمد piš-darāmad: ا.مر.

آیدیمچی نینگ آیدیم آیتمازدان
اونگ، سازنده لارینگ اونگیندن چالیان
سازی، اونگین باشلاما، باشلانغیچ.

پیشرفت piš-raft: م.ص. اونگه

گیدیش، ترقی لیق، اووه گیتمه، اولاما
و اوسمه.

پیشرو piš-raw: ص. فا. اونگه

گیدیچی، یؤل گورگزمه، اونگده
باریچی، سردار، بلد.

پیش فروش piš-foruṣ: م.ص.

ساتیچی نینگ، یۆق مالینی و
گلمه دیک مالینی اونگیندن
ساتماق لیق.

پیش قدم piš-qadam: ص.مر. بیر ایشه

همه دن اونگ اوغرایان، حرکت ادیان،
آردیم آردیان، یوز اوریان.

پیش قسط piš-qest: ص.مر. برگی
بوللونیب قسط باغلانمازدان اونگ،
اونگوندن نقد گچیریلیان پول.

پیشکرایه piš-kerāye: ص.مر.

یوکینگ کراینی اوویندن برمک، یوک
چکیانه کراینی اونگوندن بریلمه.

پیشگاه piš-gāh: ص.مر.ایشیک،

درگاه، بوساغا، پادشاه لارینگ
تختینینگ اونگی، اونگی یانی،
ایوانی.

پیش گفتار piš-goftār: ا.مر. کتابینگ

اوویندن یازیلیان سوزباشی، کتابینگ
باشلانغیچی.

پیش مرگ piš-marg: ص.مر. اولومه

تاییار بۆلان، اونگیندن اولمه حاضیر
بولیان.

پیش نماز piš-namāz: جماعتینگ

امامی، مسجدینگ امامی.

پیش نویس piš-newis: ص.مر. خطی

ایکیلاپ یالانگیشنی دوزه دیلیپ
یازیلما، یازما.

پیشهاد piš-nahād: ص.مر. تاسلاما،

تکلیف، بیرینینگ اوی فکری بیلن
دوزولپ کوپچولیگینگ نظرینه

یتربیر بیر آغیزدان ماقوللاماگی و
یولا قویولماقلینی.

پیشوا piš-wā: ص. باشلیق، رهبر،
یولباشچی، امام، سرکرده.

پیشواز piš-wāz: ص. مرقارشیلما،
قارشی آتما، میهماندن یا بیر
مسافردان خوش گلدینگ اتمه.

پیشه tpiše: ایش، شغل، کار، کسب
کار.

پیغام tpeyqām: سارغیت، خبر،
بیریندن آیری بیرینه یتیریلیان
سارغیت.

پیغامبر tpeyqām-bar: ا. ص. (=)
پیغامبر(ایلچی، فرشته لرینگ
اوستی بیلن خدای تعالی نینگ
فرمانلارینی ایله یتریجی، یعنی
خدای تعالی نینگ سارغیدینی ایله
یتیریجی.

پیک tpik: [فر] نیزه، اوچلی زات.
پیکار tpeykār: ا. اوروش، سؤوش،
چاقینشیق.

پیکارکرد tpey-kār-kard: مص.
اؤرؤش اتمک، اوروشماق، سؤوش
اتمک.

پیکان tpey-kān: جمع پیک،
سارغیت اکیدیجی، ساوچی.

پیکان tpey-kān: اوق یای، اوچی یتی
دمیرلی یای.

پیکر tpey-kar: تن، هیکل، مجسمه.
پیکر تراش tpey-kar-tarāš: ص. فا.

ایشی پیشه سی هیکل یاساماقلیق
مجسمه یاساماقلیق بیلن قیزیقلانیان
آدم، هیکل یاسایجی.

پی کندن tpey-kandan: مص. م.
دفارینگ، جایینگ چوقرینی قازیب
شیفته سینی دوکمکلیک، پی کنی:
شیفته نینگ یرینی قازماق.

پیگرد tpey-gard: ص. فا. ایده یجی،
ایزیندا گزیجی.

پیگرد tpey-gard: مص. ایزینده
گزمک، ایدلمک، جزا اوچین
سورالماق و ایدلمک.

پی گیر tpey-gir: ص. فا. ایزینده
گزیجی، ایدیجی، بیر زادی ایزارلاپ
ایزیندا گزیان.

پيله tpile: یوپک آلماق اوچین یوریته
ساقلانیان فورچیق و اؤندان آلنیان
اونوم، پيله.

پيله tpile: کنتله ویگینگ چیرکی،
چیشی.

پیمان tpeymān: ادیلن عهدناما،
شرط ناما، قرارداد، ادیلن قول و قرار.

ایلاشیق.

پیمانکار tpeymān-kār: ص.

کونتوروتچی، ماغیتاسینا ایش آلیپ
ایش تحویل بریان، بیر مؤچبر
بولونگ قارشى سیندا بیر ایشی
بوون آلماق.

پیمانه peymān-e: ا. اؤلچک، کاسه،

سوویق نارسانی اؤلچک اوچین
یوریته توتولیان قاب، اؤلچیلیان
مؤچبر.

پیمانی tpeymān-i: ص. ن. اؤلچک

باغلی بۆلن، شرط بیلن ایشه دوریان
آدم.

پیمودن peymudan: ص. م. یؤل

یورهک، یؤل یوریمک، یؤل گچمک،
یولی اؤلچهک، مؤچبر تۇتماق.

پینه tpine: یاما، اگین اشیگه یا ایاغا

گییلیان زادا یاما سالما.

پینهدوز pine-duz: ا. ص. یاماقچی،

یاما یامایان آدم، یاما سالیان آدم.

پیوست tpeywast: ص. باغلیلیق، بیر

زادینگ بیر زادا سوراکی بؤلماغی،
سپلنمه، سپلهمه، باغلانما،
باغلیلیق، بیر خطی آیری خطه
قوشماق، تیرکاپ بیر یانگا ایبرمک.

پیوستن peywastan: م. ص.

سپلهنمک، سپلهمک، باغلاماق
قاویشماق، داقماق، تیرکهک.

پیوند tpeywand: باغ، یوپ، باغلاما

سایما، سپلهمه.

پیوند کردن peywand-kardan: م. ص.

بیریکدیرمک، ساپماق
سپلهمک، داقماق، دوشوشدیرماق.

پیوندی tpeywand-i: م. ص.

قارینداشلیق.

پیوندی peywandi: ص. ن. پیوند

ادیلن، سپلپ میوهسی اله گلن آغاچ،
ساییلان آغاچ.



داشتن: جیداماق، صبرلی بۇلماق.
 تاب tāb: ا. یاغتی لیق، اسى لیق.
 تاب tāb: ا. یللنمه، ساللانچاق اۇچما.
 تاب آوردن tāb āwardan: مص. ل.
 طاقت گتیرمک، جیداماق.
 تابان tābān: ص. فا. پارلاق، آیدینگ،
 ییلدیراوویق، یالقیم، یاغتی لیق.
 تاب خوردن tāb xordan: مص. ل.
 ساللانچاقدان یللانمک، ساللانماق،
 اۇچماق.
 تابدار tāb-dār: ص. تاوولی.
 تابستان tābestān: ا. تومیس.
 تابش tābeš: ا. مص. گون چوغی، گون
 شعله سی، یاغتی لیق، نور ساجیلیش،

ت te: پارس الیپ بی سی نینگ
 دۇردونجی حرفی، ابجد حسابیندان
 (۴۰۰).
 تاتر te'ātr: ا. [فر] نمایش تماشاخانه،
 تیتر.
 تئوری te'ori: ا. [فر] علمی اصول،
 نظری علم، علمینگ اساسی
 دۇرمۇشی ثابت بۇلماسادا اما اونگا
 اعتقاد اتمک بولیار.
 تاب tāb: ا. طناب، نخى یالی زادینگ
 بوکولمه گى، تاب داشتن:
 تاوانچاقلى، تاوولی بۇلماق،
 بوکولمک.
 تاب tāb: ا. طاقت، جیدام، صبر. تاب

شعله نیش.

تابع *tābe'*: ۱. [فاع] ایه ریجی، تابین، باقنا، باقیندی، اویمه، بویون اگمه، ایزار لایجی، توابع جمع.

تابعیت *tābe'-iyyat*: مص. [ع] تابین بولماق، بویون بولماق، اییرمک، ایزیندان یوریمه، باقتالیق، رعیت لیق.

تابلو *tāblo*: ۱. [فر] ۱. پرده دیر تخته یا شولاریالی زاد، منظره نقاشی ادیلمک ۲. بیر آدمینگ آدی و یا فروشگانینگ آدی بیلن باغلی بولماق تابلو آدیندا.

تابناک *tāb-nāk*: ص. پارلاق، آیدینگ، یاغتی.

تابنده *tāb-ande*: ۱. فا. ییلدیراماق، شعله، چراغ، یاغتی لیق برمک، پارلاماق.

تابوت *tābut*: ۱. [ع] سالاجا.

تابه *tābe*: ۱. ساج، یاغلاوی، بالیق دیر، ات یالی زادی قیزدیریلیان قاپ.

تاییدن *tāb-idan*: مص. ییلدیراماق، یاغتی لیق برمک، پارلاماق، گون دوشمک.

تات *tāt*: ۱. ت. تاجیک، تاژیک، ملتی، دیل لری بولسا فارس، فارس چه کپلشیارلار.

تاتار *tātār*: ۱. تتر، تتر، ایلکی بو آدی گون باتارده مغول قوملارا باغلی بیلیار دیلر، اما بیر نیچه سیبری ده یاشایان طایفالارینگ آیتماغینا گؤر، غازان، آسترا خان و کریمه ده اوتوریملی طایفالارا دگیشلی بولمالی، تاتار آدیندا.

تاج *tāj*: ۱. [ع] جیغا، اوتاغا، پادشاهلارینگ پاپاغنینگ مانگلاینده قویولیان، بها قیمت داشدان یعنی جواهردن یاسالان جیغا.

تاج الملوک *tāj-ol-moluk*: ۱. امر [ع] پادشاهلارینگ افسر لری.

تاج خروس *tāj-xorus*: ص. مر [ع. فا] بیر یللیق، ایری یاپراغلی اوت، یاریم متر اوزینلیقدا، ناچا سورتده بولان قرمز گللی اوت.

تاجدار *tāj-dār*: ص. [ع] فا. تاجلی، تاجلی پادشاه.

تاجر *tājer*: ص. [ع] بزرگن، سوداگار، تاجر و تاجر

تاجر یزی *tāj-rizi*: ۱. ایت اوزوم.

تاجیک *tāj-ik*: ۱. تاژیک، عربده دال ترکده دال فارس دیلده گورله یارلار، اولار آریان نژاددان عرب اوغلی، عجمده پرورش تافیب ترکستاندا،



تاج خروس



تاجر و تاجر

افغانستاندا و ترکستاندا،
 تاجیکستاندا روسیه ده یاشایارلار.
 تاختن tāx-tan: مص. چوزیش اتمک،
 هجوم اتمک، آط قویماق، دوفولماق.
 تار tā: ا. نخ، یوپ، یویک تابی، مؤی
 کله پی و ش.م.
 تار tā: ا. ساز قورال لارنینگ بیر
 گۆرنوشی.
 تار tā: ا. کله نینگ دفة یانی، کله نینگ
 اورتاسی.
 تار tā: ا. (هند) هندوستانده بییتیان
 قاتی یوغین اوزین آغاچ، یاپراغلاری
 آدمینگ پنجه سی یالی بؤلمالی اول
 یرده اوندان بادبزن و بوریا دوشک
 دوقییارلار.
 تار tā: ص. قارانگی، قارا.
 تاراج tāraj: ا. تالانگیلیق،
 باسماچیلیق، قاراقچیلیق، باسیب
 آلجیلیق.
 تاراجگر tārj-gar: ص. فا. تالانگی،
 باسماچی، قاراقچی.
 تار عنکبوت tār-e-'ankabut:
 مؤیونگ کله پی.
 تارک tārak: ا. باش، کله، دفة، کلاه
 خود هم دییارلر.
 تارک tārek: ا. [فاع] ترک ادیجی، ال

چکیجی، تارک دنیا: دنیانی ترک
 ادیب خلوتده چوللیقده اوتوران،
 تقوا، صوفی.
 تارک الصلوة tārek-os-salāt:
 نمازی ترک ادیان.
 تارومار tār-o-mār: ص. درسی
 داغین، چاشغین، دارغانان، آغتر
 دونگتر.
 تاریخ tārix: مص. [ع] تاریخ،
 اوسوشنینگ حرکتندن یوزا چیقیش
 و گچن زامانینگ وقتینی بلامک،
 مهم خبرلارینگ زمانینی یاد توتماق،
 گچن مهم واقالاری بلامک، مثلاً
 تاریخ مغول یالی و یا تاریخ هجری
 اسلام تاریخی یالی، اؤنؤنگ
 باشلانغیجی پیغمبرمیز حضرت
 محمد مکهدن مدینا هجرت ادن
 گونیندن حساب توتولیار.
 تاریک tārik: ص. قرانگی، تونلیک.
 تاریکخانه tārik-xāne: قارانگی
 اتاق، عکاس لارینگ قرمز اوچگیسی
 چرادا فیلم و صورتینگ شیشه
 سینی ظاهر ادیان یری.
 تاز tāz: ا. یاراماز، فسق و فجور اوغلان،
 تله که یولدا بۇلان چاغا.
 تاز tāz: هجوم ات، چۆز دیمک.

- تازه taze: ص. يانگی، کونه بۆلمادىق، تازه، تر*
- تازه کار taze-kār: ص. مر. تازه ایشه باشلان، اوورانجه، تجربه سی آز بۆلان، تازه نفس.
- تازه نفس taze-nafas: ص. تر. [فاع] تازه ایشه باشلاب يادامادىق آدم.
- تازه وارد taze-ward: ص. مر. تازه بير يره گلن، گلميشک.
- تازی tāzi: ا. آو ايتى، آو آولايان ايت، شکار ايتى، تازى.
- تازی tāzi: ا. ص. عرب، عربى، عربيجه، تازيان جمع. اسب تازى: عرب آطى.
- تازیانه tāziyāne: ا. قامچى، شاللاق.
- تازیك tāzik: ا. تاجيک.
- تاس tā: ا. تاس، کاسه دن اولى راق چونگور قاپ، اوقارا.
- تاس tā: ا. جیدام سیز، بى طاقت، قايغیلی، واسواسا، تیتراویک.
- تاس tā: ا. نرد اویونده گیديان بيردن آلتا چنلى نقطه سی بۆلان مهره لاری سونکدن دورت بورچ نارسه.
- تاس tā: ص. کله سی تاس بۆلان، کله سی نینگ ساچی بۆلمادىق، تاقيرکله.
- تاس ماهی tā: m-āhi: ا. مر. بالينینگ
- بیر گۆرنوشى بۆلان، دۇقى.
- تاسوعا tāsu'ā: ا. [ع] محرم آيى نینگ دوقيزينجى گۆنى.
- تاغوت tāqut: ا. داغدان آغاجى.
- تافتن tāftan: مص. ايشمک، ياقماق، پارلاتماق، ياغتيلانديرماق، دميرى اوده قيزارتماق.
- تاک tāk: ا. اوزوم آغاجى.
- تاکتيک tāk-tik: ا. [فر] اوروشينگ تارى يولى، اوروشينگ فنى اصولى و حرکت لرى، حربى گويجى اوروشده، فنى يۇل بيلن اوغراتماقلىق.
- تاکستان tāk-estān: ص. مر. اوزوم باغلينى، اوزوم ليک ير، اوزومينگ و اوزوم باغنينگ کوپ يرى.
- تاکسى tāksi: ا. [فر] شهرينگ ايچينده دولت طرفايندان بلله لن يورitte کراينه گزيان سوارى، ينگيل ماشين، اول آدمالارى بير نقطه دن آيرى بير نقطه اکيديپ گتيريار.
- تاکسى متر tāksi-metr: ا. [فر] تاکسى لرده آرا اؤلچگى بيلمک اوچين قويوليان قورال، شونينگ بيلن مسافرلارينگ برملى کرايى اؤلچليار، يعنى بللى اديليار.
- تاکی tā key: نيچه زار، هاجانا چنلى.

تالاب tālāb: ۱. حوض، گؤل، قورریق، بۇلاق.

تالار tālar: ۱. اولی سالن اتاق، گینگ جای.

تالان tālān: ۱. تالانگ، قاراقچیلیق.

تالان tālān: ۱. [فر] یونانده قدیم آغرام اولچهگی، تخمیناً ۲۶

کیلوگرمه برابر بۇلمالی. پۇل سانی بۇلسا قدیم یونانی لارینگ یانیندا بیر

مقدار قیزیل، اول بیر تالان آغراملیغی بۇلۇپ کومیش تالانی چنگ بیلن

۵۶۰۰ فرانک، قیزیل تالانی چنگ بیلن ۵۶۰۰۰ فرانک بۇلمالی.

تالی tāli: ص. [ع] ایزارلایجی تابین، ایزینا اییه ریجی آط چاپنی میدانده

دوردینجی بۇلۇپ گلن.

تانک tānk: ۱. [فر] اۇرۇش ماشینی، اول ۱۹۱۶نجی ییلده برینجی

جهانلیق اۇرۇشده یولا دوشوریلدی.

تانکر tānker: ۱. [انگ] نفت و ش. م. زادی چکیان ماشین.

تانگو tāngo: ۱. [فر] تانس، اویونچی لیغینگ بیر گۇرنوشی، بو

اصل مکزیکی لی لرینگ اویونی، ایلکی ۱۹نجی میلادی ده باشلانیب سۇنگ

۱۹۲۰نجی یلده باشغا یورتلره

یایراپ رواج تاپیار.

تاو tāw: ۱. جیدام، طاقت، گویج، اگری بۇغری.

تاوان tāwān: ۱. غرامت، عوض، بدل.

تایر tāyer: ۱. [انگد] ماشین لارینگ تیگیری نینگ داشقی لاستیکی.

تأبی ta'abbi: مص. [ع] بیر زادی ایسلامزلیک، حالامزلیق، بۇیۇن

یوغین اتمکلیک.

تأبی ta'abbi: مص. [ع] بیرینی آتا یرینه آلماق، بیرینی آتا توتونماق.

تأبید ta'bid: مص. [ع] ابدی لیک اتمک، همیشه لشدیرمک، مداملیق

سایماق، باقی.

تأین ta'bin: ۱. مص. [ع] ۱. بیرینی یوزیه یوز دوروپ کاییمک، ۲. بیرینی

اولان سۇنگ اۇومک تاریفلاماق.

تأثر ta'assor: مص. [ع] اثر اتمک، ایز قویماق، اثری قبول اتمک، غملی

بۇلماق، قانیغیلی بۇلماق، غم غصه.

تأثیر ta'sir: مص. [ع] اثر اتمک، بیر زاتدا ایز قالدیرماق، اثر قویماق.

تأخیر ta'xir: مص. [ع] ایزه قویماق، ایزه اۇقلاماق، گيجا قویماق، ایزه

سالماق.

تأدیب ta'dib: مص. [ع] ادب اتمک،

تنبی برمک، تربیه برمک، تنبی اتمک.
تأديه ta'diye: مص. [ع] اوزمک،
برمک، پول یا وامی بربیب آییرماق،
توله مک.

تأسف ta'asfof: مص. [ع] اؤکینمک،
اؤکینج، قایغا قالماق، غما باتماق،
توقات بؤلماق، آخمیر لیق.

تأسیس ta'sis: مص. [ع] بناسینی
قورماق، دیکالتمک، برکیتمک،
پایه سینی قورماق.

تأکید ta'kid: مص. [ع] برکیتمک،
پوختالاماق، ماکام لمک، سؤزینگی یا
ادن عهدینگی ماکام لمک، برک
تابشیرغی، نیغتماق.

تألم ta'allom: مص. [ع] دردلی،
ایزالی بؤلماق، آغیرلی بؤلماق،
ایزالی لیق، اینجاماق.

تألیف ta'lif: مص. [ع] دوستلوق
اتمک، اوورانیشدیرمک، مطالبی
یعنی یازغیلاری بیله کی کیتابلاردان
آلیپ ییغناپ جملامک، ییغناماق،
پیترانگ زادی ییغناپ تاییارلاماق،
یازماق، اثر یازماق.

تأمل ta'mmol: مص. [ع] اویلانماق،
فکرلنمک، قاراشماق. ساقلانماق،
دقت اتمک، چونگ اویلانما،

اویلانشیق.

تأمین ta'min: مص. [ع] بیرینی امین
بیلیمک، فراغتلی اتمک، آمانده
ساقلاماق، خاطر جمع لیک برمک.

تأمینات ta'min-āt: [ع] انتظامی
ادارانینگ بیر بؤلومی، آگاهی آدیندا،
جمع تأمین، کفیل لیک.

تأنی ta'anni: مص. [ع] ساقلانماق،
جایلی لیق بیلن ایش اتمک،
یوواشلیق بیلن ایش گورمک.

تأهل ta'ahhol: مص. [ع] اویلنمک،
عیال آلماق، جفتلنمک، بیر عیال
بیلن قوشونگ بیریکدیرمک، عیالی
اوغلان اوشاقلی بؤلماق.

تأیید ta'yid: مص. [ع] گویچ برمک،
یاردام برمک، قولداماق، دوغری دییپ
قولداماق، کمک برمک، ماقوللاماق.

تب tab: (=تپ) ۱. قیزدیرما، ایستیم.
تبادر tabādor: مص. [ع] اونگه
گچمک، اؤوله مک، ایشده قیساقلی
بؤلماق.

تبادل tabādol: مص. [ع] چالیشماق،
دکشیرمک، عوض بدل اتمک، فکر
آلیشماق.

تبار tabār: ۱. اصل و نسب، نژاد، تیره،
اوروغ، قوم قارینداش.

تبار tabār: ۱. [ع] هلاک بولما، آرادان گیتمه.

تبارک tabāraka: [ع] صیغه ماضی، یعنی آراسسا و پاکیزه بۆلدى، تبارک الله: الله تعالى پاک و آراسسادير، الله تعالى قاتى پاک و آراسسادير.

تبارک tabārok: مص. [ع] شاد و برکتلى بۆلماق، قاوی زادا يورماق، ياغشى نيّت اتمک.

تبانى tabāni: اونگیشماق، ايللاشماق، آغيزيبرليک، بيرزاد درکلى، ديل بيریکديرمه.

تباه tabāh: ص. چويريمه، پوچ، ضايالانما، يوغالما، بوش، ياراماز، تباهى: يوغالماق، ضايالماق، ضايهليق، نابودليق.

تباهاکار tabāh-kār: ص. فا. يوق اديجى، فسادا چکيجى، خرابکار، فتنه چى، نابود اديجى، ضايالايجى، بوزوقچى.

تبر tab-bor: ۱. ص. قيزديرما کسلى کسيان، و يا کوشيديان درمان.

تبحر tabahhor: مص. [ع] اوران بيلملى ليک، قاتى بير زاتده علملى بۆلماق، علم و فضيلتينگ درياسينا

چومماک، قاتى فراستلى ليق.

تبخال tab-xāl: ۱. اوچوق، قابارچاق، قيزديرماقدان دوداقدان دورايان اوچوق، قابارچاق.

تبخير tab-xir: مص. [ع] مایع جسمينگ دۆرمـوشى نينگ اويـتگه مگى بوغارتماق، بوغينگ اسسى سنینگ اثريندن، بوغ اتمک، بخور برمک.

تبديل tab-dil: مص. [ع] دگشیرمک، عوض اتمک، بدل اتمک، بير زادينگ دراگينه بيرزات آلماق، اوورمک، چالشيرماق.

تبذير tab-zir: مص. [ع] کوپ خرج اتمک، يرليک سيز خرج اتمک، چندن آشا يويماق، مالينگى پتراتماق، خرجى وهى ليک.

تبر tabar: ۱. پالتا.

تبرئه tabra'e: مص. [ع] ارکين لتمک، داش اتمک، آزاد اتمک، تهمتدان مجابدتان آراسسا چيقماق، يازيق سيز تانيلماق، گوناهدن يوويلماق.

تبرع tabarro: مص. [ع] خدای تعالى نينگ راضى ليغى اوچين خير ايش اتمک، ثوابلى ايش اتمک، خدای تعالى نينگ يولينا مال برمک.

تبرک tabrak: ا. قلا، دفا، دره، سبز

تبرک، کنایه سۆزۆندن گۆنگ، گوک.

تبرک tabarrok: مص. [ع] برکت

تاپماق، برکتلى بۇلماق، برکتلى

سایماق، مبارک سایماق.

تبریک tab-rik: مص. [ع] قوتلاماق،

مبارکلمک.

تبسم tabassom: مص. [ع]

ييلغیریش، میلغیما، گولومجیريما.

تبش tabeş: ا. مص. قیزغین

ایسسلیق، چوغ، پارلاق، شعله.

تبصره tabsare: مص. [ع] آچیلماق،

آیدینگلاماق، قانون مادهسینا بیر زات

آرتدیریپ آچاچان اتمک، گومورتیک

زادی عیان اتمک.

تبعت taba'iyat: ا. مص. [ع] ایزیندان

گیتمک، گیدن یولیندن گیتمک،

اییرمک، اویماق، ایزارلاماق.

تبعد tab'id: مص. [ع] داشا سالماق،

اوزاقا اییرمک، بیرینی شهردن قاویپ

باشغا بیر شهره اییرمک، سورگون

لیک، سورگون.

تبعض tab'iz: مص. [ع] بۆلک بۆلک

اتمک، بیر ناچانی قبول ادیب بیر

ناچانی قبول اتمه سیزلیک، بیرینی

باشغا بیریندن الا گۆرمک، یعنی

دالناماق.

تبغیض tabqiz: مص. [ع] آرا دگیرمک،

بیرینی باشغا بیرى بيله دوشمان

اتمک، شوغوللیق ادیب آرا دگیرمک.

تبل tabl: ا. [ع] کینه، اویکه، کینه،

دوشمانلیق، اتبال و تبول جمعی.

تبل tabal: ا. بیر زادینگ داشی، دوور،

دوور، بادام حوزینگ داشی یالی

بۇلان.

تب لازم tab-e-lāzem: ص. مر. [فا.ع]

ایمیقلی قیزدیرما، اینچه کسل.

تب لرز tab-larz: (= تب لرزه، تب و

لرز) ص. مر. مالاریا، ایسیتمه،

قیزدیرما کسلی.

تبلیغ tabliq: مص. [ع] یتیرمک،

قاوشیرماق، خبری یا سارغیدی

ایلینگ قولاغینا یتیرمک.

تب مالت tab-e-mālt: ا. مر.

حیوانلاردان آدمزادا یوقۇشیان

قیزدیرما کسلی، اول ایلکینجی گزک

مالت دیلن مدیترانه آده سیندا پیدا

بۇلماغنا گۇرا تب مالت

دیپپ آدلانیب دیر.

تهکار tabah-kār: ص. مر. گناهکار،

عاصی، یازیقلی.

تبيين tabyin: مص. [ع] بیان اتمک،

- اشکار اتمک، آچیلماق، تفسیرلیمک.
تپ tap: قیزدیرما.
تپاله tapale: ۱. سیغیرینگ دزسی،
 تزهگی، کودی.
تپانچه tapanče: ۱. کیچی یاراغ،
 موززیر.
تپش tapeš: ۱. مص. تیتراکم،
 سارسماق، بیطاقت بولماق.
تپه tappe: ۱. دفه.
تپه ماهور tappe-māhur: باییرلیق
 یر، بییکلی چوڭکلی یر.
تپیدن tap-idan: مص. ل. تیترهکم،
 بیطاقت بولماق، سارسماق.
تبع tatabo: مص. [ع] ایزارلاماق،
 بارلاماق، اختارماق، دورجهلمک، بیر
 زادا یا بیر ایشی دقتلیق بیلن
 اویلانماق، بارلاماق، ایزیندا گزمک.
تتمه tatmme: ۱. [ع] قالان قاچان زات،
 ایزی، سونکی، قالانی.
تثبیت tasbit: مص. [ع] دۇرنۇقلی
 اتمک، برکیتیمک، بیر سیخلی اتمک،
 ایمیق لاندیرماق، کسگیت لمه .
تجار tojjar: [ع] تاجرلار، بزرگنلر،
 سیناغلار، جمع تاجر.
تجارب tajārob: [ع] تجربهلر،
 اوورنمه‌لیلر، سیناغلار، جمع تجربه.
- تجارت** tejārat: مص. [ع] آلیش
 بریش اتمک، سودا ساتیق اتمک،
 تاجرلیک، سوداگاریک.
تجاوز tajāwoz: مص. [ع] حدینگدن
 چیقماق، اوز چنینگدن آشا گیتیمک،
 توقینماق، آشینماق، زور لاماق.
تجاوزکار tajāwoz-kār: ص. [ف.ع]
 حدیندن چیقان، اوز چن چاقیندن
 چیقان، توقونجی.
تجاهل tajāhol: مص. [ع] اوزونگی
 سامسیق لینا اورماقلیق، اوزونگی
 احمق گورکزمک، بیلمزلیگه اورماق.
تجدید tajdid: مص. [ع] تازهلمک،
 بیرایشی تازهدن باشلاماق،
 باشلانغیج.
تجربه tajrebe: مص. [ع] سیناغ،
 سینانشیق، درنگاولیک، سایغاریش،
 سایلاماق، بیلیم، هونار، تجربه آلما.
تجربه یافتن tajrebe yāftan: مص.
 گوزیکمک، تجربه تاپماق، بیلیم
 آلماق.
تجرد tajarrood: یکه یاشاما،
 یالانگاچلیق.
تجزیه tajziye: مص. [ع] بۆلک بۆلک
 اتمک، بیر توتوش زادینگ آراسینی
 آچماق، بۆلمک.

تجزیه تحلیل tajziyye-tahlil:

اویلانیپ سایغاریپ آچاچان اتمک.

تجسس tajassos: مص. [ع]

ایزارلاماق، آغقارماق، بارلایش، بیر زادی تاپچاق بۇلماق، ایزارلاماق، گوزلەمک، سر اتمک.

تجسم tajassom: مص. [ع] گوز

اونگینه گلکم، بیر جسم صورتده گوز اۇنگونده گۇرونمک.

تجلد tajallod: مص. [ع] گویچلیک،

جیداملیلق، چالت لیک اتمک.

تجلی tajalli: مص. [ع] آچیق بۇلماق،

شعله لنمک، نور، یاغتیلق، آیدینگ لاشماق، عارفلاز آدالغاسینده نور مکاشفه دیییارلر، خدای تعالی دان عازفلارینک یوره گینده ظاهر بولماق، یوزه چیقماق.

تجلیل tajlil: مص. [ع] اولاتماق،

بیگلتمک، حرمتلاماق، سیلاماق، صرفه سینی بلند توتماق.

تجمع 'tajammo: مص. [ع]

ییغنناماق، اویشمک، جملنمک.

تجمل tajammol: مص. [ع]

زینت لنمک، بزائمک، گورکلنمک، گورکلندیرمک، گوزل لشدیرمک.

تجوید tajwid: مص. [ع]

قالاندیرماق، قاوی ایش اتمک، قرآن تلاوتنی دوغری صحیح یالنکیش سیز صورتده اۇقاماق. علم تجوید: حروفلری بوغازدان علمی تارده قاوی تلفظ ادیب چیقارماق.

تجويز tajwiz: مص. [ع] اجازه برمک،

یرلیکلی سایماق، روا گورمک، رخصت اتمک.

تجهيز tajhiz: مص. [ع] ۱.

تاییارلاماق، اوپجین اتمک، ایش اسبابینی تاییارلاماق، ۲. قوشونینگ حربی قوشونینگ یاراغ شای اسبابی معنیده.

تحت taht: ۱. [ع] آشاق، اتک، آست،

یوقاری بۇلماق.

تحت الارض taht-ol-arz: ۱. مر. [ع]

یر آشاغی، تحت الارضی: یر آستی، یرینگ آشاغیندن چیقان زات.

تحت الحفظ taht-ol-hefz: ص. [ع]

قول آستیندا قورالیپ ساقلانما، قاراویل لیک و ساقلاولیک.

تحت الحمايه taht-ol-hemāye:

ص. [ع] حمایتده بولان، باشغا بیر یووردینگ قولداوینده قول آستینده بولان یورت، هنیز قاراشیق سیزلیغی

آلمادیق یۇرت.

تحرک taharrok: مص. [ع]

قوزغانماق، حرکته سالماق،
قیمیلدماق، تبرانمک، حرکته
دوشمک.

تحریم taharrom: مص. [ع] حرمت

ساقلاماق، بیرینینگ کپینه حرمت
قویماق.

تحریر tahrir: مص. [ع] ۱. آزاد اتمک،

بیر بندهنی آزاد اتمک، ۲. یازماق آواز
اۋقانگدا سسینگى آلدیغیندن قاتی
چکمک، چیقارماق.

تحریر tahris: مص. [ع] حریر

آیلانديرماق، طماع سالماق،
هووسلنديرمک، مجبور اتمک،
بیرینی بیر ایشه یابیر زادا
قالقیندیرماق.

تحریر tahriz: مص. [ع]

هووسلنديرمک، میللنديرمک،
مجبور اتمک، شاوخینلانديرماق،
اوچوكدیرمک، قالقیندیرماق،
تولقونديرماق.

تحریف tahrif: مص. [ع] اۋزگرتمک،

اوورمک، اویستگتمک، اوورمک و
آیلانديرماق، بیرینینگ سوزینی اوز
اصلیندن و اونگی حالتندن آیریب
بیر ناچه سۆزلری آرتدیریب یا

تحت الشعاع taht-oš-šo'a': ص. [ع]

شعله نینگ آستی، بیرینینگ
یاغتی لیق اته گینده، بیرى یا بیر زات
اوزیندن اولی و مهم زادینگ
قارشى سینده قرار تاپیب جلوه و
گۆزنیگی بۆلمادیق، ایکی اوج گون
قمری آیینینگ آخرینا قالاندا آیینگ
جرمی قاراسی نینگ یتمه گی.

تحت اللفظی taht-ol-lafzi: ص. [ع]

سۆز مه سۆز و کلمه به کلمه ترجمه
اتمه.

تحتانی taht-āni: ص. ن. [ع] آشاغا

باغلی، اته گه باغلی، آشاغی.

تحریر tahjir: مص. [ع] قاتیماق،

برکیمک، یرینگ داش توه رگنه علامت
قویماق، یرینگ توه رگنه داش بيله
بللک اتمک، داش آیلاماق.

تحدث tahaddos: مص. [ع]

کپله مک، خبر برمک، آیتماق.

تحدید tahdid: مص. [ع] بیر زادینگ

اینی بونی تاپماق، بیر یرینگ
آراچاگنی بللیک اتمک، بیر زادینگ
داش توه راگنی چا کلنديرمک

تحدیر tahzir: مص. [ع] قورقیزماق،

قاچیرماق، ال چکدیرمک.

کملدیپ دگیشرمک و معنی سینی
اویتگتمک، یوماق .

تحریق tahriq: مص. [ع] یاقماق، اود
برمک.

تحریک tahrik: مص. [ع]
قیمیلدا تاق، شوغوللاماق، غیلاو
برمک، قوزغاتماق، اوغراتماق،
قورجالاماق، آزدیрмаق، کوشگورمک،
اوجوکدیرمک، میچوبرمک.

تحریم tahrim: مص. [ع] حراملاماق،
بیر زادی یا بیر ایشی حرام
آیلاندىرماق، اونگینه گچمک، منع
اتمک.

تحریمه tahrime: ا. [ع] نمازده
تکبیرلمه، نماز تکبیری، نمازدان
باشغا کلامی اوزونگه حرام بیلیمک.
تحرزب tahazzob: مص. [ع] بۆلک
بۆلک بۇلماق، توپار توپار بۇلماق،
بولینمک، دسته دسته بۇلماق،
بیری نینگ رایندن یا بیر مرامیندا،
طرفدارلیق ادیب ییغنانماق.

تحرزین tahzin: مص. [ع] قایغیلى
اتمک، توقات لاندیرماق، قایغا
قالدیрмаق، قایغا قویماق.

تحسین tahsin: مص. [ع] قاولیغا
چاغیرماق، قاوی سایماق، برک الله

دییمک، قاولیغا دگیشلی اتمک.

تحصن tahasson: مص. [ع]

ایسلگلی بۇلۇپ قاتی برک و پوغتا
یرده جایلاشماق، بیر امن یره بارپ

اوتورماق، بیر یره بارپ پناه گتیرمک.

تحصیل tahsil: مص. [ع] ییغناماق،

اله گتیرمک، درس اوقیماق، بیلیم

اوورانمک، حاصل اۇنیم آلماق، علم

قازانماق، سافاق آلماق

تحفظ tahaffoz: مص. [ع] اوزونگی

ساقلاماق، ساقلانماق، قاجادورماق،

آگاه بۇلماق، پرهیز اتمک.

تحفه tohfe: ا. [ع] سوغات، هدیه،

سرپای، حالات، بهالی زات، تحف

جمع.

تحقق tahaqq: مص. [ع] حقیقت

تاپماق، حقیقتاً بیر یگمک، دوغری

بۇلماق، چینه اۇرۇلماق،

حقیقت لانماق.

تحقیر tahqir: مص. [ع] کیچی

سایماق، یانگیسلاماق، خارلاماق،

کمستیمک، پستلتمک، ایرباسلاماق.

تحقیق tahqiq: مص. [ع] بیر ایشینگ

ایزینا یتمک، بیر زادینگ آنیغینا

یتمک، حقیقته یتمک، سوراغلیق و

یتیشکلیک اتمک، گۇنلیک و

دوغرىلىق.

تەككىم tahkim: مە. [ع]

ماكانلەمەك، بركىتمەك، پوغتالاماق،

بىر اولى وظيفەنى بىرىنە تابشىرماق.

تەھلل tahallol: مە. [ع] گەندەن اوتوب

ھالە اوورلەمەك، ئەنە كەھەرە بىرە

ئەندەن ساويلماق و دىنماق،

ھالەلىنى اىستەمەك.

تەھلىف tahlif: مە. [ع] ئەنە بىرەمەك.

تەھلىل tahlil: مە. [ع] ۱. ھالەلاماق،

روا و جەيز بىلەمەك، آچماق، چۆزەمەك،

۲. اىمىتى مەدەدە سىنگدەيرەمەك.

تەھمق tahammoq: مە. [ع]

اۋزۈنگى سامسىقلىغا اوورماق،

اۋزۈنگى آقاماقلىغا اوورماق.

تەھمىل tahammol: مە. [ع] صبرلى

بۇلماق، جىداماق، طاقت گەتەيرەمەك،

جىداملىق، دورىملىق.

تەھمىد tahmid: مە. [ع] شەكر اتمەك،

ستەيش اتمەك، اۋومەك، ماغتاماق، ئەنە

آيتماق، دەا اتمەك.

تەھمىر tahmir: مە. [ع] قىزارتماق،

قىزىل ارنگ اتمەك، رەنگىنى قىزارتماق.

تەھمىق tahmiq: مە. [ع] آقاماق

سايماق، بىرىنى آقاماق بىلەمەك.

تەھمىل tahmil: مە. [ع] يۈكلەمەك،

بىرىنىنگ آرقاسىنا يۈك اوورماق، بىر

ايشى زور بىلەن بىرىنىنگ بۇنىۋنا

داقماق، زورلاماق، تۈنگەمەك.

تەھول tahawwol: مە. [ع] بىر

دۇرمۇشەن آىرى بىر دۇرمۇشا

اۋورۇلمەك، بىر ياغدايدەن باشقا بىر

ياغدايا گەچمەك، اۋزگەمەك.

تەھويل tahwil: مە. [ع] اوورمەك،

اويتگەمەك، ىرلەشەيرەمەك، گۈچۈرەمەك.

تەھويل سال: بىلەن دگىشەمسى، بىلەن

عۈش بۇلماق.

تەھىت tahiyat: مە. [ع] سلام

آيتماق، درود اىيرەمەك، ھوش گەلەنگە

دەيمەكلىك، تەھىيات جەمەك.

تەخ tax(x): ۱. [ع] تەرشى خەمىر،

كۈنجىنىنگ كۈنجاراسى، خەمىر

مايا.

تەخ tax: ۱. كۈنجى كۈنجاراسى.

تەخارىب taxārib: ۱. [ع] آرىنىنگ

اويلرى، دىكەلەر، آرىنىنگ كەنگە،

جەمەك تەخروپ.

تەخەسم texāsom: مە. [ع] بىرى

بىرىنگە بىلەن دۈشمەنلىك اتمەك،

بىرى بىرىنگە بىلەن اۋرۇش اتمەك.

تەخت taxt: ۱. دورە بورج اوسسول،

تەختە و دەمىردەن بىرلەن اورتورلەقىچ، يا

مخصوص پادشاهلارینگ اوتوریان تختی، مونگا اورنگ و اورند هم دیییلیار.

تخت بلقیس taxt-e-belqeys ۱.مر. ۱. ملکه سبا و بلقیسینگ تختی دییپ آدلاندیریلیار، اؤنؤنگ ایوانینی بیر سالیم وقتده سلیمانینگ یانینا اکیدیلیپ دیر، عرش بلقیس دینپده آیدیلیپ دیر ۲. تخت بلقیس دییپ گون دوغار آذریایچانده یرلشیان داغلارینگ آراسیندا بیر داغینگ آدی هم بؤلمالی.

تختخواب taxt-e-xāb ۱.مر. آغاچ دیر یا دمیر یالی نارسه دن اؤستونده یاتماق اوچین یؤریته یاسالان دورت آیاغلی دورت بورچ تخت.

تخت روان taxt-e-rawān ۱.مر. دورت اوزین سایی صندقه منگزش تخت، اؤستونده مسافر اؤتوردیپ آدم لار اونى گرشینه آلیپ گوتریار، و یادا اونونگ اونگینه ایزینا ایکی آط داقیپ اکیدیلیان اکن.

تخت سلیمان taxt-solimān ۱.مر. ۱. روایتہ گؤزا ارتہ کیلرده آیدیلماغنا گؤزا، اول سلیمان پیغمبرینگ تختی نینگ آدی، سلیمان پیغمبر اول

تختده اؤتوریپ یلینگ گویجی بیلن هاوادلان حرکت ادیان اکن ۲. تخت سلیمان آدیندا اول تخت رضائیہ نینگ دریاچه سی نینگ تۆورگینده مراغا بیلن تبریزینگ یولیندا قدیم شهر دن قالان خارابالاردان شیز و آتشکده آذرگشتسبدن باقی قالیب دیر.

تخت طاووس taxt-e-tāwus ص. ۱.مر.

نادر شاه افشارینگ هندوستانده پادشالیق تختی بؤلمالی، اول تخت آیراتین طیلادلان بولان، دورت بورجلی سکیز پایہ لی و ایکی باسانجاغلی بؤلؤپ، بو تخت دورلی جواهر و مونگلرجه الماس زمرد، لعل و یاقوت یالی زاتدان ایشلنیپ بحرلیپ دیر، و طاووسینگ هیکی دورلی جواهردان قبه ادیب قوییلان، اول تخت هندوستانده شاه جهانینگ زامانینده یاسالان اکن، سؤنگ اورنگ زیپ اونى اونگات تآرده بزآدیر، روایت ادیارلر آغا محمدخان قاجار اؤنؤنگ اهلی گوهرلرینی قوفاریپ ساتیپ و تختدان هیچ بیر اثر قویماندیر، آخرده فتحعلی شاه قاجارینگ فرمانی بیلہ طاوس تختی

تخطی taxatti: مص. [ع] خطا اتمک، عاصی چیلیق اتمک، حدینگدن آشا گیتمک، حددن آشماق.

تخفی taxfi: مص. [ع] گیزگنمک، بوقولماق، یاشیرینماق.

تخفیف taxfif: مص. [ع] ینگلتمک، کمالتمک، بیر کلمه‌نی (سؤزی) آنکساتلیق اوچین آزالتماق.

تخلص taxallos: مص. [ع] ۱. آرکین بۇلماق، بوشاماق، خلاص بۇلماق، ۲. شاعر لرینک قوشغی سینینک اته‌گینه اوزینه خاصلان لقمنی کتیرمک لیگی.

تخلف taxalof: مص. [ع] ترس ایش اتمک، اقرارینکده دورماسیزلیق، وعده خلاف بۇلماق، سؤزینکده تاپیلماسیزلیق، ایزه قالماق.

تخلل taxalol: مص. [ع] ایلدشلرینک، قارینداشلارینک آراسینا گیرمک و نفوذ تاپماق، دیش آراسینا گیرن زادی چیقارماق.

تخلیص taxlis: مص. [ع] ایراتینلاماق، ایلاتلاماق، آزاد اتمک، بوشاندیرماق، قیسغالتماق.

تخلیه taxliye: مص. [ع] بوشاتماق، ایچینی زادسیر اتمک، گویرمک.

یاسالیپ دیر، ایلکی اول تخته گون شکلینده بۇلماغنا گؤرا، تخت خورشید آد قویپ دیر، سؤنگ فتحعلی شانینگ اصفهانلی عیالی نینگ آدی طاوس بۇلماغنا گؤرا اول تخته تخت طاوس دیپ آدلاندیریپ دیر. شو وقت بو تخت بۇلسا تهرانده گلستان دیلن کاخده ساقلانیار.

تخته taxte: ۱. یوغین آغاچدان کسلیپ ادیلیان یاستی نأرسه، تاختا.

تخذیر taxdir: مص. [ع] قاوشاتماق، یاغایدان دوشورمک، یاغادی سیز اتمک، سینگرلری بیحال اتمک، حال سیز اتمک.

تخریب taxrib: مص. [ع] خرابلاماق، ویران اتمک، ییقمایومورما.

تخصص taxassos: مص. [ع] چپرچیلیک، بیر ایشه چپر چیلیگینک بۇلماق لیق، استادلیق بولماق.

تخطئه taxta'e: مص. [ع] بیرینینگ ایشیندن خطا توتماق، یازیقلی اتمک، بیرینیک ایشیندن یالنگیشلیق توتماق.

تخم toxm: ۱. دانه، تخم لایق دانه، دول،
خایا، ارکک لیک.

تخماق toxmāq: ۱. ت. توقماق،
آغاچدان بجرلن توقماق.

تخم مرغ toxm-e-morq: ۱. یومورتغا.
تخمه toxame: ۱. [ع] معدده ایمیت
سینگمان قالماغی، کوپ اییپ آداما
نقصان یتیشمه گی.

تخمه toxme: ۱. کادی و قارییز
قاوینینگ چگیدی، قارا دانه، و ش.م.
تخمه toxme: ۱. نسل، تخم تیچ، دول.
تخمیر taxmir: مص. [ع] خمیر اتمک،
خمیره، مایا قوشماق، خمیری
آلدیрмаق.

تخمین taxmin: مص. [ع] چن اورماق،
اؤلچمه مک، تاخمین اورماق، بیر
زادینگ بهاسینی گمان بیله چن بیله
بللی اتمک.

تخوت taxut: [ع] تختلار، جمع
تخت.

تخویف taxwif: مص. [ع] قورقیزماق،
خوفلاندىرماق، اورکیزمک.

تخیل taxayyol: مص. [ع]
خیاللانماق، خیالی حساب ادیب
گمان گتیرمک، فکره باتماق،
اولومسی بۇلماق، شبهه لنمک.

تداخل tadāxol: مص. [ع] داخل
بۇلماق، بیر بیرینگه گیرمک، طب
آدالفا سینه ایین، ایمیتینگ
سینگماکأ ینه اوستینه ایمیت ایمک.
تدارک tadārok: مص. [ع]
تاییارلاماق، تایینلاماق، اوپجین
اتمک، تتارک گۆرمک، یالنگیشینگى
دوشونپ دوزالتمک، عوضینی
برمک.

تداعی tadā'i: مص. [ع] بیرى
بیرینگى ایسته مک و اویشمک،
یسینانماق، بیرى بیرینگ بيله
اوروشماق، ذهینده گچن خاطرالار
یوزه چیقارماق، گۆزاؤنگونه گتیرمک.
تداعی معانی tadā'i-ye-ma'anāi
بیر معنى دن باشا بیر معنى گه
دوشونمک، بیر معنى دن ایزارلاپ
باشا بیر معنى نی یادینگه گتیرمک.
تدافع tadāfo: مص. [ع] قورانماق،
بیرى بیرینگى قوراماق، بیرى
بیرینگى ایزینا اوراماق.

تداول tadāwol: مص. [ع] بیرى
بیرینگدن ال بهال اؤورؤلْمک،
بیریرینگدن نوبت یوزیندان بیر زادی
آلماق، رواج بۇلماق، یورگونلى بۇلماق.
تداوی tadāwi: مص. [ع] درمان

اتمک، علاج اتمک، ام اتمک.

تدبیر tadbir: مص. [ع] بیر ایشینگ
سۈنگۈنی سایناریپ اویلانماق، بیر
ایشه دقتلیق بیلە اویلانماق، و
آنگشارماق، چاره گۆرمک.

تدریج tadjir: مص. [ع] پله پله
یوقاری چیقماق، آسسا آسسادان
ایش اتمک، یواش یواش اووه گیتمک،
آز آزدان اووه گیتمک.

تدریس tadrir: مص. [ع] سافاق
برمک، درس برمک، درس آیتماق.

تدقیق tadqiq: مص. [ع] دقت اتمک،
ایسنجیقلیق اتمک، ایسچەدن
ایزارلاماق، اونس پریک اویلانماق.

تدلیس tadjlis: مص. [ع] بیر زادینگ
عیبینی اورتمک و گیزلمک، اوز
عیبینگی و اوز زادینگ گیزلمک،
آلداماق، عارفلارینگ آدالفاسیندا
صوفیلیق اشیکده فسادیلیغا یوز
اورماق.

تدمیر tadmīr: مص. [ع] هلاکلمک،
یوق اتمک، نابود اتمک، آرادان
آییرماق، دارغاتماق.

تدنی tadanni: مص. [ع] آز آزدان
یاقینلاماق، اتاگه دوشمک، پسلمک.
تدویر tadwir: مص. [ع] تگلک

اتمک، تگلامک، آیلاماق.

تدوین tadwin: مص. [ع] دیوان
دوغورلاماق، شعرلری یا مطلبی بیر
دقترده بیغنماق، بیر زات دیوانده
یازماق.

تدین tadayyon: مص. [ع] دین
دارلیق، دینلی بۇلماق، تقوالیق.
تذرو tazarw: ا. قیرقاوول، سولگون،
میدان تاوویق، دره خوراز، داغ خوراز،
یابان تاوویق.

تذکار tazkār: مص. [ع] یادلاماق،
ذکر اتمک، یادینگا گتیرمک.

تذکر tazakkor: مص. [ع] یادا
گلمک، یادا سالماق، اونوتماسیزلیق.
تذکیه tazkiye: مص. [ع] اودی
اوچلندیرمک، اودی اؤلچرمک،
یاقماق، حلال مالی داماغین
چالیپاولدیرمک.

تذلیل tazlil: مص. [ع] دلیل اتمک،
خوار اتمک، ارید سایماق،
عجیزلتمک، پس سایماق.

تر tar: ص. تازه، سولی، یانگجه
یولینان.

تراب torāb: ا. [ع] یر، توفراق، قوم،
اتربه و تریان جمع.

تراب tar-āb: ا. مص. دامجا سیزما،

کویزه‌دن قابدان سوونگ سیزیب
دامجالاماغی «سوو کویزه‌سی
کویزه‌ده سیزلار».

تراجع 'tarājo: مص. [ع] ایزه
دولانماق، ایزینگا اوورولمک، بیر
ایشده بیرى بیرینگه دوشیشیپ
گوررونکدش بولماق.

تراخم tarāxom: ا. [فر] گۆز کسلى،
اؤنؤنگ کسلىندن پرده‌سى چیشیپ
و تووره‌گى چیرکلأب جوش اوریب
آیراتین میکروبینگ یوقۇشماغیندا
گویجه‌مه‌گى، شيله‌ده اونسى علاج
ادیلمه‌سه گۆز کور بولماغینا سبب
بولمالى.

ترادف tarādoḡ: مص. [ع] بیر اوغورد
بولماق، ایزلى ایزینده دورماق، بیر
خطرده بولماق، ایزلى ایزینا قرار
تاپماق.

تراز tarāz: ا. زینت، گۆز، بزک،
گیمینگ یا متانینگ دورلى نقشى و
بزگى.

تراز tarāz: ا. سوو اؤلچگى، بییک
چوککلیگى آنکلادیان آبال، قورال.

ترازنامه tarāz-nāme: ص. مر. بیر
ییلینگ خرجى و دخلینى یعنى
گیرده‌جیسینى و چیقداجى‌سنى

بیلدیریان حساب، بیلان آدیندا.

ترازو tarāzu: ا. تره‌زى، میزان.

تراژدى terāžedi: ا. [فر]

توقات‌لاندیریجى نمایش، یاشایش‌ده
غملاندیریجى قصه و یا نمایش،
مصیبت، بدبختلیق، یأس.

تراشکار tarāš-kār: ص. فا. دمیر

پولاد یالى زادی یونیان آدم.

تراشکاری: دمیر یونیلیان یر.

تراشه tarāše: ا. یونفۇج.

تراضى tarāzi: مص. [ع] بیرک

بیرکدن راضى بولماق، بیرک بیرکدن
شاد بولماق، ایللاشماق.

ترافع 'tarāfo: مص. [ع] دعوالاشیپ

بیله قاضى‌نینگ یانینا گیتمک، و یا
اکیتمک.

ترافق tarāfoq: مص. [ع] بیله دوست

بولماق، بیله یولداش بولماق.

ترافیکی terāfik: ا. [انگلا] یول‌لاردا

کلیم گیدیم، قاتناولیق ماشین
آلاتینگ قاتناماغى یول حرکتى،

تراک tarāk: ا. آیریق، یاریق، ذیلیک.

تراک tarāk: ا. بیر زادی‌نگ

یاریلماغیندن یا دؤویلمگیندن دورایان

سس، گونگ گوفیرده‌مه‌سى یالى.

تراکم tarākōm: مص. [ع] اوست

اوستسنه ییغنانماق، اویشمک، یاتان
باشاغا یلیق بۇلماق، گورمه لشیك،
كۆيلوك.

تراوای terāmway: ۱. [فر] برقى
واگن، شهر دمير يولى، مسافرلارى
شهرينگ ايچينده قاتناديان آياق
اولاغ.

ترانزيت terānzit: ۱. [فر] بير يورتدان
آيرى بير يورده ماليات سيز
گمرک سيز مال گچمه يعنى گچيرمه.
ترانزىستور terānzistor: ۱. [انگلى]
ايكى کلمه دن يوغورلان، گوجيريلمک
و دورى ملى ليق معنیده اول
۱۹۴۸نجى يیلده آمريکاده
دوزادى لىپ شونينگ اوستى بيلن
کيچى رادىولارى ياساهاق ممکن
بۇلۇپ دير.

ترانسپورت terānsport: ۱. [فر]
يوک داشايان بارى لار، ماشين لار.
ترانه tarāne: ۱. ص. ۱. آيديم ۲. تر و
تازه، جوان، ييگيت، آوادان ييگيت.

تراورس terāwers: ۱. [فر] دمير
يۇلۇنگ آشاغيندا دوشليان قالينگ
تاختا.

تراوش tarāwoš: ۱. ص. ۱. سيزماق،
دامماق، ۲. دامجا معنيده.

ترب torob: ۱. تَرْب.

تریت torbat: ۱. [ع] قوم، توپراق، گور،
قبر، مزار.

ترېچه torob-če: ۱. سبزی نينگ بير
گۆرنوشى.

ترييت tarbiyat: مص. [ع] اكله مک،
ساقلاماق، تربيه لمک، بيرينه تربيه
اخلاق اوورتمک، اؤگوش.

ترتيب tartib: مص. [ع] برک، قايم،
ماکام لمک، هر زادی اوز يرينده
قويماق، ترتيبه سالماق،
دوزگونلشديرمک، ايزلى ايزينا
قويماق.

ترتيزک tar-tizak: سبزی لرینگ بير
گۆرنوشى.

ترتيل tartil: مص. [ع] سؤزى
تيمارلاب آيدينگ لانديرماق، قرانى
قاوى سس بيلن دوغرى قرائت
اتمک، دوغرى اوقیماق.

ترجمان tarjomān: ص. [ع]
ترجمه چى، تراجمه و تراجم جمع،
ايكى ديل بيليان آدم، ديلماچ.

ترجیع tarjih: مص. [ع] يوقارى
گۆرمک، ايل گۆرمک، بلند سايماق
آرتيق گۆرمک.

ترجیع 'tarji': مص. [ع] اوويرمک،

رئیس باشلیق معنیده.

ترخیص tar-xis: مص. [ع] رخصت
برمک، اذن برمک، اجازه برمک،
بوشاتماق.

تردد taradod: مص. [ع] ۱.
شبهه لنمک، ایکی گونگل لی بؤلماق،
گلیم گیدیم اتمک، قاتناو اتمک ۲.
ایچ گچمه کسلی.

تردست tar-dast: ص. مر. کنایه
سؤزی: قاتی چاققان، زنگ، چپر،
چالت.

تردید tardid: مص. [ع] اوویرمک،
دولانماق، ایکی گونگل لی بؤلماق،
شبهه لی بؤلماق.

ترس tars: ۱. خوفلیق، قورقماق،
قورقی، اویشنمه.

ترس toros: ۱. ص. قاتی تدریم یر،
دمیریگن یر، پیل ایشله مه یان قاتی
یر.

ترس tors: ۱. [ع] قالقان، فولاد
قالقانی.

ترسا tarsā: ۱. ص. مسیحی، عیسوی
مذهب، نصرانی، ترسایان جمع.

ترساندن tarsāndan: (= ترسانیدن)
مص. م. قورقیزماق، بیرینیگ
یوره گنه قورقی سالماق، ایمندیرمک.

ایزینا دولماق، آواز، سسی آواز بیلن
بوقیرداقدا آیلاماق.

ترجیع بند tarji'-band: بدیع آدیندا
بولان علم آدالغاسینده شاعر ناچا
بیتلی غزلی سازلاشیقلی و تفاوتلی
قافیه ده آیدیب و هر بنددن سؤنگ بیر
بیتی قایتالاب آیری قافیه بیلن
کتیرمه گی، اونگا بند گردان هم
دییلیار.

ترحم tarahhom: مص. [ع] رحم
اتمک، رحملی بؤلماق، مهربانلیق
اتمک، سله رحم.

ترحیم tarhim: مص. [ع] مهربانلیق
اتمک. سلام ایبرمک، الله رحمت
اتسین دیمک.

ترخان tarxān: ۱. اوتونگ بیر
گؤزنوشی، ترخون.

ترخان tar-xān: [ت] مغل
پادشاهلارینگ بیر نیچه اولی
آداملارینا و شاهزاده لارینا بریان
لاقامی، هر کیم بو لقمی آلسا، اول
اهلی آلتیان باج و خراج دان دینیان،
قالیبرسه ده هر وقت پادشاه نینگ
حضورینا بارجاق بولسادا هم
اجازه سیز گؤنی باریپ بیلیان اکن،
عربی سؤزوندن ترخان دییلیانی،

ترسناک tars-nāk: ص. مر. قورقیلی،

قورقینچلی، قورقینچ، الهنج.

ترسو tarsu: ص. قورقاق، قورقماسیز

یرده قورقیان.

ترسیدن tarsidan: م. ص. ل. قورقماق،

خوف اتمک، ایمنمک، حواتیرلانماق.

ترسیم tarsim: م. ص. [ع] رسم

چکمک، ایز قویماق، نقشه چکمک.

ترش torš: ص. تورشی.

ترشح taraššoh: م. ص. [ع] سیزماق،

داشینا نم چیقماق، «سؤو کویزاسی

کویزهده سیزلار نقل»، سوجارماق،

درله مک.

ترشو torš-ru: ص. مر. یوزی گوزی

چیتیک، یوزی تورشیتمه، بد قیلیق

آدم، یوزی توتوق آسیق آدم.

ترشک toršak: ا. آجی بالغان، قیزیل

بالداق، تورشوجا.

ترشیدن toršidan: م. ص. ل.

تورشیماق، ترشی داتلی بؤلماق.

ترعه tor'e: ا. [ع] بوغاز، ایکى

دنگیزینگ آراسنی بیریکدیریان سؤو

یولی، کانال، گامی لرینگ هم قاتناو

اده بیلیان سووی، ترع جمع.

ترغیب tarqib: م. ص. [ع]

هووسلندیرمک، میللندیرمک،

ایسلندیرمک، اوزینه چکمک.

ترفتنج tarfanj: ا. ص. قاتی، چتین،

اینجه قین یول.

ترفند tarfand: ا. ص. مکر، یالان،

هیتیر، حيله، پوچ سؤز.

ترفیع tarfi': م. ص. [ع] قالدیرماق،

اولالتماق، بیگلتمک.

ترقی taraqqi: م. ص. [ع] اؤسمک،

اؤسوش، یۇقاری گیتمک، یۇقار درجاً

یتمک، ترقی.

ترک tark: ا. آردلاشیقلى موتور یا

مالا آردلاشیب مینمک، آردلاشماق،

آردینا مینمک.

ترک tarak: ا. پارقیلدى، قاتی سس.

ترک tarak: ا. ص. ۱. کیچی راک،

چیغلى، ترو تازه ۲. آوادان قیز

معنیده.

ترک tarak: ا. یاریق، دیلیک، اویۇق.

ترک tork: ا. ساری نژاددان اولی

طایفا، قدیم وقتده اولار ترکستانده و

چینینگ قایراسیندا یاشایان اکنلر.

ترک tark: م. ص. [ع] قویماق، بیر

ایشدن یا بیر ژاتدان ال چکمک،

تاشلاماق، ترک اتمک.

ترکاندن tarak-āndan: (= ترکانیدن)

م. ص. م. دیلمک، یارماق، پارتلاتماق.

- ترکمن torkaman: (= ترکمان) ۱. آشایندان گلیان کچه.
- ترکمن لر کۆپلنچ ایرانینگ ترکمن صحراسیندا ترکمنستانده و افغانستانده، عراق دا و سوریه ده یاشایارلار، اوزلری هم حنفی مذهب، دیل لری ترکمن دیلی.
- ترکه tarake: [ع] اولی دن قالان مال، ترکه، میراث.
- ترکیب tarkib: مص. [ع] یوغورماق، بیریکدیرمک، قارماق، قاتیشدیرماق، قاریشدیرماق، بیرزادی بیرزادا اوتورتماق.
- ترکیب بند tarkib-band: ص. مر. [ع]. فنا [بدیع علمینگ آدالغاسینده شاعر بیر ناچه بند قوشغینی سازلاشیقلی، تفاوتلی قافیهلرده آیدیب هر بندده بیر بیت ی آیراتین قافیهدده گتیرمگی، مثال ترجیع بند یالی، اما ترکیب بندده بیت قایتالامایار.
- ترلان tarlān: ۱. [ت] تارلان، آوچی قوش، آغیر قوش.
- ترمز tormoz: ۱. روسی سۆزی، ماشینی حرکتدن دوشوریان، ماشینینگ گیدیشینی یوواشیدیان کملیان و ساقلایان قورال، تورمیز.
- ترمه terme: ۱. آط کچه سی، اییرینگ
- آشایندان گلیان کچه.
- ترمه tarme: ۱. یومشاق تمیز پارچا، تورمه، شال ماتا.
- ترمیم tarmim: مص. [ع] تیمارلاماق، آباد اتمک، بجرمک.
- ترمینال termināl: ص. فر. سونگی، اینگ آخری و پایانی.
- ترن teran: ۱. [فر] قطار، اوتلی، یولاقچی، قاتناتیان و یوک اکیدیان واگن.
- ترن taran: ۱. گلینگ بیر گۆرنوشی.
- ترور terror: ۱. [فر] قورقی، خوف، سیاست آدالغاسینده قارشی آدمالاری اولدیرمک و اولارا قورقی بـریب وحشته سالماق و ایفندیرمک لیك.
- تروریست terrorist: ص. [فر] آدم اولدوریجی، قـانخور و آدم اولدیرمه گینگ قولدا یجی سی، غافل لیقده اوز مقصدینی بر جای اتمک اوچین آدم اولدیرمک و آدمالارینگ آراسیندا قورقی و وحشت سالیان آدم.
- ترونند tarwand: ۱. (= ترفند) مکر، حيله، یالان، پوچ سۆز، ترکند و ترکنده هم دیییلیار.

ايگنه اورمه.

تزلزل tazallol: مص. [ع] تيتره مک، حرکت دوشمک، دپر نمک.

تزويع tazwij: مص. [ع] اولنمک، عيال آماق، قیزی آره برمک، قیز دؤرمؤشا چيقماق.

تزویر tazwir: مص. [ع] آلدوویچ، آلدماق، حيله اتمک، حقه ليق، ايکی یوزلی لیک، کپینگی آوادانلماق.

تسامح tasāmoḥ: مص. [ع] بیرى بیرینگی آنکسات ینگیل توتماق، یالتالیق، گؤز باش اتمه سیزلیک، ایده مزلیک، قایرا دورماق ليق، مدار اتمک، آنکسات توتماق.

تسامع tasāmo': مص. [ع] بیرى بیرینگدن اشیتیمک، بیرک بیرکدن نقل اتمک، روایت اتمک.

تساوی tasāwi: مص. [ع] دنگ بؤلماق، برابر بؤلماق، دنگلشمک، دنگلیک، جییسرلیک.

تسیح tasbih: مص. [ع] سبحان الله دیمک، اللهنى یادلاماق، خدای تعالی نی ذکر اتمک.

تست test: ا. (انگل) درنگاو، سیناو.

تسجيل tasjil: مص. [ع] برکلمک، قایم لاما ق، شرطلشمک، قبلا مهر

تروند tar-wand: ا. ص. تازه یستن ایمیش، تازه یتیشن ایمیش، تازه یتیشن میوه.

ترویج tarwij: مص. [ع] رواج برمک، رونق برمک، دیکلتمک و شاولانديرماق.

تره tare: ا. ایلیان اوتونگ بیر گؤزنوشی، سبزی.

تره بار tare-bār: ا. ایر ایمش و ایلیان سبزی لردن عبارت.

تریبون teribun: . [فر] نطق جای، گورله شیلیان جای، گوررونک بریلیان یر.

تریکو teriko: ا. [فر] اوریلن اگین اشیک.

تز tez: (= تز) ا. تازه چیقپ گلیان یاپراق.

تز taz: ا. کیچی سرچه تاویره خوش آواز قوش.

تز taz: (تزه، تزه) ا. دیش، دیش آجاری.

تز tez: ا. [فر] یوقار اؤقو اؤقییان اؤقوجی لرینگ سؤنگ یازمالی رساله سی.

تز taz: ص. تاس، کلّه سی کل، ساچ سیز. تزریق tazriq: مص. [ع] سانچما،

- یازماق، عهد و پیمان باغلاماق.
 تسخیر tasxir: مص. [ع]
 اووره نیشدیرمک، مطیع اتمک، بویون
 اگمک، اوستون بولماق، حقسیز ایشه
 قویماق.
 تسریع tasri': مص. [ع] هاولیقماق،
 قیساقلی بولماق، تیزلاماق،
 چالتماق، عربچادا بو معنی ده
 پیدا انیلیمیار.
 تسطیح tastih: مص. [ع] تکیزله مک،
 یایراتماق، دوزلمک، یر تکیزلمک.
 تسفیة tasfiye: مص. [ع] بیرینی
 آقماق سایماق، نادان سایماق.
 تسکین taskin: مص. [ع] کوشیتمک،
 یواشیدماق، آرام اتمک، اینجالتماق.
 تسلط tasallot: مص. [ع] اوستم
 بولماق، ینگمک، بیر زادی قولا
 سالماق وایهله مک.
 تسلی tasalli: مص. [ع] اینجالماق،
 شادلانماق، قاینی سیز بولماق،
 دیسجلیق تاپماق، تسلی دادن،
 مصیبتلی آدما گونگلیک برمک،
 کوششدیرمک.
 تسلیت tasliyat: مص. [ع]
 گونگللیک برمک، بیرینی گ
 مسصیبیتینی و قاینی غمینی
- پایلاشماق، کونگلینی خوش اتمک،
 تسلی برمک.
 تسلیم taslim: مص. [ع] باش انگمک،
 بویون بولماق، رام بولماق، تابشیرماق،
 دیزا چوکمک، سلام آیتماق.
 تسمه tasme: ا. قاییش، قوشاق.
 تسمه آهنی tasme-āhani: قیرشاو
 تسمیه tasmiye: مص. [ع] آد داقماق،
 آد قویماق، آد لاندیرماق، آد
 داقیشلیق، آد داقماق لیق.
 تسنن tasanon: مص. [ع] سنتی و
 طریقتی قبول اتمک، اهل سنت،
 سنت یۆرلگه سینده بولماق، ابویکری
 بیرینجی خلیفه بیلان لر.
 تسویه taswiye: مص. [ع] دنگله مک،
 تایلاماق، جیبسلمک، دوغورلاماق.
 تسهیل tashil: آنگساتلاشدیرماق،
 آنگسات اتمک.
 تشابه tašāboh: مص. [ع] بیرینه
 منگزه مک، منگزش بولماق، بیر بیرینه
 چالیمداش بولماق.
 تشارک tašārok: مص. [ع] اورتاق
 بولماق، بیلل شارک بولماق.
 تشاعر tašā'or: مس. [ع] گۆز اوچین
 شاعرچیلیق اتمک، اۆزۆنگی شاعر
 گۆزکزمک و شاعر بیللمک، شعر

آیتماق.

تساغل tašāqol: مص. [ع] بیر ایشه

گویمنمک، بیر ایشه مشغول بولماق،
بیر ایش بیلہ قیزیقلانماق.

تثبت tašabbos: مص. [ع] بیر زاده

پنجه اوریب اله سالماق، بیر زادی
قولا سالماق.

تشیہ tašbih: مص. [ع] منگزتمک،

بیر زادی بیر زادا منگزتمک،
منگزشیک، چالیمداش اتمک.

تشت tašattot: مص. [ع] بیتیراما،

چاشغینلیق، آلجرانگلیق،
توقاتلیق.

تشت چوبی tašt-e-čubi: کرسن،

آغاچ قاب.

تشیج tašji: مص. [ع]

یورکلندیرمک، قوجورلانديرماق،
یورک برمک، آرقا دوروپ جرئت

برمک.

تشیخ tašxis: مص. [ع]

سایغارماق، بیر زادی بیر زاتدان
تفاوتینی بیلمک، دکتارلارینگ بیر
کسلی سایغارماقلیقلاری یالی.

تشد tašaddod: مص. [ع] قاتیماق،

قین توتماق، بویون یوغینلیق اتمک،
قینلاشدیرماق.

تشدید tašdid: مص. [ع] قاتیدماق،

ادرمن و قوجیرلی اتمک،
قواتلانديرماق، بیر کلمه نینگ
اوستونده تشدید قویماق، شونینگ
«-» یالی.

تشراف tašarrof: مص. [ع] بیر اولی

آدامینگ حضورینا بارماق، اولالماق،
بیگلیمک، حضور تاپماقلیق،
گیتیمکلیک.

تشریح tašrih: مص. [ع] آچماق، بیر

زادی آچیپ آنیقلاشدیرماق، بیر
زادی چوزمک، شرح برمک، بیر
مطلبی عیان اتمک.

تشریح tašri: مص. [ع] بیان اتمک،

بیر یولی یا شریعتی عیان اتمک.

تشریف tašrif: مص. [ع] ۱.

بیگلیمک، حرمتلاماق، سیلاماق،
اولالتماق ۲. خلعت برمک معنیده.

تشریق tašriq: مص. [ع]

آیدینگلاماق، نورلانديرماق،
گوزکلندیرمک، گوزللشدیرمک.

تشریک tašrik: مص. [ع] اورتاق

اتمک، شارک اتمک، قاتیشدیرماق،
قوشماق، عربچه کووشه باغ
اوتورمک.

تشک tošak: ۱. کورفنچه، دوشکچه.

تشکر tašakkor: مص. [ع] شکر
اتمک، منت دارلیق بیلدیرمک، ساغ
بول دیمک.

تشکل tašakkol: مص. [ع]
شکلنمک، اونگات صورت تاپماق،
گلشیگه گلیمک، قاوی صورتا
اؤزورلمک، قورولماق.

تشکیل taškil: مص [ع] بیر زادی
قورماق، دوغورلاماق، بجرمک.
تشکیلات taškilāt: قوراما.

تشمیر tašmir: مص. [ع] سینینگ
یوقار چکمک، چالتلیق بیلن
گچمک، بیر ایشه اراده اتمک، بیر
ایشه تاییارلانماق، تایینلانماق، بیر
مقصده یوز اؤرماق.

تشنج tašannoj: مص. [ع]
چکیشمک، اون ایکی اندامینگ
سونگکونگ چکیشمک، اونگکی
یاغدایدان آیریلیپ تتراما دوشمک،
سیقیلماق، قالا-قۇلی یاغدا یا
دوشوپ یاتماق.

تشنه tešne: ص. سوساما، انسان دیر
حیوانینگ سوو ایچماگه مأتاج
بۇلماغی، سوسیزلیق، سوسیرغان.

تشنه لب tešne-lab: ص. مر. قاتی
سووسان، اوران سووسیزلیق،

سووسیزلیقدان دۇداغی تبسیران و
قوران.

تشنع tašni: مص. [ع] بیرینی قاتی
یامانلاماق، بیرینینگ عیبینی ایله
یایماق، بیرینینگ عیبینی آشکار ادیپ
رسوا اتمک.

تشویش tašwiš: مص. [ع] آالجیرانگ
بۇلماق، چاشغینلیق، توقاتلیلیق،
پریشان یاغدا یا بۇلماق.

تشویق tašwiq: مص. [ع] بگندیرمک،
شادلاندرماق، بیرینینگ ادیان
ایشینینی اؤومک، ایشینه

هووسلندیرمک، اؤوگی، سیلاغلاماق
تشهد tašahhod: مص. [ع] شایادلیق
ایسته مک، گواهلیق ایسته مک،

شہانت اشهدان لاله الله دیپ آیتماق.
تشیع tašayyo: مص. [ع] ایزارلاماق،
ایزینا اییرمک، شیعه بۇلماق.

تشیع tašyi: مص. [ع] بیرینینگ
ایزیندان گیتمک، یولا سالماق،
آیریلیان آدمی یرلهاگه گیتمک،
وفات بولان آدمی یولا سالماق.

تصاحب tasāhob: مص. [ع] ایه
بۇلماق، بیر زادی ایه لمک، اله
سالماق.

تصادف tasādoḥ: مص. [ع] بیرینه

دگمک، چاقیشماق، بیلہ یوزبہ یوز
بؤلماق، توتاندان بیرینه دوش گلکم،
مثال اوچین ماشین دیر یا بیلہ کی
وسیلہ لر، بیرری بیرری بیلہ
چاقیشماق.

تصادق tasādoq: مص. [ع] بیلہ
دوستلوق اتمک، بیلہ دوستلوق و
دوغری ليق اتمک.

تصادم tasādom: مص. [ع]
چاقناشیق، بیر بیرینه قاتی
دگیپ آورناماق، یکی زاد قاتی بیر
بیرینه دگیپ آورناماگی.

تصاعد tasā'od: مص. [ع] یوقاری
چیقماق، بللی درجه ده یوقاری
چیقماق.

تصاویر tasāwir: [ع] صورتلار،
پردہ لری نینگ یوزونه بیرری نینگ
صورتی چکیلک.

تصحیح tashih: مص. [ع] دوزله مک،
کتابی نینگ یالنگیش یرلرنی دوزالتمک.
تصحیف tashif: مص. [ع] یالنگیش
یازماق، بیر کلمہ نینگ نقطہ سینی
آزالدیپ یا کوفالدیپ اویتگتمک.

تصدق tasddoq: مص. [ع] صدقه
برمک، بیر زادی بلالاردان قوریسین
دیپ بیر ماتأجه ذات برمک، خیرات

اتمک.

تصدی tasaddi: مص. [ع] بیر ایشہ
هوتدالتمک، بویون آماق، بیر ایشہ
اراده اتمک، بیرینه ال اوزاتماق،
قارشى بؤلماق.

تصدیع tasdi': مص. [ع] زحمتہ
سالماق، زحمت برمک، درده سر
برمک، پاسگل برمک، وقت گچیرمک.
تصدیق tasdiq: مص. [ع] دوغری و
حق بیلکم، دوغری لیغنا شایات ليق
برمک، اینانماق.

تصرف tasarrof: مص. [ع] بیر
ایشی اله آماق، اله گتیرمک، ملکلی
بؤلماق، بیر ایشی اوز میلینگه گؤزا
اویتگتمک.

تصریح tasrih: مص. [ع] سؤزی
آچیقلاپ آجا آجان اتمک، بیر ایشی
یا مطلبی آیدینگ لاشدیرماق.

تصریح tasri': مص. [ع] یره اورماق،
یره چالماق، علم بدیع آدالغاسینده
غزلینگ بیتینده اولقی مصراع سینده
قافیہ گتیریلکم، شیلہ قوشغی نی
مصراع دیپ آدلاندریلیار.

تصریف tasrif: مص. [ع] پیدا لانماق،
صرف اتمک، اویتگتمک.

تصفیه tasfiye: مص. [ع]

آراسسالاماق، پاكلامك، الين اتمك،
صافلاماق، آلفى برگىنى صافلاماق،
چوزىلمادىك زادى چوزمك، تصفيه
حساب: حسابىنگى غىرى بىلن
آچىقلاماق، صافلاماق.

تصميم tasmin: مص. [ع] توتوم
توتماق، بىر ايشه اراده اتمك، بىر
ايش اتمك ليكى يوره گىنگه دوومك و
ايشى يرينه يتىرمك اوغرىنده برک
دورماق، مقصد نيت.

تصوّر tasawwor: مص. [ع]
بىرىنىنگ صورتنى و يا بىر زادى اوز
خيالنگده مجسم اتمك، گۆز اونگىنه
گتىرمك، اويلانماق، گمان اتمك.

تصوّف tasawwof: مص. [ع]
صوفى چىلىق، اشىگىنى گىمك،
درويشلىك اتمك، صوفىلىق
خاطارىنه گىرمك.

تصويب taswib: مص. [ع] دوغرى
بىلمك، قبول اتمك، بىر ايشىنگ
حق دىغىنه حكم برمك يعنى سس
برمك، ماقوللاماق.

تصوير taswir: مص. [ع] صورت
چكمك، بىرىنىنگ يا بىر زادىنگ
هيكلىنى شكلنى نقش لاندىرماق.

تصويره taswire: ا. [ع] هيكل.

پرده نىنگ يوزونه چكىلن صورت،
تصاوير جمع.

تضاد tazād(d): مص. [ع] بىر
بىرىنگ بيله قارشىلىق اتمك،
قارشى بۇلماق، ترسلىشمك،
ايللاشمازلىق، قايماقارشىلىق
تضارب tazārob: مص. [ع] بىر
بىرىنگى يىنچمك، اورماق،
چاقىنىشىق.

تضامن tazāmon: مص. [ع] بىرک
بىرگه كفيل بۇلماق، ضامن بۇلماق.
تضرر tazarror: مص. [ع] ضرر
چكمك، زيان گۆرمك، اينجىماق.

تضرّع tazarro': مص. [ع]
عجىزلىك، پسلمك، يالبارماق،
زارىنلاماق، ارىد ياغدايا دوشمك.

تضعيف taz'if: مص. [ع] ايكى اسسه
اتمك، ايكى برابر اتمك، پسلىتمك،
عجىزلتمك.

تضمن tazmin: مص. [ع] غرامتى
تاوانى بۇيۇن آلماق، تولامك، اوز
پناهىنگه گتىرمك، جايى دولدورماق.

تضييع tazyi': مص. [ع] ضايلاماق،
بىرىنى قاتى توتماق، قاتىلىق اتمك،
هلاک اتمك، بىدرک بىر زادى بىكار
قويماق.

بیرینگ بیلە دنگ گلمک، بیرک بیرک
بیلە دنگ چیقماق، بیر میزاند
بولماق.

تعارض ta'āroz: مص. [ع] بیر
بیرینگ پأسگِل چیلک برمک، آغیز
آلار دیب قارشى بولماق.

تعارف ta'ārof: مص. [ع] بیرى
بیرینگ بیلە تانیشیپ خوش گلدینگ
دییمک، تانیشلیق برمک، بیرک بیرگه
سوغات برمک.

تعاشر ta'āšor: مص. [ع] بیلە
قاتیشیپ دوستلوق اتمک.

تعاشى ta'āši: مص. [ع] شبکور
بولماق، اوزونگی شبکورلیگه اورماق.
تعاقب ta'āqob: مص. [ع] بیرى
بیره گینگ ایزیندان گیتمک، ایزیندان
یوره مک، ایزارلاماق.

تعاقل ta'āqol: مص. [ع] اوزونگی
بیلگیچ و عاقیللى سایماق،
پایخاسلى گورکزمک، بیرى نینگ قان
آلغیسینى آرادان برمک.

تعالی ta'āli: مص. [ع] قالماق، یوقار
درجەلى بولماق، یوقار درجە معنیده،
الله تعالی: الله یوقار درجەده دیر
دییمک، خدای تعالی یوقار درجەده
دیر دییمک.

تطابق tatāboq: مص. [ع] بیلە برابر
بولماق، دنگ لشمک، منگزش بولماق.
تطبيق tatbiq: مص. [ع] ایکی زادی
درنگامک، دنگش دیریپ گورمک.

تطمیع tatmi': مص. [ع] طماع
سالماق، بیرینی طما سالیپ بیر ایشه
اوغر اتماق، طماکین اتمک،
حریص لندیرمک.

تطویل tatwil: مص. [ع] اوزالتماق،
بیر ایشى اوزاغا چکدیرمک، بیر ایشه
کوپ وقت صرف اتمک.

تطهير tathir: مص. [ع] پاکله مک،
آراسسالاماق، بیر زادی سوبیلە
یوویب آراسسالاماق.

تظاهر tazāhor: مص. [ع] آشکار
بولماق، عیان بولماق، بللى بولماق،
اوزونگی بیر یاغدایدا یا صفتده
بولماغینگى گورکزمک، بیر-بیرینگى
قولداماق.

تظاهرات tazāhorāt: مص. [ع]
قوپنن، یوزه چیقماق، بولاغایلیق.

تظلم tazallom: مص. [ع] ستم
چکمک، زیرنمک، بیرینینگ
ظلمیندن شکایت اتمک، دادگاهدان
دادخواهلیق ایسته مک.

تعادل ta'ādol: مص. [ع] بیر

تعذیب ta'zib: مص. [ع] عذاب
برمک، اینجیتماق، بیرینه آزار برمک،
خورلاماق.

تعرض ta'iroz: مص. [ع] توقینماق،
ال اوزاتماق، سؤومک.

تعرف ta'irof: مص. [ع] تانیش
بۇلماق، تانیلماق، اۇزۇنکی تانیتماق.

تعرفه ta'refe: مص. [ع] تانیتماق لیق،
تانیشرلیق خطی، زادلارینگ قیمتی،
دوشیان مالیات و عوارضینگ
صوراتی و گمرکینگ تعرفه سی دیین
یالی، تایارلانیش اصولی.

تعریض ta'riz: مص. [ع] کنایه بیلن
بیر زاد آیتماق، کنایه اورماق، یاشرین
سۆزله مک، اینینی آرتدیرماق،
اؤسدورمک، گینگلتمک.

تعریف ta'rif: مص. [ع] تانیتماق،
تانیشرلیق برمک، خبزدار اتمک،
دوشوندیرمک، بیر زادینگ آنیقنی
آچ-آچان بیان اتمک.

تعریق ta'riq: مص. [ع] درله مک،
درلتمک، چاقیری بیر آز سؤو بیلن
قارماق، قابا بیر آز سؤو قویماق.

تعزیر ta'zir: مص. [ع] کاییمک، ادب
اتمک، ینچمک.

تعزیه ta'ziye: مص. [ع] یاس توتماق،

تعاون ta'awon: مص. [ع] بیرک
بیرگه کمک اتمک، بیرى بیرینگه
یارى یتیرمک، آرقالاشماق،
کمکلشمک، قولداماق.

تعیر ta'bir: مص. [ع] بیر مطلبی
آچاچان اتمک، بیان اتمک، دیش
یورماق، اوز مقصادینگى بیر عباراتدا
دوشوندیرمک.

تعیه ta'biye: مص. [ع] بزه مک،
بحرمک، تاییارلاماق، قوشونینگ
گرکلیکلرنی تاییارلاماق، تایینلاماق.

تعجب ta'ajjob: مص. [ع] حیران
قالماق، گنگ قالماق، تعجیبه قالماق.

تعجیل ta'zil: مص. [ع] هاوولیقماق،
قیسساقلی بۇلماق.

تعداد te'dād: مص. [ع] ساناماق،
سایماق.

تعدی ta'addi: مص. [ع] حددن
چیقماق، چندن آشا گیتمک،
زورلاماق، بیر زادال اوزاتماق، ظلم و
ستم اتمک، توقونماق.

تعذید ta'did: مص. [ع] سانا
گتیرمک، ساناماق.

تعذیل ta'dil: مص. [ع] دوغرالتماق،
دنگله مک، میزانلاماق، یکی زادی بیر
بیری بیله دنگله مک. ، اوزگرتمک

دعالار.

تعلق ta'lloq: مص. [ع] آسديريلماق،

بیر زادا ساللانماق، بیرینه یا بیر زادا باغلی بۇلماق، دگیشیکلیک.

تعلل ta'allol: مص. [ع] بهانا

گتیرمک، ساقلانماق، اؤزۈنگی بیر زادا گویمه مک، بیر زادا قیزیقلانماق.

تعلم ta'allom: مص. [ع] اوورنمک، بیلیمک.

تعلیق ta'liq: مص. [ع] بیر زادی آیری

بیر زادا آسماق، آسیپ قویماق، کتابینگ، یا خطینگ آشاغینا بیر زاد آرتدیرماق.

تعلیم ta'lim: مص. [ع] علم دیر یا بیر هناری بیرینه اوورتمک، بیرینه بیر زات اوورتمک، اوورادیش.

تعمد ta'ammod: مص. [ع] بیلپ

دورپ قصد یوزوندن بیر ایشی اتمک، علم بیلیم و اراده بیلن بیر ایشه یوزلنمک.

تعموق ta'ammoq: مص. [ع] دقت

بیلن بیر ایشه اویلانیشماق، بیر ایشه چونگ اویلانماق، دقت اتمک.

تعمیر ta'mir: مص. [ع] آباد اتمک،

جاینگ بوزولان یرینی بجرمک، اوی ایچینده یا شاریالی اتمک دیکلتمک.

مصیبت دوشن آدما الله رحمت

اتسین دیمک، ایزی یاراسین دیمک، فارسی ده روضه خوانسی و عزاداری معنیده دیمک، امام لارینگ ایلاتا-دا حضرت امام حسین نینگ عزا و مصیبتی مناسبتلی یاس توتماق.

تعصب ta'assob: مص. [ع] بیر

مذهب، طریقتدن و بیریندن طراف کشلیک اتمک، بیر زادا بیل باغلاب اوندان دفاع اتمک، قورانماق.

تعطیل ta'til: مص. [ع] بیکار اتمک، ایشی قویماق، دینچ آلماق.

تعظیم ta'zim: مص. [ع] بویون اگمک، سیلاماق، اولالتماق، اولی بیلیمک، حرمتلاماق.

تعفن ta'affon: مص. [ع] ایسلنمک، اربت ایسلیلیک، پورسیماق، آنگقیماق.

تعقل ta'aqqol: مص. [ع] هوش

دوشونجه تاپماق، عقل گوچی بیلن بیر ایشینگ ایزینا یتمک، عقل یتیرمک، فکر و عقل یوزوندن بیر ایشه اویلانماق.

تعقیب ta'qib: مص. [ع] ۱. ایزارلاماق،

آنکتماق، ایزیندان گیتمک، ایزینا دوشمک، ۲. نمازدان سۈنگ اوقولیان

تعميم ta'mim: مص. [ع]

عمومي لاشدیرماق، همەلر باغلی
اتمک، اهلینی اۆز ایچینه آلماق.

تعوذ ta'wwoz: مص. [ع] پناه آلماق،
آرقا توتونماق، پناه گتیرمک.

تعویض ta'wiz: مص. [ع]

دگشیرمک، عوض اتمک،
چالشیрмаق.

تعویق ta'wiq: مص. [ع] ساقلاماق،

ایزه سالماق، بیر ایشه بۆکدینچلیک
دورتمک.

تعویل ta'wil: مص. [ع] قاتی

قیغیریب آغلاب بیریندن مدد
ایسته مک، بیرینه اینانیپ آرقا برمک،
آرقا توتماق.

تعهد ta'ahhod: مص. [ع] بزیون

آلماق، هوتدالنمک، عهد اتمک، شرط
ناما باغلاماق، وعده اتمک

تغار taqār: ا. خمیر یوغورلیان قاپ.

تغار taqār: ا. جنگل آغاجی نینگ بیر
گۆرنوشی.

تغازل taqāzzol: مص. [ع] بیله غزل

آیتماق، غزل آیدیشماق، سویوشمک.

تغایر taqāyor: مص. [ع] دوشوش

بۆلماق، گۆریپ چیلیک اتمک، قارشى
بۆلماق.

تغذیه taqziye: مص. [ع] ایتمیت

برمک، غذا برمک، ایتمیت لندی برمک.

تغریق taqriq: مص. [ع] سودا غرق

اتمک، چومدی برمک، بویلاتماق،
سودا بوغماق.

تغزل taqazzol: مص. [ع] غزل

آیتماق، سایراماق، سویمک.

تغیر taqayyor: اوزگرش، دورموشده

اویتگشیکلیک، قاهارلانماق، قاهار
بیلن گورله مک، عمله گتیرمک.

تغییر taqyir: مص. [ع] اویتگتمک، بیر

یاغداى دان باشغا بیر یاغدا یا اوورمک،
اوزگرتمک.

تف tof: ا. آغیز سو، قاقیلیق.

تف taf: ا. ایسسی لیق، قیزقین لیق،
یاغتی لیق، پارلاق.

تف tof(f): ا. [ع] دیرناغ اته گینده

بولان چیرک، هاپا.

تفاخر tafāxor: مص. [ع] بیر بیرینگه

قۇوانماق، بیرک بیرگه نازیرگه مک،
اؤزۆنگه ایشانماق، قالقینماق.

تفاسیر tafāsir: مص. [ع] تفسیرلر،

جمع تفسیر، کلامینگ معنی سینی
بیان ادیب آچیقلاماق.

تفاصيل tafsil: [ع] اؤزالتما، آچیقلاما،

جدا اتمک و بۆلک بۆلک اتمک، جمع

تفصیل.

تفاضل tafazol: مص. [ع] بیری

بیرینگدن اونگه چیقماق، بیری
بیرینگدن تفاوتلنماق ایسته مک، بیر
زادینگ بیر زاتدان آرتیقلیغی،
پارخلی لیق.

تفاله tofale: ۱. توپ، قالیندی، کنجاره،

سووی آیینان زادینگ توپی.

تفاوت tafawot: مص. [ع] فرقلیق،

قارشولیق، تفاوت.

تفاهم tafahom: مص. [ع] بیرک

بیرگینگ مقصدینه اونگات
دوشینمک، بیر زادینگ تفاوتنه قاوی
گوز یتیرمک، قاوی سلجرمک.

تفت taft: ص. قاتی، یتی، اسسلی،

قیساقلی لیق، چالت، ایسسی.

تفتیح taftih: مص. [ع] آچماق.

تفتیش taftiş: مص. [ع] ایزیندان

گیتمک، بارلاماق، سلجرمک،
ایزارلاماق. درنگاو

تفجیر tafjir: مص. [ع] سووی

آقدیرماق.

تفحش tafahhoş: مص. [ع] یاراماز

سوز آیتماق، یامانلاماق.

تفحص tafahhos: مص. [ع]

بارلاماقلیق، ایزارلاماق، دؤرمک، بیر

زاد بارادا تحقیق اتمک، حقیقتنا

یتمک، آختارماق، تاپماق.

تفخیم tafxim: مص. [ع] اولالتماق،

عزت لمک، اولی سایماق.

تفرج tafarroj: مص. [ع]

گینگیشلیک تاپماق، گزوین آچماق،
قین چیلیقدان و دارلیقدان چیقماق،
گینگشلیک تاپماق، گزهلنج.

تفرقه tafreqe: مص. [ع] آراسینی

آچماق، آرانسی آچماق، جدالیق،
پیتراتماق، آیراچیلیق اوقلاماق، آغیز
آلالیق سالماق.

تفرقه انداز tafreqe-andāz: مص.

[ع] بوزیجی، آرا بوزیان.

تفریح tafrih: مص. [ع] شادلیق

اتمک، حوشلیق اتمک، شادیانلیق و
حوشلیق.

تفریض tafriz: مص. [ع] بیر زادی آز

آزدان واجب اتمک، آیدینگ لاماق،
أشکار اتمک، آراسینی آچماق.

تفریط tafrit: مص. [ع] بیر ایشده

ساقلاتماق، قایرا دورماق، بیر ایشده
آیاوینشلیق اتمک، بیر ایشده
اجیزلیک اتمک، پوچا چیقارماق،
ضایع اتمک، مالی تلف اتمک.

تفریق tafriq: مص. [ع] پیتراتماق،

تفویض tafwiz: مص. [ع]

تابشیرماق، بیر ایشی یا بیر زادی
بیرینه تابشیرماق، بیر زادی
بیرینینگ ارکینده قویماق؛ صوفی لیق
آدالغاسیندا بنده اهلی ایشینی الله
تابشیرسین، بو یوقار درجه ده
توکل دن دیر.

تفهیم tafhim: مص. [ع]

دوشوندیرمک، بینیسینه قویماق.
تقابل taqābol: مص. [ع] یوزیه یوز
بؤلماق، دنگ گلمک، یوزیه یوز
دورماق.

تقارن taqāron: مص. [ع] بیله

یاقینلاشماق، بیر ی بیرینگ بیله
دوست یار بؤلماق.

تقاصر taqāsor: مص. [ع] قایرا

دورماق، آشکار اتمک،
ساقلانماغینگی، بیان اتمک.

تقاضا taqāzā: مص. [ع] (=تقاضی)

خوایش اتمک، ترخوس اتمک،
ایسلگ، ایسته مک.

تقاطع taqāto': مص. [ع] بیر بیرینی

کسمک، چاقینشماق، چاتریق، ایکی
یولونگ بیر ی بیر ی بیله چاتیلیان
یری بیریکیان یری.

تقاعد taqa'od: مص. [ع] ایشدن ال

بیر زادی بیر زاتدان آراسینی
آچیپ سایلماق، بیر کیچی سانی
اولی ساندان کملتمک، آزالتماق.

تفسیر tafsir: مص. [ع] کلامینگ

معنی سینی آچاچان بیان اتمک،
سؤزونگ معنی سینی آچیقلماق،
کلام اللهنی آچیقلاب دوشون دیریش
برمک.

تفصیل tafsil: مص. [ع] آراسینی

آچماق، کتابی بولیم بولیم اتمک،
کتابی فصل فصل اتمک، شرح و
آچیقلماق، تفصیل جمع.

تفضیل tafzil: مص. [ع] اوسسام لیک

برمک، یوقار بها برمک، بیرینی یا بیر
زادی آیری بیر زاندان فرق برمک.

تفقد tafaqqod: مص. [ع] بارلاماق،

اگاه بؤلماق، یتگینی تاپماق،
گونگل لیک برمک.

تفکر tafakkor: مص. [ع] اولیلانمق،

فکره اویه باتماق، فکرلنمک.

تفکیک tafkik: مص. [ع] گویدرمک،

آچماق، سایلماق، بیر زادینگ بیر
زاتدان آراسینی آچماق.

تفنگ tofang: ۱. توفنگ، اولتلی یاراغ.

تفنگ سرپُر tofang-e-sarpor: ۱.

میلتیق، آغزیندان دولدورما تفنگ.

چکیپ دورماق، ایشدن قالماق، باز
نشسته بۇلماق.

تقبل taqabbol: مص. [ع] قبول
اتمک، بۇیۇن آلماق، ایسلاگنی
قناعتلاندیرماق.

تقیح taqbih: مص. [ع] پیسرلمک،
ارید سایماق، بیرینینگ ایشینی
پیس یاراماز گۆرمک، بیرینینگ
ایشینینگ یوزونه قارا چکمک.

تقیل taqbil: مص. [ع] اوغشاماق،
اوپمک.

تقدس taqddos: مص. [ع] پاک
بۇلماق، آراسسالانماق، مقدسلیق.

تقدم taqaddom: مص. [ع] اونگه
دوشمک، اونگدن گیتمک، همه لردن
اونگده بۇلماق.

تقدیر taqdir: مص. [ع] اؤلجه مک،
بیر زادینگ اؤلجه گینی ساقلاماق،
اویلاشماق، قدر و مقدار نینگ بلله گی،
قدیر بیلدیرمه، خدای تعالی نینگ
قضا و قدری، خدای تعالی نینگ اوز
بنده لرینه بللأن قسمتی و
نصیبه سی، تالی.

تقدیس taqdis: مص. [ع]
آراسسالاماق، پاک لیگه و

آراسسالالی ییغا آدلاندیرماق،
آراسسالیشا اؤوگی بیلدیرمک.

تقدیم taqdim: مص. [ع] اونگه
تاشلاماق، اونگه سورمک، اونگدن
ایبرمک، هودیرله مک، پیشکش
برمک.

تقرب taqarrob: مص. [ع] یاقین لیق
تاپماق، یاقینلاماق، یاقین بۇلماق،
قارینداشلیق و یاقین لیق.

تقریب taqrib: مص. [ع]
۱. یاقینلاشدیرماق، یاقینا گتیرمک،
۲. یاقین بۇلماق، ۲. آطینگ
یورغالاماسی.

تقریر taqrir: مص. [ع] اقرار اتمک،
بیان اتمک، آیتماق، بۇیۇن آلدیرماق،
بوینینا قویماق.

تقریض taqriz: مص. [ع] کسمک،
چاپماق، بیرینینگ قاویلیغینا یا
اریت لیگینه قوشغی آیتماق.

تقریظ taqriz: مص. [ع] منتدار
بۇلماق، تشکر اتمک، بیرینینگ یازان
کتابی یا شعرى حقه اؤومک بیر زات
یازماق، شرح برمک.

تقریع taqri': مص. [ع] قاتی کانیمک،
یازغارماق، ملامت اتمک.

تقسیت taqsit: مص. [ع] بۆلک بۆلک

اتمک، وامی ناچہ بؤلومه بولمک،
پولی یا وامی ناچہ بولهگہ بؤلپ
برمک.

تقسیم taqsim: مص. [ع] پایلاماق،
بؤلمک، یایراتماق، پای لاشیق.

تقصیر taqsir: مص. [ع] قیسفالتماق،
ایشده قایرا دورماق، ایشده یارامازلیق
اتمک، خطا اتمک، گناه اتمک.

تقطع taqatto: مص. [ع] بیرتیلماق،
کسیلمک، بولیم بولیم اتمک.

تقطیر taqtir: مص. [ع] دامدیرتماق،
دامجه دامجه ادیب دامدیرماق،
قطره قطره ادیب دامدیرماق.

تقلا taqallā: مص. [ع] عرب
چشمه سیندن ارجللیک، اخلاصلی-
لیق، تلاشلیق، بیلاک- شیلک
آغینماق، اؤرچ اتمکلیک، دوشکده ال
آیاق اورماق.

تقالب taqallob: مص. [ع] بیر
یاغدايدان آیری بیر یاغدا یا اؤورولمک،
ایشده اوز پیدانگا سر ادیب
غیری نینگ زاینایا ایشلامک.

تقلبی taqallobi: یاساما، ارید زادی
قاوی نینگ دراگنه بریب یادا ساتیب
حق کؤندیرمه.

تقلید taqlid: مص. [ع] ساللاما

داقینماق، بیر ایشی بیرینینگ
بوینینا اوقلماق، شرعی تایدان بیر
علما و مجتهدہ اویماق، بیرینینگ
آغزینی اویکنمک، بیرینینگ ادن
ایشینینگ اوستوندن ایش اتمک.

تقلیل taqlil: مص. [ع] آزالتماق،
کمکم، کملمک.

تقوا taqwā: مص. [ع] قاچما،
پرهیزلیک، یارادان اللہدان قورقیپ
اؤنؤنگ امرینه مطیع بؤلماق،
مطیع لیق اتمک.

تقوی taqawi: ص. ن. تقیغا باغلی،
تقوالینا باغلی بولان.

تقوی taqawi(y): مص. [ع] قواتلی
بؤلماق، قؤجورلی بؤلماق.

تقویت taqwiyyat: مص. [ع] قوات و
گوچ برمک، قؤجورلی اتمک.

تقویم taqwim: ا. [ع] آیینگ گونونگ
حسابینی دوزولدیپ چاپ اتمک.

تقویم taqwim: مص. [ع]
دوغورلاماق، قیشیق زادی گونالتمک،
قیمت اتمک، زادینگ بهاسینی بللی
اتمک.

تک tak: ا. آشق، اتک، دوپ.
ٹک tok: ا. چونت، تاوینینگ چونت،
عموما اوچلی زات.

تک tek: ۱. لقمه، تیکه، بؤلک، ایمیت، بیر آغیز سالیم.

نک tak: ۱. مص. ت. یورتما، چاپما، چالتلیق، یورتمک.

تک tak: ص. یکه، یالنگیز، آن، سینگیر، انتک.

تکاب takāb: ص. مر. یکه سو، اینچه آقیان سو، این سیزجه آقیان سو.

تکابر takābor: مص. [ع] تکبر، اولی توتماق لیق، اوزونگ بلند توتماق.

تکاپو takāpu: ۱. مص. قیسساقلی گیدیپ کلمک، بیر زادینگ ایزینه ایلغماق، دومی دوشه یورتماق، حارسورماق.

تکافو takāfu: مص. [ع] بیرک بیرک بیلن دنگ بؤلماق، تای کلمک، بس بؤلماق، کافی بؤلماق.

تکالیف takālif: [ع] قین ایشلر، زحمتلی مشقتلی ایشلر، جمع تکلفه.

تکامل takāmol: مص. [ع] کامل لاشماق، دولی لانماق، کماله یتمک، اؤسمک، یواش یواش کامل لیغا یتیشمک.

تکان takān: ۱. قییمیلدی، حرکت، قوزغالانگ. تکان خوردن: قوزغانماق،

قییمیلداماق.

تکاندن takān-dan: مص. م.

قییمیلداماق، ایرالاتماق، بوتناتماق، قوزغاتماق، حرکت دوشورمک.

تکاور takāwar: ص. ییلدام آط، بیرلنجی، یورتیجی، یووروک آط، تکاؤز دییپده آیدیلیدیر.

تکبر takābbor: مص. [ع] اولومسی لیک، اؤزونگی اولی توتماق، اؤزونگی اولی سایماق، منلیکلی لیک.

تکبیر takbir: الله نی اولی لیغا یادلاماق، الله اکبر دیمک.

تکثیر taksir: مص. [ع] کوفالتمک، کانلتمک، آرتدیرماق.

تکدی takaddi: مص. [ع] گدایلیق اتمک، سایل چیلیق اتمک، دیلگچی لیک.

تکذیب takzib: مص. [ع] بیرینی یالانچی اتمک، بیرینه یالانچی آد برمک، آلدماق، بیر مطلبی یالان بیلپ انکار اتمک.

تکرار tekrār: مص. [ع] بیر ایشی قایتالاما، بیر کپی ایکیلا ب آیتماق، قایتالاما.

تکرار کردن tekrār kardan:

مص. مر. قایتالاماق.

تکریم takrim: مص. [ع] حرمتنی

ساقلاماق، اولی سایماق.

تکفل takaffol: مص. [ع] کفیل

بۇلماق، بۇیۇن آلماق، هۇتدالانمک،

بیر ایشی بۇیۇن آلماق.

تکلم takallom: مص. [ع] سۆز

آیتماق، دیله گلکم، سوزله مک.

تکلیف taklif: مص. [ع] بیر چتین

ایشی بیرینینگ بوینونه اۇقلاماق،

قین و ماشاقتلی ایش اتمکلیگه

فرمان برمک.

تکمیل tak-mil: مص. [ع] کماله

یتیرمک، اوستونی یتیرمک،

قوتارماق.

تکنیسین teknişian: ا. [فر] هنارلی،

دورلی هناره و صنعته یتیک و آگاه

آدم.

تکنیک teknik: ص. فر. فنی درنگاو،

فنی سلجریش، هینار، فنی، دوزگونى

هینار.

تک و تاز tak-o-tāz: ا. مص. دوملى

دوشه چاپماق، یورتماق.

تکونین takwin: مص. ص. دوراتمک،

باره گتیرمک، یاراتماق.

تکه tekke: ا. بۆلک، تیکه.

تکه takke: ا. تکه، سورى قويونینگ

اؤنگوندن حرکت ادیان ارکک گچی.

تکیه tekye: ا. ۱. عربى چشمه دن

بولان دایاغ، آرقا، سۆیک برمک،

آرقانگی بیر زادا دایاماق، سۆیانمک،

دایانچ، غریب قاسار ساقلا نیان جای،

۲. یاس توتولیان یر.

تکیه گاه tekye-gāh: آرقا جای، آرقا

دایاق، سۆیاک، یاپلانچ، سۆیانچ.

تگرگ tagarg: ا. جوهنک، بورچاق.

تلاش talāš: ا. تقلا، ارجل لیک، بیر

زادی اله گتیرماگه جهد اتمه، تلاش.

تلاطم talatom: مص. [ع] بیر بیر

-ینگه آزار یتیرمک، زوال یتیرمک،

بیرک بیرگه شاپباق اورماق، دریانینگ

قومی و تولقونی، تولقونلارینگ شوو

-یلدیسى، دریانگ بیربیرینه اۇرماغى.

تلافی talāfi: مص. [ع] ساتاشماق،

دوویشماق، تتارک اتمک، دراگنه زات

برمک، تۆله مک، عوض برمک، تاوان

برمک.

تلاقى talāqqi: مص. [ع] بیرک بیرگه

دوویشاق، بیر بیرینگه ساتاشماق،

دیدارلاشماق.

تلامیذ talāmiz: [ع] شاگردلر، جمع

تلمیذ.

تلاوت talawat: [ع] مص. [ع] كتاب

اوقىماق، قرآن اوقىماق.

تلبیس talbis: مص. [ع] باسىرماق،

اۋرتىمىك، حقى و حقيقتى ياشيرماق،

عيبىنگى حيله نكى خلقدان

گيزگەمىك.

تلبیہ talbiye: مص. [ع] قبول اتمىك،

بوليار ديمىك، لبيك ديمىك، حجدە

لبيك ديمىك.

تلخ talx: ص. آجى، سويجىسى

بۇلمادىق.

تلخیس talxis: مص. [ع]

قىسىغالتماق، كپى آيدىنگ

-لاشدىرماق، آچىقلاماق، خلاصە

اتمىك.

تلسكوب teleskob: ا. [فر]

منجم لرىنگ نجومى دورىنى،

يىلدىزلارى بارلانىان اولى دورىن،

اونى رصد خانەدە دىكىپ يىلدىزلارى

تانىپ گورىارلار يعنى يىلدىزلارى

تاپپارلار.

تلف talaf: مص. [ع] هلاك بۇلماق،

يوغالماق، آزادان گىتىمىك.

تلفظ talaffoz: مص. كپلەمىك، سۆز

آيتماق، سۆزلەيش.

تلفن telefon: ا. [فر] داش يرلر بيلن

گورلشيليان يۇریتە دىسگاہ، تىلفون.

تلقی talaqqi: مص. [ع] دوشوشماق،

دىدارلاشماق، اوورانمىك، حالاماق،

قبول اتمىك.

تلقیح talqih: مص. [ع] خرما برمىك

اوچىن ارىك خورمانىنگ مايەسىنى

اورقاچى خرما اورماق.

تلقین talqin: مص. [ع] بىرىنە كلامى

كپى دوشوندىرىپ اووراتمىك، بىرىنە

سۆزى دوشوندىرمىك و كپى آيتماق

اوچىن مجبور اتمىك.

تلکس teleks: ا. [فر] اۇزاق يرلرە

يازىجى لىق اديان ماشين.

تلکە talake: ا. بىرىندىن حيله و

مكرلىك بيلن آلداب آلىنيان پول و يا

آيرى زاتلار.

تلگراف telegrāf: ا. [فر] دورلى

يازغى لرى و خبرلارى داش يرلرە

يتىريان دستگاہ.

تلگرام telegrām: ا. [فر] خط

تلگرافى، سارغيت تلگرافى، بير

مطلبى تلگراف اوستى بيلن داش

يرلرە يتىرمىك.

تلمبە tolombe: ا. ناسوس، قوئىدان

يا آرنادان ال يا برق بيله سۆوى

چكىيان قورال دستگاہ.

تلواسه talwāse: ۱. قایینی حسرت، بی قرارلیق، جیدام سیزلیق.

تلویح talwih: مص. [ع] داشدان اوزاقدان، ام اتمک، اشاره اتمک، بیر مطلبی اشاره بیلن دوشوندیرمک.

تله tale: ۱. دوزاق، قاپاق.

تماس tamās: مص. [ع] بیرک بیرگه دوشوشماق، ساتاشماق، یوزیه یوز بۇلماق، اولاشماق.

تماشا tamāšā: (تماشی، تمشاء) عرب چشمه دن: یول یوریمک، گزلیج اتمک، بیله آیلانگ چایلانگ اتمک، فارسده: بیر زادا سر اتمک.

تمام tamām: مص. [ع] کامل بۇلماق، همه سی، بوتین، باری یوغی، اهلی سی، کامل و عیب سیره توقوش، تماماً tamāman: زیل، ساپسیم، باشی بتین، عموماً، توتوشلاین.

تمایز tamāyoz: مص. [ع] پیتراماق، آیریلیشماق بیله تفاوتلی، سایلانما تمایل tamāyoz: [ع] میل و هوسلنکی بیلدیرمک، آشکار اتمک، بیر طرافا قیشارماق، انگ برمک.

تمبر tambr: ۱. غ. تمر.

تمتع tamatto: مص. [ع] پیدالانماق، پیدالانیلماق، خیرلانماق، گونانمک.

تمثال temsāl: مص. [ع] مثل اورماق، مثل گتیرمک، بیر زادی بیر زادا منگزاتمک، نقل اتمک، نقل گتیرمک. تمثال temsāl: مص. [ع] نقاشی نینگ صورتی، هیکل، مجسمه، تمائیل جمع.

تمجید tamjid: مص. [ع] اولی سایماق، بیرینی حرمتلاب قاوی لیفا اوورمک، بیرینه قاوی آد برمک، حرمتلاماق، سیلاماق.

تمدن tamaddon: مص. [ع] شهرده اوتوریملی بۇلماق، مدنیتلی بۇلماق، شهره اورینشیپ اولارینگ اخلاقلی بیله تانیش بۇلماق، مدنیت، کۆچولیکلی یاشاماق، اویغارلیق، یاشایشدا بیر-بیرینگ و اوز ترقی لیغینگ و آسایشینگ تاییینلاماق.

تمدید tamdid: مص. [ع] چکمک، اوزالتماق.

تمر tamr: ۱. آغاجینگ بیر گۆزنوشی. تمر tamr: ۱. [ع] خرما. تمر tamr: ۱. گۆز کسلینگ بیر گۆزنوشی، گوزه قاراسو و اینمه.

تمر د tamarrod: مص. [ع] نافرمانلیق اتمک، بویروقدان یوز

دۈندرمک، آزماق، بۇيۇن اگمزلیک،
بۇيۇن یوغینلیق اتمک، سرکشلیک
اتمک، ترسلیک اتمک، بۇيۇن
قاچیرماق.

تمرین tamrin: مص. [ع] اندیک
برمک، ایشه شاراب بۇلماق، بیرینی
بیر ایشه اندیک برپ تانیش اتمک.
تمساح tamsāh: ا. [ع] گچی امه نینگ
بیر گۆزنوشی.

تمسخر tamasxor: مص. [ع]
ماسخارا اتمک، ساققالینه گولمک،
یوزدن دوشورمک، یانگیسلاماق.

تمسک tamssok: مص. [ع] پنجه
اورماق، بیر زادا ال سالماق، توتارلیق
ادینمک، یاپیشماق، بیرینینگ
سینینه یاپیشماق، یتیرمک.

تمشک tamešk: ا. بوویسلن.
تمغا tamqā: ا. تاغما، بلگی.

تمکن tamakkon: مص. [ع] مقاملی
بۇلماق، عزتلی بۇلماق، قۇجۇرلی
بۇلماق، گویچ تاپماق، جایلاشماق،
یرلشمک.

تمکین tamkin: مص. [ع] برکیتمک،
گویچ قوات برمک، ممکن چیلیک
برمک، قبول اتمک، حالماق، مطیع
بۇلماق، بیرینینگ بویروغنی قبول

اتمک، بویون بۇلماق، قولاق آسماق.
تملق tamalloq: مص. [ع]
یالنجراماق، یالچی لیق اتمک،
سویچی دیللی لیک، کیچی
توتماق لیق، یالبارپ کپله مکلیک.
تملک tamallok: مص. [ع] مالک
بۇلماق، بیر مولکی اوز ارکینه
گچیرمک، ملکلی لیک، بای بۇلماق،
بیر مولکی ایه بۇلماق.

تمنی tamanni: مص. [ع] آرزو اتمک،
آرزولی بۇلماق، یالبارماق، خوایش
اتمک، پارس دیلینده اینه «تمنا»
شيله یازیلیار.

تمیز tamiz: ا. ص. عرب چشمه دن
پاکلیک، آراسسالیق فرقلی لیق،
تفاوتلی لیق.

تمیز tamayyoz: مص. [ع] جدالیق،
فرق، آیراتین لیق.

تن ton: ا. آوازینگ بلندلیک و پسلیک
درجه سی، کپینگ هیلی، آهنگ،
کپله یش تازی.

تن tan: ا. اون ایکی سونگینگ، اندام،
بدن، بوی سیرت.

تن ten: ا. ص. [ع] تایی، حریف،
شخص، اتنان جمع.

تن ton: ا. [فر] مونگ کیلو گرم

برابرینده آغرام اؤلچگی.

تنازل tanāzol: مص. [ع] آشاق

اینمک، بیلە اوروشماق، اورون و مقامدان قیراغا چیقماق، آشاق دوشمک، اتهگە اینمک.

تناسب tanāsob: مص. [ع] بیرى

بیرینگە قارینداش بۇلماق لیق، یکی آدامینگ یا یکی زادینگ آراسیندا قارینداشلیق قاتناشیغی بۇلماق، منگزش بۇلماق، باغلانشیق لیق.

تناسل tanāsol: مص. [ع] اوغلان

دوغورماق، نسل دوراتمک، اولاد کوپلتمک.

تناقض tanāqoş: مص. [ع]

قاپماقارشیلیق، بیر بیرى بیلە ترس لشمک، ترس بۇلماق، بیرى بیرینگ بیلە قارشى بۇلماق، بیرى بیرینگ بیلن ضد بۇلماق.

تناوب tanāwob: مص. [ع] بیرى

بیرینگ بیلە گزک قویماق، نوبت یوزیندان بیر ایش اتمک، بیر زادی نوبت بیلن آلماق، نوبت یوزوندن ایش اتمک.

تناور tanāwar: ص. ادلک، یوغین،

کویشلی، پوککی، سمیز، یوغین زورلی.

تناول tanāwol: مص. [ع] آلماق،

گوترمک، ال یتیرمک، ایمیت ایمک. تنباکو tanbāku: ا. تنباکی.

تنبان tonbān: ا. بالاق، ایچ گیم، جولبار آشاغیندان گیلیان اشیک.

تنبک tonbak: ا. سازینگ بیر گۆرنوشی.

تنبل tanbal: ص. یالتا، تنبل، بیکارلیغی سوییان، ایش اتماگە هووسی بۇلماقیق، ایش سیز. (نقل: یالتا یالتانیارین دییماگەده یالتانار).

تنبور tanbur: ا. بیر هیل ساز گۆرنوشی، تامدیره.

تنیه tanbih: [ع] اوپاندیرماق، آگاه اتمک، خبردار اتمک، دویدوریش.

تن پرور tan-parwar: ص. خوش گچیرجی عیاش، بیکارلیغی سوییان، دینچ لیغی سوییان، یالتا، تنبل.

تنخواه tan-xāh: ا. نقد پول، قیزیل، کومیش، متاع، مال. تنخواه گردان: ادارانگ یا آیری بیر قورامانینگ صندیقیندا قویولپ ضرور بولان وقتده گرک زادلارا خرج ادیلیان الده ساقلانیان نقد پول، یعنی ال یترده ساقلانیان پول.

تند tond: ص. ۱. تیز، قاتی، باسیم،

چالت ۲. بورچ یالی آغزینگی یاقیان
 آوی زاد ۳. قهارجانگ آدم معنیده.
 تندباد tond-bad: ۱. قارا یل قاتی
 اوسیان یل، تووهلی طوفان.
 تندر tondar: ۱. گونگ گوفیرداب
 ییلدیریم چاقما.
 تندرست tan-dorost: ص. مر.
 ساغدین، جانی ساغ آدم.
 تندر رفتن tond-raftan: مص. چاققان
 و قاتی گیتمک، چالت گیتمک، ییلدام.
 تندرو tond-raw: ص. فا. ۱. چیس،
 ییلدام، قاتی یورتیان آدم و حیوان یا
 قاتی گیدیان باشقا وسیله لر، یوروک،
 ۲. قورقمازاق کله پروای آدم معنیده.
 تنزل tanzzol: مص. [ع] آشاق
 ایبرمک، آشاق دوشورمک، اته گه
 ایندرمک.
 تنزیل tanzil: مص. [ع] آشاق
 دوشمک، آشاق اینمک، اته گه گلیمک،
 ترتیب یوزوندن آشاق دوشورمک.
 تنصیف tansif: [ع] ایکی بۆلک، بیر
 زادی ایکی دنگ بۆلمک.
 تنظیف tanzif: مص. [ع]
 آراسسالاماق، آراسسا ساقلاماق،
 آراسساچیلیق، شهرداری نینگ
 آدالفا سیندا کوچه خیابانلاری

سویروپ آراسسا ساقلاماق.
 تنظیم tanzim: مص. [ع] مرتب اتمک،
 ترتیبه سالماق، جواهری و آلتینی
 یوپه دوزمک، سۆزی شعر دوزگونینه
 گتیرمک.
 تنفر tanaffor: مص. [ع] بیزار بۆلماق،
 یگرانمک، یگرانچ ییلدیرمک.
 تنفس tanaffos: مص. [ع] نفس
 چکمک، دم آلماق، آراکسمه .
 تنقیح tanqih: مص. [ع]
 آراسسالاماق، پاک لمک، کلامی
 عیبیدن و کمچیلیکدن آراسسالاماق.
 تنقید tanqid: مص. [ع] تنقاد عرب
 چشمه سیندن: تنقید اتمک، پول
 چالیشان و پۇلۇنگ اونگات اریدینی
 سایلاماق، سۆزۇنگ قاویسینی و
 اریدینی تمیز برمک و فرقنی
 بیلدیریب آشکار اتمک. بو کلمه
 فارسدا دوزلدیلیپدیر اما عربدا
 ایشلنمه یار.
 تنقیه tanqiye: مص. [ع]
 آراسسالاماق، قنات و یا سووینگ
 لاینی آیریب آراسسالاماق، عملی
 اصولده آدمینگ ایچینی
 آراسسالاماق.
 تنک tonok: ص. یوقا، سلچنگ،

یایرانگ، کیچی گۆرۈملی. تنک
کردن: یایراتماق، بیر زادینگ یوزونه
دوشک یایراتماق.

تنکه toneke: ۱. قیسفا جولبار و
قیسفا بالاق ارکک یا زنانه بالاق.
تنگ tang: ۱. چکی، آطینگ و
اشاگینگ بیلینه چکیلیان چکی.
تنگ tong: ۱. کویزه، سۆو کویزهسی،
تونگ.

تنگ tang: ص. دار، اینچه، اینسین،
دار، داریشفا.

تنگدست tang-dast: ص. مر. کنایه:
زات سیز، غریب، الی دار، یوغسول،
ماتاج.

تنگنا tang-nā: ص. مر. ۱. داره دیره،
دار کوچه ۲. دار یول، قاتیلیق و
دارلیق، قیسیش معنیده.

تنگه tange: ۱. بوغاز، ایکی دنگیزی
بیریکدیریان یاب، ایکی قوری یر بیله
ایکی دریانی بیریکدیریان بوغاز.

تنور tanur: ۱. تامدیر، چۆرک
بیشیریلیان پالچیقداں داشدان
ادیلیان اولی اوجاق.

تنور tanawwor: م.ص. [ع]
یاغتیلانماق، داشدان اودونگ
یاغتیلیغینی گۆرمک، اودونگ

یاغتیلیغنا قابات گلک.

تنوع tanawwo: م.ص. [ع] دورلی
دورلی بۆلماق، جوریه جور بۆلماق، هر
هیلى بۆلماق، هر تویسلى بۆلماق.

تنومند tan-umand: ص. گۆورهسی
اولی، بییک، یوغین، زورلی، قواتلی،
کابه. تنومندی: یوغینلیق
پۆکگیلیک.

تنویر tan-wir: م.ص. [ع]
آیدینگلاماق، یاغتیلاماق، پارلاتماق.

تنوین tanwin: م.ص. [ع] کلمه نی نون
حرفلی اتمک، عرب دیلینده کابر
عرب سۆزلری نینگ آخیرینده ایکی
آسسین، ایکی اوسسون، ایکی اوتور
قویولوب و نون (ن) سسی بیلن
آیدیلماغی، تلفظ ادیلمه گی، مثلاً:
عالماً، امّة، کتابْ یالی.

تنه tane: ۱. اندامه دگیشلی، آدامینگ
اندامی و بدن، آغاجینگ تنهسی،
گۆورهسی.

تنه tane: ۱. (=تنیده عنکبوت) مویونگ
کله پی.

تنها tanhā: ص. یکه، یالنگیز، تک،
تاک.

تنهایى tanhā'i: یالنگیزلیق، یکهلیک.
تنیس tandis: ۱. ورزشینگ بیر

گۆرنوشى.

تو tu: ۱. ايچرى، ايچ، ايچى، ايچ طرفى.

تو to: ض. سن.

تواب tawwāb: ص. [ع] ت. به قبول اديجى، گنانى بخشلايچى، خداى تعالى نينگ بير صفتى نينگ بيرى.

توابع tawābe': [ع] تۆۈركلر، جمع تابع، ايه ريجى لر، داش تۆۈركلر، تابينلار، قول آستينداكىلر.

تواتر tawātor: مص. [ع] ايزلى ايزينا بۇلماق، ايزلى ايزينا گلمك، ايزلى ايزينا. مېش مېش.

تواری tawāri: مص. [ع] گيزلنمك، گيزگنمك، بوقولماق، دريه در بۇلماق.

تواریخ tawārix: [ع] تاريخلار، جمع تاريخ.

توازن tawāzon: مص. [ع] آغرامى دنگ بۇلماق، برابر بۇلماق، بير آغرام اۆلچكده بۇلماق، آغرام داش بۇلماق.

تواضع tawāzo': مص. [ع] بيرى نينگ حرميتينه يرينگدن تورماق، كيچى گۆوينلىك، پس پاللىك، اوزونگى كيچى توتماقلىق، كيچى گونگلى.

توافق tawāfoq: مص. [ع]

ايلالشماق، آغزينگ بير بۇلۇپ

بيرلشمك، آغزى بيرليك ايلالاشيق.

توالت tawālet: ۱. [فر] حاجت خانه،

آياق يولى، برك جايى، آرايش يرى.

توالد tawālod: مص. [ع] اوغول دوغورماق، كوپ فرزندلى بۇلماق.

توالى tawāli: مص. [ع] ايزلى ايزينا يتمك، ايزلى ايزينا بۇلماق.

توان tawān: ۱. گويچ، قوات، غورپ، ايسفين.

توانا tawānā: ص. گويچلى، زورلى،

قۇجۇرلى، توانائى: زورلىلىق، گويچلىلىك.

توانستن tawānestan: مص. ل. گويچلى بۇلماق، بير ايشينگ

هوتده سيندن گلمك، بير ايشى اتماكه گويجونگ و باشارنيغينگ

بۇلماق.

توانگر tawān-gar: ص. گويچلى،

پوللى، قۇجۇرلى، بايلىقلى، باى، قۇرلى.

توأم taw'am: ۲. ص. [ع] ۱. اكيز، بير

زامانده بير انهدن ناچه اوغلان

دوغولماغى، بيله بۇلماق ۲. جفت ار

عيال معنيده.

توبه tube: ۱. عالم قوشار.

طرفیندا یرلشیان بیر داغینگ آدی.
 توحش tawahhoš: مص. [ع] وحشی
 حیوان یالی بۇلماق، قایغیللی بۇلماق،
 توقاتلی بۇلماق.

توحد tawhid: مص. [ع] یالنگیزلیغا
 اوویرمک، تایی سیز قرار برمک،
 خدایی بیر بیلمک، خدای تعالی نینگ
 یکەلیگنه ایمان گتیرمک. سوره
 توحید: قل هو الله احد سوره سی.

تودار tudār: ص. عا. ایچی فکرلی،
 ایچینده کپ ساقلایان، سیر
 ساقلاچی.

توده tude: ا. اویشمک، توممک، هر
 زادینگ اوست اوستونه اوشیریلن
 یری، تایا، اودین، کوپ چیلیک، اهلی
 ایلات کوپ چیلیگی.

تودیع tawdi': مص. [ع]
 خوشلاشماق، مسافر بیلن الله یار
 لاشماق، بیر زادی بیرینینگ یانینده
 قویماق و تابشیرماق، وداعلاشماق،
 ساغ آمان بار دیمک، اولن آدامینگ
 جسدی بیلن خوشلاشیپ سونگق
 یولینه اوغراتماق.

تور tawar: ا. یالتا.

تور tur: ا. تور، قوش و بالیق توتولیان
 تور، آق.

توبه tawbe: مص. [ع] گناهدن ال
 چکیپ اوگونمک، گناهدن ال چکیپ
 خدای تعالی نینگ یۇلۇنه شریعتنا
 گلمک، گیرمک، توبه.

تویخ tawbix: مص. [ع] کایینچ،
 کاییمک، پیس لنمک، یازغارماق.

توت tut: ا. میوه نینگ بیر گۆرنوشی،
 تۇت، تۇدانا.

توت فرنگی tut-farangi
 میوه نینگ بیر گۆرنوشی.

توتون tutun: ا. سیگار دیر، قلیان و
 چیق یالی زادینگ توتونی اوندریان
 اینلی یاپراقلی اوت.

توتیا tutiyā: ا. گۆز درمانینگ بیر
 گۆرنوشی، گوزه چکیلیان سورما،
 توتیا.

توجه tawajjoh: [ع] دقت، یوزلنمه،
 اونس برمه، بیرینه یا بیر زاده طرف
 یوزلنمه، اونس برمه، اونس.

توجیه tawjih: مص. [ع] بیر زاده
 یوزلنمک، بیر مطلبی یاغشی
 دوشوندیریپ آچیقلاماق و قاوی بیان
 اتمک، بیر زادینگ یوزینی و بیرینی
 بیر یانا اوویرمک.

توچال tučal: ا. داغلارده بولان
 طبیعی یخچال ۲. تهرانینگ قایرا

تور tur: ۱. شاهنامه داستانیده قابات گلیان فریدونینگ اورتانچی اوغلی تورج دیبده آیدیلیار ۲. باتیر، پهلوان قایراتلی، قۇجۇرلى معنیده هم گلیار.

تورات torāt: [ع] یهودی لرینگ مقدس کتابی نینگ آدی، حضرت موسی پیغمبره اینن کتاب.

توربین turbin: ۱. [فر] سۇو یا بوغ گویجی بیلن چرخلاری تگییری حرکتک گلیپ برق دۇرەدیان و کوپلنچ سۇو چکمک اوچین بندرلرینگ کنارینده و قوییلارینگ آغزینده قوییلان موتورینگ بیر گۇرنوشی.

تورم tawarrom: مـصـ. [ع] چیشکین، پوکگزیمک، قابارماق.

تورنگ turang: ۱. قیرقاویل، داغ هورازی، سولگون.

توره ture: ۱. شاغال.

تور tuz: ۱. آغاجینگ قاتی و نازیک قابینی.

توز tuz: تیکمک، سالماق و چکمک.

توزیع 'tawzi: مـصـ. [ع] بولمک، پایلاماق، یایراتماق، پیتراتماق، بیر زادی آدمالارینگ آراسیندا بولیپ پایلانماغی.

توزین tawzin: مـصـ. [ع] اۇزونگی بیر ایشه و دویدانسیزلیغا تایینلاماق، غرامتی بۇيۇن آلماق، آغرامینی چکیپ بیلیمک، اندازه آلماق، اۇلچەمک.

توسری tusari: مـصـ. مـرـ. بیرى نینگ کله سینه اورما، کنایه، سۇزی بیرینی کیچالتیمک و ینگلتیمک.

توسط tawassot: مـصـ. [ع] آراچی، اورتاده بولان، آراهه گزنه آراچی لیق،

توسعه tawse'e: مـصـ. [ع] کینگلتیمک، گینگلیک، یایراب یاتان، اوسمک.

توسعه دادن tawse'e dādan: اوسدیرمک.

توسکا tuskā: ۱. آغاجینگ بیر گۇرنوشی، توسساقی.

توسل tawassol: مـصـ. [ع] بیر زاد درکلی بیرینه یاقین لیق اتمک، بیریندن یاردام ایسته مک، بیر زاده یابییشماق.

توسن tawsan: مـصـ. وحشی، باش گۇرمەدیک، باش بیلیمه یان آط، اۇورەنیشمه دیک آط، اورکک آط.

توشک tušak: ۱. دوشک، کورفنجه. توشه tuše: ۱. ایمیت، اۇز یانینگ بیله

توف tuf: ۱. قیقیلیق، پریاد، غالماغال،

قیق چیق، هومبیر هومبیر.

توفان tufān: هوانینگ قایلماغی، یل

قاتی اوسپیپدریانینگ قومی

تورماقلینی، توپان، غای غار.

توفیدن tuf-idan: مصر. ل. قالماغال

سالماق، قیغیرماق، دادو فریاد اتمک،

قالماغاللاماق.

توفیر tawfir: مصر. [ع] ۱. کۆپلتمک،

بیری نینگ حقینی کمسیز برمک، ۲.

آیراتینلیق معنیده، آیدیلیار.

توفیق tawfiq: مصر. [ع] بیرینه بیر

ایشده یاردام برمک، بیر ایشی اله

گتیرمک، بخت یاری اتمک،

اوستونلیک قازانماق.

توقع tawaqqo': مصر. [ع] بیر

زادینگ نتیجه سینه قاراشماق، گوز

تیکیم، گۆز یولدالیق، بیر بویریغینگ

بۇلماغنا قاراشماق، امید اتمک،

خایش اتمک، خانتاماجیلیق.

توقف tawaqqof: مصر. [ع] دورماق،

کوتگیرمک، آیاق ساقلاماق،

کأسگنمک بوکدنمک، اگینمک، بیر

ایشده ثابت قالماق، ساقلانماق.

توقی tawaqqi: مصر. [ع] قاچماق،

قایرا دورماق، چکینمک، اۆزۈنگی

یوله اکیدیلیان ایمیت، خوراک.

توشیح tawših: مصر. [ع] بزمهک،

زینت برمک، گورکلندیرمک، بیر

یازغینی مهر و امضانگیبلن

زینتله مک، بزمهک.

توصیف tawsif: وصف اتمک،

بیری نینگ یا بیر زادینگ بولشینی و

دورموشینی بیان اتمک، ماختاماق،

تارییلاماق، اؤومک.

توصیه tawsiye: مصر. [ع] پسند و

اؤویت برمک، تابشیرماق، وصیت

اتمک.

توضیح tawzih: مصر. [ع]

آچیقلاماق، آشکار اتمک، بیرین بیرین

یکه یکه ادیب آیتماق، دوشوندیریش

برمک، آچاچان اتمک.

توطئه tawte'e: مصر. [ع] گینگدن

تایینلاماق، گینگدن تاییار اتمک،

تکیزلاب صافلاماق، آنکسادا

اؤویرمک، بیر ایشی یرینه یتیرمک

اوجین اونگیندن تاییارلیق گۆرمک،

یرلیکلیک.

توغ tuq: ۱. آغاجینگ بیر گۆزنوشی.

توغ tuq: ۱. پرچم، بایداق.

توغدار tuq-dār: ۱. بایداق

ساقلاچی، بایداق کوتیرجی.

- ساقلاماق، اوزینگی قوراب ساقلاماق.
توقیف tawqif: مص. [ع] توتماق،
 توساغ اتمک، بییر جایدا ساقلاماق،
 یولدان قویماق، ضبط اتمک.
توک tuk: ا. بیر دسته غیل، یال،
 آطینگ مانگلایی نینگ ساچی.
توکد tawakkod: مص. [ع] برکیمک،
 ایناملی بۇلماق.
توکل tawakkol: مص. [ع] باشقا
 بیرینه اینانماق، ایشینگی خدایا
 تابشیرماق، توکل اتمک.
توکیل tawkil: مص. [ع] وکیل
 توتماق، بیرینی وکیل ادیب بیر ایشی
 بوینونه داقماق، بیر ایشی بیرى نینگ
 بوینونه آتماق.
تولد tawallod: مص. [ع] دوغماق،
 دورامک، دنیا اینمک.
توله tule: ا. گوجیک و شاغال
 چاغاسی، توله.
توله tawalloh: مص. [ع] حیران
 بۇلماق، اوزینگ یتیریب چاشماق،
 توقات یاغدا یا دوشمک.
تولیت tawliyat: مص. [ع] والی
 اتمکلیک، ولایت برمک، بیر ایشه
 یتیشمکلیک اتمک اوچین، باش
 ادیب بیرى نینگ بوینونا آتماق، وقف
- ملک لری بیرى نینگ بوینونا
 اۇقلاماق.
تولید tawlid: مص. [ع] دوراتمک، بیر
 زادی بییر زاتدان اوندرمک،
 تایخانچیلیق ادیب حاصل اوندرمک،
 حاصل، اۇنیم آلماق، تولید بمثل:
 اورنگاماق.
تومار tumār: اتوغالانان خاط.
تومان tumān: ت. اون ریالدان عبارت
 بولان پول. تومان، حاضر ۱۰
 ریالینگ دراگنه یوریان.
تونل tunel: ا. [فر] یر آشاغیندا بولان
 هوت، زول اوتلگه دالان.
توهم tawahhom: مص. [ع] گمان
 اتمک، شبهه لنمک، گمانه دوشمک،
 خیال اتمک.
توهین tawhin: مص. [ع] پسه
 دوشورمک، پسلتمک، عجیزلتمک،
 کمسیدمک، آشاق توتماق، اگسیک
 سایماق.
تہاجم tahājom: مص. [ع] بیرى
 بیرینگه چوزیش اتمک، بیرى بیرینگ
 اوستونه چوزماق، هجوم اتمک،
 دوفیلماق.
تہ پر tah-por: مر. شکارى یاراغینگ
 بیر گۆرنوشی.

تەتقارى tah-taqāri: ص.ع. آتاتىك

آخىرقى فرزندى، كورفە فرزندى.

تەتقارى tahajji: م.ص. [ع] كىلمەنىنگ

حرفلىرىنى اوقاپ يىرى يىرىندىن جدا

اتمىك، الفبا حرفلىرىنىنگ آدى و

حرىكتى بىلە سىسلانىپ اوقىماق.

تەتقارى tah-ček: ص.م. يازىلىان

چكىلىرىنگ گوتىندە قالىان بولاگى،

چكى چكىان آدامىنگ چكىنىنگ

الىندە قالىان بولەگى.

تەتقارى tah-čin: ص.م. دوشەمە،

آشاغىنا گومە.

تەدوزى tah-duzi: ا. م.ص. اينچە

سىم يانخى بىلن كىتابىنگ يا

دقتىرىنگ آشاغىنى تىكىمىك.

تەتقارى tahdid: م.ص. [ع] قورقىزماق،

قورمى و اوركىه آبای سورىك.

تەدىگى tah-dig: ص.م. كىسمىك،

آشىنىنگ كىسمەگى.

تەتقارى tahzib: م.ص. [ع]

آراسىسالاماق، اخلاقىنگ

قاويلاندىرماق، اخلاقلاماق، قوشغى

يا يازغىنىنگ يالنگىشىنى دوراتمىك.

تەللىل tahlil: ا. [ع] تىسبىح ساناماق،

لالەالالە دىيىپ آيتماق.

تەتقارى tohmat: ا. [ع] تەكە گىمان،

يالاندان بدگىمانلىك اتمىك،

بدگىمانلىكە اورماق، تونىگىمە،

يونىگىمە.

تەتقارى tohmat kardan: م.ص.

مىجابىت تاپماق، تونىگىمىك، بدگىمان

بۇلماق.

تەتقارى tahniyat: م.ص. [ع]

مىبارىلىك، گۇز آيدىنگ دىمىك،

تەتقارى tahawwor: م.ص. [ع] وىران

بۇلماق، جىاى يىقىلماق،

قورقمازاقلىق و كىلە پىرواىلىق

اتمىك، باتىرلىق و كىلە پرواىلىق اتمىك

اوپچىن حادىئە دىچار بولوپ كۇ

خىسارت گۇرمىك.

تەتقارى tahawwo': م.ص. [ع] يورىك

بولانمە، مەدە بولانمە.

تەتقارى tahawwol: م.ص. [ع] قورقماق،

بىرىنە گۇز آغىرى يىتىرمىك، گۇز

دىگىرمىك.

تەتقارى tahwiye: م.ص. [ع] ھوانى

ساويتماق، تازە ھوا گىرىزىمىك،

جايىنگ ھواسىنى تازەلەمىك.

تەتقارى tohi: ص.م. بوش، زادىسىز، دولى

بۇلمايدىق.

تەتقارى tahayyoj: م.ص. [ع] جىنبشە

گىتىرمىك، تولقونماق.

تهیدست tohi-dast: ص. مر.

پولسيز، فقير، زادسيز يوقسول،
الى دار، غريب.

تهيه tahiyye: [ع] تاييارلاماق،
تاييارلىق، طايينلاماق.

تيار tayyār: ۱. ص. ۱. تاييار، اوپچين
۲. اوقالاما، اوقالاماق.

تيار tayyār: ص. [ع] ۱. دريانيگ
قومي، تولقىنى ۲. منليك چى آدم.

تيپ tip: ۱. بىر بۆلك ترتيب دوزگونلى
آدم، نظامى اصطلاحينده اوچ هنگ
سربازدن عبارت.

تيپ tip: ۱. [فر] گۇزالده، نمونه، قاوى
گۇرنوشلى، باريپ ياتان.

تير tir: ۱. اوجى ييتى دميرجيك
بركيديلن اينچه و گۇنى چيبيق، شول
يى بيلن مقصده طرف آتيليان
تفنگينگ آغزيندان چيقيان گولله.

تير tir: ۱. عطارد آدينداكى ييلدين، آى و
گون ييل حسابى نينگ دوردونجى
آيى نينگ آدى.

تيراز tirāz: ۱. [فر] چكىم،
چكه له شيك، بىر گزاده چاپ بۇلۇپ
چقيان روزنامه و مجله نينگ و
كتابينگ چاپ سانى.

تيرانداز tir-andāz: ص. فا. مرگن،

اۇق آتيجى، تفنگ يا اۇق يى بيلن
اۇق آتيان آدم.

تيرباران tir-bārān: ص. مر. اۇقينگ
دوملى-دوشدان ياغين كمين

ياغديريلماغى، و اعدامينگ بىر
گۇرنوشى؛ محكومى يعنى گناهكارى
آياق اوستونده ساقلاپ ناچه سرباز
اونى تفنگ بيله آتماغى.

تيررس tir-ras: ص. مر. اۇق يتر،
اۇقينگ يتيان يرى.

تيركش tir-keš: ۱. ساغداق.
تيركمان tir-kaman: ۱. مر. اۇق يى.

تيره tire: ۱. طايغه، بۆلك، طايغانينگ
بىر بۆلومى، اوروغ، نسل توپارى.

تيره tire: ص. قرانگقى، قارا، كومير يا
كوله منگزش زاد.

تيره بخت tire-baxt: ص. مر. باختى
قارا، باختى ياتان، باختى قايدان.

تيز tiz: ص. ۱. كسگير، اوجلى، يتى،
چاقى، اگنه يالى زات ۲. يوريك،
ييلدام ۳. آوى طعام معنيده.

تيزآب tiz-āb: ص. مر. قاتى آقيان سو،
چالت آقيان سو، زور آقيان سو.

تيزين tiz-bin: ص. فا. آيلانشيقلى،
هوشلى، دوشونجهلى، فراستلى،

ييتى، ذهنلى، اوزاقدان گۇريان.

تیزهوش *tiz-huš*: ص. مر. زرنګ،

یادکش، ذهنلی، یتتی هوشلی.

تیشه *tiše*: ا. آ. کرکی.

تیغ *tiq*: ا. قیلیچ، کسگیر یاراغ، ساچ و

ساققال سیریلیان قورال.

تیغ زن *tiq-zan*: ص. فا. تیغ اورجی،

قیلیچ اورجی.

تیفوس *tifus*: ا. [فر] یوقوشیقلی

حاسساجیلیق، بیتینگ اوستی بیلن

آداما گلیان کسله قاراحسالیق

تیم *tim*: ا. توقاتلیق، قایفی، غصه.

تیم *tim*: ا. [ع] بنده خدایینگ بندهسی.

تیم *tim*: ا. کروان سرای، تاجرلرینگ

آلیش بریش ادیان جای.

تیم *tim*: ا. [انګ] ورزش کارلرینگ بیر

دسته سینینگ آدی، مثلاً تیم فوتبال،

والیبال دیین یالی، دسته، توپار.

تیمار *timār*: ا. خدمتکارلیک، مریضه

گووینلیک بریان و ایده یان، قایفی

ادیان، یورک یاندریان و آادا ادیان

دیپیده آیدیارلار.

تیمارستان *timār-estān*: دالی لری

ساقلانیان و علاج ادیلیان جای، دالی

خانا.

تیمچه *timče*: ا. کیچی کروان سرای،

بیر ناچه دکاندان عبارت بولان سرای.

تیمسار *timsār*: ا. ارتشده سرتیپدن

یوقارا داقیلیان آد، جناب یا حضرت

یالی سۆزونګ دراگینه، اولانیلیار.

تیمم *tayammom*: [ع] قصد اتمک،

قصد یوزوندان بیر ایش اتمک و شرع

آدالغاسینده ناچارلیقدان ادیلیان

عمل، مریض بولانګدا یا سؤو

تاپمایان وقتینگده توفراق بیله الی

یره اوریب ادیلیان طهارت.

تیموک *timuk*: ص. قهارجانګ،

توتوق، یوزی گوزین آسیپ یوران.

تیموکراسی. *timukerāsi*: ا. [فر]

باقنا دولت، دوزگون سیز دولت،

اساس سیز عدالت سیز بولان دولت.



سکیزینجی امام، یعنی امام علی بن موسی الکاظم، رضا اوئونگ لقبی.
ثانوی **sānawī**: ص.ن. ایک باغلی،
ایکینجی.
ثانی **sāni**: ص. [ع] ایکینجی، ثنان،
ثانیا، ایک گزک، ایکینجی گزک.
ثانیہ **tsāniye**: ص. [ع] بیر دقیقانینگ
آلتیشدان بیر.
ثبات **sabāt**: ص.م. قایم لیق،
ماکام لیگ، دوریم لی لیق، برک لیگ.
ثبات **tsabbāt**: [ع] ثبت ادیجی،
گؤندریلیان یازولاری و گلیان
خطلاری دفترده بلله یان اداره
ایشکاری.

ث **se**: پـسارس الیبـبی سی نینگ
باشینجی حرفی، ابجد حسابیندن
(۵۰۰)، بو حرف فارس الیببی سینده
یوق، مخصوص عرب الف بی سینده
بؤلمالی.
ثابت **tsābet**: [فاع] ماکام، قایم،
دوروملی، پوختا، دورنوق لی، برک.
ثاقب **tsāqeb**: [ع] دشیجی، پارلاق،
آیدینگ، یاغتی.
ثاقل **sāqol**: ص. [ع] آغیر، قاتی ناساغ،
ثواقل جمع.
ثالث **sāles**: ص. [ع] اوچینجی.
ثامن **sāmen**: ص. [ع] سکگزینجی.
ثامن الاثم **sāmen-ol-a'emme**:

ثقیل tsaqil: ص. [ع] آغیر، بهالی، کوپ
آغراملی.

ثلاث tsalās: [ع] اوچ، سانندان
اوچونجی.

ثلاثه tsalāse: [ع] اوچ ارکک، اوچ ارکک
آدام.

ثمانیه tsamāniye: [ع] سکیز، سانندان
سکیز.

ثمر tsamar: [ع] آغاجینگ میوه سی،
حاصل، اونیم، ثمار و اثمار جمع.

ثمره tsamare: [ع] ۱. میوه، تخم، بیر
دانه میوه، ۲. فرزند و نسل معنیده.

ثمن tsomn: [ع] سکیزدن بیر، بیر
زادینگ سکیزدن بیر بؤلگی، اثمان
جمع.

ثنا sanā: ا. [ع] دعا، آلقیش، اووگی،
ماغاتاما، ستاینده: اوویجی،

ماغاتایجی، اثنیه جمع.

ثواب tsawwāb: ص. [ع] اگین اشیک
ساتیان.

ثواب tsawāb: [ع] مزد، حق، احبیر،
آقلیق، سوغاپ.

ثوم tsom: [ع] ساریمساق.

ثیل tsil: [ع] اوتونگ بیر گورنوشی؛
فارسچا اونگا «فریز» و «فرزد»

دییلیار.

ثبات tsobat: [ع] آغیری، آدمی نی
آلیپ قالیان درد.

ثبت tsabt: ا. ص. [ع] برک دورماق، برک
آیاق اوستونده دورماق، یازماق،

یادداشت اتمک، بلامک.

ثبت tsabat: ص. [ع] دلیل، سباب،
ایناملار، آدام، اثبات جمع.

ثبوت sobut: مصر. [ع] برک قایم
دورماق، ماکام بولماق، برک لیک،

پوختالیق.

ثبور sobur: مصر. [ع] هلاک بولماق،
هلاک لیک.

ثروت tsawat: [ع] بایلیق، مال و
ملک، قوریلایق.

ثروت مند tsawat-mand: ص. [ع. فا]
بای، پوللی، ماللی، قارالی، قوریلای.

ثریا tsorayyā: [ع] چهل چراغ، کوپ
شاخالی بامدام ساللاپ قویولیان

ایشیق لار.

ثقال seqāl: [ع] بهالی لار، آغیرلار، جمع
ثقیل.

ثقف saq(a)f: مصر. [ع] چالتلیق،
بیلدام لیق چپر بولماق، استاد بولماق.

ثقه seqe: ص. [ع] ایناملی آدام،
سوزینه اینانماق، سوزلرینه و ادیان

ایشلرینه اینانیلیان آدام، ثقات جمع.



ج

ج je: پارس الیبی سى نینگ آلتینجى حرفى، «جیم» دییپ آدلاندیریلیان، ابجد حسابیندان (۳).

جائز jã'ez: ۱. [فاع] روا، یاراشیقلى، مناسب، لایق، جوائز و اجوزه جمع.

جائزه jã'eze: (= جایزه) ۱. [ع] مونث جایز، مزد، حق، بایراق.

جا آوردن jã awardan: (= بجا آوردن) ۱. برجای اتمک، یرینه یتیرمک ۲.

جانیماق معنیده هم بریلیان. جافتادن jã oftadan: مص.ل. یرینه

دوشمک، اندامینگ چیقان یرینی جایینا سالماق، هر زات اوز مخصوص یریندن چیقپ جاینه

دوشمه گى.

جایجا شدن jã-bejã šodan: مص.ل.

یرلشمک، بیر جایدان باشفا بیر جایا بارماق، یربه یر بۇلماق.

جابر tjäber: [فاع] ۱. دۇویک

یئنجیک باغلایان طبیب، دۇویک دانگیان ۲. ظالیم، ستمکار.

جاجیم tjäjim: پلاس و دوشک، حاجیم.

چا چراغی jã-čeraqi: ص.مر. چراغ قبولیانیر، چراغ جای، چیرا یری.

چا خوردن jã xordan: مص.ل.

قیمیلدماق، بیر گنگ زادی گوریپ حیران بۇلماق، بیر زادی اشیدیپ

بیردن گنگ قالماق.

جادادن jā dādan: مص. م. یر برمک،

بیرینه جای برمک، یرلشدیرمک.

جاداشتن jā dāstan: مص. ل. جاینگ

بؤلماق، یرینگ بؤلماق، مکانینگ

بولماق.

جادو tjādu: افسون، جادی لیق،

گوزیاغچیلیق.

جادوگر jādu-gar: ص. فا. جادی چی،

گوز باغچی، پورخان.

جاده tjādde: یؤل، اولی یؤل، حاطدا.

جاده سازی tjādde-sāz-i: مص. [ع]

یؤل بجرمک، شهردن داشاردا یؤل

سالماق، شهر آرالیفینا یول بجرمک.

جاذبه tjāzebe: [فاع] چکیجی،

اوزینه چکیجی، ^{کک}اؤتگون، زادلاری

گویجی بیلن اوز طرافینه چکیان.

جار tjār: چلچراغ آدیندا کان چراغلی،

اشیق، قانديل، کوپ چرالی توق.

جار tjār: [ت] قیقیلیق، داد بیداد،

قاتی سس.

جار tjār: [ع] قونگشی، یانتاشیق،

اجوار و جیران جمعی.

جار tjār: [فاع] اولدوریجی و اوزونه

چکیجی، بیرتیجی.

جارچی jār-çi: ص. مر. [ت] جار

چکیان، جارچی، قاتی قیقیلیق بیلله

بیر ضرور مسئله نی ایلله یتیریان، ایلله

یاییان.

جارو tjāru: (= جاروب)، سوپورگیچ،

سوپورگی، سوپورگه.

جاروکش jāru-keš: سوپورگیچ چی

سوپورگی جی، کؤچه لری سؤپوریان.

جاری tjāri: ص. ارلری دوغان عیالان،

ایکی یا بیر ناچه دوغانینگ عیال لاری

بیر بیرلرینه جاری آدلاندیریلیار،

یعنی التی.

جاری tjāri: [فاع] آقیم، آقار سؤو،

آقیان، روان، یورگوه حرکت ادیان.

جاریه tjāriye: ص. ۱. آقیم،

کیچی جک قیز، روان، قیرناجیق، کنیز

۲. گامی، گونش، ۳. بیلان، جاریات و

جواری جمع.

جاز tjāz: انگا. سازلارینگ بیر

گؤرنوشی، جاز.

جاسر jāsar: [ع] ص. باتیر، قؤجورلی،

قورقمازاق، کله پروای، بی باش، جسار

جمع.

جاسم tjāsem: [ع] ۱. شام یوردینده

بیر اوبانینگ آدی، ۲. ارکک

آدم لارینگ آدلاری نینگ بیر ی بولیار،

۳. بیر طایفانینگ آدی.

جاله jālē: ۱. [ع] اوز اويوندن واطانيندن
گوچن لر، هجرت ادن لر.

جاليز t.jāliz: اكرانچيلىق، قاريز،
قاوين، خيار وش.م.

جام t.jām: كاسه، جام، اوقارا.

جامد t.jāmed: ص. [ع] قورى، دونگاق،
داش يالى قاتى، برک نارسه، جوامد
جمعى.

جامع t.jāme': ۱. [فاع] ييغنايجى،
توپلايجى، اويشيريچى، كامل دولى
۲. جمعه اوقاليان اولى مسجد،
جوامع جمعى.

جامعه t.jāme'-e: [فاع] مونث جامع،
۱. جملايجى، بير شهرده و يورتهده
ياشايان دنگ حقوقلى كوپ آدمالار،
كۆپلوک ۲. دانشگاه يۇقارزى اوقو
اوقوليان ير ۳. زندانىلارينگ اليه و
بۇيۇنونا باغلانليان دمير زنجير.

جامعه شناسى t.jāme'-e-šenāsi:
كوپليگينگ اوغرينده اوقولان علم و
داپ دستورلار، كوپچيلىگه دگيشلى
اوقوليان علم.

جامه دان t.jāme-dān: چمدان.

جان t.jān: ۱. روان، روح، ديرى ليك، هر
جاندارده بۇلان گويچ قورب، اول
اولمه گى بيلن آرادان گيديار.

جاسوس t.jāsus: ص. [ع] خبرلى، ايچ
آلى، ايچپيون، كپ چى، كپينگ
ايزينده گزيپ ايلينگ يا بير يوردونگ
سرينى بيرينه آليپ التيان آدام.

جاعل t.jā el: ۱. [فاع] ياسايجى،
دوره ديچى، سازلايجى، آيلايجى،
جمل اديچى، يالاندان بير زات
تاپيچى، يالاندان بيرى نينگ آدينا
سند يا يازغى بجرمك.

جافى t.jāfi: ۱. [فاع] جفا اديچى،
پيشه سى جفاليق بيلن بۇلان،
كۇسنديرن، جفاة جمعى.

جا كردن t.jā kardan: مص. م. جاى
برمك، سيفنديرماق، گيريزمك.

جا گذاشتن t.jā gozāshan: مص. م.
جاينده قويماق، جاينده اوتورتماق،
بيرزادى يرينده اوتورتماق.

جا گرفتن t.jā gereftan: مص. ل. جاى
آلماق، اۇزونگه جاى بلله مك، بير
يرى اۇزونگه خاصلاماق.

جال t.jāl: دۇزاق، قاپان.

جالب t.jāleb: [فاع] اوزينه چكيچى،
اناىى، گورنوكلى، گنگ قالديريچى،
اوز طرفينا چكيان، اناىى.

جاله t.jāle: سۇدان گچمك اوچين
مشيگه باغلانليان تختا.

جان آفرین jān-āfarin: ص. فا.

دنیائی یارادیجی، یوقدان باره
کتیریجی، خدای تعالی نینگ بیر
صقتی.

جان افشاندن jān affšāndan:

مصل. جان برمک، اولمک، جانندن
گچمک، جان فدا اتمک.

جانان، جانانه j. jānān-(e): ص. ۱.

سویگیلی، معشوق، سویگا مناسیب،
آوادان، جانی یالی گوریان، مهربان ۲.
جانانه جان بیله اویناماق یوزوندن،
جانندان گچمک لیک طریقه دا.

جانب j. jāneb: [ع] طراف، قاپدال، یان،
قیرا، جوانب جمع.

جانباز j. jānbāz: ص. فا. جانیندان گچن،
جانینی قربان ادیان، جانینی فدا
ادیان.

جانبدار j. jāneb-dār: ص. فا. [ع]
طرفدار، حمایتچی، قولداوچی.

جان پرور j. jān-parwar: ص. فا. روحی
قالقینچ، روحی گویچ.

جان پناه j. jān-panāh: ص. مر. بوقی یر،
بوقالغا، گیزلین یر، سنگر، پناه توتوپ
دوشمانینگ الیندن قوتولماق اوچین
بوقی جای، قاچالغا یر، سیغینغا.

جانخراش j. jān-xarāš: ص. فا. جانا آزار

بیریجی، جان آغیریدیجی.

جان دادن j. jān dādan: ص. ل. جان
برمک، جان تسلیم اتمک لیک.

جان دادن j. jān dādan: ص. م. جان
باغیشلاماق، دیرلتمک، گویچ بریپ
تازه یاشایشا یتیرمک.

جانسوز j. jān-suz: ص. فا. جان
یاقیجی، جان یاندیریجی، جان
کؤیدوریجی.

جانشین t. ja-nešin: ص. بیرى نینگ
یرینده اوتوریپ اؤنؤنگ ایشلرینی
یرینه یتیریان آدام، خلیفه، اورون
باسار.

جان کندن j. jān kandan: ص. ل. جان
برمک، اولوم حالتده بؤلماق، قارقارا
گلمک.

جان گداز j. jān-godāz: ص. فا. جان
یاندیریجی، روحی و روانی پسه
سالیجی، قاینی غمه قویوجی.

جانماز j. jā-namāz: ص. مر. نمازلیق.
جان نثار j. jān-nesār: ص. مر. [فا. ع]

جانینی بیرى اوچین فدا ادیان،
جانینی بیرى اوچین قربان ادیان.

جانور t. jān-war: ص. جاندار، جانللی،
کویلنچ حیوانلارا خاصلانیار، جانوران
جمع.

جانی jān-i: ص. ن. جانا باغلی، جان یالی، مهربان یار، عزیز، جانب کش.

جانی tjāni: ضا. [ع] جنایتکار، قانخور آدام اولدوریجی، جناة جمع.

جاودان jāwedān: ص. (= جاویدان) سوزی نینگ قیسفالدیلانی، ابدی، مدامالیق، همیشه لیک، اولمز بیتمزلیک.

جاور tjāwar: ص. ۱. جا و مکان ایه سی، ۲. یاغدا یلار و دؤرمؤشلار. جاوید jāwid: ص. همیشه، باقی، ایمقلی، ابدی.

جاویدان jāwidān: ص. ابدی، همیشه لیک، ایمقلی. جاویدان jāwidān: ص. همیشه، ایمقلی، اولمز یتمزلیک.

جاویدن jāwidan: (= جویدن) مص. م. چینه مک، گاوشه مک.

جاه tjāh: [ع] شرف، آبرای، شان، مقام، اورون.

جاهد tjāhed: [فاع] تلاش ادیجی، تقلا ادیجی، جان ادیجی.

جاهل jāhel: ص. [ع] نادان، عقل سیز، تنتک، آنکمیان، آقماق، بیلیم سیز.

جاهلیت jāhel-iyat: مص. ج. [ع] نادانلیق یاغدا یی، بیلیم سیزلیک

یاغدا ی، آنک سیزلیق یاغدا ی، اسلام دان اونگ عرب لرینگ عربستاندا بت پرست لیکده گچیرن یاغدا یی.

جای jāy: اورون، مقام، جای.

جایز jāyez: ا. [ع] یاراشیقلی، مناسیب، روا، دوغری، حلال.

جایزه tjāyeze: [ع] (= جائزه) بایراق. جایگاه jāy-gāh: ص. مر. اوی، سرای، مقام، مرتبه، اورون.

جایگزین jāy-gozin: ص. ضا. جایلاشما، جای بلله مه، جای تاپما.

جبار jabbār: ص. [ع] ۱. خدای تعالی نینگ آدلاری نینگ و صفت لری نینگ بیر، ۲. مسلط، اوستم معنی لاردا.

جبال jebāl: [ع] داغلار، جمع جبل.

جبر jābr: مص. [ع] ۱. دووین سونگی باغلاماق، ۲. غریبی باییتماق، ۳. بیرینی زور بیلله ایشلتمک، ۴. بیر طریقه نینگ آدی، مریدلرینه جبریّه آدلاندیریلیار و اولارینگ عقیده سینه گورا آدمی نینگ تمام عمل لری خدای تعالی نینگ اراده سی بیلله یرینه یتیار، و آدامدا هیچ حیللی اراده و ارک یوق دییپ

دوشنوک بریارلر.

اونگ طرافسی، آلینی ۳. قاش
اوستی نینگ و مانگلاینگ قیل لاری،
سووش میدانی.

جسته tjosse. [ع] اندام، تن، گوره،
انسانینگ اوزی، جثث جمع.

جحف tjohāf. [ع] ایچ آغیر کسلی و
کوپ اییمکدن و بی اینجالیق دان
معهده، آش قازان دا دوره یان کسل.

جحف jahāf: مص. [ع] اوروش
اتمک، سووش اتمک.

جحش jahš: مص. [ع] تایخار، بایتال
کره سی، جحاش و جحشان جمع.

جحش jaheš: مص. [ع]
چیتنه نک له مک، دیرجانا قلاماق.

جحیم tjahim. [ع] دوزخ، جهنم،
تامی.

جد jed(d): مص. [ع] تقلا اتمک،
تلاش لیق، چالت، قیسی ساغلی لیق،
دوغری لیق، حقیقت.

جد tjad(d). [ع] آتانگ آتاسی، انه آتا،
اولی آتانگ، اجداد جمع.

جد tjad. [ع] پنیدا، بخت، سوو
یاقاسی، هر زادی نگ یاقاسی، سای.

جدا jodā: مص. آیری، بیر بیریندن جدا،
یکه، آنگیرباش، جدالیق، آیرالیق.

جدار tjedār. [ع] دفار، دیوار، جدر

جبرئیل tjebra'il. خ. [ع] جبرائیل.

جبرائیل jebra'il: اخ. [ع] عبری
چشمه دن خدا تعالی نینگ
سارغیت چی سی، ایلچی سی،
فرشته لرینگ بیرى نینگ آدی، اول
خدای تعالی نینگ طرفیندان
پیغمبر میز حضرت محمد (ع) وحی
نازل ادیان فرشته، یعنی وحی
گتیریان فرشته.

جبران jobrān: «جبر» عرب
چشمه دن، فارسچا: عوض برمک،
دره گینی توله مک، تلافی اتمک،
یتیشمک، اوده مک.

جبروت tjabarut. [ع] بییک لیک،
اولولیق، الله نینگ عظمتی و قدرت
عالمی.

جبل tjabal. [ع] داغ، جبال و اجبال و
اجبل جمع.

جبه jobbe. [ع] دون، گینگ اوزین
اگین اشیک، دمیر کوینک، جب و
جباب جمع.

جبه جوشن jobbe-jawšan: ۱. مر.
دمیر کوینک اوروش اسبابی.

جبه tjebhe. [ع] ۱. مانگلای ۲.
جماعتینگ و اوروش میدانی نینگ

جمع.

جدا شدن jodā šodan: مص.ل. آرا

آچیلماق، آرانی آچماق، جدا بؤلماق، آیری بؤلماق.

جدا کردن jodā kardan: مص.م.

آراسینی آچماق، جدا اتمک، آرالارینی آچماق، بلله مک، آیریلیشديرماق.

جدا گانه jodā-gāne: ص. یکه و

ارین، یکه صورتده، یکه.

جدال jedāl: مص. [ع] دوشمانلیق

اتمک، اؤرؤشماق، چکش بکش، اؤرؤش سـؤـوش، چاقناشیق،

چکه له شیک.

جدال jaddāl: ص. [ع] ۱. قاتی

جدل چی، کۆپ جدل ادیجی، ۲. تاویق و تاویق کته گینی ساتیان.

جدل jedāl: [ع] اؤرؤش،

چکه له شیک، دعوا، چاقناشیق.

جدول tjadwal: [ع] ۱. کیچی هاریق،

آریق کیچی یاپ، ۲. کاغذ یوزونه چکیلان چارپاره خطلر، شطرنجی

کاغذی یالی، چیز قیچ.

جدول بندی tjadwal-bandi: مص.

جدول چکمک، کاغذینگ یوزونه جدول رسم اتمک، خیابانلارینگ

کنارینه سمنددن چکیلان جوی.

جده tjadde: [ع] دادنگ اجه سی

«انه»، اجنگ اجه سی «ماما».

جدی tjady: [ع] ۱. آولاق، ۲.

اونؤنجی فلکی بُرج، دی آیی بیله برابر ۳. قطب شمال یعنی قایرا

قطبدا بیر ییلدیزینگ آدی.

جدی jeddi: ص. [ع.فا] ۱. ایشنگر،

ارجل، تلاشلی ۲. چین و حقیقت یوزوندن بولانه چین لاقای.

جدید jaded: ص. [ع] ۱. تازه، یانگی،

هر زادینگ تازهمسی ۲. عروض قوشغی سی نینگ آغرام اولچه سی.

جدید الاحداث jadid-ol-ehdās:

ص.مر. تازه دیکیلن، تازه بنا بولان، تازه سالینان.

جذاب jazzāb: ص. [ع] اوزینه

چکیجی، اؤزونه دارتیجی.

جذام tjozām: [ع] هیوره کسل، بو

کسلی توتان آدمینگ اتی قویوپ دوکولیان بؤلمالی.

جذب jazb: مص. [ع] اؤزونه چکمک،

سیگمه، یرلشمه، دارتیجی.

جذم tjazm: [ع] کسمک، بؤلّمک،

قاتی کسمک، چالت کسمک.

جدور jozur: [ع] کوکلر، دویپلر،

جمع جذر.

جر t:or: ۱. ایر، آط ایری.

جر t:jar: ۱. دیلیک، یاریق، ایریق، ایریک، یرینگ ایریغی، ۲. کیچی یاب.

جر t:er: ۱. پارچا دیر کاغد یالی زادی بیرتانگدا چیقیان سس، اونگا جر جر هم دیییلیار.

جر t:ar(r): مص. [ع] ۱. چکمک، اوزالتماق، ۲. دویانی یواشلیق بیلن ایتمک، ۳. سوزلرینگ آشاغینا حرکت برمک.

جرا t:jarā: اکلنج، نفقه، آی به آی گلیان حق.

جرائد t:jarā'ed: [ع] جمع جریده، ۱. نخل آغاچینگ شاخاسی، یاپراق سیز شاخا ۲. صحیفه، گوندهلیک یازغی، روزنامه، جرائد جمع.

جرائم t:jarā'em: [ع] جمع جریمه، تاوان لار گناه لر، یازیقلار و جریمه لر معنیده.

جراح t:jarrāh: [ع] یارالان باشلان جمع جراحت.

جراح t:jarah: [ع] یارالارا علاج ادیان، دورلی ایچ کسل لری کسیپ ام ادیان طبیب ایچ کسیجی دکتر، لقمان.

جراحت t:jerāhat: [ع] یارا، باش،

جراحات جمع.

جرات t:or'at: مص. [ع] باتیرلیق، قورقمازاق لیق، غیراتلی لیق، قوْجورلی لیق.

جر ثقیل t:jarresaqil: (= جراثقال) [ع] مانجاناق، آغیر نارسه لری گوْتریب قالدیریان دستگاه، قورال.

جرح t:jarh: مص. [ع] یارا سالماق، سوگمک، عیبلاماق، پوچ و باطل اتمک.

جرح t:jorh: [ع] یارا، اجراح و جروح جمع.

جرحه t:jor'e: یودوم.

جرقه t:jarqqe: اوْچفون، اودونگ سیجراتغی سی.

جرگه t:jarge: دسته، بۆلک، توفان، آوینگ شکارینگ داشینی قبابان

شکارچی و یا بیر بۆلک آدم.

جرم t:tjorm: [ع] گناه یازیق، خطا، جروم و اجرام جمع.

جرم t:jarm: ص. [ع] (= گرم / قیزیغین) چشمه دن آلنان، قاتی قیزیغین یر،

جروم جمع.

جرم t:erm: ۱. [ع] ارنگ، اندام، بدن، حیوانینگ و یا باشقا زادلرینگ

اندامی، ییلدیز، اجرام و جروم جمع.

جری jari: ص. [ع] قورقمازاق، باتیر،
کله پروای، پانگ کله، اجرئاء جمع.
جریان jaryān: مص. [ع] آقیم، آقین،
بانگ آدالغاسیندا پول ال به ال
دولانماغی گزمه گی، آقیم.

جریب tjarib: اول مونگ متره برابر
بولان اؤلچگ، بیر هکتار، «گریب»،
«گری» هم دیییلیار.

جریح jarih: ص. [ع] یارالی، یارالانان،
یاراسی بولان، جرحی جمع.

جریحه tjarih: عربی، چشمه دن،
جراحة، فارسچا جراحت، یارانگ
دره گینه پیدالانیلیار.

جریده tjaride: [ع] ۱. خرما
شاخاسی، یاپراق سیز شاخا، ۲. آياق
اولاقلی بیر بؤلک آدم، ۳. صحیفه،
یادنامه، روزنامه، جرائد جمع.

جریمه jarime: [ع] مونث جریم، ۱.
تاوان گناهکار ۲. گناه، یازیق، و
یازغیننگ جزاسی، یازیقلى دان
آلینیان پول، گناکارلیکدن آلینیان پول،
تولگ، تاوان.

جز jz: ح آیری، غیر، باشغا.
جزئی jz'i: ص.ن. [ع] آز زادا باغلی،
آزاجیق، انتک، کم، چولکه اوچیپ سیز
جزائر jaz'a'er: [ع] (= جزایر) آدالار،

جمع جزیره.

جزاف jazāf: ص. [ع] ماغتا، تره ز
قویوپ چکمانی سانامانی آلیپ
ساتیلماق.

جزاف jazzāf: ص. [ع] آوچی،
بالیق چی، صیاد.

جزم jazm: مص. [ع] کسمک، بیر
ایشی برکیدمک، بیر ایشه شک سیز
اوغراتماق.

جزوه tjozwe: [ع] بیر بؤلک یازیلان
کاغد، و یا چاپ بولان کتابینگ بیر
بوله گی، دفترچه.

جزیره tjazire: [ع] آدا، یعنی
دنگزینگ ایچینده بولان بیر بؤلک یر.
جزیل jazil: ص. [ع] ۱. کوپ، کان، بول
۲. ماکام، برک اولی، بییک بلند ۳.
چپر سوز معنیده.

جسارت jesārat: [ع] باتیرلیق اتمک،
غیراتلی لیق، کله پروای لیق،
قورقمازاق لیق، ادب سیزلیک،
أسگرمه سیزلیک، باتیرهای.

جست tjast: مص. ۱. بوکمک،
تاویسماق، ۲. بییک دفار و بلند پایا
مفنیده.

جست tjost: مص. بارلاما، آغتاریش،
آغتمارماق ایشی.

جستجو t.josteju. مص. ایزارلاماق،

بارلاماق، آغتارماق، ایده مک.

جستن jostan: مص.م. ایزارلاماق،

تاپماق، گوزلامک، ایسته مک.

جستن jastan: مص.ل. تاویسماق،

بوکمک ارغیماق.

جسد t.jasad. [ع] اندام، بدن، گووره،

میت، اولی نینگ بدنی، اندامی، اجساد

جمع.

جسد t.jasad. [ع] قوری قان، زعفران،

اجساد جمع.

جسم t.jesm. [ع] اندام، تن، گورا، بدن،

اینلی بویلی بولیپ هوانی توتیان زاد،

جیم.

جسمانی jesmani: ص. [ع] جسمه

باغلی بولان، انداما گووره دگیشلی

بولان.

جسور jasur: ص. [ع] باتیر،

قورقمازاق، کله پروای، قایدوسیز

جشن t.jašn. شادلیق، خوشلیق، دابارا،

چاو، عید، توی، شاغلانگ دابارا،

بایرام، شادلیق بیر ایش اوچین بولان

بایرام.

جشن t.jašan. ا. قیزدیрма، اندام

قیزغینی و دامار اورما یاغداپی.

جشن واره t.jašn-wäre. ص. مر. چپر

اثرلری گورکزمک اوچین یوریته

گچیریلیان بایرامچیلیق، فستیوال.

جعبه t.ja'be. [ع] یاشیک، تخته دان

ادیلن صندوق، جباب جمعی.

جعفر ja'far: [ع] آقار سو، سویتلی مایا

دویه، یاپ.

جعفری ja'fari: [ع] امام جعفر صادق

باغلی بولان، جعفری مذهب، شیعه

مذهب.

جعفری t.ja'fari. [ع] ایلیلیان

سبزی نینگ بیر گورنوشی، جعفری

آدیندا بولان گوک اونیم، سبزی.

جعفری فرنگی ja'fari-farangi

ا. مر. شادیان یاپراق.

جعل t.ja'l. [ع] دوراتمک، یاراتماق،

بجرمک، یاساماق، حقیقتینگ

ترسینه بیر آدامینگ آدینه یالان دان

سند دوراتمک.

جعل t.jo'al. ا. [ع] مور موجه گینگ بیر

گورنوشی.

جعل t.jo'l. [ع] مزد، ایشه بریلیان

حق، اجمال جمع.

جغد t.joqd. بایقوش.

جغرات t.joqrāt. قاتیق، سوزمه.

جغرافی t.joqrāfi. (=جغرافیا) ا. [فر]

۱. یر شاری نینگ و یورت لارینگ



جک

جک *tjak*: [انگ] دورلی ماشین لار و اتومبیل لار یالی آغیر زادلاری یوقاری قالدیرماق و قالدیریپ ساقلاماق اوچین ماشینینگ آشاقینده قویولیان دستگاه، اول ماشین تعمیر ادیلجک یاده بیر قورالی تگیری چالشیریلجاق بولان وقتده ایشلنیار.

جگر *jegar*: ۱. باغیر، قارا باغیر.

جگر داشتن *jegar dāštan*: مص.ل.

کنایه سؤزوندن: غایراتلی و

قوجورلیق، قورقمازاق لیق.

جگر سفید *tjegar-sefid*: آق باغیر.

جگر سیاه *tjegar-siyāh*: قارا باغیر.

جگر گوشه *jegar-guše*: مر. باغیر

یالی، گوچه معنی سی، عزیز فرزند،

جگر گوشگان جمع.

جل *jal*: چیرلاق.

جل *tjol*: [ع] پالان، مالینگ اشیگی،

اجلال جمع.

جلاد *jallād*: [ع] میر غضب، آدام

اولدیریان و شاللاغا یاتیریان دولت

ماموری، جلاد.

جلال *jalāl*: [ع] اولولیق، بییکلیک،

حرمتلی لیق، آبرایلی لیق، بلند

مرتبه لی لیک.

جلالی *jalāli*: ص. جلاله دگیشلی،

تاریخ جلالی: جلال الدین ملک

طبیعی، سیاسی یاغدای لارینی همده یر یوزینده یاشایان قوملارینگ، ملک لرینگ و بیله کی یاشایجی لارینگ دؤرمؤشینى اوردیان علم. ۲. اول ناچه قسم: جغرافیای طبیعی، سیاسی، اقتصادی، انسانی دان عبارت.

جف *tjof(f)*: ص. ۱. قارری کمپیر،

قاتی قاران، ۲. آراسی بوش.

جفاف *jafāf*: مص. [ع] قوریماق.

جفاف *tjofāf*: [ع] قوران زادی

بیله کی لری قوریتجاق بؤلۆپ

آراسیندا قوییلان نارسه.

جفال *tjofāl*: [ع] سويدونگ کؤیوگی،

جفاء *tjofā*: [ع] ۱. بیهوده، خورلیق،

ستم، مهرسیزلیک، ۲. یوز دؤندرمک،

۳. داشلاشماق، آرانى، قاچماق.

جفاء *jafā*: مص. [ع] ۱. پوچ، باطل،

بیدرک، پیداسیز، چورچوپ، ۲.

توتماقلى و توتماق کسلى.

جفت *tjoft*: ایکی، تایی، جوفت، ایکی

زات، قوشا، آر-عیال، ارکک و اورقاچی

حیوان.

جفتک *tjoftak*: اشک اولاغینگ

شاللاق آتماسی، شاللاقلاماسی.

جفنگ *jafang*: ص. بیهوده، بیدرک،

بوش گورونگ، سامراما.

سلجوقیه دگیشلی بولان تقویم و یا تاریخ.

جلاء t:jelā: [ع] سرمه.

جلاء jalā: مص. [ع] ۱. وطندن و او ی ایلدن داش بۇلماق، گوچمک، وطندن داش دوشمک، ۲. بیر ایشینگ آشکار و آچیق بۇلماغی، ۳. قیلجینگ، آینانینگ و شونگا منگزاش زادلارینگ پوسینی آیریپ ییلدیراتماق.

جلب jalab: ص. بدل، قوشوندی سی بولان، آراسسا بۇلما دیق زاد، هیتیر، حقه باز، تله که آدم، پیس ایشداکی یعنی کونتی بدکار عیال.

جلب jalb: مص. [ع] بیر یردن باشغا بیر یره چکمک، چکمک. جلبک t:jolbak. سووینگ ایچینده اوسیان اوتلارینگ بیر گورنوشی، چۇلانگ.

جلد jald: ص. [ع] قۇجۇرلى، باتیر، چاققان، اجلاد جمع.

جلد t:feld. [ع] قابیق، دری.

جلد jald: مص. [ع] شاللاق اورماق.

جلسه t:jalase. [ع] اوتورلیش، اوتوریشماق بیلن، بیر ایشه یتیشیکلیک اتمه و شول بارادا گورونگ اتمک اوچین گچیریلیان اوتورشینلیق، میلّس.

جلف jelf: [ع] ایچی بوش، زادسیز، پانک کله، قایزا، کلچیک، آقماق، کأس، یوخا، اجلاف و جلوف جمع.

جلق jalq: مص. [ع] کله سیرما.

جلق jalq: ۱. «زلق» عرب چشمه سیندن آلمان: ال بيله سویکاپ منی نی داشینا چیقاریلماق.

جلگه t:jolge. کینگ تکیز دوز یر، جولگه، ایکی داغینگ آراسی.

جلو t:jelaw. ۱. اونگ، مانگلای، یوز به یوز ۲. آطینگ آوساری، جیلاو.

جلودار t:jelaw-dār. اونگدن یوریان آطلی، اونگدن گیدیان چاپاری.

جلوس jolus: مص. [ع] اؤتورماق، قرار تاپماق، یرلشمک.

جلوسر t:jelaw-sar. دیه.

جلوگیری کردن j:elawgiri kardan. مص. اووینی توتماق، اووینی آلماق، اووینه گچمک.

جلوه jelwe: (= جلوت) ص. [ع] اشکار اتمک، آچیق اتمک، ناز کرشمه.

جلوه t:jelwe. [ع] یوز آچما، کوره کینینگ کیه وینگ ایلکی گیجه گلینه التیان ساوغاتی، عرفان آدالغاسینده عارفلارا الله نینگ نوری یوره که دوشمک لیگی.

بزک چی.

جماعت 'jemā: بیله یاناشماق، عیال
بیله ارکه گینگ یاقینلیق اتمه گی،
عیالا یاناشماغی.

جماعت 'jemā'at: ۱. [ع] بیر بۆلک
آدام، بیر توپار آدام، جماعت،
کۆپچولیک.

جمال 'jamāl: [ع] گورک، آوادانلیق،
حسن، گورنیکلیک، گورکلیک،
گوزللیک.

جمال 'jemāl: [ع] دویه لر، جمع جمل.
جمال 'jammāl: [ع] دویه چوپان، دویه
ایه سی، جماله جمع.

جماهير 'jamāhir: [ع] جمهور، بیر
توپار جماعت، هر زادینگ
تویلانماغی، جمهوری لار.

جمع 'jomjome: ۱. [ع] کلّه
سونگکی، سگیز بۆلک سونگدان
عبارت بولان، کله کاسه سی، جماجم
جمع.

جمرات 'jamarāt: [ع] بۆلک اودلار،
بۆلک داشلار، جمع جمرة.
جمشاک 'jamšāk: ۱. آياق قاب،
کۆووش.

جمع 'jam: مص. [ع] ییغناق، پیترانگ
زادی توپلاماق، حساب علمینده

جلوه گر 'jelwe-gar: ص. [ف.خ] آشکار،
آیدینگ، بللی، بزکلی، یالقیملی،
اوزونی گوزل گورکزیان، یاقیملی
گورکزیجی.

جله 'tjolle: [ع] خرما آغاچدان یا
اینچه شاخادان ادیلن زنبیل، سبد.
جله 'tjolle: دوگون، دوگون طناب.
جلیتغه 'jelitqe: ۱. قورساقجا.

جلیل 'jalil: ص. [ع] اولی، اؤلؤلوق،
حرمتلی، اجله و اجلاء جمع.

جلیل 'tjalil: [ع] ۱. آط کچه، آياق
اولاغ لارینگ اشیگی، ۲. کجاوه،
کجاوه اوستی نینگ پارچاسی،
اورتگوسی.

جماد 'jamād: ۱. [ع] جان سیز،
حرکت سیز داش، آغیاج دمیر و
ش.م.لر.

جمادی 'jomādi: ۱. [ع] جمادی الاول و
جمادی الاخر دیپ آیدیلیار یعنی
هجری قمری سنه سی نینگ
باشینجی و آلتینجی آیی.

جماز 'jammāz: ص. [ع] یورتیجی،
یوؤرؤک آط، قاتی یورتیان آدام،
ییلدام دویه.

جماش 'jammāš: ص. شورته، مست،
غزل اوقیجی، اویونچی، آلدواچ،

دورت عملینگ بیرری جمع.

جمع 'jam: مص. [ع] بیر بۆلک
جماعت، بیر توپار آدام؛ یوم الجمع:
قیامت، آخرت.

جمعه 'jom'e: [ع] هفته نینگ
یدینجی گونی، آنا گونی، آدینا.

جمعیت 'jam'-iyat: مص. [ع] کوپ
آدام بیر یره ییغناشماغی کان آدام،
ایلات، ایلات سانی.

جمل 'jamal: [ع] دویه.

جمل 'jomal: [ع] جمع جمله،
جمله لر، سوزلم لر، اهلی، بوتین.

جمل 'jommal: [ع] طناب، یوپ،
یوغین طناب، گامی نینگ طنابی.

جمله 'jomle: [ع] ۱. همه، باری،
همه سی، کلی، اهلی، معنی لی بولان،

۲. سوز دوزیمی، سوزلم، بتین و کامل
جمنده 'jomande: فا. قیمیلایان،

حرکت ادیان، قیمیلدیجی.

جموش 'jamuš: [ع] هک بیله زرنیخ
قاتیشیق، ساچا اندامینگ قیلنی
آییرماغا پیدالانیلیان واجب.

جمهور 'jomhur: [ع] جماعتلار،
آداملار، بیر توپار آدام، هر زادینگ
کوپ اولی توپاری کوپ، جماهير
جمع.

جمهوری 'jomhuri: (=جمهوریه) ۱.

[ع] حاکمیت اتمک لیگینگ بیر
گورنوشی، شول جمهوری یورتلاردا
پادشانینگ دراگینه بیر آدام ایلات
طرفیندن بللی مهلته وقتلایینچا
سایلانیار، شونگا بولسا، رئیس
جمهوری یعنی جمهوری
یوردی نینگ باشلیغی دیییلیار.

جمع 'jami: [ع] کوپ آداملار، باری،
همه سی.

جمیله 'jamile: ص. [ع] قاوی، گوزل،
گورنیکی، آوادان، مونث جمیل.

جن 'jan: طرف، قایدال، اوغیر، یان.
جن 'jen(n): [ع] تازه آچیلجاق گل،
شکوفه، ییگیت لیگه یتن، یتگینجک.

جن 'jen: [ع] جین.

جناب 'jenāb: [ع] ۱. آقا، جناب، اولی
آداملارینگ حرمت اوچین
آدلاری نینگ اونگیندن آیدیلیان کلمه،
سوز ۲. درگاه، ایشیک.

جنابت 'jenābat: مص. [ع] نجیس
بۇلماق، حافا بۇلماق، اندامینگ و
اینینگ حرام بولوپ غسل ادیلمه کی
واجب بۇلماق، این حراملیق.

جنات 'jonāt: [ع] جمع جانی.

جنات 'jannāt: [ع] جمع جنت،



اوچماخلار، بهشتلار.

جناح jonāh: ۱. [ع] يازيق، گناه، خطا.

جناح janāh: [ع] ۱. تاويغينگ

قاناتي، ۲. آدامينگ قولى و الى،

اۋرۇش ميدانينده بولان قشونينگ

ايكى طرافيندا ساغ و سولوندا قرار

تاييار، اجنحه، اجنح جمع.

جنازه jenāze: ۱. [ع] اۋلى، ميت،

نمش، ماسليق، جناز، جمع.

جنان jenān: [ع] جمع جنت، جنتلر،

بهشتلر، اوچماخلار.

جنان janān: ۱. [ع] ۱. يورك، ۲.

گيزلين سير، زادينگ ايچى ۳.

گيجانينگ قارانگقىسى، اجنان جمع.

جنايت jenāyat: مصص. [ع]

گناهكارليك، عاصى چيليق، اولى گناه،

كۈپلنچ بو سۆز آدام اۋلدورمك ليگه

خااصلانيار قان خورليق.

جنب tjanb: [ع] قاپدال، كنار، چت،

اجناب و جنوب جمع.

جنب jonob: ص. [ع] داش، كسهكى،

غيرى هايا، هايا بولاشان، اينى حرام،

غسل واجب بولان.

جنبان jonbān: ص. فا. تيتريهان،

قيميليديان زات.

جنبش jonbeš: مصص. قيميلىدى،

حرکت، تولقونما.

جنيدن jonbidan: مصص. ل.

قيميليديماق، حرکته گلمک، حرکت

اتمک.

جنت jent: ۱. [ع] باغ، بهشت، اوچماخ،

جنات و جنان جمع.

جتلمن jentelman: [انگ] صابيرلى،

جومارد، آبرايلى و حرمتلى آدام.

جنج janz: ۱. سس، قيقيليق، فرياد.

جنجال janjāl: ۱. قيقيليق، فتنه،

نادازا، غالماغال، غوغا، باساباس.

جنحه jonhe: ۱. عرب چشمه دن

آلينان: كيچى گناه، يازيق.

جند jond: ۱. ۱. لشگر، قشون، اجناد و

جنود جمع، ۲. شهر ماغاندا.

جنډر jandar: ۱. گييم گجيم، اشيك،

اگين اشيك.

جنده jende: ص. كونتى، تله كه يولدا

بولان عيال، جلب، فاحشه.

جنرال tjenerāl: [فر] ژنرال، يۇقار

درجده بولان قۇشون باشليقى.

جنس jens: ۱. [ع] مال، زاد، دورلى

زادلارى اوز ايچينه آليان توپار مثلاً:

حيوان و آداملار و آيرى جاندارلارنيگ

جنسى، اجناس جمع.

جنگ jang: ۱. اۋرۇش، سۈۈش، ناچه

جنود junud: [ع] لشکرلر، قشونلار،

جمع جند.

جنون junun: مصر . [ع] دالی لیک،

عقل اویستگه مک لیک، عقلدان

آزاشماق.

جنه jenne: ۱. [ع] جین.

جنة jonne: ۱. [ع] سپر، قالقان آدمی

اوروشدا دوشمانینگ اوقوندان

قیلیجیندن اونی توتۇپ آمان

ساقلا یار یعنی زات اۇنۇنگ بیلن

اوزونگی، قورالیار.

جنین janin: ۱. [ع] اوستی یاییق زاتلار،

انه نینگ هنیز دوغمادیق چاغاسی،

اجنه جمع.

جو ju: (= جوی) ۱. کیچی جک یاپ،

آریق: سۇو آقار.

جو jaw(w): [ع] هوا، یر بیلہ

گوگینگ آراسی، هاوا.

جو jaw: ۱. آریا.

جوائز jawā'ez: [ع] خلاتلار،

سیلاغلار، بایراقلار، جمع جایزه.

جواب tjawāb: [ع] قایتارغی،

جوغاپ.

جواد jawād: ص. [ع] ساخی، جومارد،

اجواد و اجاود و اجاوید و جوداء جمع.

جواد jawād: ص. [ع] یووروک آط،

آدملارینگ و یا یکی یوردونگ

آراسیندا بولیان یاراغلی چاقناشیق.

جُنگ jong: ۱. ۱. هند چشمه سیندن:

شعر و هر هیلی مطلب یازیلیان دقتر،

۲. ناو، گامی.

جنگجو jang-ju: ص. فا.

سۇوشجنگ، باتیر، غیراتلی،

قۇجۇرلی.

جنگل jangal: ۱. جنگل، طبیعی

اکیلمان اوز اوزی گوگریپ بتیان

آنگیرسی بارسى ایمنیر یاتان

آغاچلیقلار.

جنگلبان tjangal-bān: ص. جنگل

ساقلا یچی، جنگلی قورایان، جنگل

ساقلاوی.

جنگنده jangande: اورۇشاجانگ،

ساواشجانگ، ساواشیچی.

جنگیدن jang-idan: مصل.

ساواشماق، اوروشماق.

جن گیر jen-gir: ص. فا. جین توتوجی،

روحی ناساغلارا دعا یازیان آدم

یازیچی.

جنوب junub: ۱. [ع] قاپدال لار، یانلار،

کنارلار، جمع جنب.

جنوب junub: ۱. [ع] گون اورتا طرف،

ایلاری، جنائب جمع.

بیلدام آط، اجیادو اجاوید جمع.

جوار t.jawār: [ع] یاناشیق‌لیق،

قونگشی‌لیق، تووه‌رک، عهد.

جواز t.jawāz: یاغ چیقاریان دستگاه،

آغاچدان بجرلن یاغلی دانه‌نی

سیقیپ یاغینی آلیان دستگاه، جواز.

جواز t.jawāz: مص. [ع] گچمک،

یولدان گچمک، رخصت، اذن.

جوال t.jowāl: ا. چووال.

جوال t.jawwāl: ص. [ع] کوپ

چیرفینیجی، کوپ ایلغایجی، کوپ

گزجی.

جوال‌دوز t.jawāl-duz: ص. مر. تمن،

چووال تیکیان ایگنه‌دن اولوراق تمن.

جوامد t.jawāmed: ا. [ع] جمع جامد،

نگا جامد.

جوامع t.jawāme': [ع]

بیغنانشیجی‌لار، کوپ آدم، قالین آدم،

جمع جامع.

جوان t.jawān: ص. طبیعی اورتاچه

یاشا یتن انسان، ییگیت.

جوانب t.jawāneb: [ع] یانلار،

قاپدال‌لار، طرفلار، جمع جانب.

جوان‌بخت t.jawān-baxt: ص. مر.

باختلی، خوشبخت.

جوان‌مرد t.jawān-mard: ص. مر.

جومارد، مرد ییگیت، همتلی.

جوانه t.jawāne: ا. جوانلیق، یاش

ییگیت، آغاجینگ چتریمه‌گی،

فندق‌لاماسی، شینالاما.

جواهر t.jawaher: [ع] گوهرلر، قمت

بها داش‌لار، دُرلر، جمع جوهر.

جوب t.jub: ا. قاناو.

جوبال t.jubāl: جوال، چووال.

جوجه t.juje: ا. ماکیان، چویچه،

اؤچوجی قوشلارینگ جویجه‌سی.

جوجه تیغی t.juje-tiqi: اوقلی کیرفی.

جود t.jud: ا. [ع] کرم، بخشش، بریم،

جومارتلیق.

جودانه t.jaw-dāne: آغاجینگ بیر

گۆرنوشی.

جودر t.jaw-dar: (= جودره) ا. چاوتار،

بیر هیللی ساری گل‌لی اوت.

جودر t.jawdar: سینیر جودره: تانا،

کوله.

جودو t.judo: [فر] ژاپون

چشمه‌سیندن آلنان: ژاپون‌لی‌لارینگ

گوره‌شی، بیر بیرینگی ییقماق و

یاتیرماق اوچین اندامه اوریلیان

ضربه.

جور t.jur: ا. جوره، تاویره، نویسلی،

هیللی.

جور jawr: مص. [ع] ظلم و ستم
اتمک، یولدان چیقماق، قیراغا
چیقماق.

جوراب jurāb: ا. جوراپ.

جوره jawre: [ع] ظالیم لار، ستمکارلر،
جمع جائر.

جوز jawz: ا. [ع] حوز.

جوز tjawz: [ع] زادینک ایچی و
اؤنؤنگ اولیسی، اجواز جمع.

جوزل tjawzāl: [ع] کپتر چاغاسی،
جوازل جمع.

جوزن jawzan: ص. مر. آرپا بۇغدايه
دگیپ قوریدیان آفت-کسل، زردی
دیپ-ده آیدیلیار.

جوزن tjawzan: ص. جسادیجی و
مرتاض هندی، گوز باغچی.

جوش ju: ا. مص. اندام تنانده دورایان
آوینجاق قیزیمتیق دانه قایناما.

جوشاندن jušāndan: (= جوشانیدن)
مص. قایناتماق.

جوش خوردن juš xordan: مص. ل.
ایکی زاد توتوپ سیلنمگی ایکی
زادینک بیر بیرینه یوغورلیپ جوش
توتماگی.

جوش زدن juš zadan: مص. ل.
قایناتماق، قاهارلانماق، آلبجیراماق.

قهر غضبه مینمک.

جوشیده jušide: ص. م. قاینادیلان،
قاینان.

جوف tjuf: [ع] قارین، بیر زادینک
ایچی، اجواف جمع.

جولان jawlān: مص. [ع] آیلانماق،
ایلانماق، میدانده، آطی چهار طرافه
چاپدیرماق آط قویماق.

جوندگان tjawandegān: امجکلی
جانلی لار ییتی دیشرلی چینه یجی لر،
سیچان و سنجاپ یالی.

جوهر jawhar: [ع] گوهر، بیر زادینک
اصلی و تویسی و اساسی، بهالی
داش، آلمان، یاقوت، مروارید و ش. م.
بهالی داشلار، اوزن.

جوی tjuy: یاپ جاغاز، آریق، قاناو.

جویا juyā: ص. فا. تاپماق، آغترماق.

جویبار juy-bār: ص. مر. آقار سو،
کوپ سوؤلی، آریغینگ یاقاسی
سوؤؤنگ کوپ یری.

جویدن jawidan: مص. م چینه مک،
بیر زادی چیناپ آوراتماق، چیناپ
یومشاتماق.

جهاد jehād: مص. [ع] تقلا اتمک،
حق و دین یولینده اوریشماق،
ساواشماق.

جهاد jahād: ص. [ع] اوت سیز قاتی

دمریگن یر، برکیین یر.

جهار jehād: مص. [ع] ۱. قیغیرماق،

اشکار اتمک، سسینگ یتدیگندن

قیغیرماق، ۲. اورتگی سیز بیرینی

گورمک.

جهاز jahāz: [ع] ۱. گلینه یا مسافره

بریلیان سپ شای، ۲. شیله ده

اندامدا بللی بیر ایش ادیان اعضاسینا

دییلیار.

جهال johhāl: [ع] نادانلار، آقماقلار،

جمع جاهل.

جهالت jahālat: مص. [ع] نادانلیق،

عقل سیزلیق، بیلیم سیزلیک.

جهان jahān: ۱. دنیا، عالم، جهان.

جهان آفرین jahān-āfarin: ص. فا.

دنیا نی یارادیجی، دۆره دیجی، خدای

تبارک و تعالی.

جهان بین jahān-bin: ص. فا. دنیا نی

گۆریان، دنیا گوراج لی، گوزصفتی

کینگدن بولان.

جهانگرد jahān-gard: ص. فا.

سیاحت چی، جهان گشته، دنیا

گزیجی، تورریست.

جهان نما jahān-namā: دنیا نی

اوزونده گورکزیان، دنیا نی گورکزیجی،

جغرافیا نقشه سی، یری ایکی یاریم

کره یعنی توغالاغا (شاره) بولیپ

گورکزیان جغرافیا نقشه سی

(کارتاسی یا خریطه سی).

جهانی jahāni: ص. ن. جهانا دگیشلی

بولان، جهانا باغلی بولان.

جهت jahat: [ع] طرف، یان، قاپدال،

سبب، اؤغور.

جهد jahd: مص. [ع] تقلا اتمک، جان

چکمک تالاش اتمک چالشماق.

جهر zahr: [ع] اشکار اتمک، قاتی

قیغیرماق، قاتی سس.

جهش jaheš: [ع] ا. مص. نگا. جهیدن،

بوکمک، تاویسماق.

جهل zahl: مص. [ع] نادان بولماق،

عقل سیزلیق، نادانلیق،

بیلیم سیزلیک.

جهنم jahannam: [ع] ۱. دوزخ، تامی،

تاموغ.

جهود juhud: ۱. یهود، یهودی.

جهیدن jahidan: مص. ل. تاویسماق،

بوکمک، بیریردن باشغا بیر یره

بوکمک، تاویسلاماق.

جهیز jahiz: ص. [ع] یوریک آط

جهیز jahiz: ۱. پارسجا: کلنینگ قایین

اوویونه التیان سپی، سپ.

جیب jib/jayb: [ع] جوبی، کۆینگ دیر

اگین اشیگینگ جویوسی، هالتاسی،
جیاب جمع.

جیب بر jib-bor: ص. فا. جوبی کسیان
اوغری.

جیپ tzip: [انگ] ماشینینگ بیر ینگیل
هیللی، اول چوقاناق یولسیز یرلرده
ایله کی ماشین لاردان قاوی گیدیآر.

جیر tzir: [ع] گچ.

جیران jirān: [ع] قونگشی لار،
یاناشیق لار، جمع جار.

جیران tjayrān: کییک، جرن.

جیره tjire: گونده لیک بریلیان ایمیت و
آزیفا، ایرسفال.

جیغ tjiq: قیقیلیق، قاتی سس، اینچه

آییلغانچ سس.

جیم jim: [ع] ۱. حروفدا باشینجی
حرف ۲. یویک پارچا.

جین jin: ۱. [انگ] ایچیلیان
ایچگی نینگ بیر گۆرنوشی.

جین jin: [انگ] پامیق و پاхта
آراسسالایان ماشین.

جیود joyud: [ع] جمع جید، بؤیون
معنیده.

جیوه tjiwe: سیماب، کومیش

رنگینداکی دمیر، اول قیرق درجه

صفردن آشاقدا دونگیار، و بارومتر

(هوا اؤلچیلیان قورال) دیر و آینه

یالی زادی یاساماقدام اولانیلیار.



چاپار tčāpār. ت. قاصد، سارغید
اکیدیدی، خط اکیدیدی.
چاپارخانه tčāpār-xāne.
پستخانه.

چاپچی čāp-či. ا. مر. [فات]
چاپخانانینگ ایشچیسی، چاپ
ادیان، چاپ ادیچی.

چاپلوس čāplus. ص. سویچی
دیल्ली، یالچی، بارانجانگ،
یالچیلیق بیلن آدمالاری آلداپ
قاوی گورجک کپینگی آیدیان آدم.
چاپیدن čāpidan. مص. م. تالاماق،
غارث اتمک، چاپماق، سۇيماق.

چاتمە tčātme. [ت] چاتیلیپ
قویمه، تفنگ یالی یاراغه

چ č: پارس الپ بسی نینگ
یدینچی حرفی، ابجد حسابینده
«جیم» اوچ سان یرینه اولانیلیار.
چابک čabok. ص. چالاسین، زرنک،
چاققان، اوکده، چپر.

چابک سوار čabok-sawār:
ص. مر. آط اوغلان، آط چاپماغا
شاراب بولان، چابکسوار،
چاپیق سۇوار.

چاپ čāp. ا. یازغی چاپ اتمک،
باسما، یازغیلاری قورشین
حروف لار بیلن کاغذ یوزونه
گچیرمکلیک تازی، طریقه سی.

چاپاتی tčāpāti. یاغلی چۆری،
چاپاتی.

خاصلانان سوز، ترکمن دیلینده:
کومه، اولی اوچولیان سالانچاق
معنیده.

چادر čador: ا. چارغات، چاشو،
سایه بان، اولی پرده، چادیر،
باش آتقیچ، اورتینجه.

چادرشب tčador-šab: مر. یورغان
دوشک، دانگیلیان چارشو.

چادر نشین čador-nešin: چادیر
بیلن گوچوپ قونما تاردا قیشلاق و
یایلاقده یاشایان لار.

چادر نماز čador-namāz: نماز
اوقیماغا حاصلانان، باش آتقیچ.

چارپا čar-pā: ص. مر. (= چهارپا)
دورت آياق، دورت آياقلى حيوان
کۆپلنچ آط، اشاک قاطیره
خاصلانیار.

چارپایه čarpāye: ص. مر. (=)
چهارپایه) دورت آياقلى اوتورغیچ،
اوتوریلغیچ.

چارچوب tčār-čub: (چارچوب)
قافی نینگ داشیندان گلیان
سویه، ایشیک، چارچوب.

چارسو čār-su: ا. (= چهارسو)
دورت طرفلی یول، ایکی کوچانیگ
بیریگن چاتیریغی، چارسو.

چارشاخ čār-šāx: ا. (= چهارشاخ)

دورت بارماق، کۆپلنچ اوت سامان
یالی زادی اونونگ بیلن ییغنائیلیار.
چارشانه čār-šāne: ا. ص. گرین لک،

اومۇزلاق، گریشلک، یوغین، دایاو.
چارغ čaroq: (= چارق) ا. [ت]
مالینگ خامیندان ادیلیان آياق قاپ،
چاریق.

چارقد čār-qad: ص. مر.
عیال لارینگ باش اورتونجه سی،
چارغات، حجاب.

چارک čārak: ا. بیر گورنک انینگ
دورت دن بیرى، چاریک،

چارگامه čār-gāme: ا. ص. ییلدام
آط، یووروک آط.

چارگاه čār-gāh: ص. مر. ایران
سازلارینگ بیر گورنوشی، بیر
هیلى، فورمی.

چارگاه čār-gāh: ص. مر. اؤری
میدان، اوتلوق میدان، مال لارینگ
اوتلاغ یری.

چارگوشه tčār-guše: ص. دورت
بورج.

چارمىخ čār-mix: ا. دورت چویى،
قدیم دؤیورده دۇرت مىخ یره دورت
بورج ادیپ ارید آداملاری شکنجه
بریپ دورت ال آياغینی میخه
چکمک لیگی.



چاروادار t.čār-wā-dār. دورت

آياقلى بولان حيوان، آدم لار اۇنى
مونوپ يوك چكيار.

چاره čāre. ۱. علاج، درمان، ام، مكر،
حيله.

چاره ساز čāre-sāz. ص. مر. چاره
اديجى، علاج اديجى، چاره
گچريان.

چاريار t.čāryār. (= چهاريار)
چاريار، دورت خليفه، ابوبكر، عمر،
عثمان، على رضى الله عنهم.

چاشت čāšt. قوشلوق وقتى،
گونونگ يۇقاراق قالان وقتى،
ارتيرليك، ارتيرليك نهارى.

چاشنى čāšni. ۱. دینگه ايسغماق و
داتلى ديفينى بيلمك اوچين بير آز
ترشى يالى زادى سرکه دير غوره
سووينى داماما اورماق ليق ۲. قارا
تهنگينگ قولاغينا قويوليان نارسه،
چاشنى.

چاق čāq. ص. دايو، سمیز، اتلى
قانلى، يۇغين، تيقيز، دۇلى، اتیگمه.
چالو čāqu. ۱. چاقى، پيچاق.

چاقو کش čāqu-keš. ص. چاقى
چکيجى آدم، آدمالار چاقى بيلن
دوفوليان.

چاک čāk. ۱. ياريق، جايريق، ييرتقيق.

ايريك.

چاكر t.čāker. ص. نوكر، قوللوقچى،
بنده.

چال، چاله t.čāl(e). اوى، چوقور،
قورپ، قول. چال كردن: اوى اتمك،
اويماق، بيرزادى يره گوممك.

چال t.čāl. ۱. اوردى، غان ۲.
كاكيليک.

چال t.čāl. آل آط، چال آط.
چالاک čālāk. ص. ۱. چاققان،
زنگ، ارجل، ۲. اينگ بييك ير.

چاله چوله čāle-čule. چاقير
چوقور، قازغاناق، سورن يول
اوستونده دۇره يان اونيچ چوقورلار.

چانه čāne. ۱. انگك، انگك
سونگكى ۲. بير چورك بيشيرپ
بولجاق وقتدا بولان خمير، چونه
سوزده هم اولانييلار.

چانه زدن čāne zadan. كان
كپله مك، يانگراماق، آلو-ساتو
وقتينده قيمتنى آزالتماق يا
كوپلتمك اوچين قايا لاشماق، يعنى
نرخده چكەلشمك، ازريق.

چاو čāw. چيني سۇزوندن: كاغد
پول.

چاو čāw. آغى، انكراشيك، دردند و
ايزادان اوليمه، چينگسيما.

چاودار t:čaw-dār. چاوتار، چاودار.

چاه t:čāh. قوی، سوو قویسی، یا

آرتیقماچ مصرف بولان سووی

دوکمک اوچین قازیلان قوی.

چای t:čāy. ۱. جای.

چائیدن t:čā'idan. مص. ساویقلامه،

دومولاما.

چپ t:čap. ۱. ص. سول، سولا،

آغداریلما، ترس، دونگدیریلما.

چپاندن t:čapāndan. (= چپانیدن)

مص. زور بیلن بیر زادی باسیپ

گیریزمک، قاتی اورپ دلدورماق،

تیقماق.

چپاول t:čapāwol. ۱. ترک سؤزوندن،

تالانگ، باساماچیلیق،

تالانگچیلیق.

چپاولگر t:čapāwolgar. ص. نا.

تالانگچی، غارتچی.

چپ کردن t:čap kardan. مص

آغدارماق، دونگدرمک.

چتر t:čatr. ۱. چتیر، سایه‌وان، یاغینه

و یا اسسی گونلرده اوندان

پیدالانیلیان قوزال.

چتر باز t:čatr-bāz. ص. اوچپاندان

نجات چتری بیلن یره اینیانلار،

چتر بیلن قیزیقلانیارلار.

چترنجات t:čatr-e-nejāt. ۱. مر.

[فاع] اوچپاندن، هواپیمادان، یره

اینیلیان آبزال، قوزال.

چچک t:čečak. (= چیچک) ۱.

خال، منگ، آدامینگ اندامیندا

دوره یان منگ ۲. چچک، گل.

چخماخ t:čāxmāx. ایگنه نخ

یووسه قویولیان کیسه‌چیک یعنی چاودار

هالتاجیق.

چخماق t:čāxmāq. ۱. [ت] تفنگینگ

چاقماقی، چاقماق.

چدن t:čodan. مص. م. چویون.

چر t:čor. (= چل، چول) آدامینگ

اوجیدی، ارکک‌لیگی.

چر t:čar. پروانه‌نی آیلان سوو.

چرا t:čarā. اوتلاغ.

چرا t:čarā. مص. اوتلاماق،

مال‌لارینگ پایلیم یرده اوتلاماگی.

چرا t:čerā. ۱. سوراغ سوزی، نامه

اوجین؟ اول نامه؟، نامه سبیلی؟،

ناماشیپ؟ ۲. هاوا ماغانادا

اولانیلیان.

چراغ t:čerāq. لامپا، برق یرینه

پیدالانیلیان ایشیق، چیرا.

چراگاه t:čerā-gāh. ص. مر. اورى

میدان، یایلیم، اوتلاغ یر.

چراندن t:čarāndan. (= چرانیدن)

مص. مالی اوتلاغا سورمک،

اۋۇلتاماق.

چرائى čarani: ۱. گۈندەلىك يا آى دا

بىرىنە برىلىيان كاغذ پول.

چرب čarb: ص. ياغلى، ياغجىماق،

ياغلى زاتلار، ياغا باغلى زاتلار.

چرب زبان čarb-zabān: ص. مر.

سويجى دىللى، آچاق،

خوشاماي، يالچى.

چىرى čarbi: ۱. ياغ، چورىانىنگ

اۋستۈندە جملنىيان ياغ، ۲. قايماق.

چىرت čort: ۱. ايمزىقما، بىر آز

اوقلاما، ايركىلمە.

چىرت čert: ص. عا. معنى سىز، پوچ

سوز، هاوايى گپ.

چىرتگە čortge: روس سۆزۈندىن،

چىرتگە، چۈتگە.

چىرخ čarx: دىگىرچك، تىگىر.

چىرخ čarx: آسمان، گۈنگ، فلک،

عصر، زمانا، دۇۋىر.

چىرخ čarx: قاتى ياي، كمان.

چىرخ čarx: مص. دوۋىر، دوران اوز

داشىنا آيلانىان، گردش، چىرخ.

چىرخاندىن čarxāndan: (=

چىرخانىدىن) مص. م. آيلاماق،

تيرلاماق.

چىرخىدىن čarxidan: مص.

آيلناماق، تيرلاماق، دولانماق.

چىردە čarde: ۱. يوز، كىشپ، آدامىنگ

يوزى، يوزىنگ رىنگى، كىشى،

ياغىز.

چىرش čareš: ۱. مص. اوتلاماق،

مال لارىنگ اوتلاماغى.

چىرك čerk: ايرىنگ، چىركە.

چىرخ čarq: اوتلىكى، آلفىر قوش.

چىركىن čerkin: ص. ن. نجىس و

ناپاك زاتلار، باشدان چىقان

ايرىنگ، ايرىنگلى، هايا.

چىرم čarm: ۱. قايش، قايش.

چىرند čarand: ص. پوچ، بولغى سىز

كپ، بىدىرك سوز، سامراما.

چىرندە čarande: فا. اوتلايچى

حيوان.

چىروك čoruk: يىغىرىق، اندام و يا

پارچا يوزونداكى اپلاملر يىغىرىق.

چىرىدن čar-idan: مص. ل. اوتلاماق،

مالىنگ اوتلاماغى.

چىرىش čeriš: ۱. آغاچىنگ بىر

گۈرنوشى.

چىرىك čerik: ص. سىربازە

كىتىمەدىك و نظامى تەلىم

گۈرمەدىك و اوز اركىنە اۋورنىن

سىرباز، داۋطلب سىرباز،

عشايرلرىنگ آراسىندىن بارىپ

سىربازلرە قوشۇلىپ اوروشە گىرىيان

توپار، چریک.

چرينه čarine: ۱. حیوانلارینگ آش قازانی.

چسب tčasb. یلیم، کاغذ یا آغاج یالی زادلاری یلمه مک اوچین اولانیلیان نارسه.

چسبانیدن časbānidan (= چسبانندن) مص. م. یلمه مک، بیر بیرینه بکله مک.

چست čost: ص. چاققان، زرنګ، ارجل، ماکام، ییلدام، چیس، چالت. چشم češm: ۱. گوز.

چشم انداز češm-andaz: گوز یتیم، گوزونګ گویجی نینگ گوزماګه یتیان یری.

چشم براه češm-be-rāh: ص. گوزی یولدا بولان، قاراشیجی، گوز یولدالیق، گوزلی در بولما.

چشم بندی tčešm-bandi. مص. حيله و حقه بازلیق، گوزیاغچیلیق، گوزیاغلاما، آلدواچیلیق، جادی چیلیق.

چشم پزشکی tčešm-pezešk. ص. گوز طبییی، گوز لقمانی، گوز دکتری.

چشم پوشی češm-puši: ۱. مص. گوز یومما، گوزمه دیک کیش بولما،

گوزمزیلک اتمه، گوزوپ گوز یومماق.

چشم چران češm-čerān: ص. فا. گوزی گزديرمه، گوزدیکمه، عیالی ارید گوز بیلن گوزلمه، سر اتمه، گوزی نامیسدا بولان.

چشمداشت tčešm-dāšt. مص. بیرینینگ کومه گینه گوز تیکمک، خوایش و امید، بیر زادی اله گتیرماګه قاراشماق، قاراشیق، بیرینینگ کومه گینه قاراشماق، طماکین لیک.

چشم دریده češm-daride: ص. مر. حیا سیز، شرم سیز، اوتانچ سیز، یوزی بیرتیق، سوویم سیز.

چشم روشنی češm-rawšani: ص. مر. سوغات و گوز آیدینگلیق، گلینه یا کوره کنه و یا تازه بیر یردن گلنه التیلیان هدیه سوغات.

چشم گیر češm-gir: گوزی چکیجی، گوزی اوزونه دارتیجی، گوزه ایلیجی.

چشم زخم tčešm-zaxm. گوز دگیرمه، گوزدن بیرینه صدمه یتیرمه.

چشمه češme: ۱. گوزیاشی، سووینگ چوشیپ یردن چیقان جای،



چشمه، چشمه لیکه گوز باش.

چشمه سار t:češme-sār

چشمانینگ کوپ یری، چشمه لیک

یر.

چشم و هم چشمی t:češm-ham-češmi

۱. مص. شاوریق.

چشیدن t:čašidan: مص. ل. داتماق،

بیر زادینگ مازاسینی بیلیمک

اوچین بیر آز دادیپ گورمک.

چغاز t:čağaz: ص. حیاسیز عیال،

آغزی پایش عیال.

چغاله t:čağale: ص. یتمه دیک و

بیشمه دیک، ایر ایمیش، میوه.

چغزیدن t:čağzidan: مص. ل. ۱.

اینگراماق، آخ واخ اتمک ۲.

قورقماق.

چک t:ček: ۱. [فر] بانک طرافدان

مشتی لرینه بریلیان دفترچه

جیک، بانک دان پول آلماق اوچین

یازیلیپ آلینان کیچی جک دفترچه،

چک آدیندا.

چک t:ček: ۱. قطره، دامجا.

چک t:čak: انگک.

چک t:čak: شایباق.

چک t:čok: ۱. چوکه دوشوپ

اوتورماق، ۲. دیز معنیده.

چکامه t:čakāme: ۱. شعر، قوشغی.

چکاوک t:čakāwak: ۱. تورغای.

چکسه t:čakse: ۱. ص. بۆلک کاغذ،

عطارلارینگ درمان دولاپ بریان

کاغذی.

چکش t:čakoš: ۱. آ. چکیچ.

چکمه t:čakme: ۱. [ت] دورقی اوزین

کوؤوش، چکمه، ادیک.

چکمه دوز t:čakme-duz: ص.

چکمه تیکیان.

چکنه t:čekne: ۱. ص. سورا قوشولان

چکنه، بۆلک آز قویون.

چکه t:čake: ص. کیچی، آونیق،

شورته و مسخره آدام.

چکه t:čakke: دامجا، قطره، بیر

یردن بیر یره دامیان آزاجیق سو.

چکیدن t:čekidan: مص. ل.

دامجالاماق، دامماق، سیریقماق.

چگونه t:čegune: ناهیلی،

ناتویسلی، ناجوره، نینگ.

چگونگی t:čegune-gi: دؤرمؤشی

ناهیلی لیک، ناتویسلی لیک،

ناجوره لیک.

چلاق t:čolāq: ص. [ت] آغساق،

آیاغی ماییب بولوپ دوغری یورپ

بیلیمه یان آدام، چولاقل، قولاق.

چلب t:čalab: فتنه، قیقیلیق

قیقچیق.



چلباسه čalqāse: ۱. کلباسا، اولی

پاتماجیق، گچی امن، کپزه.

چلچله t.čelčle: قارلاواج، بو سوز

پیشباغا معنی سینده هم گلیار.

چلفوزه t.čelquze: ۱. مر. آغاجینک

بیر گۆزنوشی، صنوبر.

چلک t.čolak: ۱. یوپک طناب، یوپک

کلبی.

چلک t.čelk: ۱. کفگیر، ملاغا.

چلم t.čalam: توت فرنگی، تودانا.

چلنگر t.čelengar: ۱. ص. قولپ

بجریان، قولپ یاسایان.

چلو t.čelaw: آش، پلو، سوزمه پلو.

چلوار t.čelwar: قمیس، متاقامیس.

چله t.čelle: ۱. قیرق قات، بوکولن

نخی، ۲. کمانینگ چله سی.

چله t.čelle: قیرق، قیرق گونلیک،

وفات بولانینگ قیرقی، یا

چاغانینگ دؤغولان گونونینگ

قیرقی.

چله تاپستان t.čelle-ye-tābestān:

ص. مر. قیرق گون تومیسدان گچن

وقت.

چله زمستان t.čelle-ye-zemestān:

ص. مر. قیرق گون قیشردان گچن

وقت، قیشردان ۴۰ گون گچنده

اولی چله و اولی چله دن ۲۰ گون

گچنده کیچی چله نینگ وقتی

دیپ آدلاندریلیار.

چلیم t.čelim: قالیانینگ بیر

گۆزنوشی.

چماق t.čomāq: ۱. اولی یوغین

تایاق، دوگونلی تایاق، یوغین تایاق،

۲. آلتی قانات گۆز.

چمباتمه زدن t.čombātme zadan:

مص. چوغوتماق.

چمن t.čaman: ۱. اوت لیق، چمن،

اولنگ، اوتلوق گوک مایسا، میدان،

سونار.

چمچه t.čamčame: ۱. آدام و

حیوانینگ آیاق سسی.

چمچه t.čamče: ۱. کفگیر، ملاغا،

چمچه.

چنار t.čenār: ۱. آغاجینگ بیر

گۆزنوشی، چینار.

چنانچه t.čenānče: شرط سوزی،

کمک چی سوز، اگر، اگرده باردی

گلدی دییان معنیده.

چنبر t.čanbar: تگه لک، خالقا، هر

زادینگ تگه له گی، قورساغینگ

ایکی بۆلک سونگکی.

چنته t.čante: کیسه، توریا، هالتا،

درویش دیر و شکارچی لرینگ

(آوچیلارینگ) زادلارنی یعنی

قۇشۇنى ساليان هالتاسى.

چنته چوپان čante-ye-čupān: ۱.

چوپانچى (اوتونگ آدى).

چندر čondar: ۱. چوغوندار.

چنگ čang: ۱. ۱. آدامىنىڭ

پنجهسى، پنجه، ۲. يىرتىجى و

وحشى حيوانلارنىڭ پنجهسى ۳.

قانگراق و قانگراغا منگىز زادلان

۴. بىر هيل سازىنىڭ آدى.

چنگال čangāl: آدامىنىڭ و

حيوانىنىڭ پنجهسى، دىرناقلارى.

چىنىن čenin: باغلانىشيق سوزى،

شونىنىڭ يالى و مونىنىڭ يالى دىين

يالى معنىنى آنكلادىار.

چوب čub: ۱. آغاچ.

چوبدار čub-dār: ۵. قىيون

سوداسىندا بولان آدم، قىيون

سوداسىنى اديان آدم.

چوببست čub-bast: جايى،

ساختمانى اۋورولپ قالاندا

ديوارىنىڭ قاپدالىنىدە قىيولپ

ايشلاپ دورماق اوچىن قىيوليان

تختا دىر دمىر و آغاچ يالى

نارسەدن ايدىليان اشك آرقا.

چوبىك čubak: ۱. بىر هيللى اوتونگ

آدى، اوندان اگىن اشىك يىوماغا

پيدانىليار.

چوپان čupān: ۱. چوپان، قىيون

سىغىر دويە يالى مالى ايدەيان،

باقىيان آدم.

چوك čuk: ۱. بايقوشا منگىز

قوش، اول آغاچدان آسىليپ

قىغىريان بولمالى و اونگا مرغ حق

دييپ هم ايدىليان اكن.

چوك tčuk: ارکک آدمىنىڭ

اوجىدى.

چوگان tčawgān: باش اگىر آغاچ،

اوجى اگىر آغاچ.

چول čul: ۱. [ت] اوت سىز، سۇوسىز

ايمغىر دوز، چول، بيه وان.

چون čon: ق. باغلانىشيق سوزى:

اونگە گورا، شو سببلى، شيله ده

ديين يالى.

چوگان بازى čawgān-bāzi:

۱. مص. آط بيله ينا پياده حالتده

اوينالىيان اويون.

چهار čahār: ۱. دورت (۴)، چاردا

دييىليان.

چهارپا tčahār-pā: دورت آياقلى

حيوان.

چهارپايه čahār-pāyeh: چهارپايا،

كىچى كرسى، اوتورغىچ.

چهارسو čahār-su: ۵. ص. مر. دورت

يول، چاترىق، دورت يۇلۇنگ

چاتریغی

چهارسوق čahār-suq: ا.مر. [فاع]

(= چهارسو، چارسو) دۆرت یان.

چهارشنبه سوری čahār-šanbe-suri:

ص.مر. قارا چهارشنبه.

چهارراه čahār-rāh: ا. چاتریق.

چهار یار čahār-yār: حضرت

رسولینگ یارانلاری، ابوبکر، عمر،

عثمان، علی، چاریار دیییده

آیدیلیار.

چهر - چهره čehr(e): ا. یوز، کشب،

رخسار، منگیز.

چهل čehel: قیرق (۴۰) سان.

چیدن čidan: ص. م. ییغماق،

یولماق، میوه و اوت ییغما یالی.

چیره čire: ص. باتیر، قوجورلی،

مسلط، اوستم.

چیز čiz: ا. بار بولان زاتلار، نارسه

ناچیز: آزاجیق، کم، انته جیک، آز

اولاق.

چیس čis: اشاک یالی، ینگل قویبان

مال.

چیلان čilān: غناب آغاجی.

چیستان čistān: ص.مر. مخفف

چیست آن، ماتال، ماتالار.

چین čin: ا. ییغریق، ییغریت، بوروم.

چین خوردن čin خوردن: ص.مر.

ییغریلماق.

چینه čine: دینگه پالچیقدان

بجریلن دیوار، اونی بجرمکده هیچ

بیر داش یا کر فیچ اولانیلما یار.

چینه čine: تاویغینگ وش.م.

ایم لیگی، تاویغینگ یردن چوبلاپ

ایبان دانه سی.

چینه دان čine-dān: تاویغینگ

ایم لیگی.

چینی čini: ا. آیراتین کائولن دیین

تویراقدان بجریلن قاپ چاناق، اول

قاپلار ایلکی چین یوردینده

بجریلمه گی اوچین چینی ظروف

دییلیپ آد قالپیدیر.



ح

ح he: فارسی الیپسی نینگ
سکیزینجی حرفی، حا دیلیپ
اوقولیار، ابجد حسابیندان (۸)
سکیز.

حائز hā'ez: ۱. فا [ع] جمع لایجی،
دولی، ایه بولان، بارلی، ییغناجی،
تاییارلایجی.

حائل hā'el: ص. ۱. بیر زادی یا
بیری نینگ یاغدا یی دگیشن ارنگی
اویتگان ایکی زادینگ آراسینی
کسیان زات، آراسیندان گلیان زات،
۲. قیسیر، چاغا دوغورمایان عیال و
یا حیوان.

حاتم hātem: ص. [ع] قاضی، حاکم،
قاضی طی دیین قبیله دن بولان بیر
آدامینگ آدی، سخی لیکده آد
قازانان و مشهور بولان شخص
اونگا حاتم طائی، خاتم طی
دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

حاج (j)hāj: فا [ع] ۱. حاجی لیفا
وصف بولان، حجه گیدن، حج
فرضینی بیتیران آدام، حجاج و
حجج جمعی، ۲. حاجی لار
معنیده.

حاجت hājat: ۱. [ع] گرکلیک،
گرکلیک، لازم بولان، گرکلی، ضرور

بولان، حاجت بۆلان، حاجات جمعی.

حاجتمند hājat-mand: ماتاجلیک، گرکلیلیک، بیر زادا ماتاج بۆلان.

حاجی فیروز hāji-firuz: ۱. امر [فا.ع] عید نوروز گونلری یعنی

نوروز بایرامیندا یوزینا قارا چالیپ و قیزیل اشیک گیبی خیابانلاردا و

کوچهلرده ساز آواز بیلن اؤز شورتیه سؤزلری بیلن آداملاری گولدورپ

شادلانديران آدام، حاجی فیروز.

حاد hād: ص. [ع] قاتی، کسگیر و بیته، کسگیتلی.

حادث hādes: ۱. فا [ع] تازه تاپیلمانگ وصفی، تازه، یانگی یوزه چیقان، تازه یوزه چیقان، عمله گلن، کونه دال.

حادثه hādes: ۱. فا. [ع] حادثه نینگ مونثی، تازه یتیشن، واقا، قوپوندی، تازه تاپیلان بلا و صدمه، تازه یوزه چیقان واقا، حادثات و حوادث جمع.

حاذق hāzeq: ۱. فا [ع] استاد، چپر، اوکده.

حارث thāres: فا [ع] یرسوریچی، اکرانچی، دایخانچیلیق ادیان،

دایخان، حراث جمعی.

حارس thāres: فا [ع] ساقلاچی،

قاراویل، پاسبان، قورایچی

ساقلاچی، حراس و حرس و

حرسه و احراس جمعی.

حاسد hāsed: ۱. فا [ع] گوریپ،

غیری نینگ بایلیغنی و همتلارینی

گوریپ بیلمه یان، همه زادی اؤزیمه

بۆلسون دییان، حاد و حسده و

حسد جمع.

حاشا hāša: [ع] ۱. استثناء

کلمه سی، باشقا، آیری و هرگیز

معنی سینده بولان ۲. انکار اتمه

سؤزی الله ساقلامین.

حاشاک hāšāk: [ع] سندن داش دا

بۆلسون، سندن اۇزاق دا بۆلسون

دیلن سؤز.

حاشا کردن hāšā kardan: انکار

اتمک، اینانماسیزلیق اتمک،

دانمک.

حاشیه hāšiye: ۱. [ع] ۱. قیرا،

کتابینگ قیرالاریندا یازیلیان یازغی،

۲. آدامینگ و خدمتکارلی اهلی

عیال اۇغلان اوشاغی، حواشی

جمع.

حاشیه دوزی thāšiye-duzi: ممص.



پارچا یالی زادینگ کنارینی
تیکمک، قیراسینی تیکمک.
حاصد thāsed. [ع] اوراق اورجی،
بیچی چی، اوراقچی، حصاد و
حصده جمعی.

حاصل thāsel. فا. [ع] اله گلن، بیر
زادینگ نتجه سی و اؤنیمی،
حاصلی بیر زادن اله گلیان
نتیجه، پیدا، گیرده چی، حاصل،
اؤنوم، حواصل جمعی.

حاصل خیز thāsel-xiz و ننگات
بیتیریان یر، کوپ حاصل بریان یر.
حاضر thāzer. فا. [ع] بار بولان،
تاییار، حضوره گلن، حاضر.
حاضر جواب hāzer-jawāb:
ص. مر. اوی و فکرسیز بیر سؤزونگ
جوابینی بریان، جواب برماگه تاییار
آدام.

حاضر کردن hāzer-kardan:
اویچین اتمک، تاییار اتمک.

حافظ thāfez. فا. [ع] ساقلایچی،
قورایچی، یاساویل، آرادان
گیتمه سیز لیگینگ اونگینه گجیان
یادکش، قرآنی یاددان بیلیان آدام،
حفاظ و حفظه جمعی.

حافظه thāfeze. فا. [ع] مونث

حافظ، اونیتماسیزلیق قوه، انساندا
بولان گوچ، بیر نیچه حیواندا
بولان واقانی و گچمیشی یاددا
ساقلایش غوری، اونیتماسیزلیق
گوچ، ذهین لی لیک.

حاکم hākem. ا. فا. [ع] حکم
ادیجی، بویروق بریجی، حاکم،
قاضی، فرماندار، حکام جمعی.
حاکم thāki. فا. [ع] حکاة ادیجی،
نقل ادیجی، بیان ادیجی، روایت
ادیجی، حکاة جمعی.

حال thāl. [ع] هر بیر زادینگ صفتی
و دؤرمؤش یاغدا یی، بیر آدامینگ
یاشایش یاغدا یی احوال جمعی،
اصطلاح اهل عرفانده عبارت عشق
و محبت.

حال hāl. ا. فا. [ع] صفت فاعلی،
آشاق اینیجی، جای توتوجی،
حلال جمعی.

حالت hālat. ا. [ع] دؤرمؤش،
یاغدا یی، بیرینده یا بیر زادا بولان
دؤرمؤش یاغدا یی، حالات جمع.

حالی hālī. ا. فا. [ع] سپ شایا بزالن،
اوزونی قیزیل کوموشه بزآن عیال،
حوالی جمعی.

حالی hālī. ق. [ع] فا. شو وقت، شو

حالدا، شو دۇرمۇشدا، شو دمدە.

حامد hāmed: ۱. فا [ع] ثنا ادیجی،
اووگا دگیشلی، تاریفلايیجی،
اوویجی، ستایش ادیجی،
سوییجی اوویان.

حامل hāmel: ۱. [فاع] یوک
اکیدیجی، یوکلی، آرقاسی بیلن
یوک اکیدیان، حمله جمعی.

حامله hāmele: ۱. فا [ع] مونث
حامل، گورالی عیال، بوغاز عیال،
ایکی قات عیال، حوامل جمعی.

حامی hāmi: ۱. فا [ع] حمایتچی،
قولدايیجی، کمکچی، آرقاداغ،
مددبریجی، حماة جمعی.

حامی hāmi: ص. ن. [ع] نوح
پیغمبرینگ اۇغلی حاما باغلی
بولان، حام بن نوحینگ اولادینینگ
طایفاسی.

حاوی hāmwi: ۱. [فاع] صفت
فاعلی، اۇز ایچینه آلیان، قوجاغینا
آلیجی، گوتاریجی، قولتوغا
چکیجی.

حب hob: ۱. [ع] اولی تانگسیقودن
بجرلن قاب خم، سوو و سولانگ
زادی قویماق اوچین اولانیلیان
قاب.

حب hab: ۱. [ع] بوغداي دانەسی،
دانه، نخود دانەسی و ش.م. نخود
دانەسی شکلیندە بولان درمان.
حب thob(b): [ع] دوستلۇق، عشق
سویگی، مهر و محبت.

حباب thobāb: [ع] ۱. دوستلۇق،
سویگی ۲. دۇو، شیطان و ییلان، ام
حباب: دنیا، جهان.

حباب hobāb: [ع] کوپوک،
سویدونگ، صابینینگ و ش.م.
کۆپوگی.

حبال hebāl: ص. [ع] طناب، یوپ،
یوپ ساتان.

حبر thabr: ص. [ع] عالم، دانشمند،
بیلیملی، روحانی، علماء،
عیسوی لرینگ روحانیسی،
روحانی دانشمند، احبار و حبور
جمعی.

حبر thebr: [ع] قارداش، قۇر، مرکب،
یازماق اوچین اولانیلیان ارنگک،
حبور جمع.

حبر thaber: [ع] شادلیق، نعمت،
اجار و جور جمع.

حبر haber: ۱. ص. [ع] یول- یول،
تولفونلی، موجلی بیر هیل پارچا.
حبس habs: مص [ع] ۱. شوسساق

اتمک، ساقلاماق، توسساقلیق .

حبس ابد، عمرلیک توسساق.

حبش habaš: ۱. [ع] آفریقادا یاشایان

قارالارینگ بیر طایفاسی، حبشه ده

یاشایان قارا یاغیزلارینگ بیر

طایفاسی.

حبیب thabib: [ع] یار، دوست،

محبوب، سویگیلی، احبه و احباب

و احباء جمعی.

حتم hatm: ۱. ص. [ع] ساده، الین،

حق و حکم و یرینه یتیریلماگی

ضرور بولان، حتموم جمع.

حتم hatm: مص. [ع] بیر ایشی

قاییملاماق، واجب و گرکلی اتمک،

یرینه یتیریلماک، حکمان بولان

بووروق.

حجاب hejāb: ۱. [ع] پرده، چادر،

یوز اورتگی، یاشماق آورات یرینگ

اورتمک، حجب جمعی.

حجاب hejāb: [ع] قافی

ساقلاچیلا، قراویلار،

پرده‌لی‌لر، حاجب جمعی.

حجاج hojjā: [ع] حاجی‌لار، مکه

زیارت ادن‌لر، جمع حاج.

حجاج hajjā: ص. [ع] کوپ حج

ادیجی.

حجار hajjār: ص. [ع] داش

تاراشلایان، داشی قازیپ یوزونه

خط یازیان‌لار.

حجار hejar: [ع] حجرلر، داشلار،

جمع حجر.

حجاره hajjāre: [ع] جمع حجر،

داشلار.

حجاز hejāz: ۱. [ع] ایرانینگ اون

ایکی سازلاری‌نینگ بیرینینگ

آدی.

حجاز thejāz: [ع] ۱. دویانینگ

آیاغنا و بیلینه دانگیلیان دوشاق،

ایکی زادینگ اورتاسی، ۲. مکه

مدینه‌نینگ اولی شهرلری‌نینگ

بیرینینگ آدی.

حجب hojb: [ع] حیا، اویات، شرم.

حجر hajr: [ع] بیرینینگ یاشلیفی.

یا عقل اویتگه‌مکلیگی و یا آیری

سبابلار اوچین دادگاه طرفدن

مالینگی ساقلانماق، اونگونو

توتماق، قاضی طرفیندان منع

ادیلماک‌لیک.

حجر hajar: [ع] ۱. داش، ۲. قیزیل،

کوموش، یاقوت، فیروزه یالی بهالی

داشلارا هم آیدیلیان، احجار و

حجار و حجاره و احجر جمعی.

حجر [hejr:ع] ۱. قیراق، دامان، کنار،

قۇچاق، آرقا ۲. حرام معنیده.

حجر [thejr:ع] کعبه نینگ دفاری،

ابراھیم (ع) سالان کعبه سی نینگ

بیر بۇلومی، آیدیلشینە گۇرا

اسماعیلینگ اجەسی ھاجرینگ

مزاری شول یردە بۇلمالی.

حجره [thojre:ع] اتاق، اوی،

مکتبەدە و کاروانسرایلاردا بولان

اتاق، حجر و حجرات جمعی.

حجله [thejle:ع] اۋرۇك اۋى،

گيردک.

حجم [thajm:ع] بیر زادینگ اینی،

بوی، چونگکورلیفی، پوکگی لیگی

و یوغین لیفی، گووره.

حد [thad(d):ع] ۱. یکی زادینگ

آرالیفی، ۲. سامان، ۳. یتی و

کسگیرلیک، ۴. شرع اسلامدا بیر

نیچه یازیقلىلره بللى اديلن تنبی

جزا.

حد [had(d):ع] ۱. بیر زادی بیر

زاتدان سایلماق، بیر زادینگ

قیراسینی اشکار اتمک، یرە سامان

مرز بللى اتمک، بللامک، آراچاک.

حدائج [had'ej:ع] کۆجه بهلر،

جمع حداجه.

حذاق [hadā'eq:ع] باغلار، آغاچلار،

جمع حدیقه.

حداد [haddād:ع] ص. ۱ [ع]

دمیرچی، دمیر ساتیجی، ۲.

ساقلاو، ۳. توسساقلاری

ساقلايان.

حداد [hedād:ع] مص. [ع] بیرى نینگ

مصیبتیندا قارا گیمک، قارا اشیک

گیمک.

حداد [hedād:ع] مص. [ع] ماتم

اشیگی، یاس اشیگی بیرى نینگ

اولومینده گیمک.

حدقه [hadaqe:ع] ۱. [ع] گوزونگ

قاراسی، گوزونگ بابانه گی، فارس لر

گوزونگ یرلشیان یرى دییپ

آدلاندیریارلار، گوزونگ جایى اویى

و کاسه سی.

حدود [hudud:ع] جمع حد، مرزلر،

سامانلار، آراچاکلر.

حدیث [hadis:ع] ص. ۱. [ع] تازه، یانگ،

جدید، زادینگ تازه سی، خبر، گپ،

احادیث و حدثان جمعی.

حدید [hadid:ع] ۱. [ع] ۱. دمیر ۲. قاتی

یتی و کسجی کسگیر معنیده.

حذاقت [hezāqat:ع] مص. [ع] ایشرده

بیلیم لیك و ایشده استادلیق،

استاد بۇلماق، چېپرچىلىك،
فراستلىق، دانالىق.

حذر hazar: مە. [ع] قاچماق، بىر
زاتدان داش دورماق و وهم اتمك،
خوف اتمك، پرهيز اتمك،
چكىنمك.

حذف hazf: م. مە. ۱. كسمك،
آيىرماق، داشالتماق، تاشلاماق، يوق
اتمك، ۲. علم بديع چشمه سىندىن
بىر حرفى تاشلاماق و يا آيىرماق،
مثال اوچىن (ل) حرفى نظمده،
شعرده شوندا بۇلمالى دال، يەنى
نقطه سىز حرف بولمالى دال
دەيىلمەگى.

حذق hazq: مە. [ع] بىر زادى
اونكاتجه اوورنمك، بىر ايشى
قاوى بىلمك، چېپرچىلىك، دانالىق،
فراستلىق.

حر thar(r): [ع] اسسىلىق، هاویر،
حرور و احارر جمعی.

حر ther(r): [ع] يوقا یر، عیال لرىنگ
يوقا یری، عورت.

حر hor(r): آزاد، ارکین، قۇل و یسیر
دال، حرار و احرار جمع.

حراب herāb: [ع] یاراقلار، جمع
حریه.

حراب herāb: مە. [ع] اوریشماق،
سوواشماق.

حراج tharāj: [ع] مزایده صورتدا
ساتماق، کوپینگ آراسیندا ساتلیق
زادی یۇقاری آانا برمک، هر کیم
یۇقار آلسا شونگا برمک.

حرارت harārat: مە. [ع] قیزغین
بۇلماق، قیزغینلیق، قیزغین،
ایسسیلىق، چۇغ.

حراست harāsāt: مە. [ع]
قاراویللیق، ساقچیلىق، ساقلىق،
ساقلاولیق.

حراص herās: [ع] حریصلار، آچ
گوزلر گوزی دۇیمايانلار، جمع
حریص.

حراق harrāq: مە. [ع] قاتى
یاقيجى، يانديرجى.

حراقه tharrāqe: [ع] اۇرۇش
گامىسىنىنگ بىر گۇرنوشى،
حراقه جمع.

حرام harām: ا. م. [ع] رواسىز،
ايدىلمەلى دال، گناه بولان ايش، منع

ادىلن، حلالىنگ ترسى. شهرالحرام:
كعبه، محرم آيى مسجدالحرام:

كعبه اويىنىنگ يرلەشن مسجدى.
حرب tharb: [ع] اۇرۇش، سۇۇش

حرفه herfe: ۱. [ع] پیشه، صناغت،

کار، ایش، حرف جمع.

حرکات harakāt: [ع] حرکات،

قوزغلانگلار، قیمیلدی، جمع

حرکت.

حرکت harakat: ۱. [ع] قیمیلدی،

حرکت، قوزغلانگ.

حرکت دادن harakat dādan:

حرکت، سالماق، اوغراتماق،

قیمیلداتماق.

حرم horam: [ع] حرمت،

سیلاغلار، جمع حرمت.

حرم haram: [ع] داش تئوریک،

دیملی دوش، جمع حرم.

حرم horm: مص. [ع] حرام بۇلماق،

رواسیزلیق، حج اتماگه احرام

باغلاماق.

حرم مان hermān: مص. [ع]

ساقلاماق، منع اتمک، پیداسیز

اتمک، ایرسفال سیز اتمک، نپ سیز

قالماق، امیدسیزلیق.

حرمت thormat: [ع] آبرای، سیلاغ،

حرمت، حفظ اتمهگی واجب بولان

زات.

حرمسرا haram-sarā: ص. مر. [ع]

حرمسرای، بییکلرینگ ایچگی

میدانی، اۇرۇش، حروب جمعی.

حرب tharab: [ع] هلاکلیک، ویل،

بدبختلیق، احرب، احربا جمعی،

قینانچ یوزوندن آیدیلیان سۆز.

حریه tharbe: [ع] اۇرۇش اسبابی،

یاراغ، اۇرۇش یاراغی، حراب جمعی.

حرس hars: ۱. [ع] روزگار، دنیا، زمانا،

دؤیر، احراس جمعی.

حرس haras: [ع] قراویلار،

ساقلاوچیلار، جمع حارس.

حرس hars: مص. [ع] ساقلاماق،

ساقلیق اتمک، بک توتماق.

حرص hers: مص. [ع] حرصلیک،

آچ گوزلیک، گوز دویمازللیق،

قناعتسیزلیق، نبسهورلیک.

حرص زدن hers zadan: مص.

سورنوقماق، آچ گوزی دویمایان،

قناعتسیزلیق، اورونماق.

حرف harf: ۱. [ع] ۱. هجاء

حرفلاری نینگ هر بییری

الیببسی نینگ حرفلاری، حروف

جمعی ۲. سۆز، گپ.

حرف heraf: [ع] ایشلر، پیشه،

کارلر، جمع حرفه.

حرف زدن harf zadan: مص.

کپله مک، سۆزله مک، دیللمک.

یوریتہ مخصوص بولان جایی،
عیالارینگ جایی و سرایی.

حروریت t.harurriyat. [ع]

جوانمردلیق، آزادلیق.

حروف huruf: [ع] جمع حرف لار.

حریت t.horr-iyat. [ع] مص.

آزادلیق، ارکین لیلیک، جوماردلیق.

حریر t.harir. [ع] یوپک پارچا،

ابریشم، زریاف، نفیس.

حریص haris: مص. [ع]

طماکین لیک، آچ گوزلی لیک،

نېسه ورلیک، آچ گوزلی لیک، آچ گوزه

حریف t.harif: مص. [ع] ایشدش،

باسدش بیلہ کاردش، بیلہ

اوتوریشیان، بیلہ اوریشیان،

اویوندا، اوروشدا، قامپہ قارشلی

شخص، حرفاء جمعی.

حریق t.hariq. [ع] اود آلمان،

یسالین لی اود، اوددا یانپان، اوددا

یانان.

حریم t.harim. [ع] حرام بولان

اویسونگ تۇورگی، قولداماق و

قوراماق لیق، واجب بولان مکان،

احرم و احاریم جمع.

حزب t.hezb: [ع] ۱. توپار، دسته،

بللی بیر مرام و ایدئولوژی ده بولان

سیاسی توپار، ۲. نصیب معنیده ۳.

قرآنینگ بولگی، قرآن بوتین اوتوز

جزء قرآنینگ پاره سنینگ

دورت دن بیرى .

حزر hazr: مص. [ع] اولچه مک، بیر

اونیمی مقدارینی چن چاق اورماق،

تخمین اورماق.

حزن t.hozn. [ع] قاینی، غصه،

یورک دارلیق، غم، توقات لیق احزان

جمعی.

حس t.hes(s). [ع] دوش—ونجه،

دوینی، ایشی اله آلمان، یوواش جا

سس قولاغایتمه و قیمیلدی.

حساب t.hesāb: مص. [ع] ساناماق،

چن، اندازه. یوم الحساب : حساب

گونى، قیامت گونی.

حسابگر t.hesābgar: مص. فنا. همه

زادینگ حسابینی ساقلاپ، پیدا و

نقصانی اولچه یان آدم.

حسابی t.hesābi: مص. ۱. حسابا اوکده

چپر، حساب ساقلایان حسابگر ۲.

عیب سیز و کم سیز دوغروچیل آدم.

حسادت t.hesādat: مص. [ع]

گوریپ چیلیک اتمک، بیرینه زوال

بخیل چیلیق اتمک، بیرى نینگ

بارزادینا گۆز دیکمک، گۆریپ

چیلیک اتمک.

حساس hassās: [ع] دوشونجه‌لی،

دویغور، دویاجانگ، تیز بیر زادی

دوییان و دوشونیان آدام.

حسب hasab: [ع] سانالان، چاق،

چن، اؤلؤلوق، شرف، اصل، احساب

جمعی.

حسب hasb: مص. [ع] ۱. ساناماق،

سان ۲. بولیيار اتمک، بس بۇلماق.

حسد hasad: [ع] گوریپ‌لیک و

باخیل‌لیق، جمع حسود.

حسد hasad: مص. [ع] بیرینینک

مقامینه و مالینه گوریپ چیلیک

اتمک، بیرینینک نابودلیغینی

ایسته‌مک، گوریپ‌چیلیک ادیب

بیرینینک پیسرلیغینی اربد یاغدا یا

دوشمه‌گینی ایسته‌مک.

حسر hasar: مص. اوکینمک،

اوکونچلی بۇلماق.

حسر hasr: مص. [ع] اندامینگی

یالانگاچلاماق، یالانگاچ اتمک.

حسرت hasrat: مص. [ع]

اوکینچ‌لیک، اوکینمک،

قینانچ‌لیق، توقالت‌لیق.

حسن hasan: مص. [ع] قواوی،

یاغشی، اونگات، حسان جمعی.

حسن hosn: مص. [ع] گۆرکلنمک،

قواوی بۇلماق، آوادانلانماق،

قواوی‌لیق، یاغشی‌لیق، گۆرکلی‌لیک،

آوادان‌لیق، محاسن جمعی.

حسنات hasanāt: [ع] یاغشی

ایشلر، قواوی‌لیقلار، حالانان‌ایشلر،

جمع حسنه.

حسود hasud: مص. [ع] بخیل،

گوریپ بیلمه‌یان، بیله‌کی

آدم‌لارینک بایلیغینی سعادتی

یاشایان‌لیغینی گۆروپ بیلمه‌یان،

اؤلارینک اربد بۇلماغینی ایسته‌یان،

حسیپ hasip: مص. [ع] ۱. حساب

ادیجی ۲. اؤلؤلوق، عزتلی اکرام‌لی

معنیده، حسب جمع.

حسین hosyen: مص. [ع] ۱. کچی

حسن ۲. قواوی‌لیق و شیعه‌لرینک

اوچونجی امام‌نینک آدی، امام

حسین.

حشر hašr: [ع] ۱. قول‌توتما،

چریک، کوپ بۆلک، فوج سرباز ۲.

فارسجه آلساق شهوتینه تابع بولان

آدم.

حشر hašar: [ع] آدم‌لاری ییغناماق،

قوزغالانگا سالماق، حرکته

دوشورمک، دیرلتمک. يوم الحشر:

قیامت گونی، محشر گونی.

حشرات hašarāt: ۱. [ع] مور

مؤجک، آوینجاق موجک‌لر،

چیبین، سینگک یالی، جمع حشره.

حشره کش hašare-koš: ص. فا.

سینگک و چیبین و بوره یالی زادی

اولدوریان آوی‌لار.

حشم thašam: [ع] یان یاقین‌لر،

قارینداشلار و قوللو قچی‌لر و ارکک

قول‌لار.

حشمت thešmat: [ع] حیا، اوتانچ،

غضب، اولؤلوق.

حشو thašw: [ع] ۱. پست ارید

آدام‌لار، ۲. کورفنچانینگ

دوشاکچانینگ ایچنی دولدوریلیان

زات، یونگ و پامیق یالی.

حشیش thašiš: [ع] قوری اوت و

شاهدانه اوت، اوندان ناشاله نیلیار،

بنگ یعنی ناشا اوچین پیدالانیلیار،

حشیشه و حشائش جمعی.

حصاد hassād: ص. [ع] اوراق

اورجی، حاصد جمع.

حصاد hasād: ص. [ع] اوراق بیلہ

اکین اورماق، ۲. اوراق وقتی معنیده.

حصار thesār: [ع] تفرار، دیوار،

دوشماندان آمان قالماق و قورانماق

اوچین قالانینگ داشینا چکیلیان

تیفار، چپری.

حصان hasān: ص. [ع] آبرایلی پاک

عیال، ارلی عیال، نامیس جانگ

عیال، حُصْن و حصانات جمعی.

حصان hesān: ص. [ع] یاغشی آط،

اونگات بدو دایاو آط احصنه

جمعی.

حصبه hasbe: ۱. [ع] قاتی

یوقاشیق‌لی کسل، ترکمن دیلینده

قارا خسته‌لیق.

حصر hasr: ص. [ع] تیفار اتمک،

بیر زادینگ تۋورگینی باغلاماق،

چوقور آیلاماق، آیان اتمک.

حصر hasar: ص. [ع] سۋزده،

صحبت‌ده عاجز بۋلماق، یورک

قیسماق، یورک قیسیجی‌لیق اتمه.

حصول hosul: ص. [ع] حاصل

بۋلماق، اونمک، اله گلکم، آرتیق

قالان زات.

حصیر thasir: ۱. [ع] بوریا، کولیش،

قارقی‌دان خرمانینگ یاپراغیندن

ادیلیان دوشک ۲. داریر، توسساق

و توسساق ادیلن.

حضر hazzār: [ع] تاییارلار،

حاضرلار، ییننانان‌لار، جمع حاضر.

حضانت hezānat: مص. [ع]

قولناماق، اۆز الینگده، اكله‌مک،

حمایت اتمک، انه‌که‌لیک اتمک.

حضر hazer: ص. [ع] آدم‌لارینگ

ایمیت اییان وقتنی بیلپ خبردار

بؤلۆپ سفره‌سینده حاضر بولیان،

موغت‌خور، یالچی آدم.

حضر hazar: [ع] ۱. یاقین، بوساغا،

درگاه، ایشیک، حاضر بولینیان یر،

مانگلای دیرلیان یر، ۲. شهر و او.

حضرت thazrat: [ع] ۱. یاقین‌لیق،

قولای‌لیق ۲. حرمت اوچین، اولی

آدم‌لارینگ آدی‌نینگ اونگیندن

آیدیلیپ یازیلیان سۆز.

حضن thezn: [ع] قولتۇقدان بیقینا،

یان باشا، قورساق، قۇجاق، احضان

حضور جمعی.

حضور hozur: مص. [ع] ۱. حاضر

بۇلماق، یوز به یوز بۇلماق،

بیری‌نینگ یانیندا بۇلماق، حرمت

سۆزۆنسن، اولی آدم‌لارینگ

آدی‌نینگ اونگیندن احترام اوچین

آیدیلیان سۆز، ۲. فارسجا: گنگ و

شادلیق دیپ آیدیلیپ‌دیر.

حضورى hozuri: یوزبه یوز بۇلماق.

حط hat(t): مص. [ع] پسه اینمک،

آشاق ایندرمک، زادینگ بهاسی

اته‌که اینمک.

حطاب hattāb: ص. [ع] اودون

ساتان، اودون بیغنیان آدم.

حطام thotām: [ع] ۱. أونیق دونیک

زات، بیرتیق ایریک أونیق زات ۲.

آزدا-کاندا دنیا مالی.

حطام thattām: [ع] بیرتیجی

یولبارس، اول هر بیر جانوری

گورسه پنجه‌سینه آلیپ آورادیار،

کول ادیار.

حطب hatab: [ع] اودون، ماشا،

احطاب جمعی.

حظ thaz(z): [ع] پیدا، قیسمات،

نصیب، حوزیر، پای، باخت،

خوشلیق، ساغلیق، خوشبختلیق.

حفار thaffār: ص. [ع] ۱. یر قازما و

یری بارلاق ادیان آدم ۲. قبر قازان

معنیده.

حفاظ hefāz: مص. [ع]

ساقلاماقلیق، ایدگیلیک، بیر زاتان

قوراپ بیلیان زات.

حفاظ hoffāz: [ع] ساقلايچی‌لار،

ایدگی‌لر، جمع حافظ.

حفر hafr: مص. [ع] یر قازماق، قوی

قازماق، چوقیر اتمک، یر اویماق.

حفره t.hofre: [ع] ۱. اوی، قورپ، قول، چوقیر، دشیك ۲. قبر معنیده. حفظ hefz: مص. [ع] قراویللیق اتمک، ساقلاماقلیق، بیر زادینگ آرادان گیتماسیزلیکینگ اووینه گچمک، قوشغی نی یا بیر مطلبی یادینگدا ساقلاماق، یاددان بیلمک، اونتماسیزلیق، یادکشلیک.

حفیظ hafiz: ص. [ع] ۱. قراویل، ساقلاچی، ساقچی ۲. خدای تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.

حق haq(q): [ع] ۱. دوغرى، باطلینگ ترسی، گونی، آنیق، آچیق، عدل، نصیب، بیر زاتدان آلینان پیدا، مال و ملک خدا تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.

حق haq: مص. [ع] بیر زادی ثابت و واجب اتمک، بیر زادینگ دوغرى و حق دیگینه گوز یتیرمک.

حقا haqqā: ق. [ع] دوغرىدان، چیندان.

حقائق haqā'eq: [ع] دۇغرۇلیقلار، حقیقتلار، جمع حقیقت.

حقارت heqārat: مص. [ع] کیچلمک، کیچی لیک، پستلیک، عجیزلیک، کمسیگمک.

حق الزحمه haqq-o-zzahme: ۱. [ع] ایشر حقى، ال عذابى، گونده لیک حق.

حق العمل thaq-ol-'mal: مر. [ع] ال عذابى، ایشلان حقى، ایشلان مزدی، مال ماتانی ساتیپ مال ایه سیندن آلینان پول، حق.

حق پرست haq-parast: ص. فا. [فاع] دوغریلیغى سوییان و قاوی گوریان، حق سوییان خدایى سوییان.

حق جو haq-ju: ص. فا. [فاع] دوغریلیغى ایزینده گزیان، حقى سوییجى، حقیقتى سوییان.

حق شناس haq-šenās: ص. فا. [فاع] تانیجى، حقیقتا و دوغریلغا بیل باغلايان، خدایى تانییان.

حق گو haq-gu: ص. فا. [فاع] دوغرىنى آیدىجى، حقى آیدیان، دوغرۇچیل.

حقوق hoquq: [ع] حقلار، آیلیقلار، حقوق، ال عذابلار، جمع حق.

حقه thoqqē: [ع] حيله، آلداولیق، یالان، مکرلیک، هیترلیق.

حقه باز hoqqē-bāz: شارلاتان، مکر، هیتیر.

حکماء 'hokamā: [ع] دانالار،

حکیملر، جمع حکیم.

حکمت thekmāt: [ع] عدل، بیلیم،

علم، دوروملیلیق، حاق سۆز،

عقللی، پاراساتلی، حکمت، حکم

جمع.

حکمران hokmrān: ص. فا. [فاع]

حاکم، فرمان بریجی، بویروق

بریجی.

حکم روا hokm-rawā: ص. مر.

[فاع] فرمان بریپ بویروغی یرینه

یتیان، حکم روان.

حکومت hokumat: ص. [ع]

حکم برمک، فرمان برمک، بیر

شهره یا یۆرده حکم سورمک،

خلقینگ سیاسی و اقتصادی و

مدنی جمعیت چیلیک قالیبرسده

اجستماعی ایشلرینی

دولاندیرماق لیک، حکومت.

حکیم hakim: ص. [ع] دانا،

بیلیم دار، عالیم، حکمت ایه سی،

دانالیق و بیلیم لیلیک بیلن ایش

ادیان آدام، حکیم، لقمان.

حل hel(1): [ع] روا بۆلماق، حلال

بۆلماق.

حل hal(1): ص. [ع] چوزمک،

حقیر haqir: ص. [ع] کیچی، پس،

دلیل، عجیزه پس، حقیر.

حقیقت thaqiqat: [ع] هر بیر

زادینگ اصلی بولیشی اؤزی، حق،

دؤغرؤلیق، حقائق جمع.

حکام hokkām: [ع] حاکیملر،

بویروق بریانلر، حکم سوریانلار،

جمع حاکم.

حکایت hekāyat: ص. [ع]

بیریندن خبر یا سۆز نقل اتمک،

حکات، بای، ارته کی، باشند گچن.

حکک hakak: ا. [ع] مرمر یالی آق

داش.

حکک thakak: [ع] یـــــــول

یوریماکینگ بیر گۆرنوشی، بوی

قیسنا عیالینگ گرشیننی بولاب

یوریماک لیلیگی.

حکم thokm: [ع] قضا، بویروق،

امر، احکام جمع.

حکم hakam: ص. [ع] ایکی

دعوالی نینگ آراسینی

باریشدیرماغا یاش اولؤلوق و

کدخدالوق اریان و ناچا آدم دان

عبارت بۆلان.

حکم hekam: [ع] حکمتلر، جمع

حکمت.

حلقوم tholqum. بوغاز، بوقیرداق،
 سوودیر اییمیتینگ گیدیان اوغری.
حلقه halqe: [ع] ۱. تگه‌لک، تگه‌لک
 شکلینده بولان نارسه ۲. انجمن،
 ییغنانشیق ادیان بیر بۆلک آدم،
 دویریان اوتوریشیق ایدیان آدم‌لار،
 حلق و حلقات جمعی.
حلم tholm. [ع] اوقی گورمک،
 احوال گورمک، دویشرده گؤرونیان
 زات، احلام جمعی.
حلم helm: مص. صبرلی‌لیق،
 جیداملی‌لیق، احلام و حلوم جمع.
حلوان tholwān. [ع] بوشلیق‌لیق،
 بخشش، بیرینه قوللوق اتمکی
 سبابلی بریلیان بایراق، آغلیق، مزد،
 پاداش.
حلواء thalwā'. [ع] سویجی
 نارسه، اون، یاغ، شکر و زعفران یالی
 زاتلار بیلله تاییارلانیلیان ایमित،
 حلوا، حلاوی جمع.
حلول holul: مص. [ع] ۱. بیر یره
 اینمک، بیر یردن چیقماق، بیر یره
 گیرمک، ۲. بیرینینگ روحی باشغا
 بیر آدمینگ بدنینه گیرمگی.
حله thelle. [ع] اوبا، کنت، مجلس،
 ییغنانشیق یر، کوپچیلیکینگ
 ییغنانیان یری، محله جمعی.

آچماق، دوگون آچماق، اریتمک،
 چۆزگیت، بیر زادی سووا چالیپ
 قارماق.
حلاج thallāj. ص. [ع] دستگاه بیلله
 پامینی چیکیدیندن سایلایان آدم،
 پامینی کمان بیلله سایان آدم.
حلاف hallāf: ص. [ع] قَسَمی
 (آنتی) کوپ ایچی‌جی، آنتی کوپ
 ایچیان.
حلاق hallāq: ا. ص. سلمانی،
 دلک.
حلاقت thalāqat. مص. دلک،
 ساققال ساچ سیریان.
حلال hallāl: ص. [ع] چۆزجی،
 قاتی آچیجی، کوپ آچان، دوگونی
 آچیجی، کینه‌نی آچیجی، سووا و
 ش.م. زاتلارا چالیپ قارماق.
حلال halāl: ص. [ع] روا، مباح،
 ایلمه‌گی یا ایچیلمه‌گی یاده یرینه
 یتیریلمه‌گی روا بولان زات،
 (حرامینگ ترسی)، حلال.
حلاوت halāwat: مص. [ع]
 سویجی بۆلماق، شیرین بولان،
 سویجی‌لیک.
حلق halq: [ع] بوقیرداق، قیزیل
 اوزاک، ایमित گیدیان اوغیر.

حله tholle: [ع] ۱. تازه اگین اشیک،

اوزین گیم ۲. یارق معنیده، حلال و

حلل جمعی.

حلیله، حليلة halilah(t): [ع] ارکک

آدامینگ نکاحلی عیالی، شرعی

عیالی، حلائل جمعی.

حلیم halim: ص. [ع] صبرلی،

قناعتلی، جیداملی، دوریملی، آرام،

جیداملی، حلماء و احلام جمعی.

حلیمه halime: ص. [ع]

جیداملی لیفا باغلی بۆلن، حلیم،

صبرلی، عیال، قناعتلی عیال.

حماسه hamase: ۱. [ع] باتیرلیق،

غیراتلیق، قوْجورلیق،

پهلوانلارینگ اؤز قومینه

باتیرغایلیغی و ایرمن لیگی اوچین

گتیرن قوْوانجینی شعر دوزگونه

گتیرلن داستان، شاهنامه فردوسی

یالی.

حماقت hamāqat: مص. [ع] عقل.

سیزلیق، آقماق لیق، تنتکلیک،

ساده لیق، نادانلیق.

حمال hammāl: ص. [ع] یوک

اکیدیان، آرقاسی بیله یوک داشایان

آدام. جمال.

حمال hemāl: [ع] یوکلر، جمع

حمل.

حماله themāle: [ع] قیلجینگ

بوغونی، باغی، تسمه سی.

حمام thāmām: [ع] کپدر، قمری،

حمام و حمامات جمعی.

حمام hemām: ۱. [ع] مرگ، اولوم،

قضا و قدر.

حمام hammām: ۱. [ع] سووا

دوشیلیان جای، حمام، بانه،

حمامات جمعی.

حمایت hemāyat: مص. [ع]

بیرینی قولداماق، بیرینه آرقا

چیقماق، ساقلاماق، جازای،

یاردام لیق اتمک، قوراماق

حمد hamd: اؤوگی، ماغتاییش،

شکر، راضی لیق.

حمل hamal: ۱. [ع] قوزی، اوالقی

بورجینگ آدی، منطقه البروج، اون

ایکینجی فلکی بورجینگ

ایلکینجی آیی، فروردین آیینینگ

بورجی بیلن برابر.

حمل heml: [ع] ۱. یوک، ۲.

آغاجینگ میوه سی، ۳. انه نینگ

ایچینداکی چاغا، حمل و احمال و

حمل جمعی.

حماله thamle: [ع] بیر گزی

گوتریلمه، چوزیش، دوفولیش،

هجوم، اوقداريلماق.

حملة hamale: [ع] يوكلى لر، جمع حامل.

حمود hamud: ص. [ع] حاللانا، سويولن.

حمول hamul: ص. [ع] صبرلى، حلیم، جيداملى، دوروملى.

حمول homul: [ع] يوكلر، جمع حمل.

حميد hamid: ص. [ع] حاللانا، سويولن، قبول اديلن.

حميده hamide: ص. [ع] مؤنث حميد، حاللانا، بگه نيلن، سوييلن.

حمير hamir: [ع] اشهكلر، جمع حمار.

حمير themyar: [ع] قسحطانيه عرب لرینگ طایفاسينینگ آدى اولار يىمنده بنابعه وسبا آدلى دولت لر قوراپ آلتينجى قرن ده داغاپديرلار.

حنان hanān: [ع] باغيشلايش، يورک يومشماق، رحمت، برکت، اريسغال.

حنان hannān: ص. [ع] ۱. قاتى مهربان، قاتى مهرلى ۲. خداى تعالى نینگ آدلارى نینگ بيرى.

حناء 'hennā: [ع] حينه.

حنبل hanbal: [ع] لوبيا، نوويا.

حنبل hanbal: ص. [ع] قارينلاق سمیز کوله آدم.

حنبلې hanbali: ص. [ع] ن. دورت مذهبينگ بيرى، ابو عبدالله احمد ابن محمد ابن حنبله باغلى بولانلار.

حنجره thanjare: [ع] بوقيرداق، بوغاز، سسينگ چيقان یرى، حناجر جمعى.

حنفى thanafi: [ع] دورت مذهبينگ بيرى، ابوحنيفه نعمان ابن ثابتا باغلى، اهل سنتينگ دورت مذهبينگ بيرينجيسى اول ۱۵۰ نجى هجرى دا وفات بوليار.

حواء 'hawwā: ص. [ع] ۱. مؤنث احوى، قارا ياقين ياشيل قيزيل، بوغدایى ارنگ عيال، ۲. آدامينگ جفتى ويان يولداشى، هاييل و قابيلينگ اجهسى، اول ايلکينجى عيال و آداملارينگ انهسى ديبپ تانيليار.

حوائج hawā'ej: [ع] جمع حاجت، حاجتلار، گرکلى ليکلر، ضرور زاتلار.

حوادث hawādes: [ع] جمع حادثه،
دویدانسیز تاپیلانلار، بیردن دوشن
واققلار، حادثه‌لار.

حواس hawās: [ع] دویغی،
دوشونجه، دوییشرلیق گویجی،
جمع حاسه.

حواله hawāle: [ع] بیرینه
تابشیرماق بیرینه پول یا بیر
زادی بیریندن آلماق تابشیرماق،
خط، حواله.

حوالی hawāli: [ع] تۈۈرگ، دیملی
دوش، داش توراک، داش.

حوت hut: [ع] ۱. بالیق، اولی بالیق
۲. فلکی بورجینگ اون ایکینجی
آیینینگ آدی.

حور hur: مص. [ع] حویر، آوادان،
قارا گوز، نازنین، قاتی گوزل، اۇرأن
گورنوکلی عیال.

حوراء hurā': [ع] اوچماداکسی
عیاللار، قاراسی آقی کامل بیر
کمسیز بولان گوز قاشی قاتی
آوادان گورنیکی قارا گوز عیال،
اوچمانگ آوادان عیالی.

حوزه hawze: [ع] ۱. اولکه، اولوس،
یوردونگ ایچی، اولکانینگ بیر
بوله‌گی ۲. طبیعت ماغنادا.

حوش thawš: [ع] داش تۈۈرگ،
دیملی دوش، اویونگ تۈۈرگی، و
دورت دیفاری.

حوصله thawsele: [ع] ۱.
تاوینینگ اییم‌لیگی ۲. صبرلی‌لیق
و جیداملی‌لیق.

حوض thawz: [ع] یوریته‌لاری یالی
ادیپ بحرلیان اوستی آچیق سۇو
ساقلانیان جای، حوض، کیچی راک
سۇو هاودانی، احواض و حیاض
جمعی.

حول thawl: [ع] حو. قوت، گویچ،
قۇجۇر، حرکت، گیدیش، ۲. ییل
تۈۈرگ ماغنادا، احوال جمعی.

حول hawal: مص. [ع] گوزونگ
قاراسی بورونه یاقین بۇلما، قیشیق
و قیتاق گویچ، قیتاق گوز.

حومه hawme: ۱. [ع] گینگ یایزاب
یاتان مهم یر، فارسی‌ده شهرینگ
توهرایگی و اطرافی معنیده.

حی hay(y): ۱. [ع] ص. ۱. دیری ۲.
اوبه آراسی، ۳. قوم و طایفا، احیاء
جمعی.

حیا hayā: [ع] اوتانچ، هم کایینج‌دن
قورقیپ هر بیر ایشی یرینه
یتیرمکدن ساقلانماق، حیا، اویات.

حيات hayyāt: [ع] يیلانلار، جمع حیه.

حيات بخش hayā-baxš: ص. فا.

ياشایش بریجی، ياشایش باغیشلايچی، دیری لیک بریجی.

حیاط hayāt: [ع] دیوار، باغ، باغچه،

هوولی، و فارسی دیلینده اوستی آچیق اوینگ دیواری بوش یری، حولی.

حيات، حیاة hayāt: [ع] ياشایش، دیری لیک، اولماگینگ ترسینه.

حيث thays: [ع] ۱. جای، مکان، اهلی یر، اوغور ۲. یان، طرف، اول جهت، اول سببدن، اول طرفدان.

حيثیت haysiyat: مص. [ع] اینام، اعتبار، آبرای، یوزونگ سووی.

حیدر thaydar: [ع] قیسنا بویلی، بوی قیسنا، یولبارس، شیر.

حیران hayrān: ص. [ع] چاشغین، آواره، سرگردان، آجیرانگ، آلاالی.

حیرت hayrat: مص. [ع] ۱. آوارالیق، گنگ قالماقلیق، سرگردان

بؤلماق، آجیرانگ بؤلماقلیق، چاشغینلیق. ۲. عرفان اهلی نینگ

چشمه سیندن گیدیلمانی اوغیر عارف اوزونی آجیرانگ چاشغین

دویبار. شیله ده توتولدا عارف

اوزونی آجیرانگ تاپیار.

حیز hayyez: [ع] قیراق، جای، مکان، محل، اوغیر.

حيض hayz: مص. [ع] عیال لارینگ عادت بؤلماقی، قاعده بؤلماقی،

آی باشی، نمازسیزلیق. اول اون اوچ یاشدان تا قرق باش یاشا چنلی عیال لاردا بؤلۆپ دوام تاپیار.

حیطه hite: مص. [ع] ۱. قراویللیق چکمک، ساقلاماق، اۆز ارکینگه

گچیرمک، اۆز پناهینگدا ساقلاماق ۲. پناهینگدا ساقلاماق ۳. داشی

قاباغلی گینگ یر.

حیف hayf: مص. [ع] ۱. ظلم اتمک، ستم اتمک، خورلیق، جبر، ۲.

فارسچا: وا دریغ و الهییس معنادا آیدیلیار.

حیله، حیلت hile-hilāt: ۱. [ع] ۱. اؤنگات نظر ۲. بیر بیرا اوغیردا اله

گتیرماگه و گویچ قوات ادیب اویلانما و چاره ادیلمه هر هیل

گۆرولیان گویچ، قوات و چاره، ۳. فارسچا: آلاولیق، حیله، ساپالاق،

آل، بهانا، مکرلیک، هیل جمعی.

حين thin: [ع] وقت، مدت، دوور،

دنیا، پله، احیان جمعی

حین hayn: [ع] هلاک، مرگ، اولوم،

بلا، درد، محنت.

حیوان heywān: [ع] ایچی جانلی،

جانور، جاندار، جانلی، حیوان،

حیوانات جمعی.

حیوان ناطق heywān-e-nāteq:

آدام، انسان، کبله یان حیوان.

حیوانی heyāni: ص. ن. [ع] فا.

حیوانا باغلی لیق، جانداره منگزش.

حیی hayy: ص. [ع] حیالی،

اوتانچلی، اویاتلی، شرملی.

خ

خ xā/ xe فارس اليپى نىنگ
دۇقۇزىنچى حرفى، ابجد
حاسابىندىن (۶۰۰).

خائىن xā'en ص. فا [ع] (= خيانتكار،
دغل) خيانت اديجى، خيانتكار،
عهدى يالان، دۇنوك اخايىن.

خاتم xātam ۱. يوزى ناغىشلانان،
بىزەلەن قۇطى، قاپىرجاق يالى
نارسە.

خاتم xātem ۱. [فاع] قوتارىجى،
تمام اديجى، سۇنگ لايىجى.

خاتم xātem [ع] ۱. سۇنگ، ھەر
زادىنگ آخرى ۲. يوزوك و
يوزوگىنگ قاشى مەنىدە

خاتم الانبياء: (= خاتم النبىين) خاتم
انبىاء، پىغمبر اسلام، سونگى
پىغمبر.

خاتم كار xātam-kār ۱. مص. (=)
خاتم بند، خاتم ساز ايشى خاتم
بجرمكلىك بىلەن بۇلان، خاتم
ھىزرى بىلەن مشغوللانان،
قىزىقلانغان.

خاتمە xātame ۱. [ع] (= پايان)
خاتىمىنگ مۇئىتى، سۇنگ، ھەر
زادىنگ سونگى، خواتىم و خاتمات
جەمى.

خاتون xātun ۱. ص. خاتىن، زنانه،
ھلى، عيال، خواتىن جەمى.

خادم xādem ا. ص. [ع] نوکر،
قوللوق اديجي، قوللوقچي،
خدمتکار.

خاده xāde ا. گونی و اوزین آغاچ.
خار xār ا. تیکن.

خارا xārā ا. (= گرانیٹ) قاتی داش.
خارا xārā ا. بیر هیل قاتی
یغیریولی یویک پارچا.

خارانندن xārandan (= خارانیدن)
م. مص. قاشینماق.

خارپشت xār-pošt ا. مر. قویون
کیرپی، اوقلی کیرپی.

خارج xārej ا. [فاع] ۱. داشار
کیديجی ۲. داشقی گورنوش، داش
گورنوشلی، ایچری دال.

خارجه xāreje ا. [ع] خارجینگ
مؤنثی، یورتدان داشاری، داشاری،
خوارج و خارجات جمعی.

خارجی xāreji ص. ن. [ع] ۱. داشار
یورتلی، داشارا باغلی، غیری ۲.
خوارج مذهبینه اینامی و اعتقادی
بۇلان.

خارخسک xār-xasak ص. مر.
دمیر تیکن.

خاردار txār-dār ص. ۱. تیکنلی،
تیکنی بۇلان اوسوملیک ۲. تیکنی

بۇلان حیوانلار.

خاردار xār-dār ص. مر. پامیغینگ
بیر تویسلی کرمی، قورچوغینگ
بیر گورنوشی.

خارزار xār-zār ص. مر. تیکنلیک،
تیکنینگ کوپ یری، یانداقلی لیق.
خارستان xār-estān تیکه-نینگ
کوپ یری، تیکه-نینگ کوپ بیتین
یری.

خارش txār-eš مص. گيجينمک،
قاشینماق.

خارشتر xār-šotor ص. مر. حاشال
و تیکنلی اوت، گوک تیکن، یانداق.
خارشکر xār-šekar ص. مر. گوک
تیکن، یانداق.

خارق xāreq ص. فا [ع] صفت
فاعلی، ییرتیجی، یاریجی، یول
یوردانی و طبیعی دوزگونی بوزیان.
خارق العاده xāreq-ol-'āde (=)
خارق عادت) عادتدان داشاری،
معجزه، کرامت، اووره نیشيلمه دیک
ایش، حیران قالدیریجی، گنگ
قالدیریجی، گنگر گندیریجی.

خازن txāzen [فاع] خزینه چی،
تغشیدلی، خزینانینگ قراویلی،
ساقلاجی سی، خازیناچی، خزنه و

خزان جمعی.

خاستن xāstan مص.ل. یوقاری
 قالماق، قالیب دورماق، آیاق
 اوستونده دورماق، قالماق و تورماق.
 خاش xāš. آغاجینگ، کاغذینگ و
 اوتونگ اونیفی.

خاش xāš. ص. مجنون، عاشق،
 تلبه.

خاش xāš. عیالینگ اجه سی و
 ارینگ اجه سی دییپده آیدیلیار.
 خاشاک xāšāk. ۱. هاپا- هوپا، هاپور
 چوپور، سویلوک.

خاص xās. ص. [ع] سایلاپ
 سچیلن، بلانن، آیراتین، تای سیز،
 یکه، خاص.

خاصره xāsere. [ع] یان باش،
 قاپدال، کمر. لگن خاصره:
 انسانینگ قارنی نینگ اته گینده
 بۇلان لگنه منگزش سونگک، یان
 باش سونگک، خواصر جمعی.

خاضع xāze. ص. فا. [ع] پالی آشاق،
 پس پال، کیچی گووین لی.

خاطب xāteb. فا. ص. [ع] خطبه
 اوقیجی خطبه اوقایان آدام.

خاطر xāter. [ع] یورکدن توریان،
 زات، اوی، فکر، یورک، خواطر

یادلاما. یاده

خاطره xātere. [ع] اوی، پیکیر،
 یادیکار، خیال یادینگده قالان اثر.

خاطی xāti. ص. فا. [ع] گناکار، خطا
 ادیجی، خطاکار، عاصی، یازیقلی.

خاک xāk. قوم، توفراق، یورت.
 خاک انداز xāk-andāz. مر. هاپا

زاتلار بیفناماغا پیدالانیلیان نارسه،
 چلو یالی نارسه.

خاکروبه xāk-rube. ص. مر. هاپا
 آشفال، اتبریندی، چور - چوب.

خاکسار xāk-sār. ص. مر. توفراغا
 منگزش، توفراق یالی و کنایه

سۆزۆندن پالی آشاق، عجیز، دلیل
 آداما هم دیییلیار.

خاکستر xāk-estr. کول.

خاکستری xāk-estari. ص. ن. چال
 کوله باغلی بۇلان کوله منگزش،

کول ارنگ، کولینگ رنگینده بۇلان،
 بۆز.

خاک شناس xāk-šenās. ص. فا.
 توپراق تانیجی، یرشناس، دورلی

قوم توفراقلاری تانییان، اکملی
 یرلری قاوی سایغاریان.

خاکی xāki. ص. ن. توفراغا باغلی
 بۇلان توفراقدان بۇلان یا توفراغا

خام xām: ص. چيگ، بيشمادیک، ال
دگمه دیک، اوورنمه دیک،
يتمه دیک، طبعی حالتدان
اويتگه مان قالان زات، ایلنمه دیک
دری، اگریلمه دیک یوپک.

خامد xāmed: ص. [ع] آرام، سونوک،
قیمیلدی سیز، سسر سیز، اوینسیز.
خامس xāmes: ص. [ع] باشینجی،
خامس، آل عبا: حضرت حسین بن
علی، اوچینجی امام.

خامش xāmoš: ص. مخفف
خاموش، سونیک، سسر سیز.

خام شدن xām šodan: مص. ل.
غافل بولماق، آلدانماق، اوتونماق.

خام طبع 'xām-tab': ص. مر. طماسی
کوپ بولان بیدرک گوز تیکیان، خان
طما، گوز دویمه یان.

خامل xāmel: ص. فا [ع] آدسیز،
یتیب گیدن، نشان سیز، آدسول سیز.
خامل الذکر: آدی سولی توتیلیمیان،
آدی یتن.

خامن xāmen: ص. فا [ع] ییتیب
گیدن، یتگی، قدرسیز، گیزلین،
یاشیرین.

خاموش xāmuš: ص. کپله مانى
اوتوران، صم بؤلۆپ اوتوران آدام،

منگزش زات، یر یالی، و کنایه تاردا
آیدیلاندا پس پال، خوار، ذلیل پس
آداملار.

خال xāl: ا. منگ، آدامینگ اندامیندا
بولان منگ، اندامدا دورایان قارجا
نقطه یالی نارسه.

خال xāl: ا. [ع] اجنگ ارکک دوغانی،
دایی، احوال جمعی.

خالد xāled: ص. فا [ع] همیشه، ابد،
ایمیقلی، دواملی، ایزی گیدرلی.

خالد ار xāl-dār: ص. فا. منگلی.

خالص xāles: ص. فا [ع] ساده،
گرچک، پاک، آراسسا،

قوشانت سیز، الین صاف خالیص.
خالق xāleq: ص. فا [ع] یار ادیجی،
یارادان، دورادیجی، تانگری، خدای
تعالی نینگ بیر آدی.

خالکوبی xāl-kubi: مص. انداما
خال اوردیرماق، انداما منگ
اوردیرماق.

خالو xālu: ا. اجنگ دوغانی، دایی.
خاله xāle: [ع] دایزه، اجنگ عیال
دوغانی، خالات جمعی.

خالی xāli: ص. [ع] بوش، زادسیز.
آزاد گویدرلن، یکه، یالنگیز. دول
ارکک آدام.

اوی سویریپ قاقماق.

خانه خدا xāne-e-xodā: ا. مر.

خدایینک اوی، بیت الله، کعبه،
کعبه اوی.

خانه دار xāne-dār: ص. فا. اوی

ایشلرینی قاوی انجام بریان، اوی
قاوی ترتیب بریپ بیلان ارکک یا
عیال، اوی ایشه مشغول بولیان.

خانه زاد xāne-zād: اویده دوغلان.

خانه نشین xāne-nešin: ص. فا.

اویده ایشه گیتیمان بیکار یاتیپ
گونینی گچریان آدام، همیشه اویده
اوتوران آدام، اویده اوتوریجی.

خاور xāwar: گون دوغار، دوغی،

قدیملاری خاوره، گون باتار دییپده
آیدیلیان میش.

خاور xāwar: ا. تیکنلی اوت، تیکن.

خاور xāwar: قارینچفا، مور.

خاور دور xāwar-e-dur: ا. مر: گون

دوغار، آسیانینگ بیر بولگی، اول
چین، ژاپن، کره، اندونزی و
فیلیپینی اوز ایچینه آلیار، شرق دور
شرق اقصی هم دیییلیار.

خاورشناس xāwar-šenās: ص.

گون دوغار علمینا تاریخینا، گون
دوغار ملت لرینگ دۆرمۆش

یاغدا یینا، ملت لرینی نینگ دۆرمۆش

یاغدا یینا یتیک و تانیشر آدام.

خاور میانه xāwar-meāne: ا. مر

اورتاگون دوغار، عربی یورتلر و

ایران، افغانستان، پاکستان و

هندوستان یورتلری اوز ایچینه

آلیار.

خاور نزدیک xāwar-e-nazdik:

ا. مر. آسیانینگ گون باتار گون

اورتاسیندا یعنی مدیترانه نینگ

گون دوغار قیراسیندا یرلشن

یورتلار باغلی بۆلن ترکیه، سوریه،

لبنان، مصر، اردن، اسرائیل

یورتلره باغلی بولان.

خاویار xāwiyār: [فر] روس

چشمه سیندن آلمان بالیغینگ

ایشبیلی ایشبیل.

خایه xāye: ا. اینک، یومورتقا،

انسانینگ تخمی، ارکک حیوانینگ

بیضه سی، تاششاغی.

خباز xabbāz: ص. [ع] چورکچی،

پورته چۆرک بیشیریپ ساتیان

آدام.

خبر xabar: [ع] معلومات، خبر،

دویداریش، اخبار جمعی.

خبر دادن xabar dadan: ص. م.

یساغشی گون، برکتلی گون،
شادلیق لی گون.

خجل xajel: ص. [ع] اوتانچ لی،
او یات لی، حیالی.

خجل xajal: مص. [ع] ۱. اوتانچ لی،
اوتانچ لی یقدا ن آلیجیرماق، ۲. شرم
و حیا.

خجیدن xajidan: مص. ل.
یینغانماق، اویشنماق، جملشمک،
خجیر xajir: ص. آوادان، گورنیکلی،
گوزل، اونگات، حالانان.

خدا xodā: (=خدای) ۱. خدای
تعالی، الله، تانگری یارادان، دنیانی
یوقدان باره گتیرن، ۲. ایه معنیده.

خداپرست xodā-parast: ص. فا.
خدایی سویوجی، دینلی، تقوا،
خدای تعالی غا بنده لیک ادیب
عبادت ادیان، یکه تانگرا سیغینیان،
خدا داد xodādād: مص. خدایینک
باغیشلان زادی، خدای برن،
تانگری نینگ برهنی.

خداشناس xodā-šenāš: ص. فا.
خدای تانییان آدام، خدایلیق لی،
تقوا، یالنگیز الله نی تانییان.

خدا xoddām: [ع] قوللوقچی لر،
خدمت ادیجی لر، خدمتکار لر،

خبر برمک، بیر زادی ایلینگ
قولاغینا یتیرمک، دویدورماق.

خبرگزاری xabar-gozāri: مص.
[ع. فا] دورلی خبرلری ییغناپ
روزنامه و رادیو تلوزیونه یتیریان
قوراما.

خبرنگار xabar-negār: ص. فا
[ع. فا] ادیلن گوررونکی خالقا
یتیریان آدام، خبری، ایل
اشیتدیریان آدام، خبرچی.

خیث xabis: ص. [ع] نجیس، ناپاک،
پیس، اریت، حبثه جمعی.

ختم xatm: مص. [ع] سونگه
یتیرمک، آخرا یتیرمک، ایش
سونگی، سونگ لاما ق.

خته xetne: [ع] عرب چشمه سیندن
چوک کسدیرمک، سنت لمک.

خجالت xejālat: اوتانچ لیک، حیا،
اوتانچ، حیالی لیک، اویات، قیجیت.

خجالت کشیدن xejālat kešidan:
مص. ل. شرمنده بولماق، اوتانماق،
اویالماق.

خجسته xojaste: ص. مبارک،
قوتلی، یاغشی، قاوی لیک،
خوش لیک.

خجسته روز xojaste-ruz: ص. مر.

جمع خادم.

خداوند xodāwand: خدای تعالی،

خدا، تانگری، یارادان، ایه.

خدایا xodāyā: کلمه ندا، زارین

سوزی، ای بار خدایا، ای الله

دیمک.

خدر xedr: [ع] پرده، چادر، اوینگ

بیر قاپدالیندا یسیرلر اوچین

توتیلیان پرده، توتی.

خدر xadar: مص. [ع]

تیتراویکلیک، سستلیق،

اعصابینگ ارید حالاتا دوشمه‌گی.

خدر txadar: [ع] قارانگق ییر.

خدر xader: مص. [ع] دویغی‌سیز، اون

ایکی سونگکینگ بیر سستلاپ

و اوقا گیتمه‌گی و ارید یاغدا یا

دوشمه‌گی.

خدشه txadše: [ع] دیرمانماق‌لیق،

اوچلی ذات یعنی دیرناق و یا ش. م.

زات بیلن دیرماماق، سیپجیرماق.

خدعه xod'e: ا. [ع] حيله، آلداو،

مکر، آل.

خدمت xedmat: مص. [ع] بیرینه

ایش اتمک، قوللوق اتمک،

قوللوق چیلیق اتمک، خدمت اتمک.

خدمتکار txedmat-kār: [ع]

خدمتکار، ارکک یا عیال دیر بیر

کیشی‌نینگ اوینده خدمت ادیان،

قول، قیرناق.

خدمتگزار txedmat-gozār: ص.

اداره دیر یا بیر قورمادا قوللوق

ادیان آدام، خادم، خدمتچی.

خدمه txadame: [ع] کویچولیک،

بیقناغ، قوم، حلقه‌سی، فارس‌لار

خدمه‌نی خدمتکارلر، معنی‌دا

اؤللانیار.

خدمگ txadang: ۱. اوق و نیزه ۲.

اییر بجریلیان قاتی قایم آغاچ، آق

تِرک، آق دِرک.

خدو txadiw: مص. خدای تانگری،

شاه، وزیر، خدیورده دییلیپ دیر.

خدلان xezlān: مص. [ع] بیرینه

کمک اتمک‌دن ساقلانماق،

بیچاره‌لیک، کمک‌دن بی‌بهره

قالماق، یاردام برمک‌دن ساقلانماق.

خر xar: ا. ایشک.

خر txar(r): لای، پالچیق، باتغا،

سوؤ قوشیق پالچیق.

خر xar: هر زادینگ اولی‌سی یوغینی

و صاف بۆلمادیق کپینگ اونگیندن

گلیار، مثلاً: خرپا، خرپشته،

خرچنگ یالی.

خر xer: ۱. عا. بوقیرداق، بوغاز.
 خراب xarāb: ص. [ع] ۱. ویران،
 بیباد، آبادینگ ترسی، بوزوق،
 بوزوق، بییق، ۲. فارسیچه عیش و
 عشرت بیلن گچریلیان جای، اخربه
 جمعی.
 خرابکار xarāb-kār: ص. [ع] فا.
 ویرانچیلیغا سبب بولیان، هر بیر
 خرابچیلیغا سبب بولیان آدم.
 خرابه txorābe: [ع] ایگنانگ
 دشیگی، دینگ اخاب و خروب
 جمعی.
 خرابه xarābe: ا. ص. ویران بولیان
 یر، ویرانا، بیقان یومران بۆلان یر،
 بوزوق یر.
 خراج txarāj: [ع] باج، سالغیت،
 مالیات، یردان و اکرانچیلیق
 اونومیندن و باشغا زاتلاردان آلینان
 سالغیت.
 خراج txorāj: [ع] چیش،
 چیلتراویک، آدامینگ اندامیندا پیدا
 بۆلان دومهلاپ چیققیان
 چیلتراویک.
 خراز xarrāz: ص. [ع] مشیک
 تیکیان، کۆووشچی.
 خرازی xarāzi: ۱. ص. هینجی دیر

آینا و ساللما و شونگا منگزش
 زادی ساتیان آدم، هینجی
 ساتیجی سی، فارسیچه خرازی
 فروش دیپ آیدیلیار.
 خراس xar-ās: ص. مر. (= خر آس)
 اشک دگیرمن، دگیرمینگ داشینی
 آیلان اشک، اشه گینگ گویجی
 بیلن حرکت دوشیان دگیرمن.
 خراس txarrās: [ع] خم یاسایان
 آدم، خم ساتیان.
 خراش txarāš: ۱. دیرجاناق لاما،
 سیرما، دیرناق دیر یا اوچلی
 زادینگ قالدیریان ایزی و اثری، ۲.
 تاشلانیلیان و آتیرینی زاد معنیده
 خراشاندن xarašāndan: مص. م.
 دیرماماق، دیرماماق لیق،
 قاشینماقلیق.
 خراس xarrās: ص. [ع] قاتی
 یالانچی، کذاب.
 خراط xarrāt: ص. [ع] دستگاه بيله
 آغاجی یونپ بجریان آغاج بيله
 قیزیقلانیان اوستا، خراط.
 خرافات xorāfāt: [ع] موهومات و
 باطل و بیهوده سوز، یالاندان
 چیقاریلیان سوز، پوج زاتلار، جمع
 خرافه، یالان دوشینجه لر

خرامان xermān: ص. فا. ناز بيله

سوينيپ سارقىپ يول يوريان، ناز

بيله باسايين مى باسمايىن مى

سالانا سالانا يوريان عيال.

خرىزه xarboze: ا. قاووين.

خرىه xorbe: ا. [ع] دشىك، اگينه

دشىكى.

خرپا xarpā: ص. مر. يوغين آغاچ،

تختا يا ميله دميردن جاى سالماق

اوچين يا سووورماق اوچين

اولانيليان قورال، شيله ده خرپا

خرپشته xar-pošte: ص. مر. ۱.

ايوان، طاق، ۲. اشك آرقا.

خرج xarj: ا. [ع] چيقداجى، يۇويما،

خراج، اخراج جمعى.

خرج كردن xarj kardan: ص. مى.

يۇويماق، خرجلاماق.

خرج xorj: ا. [ع] خورجين، قارچين.

خرچنگ xarčang: ص. مر. اوزين

ديرناقلي، ديرناقلي سوودا ياشايان

جانلى، ارلنگچ.

خرخر xor-xor: اوقىدا ياتان

آدامدن چيقيان سس، هوررولدى،

خورخور.

خرخر txar-xar: [ع] سؤو يا يلىنگ

سسى.

خرخره xer-xere: ا. بوقيرداق،

بوغاز.

خرد xord: ص. آونيق، كيچى، هر

زادىنگ آونيقى و كيچىسى.

خرد xerad: ا. پاىخاس، عقل و

هوش، دوشونجه، بيليم.

خرد xard: ا. بوقير سو، لاي.

خرداد xordād: شمسى ييل

حسابى نىنگ اوچونجى و بهارىنگ

آخرقى آيى.

خردسال xord-sāl: ص. مر. چاغا،

اوغلان، باش ياشدان آشاق بولان

اوغۇل قىزلار.

خردل xardal: ا. درمانلىق اوت،

ايشدانى كۆپلتمك اوچين

اولانيليان درمان.

خردل xardel: ص. مر. كنياه سوزى،

قۇزقاق، يورك سيز.

خرده xorde: ص. ۱. انستك، آز

اولاق، كيچى و آونيق، ۲. اوچنين و

عيپ، خطا، ييتى سوز دىييده

آيدىليان.

خرده پا xorde-pā: ۱. سرمايه سى

آز، آيلانيپ سودا اديان ۲. يرى

يۇردى آز ادام.

خرس txers: آيى، خرس، قاتى اولى



تویلی زورلی حیوان، قیزیمتیق.
قونگغیر آق رنگده بولیان حیوان،
اول آغاجینگ باشینا-دا چیققیپ
بیلیار.

خرس xaras: مص. [ع] دیلسیز
کپلاپ بیلمزلیک، پلتک.

خرسند xorsand: (=خورسند) ص.
خوش، شاد، شادیان، خوشلیق،
شادلیق، خوش و شاد بۇلماق.

خرسنگ xarsang: ص. مر. قاتی
اولی ی—ؤنؤلمادیق و تراش
بریلمه-دیک بییک یوزی دوویر
دوویر داش.

خرش txaraš: [ع] پیدالانیلمايان
زات، پست متا، خروش جمعی.

خرش xarš: مص. [ع] دیرماماق،
سیپجیرماق.

خرش txoroš: قیقیلیق، قهر
غضب، غوغا، جنجل.

خرشاد txoršād: گون، گونش.

خرص xars: مص. [ع] ۱. یالان
آیتماق، چن بیلن بیر زاد آیتماق، ۲.

میوهلی آغاجینگ میوه اونیمنی
چن اورماق.

خرطوم xortum: [ع] بورون، اولی
بورون، خاصدا پیلینگ بورونی،

خرطوم جمعی.

خرف xarf: مص. [ع] ایمیش
بیغماق، میوه بیغماق.

خرف xaraf: مص. [ع] قاررلیق دان
عقلا گلیان ضرر، قوجالیق دان عقلا
یتیان نقصان.

خرف xaref: ص. [ع] آنگلامیان،
کم عقل، تنتک، عقل سیز آدم،
سامسیق، نادان.

خرفه xorfe: ۱. سمزک.

خرق xarq: مص. [ع] ۱. دیلمک،
ییرتماق، یارماق ۲. یاریق،
دشیگده آیدیلیار، خروق جمعی.

خرق xareq: [ع] ۱. اکین اشیگینگ
ییرتیق ایریگی ۲. خرقه نینگ
جمعی.

خرقه xerqe: ۱. [ع] پارچانگ
بوله گی، گیمینگ بوله گی، ناچه
بۆلک تیکه پارچه دان تیکیلن
درویش لرینگ دونی، گیمی.

خرک xarak: ۱. خارک، ساری
خرمانینگ بیر گؤزنوشی، خرک
خرماسی هم دیبیلیار.

خرک xarak: کیچی اشک،
اوتسورلقیچ، دورت پایالی اشک
گورنوشلی ورزش ادنلرینده اونونگ

اوستوندن بوکیارلار.

خرکچی xarak-či. ص. اشکی

کراینه بریان، اشک ساقلایان.

خرگاه xar-gāh. ص. مر. اولی چادر،

اوی پرده، خرگه و خرگاه دیپیده

آیدیلیار.

خرگوش txarguš. تاوشان.

خرم xarm. ص. [ع] بولمک،

دیلیمک، کسمک، دشمک، بارماق،

قولاغنی و بورنینی دشمک.

خرم xorram. شادیان، خوش، تازه،

گولر یوز.

خرما xormā. خرما.

خرمالو txormā-lu. پومازورا

منگزش ایمنیش یوقا قابیقلی

ارنگکی قیزغیلته، گویزینگ

آخیریندا یتیشان آما آغاچا منگزش

یاپراقلاری ایری و آچیق یاشیل

بۆلمالی. خرمالوی بی دانه: ا.

هورازتاجی.

خرمگس xar-magas. ص. مر. ایری

و اولی سینگک، سینگه گینگ اولی

هیلی.

خرمن txarman. دوووک، خارمان.

خروار txarwār. اشک یوکی، و یا

تبریزلی لرینگ یوز منی و اوچ یوز

کیلو برابر آغرام اولچاگی بولان.

خروار xarwār. ص. اشک یالی،

اشگه منگزش.

خروج xoruj. ص. [ع] بیر جایدان

داشاری چیقماق، داشاری گیتیمک،

داش چیقماق، چیقیش.

خروس txorus. هوراز.

خروش txoruš. قاهار بیله قیقیلیق

اتمه، جوشغین، قالماغال، قیغیرما،

غوغا، اخروش و اخرش و خرش هم

آیدیلیپ دیر.

خروشیدن txoruš-idan. ص. ل.

قیغیرماق، جوشماق، تولغینماق،

زارینلاماق، دادوبیناد اتمک.

خروف txaruf. ارکک قوزی،

خرافان جمعی.

خره txare. یلمه شیک قویی رنگده

بۆلان پالچیق، لای، باتفا.

خره txare. ایزلی ایزینا تیرکه لن،

اوسته اوستینه جایلانان، خاطار.

خره txor(r)e. یاغتیلیق، پارلاق،

آیدینگ لیق، نور.

خره xare. ا. خورولدی، خورخور.

خره xoroh. هوراز.

خز txaz. قوندوز.

خز txaz. [ع] یوپکدن یونگدن

ذوقلان ماتا، یوپک پارچا، خزوز
جمعی.

خزان xozzān [ع] خزینه چی لار.

خزان krazān. گویز موسمی، گویز،
خزان.

خزانه xazāne ا. [ع] خزینه، پول و
بهالی زاتلار ساقلانیان یر، خزائن
جمعی.

خزنده xazande سویرنجی.

خزیدن xazidan مص. ل. اؤزونگی
یوزین قورساق بیله یردن چکمک
ییلان یالی یردن سویرنمک.

خص xas ص. ارید، ناکس و بوزغاق
آدام.

خص xas ص. ارید ناکس بوزغاق
آدام، تله که آدام.

خسارت xesārat مص. [ع] زیان
چکمک، زیان گورمک، تاوان
گورمک، ضرر گورمک.

خساست xesāsat مص. [ع]
پستلیک، اریدلیک، خسیس
بؤلماق، تله که لیک، بخیللیق،
חסودلیق.

خستگی xastegi یاداولیق،
آرغینلیق.

خستگی ناپذیر xastegi-nāpazir

یاداوسیز، یادامایان، آرمایان
یادامایان، ایرگین سیز.

خسته xaste ص. یاداو، آرغین،
اینجان، پتنگ.

خسته xaste ا. شانیک، اریک یالی
زادینگ شانیگی.

خسوف xosuf مص. [ع] یره
گیرمک، ییتیریم بؤلماق، آی
توتولماق.

خسیس xasis ص. [ع] بخیل،
گوریپ، حوسیت، خساس و اخسه
جمعی.

خشاب xesāb گولله جایی،
خشاب.

خشاب xesāb ا. [ع] آغاچ ساتان،
آغاچ سوداسیندا بولان آدام.

خشک xošk ص. قوری، سوووسیز،
اول دال.

خشکاندن xošk-āndan (=)
خشکانیدن) مص. م. قورومتاق،
گونه و اودا قوریتماق.

خشکسال xošk-sāl (=)
خشکسالی) ا. مر. قوراقچیلیق،
قحطیلق، اکرانچیلیقینگ
بیتمه دیک بولمادیق ییلی.

خشکه xoške ص. قوراق زات،

قۇرى چۆرى.

خشکیدن xoškidan م.ل.

سولماق، اوت سولماغى، قورىماق،

اونومىنگ قورىب سولماقلىنى.

خشم xāšm. آلجرانگلىق، قهر،

غضب، اويکه.

خشم آلود xāšm-ālud م. قهرلى

بۇلما، قهر غضبه گيرمه، چاشماق،

آلجيراماق.

خشمگين xāšm-gin م. قهردا

بۇلما، خيرسىز، قهرلى، قهرجانگ،

خشمگينى : قهرجانگلىق.

خشن xāšen م. [ع] ايرى، يوغين،

تكيزدال، صاپ بۇلمايدىق،

قهارجانگ، بدقيليق، اونگات دال،

خشان جمعى.

خشنود xošnud م. كونگلى

خوش، شاديان، خوش و شاد،

شهدى آچىق، گولر يوز.

خشوع xošu' م. [ع] بۇيۇن

انگمكلىك، كيچى كونگلىك،

مطيع بۇلماق، پسپال بۇلماق.

خشونت xošunat م. [ع]

قينگرالماق، قهارجانگلىق،

قهرلانماق، دووير دوويرلىك،

تكيزسىزلىك.

خصلت xeslat ۱. [ع] خوى، قىليق،

خاصيت، خصال جمعى.

خصم xasm ۱. [ع] ياغى، دوشمان،

اوروشده قارشى طرف، آتيشيان،

آتيشيق اديان، خصوم و خصام و

اخصام جمعى.

خصوص xosus م. [ع]

يوريتەلمك، يۇقار گورمك،

آيراتينلاماق.

خصوصاً xosus-an ق. خاص

بۇلماق، عمومى دال، آيراتين

ايليتادا.

خصوصيت xosus-iyat م. [ع]

خاصلاماق، يوريتەلمك، خاص

بۇلماقلىق، آيراتينلىق.

خصومت xosumat [ع] دوشمان

چىليق، ياغىلىق، دوشمانلىق.

خضر xazer م. گۆك، آغاجينگ

شاخاسى، گۆكلىك، چمنلىك،

گۆك اؤوسوپ دۇران ير.

خضر xezr [ع] ۱. باغينگ

شاخاسى، ياشيل، پوداق، گوكلىك،

۲. بير پينغمبرينگ آدى، اول آب

حياتدان ايچىپ هميشەلىك

ديرى قالان، يتن و يولونى ييتيرن

آداملارا بۇلسا اولارا گورنيپ كمك

ادیپ یولا سالیان، حضرت
خضر(ع).

حضرت xozrat: ا. [ع] گوی، گوی
رنگ، گوکلک.

خضوع xazu: ص. [ع] بویون انگمه،
مطیع بولما.

خضوع xosu: مص. [ع] پس
پاللیک اتمک، مطیع بولماق،
اوزینگ کیچی توتماق.

خط xat(t): ا. [ع] یازغی، کاغذ
یوزونه یازیلان زات، چیزیق.

خطاء txatā: [ع] نادوغری،
بیلینیپ ادیلمه دیک، گناه،
یالنگیشریلق.

خطاب txetāb: [ع] بیرینه
یوزلانیپ کپ آیتماق، یوز به یوز

دوروپ سوز آیتماق، یوز توتما.
خطاب xattāb: [ع] خطبا اوکده

بولان، خطبه شاراب بولان، یوز به
یوز آیتماق. فصل الخطاب: آنت دیر

بیرینه شایادا بریلیان بویریوق.
خطاط xatāt: ص. خط یازماغا چیر

و اوکده آدام، خط یازماق بیله
مشغول لنیان آدام.

خطبه txotbe: [ع] خطیب کلامی،
وعظ و گورله مه، کتابینگ

باشلانغیچی یا سوز باشی سی.

خطبه txetbe: [ع] عیال

ایسلامکلیک، اوپلنمک اوچین
بیرینه بارماق، ایسله مک اوچین

بارلان عیال.

خطر txatar: [ع] هلاکلیگه یاقین

بولان، بیر زاد یا بیر آدامینگ هلاک
بولماغی نینگ مایه سی، شرف و
مقام و اولولیق، خاطار، اخطار
جمعی.

خطرناک xatar-nāk: ص. [ع]

خطره سبب بولیان زات، قاتی
خطرلی، قورقونچلی.

خط کش xat-keš: امر. چیزغیج.

خطمی فرنگی xatmi-farangi

گول ختمی، قیزیل گل.

خطور xotur: مص. [ع] یادینگا

دوشمه، یادا گلمه، یادینگا سالما.

خطوط xotut: [ع] خطلار، یازغی لار،
جمع خط.

خطه txette: [ع] اوی سالماغا بللنن

یر، چاکلی یر، بۆلک یر، توراگینه
جای اوچین خط چکیلن یر، اولی
شهر.

خطیب xatib: ص. [ع] گوررینگ

بریجی، واعظ، وعظ بریان، خطبه

قیسما، دمینگ برمان اولماگه سبب
بؤلماق، دمیگمک.

خفه xafe: ص. بوغولما.

خفیف xafif: ص. [ع] ینگل حرکتده
بۇلان چالتمیق، ینگل لیک.

خفیه xofye: مـ ص. [ع]

اورتـیلمک لیک، یاشیرین لیک،
گیزگنمک، باسیرغیلی، اورتگیلی.

خل xol: ص. آنگلامایان، نادان
عقل سیز، تننک، سامسیق.

خل xel(l): ا. دوست، یار، یورکدش،
اخلال جمع.

خل xel: مال دیر انسانینگ بورنیندان
گیلان مانگقا، بورون سووی.

خل xol: ا. کول، غور، خلواره دییپده
آیدیلیار.

خل xal(l): [ع] سیرکه. خلال
جمعی.

خلاء xalā': [ع] ۱. بۇشیر،
خلوتیر، ۲. حاجت خانه، توالت

معنیده.

خلائق xalā'eq: [ع] دورا دیلانلار
یارادیلانلار، خلائق، آداملار، جمع

خلیفه.

خلاص xalās: مـ ص. [ع] آزادلیق
تایماق، نجات تایماق، بۇشاماق،

اوقییان آدام، گوررونک برماگه اوکدا

آدام، کپه چپر آدام، خطباء جمعی.

خطیر xatir: ص. [ع] مقام، اولی،

شریف و مرتبه لی، درجه لی،
آبرایی، سیلاغلی.

خفاء txafa': [ع] یاشیرین لیک،

گیزلین لیک، اورتگیل لیک، سیر
زادینگ اوستینی اورتیلماگی.

خفاش txoffāš: [ع] یار غانات، یاری
سیچان.

خفت txeft: یوب حالقاسی، دوگون
حالقا.

خفت xeffat: مـ ص. [ع] ینگیل
بؤلماق، ینگیل لیک، اندامدا، ایشده

یا عقلدا آغیز بؤلما دیق.

خفتان txaftān: اؤرۇش گیمی، قدیم
زمانلاردا اوروشدا گیلیان یوپک

دولدورلان گیمیم.

خفتن xoftan: مـ ص. ل. اوقا گیتمک،
یاتماق.

خفته xofte: یاتان، اوقا گیدن،
خفتگان جمعی.

خفقان xafaqān: مـ ص. [ع] یورک
اورماق، تیترامک، توتوق لیک،

بوغولما.

خفگی txafegi: بوغاز توتولما، دم

خلال *xelāl*: [ع] فساد، خرابچیلیق،

آرادان گیتمک لیک، جمع خلل.

خلال *xallāl*: ص. [ع] سیرکه ساتان،

سیرکه توتیان.

خلبان *xalabān*: ص. اوچان

سوریجی، هواپیما سوریجی،

اوچیان سوریان.

خلت *xellat* ۱. [ع] دوغانلیق،

دوستلوق، خلال جمعی.

خلج *txalaj*: [ع] ترک

طایفاسی نینگ آدی، ساوه، قم و

اراک دیین شهرلرده اوتوریملی،

خلجستان آد اولاردان آلنیپدیر.

خلج *txoloj*: [ع] ۱. اندامی

تیتراویک آداملار، نسبی شکلی

بۆلن قوم، ۲. عمرین خطاب

زمانیندا یاشایان عربلرینگ بیر

بوله گی.

خلخال *txalxāl*: [ع] عیال لارینگ

زینت اوچین الینه و آياغینا داقیان

شایی، سپی، خلاخیل جمعی.

خلط *xalt*: ص. [ع] قاتیشماق،

قاریشماق، بیر زادی بیر زاد بیلە

یوغورماق.

خلط *txelt*: [ع] بیلە یوغورلان زات،

قاتیشان زات، قاقیلیق، اخلاط

ارکین لیک، قوتۇلماق، قوتولما.

خلاصه *txolāse*: [ع] سایلانان،

آراسسا، سایلپ سچیلن، سچیلن

زادینگ نتیجه سی، جم نتیجه.

خلاف *xalāf*: ص. [ع]

اؤنگؤشمازلیق اتمک، قارشیلیق،

بویۇن یوغین لیک، فارسچا: یالان

ناحق معنیده.

خلاف *txelāf*: [ع] بید، سوویت،

آغاجینگ بیر گؤرنوشی.

خلافت *xelāfat*: ص. [ع]

بیری نینگ اؤرنؤنی توتماق،

خلیفه لیک اتمک، اماملیق، اورون

باسار، نایب لیک، پیغمبرینگ یرینده

اؤتۇرماق لیک، امارت، امامت.

خلاق *xalāq* ۱. [ع] نصیب، پیدا،

نپ.

خلاق *xallāq*: ص. [ع] «صیغه

مبالغه» کوپ دوره دیجی، دۆره دن،

یارادان، الله تعالی نینگ آدلارینگ

بیری.

خلال *xelāl* ۱. [ع] ۱. اینچه جیک

آغاچ، دیش سینچغیماغا کیچی

چوبجاغاز ۲. زادی دشیلیان نارسه

واوی لرینگ و زادینگ آراسی، هر

بیر زادینگ ایچی معنیده.

جمعی.

خلع 'xal: مصر . [ع] دویبوندن
یولماق، یریندن قوفارماق، آییرماق
ایشدن بوشادماق.

خلع 'xal: مصر . [ع] طلاق برمک،
عیالینگ مهرین باغیشلاپ و یا
اوندان مال آلیپ طلاق برمهگی.

خلعت 'xel'at: [ع] اولی بییک
آدامینگ طرفیندان تیکگیلی
گییمی بیرینه حالات سوغات
برمک، حالات، سریای، خلع
جمعی.

خلف 'xolf: [ع] سوزینگده
تاپیلماسیزلیق، وعدانگه عمل
اتماسیزلیک، وعده خلافلیق.
خلف 'xalf: [ع] ایز، سیرت، ینگسه،
خلوف جمعی.

خلف 'xalaf: [ع] فرزند، صالح
اوغول، اخلاف جمعی.

خلفاء 'xolafa: [ع] خلیفه‌لار، جمع
خلیفه، خلفای راشدین، حضرت
رسول وفات بولاندان سونگ یورته
خلیفه‌لیق ادنلر، ابوبکر، عمر بن
خطاب، عثمان بن عفان، علی بن
ابیطالب.

خلق 'xalq: [ع] دوران، یارادیلن،

یارادیش، یارادیلانلار، دورادیش.

خلق 'xalq: مصر . [ع] دوراتمک،
یاراتمک، یارادیلش.

خلق 'xolq: [ع] خوی، قیلیق،
عادت، اخلاق جمعی.

خلقت 'xelqat: [ع] دورادیلیش،
ذات، یارادیلیش، خو، بولیش.

خلل 'xelal: [ع] ایشه بوزغینلیق
سالما، فساد، دشیک، رایى
چاشیرما، ایکسی زادینگ
آچیلماغی نینگ خلال جمعی.

خلم 'xelm: بورون سووی، مانگقا،
قاقیلیق، خل و خیل و خله قهاردا
دییلیار.

خلم 'xelm: [ع] دوست و یار، کییک
یاتاغی و قویونینگ یاغی و
ایچه‌گه‌سی.

خلو 'xolu: هلو، شپتالینگ بئر
گۆرنوشی.

خلو 'xolow: ص. [ع] بۆش، یکه،
یالنگیز، اخلاه جمعی.

خلوت 'xalwat: ا. [ع] بۆش جای،
یکه‌لیک، آدامسیز چوله یر، خلوات
جمعی.

خلود 'xolud: مصر . [ع] ایمیقلی
قالماق، همیشه بۇلماق، مداملیق.

اولمز بیتمزلیک.

خلوص xolus: مص. [ع] ایراتین

بۇلماق، پاک بۇلماق، ساده‌لیق،
تویس یورکدن.

خلیج txalij: [ع] دریانینگ،

دنگزینگ یر قارنینه گیریان یری،
دنگزینگ، دریانینگ یره آزالاشان
یری - بوله‌گی، دریانینگ قیرا،
توفرغا گیریان بوله‌گی.

خلیفه txalife: [ع] بیرینینگ

یریندا اوتوریان و اوتوردیلیان، اورو
باساری، بیرینینگ یرینده غرامتی
بویون آلپ اوتوران آدام،
پیغمبرینگ یرینده یا امامینگ
یرینده اوتوران اماملیغی بویون
آلان، خلانف، خلفاء، خلیفه
جمعی.

خلیفه الله xalifa-tol-lāh: آدام
ابوالبشر.

خلیل xalil: ص. [ع] مهرلی دوست،

یورکداش دوست، وفالی دوست.
اخلاء و خلان جمعی. خلیل الله :
حضرت ابراهیمینگ لقبی.

خم txam: ص. ۱. قیشیق، تاوولی،

بوکیر، اگری، زائد، ییغریق. ۲.
تامینگ ایوانی و یا طاقی و قیش

اوی دیپده آیدیلیار، ۳. کمند و

یاساچدا بولان تاو، بویره.

خم txom: ش. م. خوم، اولی یاسالان
تانگسیق دان قاپ، اولی کویزه.

خم txom(m): [ع] ۱. تاوینینگ
کته‌گی، کتک و قوداق، ۲. مکه‌ده
بیر قویینگ آدی

خمار xomār: [ع] مستلیگینگ
ایزندان گلیان حالت، مستلیگدان
سؤنگ گلیان یاغدا، خمار،
سرخوش.

خمار txemār: [ع] چادر،
عیالارینگ اوزتگی‌سی،
اورتینجه‌سی، اورتگی، اخمره
جمعی.

خمار xammār: ص. [ع] ایچگی
ساتیان، عرق ساتیان، شراب
ساتیان.

خمان xamān: ۱. کمان، یای.

خمان xomān: [ع] بیر هیل اوت،
اوتونگ بیر گورنوشی.

خمان xemmān: ص. [ع] پست و
ارید آداملار، هر زادینگ اریدی.

خمپاره xompāre: ص. مر. توپینگ
گولله‌سی، هوادا یاریلیان اولی
توپینگ گولله‌سی.



خلج

خمر txamr. [ع] خرمادیر و
اوزومینگ سووی، عرق، شراب یالی
مست و سرخوش ادیان ایچگی،
کۆپلنچ شرابا آیدیلیار.

خمره txomre. [ع] خم، کیچی خم،
عربچه خمره دیییلیار.

خمسه txoms. [ع] باشدن بیر،
اخماس جمعی.

خمسه xamse. ۱. [ع] باش، سان
یوزوندن باش.

خموش xamuš. ص. سونوک،
دیمپ اوتوران، اومسوم.

خموش xomuš. [ع] دیرماماق،
دۆرجه له مک، جمع خمش.

خمیازه xamyāze. ۱. پالاما،
اوقی سیزلیقدان و یا یاداولیفینگ
ایزیندان گلیان یاغدا، پالاما.

خمیدن xamidan. م. ص. ل.
انگیلمک، بوکرلمک، کوپرکمک.

خمیده xamide. ۱. فا. انگیلن،
بوکورملن.

خمیر txamir. [ع] ۱. آرپا
بۇغدایینگ اونینا سوقاریپ خمیر
مایا قاتیلان نارسه ۲. بۇغدا
خمیری، و یا آرپا خمیری، خمیر.

خناس xannās. ص. [ع] عزازیل،

شیطان صفت آدم، تله که آدم،
شیطان، شیطانا منگزش آدم.
خشی xonsā. ص. [ع] ۱. نه ارکک نه
عیال، ارکک دیگی عیال دینی بللی
بۆلمادیق، ۲. بیکار و ایش سیز
اثرسیز معنیده.

خنجر txanjar. یتى ایکى یوزلی
پیچاق، غاما آدیندا، خانجار.

خندان xandān. ص. فا. گولوپ
دوران، گولر یوزلی، آچیق، گوله گر،
گوله گن، شادیان.

خنداندن xandān-dan.)
خندانیدن) م. ص. ل. گولدورمک،
گولدورتکم، گوشدیرمک.

خندق txandaq. [ع] شهر داشینا
دوشمانا گیرماگه یول بریلمزلیک
اوچین قازیلیان، ترینک، گینگ جار
و چوقور، خندق.

خنده txande. م. ص. بگنجینگدن
گولونیان گولکی، ییلغزما، گولکی.

خنده دار xande-dār. گولماگه
سبب بؤلما، گولکی لی، گولکینچ لی.
خندیدن xandidan. م. ص. ل.
ییلغیرماق، گولمک.

خنزیر txenzir. [ع] دونگوز، قارا
کییک، خنازیر جمعی.

خو xu: (=خوی) ۱. اندیک اتمه،

عادت، قلیق، خلق.

خو txaw. اکرانچیلیق آراسیندا

بیتیان بیر هیل ها شال اوت.

خواب xāb اوقی.

خواباندن xābāndan (=

خوابانیدن) مص. م. یاتیرماق، اوقا

گیتدیرمک، اوقلاتماق.

خوابگاه xāb-gāh ص. مر. یاتیلیان

یر، یاتیلیان اتاق، یاتاق جای، یاتاق

خانه، یاتالغا یر.

خوابیدن xābīdan مص. ل. اوقا

گیتمک، اوقلاماق.

خوابیده xābīde اوقلان، یاتان

حالتده، اوقیدا بۆلان، دینچ آلان.

خواجه xāje ۱. ص. ۱. ایه، سرور،

آقا، خدای، شیخ، ۲. ارککلیگی

بولمان قوررا.

خوار xār ص. پست، بیچاره، عجیز،

هور-هومسی، ذلیل.

خوار [ع] xār سیغیر مولا ماسی،

قویون و یا طانا سسی.

خواربار xār-bār ص. مر. اییلیان

اییمیت، رزقلار.

خوارج [ع] xawārej خارجه لار،

مسلمان لارینگ بیر بۆله گی یعنی

بیر طایفاسی علی بن ابیطایینگ

سپاه لارینگ یارانلاری معاویه

بیلن صفین آدلی اوروشدا

ابوموسی اشعری نینگ عمرو ابن

عاص دان آلدانما قلیغینگ

نتیجه سینده اول حضرته یعنی

علی بن ابیطابه قارشی بۆلانلار.

خواست xāst مص. خوایش،

ایسلگ، دیلک.

خواستار xāst-ār ص. فا. ایسلجی،

خوایش ادیجی.

خواستگار xāsegār ص. فا.

بیری نینگ قیزینه اویلانجک

اوغلانینگ آتا و انه سی طرفیندان

قودالیغا باریانلار، ییگیت طاراپدان

قیزا قودالیغا باریانلار.

خواستن xāstan مص. م. خوایش

اتمک، ایسته مک.

خواطر xawāter [ع] خاطرلار،

ایسلگر، جمع خاطر.

خواندن xāndan مص. م. اوقیماق،

کتاب یا روزنامه اوقیماق، چاقیلیق

اتمک، میهمانلیغا چاغیرماق.

خواهان xāhān: ص. فا. ایسله یان،

خوایش ادیان.

خواهر txāhar: قیز دوغان، عیال

دوغان، قیزا، اویا.

خواهش txāheš: م.ص. آرزو،

ایسلگ، خوانیش، یوزریش.

خواهشمند xāheš-mand: ص. مر.

خوایشی بۆلن خوایش ادیجی،

یالباریجی، یوزریجی.

خوب xub: ص. قاوی، یاغشی، اوز،

اونگات، یگ، حاللانان.

خوبرو xub-ru: ص. مر. آوادان، گوزل،

گورنیکی، خویریان جمعی.

خود xod: ا. اشیدیجی و سوزلایجی

آرالیغیندا یوق بۆلمادیق آدام، نخود

من، خود شما: منگ اوزوم، سن

اوزونگ.

خودبین xod-bin: منلیکی، اولومسی،

دینگه اوزونه کۆنگلی یتیان.

خو پذیر xod-pazir: ص. فا. اندیک

ادیجی، اؤوره نشان، اخلاقلنما.

خودخواه xod-xāh: ص. فا. اوزونی

توتیان، اوزونی غیری لاردان ایلر

گوریان، قاوی گوریان، اولومسی،

منلیکی، من منلیکی.

خوددار xod-dār: ص. فا. صبری

دوزملی.

خودرو xod-ru: ص. فا. اوزی

گوگریان اوت، وحشی اوت، یابانی

اوت، هاشال اوت.

خودرو xod-raw: ص. فا. اوز اوزی

یولا دوشیان، ماشین، اتومبیل.

خودستا xod-setā: ص. فا. (=)

خودستای) اوینجنگ، اؤزۆنگی

قاوی گوریان.

خودستائی xod-setā'i: ماختانماق،

اؤوینمک، یارداقلانماق.

خودسر xodsar: ص. مر. اوز

اراده سی و میلی بیلن ایش ادیان،

باشینا گیدن، قانونا، دوزگونه بؤیۆن

انگمیان، بوینی یوغین، باش سیز

بارات.

خودکار xod-kār: ص. مر. اوز اوزی

یولا دوشیان، ماشین، اتوماتیک.

خودکام xod-kām: ص. مر. اوز

باشینا گیدن، تاک ارکین، اوز

باشداق.

خودکامگی xod-kamegi: اوز

باشینالیق، تاک ارکینلیک، اوز
باشداق لیق.

خودکشی xod-kosī مص.
اؤزونگی اولدورمه، اوز جانینگا قصد
اتمک.

خودکفا xod-kafā اوز باشینی و
ایونی چارایان.

خودنما xod-namā ص. فا. اوزونی
و ایشینی بيله کی لره گوز ادیب
گورکزیان، اؤوینجنگ، پانگقى.

خودنویس xod-newis جوهردن
غوردن تلمبه جیغنی ناسغوسنی
دولدوریپ خط یازیلیان قلم، دواته
باتیرمانی ایزینی اوزمانی یازیان
قلم.

خور xur گون، قویاش، گونش.
خور xur خورشیدی آیینگ اون
بیرینجی گونی.

خور xor مص. اییمک، اییمیت،
اییمه لی اییمیت.

خور xawar [ع] سست لیق،
خورلیق، عجیزلیک.

خور xawr [ع] دریانینگ بیر
شاخاسی، فارس خلیجی نینگ

شاخالاری، موسی خوری و میناب.
خوراک xorāk اییمیت، طعام،
غذا، بیر نفرلیک اییمیت.

خوراندن xorāndan (=)
خورانیدن) م. مص. داماق
ایدیرمک، ایمیت ایدیرمک.
خوردن xordan مص. م. اییمک،
آغزا سالماق.

خورشید xoršid گون، گونش.
خوش xoš ص. شاد، قاولیق، بگنج.
خوش آمد xoš-āmad ص. بیرینه
خوش گلدینگ دییپ آیتماق، خوش
گلدینگ دییمک. خوش آمد گفتن:
خوش گلدینگ دییمک.

خوش آواز xoš-āwāz ص. مر.
یوقوملی سس، اونگات آوازلی،
خوش آوازلی قوش.

خوش آیند xoš-āyand ص. مر.
حالانان، ماقولانان، سوزی یا بیر
زادی بیرى حالاپ خوشینا کلمگ،
بیری نینگ خوشینا گلیان سوزی یا
بیر زادی آیتماق.

خوش بخت xoš-baxt ص. مر.
باختلی، آق باختلی، اقباللی،

دولتلى.

آليان.

خوشبو xoš-bu: ص.مر. قاوى

خوش صحبت xoš-sohbat:

ايسلى، ايسى يۇقۇملى، عطر

ص.مر. [ع. فا] شيرين سوزلى،

ايسلى.

سويجى دىللى، كپى يۇقۇملى.

خوشبين xoš-bin: ص. فا. قاوى گوز

خوش قامت xoš-qāmat: ص.مر.

بيلن قارايدان، بدگمانلىك اتمه يان،

بويى چكىملى، قاوى سىرتلى، اون

اونكات گوزبيلن سراديدان.

ايكى اندامى ميسر بۇلان

خوش بينى xoš-bini: ياغشى گوز

خوش گفتار xoš-goftār: ص.مر.

بيلن قازاماقلىق، قاوى سر

سويجى سوزلى، سويجى دىللى.

اتمكلىك، خوش باور، اينانجانگ.

خوشگل xoš-gel: ص.مر. گولر يوز،

خوش حساب xoš-hesāb: ص.مر.

آوادان، گورنيكلى، قشنگ،

برگى سىنى وقتىندا اوزيان، وعده

گورمه گوى، گوزل.

سىنه دوغرى دوريان، ياغشى

خوشمزه xoš-maze: ص.مر. دادلى،

قارايشلىق.

طغامللى، هر زادينگ طغامى قاوى

خوشرو xoš-ru: ص.مر. آوادان،

بۇلان لذتلى.

گوزل، گورمه گى، گورنيكلى، گولر

خوش منظر xoš-manzar: اونكات

يوزلى، مهربان، گرچك.

گورنوشلى، گۇرنوكلى.

خوش زبان xoš-zabān: ص.مر.

خوشنام xoš-nām: ص. آدى،

اونكات دىللى، ديله وار، شيرين

آبرايللى، امين، دوغورچيل،

سوزلى، سوزى يۇقۇملى، سويجى

كوپچىلىكده قاوى آد آلان، آدى

دىللى.

قاوا چىقيان.

خوش سليقه xoš-saliqe: [فاع]

خوشنود xoš-nud: ص. شاديان،

قباوى سلىقهلى بۇلان،

خوشحال، راضى، كويلنج

هووسجنگ، قاوى زات سايلاپ

(خشنود) صورتىندا يازيليار.

خوشوقت xoš-waqt: ص.مر.

[فاع] کونگلی خوش، شاد، وقتی

خوش بۇلان.

خوشه txuše: اوزوم، خرما.

ش.م.لرینگ خوشه‌سی، خوشه،

سالقیم.

خوض xawz: مص. [ع] سووا

چوممک، بیر ایشده فکره باتماق،

اویا باتماق.

خوف xawf: مص. [ع] قورقماق،

قورقی، قورقنچ.

خوفناک xawf-nāk: ایمینجی،

آییلانچ، قۇرقۇنچلی.

خوک xuk: ا. [ع] دۇنگۇز.

خوک وحشی xuk-e-wahši: مکه

جین، یکه قاپان.

خول xawl: مص. [ع] قاوی

ساقلاماق، ایه‌لیک اتمک.

خول txawal: [ع] خدای

تعالی‌نینگ برن ناز نعمتی.

خون txun: قان.

خون‌آشام xun-āšām: ص.فا.

قانخور، بی‌رحم، دونگ یورک آدم،

آدام اولدیریجی.

خون‌آلود xun-ālud: ص.مذ قانا

بولاشان، قانا بویالان زات، قانا

یوغورلان.

خونابه xun-ābe: ص.مر. قان سویی،

قان‌لی یاش، قان بیله سوو.

خونخوار xun-xār: ص.فا. قانخور،

آدام اولدوریجی، قان ایچیجی،

یالماویز.

خونخواه xun-xāh: ص.فا. قان

ایسته‌یجی، قان آلیجی.

خونسرد xun-sard: ص.مر. آرام،

صبرلی، آنگساتلیق بیلن قاهاری

گلمه‌یان، جیداملی، صبرلی.

خونسردی xun-sardi

جیداملی‌لیق، صبرلی‌لیق،

جایلی‌لیق.

خونگرم xun-garm: ص.مر. ۱.

قانی قیزغین بولان، ۲. کنایه

سوزونده مهربان و ایسنیشیق آدم

دییدیکی.

خونی xuni: ص.ن. قانلی، قانا

باغلی، قانا باغلی، آدم اولدیرن.

خونین xunin: ص.ن. قانا باغلی

بۇلان، قانا بولاشان، قانلی، قانا

بویالان.

خویش xiš. ۱. قارینداش،

قارینداشلیغی بۆلن، ایلن چالان.

خویش xiš. ص. بیرینجی و

ایکینجی و اوچینجی شخص،

مفرد و جمع آد چالیشماسی، اؤز.

خویشاوند txišāwand. ص. دوغان

قارینداش، خویشاوندان جمعی.

خویشتن دار xištan-dār. ص. فا.

جیداملی، صبرلی، بد ایشلردن

اوزونی ساقلایان.

خیابان xiābān. ۱. اولی یول، شهر

آراسینداکی گینگ یول، اولی کوچه.

خیابانگرد xiābān-gard. ص. فا.

خیابان لاردا بیدرک گزیان، بیکار

بیهوده خیابان لاردا ایغیپ یسوران

ساللاخ.

خیار xiār. [ع] ارکلی بۆلن اوز

ارکینده بؤلما، بیر ادیلن سودانی

پوزماغنا یا بیر ایشی یرینه

یتیرماگه ارکی بؤلما.

خیار xiār. ص. [ع] ارکلی ایه،

اختیاری بۆلن، هر زاتدان بللادن.

خیار xiār. [ع] خیر ایشلی، جمع

خیر.

خیار xiār. ۱. خیار، چیک اییلیان.

اوزین گوک اونوم اییمیش، خیار.

خیارشور xiār-šur. مر. دوزلی

سووا یاتیرلان خیار، دوزلی خیار.

خیاط xiāyāt. [ع] ایگنه، تمن.

خیاط txayyāt. [ع] تیکجی، اگین

اشیک، گیمیم گجیم تیکیان.

خیال xiāl. [ع] خیال، ذهنه

گلیانلار، وهم، گمان، اخله جمع.

خیالاندیش xiāl-andiš. ص. فا.

فکری پیشه‌سی، خیالاتدا بۆلن

عالم خیالیندا بۆلن.

خیام xayyām. ص. [ع] چادیردا

گچریان، چادیردا یاشایان.

خیانت xiānat. مص. [ع] خیانت،

اوغیرسیزلیق، نادوغریلیق،

اگریلیک، دغللیق، دؤنوکلیک.

خیانتکار xiānat-kār. ص. مر.

پیشه‌سی ایشی خیانت اتمکده

بۆلن، خائن، نادوغریلیق ادیان.

خیر xayr. [ع] قاویلیق،

یاغشیلیق، خیر، شرینگ ترسی،

خیور جمعی.

خیر xīr: ص. چاشغین، حیران،

سرگزدان، آجیران.

خیر xayyer: [ع] سخاوتلی،

جومارت، کریم، خیر ایشلی، قاتی

خیر یولدا بۆلن، خیر ایشی کوپ

ادیان، بریملی، سخاوتلی.

خیرات xeyrāt: [ع] خیر ایشلر،

صدقه، کوپچیلیگه پیدالی ایشلر،

مسجد دیر مدرسه و کوفری سالما

یالی.

خیره xire: ص. [ع] ۱. پروای سیز،

کله سیز، کله پروای، چپ، هرزه،

جدل، شرم سیز، ۲. حیران و نامه

اتجه گینی بیلیمه یان، خیرات

جمعی.

خیره xayyare: ص. [ع] جومارت

عیال، مونث خیر.

خیره سر xire-sar: ص. فا.

ایلا شمایان، چپ، غینگیز، کجال،

چاشغین، کله پروای، یوزی نینگ

اوغرینا بۆلن.

خیز xiz: ۱. مص. تاویسماق، بوکمک،

دیوارینگ تاقچانینگ یردن

بیک لیگی، بلندلیک.

خیزاب xizāb: ص. مر. سووینگ

موجی، تولقون، قوم.

خیس xis: ص. اول، اول دگن زات،

ایغال، چیغ.

خیش xiš: ص. مر. آزال، آزال دمیر.

خیش xiš: ۱. بیر هیل کتن پارچا،

اوندان دوشک و پرده و باشغا زاتلار

تیکیلیار، خیوش و اخیاش جمعی.

خیط شدن xit šodan: مص.

اویالماق، اوتانماق، کیچلمک.

خیک xik: ۱. یاییق، مشیک.

خیلی xeyli: ق. [ع. فا] عربی

چشمه دن آلینان، کوپ آطلی لان،

خیل، فارسی دا کوپ، کان معنیده.

خیم xim: ۱. قیلیق، خاصیت،

فارسی دا پیس قیلیقلی، تله که

اخلاقلی، دالی، تلبه، دیوانا دییپ

آیدیلیار.

خیمه txayme: [ع] چادیر، سایه بان،

خیام و خیم جمعی.

خیو xayu: ۱. تویکیریک، آغیز

سووی، قاقیلیق.



سارس الیپ بیسی نینگ
جی حرفی، مونگا دال دییپده
یلیار، ابجد حسابیندان ۴
(ت) بولیار.

dā': ص. فا. [ع] آیلانیان، چرخ
ن، آباد، برقرار، برک، آیلانیجی،
یجی، بانر دال.

tdā'ere. [ع] حلقه، تس
لک چیزیق، بیر زادینک
هگینی قورشاپ آلان تگه لک
یق، دوائر جمعی.

معارف dā'erat-ol-ma'āref:

ص. مر. [ع] بوتین، علمی و ادبی
سوزلرینگ یۆزلگه سی بۆلۆپ
الیپ بیسی نینگ ترتیبی بیلن اوز
ایچینه آلیان سوزلیک کتابی،
فرهنگنامه.

dā'em: ص. ق. [ع] همیشه،
ایمیقلی، میدام، زؤل.
دائن dā'en: ص. [ع] وام بریجی،
آفیلی، وام ايسله یجی.
دائی dā'i: ا. ا. جنگ ارکک دوغانی،
دایی.

دابه tdäbbe. [ع] یرده یوریان



دائر.



دایره.

حیوان، کویلنج اشک اولاغ و دویه

یالی زاتدان عبارت، دواب جمعی.

داخل dāxel: ۱. [فاع] گیران،

ایچه‌ری، گبریان، ایچ، ایچه‌ری

داشار دال.

داخل dāxol: ۱. آواندانیگ

آوچی‌نینگ آوی توتماق اوچین

بجریان دوزاغی، ۲. پادشاه‌لارینگ

ایشیگی درگاسی، بوساغاسی

معنیده.

داخله dāxele: [فاع] بیر زادینگ

ایچی، داشاری دال، مؤنث داخل،

دواخل جمعی.

داد dād: ۱. عدل، انصاف،

باغیشلایش ۲. جاز، قیقیلیق

معنیده.

داداش dādāš: ارکک دوغان.

دادبخش dād-baxš: ص. فا. عدل

انصافی باغیشلاچی، داد بریجی،

دادبـخـشی، عدل‌لی‌لیق،

انصاف‌لی‌لیق، عملی، عادل.

دادخواست dād-xāst: ۱. شکایت

بریجی‌نینگ دادگاه یازیان عرضی

حالی، عریضه‌سی.

دادخواه dād-xāh: ص. فا. عدالت

ایسته‌یجی، ظلم ادیلن آدمینگ

حق اوچین دادگاه بریان، عرضی

حالی، عریضه‌سی، حق طلب

ادیان.

دادر dādar: ۱. دوغان، دوغان یالی

دوست.

دادر dādar: ص. امین، عدالت‌لی،

دادر آسمان، خدای تعالی.

دادرس dād-ras: ص. فا. ظلم و

ستم آستینا قالان، آدمینگ دادینا،

عرضی حالینا یتیشیان، قاضی،

قیقیلیغنا یتیان.

دادرسی dād-rasi: بسیری‌نینگ

دادینا و عریضه‌سینه یتیشمک،

شکایت ادیجی‌نینگ عریضه‌سینه

یتیشمک، سراتمک.

دادستان dād-setān: ۱. ص. عدل

ایسته‌یجی، حق ایسله‌یجی، هر

بیر حلقی‌نینگ حقینی برمانی زور

ادیان طرفدان حقینی آلیپ بریان
آدام، دولتینگ نماینده سی و مدعی
المعموم.

دادستان dād-setān: ا. مر. داد بیله

انصافینگ مکانی جایی، داد بریپ
امین لیک ادیلیان یر.

دادسرا dād-sarā: ا. مر.

دادگستری نینگ بیر بؤلومی، بیر
ناچه بازپرس و دادیاردان عبارت،
دادستانینگ باش توتونلیغیندا بیر
ناچه بازپرس و دادیارلی بؤلان
دادگستری نینگ بیر بؤلومی.

دادگاه dād-gāh: ص. مر. دادا

عریضا یتیشیلیان یر، عرضا،
شکایتہ دعوالارا یتیشیلیان اداره،
حق آلیپ بریان اداره.

دادگر dād-gar: ص. فا. عدل

بریجی، عدل آلیجی، عادل و
عدالتلی، خدای تعالی نینگ
صفتلاری نینگ بیر.

دادگستری dād-gostari: ا. مر.

حقوقی و جزائی ایشلره

یتیشیک لیک ادیان وزارتخانه یا
اداره، اوزال اونگسا عدلیه دیپ
آیدیلیاردی، دعوالارا یتیشیک لیک
ادیان یوریتہ اداره.

دادن dād-an: مص. م. برمک، بیر

زادی بیرینه تابشیرماق،
باغیشلاماق، قاوشیرماق.

دادنامه dād-nāme: ا. مر.

دادگانینگ حکمی یازیلان یارلیق،
کاغذ، حکم خطی، فرمان خطی.

داد و بیداد dād-wa-bidad:

قیق چیق، جار چکمه، قیقیلیق.

دادور dād-wār: ص. عادل عدالتلی.

دادوستد dād-o-setad: ا. مص.

آلیش بریش، سؤودا ساتیق.

دادوفریاد dād-wa-faryād: ا. مر.

قالماغال، قیقیلیق.

دادیار dād-yār: ا. مر. دادستانینگ

اورین باساری، کؤپچولیک وکیلی.

دار dār: ا. آدمی داره آسیلیان آغاچ،

دار آغاجی.

دار dār: ا. [ع] ۱. اوی، سرای ۲.

شهر و طایفا معنیده، دیار جمعی.

دارا *dārā*: ص. بارلی، زادلی، ماللی

قارالی، قورپلی بای.

دارائی *dārā'i*: ۱. بایلیق، مال ملک

سرمایه ۲. ییغیرچیق یوپک

پارچانینگ آدی، دارائی.

دارائی *dārā'i*: ۱. سالغیت - مالیات

آلیسان اداره، یوردونگ

گیردهجی سینه و چیقداجی سینا

یتیشیکلیک ادیان اداره.

دارابی *dārābi*: ۱. پـرتقال

ماشغالاسیندان بۆلان اوندان

اولی راق ترشی لنج لیمون و ترنج

تاویره میوه.

دارابی *dārābi*: ص. ن. دارا شهرینه

باغلی بۆلان آداملار.

دارالامان *dār-ol-amān*: ۱. مر. [ع]

امنیتی و خوف سیز و دینچلیق و

اراحتلیگی بۆلان جای، کرمان

شهری نینگ ایلکی آدی.

دارالبقاء *dār-ol-baqā'*: ۱. مر. [ع]

قیامت، آخرت، محشر.

دارالخلافة *dār-ol-xalāfe*: ۱. مر.

[ع] خلافتینگ مرکزی، اسلام

خلیفه سینینگ بولیان جای،

دوینیه یان یرى، قدیم قاجارلار

زمانینداکی، تهرانینگ آدی.

دارالسلام *dār-ol-salam*: ۱. مر. [ع]

۱. ساغلیق سرائی، بهشت، جنت

۲. بغداد و دمشق شهرلارینگ

لاقامی.

دارالفنون *dār-ol-funun*: ۱. مر. [ع]

دورلی هنرلری اوره نیلیان جای،

۱۲۶۸ -نجی هجری قمری ییلده

آجیلان تهرانده بیر دبیرستانینگ

آدی، اروپا-ده بۆلان یوقار

مدرسه لرینگ فرمینده، ناصرالدین

شاه نینگ زمانینده امیرکبیرینگ

همتی بیلن تهرانده سالیپیدیر.

دارالمجانین *dār-ol-majānin*:

۱. مر. [ع] دالی ساقلانیان جای،

دالی خانه، دیوانه خانه.

دارکوب *dār-kub*: ۱. مر. داش

دشن، آدیندا بۆلان قوش.

دارو dāru: ۱. دوا، داری درمان.

داروخانه dāru-xāne: ۱. مـر.

دواخانه، یوریته درمان ساتیلیان
دکان،

داروغه dār-uqe: ص. [ت] هر بیر

توپارینگ یا صنفینگ باشلیغی،
اوبانینگ باشلیغی، یاش اولی سی،
قدیم دوویرده شهرى قوراپ
ساقلايان قاراویل لارینگ
پاسبان لارینگ باشلیغینا بریلیان
آد.

داروینست dāru-inist: [انگد]

داروین نینگ علمی یۇلۇنى
ایزارلایان، داروین یۇلى ایه ریان،
داروین نینگ ایزینا دوشیان.

داروینسم dāruwinism: ص.

[انگد] انگله، داروین علمی،
داروین نینگ برن تتوری سی، یول
یورداسی.

داس dās: اوراق، اوت دیر و آریا

بۇغداى یالى نارسانى اوریلیان
قوزال.

داستان dāstān: ۱. قصه، باشندان

گچن، افسانه، حکات، دسان م
داس dās: ۱. تامدیر، کوره، یوریته
کریچ و کوزه و ش. م. بیشیریلیان
تامدیر.

داشتن dāštan: مص. بار بۇلماق،
بۇلماق، بارلیق.

داغدار dāq-dār: ص. داغلی،
داغینگ اثری بار بۇلان، داغیده،
مصیبت باشینا دوشن.

داغیده dāqdide: ص. اوغلی و یا
قارینداشلاری نینگ اولماگیندان
یورهگی یانان، یورهگی داغلی،
یورهگی اینجان، یورهگی داغلی
مصیبت باشینا دوشن،

داغ کردن dāq kardan: مص. م.

قاتی قیزدیرماق، کوزلی دمیر بیلن
انسانی یا حیوانینگ اندامینی
تاغما باسماق، اشک، سیغیر یا آط
یالی مالا تاغما باسماق.

دال dāl: ۱. قاراقوش، بیرتیجی قوش،
یابان قوش، آولایجی قوش.

دال (l)dāl: ۱. فا. [ع] یول گورکزجی،

دلالت ادیجی، یولا سالیجی.

دالان dālān: اوستی اورتگیلی،

زال، هاودان.

دام dām: ۱. ۱. یابان حیوانی، کییک،

سوغین ۲. قویون، سیغیر، آط،

دویه یالی باقیلیان و ساقلانیان اوی

حیوان لاری.

دام dām: ۱. [فر] خانم، بی بی،

خاتین، عیال، ایکی نفرلیک توغلاق

مهرلی شطرنج، اویولی.

دام dām: ۱. قاپان، دوزاق، تور،

دارادان.

داماد dāmād: کۆرهکن، گییه و

دامان dāmān: (= دامن) اتک،

سین.

دامپرور dām-parwar: ص. فا. مال

باقیان و ساقلایان.

دامپزشک dāmpezešk: ۱. امر. مال

قارانینگ حیوانلارینگ طبییی و

دکتری.

دامن dāman: ۱. اتک، قیرا، سین.

دامنگیر dāman-gir: ص. فا. اتک

توتیجی، اتکی ساقلایجی، کنایه

سوزی بیریندن یا بیر زاتدان بیرینه

یتیشیان آالجیرانگیلی سلتنگ و

آدامی ساقلاماغا و دورماغا مجبور

ادیان زات.

دامنه dāmane: ۱. اته گه منگزش،

اتک، قیرا یالی، داغینگ اته گی،

دمانا، داغ اته گی.

دان dān: ۱. دانه، اوتونگ توخمی،

بۇغدا، داری، شَانیک، اییمیش

توخمی.

دان dān: پساوند، کلمه نینگ

آخرینده گلیان سویرلتگی، یر و

اورین و قاپ ماغلاردا، چایدان،

یاغدان، دیین یالی.

دانا dānā: ص. فا. بیلجی، بیگیچ،

عالم، عقلدار، دانا، عقللی،

پایخاسلی.

دانستن dānestan: مص. ل. بیلیمک

و آگاه بۇلماق، بیلیمک، تانیماق، بیر

مطلبه یا بیر زادا دوشونمک درک

اتمک.

دانش dāneš: مص. بیلجی لیک،

بیلیم‌لی‌لیک، علم‌لی‌لیق، دانالیق،

فراستلی‌لیق، پایخاس‌لی‌لیق.

دانش آموز dāneš-āmuz: ص. فا.

بیلیم اوورنیان، شاگرد مدرسه،

اووقوچی.

دانشجو dāneš-ju: ص. فا. دانش

طلب ادیان، دانشگاه‌ده اوقییان،

یوقار اووقی اوقییان، طالب.

دانشسرا dāneš-sarā: ص. مر. علم

اوی، بیلیم اووردیلیان جای، اووقو

جایی، معلم تربیه بریلیان جای،

معلم تربیه‌لنیان یر.

دانشگاه dāneš-gāh: ص. مر. تمام

علم‌لارینگ تدریس بولیان

مدرسه‌سی، بیلیم و علم جایی،

ناچه دانشکده‌دن عبارت بولیان

اولی علمی اداره، اونیورسیتته، یوقار

اووقو جایی.

دانشگر dāneš-gar: ص. علم

بیلیم‌لی بۆلن دانشمند، دانش

اهلی.

دانشمند dāneš-mand: ص.

بیلیم‌لی، دانا، عالم، فراستلی.

دانه خورخا کستری dānəxor-e-xākestari:

چیرلاق.

داهی dāhi: ص. [ع] هوشیار، زرنک،

فهملی، فراستلی، ده‌هه جمعی.

دایه dāye: ا. ص. اووی انه، انه‌که،

انه‌لیک، بیرینینگ چا‌غاسینا

سویت بریپ اکلہ یان عیال.

داب dāb: [ع] اندیک، عادت،

قیلیق، یول یوردا، داپ دس‌سور.

دباغ dabbāq: ا. ص. [ع] دری

ایلیجی، حلال اولیان حیوانلارینگ

دریسینی خامینی ایلاپ بجریان

آدام.

دبستان dābestan: باشلانغیچ

مکتب، مدرسه.

دبه dābbe: [ع] یاغ و ش. م. زادی

قویولیان قاپ، فارس‌چا لورانک

دییلیار، ترکمنچه دبه دیپیده

آیدی‌ارلار، دباب جمعی.

دبیر dābir: ص. یازجی،

دبیرستانده شاگردلره درس بریان

آدام، اورتامکتبده طالپلارا سافاق
بریان آدام.

دبیرخانه dābir-xāne: ا.مر.

اداره‌نینگ بیر بۆلومی، بوتین
خطلری نامه‌لاری یازیان اداره‌نینگ
بیر بۆلومی، اداره‌نینگ یازو
ایشلرینی برجای ادیان بۆلومی.

دبیرستان dābir-estān: ا.مر.

اؤرتامکتپ، ابتدائی‌نی یعنی
باشلانغیچ اوقووی قوتاریپ سۆنگ
اوقۇوا دوام بریلیان اورتا مکتبی.

دجاج [dojā]: [ع] ماکیان، تاویق،

دجاج دج جمی.

دجال [dajāl]: [ع] مالینگ تزه‌گی.

دجال [dajjāl]: ا.ص. [ع] ۱. قیزیل

سووی، آلتین سووی ۲. قاتی
یالانچی، کذاب، آلدایچ آدام، آخر
زماندا مهدی‌دن اونگ اشه‌گی بیلن
تاپیلجاق کذاب آدام، کوپ آدام‌لار
اوندان آلدانیپ تۈۈرگنه ییغنانجاق
اکن‌لر.

دچار dočar: ا. ص. قولى باغلى،

باغلى، بلا اولاشان، محنته دوشن،
دوچار. دچار شدن: بیر زادا اولاشان،
بیرینه دوشوشماق.

دخالت dexālat: بیرى نینگ

ایشینه گیریشمک، داخل بۇلماق،
بیرى نینگ ایشینه قاتیشماق.

دختر doxtar: قیز.

دخل daxl: مص. [ع] قازانماق، بهره

آلماق، گیردايچی، پیدا خرجینگ
ترسی.

دخمه daxme: ا. سرداب، یرینگ

آشاغینداکی اوی، گور، قبر.

دخول doxul: مص. [ع] گیرمک.

دُر dor(r): ا. [ع] قیمت بهاء داش،

بهالی داش، مروارید، درر جمی.

در dar: ا. ایچ، کا ماحال دسلاپ

مصدرینگ (فعلینگ نامعلوم

فورماسی‌نینگ) اونگیندان گلیپ

اۈنۈنگ معنی‌سینی بیر آز

اویتگدیار، مثلاً: آمدن (کلمک) در

آمدن (داشار چیقماق) آوردن

(گتیرمک)، درآوردن (داشار

دراماتیک derāmātik: ص. [فر]

آگیرت و گنگ قالدیریجی حکات،

تولقوندیریجی ارته‌کی، اونسنگ

اؤزونه چکدیریجی دستان.

دَرَّانِی darrāni: ا. افغانستاندا

یاشایان بیر طایفانینگ آدی.

درایت derāyat: مص. [ع] بیلمک،

خبرلی بۇلماق، دوشینمک، گوز

یتیرمک. سوزی اوتگیرلی لک.

درب darb: ا. [ع] اویسینگ اولی

قایسی، قاپی، اولی قاپی، دروازه،

دروب جمعی.

دربان dar-bān: ص. مر. قاپی

قراویلی، کوشک قاپیسینی

ساقلاجی، قافیچی.

دربدر dar-be-dar: ص. آواره،

سرگردان، قاپی قاقیپ

سیرپ یورن، ساللاخ، اوی سیز

اشیک سیز، اویندن ایلیندن داش

دوشن. دربدری: یایناماقلیق،

سرگردانلیق، قاپی قاپی

قاقماقلیق.

چیقارماق، آویختن (آسماق)، در

آویختن (آسیلماق / یاقالاشماق) در

آمیختن (یاناşماق) یالی.

در dar: ا. قاپی.

درآمد dar-āmad: ا. مر. بهره،

گیرده‌جی، اله گلیان پیدا، نپ.

درآوردن dar-āwardan: مص. م.

داشاری چیقارماق، گوزه گورکزمک.

دونگدرمک.

دراج dorraj: ا. [ع] توراج، کؤیلنج

اکرانچیلیقدا یاشایان قوش.

دراز derāz: ص. اوزی——ن،

چکیملی، اوزیناق، سویری، قیسغا

دال، دارتیملی.

درازا derāzā: ا. اوزینلیق.

دراز کشیدن derāz keşidan:

مص. ل اوزانماق، آرقایین اوزانیپ

یاتماق.

درام tderām: [فر] نمایش، داستان،

حکات، قینانچلی گولکی بیله همراه

بۇلان حقیقته یاقین داستان یا

نمایش.

دربست dar-bast: ص. یـؤریتـه

بوتین آدمینگ ارکینده بۆلن اوۋ،
و یا ماشین یالۋ وسیله،

دربند dar-band: ص. مر. اوۋی

توتوق، قاباغلی قاپیلی کوچه،
داغده اینچه این سیز دار یول، دره،
۲. اوبا، قالا معنیده.

درج darj: مص، [ع] بیر زادی بیر

زادا دولاماق، کتابه یا روزنامه بیر
مطلبی یازماق، خطده یازغیده بیر
زاد یازیلغی بۆلن

درج dorraj: ۱. [ع] صانديجاق،

قیزیل کوموش سالینیان
صانديجاق، ادراج جمعی.

درج daraj: [ع] باسسانجاق معنیده،

جمع درجه.

درجا dar-jā: ق. یرلی، یرینده، اوز

یرینده، دوران یرینده دورماق.

درجه t.daraje: [ع] پاپه، مرتبه، پله،

درجه، درجات جمعی.

درحال dar-hāl: ق. شولحال، شول

ساعت، شول لحظهده، شول

یاغدایدا. دروه درحال.

درخت deraxt: ۱. آغاچ، اوزین

شاخه لاری اوزین کوکلی و کوپ
یاپراقلاری اوسوملیک، باغ.

درختکاری t.deraxt-kāri: مص.

آغاچ اکمک، یاش آغاچ اکمک، نهال
اکمک.

درخش t.doraxš: یـاغـتـیلـیق،

پارلاق لیق، آیدینگ لیق، برق.

درخشش t.deraxšēš: یـالـپـیلـدی،

پارلاق، ییلدیراویق.

درخشان t.deraxšān: ص. فا. یاغتی

بریجی، آیدینگ لایجی، پارلاق،
ییلدیرایان، یاغتیلیق بریان،
یالديراویق، اوووسگین.

درخشیدن t.deraxšidan: مص. ل.

یالپیلداماق، ییلدیراماق، برق
اورماق، یاغتیلیق برمک، پارلاق لیق،
اوشین آتماق، پارلاق، یاغتی لانماق.

درخواست t.der-xāst: ۱. مص.

ایسته مک، خواهش، ایسلگ،
یالباریش، ترخوس.

درد dard: ۱. خسته‌لیق، ناخوشلیق،
مریض‌لیک، ناساغ‌لیک، آزار، کسل،
درد.

دُرد dord: ۱. شرابینگ لایی و آشاق
چوکه‌نی، نۆده‌ره‌سی (لۆدوره).
دردآلود dard-ālud: دردناک،
دردمند، دردلی درده دچار بۆلن
درده یوغورلان.

دردمند dard-mand: ص. خسته،
سیرقاو، ناخوش، دردلی، اینجیلی،
ناساغ، کسللی، ایزالی‌ایگلی.
دردنساک dard-nāk: ص. دردلی،
آغیریلی، اینجیلی، دردآور هم
دبییلیار.

درد رفتن dar raftan: مصل.
سیپماق، قاقماق، آرانی آچماق،
قاقچپ چیقماق.

دردز dardz: دیشیک، دیلیک، ایریک،
ایشخالانگ.

درس tdars: [ع] درس، سافاق،
دروس جمعی.

دروست dorost: ص. ۱. سالم،

دوغری، دوز، دوست، کامل، دۆلی،
عیب‌سیز، ۲. امین، برک و قیزیل،
کومیش، دوغری چیل.

درستکار dorost-kār: ص. فا.
دوغرۇچیل، امین، اینام‌دار آدام،
ایشینی دوغری‌لیق بیلن عمل
ادیان آدام.

درشت dorošt: ص. اۆلی، یوغین،
ایری، قاتی.

درشکه doroške: روسی سوزدن.
آلینان، دورت تیگیرلی آرابه، آرابانگ
بیر هیل بیر گۆزنوشی.

درفش derafs: ۱. اوچلی دمیر، سیخ،
بیز توغ.

درفش dorafs: ۱. بلگی، علامت،
بایداق، یالاو قوشونینگ اونگیندن
کیدیان بایداق، توغ.

درفشان dor-afšan: ص. فا. ۱.
ییلدیراویق، پارلاق، آیدینگ ۲.
تیتراویک و لرزان دیسپیده
آیدیلیب‌دیر.

درک dark: ۱. دوشۆنجه، دۆینی،

بیلیم.

درک dark: مص. بیر زادا یتیمک،

آرزونگه یتیمک، ایزینا یتیمک،

حاجاتینگه یتیمک.

درکار darkār: ص. لازم، گرکلی،

ایشه قویماق. درکار داشتن: ایشه

اکیتیمک.

درگاه dargah: ا. مر. ایشیک، قاپی،

اونگی، بوساغا، درگاه.

درگذشت dar-gozašt: ا. مص.

دنیادن گچمک، اولمک، وفات

بؤلماق.

درگذشتن dar-gozaštan: مص. ل.

گچمک، گسیتیمک، اولمک،

بیری نینگ گناسیندن گچمک.

درگیر dar-gir: ص. گرفتار، گیره

دوشن، الی باغلی، قولى باغلی.

درمان dar-mān: علاج، ام، درمان.

درماندگی dar-māndegi:

بیچاره‌لیک، عجیزلیک، قول

یوقالیق، الدارلیق.

درماندن dar-māndan: مص.

عجیزلمک، ارید یاغدایا دوشمک

بیچاره بؤلماق، پسلمک.

درمانگاه darmān-gāh: م. کیچی

بیمارستان، کیچی خسته خانه،

مریض‌لری آیاق اوستوندن علاج

ادیلیان یر، کسل خانه.

درمنده darmande: ص. بیچاره،

عجیز، یاراماز.

درمنه darmane: ا. یاوشان.

درنا dornā: ا. دُرنا.

درنده darande: ص. فا. ییرتیچی

حیوان، قاپلانگ - یولبارس یالی

حیوان.

درنگ derang: ا. ۱. زنگ سسی،

ایکی زادینگ: بیر بیرنه دگمه گیندن

چیقیان سس، ۲. ساقلانما، گیجا

قالمه، هاولینمازلیق، یوواشلیق

ماغنالاردا.

درو draw: ا. مص. آرپا، بۇغداى یا

اوتی اورماق، اوراق بيله اورماق.

دروازه darwāze: ا. اولی قاپی،

قلانینگ یا شهرینگ دروازه‌سی،

ایلیکی اویا شهره گیریلیان یر.

درود dorud: ۱. دعا، سلام، رحمت، ثنا.

درودگر dorud-gar: ۱. ص. آغاچ اوستاسی، آغاچ ایشی بیلن قیزیقلانیان اوسسا.

دروغ doruq: ۱. یالان.

دروغ پرداز doruq-pardāz: ص. یالان سوزله یان کذاب، یالانچی، یالان زادلاری یاییان.

دروغگو doruq-gu: ص. فـا. یالانچی، کذاب، شبیت.

دروگر draw-gar: ص. فـا. اوراقچی، اوراق اوریان.

درون darun: ۱. ۱. ایچکی بیر زادینگ ایچکی، ایچ، داش دال ۲. یورک و گیزلین ماغنالاردا.

درویش darwiš: ص. قناعتلی، الی قولى دار، قلندر، عجیز. درویشی: قولى دارلیق، زادسیزلیق، صوفی چیلیق.

دره dare: ۱. قول، دره، ایکی داغینگ

آراسی.

دره tderre: [ع] ۱. شاللاق، قامچی ۲. قان و سوید و بؤلجولیک معنیده

دیپیده آیدیلیار، درر جمعی.

درهم darham: ص. قاتیشیق، قاریشیق، چاشغین، وارتارخم.

درهم derham: ۱. [ع] یونان سؤزوندن آلینان، درم، قدیم بیر قیران، نقد پول، ساسانی لاردان مغول لرینگ دوره سینه چنلی ایشلنن رواج بۇلان بیر قیرانا برابر پول. کومیش پول.

دریا daryā: ۱. دنگیز، بحر، دریا.

دریابان t-daryā-bān: ص. دریا گویچ لری نینگ اولی افسری، دریانگ ایکینجی امیری.

دریاچه tdayā-če: گول کیچی دریا، کیچی دنگیز.

دریادار t-daryā-dār: ص. دریا گویچ لری نینگ اوچونجی امیری.

دریا سالار t-daryā-salār: ص. بیرینجی دریا امیری.

دریافت *tdar-yāft*. مص. ۱. آماق،

بیریندن پول آماق، ۲. دوشونمک،

بیر زادینگ آنگریسینا و ایزینا

یتمک.

دریافتن *dar-yāftan*: مص. ل. م.

تاپماق، بیر زادا یتمک، بیر زادینگ

ایزینا یتمک، دوشونمک، آماق،

بیرینه کمک ادیپ بلادان

قوتارتماق.

دریا کنار *daryā-kenār*: دنگیزینگ

قیراسی، کناری، دنگیزینگ

یاقاسی.

دریانورد *daryā-naward*: ۱. ص

فسا. گامیچی، گامی بیلن دریا

یوزونده یوللاقیلیق ادیان،

مسافرچیلینا گیدیان.

دریچه *dariče*: ۱. اوی پنجاراسی،

کیچی قاپی.

دریدن *daridan*: مص. م. ل.

بیرتماق، دیلمک، یارماق.

دریغ *dariq*: ۱. اوکونج، قینانج،

حسرت.

دریغ نکردن *dariq na-kardan*:

آیاماسیزلیق.

دزد *dozd*: ص. قاراچی، اوغری.

دزدیدن *dozdidan*: مص. م.

اوغورلاماق.

دژ *dež*: ۱. قلا، قلا.

دژبان *tdež-bān*: ص. قالانینگ

قاراویلی، قلا ساقلوی.

دژخیم *dožxim*: ص. خیرسیز،

جلاد، یاتاق سیز، قیلیق سیز،

میرغضب.

دست *dast*: ۱. ال، قول.

دستار *t.dastār*. یاغلیق، سلّه، پش.

دستارخوان *t.dastār-xān*: اولی

سفره، ساچاق، سفره، دسترخان.

دست افشان *dast-afšān*: مص.

سپمک، یره تخم سپمک.

دستان *t.dastān*: ال، جمع دست.

دستان *t.dastān*: ۱. حیلّه، حقه، ۲.

حکایت، ارتهکی.

دست انداختن *das -andāxtan*:

ص. م. بیر زادا ال اوزاتماق، کنایه

سۆزۈندن مسخره اتمک، یوبالاماق،
کمسیتمک، یانگسیلاماق.

دست انداز dast-āndaz: ۱. ال
قویماغا ممکن بۇلان زات، توقونما،
ال قاتماق ۲. قازغاناق، چاقیز
چوقیر معنیده.

دستاویز dast-āwiz: ص.مر.
سایلاق، بهانه، وسیله، ال اگری، ال
دولما هم دیلیپدیر.

دست باف dast-bāf: ص. ال بیله
دوقولان، ال بیله دوقولماق، الده
دوقولماق.

دستبرد dast-bord: م.ص.
اوغری لیق، غارت، چپاول.

دستبند dast-band: ۱. بیله زیك،
النگو، (قیزیل کومیشدان) ۲.
اوغری نینگ یا خیانت اده نینگ
الینه اوریلیان دمیر حلقه.

دست بوس dast-bus: ص.فا.
بیری نینگ الینی اوغشاما، اویمه.
دست پاچه dast-pāče: ص.مر.
قیساقلی بۇلماق، آجیرانگ لیق،

کنایه سوزی هاولیقماق، اؤزونگی
ییتیرمک لیک.

دست پخت dast-pox: ص.مف.
ایمیتی اوز الی بیلن بیشیریان،
تاییارلایان.

دست تنگ dast-tang: ص.مر.
یوقسول، الی دار، الی یوقا.

دست تنگی dast-tangi: الی
دارلیق، قولى یوقالیق،
یوغسول لیق.

دست چین dast-čin: سایلاما، الده
یغیلما سچیلما.

دستخط dast-xat: ص.مر. خطی اوز
الی بیلن یازان، قولیازما.

دستخوش dast-xoš: بیری نینگ
اویناغی بۇلما، مسخره سی بۇلان
بیچاره، قول آستی لیق.

دست دادن dast dādan: م.ص.ل.
۱. ال برمک، بیری بیله اللشمک،
الینگی برمک، شرط نامه باغلاماق،
بیل باغلاماق، ۲. اله گلکم، اونیم،
آلماق.

دست درازی dast-derāzi: ا. مص.

حلقینگ مالینا ال اوزاتماق، بیرینه

ظلم اتمک، ال اوزاتماق، ال سرمک.

دسترس dast-ras: ص. مر. آنکسات

لیق بیله اله گلیان، ال یتیان، ال

یترداکی قولا سالماغی آنکسات

بۇلان، ال یترده بولان.

دسترنج dast-ranj: ص. مر. ال عذاب،

زحمتدن و ایشردن اله گلیان حق،

ال عذابی.

دست شستن dast šostan: مص. ل.

ال یووماق، و کنایه سوزی بۇلۇپ

نامید بۇلماق، ال یوویپ بۇش

چیقماق.

دستشویی dast-šu-i: ص. مر. ال یوز

یوولیان چورنوکلی آبزال.

دستفروش dast-foruš: ا. ص. فا.

کوچه لرده بازارلرده زادینی آیلاپ

ساتیان آدام، گوچه ساتیجی.

دستکش dast-keš: ا. ص. مر. بیر

زادا ال چکیان ال چکیلیان زات.

دستکش dast-keš: ص. مر. ال لیک.

دست کشیدن dast kešidan:

مص. م. ل. ۱. بیر ایشدن یا بیر

زاتدان ال چکمک، ال سیپاماق، ۲.

بیر ایشدن فارغ بۇلماق، دینماق

معنیده.

دستگیر dast-gir: ص. فا.

قولدا یجی، یاردام بریجی،

قولدا وچی.

دستگیره dast-gire: ا. توتالغا،

قافینگ توتاری، توتاواچ، قافی

آچیپ یاپماق اوچین، قویلیان،

توتاری، قازانینگ توتاری.

دستگیری dast-giri: کمک

بیریجی لیک، حارای لیق،

بیری نینگ الین نوتماق لیق،

کمک اتمک لیک.

دستمال dast-māl: ص. مر. یاغلیق.

دستمزد dast-mozd: ص. مر. مزد، ال

عذابی، کیرایی، ال زحمتی، زحمت

حق، زحمت حق.

دست نشانده dast-nešānde: ص.

مف. باشقا بیری نینگ گویجی و

اراده‌سی بیلن ایشه قوییلان آدام،
باشقا بیر آدامینگ دستوری بیلن
ایشله‌یان مقام‌دار، دیکمه،
اوتورتمه.

دست‌نماز dast-namāz: نمازه

طهارت قیلماق، طهارت.

دستور dastur: قاعده و قانون،
دوزگون، یول یورده، رخصت
بو یروق.

دستور dastur: ا. ص. مقام ایه‌سی،
وزیر، مصلحت‌چی.

دسته daste: ۱. توتار، ساپ، ال
اندازه سینده بۆلن زات قیلیچ یا
قاما یالی زادینگ دسته‌سی، گل
دسته‌سی، کاغذ دسته‌سی، بوغی
کوپ آدم‌لار بیله بیر یرده بۆلماق.

دستیار dast-yār: ص. حارای
ادیجی، کمک بریجی، اورو
توتیجی، کمک‌چی، قولداوچی،
قول توتوچی.

دست‌یافتن dast-yāftan: مص. م.
بیر زادا و یا بیرینه مسلط بۆلماق،

اؤستون چیقماق، ینگمک، اله
گتیرمک، اله سالماق، قولا سالماق.
دسیسه dāsise: [ع] آل، مکر. حيله،
گیزلین‌لیک، گیزلین‌لیکده
دوشمانلیق بیله و حيله یوزوندن
انجام بریلیان ایش.

دشت dāšt: دوز، چول بیابان،
صحرا، یابان.

دشت dāšt: دستلاف، ایلکی بیلن.
دشتبان dāšt-bān: ا. ص. قاراویل،
ساقچی.

دشمن došman: ص. یاغی، یاو،
دوشمان، بیرینینگ یامان‌لیغینی و
زیانینی ایسله‌یان و اوندان کینه
ساقلایان آدام، غانیم.

دشنام došnām: ص. مر. تلکه سوز،
سوگینچ، یاراماز سوز، پایش سوز،
دشنه dešne: ا. ساویق یاراغ، پیچاق،
قاما، خنجر.

دشوار došwār: ص. قین، چتین،
مشکل، آنگسات بۆلمادیق.

دعا dō'a: [ع] ایسلک، خدای

تعالی‌دان ایسلگ‌لیک، خدای
تعالی‌دان حاجت دیله‌مک،
مناجات، دعا.

دعوت da'wat: مص. چاغیریش،
چاقیلیق.

دعوی da'wi: مص. [ع] اؤرؤش،
جنجل، داوا، سوکینچ.

دغدغه tdaq-daqe: [ع] طمن
اتمک، غیبت اتمک، بیرینی دورتوپ
گولدورمک، قورقی، تشویش، گؤزلی
درلیک، اینجالیق سیز

دغل daqal: ص. نادوغری، حيله‌گار،
مکیر.

دغلکار daqal-kār: ص. مر. مکار،
حيله‌چی، حيله‌گار.

دفاع defa': مص. [ع] قورانما،
بیریندن حمایت اتمک، تله‌که‌لیگی
و آزاری اوزینگدن و غیره‌دن داش
اتمک، وطنی، نامیسی و
حقوقینگی دوشماندان قوراپ
ساقلاماق.

دفتر daftar: ا. کتاب شکلینده

دویبی تیکیلن بیر دسته کاغذ،
دفتر.

دفترچه tdaftar-če: کیچی دفتر،
دفترچیک.

دفترخانه daftar-xāne: ا. مر. نکاح

دیرو و طلاق یا سودا ساتیق
سندلری قول چکیلپ رسمی
دفترده ثبت ادیلیان جای. (دفتر
اسناد رسمی آدیندا)، محضر
جایی.

دفتردار tdaftar-dār: ص. یازوو و

حساب حسیب ایشلرینی آلیپ
باریان آدام، دفتر ایشلری بیلن
قیزیقلانیان.

دفع daf': مص. [ع] قوراماق، قاوماق،
قایتارماق، یانینگدن قاوماق،
داشاسالماق، گچیرمک.

دفعه dafe: ا. [ع] بیر دفعه، بیر
گزک، بیر نوبتدا گچیرمک،
آییرماق، ساپار-یولا.

دفن dafn: مص. [ع] بیر زادی یره
گوممک، اولیسنی جایلاماق.

گومک، یرله مک.

دڤناس: defnās: ص. [ع] آقماق،

تنتک، باخیل، گوریپ.

دق: tdaq(q): [ع] پارچانینگ،

ماتانینگ بیر گورنوشی.

دقایق: daqāyeq: [ع] (= دقائِق)،

دقیقه لار، مونوت لار.

دقت: deqqat: ——— ص. [ع]

اینچه لیک، اینچه دن ایزارلامه،

ی——ومشاقلیق، اونس-آلادا

برمک لیک، دقت.

دقیق: daqiq: [ع] ا. ص. اینچه،

یومشاق، ییتی، تاقیق .

دقیقه: daqique: ا. ص. [ع] دققیق

سؤزونگ مونشی، اینچه، ییتی سوز،

ساعتینگ آلتیشردان بیرى.

دکاکین: dakākin: [ع] دکانلر، جمع

دکان.

دکا گرم: dekā-garam: [فر] ۱۰

گرم.

دکالیت: dekā-litr: [فر] ۱۰ لیتر.

دکامتر: dekā-metr: [فر] ۱۰ متر.

دکان: dokkān: ا. [ع] ایچینه زات

ساتیلیان جای خیابانینگ کنارینه

بۇلان دکانلار.

دکتر: doktor: ا. [فر] عالم، علمینگ

بیر پوداغیندا، طیب چیلیکده،

ادبیاتده، دیلده، فلسفه ده،

حقوقده، و یا بیله کی بیر علمده

اینگ یۇقاری درجه ایه بۇلان آدام،

اول حکمان بیر علمی درنگو

اداره لاری نینگ علمی

شوراسی نینگ عالم لاری نینگ

اؤنگونده اوز تۇیلان علمی بارادا

قوراغ اتمه لی.

دکترا: doktorā: [فر] دکترا لیق

درجه سی، دکترا لیق رتباسی.

دکلمه: deklame: [فر] بیر مطلبی

قیغریپ قیزیقلی یاتدان اوقیماق.

دکمه: dokme: دوکمه، کلید.

دکور: dekor: ا. [فر] آوادانلیق، بزک،

گورنوش، پرده، تماشاخانینگ

گورنوکی.

دکه: dakke: [ع] کیچی جیک

دوکان، دوکانجیک، دکاکی جمعی.

گر degar: ق. ص. باشغا، غیری،
ایری.

گرگون degargun: ص. مر.
اویتگه‌مه، دگیشمه، باشغا هیلی،
اوزگیش، آیری جوړه.

دل tdel: یورک.

دل آزدن del āzordan: مص. م.
بیرینی اینجیتماق، کونگلنه
دگمک.

دلار tdlār: [انگ] آمریکانینگ
واحد پولی، ایالات متحده‌نینگ
پولی.

دل آرام del-ārām: ص. فا. دل آرام،
یوره‌گه دینچیلیق بریجی، دویپ
دینچیلیق مایه‌سی بۆلن محبوب،
دلبر، سویگیلی.

دل افروز del-āfruz: ص. فا. یورک
یاغتی‌لاندیریجی، یورک
شادلان‌دیریجی، یوره‌گی
بگندیریجی.

دل افسرده del-afsorde: ص. مر.
قایغیلی، غملی، سوس، توقات.

دلāl dalāl: مص. [ع] ناز اتمک،
کرشمه اتمک، عیالینگ آرینه ناز
اتمه‌گی.

دلāl tḍallāl: ص. [ع] ساتیجی بیله
آلیجی‌نینگ آراچی‌سی، ساتیجی
بیله آلیجی‌نینگ آراسیندا بۆلن
سودانی یولا بریان، دلāl.

دلālāt delālāt: مص. [ع] یولا
سالماق، دوغری یولا سالماق،
سوزینگی برکیتمک اوچین
کتیریلیان دلیل.

دل انگیز del-angiz: ص. فا.
انسانینگ یوره‌گینی آچیان زات،
شادلان دیریجی.

دلاور del-āwar: ص. دل آور، باقیر
غایراتلی، سواشجنگ، قورقمازاق.

دل‌اويز del-āwiz: ص. یورک
قواندیریجی، یورک سویجی،
یورک ایستیجی، خالانیان، میللی،
سوییلیان.

دلایل dalāyel: (= دلائل) [ع] جمع
دلیل‌لر، دلالت‌لار، توتاریق‌لار.

دل باختن del-bāxtan: مص.ل.

يورک برمک، کونگل برمک، عاشق
بۇلماق، بېرى نېنگ عاشقى بۇلماق،
بېرىنى سويمک.

دلبر del-bar: ص. فا. سويگىلى،

يورک چکيجى، اول آوادانلىغى و
گورنىکلىلىگى بېلن بېرىنى اوزينه
سويدىريان، محبوب، سويوليان،
دىلبر، معشوق، يورک
قويغوندىرىجى.

دل بستن del-bastan: مص.

کونگول باغلاماق، بېرىنه يا بېر زادا
محبت تاپماق و سويمک، عاشق
بۇلماق، کونگول برمک.

دل بند del-band: ص. مر. يورهگه

باغلى بۇلان کونگول قالايچىسى،
يورکدن سويوليان قاوى گويلىيان
آدام، اوغىل قىزو سويگىلى يالى.

دلپذير del-pazir: ص. مف. يورک

سۇين ايسلانى، سويولن کونگول
آلان، حالانان و ياراشيقلى.

دلپسند del-pasand: ص. مف

يۇقۇملى، حالانان.

دلتنگ del-tang: ص. مر. قايغىلى

غملى، دارىفيان، غصهلى.

دلجو del-ju: ص. مر. کونگول ليک

بريان، کونگول بىرىجى، کونگول
تاپيجى.

دلچسب del-časb: ص. مر. کونگول

سويىجى، قاوى گوروليان،
انسانىنگ سويوپ اونگات گورىيان
زادى، هوزيرلى، عشرتلى.

دلخراش del-xarāš: ص. فا. يورک

ياقيجى، يورک اينجيدىجى،
يورهگى سانجىلايچى، آدامىنگ هر
بېر زاتدان اينجيب عملى بۇلماغى.

دلخسته del-xaste: ص. مر. يورهگى

عملى، قايغىلى، يورهگى قان
باغرى باشلىق.

دلخواه del-xāh: ص. مف. يورک

ايسته مه، کونگل ايسته مه، يورک
ايسله يان و آرزو اديان زادى.

دلخور del-xor: ص. مر. ملول

اينجان، اينجين، آزار يتن.

دلخوش del-xoš: ص. شاد،

خوشحال، کونگل شاد.

دلخون del-xun: ص. مر. یوره‌گی

قان، یوره‌گی اینجان، قاینیلی،

غملی، غصه‌لی، توقات.

دلدادگی del-dādegi: عاشیق‌لیق،

کونگل برمک‌لیک، سویمک‌لیک.

دل دادن del dādan: م. ص. ل.

عاشق بؤلماق، کونگل برمک،

بیرینی سویمک.

دلداده del-dāde: عاشق، کونگل

برن، یورک برن.

دلدار del-dār: ص. مر. یورک‌لی،

باتیرغای، سویگیلی، دلبر

ماغنالاردا.

دل‌دل dol-dol: [ع] ۱. اوقلی کیرفی،

۲. اولی بـویروق ۳. حضرت

علی‌نینک (ع) مینیان آطی.

دلریا del-rubā: ص. فا. یورک

چکیجی، کونگل آلیجی، اوز

آوادانلیفی بیلن آدمینگ یوره‌گینی

اوزینه چکیان، آوادان، گوزل.

دل‌ریش del-riš: ص. مر. یوره‌گی

یارالی، گوونی قالان، غصه‌لی،

قاینی‌لی.

دل زنده del-zende: ص. مر.

یوره‌گی دیری، آگاه، سره صاف،

شاد، قیلاولی، کیپی کوک.

دل‌سرد del-sard: ص. مر. ساویق‌لیق،

سوس، امیدسیز، ساوغین‌لیق.

دل‌سوخته del-suxte: یوره‌گی یانان،

حورلاناتان، مصیبت یتیشان، غملی.

دل‌سوز del-suz: ص. فا. بیرینیڭ

اربت یاغداینا یوره‌گی آواپ اونگا

دوینی داشلیق بیل‌دیریان آدام،

یوره‌گی آوایان، رحمدار، درد‌دش،

جان کوپر، جانب‌کش. دل‌سوزی:

مهربانلیق، رحم‌لی‌لیک، جان

کویرلیک، جانب‌کش‌لیک.

دل‌شاد del-šād: ص. مر. شاد،

خوشحال، بگنچلی، کونگلی

خوش.

دل شکستن del-šekastan:

م. ص. م. اینجیتماق، نا امید اتمک،

کونگله دگمک.

دلگشا del-gošā: ص.فا. یورک

دلشکسته del-šekaste: اینجان،

نامید.

آچیان، کونگول آچیان، شادلیغا

سبب بولیان صفالی یر.

دلفرب del-farib: ص.فا. کونگول

دلگیر del-gir: ص.فا. قایغی لی،

غملی، تۇتۇق، تۇقات.

آلداویچ، یورک چکیجی، قاوی

دلنشین del-nešin: ص.فا. یوره گه

گورینیان، اوزینه چکیجی.

اوتورمان، یورک حالایجی،

دلُق dalaq: [ع] یابان پیشیک، یابان

مشیک.

کونگلدن توریان.

دلُق dalq: ا. یونگدن دوقالان

دلنواز del-nawāz: ص. یورک

درویشلرینگ گیمی، ایچمک.

سویجی، یورک حالایجی، عزیز،

دلُقک dalaqak: مسخره، شوخ،

مهرلی کونگله تسلی بریجی.

شورته، گولدیبریجی، آداملاری

دلو dalw: [ع] بدره.

گولدیریان.

دلواپس del-wāpas: ص.مر. گوزی

دلکش del-keš: ص.فا. یورک

یولدالیق، قایغی دا بۇلان، گۆزلی در

چکیجی، یورک حالایجی، کونگل

بولماق.

آلداایجی، اوزینه دارتیجی و

دلواپسی del-wāpasi: گوزی

چکیجی.

یولدالیق قایغی ده بۇلماق لیق.

دلگرم del-garm: ص.مر. دینچ،

دلیر dalir: ص. باتیرغای، باتیر،

خاطر جمع، آرقاین، قایغی سیز،

دوغوملی، قوچاق، غیراتلی،

امیدلی.

قۇجۇرلی، قورقمازاق.

دلگرمی del-garmi: دینچیلیق،

دلیل dalil: ا. [ع] یولباشچی، یول

خاطر جمع لیک، امیدلی لیق،

گورکزیجی و بیر ایشی برکیتمک

آرقاین لیق.



اوجین گتیرلیان، بهانا، توتاریق،

ثبوت نامه، ادله و ادلاء جمعی.

دم dom: ۱. قوریق، قوریق.

دم tdam: ۱. نفس، بوغلی هوا،

دیمیق هوا ۲. جادی و مکیر، سیر

سالام وقت، بیر زادینک انگرک،

غیرا و کناری ۳. پیچاغینگ و

قیلچینگ ییتی طرفی، ییتی یوزی.

دم dam: ۱. [ع] قان، دماء جمع.

دما damā: ۱. ۱. نفس، دم ۲.

قیزغینلیق درجه سی، قیزغین و

ساویق اولچه گی ایسیلیق

دمادم damādam: ق. هر دم، ایزلی

ایزینا، دمه-دمدن.

دمار damār: مص. [ع] یانماق،

هلاک بؤلماق، خراب بؤلماق،

ضایالانماق.

دما sanj tdamā: مر.

ایسیلیغینگ مۆجبرینی نادرجه

باراندیغینی آنغلادیان قورال.

دماغ damāq: ۱. [ع] کله مغزی، ۲.

بورون.

دماغه tdamāqe: بورون شکلینده

بولوپ دریانینگ -دنگیزینگ

ایچینه گیران یر.

دمان damān: ص. فا. انگریجی،

مست، قیغیرجی، قهرلی.

دم بخت dam-e-baxt: ص. مر.

چیقاریلماغا یتیشن قیز، دؤرمؤشا

چیقارماغا یتن قیز.

دم بدم dam-be-dam: ق. دمه-

دمدن، هر دم، آز سالیمدان.

دم بریده dom-boride: ص. مذ

قورینی کسیک، قیسفا قوریق،

کوله قوریق.

دمدار dom-dār: ص. قوریقلی،

قوریقلی.

دمدمه tdam-dame: ۱. مکیر،

آداواج، آداملارینگ کفی ۲. لانگارا

و اؤنؤنگ سسی، و عربجا

معنی سی بولسا قهر بیلن

گورله مک بولمالی.

دمده demode: ص. [فر] مدهدان

دوشن، عاداتدان و یول یوردهدن

چیقان، ایسلگ و داپدن دوشوپ
حالانمایان زات.

دەر damar: ص. یوزلین دوشن،
یوزلین یاتان آدام.

دمساز dam-sāz: ص. فا. یولداش،
سرداش، گورونگدش.

دم کردن dam kardan: مص. ل.
چای دیر و نهاردیر و ش.م. زادینگ
دمینی آلدیرماق.

دمکش dam-keš: ا.ص. آیدیم
آیداندان ایزارلاپ آیدیم آیدیان،
آیدیم آیدیان آدام-دم-دینج بریان
آدم.

دمکش tdam-keš: مر. آشی دمینی
آلدیرماغا قازانینگ اوستونده
قویولیان بۆلک پارچه.

دم گاو tdom-e-gāw: سیغیر
قویروق.

دم گرفتن dam gereftan: مص. ل.

۱. عزاداری دا کوپ بولوپ
قایتالانیپ اوقولیان شعر، نوحه ۲.
ایشدن ال چکمک، دم آلاق، دینچ

آلاق معنیده.

دمل domal: ا. [ع] چیبان.

دموکرات tdemokrāt: [فر] ملی
حاکمیتینگ طرفداری،
دموکراسی نینگ طرفداری،
آزادلیغی ایسته یانلار.

دموکراسی tdemokrāsi: [فر]
ملی حکومتی قورماق، آداملارینگ
حکومتی اؤز الینه آلیپ اعضای
دولتی بلله مک و نماینده لاری
سچمک لیک، ملتینگ اؤز الینه
بؤلماغی.

دمونستراسیون demonesterāsiun:

ا. [فر] سیاسی توپارنینگ
خیابانلاردا ایسلگ و عقیده لرینی
بیلدیرمک و ثبوته یتیرمک اوچین
یېغناق ادیب یؤریش اتمک لری.

دمیدن damidan: مص. م. ل.
اوفله مک، یلینگ اؤسمه گی،
اوتونگ یردن چیقماغی و
اؤسمه گی، گون دوغماق.

دنائت denā'at: مص. [ع]

پستلیک، نامردلیق.

دنبال tdonbal: ایز، سیرت، ینگسه،

بیر زادینگ ایزی.

دنبه donbe: ۱. قویریق، قوریق باغی،

دلاق، قوینونگ قویروغی.

دنچ tdenj: ص. اوزگه لردن بوش چولا

یر، خلوت.

دندان tdandān: دیش.

دندان آسیا tdandān-e-āsiyā: مر.

آزی، آزی دیش.

دندان پزشکی dandān-pezešk:

۱. ص. دیش طبیبی، دیش دکتري.

دندان درد tdandān-dard: مر.

دیش آغیری.

دندان ساز tdandān-sāz: ص. دیش

بحریان آدم.

دندان شکن dandān-šekan: ص.

فا. ۱. دیش دؤویجی، دیش

دؤویان؛ دیش دؤون ۲. کنايه

سؤزی برک جوغاب برمک، دیل

بیله یانديرماق.

دنداندار dandāne-dār:

دیش-دیش بولان، پیچیغی یالی

دیشلی.

دنده tdande: قاپیرغا.

دنی dani: ص. [ع] پست، نجیس،

بخیل، یاراماز، حسود، ادنیاء جمع.

دنیا tdonyā: [ع] حاضیرکی

یاشاییش، جهان، دنیا.

دنیاوی donyāwi(y): ص. ن. [ع]

دنیا دگیشلی، جهانا باغلی،

دنئیوی.

دنئیوی donyawī(y): ص. ن. [ع]

جهانلیق، دنیاایک، دنئیوی، دنیا

دگیشلی.

دو do: ۱. سان (۲)، ایکی.

دو daw: ۱. مص. یورتماق، چاپماق،

ایلغماق.

دو daw: ۱. مخفف داو، نوبت، گزک،

او یون نوبتی.

دو آتسه do-āteše: ص. ایکینجی

گزک اودونگ اوستونده قویولان؛

نان دو آتسه: برشته چۆرک، قاتی

ماخول بییشن چۆرک.



دنبه



سان



دوائر

گزک، قايتادان، قايتالاپ اديلن
ايش.

دوبله duple: ا. [فر] ايکى برابر،
ايکى اسسه بۇلان، ايکى قات.

دو بهم زنى do-be-ham-zani: آرا
دگيرمه، آرا پوزما، ايکى آدامينگ
آغزىنى آلارتما، شوغول ليق اتمه.

دوبىيتى tdo-beyti: مـر.

قوشغى نينگ بير هيلى، دۇرت
مصراعلى، رىاعى يالى دۇرت
سطردين دوزيلن قوشغى.

دوپىكر tdo-peykar: اون ايکى
برجينگ اوچونجى سى، عربچه
جوژاء دييليار.

دوتا do-tā: م. ايکى قات، بوکور،
کويکى، ايکى اپليم.

دوتار tdo-tār: مـر. تامديرا، دوتار،
سازينگ بير گۇرنوشى.

دوجين tdo-jin: [فر] اؤن ايکى
ساندان عبارت بۇلان، بسته سى اون
ايکى ساندا بۇلان.

دوختن duxtan: مـص. م. تىککمک

دوائر dawā'er: [ع] دائره لار،
اداره لار، جمع دائره.

دوات tdawāt: [ع] مرکب غور
قويوليان قاپ، سويشه.

دوار tdawār: [ع] باش آيلانما، کلّه
آيلانما، باشينگ آيلانيپ دورما.

دوار dawwār: مـص. [ع] اؤز داشينا
آيلانيان زات، باشغا زادينگ داشينا
آيلانيان زات.

دوازده tdawāzdah: ساندان اون
ايکى.

دوازده امام dawāzdah-emām:
ا. مـر. اون ايکى امام، دوازده امامى:
اون ايکى اماملى، اون ايکى اماما
اينانيان.

دوام dawām: [ع] [ع] هميشه ليک،
باقى ليق، مداماليق.

دواندن dawāndan: مـص. مـر.
يورتديرماق، ايلغاتماق.

دواير dawāyer: [ع] چنبرلر،
تگه لکلر، جمع دائره.

دوباره do-bāre: م. ايکينجى



مکس



بن

دوخت و دوز: تىكىجىلىك،
تىكىنچى نىنگ اديان ايشى؛
دوزنده: تىكىجى؛ دوزندگى؛
تىكىجىلىك.

دود dud: ۱. توسسه.

دودمان dudmān: خاندان، ايچرى
ماشغالا، خانمان، طايفه، تيره،
نسل.

دوده dude: ۱. دويده، پچىنگ
تورىاسيندان چىقيان قارا دويت.

دور dawr: مص. [ع] گردش، آيلانيپ
دوران زات، ييل گردشى، دؤوير،
زمان.

دور dur: ص. اوزاق، آليس، داش.

دوران dawrān: مص. [ع] گردش،
فارسچا روزگار، زمان، دؤوير. ايپام.
دور انديش dur-andiṣ: ص. فا.

سونگين فكر اديان، اويلانشيقولى
ايشىنگ سونگينا قارايان، سونگين
فكر اديان آدام.

دور برداشتن dawr-bardāstan:

مص. ل. قاتى گىتمك، گيديشىنى

چالقلاشدىرماق، آرتدىرماق، قاتى
گىتمك، هاوالانماق.

دوربين dur-bin: ۱. صورات
چكىليان قورال، ۲. داشى ياقينا
گتيريان دستگاه، دوربين.

دوردست dur-dast: ص. داش ير،
اۇزاق ير، ياقين بۇلمادىق ير، آليس.
دورگه do-rage: ص. مر. ايكي

نژاددان بۇلان انسانا دگيشلى
معنىسى، قوما، انه و آتاسى بير
نژاددان بۇلمادىق حيوان و انسان.

دورنگ do-rang: ص. مر. ايكي
رنگده بۇلان آلا، ايكي رنگلى،
يالانچى، حيله گار.

دورنما dur-namā: مر. آسمانى،
دنگيز قيراسىنى يا داغى،
چمنلىگى گورگزيان صورات يا

نقاشى پردهسى، گورنيش،
دوزليكهده و داغلىق يرداكي صفالى
منظره گورنوش معنى سينده گليار.

دورو do-ru: ص. مر. ايكي يوزلى
پارچه، بير قاپدالى بيله اول بير

یوزی فرق ادیان ماتا، سۆزی بیلن
ایشی دنگ بۆلمايان آدم، ایکسی
یوزلی آدم، حیلەگار، مکیر.

دوره tdawre [ع] گەردش، بیر
زادینگ داشینا آیلانما، بیر گزک
آیلانماق.

دوره گرد dawre-gard: ص. فـا.
خیابان و کۆچەلەردە آیلانیپ زادین
ساتیان ساتیجی، گۆچمە
ساتیجی.

دوری dawri: ۱. اولی تاباق.

دوزخ tdawzax. یاندیریجی یر،
تلەکە یر، گناهارلرینگ بارجاق
یری، تاموغ، تامی.

دوزنه tduzane. ۱. ایگنە ۲. آری و
چییین یالی مور-مۆجەگینگ
نیشی، نشتری.

دوزنه do-zane: ص. مر. ایکسی
عیاللی، ایکسی ھلی آدم.

دوست dust: ۱. ص. یار، دوست، خام
- چام؛ دوستی: دوستلوق، سۆیمە.
دوستدار dust-dār: ص. فا. دوستی

بار بۇلان، دوستلی بۇلان، مهربان
یار، دوستی بۇلان.

دوسیە dusiye: [فر] پروندە.

دوشاب dushāb: تۇشاپ، خورما و
اوزوم یالی زادینگ شیرەسی.

دوشادوش duš-a-duš: ق. گریش
مە-گریش، اۆمۇزما-اۆمۇز.

دوشک došak: ۱. دوشک،
کۆرفنجه، چۆکجە.

دوشنبە do-šanbe: هفتآنینگ
اوجونجی گونی، دوشنبە.

دوشیدن dušidan: مص. ساغماق،
سویت ساغماق.

دوشیزە dušize: ص. چیقاریلما دیق
قیز، قیز، دۇرمۇشا چیقما دیق قیز.

دوغ duq: ۱. چال، آیران، سوو چال،
شبیت.

دوغ duq: ۱. ایکسی یاشان گچی.

دوغاب duqāb: مر. سۇو چال،
آھکینگ سووی یا سمنتینگ

سووی.

دولت tdawlat: [ع] بایلیق، مال و
ملک.

دولت dawlat: [ع] دولت، حکومت،

دول جمع.

دولتمند dawlat-mand: ص. [ع]

پوللی، مالدار، بای، قوریلی،

دولتلی.

دومیدانی daw-midāni: مر.

ورزشینگ بیر گورنوشی.

دونده dawande: ص. فا. یورتیجی،

یورتیان، ایلنايیجی.

دویدن dawidan: م ص. ل.

یورتماق، ایلقاماق، داریماق.

دویست dewist: سان حسابدان

ایکی یوز.

ده deh: ا. اوبا، کنت.

ده dah: ا. سان تایدان (۱۰)، اون.

دهان dahan: آغیز.

دهانین dahan-bin: ص. فا. آغیزه

باقیان، کۆپینگ کفینه اینانیان و

اولارینگ کفینه گیدیپ یۆن.

دهاندره dahan-dare: پاللاماق.

دهخدا deh-xodā: ص. کنت

ایهسی، کدخدا، اوبا باشلیغی، اوبا

آرچینی.

دهدار deh-dār: ص. کدخدا،

اوبانگ یاش اولی سی، اوبانگ

باشلیغی، اوبا آرچین.

دهر dahr: [ع] دنیا، عصر، دؤویر،

دهور جمع.

دهستان tdehestān: مر. نأچه کنت

و اؤبادان عبارت بۇلان.

دهقان tdeh-qān: ص. [ع] تايخان،

دایخان.

دهکده deh-kade: مر. اوبا، کنت.

دهگان tdeh-gān: ص. اوبانگ

باشلیغی، اوبانگ ایهسی.

دهلیز tdehliz: اینچه، دار و اوزین

یؤل، گچلگه، اؤتْلگه.

دهن dahan: ا. آغیز.

دهنکجی t-dahan-kaji: م ص. آغیز

قیشارتما، جورت آتما، دوداق

چؤویرمه.

دهنلق t-dahan-laq: ازهنگی

ایریک، آغیزی قاوشاق.

دهنه dahane: ا. آغیز، اویان، دهنه

شتر: بۇرۇندىق.

يۈپك ماتا.

دەھە tdahe. اۋن، اۋنىنگ بىر بۆلەگى.

ديباچە t. dībā-če. سۆزباشى،

دەيك dah-yek. اۋن دان بىر.

كتاينىڭ باشىندا يازىلان يازغى،

دى di: ا. دوين، گچن گون.

گىرىش سۆزى.

دى dey: ا. قىشىنىڭ باشقى

ديپلوم t. diplom. [فر] تصديق،

آيىنىڭ آدى، شمسى يىلىنىڭ

شهادتنامە، اون ايكى كلاسى

اونىنجى آيى.

قوتاران، اون ايكىنى اوقاپ تمام

ديار t. dayyār. ص. [ع] راهب لارىنگ

ادن.

عبادت اديان جايلارى و شول

ديپلمات t. diplomāt. ص. [فر]

يرلردە ياشايان آدم.

سياسى اوغروندا ايش گۆن آدم،

ديار diyār: [ع] اۋى-ايل، يۇرت،

داشارى يورتدە بۇلان ايلچى

اولكە، شهر، طايفە، قبيلە؛ جمع

خانەلرىنگ ايشكارى.

دار.

ديد did: ا. مص. نظر، گۆچ گويجى،

ديالىز t. diyālīz. [فر] شيميائى

گۆزمە؛ ديدنى: گۆرماكە سزاوار،

مادەنى بۆلۈك بۆلۈك ادبىپ

گۆرماكە لايىق بۇلان؛ ديد و بازديد:

آنگىساتلىق بىلن دىكىلردن

گۆرمە-گۆرۈش.

گچيرمك.

ديدار t. didār. مص. گۆرمك،

ديانت diyānat: مص. [ع]

گۆرمە-گۆرىش، دوشوشىق،

ديندارلىق، خداى تانىماقلىق يولى،

يوزلنمك، كشپ، يوز توتماق، يوز -

گۆز، گۆچ.

خداى تانىجىلىق، تقوالىق دىنى ايشلىرى.

ديدگاه t. did-gāh. مر. قاراويلينگ

ديبا dībā: يۈپك پارچانينگ و

اوتورىان يرى، بىيك ير، بلند ير،

ماتانينگ بىر گۆرنۈشى، دورلى

گۆز اۇنگونه آلمانا، نقطه نظر.

دیدن didan: مص. م. گۆرمک، سر

اتمک، گۆزله مک.

دیده didide: گۆز، قاراق.

دیده بان dide-bān: (= دیدبان)

۱. ص. قاراویل، ساقچی، ساقلايچی.

دیر dir: ق. ص. داش، زمان، آسسا.

دیر باز dir-bāz: ص. ایردن، گچن

زماندان، قدیمدان باری.

دیرند dirand: ص. ۱. روزگار، زمانه،

۲. اوزاق وقت، دواملی وقت، اوزاغا

چکیان پله.

دیروز diruz: گچن گون، دوين.

دیروقت dir-waqt: ق. ص. [فاع]

۱. گچن زمان، قدیم زمان، ۲.

بی موقع و بی وقت معنیده.

دیرین dirin: (= دیرینه) ص. ن.

کهنه، قدیم.

دیزی dizi: ۱. تانگسیقودان یا داشدان

بجرلن یورته چوریا بیشیریلیان

مارداق قاپ.

دیس dis: اولی تاباق.

دیشب dišab: اؤتن آغشام، اؤتن

گیجه.

دیفتری difteri: [فر] آدامینگ

بوغازیزدا دؤره یان ناساغلیق مسیری

دیک dik: [ع] حوراز، دیوک وادیاک

جمع.

دیکتاتور diktātor: [فر] ارکلی،

یکه-تاک اؤزی ایش کسیان، اؤز

کلهسی بیلن قانونا دوزگونه

باقمانی ایش ادیان، حکم سوریان

دیگر digar: ص. غیر، کسهکی،

اؤزگه، باشغا

دیلماج dilmāj: ص. ت. دیلماج،

سؤزی گپی بیر دیلدن باشغا بیر

دیله اوویریان، ترجمه چی.

دیم dim: ۱. یوز، کشپ.

دیم deyam: ۱. جمع دیمه.

دیمهāj dimhāj: ۱. اگری گل.

دین dayn: ۱. [ع] وام، برگی، بۆج.

دین din: ۱. [ع] مذهب، یۆل یۆرلگه،

طاعت.

دیوار diwār: ۱. تقار، دیوار.

ديوان diwān: ۱. ۱. دفترخانه، ۲.

حساب دفتري، بىر شاھيرىنگ
ھمە شعرلارنى اۈز ايچىنە آليان
يىغىندىسى؛ ديوان بىگى:
صفويەنىنگ زمانىنداكى يۇرتتە
قانۇنلارى و حڪملىرى يىرىنە
يتىريان مامور.

ديوان كشور diwān-e-kešwar: ۱.

اينگ يوقار دادگاھ، محاكمە فرجام
غايىتىدە يتىشىكلىك اديان يۇقارى
دادگاھ.

ديوانە diwāne: ص. دالى،

عقلسىز، سامساق، عقلى اويتگان،
تنتىك؛ ديوانگى: diwānegi:

دالىلىك، ديوانەلىق، قۇدرىماقلىق.

ديوت dayyus: ص. [ع] بىغىرت

آدام، اۈز عيالى حقدى غىرتى و
تعصىبى بۇلمايدىق آدام، عيالىنى
بويرىپ بىلمەيان ديوت.

ديوسالار diw-sālār: ص. مر.

غىرتلى، قۇجۇرلى، ديو يالى.

ديون dowun: [ع] قرضلار، برگىلر،

جمع دىن.

ديە diye: ۱. قان بەھا، اۈران و يا

اۈلدىرن آدامىنگ آسيب يىتنە يا

اۈلن آداما و يا اۈنۇنگ مىراث

دوشىرىنە تۇلەيان پول يا مالى.

ديھيم dayhim: تاج، پادشاھلارىنگ

جيغاسى.



ذ ze: فارس الیپ‌بی‌سی‌نینگ اون

بیرینجی حرفی ذال دیپپ آیدیلیار،

ابجد حسابیندان «۷۰۰».

ذات zāt: ۱. [ع] مؤنث ذو، ۱. صاحب،

مالک، ایه، ۲. هر بیر زادینگ حقیقتی

و جوهری، اؤزه‌نی، ذوات جمع.

ذات البروج zāt-ol-boruj: ۱. امر. [ع]

سکیزینجی فلک، اون ایکی برج‌لار

قدما اصطلاح‌دان (حمل‌دن تا حوتا).

ذات ال‌ریه zāt-ol-riye: ۱. امر. [ع]

اؤیکن چیشمه‌سی، ساویقلامادان

اؤیکن ده یوزه چیقیان کسل، فارسیده

سینه‌پهلو دییلیار.

ذاکر zāker: ۱. [فاع] ۱. یاد ادیجی،

خدای تعالی‌نی یادلایجی، ذکر ادیان،

۲. دینی شعرلر اوقییان معنیده.

ذاهب zāheb: ۱. [فاع] گیدیجی،

اؤتیجی، گچمه

ذایع zāye: ۱. [فاع] چاشغین، اُشکار،

پیترانگ، آیدینگ.

ذبح zabh: مص. [ع] داماق چالما،

بوقیرداغی کسمه، قویون سیغیر

اۆلدیرمه، جانلی سۆیما، دمیگدیرمه.

ذبح zebh: ۱. ص. [ع] داماغی چالینان،

بوقورداغی کسیلن.

ذبیح zabih: [ع] ۱. داماغی چالینان،

قربانلیق اتماگه یاراشیقلی،

بوقورداغی کسیلن؛ ۲. حضرت

اسماعیلینگ (ع) لاقامی.

ذخیره zaxire: ۱. [ع] پول سویشیرمه،

پول آرتدیرما، تیغشیت، ذخائر جمع.

ذرت zorrat: ۱. [ع] جؤون.

ذرع zar: مص. [ع] ۱. گز، پارچانگ

اۆلچهگی، بیر گز ۱۰۴ سانتی متر

بیلن برابر ۲. جیدام، قورپ و دۆرمۇش

اخلاق معنیده.

ذره zarre: [ع] اونسیق کیچیجک

قارینچغا، هر زادینگ قاتی آوینجاغی

و اوچغین یالی اونسیق، توزان

ذریات zorriyāt: [ع] نسللر، فرزندلر،

جمع ذریه.

ذریه zorriye: ۱. [ع] فرزند، نسل،

اوغۇل-قیز، ذریات و ذاری جمع.

ذفر zafar: ۱. [ع] قاتی اربت ایس، ها

قاوی ایس بۆلسین ها اربت ایس.

ذقن zaqn: ۱. [ع] انگک، اذقان جمع.

ذکاء zakā: مص. [ع] هوشلیلیق،

ازبرلیک، فراستلیلیق، یادکشلیک.

ذکاء zokā: [ع] گون، گونش.

ذکات zakāt: مص. [ع] مال

اولدورمک، قویون سیغیرمالی

حیوانینگ داماغینی چالماق، حلال

ات.

ذکر zekr: مص. [ع] یاد اتمک،

یادلماق، ذکر اتمک، دعاء و نماز،

اذکار جمع.

ذکر zakar: ۱. [ع] ۱. ارکک، ارکک

آدمینگ ارککلیگی، ارکک آدمینگ

اوجودی، ۲. آنگیرباش قاوی دمیر و

میس، ذکور جمع.

ذکی zeki(y): ص. [ع] زرنک، چاققان،

چپر، هوشلی، عاقللی.

ذل zol(l): مص. [ع] پسلیک،

ذلیللیک، عجیزلیک، خوارلیق.

ذلاقت zalāqat: مص. [ع] دیل

ینگیللیک، ینگیل دیللی، آچیق

دیल्ली، دیله وارلیق.

ذلات zalālat: مص. [ع] پسلمک،

- ذوالحجه zol-hejje. مر. [ع] قمری
 ییل نینگ اون ایکینجی آیسی نینگ
 آدی، حج ادیلیان آی، حاجی فرضی
 بیتریلیان آی، ذی الحجه و ذی حجه
 هم دیییلیار.
 ذوالفقار zol-faqār: ا. [ع] ایلکی
 حضرت رسولینگ قیلیجی، سونگ
 اونى غزوه أحددا حضرت علی غا
 باغیشلايار.
 ذوالقدر zol-qadr: ص. [ع] سیلاغلی،
 حرمتلی، درجه لی، طاقتلی، قدرلی،
 جیداملی، صبرلی.
 ذوالقعه zol-qa'de. مر. [ع] قمری
 ییلی نینگ اون بیرینجی آیسی نینگ
 آدی، ذیقعه.
 ذوب zawb: مص. [ع] اریمک، سؤو
 بولماق، اریتمک، قار، یاغ و دمیر یالی.
 ذو حسب zu-hasab: ص. [ع] گوهرلی،
 جوهرلی، شرفلی و بلند مرتبه لی.
 ذوحیاتین zzu-hayātayn: ص. [ع]
 سوده و همده یرینگ یوزینده یاشاپ
 بیلان حیوانلار، غوریاغه یالی.
 ذو حظ zu-xaz: ص. [ع] حظ ایه سی،
 ذلیل بولماق، عجیزلمک، پسه
 دوشمک، خوار بولماق، انتیمک.
 ذلت zellat: مص. [ع] پس بولماق،
 ذلیل بولماق، عجیزلیک، خوارلیق.
 ذلیل zalil: ص. [ع] پس، خوار، عجیز،
 ذلیل، اذاء و اذله و ذلال جمع.
 ذم zam(m): مص. [ع] یامانلما،
 عیبلاما، کاییمک، ذموم جمع.
 ذمائم t:zamā'em. ص. [ع] جمع
 ذمیمه، اریت، حالانمادیق، پس،
 یاراماز، ذمائم جمع.
 ذمیمه zamime: ص. [ع] کاییلن،
 زشت، حالانمادیق، یاراماز، اریت،
 یوقومسیز، عیبلانان، ذمائم جمع.
 ذنب zanb: [ع] گناه، یازیق، یاراماز
 ایش، ذنوب جمع.
 ذوالجلال zol-jalāl: [ع] بییکلیک و
 قدر قمت ایه سی، مرتبه لی، حرمتلی،
 خدای تعالی نینگ صفت لاری نینگ
 بیرى.
 ذوالجنح zol-jenāh: [ع] قاناتلی،
 یووروک آط، امام حسینینگ (ع)
 کربلادا مینیان آطی.

نپلی، پیدالی.

ذوزنقه [zu-zanaqe:ع] هندسه

اصطلاحینده شکلینگ بیر گوزنوشی،

شؤ شکل لرده 

ذوظل (zu-zel(l):ص. [ع] کولاگهسی

بار بۇلان کولاگهلی.

ذوفنون (zu-fonun:ص. [ع] فن

ایهسی، هنرلی، هنری کوپ بۇلان

آدم.

ذولفتین (zol-loqatayn:ع] علم بدیع

آدالغاسیندا؛ ایکی دیلده یازیلان شعر

واوقیپلی بۇلان قۇشغی.

ذهاب (zahāb:مص. [ع] گیتمک،

اؤتمک، گچمک.

ذهل (zohl:ا. [ع] بنو ذهل: عربینگ بیر

تیرهسی نینگ آدی.

ذهن (zahn:ا. [ع] دوشونجه، هوش،

اوقیپ، یادکشلیک، هر بیر زادی

یادیندا ساقلاماقلیق، اوقیپلی،

آنگ، ذهینه

ذی (zi:ع] (= ذو) ایه معناسیندا بۇلۇپ

سؤزؤنگ اولینده گلیار، مثال :

«ذیحق/ حق ایهسی»، «ذیروح/ روح

ایهسی» و ش.م.لر.

ذی حق (zi-haq:ص. [ع] ذو حق، حق

ایهسی، حقلی، یاراشیقلی، مناسیب.

ذی حیات (zi-hayāt:ص. [ع] ذو

حیات، یاشایشلی، دیری، جانلی.

ذی روح (zi-ruh:ص. [ع] روحلی،

جانلی.

ذی قسیمت (zi-qeymat:ص. [ع]

ارزشلی، دگرلی، قمتلی، قاتی بهالی.

ذیل (zayl:ا. [ع] ایتک، ایز، هر بیر

زادینگ سونگی، اتهگی، اذیال جمع.



ر re/rā فارس الیپ بی سی نینگ اون
ایکینجی حرفی، ابجد حاسابیندان
(۲۰۰).

رائج rā'ez: (= رایج) ص. [ع.]
یورگونلی، جایز، رواج، مال یا
پولینگ رواج و یورگینلی بولماغی.
رابض rābez: ا.فا. [ع.] اوتوریملی،
یرلی، بیرتیجی آرسلان.

رابط rābet: ا.فا. [ع.] آراباغلانشیق،
بیریکدیریجی، سپلايیجی،

آراقاتناشیق، آراچی، ایکی زادینگ
ایکی آدامینگ آراسینه دوشن،
آرادا گزن، باغلايیجی،
باغلانیشدیریجی.

رابطه rābete: [ع.] مونث رابط،
علاقه، باغلی لیق، ایکی آدام و یا
ایکی زادینگ بیرى بیرینه بۇلان
علاقه سی، ایکی آدام یا ایکی
زادینگ آراسینی بیریکدیریان،
باریشدیریان.

رابع 'rābe: [ع.] دوردينجی.

راپرت rāport: ا. [فر.] خبر بریجی،

روایت، کپچی، خبرچی، شوغول.

راجع 'rāje: ا. فا. [ع.] ایزینه اویرمه،

ایزینه اورییجی، اری اولان

سونک اوایلرینه اوویریلیپ کلن

عیال، رواج جمع.

راحت rāhat: مصر. [ع.] دینچ-سالت،

آسوده، شادلیق تاپماق.

راحم rāhem: ا. فا. [ع.] رحملی، رحم

ادیجی، مهربان، بخشلایجی، رحم

اتکوجی.

راد rād: ا. فا. [ع.] منع ادیجی،

ساقلاایجی.

رادمنش rādmaneš: ص. مر. سخی،

جومارت، سخاوتلی، بریملی.

رادیکال rādikāl: ص. [فر.] اهلی

آیغیتلی، اساسی، دویبلی، بیر

زادینگ اصلینه کوکینه دکیشلی،

بیر کلمه نینگ اصلی و کوکی،

یورتدا آدمینگ آسایشی اوچین

اساسی اوزگريش لر گچیرمک-

لیکینگ طرفداری بۇلان آدم.

رادیوتراپی rādiyo-terāpi: ا. مر.

[فر.] ایکس تشعشعات بیلن بیر

ناچه مریض لری نا ساغ لاری

بجریان ام ادیان.

رادیوگرافی rādiyo-gerāfi: ا. مر.

[فر.] اندامینگدان عکس آلماق،

مریض چیلیگی سایغارماق اوچین.

رادیوگرام rādiyo-gerām: ا. مر. [فر.]

تلگرامانی بی سیم دستکاسی بیلن

گچرمکلیک.

رادیولوژی rādiyo-loži: ا. مر. [فر.]

دستگاه بیلن سیرقاوولیغی یعنی

ناساغ لیغی بللی آچیق بولمادیغی

سببلی دستگاه بیلن بيلمکلیک.

راز rāz: ا. سیر، اوغرین کپ، گیزلین.

رازدار rāz-dār: ص. فا. سیر

ساقلاایجی، سیرداش.

رازق rāzeq: ا. فا. [ع.] ارسغالی

بریان، رزق یتیریان، خدای

تعالی نینگ آدی و صفتی.

رازیانه rāziyāne: ا. قارا چورک،

درمان اوت.

راست rāst: ص. ساغ طاراپ، گونی،

ساغچی، دوغری سۇز، حق سۇز.

راستگو rāst-gu: ص. فا. دوغیرچیل،

- يالان آدامايان. راک *rāk*: خ. قوچ، ساواش جانگ
 راستين *rāstin*: ص.ن. دوغيرليغه
 قوچ، قويون. باغلى بۇلان دوغيرليق،
 راکت *rāket*: ا. [فر] تنيس و پينگ دوغيرچيليق، حقيقى بۇلان.
 پونگ اويون لارينده اله آلينيپ راسخ *rāsex*: [ع.] ثابت، مالکام، برک،
 توپ قاقماق اوچين پيدالانيليان قايم، دورنوقلى.
 ساپلى تگلك آلت، قارينگ راشد *rāshed*: [ع.] دوغرى يول تاپان،
 اوستينده يوريمک اوچين کؤوشه دوغرى يوله کيرن، دوغرى يوله
 دانکيليان آبزال، و همده بير هيلي کيدن آدام.
 موشک. راضى *rāzi*: [ع.] خوشحال، اراضى،
 راکد *rāked*: [ع.] دينچ و برک و شاد، کونگل خوش.
 پوختا و بير یرده قايم بۇلۇپ راغب *rāqeb*: [ع.] ميل اديجى، ميللى
 دوران، قيميلاسيز، توغتايش، کؤنکولجنگ هوسلى.
 ياتا، دورغون. رافىز *rāfez*: ا.فا. [ع.] ترک اديجى،
 رام *rām*: ص. يواش، اورانيشن، داشا ساليجى، رفاض جمع.
 اکدى اديلن، بويون بۇلان، بويون اکن. رافع *rāfe'*: [ع.] کوتاريجى، يۇقارى
 رامش *rāmeš*: ا.م.ص. مخفف. قالديرىجى، بلند درجه چيقاريجى.
 آرامش، راحتليق، فراقتليق، راقص *rāqes*: ا.فا. [ع.] اويونچى
 دينچليق، غالاقوپسيز، وينه اوينايىجى، اويون رقص اديجى.
 خوشليق، شاتليق، آيديم، ساز راقم *rāqem*: ا.فا. [ع.] يازىجى، کتاب
 آواز. يا نامه يازىجى.
 رامى *rāmi*: [ع.] زينگىجى، آتيجى، راقى *rāqi*: ا.فا. [ع.] يۇقار چيقيجى،
 اوق آتيجى، اوق و داش آتيجى، اوقواقان، يوقار علم بيليم آلان،
 رماه و رامون جمع. رقاۋة جمع.

رامی rāmi: ا. [انگلا] بیر هیل اویون
کۆرنوشی.

رامی rāmi: ا. [فر] بیر هیل اوزین
اوت، بویی اوچ میتره بیتان اوت و
همده یوپه که ده منکزش یؤمشاق
نأرسه کارخانه لارده اوندان
پارچه دوقولیار.

رامیار rām-yār: ا.ص. چوپان،
چولوق.

ران rān: ا. بؤت.

راندمان rāndemān: ا. [فر] پیدا، نپ،
ایشدن اوویریپ بریان نفی، بیر
دستگاهده صرف بولیان گویچ،
بریان و گۆرکزبان پیداسی.

راندن rāndan: م.ص. یانینگدان
قاوماق، گیتماکه مجبور اتمک، یولا
سالماق.

راننده rānande: ا.فا. سوریجی.

راوی rāwi: [ع.] روایت ادیجی، نقل
ادیجی، بیر سوزی و خبری
بیریندن آیتماق.

راویز rāwiz: ا. تیکنلی اوت، یانداق.

راه rāh: ا. یول، یوده.

راه آورد rāh-āward: ا. سوغات.

راه آهن rāh-āhan: ا. دمیر یول.

راهب rāheb: ا.فا. [ع.] قورقایجی،
دنیا نی ترک ادن، مسیحی لرینک
روحانی عابدی.

راهبان rāh-bān: ا.ص. یول
ساقچی سی، یول ساقلا یجی.

راهبر rāh-bar: م.ص. یولباشچی، یوله
سالیان، بیرینی یوله سالیان. آداما
یول گۆرکزبان.

راه پیما rāh-peymā: م.ص. یوله
کیدیان، یولاغچی، ییلدام آط،
یوریک. راه پیما یی: یؤل یؤروشلی.

راه جو rāh-ju: م.فا. یول تاپیجی.
راه خفته rāh-e-xofte: ا.ص. کنایه
سوزیندن اوزاق داش یول، صاف
یول.

راه دار rāh-dār: ا.ص. یول
ساقچی سی، یولینک باجینی آلیان
آدام.

راهرو rāh-raw: ا.وتولکه، کچلکه،
گذر.

راهزن rāh-zan: م.ص. یول کسن،
قراقچی، چوله بیابانده
یولاغچی لرینک اونگونو توتوپ

وهمده غلام، قوللوقچی قول و بنده
دییپده آیدیلیار.

رای rāy: ا. عرب دیلی نینگ رای
سوزیندان آلینان فکر، اوی، عقل،
عقیده، همده یول یورالکه
معنی سینده.

رای rāy: ا. [هنا] راجه، قدیم
زمان لارده هندوستان
پادشاهلارینا، وزیر وکیل لرینه و
حکمدارلارینا بریلن لقب و آد.

رایت rāyat [ع]. بایداق، پرچم، توغ،
غلامت، بلکی، قشون بایداقتی.

گۆز بیلن گۆرمه، خود اوز گۆزونگ
بیلن گۆرمه.

رایج rayej: ص. [ع]. یورگین، روا،
پول یا زادینک آلیجیسی، یعنی
خریدارلینگ بولماقلیغی.

رایزن rāyzan: ص. فا مصلحتچی،
بیر ایش حقده مصلحت سورالاندا
مصلحت بریان آدم، مستشار،
کنگشدار.

رایش rāyesh: ص. [ع]. آراچی، پاره
آلیجی بیله بریجی آراسینا
دوشیان.

زادینى تالایان، تالانکچی، یول
اورییجی، قـالـتـامـان، و
یولاغچی لارینگ یولینده اوتوریپ
مالینى تالایان اوغرى.

راه سازی rāh-sāzi: ا. مص. یول
بجرمک، یول بجریجی لیک، یول
یاساماق.

راهگذر rāh-gozar: ص. یولاغچی،
مسافر همده کچیت، کچلکه،
کچیلیان پول معنی سینده هم
کلیار.

راه گشا rāh-goša: ص. فا. یول
آچیجی، یول کینکلدیجی.

راهنما rāh-namā: ص. یول ایز
گۆرکزجی، یولا سالیجی، بلد،
رهبر، یولباشچی، یول گۆرکزمه.

راهـنـمـائـی rāh-namāi: یول
گۆرکزیمک، دوغرى یول سالفی
برمک، یولباشچی لیق اتمک،
گۆنوکدیرمک.

راهنورد rāh-naward: ص. فا. پیاده
یوللاقتی، ساوچی، قاصد.

راهی rāhi: ص. کیدیجی، یولا،
دوشن، یولاقچی، یوله کیدیجی

رایگان rāygān: ص. [ع.] موغت،
پولسيز، اله گلن زات، موغت اله
گلن زات، عوض سيز اله گلن،
رایگان.

رناليسټ reālist: [فر] دوغرى نينگ
طرفدارى، دوغرىنى آغترىيان،
دوغرى ليغى بير كم سيز ادب
گوركمزه، حقينگ طرفدارى،
رناليسم مکتبینه. ایه ريان آدم.
رأس [ع.] باش، باشلىق، قومونگ و
طايفانينگ باشلىغى، بير زادينگ
باشى، بير زادينگ بييک ليکينگ
اوستى و زادينگ اولى.

رأس المال [ع.] سرمايه، اصل مال،
مايه.

رأى ra'y [ع.] اوى، فکر، عقیده،
اينانچ، سس (انتخاباتدا، سايلالو يا
سچكى ده) آراء جمع.

رؤيا ro'yā: [ع.] آدمينگ اوقيدا
گوريان زاتلارى، دويش، خيالات.
رئوف [ع.] رحمتلى،
محببتلى، مهرلى، مهربان،
ايسنيشيقلى.

رويت ro'yat: [ع.] گورمك،

گوريشمك.

رئيس [ع.] باشلىق، دسته باشى،
طايفانينگ باشلىغى، اداره
باشلىغى.

رب rab(b): [ع.] خداى تعالى، الله
تعالى، يارادان. رينا rabbanā:
خدايميز، تانگريميز.

ربا rebā: ا. [ع.] پول قرض برن
آدمينگ قرض آلان آدمدن آليان
پيداسى، نفى، ربا.

رباب rabāb: [ع.] بولوت، آق بولوت
واحدى ربابه.

رباعى robā'i: [ع.] دورتلىك، دورت
زاددان عبارت بوليان زاده، عروض
علمينده دورت سطردين دوزيليان
شعر، اونونگ برينجى، ايکينجى و
دوردينجى سطرلرى اوز آرا
قافيه لاشار.

رباعيات robā'iyāt: [ع.] انسانينگ
دورت ديشى، رباعيه نينگ جمعى.
ربانى rabbāni: [ع.] رب سوزونه
باغلى يعنى خدايلىقلى، صوفى
عابد و عارف، خداى ليقللى، تقوا
آدم، علم دينينده ربانيون و

- ربانین جمع. قمری ییلی نینگ دوردینجی آیی،
ربط rabt: [ع.] باغلاما و سبشیرمک،
سبشیرگی لیک، باغلانیشدیرما،
بیریکدیرمه.
- ربع 'rob: [ع.] دورتدن بیر، چاریک،
هر زادینک دورتدن بیر بوله کی،
ربوع جمع. ربع مسکون: انسانینگ
یاشایان یری بۆلن، یر
شاری نینگ همه بولکلری، یر
شاری نینگ دورتدن بیر بوله کی
ربع مسکون هم دییلیب دیر یر
شاری نینگ دورتدن بیر بوله کی
یر توفراق.
- ربع 'rab: [ع.] اوی، سرای، اوبه.
ربودن robudan: مص. بیر زادی
زرنګلیک و چاققان لیق بیلن بیر
یردن کوتریپ کیتمک، اله سالماق،
اوغورلاماق، الپ قاقماق، الیندن
آلیپ قاقماق.
- ربیع 'rabi: [ع.] یان، بهار فصلی.
ربیع الاول rabi'ol-awwal: [ع.]
هجری قمری ییل حسابی نینگ
اوچونجی آیی.
- ربیع الثانی rabi'ossāni: [ع.] هجری
قمری ییلی نینگ دوردینجی آیی،
ربیع الاولدن سونک.
- رپورتاژ reportāž: [فر]
خبرچی نینگ ییغنايان خبرلاری،
خبرچی لیق، خبرچی.
- رتبه rotbe: [ع.] درجه، مرتبه مقام،
اورون، رتب جمع.
- رتبیل ratbil: ا. قدیم سند و کابل
پادشاهلار داقیلیان آد بولمالی.
- رتق retq: مص. [ع.] باغلاماق،
تیکمک، آچماق.
- رتوش rotuš: ا. [فر] تیمارلاما، الدن
کچیرمه، بجرلن سونک تیمارلاما.
- رجال rejāl: [ع.] ارکک آدملار.
- رجال rojjāl: [ع.] جمع راجل پیاده،
معنیده.
- رجال الغیب rejāl-ol-qayb: [ع.] ا. مر.
غایبداکی آدملار، اولیالار،
مقامدار، توره.
- رجاء 'rajā: [ع.] امیدلی، امیدګارلیک،
امیدلی لیق، طما. خواهیش
- رجب rajab: [ع.] هجری قمری ییل
حسابی نینگ یدینجی آیی.
- رجحان rojhān: مص. [ع.] کوپ

گلمک، آرتماق، فرقلیق،

آرتیق‌لیق، آرتیقماچ‌راق.

رجوع 'roju: مص. [ع.] اوویریلیمک،

دولانماق، یانگادان گلمک، قایدیپ

گلمک، یوز توتماق، یوزلنمک،

ارکک آدمینگ طلاق برن عیالینی

عدة دولماقا یانگادان آتماق‌لیغی.

رجیم rajim: [ع.] داشلانان، داش

زینگیلان، قاویلان، قارقیشلانان،

قارغالان، ملعون، ابلیس، شیطان.

رحلت rehlat: [ع.] گوچمک، بیر

یردن باشقا بیر یره گیتمک،

یولاقچی‌لیق، مرگ، اولوم، اولمک،

آرادان چیقماق.

رحمان rahmān: [ع.] باغیشلاچی،

مهربان، خدای تعالی‌نینک

آدی‌نینک بیرری، رحمن دیبده

یازیلیار.

رحمت rahmat: مص. [ع.] یوقا

یوراکی، یومشاق کونگل‌لی،

همراقلیق، باغیشلاماق.

رحم rahm: [ع.] مهربانلیق، یورهک

یومشاقلیق، ایسنیشیق‌لیق،

قینانچلی دویغی داشلیق، شفقت.

رحم rahem: [ع.] عیا

اوغلان یاتغیسی، رحمی،

قارینداشلیق، قوم خویش‌لیق.

رحیم rahim: [ع.] باغیشلاچی،

ایسنیشیق‌لی، مهربان، رحم‌لی،

مهرلی.

رخ rox: ا. یوز، یوزکشب، یانگاق.

رخ rax: ا. ایریک، اینچه دیلک،

چیزیق، یاریق.

رخ rox: ا. شطرنج اویونینگ

مهره‌لارینگ بیرری.

رخت raxt: ا. گیمیم گیمیم، اکین

اشیک، اوی اسبابی، عرب دیلینده

آطینگ ایه‌رینه هم آیدیلیار، جمعی

رخوت.

رخت بریستن raxt barbastan:

مص. ل. یول آزیغینگی باغلاماق،

سفر اتمک، یوله دوشمک.

رختخواب raxtexāb: ا. مر. یورغان

دوشک، یاتیلما اسبابی.

رخت شو raxt-šu: ص. فا. اکین

اشیک یویان.

رخسار roxsār: (= رخساره) ا. یوز،

کشب، یانگاق.

رخشان raxšān: ص. فا. یالديرايوق،

یالپیلداویق، یاغتی.

رخصت roxsat: [ع.] باغیشلايش،

آنکساتلیق و هم اجازه، ینگیلیک،

اورسغات معنیده، بیر زات بارادا

آلنان یاده بریلن اختیار.

رخنه raxne: ا. دشیك، دیلیك، یاریق،

آیریق، دیوارینک آراسی نینگ

یاریفی.

رخنه roxne: ا. كاغذ.

رد rad: ا. بلگی، این، نشانا، اثر.

رد rad: ص. جومارت، باتیر،

غایراتلی، عقللی، دانا، ردان جمع.

رد rad(d): [ع.] اوویریپ برمک،

ایزینه برمک، قایتارماق.

رداء redā: [ع.] دون، اکین اشیکینگ

اوستوندن گیلیان اشیک-دۆن.

رده redde: [ع.] دیندن دائن، دیندن

چیقان، مرتد بۆلآن پیغمبریمیز

رحلت ادن سونگ ابوبکر زمانیندا

اسلام دینیندن یوز اوویرنلار.

رده rade: ا. خاطر، صب، درجه،

اورون، سیرغیش، کیریش.

ردیاب rad-yāb: ا. ایزارلایجی،

ایزچی، ایبرجی.

ردیف radif: [ع.] ایزلی ایزینه، بیرى

نینک ایزینه دورماق، ایزلی ایزینه

صف چکیپ دوران، بیرناچه زات

یا آدام سیرغین، حاتار، ایزلی

ایزینه سیراش دورماق.

رزاق razzāq: [ع.] رزق — ریحی،

ایرسغال یتیریان، الله تعالی نینگ

آدی نینگ و صفتی نینگ بیرى.

رزیان razbān: ص. قراویل، ساقچی،

باغبان.

رزرو rezerw: ا. [فر] ذخیره،

آرتدیریپ سویشورمه، تابشرغی

مغنیده هم اولانیلیار، زکاز اتمه.

رزق rezq: [ع.] گوندهلیک ایمیت، بیر

گونکی ایجک ایمیتینگ، ایرسغال.

رزم razm: ا. اوروش، ساواش.

رزمگاه razmgāh: ا. م. ساواش

میدانی، اوروش میدانى، رزمکه

دیده آیدیلیار.

رژه reže: ا. سربازلارینگ قاوی

اونکات تأرده صف قوریپ

پادشاهلارینگ و امرالارینگ

قارشى سیندان خطار گچمه کی.

رژیم reżim: ۱. [فر] قاعده، دستور،

یورالکه، حکومت طریقه‌سی، سیاست یولی یاشایش اوغری و دکترینگ ناخوشه ایمیت و پرهیز حقه بریان دستوری.

رسا rasā: ص. فا. یترلیکلی، یتیملی،

یتیشیان، یوقاری کوپ دوشونجه‌لی، یاراشیقلی.

رسالت resālat: [ع.] سارغیت اکیتمک، پیغمبرلیق.

رساله resāle: [ع.] خط، کتاب، یازغی علمی ایش حقه یازیلان، کتابچا رسائل و رسالات جمع.

رساندن rasāndan: (= رسانیدن)

مص. بیر زادی بیرینینگ الینه قاوشیرماق، یتیرمک، بیرزادی بیر زاده یاقین لاشدیرماق، و همده یتیشدیرمک، کامل لشدیرمک معنی ده گلیار.

رسانه rasāne: ۱. مطلب یا خبرلاری

آدملارینگ قولاغنه یتیرمه، رادیو تلویزیون یا روزنامه یالی زادینگ اوستی بیلن.

رسانه rasāne: ۱. اوکونچ، قایفی

غصه.

رستگار rastgār: ص. آزاد، ارکین، دینان، نجات تاپان، آسوده.

رستم rostam: ۱. ۱. قوجیرلی، یوغین، اوزین، ۲. ایرانینگ اولی پهلوان لاری نینگ بیر.

رستوران resurān: [فر] ناهار خانه، ایمیت ایییلیان جای.

رسم rasm: [ع.] نشان، بلگی، علامت، این، یره و یا بیر زادینگ یوزونه چکیلیان شکل یا خط، کاغذینگ یوزونه صورت یا خط چکمک، و همده یول، یورالکه عادت معنیده، دوزگون ترتیب عادت، داپ دستور.

رسوا rosawā: ص. آبرای سیز، بدنام، بیرینینگ یارامازدن ایشی بیلنپ ایل آراسیندا آبرایدان دوشوپ شرمنده بولماق لیفی، مسخره آبرای سیز

رسوب rosub: مص. [ع.] اته‌که چوکمک، سووا چوموپ گیتمه.

رسوخ rosux: [ع.] برک، ماکام‌لیک، قایم‌لیق، پوغت‌لیق، آرلاشمه،

سوقولما.

رشت rašt: ا. قوم، توپراق، توت
توزدان.

رسول rasul: [ع.] ایبرلن،

رشته rešte: ا. خمیردان ادیلن اونلی
آش شکلینده ادیب کسمک و اونلی
بوغداي دان رشته ادیب قوریدیپ
ناهارا آتماق.

بیری نینگ سارغیدی آیری بیرینه
یتیریان آدم، پیغامبر، خدای تعالی
طرفیندان ایبرلن ایلچی.

رسوم rosum: [ع.] رسم لر، دابلر،

رشته rešte: ا. ناخی، یوب، تار.

دستورلار، یول، یوردالار،
دوزگون ترتیب.

رشد rošd: مص. [ع.] دوغری یولا
دوشمک، گمراه لیقدان چیقماق، و
همده دوروملی و جیداملی لیق،
اولالماق، ترقی.

رسیدن rasidan: مص. کلمک،
اؤلاشماق، یاقینلاشماق،
قاویشماق، بیرزات اله کلمک، بیر
زاده یتیشمک، بیشمک، میوه
یتیشمک.

رشد rašad: مص. [ع.] دوغری یولا
کیتیمک، گمراه لیقدان چیقماق،
دوروملی لیق.

رش raš: ا. دفه، اویشمک.

رشک rašk: ا. غایرات، گؤریپ لیک،
بخیل لیق، ایچی قارالیق.

رش raš: ا. ارج، اولچک، بارماق بیله
ترسک آرالیغی.

رشمه rešme: ا. اینچه طناپ، یوب.

رش raš: عادل، زردشتی دأبینه
عدالت فرشته لی.

رشوه rešwe: [ع.] پاره، نادوغری

رثی raš(š): مص. سوؤ سرپمک.

ایش اتمک اوچین یادا بیری نینگ
حقنی کور ادیب یانددیرماق، و نا
حق حکم برمکلیگی اوچین بریلیان
پول یا زات، فارسی ده بلکفد و
بلکفت هم آیدیلیب دیر.

رش raš: ا. رخس، ایرانینگ پهلوانی
رستمینگ رخس آدلی آطی.

رشید rašid: [ع.] دوغری یول تاپان،

رشادت rašādat: [ع.] باتیرلیق،
قوجورلی لیق، غورپلی لیق،
ادرمن لیک.

اوسن، باتیر، آزاد، کامیل لاشان

دوغری یول سالغی بریان.

رشیق rašiq: [ع.] سیرتلی، بویی

سیراتلی آوادان، گولار یوزلی،

گۆرنوکلی، اون ایکی اندامی میسر.

رصاص rasās: [ع.] قورشون.

رصد rasad: [ع.] یول یوردا، ساق،

قراویل، بولک قراویل لار.

رصد rasad: مص. [ع.] بیر زادا نظر

سالیب و اونگا سر اتمک.

رضا rezā: مص. [ع.] شادلیق،

خشنودلیق، راضی لیق، کونگلی

خوشلیق.

رضاعت rezā'at: مص. [ع.] چاغانک

انه سینینگ امجکیندن سویت

اممه کی.

رضایت rezāyat: [ع.] راضی لیق،

خشنودلیق، کونگل خوش لیق.

رضوان rezwān: [ع.] خوش بۇلماق،

خوشحال لیق، و بهشت و جنت

معنی ده آیدیلار و همده بهشتینگ

ساقچی سی، قافی ساقلایانی

دیپده آیدیلار.

رضوی razawi(y): [ع.] رضا باغلی،

و همده مدینه ده بیر داغینگ آدی.

رضوی razawi(y): [ع.] رضا سۆزه

باغلی لیق، خوش آدم، شاد آدم،

ارضیا جمع.

رطب rotab: [ع.] تازه خرما.

رطل rotal: مص. [ع.] عجیز حال سیز،

یاغدا ی سیز آدم یتگنچک اینچه

ساغیت و همده یاغدا ی سیز قارری

واحمق آدم.

رطل ratl: [ع.] اولچک قورالی.

رطوبت rotubat: [ع.] اول بۇلماق،

چیغ لیق، اول لیک، ایزغارلیق،

ایغال لیق، ترلیک. تازه لیک.

رعایت ra'āyat: [ع.] قویون و

قارامالی اوتلاتماق، ساقلاما لیق

و ساقچی لیق، ایده گلیک،

مهربان لیق، بیرینینگ، ایشینه

یتیشمک لیک، ایسنیشیق.

رعب ro'b: مص. [ع.] قورقماق،

حواتیر اتمک، خوف اتمک.

رعد ra'd: [ع.] گونگ گورریلدی سی.

رعناء ra'nā: مص. ن. نادان و سست،

عجیز، اوزین بزآن عیال، فارس چه

سیرتلی، گۆرنیکلی گۆزل آوادان

عیال معنیده.

آراسسالایان، سیریپ سوپیریان

رعیت ra'iyat: [ع.] بیر بولک جماعت

آدم، شهرداری نینگ سپوری.

باشلیغی و ایش دولاندریجی سی

رفتن raftan: مص. گیتمک، یوله

بۇلان بیر توپار آدملا، بیر ملکلی

دوشمک، اوتمک، گچمک، گوچمک،

آدمینگ قول آستینده ایشلایان

یوزبه یوز گلمک. رفت و آمد:

تایخانلار.

کیدیب گلیش، قاتناشیق، باریش و

رغبət raqbat: [ع.] اراده، آرزو، میل،

گلیش

ایسلک، هووس.

رفراندم refrandom: ا. [فر] بیر ایش

رغد raqad: مص. [ع.] یاغشی

بتیرمک اوچین کوپچلیگینگ

یاشایشه اوچران، یاشایشی

فکرلرینی و عقیده لرینی اله

خوش بۇلان، بایان.

گتیرمک مقصدی بیلن خلقه

رفاقت refāqat: [ع.] دوست بۇلماق،

یوزلنمک، یوز توتماق، عمومی

یولداشلیق اتمک، همرالیق،

سوراغلیق، سس سۇراماقلیق.

یولداشلیق.

رفرم reform: ا. [فر] دوزاتمہ،

رفاه refāh: [ع.] راحتلیق، دینجلیق،

اویتگتمہ، بیر زادینگ یا ایشینگ

عیش عشرتلیق، قاوی گچیرمک

دورمیشینی، بیر قورالشیغینگ

لیک، خوش گچیرمکلیک، صفاده

دورقونی تیمارلاماق و بجرمک.

یاشاماقلیق باغتی یارلیقه

رفع raf: [ع.] کوترمک، بلندہ

رفتار raftar: ا. مص. یول یوردا،

قالدیرماق، یۇقاری اکیتمک، آرادان

اوغور، عادت، یونگ، اوتوریب

آیرماق. رفع مشکلات: قین

توریش، قیلیق، حاصیت، اؤزینگ

-چیلیقلاری، آرادان آیرماق.

آلیپ باریشلیق.

رفوزه rofuz: [فر] قبول

رفتگر roft-gar: ا. مص. کوچلری

ادیلماسیزلیک، ساقلانماق،

سىناغدان كچمان قالماق،
كچيرلمەسىزلىك، امتحاندىن
قالدىرما.

رفيع 'rafi': [ع.] يۇقارى قالدىرما،
يۇقارى كۈتەریش، مرتبه، بلند
درجه، اورون، بىك مرتبه.

رفيق 'rafiq': ص. يار، دوست، همرا،
يۇلداش.

رقابت 'reqābat': [ع.] ساقچىلىق
اتمك، قاراشماق، گۇز اتمك،
گۇرىپلىك اتمك، گۇز قارالتمان،
باسداسلىق اتمك، يارىش.

رقاد 'roqād': مص. [ع.] ياتماق،
اۇقلاماق.

رقباء 'roqabā': [ع.] باسداسچىلار،
قاراويللار.

رقت 'reqqat': [ع.] نازىكلىك،
يوشماقلىق، مهربانلىق،
ايسنىشىقلىق.

رقت انگيز 'reqqat-angiz': ص. ف.ا.
يوراك آويماق، رحمىنگ گلمك،
يوشماقلىق، اوتانچ.

رقص 'raqs': تانس، اۇيۇن.

رقم 'raqam': [ع.] خط، يازغى، سان،
سۇرت، ارقام جمع.

رقيب 'raqib': ص. [ع.] قراويل،
ساقچى، ياساويل، ساقلايچى،
قاراشىق، باش داش.

رقيق 'raqiq': [ع.] نازىك، اينچه،
يوشماق، سوويق.

رك 'rok': ص. دوغرى كپ، يوزە
قالمان آيدىليان سون، پروايسىز
آيدىليان كپ، باسسور بوسورسىز
آيدىليان سون، يوز گۇرمە-
سىزلىك.

ركاب 'rekāb': [ع.] اوزانكى، آطينك
ايهرينه باغلانليان دميردن اديلن
حلقة، آطا مينىلجك بۇلناندا آياق
باسىپ مينىليان قۇرال.

ركاكت 'rakākat': مص. [ع.] سوس
بۇلماق، عجىزلك، عقلسىز
بۇلماق.

ركانت 'rakānat': مص. [ع.] قايم
بۇلماق، ماكام بۇلماق، بوختا
بۇلماق، دورىملى بۇلماق،
آغىرلىق، بركىلك.

رکعت rak'at: [ع.] نمازینک بیر

انگلیمی، نماز اوقالاتدا بیر کزهک
انگیلیپ قالماق.

رکلام reklām: [فر] ایغلان،
بیلدیریش.

رکن rokn: [ع.] هرزادینک اولی و
گویجلی بولاگی، اوندان گویج
آلینپ همده اونکا دایانلیان
اساسی عضو، اساس، پایه،
ستون، اولی ایش، هر قومینک
باشلیقی و هرمتلی آدامسی.

رکود rokud: مص. [ع.] دینج آلماق،
دورغوئلیق، یل اوسماگی
یاتماگی، یاغین نینگ دینماگی، اوز
یرینده دورماق.

رکورد rekord: [فر] یاریشده
یوقار ینگیش قازانان، بلند اورنی
قازانان، بلند اورنا ایه بۇلان.

رکوع roku': [ع.] انگیلک، نمازده
الینگی دیزینکه، یتیریپ انگیلیپ
دورمه.

رکیب rakib: [ع.] آطلی و یا دویا
آردلاشیقلی آردلاشیپ مینن.

رکیب rekib: [ع.] اوزانگی.

رکیک rakik: [ع.] قاوشاق، کم عقل
همتی آز، پیس سون، بولفی سیز
سون، یارامان کپ، پاییش سون.

رکین rakin: [ع.] ماکام و برک،
قورس، برقرار، دوریملی، پوختا.
رگ rag: [ع.] دامار، آدامینک
اندامی نینگ داماری.

رگبار rag-bār: [ع.] گویجلی اما
دوامسیز یاغین، دولی ایری
دامجلی قاتی یاغین، و همده
آتیشیقده مسلسل یاراغی بیل
ایزلی ایزینه آتماق معنیده.

رگبرگ rag-barg: [ع.] یافراقلاردا
بۇلان دامار، یافراغینک آراسینده
بۇلان دامار، منکزاش خطلاری،
دامار یالی، آغاجینک یافراغی
یالی.

رگبرگ شدن rag-be-rag šodan:
مص. ل. دامارینک دوویلماکیندن یا
بیل بیقینماغیندان عمله کلیان قاتی
آغیری.

رگلاتور reglātor: [فر] ماشین

آلات لاری ترتیبه سالیجی آبزال.

رگلاژ: reglāž: ۱. [فر] خط

چکمکلیک، سازلاماق، ماشینینگ

دورلی بولیملری نینگ ایشینی و

حرکتینی ترتیبه سالماق.

رل: rol: ۱. [فر] دفتر، لوله، عمل نوبت،

تاترلاردا آرتیستلارینگ اوینایان

نقشی.

رل: rol: فرمان، ماشین دوغری

گۆنیکدیریان آبزال.

رم: ram: ۱. سوری قویون.

رم: ram: ۱. مص. قورقیدان قاچماق،

بیكرانج.

رم: ram\rom: ۱. آغیز ایچی.

رم: rom: ۱. [فر] نسیشکرینگ

ایچی سی.

رماتیس: romātism: ۱. [فر]

سونگک لرینگ بوغونی یعنی

سونگکونگ بیریکیان یرنینگ

آغیرسی، آیاق ال اعصاب قاتی

آغیریپ یورابیلیمیان ناخوشلیق،

یان و بیل آغیری.

رمال: rammāl: [ع.] آوینجا

داشلار، جمع رمل.

رمال: remāl: [ع.] آوینجا داش

ساتیان، فال آلیان، فال آلیجی،

فالچی.

رمان: ramān: ص. [ع.] قاچاقلاما،

قورقاق، اورکک، تاساماق.

رمان: rommān: ۱. [ع.] نار، نار

آغاچی، واحدی رمانه.

رمان: romān: ۱. [فر] داستان، حکات،

ارته کی.

رماتیس: x. رمان یازماق لیغینگ

تأزه اصولی تأری، رماتیک

یازیجی لرینگ اصولی، ۱۹. نجی

عصرینگ باشلارینده فرانسه ده

انگلستان ده تاپیلان تأزه ادبی

اصول. اول اصول قدیمی کلاسیک

ادبیاتینگ دابلرینی کناره قویوپ،

اولاری اوکیتمان، تأزه بر اصولی

یولا بریلیار.

رمانی: rommāni: ص. ن. رمانه

باغلی بۇلان، نارینگ دانه سینه

منگزش یاقوت.

رمیدن: rombidan: مص. ل. خراب

بۇلماق يېقىلماق، يامى خراب
بۇلۇپ دۇكولمك.

رمز ramz: مص. [ع.] اشاره اتمك، ايم
اتمك، گۆز قاش، ال دوداق بيلن ايم
اتمك.

رمز ramz: [ع.] اشاره، ايم، گيزلين
سير، هيچ زات دوشونيلميان
آيراتين ايم اشاره.

رمس rams: مص. [ع.] گوممك
بيرزادى، اورتمك و گيزله مك يره
گوميپ ياشيرماق.

رمس rams: ا. [ع.] گۆر قبر، توپراق،
يووش سس رموس و ارماس
جمع.

رمص ramas: ا. [ع.] گۆزىنگ
قىرالارينده يىغنانيان آق چرك.

رمضان ramazān: [ع.] قمرى
يىل نىنگ دوقزىنجى آيى، آرازه
آيى، رمضان آيى.

رمىق ramaq: قالان جان، گويچ قوات،
زور طاقت، آز مقدارده بۇلان
ايميت، سونكى دم.

رمىق ramaq: ا. [ع.] رمه فارسچه،

سورى قويون.

رمك ramak: [ع.] جمع رمكه،
اورباليق آط، قوززاتماق اوچين
ساقلاڭلىيان بايتال.

رمكان ramkān: ا. روم، يميز غيلى،
يوقا يره بيتيان غيل، رمكان و
زمكان دييده آيديارلار.

رمگا ramgā: ا. بايتال.

رمل raml: ا. [ع.] قوملاق، آوينجاق
داش، شين و ماسه و همده بير
نيچه آدم لارينك عقيده سينه گؤرا
رمل بيله طالع گؤروپ اونگيندن
بير زات آيتماق و فال آتيب
اونگيندن بير زات آيتماق اوچين
ايشلننن آبال.

رموك ramuk: ص. اوركك حيوان،
ال گؤرماديك.

رمه rame: سورى، سورى قويون،
آط، ديه.

رمىدن ramidan: مص. اوركمك،
قاچماق، قورقوب قاچماق، تسمك،
تازيغماق، تاساماقت.

رميم ramim: [ع.] چويران كونه،

چویران سونگک.

رنج ranj: ا. درد عذاب، اینجی

آغیری، ازا، محنت.

رنج آور ranj-āwar: ص. فا. آزار

کتربیجی، کۆرکی کتربیجی، عذاب

سبب بولیان، اینجیدیجی.

رنجانندن ranjāndan: (= رنجانیدن)

م. ص. ازا بزمکه، آزار بزمکه،

اینجیتماق، عذاب بزمکه، کونگلونه

دکمک.

رنجبر ranj-bar: ص. فا. رنج

چکبیجی، عذابا قین چیلیغا جیداملی

بۆلان.

رنج دیدن ranj didan: م. ص. ل.

عذاب گۆرمک، آزار کورمک،

محنته آغیر یاغدایا سزاوار بۆلان.

رنجر renjer: ا. [انگلا] جنگلینگ

دوزکینینی یولا بریان مامور یا

کامیده کوپلانچ آیدیلیانی گویچ

قواتدان دولی بۆلۆپ ارتشده هر

بیر قین چیلیقدان جنگل یالی داغ

یالی یوللاردان اوتماکه چپر

چیلیکی مهارتی بۆلان سربازلره

خااصلانیار، فارسیده تکاوار

دیلیار.

رنجیدن ranjidan: م. ص. اینجیتماق

کونگلینگه دگیلمک، گۆوینی

قالماق.

رنده rend: ص. زرنک، حيله گار، کله

پروای، قورقمازاق.

رنگ rang: ا. بویا، غور، داش

گۆرنوشیندن گۆزه ایلیان زات

ساری قیزیل، قره قیزیل یالی

معدن دان یاده اوسوملیکدان یاده

شیمیائی عمل بیلن اونته (پودر،

گرد) و سوویقلیق (مایع) شکلینده

طیارلانیلیان و نقاشی لیقده، رنگ

اورمقده پیدالانیلیان اولانیلیان

ماده و همده حيله، پیدا نفع معنیده.

رنگ آمیز rang-āميز: ص. فا.

رنگلری قاتیشدیریان. رنگله مک:

رنگ اورماق بیر جایا و یا بیر

زادی سیرلاماق.

رنگارنگ rang-ā-rang: ص. مر.

دورلی دومن، آل الوان رنگده

بۆلان رنگبه رنگ معنیده.

- رنگ پریده rang-paride: ص. مر. یوزی گۆزی اونککی طبیعی یاغداي دان آیریلان، اوچمک قورقیدان یا نا ساغلیق ویا باشغا سبابه گؤرا اویتمک.
- رنگریزی rang-razi: بویاقچی لیق.
- رنگ رو rang-e-ru: ا. مر. یوز کشب قایغی دا ویا شادلیقدا و یا ناساغلیغی گؤرکزمکی.
- رنگین کمان rangin-kaman: ا. مر. عالم قوشار.
- رو ru: ا. یوز، صورت.
- روئیدن ru'idan: (= روییدن) م. ص. گوگرمک، چیقماق، یردن دوموپ چیقماق، اوسمک اوسیملیگینگ یردن گوگریپ چیقماقی.
- روا rawā: ص. یورگون، جایز، یورگیر، یاراشیقلی، گلشیکی، دوزوم.
- روابط rawabet: [ع.] آرا قاتناشیقلار، هووس میل، ایکی زادینگ آراسینداکی باغلانشیقلار، ایکی زادینگ و یا ایکی آدمینگ بیر بیرینه بۇلان علاقەسی، (بیرلیک سانی: رابطه).
- روات rowāt: [ع.] روایت ادیجی لر، جمع راوی.
- رواج rawāj: م. ص. [ع.] رواج یاراشیقلی، یورگونلی، پول و یا مالینگ یوروپ دورماغی، رواج، اونگینه بۇلان، شاولی، آماتلی، اونگایلی.
- روادید rawādid: ا. مر. دولت ماموری نینگ پاسپورت یالی زادینگ یوزونه قول چکمهکی، ویزا.
- رواس ra'-ās: م. ص. [ع.] «را آس»: باش ساتان، کله ساتان، کله بشیریان.
- رواق rewāq: ا. [ع.] جاینگ اووی، اونگی، سایبان، ایوان.
- روال rowāl: [ع.] آغیز سؤوی، مالینگ آغیز سؤوی.
- روال rawāl: ا. تازه یورگینلی بۇلان سوزلردن: یورالکە اصول نظم، ترتیب، دوزگون معنی سینده اولانیلیار.

- روان rawān: ا. جان، روح، انسانینگ روحی.
- روان rawān: ص. فا. آقیجی، کیدیجی، سۇلاق، آقارسۇ، آقیم.
- روان بخش 'rawān-baxs': ص. فا. روح بریجی، روح باغیشلائیجی، روح لاندیریان، روح لاندیریجی.
- روانپزشک rawān-pezešk: ا. ص. دالی و روحی ناراحتی لیق لاری بجریان معالجه ادیان دکتري.
- روان ساختن rawān sāxtan: مص. [ع.] یولا سالماق، آقديрмаق، ایبرمک.
- روان شاد rawān-šād: ص. مر. اولان آداما حرمت سوزندان آیدیلیان گپ.
- روان شدن rawān šodan: مص. ل. گیتمک، یولا دوشمک، آقماق، سوونک آقماغی.
- روان شناس rawān-šenās: ا. ص. آدام لارینگ روحی تاییدن دورمیشینی آنکیان، بیلیان آدام، روح تانیجی لیق.
- روانه کردن rawāne kardan: مص. م. یولا سالماق، ایبرمک، یولا دوشیرمک، اوغراتماق.
- روایت rawāyat: [ع.] مص. خبر یا حدیثی نقل اتمک، حدیث و حکایت، ارتهکی، روایت.
- روباز ru-bāz: ص. مر. یوزی آچیق، حجاب سیز.
- روباه rubāh: ا. تیلکی.
- روبراه ru-be-rāh: ص. مر. تیار، یولا دوشن، اوپجین، ایشه طیار، سفره تیار بۇلماق.
- رو برگرداندن ru bargardāndan: مص. ل. یوز اوویرمک، یوز ساوماق، قهار اتمک، اویکه له مک.
- روبرو ru-be-ru: ق. ص. یوزبه یوز، قارشى کلمه.
- روبنده ru-band: یاشماق.
- روبوسی ru-busi: ا. مص. اوپمک، بیرى نینگ یوزینی اوغشاماق.
- روپوش ru-puṣ: ا. اورتگی، هر بیر زادینگ یوزینی اورتیان اورتگی پرده کییمینگ اوستیندان کییلیان

رود rud: ا.ص. یالانگاچ اوتکیلی
تاوویق.

رود rud: ا. فرزندان، قیز، اوغلان.

رو دادن ru dādan: م.ص.ل. یوز

برمک بیرینه چندن آشا یوز

برمک، چیشیرمک و

کاس لندیرمک.

رودخانه rud-xāne: اولی آقار سو.

رودربایستی ru-dar-bayesti:

ا.ص. اوتانچ حیا، بیرینینگ

خوایشی اوچین یوزه قالماق.

رودرو ru-dar-ru: ق.ص.

یوزبه یوز، قارشی به قارشی.

روده rude: ایچه که.

روز ruz: ا. گون، گوندین، دانگ

آتان دان گون یاشار آرالیقی.

روزانه ruzāne: م.ن. گونه

دگیشلی، گونده لیک، گونه باغلی

بۇلان، گوندا، هر گوندا.

روزیه ruzbeh: م.مر. شاتلی گون،

باختلی گون، باختلی یا شایش،

شادیان بخت.

روزگار ruzgār: ا. جهان، دنیا، عصر،

یوریه گیم، مثلاً دکتترلرینگ

پرستارلرینگ ایش وقتیندا گیان

مخصوص گیم لری.

روتختی ru-taxti: ا.مر. تختینگ

اوستینه چکیلیان پارچه.

روح rawh: ا. [ع.] راحت، دینچ، صفا

یا قملی شمال، یا قملی ایس،

شادلیق، ینگیش.

روح الامین ruhol-amin: ا.خ. [ع.]

جبرائیل فرشته نینگ لاقامی.

روح الله rohol-lāh: ا.م.ر. [ع.]

حضرت عیسی نینگ لاقامی، امام

خمینی نینگ مبارک آدی.

روحانی ruhāni: م.ن. [ع.] روحه

باغلی بۇلان، دین علماسی، آخوند،

دین عالمی و روح القدس جبرائیل

(ع) لاقامی.

رود rud: ا. ساز، کیرش و همده

ایچه که خاصده قدیمی ساز

قورال لری نینگ بیرینینگ آدینه ده

آیدیلیار.

رود rud: ا. اولی آقار سوو چای،

آرنا، اترک سووی یالی.

دوور، وقت، فصل، موسم.

رئیس.

روزمره ru:z-marre: ا.ص.فا. [ع.]

روستا rustā: ا.اوبا، کنت.

گونه‌لیک، هر گونه، گونه‌لیک
ایش.

روسیاه ru:siyāh: ک. یوزی قره،

گناهکار، عاصی، تلاکه یولده

روزمزد ru:z-mozd: گونه مزد کسانا.

بۆلان، ارسوا، آبرای سیز، ایسنات.

روزنامه ru:z-nāme: ا.مر. گونه‌لیک

روش raweš: ا.م.ص. یاغدا،

چیقان یازغی، گونه‌لیک چاپ
بولیان قازییات.

کۆرنوش، حال، عادت، یونگ،

رسم، طریقه، یول، یودا.

روزنه rawzane: دشیک، ایشفالانگ.

روشن rawšan: ص. یاغتی، پارلاق،

روزه‌خوار ru:ze-xar: ص.فا. آغازی

نور دوشیان یر، آچیق، عیان،

آچیق، آرازه توتمایان، آراز آیده
آرازه توتمانی آغزینی آچیان.

أشکار، آچیق، توم (قارانگی)

سوزی نینگ ترسی.

روزه‌دار ru:ze-dār: ص.فا. آغازی

روشنایی rawšanāi: ا.م.ص.

آرازا بۆلان، آرازا توتان، آغازی
بکلی آدم.

یاغتی لیق، یالقیم لیق، قارانگی دال

(تاریک) سوزی نینگ ترسی..

روزی ru:zi: ا. رزق، اریسفال،

روشن بین rawšan-bin: ص.فا. دانا

اونگالفا، اونگوشوق، گونه اییان
ایمتینگ نصیب، قسمت.

اوقیپالی، دوشینجه‌لی بیلم‌لی،

دوری فکرلی.

روزی‌رسان ru:zi-rasān: ص.فا.

روشن‌دل rawšan-del: ک.ص.مر.

اریسفالی یتیریان، رازق خدای
تعالی نینگ صفتی نینگ بیر.

صاپ یوراک، دانا، بیلم‌دار، آق

یوراک.

روساء 'ro'asā: باشلیقلار، اولی‌لار،

روشن فکر rawšan-fekr: ص.مر.

طایفه باشیق‌لاری، رئیس‌لر، جمع

بیلم‌لی، دوششینجه‌لی،

پایخاسلی، اوی فکری.

روغن rawqan: ا. یاغ.

روغن ماهی roqan-e-māhi: ا.

بالیق یاغی، بالیق یاغینده ویتامین

(آ) و (د) بولمالی و اونی بیر نیچا

مریض لره اندامنی قواتلاندیرماق،

و ام اتمک اوچین اییدیریارلار.

رو فرشی ru-farši: ا. مر. دوشاک

اوستنه چکیلیان پارچه.

روکار ru-kār: ا. مر. جاینگ دفارینگ

یوزینه چکیلیان سواق.

روگرداندن ru gardāndan: مص. ل.

بیریندن یا بیر زاتدان یوز

اوگیرمک، قاچماق، یوز دوندرمک،

اویکه له مک.

رومال ru-māl: ا. مر. ال یوز

سوپیریلیان یالیق.

روناس runās: ا. قیزل بویا چوپ

بویا، بیر حیل اوزین اوت

کوکیندن، یوپ رنگلاماکه

پیدالانیلار و تخمینی، چوپ بویا،

سویجی بویان دان آلیپ اکیپ

ایکینجی اوچینجی ییل کوکینی

یردن قوفاریپ قوریدیپ بازار

لارده ساتیلیار.

رونده rawande: ص. فا. یوله

باریان کیشی و همده ایشلدیان

خوراک معنیده.

رونقی rawnaq: [ع.] یئلدیرماق،

شهله سالماق، آوادانلیق، یالقیم

سالماق، رواجلانمه، اونگگین،

شاولی، بازارلی.

روی roy: ا. یوز.

روی roy: ا. قورشین یالی نبارسه،

روی هم، اوست اوستینه.

روی rawi(y): ا. [ع.] بولوتلی یاغین،

سویجی سوو، کوپ سوو.

رویداد roy-dād: (= روداد) ا. مر.

واقا، باشا دوشن ایش، بردن

تاپیلان حادثه، یوزه چیقان واقا.

ره آورد rah-āward: ا. راه آورد

یولدن گتیرلن، سوغات، بر

آدامینگ مسافرتا گیدانده اوز

دوست یارلارینه گتیریپ بریان

زادی سوغادی.

رها rahā: ص. مص. م. آزاد اتمک،

گويبرمک، بوشاتماق.

رهدان rahdān: ص.فا. يوله بلد

بۇلان، يولا آشنا، يولا تانیش.

رهرو rah-raw: ص.فا. يول گيديجی،

يولاغچی.

رهروی rah-rowi: يول يوريمه، يول

کچمه.

رهگذر rah-gozar: (= راه گذار، ره

گذر) ص.فا. اوتکچی، مسافر،

يولدان کچیپ باریان، يولا قچی.

رهگذر rah-gozar: ا.ص. اوتالک،

کچلک، اوتولیان یر، گذر کچیت،

يول، کوچه، قاتنالیان یر.

رهن rahn: [ع.] گرو، بیرینینگ

یانینده امانت زات قویوپ شول

مقدار قویلان زادینگ بهاسی چه

پول قرض آلماق.

رهنما rahnamā: ص.فا. يول

باشچی، بلد، يول گۆرکزیجی، يول

گۆرکزمه.

ریاست riyāsāt: [ع.] باشلیق

، اولی لیق، بویروق چی لیق،

سردارلیق.

ریاضت riyāzat: [ع.] مص. آت

کـورره سینی رام اتمک،

یواشیتماق، اونگا يول اورتمک،

بدنی قواتلاندیرماق مقصدی بیلن

عضولارینی حرکتلندیرمک

ورزش، نفسی آراسسالاماق و

اخلاقلانماق اوچین درد چکمک،

اویلانماق و عبادت اتمک اوچین

چولا یرده اوتورماق، خلوتده

اوتورماق.

ریحان reyhān: [ع.] ا. یا قیملی ایسلی

اییلیان سبزی نینگ آدی، گوک و

یا قیملی ایسی بۇلان اوسوملیک

اونگات ایسلی گوک اوت ریحان.

ریختن rixtan: مص. دوکمک

ساچماق، پیتیراتماق، باش آشاق

توتوپ یرینگ یوزینه یایراتماق.

ریخت وپاش rix-o-pāš: ا.مص.

آقان دوکان، دوکوم ساچیم اتمک،

اسراف اتمک، اسریپ اتمک.

ريدن ridan: مص. ایچینگی

بوشادماق، آياق يولینا اوتوریپ

ایچینگی بوشادماق.

- ریزش rizeš: ا. ریختن دوکمک
 قویماق، یقیلما، دوکیلما.
 ریزه rize: ص. آوینجاق، آونیق،
 کیچی جیک، مایده آوین تیق.
 ریزه کار rize-kār: ص. فا. اینچه
 نفیس ایش.
 ریسمان rismān: ا. طناب، یوپ باغ.
 رسیدن risidan: مص. بوکمک،
 ایشمک، اگیرمک.
 ریش riš: ا. ساققال.
 ریشخند riš-xand: ا. مص. ک. خوش
 گلدینگ اتمه، ساققالینا گولمک،
 یالچی لیق و آلاماق و بیرینی
 مسخره اتمک یووالاماق.
 ریش سفید riš-sefid: ا. ص. آق
 ساققال، کدخدا، اوبا یاش اولیسی.
 ریشو rišu: ا. ساقال لاق مگور ساققال .
 ریشه riše: ا. کوک.
 ریگ rig: آونیق داش، آوینجاق
 داش، چاغیل چاکه.
 ریگزار rig-zār: ا. م. ریگستان،
 داشلیق یر، آونیق داشلی یر،
 چاکه لیک.
 ریگستان rig-estān: چاکه لیک،
 داشلیق.
 ریہ riye: ا. اویکن.



ز zā: عرب الیببى سى نینگ اون

اوچونجى حرفى، ابجد
حاسايىندان (۷).

زائد zā'ed: ا.فا. [ع]. آرتىق، آرتىقماچ،
گرکلى لىکدن کوپ.

زائو zā'u: ص. تازە اوغلانى بۇلان
عايال، تازە چاغاسى بۇلان خاتىن.
زائىدن zā'idan: مص. اوغلان
دوغورماق، چاغاسى بولمە،
دوغورماق.

زابل zāzol: ا. ايرانى سازلارنىڭ

بىرى نىڭ آدى

زابلى zāboli: ص.ن. زابلە باغلى
سىستانىڭ آداملارى، زابلىڭ
آداملارى.

زاپاس zāpās: ا. روسى سوزىندىن
آلنان: ماشىنلار دگىشلى آرتىق
كۇترىليان زادا زاپاس دىيىلىار؛
آرتىق كۇترىليان لاستىك، باردى
گلدى لاستىكلر پانچار بولاسا
يعنى يارىلسا ويا لاستىكە نقصان
يىتسە اونونگ يىرىنە قۇيۇليار،

زاپاس.

زانو zānu: ۱. دین.

زاج zāj: ۱. اوزاک.

زاویه zāwiye: [ع]. ۱. بورچ، چت، ۲.

زاد zād: ص. دنیا اینن فرزند، اوغول

ایکی خطینک چاقناشیفیندان عمله

قیز و همدہ پاکزاد، پریزاد، خانازاد

گلیان بورچ، زوایا جمع ۳.

دیین یالی.

صوفی لرینگ عبادتگاسی

زادبوم zād-bum: ۱. مر. وطن، یوورد،

«خانقاسی».

آدامینک اونییپ اوسن و یاشان

زاهد zāhed: ۱. فا. [ع]. تقوا، ترک دنیا

یری، دوغولان یری.

بولۇپ گيجه گوندیز خدایا عبادت

زادگاه zād-gāh: ۱. مر. دوغلان

ادیب یوران آدام.

یرینک، وطن یورد.

زاهق zāheq: ۱. فا. [ع]. آرادان چیقان،

زارع zāre': [ع]. دایخان، تایخان،

اوتن، یوغلان، باطل، پوچ، زهق

اکرانچی.

جمع

زاری zāri: ۱. مص. آغی انگشاشیک،

زایشگاه zāyešgāh: ۱. مر.

قیقیلیق، آغلاماق.

عیال لرینگ چاغا دوغوریان جایی،

زاغه zāqe: ۱. داغینک قاپدالینی،

گورالی عیال لرینگ یوریتہ اوغلان

کوویپ قویونه سیغیره جای

دوغوریان جایی.

ادیلیان، قوواق.

زال zāl: ص. قارری، آق ساچ و همدہ

رستمینک داداسینینک آدی،

اونینک داداسی دوغاندا، آق ساچ

بولۇپ دوغانسونک زال دییپ

آدلاندیریلیب دیر.

زالو zālu: ۱. سولیک.

زبال zobāl: [ع]. قارینچغانینک

دوغیرماق، چاغا دنیا ایندرمک.

زباله zobāle: [ع]. آرسو، آزات،

فارسی دیلینده چور چوپ،

اتبریندی، چوله تاشلانیان زادلاره

دگیشلی.

آغزینه آلیپ کیدیان انتک زادی.

زیرجد zebarjad: قمت بهالی داش.

زبان zabān: ا. دیل، حیوانینگ و

زبردست zebardast: ص. مر. الی

آدامینگ آغزیندا بۇلان مهم

چالت، یسر، گویج قواتلی، قدرت

عضوی، شۇنۇنگ بیلن انسان

ایه سی چپر، استاد، مجلسینگ

کپله یار و هم ایمیتینگ طغامینی

یۇقار اوستی.

دادیپ بیلار.

زبان باز zabān-bāz: ص. فا. یالچی،

پیغمبرینگ کتابی.

دیله وار، سویجی دیل بیلن

زیون zabun: ص. اجیز، بیچاره،

آدملاری آلدایان، دیلینه شکر

عاجز، حور، اربد، پس، فقیر،

چالینان آدم، هیتیر، مکیر آدم.

گویج سیز، یاراماز. زیونی:

زبان دار zabān-dār: ص. مر. دیلی،

بیچاره لیک، یارامازلیق، اجیزلیک،

ساقیرداویق، یانگرا.

حورلیق.

زبان زد zabān-zad: ص. مر. آغیز

زیل zabil: ا. [ع]. سبد، زنبیل.

دیله دوشان، بیر سوزی کوپ آدم

زجاج zōjāj: ا. [ع]. سویشه.

اشیدیپ بیر بیرینه آیتماغی.

زجاج zajjāj: ا. ص. [ع]. شیشه

زبان کوچک zabān-e-kučak: ا.

یاسایان بجریان، سویشه

کیچی دیل.

یاسایجی.

زبانۀ zabāne: ا. دیل یالی بیر زاد

زجاجه jojāje: ا. [ع]. شیشه نینگ

دیله منگزش بولماغی، اودینگ

بولگی، جاجک.

یالینی یالی.

زجر zajr: ص. [ع]. منع اتمک،

زیده zobde: ا. [ع]. مسکه، کره

قیغیرماق، قاوماق، فال آتماق،

قایماق، همده سایلانان حالانان

قوش لارینگ اوتورماغی و اوچماغی.

زاد، سایلانتفی، سچیلیپ آلنان.

زحمت zahmat: [ع]. بیر بیرینگی

- قیسماق، درد، اونجی حورلیق،
 آدمزادینک بللی بیر مقصد اوچین
 صرف ادیان عقل و هم فیزیکی
 کویجی، قین چیلیق .
- زحمتکش zahmat-keš: ص.فا. [ع].
 زحمت چکیان، ایشله یان.
- زخارف zxaref: [ع]. جمع زخرف، و
 همده آلتین کومیش و گورک بزک
 دورلی نقش معنیده.
- زخم zaxm: مص. اورماق، ینچمک،
 حورلاماق، بیر زات بیلن یارالاب
 یارا اتمک، بیر زات بیلن بیرینی یا
 باشقه بیر زادی اورماق.
- زدوبند zad-o-band: ا. مص. اوریپ
 دانگماق، اؤنگوشماق، ایکی یا ناچا
 نفر بولوپ بیر ایشی بیتیرمک
 اوچین یا اله گتیرمک اوچین آغیز
 بیریکدیرمک، ایلا لاشماق.
- زدوخورد zad-o-xord: ا. مص.
 اورماق و ایمک، بیر بیرینگی
 اورماق چالماق، چاقینشیق.
- زده شده zade šode: اوریلن،
 برچیگم، برچیگن.
- زر zar: آلتین، قیزیل.
 زراعت zarā'at: [ع]. اکین اکیش لیک،
 تایخانچیلیق، اکرانچیلیق.
- زراعی zarā'i: ص.ن. اکرانچیلیغه
 باغلی بۆلن، تایخانچیلیغا
 دگیشلی.
- زرافه zarrāfe: ا. دنیا سیغیری، زرافه
 زراندود zar-andud: ص. مف. طیلأ
 سووی چالینان قیزیل، طلا سووی
 بریلن.
- زرباف zar-bāf: ص. مف. طیلادلان
 دوقیلان، زردن دوقیلان، آلتین دن
 دوقیلان.
- زر خرید zar-xarid: ص. پول بیلن
 ساتین آلان، قیرناق یا قول.
- زرد zard: ص. ساری.
 زردآلو zard-alu: ا. آلو، ایمش لردن،
 ساری آلو.
- زرد پوست zard-pust: ص. مر.
 ساری یاغیز، ساری نژادان،
 ساری انداملی.
- زردپی zard-pey: ا. سینگر، ساچ.
 زرد چوبه zard-čube: ا. ساری

بوغا.

نارسه.

زردی zardi: ا. مص، ساری باغیره

زعیم za'im: [ع]. ص. باشلیق، طایفه

ساری رنگه بؤلماق یرقان کسلی.

باشلیغی، بیر قومینگ باشی،

زرشک zerešk: ا. ناردان یرینه

یولباشچی، جمع زعماء.

اولانیلیان دانله لی نأرسه، اوندان

زغال zoqāl: ا. کومیر.

مربا یالی زات بیشیریلیار، درمان

زغال سنگ zoqāl-sang: ا. داش

اوچین پیدالانیلیار، ناهارادا آتیلیار،

کومیر.

طغامی تورشومتیق.

زغن zaqan: ا. (قاق قارغا)، قارغا،

زرع zar': مص. [ع]. اکین اکمک،

منگراش، اما اوندان کیچی راک

اکرانچلیق، اکین.

قوش، اونکا غلیواچ و قره سرچه هم

زرکوب zarkub: ص. آلتین بجریان

دییلیار.

آلتین اوستاسی.

زرگر zargar: ا. ص. پیشه سی قیزیل

قیزی دورموشه چیقارماق، گلینی

شای بجریان آدام، زرگار.

آدامسی نینگ اؤیونه ایبرمک، شب

زرنگ zarang: ص. چاقغان، اوکده.

زفاف: طوی گیجه سی، گلنی آلمان

زرنگار zarnegār: ص. فا. آلتین زر

گیجه سی.

بیلن زادلارینگ یوزینه چکیان و

زفان zafān: ا. دیل.

بزایان، زینت ادیان.

زفت zaft: ص. ایری، سمیز قالینگ،

زرو zaru: ا. سولوک.

یوغین.

زشت zešt: ص. گلشیک سیز، اونکات

زقوم zaqqum: ا. [ع]. چول اوتی، اول

بولمادیق، یارامان، چیرکین.

قالینگ اوزین و همده دوزخده بیر

زعفران za'ferān: ا. [ع]. ایمیته

میوه لی آجی آغاجینگ آدی،

قوییلیان اونکات ایسلی پیدالی

دوزخداکی لره اوندان بریلیار.

زکام :zokām [ع]. دومه وله مه، اتمه کی.

ساویقلامه ضرارلی بوروندان سوو قایتما ناخوش لیغی. زمار :zammār: ص. [ع]. تویدوکچی، قارغی تویدوکی چالیان.

زکات :zakāt: (= زکوة) [ع]. مالینگ قرقدن بیرینی خدای تعالی نینگ یولینده محتاج غریب لاره برمک، زکوات جمع. زمام :zemām: ا. [ع]. اریشمه، نوغتا، مالینگ دیه دیر آط یالی مالینگ اریشمه سی، نوغتاسی. زمامدار :zemām-dār: ا. ص. [ع. فا]. قومینگ باشلیغی، یوردینگ باش توتانی، یوردونگ ارکینی الینه آلان.

زکی :zaki: ص. [ع]. آراسا، پاکیزه، گناهدان پاک. زلال :zolāl: ص. عم. صاف سویجی سوو، دوپ-دوری گوزونگ یاشی یالی سویجی سوو.

زلت :zallat: ا. [ع]. خطا، یالنکیش و همد. توی چاقلیغی. زمان :zamān: ا. [ع]. زمان، وقت، پله آز وقت یا کوپ وقت. ازمنه جمع. زمان :zamān: ا. هنگام، دوویر.

زمانه :zamāne: ا. روزگار، دنیا، عصر دوویر، زمان. زمانه :zamāne: [ع]. آفت، عیب.

زلف :zolf: ا. ساچ، قیزلارینگ ایکی چگه سیندن تا اولاپ کوپیریان ساچی، زولپ، زولف. زلزله :zelzele: [ع]. یر تیتره مه، یر ایرانمه.

زمزم :zamzam: ا. زمزم سووی، کعبانگ یانیندا بولان زمزم سونینگ گوز باشی. زلف زلیل :zalf: ص. [ع]. صاف سویجی سو.

زمزمه :zemzeme: ص. [ع]. یواش آیدیم آیتماق، هینگ لنمک، دعا او قیماق و همد. یئلدیریمینگ سسی.

زمار :zemār: ص. [ع]. دیه قوشینگ قیغیرماغی، شتر مرغینگ سس.

زمستان zamestān: ا. قیش.

زمین zamin: ا. یر، اوستیندا

یاشایان یریمیز، توپراق.

زمینه zamine: ا. یرلیک، بیرزادینگ

یوزی، یوزینه نقشه چکیلان زات،

موضوع، متن.

زمینی zamini: ص.ن. یره باغلی

بۇلان گونگینگ ترسی.

زنار zonnār: ا. [ع.] یونان سوزیندن،

قوشاق، مسیحی لرینگ بیله

دانگیان قوشاغی.

زناشوئی zanašū'i: ا. مص. اویلنک،

عیال آلماق.

زنانه zanāne: ق.ص. عیالا باغلی

بۇلان.

زناء zenā: مص. [ع.] ارکک بیله

عیالینگ شرع سیز یاناشماغی،

حرام کیف.

زنبق zanbaq: ا. سوسن گلی.

زنبور zanbur: [ع.] ۰. آری، بال

آریسی، بال سینکک.

زنجیل شامی zanjabil-e-šāmi: ا.

قوزی قولاق.

زنخدان zanaxdān: ا. انگک آشاغی،

آلقیم، انگک.

زندان zendān: ا. توستاغ خانه،

زندان، گناهکار آداملارینگ

ساقلا نیان یری.

زندگی zendegi: ا. مص. یاشایش،

دیری لیک عمر سورمک.

زنده zende: ص. دیری، ایچی جانلی

انسان یا حیوان.

زنده دل zende-del: ص. مر. شاد،

شهدی آچیق، کوک.

زنگ zang: ا. پوس.

زنگ ang: ا. جانگ.

زنگوله bal zangule-bāl: ا. بزبلتک.

زنگی zangi: ص.ن. زنگکی

یوردینگ آداملاری، افریقا

یوردینینگ آداملاری، قرالار

توپاریندن بولان، اولاره زنگده دییپ

آیدیلیار، یلچر قارا زنگی آدام،

اوزیده گلشیک سیز قارا بولمالی،

زنگی بابا سلیمان: حکیم آتانینگ

باش شاگردی.

زنهار zenhār: ا. عهد، پیمان سوز

باسیم، چالت.

زود آشنا zud-āšnā: ص. مر. بیری

بیله چالت دوست و تانیش بولیان

آدم.

زودبساور zud-bāwar: ص. مر.

اینانجانک، ساده، مون

زودرس zud-ras: ص. فا. تیز

یتیشیان، تیز بیشیان، اوز هیلیندن

یعنی اوزی یالی میوه دان باسیم،

ایردن یتیشیان تیز یتن میوه.

زودرنج zud-ranj: ص. مر. باسیم

تیز اینجایان، اینجیغار، تیز

اؤیکه لک، اینجیق.

زور zur: ا. قوت، کویچ، زور، قوجور.

زور آزمائی zur-āzemā'i: مر. کویچ

سینانשמاق.

زور zur: [ع]. یالان، باطل خدای

تعالی شرک گتیرمک، وینه عقل

کویچ قوات، طغام لذتی باش و سرور

ماغنالارده.

زورمند zur-mand: ص. چاسلی،

کویچلی.

زوزه کشیدن zuze kašidan: م. ص.

برمه، تاکیدلمه، ماقوللاما،

آگاه بول، قاچا دور، خبردار بول

دیمه ماغنالارده.

زواج [zawāj: ا. ع]. اویلانمه، عیالی

بؤلماق.

زوار zowwār: [ع]. زیارت ادیجی لر،

زیارت ادیانلار.

زوار zawār: ا. ص. خـادم،

قوللو قچی، توستاغلارینگ،

ناخوشلارینگ قوللوغینده بؤلان،

همده قاری عیال معنیده.

زوال zawāl: [ع]. داش دوشمگ،

یوغالماق، آرادان کیتک، گونینگ

آسماندان یره یاشماغا اینمه گی.

زوان zawān: ا. دیل.

زوبین zubin: ا. کیچی نیزه، کوله

نیزه، قدیم لار اوروشده اونینگ

بیلن دوشمانا قارشی آتیان اکنلر.

زوج [zawj: ا. ا. ر، عیالینگ اری،

جفتی، جمع ازواج.

زوجه [zawje: ا. ع]. عیال، ارککینگ

جفتی، یان بولداشی

زود zud: ق. ص. چالاسیم، تیز

مر. اؤلیمک.

قاویلیق، گوزلیک، آوادانلیق،

گورکیلیک.

زهر زahr: ا. آوی، جانلینی

زیتون zetun: ا. همیشه گوک سالیپ

اولدوریجی، آویلی ماده، زهر.

دوران اوسسوملیک اؤنؤنگ

زهرآگین zahr-āgin: ص. زهرلی

میوهسی یاغی آداما قاتی پیدالی

آویلی.

بولمالی.

زهرآلود zahr-alud: ص. مف. زهر

زیر zir: ا. آشاق، اتک، یواش و اینچه

قاریلان، زهری زهره یوغورلان.

سس.

زیاد ziyād: [ع]. کوپ، کان، بول

زیرانداز zir-andāz: امر. دوشاک،

آزدال، یونگسین.

آیباق آستینه آتیلان دوشک (کچه،

زیاده روی ziyāde-rawi: ا. مص.

پالاس، کلیم یالم، زادلار).

چندن چیقما، حددن آشما.

زیرپوش zir-puš: ا. ایچ کوینک،

زیارت ziyārat: مص. [ع]. گورمه

ایچیندن گیبیلیان کوینک، ایچ

گوریش دیدار، باریپ گورمک

اشیکی.

ساتاشماق، دویشماق، بیک و اولی

زیر پیراهن zir-pirāhan: امر. ایچ

آدامدان یا زیارتگاهدن یاقیندان

کوینک.

باریپ گورمک دیدارلاشماق.

زیر دریائی zir-daryā'i: ا. اوروش

زیان ziyān: ا. ص. فا. ضرر، نقصان

کامیسی، اول سووینگ یوزینده و

چیقداجی، شکست، زیان.

هم اته کینده یوریپ بیلیر.

زیان آور ziyān-āwar: ص. فا. زیان

زیر دست zir-dast: ص. مر. ک. قول

گتریجی، شکست یتریجی.

آستی، تسابین، ال آشاغی،

زیبا zibā: ص. گؤرمه گوی، آوادان،

بیری نینگ قول آستینده بولیان

گوزل، گورنیکلی، گلشیکلی،

آدام.

آراسته گورمه گسی. زبائی:

- زیردستی zir-dasti: ا.مر. سفره
 اوستینده قویلیان کیچی تاباق،
 میوه نینگ آرتیندی سی اونگا
 دوکلیار.
 زیر زمین zir-zamin: ا.مر. یر آستی
 یرینگ آشاغی.
 زیرک zirak: ص. زرنک، چاققان
 دانا، چولوم، باشارجانگ، زانگار.
 زیرورو zir-o-ru: ا.مر. آشاق
 یوقاری، قاتیشدیрма، بیله
 یوغورما، دورمک، آغطار دونگتر
 اتمه.
 زیروزیر zir-o-zebar: ا.مر. آشاق
 یوقاری، کنایه سوزی، خراب
 اتمک.
 زیره zire: ا. گرمس، زیره.
 زیست zist: ا.مصح. یاشایش عمر،
 گذران.
 زیستن zistan: مص. یاشاماق.
 زین zin: ا. اییر، آطا سالینیان ایر.
 زینب zaynab: ا.ع. قورقاق،
 اونگات ایسلی، آغاج و همده
 عیال لارا داقلیان آدلر نینگ بیرى.
 زینت zinat: ا.ع. بزک، آوادانلما
 زات، تیمار لاما، شای سپه.
 زینت آلات zinat-alat: ا.مر. قیزیل
 شای بزک.
 زینه zine: ا. پله، باسانجاق،
 باسغانجاق.
 زینهار zinhār: ا. عهد و پیمان، امان
 برکیتمکلیک مقامده، هرگیز، هیچ
 وقت، پناه، آگاه بول، قاچادور،
 خبردار بول.
 زیور ziwar: ا. قیزیل شای، زینت
 بزک.



ژ ze: پارس الیپبیسی نینگ اون

دوردونجی حرفی عربی الیب بیده

یوق اجد حسابینده یدی (۷) یرینه

اولانیلیار.

ژاکت žaket: ا. [فر] بیر هیل ارکک

اشیگی، کۆینک اوستوندن گییلیان

قیزغین گیم، یاری اگنینگ اورتیان

زنانه گیمی.

ژاندارمری žandarmeri: ا. [فر]

اوزالقی آدی امنیه ادارهسی، ایندیکی

آدی بولسا نیروی انتظامی، اول

قانون بویونچا نظمی فراغت چیلیغی

قوریان و ساقلايان اداره.

ژنتیک t:ženetik. [فر] ارثی، موروثی،

علم وراثت: یاشایش تانیجی لیغینگ

بیر بؤلومی، اول صفات موروثی نینگ

دورموشی و ارثی عمل لری بارادا

بحث ادیار.

ژنده žende: ص. یرتیق، ایریک کؤنه

اگین باش؛ سال سال، سالام ساجام اشیک.

ژنده پوش žende-puš: ص. فا. کؤنه

گییان، کؤنه یرتیق اگین باش گییان آدم.

- ژنرال tženerāl. [فر] اولی افسر،
سرتیپ، سولشگر بیلن دنگ
درجه‌لی.
- ژوئن tžuān. [فر] فرنگی ییل
حسابی‌نینگ آلتیلانجی آیی.
- ژوئیدن žuidan: مص. ل. چاشماق،
آلجیراما، قهارلانماق، توتولماق،
توقاتلانماق.
- ژوئیہ tžaw'ie. [فر] فرنگی ییل
حسابی‌نینگ یدینجی آیی.
- ژورنال tžornāl. [فر] روزنامه، مجله.
- ژورنالیست tžornāl-ist. [فر]
روزنامه یازیان، روزنامه‌نگار،
روزنامه‌چی.
- ژوری tžuri. [فر] حکم ادیجی توپار،
انصاف یوزیندان دؤغری کسیمی
توپار، داورلیق امین‌لیک ایدیان توپار.
- ژیان žyān: مص. قهارجانگ، یرتیجی،
قهر غضب‌لی‌لیق، جوشفون‌لیق،
کوکرایجی.
- ژیگولو tžigulu. [فر] شیفنگ
شاهندان خوش گچیریان ییگیت،
یاش یکیدینگ قارری عیالی اوزی
اوجین ساقلاملغی، خوش گچیریان
ییگیت.
- ژیمناستیک žimnāstik: خ. ا. [فر] بیر
هیل بدن ورزشی، فرنگی ورزش‌لردن.

س

- س se: پارس المېبى نينگ اون
باشينجى حرفى؛ ابجد حسابىندا
(۶۰).
- سائب sā'b: ص. [ع] آقفين، آقيم، روان،
چاللاما.
- سائر sā'er: (= ساير) ص. [ع] ۱. سير
اىدىجى، سياحت اىدىجى، گزىجى ۲.
باشقا آقيم، روان و آيرى قالان آدم،
اوزگه.
- سائس sā's: ص. فا. ۱. تربيه بىرىجى،
ادب اوورهدىجى، تربيت بىرىجى ۲.
- اۋورەنشدرىجى، سياست ساقلايىجى،
باشارجنگ.
- سائل sā'el: [ع] ۱. سوراغ اىدىجى،
سوراغچى ۲. پاتاچى قافى گزن،
گداى، دىلگچى، ساللاخ، ساييل.
- سابق sābeq: ا.ع. اونگه دوشمه،
اۋنگ، اونگه دوشن، اونگه دوشىجى،
يارىشده (مسابقه ده) بىيرىنجى اورنى
ايه له يان، اونگ لره گچمىشده، سابق و
سابقون جمع.
- ساجد sājed: [فاع] سجده اىدىجى

مانگلایینی یرە قویۇپ سجده ایدیان
آدم، سجود و ساجدون و ساجدین
جمع.

ساحر sāher: [فاع] جادوچی، جادی
گر، جادی گوی، اوقویمیش،
گۆزیاغچی، سحرار جمع.

ساحل sāhel: ا. [ع] کنار، دریانینگ
بویی، دریانینگ یاقاسی، دریا
یاقا ، دریانینگ قیراسی، سواحل
جمع.

ساخت sāxt: ا. مص. ساختن،
باریشماق، اونگوشماق، یاساما،
تاییارلاماق.

ساخت tsāxt: ج. آت یراق، اورووش
اسبابی.

ساختمان sāxtemān: ا. مص. جای،
تام، عمارت، بنا.

ساختن sāxtan: مص. بجرمک،
قورناماق، قوراماق، تیکمک، بیر زادی
تاییار اتمک.

ساخت و پاخت sāxt-o-pāxt:
ا. مص. اونگیشماق، بیر و یا ناچه
آدملارینگ آراسیندا بیر ایشی یرینه
یتیرمک اوچین یوقاری قرار باغلاماق،

شرطنامه، باغلاماق، پیمان باغلاماق.
ساخر sāxer: ا. فا. [ع] مسخره ادیجی،
ساققالینا گولوجی، یانگسی لایجی.

ساده sāde: ص. پوخارا، بوینی بوش،
مون، ساده، تکیز، یوزونه قیل
چیقمادیق اوغلان، یوزنه کی
چیلشیریم سیز، مون، آراسسا،
آق یورک یونه کی.

ساده دل sāde-del: ص. مر. آق یورک،
دوغورچیل آدم، مون، حیله سیز،
بوینی بوش، آراسسا، پاک، گؤونی
آچیق.

ساده لوح sāde-lawh: ص. مر.
حیله سیز، اینانجانگ، مون، بؤینی
بوش، آقماق.

سار sār: پسوند، کلمه لرینگ آخیریندا
گلیار. زادینگ کۆپ بول یرینی
بیلدیریار. مثلاً کوهسار/ داغلیق،
چشمه سار/ چشمه لیک و ش. م. لر
یالی.

سار sār: ا. سرچهدن اولی راق قارا آلا
یلکلی سایراق قوش، مله سار، قره
سار، آلا سار آدیندا.

سارا sārā: ص. صاپ، آراسسا، سوی،

تویس.

ساریان sārban: ا.ص. دویه چویان،

دویه ساقچی سی، دویه لی.

ساردین sardin: ا. [فر] (= سردین،

ساردین) تنی آوینجاق سویچی اتلی

بالیق، کنسرو اوچین پیدالانیلیار.

سار سیاه sār-e-siyāh: قارا سار.

سارق sāreq: ص.ف.ا. [ع] اوغری،

قاراقچی، سارقون، سارقین جمع.

ساری sari: ا. خوش آواز قارا یلکلی

قوشجاغاز، ساری قوش.

ساری sari: [ع] یوقوشیجی، یوقیان،

سینگیان، گیجه یوریان، آغین،

یوزگون.

ساز sāz: ا. چالینیان موزیک

قورالاری نینگ هر بیرینه بریلیان آد،

مثلاً: قیجاق، تار، تامدیرا یالی.

ساز دهنی sāz dahani: ا.مر. قاویز

(آغیز بیلە چالینیان ساز، تویدوک،

یدی بوغون یالی).

سازش sāzeš: ا.مص. ایلااشیق،

اونگیشما، یاراشیق.

ساز کردن sāz kardan: مص.م.

یاراشماق، یاراشیق اتمک، قارشیلیق

بس اتمک.

ساز کردن sāz kardan: مص.م.

بجرمه و تاییار اتمک، دوزله مک.

سازمان sāz-mān: ا.مص. دوزگون،

ترتیب، اداره، قوراما، ال اله بریپ

اداره نینگ ایشینی دوزگون بیلە انجام

بریآن لر، ایشکارلر و دستگاهلر.

ساس sās: ا. قاندالا، سومسون.

ساسان sāsān: ا.ص. درویش،

یوغسول، فقیر، مال و ملکدن ذره

یوق آدم.

ساعت sāt: وقت گورکزیان دستگاه

ساغات.

ساعد sād: [ع] ال، قول، بیلک.

ساغر sāqer: ا. کأسه، پیاله، شراب

جامی (ایچگی اوچین).

ساق sāq: ا. بالدير، اینجیک.

ساقط sāqet: [ع] ییقیلان، یره اینن،

پست، مفلس، ناکس، پسه دوشن،

یوقاردان دوشن، بلنددن قاچان.

ساقه sāqe: [ع] لشگرینگ ایزی و

جلوداری، آغاجینگ تنه سی و

گۆره سی.

سالک sālak: ۱. آتابای باش، آدمینگ

یوزونه بورنونا چیقیان باش، اول

باشینگ بیر ییلاپ آیریلماغی اوزاغا

چکیار و آیریلسا-دا جایی بللی

بولوپ دوریار، اول آیراتین بیر هیل

چییین دیشله مه گی بیلن یوزه

چیقیار.

سالک sālek: ص. فا. یۆریجی، ایزینی

ایه ریجی، ایزارلایجی، عارف، تقوا،

مرید عارفینگ ایزینا ایه ریجی.

سالگرد sāl-gard: ییل پتیر، بیر

واقادان ییل گچیپ ایندیکی ییللاردا

توتولیان بللی گونی، ییل دؤنوم.

سالم sālem: [ع] ساغ، عیب سیز،

جانی ساغ، ساغ دین.

سالن sālon: ۱. [فر] اولی اوتاق،

آراخوت، میهمانه خدمت ادیلیان

اولی اوتاق، نمایش بریلیان اولی

اوتاق.

سالنامه sāl-nāme: ۱. مر. ییلینگ

واقلاری یازیلیان کتاب، ییلدا بیر

گزک نشر بولیان نشریه.

سالوس sālus: ص. آلداجی، مکیر،

ساقی sāqi: ۱. فا. [ع] میلیده

کاسه لره سؤو شراب قویوپ پایلایان،

سؤو بریان، سؤو پایلایان آدم.

ساکت sāket: [ع] دینچ، سسر سیز،

اوین سیز، دیمپپ اوتوران.

ساکن sāken: ص. [ع] ۱. حرکت سیز،

بیر یرده دوران، قیمیلدی سیز، یرلی،

۲. عرب الیب بیینه یا ییق بوغونینگ

آخیریندا چکیمسیز خرفینگ

اؤستونده قویولیان علامت.

سال sāl: ۱. ییل، اون یکی آی.

سالار sālār: ۱. ص. سردار، باشلیق.

طایفانینگ باشی، لشگرینگ باشی،

یولباشچی.

سالانه sālāne: ق. ص. ییلا دگیشلی،

ییلدا بیر گزک بیتیریلیان ایش، هر

ییل.

سالیه sālbie: ۱. مریم گلی.

سالخورد sālxorde: (= سالخورده)

ص. مر. قارری، یاش اولی، قوجا، کؤنه،

قدیمقی.

سالدات sāldāt: [فر] سرباز، عسگر.

ایکی یوزلی، قالب.

اۋنگوندن گچیپ اولاری سین

سام sām: ۱. چیش و همده مرض.

اتمکلیکلری.

سام sām: ۱. شاهنامه داستانیندا سام

سانترال sāntrāl: [فر] مرکزی، اصلی

نریمان اوغلی زالینگ دأدهسی نینگ

تویس اورتالیق.

آدی.

سانتی sānti: ۱. [فر] بیر زادینگ یوزدن

سام sām: [ع] زهرلی، آویلی.

بیری، سانتی گرم یوزدن بیر گرم.

سامان sāmān: ۱. اۋی اسبابی، اۋیونگ

سانتیم sāntim: ۱. [فر] یوزدن بیری،

دستگاسی، ایش ابراری، اۋلچک و

یوزدن بیر فرانک.

نشانه و بزک و ترتیب، یاشایشا گرک

سانتیمتر sāntimetr: ۱. [فر] مترینگ

بۇلان زاتلار.

یوزدن بیری.

سامع sāmē: ۱. فا. [ع] اشیدیجی،

سانحه sānehe: ص. فا. [ع] باشا

اشیدیان، دینگلیجی، سماع و سمعه

دوشن ایش، بیردن دوشان و اقا

جمع.

توتاندان یوزه چیقان و اقا، حادثه،

سامعه sāmē'e: [ع] مؤنث سامع،

سوانح جمع.

قولاق اشیتمه، اشیتمک گویجی،

ساندویچ sāndewiç: [انگلا] بیر هیل

اشیدیلیش گویج.

ساویق آییمت، چۆره گینگ آراسیندا

سامی sāmī: ص. [ع] بلند، بییک، اۋران

سالیپ بریلیان آییمیت، چۆزک، کره،

اونگات، عجایب، سماء و سامون

پنیر، ات، یومورتنا، خیارشور،

جمع.

پوموزاردان عبارت.

سان sām: ۱. رسم، عادت، دوزگون،

ساویت sāwiyet: (= سویت) ۱. [فر]

یۆزلگه، ارتش آدالغاسیندا؛ یازاغلی

ایشگار، ایشچی، دایخان،

گویچلری گۆزدن گچیرمه، قشون

وکیل لرینگ شوراسی، روسیه نینگ

باشلیفی صف دوران عسگرلرینگ

حکومتی، شوروی دولتی نینگ

قدیمقی رژی می.

یۆرلگه، قارینداشلیق علاقەسی،

سب، اسباب جمع.

سایبان sāyban: ۱. پرده، چادر یا باشقا

بیر گونه شینگ اؤنگونی آماق اوچین

سبت sabb: [ع] دینج آماق، راحت

بۇلماق، شنبه گونی، یهودی لرینگ

تیکیلیان نارسه، کۆلگه سالیان زات،

دینج آلیان گونی، تعطیل گونی.

سایه وان، چتر.

سایه sāyeh: ۱. کۆلگه.

اصحاب سبت: سبت یارانلاری.

سؤال soāl: مص. [ع] سوراغ اتمک،

سبحان sobhān: مص. [ع] پاکله مک،

آراسسالاماق، پاکلیک بیلن یاتلاماق،

ایسلگ اتمک.

سبحان الله آیتماق.

شانس se'āns: (= سانس) [فر] فیلم

سبحان الله sobhan-allāh: خدای

یا تناترینگ گۆرکزمه سینه قویولیان

تعالی آراسسه و پاکدیر.

زمان، میلیس، اورتورشیق.

سبحه sobhe: [ع] ۱. ذکر، دعا، ۲.

سب sab(b): [ع] سۆگمک، قارغیش.

تسبیحینگ مهره لری، سبح و

سبا sabā: ۱. قدیم عربستاندا یمن

سبحات جمع.

تۈۈرگینده بۇلان بلقیس آدلی

سبز sabz: [ع] گۆک، یاشیل.

ملکه نینگ شهری.

سبز شدن sabz šodan: مص. ل.

سبابه sabbābe: [ع] سویوم بارماق.

گۆگرمک، گۆگریپ چیقماق، گۆک

سباح sabbāh: [ع] یوزوجی، کۆپ

یاشیل اۋویسمک.

یوزوجی، جمع سباح.

سبزه sabze: ۱. تازه گۆک سالیپ یاتان

سباحات sēbāhat: مص. [ع] سوودا

یر، گۆکلیک میدان، مایسا، قرتیج،

یوزمک، یوزوجی لیک.

چمن.

سباع sēbā: [ع] ییرتیجی لار،

سبزه زار sabze-zār: ۱. م. گۆکلیک،

ییرتیجی حیوانلار، جمع سبع.

اوتلوق، گۆک چمنلیک.

سبب sabab: ۱. [ع] علت، وسیله،

سبزی sabzi: ۱. ایییلیان و خورشه
آتیلیان اوتلار.

سبط sebt: [ع] ۱. قیز آغتیق، ۲. قبیله
معنادا؛ سبطی: حضرت
موسی(ع) نینگ امتی، جهودلار؛
سبطین: حضرت رسولینگ ایکسی
آغتیغی، امام حسن بیله امام حسین
خاصلانیار.

سبقت sebtat: ۱. [ع] اوزماقلیق،
یاریشماقلیق، گویج سینانشماقلیق،
یاریشدا اوزماقلیق، ایلرله، اونگه
چیقما.

سبک sabok: ص. ینگیل، آغیر
بۆلمادیق، کلپنگ، کاس.

سبکبار sabok-bār: ص. قمت دال،
یوکی ینگیل، آسوده، راحت، دینج،
شاد و خرم، آرقاسینا ینگیل یوک
آلیپ باریان.

سبکبال sabok-bāl: ص. ص. مر.
ینگیل قانات، کیچی چیک قوش،
چالت اۇچیان قوش.

سبوس sabus: ۱. کفک.

سبیل sebil: ۱. مورت.

سبیل sabil: ۱. [ع] یؤل یۆزلگه، آشکار

یؤل، سبول جمع

سپاس sepās: ۱. ۱. حمد، ثنا، دعا،
شکر ۲. شکر ادیجی لیک.

سپاه sepāh: ۱. ج قوشون، ناچه
لشگردن عبارت بۇلان ارتشینگ بیر
بۆلگه، بیر بۆلومی.

سپاهی sepāhi: ۱. ص. لشکره
دگیشلی، قشونلیق، نظامی،

سپاهدان بیر بۆلگه، سپاهیان جمع.
سپر separ: ۱. قالقان (قورالما ایزاری).

سپردن sepordan: ص. تابشیرماق،
یؤل یۆزیمک، بیر زادی ساقلاماق

اوجین بیرینه برمک.

سپرر seporz: ۱. دالاق، آدامینگ چپ
طرفیندا بۆلیان بدن اعضاسی.

سپس sepas: ق. اوندان سۇنگ،
اونسونگ، ایزیندان.

شپنج sepanj: ۱. ییلان بورکوتی.

سپند sepand: ۱. اوزارلیک.

سپور sopur: ۱. [ت] شهرداری طرفدان
کۆچه لری سوپوریان ایشچی، سپور
آدیندا.

سپوس sapus: (= سبوس) ۱. کفک،
بۇغداي یا آرپانگ قابیغی.

- سپهر sepehr: ۱. آسمان، فلک، گۆنگ
(گۆک)، طبیعت معنیده هم گلیار.
- سپهسالار sepah-sālār: قشونینگ
باشلینی، سردار، قشونینگ
بویروقچی سی، فرمان بریانی،
مارشال، سرکرده.
- سپیده دم sepide-dam: ۱. سحر
وقتی، ارتیر بیلن، دانگ آتار وقتی،
آلاقاویرداق چاغیندا، آلا دانگ.
- ست set: [ع] آلتی.
- ستاد setād: ۱. مز. ۱. مخفف ایستاده،
دیک دورماق، دورماق لیق، ستاد ارتش
قوشونینگ فرمان بریان جای،
مرکزی ۲. اوروş نقشه لری نینگ
اوستونده اویلانیپ فرمان صادر
ادیلیان یری، اوزال ارکان حرب دیییپ
آیدیلیاردی.
- ستار sattār: [ع] کان باسیریجی، کوپ
یاپیجی ستارالعیوب: عیب لار
باسیریجی سی، الله نعالی نینگ
صفت لری نینگ بیرى.
- ستار setār: مخفف سه تار، سه تار،
تامدیرا.
- ستار setār: ۱. [ع] پرده، اورتگی.
- ستاره setāre: ۱. ییلدیز؛ ستاره پروین:
عمر باقی ییلدیز.
- ستایش setāyeş: ۱. مص. اؤوگی.
وصف، بیرى نینگ یاغشی لیغینی
ایسته مک، بیرینی اؤومک و اونگا
منتقدارلیق ییلدیرمک، تعریف.
- ستبر setabr: ص. سمیز، یوغین، قاتی.
- ستر satar: ۱. مخفف استر، قاطیر.
- ستر satr: مص. [ع] اؤرتمک، گیزگه مک،
یاشیرماق، اوستونی اؤرتمک.
- ستر setr: [ع] پرده، اؤرتگی، استار
جمع.
- سترگ sotorg: ص. دایاو، زورلی،
ادلک، اولی، یوغین، لاق، و همده
قاهارجانگ، اؤروشاجانگ معنیده.
- ستم دیده setam-dide: ستم گۆرن،
ظلم یتن، حورلانا، ظلم آستیندا
قالان، آزار یتن، ازیلن.
- ستمکار setam-kār: ص. مف ظالم،
ستم ادیان. ایگینجی، آزار بریجی.
- ستمکش setam-keş: ظلم ادیلبان،
ستم گۆریان، مظلوم.

- ستمگر setam-gar: ص. فا. ستم
ادیجی، ظالم، زور ادیجی.
- ستوه sotuh: ص. یاداو، عجیز،
قایغیلی، آلبیرانگ، بیزار، پتنگ.
- ستیز setiz: (= ستیزه) ا. مص. اوروş،
سوۋیش، اونگوشماسیزلیق،
چاقنیشیق، کجاللیق، دوشمانلیق،
چکیشیک، خیرش.
- سجاد sajjād: ص. [ع] کوپ سجده
ادیجی، دوردونجی امامینگ لاقامی.
- سجاده sajjāde: [ع] نمازلیق.
- سجده sejde: ص. [ع] نماز اوچین
مانگلایینگی یره قویماق.
- سجده گاه sojdegāh: عبادت جای.
- سجع 'saja: مص. [ع] ۱. کپدرینگ
سسسی، ۲. قافیه لی آیدیلیان سۆز.
- سجع 'saja: ۱. [ع] سۆزی قافیه بیلن
آیتماق.
- سجل sejel(1): [ع] سجیل، پاسپورت
آد و فامیل یازیلیان دفتر، قاضی نینگ
بویروغی و فتواسی.
- سجن sejn: [ع] توسساق، زندان،
سجون جمع.
- سجود sojud: مص. [ع] عبادت اوچین
مانگلایی یره قویماق.
- سجین sejjin: ص. [ع] همیشه لیک،
مدامالیق، اندیک، ادهت، قایم،
دوزخدا بیر جایینگ آدی.
- سجین sajjin: ا. ص. [ع] تۇسساق، گۆز
توسساغی، سجناء جمع.
- سجیه sajjīye: [ع] قیلیق، طبیعات،
سجایا و سجیات جمع.
- سحاب sahab: [ع] بولوت، سحب
جمع.
- سحار sahhār: ص. جادیگوئی، جادی
ادیان، جادیجی.
- سحر sehr: [ع] جادی، اسحار و سحور
جمع.
- سحر sahar: ۱. [ع] دانگ، ایر ارتیر، گون
دوغاردان اؤنگ، دانگدان: سحر
- سحرخیز sahar-xiz: ص. ایر توریان،
ایر تورباغان.
- سحری sahari: سحرلیک، آرازا آیی،
سلائیکده اییلیان ایمیت. سلالیک.
- سقاوت saxawat: [ع] سخی لیق
اتمک، باغیشلاماقلیق، جومارتلیق،

- کرم، بریملی، الی آچیق. **سخاء** 'saxā: [ع] بریملی لیک، جومارتلیق، سخی لیک.
- سخت** saxt: ص. ۱. قین، مشکل، چتین، برک، ماکام، قاتی، پوغتا، آنکسادینگ ترسی ۲. خسیس، گۆریپ معنیده.
- سخت دل** saxt-del: رحم سیز، دونگ یورک، داش یورک.
- سخن** soxan: ۱. سۆز، کپ، کلام. **سخن بجا گفتم** soxan-e-bejā-goftan: سۇغشۇرماق، یرینده کپله مک.
- سخن چین** soxan-čin: ص. شوغول، غیبت کش، ایکی آدمینگ آراسینی کپچی لیک ادیپ بوزیان، دگیریان، آرا بوزوجی، گپچی، گپ گزدیریان.
- سخندان** soxan-dān: ص. فا. دیله وار، چپر، سۆزه بها بریپ بیلیان، شاعر، ادیب، ادبیاتچی.
- سخن ران** soxan-rān: ص. فا. ییغناقدا کپله یان دیله وار آدم، دیله وار کپله یجی، گورونگچی.
- سخن سنج** soxan-sanj: ص. فا. سۆزی سایفاریپ بیلیان، سۆزه دوشونیان، سۆزه بها بریپ بیلیان، شعر تاناماغی باشاریان، ادبیاتچی.
- سخن گفتن** soxan goftan: مص. ل. کپله مک، گورله مک، سۆزله مک.
- سخنگو** soxan-gu: ص. فا. سۆزله یجی، سۆزه چپر بولان، ناطق، دیله وار.
- سخنور** soxan-war: ص. گورونگچی، شاعر، یازیجی، دیله وار، سۆزه چپر، سویجی سۆزلی.
- سخی** saxi: ص. [ع] جومات، الی آچیق، باغیشلا یجی، کریم، سخی.
- سخیف** saxif: ص. [ع] ینگیل، زورسیز، سست، کلّه سی بوش.
- سد** sad: ۱. [ع] بند، سؤو تیغشیت لاق اوچین اؤنؤنگ اؤنگونده تۆورگینده قوریلیان دیوار بۆوت، پاسگل، دفار، بند توتما.
- سداب** sadāb: ۱. پۇرسۇجا اۇت.
- سدره** sedre: [ع] سدر آغاچ، یدینجی قات آسماندا بۆلن بیر آغاجینگ

سرازیر sarāzir: اینیش، انگیت، باش
آشاق.

سراسر sarāsar: ق. بوتینلی، باشدان
آیاق، بویان باشا.

سراسیمه sarāsime: ص. مر. خوفلی،
قورقۇلى، سرگزدان، اۇزىنگى يىتيرمه،
آلجیرانگ، یایداو، پرىشان ارید
یاغدايلى.

سراشیب sarāšib: ص. مر. باش آشاق،
یاپ آشاق، اینیش.

سراغ sorāq: ا. بلگی، علامت، نشان،
بیری نینگ اۋیونى و مکانینی
سوراماق، سالغین آماق، بیری نینگ
مکانینی باشغا کیشىدن سوراماق،
بیرینه بیر جایى و بیر زادی
گۆركزمک، اصلی ترکی سۆزى نینگ
سوراغ گۆرنوشى و سۆزى.

سرافراز sar-afraz: ص. فا. باش
یۇقارى، باشى دیکلیک، قووانیجی،
قالقینجی.

سرافکنده sar-afkande: ص.
اوتانچلى، باش آشاق، اویاتلى؛
سرافکندیگی: اوتانچلىلىق، باش

آدى. سدرۃالمتهی: بهشت یا
عرشینگ ساغ طرفیندا بیر آغاجینگ
آدى.

سر sar: ا. ۱. باش، کلّه، انسانینگ و
حیوانینگ بوقوردان یۇقارسى ۲.
یۇقارى، اۆست معنادا.

سر serr: [ع] سیر، ایچ سیر، آیدیلما
ایچده ساقلانیان سۆز، گیزلین سۆز،
اوغرىن زات.

سرآغاز sar-āqāz: ا. سۆز باشى،
گیریش، باشلانغیچ، باشدان
باشلانیان سۆز.

سرا sarā: (= سرای) ا. اۋى، اولى اۋى
تام.

سراب sarāb: ا. ص. ۱. سۈوباشى، باغ
و یرینگ یاقیندا بۇلان آقار سۇو،
شورلیق ۲. داشدان سۇو یالى بولوپ
گۆرۈنیان سالغین سالغیم.

سراپا sarāpā: ا. باشدان آیاق، بوتین،
هّمه، توتوشلیغتا.

سراج serāj: ا. [ع] چراغ، چیرا، سراج
المساکین: کنایه سۆزى، ماهتاب،
آیینگ یاغتىسى، سرچ جمع.

آشاقلىلىق.

سرباز.

سرآمد sar-āmad: (= سرآمد) همه دن

سرپالا sar-bālā: ا. ص. کوتل، ياپ

يوقاردان بولما، سايلانما، بلله ن،

يوقارى، يوقارى چيقيش، بيىكلىك.

غيرى دان يوقاردان بولان.

سرېسته sar-baste: ض. مر. آغزى

سرانجام sar-anjām: ق. سۈنگ، ايش

باغلى زات، آغزى ياپىق، اوستى

سونكى، آخردە، آخر سۈنگ. سرانجام

باسيرىلغى، باسیرغىلى، گيزلىن،

دادن: تمام اتمک، قۇتارماق.

تاولى سۆز.

سرانه sarāne: بېر-بېردن سان

سرېسر sar-be-sar: ق. بويدان باشا،

يوزوندن آدملاردان آلىنيان ماليات،

اهلى، بارى يۇغى؛ سرېسر شدن: برابر

سالغيت.

دنگ بۇلماق.

سرایت serāyat: مص. [ع] گيجە

سرېلند sar-boland: ص. باش

گيتمک، گيجە يولا دوشمک، بېر

يۇقارى، باشى دېک، قىوانچلى؛

زادىنگ باشغا بېر زادا اثر اتمەگى، بېر

سرېلندى: باش يۇقارلىق،

ناخوشلىغىنگ باشغا بېرىنە

سرېلندلىک.

يۇقۇشماغى، يۇقۇشيقلى بولماغى.

سرپا sar-pā: ص. آياق اۆست، آياق

سرب sorb: ا. قۇرشۇن.

اۆستوندە دوران، اۆز آياق اۆستوندە

سرپار sar-bār: ا. مر. بېر تاي يۈک،

دوران.

باشا دوشن، باشغالارىنگ زحمتيندن

سرپائی sar-pā'i: ص. آياق اۆستوندن،

مانگلاى دريندن پيدالانىپ ياشايان

آياق اۆستوندە دورىپ ايشلەيان آدم،

آدم.

شاگرد و قولوقچى.

سرباز sar-bāz: ا. ص. باشيندان گچىپ

سرپائی sar-pā'i: ا. پايىش، شىبىيق،

جانينى فدا اتمکلىگە تاييار بۇلان

يىلکىن، كۆويش، اۆيدە گيىليان

عسگرە آيدىليان، عسگر، سپاهى،

سويرەمە كۆويش.

سرپرست sar-parast: ا.ص.

قوللوقچی، قاراویل، اوی اولوسی،
اداره ده یا باشغا بیر قورالشیق یرلرده
باشلیق بولوپ ایشله یان آدم.

سرپوش sar-puṣ: ا. عیال لارینگ

باشینا اورتونیا چاشیوی
اورتونجه سی، بیر زادینگ اوستونی
اؤرتمک اوچین اولانیلیان نارسه،
اؤرتگی، قافاق.

سرپوش sar-puṣ: ص. فا. راز

ساقلاچی، سِر ساقلاچی،
بیری نینگ سِرینی ساقلایان آدم.

سرپوشیده sar-puṣide: ص. مر.

اوستی اؤرتگیلی، باشی اؤرتونجه لی
عیال، اوستی یاپیق جای

سرتاسر sar-tā-sar: ق. ۱. بویدان

باش، باشدان آیاق، باری یوغی همه،
تمام، بوتین ۲. باشدان آياغا چنلی
دیپ-ده آیدیارلار.

سرتراش sar-tarāṣ: ا.ص. سلمان،

آدم لارینگ ساجینی سیریان آدم،
دلک.

سرتیپ sar-tip: ا.ص. تیپ

فرمانده سی، فرمان بریجی سی،
سرهنک دن بیر درجه یوقاری، حربی
قوشونینگ اولی افسرلرینگ بیر.

سرچشمه sar-češme: ا. مر.

چشمانینگ گؤز باشی، چشمانینگ
چوغوپ چیقان یری، چشمانینگ
گؤزی.

سرحال sar-hāl: غیلولی، شهد آچیق،
یاغدا یی قاوی بۇلان.

سرحد sar-had: آراچاک، ایکی

یؤردۈنگ آراسینی کسیان خط، بلگی
و نشان، سامان، ایکی اکرانچلیغینگ
آراسی.

سرخ soix: ص. قیزیل قرمزی، قانا
منگراش بۇلان رنگ.

سرخاب soix-āb: ا. اوردگینگ بیر
گۆرنوشی، قیزیل اؤردک.

سرخ رو soix-tu: ص. مر. شاد، یوزی
گل منگزی، خوشحال، کیپی کوک.

سرخک soix-ak: ا. قیزامیق، کۈیلنج

چاغالارا دگیان ناخوشلیق، اوغلانینگ
اندامینه قیزیل دوورتیکی بۇلۇپ
اوریان قیزامیق آدیندا کسل،

مریض چیلیک.

چاشنغین.

سر خوردن sor-xordan: م.ل.

سر دسته sar-daste: ا.ص. بیر بؤلگ

سورشمک، سورشوپ ییقلیماق،

آدمینگ باشلیغی، یاش اولوسی، بیر

تایماق، ییقلیماق.

تویار آدمینگ سرکرده سی.

سرخوش sar-xoš: م.مر.شاد، کیپی

سر دسیر sard-sir: ا.ص. ساویق یر،

کوک مست کونگلی خوش.

هواسی ساویق یر، ییلاق.

سرخوشی: شادلیق، کؤکلیک،

سر دفتر sar-daftar: ا.ص.

سرخوشلیق.

دفترخانه نینگ ایه سی، اوند

سرخه دم سیاه sorxe-dom-e-siyāh:

سندلری دفتره یازلیپ امضاء

چاقیق.

ادیلیار.

سر د sard: م. ساویق.

سر راست sar-rāst: ک. گؤنی.

سردار sar-dār: ا.ص. باشلیق، سردار،

دوغری، اگریم بوغرام سیز، بیته وی،

طایپانگ اولوسی.

کم سیز، گؤنی.

سردر sar-dar: ا. قاپینگ یوقار

سر راهی sar-rāhi: ا.مر. یولاغچی لان،

اوستی، قاپینگ اوستکی چارچوبی.

یولا دوشنده صدقه یا انعام آدیندا

سردرختی sar-deraxti: ا.مر. باغدان

بریلیان پول.

اؤنیان اییمیش لر، آما، الو، نار یالی

سر راهی sar-rāhi: م. دوغورلیپ

زاتلار.

آتبریلیپ گیدن چاغا، یولدان تاپیلان

سردرد sar-dard: ا.مر. کله آغیری،

تازه دوغلان و دوغان چاغا.

باش آغیری.

سر رسید sar-resid: ا. تجارت

سردرگم sar-dar-gom: م.مر.

رسمینده بریلجک پولینگ وعده

آنگالان، سرگزدان، حیران، یؤل

ادیلن گونی.

ییتیریپ سرگزدان بؤلان، آالجیرانگ،

سر رشته sar-rešte: ا.مر. ا. نخ اوجی،

- ایش یولی، ایشده چپرچیلیک ۲. حساب دفتری دیپ-ده آیدیلیار.
- سرزدن sar zadan: مص.ل. باش چیقارماق، اکیلن زادینگ گؤگریپ یر یوزونه چیقماغی، گونونگ دوغماغی، دويدانسيز بير ايشه يتيشيکلیک ادیپ بارپ گۆرمکلیک یاغداینی سورماقلىق، یوزه چیقماقلىق، یول اوستونده بۇلان ايشه قاقماق.
- سرزده sar-zade: ک. بیردن، خبرسيز، دويدانسيز.
- سرزمین sar-zamin: ا.مر. بۆلک یر، تیکه یر، بیر قوم و طایيانینگ یاشایان یری، یۇرت، نرز، آراچاک، اولکه.
- سرزنش sar-zaneš: کأیش، زیرنچ، کأینچ، یازغاریش، قاتیرغانما.
- سرسام sar-sām: ا. باش آغیری، کله آغیری، تیتیرهه کسلی و آلبیرانگلیق، چاشغینلیق یاغداى.
- سرسبز sar-sabz: ص.مر.ترجه تازه، گۆک مایسا، خوش و کیپی کۆک جوان آدم.
- سرشار sar-šār: ص. دۆپ دولی، پریر، داشغین.
- سرشت serešt: ا. قیلیق، خاصیت، یارادیلیش، طبیقات، عادت.
- سرشک serešk: ا. گۆر یاش، گۆزدن آقیان دامجا، آغلانگدا گۆزدن دامیان یاش.
- سرشکسته sar-šekaste: ص.مر. باشی آشاق، اۇتانچلی، اۇیاتلی، اوتــــانچلی. سرشکستگى: اۇتانچلیلیق، اۇیاتلیلیق.
- سرشناس sar-šenās: ص.مر. بللی آدم، تانییلیان، شهرتلی آدم، مشهور آدم، یاقاسی بللی آدم.
- سرشیر sar-šir: ا.مر. قسایماق، سويدونگ یوزونداکی یاغی.
- سرطان saratān: ا. [ع] ارلنگچ، اون ایکی برج فلکی نینگ دۆردونجی آیى نینگ آدى و طبیب چیلیکده خطرلی ناخوشلیق، اول یازا و چیش بولوپ اندامدان دوموپ چیقیار و ارلنگچینگ آیاغی یالی مونگ چشمه دییپ آیدیلیان کسل.

سرعت sar'at: [ع] تیزلیک، قاتی

گیدیش، قاتی بادلی یورتیش، چالت
گیدیش، چالتلیق، چاقغانلیق.

سرفراز sar-afrāz: سرافراز - ص.

بسیک، مرتبه‌لی، اولی خدمت‌لی،
باشغالاردان تفاوتلانیان، باشی دیک.

سرفه sorfe: او اوسگورمه،
اوسگیله‌ویک.

سرقت serqat: [ع] اوغورلیق، بیر
زادی اوغورلاماق.

سرقفلی sar-qofli: بیر کیشی‌نینگ

باشغا بیرینه اؤی یا دکان دیرکلی
اونونگ اجاره‌سیندا داپ بولان
سرقفلی آدیندا بریان پولی.

سرکار sar-kār: ا.ص. ۱. ایش

باشلینی، ایشی یولا بریان، باقیچی،
ایش اوستونده دوریان، ۲. حرمت
اوچین آد بیلن قاباتلاب بيله‌لیکده
بیرینه آیدیلیان سؤز.

سرکرده sar-karde: ا.ص. بویروغچی،

دسته باشی، بیر بۆلک سربازینگ
باشی، یولباشچی، باش توتان.

سرکش sar-keš: ک. بوینی یوغین،

یاغی، بویروق‌سیز بؤیون اگمه‌زک،
باش تاولاما، باش اگمه‌یان، تابین
بۇلمازاق، قدرت‌لی، گویچ‌لی و باشی
دیک دیییپ-ده آیدیلیپ‌دیر
سرکشی: باش برمه‌سیزلیک، بؤیون
اگمه‌سیزلیک، یاغی‌لیق.

سرکوب sar-kub: ۱. باش آورادیجی،
اؤرۇش وقتینده دوشمانا آبانیپ
اوروپ یوق ادر یالی، دینگ، دغه، داغ
یالی بییک یر، ۲. کایینچ، شیل‌تاق
دیییپ-ده آیدیلیپ دیر.

سرکوفت sar-kuft: ا.مص. کایینچ،
علامت، عییلاما، یازغاریش.

سرکه serke: ا. سرکه، اوزوم، موز یا
خرما، انجیر یالی میوه‌لرینگ سؤوی،
سرکه آدیندا.

سرگذشت sar-gozašt: ا. باشندان
گچن، آدمینگ باشینا گلیپ گچن
واقالار، بۇلان واقا، باشندان گچن
یاغدا.

سرگرد sar-gard: ا.ص. قشونینگ
افسری، سرواندان بیر درجه اولی،
قدیم‌لار اونگا یاور دیییپ آیدیلیان

اكن.

قشونینگ اۇلى افسرى، سرتىپدن

سرگردان sar-gardān: ص. سرگزدان،

بىر درجه يۇقارى بولان.

چاشغىن، آجىرانگ، باشاغايلان،

سرما sar-mā: ا. ساويق هوا، هوا،

حيران، آواره، بللى، ساللاخ.

هوانگ ساوليqliيى، آنگزاق، آبازلى

سرگرفتن sar-gereftan: مص.

هوا.

باشلاماق، توتالاشماق، ياقالاشماق.

سرما خوردگى sar-māxordegī: ا.

ساويقلاما، دومه وله مه، ساويغىن

سرگرم sar-garm: ص. ايشه

اثريندن آداما دگيان ناخوشليق،

گويمنيان، هايى كوينى ايشه برن،

كسل.

ايشه قيزان، ايش بيلن باشاغى

بولان.

سرمایه sar-māye: ا. پول، مال،

سرگروه sar-goruh: باشليق،

بايلىق، تجارت كسبى نىنگ اساسى

طايفانگ اولوسى.

بۇلان پول سريشته سى، مايا، قۇيوم.

سرگشته sar-gašte: ص. سرگزدان،

سرمایه دار sarmāye-dār: ص.

پولدار، سرمايه ايه سى، مايه دار،

حيران، باشى آيلانان، چاشغىن،

پۇللى.

اوغىرىنى يىتىرن، آجىرانگ.

سرمد sar-mad: [ع] هميشه ليك،

سرگشتگى: سرگزدان ليق،

ابدى، سۇنگ سىز.

چاشغىن ليق، باشاغى ليق.

سر مست sar-mast: مست، سرخوش،

سرگىجه sar-gije: ا. باش آيلانما، همه

اولومسى، منليكلى.

زات داشىنگا آيلانيان يالى بۇلما.

سرمشق sar-mašq: گۆزله، نمونه و

سرگىن ser-gin: ا. آط و ايشك يالى

ايش دستورى، اولگو، معلمىن

حيوانلارنىنگ تزه گى، تزك.

يازبان خطىنى، اوقوچىلار شونونگ

سرلشكر sar-laškar: ا. ص. لشكرىن

يوزىندان گۇچىرىپ آوادان يازماغى

باشليغى، فرمان بىرىجى سى،

- اۋورنمک يۇلى، تارى. سرود sorud: ا. آواز، آيديم، يۇقۇملى
سرمنزل sar-manzel: يورت، اولكه، آواز، سسر، بير نأچه آدم بولوپ بيله
ير. آيدىليان آيديم.
سرنا sornā: ا. تويدوك. سرودن sorudan: مص. آواز اوقاماق،
سرنشين sar-nešin: ص. ماشينينگ آيديم آيتماق، قوشنى ديمك، شعر
ايچينده اوتوران مسافرلار، قديمده اوقاماق.
اٹلى مسافرله آيدىلياردى. سرور sarwar: ص. باشلىق،
سرنگون sar-negun: ص. باش آشاق يولباشچى، بايار، طايپانينگ اولى
آغان، ييقيلان، دۇنگدريلن. آدامى، باش توتان، آغا، جناب؛ سرور
سرنوشت sar-newešt: ا. يازغيت، كائنات پيغمبر اسلام (ص).
بخت، طالع، اقبال، خدای تعالى نينگ سرور sorur: [ع] شادليق، شاديانليق،
ايلكى آدمينگ مانگلايينا يازانى، خوشحالليق، بگنچليک.
تقدير، ازله آداما يازيلان، يازغيت. سروسامان sar-o-sāmān: اۋى
اسبابلارى، ياشايشينگ گرک سرو sarw: ا. هميشه گۆك، سروى
زاتلارى، اۋيدأكى، ياشايشدأكى و يا آغاچ، هميشه گۆك اۋسوپ دوران
ايشدأكى دوزگونليک و ترتيبليک. آغاچ.
سرو آزاد sarw-e-āzād: ا. ديك اۋسيان، سروى آغاجى.
سروا sarwā: ا. سۆز ارتهكى، قوشغى. سروان sarwān: ا. ص. قديمده
باشلىق؛ رئيس ديبىپ آيدىلارميش، ايندى حربى قوشون افسرى، اوزاللار
سلطان ديبىپ هم آيدىليار اكن. سرورس sarwis: [فر] نوكرليک،
خدمتكارليک، خدمت، بير منگزش نهار ايبليان قاپ چاناق، سرويس.
سره sare: ص. قاوى، ياغشى، تميز، عيب سيز، تويس؛ ناسره - عيبلى،

- تویس دال، پاک سیزلیک. سر ۱. seri: [فر] اوزین، ایزلی-ایزینا،
سرهنگ sarhang: ۱. ص. حری قوشون افسری، سرگردان بیر درجه
اولی، یولباشچی. سزا ۱. sezā: جزا، قاویلیق و اریدلیگینگ
جزاسی، مزد، حق، عوض، ۲. سیلاغ و لایق لایق معنالاردا.
سزاوار sezāwār: لایق، مناسیب، یاراشیقلی، حق.
سست sost: ص. عجیز، خور، پس، حال سیز، قاوشاق؛ سستی: خورلیق،
عجیزلیک، تنبل لیک، یوواشلیق. سست تر sost-tar: قاوشاق راق.
سست کردن sost kardan: قاوشاتماق، پسلتمک.
سطح sath: [ع] بام، بیر زادینگ یوزی، اومت، یوزه
سطر satr: [ع] سطر، خاطار، سطور و اسطار جمع.
سطل satl: [ع] بدره، قاوا. سعادت sa'ādat: م. ص. [ع]
قوت لیلیق، بختی یارلیق، بختلی لیلیق، خوشبختلیق.
سعد sa'd: [ع] مبارک، خوش بختلی، سعود جمع.
سریر sarir: [ع] تخت، پادشالیق تختی، کوشک، قصر، اسره و سرر
جمع. سریع sari': [ع] هاولیقما، تیز، دپگینلی، بادللی، چالت، ییلدام،
قیسساقلیق، شاتیر. سریع الانتقال sari'-ol-enteqāl:
ذهنلی، تیز دوشونیان، قاتی دوشونجهلی، تیزهوش.
سریع السیر sari'-ol-seyr: تیز گیدیان، قاتی گیدیان، ییلدام یوریان،
چالت گیدیان، چاقغان یوریان. سرین sarin: ۱. بؤت، ساغیر.

- سعی sa'i: [ع] تَقْلًا اتمک، چالیشماق،
 جان چکمک ایشه اخلاص اتمک.
- سعید sa'id: [ع] بختلی، بختی آچیق،
 یختی یار.
- سفارت sefārat: [ع] آرا آلیپ بیر
 ایشی تیمارلاماق، آرا دوزله مک،
 ایلچی نینگ وظیفه سی دولی
 اختیارلی بؤلۆپ باشغا دولتینگ
 پایتختینه دولت طرفدان گیدیپ یکی
 دولتینگ ایشینی یولا برما ایلچی خانان.
- سفارش sefāreš: (= سپارش) ا.مص.
 تابشیرماق، تابشیرماق، سارغیت،
 تابشیرغی، سارغاریش تابشریق.
- سفال sofāl: [ع] پست بؤلماق،
 پستلیک، قورپسیزلیق.
- سفال sofāl: ا. پالچیقدان بیشیریلیان
 کاسه، کویزه و شولار یالی زات، کویزه
 دؤویک، تانگسیق.
- سفت seft: ص. قاتی، برک، قالینگ.
- سفتن soft-an: مص. دشمک،
 سویکه مک، سیپاماق.
- سفته soft-e: اؤچلی زات، اؤق، پیکان،
 اؤچلی، اهلی اؤچلی زات.
- سفر safar: [ع] یولاغچیلیق، سیاحت،
 گزیم، بیر شهردن باشغا بیر شهره
 گزماگه گیتمک، بیر شهردن باشغا بیر
 شهره یولا دوشمک
- سفره sofre: [ع] ساچاق، دسترخان،
 سفره.
- سفله sofle: [ع] پس، ییگرنجی،
 یارامان، بی حیا، اوتانچ سیز، بد آصیل،
 باش آشاقلیق.
- سفید sefid: ص. آق.
- سفیدی چشم sefidi-češm: گۆز آغی.
- سفیر safir: [ع] ایلچی، آراچی، دولت
 طرفدان باشغا بیر دولته وکیل بولوپ
 گیدیان آدم.
- سفیل sofil: [ع] خور هومسی، پسه
 دوشن، ازیلن، سفیل سرگزدان، آواره.
- سفینه safine: [ع] گامی، سفائن و
 سفن جمع.
- سقامت saqqāmat: [ع] کسمله مک،
 هاسسالاماق، ناخوشلیق،
 سیرقاوولیق، خاسسالیق.
- سقاء saqqā': سؤوچی، سؤو داشایان
 آدم، سؤوکش.

- سقر saqr: [ع] جهنم، دوزخ، تامی.
- سقط seqt: [ع] ۱. بیهوده، پیداسیز زاتلار، پس مال ۲. رسواچیلیق و یالنگیشرلیق و خطا معنیده.
- سقط شدن seqt-šodan: اۆلمک، آزادان چیقماق، حیوان - انسانینگ ھلاک بولماغی.
- سقف saqf: [ع] جایینگ اوستی، تامینگ اوستی، بام، سقوف جمع.
- سقف دهان saqf-dahān: ۱. آغیزینگ ایچ یۇقارسى، قانگشیرىق، کنتله ویک.
- سقوط suqut: [ع] ییقىلماق، یرە باش آشق اینمک. سقوط کردن: ۱. یرە اینمک ۲. دوشمانینگ الینه دوشمک.
- سکته sekte: ۱. [ع] دۇرۇقما، کسيلمه، اوزولمه، ساقلانما، بىردن آدمدا تاپیلیان ناساغلیق یاغدايى، آدمینگ اندامی حرکتدن دوشوپ اۆلومه سبب بولیار، کۆپلنچ یوره گینگ مغزینگ داماری قسیریلماق نتیجه سینده یوزه چیقیان کسل.
- سکر sokr: [ع] سرخوشلیق، مستلیک، پیانلیق.
- سکوت sokut: [ع] دیمما، سس سیز، اوین سیزلیک، اومسوملیک، دیمما.
- سکونت sokunat: [ع] اوییده اوتۇرماق، منزل اتمک، اوی توتماق، مسکن توتماق، یاشاییش اوچین جای یجرمک، بیر یرده یاشاماق، اوروون توتماق.
- سکه sekke: [ع] اونیق پول، قیران پول.
- سکینه sakine: [ع] راحت، آرام، خاطر جملیک، اینانچ.
- سگ sag: ایت.
- سگ آبی sag-e-ābi: سۇو ایتی، دۆلن.
- سگ زبان sag-zabān: ایت دیلی.
- سلاح selāh: [ع] یاراغ، حربی انجام.
- سلاطین salātin: [ع] سلطانلار، پادشاهلار، جمع سلطان.
- سلام salām: [ع] آفتدان و عیبدان سایلانماق، آراسسالیق، دوغرولیق، دۇستلۇق و مهربانلیق دویغوسی.

- حکمىندە آيدىليان آنڭلاتما، سلام. **سلطه** sol-te: [ع] گويچ، قۇجۇرلىق،
 سلامت salāmat: [ع] ساغ، ساغلىق،
 قورغونلىق، دىنچلىق.
 سلب salab: [ع] اوغورلاماق، قاقماق،
 بىر زادى بىر زاتدان يۇلۇپ آيىرماق،
 آغاچ قابىغىنى آيىرماق.
 سلب salb: [ع] يۇلۇنان، اوغورلانان،
 قوفارىلان زات، آيرىلان، اسلاب جمع.
 سلب salab: [ع] ياسدا مصيبتدا
 گىليان قارا گىيم، قارا گىمك، سلاب
 جمع.
 سلسىل tsalsabil: [ع] سويچى و
 ينگىل آقغىنلى سۇو، ينگىل آقيان
 سۇو، جنتدە بىر چشمانىنگ آدى،
 اوچما بولاغى.
 سلسىل salsabil: ا. گچى ساققال،
 يلماق.
 سلسله tselsele: [ع] زنجير يالى، بىر
 بىرىنە سىپەگىلى زنجير يالى
 سبشيرگىلى بۇلان. خاطار، سىرغىن.
 سلطان tsoltān: [ع] پاتىشا، حاكم.
 سلطنت sal-tanat: مص. [ع] شالىق
 اتمك، سلطانلىق، پاتىشالىق اتمك.
- سلطه sol-te: [ع] گويچ، قۇجۇرلىق،
 داياولىق، حكم سورمكلىك،
 بۇيۇرچىلىق، اوستملىك.
 سلک selk: [ع] رسته، يوپ، دوزوم،
 دوزولمه، خاطار، رسته مرواريد، ساپ،
 اسلاك و سلوك جمع.
 سلوى solowi: ا. بدنه قوش.
 سلوى salwi: ا. [ع] باسالىق بريان،
 آدما اينجالىق بريان.
 سليم sal-im: [ع] ساغ، بيتين،
 عىبسىز، ساغدين، يوشاق،
 خاصيتلى، آفتسىز، موينسىز.
 سم som: ا. تويناق، آطينگ -
 اشەگىنگ تويىناغى.
 سم sam: ا. آوى، زهر، جانلىنى
 اۇلدورىان نارسە.
 سماء samā: [ع] آسمان، گۆك، هر
 زادىنگ بامى، جمع سموات.
 سماجت samājat: [ع] گلشيكسىز
 بۇلماق، گلشيكسىزلىك،
 حياسىزلىق، اوتانچسىزلىق، يورهگە
 دوشوجىلىك، شرمسىزلىك،
 كجاللىق، ارجهشيك، جدللىك.

سماع samā': [ع] ۱. اشیئتمه،

دینگلمه ۲. آیدیم ساز ۳.

درویشلرینگ قوشغی، ساز و رقص
بیلن ذکر چکمه‌گی.

سمانه samāne: ۱. کرک، بیلدیرچین.

سماوات samāwāt: (= سموات) [ع]

آسمانلار، گۆنکلر، گوکلر، جمع
سماء.

سماور samāwar: روس سۆزی: چای

قایناتماق اوچین ایشله‌نیان آبزال،
سماوار.

سماوی samāwi: [ع] گۆنگه دگیشلی
بۇلان، گۆنگ، گۆک آسماندان .

سمت semat: [ع] داغ اثری، بلگی، ایز،
آد، عنوان، سمات جمع.

سمت samt: [ع] یۆل یوردا، یورلگه،
اوغیر، طرف، سموت جمع.

سمج semej: (= سَمِیج) [ع]

تله‌که‌لیک، پس‌لیک، هالانمادیق، جد،
شرم‌سیز، حیا‌سیز، ایززیق، کجال،
ارجه‌شیک.

سمج semej: ۱. سرداب، نقیم، یر

آشاغینداکی یۆل، یر آستینداکی

زندان، داغینگ قوواغینداکی قویون
آخیری، یاتاغی.

سمع sama': [ع] قولاق، اشدیش

دویغوسی، اشیئتمه، اشدیش،

دینگلمه، قولاق آسما، اسماع جمع

اسماع و اسامیع جمع جمع.

سمند samand: ۱. تويس، سوی،

ساری آط، ساری رنگه بۇلان آط.

سمندر samandar: ۱. کلپزا منگزش

یرده سوودا یاشایان جانلی، اودا

یتنده اؤزوندن بیر زات زینگیپ اونی

سؤندوریا، شؤنؤنگ اوچین‌ده

ادیباتدا اوتدا یاشایان جاندار دیییپ

دوشونجه بریلیار.

سمور samur: ۱. قوندوز، اول تیلکا

منگزش حیوان، دری‌سی یۇمشاق

قیمّات بهالی، اونی دریسی اوچین

شکار ادیارلر، جمع سمامیر.

سمیع sami': [ع] اشدیدیجی، اشدیگیر،

سمعاء جمع.

سمین samin: [ع] سمیز، پوکگی،

دایاو، کلام سمیین، پوغتا برک سۆز

اسمان جمع.

سن sen: [ع] ياش، سن بلوغ؛
يتگينجکلیک ياش.

سن sen: ۱. [فر] نمايشينگ
صحنه‌سی، نمايش بریلیان یر، جای.
سنبل sonbol: [ع] خوشه، بۇغدايینگ
آریانگ جوانه‌سی.

سنبل sonbol: گل بریان وتلاردان،
زینتلی گل‌لردن.

سنت sent: [ع] یول یوردا، داپ،
یۆزلگه، اوغور، طبیعت. اهل سنت؛
حضرت ابوبکرینگ خلافتنه قائل
بولان مسلمانلار.

سنجاب sanjāb: ۱. آوی سیدیک.
یومشاق تویلی حیوان، اونونگ یومشاق
دریسیندن اگین اشیگینگ ایچینه
توتیارلار، و همده کلاً گیماکه
قۇلاقجین تیکیلیار.

سنجاق tsanjāq: [ت] ۱. بایداق، توغ
۲. ولایت معنادا.

سنجاق tsanjāq: [ت] ساچی
ساقلاماق اوچین اورولیان سنجاق،
گیره.

سنجد senjed: ۱. ایگده.

سَنجر sanjar: ۱. ص. ۱. آو آولایان قوش
۲. دایاو آدم معنیده

سَنجر sanjar: ۱. سلجوقلارینگ
یدینجی پادشاه‌سی، سلطان سنجر.
سنجیده sanjideh: ص. م. آغرامی
آلینلن، اؤلچاگی آلینان، اؤلچهلن.

سند sanad: انه آتاسی بللی بۇلما دیق
حرامزاده چاغا.

سند sanad: [ع] سند، دلیل، دایانچ و
ینه یول دوکومنتی

سندلی sandali: (= صندلی) ۱.
اوتورقیچ، اۆستونده اوتوریلیان،
دمیردن آغاچدان بجریلیان دورت
ایاقلی اوسول.

سنگ sang: ۱. داش، داغ داشی.
سنگ پشت sang-pošt: ۱. پیشباقا،
پیشدیل.

سنگ چشم sang-česm: ۱. آلاتۇغان.
سنگ دل sang-del: ک. داش یورک،
یوره‌گی قارا، دونگ یورک، ازغیت‌سیز.

سنگر tsangar: جانان قورانماق
اوچین بجریلیان چوقور یا تفار، آغاچ
دیر یا داشدن یاپراقدان ادیلیان، جان

پناه، قوراق جای، سنگر.

سنگسار sang-sār: ۱. داشلانما،

داشلاما.

سنگستان sangestān: ۱. داشلیقیر،

داشینگ کۆپ یری.

سنگین sangin: ص.ن. ۱. آغیر ۲.

قمت بها معنی ده.

سنی sani: [ع] اهل سنته باغلی بولان،

اهل سنتدن بولان.

سو su: ۱. ۱. طرف، قاپدال، یان اوغور

۲. یاغتی لیق و پیدا، نفع معنی ده.

سو su: ۱. [ت] سوو، چای سووی،

جغرافیا آدلاردا گلن دیر «قره سو»

دیین یالی.

سوء su': [ع] اربت، یامان.

سواء sawā': [ع] آیری، اورتا، میانه،

عدل، دنگ، و کلمه استثناء: باشغا

غیری، جدا.

سوابق sawābeg: [ع] جمع سابقه

ایلکی لر گچن لر، اونگی لر.

سواحل sawāhel: [ع] جمع ساحل

دریانگ کنارلری، دریانگ قیرالاری،

سای لر.

سواد sawād: [ع] ۱. قارا، آدم لارینگ

قاراسی، شهرینگ قاراسی نینگ

داشتن گورنیمی ۲. فارسچا

اوقویماق و یازماق لیغا قوجوری و

قدرتی بولان.

سواد اعظم sawād-a'zam: اولی

شهر، پایتخت.

سوارکار sawā-kār: ص. آط اوغلان

آط چاپیان اوغلان، آط چاپماغا

چاقغانلان، چابک سوار.

سوار کردن sawar kardan: مص.م.

میندیرمک، آطلاندیرماق.

سواره sawāre: ص. آطلی، اولاغلی،

چاپاری، آطا مینن، اولاغ مینن، آط

مینن حالتده، آطلی یاغدایندا.

سواره sawāre: ۱. [فر] ساز صحبتلی

اوتورشیق، گيجانگ اوتورشیقی،

مهمانلی گيجه، گيجه یاتیلیان وقته

چنلی.

سوپ sup: خ. چوریا، سوویق نهار.

سوخت suxt: ۱. یانغیج.

سوختن suxtan: مص. یانماق، اود

آلماق، اندامینگ اوده بیشمک، قاینان

- سۇوا يانماق، اۇرتونمك.
- سوخته *suxte*: يانان، يانيق، كۆين
كۆيوك، اۇرتەنن.
- سود *sud*: ا. پيدا، نپ، گيردهجى قازانچ.
- سودا *sawdā*: ا. آليش بریش، آلو ساتو،
معامله.
- سوداء *'sawdā*: [ع] مۇنث اسود: قارا
معنيده.
- سوداء *'sawdā*: [ع] عشق، سويگى،
كوى، خيال، پيكر معنادا.
- سودائى *'sawdā'i*: كويلەنن، دالديران،
تنتك، ماساو.
- سودازده *sawdā-zade*: كلەسینه
عشقینگ ىلى دوشن، چاشان،
آلجيران.
- سور *sur*: [ع] قورانماق مقصدى بيلن
شهرینگ و اوبانىنگ داشينا چكيليان
قالينگ ديوار اسوا و سيران جمع.
- سور *sur*: ا. شاديانلىق، شاد و
خرملىق، توى تماشا، مهمانچىلىق.
- سوراخ *surāx*: ا. دشىك، كۆوك،
ايشغالانگ، ياريق.
- سوره *sure*: [ع] قرآنيگ ۱.۱۴.
- سوره دن بير بۆلومى، بير فصلى،
آيرى آيرى بابى و بۆلومى.
- سوز *suz*: (= سوزش) ا. مص. آويما،
يانما آغريما. سوز عشق: عشقینگ
يانغينى، عشقینگ اودى. سوزوگداز:
نالا چكمه، آخ چكمه، يالغين.
- سوزان *suzāan*: ص. يانپ دوران،
يانپان حالتده، يانپ دوران ياغدايده
يانديريجي، يانان، كوين ياقيجى.
- سوزاندن *suzāndan*: مص. م. ياقماق،
كويدورمك اودلاماق.
- سوزن *suzan*: ا. ايگنه.
- سوزناك *suznāk*: ا. يانغينلى،
يورهگى ياقيجى.
- سوسمار *susmār*: ا. پاتماجىق،
پاشلاق.
- سوسن *susan*: ا. اونكات ايسلى
گولونگ آدى. سوسن سفيد: سۇغان
كل.
- سوغات *sawqāt*: ا. سوغات، بيرينه
سيلاغ اوچين آليپ باريليان يا
التيليان ذات، هديه سوغات، سرپاي.
- سوق *sawq*: [ع] قاوماق، دورت آياقلى

مالی قاوما، سورمه حدیثی
 اوقیما، و بیان اتمه، آیتما .
 سوق sawq: [ع] بازار، مال ماتا، آلیش
 بریش ادیلیان یر.
 سوک suk: ۱. اولوم دوشمه، عزا، غم،
 مصیبت، یاس.
 سوم sewwom: ص.ن. اوچونجی.
 سوهان suhān: ۱. سویجی زادینگ بیر
 توپسلی سی، شکر و گوک بۇغداى دن
 بی شیریلیان بیر هیلی سویجی
 نارسه.
 سه تار se-tār: ۱. بیر هیل ساز، اوچ
 سیملی ساز قورالی.
 سهره sehre: آرچاسار.
 سهل sahl: [ع] آنکسات، یومشاق،
 تکیز، یومشاق یر.
 سهم sahm: ۱. قورقی، قورقونچ، وهیم.
 سهم sahm: [ع] ۱. گولله، یای بیلن
 آتیلیان اوق، بیجک، بیجه، چک
 آتیلاندا آتیلیان اوق، سهام جمع ۲.
 پای، بهره.
 سهو sahw: [ع] یالینگیش،
 یالنگیشلیق، نادوغری، نادوغری لیق.

سهولت sohulat: [ع] آنکسات
 بۇلماق، یومشاق بولماق،
 آنکسات لیق، یومشاق لیق.
 سهی sahi: ص. دیک، دۇغری، اوزین،
 گۆنى سرو سهی: اوزین سرو، دیک
 سرو.
 سهیل soheyl: ۱. [ع] آسمانینگ گون
 اورتا طرفیندا تومیسینگ آخیریندا
 گۆرونیان پارلاق ییلدیزینگ آدی.
 سیاح sayyāh: ص. [ع] سیاحتچی،
 یۇرت گزیان، گزمن.
 سیاحت siyāhat: ص. [ع] یۇرت
 گزمه، یولاغچیلیق اتمه، اۇزاق
 یورتلارا اۇزاق یرلره گیدیپ
 گلمک لیک، گزالنج اتمک لیک.
 سیادت siyādat: (= سیادة) ص. [ع]
 آغالیق، اولولیق، شرف، اولولیق
 تاپماق.
 سیار sayyār: ص. [ع] سیر ادیجی،
 گزنج ادیجی گزیجی، مداما بیر یرده
 دورمان گزیان، گزه گن.
 سیاره sayyāre: ص. [ع] مؤنث سیار،
 سیر ادیجی، گزنده، بیر یرده

- دورمایان، ییلدیز گردان، گونونگ داشینا آیلانیان.
- سیاست siyāsāt: [ع] کوپچیلیگینگ
- ایشینی دوزگونه سالیب یوردونگ
- ایشلرینی اداره اتمک رعیت
- ساقلاماق، سیاست؛ فارسچا:
- مجازات یعنی عاصی چیلینینگ
- جزاسی دییپ-ده آیدیلیار.
- سیاق siyāq: [ع] سورمک، حیوانی
- اونگه سورمک، یۆلگه، تار، سورینگ
- یولی.
- سیاوش siyāwāš: ا. قزیزل اوردک،
- آنق.
- سیاه siyāh: ص. قارا، قارا رنگده بولان
- کومیر یالی رنگک.
- سیاه‌براق siyāh-barāq: ص. ییلچار
- قارا.
- سیاه‌روز siyāh-ruz: ص. مر. قارا
- یوزلی، کنایه: عاصی، گناهکار.
- سیاه‌زخم siyāh-zaxm: ا. قارا باش.
- سیاه‌سرفه siyāh-sorfe: ا. گوک بوغما
- کوپلنج یاش چاغلارا دگیان کسل.
- سیاه‌سینه siyāh-sine: ا. قارا باغیر.
- سیاه‌قلم siyāh-qalam: ا. ص. [ف.ع.]
- قارداش یا مرکب بیلن چکیلن
- صورت.
- سیاهک siyāh-ak: قارا باش.
- سیاه‌گوش siyāh-guš: ا. قارا قولاق.
- سیاهی چشم siyāhi-češm: ا. قاراق،
- گۆز قاراسی، گۆزونگ گۆره‌جی، گۆز
- بابه‌گی.
- سیب sib: ا. آلما.
- سیب زمینی sib-zamini: ا. کرتوب،
- کرتوشگه.
- سیر sir: ا. آغرام اۆلچه‌گی ۷۴ گرام.
- سیر air: ا. ساریمساق.
- سیر sir: ص. دوق، ایمیت اییپ قارنی
- دویان، معدده‌سی دولان.
- سیر sayr: [ع] گزه‌لنج، یوره‌مک، گزمه،
- تماشا ادیپ گزمه.
- سیرآب sirāb: ص. قانان، سؤودان
- قانان، قانما.
- سیرآبی sirābi: ا. قویونینگ قارین و
- گۆوسوندن بییشیریلیان اییمیت.
- سیران seyran: [ع] جمع سور،
- شهرینگ تۆوره‌گینداکی دیوار

معنیده.

سیماب simāb: ۱. سیماب، جیوه،

سیرت sirat: ۱. [ع] (= سیره) یول،

سیمان simān: ۱. [فر] سمنت، سیمان.

یوردا، قیلیق، اخلاق، گۆرنوش،

سیمبر sim-bār: ص. (= سیمتن) آق

بولوش، گورک، مذهب، داپ، سیر

اندام، آوادان تن، کوموش بدن، اندامی

جمع.

سیم یالی آق بۇلان.

سیف seyf: [ع] قیلیچ، سیف الله:

سیمرغ si-morq: ۱. سیمرغ قوش.

خدایینگ قیلیچی، حضرت

عنقا، کوپ دستانلی قوش آیدیارلار،

علی نینگ لقبی.

قاف داغیندا هوویرتگه لایان بۇلمالی

سیکران sikrān: ۱. آلاگوز (بیر هیل

اونگا سیرنگ دیبده آیدیلیار، اول

قوشونگ آدی).

قوش، روایت گؤرأ قاپ داغینگ اینگ

سیل sil: ۱. داشغین، سیل.

بلند یرینده یاشایان بولمالی.

سیلاب silāb: ۱. سیل سۇوی، یاغین

سیمین sim-īn: (= سیمینه) ص.ن.

سۇوی یا آقارسۇو آغزیندن آغیپ

کوموشه دگیشلی، کوموشدن بجرلن

یرینگ یوزونه یایراماغی.

وادیلن ذاتلار.

سیلان sayalān: [ع] آقیش، آقیان

سیمین بدن sim-in-badan: ص.مر.

سۇو، سیل یالی بۇلۇپ آقیان سۇو.

[فاع] اندامی کومیش یالی آق بولان.

سیم sim: ۱. کوموش.

سینه sine: ۱. قورساق، دۇشه کوکرک.

سیما simā: ۱. یوز، کشب، گۆرک،

سیه siyah: ص. قارا.

سیرات.



کیپی کوک.

شادروان šādrawān: روحی شاد

فارسچا: مرحوم سوزینینگ یرینه

حرمت اوچین اولاییدیلیان سوز.

شادمان šād-mān: ص. شاد، خوش،

شادیان، کیپی کوک، شهدی آچیق،

بگنچلی.

شارلاتان šārlātān: ص. فر. حقه باز،

هیتیر، مکیر، یالچی، آلدایچ.

شاش šāš: ا. سیدیک، پشو.

شاشیدن šāšidan: ص. سیمک، پشو

اتمک.

ش še: فارسی الیبسی سنینگ اون

آلتینجی حرفی، ابجد حسابیندا

(۳۰۰).

شاب šāb: [ع]. ییگیت، یتگینجک،

ییگیت بُرنا، شباب و شبان جمع،

شابوف šābuf: هووی، اوغلان

سویگیسی.

شاخ šāx: ا. بوینوز، شاخ.

شاخه šāxe: ا. بالداق، پوداق.

شاد šād: ص. شادیان، شاد، شاوخین،

خرم، خوشحال، بگنچ.

شادان šādān: ص. شاد، خوشحال،

- شاطر šāter: [ع] شوخ، باتیر، چالت؛
 فارسجا: چوراکچی، چۆرک یاپیان.
 شاعر šā'r: [ع] شاهیر، قوشنی
 دوزیان.
 شافع 'šāfe: قوریجی، آرقادوریجی،
 شفاعت ادیجی، خواهیشلی.
 شافی šāfi: [ع]. شفا بریان، درده درمان
 ادیجی، کسگیتلی قایتارغی جواب.
 شاکر šāker: ا.خا. [ع]. شکر ادیجی،
 منت دارلیق بیلدیریجی.
 شاکي šāki: [ع]. شکایت ادیجی،
 شکایت ادیان، عرضه سی بۆلان
 کونکلی قالان، قالیجی.
 شال šāl: ا. یونگ ماتا، شارف، شال.
 شالوده šālude: ا. اساس، پی، دوپ،
 تاسلاما.
 شام šām: ا. ایلکی آغشام، آغشام
 اییلیان اییمیت، اینگریک قارالان
 وقتی، گون باتان چاغی.
 شامل šāmel: [ع]. اوز ایچینه آلیان،
 دنگ بولنیان، اوزارکینه آلیجی،
 شان šān: ا. [ع]. ایش، یاغدادی اولی
 ایش و مهم. اگریت، فارسچه: درجه،
 شان، شوکت، مرتبه، قدر، مرتبه لی.
- شانه šāne: ا. آ. داراق، باش داراق،
 شانه šāne: ا. گریش، اوموردن.
 شانه سر šāne-sar: ا. موللاقوش.
 شاهانه šāh-āne: شاه غا لایق، گوزل.
 شاهباز šah-bāz: ا. ص. شهباز- ا. ص.
 لاجین، آلفیر، بورگوت.
 شاهپور šāh-pur: ا. ص. شاهنگ
 اؤغلی، شاهزاده.
 شاه تره šāh-tare: ا. تورغای اوتی.
 شاهد šāhed: [ع]. شایات، گواه،
 حاضر، بۆلان واقانی یا بیر ایشی اوز
 گوزی بیلن گورن آدم.
 شاهراه šāh-rāh: ا. ص. گینگ یول،
 آیراتین اولی جاده، اولی جاده، اولی
 یول.
 شاهرگ šāh-rag: ا. بوین داماری،
 اولی دامار.
 شاهي šāh-i: ا. ایرانینگ بیگرم دن بیر
 ریالی.
 شاهین šāh-in: ا. آق لاجین، آوآلاماق
 اوچین تربیه له نین قوش.
 شاید šāyad: بلکی، بۆلماغی مومکین،
 بولار، بولسا بولمالی یکه اوچنچی
 شخص، شکلی سوز.

شایستن šāy-estan: مص. لایق
بۇلماق، مناسب بۇلماق، یاراشیقلى
بۇلان.

شایسته šāyeste: لایق، مناسب.

شایع šāye': [ع]. فاش، یایران، جار،
میش-میش، آشکار بۇلان.

شب šab: ۱. گيجه، آغشام.

شباب šabāb: یاش، ییگیت.

شبان šabān: ۱. ص. چوپان، سوری
قوینینگ ساقچىسى.

شبانہ روز šabāne-ruz: ۱. گيجه

گونديز ۲۴. ساعت، بیر گيجه گونديز.

شباہت šabāht: [ع]. منگزشلیک،
اوغشاما، منگزش بۇلان.

شباہنگ šab-āhang: ۱. ص. دانگ

سحر تاویقى، بلبل و سحر قوشى
کرون قیران ییلديزی.

شب پره šab-pare: ۱. خفاش، یاری
سیچان، یاری قانات.

شب چراغ šab-čeraq: گيجه لر چرا
یالى یاغتیلىق بریان، ایشیق
یالديرايان گوهر.

شېدر šab-dar: ۱. یورونجانینگ بیر
گۆرنوشى.

شېرنګ šab-rang: ص. گيجه نینگ
قارانگيىسى يالى قارا.

شېرو šab-raw: ص. ۱. گيجه لرده يولا

گيديان ۲. يول اوران و اوغرى معنیده.

شېستان šab-estān: ۱. حرمخانه،
حرمسرا، ياتاق جایی.

شېگرد šab-gard: ۱. چوپان آلدان،
گيجه قوشى.

شېگرد šab-gard: گيجه ساقچىسى.

شېگون šab-gun: ص. گيجه يالى قارا
رنګلى، توم قارا.

شېگیر šab-gir: ۱. دانگ، سحر،

گيجانینگ ياريندان سۇنگ

گزمکلىک، ياريم گيجه دن سۇنگ بير
يره گيتمکلىک.

شب نشینی šab-nešini: ۱. مص.

گيجه اوتورشيق اتمک، گيجه
میهمانچلىقدا کوب بۇلۇپ

اوتورश्ماق.

شېنم šab-nam: ۱. گيجانگ چيغى،
آيان، قيراو، گيجه لر دوشيان چيغ.

شبه جزیره šebbe-jazire: آدا

منگزش، ياريم آدا، بير بۇلىک ير، بير

قاپدالى ير و اوچ طرفى دريانینگ

ایچینده بۇلان آدا.

شبهه šobhe: ا. [ع] شک، گمان، شوبهه.

شیخون šabixun: ا. گـیجـه

دویدانسیزلیقدا دوپولیپ یعنی

هجوم ادیب قان دوکمکلیک.

شیه šabih: [ع] منگزش، چالیمداش،

اوغشاش.

شتاب šetāb: ا. مص. ایشده چالتلیق،

و قیملدیلیق، هاولیقماقلیق و قاتی

حرکت، قاتی گیتمک، تلسمک

قیسساقلیق.

شتر šotor: ا. دیه، دویه.

شتریان šotor-bān: ا. ص. دویه

چوپان، دیه چوپان، دیه ساقجیسی،

قاراویلی.

شتر دو کوخانه šotor-do-kuhāne

بوغرا، ایکی اورکچلی دیه.

شتر کج کوхан šotor-kaj-kuhān

قامغیل.

شتر مرغ šotor-morq: ا. دیه قوش.

شتر یک کوخانه šotor-yek-kuhāne

آروانا.

شجاع šojā: [ع] باتیر، ادرمن،

قایدووسیز، غیراتلی.

شجاعت šojā'at: [ع] باتیرلیق،

قایدووسیزلیق، ادرمنلیک،

غیراتلیلیق.

شجر šajar: [ع] آغاچ، باغ.

شخص šaxs: [ع] داشدان گورینیان

آدامینگ قاراسی، آدامینگ گورهسی،

انسانینگ گورهسی، تن، اشخاص و

شخوص جمع.

شخصیت šaxs-iyat: هر کیمینگ

اوزینه مخصوص بۇلان قییلیق

خاصیتی، کیشیلیک، آدمکارچیلیک،

مقام، مرتبه.

شخم šoxm: یر سورمه، آزال بیله یر

آغدارمه.

شداد šaddād: ا. خ. عاد اوغلی، گون

اورتا عربستانینگ پادشاسی، بهشت

شداد شونگا باغلی.

شدّت šeddat: قاتی، گویچ

شدن šodan: مص. بۇلماق، یرینه

یتمک، گیتمک، اوتمک.

شده šedde: قۇشاق، بیل باغ، زنار.

شدید šadid: ص. [ع] قاتی، برک،

ماکام، بییک، هؤیوره.

شدیداللعن šadid-ol-lahn: ص. مر.

شریت šarbat: [ع]. شکردن و میوانینگ سوویندن بجرلن سوو قاتیشیقلی ایچیلیان سویجی نأرسه، سوو و ش.م. زات.

شرح šarh: مص. [ع] آشکار ادیلک، سوز آیتماق، آچماق بیان اتمک دوشیندریش برمک. شروح جمع.

شرط šart: [ع] بیر زادینگ باشغا بیر زادا بولان باغلانشیغی، بیر زات اوچین ادیلن ایلالشیق قرار، وعده، شروط جمع.

شرع šar': [ع] دین و مذهب، خدای تعالی نینگ بنده سینه بلان یول یۆره لگه سی.

شرف šaraf: مص. [ع] اولۇلیق، اولی قدرلی بۇلماق، بلند مرتبه لی بۇلماق، آبرای، بییکلیک، یۇقاری حرمتلی لیک.

شرف šaraf: [ع] بییکلیک لر، شرفلی، اولی آدم لار خطرینه گیرن لر، جمع شارف.

شرف šaraf: [ع] جمع شرفه؛ ایوان، بالکن، جای دن تامدان اوزوپ دوران بۇلک.

[ع] قاتی سۆز، اورغی لایجی سۆز. **شر** šar(r): [ع] تله که لیک، پیسرلیک، شرلیک، فساد، یاراماز ایش، (شرور و شرر بضم تین) جمع.

شر šer: [ع]. قاتی پیس، قاتی تله که، قاتی یاراماز آدم.

شراباً طهوراً šarāban-tahuran: آراسسا شراب، قرآنینگ ۷۶ نجی سوره سنینگ ۲۰۱. نجی آیتندن بۇلک.

شرارت šerārat: مص. [ع] تله که لیک اتمه، یارامازلیق، اربتلیک، بولاغایلیق، قسوزغلانگ، پۇتۇرلیق اتمک.

شرافت šerāfat: مص. [ع] اولۇلیق، حرمتلی لیک، شرفلی بۇلماق، آبرایلی لیک، بییکلیک، مرتبه لی لیک. **شرانگیز** šar-angiz: بسوزغاق، فتنه چی، شر اوغرندا گزیان، پوتور.

شرب šarb: ا. بیر هیلی اینچه کتن پارچه، قدیم لرده اوندان کوینک تیکیلیارمیش.

شرب šarb: مص. [ع] ایچمک، سوو ایچگی ایچمک.

شرفیاب šaraf-yāb: ص. فا. [ع. فا.]

بیر اولی آدمینگ حضورینا
یتیشمک، بارماق، خدمتینه بارماق.

شرق šarq: [ع.] گون دوغار، یوقاری

دوغی، گونونگ چیقیان یری، گونونگ
دوغيان یری.

شرک šerk: [ع.] کفر، خدای تمالیغا

اوزگانی اورتاق بيلمه، خدای
تمالی نینگ اورتاغی بار ديمد

خدایی بیر بيلمزلیک.

شرکت šerekat: [ع.] اورتاقلیق، بیر

ایشده بیله ال بیریکدیرمکلیک، بیر
ایشی اتمکده شاعریک بولماق. بیله

لیکده بیر ایش اتمک.

شرم šarm: ا. حیا، عار، ناموس، اویات،

اوتانج.

شرمسار šarm-sār: ص. اوتانچلی

اویاتلی.

شرمنده šarmande: ص. اوتانچلی،

اویاتلی.

شروع šoru: [ع.] باشلاماق، ایشی

نکیرد اتمک، بیر ایشی باشلاماق.

شریر šarir: بوزغاقچی، شرچی، شر

ایه سی، شیطانینگ لاقامی.

شریعت šari'at: ا. [ع.] اسلام

دینی نینگ قانون لاری - یول لاری.

شریف šarif: [ع.] حرمتلی، آبرایلی،

بیگ، شرفلی.

شستن šostan: مص. یوماق،

آراسسالماق، بیر پارچانی یا بیر اگین

باشی یوماق.

شط šat(t): ا. [ع.] دنگیزه قویان اولی

آقار سؤو.

شعاع šo'a: ا. [ع.] گونونگ نوری،

گونونگ یاغتی سی، یالقیم،

یاغتی لیک خطی، شوهله.

شعبان ša'bān: ع. هجری قمری ییل

حسابی نینگ سکگیزینجی آیی.

شعبده šobade: (= شعوده) [ع.]

جادى، آلداولیق، آلدواچلیق.

شعبه šo'be: [ع.] بولوم، شاخه، پوداق،

کیچی آقار سو، بیر اولی آقار سودن

آیریلان بولومی، شعب جمع.

شعله šole: یالین، شعله.

شغال šoqāl: ا. شاغال.

شغل šoql: [ع.] ایش، پیشه، کار.

شفاء šafā: مص. [ع.] ۱. قوتیلماق،

ناخوشلیق دن قوتیلماق، علاج اتمه،

باینینما، آینگالما ۲. دوا، درمان
معنیده.

شفاعت šafā'at: [ع]. خوایش،

ایسلگ، بیریندن باشقه بیر آدم
اوچین عفو و کمک دیلامگی، اؤتینچ
سوراماق لیق، آراچلیق، قولداماقلیق.

شفاهی šafāhi: یوز به یوز آیدیلیان
کپ، دیلدن آیدیلیان سوزء دیلدن .

شفا یافتن šafā-yāftan: آینگلماق،
قوتولماق.

شفت کردن šaft kardan: مص.
سوغشورماق.

شفق šafaq: [ع]. شاماق، گون یاشیب
باریان چاغی، گونونگ ایزینینگ
قیزارماغی، شاپاق .

شفیع šafi': [ع]. شفاعتچی، رحملی،
آرقا توتوجی، طرف دارلیق، آرقا
دوروجی.

شفیق šafiq: مهربان، هامراق،
جانیبکش، رحملی:

شق šaqq: [ع]. چاک، یاریق، یاریلان،
بؤلون، بیر زادینگ یاریسی، دیلینن،
شقوق جمع.

شق šeqq: ۱. [ع] بدنینگ یاریسی، هر

بیر زادینگ دنگ یاریسی.

شق šaqq: یارماق، بیرتماق، دارغاتماق.

شق القمر šaqq-ol-qamar: قدرت
گورکزمه، آیینگ یاریلماغی.

شقاوت šeqāwat: [ع]. بدبخت
سؤلماق، اریت یاغدا یا دوشمک،
بدبختچیلیک، دونگ یورکلیک،
ظالم لیق معنادا.

شقایق šaqāiq: ۱. گولاک، لاله.

شقی šaqi: [ع]. ظالم، قانخور، دونگ
یورک، اشقیاء جمع.

شقیق šaqiq: (= شقیقه) دولوق،
چککه.

شقیقه šaqiqe: (= شقیق) دولوق،
چککه..

شقیق šaqiq: ص. [ع] بیر زادینگ
یاریسی ایکی بولینن زادینگ بیر
بوله کی.

شک šak: [ع]. گمان، شبهه، منکر
چلیک، قارالیق.

شکار šekār: ۱. آو.

شکارچی šekārči: آو آتماق بیله
مشغوللانیان آدم، اوچی.

شکارگاه šekār-gāh: ۱. ام. آو اولانیان

یر، شکارینگ کوپ یری، آو میدانسی،
آولاغ.

شکاف šekāf: یاریق، جایریق، آیریق.

شکافتن šekāftan: مص. یار ماق،
بووسمک، دیلمک، بیرتmaq.

شکاک šakkāk: [ع]. شک گتريجي،
شک ادیجی، شکچی.

شکایت šekāit: [ع]. بیریندن کونگل
قالماق. بیریندن اینجیماق لیق، عرضه
برمک لیک.

شکر šekar: ا. پیسک، قندینگ و
شکرینگ آونیفی

شکر šokr: [ع]. منتداریق اتمک،
آلقیش اتمک، بیرینینگ یاغشلیق
اتمگی اوچین خیر دعا اتمک،
قناعتلیق بیلدیریلیب آیدیلیان سوز.
شکر بار šekar-bār: ک. قاتی
سویجی، کان سویجی.

شکر تیغال šekar-tiqāl: ا. گوک
تیکن، یانداق.

شکست خوردن šekast-xordan:
دوشماندن باسیلیپ قاچماق،
باسیلماق، گورشد و یاریشده
بیقيلماق، ینگيلمک.

شکسته šekaste: دوویک، سینیق.

شکفته šekofte: آچیلان، گل آچیلما.

شکل šekl: [ع]. منگزاتمه، گورنوش،
منگزارشلیک، بیر زادینگ دورمیشی و
داشقی گورنوش، صفتی، کشپ.

شکم šekam: ا. قارین.

شکسجه دادن šekanje-dādan: آزار
برمک، کوسه مک، اورته مک،
اینجیتماق، هورلاماق.

شکوفه šokufe: غنچه، چیچک.

شکوه šokuh: شان، شوکت، اولولیق.

شکیب šekib: ا. صبرلی، آراملی،
جیداملی، طاقتلی.

شَل šal: ماییب، موجریب، ایسمان،
ایشدن قالان.

شلاق šalāq: [ع]. گدالرینگ زنبیلی،
توریاسی، قامچی، بوزیوتور.

شلغم šalqam: ا. شوغوندیر، تاویره،
شالغام.

شلوغ šoluq: ا. گورمه لشیک، آدمینگ

کوپ ییبنانان یری، کیم کیمه آلا
باسقی، هومبردا هومبر، بولاغایلیق.

شُل و ول šol-o-wel: ارمک، آلاقیم،
قاوشاق.

شمائل šamā'el: ۱. اخلاقلار، قلیق

خاصیتلر، ۲. شکل، یوز، کشب،
گۆرونوش، صورت.

شمال šemāl: [ع] ۱. دمیر قازیق،

قایرا، چپ طرف، سول ال. باد شمال:
قایرادان اوسیان یل.

شمام šammām: ص. [ع] مازی، عطر

قابى ۲. دسسمیل معنالارده.

شمردن šemordan: مص. ساناماق،

بیر زادی ساناب حساب اتمک.

شمس šams: [ع] گون، گونش،

قویاش.

شمشاد šemšād: ۱. یاپراغی همیشه

گوک، کوله جه آغاچ، آغاچی نینگ

هیلى، بۇلسا قاتی برک، آغاجیندان

یاغشی زاتلار بجریلیار، (شمشاد

یالی) هر بیر زادی اوران قاوی

گلشیکلی دییپ شمشاد آغاچا

منگزه دیلیار.

شمشیر šamšir: ۱. قیلیچ، اولی ساویق

یاراغی.

شمع šam': [ع] ۱. شم، موم ۲. ایشیق،

چیرا، یاغتی.

شمع سوزان šam'-suzān: یانپ

دوران شم، شمع.

شمع شبستان šam'-e-šabestan:

کیچی جایینگ شمعی، حجره نینگ

شمعی، گیجه یاتیلیان جایینگ

شمعی.

شمله šamle: ۱. [ع] یونگ ماتا

یاغلیق، ینگ سیزگینگ دون، شمالات

جمع.

شمه šamme: ۱. [ع] آز ایس، انتک

ایس، آزاجیق، اوجیپ سیز؛ فارسچا:

آز آلاق زات، آن انتک.

شمیم šamim: [ع] ۱. قاوی ایس،

اونگات ایس، خوشبوی ۲. بلند و

بییک معنیده.

شنا šenā: ۱. یوزوم، یوزمه.

شناختن šenāxtan: مص. بیلک،

دوشونمک، تانیماق.

شناساندن šenāsāndan: مص.

تانیتماق، تانیش اتمک.

شناگر šenā-gar: ص. فا. یوزیجی،

سوده یوزیان آدم، سوده یوزماگه

اوکده آدم.

شناور šenā-war: ۱. یوزیجی، یوزیان.

شنبه šanbe: ۱. هفته نینگ بیرینجی

- گونی، هفتانینگ ایلکینجی گونی،
شنبه گونی.
- شنونده *šenawande*: دینگله یجی،
اشیدیجی.
- شنیدن *šenidan*: مص. قولاق آسماق،
دینگله مک، اشیتیمک، دوشینمک.
- شوخ *šux*: ص. آچیق یورک، شلایین،
بی پروا، شوخین، شورته، دگیشاگن،
شاد، شاهاندان.
- شور *šur*: ص. دوزلی، دوزی کوپ
دوشن، طغمی دوزلی بۆلان، دوزی
آرتیقماچ دوشن ایمیت، بورتانگ.
- شورابه *šur-ābe*: ا.مر. دوزلی سو،
آجی سو، شور سو.
- شورش *šureš*: غوغا، جوشغین،
قوپغین، بۇلاغای، تولقون.
- شوره زار *šure-zār*: ا.مر. بیتیرمه یان
شور یر، اوت بتیرمه یان یر.
- شوره سر *šure-sar*: ا. قونگناق.
- شوریدن *šuridan*: مص. آریاغا
غالماق، قارشى سینه تورماق،
گۆتریلیمک، هیجانه گلمک،
قوزغالانگ تۇرۇزماق.
- شوفر *šufer*: خ. ماشین سوریجی،
راننده.
- شوق *šawq*: مص. [ع] ۱. میل،
کوچلی آرزو ۲. ایسلگ، یاغتیلیق،
ایشیق هیجولیق.
- شوکت *šokat*: شان، شهرت، مرتبه،
آد.
- شوکران *šokarān*: قوماق، بالديرغان.
- شوم *šum*: ا.ص. یاراماز، بولغی سیز،
شیم.
- شوهر *šohar*: ا. آر، عیاللی آدم،
عیالینگ آدمی سی.
- شهاب *šahāb*: [ع] شعله، یالین،
قوریقلى، سونیان ییلدیز، گۆچیان
ییلدیز، شهب جمع.
- شهادت *šahādat*: [ع] شایات
بۇلماق، خدای یولۇندا شهید بۇلماق،
دین یولیندا اۆلمک.
- شهر *šahpar*: ا.مر. قوشلارینگ
قاناتلاری نینگ اولی یله گی.
- شهد *šahd*: ا. [ع] بال، سویجی زات،
شهد شکر.
- شهداء *šohadā*: [ع] شهیدلر، حق
یولوندا دنیادن قایدانلار، جمع شهید.
- شهر *šahr*: ا. اولی آبادی، خیابانلی،

شاسی.

شهير šahir: [ع]. بللی، آدلی، آدیغان،

آد چیقاران، مشهور، شهرتلی.

شيب šib: ۱. یاپ آشاق، اینیش، ۲.

قامچی معنیده.

شیپور šaypur: ۱. یللی ساز قورالی،

آغیز تویدوگی.

شیخ šeyx: ص. [ع]. قارری، یاش اۇلی،

آخون، روحانی، پیر، ایشان، شیوخ.

شیخ الربیع 'šeyx-or-rabi': ۱. مر.

ساری سولماز.

شیخ و شاب šeyx-o-šāb

قارری-یاش.

شیدا šeydā: ص. عاشق، آلبیرانگ،

عشقه دوشوپ عقلینی آلدیران، تلبه،

دالی، مجنون.

شیر šir: ۱. سویت.

شیر šir: ۱. یولبارس.

شیر šir: چورنوک، ال-یوز یوویلیان

یا-دا قابینگ آشاغیندا بۇلان دمیردن

بـجریلن سـؤو چورنیگی، اول

چورنوگی تاولاماق بیلن سؤو آقیار.

شیراز širāz: ۱. سوزمه، سؤوی گیدن

قاتیق، عربچا؛ کسینلن سویت دییپ

کۆچهلی، اؤیلی، دکانلی و کۆپ

جمعیتلی آباد یر، شهر.

شهربانی šahr-bāni: ۱. نظمیه

ادارهسی، پلیس ادارهسی، اؤنؤنگ

وظیفهسی، شهرینگ امنیتی نی

ساقلاماق و نظمینی برقرار اتمک، و

گناهکارلری توتماق.

شهرت šohrat: [ع]. آشکار بۇلماق،

بیر زادینگ فاش بولماغی، یوزه

چیقماق، گورینمک، بللیلیک،

مشهورلیق.

شهرداری šahr-dāri: ۱. خیابانلاری

کۆچهلری آراسسا ساقلایان، جای

سالینماغا رخصت خطی بریان اداره؛

اؤنگ بـو اداره بلدیـه دییپ

آیدیلیاردی.

شهریار šahr-yār: ۱. ص. شهر

اولیسی، پادشاه.

شهسوار šah-sawār: ص. آط چاپماغا

اؤکده، باتیر بیگیت، چاپکسوار، آط

اؤغلان.

شهاhlā: ص. [ع] ماوی قارا گۆز

عیال، آوادان گۆزلی عیال.

شهنشاه šahnešāh: ۱. ص. شالارینگ

آیدیلیار، شواریز و شراریز جمع.

شیردل šir-del: کنایه: قوجورلی،

باتیر، غیراتلی، یولبارس یورکلی.

شیرمرد šir-mard: ک. باتیر آدم،

غیراتلی آدم، قورقمازاق، قوجورلی

ادرمن آدم.

شیرین šir-in: آسال، بال، یاقیملی،

سویجی زات.

شیطان šeytān: [ع]. ابلیس، عزازیل،

بویروق سیز، یولدان چیقان، ملعون؛

شیطانی: شیطانا دگیشلی،

شیطانینگقی.

شیعه šey'e: [ع]. شیعه سۆزی

عیال-ارکک اهلی سینه آدلانیار.

مسلمانلارینگ بیر توپاری علی بن

ابیطالب و اونونگ اون بیر

اولادلاری نینگ خلافتینا،

خلیفه لیفینا یورکدن اینانیارلار.

شیعی šey'e: بیر شیعه، شیعه لاردان

بیری، شیعه مذهب دگیشلی.

شیک šik: خ. آوادان، گۆرنوکلی،

قشنگ، گۆزل زینت لی.

شیلāt šilāt: دریادان توتولان

بالیقلاری تابشیریلیان یر، دریانینگ

ایچینداکی آولانیپ بالیقلاری

تابشیریلیان جای.

شیوع šiu': مص. [ع] فاش بۇلماق،

اشکار بۇلماق، یونگ بۇلما، یایراما.

شیون šīwan: ا. مصیبت وقتی آغلاما،

انگهرمه، آغی، قینغیرپ آغلاپ

انگرهمک، اولاشما، آغی.

شیوه šīwe: ا. یۇل یوردا، یۇل یۇرلگه،

عادت، اندیک، قاعده، دیلینگ دوزلی

پوداقلاری، طرن، آوادانلیق.

شیه šīhe: ا. آط سسلنمه سی،

کیشنگه مه گی، کیشنگه مه سی.

ص

ص se: عرب اليب بى نینگ ۱۷-نجى

حرفى. ابجد حسابىندا (۹۰).

صائب sā'eb: ا.فا. [ع] دۇغرى، گۇنى،

حق، يىترلىكلى، عاصى بۇلمايدىق،

صياب جمع.

صائم tsā'em: ا.فا. [ع] آرازا توتان، آرازا

توتيان، روزەلى، آغيزى بىكلى،

صائمون و صائمين و صوام و صيام

جمع.

صائن tsā'en: ا.فا. (ع) ساقلايىچى،

ساقلاوچى، قراوول، ساقچى.

صابر tsāber: ا.فا. [ع] صبرلى،

دۇزوملى، جيداملى، صابرون،

صابرين جمع.

صابون sābun: [فر] صابىن. اگىن

اشىك يوويليان نارسە.

صاحب sāheb: ص. [فاع] ايه، يار،

دوست، صحبت دىش، ملك ايهسى.

ايه، صاحبان جمع.

صاحب الزمان sāheb-zamān:

ا.ص. [ع] اون ايکينجي امام حضرت محمد بن حسن عسکری نينگ لاقامى، مهدي، زمان ايهسى، عصر ايهسى، عصر امامى معنادا.

صاحب خانە tsāheb-xāne. ص. اوى ايهسى، اويونگ ايهسى.

صاحب دل sāheb-del: ص. مر. عارف، باتير، خدای ليقلی، خدای تانيان، عشقلى، شوقلى.

صاحبقران sāheb-qerān: بير ناچه ايران پادشاهلارى نينگ لقبى، بخت ايهسى، اقبالى.

صاحبقرانى sāheb-qerāni:

صفويه دن تا ناصرالدين شاه قاجار چىنلى سکه لرینگ يوزونده صاحبقران کلمهسى نقش باسليپ گليپدير.

صاحب منصب sāheb-mansab:

ا.ص. اولى ايشداكى آدم، اولى مرتبهلى و مقاملى آدم.

صاحب نظر sāheb-nazār: ص. مر.

فكرى و رايى دۇغرى آدم، آگاه و بينا اويلانشيقلى، داشدان گوريان آدم.

صادر tsāder. فا. [ع] ۱. چيقان، داشار چيقما، گيرن دال، ۲. تجارت آدالغاسينده بير يورت دن باشقا بير يورده ايبريليان متاعلار، ماللار، صادرات جمع.

صادرات sāderāt: بير يورت دن آيرى بير يورده ايبريليان مال. متا.

صادق tsādeq. فا. [ع] دوغورچيل، امين، دۇغرى، آشکار، آيدينگ لايچى.

صادق القول sādeq-ol-qawl: دوغورچيل، دۇغرى سؤزلى. سؤزونده تاپيليان آدم، وعده سینه تاپيليان شخص.

صادق الوعه sādeq-ol-wa'de: سؤزينده دوريان، كپينده تاپيليان، وعده سينده دۇغرى دوريان آدم، كپى كپ آدم.

صاع tsā'. [ع] اؤلچك، مۇچبر، اوچ كيلوگراما برابر تيريز منى، بو اؤلچك اسلم حكم لرى بيلن كفاره، فطريه ده هم يۇريان.

صاعد sā'ed. ا. ف. [ع] يۇقار چيقيجى، يۇقار گيديجى.

صاعقه tsā'eqe. [ع] بیلدیریم، گونگ	جمع.
گوپیرده مک، صواق جمع.	صبا tsābā. [ع] گون دوغاردن اوسیان
صاغر sāqer: ص. [ع] ذلیل و پس آدم،	یواشجه یل، سالقین یل، باد صبا،
ستم ادیلماگه راضی آدم، اریدلیگه و	دانگ شمالی، سحر شمالی، اصباء
ستم ادیلماگه تن بریان آدم.	جمع.
صاف sāf: (= صافی) ص. [ع] پاک،	صباء tsābā' [ع]. ۱. چاغالیق دورینه
تمیز، آراسسا، دوری، دوبدوز، تکیز.	هوس ادیان، اوغلانلیغا میل ادیان، ۲.
صافات sāfāt: [ع] ص. ۱. فرشته لر،	چاغالیق، اوغلانلیق.
صف دوران فرشته لر، جمع صافه، ۲.	صبح tsābāh. [ع] ایر ارتیر، نماز
بیر صفده دوران دویه لر.	وقتی، دانگ آتیپ جهان یاییلان
صاف روشن sāfrošan: دوری صاف.	وقتی، دانگ آغاران وقتی.
صالح sāleh: ص. [ع] یاغشی، خیر	صباغ sābbāq: ۱. رنگ بجریان، رنگ
ایشلی، خیرلی، یاراشیقلی، خیر	بویایان، ۲. یالانچی آلدوچی.
ایشینده بۆلان ایله یارایان آدم،	صبح sobh: ۱. [ع] ایر ارتیر، دانگ آتان
صالحین و صالحون جمع.	سونگ.
صامت tsāmet: [ع] ۱. دیمپ	صبر tsābr. [ع] دوریم لیق، جیدام،
اوتوران، دینچ، آرام. ۲. مال آلتین زد	طاقت، قرار، شهر الصبر: صبر آیی،
قویون سیغیر دیهدن دینچ دنیا	رمضان آیی.
مالیندن هیچ زادسیز، هیچ زادی	صبر و حوصله sābr-o-hosele:
بۆلما دیق.	ایسینی قانی، هاولیقمانی
صانع tsāne' فا. [ع] دۆره دیجی،	قیسسانمانی، صبر بیلن.
یاسایجی، تاییارلایجی، الی بیلن	صبور sābur: ص. [ع] جیداملی،
یاسایان صنعتگر، اؤندریان، صناع	طاقتلی، صبر ادیجی، صبرلی،

صبری: صبرلی لیق.

صبی tsābi. [ع] چاغا، ارکک

اوغلانچیق صبیان جمع.

صبیہ tsābiye. [ع] مؤنث صبی، قیز

اوغلان، صبیایا جمع.

صحابه sāhābe: [ع] صاحب‌لار،

یولداشلیقلار، همرالار، یارانلار، جمع

صاحب، پیغمبر اسلامینگ یارانلاری.

صحابی sāhabi: صحابه دگیشلی،

بیر صحابه دیدیگی.

صحاح sāhah: ص. [ع] ۱. دۇغری،

عیب‌سیز، ۲. قین و چتین یول، جمع

صحیح.

صحاح sāhah: مص. [ع] سرقاوولیق

آیریلماق و ساویلماق، ساغ سلامت

بۇلماق، ساغلیغنی اله آلماق.

صحاف sāhhāf: [ع] کتابی تیکیپ

کنارلارینی تیمارلاب جلد ایدیان آدم،

جلدلیجی.

صحاف tsēhāf: [ع] ص. اولی سولوی

اوی، سولوی چوقیر، سوو ییغنانان

قورپ.

صحبت sāohbat: مص. [ع] صحبه،

یار و همدم بۇلماق، یارلیق، دۇستلۇق

یولداشرلیق، گورنگ‌دشرلیک، ملایم

گوررونک، شلاین.

صحبت داشتن sohbat-dāstan:

صحبت اتمک، گوررونک‌دش بۇلماق.

صحبت نکردن sohbat-nakardan:

سویله مزلیک، گورلامزلیک.

صحت sehhat: مص. [ع] (= صحة)،

ساغ بۇلماق، جان ساغلیق، دۇغروولیق،

سلامتلیق. صحت و سقم: دۇغری لیق

و نادۇغری لیق.

صحرا tsahrā. [ع] بیابان، اوت‌سیز

سوسیز دوز یر، چول، آچیق میدان،

صحاری جمع.

صحن tsahn. ۱. هۇلینگ اورتاسی

حیاطینگ اورتاسی ۲. تاباق. صحنون

جمع.

صحنه sahne: ا. [ع] (= صحنه) تکیز،

دوز یر، گینگ یر، تآتر اوینی آلیپ

باریلیان یوریته میدانچه گورنوش.

صحیح sahih: ص. [ع] دۇغری، جانی

ساغ، عیب‌سیز، سالم صحاح جمع.

صحیح‌البنیه: ساغ، جانی ساغ، اندام

جانى ساغ.

قصد، میل، هوس.

صحیفه tsahife. [ع] خط، کتاب

صدر tsadr. [ع] قورساق، انسانینگ

گوندهلیک یازغی. صحائف و صحف

قورساغی، سینه هر بیر زادینگ

جمع.

باشی یوقاری، هر زادینگ یوقاری

صخره tsaxre. [ع] اولی آغیر داش،

دفعه سی، بلندی. صدر اعظم: باش

قاتی داش. گوک داش، ییلچر داش،

وزیر، مجلسینگ تورى، مجلسینگ

قایا، صخر و صخور و صخرات جمع.

اینگ یوقاریسی.

صد sad: [ع] یوز (سان)، (۱۰۰).

صدف tsadaf. [ع] دنگیز دویبوندن

صدھا : یوزلرچه.

آلینیان بالیق، قولاق چانگالاق، صدف.

صدا sedā: (= صدی) ۱. [ع] ۱. سس،

صدق sedq: مص. [ع] دۇغرى آیتماق

آواز، اوین، فارسچه قیقیلیق آواز

دۇغرى، دۇغروچیلیق، گۇنولیک،

معنیده ۲. حیوانینگ و یا انسانینگ و

دۇغرى آیتماق، گۇس گۇنى، حقیقت،

سازینگ سسی. صدای وحشتناک:

سۆزله مک.

آییلغانچ سس.

صدقه tseḍq. [ع] (= صدقة) بریم،

صدارت tseḍārat. مص. [ع] (=

خیرات، ثواب اوچین خدای یولینه

صدارة) یوقاردا اوتوریجی-اوتوریان،

فقیرلارا بریلیان زات، صدقات جمع.

بییکده یرلشیان، شخص، نخست

صدمه tsadame. [ع] ایکى زادینگ

وزیر، صدراعظم، باش وزیر.

بیر بیرینه بیر نوبت دگیب آورانماغی،

صدائق tseḍāqat. مص. [ع] صداقة،

آورانمق لیق، انجیماق، آزار، ادیت،

دۇستلۇق، دۇغرى لیق، دۇغرى

اۇرغی، زیان، ضرر، صدمات جمع.

چیلیق، دۇستلۇق یوزوندن، چین

صدور sudur: مص. [ع] جمع صدر.

یورکدن بولان دۇستلۇق.

واقا قۇیماق، قوپماق، بیر زادینگ بیر

صدد tsadad. [ع] ۱. یوز به یوز ۲.

حرکتینگ آشکار بۇلماغی،

اوویریلک، یوزه چیقماق.

صرصر tsar-sar [ع] ۱. قاتی یل،

صديق sediq:ص. [ع] دوست، یار

شانگلاویق، قارا یل، قاتی ساویق یل.

یولداش، همراه، اصدقاء و صدقاء

۲. فارسجا: قاتی ییلدام یوریک آطا

جمع.

منگز دیلیار.

صديق sediq: [ع] ۱. سۆزی بیلن

صرف sarf: مص. [ع] خرج اتمک،

عملی دۇغرى گلیان آدم، دۇغرى

یویماق، اوویرمک. صرف نظر کردن -

سۆزلی، ۲. حضرت ابوبکرینگ

یایماق.

لاقامی.

صرفه tsarfe: [ع] پیدا، نپ، قازانچ.

صديقه sediqe: [ع] مؤنث صديق،

صرفه جوئی sarfe-ju'i: ص.

دۇغرى سۆزلی زنانه، پیغمبر اسلام

تغشیدلی بۇلماق، بیر اندازه خرج

قیزی حضرت فاطمه نینگ لاقامی.

اتمک، یاغداینگه گورا خرج اتمک،

صراحت serāhat: مص. [ع] (=

یویماق، گیردهجیگه گؤرا یویماق.

صراحة) اشکار پاک لیک، اشکار

صریح sarih: [ع] آنیق، یاغتی آچیق،

بۇلماق، آچیق بۇلماق، آیدینگ

پاک، هرزاتدان یاغتی آیدینگ،

بۇلماق، گوس گونی، آنیق لیق.

صرحاء جمع.

صراط tsarāt: [ع] یول، یۆزلگه، اوغور

صعب sa'ab: ص. [ع] قین، چتین

صراط المستقیم: دۇغرى یول، گونی

ایش، قین ایش، صعاب جمع.

یول. پل صراط: صراط کوپری سی،

صعب العبور: گچیب بولمیان یول،

قیلidan اینچه اوزاق یول، دوزخ

قینلیق بیلن گچیلیان یول.

اوستونده قیامتدا اونونگ اوستوندن

صعود so'ud: مص. [ع] یۇقاری

گچمه لی.

چیقماق، یۇقاری قالماق، یۇقاری

صراف sarrāf: [ع] پول چالیشان،

گوتریلک، بلنده قالماق.

صفر seqar: مص. [ع] کیچلمک، پس

دگشریان آدم.

بولماق، ذلیل بولماق، صغر من:

کیچی لیک، کیچی یاشلیق.

صغری soqrā: ص. [ع] مؤنث اصغر،

کیچی راک عیال، کیچی راک،

کیچی لیک، چاغالیق.

صغیر saqir: ص. [ع] کیچی، چاغا،

یاش، صغار و صفراء جمع.

صغیره saqire: ص. [ع] (= صغیره)

مؤنث صغیر، یاش، کیچی، صفائر

جمع. گناه صغیره: کیچی گناه.

صف tsāf: فا. [ع] صف، رج، دوغری

گۆنی بیر خطده قرار تاپماق.

صف tsaf: [ع] خاطر، صف، رج.

صفاء safā: مصص. [ع] آراسسالیق،

پاکلیک، خوشلوق، یاغتیلیق،

آیدینگلیق، لذت، هؤزیر.

صفا کردن safā-kardan: مصم. [ع].

فا] ایلااشیق اتمک، یاراشیق اتمک،

شادلیق خوشلیق اتمک، هؤزیرلیک.

صفت sefat: مصص. [ع] دؤرمؤش،

سیاق، کشیم، قیلیق، شکل، یاغدا،

بولوش، بیرینینگ یا بیر زادینگ

دورمیشنی بیان ایدیان سؤز بیر

زادینگ داش گورنوشینی، آنگلادیان

یاغدا، صفات جمع.

صفحات safehāt: [ع] جمع صفحه،

صحیفه لر، صفحه لر.

صفحه tsafhe: [ع] کاغذینگ بیر

یوزی، کتابینگ و ش.م کاغذلرینگ

بیر یوزی، بیر طارافی صاحیبا،

صفحات جمع.

صفدر safdar: ص. [ع] ۱. باتیرغای،

قورقمازاق، اوروش جانگ، ۲.

دشمانینگ خاطاریندا باتیرغایلیق

بیلن یوروش ایدیان آدم. ۳- حضرت

علینینگ لاقامی.

صفر tsafar: [ع] هجری قمری ییل

حسابی نینگ ایکینجی آیی، اصفار

جمع.

صفر sefr: بوش، ایچی زات سیز، پوج،

هوانی، هیج، حساب آدالغاسینده

شعر گورنوشده (۰) اوز-اوزی سان

دال، اگر سانینگ ساغ طرافیندا

قویولسا سانی اون اسسه کوفالدیار.

صفر sofar: [ع] زر، طیللا.

صفرا safrā: اود.

صفی safi:ص. [ع] یورکدش دوست،
سایلانان، الین هر زادینگ سایلانانی،
سچیلانی، اصفیاء جمع.

صفیه safiye:ص. [ع] مؤنث صفی،
سویتلی دویه، کۆپ خورما بریان
آغاچ.

صقیل saqil:ص. [ع] ییلدیراتماق،
پوسین آییрмаق، یالپیلدا تماق.

صلاّب salābat: [ع] قاتیماق،
قاتی لیق، دۆرنؤقلی لیق، توتان
یرلی لیک.

صلات salāt: (= صلوۃ) [ع] نماز، دعا،
تسبیح، مغفرت.

صلاح salah:ص. [ع] اونگیشماق،
یساراشماق، ایلا لاشماق، یاغشی
بۆلماق، خیر ایشده بۆلماق.

صلاحیت salāhyat:ص. [ع]
دوغری چیل لیق، و اؤنگاتلیق، آق
یورکلی لیک، یاراشیقلی لیق،
مناسیب لیک،

صلاحیت دار salāhyat-dār:ص.
[فا.ع] یاراشیقلی لیق، ایش یتیرماگه
اوقیپلی، لایق لیق.

صلب salb:ص. [ع] دارا آسماق، داره
چکمک. ۲. یاغنی مغزینی چیقارماق،
اتی کباب اتمک.

صلب solb:ص. [ع] ۱. قاتی، ایری و
گویچلی، ۲. آرقا سونگکلی، بیل،
اصلاب و اصلب جمع.

صلح tsolh: [ع] ۱. اونگیشمه،
ایلا لاشما، یاراشیق، بارلیشیق، ۲.
سیاست آدالغاسینده اوروشدن ال
چکمک.

صلحاء salhā': [ع] یاغشیلار،
قاوی لار، جمع صلیح صالح معنادا.

صلح کردن solh-kardan:ص.
[ع.فا]. یاراشماق، باریشماق،
ایلا لاشماق.

صلوات salawāt: [ع] جمع صلاۃ
درود، رحمت تحیت پیغمبرمز درود
آیتماق، اللهم صل علی محمد و علی
آل محمد اوقیماق.

صله seleh: [ع] ص. دوستلوق
باغلانان، یاغشی لیق، خیرات
اتمکلیک، یاغشی لیق اتمک، صلات
جمع. صله رحم: قرینداشلارا

- ياغشلیق اتمک، قوم قرینداشلار
بیلن دؤستلؤق اتمک، احسان اتمک.
- صم sam: [ع] کرلر، قولاغی
اشیتمه یانلار، جمع اصم.
- صمان samān: [ع] جمع اصم، کر
معنیده.
- صماء samā': [ع] مؤنث اصم، ۱. کر
معنادا، کر زنانه. ۲. برک قاتی، قاتی
یر.
- صمت samt: مص. [ع] سونمک،
دیمماق، دیم-دیرق لیق، کپله مزلیک.
- صمد samad: مص. [ع] حاکم، سرور،
خوجایین، بی نیاز، هیچ بیر زادا ماتاج
و باغلی دال لیک، (خدای تعالی نینگ
صفت لر نینگ بیرى).
- صمصام sam-sām: [ع] ییتی
کسگیر قیلیج، اگرمه یان قیلیج.
- صمیم samim: ص. [ع] ۱. الین، هر
زادینگ الینی و خالصی، تویس، ۲.
فارسجه: از صمیم قلب: تویس
یورکدن، چین یورکدن.
- صمیمیت samimyat
ایسنشیق لیق، یورکداش لیک،
- قـاوى لىق، یـؤمـشا قلىق،
جانیب کش لیک.
- صناعت tsenā't: [ع] ایش، پیشه،
هنار، اوسسادلیق و فکرلنمک لیک،
گرک بولان هنار، صناعات و صنایع
جمع.
- صنایع sanāe': [ع] جمع صناعت،
نفیس هنرلر، چپر ال هونارلر، ایگنه
اوجی بیلن اوریلیان نازک هونارلر.
- صندلی tsandali: اوتورقیچ.
- صندوق tsanduq: [ع] صاندىق،
یاشیک.
- صنع son': مص. [ع] ۱. بجرمک،
یارا تـماق، دورا تـمک ۲. یاغشلیق
اتمک، قاوی لیق، اریسفال، اونگشیق،
احسان.
- صنعت tsan'at: [ع] ایش، پیشه، هنار،
صونغات، هنره باغلی بولان.
- صنعتگر san'at-gar: صنعت ایه سی،
هنر ایه سی، صنعت کار.
- صنف senf: [ع] هیل، توپار، اصناف،
بؤلک، صنوف جمع.
- صنم tsanam: [ع] ۱. بت، بت

- پرستلرینگ داشدان، دمیردن،
 آغاچدان الده یاساما خدایی ۲.
 سویگلی و گوزل معنادا، ۳-
 سیغینیلیان و چوقینیلیان ذات، اصنام
 جمع. فارسجه دلبر و معشوق، گوزل
 دییلیار.
- صنو senw: [ع] ۱. هر بیر و یا ناچه
 گوگدن اؤنن آغاچ، ۲. دوغان، قارداش،
 آغا، اصناء و صنوان جمع.
- صنوبر tsenubar: [ع] بیر هیل چناره
 منگزش یاپراقلاری ایری آغاچ، اول
 جنگل آغاچی، یالی بولان سؤنگ،
 گیجه‌لرینده یالین یالی یانیار، بیر
 هیلی قطران شوندان آلینیار، اونى
 اکزما آدلی یارا ام ادیلیار.
- صنیع 'sani: ص. [ع] ۱. بـجـریـلـتـ،
 دؤره‌دیلن، کسگیرلنن قیلیچ ۲.
 تمیز و آراسسا اشیک ۳- یاغشلیق
 و قاوولیق.
- صواب sawāb: ص. [ع] دؤغری،
 گونی، حقیقت، سزه‌وار.
- صواف sawāf: ص. [ع] یونگ ساتان،
 یونگ‌ساتیان.
- صوب tsawb: [ع] ۱. گونی، دؤغری.
 ۲. طاراپ، یانگا، یان، دؤغری، ناحیه،
 اولکه.
- صوت tsawt: [ع] سس، آواز، آهنگ،
 هنگکلنمه، نغمه. اصوات جمع.
- صور sur: [ع] بۇق، اولاقان شاخ‌دان
 یاسالان شیپور، تویدوک. صور
 اسرافیل: قیامت گونی اسرافیل
 فرشته‌نینگ چالجاق سرنای
 تویدیگی. شیله‌ده اسرافیلینگ
 سورى بیلن اهلی اولی‌لر دیرلجکلر.
- صورت tsurat: [ع] شکل، یوز، کشب،
 بیرینینگ و یا بیر زادینگ چکلیب
 آلینیان شکلی، گورنوشی، صور جمع.
- صورت حساب tsurat-hesāb: مر.
 آغنی برگى یازیلان بۆلک کاغذ.
- صورت مجلس surat-majles: ا. مر.
 میلّیس اعضالاری نینگ آراسیندا
 بۇلان گوررونکلر، یازیلان ورقه کاغذه
 بۇلان واقانی شرح بریپ یازیلان
 یازغی.
- صوف suf: [ع] قویون یونگی، یونگ
 اصواف جمع.

صوفی *sufi*: ص. [ع] صوفیلیق یولینه

گیرن آدم، یونگ پارچه‌دان ادیلن
گییم گییان آدم، صوی، تصوف
یولینداکی آدم.

صولت *sawlat*: مص. [ع] هایبات،

قاہار، دوپولیش، گویج و قدرت،
اؤرؤشده دوپولمه.

صوم *sum*: مص. [ع] آرازه، روزه،

ایمکدن ایچمکدن دانگ آتاندان گون
یاشینچا ساقلانماق، روزه توتماق.

صومعه *sum'e*: عبادت خانه.

چوقینیلیان جای.

صہباء *sahbā'*: ص. [ع] مؤنث اصہب

آق قیزیل قاتیشیق، شراب ایچگی،
چقیر، می، قیزیلا یاقین اوزوم شرابی.

صہر *tsahr*: [ع] یاقین لیق، قۇدا،

قیزینگ اری یا عیال دوغانینگ اری،
کۆرہکن، گیہوی قرینداشلیق، اصہار
جمع.

صہیونیست *tsahynist*: [ع] (=)

صہیونیسم) صہیونہ دگیشلی،
یہودی توپاری ۱۹. نجی قرن‌ده

اسرائیل حکومتی قورامازدان اونگ
مقصدلاری یہودی حکومتی،
فلسطین‌ده قوراماق لیق دی.

صیاد *sayyād*: ص. [ع] آوچی، مرگن،

کوپ آو اولایان شکارچی، آوچی.

صیام *sayām*: مص. [ع] آرازه توتماق،

آرازه شهر صیام: رمضان آیی، آرازه
آیی.

صیانٹ *siyānat*: مص. [ع] قوراماق،

ساقلاماق، قوراما، ساقلاما.

صيد *sayd*: مص. [ع] اولاماق، آو،

اولانیان زات، شکار، آو.

صيدگاه *sayyd-gāh*: ص. مر. آو

'توتولیان یر، اولاغ یر.

صیف *tsahif*: [ع] ۱. تومیس، ۲.

موسم هوانگ اسسیلیفی.

صیفی *seyf-i*: ص. ن. [ع] تومیس

یتشیان حاصل، قارپز قاوین یالی.

صیقل *seyqal*: ص. [ع] ۱. قلیجی

کسگیر ادیان، قلیجینگ پوسینی

آییرماق، ۲. ییلدیراتما، صیاقل و

صیاقله جمع.

ض

بی اینجالیق، بیقرارلیق، داریقماقلیق،
کم حوصله لیق.

ضارب zāreb: ا.فا. [ع] اوریجی،

قارانگق گيجه، تکیز یرده اکیلن
آغاچ، ضوارب جمع.

ضارع zāre: ص. [ع] پس پال،

منلیک سیز، هور، یاغدا ی سیز.

ضاری zāri: [ع] شکار ادیان حیوان،

آو، اولایان حیوان، موجک، یولبارس،

ایت و پلنگ یالی، شکاره حریص

بولانلار ضواری جمع.

ض ze: عرب الیب بی نینگ اون

سکگزینجی حرفی، ابجد حسابیندا
(۸۰۰).

ضابط zābet: ا.فا. [ع] ساقلا یجی،

قورایجی، ساقلا یان، قوجورلی،

ادرمن، فهملی، حکم ادیجی. جمع

ضوابط.

ضابطه zābete: ا.فا. [ع] مؤنث ضابط:

قاعده، یول یوردا، دوزگون، داپ،

دستور، اصل، جمع ضوابط.

ضاجر zājer: ص. [ع] ا.فا. ضجرلی،

ضال (zāl(l): ص. [ع] يۇلۇنى يىتىرن،

يولدان چىققان، يۇلۇنى اوردىران، آزان،

ضالين جمع.

ضاله zālle: ص. [ع] مۇنث ضال، يتن،

يىتتپ كىدن، گم بولان.

ضامن zāmen: ص. [ع] غرامتى بوين

آلان، هوتدالنيان، كفيل، بوين آلان،

ضمانت كىش.

ضائر zāyer: (= ضائر) [ع] زبان

يىتيريان ضرر يىتريجى، نقصان

يىتيريجى.

ضايع zāye: ص. [ع] پىداسىيز، پوچ

بيكار، بيدرك، بيهوده ضايا.

ضايعه zāye'-e: ص. [ع] مۇنث ضايع،

خراب بولان، آفت اوران، الدن كىدن،

جمع ضايعات.

ضايق zāyeq: (= ضائق) ص. [ع] دار،

كىنگ دال.

ضب zab(b): ا. [ع] كينه، اويكه،

ضباب جمع.

ضبط t.zabt: م.ص. [ع] اله آلماق و

ساقلاماق، ايه له مك، باسيپ آلماق.

ضبط صوت zabt-e-sawt: ا.

فونوگراف، ضبط، سس آليان.

ضبع 'zabo: ا. [ع] قوراقچىلىق يىل،

قاتى يىل.

ضجاج zajā: م.ص. [ع] قىيغىرماق،

اينگراماق، ناله اتمك، قورقىدان

قىيغىرماق.

ضجر zajer: [ع] ا. م.ص. بىقرار،

طاقت سىز، بى اينجالىق، دورىپ

بىلمزلىك، دورىم سىز.

ضجر zajar: م.ص. [ع] بىقرار،

بۇلماق، قاراسىزلىق، يوره گى توتوق،

قىيسىقلىق، اينجالىق سىز بۇلماق.

ضجه zajje: [ع] قىيغىرما، فرياد،

اينگراما، ناله، آدملارىنگ قىيغىلىنى.

ضحاك zāhhāk: ص. [ع] كوپ

گولىجى، يووخا، شيرىق، كان گولوپ

يورآن، كوپ گوليآن، كان گولىجى،

كوپ گولكىلى.

ضحى zōhā: ا. [ع] ۱. قوشلىق، گون

دوغان وقتى ۲. گون، گونش، قوياش

معنيده.

ضخامت zexāmat: م.ص. [ع] ۱.

قالىنگلىق، يوغىنلىق، پوككىلىك.

- ضخيم zaxim: ص. [ع] اولی، یوغین، یومری، پوکگی، قالینک، پوکگی سمیز.
- ضد zed: ص. [ع] دوشمان، قاپما- قارشى، اونگیشمیان، آغیزی آلا.
- ضرائح zarā'eh: [ع] جمع ضريح، قبرينگ داشينا آغاچدان-دميدن دير بجريليان صنديق.
- ضرار zerār: مص. [ع] ضرر اورماق، زیان يتيرمک، آزار يتيرمک.
- ضرب zarb: مص. [ع] ۱. اورماق، سکە اورماق، ينجمک، اورماق، اۇرغى، ۲. حساب آدالغاسنده ضرب اتمک، تئبک ديب-ده آيديليار.
- ضرب المثل zarb-ol-masal: آتالار سۆزی، آيديليان نقل، ماتال، مثال گتيرمک.
- ضربت zarbat: (= ضربه) ۱. [ع] بير گزک اورماق، بير زادينگ بير يريک دکماگی، ضربه، ضربات جمع. ضربت خوردن: يارالانماق، ضربت زدن: يارالانماق. ضرب ديدن: زیان گورمک، ضرر گورمک، صدمه گورمک.
- ضرب شست zarb-e-šast: ال کويجى، گوزونينگ اوديني آلماق.
- ضرر zarar: [ع] زیان، پيداسين، نفع سيز، اذيت، آزار.
- ضرر زدن zarar zadan: زیان يتيرمک، صدمه يتيرمک.
- ضرس zers: ص. [ع] ۱. ديش، آذی ديش، اضراس و ضروس جمع. ۲. بيک چوکاکلى چيقماغى قين دفه و آز ياغين، اضراس جمع.
- ضروب zorub: [ع] جمع ضرب، ضروب zarub: ص. [ع] اۇرۇجى، قاتی اۇرۇجى.
- ضرور zarur: ص. لازم، واجب، حاجتلى، کيرکلى معنيده، جمع ضرورات.
- ضرورت zarurat: [ع] حاجت، گرهکلى ليک، واجب ليک، لازم ليک، جمع ضروريات.
- ضرورى zaruri: ص. [ع] گرهک، واجب، لازم، ضرورات جمع.
- ضرب zarib: ۱. ص. [ع] مثل، منگزش، هيل، ضرائب جمع.

ضعیفه za'ife: [ع] ص. مؤنث ضعیف:

عجیز، زنانه، سست، هلهی، عیال.

ضلال zalāl: مص. [ع]. یتیمک، یول

یتیرمک، گمرالیق، آزاشما.

ضالات zalālat: مصص. [ع] گمراه

بۇلماق، گمراهلیک، یول یتیرمک،

یولدان آزاشماق.

ضم zam(m): مص. [ع] جملامک،

یینناماق، تاییارلاماق.

ضمائم zamāe'm: [ع] جمع ضمیمه،

سبلامک‌لر، ایلته‌شیک‌لر.

ضمانت zemānat: مص. [ع] ۱.

«ضمانه» همیشه‌لیک سیرقاوچیلیقه

دچار بۇلماق، باغلی بۇلماق، گاه گاه

توتۇپ گویبریان ناخوشلیق ۲.

فارسجه آلانگدا غرامت‌کش بۇلماق،

ضمانت بۇلماق، هوتدالنامک معنیده.

ضمن zemn: مص. [ع] عاجز قالماق،

یاغداۛ سیزلیق، ناخوش بۇلماق.

ضمه zamme: ۱. [ع] عرب الفباسینده

بولان حرکت، اوتور، یعنی حرفینک

اوستونده قویولیان شیلہ (ۛ) بلگی.

ضمیر zamir: ۱. [ع] یوره‌گینگ ایچی،

ضریح tzarih: [ع] قبر، قبرینک

تواره‌گی، قبرینک اوستونده قویولیان

صان‌دیق. ضرائح جمع.

ضریر zarir: ص. [ع] ۱. کور، گوزسيز،

گوزی گورمیان. ۲. خور، آریق، اضراء

و اضرار جمع.

ضریع zari': ص. [ع] اولی گؤووسلی

عیال.

ضعف za'f: مص. [ع] یاغداۛ سیز

بۇلماق، عجیز بۇلماق، عجیزلیک.

ضعف za'f: ص. [ع] یکی اسسه یکی

برابر یا کوپراک، اضعاف جمع.

ضعف رفتن za'f raftan: حال سیز

بۇلماق، یاغداۛ سیز بۇلماق،

یاغداۛ دان دوشمک.

ضعف کردن za'f kardan: بیهوش

بۇلماق، ایسغین قاچماق، اوزونگدن

گیتیمک.

ضعیف za'if: خور، لاغار، عجیز، جمع

ضعفا. ضعیف‌الجثه: اندامی کیچی،

آونیق اندام‌لر

ضعیف‌النفس za'if-ol-nafs:

اراده‌سيز، سست آدم، عجیز آدم.

- آدامینگ ایچگی دویغی سی، گزوین،
آدامینگ یورک دویغی سی، آدامینگ
ایچینداکی گیزلین سیری و فکری
چالیشما .
- ضمیمہ zamime: ص. [ع] ۱. ایہ و
یولداش معنیدہ ۲. بیر زادی باشغا
بیر زادا جلامک، سبلامک،
قوشماچا، ۳. بیر زادی باشغا بیر
زادینگ یانینا قوشما، بیریکدیرما،
جمع ضمایم.
- ضوابط zawābet: ص. [ع] جمع
ضابطہ، ساقلاچی لار، قاعدہ و
دوژگون لر.
- ضیافت zyāfat: مص. [ع] میخمان
بؤلماق، میخمانلیق، میخمانچیلیق
برمک، اوتوریلشیق .
- ضیاء 'ziyā': [ع] نور، یاغتی لیق،
یالپیلدی، یالقیم.
- ضیغم zayqam: [ع] ۱. ییرتیا،
ییرتیجی، یولبارس، ضیاغم جمع.
- ضیق ziq: مص. [ع] داروقت، داره دیره،
داریشغانچلیق، داریشغانلیق،
قینچلیق.
- ضیق النفس ziq-on-nafas: مر. دم
قیسما، یورک قیسما، نتیجہ ده
انسانینگ دم آلیان اورغانی نه نقصان
یتمه گی.
- ضیم zaym: [ع] ظلم، ستم، ضیوم
جمع.
- ضمیران zamirān: ۱. [ع] ریحان.
- ضیوف zuyuf: [ع] میهمانلار جمع
ضیف.



- ط te: عرب اليب بى نينگ اون
دوقوزىنجى حرفى، ابجد حسايىندە
(۹).
- طائف tā'ef: ص. فا. [ع] ۱. طواف
ادىان، زيارت ادىجى زيارتچى. ۲.
گىجە گزيان قراويل، ساقلاو.
- طائفه tā'efe: ص. [فا.ع] مؤنث طائف،
بۆلك، بىر بۆلك جماعت، بىر زادينگ
بولهگى، طايغه، تيره، طوائف و
طائفات جمع.
- طائي tā'i: ص. ن. [ع] عرب لرينگ طى
- طايپاسىندان، حاتم طى شول
قبيله دن.
- طاب tāb: ص. [ع] پاك، پاكىزم،
آراسسا، حلال.
- طابع tābe': فا. [ع] چاپه يتيرىان،
چاپ ادىجى، مهر اورىجى، چاپ
ادىان، ۲. قىلىق، اخلاق، سياق.
- طارق tāreq: فا. [ع] گلچى گىجە،
گىجە گۆزه گۇرونيان. دانگ يىلديزى.
- طاري tāri: [ع] ۱. فا. دويدانسىز گلن،
بى خبر گلن، طراء «طَرَّ» جمع.

طاس ttās. تاس، میس کاسه،
عریچه ده تاس دیلیار.

طاس tās. ص. تاس، ساچسیز کله.

طاعت tāt: مص. [ع] ۱. تایین
بۇلماق. بۇيۇن اگمک، قولاق آسماق
۲. عبادت معنالاردا، جمع طاعات.

طاعون tāun: [ع] بیر هیلی یۇقۇشیق
مرگی کسل ناخوشلیق، بو کسلینگ
۱۸۹۴-نجی ییلده میکریمی
تاپیلیپ، دیر، اول هر هاچان آدمه
دگاسا تیترا دیپ کله آغیری دوره دیپ
قوسدیریار و اون سۇنگ او یلوق و
قولتوغینگ آشاغیندان چیش دورایار،
بیر هفته دن سۇنگ چیرک لاب
قوتاران سۇنگ ده جایى بللی بولوپ
قالیار. یعنی اثری قالیار.

طاغوت ttāqut: [ع] باشینا گیدن،
باطل زادلره سیغینیان، دوست
گوریان، آدمی یولدان چیقاریان،
شیطان خدای دان باشغانی سوییان
اونگا سیغینما، بت، صنم، طواغیت
جمع.
طاغی ttāqi. فا. [ع] ظالم، حدیندن

آشان، بویون یوغین، شرچی،
قوزغلانگچی، بۇيۇن اگمه یان.

طاق tāq. ص. تاک، یکه، بیر قاپی نینگ
اوستی، یا-دا زات قویماق اوچین
دیوارینگ ایچینده یاپیق آپیشکه
یالی ادیلیپ قویلان یر. جمع طاقات و
طبقات.

طاقات tāqat: مص. [ع] جیدام، صبر،
دۇرنۇقلیلق، اینجالیق، گویچ،
قورپ. طاقت.

طاقات آوردن tāqat āwardaan:
مص. جیداماق، طاقت گتیرمک،
جیده مینگ بۇلماق، صبرینگ بۇلماق
قواتینگ بۇلماق.

طاقات فرسا tāqat-farsā: ص. [ع] فا.
جیداب بیلمزلیک، طاقت گتیریب
بۇلمازلیق.

طاقچه ttāqçe. طاقچا، اتاقینگ
ایچینده زات قویولیان طاقچه.

طاق نصرت ttāq-e-nosrat. مر.
ینگیش طاقی، آغاچدان، دروازه یالی
ادیب جشن لرده، یا پادشاهلر بیر
شهره گلجک بولانده بزآپ

دیکلدیلیار.

آراسسا عیال، عیب‌دان ھاپادان پاک

عیال.

طاقه ttāqe. [ع] ۱. بیر تار، بیر رچ،

طایر tāyer: (= طائر) ا. فا. [ع]

فارسجه ۲. بیر قواره بیر گییملیک

ماتا.

اوچوجی، اوچیان قوش.

طایف tāyef: طائف - ا. فا. [ع] طواف

طالب ttāleb. فا. [ع] طلب ادیجی،

یدیان، سیغینیان، داشیندان آیلانیان،

آغتاریجی، ایسلایجی، ایسله‌یان،

زیارت یدیان. زیارتچی.

شاکرد، طالپ دینی مدرسه‌لرده

طایفه tāyefe: طائفه - [ع] ا. فا. طایپا،

اوقییان اوچوجی. طالب.

اوروغ، تیره.

طالع ttāle' فا. [ع] ۱. کون دوغما و

طب tāb: مص. [ع] ام اتمک، درمان

تازه دوغان آی ۲. بخت اقبال و تقدیر

اتمک، علاج اتمک.

تالی ۳ طوالع جمع.

طبابت ttābābat. [ع] طبیبچی‌لیک،

طامات tāmāt: [ع] ۱. آغیر حادثه،

دکترچی‌لیک.

واقا، ۲. اصل‌سیز سۆزلر، یالان سۆزلر

طباخ tābāx: [ع] ص. بیشیریجی،

یوچ سۆزلر، جمع طامه.

آشپز، نهار تاییارلایجی، بیشیرمه،

طاووس ttāwus. [ع] تاوویقلار

بیشیرمک‌لیک.

ماشغلا سیندن بۆلن آوادان یلکلی

طباع tebā': [ع] اخلاق، قیلیق،

قاتی آوادان قاناتینی یایرادانده چتر

یازادیلیش، بولوش، دوغیش.

یالی آل الوان بولوپ دوریار قوریغی

طباع tabbā': ص. [ع] ۱. کوپ چاپ

هم اوزین آوادان گورنوکللی طاووس

ادیجی، بیر زادا پچات اؤریان ۲.

آدینداقی قوش.

قیلیچ یاسایجی.

طاهر tāher: ص. [ع] پاک آراسسا،

طباق tabāq: مص. [ع] ۱. جمع

آری، آریق، جمع طاهرین.

طبقه ۲. دنگلیک، برابرلیق،

طاهره tāhere: ص. [ع] مؤنث طاهر،

جبسلىك معنالاردا.

طبخ tabx: [ع] بيشيرمك.

طبرى tabari: ص. ن. [ع] طبرستانه

دگيشلى، طبرستانينگ آدمسى.

طبع tab': مص. [ع] چاپ اتمك، پچات

اورماق، (موهیر اورماق) مهر اورماق،

پچت اورماق.

طبع tab': ا. [ع] قىلىق، اخلاق، بۇلۇش،

طباع جمع.

طبق tēbq: [ع] دنگ بير اولچكده، بير

آغيرليقده برابر، درسنگ بۇلان.

طبقات tabaqāt: [ع] درجهلر،

مرتبهلر، قاتلاقلار، جمع طبقه.

طبقه tēbaqe: [ع] مرتبه، درجه،

قاتلاق، بييكلىك، بير بۇلك آدملار،

بيرناچه مرتبهلى جايينگ بير قاتى،

قات.

طبل tabl: [ع] لانگگاره، دپرک، اۇرۇش

دپرهگى، اولى دۇمبک، سازينگ بير

گۆزنوشى.

طبله table: [ع] كيچى جيک صانديق،

قوطلۇ، إشک دير، آطينگ دانگيليان

جايى.

طبيب tabīb: [ع] ا. طبيب، دكتر،

لقمان.

طبيعت tabi'at: ا. [ع] قىلىق،

يارادىلىش، بۇلۇش، خلق ادىلىش،

خلقت.

طبيعى tabi'i: ص. ن. طبيعته

خاصلانان، طبيعته باغلى دگيشلى

بۇلان.

طحال tahāl: [ع] دالاق.

طرائف tarā'ef: [ع] اونكات تازه،

نفيس ينگيل قاوى زاتلار بهالى زاتلار.

طراح tarāh: ص. [ع] تاسلايان،

تاسلايىجى، نقشه چكىجى، نقشه

چكيان، نقاش.

طرار tarār: [ع] ص. اوسوك، عيار،

ساللاخ، جووى كسن.

طراز tarāz: [ع] زينت، نقش و نگار.

طرازيدن tarāzidan: مص. م. بزامك،

گوزلشديرمك، ترتيبه دوزگونه

سالماق.

طراوت tatāwat: مص. [ع] ترليك،

تازهلىك، سولى ترجمه.

طراوش tarāwoš: سيزما.

طراويدن tarāwidan: سيزديرماق.

طرب torb: مص. [ع] شادليق، خوشحالليق، بگنجليک.

طرب انگيز torb-angiz: ص. [ع.فا] شادليغا خوشليغه سبب بوليان زاتلار، شادليقلى، شاوخينلى.

طرح tarh: مص. [ع] ۱. تاشلاماق او قلاماق، زينگماق، تاسلاماق، دويپنى توتماق، اوينگه التمک، هوديرله مک. ۲. فازسچا؛ اويلانماگه تصويب اتماگه بير قانونى يا مطلبى طرح اتماگه آيديليار.

طرخان tarxān: ۱. [ع] باشليق، سرور، ترخان، ظراخنه جمع.

طرد tard: مص. [ع] قساوماق، داش اتمک.

طرز tarz: [ع] ۱. شکل، اصول ترتيب، هيکل بير زادينگ يوزى، ۲. يول يۇردا، تار، اوغور، ياغداى، بولوش، دۇرمۇش، پالانلاشديرماق.

طرف ttaraf: [ع] قاپدال، کنار، يان. ساي، سارى، اوغير، قيراق، و بير زادينگ سونگى، اطراف جمع.

طرفدار taraf-dār: ص. [ع.فا] حوسسار، قولدايجى. طرفدارى: جانيبكشليک، حوسسارليق، قول توتوجىليق، طرف تۇتۇجىليق.

طرفه ttorfe: [ع] تازه زات، انايى زات، اويتگاشيک زات، قاوى و تازه سۇز، گنگ قالديريچى، انايى سۇز.

طرفه tarfe: [ع] گوزده بۇلان قرمز نقطه، قاباغى بير گزک اورماق، گوزى آچيپ يوميانچانگ.

طرفة العين ttarfat-ol-'ayn: بير گزک گوز آچيپ يوميانچانگ، تارفاتاين، بير دمده.

طرق toroq: [ع] يوللار، جمع طريق.

طرلان ttarlān: [ت] نگا. ترلان.

طريق ttariq: [ع] يان، يول، قاعده، اصول، اوغور، طرق جمع طرقات.

طريقت ttariqat: [ع] ۱. يول، يۇرلگه، سيرت، مذهب، ۲. عارفلار آدالفاسينده ايچ آراسسالاما دۇغرى نيت، صوفىلارينگ و عارفلارينگ يولى، طريقته اهلى.

طريقة ttariqe: [ع] يول، اوغور عادت،

مذهب، دین طریقت، معنالاردا.
طرائق جمع.

طعام tta'am [ع] طاغام، داتلی
ایمیت، طعاملی ناهار، ایییلیان زات،
اطمه جمع.

طعم tta'm [ع] دادما، طعام، نهار
ایمیته مخصوص بۇلان آیراتین
لیقلاری دویان آغیز یا دیل دۇیغۇنی.
طعمه to'me [ع] (= طعمة) ایمیت،
خورش، اریسفال، رزق، طعم جمع.

طعن ta'n: مص. [ع] ترهنه، سانجی،
کنایه، مسخره لیک، قیجیت، کایینچ،
کپ اۇرما.

طعنه tta'ne: مص. [ع] ۱. بیر گزک
نایزه اورماق، اندامدا قالان نایزانیگ
ایزی ۲. زیرانچ، کاینچ معنادا، ۳.
انجیماق، سانجاق، ترهنه، شیلطاق.
طعنات جمع.

طفرل ttoqrol: [ت] ۱. آلفیر
قوشینگ بیر هیللی، ۲. سلجوق
پادشالارنینگ بیر ناچه سنینگ
آدلاری.

طغیان toqyān: مص. [ع] ۱.

جوشماق، قوزغالانگ، اوز حدینگدان
گچمک، اوز چینینگدن اوتمک، اوز
اندازانگدن اونگه گیتمک، ۲.
آزغین لیک، بۇیۇن یوغین لیک اتمک،
کله پروای لیک اتمک، ۳. آقار
سووینگ یا دریانینگ سووی یۇقاری
قالماغی و چیشمه گی، توپالانگ،
باش گوترمه.

طفره ttafre: [ع] بیر بوکمک بیر
بیکیلکدن تاویسلاماق.

طفره رفتن ttafre raftan: مص. ایش
ایزه قویماق لیک و قایرا دورماق لیک، بیر
ایشدن بۇیۇن قاچیرماق، بوگونکی
ایشی ارتیره قویماق، ارتیر اتمک،
ساقلانماق.

طفل ttefl: [ع] یاش چاغا، تازه بۇلان
بابک، اوغلان، اطفال جمع.

طفل ttafl: مص. [ع] یومشاق، نازک، هر
زادینگ لایک گوریلیانی، قاوی
گوریلیانی، اطفال و طفول جمع.

طفل tafal: ا.ع، ۱. قرانگق لیک، گون
یاشارا یاقین وقت، ۲. یاغیش، یاغین
معنیده.

طفلك tteflak. [ع] چاغاجيق،

بابه جيك، ياش چاغا، بابك.

طفولت tofulat: مص. [ع] ۱.

چاغاليق، ۲. اوغلانلىق، لائىكلىك،

يۇمشاقلىق.

طفوليت tofuliyyat: ۱. [ع] چاغاليق،

اوغلانلىق.

طفيل tofayl: ۱. ص. [ع] بنى اميه دن بير

آدم ايسلنماني چاغيريلماني

ميهمانچيلينا گيديان، اونكا «طفيل

العرائس» خم دييليدير. ۲. فارسجا:

ايسلنمه ديك ميهمان، بى وقت گلن

ميهمان، ميهمان بولوپ باريان

آدمينگ يانينا قوشۇلپ گيديان-آدم.

طفيلي tafeyl-i: ص. ن. [ع] ۱. ميهمانا

باغلى بۇلان، ايسلنمه ديك ميهمان

بى وقت گلن ميهمان. ۲.

ميهمان بولوپ باريان آدمينگ يانينا

قوشۇلپ گيديان آدم، موغت خور.

طلا talā: زر، قيزيل، آلتين، طيللا.

طلاب tollāb: [ع] جمع طالب،

طالبان.

طلاق talāq: مص. [ع] عياليىنگ

أريندن آيريلماسى و جدا بۇلماسى

آيريلشماسى، خطينى آلاق، طلاق.

طلايه talāye: اونگدن باريىى،

اونگدن گيديىى، اونگدن گيديان،

دوشمانينگ دورميشينى بيلمك

اوچين لشگرينگ اونگيندن ايبريليان

سربازلار، طلايگان جمع.

طلب talab: مص. [ع] ۱. آغدارماق،

گۇزله مك، سراتمك، ايسلامك. طلب

كردن ۲. فارسجه پولى يا بير زادى

بيرينه بريب طلب اتمك، ۳.

ايزارلاماق، آلقى آلاق، ايسله مك.

طلبكار talabkār: ص. [ف.ع] آلقىلى،

آلقىسى بۇلان.

طلبیدن talabidan: مص. [ع.فا] طلب

اتمك، ايسله مك، چاغيرماق.

طلسم ttelesm: لاتين سۇزۇندن آلىنان

جادىچىلارينگ و فال

گۇزىجىلارينگ كاغذ يا دمير يوزونه

چكىان جدول خطلارى، دوغاجادى.

طلوع 'tolu: [ع] چيقماق، گون يا

ييلديزينگ گورونمكى، دوغماسى.

طمطراق tomtorāq: [ع] دابارا،

اوزينگی گۇرکزمه، نمايش، شان، شوکت.

طمع 'tama: مص. [ع] ۱. طاما، اميد، آرزو، ايسلک، گوز تیکمه ۲. آچ گوزلیک، حارصی دنیالیک، ايمتيلماق.

طناب t. tanāb. عرب چشمه سیندن یوب، باغ، کندیر، طاناپ، ريسمان.

طنبور t. tanbur. [ع] اوزین دستهلی سازلارینگ بیرى، اونگا طنبار هم ديييليار.

طنین t. tanin: مص. [ع] داشدان وانگلاب اشیدیلیان سینگینگ، چييينینگ سسی، قاتی یانگلانمه قیقیلیق، کلیسالارده و مدرسه لرده قوييليان جانگینگ سسی ۲. ش.م.

طواف tawāf: مص. [ع] بیر زادینگ تۆوره گينه آیلانماق، بیر زادینگ داشینا آیلانماق، کعبه نینگ داشینا آیلانماق.

طواف tawwāf: ص. [ع] کاسب، کوچیپ قونوپ زات ساتيان، کان آیلانیپ یوران، میوه و باشغا ایییلان

زات لاری کوچه لرده گۆچمه تارده آیلاب زات ساتيان آدم.

طوبى tubā: ص. [ع] مؤنث اطیب، قتی آراسه راق و پاک راک.

طوبى t. tubā: [ع] ۱. خیر و خوشلیق بختلی و شادلیق لی، ۲. بهشت ده بیر اولی آغاجینگ آدی.

طور t. tawr. [ع] یاغداى، هیل بۆلک، اۆلچک اطوار جمع.

طور t. tawr. [ع] ۱. جایینگ داشی نینگ حیاطی، ۲. جزیره سیناده بۇلان داغینگ آدی طور سینا طور موسی دییپ ده آیدیلیان.

طوطى t. tuti. قاراسی اولی لیغی کبتر یالی طوطی قوش، رنگی یاشیل چونتی اگری قوش، بیر ناچه سۆزلىرى آدمدن اووره نیپ آیدیان قوش، (آیدانینگ قایتالایان قوش)، اما اۆز آیدیان زادی نینگ معنی سینه دوشملی دال.

طوطى وار t. tuti-wār. ص. طوطی کمین، طوطی یالی.

طوفان tufān: ۱. [ع] آقیان کوپ سؤو

- بیردن گلیپ یرینگ یوزینی غرق
 ایدیان سیل سووی، قاتی گویچلی
 یللی هوا دریانی تولقونلادیان،
 تولقونلیدیجی. همه زادی آزادان
 آیریان، یل، قره یل، اود و سوو یالی
 طویان، یل قاتیشیقلی گویچلی
 یاغین، قای.
- طول tul: مص. [ع] اوزین، اوزینلیق،
 بوی، زول، گیدیپ یاتان، اطوال جمع.
 طولانی tulāni: ص. اوزین اوزالیپ
 گیدیپ یاتان.
- طومار ttumār: [ع] اولی مکتوب،
 فارسجه تومار دییپ-ده آیدیلیار،
 اوزین یازیلان خط طوامیر جمع.
- طویل tawil: ص. [ع] قاتی اوزین، زول.
 گیدیپ یاتان، اوزالیپ گیدیان.
- طویله tawile: ا. [ع] اوزین یوپ،
 مالینگ آیاغینا باغلانیار، فارسجا
 اصطل، مالینگ یاتاغی.
- طهارت tahārat: مص. [ع] (= طهارة)
 آراسسالانماق، آراسسالیق تمیزلیک
- هر بیر حافالیقدان پاکلنمک.
 طیاره ttäyyäre: ص. [ع] (= طيارة)
 مؤنث طیار، قاتی گیدیان گامی،
 اوچیان، هواپیما، اوچاق، طیارات
 جمع.
- طیب tib: مص. [ع] اونگات ایسلی
 بولماق، طغاملی بولماق، حلال
 بولماق.
- طیبه tayyb-e: ص. [ع] مؤنث طیب،
 پاک، آراسسا، حلال، جایز، طیبات
 جمع.
- طیران tayarān: مص. [ع] اوچماق،
 اوچوش، بۆکوش.
- طیور، کو کر - غیل قوریق .
 طیفور tcyfur: [ع] اوچوجی قوش،
 اولی کیچی قوشلارینگ اهلی سی.
- طینت ttinat: [ع] (= طینة) خلقت،
 یارادیلیش، دورادیلیش، قیلیق،
 بولوش.
- طيور toyur: [ع] قوشلار، اوچوجی
 قوشلار، جمع طائر.



ظ zā: عرب اليب بى نينگ يگريمنجى

حرفى. ابجد حسابىندا (۹۰۰)،

فارسى لغتده بو حرف يۇق، دىنگه

مخصوص عربده بۇلمالى.

ظالم zālem: ا.فا. [ع] داش يورك،

رحم سيز، بى رحم، آزار برىجى، ظاليم،

ستم اديجى، آزيجى، رحم سيز،

ايزغيت سيز، ظاليم.

ظاهر zāher: م. [ع] آشكار، عيان،

بللى، آچيق، آيدىنگ، گورنوپ دوران،

داش گورنوش، سياق، سيرات.

ظاهر ساز zāher-sāz: ص. فا [ع] داش

گۇرنوشى بزآپ گۇركزيپ و آداملارى

هيتيرلىق بيلن آلدايان.

ظرافت zerāfat: م. ص. [ع]

پاكيزه ليك، نفيس ليك، چاققانلىق،

ييتى ليك، آوادانلىق، دقيق، اينچه دن

ايزارلاماق، گوزل ليك.

ظرف tzarf: [ع] قاب چاناق، ايچينه

زات قوييليان قاب.

ظرفيت zarfiyat: م. ص. ج ۱.

سيفيم، سيفيش، ۲. لايقلىق،

قۇجۇرلىق، تاييارلىق.

ظروف: zoruf [ع] جمع ظرف، قاب

چاناقلار، قاب قاش.

ظريف: zarif: نازك، اينچه، سويجى

دىللى، گوزل، آوادان، گۇرنوكلى

ظروف جمع، نفيسلىك.

ظفر: zafar: مص. [ع] يىنگىش،

اۆستونلىك قازانماق، يىنگىك،

مقصدە يىتمىك، مرادىنگە يىتمىك،

يىنگىش قازانماق.

ظفر: tzofof [ع] دىرناق، اظفار و اظفير

جمع - جمع.

ظلم: zolm: مص. [ع] ستم اتمىك، ستم

آزار برمىك، اذيت يىتىرمىك، ايزا برمىك.

ظلم: zolam: [ع] قرانگىلىقلار،

تونلىكلار، جمع ظلمات.

ظلمات: zolmāt [ع] جمع ظلمت،

قرانگىلىق معنيدە ظلماتدە بىر

چشمە بۇلمالى اونگا آب حیات

دىييارلار اول چشمەدن حضرت

خضر(ع) ايچىپ دىرى قاليار. اما

اسكندر اونونگ اوغرۇنا چىقسا-دا

اونگا نصيب بۇلمايار.

ظلمت: zolmat: [ع] قرانگىلىق،

تونلىك..

ظنين: zanin: ص. [ع] شك ادىلن،

تهمت آتىلان، بدگمان بولىنان آدم، يا

باشغالارادىگمان بولىنان.

ظهر: tzoher [ع] گون اورتا، يارىم گون،

يارتى گون.

ظهر: t.zahr [ع] آرقا، يوزى نىنگ آرقا

طرافى، غوزاى طرفى، اظهر و ظهور و

ظهران (بضم ظا) جمع.

ظهرنويسى: t.zahr-newisi: مص. [ع]

آرقاسىنى يازماق، آرقا يوزونى يازماق،

چك يا سفته نىنگ آرقا طرافىنى

يازماق.

ظهور: zohur: مص [ع] آيدىنگ

بۇلماق، آشكار بۇلماق، آچىق و عيان

بۇلماق، ظاهر بۇلماق.

ظهير: zahir: ص. [ع] يار و ياور،

آرقاداش، آرقا، دايانچ، سوياك،

آرقانگ تۇتيان، مددكار.



ع e: عرب الیب بی نینگ یگریم

بیرینجی حرفی، ابجد حسابیندا
(۷۰). بو حرف عرب دیلینه

مخصوص بۆلمالی فارس لغتده
بۆلمالی دال.

عائله ā'ele. [ع] ایچری ماشغالا،

عیال اوغلان اوشاقلار، چاغلار.

عابد ābed. [ع] عبادت ادیجی،

خدایا قوللیق ادیجی، الله تعالی غه

سیغینیان آدم، نماز خوان، تقوا، عبد و

عباد عابدون و عابدین جمع.

عابده ābede. [ع] مؤنث عابد،

خدایی سوییجی، خدایا قوللوق
ادیجی، تقوا، عابدات و عوابد جمع.

عابر āber. [ع] اوتیپ گچیپ

باریان، یولاغچی، اوتگچی، عبار، عبره

و عابرون و عابرین جمع.

عاج ā. [ع] پیلینگ دیشی، آق و

قاتی اوزینلیغی اونونگ ایکسی متره

یتیار، اوندان بهالی زاتلار بجریلیار.

عاجز ājez. [ع] عجیز، یاداو،

یاراوسیز، یاغدا ی سیز، هور، پسه

دوشن، عواجز و عجزه جمع.

عاجل ājel.ا.فا. [ع] قيساقلى،

چالتلايچى، تيزلشديريچى،
وقت سيز، هاوليقماچ.

عادت ādat.ا. [ع] قيليق، انديك،

سياق، خاصيت، انسانينگ هر بير
ايشه اؤورنشيپ بللى بير وقت
بتيريان ايشى، ادهت بير ملتینگ
دورموشينه اورناشان قديم دن گليان
دأب دستور، عادات جمع.

عادت کردن ādat-kardan.ا.مصل.

[ع.فا] اؤورەنيشمک، اندیک اتمک،
عادت اتمک.

عادت گرفتن ādat-kardan.ا.مصل.

[ع.فا] اؤورەنيشمک، عادت اتمک.

عادل ādel.ا.فا. [ع] انصافلى،

رحملى، عدالتلى، فراستلى،
پايخاسلى، دۇغرى چيل، عدول جمع.

عادلانه ādelāne.ا.ق.ص. [ع.فا] عدالت

يوزوندن، عادلار يالى.

عادى ādi.ا.فا. [ع] دوشمان، ظلم

اديچى، خلقينگ مالينه توقونيان،
ظلم الينى خلقينگ اوستينه قوييان

آدم، عداة جمع.

عادى āddi.ا.ص.ن. [ع] عادته اوريلن

ايش، عادته دگيشلى، اؤورەنيلشيب
عادت بۇلۇپ اديليان ايش، انديك
اديلن ايش، يوناكى عاداتى، عادات
جمع.

عار ār.ا. [ع] عيب، اوتانچ، شرم و حيا،

ايعيار جمع. عاربودن : حيالى بۇلماق
آبراىلى بۇلماق.

عارض شدن ārez-šodan.ا.مصل.

باشا دوشمک، شکايت اتمک، ظلم
گۆرمک، ستم چکمک، يوزه چيقماق،
شکايت اتمک، حق اوچين قاضىغا و
يا دادگاه يوزلنمک، قاضى دادگاه.

عارضه ārez-e.ا.فا. مؤنث عارض،

اونگه گليان زات، انسانينگ اؤنگونه
گليان زات، واقعا، حاجت،
مريض چيليك يالى، بوزولما.

عارف āref.ا.فا. [ع] دانا، صبرلى،

بيليملى، خدايلىقلى، تانيلان، خداى
پرست، صوفى، خدايى عبادت
اتمکليگى مستحق بيلمک.

عارفانه āref-āne.ا.ق.ص. [ع.فا]

عارف یالی، عارفه منگزش، عارف
یولیندا بۆلان، عارف طریقه سیندا.

عاری āri'ص. [ع] یالانگاچ، لخت
چیبلاق، عراة جمع.

عاریه t'arie' [ع] عاریة بیریندن
حاضرلکچه موقت زات آلماق و
سۆنگ اونى آلیپ برمک یعنی ایزینا
اؤویریپ برمک اوچین آلماق.

عازم t'azem'فا. [ع] قصد ادیجی، بیر
ایشی یوره گینه دوویپ اراده ادیجی،
بیر ایشی اتماگنه نیت ادن، بیر یره
اوگران، یولادوشن.

عاشر t'ašer'فا. [ع] اون دان بیر آلیجی،
اون دان بیر، اونونجی.

عاشق t'ašeq'فا. [ع] اؤرآن قاوی
گۆریجی، سویجی، قاتی کوپ
سویبان، عشقه دوشن، سویگا دوچار
بۆلان، بیر زادی سۆین و یوره گی آلان،
عشاق جمع.

عاشقانه t'ašeqāne'ق. ص. عاشقه
لایق، عاشقلینا منگزشلیک، عشق
یوزوندن، عاشقلیق.

عاشوراء 'ašurā'ا. [ع] (= عاشوری)

محرمینگ اونونجی گونی، حضرت
حسین بن علی(ع)نینگ کربلادا
شهید بولان گونی.

عاصر āser'ا. فا. [ع] قسیجی،
سیقیان، قیسیان، اوزومی یا آیری
میوه نی سیقیپ سوونی آلیان، عصره
و عاصرون جمع.

عاصم āsem'ا. فا. [ع] ساقلاوجی،
ساقلاجی، خطا و یالنگیش لیقننگ
اونگین آلماق.

عاصی āsi'ا. فا. [ع] گناهکار،

یازیقلى، بؤیؤن قاچیریان، بو یروغی
بو یون انگمه یان، عاصی، عصاء جمع.

عاطف ātef'ا. فا. [ع] اووریجی،

دولان دیریجی، مهربانلیق ایدیان،
مهرلی لیک.

عاطفه ātefe'ا. فا. [ع] مؤنث عاطف،

مهر و محبت، دوغانلیق و
قارینداشلیق، عاطفات و عواطف
جمع.

عاطل ātel'ص. [ع] زاد سیز، بیکار،

پوچ، بیهوده، بیدرک، عاطل و باطل.

عافیت āfiyat'ا. مص. [ع] ساغلیق،

عالم $\text{t}^{\circ}\text{ālam}$ [ع] روزگار، خلق دنیا،

جهان، عالم، عوالم جمع.

عالم امر $\text{t}^{\circ}\text{ālam-e-amr}$ مر. فرشته‌ها

عالمی، ملائکه عالمی.

عالم جبروت $\text{t}^{\circ}\text{ālam-e-jabarut}$:

۱. مر. دنیا‌نینگ قدرتی اوزونده بۆلن

خدای تعالی نینگ اولی لیغنی،

عظمتینی آنگیرپاشا باران لیغنی

بیلدیریار.

عالم ملکوت $\text{t}^{\circ}\text{ālam-e-malakut}$:

۱. مر. عالم جبروت.

عالی ālī [ع] اولی، بیک، شریف،

اولی مرتبه، یوقاری درجه‌لی.

عالیجاه ālī-jāh : ص. مر. بلند

مرتبه‌لی، مقام و شانی اولی بۆلن.

عالیجناب ālī-jenāb : ص. مر. بلند

مرتبه‌لی، بلند بارگاه‌لی، بلند

ایشیک‌لی، بو آدی اولی مرتبه‌لی

حرمتلی آدم‌لار بریلیار.

عالی مقام ālī-maqām : ص. مر. بلند

مرتبه‌لی، بیک درجه و مقام‌لی

بۆلن.

عالی نسب ālī-nasab : نزادی نسبی

سلامتلیق، عافیات و عوافی جمع.

عاقبت $\text{t}^{\circ}\text{āqebat}$ [ع] ۱. آخر سونگ

ایزیندان، ایز، هر زادینگ ایزی و

سونگی، عواقب جمع ۲. عاقبت

سۆزی آخر سۆزی دیین معنی بریار.

عاقبت بخیر $\text{t}^{\circ}\text{āqebat-be-xayr}$: ص.

مر، یاشایشینگ و ایشینگ عاقبتی

سونگی خیر و اونگات بۆلسۆن

دیییمک.

عاقده $\text{t}^{\circ}\text{āqed}$ [ع] شرطی

برک‌لیجی، باغلاچی، نکاح‌نی یا

آلیش برشی باغلاچی، آرا دوویجی،

عقد ادیجی.

عاقل $\text{t}^{\circ}\text{āqel}$: ص. [ع] دانا، بیلیم‌لی،

عقل‌لی، عقلی کوپ بۆلن، پاهیم‌لی،

دوشونجه‌لی، پایخاسلی، عقلاء

جمع.

عاقلا نه $\text{t}^{\circ}\text{āqelāne}$: ق. ص. عقل‌لی‌لار

یالی، دانالار یالی، شیلنه عاقل‌لار

یالی.

عالم $\text{t}^{\circ}\text{ālem}$ [ع] دانا، دانشمند،

بیلیم‌لی، عقلدار، علام و عالمون و

علماء جمع.

يوقار درجهده بولان، نسبی يوقار
درجهده بولان، بگزاده، بایار.

عام $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] هممەنى اوز ايچنه
آلیان، قارامایاق، کۆیچولیک، عمومی،
هممەلر، خاص و عام : آیراتین
حقوقلیلار و قارامایاقلار، هممەلر.

عام $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] ییل، اعوام جمع.
عام المنفعة $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$:
ص.مر. بأهیبیدی اهل ایله یتیان، همه
آدملارینگ خیرلانیان زادی.

عامر $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] ۱. عمارت ادیجی،
آبادلایجی، اوتوریملی بۇلماق ۲.
معمور، آباد، عمار جمع.

عامره $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] مؤنث عامر،
آباد ادیجی، آباد اویده، جایده،
یاشایان، آباد، آبادان، آباد ادیلن،
عوامر جمع.

عامل $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] ۱. عمل ادیجی،
قیلغوجی، ایشچی، کارگر، ۲.
ییری نینگ مال ملکینی یولا بریان و
یا اداره ادیان، ۲. حاکم، ولایتینگ
حاکمی، عمال، عاملون و عمله جمع.
عامه $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] مؤنث عام،

هممەلر، هممەلره دگیشلی بۇلان، بار
آدملار کۆپچیلیگه باغلی، عوام
جمع.

عامی $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] ۱. عام و عامه
باغلی بۇلان، قارامایاق، ۲. فارسجه
سواد سیز، عقل سیز نادان، معنیده.
عامی $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] کور، یۇلۇنی
سایغاریپ بیلیمەیان، یۇلۇنی گۆره
بیلیمەیان، گوزسيز.

عامیانه $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] ص. [ع] [فاع]
جمع عامی، عوام یالی، سوادسيز،
قارامایاق آدم.

عاید $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] ۱. ناساغی،
سؤرایجی، ایزه دولانیجی ۲.
گیردهجی و نپ معنیده، فواید جمع.
عایق $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] بؤوته، اۇنگونی آلیان،
بوکدانچ لیک ادیان، عوائق جمع.

عبا $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] کمزور، ینگسيز و کینگ
تیکیلیان ارگهک لرینگ اؤستکی
گییمی، دونینگ بیر گۆزنوشی.
عباد $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] بندهلر، جمع عبد.

عباد $\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}\text{ā}^{\text{t}}$ [ع] جمع عابد، عبادت
ادیجی، خدای لیلوقی.



عبادت 'ebādat: [ع] بندهلیک

اتمک، الله غه سیغینماق، یارادانا
بندهلیک اتمک، خدای تعالی نینگ
یولینده نماز اوقاب عبادت اتمک، دعا
اتمک.

عبادتگاه 'ebādat-gah: t.مر. عبادت

ادیلیان جای، عبادتگاه.

عبارت 'ebārat: مص. [ع] ۱. سۆزی

بیان اتمک لیگینگ تآری، آراسسا
گورله مک، بیر سۆزی و یا دیشی
یورماق ۲. سۆزلرینگ معنی سینی
بیریکدیرماگه دلالت ادیان مطلب.

عباسی 'a'bbāsi: ص.ن. عباس بن

عبدالمطلبه دگیشلی، حضرت
رسولینگ داده سی نینگ دوغانی،
عموسی، آرقاسی جدی خلفای
عباسی گه دگیشلی.

عبث 'abas: مص. [ع] بیهوده ایش

اتمک، پوچ ایش، بی درک یاراما،
پیداسیز ایش.

عبد 'abd: [ع] غلام، قول، خدایینگ

بنده سی، بنده، قول. عبید و عباد و
عبده و عبدون جمع.

عبدالقادر گیلانی

'abd-ol-qāder-gilāni: ص. اولی
پیرلرینگ بیرى.

عبدالله 'abd-ol-āh: ص. [ع]

خدایینگ بنده سی، ارکک آدمینگ
آدلاری.

عبرت 'ebrat: t. [ع] گنگ، اگیرت،

گۆرله، عبرت، پند، اوویت، نسخه،
آیری آداملارینگ ادیان ایشینده
آلینیان نتیجه. اوغیر گورکزىچ.

عبرت آمیز 'ebrat-āميز: ص. مف.

[ع.فا]. اوویت عبرت بیلن یوغورلان،
گۆرله، و عبرت بؤلماغا سبب بۇلیان
زات.

عبرت گرفتن 'ebrat-gereftan:

مص.ل. اوویت آلماق، پند آلماق،
عبرت آلماق، گۆرله آلماق.

عبری 'ebr-āni: ص.ن. [ع] عبرانی،

یهودی، یهودی لرینگ دیلی سۆزی.
عبودیت 'obud-iyyat: بندهلیک

اتمک، سیغینماق.

عبور 'obur: ا. گچمک، اوتمک،

گچیت، قاتنالیان یول.

عبوس abus: مص. [ع] یوزی

تورشیتماق، یوزی آسماق، توقاتلی،
قایغیلی بۇلماق.

عبیر abir: [ع] ایسلی درمانلارینگ

بیری، اونگات ایسلی مادهلرینگ
بیری.

عتاب etāb: مص. [ع] کاییمک،

قاھارلانماق، کاینچ، قھار بیلہ بیرینه
گپ آیتماق.

عتبات atabāt: [ع] جمع عتبه،

آستانه، ایشیک، درگاه.

عتیق atiq: ص. [ع] کؤنه، ایرکی،

قدیمقی، آزاد ادیلن، آزاد ادیلن قول،
هر زادینگ سایلانتیغیسی، انتیک،
عتقاء و عتق جمع.

عتیقہ atiqe: ص. [ع] مؤنث عتیق،

کؤنه قدیمقی، عتائق جمع.

عثمان osmān: ۱. [ع] ۱. قوشینگ

چاغاغاسی، ییلان یا ییلانینگ

چاغاغاسی، ۲. ارکک آدمالارینگ آدلاری

۳. اوچونجی خلیفانینگ آدی.

عجایب ajāib: [ع] جمع عجیبه،

گنگ قالدیریان زاتلار، آنگالدیان

زاتلار، انایی، عجایب.

عجب ojz: ۱. مص. اوزینه کونگلی

یتن، منلیکلی، اوزونی اولی تۇتیان.

عجب ajab: مص. [ع] گنگ قالمالی،

آنگالمالی، اعجاب جمع.

عجبا ajab-ā: [ع] حایران قالارلی

گنگ قالارلی، شبهه لنمهگی

آنگلادیان سۆز.

عجز ajz: ۱. [ع] عجیزلیک، یارامازلیق،

قۇجۇرسیزلیق، حال سیزلیق،

یاغدا۱ سیزلیق.

عجله ajale: مص. [ع] هاولیقماق،

ققاتی قیسساقلیلیق،

هاولیقماچیلیق، قاتی گیدیشلیک،

حوصلا دوشمک، آومکلیک.

عجم ajam: ۱. [ع] ۱. عربدان آیری

ملتلر، عرب دال، پارس، ایرانلی، ترک

و اروپائی ملتلردان عبارت ۲. ایران

یوردینه ده آیدیلیار.

عجم ajam: ۱. [ع] دوپ اوغورغانینگ

بیریری، مغز بیلہ گمپیحی، اونگا

عصص هم دییلیار.

عجم ojm: [ع] جمع اعجم، دیلی

- باسيق، پلتک آدم. عدد adad: [ع] سان، سانی، سانالان،
 اعداد جمع. بی عدد: سانسیز.
 عجوز ajuz: مص. [ع] قاراران عیال،
 کمپیر عیال، قاراران ارکگه ده
 عدس adas: ا. مرجیمک، میدان
 ماشی.
 عجز و عجائز جمع. عدل adl: ا. [ع] انصاف، عدالت،
 حقیقتغا دۇغرى دولی بها
 برمکلیک، اورتا یورۇم. عدل adl: ص. [ع] عادل، دۇغرى،
 کامل، برابر منگزش، تایلی، شهادت
 برمهگی قبول بولان. عدل adl: ص. [ع] عادل، دۇغرى،
 کامل، برابر منگزش، تایلی، شهادت
 برمهگی قبول بولان.
 عجل ajul: ص. [ع] قیسساقلی
 بولما، چال்தلیق بیلن بیر ایشی انجام
 برمک، هاولیقماچ. عجلانه ajulane: ق. ص.
 هاولیقماچلیق، قیسساقلی،
 تیزلیقلی. عجب ajib: ص. [ع] حیران
 قالدیریجی، اگیرت، انایی، گنگ، گنگ
 قالدیریجی. عدالت edalat: مص. [ع] ۱. عدللیق
 اتمک، انصافلی بۇلماق،
 انصافلیلیق، ۲. بیرینه یا بیرزادا
 بۇلان دۇغرى حقیقی قارایش. عداوت edawat: ا. مص. (= عداوة)
 دوشمانلیق، دوشمانچیلیق، یاغیلیق،
 ییگرنج، ایچی قارالیق. عداوت پیشه:
 دوشمانچیلیق ایدیان، دشمانچی لیغی
 اۇزونه دأپ ایدیان.

- عدو adu: ا. ص. [ع] دوشمان، غنیم،
 یاغی، یوو، اعداء و اعدای جمع.
 عدوان odwan: مص. [ع]
 دوشمانچیلیق اتمک، ستم اتمک، زور
 اتمک. عدوانی: بیر ملکی زور بیلن

مالکینگ الیندن آلمان

عدول odul: مص. [ع] دونمه، قایتما،

چکیلمه، اووریلمه.

عذاب azāb: ا. [ع] آزار، حورلیق،

اذیت، گورگی، جبر، جزا، عذاب،

قین چیلیق، انتیمه، اعذبه جمع.

عذر ozr: مص. [ع] ادن ایشیندن

ساقلاماق، بیرینه کائیمک و ادن

گناسینی باغیشلاماق، بهانه، اعذار

جمع.

عذر آوردن ozr āwardan: مص. ل.

بهانه گتیرمک، عذر گتیرمک.

عذر خواستن ozr xāstan: مص. ل.

اوتونچ ایسته مک، اوتوش طلب

اتمک، منی باغیشلا دییمک.

عراضه orāze: ا. [ع] ساوغات، تحفه.

عراق erāq: ع. [ع] سای، سووینک

یاقاسی، دنگیزینگ کناری، چایینگ،

عموماً آقار سووینک یاقلاری، اعرقه

و عرق جمع.

عرايض arāyez: [ع] جمع عریضه،

عارضالار، شکایتلار.

عرب arab: ا. [ع] تازی، تازی اهلی،

عجمینگ قارشیسسی، اعرب و عروب

جمع.

عربده arbade: ا. مص. [ع] پیس

قیلیق لی، ارید اخلاق لی، خیرش

یانایان، ارید قیلیق، فریاد.

عربی arabi: ص. ن. [ع] عربا باغلی،

عربا دگیشلی، عرب قومیندان، عرب

دیلی، عرب دیلی لی.

عرج araj: مص. [ع] آغساماق، آغساق

بؤلماق، آغساق لیق.

عرج orj: [ع] جمع اعرج، آغساق،

آیاغی مایپ معنیده.

عرس ers: ا. [ع] یاسسیقداش (ها)

عیال ها ارکک)، اعراس جمع.

عرس oros: ا. [ع] اوریک اوی، توی

شاغالانگی، توی میهمانچیلیقی،

توی نهارینی، گلین آلنان سؤنگ

گیه وی، کوره کن اوینده بریلمک.

عرش arš: [ع] تخت، کوشک،

سایه بان، کوشکینگ بامی، قصر هر

زادینگ ستونی و پایه سی، یدینجی

آسمان، اعراش و عروش و عرشه

جمع.



اراده، دوریم.

عرف t'orf. ۱. اندیک، یاغشیلیق،

اؤوره نیشمک، عادت، ایمل آراسیندا

یونگ بۇلان ایش ۲. آدالغا، قدیم دان

دأپ بۇلۇپ قالان ترتیب دوزگون.

عرف arf. ۱. [ع] ایس، اونگات ایس.

عرفات arfāt. ۱. [ع] داغینگ آدی،

قربان آیینگ دۇقۇزینە مگه نینگ

یاقینیندا بۇلان، حاجی لارینگ

دویناپ شونده اويله نمازی بیله

اکیندی نمازی اوقیپ منا اوویریلیان

یری، عرفات.

عرفان t'erfān. مص. [ع] تانیماق لیق،

الله تعالی نی تانیماق لیق، حق

تانیجی لیق، تقوالیق، بنده لیک.

عرق t'araq. [ع] آدمینگ اندامیندان

سیزیب چیقیان در، آدمینگ

اندامیندان ایسسی نینگ اثریندن

چیقیان چیغ در.

عرق erq. ۱. [ع] دامار، کوک، بیر

زادینگ کوکی و اصلی، عروق و اعراق

جمع.

عرقچین t'arqčın. مر. بۇریک.

عرصات arasāt. [ع] جمع عرصه،

کنايه سۇزۇندن محشر، قیامت گونی،

آخرت گونی.

عرض arz. مص. [ع] آشکارا تمک،

آیدینگ لشدیرماق، بللی اتمک،

گورکزمک، بیر مطلبی بیان اتمک،

آچیقلاماق.

عرض arz. ۱. [ع] این، بوی دال،

جغرافیا تایدن این، هر بیر زادینگ

اینی.

عرض t'arz. [ع] متا، مال، قیزیل،

کوموشدان آیری ماللار، عروض

جمع.

عرض erz. ۱. [ع] جسد، ذات، نفس،

نامیس، آبرای، شرف و قۇوانیلیان و

فخر ادیلیان زات.

عرضه t'arze. ۱. [ع] عرض، تاسلاما،

گورکزمه، آیدینگ لاما، گورکزمک،

عیان اتمک. ۲. ساتماق اوچین

زادینگ سرگی اتمک. عرضه داشتن:

گورکزمک.

عرضه t'orze. [ع] لایق لیق،

یاراشیق لیق، همّت، جیدام، قصد،



عرق خور 'araq: ص.فا. [ع] عرق
ایچیان آدم، عرق خور.

عروج 'oruj: مص. [ع] یوقار چیقماق،
بلنده مینمک، آسمانا گوتا، یلمک،
عروج 'oruj: مص. [ع] آغساماق،
آغساقلیق.

عروس 'arus: ص. [ع] تازه دورمیشا
چیقان قیز، گلین.

عروسک 'arusak: ع.فا. [ع] قورجاق.
عروسی 'arusi: توی، گلین آما
توی، اوغول اویره پ گلین آما.

عسروض 'aruz: ع. [ع] ۱. شمرینگ
میزانی، مصراعنگ ایلکی بولگی،
بیتی، والقی بوله گی اعاریض جمع.
۲. اولکه سای یاقاچت، داغ یولی ۳.
سۆز مضمونی، شمر اولچک
آغرامینی و اونسونگ اویتهگمه یان
یرلرینه گۆز یتیرمه لی علمینگ آدی.
عریان 'oryān: ص. [ع] یالانگاچ، اکین
اشیک سیز، چیپلاق، لُخت.

عریض 'ariz: ص. [ع] گینگ، اینلی
یا یاراب یاتان.

عزاء 'azā: مص. [ع] صبر اتمک،

یاسرده مصیبتده صبرلی بؤلماق،
مصیبت، یاس.

عزائم 'azā'em: [ع] جمع عزیمه، برک
اراده، خاصه شفا تاپماق اوچین
اوقوبولیان دُعا و جادی لار. عزائم الله:
خدای تعالی نینگ بنده لرینه واجب
ادن زادی.

عزادار 'azādār: ص.مر. [ع.فا].

یاسرلی، مصیبتلی، اولوم دوشن.
عزازیل 'azāzil: ع. [ع] ۱. عبری کلمه
خدایینگ عزیزی، ۲. ابلیس،
لاقامی، اول قاویلمازدان اونگ
مقرب لاردان اکن بو آد ادبیات
فارسی ده شیطانا آد لانیپدیر

عزت 'ezat: مص. [ع] عزیز بؤلماق،
حرمتلی سیلاغلی بؤلماق.

عزرائیل 'ezrāil: ع. [ع] ملک الموت،
جان آلفیج فرشته، عزرائیل.

هزل 'azl: مص. [ع] ایشدن آییرماق،
ایشدن بوشاتماق، جدا اتمک.

عزم 'azm: مص. [ع] قصد اتمک، بیر
ایشه نیت اتمک، ایشده برک دورماق،
قاتی دورماق، توتان یرلی بؤلماق،

قرارا گلمک.

عزیز aziz: ص. [ع] شریف، دگرلی،

انایی، قاوی گورولیان خرمتملی،

قدرلی، عزاز و اعزاء و اعزا، جمع.

عزیمت azimat: مص. [ع] ۱. قصد

اتمک، بسیر ایشه یوزلنمک،

اوغراماقلیق، یولا دوشمکلیک،

گیتمکلیک، بیر ایشی یوره گینگه

دوومک، اراده اتمک ۲. برک اراده و

قایم لاماق، عزائم جمع.

عسجد asjad: ت. [ع] ز، گوهر، آلتین،

کوموش، مرجان و ش.م.

عسرت osrat: ۱. مص. [ع] عسرة، قول

دارلیق، قاتلیق، قینچیلیق، الی

دارلیق، زاد سیزلیق، الی یووقالیق.

عسگر asgar: ت. [ع] لشکر، سپاه،

قشون، عساکر جمع.

عسل asal: ت. [ع] بال.

عسلی asali: ص. ن. [ع] ۱. عسله

باغلی، عسله منگزیش بولان زاتلار ۲.

عسلی سۆزی فارسچا: کیچی میز،

کیچی تکجک.

عشاء ešā: ت. [ع] ایلکی آغشام،

شامگاه، گون یاشاندان یاری گیجا

چنلی.

عشاء ešā: ت. [ع] شام، گيجانينگ

ایمیتی، گون یاشاندان گيجانينگ

یارینه چنلی، عشا نمازی، یاسی

نمازی.

عشائر ašair: [ع] جمع عشیره، طایفا،

تیره، قوم، خویش.

عشاق ošāq: عاشیق لر، سویگیلی لر،

جمع عاشق.

عشر ošr: ت. [ع] اون دن بیر، هر بیر

زادینگ اون دن بیر بولاگی اعشار و

عشور جمع.

عشرت ešrat: ت. م. [ع] دوستلوق،

اووره نیشمکلیک، کونگلی آچیقلیق،

خوش گچرمکلیک، شادیانلیق.

عشق ešq: مص. [ع] قاتی اونگات

گورمک، سویمک، سویمکلیک،

یورک باغلیلیق، آنگری باش

دوستلوق، تویس یورکدن سویمک،

سۆیگی.

عشق ورزیدن ešq warzidan:

مص. ل. [ع. فا] سویمکلیک،

عاشقلىق عاشق پيشهلىك،
پيشهسى سويمكلىك بۇلان،
عاشقلىق يولوندا بۇلان.

عشوہ ešwe: ۱. (= عشوة) ظلمت،
قارانگىلىق، ايلكى آغشامىنگ
دورتدن بىرى، ايلكى آغشام، شام.
عشوہ t'eše: [ع] گيزلين ايش، ناز،
كرشمه، گيزلين، آشكار بۇلمايدىق،
اورتگىلى ايش.

عشيره t'ašire: [ع] (= عشيرة) قوم،
قبيله، طايفه، دوغان قارينداش، ايلن
چالان، عشاير و عشيرات جمع.

عصا asā: ۱. [ع] ال تاياق، ياشاولىر و
مايب موجرىبلرىنگ كمك و سۆيك
اوچىن اله آليان عصاسى.

عصب asab: ۱. [ع] سىنگىر، آدمىنگ
اندامىندا بولان سىنگىرلر، اعصاب
جمع.

عصمت t'esmat: مص. [ع] ساقلانما،
گناهەن ساقلاماق، نامىسلىلىق،
گناهەن خطادان داش دورماق،
عاصىلىقدان ساقلانماق،
عاصىچىلىقدان قايرا دۇرماق.

عصيان t'osyan: مص. [ع] طاعت
عبادتنى ترك اتمك، طاعتدن ال
چكمك، بويروق سىزلىق، بۇيۇن
تاولاماقلىق، بۇيۇن قاچيرماقلىق، پشته،
عضلات azolāt: [ع] جمع عضله،
اون ايكي اندام، اون ايكي سۇنگونگ،
اندامىنگ اتلرى، ماهىچهلارى.

عضو ozw: ۱. [ع] ۱. اندام، گۇره،
اندامىنگ بىر بولهكى، ال و آياق و كله
يالى ۲. بىر بۆلك جماعت، بىر
ادارانىنگ يادە بىر قورامانىنگ
ايشكارلرى و طرفدارلارى، اعضاء
جمع.

عطاء t'atā: مص. [ع] بخششلىق،
باغىشلاما، بىرىنه بىر زادى
باغىشلاما، اعطيه و اعطيات جمع.
عطار attār: ص. [ع] عطر ساتىجى،
عطر ساتيان، ايسلى درمان ساتيان
آدم.

عطارد t'atārod: [ع] گونه ياقىنراق
بولان كيچى يىلدىزلارىنگ بىرى.
عطر atr: ۱. [ع] قاوى ايسلى، اونكات
ايسلى زات، يوقىملى ايسلى، عطر.

- عطسه atse: ۱. [ع] آسغیرماق.
- عطش ataš: مص. [ع] سوساماق، قانگقیراماق، سوسان.
- عطف atf: مص. [ع] دولانماق، اوویسرلمک، و بیر زادا طرف هوسلنمک، بیر سۆزی اونگینداکی سۆزه دگیشلی (مربوط) اتمک.
- عطوف atuf: مص. [ع] میللنمک، هوسلنمک، بیر زادا میل بیلدیرمک، مهربانلیق اتمک.
- عطوف otuf: ص. [ع] مهربانلیق، ایسنیشق، مهر، محبت.
- عطوفت otufat: مص. ماخوذ از عطف: محبت، مهربانلیق، دوستلوق، ایسنیشیق.
- عظام ozzām: ص. [ع] اولی، بییک.
- عظام ezām: [ع] بییکلر، اولیلار، جمع عظیم، مرتبه‌لی، مقامدار.
- عظام ezām: [ع] سونگک‌لر، استخوان‌لار، جمع عظم.
- عظاماء ozmā: [ع] اولیلار، جمع عظیم.
- عظمت azemat: مص. [ع] عضمة، اولؤلویق، اولاقان‌لیق، اولی خاصیت‌لی‌لیق، بییک‌لیک.
- عظیم azim: ۱. مص. [ع] بلند، اولی، بییک، عظما و عظام جمع.
- عظیم‌الجثه azim-ol-jose: یوغین، پوکگی، گابه، دایاو.
- عفت effat: مص. [ع] ساقلانماق‌لیق، یارامان، حرام ایشلردن قاچا دورماق‌لیق، تقوالیق، پاک‌لیک، هر بیر قاچمالی زاتدان داش دورماق‌لیق.
- عفریت efrit: ۱. [ع] منکر، خبیث، شوم، اربد، گلشیک‌سیز، یاراماز یارادیلن، دؤو، دیو، غول، عفاریت ارواخ‌جین
- عفر afw: مص. [ع] باغیشلاماق، بیرینینگ یازینیندن گچمک، اوتمک.
- عفر afoww: ص. [ع] کثیرالصفو: کوپ باغیشلاچی، قاتی یالقاوچی، گناه‌دن گچیجی، اوتویح.
- عفونت ofunat: مص. [ع] ضایالانماق، پورسیماق، اینجیماق، بسیر زادینگ طغامی اویتگه‌مک،

ایسلنمک، آنغقیماق.

عقب نشینی aqab-nešini: تسمک،

عفیفه afife: ص. [ع] مؤنث عفیف،

ایزه قایتماق، ترسه اوریلیمک، ایزه

یاک، نامیسلی عیال، عفیفات و
عنائف جمع.

دولانماق؛ حربی اصطلاحیندا:

سنگرلری ترک ادیب ایرا چکیلیمک.

عقائد aqā'd: [ع] جمع عقیده،

عقد aqd: مص. [ع] باغلاماق، دووین

عقیده‌لار، دین، ایمان، مذهب، ایسام،
آدمینگ اینامی بۇلان زات.

دوومک، عهد و پیمانینگ برکیتیمک،

عقاب eqāb: مص. [ع] بیرینینگ

نکاح، عقود جمع. عقد کردن: نکاح

ادن گناه‌سی سببلی جزا برمک، عذاب
برمک.

عقدنامه t'aqd-nāme: مر. [ع.فا].

عقاب t'oqāb: [ع] قاراقوش،

قباله، اونده آر عیالینگ شرطلری

تاوشانجیل، بورکیت، بورکیت.

عقده oqde: ا. [ع] دووین؛ عقده

عقاب eqāb: [ع] جمع عقبه، گردنه،

حقارت: سستلیق، عجیزلیک،

اوچیت، داغلیق، ارید یول عقاب و

کینه‌ساقلاما، رنج عذاب، قاینی غمه

عقبات جمع. عقاب آینلی: شا

سبب بؤلۆپ یوزه چیقیار. عقده دل:

بورکوتی؛ عقاب بره: قۇزی بورکوتی

کونگلی قالما غم غصه یورکده قالما.

عقاب دریائی: آق باشلی بورکوتی.

عقرب t'aqrab: ا. [ع] ۱. ایچیان، عقارب

عقاب گوچکان: آق قویرۇقلی قارتال،

جمع. ۲. اون ایکی فلکی برج‌لارینگ

دمیردیرناق بورکوت.

سگگزینجی آیی.

عقار t'eqār: چال هوکار.

عققی t'aq'aq: آلا هیک.

عقب t'aqab: [ع] کوشینگ

عقل aql: مص. [ع] دوشونجه‌لی

اوکجه‌سی، ینگسه، ایز، فرزند، و

اوسلی بۇلان، فهیم، دوشونمک،

آغتیق چاولیق، اعقاب جمع.

بیلیم، پاهیم، آدمینگ فکرلنمک

اوقییبی عقول جمع. عقل اولی، عقل

کل: فلسفه آدالغاسیندا؛ اوزال دوغما

پینینگه قویۇلان.

عقلى 'aqli: ص. ن. عقله باغلى، عقل

گویجی بیلن یرینه یتن بۇلمالى، عقل

پایخاس بیلن بولان.

عقوبت 'oqubat: ع. عقوبة گناه و

پیس لیگینک جزاسی، مزدی،

شکنجه.

عقود 'oqud: ع. جمع عقد؛

باغلاماقلار، عهده پیمانلار.

عقیده 'aqide: ع. ۱. اینانچ، پیکیر، ۲.

دیـنـی تاغلیماتینینگ

(تعلیماتینینگ) اساسلاری، ایمان،

دین، عقاید جمع.

عقیق 'aqiq: ع. اونكات هیللی، قیزیل،

نارینج رنگلی اول قیّمات بها داش.

عقيل 'aqil: ص. ع. ماقول، حرمتلی و

بیلیملی کیشی.

عقیم 'aqim: ص. ع. دوغورمازاق،

دوغورمایان عیال، چاغا دوغورمایان

عیال، عقام جمع. اوزیندن اوغلان

وجوده گلیمیان آدم، اخته، بیچیکلی،

قورره، عقماء جمع.

عکاس 'akkās: صورت چکیان آدم،

صورت آلیان آدم، صورت چکمه بیلن

قیزیقلانیان آدم.

عکاش 'okkāš: ع. کلبلی موی،

مویونگ ارکهگی.

عکس 'aks: ع. ۱. اووی—رمک،

آغدارماق ۲. آدمینگ صورتینی

عکس چکیلیان آبال بیلن آیینیان

صورت.

عکس العمل 'aks-ol-'mal: امر. ع.

بیری نینگ دن ایشینینگ یا

حرکتینینگ قارشى سینا، ترسینه

باشنا بیر ایشی انجام برمک.

علائق 'alā'eq: ع. جمع علاقه،

هوسلر، اخلاصلار.

علائم 'alā'em: ع. جمع علامت،

بلگی، فارسجه دوغرلانا، یاسالان،

عربده بو سۆز اولانیلمايار.

علاج 'alāj: مص. ع. درمان اتمک، إم

اتمک، تاقادا، چاره، دوا—درمان اتمک.

علاج پذیر 'alāj-pazir: ص. فا. ع. فا.

درمان ادیب بولجاق، علاج بۇلۇپ

بیلجک، چاره‌لی، ام ادیب بولجاق.

جمع.

علاقه alāqe: مص. [ع] ۱.

علف alāf: ۱. [ع] اوت، بوتین مالینگ

هووسجنگ‌لیک، خیجولیک،

اییان اوتی، اوسوملیک.

اوقغین‌لیق، اخلاصلی‌لیق ۲. مالینا و

علف حاج alāf-hāj: حاج اوتی.

اؤغلان اوشاغینا و زادینا یورک

علف خاردار alaf-e-xārdar:

باغلی‌لیق، دوستلیغا باغلی بۇلان

قیلديرغان، تکنلی اوت.

آدمینگ بوتین هر بیر زادا یورک

علف خوار alaf-xār: ص. فا. اوت

باغلی‌لیغی. آراء قاتناستیق.

اییان مال‌لار، سیغیر، قویون، آط، دیه،

مال یالی.

علاقه مند alāqe-mand: ۲. ص. [ع.فا].

علاقه‌لی، هووس‌لی، بیرینه یا بیر زادا

علف زار alaf-zār: اۇتلاق یر، اۇتلۇق

یورک باغلی‌لیقی بار بۇلماق.

میدان، اۇری میدان.

علاا alālā: [ع] قالماغال، قیقیلیق،

علف گربه alaf-e-gorbe: ۲. پیشیک

غوغا، قاتی سس، علاوش‌دا دیییلیار.

اوتی.

علام allām: ص. [ع] کوپ

علف نقره‌ای alaf-e-noqre-i: ۲.

پایخاسلی، کوپ بیلیم‌لی عالیم آدم،

قایتارما.

اینگ کوپ بیلیان، دانا، آدم.

علق alaq: ۱. [ع] ۱. قان، دونگان قان،

علامت alāmat: ۲. [ع] (= علامه) ایز،

اله یاپیشیان پالچیق، و هر بیر

بلگی، تاغما، نشان بللیک، نیشان،

آسیلغی زات ۲. سولوک معنیده

تیکیلن زات، علام و علامات جمع.

بیرلیگی علقه.

علامه allāme: ص. [ع] کوپ بیلگیچ،

علل elal: [ع] علت‌لر، سببلر.

دانشمند، قاتی دانا، پایخاسلی، عالم.

علم elm: مص. [ع] بیلیم، دانش،

علت ellat: ۱. [ع] رنج، عذاب، سبب،

معرفت، علوم جمع.

دلیل، بهانا، ناخوشلیق، اذیت، علل

علماء olamā: [ع] دانش‌مندان

بيليملىلر، دانالار، ملالار، آخوندلار،
علماء جمع عليهم.

علمدار 'alamdār: [ع] سپاهىنىڭ
آرايلىغىنىدا بايDAQ گوتريجى،
اۋرادىنىڭ-قۇشۇنىڭ آراسىنىدا
بايDAQ پارلاتيان آدم.

علم غيب alm-qeyb: ا.مر. [ع]
گيزلين علم، غيبداكىنى بيلمك،
ياشىرىن سىرنى بيلمك.

علوفه 'olufe: ا. [ع] مالينگ اييان
اوتى، اوتلارى، مالينگ اييان زاتلارى،
اييم.

علوى 'alawi: ص. ن. [ع] علىكه
دگيشلى، على نسليندن، على ابن
ابوطالب نسليندن بۇلان، علويون
جمع.

على 'ali: ا. [ع] بىيىكلىك، اۇلۇلىق،
بلندلىك، يۇقارى، درجىدهلىك،
حورماتلى، شرف.

على ali: ص. [ع] اولى، بلند، بلند
مرتبهلى، شريف.

عليا olyā: [ع] مۇنث اعلى، قاتى اولى،
بلند، يۇقارى، اولى جاي معنيده، هر

زادىنگ دىفەسى، بلندى.

على البدل al-al-badal: ص. مر،
بىرىنىڭ يىرىنە يوق وقتى اورنىنى
تۇتقان آدم، بدل آدم.

على الحساب ali-al-hesāb: ق.
وقتىنن يعنى بىرلىملى وقتىنن اونگ
آلىنيان و بىرلىيان پول.

على الخصوص ali-al-xusus: ق.
آيراتىن دە، خاص دە، ايلاي تا دا.

على اى حال ali-ayyo-hāl: [ع] هر
حالدا، هر صورىتدا، شونگا قارامازدان.

على رغم alā-raqm: ق. قارشى سىنا،
مىلىنگ ترسىنە، ايسلەگىنگ
ترسىنە.

عليل alil: ص. [ع] ناساغ، ناخوش،
سىرقاۋ، مريض، خور، حالدىن دوشن،
دردلى.

عليم alim: ص. [ع] بلند مرتبهلى،
دانا، عالم، علماء جمع.

عليه elliye: ص. [ع] مۇنث على بلند
مرتبهلى، شرفلى.

عليه alayh: مر. ص. [ع] اونگا؛ فارسچا
اۋنۇنگ ترسىنە و ضدىنە دىيىلىيار؛

عليه السلام: اونگا درود بۇلسۇن؛
پيغمبرلارینگ و اماملارینگ ايزيندان
گليان ذکر.

عم amm: ۱. [ع] دادانگ دوغانی، آغا،
فارسلار عمو دייپ آیدیارلار.

عماد emād: ۱. [ع] سۆیه نیلیان زات
سۆینچ سۆیگ عمد جمع. ۲. اولی
بنالار، جایلار بیر لیگی عمادة.

عمار ammār: ص. [ع] ایمانلی آدم،
صبرلی، جیداملی، آدلی ایمانی کامل
آدم.

عمارت emārat: ص. [ع] آباد
اتمک بنا اتمک، آبادلاماق، آبادلیق،
اولی جای، تام، آنگری باش کوپ
اتاقلی تام.

عمال emāl: [ع] ایشگارلر، ایشلری
یولا سالیان جمع عامل.

عمامة amāme: [ع] سلّه، کلا اورالیان
یاغلیق، پش، عمام جمع.

عمد amd: ص. [ع] قصد بیله اتمک،
بیلیپ اتمک، قصد و نیت بیلن ایش
اتمک.

عمده omde: ۲. [ع] (= عمدة) ۱. اونگا

سویانیلیان زاد، مهم، گورنیکی،
سۆینچ ۲. فارسچا کوپ و توتوش
لؤمماي زادا آیدیلیار.

عمده فروش omde-foruṣ: ص.
[ف.ع] ماتانی مالی زادی توتوش
ساتیان.

عمر omr: ۲. [ع] دیری لیک، یاشایش،
یاشاجاق مدتینگ، یاشاجاق وقتینگ،
عومور. عمر کردن: یاشاماق،
مادام العمر: عمر بویی، عمرلیک.

عمران omrān: ۱. مص. [ع] آبادلاماق،
آبادلیق، آبادانلیق، عمرانی: آبادلیغا
باغلی بۇلان، دگیشلی بۇلان.

عمره omre: ۱. [ع] حج اصغر، کیچی
حج، حجی تمتع دن کیچی راک
حاجی لیغینگ بیر گۆرنوشی.

عمق omq: ۱. [ع] چونگلیق،
ترینگلیک، قوی دیر یا چوقیرینگ
دۆیبی اونسی گۆز گۆره بیلمه یان
ترینگلیک، اعماق جمع.

عمل amal: ص. [ع] بجرمک،
ایشله مک، ایشجنگلیک، اعمال
جمع. عملاً: عملده، عمل تاردا، عمل

اوغوردا، تجربه و سپناو یوزوندان.

عملکرد amal-kard: ۱. مر. [ع.فا]

ایشرلیش، ایش اوّلجه گی، ایش

اونومینگ نتیجه سی.

عمود amud: [ع] ۱. پایه، ۲. دیک

ستون، اوی ستونی، دمیر گرن،

باشلیق و قومینگ سروری و

اولی سی، عمد جمع.

عموم omum: مر. [ع] اهلی،

همه لر، بوتین، کۆچولیک، عمومی.

عمومه دگیشلی، اهلی آدما باغلی.

عمه amme: ۱. [ع] آتاتک، دادانک

عیال دوغانی، اجه کنگ، عمت جمع.

عمیق amiq: ص. [ع] چونک، ترینک،

چونگور.

عناء anā: مر. [ع] قین چیلیق

چکمک، عذاب گۆرمک، مشقت،

عذاب، قین چیلیق.

عناّب annāb: تورشی طغاملی میوه،

عناّب.

عناصر anāsor: [ع] جمع عنصر،

عناصر اربعه: دورت عنصر: سوو،

توپراق، یل، اوت.

عنان enān: ۱. [ع] آطینگ اوساری

(افسار)، آطینگ آغیز دیریغی،

اویانی، ایشمه سی، نۇغت.

عنايت enāyat: مر. [ع] قصد

اتمک، تقلا اتمک، یاغشلیق اتمک،

اونس برمک، هر بیر ایشده تويس

یورکن عمل اتمک.

عنب anab: ۱. [ع] اوزوم.

عنب الذئب t'anab-oz-ze'b: مر. [ع]

ایت اوزوم.

عنبر anbar: ۱. [ع] یوقۇملى ايس،

اونگات ايس، یوقۇملى ايس کوكيان،

عطر ايس.

عنبر بار anbar-bār: ص. فا. [ع.فا]

عنبر ساجیان، عنبر یاغدیریان، خوش

بوی ايس یایرادیان.

عنبر بو anbar-bu: ص. مر. عنبر

ایسلی، عنبر قوقلی.

عنداللزوم and-al-lozum: ق. هر

هاچان گرک بۇلسا، لزوم ضرور بۇلان

وقت.

عندالمطالبه and-al-motālebe: ق.

طلب اتمه لی وقت، هر وقت

ایسلنسہ.

عندليب andalib: ۱. [ع] بلبل، خوش

آواز قوش، اونگا مونگ دستانلی
دیپ-ده آیدیلیار؛ عنادل جمع.

عنصر onsor: ۱. [ع] اصل، تویس

دمیر یالی زات، باشغازدا تجزیه
بؤلونمہ یان زات، قیزیل یالی نارسه؛
دورت عنصر سو، توپراق یل، اود.
دوزوم

عنقرب anqarib: ق. تیزلیکده،

یاقینلیقده، تیز وقتدان، قیساقلی
وقتده.عنكبوت ankabut: ۱. [ع] کلبلی
موی.

عنوان onwān: ۱. [ع] کتابینگ سؤز

باشی، خطینگ باشی، آدریس،
بللک، آت درجه.

عوارض awārez: [ع] ۱. جمع

عارضه، حادثه، باشا دوشن و
سرقاولیق ۲. فارسجه باج، سالغیت
معنیده.

عواطف awātef: [ع] جمع عاطفه

مهرلر، مهربانلیقلار، انصافلار،

ایسنشیق لار، جانیبکشلیکلر.

عواقب awāqeb: [ع] جمع عاقبة

سؤنگلر، ایش آخزلاری، عاقبتی.

عوام awām: [ع] جمع عامه،

کوپچولیک، قارامایاق خلق، یونه کی
خلق، آشاقی قاتلاق، خواص دال، بیر
سانی عامه. عوام الناس؛ آشاقی
قاتلاقدان بۇلان آدملار، قارامایاقلار.

عوان ewān: مص. [ع] کمک برمک،

یاردام برمک، قولداماق.

عوان awān: ۱. ص. [ع] ۱. هر زادینگ

اورتا یاشا یتہنی، کامللیک یاشا یتن

۲. دیوانخانانینگ عملداری، پاسبان،

آجان. ۳. مخفف اعوان؛ یاران،

خادمان معنیده.

عود awd: مص. [ع] اوویریلیمک،

ایزینا دولانماق.

عودت awdat: مص. [ع] ایزینا

قایتماق، ایزینا اوویریمک، ایزینا

دولاماق، ایزینا قایتارماق.

عورت owrat: ۲. [ع] (= عورة)

آدمینگ اندامینینگ یوقا یرلری،

آدملارینگ اوتسانجیندن اندامینینگ



اوستونی اورتیان یری، آدمینگ
اویات لانمالی یری، نمازدا اندامینگ
اورتوگلی بۆلمالی اعضالری.

عوض awaz. t. [ع] بیر زادینگ درگینه
بریلیان زاد، بیر زادینگ بدلی درگی
بۆلماق، بدل، درک، عوض دادن:
اۆده مک.

عوو aw-aw. t. [ع] ایستینگ
اویرمه سی، ایت هاوولاماسی،
گوجوگینگ سسی.

عول awal. t. [ع] عیالینگ مایه سی و
گویجی، حارای و کمک ایستلیان
زات، قاتی قیقیلیق بیلن آغلاماق.

عول ewal. t. مص. [ع] توکل لیک،
اینانچ، اینام، حارای.

عهد ahd. [ع] ۱. بیر ایشی تاناماق،
ساقلاماق، قوراماق، وفا اتمک، اوویت
برمک، وصیت اتمک، اقرار، وعده،
امان، قسم، آنت، عهد جمع ۲. زمان،
روزگار جوانلیق معنیده عهد بستن: (=)
عهد کردن) شرط نامه باغلاماق،
شرط اتمک.

عهده ohde. [ع] ضمانت لیک، شرط

نامه کفیل لیک، تاوان، ضمانت
هۆتده لیک.

عهده دار ohde-dār. ص. فا. [ع]
بـوینونه آلان، غیامت کش،
هۆتده لنمک، بویون آلمان.

عیاب iyāb. [ع] جمع عیب، قیاس
زنیل.

عیاب iyāb. a. [ع] قورساق لار پورک
عیاب ayyāb. ص. [ع] قاتی عیب
ادیجی، عیبلیان.

عیادت ayādat. مص. [ع] (= عیادة)
مریض گۆرماگه گیتمک، ناخوش
سوراماق، ناساغینگ یاغماینی
سوراماق.

عیار ayyār. ۱. مکیر، هاییار، حیلہ گار،
۲. تالانگچی، یول اوریان، ۳.
سرگزدان، ساللاخ، آلیپ یولوپ
باریان، باشاغای.

عیار ayār. مص. [ع] درنگه مک،
سیناماق، تره زی و اولچک بیلن ایزینا
یتمک.

عیاش ayyāš. ص. [ع] قاتی عشرت
سوریجی، خوش گچیریجی

جوشلیغینگ و عیشینگ ایزیندا
بمولان آدم، شادیان، حسدن آشا
عیشینگ ایزیندا گزیان.

عیال *ayāl*: [ع] زنانه، خاتین، هلی و
اهلی اویداکیلر، اویده بولانلار،
اؤغلان اوشاق ماشغالا، شول اؤیدن
داماقلانیانلار، جمع عیل.

عیال *ayyāl*: ص. [ع] منلیکلی، ناز پوز
بیله یوریمک.

عیالوار *ayāl-wār*: ص. مر. عیال
اؤغلان اوشاقلی چۆرک اییانی کۆپ
بولان.

عیال *eyān*: ص. [ع] گوز بیله
آنیقلىق، آنیقلىق، آچیقلىق
آیهنگلىق، آشکار بۆلان.

عیب *eyb*: [ع] تلهکەلیک، پیسلیک،
مقصان، گسۇس، نقصان، شکس،
کۆچملىک گناه عیوب جمع.

عیبجو *eyb-ju*: ص. [ف.ع.] عیب
تاپمىجى، عیب تاپمىب آشکار ادیجى.

عیبناک *eyb-nāk*: [ع] عیبلى،
شکسلى، گنالى.

عید *eyd*: ۱. [ع] جشن، تۆی،

شادلیقلى گون، بايرام، عید.

عیدگاه *t'eyd-gāh*: مر. بايرام ادیلیان

یر، بايرام وقتى، بايرامچیلیق

گچریلیان جای، عید اوقالیان یر.

عیش *ayš*: ص. [ع] ۱. یاشاماق،

یاشایش ۲. کیپ، لذت، عشرت، راحت

دورموش معنا لاردا.

عین *ayn*: [ع] ۱. گۆز، گۆرهچ، اعین و

عیون و اعیان جمع ۲. چشمه و بولاق

معنادا، ۳. خود، ادیل، اؤزی، عین

اؤزی دیدیگی.

عین الباقي *ayn-ol-bāqi*: ۱. مر. [ع]

آب حیات، دیرلیک سؤوی.

عین الیقین *ayn-ol-yaqin*: ۱. مر. [ع]

دوغرولینی حقیقتی آنیق بولان، هر

بیر زادینگ حقیقی باردیغینی گۆز

بیله گۆرمک؛ تصوف آدالغاسیندا

ایکینجی آنیقلىق دیر؛ طریقتچی

ایچگین صفاسی بیلن جهانینگ

دورلی سیرلرینی کشف اتمک بیلن

نائل بولیار، مقصده یتیار.

عیوب *oyub*: [ع] جمع عیب، عیب لار،

کمچیلیکلر.



غ qe: عرب اليب بى نینگ يگريم

ايكىنجى حرفى، ابجد حسابىندا
(۱۰۰۰).

غائب qā'eb: ص.فا. [ع] گورينمە يان،

يتىك، يتن، باشغا يردە بۇلان، حاضر
دال، آرامىزدا بۇلمادىق.

غائله qā'ele: ا. [ع] شر، فساد،

قىن چىلىق، غوغا، بولاغاي،
هلاکلىك، آزار، آفت، آلادا

غابر qāber: ص.فا. [ع] يوريجى و

گچى جى، باقى، ايزده قالان.

غار qār: [ع] اۇيىق ير و يا داغده بۇلان

كۇواک، قاواق ير.

غار tqār: [ع] آغاجىنگ بير گورنوشى.

غارث qārat: مص. [ع] (= غارة) ۱.

تالانگ چىلىق، تالانگلىق

چپاول چىلىق، باسيب آليجىلىق، ۲.

فارسجهده: تالان دىيپ-ده آيدىليان،

غارث جمع.

غار تگر qārat-gar: ص.فا. [ع]

تالانگچىلىق اديان، چپاول چىلىق

اديان آدم.

غارچ qārč: ا. مى، شراب، ايچكى، اير

ارتير ايچىليان ايچكى.

غارس t.qārs. فا. [ع] نهال اکیجی، باغ
آغاچ اکیجی.

غاز t.qāz. قدیمقی اینگ کیچی
بیرلیک پولی، پول بیرلیگی.

غاز t.qāz. ا. یاما، دیلیک، یرتیق، ایریک.
غاز t.qāz. غاز، اوچوجی میدان وای
قوشی، اوردکدن اولی.

غاز سرخ qāz-sorx: قیزیل غاز.
غاز سرخ پا t.qāz-sorx-pā. قیزیل
آیاق غاز.

غازگلنگ t.qāz-galang. قاما بورون.

غازی qāzi: ا. فا. [ع] تلاشگر،
سؤوشجنگ، دین اوغوردا دوشمان
بیله اورۇش ادیان.

غاسق t.qāseq. فا. [ع] ۱. قارانگق
گیجه ۲. قارا بیلان، ۳-آی.

غاش qāš(š). ص. [ف.ع] آدملاری
آلدايان، غشاش جمع.

غاش qāš. ص. عاشیق، بیرینی
سویان، عقلی یتنه، ذهین سیز
دیپ-ده آیدیلار.

غاصب t.qāseb. فا. [ع] گویج زوریلن
بیری نینگ مالینی باسیب آلان،
بیری نینگ مالینی زور ادیب الیندن

آلیان، بیرى نینگ زادینی زورلیق بیلن
الیندن آلیان آدم.

غافت qāfes: ا. شاغال بورون.

غافل qāfel. ص. [ف.ع] خبرسيز

دویدانسيز خبرسيز قالما،
اونوتجانگ، ایشده یالتانیب غفلت
اڊیان، خبرسيز قالیان، اونودیان.

غافلگیر qāfel-gir. ص. فا. [ع.فا].
دویدانسيز توتما، خبرسيز آلما،
بیرینا بیردن خبرسيز دوفیلما.

غافله qāfele. مر کروان، یولاچقیلار
تویاری.

غامض qāmaz. ص. [ع] ارید یر، مهم
چتین ایش، سیرلی و دوشونمه سی
قین سؤز، غوامض جمع.

غاو t.qāw. گاو، سیغیر، نگا گاو،
سیغیر.

غاو t.qāw. مال آغلی، قویونینگ یاتاق
جایی، داغینگ قاواغیندا قویونلارا
بجرلن یاتاق جای.

غایب qāyeb. ص. فا. حاضر دال، یوق
آدم یتیریم بولان.

غایت qāyat. ا. [ع] (= غایه) سؤنگ،
آنگری باش، حساب سیز، آخری،



بۇلماق، داش دوشمك ۲. بللى سيز و
تاولى بۇلماق معنیده، ۳- ذهندن
داش بۇلماق.

غراش t qarāš [ع] ۱. دېرماما، يارانى
درمانىپ بېرى بېرىنە يىتمك ۲. قاهار
غضب و قاينى دىيىپ-دە آيدىلىپ دىر.
غرامت t qarāmat [ع] (= غرامة) ۱.
تاوان ۲. زيان، ضرر و بىرلىملى ضرور
بۇلان زات.

غرب qarab: مص. [ع] گىزلنمك،
گوزدن يىتمك، داش دوشمك، گون
باتار، و گون ياشار طرافى، باتى آشق
طرافى، گون باتار طرافى.

غرب qarab: ۱. [ع] ميوه گىتىرمە يان،
ميوه سيز آغاچ، آغاچ، اسپيدار، بىيد
آغاچى يالى.

غرب t qarab [ع] آلتىن، كوموش،
شراب، ايچكى ايچليان قاپ.

غربال t qarbal [ع] غالبير، اولى الك،
غربت qorbat: مص. [ع] (= غربة)

اۇزاقلىق، اۇزاق لاشما، يادپورت،
غرتى qerti: ص. ياش جوان آدملا
سۆيىنچ، عياللارا تلهكه و ارىد
سۆيىنچ، آقماق، بوش كله.

اينگ سونگقى، آنگرى چاگى.
غبار t qobār [ع] چانگ، توزان، توت.
غبار آلود qobār-ālud: ص. مد. [ع. فا]
(= غبار آلوده) توت توزانا قارىلان،
چانگ توزانا بولاشان.

غبار t qabāz (= غبازه) چوپان تاياغى.
غبس t qabas [ع] قارانگقى ليق، ايلكى
آغشام، كولونگ رنگى يالى.

غىغب t qabqab [ع] بـؤيـۇن
آشاغى نىنگ اتى، انگك آشاغى نىنگ
اتى، ساغاق، آلقيم.

قدار qaddār [ع] قاتى خائن،
وفاسيز، عهدى يالان و رحم سيز.

غدغن t qadaqan [ت] (= قدغن)
تركى سۆزۈننن، نيغتما و قيسماقلى
منع اتمه، غدغن كردن: غدغن اتمك،
نيغتماق، ساقلانماق.

غده t qodde: ماز

غدير t qadir [ع] گول، سؤو ياتاق،
قورديق.

غذای سگ qazā-ye-sag: يال،
ايتىنگ ايتىمتى.

غرابت qarābat: مص. [ع] غرابه، ۱.
داش بۇلماق، داشلىق يورتدن داش

غرزدن qor-zadan: مص. م. [ع].

آلداماق، عیالی و یا قیزی آلداپ اوزینگ بیلن ایرید ایش اتمک اوچین اکیتمک.

غرزدن qor-zadan: مص. ل. غورغور

اتمک، دیل آشاغیندان قهار بیلن قاتی کپ آیتماق، قاتی کاییمک، زیرنمک، قهارلانماق.

غرس tqars: قاهار، غضب، ایرید قیلیق.

غرس qars: مص. [ع] اکمک، نهال

اکمک، یاش آغاچ اتورتماق.

غرس qars: آغاچ اکمه، اکیلن آغاچ.

غرش tqorreş: مص. هارلاماق،

ییرتیجی حیوانلارینگ هارلاماگی.

غرض qaraz: مص. [ع] ۱. آرزولی

بۇلماق، هوسجنگ بۇلماق، ۲. قصد،

حاجت، تارپ، بلگی، ۳. فارسچه

دوشمانلیق و قصد و اراده معنیده.

غرق qarq: مص. [ع] فارسچه سووه

قاجیپ بوغولماق، سووده خفه

بۇلماق، سووده بوغولیب اولمک،

سووه چومیب هلاک بۇلماق.

غرقاب qarqāb: ۱. مر. [ع.فا] بورغان،

گرداب، سوودا بوغولیب اۆلمک، غرق

بولماق.

غروب qorub: مص. [ع] یتمک، داش

دوشمک، داش لاشماق، آشاق لاماق،

گون، آی و یا ییلدیزینگ یاشماگی.

غرور qorur: مص. [ع] ۱. آلداماق،

بیهوده بیرینی امیدلی اتمک، طمالی

اتمک، باطل و پوچ زادا طماکین

اتمک، ۲. فارسچه تکبرلیک و

اؤزۆنگی اولی توتماق لیق، منلیک

معنیده.

غرور qarur: ص. [ع] آلداماغا سبب

بولان، آلدایجی، دنیادن کنایه.

غرور tqaror: [ع] غرغره ادیلیان

سوویق درمان، اولومسیلیک.

غرور آمیز qorur-āميز: ص. مف. [ع]

غروره یوغورلان، من لیگه قاریلان.

غرولند qorr-o-land: ایزیک لیق،

اینگیردی.

غریب qarib: ص. [ع] ۱. داش، داش

دوش، وطنندان جدا دوشن، یادا

دوشن، اوز دیاریندن داشلاشان،

کسه کی، ۲. هر زادینگ تازه و گنگ

انایسی جمع: غربا.

غریبه qaribe: کسه کی، ناتانیش، دل،

یاد.

غزلیات gazal-iyāt: فارسچا جمع

غزل معنیده، غزل‌لار.

غسال qesāl: [ع] بابالی، غسل

اتدیریحی، اؤلی یۇویان، مُرده‌شور.

غسل t.qasl: [ع] مص. اندام یوماق

سوه دوشمک، شرع دستوری بیلن

اندامینگی یوماق.

غسل qesl: [ع] اندامینگی یا باشغا

زادی اؤنؤنگ بیلن یوویلیان نارسه.

غش t.qaš: هوش سیزلیق، ناساغ‌لیق

سببلی، آغیر یاغدا یا دوشمک،

ایسغین سیز یاغدا ی سیز اوزیندن

گیدیپ ییقلیماق. غش کردن:

توتغای توتماق، اؤزونگدن گیتمک.

غش t.qaš: بیهوشلیق، هوشدن گیدن.

غش (qāš) qas: [ع] یورکداکینی

ترسینه آشکار اتمک، خیانت اتمک.

غصب qasb: مص. [ع] بیرینینگ

مالینی زور اتمک، ناراضی‌چیلیق بیلن

باسیب آلیپ ایه بۇلماق، زور بیلن

باسیب آلماق.

غصه t.qosse: [ع] (= غصّة)

توقات‌لیق، قایغی و غم.

غضب qazab: مص. [ع] قهارینگ

غریزه qarize: [ع] دوره‌ییش و

دوغ‌وش، طبیعت، قیلیق،

اؤوره‌نیشیک، خاصیت، بولوش. غرائز

جمع. غریزی: غریزه دگیشلی، غریزه

جنسی: یاقینلاشماق اوستی بیلن

شهوتینگ سوندیریپ نسل دورتمه.

غزات t.qazāt: مص. [ع] (= غزاة)

اؤرۇش، سوویش، دین دوشمانلاری

بیلن سوویش اتمک. غزوات جمع:

فارسچه غزا دیییلیار.

غزال t.qazāl: [ع] کییک، جرن، توقار،

غزلان جمع.

غزال qazzāl: مص. [ع] اوران اگریجی،

بوکوجی، طناب یوپ ساتیجی.

غزل qazl: مص. [ع] ۱. اگیرمک،

یونگ یا پامیق یالی زادی ۲. بوکولن،

اگیرلن و طناب معنیده.

غزل qazal: مص. [ع] ۱. گورونگ

اتمک عیال‌لار بیلن اویناشماق و

سویشمک، ۲. عیال‌لار حقدّه سؤز

آیتماق، عشقی قوشنی آیتماق

سویگی حقدّه یازیلان قوشنی

آیتماق، دییمک.

گتيرمك، قهرلانماق، قهرجانگ،
قهرجانگلىق اتمك.

غضب qazeb: ص. [ع] قهرجانگ،
قهرلى.

غضب آلود qazab-ālud: ص. مر.
[ع.نا] غضبه يوغورلان، قهاره
يوغورلان، قهارجانگلىق.

غضروف tqozruf: [ع] گميرچك،
باليفينگ گميرچهگى، باليفينگ
كىتيردووك ىرى.

غضنفر qazanfar: ا. [ع] يولبارس،
ييرتيجى بارس، اپرى، دايوا آدم.

غفار qaffār: ا.خ. [ع] قىبلانگ آدى، و
عرب قبيلهسى نىنگ آتاسى.

غفار qafār: ص. [ع] كووپ
باغيشلايچى، گنانى گچىجى،
خداى تعالى نىنگ صفاتىندان،
صفت لىرىندن.

غفار qafār: ص. [ع] قاتى
باغيشلايچى، گناهانى اوتىجى،
گناهانى اورتوجى، خداى تعالى نىنگ
صفت لىرىنىگ بېرى.

غفارى qafārī: غفار قبيلهسىنه باغلى
بۇلان.

غفور qofof: ص. [ع] گناهانى
اورتيجى، گناهىدن گچىجى.

غفور qafur: ص. [ع] قاتى
باغيشلايچى، گناهانى باغيشلايچى،
خداى تعالى نىنگ صفت لىرىنىگ
بېرى.

غل t:qel(l): [ع] توتغاي، بولاشىقلىق،
اويكه، كينه.

غل qal(l): ص. [ع] بېرى نىنگ الينى
بويىونا باغلاماق، يوب و باغى
بېرىنىنگ بويىونا و ال آياغينا اوراماق،
كۆيلىك.

غل qell: [ع] طوق، بۇيۇن باغى
توستاق لارىنگ يىمى زىندانى لارىنگ
الينه. آياغينا دانگىليان دمير زنجىرى،
اغلال و غلول جمع.

غلاب qelāb: ص. [ع] اۆستون
چىقماق، بېرىنه اۆستون گلمك، الى
اۆستونلىك.

غلات qallāt: [ع] (= غلاة) جمع غله،
آريا بۇغداي، تووى، جۇون، زيره پالى،
دانه دانهلى اكپن.

غلاج qallāc: ص. زادسىز، يۇقسۇل.
غلاف qelāf: ا. [ع] داش قاب، قاما و



[ع.فـا] یالنگیشدیریجی،
یالنگیشدیریان، آلداوچی لیک،
یالنگیشلیغا سالما.

غلط نامه qalat-name: ۱. مر. [ع.فا]

کتابینگ غلطلارینی چاپ ادیپ
کتابینگ آخریندا قویولماق، شونونگ
یوزوندن اونونگ غلطلارینی
دوزده دیلار؛ کتابینگ غلطلارنی یعنی
یالنگیشلارینی دوزلتمک اوچین
غلطنامه آدیندا چاپ ادیپ کتابینگ
آخریندا قویولماق.

غلغلک qelqelak: ۱. قیجیق لانما،
آدمینگ بۇرۇنە گولدورمک اوچین
دورتولمه.

غللمان qalmān: [ع] جمع غلام،

غلاملار، قوللار، غلام اۇغلانلار.

غلول qalul: ص. [ع] خائن، دۇنوک.

غلول qolul: [ع] جمع غل، بۇيۇن توغ،

بۇيۇن باغی.

غله qalle: [ع] گیردهجی آریا بۇغداي،

حاصل، غلال و غلات جمع.

غله خیز qalle-xiz: ص. مر. [ع.فا]. غله

کوپ اوندریان، اونوم کوپ بریان یر.

غلیظ qaliz: ص. [ع] سوغاشیق،

قیلیچ یالی ساویق یازاغلارینگ قابی
غینی، غین.

غلال qelāl: [ع] جمع غله، آریا
بۇغداي.

غلام qolām: [ع] ۱. یتگینجک،

اۇغلان یاش ییگیت، یگیتلیگه

یتمه دیک اۇغلان، ۲. فارسی چه برده،

بنده قول و نوکر معنیده.

غلبه qalabe: مص. [ع] ینگیش

تاپماق، اۆستون چیقماق، ینگمک

ینگیش قازانماق. غلبه کردن: برینه

اوستون چیقماق، دوشمانی ینگمک.

غلطان qaltān: ص. فا. بیلاک شیلک

آغماق، توغلانماق، آغینما.

غلtek qaltak: ۱. خمیر اوقلاوی.

غلتیدن qaltidan: مص. توغلانماق،

آغینماق، آغناماق، تیگیزلانماق،

سوروشمک.

غلط qalat: مص. ل. [ع] ۱. صواب

ایشی تانیلمازلیق، ۲. یالنگیشماق.

خطا اتمک، خطده حسابده و یا

یازماقدا یالنگیش، نادۇغری، خطا،

جمع اغلاط.

غلط انداز qalat-andaz: ص. فا

قالینک، اوزلی، ایری قاتی، قوی،
سوویق دال، غلاظ جمع.

غلیل t:qalil. [ع] کینه، دوشمانلیق،

سویگا قاتی سوسان، عشق و سویگی
آویسی، ایچ آویسی.

غلیل qalil: ص. [ع] قاتی سوسان،
قاتی سوسورغان آدم.

غم qam: مص. [ع] قایغیلی، غم،
توقات، قایغی، هپیت، غصه، غموم
جمع.

غماز qammāz: [ع] جمع غمزه، قین
چیلیقلار، قاتیلیقلار. غماز و غمز
جمع.

غماز qammāz: ص. [ع] قاتی شوغول،
کپچی، سیری فاش ایدان، گۆز قاش
قاسقیان، تخم تیجی غیب کش،
شوغول، آدم.

غمخانه t:qam-xāne. مر. غم اوی،
کوپ قایغیلی اوی، توقاتلی،
غصهلی.

غمخوار qam-xār: ص. فا. غمی اییان،
غم اییجی، قاینیچیل، یار، مهربان.

غم خوار qam-xār: ص. فا. غم غصه
اییان، توقاتلی.

غمزده qam-zade: ص. [ع. فا.]

قایغیلی غم باسان، غمی آرتدیریجی،
غملی.

غمزه t:qamze. [ع] گۆز قاش بیلن ام
قاقماق، کرشمه نازلی باقماق، ناز،

نازیرگمک، ناز بیلن گۆز قاش، یانگاق.
غم کش qam-keš: ص. فا. [ع] غم

خوار، قایغیلی، غملی.

غمگسار qam-gosār: ص. فا. یار
دوست، سیرداش، غمخوار، مهربان،

ایزینیگ قایغی سینی ایدان.

غم گشته qam-gašte: ص. فا. غملی،
قایغیلی.

غمگین qam-gin: ص. مر. [ع. فا.]
عملی، قایغیلی، غصهلی، توقاتلی
بولان.

غمناک qam-nāk: ص. مر. غملی،
قایغیلی، غصهلی، سؤلوق.

غنا qenā: ا. [ع] خوش آواز، قاوی
آیدیمچی، قاوی هنگیلدی.

غنا qannā: ص. [ع] مؤنث اغن، قاتی
اوتلی آغاچلی آباد و تر چمنلی
گوکلیک یر.

غناء qanā: مص. [ع] قاتی باییماق،

قاتى قورىلى بۇلماق، ماتاچ سىزلىك،
غنائم qanā'em: [ع] جمع غنيمت،
اوروشدا زور بىلن دوشماندان آلنان
زادلار، اولجالار.

غنم qannam: ص. [ع] كۆپ قويونلى
آدم، چوپان.

غنم qannam: ص. [ع] كۆپ اولجا
الينه دوشن آدم.

غنجه qanje: ۱. ناز، گوز قاش قاقمه.

غنچه qonče: ۱. غنچه، آچىلمادىق گل
چىچك.

غنچه دهان qonče-dahān: ص. مر.

كنايه معشوقدان: آوادان گۇرنوكلى
آغزى اديل گلىنگ غنچه سى يالى
بولان.

غنى qani(y): مصر. [ع] باى بۇلماق،
بەللانماق، قورپلى، ماتاچ سىزلىك،
بايلىق.

غنى qenā: ص. [ع] يوللى، ماللى،
قارالى، ماتاچ بۇلمادىق.

غنيم qanim: ۱. [ع] ۱. اورشده
دوشماندان اوستون چىقىپ آلينيان
زات، ۲. فارسچا دوشمان معنیده.

غنيمت tqanimat: [ع] زور بىلن

دوشماندان آلينان زاتلار، ياغىدان
آلينيان اولجا.

غواص qawwās: ص. [ع] يوزىجى،
دریادن صدف مرجن چىقارماق
اوجين سووده يوزيان، سووينگ
آشاغىندان زات آليپ چىقاريان آدم،
دنگيزده چوميب مرواريد چىقريان
آدم.

غواص qowwās: [ع] جمع غائص؛
غواصلار، يوزوجى لر.

غوث qows: مصر. [ع] يارى برمك،
كمك برمك، بىرى نىنگ دادينا
يتيشمك.

غورباغه qurbāqe: قورباقا.

غورى tquri: دمكش، دكمچ.

غوغا tqawqā: [ع] قىقىلىق، جنجل،
بىدرک قىق چىق اديان آدم، اوروش
سؤوش.

غول tqul: [ع] دؤو، ارتەكى لردە
گلشيك سىز بويى اوزين جانلى
اگيرت اولى گلشيك سىز جاندار،
اغوال و غيلان جمع.

غول tqul: ۱. آغىل، قويون و
سىغىريالى مالينگ ياتاغي ۲. چولده

داغده بجرلیان مال جایی.

غول پیکر qul-pikar: ص. مر. [ع.فا].

غول یالی، هیکللی، ادلک، دایاو،
غوله منگزش.

غیاب qyāb: مص. [ع] گیزلنمک،

ییتمک، گۆزدن ییتمک، داشلاشماق،
غایب بولماق.

غیاب qayb: [ع] جمع غیب، عایب
بولماق، ییتمک.

غیاث t.qyās: [ع] داده یتیان، داده
یتیحی، خدای تعالی نینگ
آدلاری نینگ بیرى.

غیب qayb: مص. [ع] غایب بولماق،
ییتمک، داشلاشماق.

غیبت qibat: مص. [ع] غایب بولماق،
گیزلنمک، گۆزدن یتمک، یتیریم
بولماق.

غیبت qeybat: مص. [ع] بیرى نینگ
ایزیندان یامانلاماق، بیرى نینگ

ایزیندان عیبینی آیتماق.

غیبگو qeyb-gu: ص. فا. [ع.فا]

غایب دان خبر بریان، قاباتداکی زادی
آیدیان، گیزلین سردن سۆز آیتماق.

غیر qeyr: ۱. [ع] ۱. مگر، آیری، باشغا،
بیله کی. ۲. کسه کی، بیگانه اغیار
جمع.

غیرت qeyrat: مص. [ع] ۱.
گوریبلیک اتمک، غیرت داشتن ۲.

نامیسرلی لیق، غایراتلی لیق، عار،
جوماردلیق، تعصیب کش.

غیرتمند qeyrat-mand: ص. مر.
[ع.فا]، غیراتلی، نامیسلی.

غیل qayl: مص. [ع] گورالی عیالینگ
چاغا سویت برمکی.

غیل t.qayl: [ع] سمیز، اتلی قانلی دایاو
اوغۇل اغیال جمع.

غیور qayur: ص. [ع] غیراتلی، عارلی،
قوجورلی نامیسرلی، مروتلی.



ماشین بیلہ ایشلاب بحریان صنعت
کارخانہ سی.

فاتح t.fāteh. فا. [ع] ینگن، آچان،

آچیجی، ینگجی، بیر زادی
آجسین و یا بیر یوردی اورشیب
آلماق و ینگمک؛ فاتح شدن؛
دوستانی ینگمک؛ باسب آلیجی.

فاتحه t.fātehe. فا. [ع] مؤنث فاتح
باشلانغیچ ایش، فواتح جمع.

فاتحه خواندن: مصیبت‌ده و یاسدا
مرحوم اوچین قرآن اوقیپ روحونی

ف fe: عرب الیبسی نینگ ییگیریم
اوچونجی حرفی، اجد حسابیندا
(۸۰).

فائده t.fā'de. [ع] پیدا، نپ، بهره،
آدامینگ مالدان یا علمدان آلیان
نتیجہ سی فوائد جمع.

فائق fā'eq. ا. فا. [ع] (= فایق) آرتیق
گلن، بیر ایشہ اوستملیک؛ فائق
آمدن: ینگمک.

فابریک t.fabrik. [فر] کارخانه
ایشجایی، زاووت، چیک مال لاری

شاد اتمک، الحمد سورهنی اوقیماق.

فاجر fājer: ا. فا. [ع] گناهکار، عاصی

زناکار، اولی گناهکار، فجار و فجره جمع.

فاجعه tfāje'e: [ع] (= فاجعة) اولی

مصیبت، بولماز ایش، باشا دوشن، قاینیلی غملی یاغدا، آغیر بلا، پاجیغا.

فاحش fāheš: ص. [ع] پیس، آچیق،

حددن گچن، چندن چیقان زات، هر بیر اربد یاغدایینگ حددن چیقماغی، حددن آشا بولماغی.

فاحشه fāheše: ص. [ع] مؤنث فاحش،

اربت فاحش، ازید عیال، کونتی عیال، زناکار.

فاخته fātehe: ا. میدان قوشینگ بیر

گورنوشی، خال کپدر، دالیجه کپدر.

فاخته طلایي fāxte-talāyi: آلتین

هوک، هوک.

فاخر fāxer: ا. فا. [ع] فخر ادیجی،

بویسانیج، قووانچ، نازلنمه، هر زادینگ اوزی یالی دان یوقار درجه ده بولان، اؤزونه منگزشدن بلنده،

یوقاردا بولان.

فارس fārs: ا. خ. پارس، ایران دیلی.

فارسی fārsi: ص. ن. پارسه فارسه

باغلی بولان، ایرانلی ایرانینگ دیلی،

ایرانا دگیشلی.

فارغ fāreq: ا. فا. [ع] ایشردن دینان،

آسوده بولان، دینچ، آرام، ایشدن ال چکیب دینچ بولان.

فارغ التحصیل fāreq-ol-tahsil:

ص. مر. اوقونی بیر اوغیرده قوتاریپ سونگلان، فارسچده هم شو معنیده کلیار.

فاروق fāroq: ص. [ع] حقى ناحقى

سایغاریان دؤغری نادؤغری نینگ تفاوتینی ساییلایان، عمر بن خطابینگ لقمی.

فاریاب tfāryāb: سولی، ی، سؤو بیلن

سواریلیان اکرانچلیق.

فاستونی tfāstoni: روس سؤزی،

یونگ یا نخ پارچه دان، کؤیلنج اوندان

گییم جلواری تیکمک اوچین اولانیلیار.

فاسد fāsed: ص. [ع] پورسان،

ایسلان، ضایا، خرابلانا، بوزولان.

- فاسق *tfāseq*. فا. [ع] گناهکار، عاصی، یازىقلى، دۇغرى يولدان داش دوشن، يۇلۇنى آزاشان.
- فاش *fāš*. ص. آشكار، آچىق، آيدىنگ ۲. يايراب ياتان پيترانگ، يايان، جاي اتمك، ۳- مونىنگ اصلى فاش آدى فاعل، كوكى فشو عربچه دير.
- فاشىسم *tfāšism*. [فر] فاشىسم يولىنده بۇلان.
- فاصله *tfāsele*. فا. [ع] مۇنث فاصل، ايكي زادينگ آرا اۇلچگى، ايكي زادينگ بير بيرىندن آرا داشلىنى، آرالىق، آراكسمه.
- فاضل *tfāzel*. فا. [ع] ۱. آرتىقماچلىق، كۇپلوك، ۲. علم كمالده بىلاكىلردان تفاوتلى يۇقار درجده بۇلان، عالم، اوقىپلى، فضل ايهسى، فضيلت و فضلا جمع.
- فاضل آب *tfāzel-āb*. مر. [ع. فا] آقار سووينگ چايدان آرتىقماچ بۇلۇپ داشاره گىديان بىدرک سۇوى حمامدان، دستشويىدان دوكلوب قويا گىديان آرتىق سۇوى
- فاطمه *tfāteme*. ص. [ع] ۱. اوغلىنى سويددن كسن عيال ۲. حضرت رسولنىنگ قىزىنىنگ آدى. فاطمه زهرا (س) (بىبى فاطمه).
- فاطمى *fātemi*: حضرت فاطمه زهرا باغلى بۇلان، حضرت فاطمەنىنگ اولادلارى.
- فاعل *tfā'el*. فا. [ع] عمل اديجى، اديجى، يرينه يتيريجى، ايشى انجام برن آدم، ايش بيترن، ايه.
- فاقد *tfāqed*. فا. [ع] بيترن، بيتيريجى، زادينى و يا بيرىنى الدن بريجى، آرىنى و يا اوغلانلارنى الدن برن عيال.
- فاكتور *tfāktor*. [فر] ساتيلان زادينگ حسابى، صورت حسابى، ساتان زادينگ صورتى، اسپىسكى.
- فال *tfāl*. طالع، فال، بخت، اقبال، اۇنگدن گۇروجى ليك.
- فال *tfāl*. بير زادينگ آز بولهگى، دورت يا باش سانى حوز.
- فاميل *tfāmil*. [فر] ايچرى ماشغالا، دوغان قارىنداش، ايلن چالان، تيره،

طایفه.

فانتزی t.fāntezi. [فر] خیال، قورقی،

هووس، شادلیق، بزگ، آوادانلیق،

آوادان زاتلار، زینتلی زاتلار.

فانتوم t.fāntom. [فر] خیال، خیالی

صورت، قورق‌لی تآرده.

فانوس t.fānus. یونانی سۆزۆندن:

پانار جایی، لامپا یالی چیرا، پانار

چیرا جایی.

فانی fāni: ا.فا. [ع] یالان دنیا،

سۆنگ‌سیز دنیا، همیشه‌لیک

بۆلمادیق دنیا، فانی، باقی بۆلمادیق

دنیا، قایدیلمالی دنیا، گچمه‌لی دنیا.

فئودال fe'odāl: ا.ص. [فر] کوپ

رعیت‌لی تایخان‌لی و کوپ ملک‌لی

آدم و شول رعیت‌ه مسلط و

حکمرانلیق ایدیآن آدم.

فتاح fattāh: ص. [ع] ۱. کوپ آچیجی،

ایش آچیجی، یاردام بریجی ۲.

حاکم، امین.

فتادن fetādan: مص. ل. افتادن،

بیقیلماق.

فتح fath: مص. [ع] آچماق، ینگیش

قازانماق، اۆستون چیقماق.

فتحه t.fathe. [ع] بلگی حرکتی،

حرفینگ اۆستونده قویولیان علامت،

بلگی، زیر.

فترت t.fetrat. [ع] (= فتره)

سستلیق، ایزه غلاق، عجیز، یاراماز.

فتنه fetne: مص. [ع] ۱. سینماق، ۲.

گمراه اتمک، عذاب، محنت، ۳.

ناساغ‌لیق، ۴. آغیز آلالیق، بولاقلیق،

دیوانه‌لیق، پتنه، ایل آراسینا

آغیز آلالیق سالما.

فتنه‌انگیز fetne-angiz: ص. فا. [ع.فا]

بوزغاق‌چی، باش پوزارلیق ایدیآن،

شرچی، آغیز آلاردیان، بوزوقلیغی

توروزیان.

فتوح fotuh: ینگیش‌لر، آچلیشلار.

فتوحات t.fotuhāt. [ع] اوروشده

اوزینه گچریلن شهرلر، اورشوپ آلنان

شهرلر، باسینپ آلنان یرلر.

فتیله t.fetile. [ع] فتیله، پلته نخ

نواردان یا پامیق‌دان نفتی چراغ‌لارا

یاقماق اوچین قویولیان نارسه، فتائل

فتیلات جمع.



انواع

فجار fejār: مص. [ع] زنا ايش اتمک،

فسق و فجور ليق اتمک.

فجار fejār: ا. [ع] گینگ يوللار، ايکى

داغینگ آراسى.

فجر fajr: ا. [ع] دانگ، سحر وقتى،

دانگینگ آغاران وقتى، دانگ آتيب

جهان يايلان وقتى گيجانگ سونگى.

فجور fojur: مص. [ع] ۱. گناه اتمک،

زنا اتمک، يالان آلاماق، حقدان يوز

دوندرمک، حقدان بؤيؤن تاوولاماق،

گناه کار لیک، ۲. فارسجه فسق يعنى

خدایينگ فرمانيندان چيقان معنيد.

فجیع 'fajji: ص. دردلى، عربجه اونگا

فجاج ديب آيدىليار يعنى درد

گتريجى، مصيبت؛ پاچىقالى.

فحاش fahāš: ص. [ع] آغزى پايش،

دلى آوى، آغيزى هافا.

فحشاء 'tfahāš: [ع] اولى گناه، قاتى

تلهکه ايش، زنا.

فخار faxār: مص. [ع] بويسانماق،

قۇوانماق، ايشانماقدا دنگليک اتمک.

- مص. [ع] بولسانماق، قۇوانماق.

فخر faxr: مص. [ع] قۇوانماق،

بويسانماق، ايشانماق، يوز اتمک.

فخيم faxim: ص. [ع] اولى، بييک

اولى ليق، بلند درجه لیک.

فداکار fadākār: ص. مر. فدا اديجى،

مالينى جانينى بيرى نينگ يولينده

فدا اديان. فدا کارى: فدا اتمک لیک،

فدا اديجى لیک، جانپ کش.

فدراسيون tfedrāsiyon: [فر] کوپ

يؤرت لرينگ بيرلشيكى، ناچه

استانينگ بيرلشيكى، ولايات لرينگ

بيرلشمه سى، ناچه بؤلك جماعتينگ

بيرلشمه سى، بدن تربيانينگ

(ورزشينگ) بير گورنيشينى

دولانديران (اداره اديان) قوراما مثلاً:

فوتبال فدراسيونى، گوروش

فدراسيونى.

فدرال federāl: ص. [فر] ايالتينگ

بيرلشگينه دگيشلى بۇلان بيرلشيك،

دولت لرينگ بيرلشگينه باغلى بۇلان.

فديه tfadye: [ع] جان ساتين آلماق

اوچين بريليان مال، اسيرلرينگ آزاد

بۇلماق اوچين بريليان زادى؛ فديات

سالنيت.

فرآورده farāwarde: ا.مذ تاییارلاناتان،

اله گلن اونیم، زراعت اکرانچلیق
اوغیرده اله گلن اونیم.

فرائض farā'z: [ع] جمع فریضه،
فرضلار.

فرات tforāt: [ع] دنگیز، دریا سویجی
دوری سو، عراقده سوریهده بؤلان
شط آدیندا آقار سو.

فراخ farāx: ص. قاتی گینگ اینلی،
یایراب یاتان گینگلیک یر.

فراخ farāx: [ع] جمع فرخ، چویچه
معنیده.

فرار farār: ص. [ع] قاچماق، قاچیش،
قورقیب یورتیب گیتمک، اورکیب
گیتمک.

فزار farrār: ص. [ع] ۱. کوپ
قاچاقچی، باسیم قاچیان آدم،
تیزلیکده چالت قاچما، ۲. شیمی
آدالفاسینده بووغ بؤلۆپ چیقیان زات،
باسیم بووغا اوویریلیان جسم،
چالاسیم بخار بولیان.

فراری دادن farāri dādan: ص. م.
قاچیرماق، اورکیزمک.

فراز tfaraz: ی—وقاری، اوست،
بییکلیک.

فراست ferāsat: ص. [ع] فراسته، ۱.
دوشونجه، فهم، بیر زادینگ داش
گوژنیشینه سر ادیب ایچکی گیزلین
یاغداینه دوشینمک، ۲. دانالیق،
بیلیملیلیک، عقللیلیق، زیرکلیک،
علم فراست: آدملارینگ یوزکشینه و
قیافهسینه و اخلاقینه و یاشایشینه و
ایچکی یاغداینا سر ادیب بیلیان علم.
فراست farāsat: ص. [ع] آط
چایماق و آط تانیماقده اوکده و ماهر
بؤلان، سیس.

فراش ferāš: ص. [ع] یوزغان دوشک
دوشه یان، دوشک یازیان؛ فارسچا:
قاصد و خط یتیرجی معنیده.

فراش tferāš: [ع] قوران لای، پالچیق.
فراغنه farā'ane: [ع] (= فراغنه)، جمع
فرعون، فرعونلار، ستم کارلر.

فراغ farāq: ص. [ع] آسوده بؤلماق
دینماق، ایشی قوتاریپ دینج آماق.
قاب بوشاماغی.

فراغت farāqat: ص. [ع] (= فراغه)

۱. دینچ سیزلیق، طاعت سیزلیق،

صبر سیزلیق، ایرالیق، آلجرانگ لیلیق،

۲. فارسچه دینچلیق، راحت لیلیق،

ایشیدن دینماق لیلیق، آسوده

بۇلماق لیلیق، الچککم.

فراغی farāqi: دین، دینچ بولان،

قۇتاران، بوشان.

فراق ferāq: مص. [ع] بیرک بیرکدن

داشلاشماق، جدا بۇلماق.

فراکسیون tferāksiyon. [فر] بۆلک،

تیکه، دۇویک لیک، بیر عقیده ده بۇلان

توپار، بیر حزینک اعضالری، بیر

حزب ده فرقه ده یاده مجلس ده

بیری-بیری لری بیلن فکر دوش بۇلۇپ

بیرلەشن، بیر توپار، آدم دان عبارت.

فراگرفتن farā gereftan: مص. م. ۱.

آلماق، ایه بۇلماق، اله سالماق، ۲.

اؤورنمک، یاد آلماق، قاباق،

تۇتاشماق.

فراماسونری tferāmāsoneri. [فر]

۱. اول آیراتین بیر دوزگونلی سیرلی

بیر جمیغتی قوراما بۇلۇپ، اول بیر

نیچه یورتلر ده خاصده انگلستان ده

اۇلی تشکیلاتلی بۇلمالی، اۇنۇنگ

اعضاسینا فراماسون دییپ

آدلاندریلیان اکن. مرامی بولسا

یعنی اۇنۇنگ یول یورداسی

آدمکارچییلیگینگ و اونگات

اخلاقلی لیغینگ و کوپچیلیگینگ

اوی فکرینی اوسدیرمگینگ و مذهبی

قارشى لیقلاری آییرماغینگ

طرفداری اکن، ۲. فارسچه اونگا

فراموشخانه یعنی اونیتجانگ لیلیق

اوی دییپ آدلاندریلیار.

فراموش tfarāmuš. ص. یاددان

چیقمه، اونوتمه.

فراموشکار farāmuš-kār:

اونیتجانگ لیلیق، یاددان چیقاراقان.

فراموش کردن tfarāmuš kardan:

اونوتماق، یاددان چیقارماق.

فراوان farāwan: ص. قاتی کوپ، کان،

زیاد، آرتیق، بۇل. فراوانی:

بۇلجۇلقلیق، کۆپلک، زیاده لیلیق،

کان لیک.

فراهم farāham: ص. بیر یره

یغینانیلان، تاییار، حاضر اتمه،

اوپچین، بیر یریک اویشرلن.

فراهم کردن farāham kardan:

مص.ل. جمله مک، تاییارلاماق، اله

کتیرمک، تایینلاماق.

فربه farbeh: ص. (= فربی) اتلی،

سمیز، اتلی قانلی.

فربه کردن farbeh kardan: مص.م.

سمریتمک، باغا داقماق.

فرتوت fartut: ص. (= فرتود) قاتی

قارری، یاشی گیدن، یاشی اولی،

ایشدن قالان.

فرتوتی fartuti: قارری لیق، ایشدن

قالماق لیق.

فرج tfaraj: [ع] ایش آچیلماغی،

گینگلمه کی.

فرج tfarj: [ع] دشیگ، اوویق، آدمینگ

یوقا یری، عورت یری، فروج جمع.

فرجاد farjād: ص. فاضل، دانشمند،

بیلیم لی، فراستلی.

فرجام tfarjām: ۱. انجام، عاقبتی،

ایش سونگی، فرجام خواستن. ۲.

دادگستری اصطلاحینده یعنی

آدالفا سینه یانگادان دعوانگا

یتیشیکلیک ادیلمه گینی طلب اتمک،

یانگادان دعوا توتماق.

فرجه forje: ۱. [ع] یاریق، دیلیک،

آچیق لیق، فرج جمع.

فرجه tforje: [ع] (= فرجه) قاینی

غمندن چیقماق، شادلیق قاینی

توقات لیقدا چیقاندان یوزه چیقیار.

فرجه ferçe: ۱. فرجه، غیلدان

چوتگه جیک، ساققال سیریلجاق

بولیناندن اونگ صابون کوفیریدیپ

یوزه اوریلیان چوتگه.

فرح انگیز farah-angiz: ص. [فاع]

شادلیق کتیریجی، خوشلیق

کتیریجی، شادلیقا سبب بولان،

بولیان.

فرخار farxār: ۱. بتخانه، تبتده

بتخانالیقدا شهرت تاپان شهر.

فرخان farxān: ص. ن. شاد، شادمان،

بگنج.

فرخ لقا farox-leqā: ص. مر. (فاع).

گورنیکی، آوادان، گوزل.

فرخنده farxonde: ص. برکتلی،

قوتلی، مبارک.



- فرد fard: ص. [ع] ۱. يکە، تاک،
تای سیز، يکە تاک، اوزياشداق، ۲. ادب
آدالغاسينده معنى سى بير بيت شعر.
فردا tfardā. ارتير، اول بير گون، بوگون
دال ارتيرى.
فردوس tferdos. باغ، بستان بهشت،
جنت، عربيچه هم فردوس ديييليار.
فردوس مکان ferdos-makān:
ص. مر. جنت مکان، جايى بهشته
بۇلان.
فرز farz: ص. ييلدام، چالت، تيز
قوييان. فرزى : ييلدام ليق، چالت ليق.
فرزام farzām: ص. گلشيب دوران،
ياراشيقلى، گلشيكلى، لايق، مناسب.
فرزان farzan: ص. حکيم، دانسا،
بيليملى، پراستلى.
فرزانه farzane: ص. حکيم، عالم،
دانشمند، فراستلى، بيليملى، دانا،
عقللى، شريف، تويس حلال زادا.
فرزند tfarzand: انه آتانگ اوغۇل
قيزى، چاغا، ذريات، فرزند، نسل.
فرسايش tfarsāeš: ص. كونلمک،
چويريمک، سورولمک.
- فرسايدن farsāiidan: ص. م.
كونلمک، چويريمک،
سورديرلمک.
فرستادن ferestādan: ص. م. روانه
اتمک، ايبرمک، يوللاماق، يولا
سالماق.
فرسنگ tfarsag. آلتى كيلومتريدن
عبارت بۇلان اوزينليق و اۇزاق ليق
اؤلچەگى، بير آغاچ، پارساخ.
فرسوده farsude: وراق، كۇنه ايشدن
قالان، ايشدن چيقان. فرسوده شدن:
پوسلاماق، كونلمک، چويريمک.
فرش farš: ص. [ع] دوشک، کچه،
حالى، حالچه، پلاس يالى دوشليان
زاتلاردان عبارت.
فرشته tferešte. فرشته، پريشته،
خدای تعالى نينگ نوردان يارادان
مخلوقى، اولار آسماندا ياشايارلان،
قاتى سيرات ليقد، قاوى ليقد،
گورنيکلى ليکده، يۇقارى درجه ده
بۇلمالى، عربيچه اونگا ملک دييپ
آيديليار.
فرصت forsāt: [ع] ايشر اتماگه

مناسیب وقت، ایشه یاراشیق لی مای،
پرصات، نوبت، آمات، آسوده لیق
وقتی، گزک گلن چاق، پۇرجا.

فرض farz: مصص. [ع] واجب و لازم
بۇلان زات، خدای تمالی نینگ
بنده سینه فرض ادن زادی، انسانینگ
اوزینه گرکلی بۇلان زادی، فرض
کردن: گمان اتمک، فرض اتمک.

فرض farz: [ع] جمع فرضه فرض لار.
فرط fart: مصص. [ع] اووله مک، غالب
بۇلماق، مسلط بۇلماق، حد و اندازه دن
زیاد بۇلماق حددن آشا بۇلماق، چن
چاقدان آرتیق لیق، قاتی گیتمک لیک،
هر زاتده قاتی کوپ و زیاد گیتمک،
کوپ لیک، چندن آشالیق.

فرعون fer'on: ا. [ع] ۱. اوز باشینه
گیدن قولدور ظالیم، باشینه گیدن
گویچلی، بویونی یوغین منلیک لی،
۲. مصرینگ قدیم پادشاه لرینگ
لقمی، فراغه جمع.

فرغان t.farqān: [ع] گینگ قاب، اولی
قاب.

فرفر fer-fer: ا. چالت اوقیپ چالت

یازماق، ایشی قیسساق بیلن اتمک.

فرفیون t.farfiun: آوی ترنک.

فرق farq: مصص. [ع] آییрмаق، آیرالیق،
تفاوت.

فرق دادن farq dādan: مصص. ل. بیر
بیریندن جدا بۇلماق آییрмаق، تفاوتلی
بۇلماق.

فرق farq: ا. [ع] کله آراسی، ساچینگ
اورتا آراسینینگ خطی.

فرقان farqān: مصص. [ع] آییрмаق، بیر
بیریندن جدا اتمک، حقى ناحق دان
یعنی باطلدن سایلایان، حقى و
باطلی سایفاریان، بیر بیریندن
سلجریان، قرآن.

فرقت t.forqat: مصص. [ع] آیرالیق،
جدالیق، داشلیق.

فرقه ferqe: توپار، دسته، طایفا، تیره.
فرم t.faram: قایغی، غم، یورک
دارلیقى، توقات لیق، یورک قیساما.

فرم form: شکل، فوروم، دۆرموش،
گۆرنوش، داش گۆرنوش، اندام، بوی.

فرمان t.farmān: ا. امر، حکم، یارلیق،
بویروق، اولی آدم طرافدان یازیلیب



بریلیان بویروق، پرمان، عربچه فرمان
دیییلیار، ۲. فارسجه ماشینینگ
رولینه قابرکنده فرمان دیییلیار.

فرمانبر farmān-bar: بویروغا بۇیون
انگیان، مطیع آدم.

فرماندار farmān-dār: ص. حکم
ادیجی، شهرینگ حکمرانی، حاکمی،
شهرستانینگ ایشلرینی اداره ایدیان
آدم، استاندارینگ قول آستینده بۇلان
آدم، شهر حاکمی.

فرمانده farmān-de: ص. فا. فرمان
بریان آدم، سربازلارا فرمان بریان،
سرکرده، بویروق بریان آدم، قشون
باشلیغی.

فرمانده هزار سرباز
farmāndeh-e-hezār-sarbāz:

مونگ باشی.

فرمول formul: [فر] ۱. قاعده،
دوزگون، اسلوب، گۆرکزمه، شیمی
آدالغاسینده بلگیلری قیسغالتما ،
یوغلوران چیگ مالی شیمی
اصولینده گۆرکزیلمک اوچین
ایشلنیار.

فرناس farnās: ص. غافل، نادان،
سامسیق، توتغایلی.

فرناس farnās: ص. [ع] قاتی باتیر،
قورقمازاق، یولبارس سیس و
تایخانلارینگ باشلیغی.

فرندل farandal: ۱. گلین گلی.

فرنگ farang: ۱. افرنگ، اروپا خاصده
فرانسه فرنگستان هم دیییلیار،
اصلینده فرانگ سۆزوندن آلینان ژرمن
نژادیندن بۇلان قوم، فرنگان جمع.

فرو بردن foru-bordan: مص. ل. ۱.
اتهگه ایندرمک، چومدورمک، آشاغه
گتیرمک، ۲. ییویتماق.

فروتن foru-tan: ص. مر. پس پاللیک،
اوزونی کیچی توتیان، منلیک سیز،
کیچی گۆوینلی.

فروختن foruxtan: مص. م. بیرینه
بیر زادی ساتیب بهاسینی آلماق،
ساتماق پولی بیلن، بیرینه بیر زادی
تابشیرماق.

فروختن foruxtan: مص. ل.
افروختن، یاقماق، اود برمک،
توتاشدیرماق.

فرود forud: آشاق، آست، اتک، یوقار
دال. فرود آوردن: آشاق دوشورمک،
اته‌گه ایندرمک.

فرودگاه forudgāh: مر. قونالغا،
اوچیانینگ قونیب و اوچیان یری.
اینالگه، قونالغا و بیله‌کی قوریلان
دستگاه‌لاری بیلن.

فرودین farwadin: ا. مخفف
فروردین، فروردینی ینگلدیپ آیینمه.
فروردین farwardin: خورشیدی
بیل حسابینینگ بیرینجی آیی.

فرورفتن foru-raftan: مص. ل. باش
آشاق گیتمک، چومماک، باش آشاق
اینمک.

فروزان foruzān: ص. فسا. پارلاق،
یاغتی، یالدیراق، یاغتی بریجی،
یاغتی لیک، یانیب دوران،
یاغتی لاندیریپ دوران.

فروزان‌فر foruzān-far:
ص. مر. پارلاق لیک، یالدیراق لیک.

فروزیدن foruzidan: مص. م.
یاقاماق، و (مص. ل) یانماق،
یالدیراماق.

فروشگاه foru-šgāh: مر. زات
ساتیلیان یر، ماتا ساتیلیان یر، دکان،
مغازه.

فروغ foruq: یاغتی لیک، نور، گونونگ
و اودونگ شعله‌سی، (شعله‌سی)
اودونگ یالینی، یاغتی سی.

فروکش forukeš: ص. فا. قایتغین لیک،
اته‌گه اینینجی، اته‌گه اینمه، آشاق
دوشیجی، کوشیمه.

فروماندن foru-māndan: مص. ل.
بیچاره بولماق، ذلیل بولماق، آشاق
دوشمک، عجیز دوشمک، پسلمک.

فرومایه forumāie: ص. ناکس، پس،
گۆریپ، نادان، عقل‌سیز، یوغسول،
تنتک، هنارسیز، یارامان، ذلیل، عجیز.

فرونشستن foru-nešastan: مص. ل.
آشاق اؤتورماق، سسوندیرمک،
قایتغین لیک، قاتلیق و بیر زادینگ
قیزغین لینی.

فرهمند farah-mand: ص. ۱. شان‌لی،
شوکت‌لی، دانا، پایخاسلی، عقل‌لی
۲. فره‌مند هم دیییلیپ دیر.

فرهنگ farhang: ادب ارکان بیلیم،

يالانچى.

فزون *fozun*: ص. كوپ كان، زياد،

كانسراك، آرتىق، فزونى، افزونى،

كوپلوك، كانلىك، آرتىقلىق.

فساد *fesād*: مص. [ع] ۱. ضايه

لانماق، پورسىماق، ايسلنمك، آرادن

گيتمك، خرابلىق، يوق بولماق، ۲.

زيان، ضرر، ياراماز ايش اتمه، شرايش

اتمه، بوزغون چىلىق باش پوزارلىق.

فسانه *fasāne*: حكات، ارتهكى، باى،

دسسان.

فستيوال *festiwāl*: [فر] شاغلانگ،

اولى ميهمانچىلىق، اولى جشن،

ايدىم سازلى هنارلى بايرامچىلىق.

فسفر *fosfor*: [فر] شىمىيائى چىگ

مال اول اهلى وتلاردا، حيوانلاردا و

حيوانلارنىڭ سونگك لرينده بولمالى،

رنكى آچىق سارى اۈنۈنگ خالصى

اليئتى طبيغته بولمالى دال،

قرانگقى ده يىلدىريار، هواده لاولاپ

يانانسونگ (اود بولۇپ يانان سانگ)

اونى سۇودا ساقلانيار.

فسق *fasq*: مص. [ع] خداى

معرفت، علم اوقىماق، تربيت، مدنيت،

بىر قوم و ملتىنگ علمى و ادبى

اثرلرى ۲. سۆزلىگه ده آيدىلىب دىر،

فرهنگ.

فرياد *faryād*: ۱. سس، قىقىلىق، قاتى

سس، گويچلى سس، پىرياد،

قالماغال.

فريادرسى *faryād-rās*: ص.

بىرىنىڭ قىقىلىغىنا يتيان، دادينا

يتيشيان، عجىزىنگ دادينه يتيشيان،

كمگه يتيان.

فريب *farib*: آلدانمه، حيله،

آلداوويچ، مكىرلىك، يالان.

فريب *faribā*: ص. ۱. آلداجى، آلدايان،

آوادان، گوزل ۲. آلدانان معنیده هم

آيدىلىب دىر.

فريب خوردگى *farib-xordegi*:

مص. ل. آلدانماقلىق.

فريب خوردن *farib-xordan*:

مص. ل. آلدانماق.

فريب دادن *farib-dādan*: مص. ل.

آلداماق، پريب برمك.

فريب كار *farib-kār*: ص. مر آلداوويچ،

تعالی نینگ بویروغیندن چیقماق،
تله که بولغی سیز ایشلره یوز اورماق.
فسیل t.fosil. [فر] آونیق داش، یر
تانیما آدالغاسینده قدیمقی جانلی
موجوداتلار، یر تاپیلیان،
حیوانلارینگ سونگکی، دیش، صدف
وداشا اوویریلن زاتلار.

فشار fešār: ۱. زور و آغیرلیق،
بیری نینگ اوستونه اینمه گی، قیناما،
زورلاما.

فشار خون t.fešār-xun. مر. قانینگ
آقیمی نینگ گویچی، اگرده دامارلاردا
قان گوجیرگه سه یعنی حددن گچسه
قان کسلینی دؤردیار.

فشار دادن fešār-dadan: ایتکله مه،
قیسماق، باسماق، قیناما.

فشردن fešordan: مص. سیقماق،
قیسماق، بیر زادینگ سیقیپ
سووینی آماق.

فشرده fešorde: ینجام، ینغناقلی،
اوستی اوستینه، ینان.

فشنگ fešang: فشنگ، ایچی
داری لی گولله.

فصاحت fesāht: مص. [ع] (=)
فصاحة) دیلی ینگیل، دیله وارلیق،
کپه چیرلیک، سخن ورلیک.

فصل fasl: مص. [ع] بۆلمک، آراسینی
آییرماق، آراسینی آچماق، کسمک،
چاپماق.

فصل t.fasl. [ع] ایکی زادینگ آراسی،
کتابینگ اوزباشداق بوله گی،
تیکه سی، ییلینگ دورتن بیر
بوله گی، یاز تومیس، گویز، قیش بولوم.

فصیح fasih: مص. [ع] دیله وار، کپه
چیر، سخنور.

فصیل t.fasil. [ع] کوله دفار، دفارینگ
ایچی، شهرینگ ایچی.

فضائل t.fazā'1: [ع] ۱. فضایل،
تفاوتلی لیق، آرتیقماچلیق، ۲. علم ده
معرفت ده یوقار درجه ده لیک، جمع
فضیلت.

فضاحت t.fazāhat. مص. (= فضاحة)
ارسوالیق، اوتانچ سیزلیق.

فضل t.fazl. [ع] ۱. جومارتلیق،
خیرات، تفاوتلی لیق، کۆپلوک،
یاغشی لیق، ۲. علم بیلیم، خدای



ن



ن

- تعالی نینگ صفت لاری نینگ بیرى. فطره fetre: [ع] (= فطرة) زکات فطر، اندامینگ زکاتی، عید فطرده بریلیان فطره.
- فضول fozul: [ع] ۱. جمع فضل، فضل لر، ۲. آرتیقماچ لیق معنیده و آرتیب قالان حاجتینگدان زیاد اندامدان چیقیان زات، ۳. بولغى سیز گپله یان بیدرک یانگرایان آدم، گپچی، فضولات جمع.
- فضولی fozuli: ص. [ع] بیدرک پوچ ایش اتمک، بیهوده غیرى لرینگ ایشینه قاتیشماق، کپ گزديرمکلیک، کپچی لیک، فضول چیلیق، شوغول چیلیق، شوغول لیق.
- فضیح fazih: ص. [ع] رسوا، آبرای سیز. فضیحت fozul: [ع] مسخره چیلیق، ارسوالیق، اوتانچ سیزلیق، آدی یامانلیق، بدنام لیق فضائح جمع.
- فطر fetr: مص. [ع] آغیز آچماق، آرازا آی قوتاریپ آغیز آچماق، عید فطر، رمضان آی تمام بولانده توتولیان عید.
- فطر fetr: [ع] کومه لک، بیرلیگی فطرة. فطرت fetrat: [ع] طبیعت، بولوش انسانینگ طبیعی صفتی، یارادیلیش.
- فطره fetre: [ع] (= فطرة) زکات فطر، اندامینگ زکاتی، عید فطرده بریلیان فطره.
- فعال fe'āl: [ع] جمع فعل، فعل لر، ایشلر، کارلر، حرکت لر.
- فعال fa'āl: ص. [ع] ایشی قایدوسیز ایشلیان، ارجل، ایشنگگیر، زحمتکش، کوب زحمت چکیان تلاشلی.
- فعال tfa'āl: [ع] اونگات ایش، ثواب ایش، خیر ایش.
- فعل tfa'l: [ع] ایش عمل، یوزلگه یوزوش، قاعده، دوزگون غیمیلدی.
- فعلاً fe'lā: شوندى، ایندى، حاضرچاک، حاضرلیکچه.
- فغان tfeqān: انگشاشیک، آغی، اینگرامه، آه، ناله.
- فقدان feqdān: مص. [ع] یتیرمک، الدن برمک، یتگی، یتیرمک، یتیمک، گم بولماق، یوقلوق، آرادان چیقماق لیق.
- فقر tfaqr: مص. [ع] قزل دارلیق، یوغسول لیق، درویش لیک.
- فقط faqat: ق. [ع] دینگه، یالنگیز، یکه،

یقط.

فلات tfalāt [ع] چول، بیابان، دوز،

صحرا، اوت سیز سوسیز چول فلات

جمع.

فلاح falāh: [ع] ۱. آزادلیق، دینچلیق،

ینگیشرلیک، اوستونلیک، ۲. یاغشی

حال، یاغشی یاغدا.

فلاح fallāh: ص. [ع] اکرانچی دایخان،

تایخان، اکینجی.

فلاحت tfalāhat: مص. [ع] (= فلاحه)

دایخانچیلیق، تایخانچیلیق،

اکرانچیلیق.

فلاسفه falāsefe: [ع] جمع فیلسوف.

فلاکت falākat: ۱. بیچاره‌لیک،

بدبختلیق، حورلیق، عجیزلیک،

قولی دارلیق، یارامازلیق، شوملیق.

فلان ۱. [ع] بللی سیز آدم، بللی سیز

آدما اشاره، فلان.

فلج falj: ۱. آغاچ قاپی نینگ قولپی،

قافی سیرتی نینگ زنجیری، فلجم

هم دیلیلپ دیر.

فلج falaj: مص. [ع] درد بلا دچار

بؤلماق، ال ایاق یا اندامینگ بیر طرفی

ایشدن دوشمک، ال آیاغی ایسغیندن

فقید faqid: ص. [ع] یتن، الدن گیدن،

یوغلان، وفات بؤلان آرادان چیقان،

دنیادن قایدان.

فقیر faqir: ص. [ع] الی دار، قولی دار،

مأتاج، یوغسول درویش، فقراء جمع.

فقیرانه faqhrāne: ق. ص. [ع]

درویشلر یالی، فقیرلر یالی،

یوغسوللر یالی.

فقیه faqeh: ص. [ع] دانا، دانشمند،

عالیم، بیلیملی، فراستلی فقه

علمینده یوقار درجه ده بؤلان، دین

یوللارین دوشوندیریان روحانی

بؤلان، فقها جمع.

فک tfak: [فر] دنگیز دؤنگوزی، دریا

آرسلانی.

فک fak: [ع] انگک، آرواره.

فکر tfekr: [ع] اووی، پکیر، کوی.

فکر کردن fekr-kardan: اویلانماق،

کویلانمک.

فکور fakur: ص. اویلانشیقلی فکرلی

بو لغت فارسجه پیدالانیلیار عربجه

فکیر دیییلیار.

دوشمک، ایسماز بؤلماق.

فلز tfelz. [ع] دمیر.

فلس tfels. [ع] قراپول، سگه، کفر

چاپاغینگ تنگه سی.

فلسفه tfalsafe. [ع] (= فلسفه)

حکمت علمی مسائل لره اویلانश्ماق،

علمینگ عمله گلشینه دوره دیلشینه

و حقیقتنه و باشلانغیچ زادینه بحث

ادیلمه.

فلفل tfel-fel. بورچ.

فلفل فرنگی felfel farangi. ۱. گۆک

بورچ.

فلق falaq. مص. [ع] اویماق، یارماق

دیلیک، یرینگ یاریغی.

فلق tfalq. [ع] ۱. دانگ آغاران وقتی،

دانگ وقتی، داغینگ یاریغی آرالیغی،

غایا ۲. همه خلقلار، اهلی آدملار.

فلک tfalak. ۱. فلکه، اورتاسینا یوپ

دانگیلان آغاچ، گناهکأرینگ آیاغینی

اونگا باغلای شاللاق اوریلیار، ۲.

عربچه فلک دیییلیار آیاقدان فالاق

آسما.

فلک tfolk. [ع] سفینه، گأمی، ناو،

کشتی.

فلک tfalak. [ع] آسمان، چرخ،

فلک، ییلدیزلرینگ گزیان اوغری،

اهلی ییلدیزلاری، آق مایانینگ

سویدینی (کهکشانلاری) اوز ایچینه

آلیان عالمینگ بوتین قوریلشی،

افلاک جمع.

فلکه falake: چاتریق تآرده تگه لک

میدان، فلکه.

فلکی falaki: ص. ن. فلکه باغلی

بۆلان عالم، ییلدیز تانیجی منجم.

فلورن tfeloren. [فر] هلندینگ پولی

و بیر نیچه اروپا یورتلرده دورلی

نرخلاری بار بؤلمالی.

فن tfan. [ع] یاغدا، دؤرمؤش، هیل،

هنر، افنان، و فنون جمع.

فناء fanā: مص. [ع] یوغالماق آرادان

گیتمک، یوقلیق، نابودلیق، باقی لیق

دال.

فنان fanān: ص. [ع] ۱. هنر ایه سی،

هنرمند، ۲. گورخر دیپ-ده آیدیلیب

دیر.

فنجان fenjān: ۱. جای ایچیلیان

فوت tfoot: [انگ] آياق، بوى

اۆلچىگىنىڭ بىر ليگى اول ۳۰/۴۸

سانتىمىتىر بىلن بىر بىر يا ۱۲ اينچ، ۵۰

فوت (۵۰ آياق) تخمينا مىزنده ۱۵

ذرى بوليار.

فوتبال tfutbāl: انگ توپ اوينى، آياق

بىلن اويناليان اويون، ايكي دسته اون

بىر آدم بۆلۈپ اويناليان توپ اوينى،

فوتبال.

فوج fow: مىص. [ع] جماعت، بولگ،

هنگ، كۆچچوليك، تويار، افواج جمع.

فوران fawarān: مىص. [ع] قايناماق،

جوشماق، چشمه دن يا لوله دن سۇو

ضاريلى جوشيب چيقماق، پوركمك،

سۇو چوديرش، سۇو چوودوريم.

فوريه tfewriye: [فر] فرنگى

يىلى نىنگ ايكىنجى آيى.

فوزالكلام fuz-ol-kalām: قرآن.

فوق fawq: ۱. [ع] بلنده قالماق، بلنده

قالماق، آشق دال ۲. فلسفه

آدالغاسيندا آنگرى باش كمالا يتن.

فوق fawq: مىص. [ع] يۇقارى، اۆست،

يۇقارى قالماق، يۇقار سايماق، علمده

كاسه، كيچى كاسه، استكانىنگ بىر

كۆرنوشى.

فندق tfandoq: يىندق.

فندق fondoq: مهمانخانه،

كرون سرائى.

فندق tfandak: چاقماقلى داش،

اونونگ بىلن اود ياقىليار.

فنون fonun: [ع] ۱. جمع فن، فنلر،

هينارلر، ۲. فارسى ده صنعت و هنار

دييپ ده آيدىليار.

فوائد fawā'ed: [ع] پيدالار، نپلار،

بافيتلر، گيرده جىلر.

فواره fawāre: مىص. [ع] مۇنث فوار،

جوشيجى، پوزكمه، چشمه دن

جوشيب چوديرليپ چيقان سو، سۇو

چوودوريم.

فواصل fawāsel: [ع] جمع فاصله،

آراچاك، ايكي زادينگ آرا اۆلچكى،

اۇزاقلىنى.

فوت fut: مىص. [ع] اولمك، آرادان

چيقماق، يوغالماق، يىزق بۆلماق،

مرحوم بۆلماق.

فوت tfut: اوفله مه، چوفله مه.

آیدیلان عربچادا اولانیلمایار.

فوق العاده fawq-ol-'āde: [ع]

عادتدن داشاری، اوران گنگ، حصدن
آشامه اویتگه شیک فارسمه، یشگارلره

آیلیقدان آیری بریلیان پول.

فوقانی fawqāni: ص. ن. یوقارقى،

اوستكى، دفةكى.

فولاد fulād: ا. پولاد.

فولکلور folkelor: ا. [فر]

کویچیلیگی تانیمما، ایل آراسیندا
کونه دن قالان گینگ ادبیات، و داب
دستورلار، اول حککاتلاری،
ارته کی لری، عامیانه آیدیملاری، اوز
ایچینه آیار، و همده بای و لاله
هوودی لردن عبارت.

فونتیک fonotik: ص. [فر] سسرلی،

آهنگلی، سسینگ علمی تاییدان
یوغوریلماسی، سسرلرینگ اویلانیپ
بحث بولیان جای.

فونوگرافی fonogerāfi: ا. [فر]

سسلی یازماق، اصولی، سس
آلماغینگ یولی.

فهد tfahad: [ع] پلنگ، ییرتیجی

حیوان، فهود و فهد جمع.

فهرست fəhrest: کتابینگ اولینده یا

آخیریندا کتابینگ مضمونینی بیان
اتمک اوچین آرتدیریلیان ورقلار،
کاغذلار.

فهم fahm: مص. [ع] ۱. بیلیمک،

دوشینمک، آنگماق، دوشونجه، آنک
بیلیم و سلجریش ۲. علم و دانش و
هر بیر زادینگ دوشونجه لیک
کویچی، افهام جمع.

فهماندن fahmandan: مص. م. بیر

زادی سوز و یا ام بیلن اشاره بیلن
دوشوندیرمک، سوز و
دوشوندیریش لیک بیلن آیدپ
بیلدیرمک، آنکلاتماق، کله سینه
قویماق، آنکدارماق.

فهمیدن fahmidan: مص. ل. [فاع]

دوشینمک، درک اتمک ایزینا یتمک،
آنگماق، سلجرمک، آنکشارماق.

فیاض fayyāz: ص. [ع] ۱. آقار سوو و

دولی چشمه ۲. اوران سخی آدم،
جومارد آدم معنیده.

فی الحال fel-hāl: ق. [ع] دررو، شول

دمده، چالت.

فی الفور fel-fawr: ق. [ع] فوری،

درو، شول دمد.

فی المجلس fel-majles: ق. [ع] شول

جايدا، شول یرده.

فیزیوتراپی fiziyoterapi: ا. [فر]

فیزیکی طبیبچیلیک، طبیبچیلیک

اتمک فیزیکی یولی، نور، ایسسیلیق

ورزش بیلن.

فیزیولوژی fizioloji: ا. [فر]

جانلی لارا، جاندارلارا علم تایدان

بولان وظیفه لر، جاندارلارینگ

اندامی نینگ بیر-بیرینه باغلی لیقی

باردا بحث ادیان علم.

فیروز firuz: ص. یئنگیش.

اوستون لیک، آرزو وینا یتن.

فیصل tfaysal: ص. [ع] حاکم، قاضی.

حق بیله باطلی سلجریب جدا ادیان.

حق بیله باطلی آیری ادیان حکم.

فیل fil: (= پیل) ا. پیل، قاتی اولی

حیوان.

فیلسوف filsuf: ا. ص. [فر] یونانی

چشمه دن، حکمتینگ دوستلاری،

حکیم، عالم، دانا، فلسفه بیلن

قیزیقلانیانلار، عربجا فیلسوف

دییلیار.

فیلم film: [فر] صورت آماغا یورته

بۆلن نوار، مخصوص بۆلن نوار،

عکس آماغا تاییارلاناتان نوار.

فیئال tfināl: ص. [فر] سونگی، آخری،

یاریشینگ سونگی، ورزش یاریشینگ

اینگ سونگی.





ق qe: عرب اليب بى نينگ يگريم
دوردينجى حرفى ابجد حساييندا
(۱۰۰).

قائد qā'ed: ا.فا. [ع] سردار، باشليق،
اوردانگ باشليغى، قواد و قاده جمع.
قائل qā'el: ا.فا. [ع] گوینده، آيديجى،
گورله يجى، بيان اديجى، سۆزله يجى.
قائم tqā'em: فا. [ع] آياق اوسته دوران،
برک، مأكام، دورنوقلى، برقرار. قائم
آل محمد: اون ايکينجى امامينگ
لقمى، امام زمان، صاحب الزمان.

قائم مقام tqā'em-maqām
ص.مر.اورين باسار، بيرى نينگ يرينه
اوتورپ اۇنۇنگ ايشينى يرينه
يتيريان، اۋرون توتيان.

قاب tqāb: ترک سۆزى، تاباق.
قاب tqāb: [ع] مقدار، اۆلچک، چن،
چاق.

قابض tqā'ez: فا. [ع] توتوجى،
يومروغا ساليجى، دارالديجى، قهر
بيله چکيجى.

قابل tqābel: فا. [ع] حالايجى،

یاراشیقلى، قبول اديجى تجربهلى،
گلشیکلى، لایق بیر ایشی یا
دورمیشى حالاب قبول ادن، حالانان،
اینانیلان، حالانیجی.

قابلمه qāblame: میسگه.

قابلیت tqābelyat: مـص. [ع]

یاراشیقلىلیق، لایقلىق، تاییارلیق
جرات، بیر ایشی و دورمیشى حالاب
تاییار اتماکلیگه یاراشیقلى بۇلماق.

قابوس qābus: ا.ص. [ع] یاغشی
آودان آدم، گورنیکی آدم.

قاییدن qāpidan: قابساماق، قاقپ
آلماق، قاپماق.

قاتل tqātel: ا.فا. [ع] اولدریجی، آدم
اولدریجی، قانخور، قتله جمع.

قاجار tqājār: [ت] قاتی گیدیجی
چالت گیدیجی، ترکمن طایفاسی،

بیرینجی شاه عباسینگ زمانینده
اولارینگ بیر بولگی آسترآباددا
مسکن توتیارلار، قاجار پادشاهلری
بۇلسا، شوی طایفادن اکنلر.

قاجاق qāčāq: ا. [ت] ماخود از ترکی

دولتینگ اختیارینده بۇلان آلیش
بریش اتمهگی قاداغان ادیلن زادلاری
ساتماق، قاداغان بۇلان زاتلار، قدغن
ادیلن زاتلاری داشاری یۇرتدان
کتیریپ ساتماق.

قاجاقچی qāčāq-či: ا.ص. [ت]

قاجاق زادلاری آلیپ ساتیان.

قارچ tqārč: کومهک.

قارعة qāre'et: ا.فا. [ع] مۇنث قارع،

۱. یۇلۇنگ آنگری باش بولهگی،

قیامت. ۲. بلا و زمانینگ واقاسی،

قویغونی.

قاری qāri: ا.فا. [ع] اوقیجی، قرآن

اوقییان، قرآنی یاددان بیلیان آدم،

قاری.

قاسم qāsem: ا.فا. [ع] پایلايیجی،

بولیجی، قسمت ادیجی.

قاش tqāš: ماخود از ترکی، ترک

سۆزۆنن ایه رینگ قاشی، قاوی نینگ

دیلمی.

قاشق qāšoq: ا. ترک سۆزۆندن، قلام،

چمچه.

قاصد t.qāsed: فا. [ع] بیر ایشه قصد

ادیجی، ساوچی، چاپار، سارغیت
اکدیجی، خط قاتنادیجی، خبرچی.

قاصدک t.qāsedak: توزغا باباتلیک،

شیردیش، شگرک.

قاصر t.qāser: فا. [ع] ۱. قایرا

چکلیجی، قایرا دوریجی، ۲. قیسغا،
یتمزلیک، کلتلیک.

قاضی t.qāzi: فا. [ع] حکم ادیجی

شریعت حکم بریجی.

قاضی الحاجات qāzi-ol-hājāt:

حاجت لاری بتریجی، خدای
تعالی نینگ صفت لارنینگ بیرى.

قاطر qāter: ۱. ترکی سۆزوندن: قاطر،

اشکدن اولی آطدان کیچی.

قاطع t.qāte: فا. [ع] کسیجی،

چاپیجی، اوزیل - کسیل، کسگیت.

قاعدہ t.qā'ede: فا. [ع] مؤنث قاعد،

اساس، پایه، دویپ، قانون دوزگون
قادا، قواعد جمع.

قاف qāf: ۱. سیمرغینگ باشیندا

هوویرتگه لاپ حکات لاردا گلیان

داغی نینگ آدی بیر نیچه لر اونی

قفقاز سۆزنی ینگلیدیپ و بیر

نیچه سی پهلوی سۆزی بیلن باغلی

بیلیپ یا داغ بیلە کۆکونی بیر

معنی ده بیللارلر.

قافله t.qāfele: فا. [ع] قافله مؤنث

قافل، کروان، بیر بۆلک آدم بۆلۆپ
سفره گیدیپ اوریلمه، توپار.

قافیه t.qāfie: [ع] ریفما بۇیۇن سیرتی،

ینگسه، هر زادینگ آخری و ایزیندان

گیدیجی و قوشغی نینگ بیتى نینگ

آخرقى سۆزلرى نینگ سازلاشیپ

گلمگی، ریفما، مثلاً: آغاز و آواز یاده

آلدى گلدى دیین یالى.

قال qāl: مص. آیتماق، سۆز آیتماق.

گوررونک اتمک، کپله شیک،

سۆزله شیک، آیدیشیق.

قالب t.qāleb: [ع] قالیب آلما، اولچک

قابى، قالیب.

قالی t.qāli: هالى.

قالی باف qāli-bāf: هالى دوқијى،

هالى دوқима بيله قیزیقلانیان.

قالیچه tqāliče. حالچه.

قامت tqāmat. [ع] بوی، اندام،

اوزینلیق، آدملاری اذانندن سؤنگ

نمازه گلینگ دییپ چاغیرماسی اذان

چاقیلیغی، قامات جمع.

قاموس tqāmus. [ع] دریا، دریانینگ

اورتاسی، دریا آراسی، اولی دریا،

چونگگیر دنگیزینگ اینگ ترینگ

یری ۲. عربی لغت کتابی، عموماً

سؤزلیک. قوامیس جمع.

قانع tqāne. فا. [ع] قناعت ادیجی

قسمتینه و یتنینه راضی بۇلان

طماسی آز بۇلان، پایینه قسمتینه

راضی آدم، قاناعتلی، اینانان

قانون tqānun. [ع] ۱. اندازه و اؤلچک

قادا، ۲. دولت و اسلامی شورا

مجلسی طرفندن، نظم دوزگون

ساقلاماغا و کوپ چیلیگینگ ایشینی

اداره اتمک اوچین دوزیلن قادالار،

دستور و حکم لر یرینه یتیریلمگی

همملره حکمان بۇلان دستورلار،

شیله قادالار، دستورلار، مجلس

طرفیندان قبول ادیلن، ۳. ساز قورال

لاری نینگ بیرى، ۴. طبیب چیلیک

حقینده ابوعلى سینانینگ یازان

کتاب لاری نینگ بیرى نینگ آدی.

قاهر qāher: ا. فا. [ع] اوستم بولماق،

ینگمک، ال اؤکده لیک، شامخ، بییک،

بلند، قواهر جمع.

قایق qāyeq: ا. ترکی سؤزوندن: کیچی

پاروخود، کیچی گامی.

قباحت qebāhat: مص. [ع]

تلکه لیک پیسریک، رسوالیق،

یارامازلیق، اریدلیک، اوتانچ، عیب.

قبر tqabr. [ع] گور، مزار، اولی نینگ

جایلانیان چوقوری، قبر.

قبرستان tqabr-estān. مر. گورستان

قونامچیلیق.

قبضی qabz: مص. [ع] آلماق، اله

آلماق، دارالتماق، فارسچا یازغی و

سند، اوینگ قارشى سینده پول یا

باشفا بیر زات آلماق.

قبضه tqabze. [ع] ۱. بیر قیسیم بیر

زاتدان بیر قیسیم، قیسیمه آلم،

الینگ آیاسی یالی زات ۲. پیچاقینگ بیر آتانگ اوغلانلاری.

وقیلیجینگ دسته سی ساپ قتال qattāl: ص. [ع] قاتی اۆلدوریجی.

قبل qabel: [ع] اونگ، اوینچاک، ایلکی. قتال qetāl: مص. [ع] اورشماق، اولدورمک، سواشماق.

قبل qabal: [ع] ۱. اوغور، (اونگ) طرف، ۲. جیدام و گویچ معنیده. قتل qatl: مص. [ع] اولدورمک، آرادان چیقارماق، نابود اتمک.

قبله qeble: [ع] اوغور، یان نماز اوقومالی بولیناندا باقیلیان طرف قبله طرفی، کعبه طرف، کعبه قارشى، بیت الله قارشى، هجرتینگ اکینجی سنه سینده رجب آینده

مسلمانلارینگ قبله سی مکه بولدی، اونگ مسلمانلارینگ قبله سی بیت المقدس اکن. قدر qadr: مص. [ع] ۱. اۆلچه مک، بیر زادی اۆلچه مک ۲. طاقت، جیدام، گویچ لیلیک معنیده. قدر qadar: ا. [ع] ۱. اۆلچک، بیر زادینگ اۆلچه گی.

قبله گاه qeble-gāh: امر. [ع] قبله جای، نمازدا باقیلیان طرف، یوز. قدرت qodrat: مص. [ع] آلماق، بیریندن بیر زادی آلماق، قبول اتمک.

قییح qabih: ص. [ع] زشت، تله که، پیس، نادوغری، اوتانچلی، اویات، قباح جمع.

قیله qabile: [ع] طایفه، تیره، بۆلک، کوشتینگ چاتماق، اقدار جمع. قدس qods: مص. [ع] آراسسالانماق،

- آراسسا بۇلماق، پاکیزه بولماق.
 قدس t.qeds: [ع] آراسسالیق، بهشت، اورشليم.
- بیر مسئله باراده چیقاریلان حکم ۳.
 عهد و پیمان معنیده.
 قرارداد qarār-dād: ۱. مر. [ع.فا] عهد، پیمان، شرط نامه.
- آیاق اولچگی، اوکجه بیله، بارماق
 آزالیقی.
 آیاق اولچگی، اوکجه بیله، بارماق
 آزالیقی.
- قدم t.qadam: [ع] آردیم، ادییم آیاق، آزالیقی.
- قدم qedam: ص. [ع] اونگده اوزال
 ادیلن ایش، قدیمقی، کؤنه.
- قدمگاه qadamgāh: ۱. مر. [ع.فا] قدم
 جای، آردیم آردیلان یر.
- قدیم qadim: ص. [ع] اونگی، گچن
 زمان، اسگی، خدای تعالی نینگ
 آدلارینینگ بیرى، قدما جمع.
- قراء qarā': ص. [ع] قرآنى اونگات
 اوقییان، قرائى: قرآن اوقیماقلیق، قرآن اوقیجى لیق.
- قراء qerā': [ع] جمع قارى، قرآن
 اوقییان و عابد معنیده.
- قرائت qerā'at: مص. [ع] اوقیماق، قرآن، کتاب و روزنامه اوقیماق.
- قرص qors: [ع] ۱. تگلک چۆزک، گونونگ تگلکی، تگله نیپ بجرلن
 درمان ۲. ماکام و برک ماغنادا، اقراص جمع.
- قرض qarz: مص. [ع] کسمک، بولمک، مزد برمک، شعر آیتماق.
- قرض t.qarz: [ع] وام، قرض، قروض جمع.

قرطاس t.qartās. [ع] کاغذ قراطیس جمع.

قرعه t.qor'e. [ع] اولوش، پای و نصیب، بیجه، بیر بۆلک کاغذ یا باشقا بیر زات بیلن چک آتیب پای بللنمک.

قرق t.qoroq. ساقلانان، منع ادیلن قورالیان یر، قورالیان زات، بللی بیر سانلی آدما خاصلانان و قورالیان یر.

قراقول t.qarqāwol. [ت] دره حورازی، سولگون، میدان تاوینی.

قرقره qarqara: ص. [ع] قیغیرماق، اشاک، کبتر سسی، قاتی گولکی، قراقر جمع.

قرقره qerqere: ۱. تکک، تیگیر، نخ، ماشین ساپاق.

قرمز t.qermez. [ع] قیزیل رنگ، قرمیزی.

قرن t.qarn. [ع] وقت، دوویر، زمان، یوز ییللیق دوویر، قرون جمع.

قرن t.qarn. [ع] قویون و سیغیر یالی مالینگ شاخی، ایشیلن ساچ، عیال

لارینگ ساچی، قرون جمع.

قرن t.qaran. [ع] ۱. دویانی بیر بیرینه

باغلاماق، یوب بیلن ایکی دویانی باغلاماق، دانگماق ۲. اوق یای، قیلیچ و اوق یای یاشیگی.

قرن t.qaran. [ع] عربلارینگ بیر اوبا و

طایفاسینینگ آدی، اویرس قرنی بو طایفادان بولیان.

قرب qarib: ص. [ع] ۱. یاقین، قولای ۲. قارینداش و قوم معنیده.

قریحه t.qariE. [ع] ۱. هر زادینگ

باشی، باشلانغیچ هوس و دوشونجه، گویچ قنات طبعی بولان گویچ، قوشغی آیتماق لیفا و کتابت، قرائح جمع.

قزل آلا qezelālā: امر. اندامیندا

قیزیل خال لری بۆلن اتی قاتی سوچی بالیق.

قزلباش t.qezel-bāš. مرت. شاه

اسماعیل نینگ قشونلارینگ بیر بولاگی، اوزلریده شیعه مذهب لردن دوزیلن پایاقلاری قیزیل رنگده

بولاندينى اوجين اولارا قزل باش
دیلیان میس، سونگلر بوتین صفویه
قشونینا هم شوندان سونگ قزلباش
دیلن آد قالیار.

قسم t.qesm [ع] توپار، بۆلک، پیدا،
نصیب، پای، بیر بولونن زادینگ بیر
آزی، پای اقسام جمع، اقسام جمع
جمع.

قسم qasam: ۱. [ع] سوگند، قسم، آنت،
قسم خوردن: آنت ایچمک، قسم
اتمک.

قسمت t.qesmat [ع] نپ، اولوش،
نصیب، پای پیدا، قسم جمع.

قشلاق t.qeşlāq [ت] ایسسی بیر،
مالدارلارینگ قیشینی گچیریان یری

قشنگ qeşang: ص. گورنیکی آوادان،
اوز، گورمه گوی، گوزل گلشیکلی.

قشون t.qoşun [ت] ارتش، قشون،
یینین، حربی گویچلر، بیر یوردونگ
حربی گویچلرینگ جمعی.

قصاص qesās: مص. [ع] جزا برمک،
جزا، تنبی، آدم اولدیره نه یا اورانا اوز

ادیشی یالی جزا برمک، اولدیرانی
اولدیرمک قان آماق، عار آماق.

قصاص t.qsās: ص. بای آیدیان،
حکات آیدیان، دستان آیدیچی.

قصبه t.qasabe [ع] اولی اوبا، اولیراق
اوبه، بیرناچه اوبادان عبارت بۆلن
آبادی، کیچی شهرک، شهرجیک.

قصد qasd: مص. [ع] اورتاچه یول
یوریمک، اورته یوروشلیک اراده، اراده
اتمک، بیر ایشی اتمگی یوره گه
دوومک، یۆزلگه لیک، قصد مقصد.

قصه t.qesse [ع] دستان، خبر، حدیث،
ارته کی، بای، قصه.

قصر t.qasr [ع] قیسفالتماق، دورت
رکعتلی نمازی سفرده ایکی بولمک،
یعنی شونونگ ایکی رکعتینی
اوقیماق.

قصر t.qasr [ع] کوشک، سرای، کاخ،
پادشاهلرینگ یاشایان جای، قصور
جمع.

قصص qesas: [ع] جمع قصه،
قصه لار، حکاتلار، ارته کیلر، روایتلار.

- قصور** qosur: مص. [ع] بیر ایشدن
ساقلانماق، بیر ایشی اتمگی قویماق،
عجیزلیکدن، یاغدا۱ سیزلیقدان قایرا
دورماق، خطا.
- قصیده** tgasede. [ع] ۱. قوشنی نینگ
بیر گورنوشی، بیرینه خاصلانیب
قوشیلان قوشنی، اولده کوپلنچ
وعظ- نصیحت، حکمتدن بیان
ادیان ۲. بیرى نینگ ادرمن لیگی
اوچین وصف ادیلیار یاده بیر آدم
تاریپلانیار، اؤنؤنگ بیرینجی
بیتى نینگ ایکی سطرى (مصراعى)
بیله کی بیتلرینگ ایکینجی
سطرلری بیلن قافیہ لاشیار و سانى
۱۶ بیتدان کأن بؤلمالی، قصائد
جمع.
- قصیر** gasir: ص. [ع] کوله، قیسغا،
کلتہ، قصار و قصرء و قصائر جمع.
قضاء gazā: مص. [ع] ۱. حکم اتمک
بویروق اتمک، جایز بیلیمک، اولمک،
وفات بؤلماق ۲. خدای تعالی نینگ
تقدیری و حکمی معنیده.
- قضات** gozzāt: [ع] (= قضاة)
قاضی لار.
- قضاوت** gazāwat: قضا چشمه
سیندن حکم اتمک، ایکی یا بیر ناچه
آدمینگ آراسینی آق ساقفال چیلیق
ادیپ دوغورلاماق، قاضی چیلیق
اتمک، ایش کسک.
- قضیه** tgaziyye. [ع] خبر، بویروق،
حکم، فرمان، سؤز یا سؤزؤنگ
معنی سی تمام بؤلؤپ و اونگا حکم
بریپ بۇلیان.
- قطار** tqatār. [ع] تیرکلمه، ترکش
ادیلیمه.
- قطران** tqatarān. [ع] دامماق، دامجه
دامجه بؤلؤپ سووینگ دامماغی.
- قطران** tqetrān. [ع] صنوبر و اوروس
آغاجی یالی آغاچدان قارا نارسا نینگ
دامماغی بیلن قارا یاغ یالی زاد عمله
گلیپ، اول اکزما یالی کسله ام
ادیلیان، ام بولوپ بیللیار.
- قطع** qat: [ع] جمع قطعہ، کسیلن
بؤلک، کسيلمه لی یری، قطع و

قطعات جمع.

قطور qatur: ص. [ع] سولی یاغین،

قارسی چه قالینگ پوکگی معنیده.

قهر qa'r: ا. [ع] دویپ.

قفس qafas: ا. دمیردن یا آغاچدان

ییرتیجی قوش یا حیوانلاری

ساقلاماق اوچین بجریلیان جای،

قفس.

قفل tqofl: [ع] قولپ، چیلیک.

ققنس tqofnös: ققنوس یونانی

کلمه دن، اول افسانه ای قوشلاردان

بؤلۆپ روایت ادیالر، چونتتی دشیک

دشیک و انایی گنگ اوزیندن آواز

چیقاریار و اول مونگ ییل عمر ادیان،

عمری آخره یتنده کوپ اودون

ییغناپدا اؤنؤنگ اؤستونده یاتیپ

کۆپ قانات اؤرۆپ اؤدی یاقیپ اوزی

هم یانیان.

قلب tqalb: [ع] یورک، قلوب جمع.

قلت qellat: ص. [ع] آز بؤلماق، کم

بؤلماق، آزلیق، آز.

قلزم tqolzom: [ع] نیل دریاسی نینگ

یاقینینده و بحر احمرینگ قیراغیندا

یرله شن بندرینگ آدی، اول شهرینگ

آدی قلزم دنگیزینگ دریاسی بیله

اوتغاشیق بولانسونگ قلزم دییپ

آدلاندیریلیپ دیر قلزم دییدیکی اولی

دنگیز دییدیکی.

قلع qal': ص. [ع] یؤلماق، قازماق

دویپندن یؤلماق، کوکینی کسمک.

قلعه tqal'e: [ع] اولی دیفار، بوقی یر و

داغینگ بییک یری و بییک قلا، قلاع و

قلوع جمع.

قلندر tqalandar: ص. درویش،

صوفی، فانی دنیأدن ال چکیب آخرت

ایشینه باش قوشوپ یکه یاشایان

آدم.

قلیج tqelič: [ت] شمشیر، قیلچ.

قلیل qalil: ص. [ع] آز انتک، کم.

قمار tqomār: [ع] عموماً پوللی شرط

ادیپ اولانیلیان اویون، ورق، تخته نرد

و شطرنج یالی.

قمارباز qomār-bāz: ص. [ف.ع] اویون

اوینیان آدم، قمار اوینیان.

قماش t.qomāš [ع] آوینجاق زات،

دوزگون، قادا.

اوی اسبابی، اوجیق بوجیق زاتلار،

قوه qowe: قویاغاز.

فارسچا نخى پارچه معنیده آیدیلیار،

قندیل t.qandil [ع] آسغیلی چیرا،

اقمشه جمع.

قمچی t.qomči [ت] قامچی، بوز

قوة qowat: قوت - ا. [ع] گویج قوجور،

بوتور.

قمر t.qamar [ع] آی، اقمار جمع.

قوج quč: قوج.

قمری t.qomari [ع] کـبـدردن

قوج کوهی t.quč-e-kuhi. اوۋغا.

کیچی راک چالجا یکی بیر بؤلؤپ

قوزک پا quzak-e-pā: ا. تیویوق،

یاشایان قوش، موسیجه، کیچی جک

توفق.

کبتر.

قماقم t.qamqam [ع] اولی بیوروک،

قوریلتای t.qurultāy ترکی مغللی

کوپ سان، دنگیز، اولی آدم سخی

چشمه سیندن آلنان، بیر اولی ایش

بییک آدم، یاش اولی سیس، قماقم

اوجین اوتورشیق ایدیان یؤریته توپار و

جمع.

گـنـگـش اوجین یوریته اولی

قناعت qenā't: مصص. [ع] اوز

بیغنانشیق.

نصیبینگه راضی بؤلماق، آز زاددان

قوس قزح t.qas-o-qazah. مر. [ع]

راضی بؤلماق، قناعتلی، گوز دوقلیق،

عالم قوشار.

راضی آدم، تیغشیتلی آدم.

قوی qawi: گویجلی، یازاولی، قواتلی،

قنبره qonbare: تورغای، چکیک.

زورلی.

قنطوریون t.qatoreion. آلتین گل.

قهر کردن qahr-kardan: مصص. م. [ع]

قواعد qawā'ed: [ع] جمع قاعده،

فا. بیرینی ترک ادیب کیلشمه

سیزلیک، قاهار اتمک، اؤیکه اتمک.

قهرمان qahremān: ا.ص. پهلوان،

قوجورلی باتیر، قهرمان عربی معنیده

بؤلسا، وکیل و گیدهجی و

چیقداجی نینگ امینی دیپپ آیدیلیار.

قهقهه qah-qahe: مص. [ع] قاتی

گولمک قاهقاه ادیب گولمک.

قیاس qaiyās: مص. [ع] اؤلچمهک،

درنگه مک، دنگله مک، درنگه و.

قیافه شناس qiyāfe-šenās: ص.

[فا.ع] سینچی، آدمینگ یوزونه سر

ادیپ تانییان، تانغیر آدم.

قیافه گرفتن qiyāfe-gereftan:

پانگقارماق، پوز برمک، چیشمک.

قیام qiyām: مص. [ع] آیاغا قالماق،

ایاق اؤستونده دورماق، دیکلمک،

ایاق اؤستونه قالماق.

قیامت tqiyāmat: [ع] دیکلمک،

اولومدن سؤنگ دیرلمک، قیمیلدی

آیاغا قالماق، آخر زمان، اول دنیا.

قید tqeyd: [ع] یوب، طناب، باغ مال

دانگلیان یوب، قیود و قیاد جمع یازما،

قیصر qeysar: ا. [ع] روم پادشاسی،

روم پادشاه لارینینگ قدیم قی لاقامی

قیاصر جمع.

قیطان tqeytān: [ع] یوپکدن

دوقولیان اینچه یوب، قیاطین جمع.

قیف tqif: ق. موش، موشی.

قل qeyl: مص. [ع] آیتماق، سؤز

آیتماق، گورونگدشلیک، گوررونک.

قیم qayyem: ا.ص. [ع] غرامتکش،

یتیمینگ ایشلرینه سر ایدیان

باشلیق، هواندار، هؤسسار.

قیمت qeymat: ا. [ع] بهاء، دگر، نرخ.

قیوم qeyum: ص. [ع] همیشهلیک،

برک، برقرار، دۇرنۇقلى، خدای

تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.

ک

باسیرغانماق، دیش گورمک، قارا
 باسلاق باسماغی.
 کابین *kābin*: ا. [فر] مهریه نکاحده
 اوپله نن آدمینگ برمه لی ادیلیپ
 بلله نن پولی، قالینگ، مهر.
 کابین *kābin*: ا. [فر] کیچی اتاق،
 گامی نینگ کیچی اتاقی.
 کاپیتال *kāpitāl*: ا. [فر] سرمایه،
 بایلیق، اسام، کؤک، شرط اساسی،
 شرط دویبی کؤکی.
 کاپیتالیزم *kāpitālism*: ا. [فر]
 سرمایه دارلیق، تجارت و صنعت
 ایشلرینگ باشلیغی، اهلی اونیان
 اؤنوملر، ارکینده بولوپ کارخانه لری و

ک *ke*: عرب الیب بی نینگ بگریم
 باشینجی حرفی، ابجد حسابینده
 (۲۰).
 کائن *tkā'en*: فا. [ع] بارلیق، بار بولان،
 بار بولیجی، وجودی بۇلان.
 کائنات *tkā'enāt*: فا. [ع] گؤکده دوران
 زاتلار، یعنی قویوندی لار، حادثه لار،
 بارلار، بار زاتلار، فارسچا: بیلدیریم،
 طوفان، قار، جمع کائنه.
 کابل *kābol*: ا. [فر] یوقین طناب،
 گامی نینگ بندیلی طنافی، تلفن دیر،
 تلگراف و برق اؤغرونا سؤوینگ و
 یرینگ آشاغیندن چکلیان سیم، کابل.
 کابوس *tkābus*: [ع] قورقونچلی

آیری قورمالاری اوز ایستان
کۆنگلونه و میلینه گؤرأ آیلایان آدم.
کاتالوک *kātālok*: ۱. [فر] یازیلان
آدلار و یا زاتلارینگ بهاسی،
اسپیسک.
کاتب *kāteb*: ۱. فا. [ع] یازجی، میرزه،
سکرتز، کتاب، کاتبون جمع.
کاتولیک *kātolik*: ص. [فر] بو
بولسا، اوچ سانئ مسیح دینی نینگ
بیر بولهگی، مسیح دینی یعنی پاپه
عقیدهلی بولوپ اؤنگا اوییان توپار.
کاج *kāj*: ۱. همیشه گوگ آغاچ سروی
آغاچ، کاج، آرچا، یؤلقا.
کاخ *kāx*: ۱. کؤشک، قصر، ناچه
اؤتاقلی اؤلی عمارت.
کادر *kādr*: ۱. [فر] چار چوب، صورت
قابی، یرلیک، چاک، ارتشده بیر
دسته خدمت ایدیآن افسرلرینگ،
ادارهده یا باشقا قورامده ایشلیانلار،
اهلی ایشکارلر.
کادو *kādo*: [فر] سوغات، تحفه،
سرپای، پشکش.
کاذب *kāzeb*: فا. [ع] آلدوچی، کذاب،
حیله گار، هیتیر، یالانچی، کذب جمع.
کار *kār*: ۱. پیشه، ایش دایخانچیلیق و
اکرانچیلیق معنیده هم گلیار.

کارآزموده *kār-āzmude*: ص. مف
ایش گورن، تجربه لی، ایشه چپر
بولان، ایشه اوکده لان.
کارآگاه *kār-āgāh*: ص. مر. ایشلره
آگاه آدم، هر بیر ایشینگ دوغورلیغنا
و دورموشینا خبرلی بولان؛ قدیم لار
جاسوس و منجم دیییلیار اکسن، بو
گون آگاهی اداره سی نینگ ایشکاری
دیپ آیدیلیار؛ گیزلین پلیس دیپیده
آیدیلیپ دیر.
کارآموز *kār-āmuz*: ص. فا. ایش
اؤورنه چی، بیر کارخانه ده یا قورامادا
یادا باشقا بیر قورلوشیقدا ایش
اؤورنیان آدم، تازه اؤورنجه.
کاراته *kārāte*: ۱. [فر] قاتی اورغی
اورمانگ یولی، بو هم ورزشینگ بیر
گورنوشی بولوپ ال آیاق بیله
حریفینگی الدن گلدیگیندن فنی یولی
بیلن اورمالی ادیلن، کاراته آدیندا.
کارخانه *kārḫāne*: ۱. مر.
ایشچی لرینگ ایشله یان جای، زاود،
کارخانه.
کارد *kādr*: ۱. گزلیک، پیچاق، یاراغ.
کاردان *kārdān*: ص. فا. ایش بیلیجی،
ایش تانیجی، عاقل، دانا، ایشینه
چپر، اؤکده.

کارزار *kār-zār*: ۱. اُورُوش، سووهش، جنگ.

کارشناس *kār-šenās*: ص. فا. ایشه چاقانلان، بیلیملی بۆلان، ایشه تخصصی بۆلان، ایش تانیجی، ایشینه اوکده، چپر.

کارفرما *kār-farmā*: ص. فا. ایش ایه‌سی، کارخانه‌نینگ ایه‌سی، ایشلره بویروق بریان بویروقچی، فرمان بریجی.

کارگاه *kār-gāh*: امر. ایش ادیلیان جای، کارخانه، ایشچی‌لرینگ ایشلیان جای، اوستاخانا.

کارگر *kārgar*: ص. فا. ایشچی، ایشگار، کارگر.

کارگردان *kārgardān*: ص. فا. ایش دولاندیریان، ایشلری یولا بریان، ایش ترتیبینی بریان.

کارگزين *kārgozin*: ص. فا. ایشه بلله‌یان، ایشه سایلایان؛ کارگرنی: بیر دولتی ادارانگ یؤریته بؤلیمی، اونونگ وظیفه‌سی ایشگارلرینگ ایش سابقه‌سینی ساقلاپ مأموریت‌لرینی اویتگتمک‌لیک.

کارمزد *tkār-mozd*: مر. ایش حق، ایش مزدی، ال عذاب، ایشچی‌نینگ

ایش بتیریب آلیان پولی.

کارمند *tkār-mand*: ص. اداره ایشچی‌سی، اداره ایشکاری، ایشگار، ایشچی.

کارنامه *kār-nāme*: بیرینگ ترجمه حالی و گچمیشی و ادن ایشلری‌نینگ نتیجه‌سی یازیلان بولمالی؛ شاگرد مدرسه‌لرینگ سیناو نتیجه‌سی یازیلان یازغی.

کاروان *tkār-wān*: کروان، بیر ناچه مسافر بؤلۆپ بیله مسافرتا گیدیان تۆیار.

کاسب *tkāseb*: فا. [ع] ساتیب آلیجی سووداگار، کاسیب، آلیش بریش ایدیان آدم.

کاست *tkāset*: مص. آزلیق، کملیک. کاستن *kāstan*: مص. آزالتماق، کمک، کملمک، میزه‌مک.

کاسته شدن *kāste šodan*: مص. میزه‌مک‌لیک، آزالماق، کملمک.

کاسه *tkāse*: کاسه.

کاشتن *kāštan*: مص. م. اکمک، آغاچ اکمک و باشغا آرپا بۇغداي یالی یردن گوگریان اکین‌لرینگ تخمین ییره سفیب اکمک.

کاشف *tkāšef*: فا. آشکار ادیجی، یوزه

چیقارچی، تاپیچی اویلاب تاپیچی.
کاظم tkāzem. فا. [ع] قاهرینی
 یوووتیان جیداملی، قاهاری گلهمیان،
 دینج.

کاغذ kāqaz: کاغیذ، خط یازماق
 اوچین پیدالانیلیان نأرسه کاغیذ
 آدیندا.

کافر kāfer: [ع] دین سیز، خدایا
 سیغینمایان، کفار جمع.

کافه kāfe: امر. [فر] مشتری لره
 ایمیت چای قهوه تاییارلاب بریلیان
 جای، کافه.

کافی kāfi: [ع] یترلیک، اعتبارلی،
 اینانچلی، بس، بولیار اتمه، بولا ره
کاکل tkākol: ساچ، دفانگ ساچی.

کال tkāl: ص. قورپ، یاغینینگ اثریندن
 اوییلان چوقور، اولی چوقور، سوو
 یری قازماق نتیجه سینده عمله گلیان
 چوقور، کاکیل.

کال kāl: ص. یتمه دیک میوه، چیک،
 یتیشمه دیک اییمیش، تال.

کالا tkālā: ماتا، اوی اسبابی، اگین
 اشیک.

کالبد tkāl-bod: قالب، گوره، بدن،
 اندام.

کام tkām: آغیز، مقصد، آرزو، ایسلگ.

کامپیوتر kāmputer: ا. انگ ماشین
 حسابینگ بیر هیلی، قین مسئله لری
 آز و قتده چوزماکی باشاریان دستگاه،
 اوزی ده قاتی یادکش حافظه لی
 بؤلمالی، هر حسابی و خطی قیل
 قیشارتمانی گوس گونی گورکزپ
 بیلیار.

کامل kāmēl: ص. [ع] بتاوی،
 عیب سیز، کم سیز، بتین، کامل، دولی.
کامیاب kāmīyāb: ص. فا. مقصده
 یتن، خوش بخت، بختلی، مرادینه
 یتن، آرزوینه یتن، نیتینه یتن،
 اوستونلیک لی.

کامیار kāmīyār: ص. مر. کامیاب،
 بختلی، مرادینا یتن، خوش بخت.

کانال tkānāl: [فر] قنات، کاریز، ایکی
 دریانینگ آراسینا چکیلن سوو یولی،
 پرخود دیرو گامی نینگ قاتناب بیلیان
 سوو آرناسی، کانال، قاناو.

کاندیدا kāndidā: [فر] آدالان، بیر
 ایشه بلانن، داوطلب، مجلس ده یاده
 باشغا بیر ایشه کوپ چیلیگینگ
 طرفیندان وکیل چیلیگه و یاش اولی لار
 یالی زادا بللنچک آدم.

کاوش kāwoš: دورجه له مه، پشه مه،
 دورمه.

کاویدن *kāwidan*: مص. م. دورمک،

دورجه لمک، اختارماق، يردن قازيب چيقارماق.

کاه *kāh*: ا. سامان.

کاهش *kāheš*: مر. آزالما، کلمه.

کاهگل *kāh-gel*: کهگل، پالچيقولى سامان.

کاهل *kāhel*: ص. [ع] يالتا، قارى، ايشر خوش يوقمايان، تنبل، عجيز، سست.

کاهل *kāhel*: [ع] ينگسه، گريش، بويون آشاغی، کواهل جمع.

کاهو *kāhu*: ا. کؤو.

کباب *kabāb*: ا. شارا، کباب.

کبتر *kabtar*: کيدر، کيدرى.

کبد *kabed*: [ع] باغير، جگر، اکباد و کبود جمع.

کبر *kebr*: ا. مص. اولۇلىق، منلىک، پانگقاريش، اولومسيليک،

کبريت *kebrit*: ا. [ع] سوييشگه، اووتلى چوب، کوکيرت.

کبک *kabk*: ا. کاکليک.

کبکنجير *kabkanjir*: توراج.

گوک رنگ، ماوى. کير *kabir*: ص. [ع] اولى، بيىک، کبار و کبراء جمع.

کيره *kabire*: ص. [ع] مؤنث کبير، اولى گناه، اولى يازيق، جنايت و زنا يالى.

کپک زدن *kapak-zadan*: هنگله مک.

کپل *kapal*: ا. ساغرى.

کپل سفيد *kapal-sefid*: آق گوٲ قوش.

کپور *kapur*: کفير، آونيق باليغينگ بير گؤرنوشى، کپير.

کپيه *kopiye*: [فر] نسخه، اويکنمک.

کتاب *ketāb*: [ع] يازغى، چاپ بۇلان ورق لار، کيتاپ، کتب جمع.

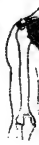
کتابت *ketābat*: مص. [ع] يازماق، يازؤو.

کتف *ketr*: اگين، کورک، کپزه، گردن. کتک *kotak*: عصا، ال تاياق.

کتک زدن *kotak-zadan*: بيرينى ناياق يا شاللاق بيلن اورماق، ينجمک.

کتمان *ketmān*: مص. [ع] ياشيرماق، بير زادى گيزگه مک، ياشيرماق، ييفشيرماق.

کبود *kabud*: ص. گوک رنگ، قووى



کتیبه tkatibe. [ع] لشگرینگ بیر
بوله گی، داشینگ و ش.م. یوزونه
یازیلان خط.

کثافت kesāfat: مص. [ع] کوفالمک،
اوست اوستینه بولماق و فارسی چه
آلانگدا بولاشیق لیک و هاپالیک
ممنیده.

کثرت kesrat: مص. [ع] کوپلمه،
کوپلوک، بوللیق.

کثیر kasir: ص. [ع] زیاد، کان.
کثیر 'kasir-ol-azlā: ا.م. [ع] چنبر،
چندبر.

کشیف kasif: ص. [ع] قوییی،
سوقاشیق آغیر، قالینگ، چرکلی
هاپا، بولاشیق.

کج kaj: ص. قیشیق، قینگیر، اگری
بوغری، دوغری بولمادیق، کج.

کج kaj: بوکولمه دیک، چیگ یوپک،
کژ یعنی قیشیق دیپ-ده آیدیلیار.

کجا kojā: کلمه استثناء: کدام جا،
نیرمه، هایسی یرده.

کچل kačal: ص. کل، ناساغلیق دان کله
ساجی دوکولن.

کد kad: ا. او، اوبا، اولوس.

کد kad(d): مص. [ع] ایشده آزار،
قین چیلیق چکمک.

کدبانو kad-bānu: ص. مر. اویلی
ایشیکلی عیال، اوی ایشی دوزگونلی
عیال.

کدخدا kad-xodā: ا.ص. ۱. آرچین،
اوبانینگ یاش اولی سی، اوبانینگ
باشلیغی اوی ایه سی ۲. عیاللی
آدماده آیدیلیار.

کدو kadu: بیر یللیق اوسوملیک دن
عمله گلیان کادی.

کدورت kodurat: مص. [ع] قارالیک،
یورک قارالما، قارا بولماق، قارانگتی
بولماق، یورک قیسماق.

کدوی سفید kadu-ye-sefid: سوو
کادی.

کذاب kazzāb: مص. [ع] قاتی
یالانچی، کذاب.

کذب kazb: مص. [ع] یالان آداماق،
یالان.

کر kar: ص. قولاغی اشیتمه یان، کر
قولاق.

کراراً kerāran: ص. [ع] تلیم گزک،
قایتا قایتا، قایتادان.

کرامت kerāmat: مص. [ع] اولولیک
اتمک، سخیلیق، جوماردلیق اتمک،
انایی گنگ ایش، بیریندن یوزه
چیقما، ولی لرینگ گورکزیا ن عادتدان



کدو



کدو

جوماردلیق، اؤلؤلوق، خیر احسان
اتمک.

کرم kerm: ا. قورچیق؛ کرم خاکی و
سولیک و ش.م.

کرم ابریشم tker-m-e-abrišam: مر.
یوپک قورچینی.

کرم خاکی tker-m-xāki: سوغولجان.
کرنا karnā: ا.مر. اولی تویدیک، اولی

شیپور، اؤرؤش تویدیکی، اوفله نیب
چالینیان ساز قورالی.

کر کر میش مرغ - ا مر. توقلی تایی.
کره kare: مسکه، قاتیق دن اونیان یاغ.

کره korre: ایشک و اولاغینک
چاغاسی، ترکمن لار ایشک چاغاسینا

«تایخار» و اولاغینک چاغاسینا «تایی،
کره» دیییار، اما ایکی سینه ده کره

دییبیپ ده آیدیلیار.

کریمس kermas: ا. [فر]

مسیحینک دوغان گونونه
گچیریلیان عید بایرام،

مسیحی لرینک دسامبرینک ۲۵.
گونى توتیان عیدی، کریمس

بایرامی.

کریم karim: ص. [ع] جومارد، سخی
کرملى، کرام و کرماء جمع.

کریه karih: ص. [ع] اريد، یازاماز،

داشاری ایشلری اما اول
پیغمبرلارینک گورکزیان

معجزه سیندان آشاق اؤرندا دوریار.

کراوات tkerāwat: [فر] بوینه
داقیلیان بوکول.

کراحت kerāhat: مصص. [ع]
ییگرنمک لیک، میل سیزلیک،

حالانمازلیق، حوشینگه گلمزلیک،
ناراضی بۇلماق.

کرباس karbās: ا. متقال، متا، بیز.
کردار kerdār: ا. مصص. ایش، یۆرلگه،

دوزگون، عمل.

کردگار kerd-egār: ص. ارجل
ایشنگر، خدای تعالی نینگ

صفتلارینک بیرى، و همده
بیلگشلى، بیلان معنیده.

کردن kardan: مصص. م. یرینه یتیرمک،
انجام برمک.

کرشمه kerešme: ا. ملایم قارایش، ناز،
گوز قاش گرمه.

کرفس karafs: ا. قارا اؤق.
کرکس kar-kas: ا. بورکیت، قارتال.

کرکی korki(y): ا. [ع] دورنا.
کرگ kark: ا. کرگدن.

کرگدن kargadan: ا. کرک، کرگدن.
کرم keram: مصص. [ع] سخی لیک،

هالانمادیق.

کراز *kozāz*: قوری یاقیپ یاندیریپ
باریان آغیری، ساویق هوانینگ
اثرینده دریده تاپیلیان یارا.

کژدم *tkaž-dom*: ایچیان.

کساد *kasād*: مص. [ع] رواج سیز،

سوداسی بولمایان، مشتری سیزلیک،
آلیجی نینگ یوقلیغی، سودایوره مزلیک

کسالت *kasālat*: ا. مص. [ع]

عجیزلیک یاغدا ی سیزلیق،

قاوشاق لیق، سستلیق، حال سیزلیق،

ینگیل ناخوشلیق.

کسب *kasb*: مص. [ع] اونیم آماق، اله

گتیرمک، حاصل آماق.

کسبه *t.kasabe*: [ع] ایشدن آدما

دوشیان دوشاوینج، اله گلیان قازانچ.

کسبه *kasbe*: [ع] کاسب لر، جمع

کاسب.

کسل *kesel*: مص. [ع] سستلیق

اتمک، بیحال لیق، یاغدا ی سیزلیق.

کسوت *t.kesut*: [ع] اگین اشیک، گیم.

کسوف *kosuf*: مص. [ع] گون

توتولماغی شیلہ ده اول آی یر بیلن

گونونگ آزالیفیندا قالان وقتینده یوزه

چاییقار، یمنی گونونگ

شعله لر ی نینگ یره یتمه گی نینگ

اؤنگونی آلیار.

کشاکش *kešākeš*: ا. مص.

چکه له شیک، هر طرفدان، هر یاندان

چکیلک، چکمک، و کنایه غم غصه

قاینی و گونده لیک واقا، حادثه، قولی

باغلی لیق معنیده.

کشاندن *kešāndan*: (= کشانیدن)

مص. م. بیر زادی یا بیرینی اؤزونگه

طرف چکمک، اوزینگا قارشی

دارتماق، سويره مک.

کشانه ران *t.kešāne-ye-rān*.

چاتریق.

کشاورز *t.kešāwarz*: ص. اکرانچی،

دایخان، تایخان.

کشت *kešt*: ا. مص. ۱. اکمک،

اکرانچیلیق ۲. اونیم معنیده.

کشت *t.košt*: مص. اولدورمک.

کشتار *t.koštār*: مص. ۱. قیرماق،

اولدورمک کوپ اولدورمک ۲. قویون

سیغیر اولدورمک.

کشتارگاه *t.koštār-gāh*: مر. مال

الدوریلان جای، قویون سیغیر

اولدوریلان یر، مال اولدوریلان

یورته یر.

کشتزار *keštzār*: اکیلن یر، اکین.

کشتکار *t.kešt-kār*: ص. دایخان

کشکول t:kaškul. درویش‌لرینگ
کاسه‌سی.

کشمش t:kešmeš. اوزوم.

کشمکش kešmakeš: چکه‌لشیک،

چکش بکش، سنه منه، دعوا، جنجل.

کشور kešwar: ا. ناچا شهر و ولایتدان

عبارت بۆلان یۇرت، مملکت، وطن.

کشیدن kešidan: مص. م. اوزالتماق،

چکمک، سويندرمک.

کشیش t:kešiš. مسیحی مذهبنینگ

آخونی.

کشیک keşik: ا. ترکی چشمه‌دن

قاراویل، ساقلايجی، ساقچی.

کعب ka'b: ا. [ع] سونگکونگ بوغونی.

کعبه ka'be: ا. [ع] بیت‌الله، دورت بورچ

اوی، بیت‌الحرام، مکه مسلمانلارینگ

زیارت ادیان اوی.

کف kaf: ا. [ع] ال، ال آیاسی، بیر

زادینگ یوزی، یا اوتاغینگ دالاغی.

کف kaff: مص. [ع] ساقلانماق،

دورماق، یایماق.

کفار kóffār: [ع] کافر، کافرلر.

کفاره kaffāre: ا. [ع] (= كفارة)

گنانینگ اوستینی اورتیان یوویان

نأرسه، آرازه توتماق و صدقه برمک

یالی.

تایخان، کشتکاری : زراعت اتمک،
دایخانچیلیق اتمک.

کشتن koştan: مص. م. جانلی‌نی

بیجان اتمک، اۆلدورمک.

کشته kešte: ا. قوری میوه، هلو، اریک

یالی میوه‌نینگ قاقی.

کشتی t:košti. مص. گوریش.

کشتی kašti: دنگیزده یعنی سووینگ

یوزینده یوریان پروخود گامی، یوک

اکیدیان، یولاقچی، قاتنادیان گامی

البته گامی‌نینگ اورشا و سواشا

باغلی‌سی هم بار.

کشتیان t:kašti-bān. ص. ناخدا،

پروخود سوریان، گامی سورجی

سی، گامی ایشچی‌سی.

کشتی‌گیر košti-gir: ص. فا. پهلوان

گورشیان.

کشف kašf: مص. [ع] آشکار اتمک

تاپماق، آچماق، اویلاب تاپماق،

دورمک.

کشف t:kašaf. ۱. پوشتیل، پیشباقا ۲.

آغیزی گینگ اولی کویره ۳. برج

فلکی‌نینگ دوردینجی آیی.

کشک kašk: ا. قوروش‌آق قوردینگ نهار

ادیلیان هیلی.

کشک kaškak: ا. دیز چاناق.

کفاف *kafāf*: یتریک، حاجته گورأ بولماق، کم کاس بولماسیزلیق.

کفال *t.kafāl*: یونانی چشمه دن: قرا بالیق، چونتالی.

کفالت *kafālat*: مص. [ع] (= کفالة) بیرینه کفیل بولماق، بیرینی بویون آتماق، بیر زادینگ غرامتنی بویون آتماق ها آدم بولسون ها زات بولسون.

کفایت *kefāit*: مص. [ع] (= کفایة) بس اتمک، بولیار اتمک یتیرلیکلی،

کف پا *t.kaf-e-pā*: آياق دابان.

کفتار *t.kaftār*: سیرتلان.

کفتَر *kaftar*: ا. کبتر.

کفر *kofr*: مص. [ع] ناشکرلیک اتمک، ایمان دایره سیندن چیقماق، دین سیزلیق.

کفش *t.kafš*: آياغا گیلیان گیسکی، قایشردن تیکیلان آياق قاب، کؤووش. **کفشدوز** *kafš-duz*: ص. فا. کؤوش تیکیان.

کف کردن *kaf-kardan*: کوفریمک. **کفگیر** *kafgir*: ا. مر. کفگیر.

کفن *kafan*: مص. [ع] اورتسمک گیدیرمک، اولی نینگ گیم لیگی، کفن بیله اولینی دوناماق.

کفیل *kafil*: مص. [ع] هوتده لنمه،

ضامین، غرامت کش، کفیل بولما، بویون آتما.

کل *kal*: ص. کچل، کل.

کل *kal*: ا. ارکک گچی، ارکک حیوان قویون و سیغیر و گچی و کییک یالی. **کل** *kol(l)*: ق. [ع] باری، همه سی، اهلی سی.

کلاب *kelāb*: [ع] ایتلر، جمع کلب.

کلات *kalāt*: ا. ۱. قالا، اوبه، کنت

کیچی کنت، بۆلک اکرانچیلیق یر، داغ اوستونده سالینیان قالا، ۲. نادر شانینگ زماننده خراسانینگ شهرلرینینگ بیرینده سالیان برک قلانینگ آدی.

کلاته *t.kalāte*: کیچی قلا، کیچی اوبه، کنت.

کلاس *t.kelās*: [فر] طبقه، درجه مرتبه، سافاق اوتاقی مکتب.

کلاسیک *kelāsik*: ص. [فر] اروپاده قدیمی یوزه چیقان ایلکینجی قاعده دوزگینه برابر گلیان درس، اول یونان و روم ادبیاتی دییپ آدلاندریلیب دیر خلاصه، مدرسه سافاغینا دگیشلی اؤل گلجک نسل لره گورلده بؤلۆپ بیلجک ادبیات.

کلاسه *kelāse*: ا. [فر] قاتلاق قاتلاق

اتمک، ترتیبه سالماق، پرونده‌نینک نمره‌سی.

کلاغ kelāq: ۱. اتی حرام قوش، قارغا آدیندا.

کلاغ سبز kelāq-sabz: ۱. داراقلیق.
کلاف kalāf: ۱. (= کلافه) چرخا اورالان (ساریلان) نخى یا یوپک کلابه و کلاوه دییپ-ده آیدیلیار.

کلافه شدن kalāfe šodan: مص.
آلجیرانگ بولماق، باش آیلانماق، حیران و آواره بولماق.

کلام kelām: [ع] سۆز، معنیلۇ بۆلۈن سۆز. کلام‌الله: قرآن مجید، خدای تعالی نینگ سۆزى.

کلان kalān: ص. اولى، یوغین، پوکكى هم-ده دییپ آیدیلیار.

کلانتری kelāntari: نظمیه انتظامى اداره‌سینینگ بیر بۆلۈمى، نیروی انتظامى نینگ بیر بۆلۈمى.

کلاهبردار kolāh-bardar: ص. فا. بیریندن بیر زادی آلداپ بیر حیلە بیلن اله سالماق، آلماق، بوریک قویوجى، قولاق کسن، پاپاق گیدریان، اوغورلايچى.

کلاهبرداری kolāh-bardāri: آلداپ حقه-مکیرلیک بیلن قولا سالیجى.

کلاه‌خود kolāh-xud: مر. دمیردن پاپاق، یۇرتیه اوروشلاردا اوندان پیدالانیلیار.

کلب t.kalb: [ع] ایت، کلاب جمع.
کلب t.kelb: [ع] ۱. قاتی سؤوساما، قاتی طامالی ليق ۲. آدمده یا ایتده بۆلۈن قۇدۇز کسلى.

کلسترول kolesterol: ۱. [فر] سۇۇق یاغلى نأرسه، مغز-اعصابدا، کبدده، قاندا، اؤدده تاپیلیار.

کلفت koloft: ص. یۇقا دال، قالینگ، پوکكى.

کلفت koloft: قیرناق، کنیز.
کلک kalak: ۱. حیلە، حقه، مکیر، جنجال‌چى.

کلم kalam: گویکینگ یعنى سبزی نینگ بیر گۆزنوشى، گوک اۋنوم، کۆو یالى قات قات توغلاق نارسه.

کلمه tkalame: [ع] سۆز، کپ.
کلوب tkolub: [فر] باشگاه، ییغناق جایی، توپار اویشلویان یر.
کلوته kolute: ۱. باغیرداق.

کلوخ kolux: ۱. بۆلک کرییج، ترسک، لونگگا، توپراق.
کله kalle: کله، باش.

کلیه tkolie. بوورک.

کم kam: ص. آز آلاق، انتک.

کمال kamāl: مص. [ع] تمام بۇلماق، قوتارماق، بتین بۇلماق آراسسالیق، کامل‌لیک.

کمان tkamal. یای.

کمبود tkambud. آز گلمک، سانالانده یا چکیلنده بیر زادینگ بللی مقداریندان کم گلمه‌گی، کم‌چیلیک، آزلیق.

کم‌بها kam-bahā: ص. مر. آز قیمتلی، آز بهالی، بهاسی آز بۇلان.

کمپر kamper: ص. قارری، قارران، ساجی آغاران عیال.

کمد tkomod. [فر] اشکاف.

کمر tkamar. ۱. بیل، ۲. ایکی داغینگ آراسی ۳. بیل باغی قوشاق.

کمر بستن kamr-bastan: مص. ل. بیلی دانگماق، بیلی قوشاماق بیر ایشه تاییار بۇلماق، مقصد ادینمک،

توتیم توتماق.

کمر بند tkamar-band. قوشاق، بیل باغی. کمر بند چرمی: شیتده.

کم‌رو kam-ru: ص. مر. اؤتانجانگ، چکینجنگ، یوزسیز.

کم شدن kam-sodan: قاوزماق،

آزالماق.

کمک tkomak. ترک چشمه‌دن قولداو، حارای.

کمند tkamand. ۱. یوب، طناب، ۲. حیوانلاری توتماق اوچین اولانیلیان دوزاق، باغ.

کمیاب kamyāb: ص. قیت، تافیلما یاز زات یرلیگی آز زات، آز تاپیلیان زات. کمیت kamyat: [ع] آط، قارا بیله قیزیل آرالیغی آط، دور آط.

کمیت tkemyat: [ع] اندازه، اؤلچک مقدار، زادینگ مقداری، چن اوریلان یا سانالان بۇلسون.

کمیسون komisiyun: [فر] ۱. هیئت یا انجمن آدیندا بیر ایشه یتیشیکلیک اتمک اوچین بیر ناچا آدمدان عبارت بۇلان توپار ۲. اسلامی مجلسینگ هر بیر بؤلومی ۳. سارغیدا گورا، آلو ساتو ادیان دلال. کمین kamin: ص. ن. آزی، دگری آز بۇلان.

کمین kamin: ا. [ع] بیرینینگ قصدینا بولوپ اونگا زوال یتیرجک بولوپ گیزلنمه‌گی.

کمینگاه kamin-gāh: ا. مر. گیزیلیر، اویسون.



کله



کمر بند



کمد



کم

- کنار *kenār*: بیر قابدال، جت، قیرا
- کناره *kenāre*: بیر جت، قیراق.
- کناره گیری *kenāre-giri*: ایشدن ال چکیپ اوتورماق.
- کنترل *kontrol*: ا. [فر] بارلاغ، تفتیش باقماق، گوزدان گچیرمه.
- کنفرانس *konferāns*: [فر]
- گوررینگ چیلیک، وعظ، نصیحت، بللی مسئله حقه بحث اتمک اوچین گچیریلیان ییغنانیشیق.
- کنکاش *kankaš*: ا. گنگش، مصلحت، اوندهو.
- کنکور *konkur*: ا. [فر] کوپ او قوچی لارینگ، آدم لارینگ بیر یره بیر مقصد اوچین ییغنانماغی، قصد اتمک سازلاشیق، آرقلاشیق، یاریش.
- کنگر *kangar*: ا. آبی پنجه سی.
- کنگر *kangar*: قاماق.
- کوبیدن *kubidan*: مص. م. اووراتماق بیر ضربه بیلن کول ادیب اووراتماق.
- کوتاه *kutāh*: ص. قیسنا، کوله کلته.
- کوتاهی نکردن *kutāhi*: na-kardan مص. قایغیرماسیزلیق.
- کوتوله *kutule*: ص. کوله بویلی، کلته، قارساق، بوی کوله جه آدم.
- کوثر *kawsar*: ا. جنتده بیر چشمانینگ آدی.
- کوچک *kučak*: ص. چاقلانگ، کیچی کیچی جیک، مايدا.
- کوچیدن *kučidan*: مص. ل. گوچمک یر یوردونگ اویتگتمک، یاشایان یرینگ اویتگتمک.
- کودتا *kudetā*: [فر] دؤنوکلیک، حکومتی رژیم ییقماق یا اویتگتمک اوچین، قشونینگ بیر بولگی نینگ دویدانسیز آياغا قالماغی.
- کودک *kudak*: ص. بابک، چاغا اوغلان.
- کود کردن *kud-kardan*: اومک، اوشیرمک.
- کودن *kawdan*: ص. تنتک، آنگسین، عقل سیز، یالتا.
- کوران *kurān*: ص. [فر] یورگون، روان، هوانگ یا برقینگ آقیمی.
- کور دل *kur-del*: ص. مـ. دوشنوک سیز، آنگمایان، فهم سیز، تنتک.
- کوژپشت *kužpošt*: ص. مـ. بوکیر، کویکی.
- کوشا *kušā*: ص. فا. (= کوشان) قالجانگ، تقلا ادیجی، تلاش اديان،

جان ادیجی.

کوشش tkušeš. مص. تلاش اتمک،
تقلا اتمک، آلادا اتمک، جان اتمک.

کوشک tkušk. کوشک، قصر،
قورغان، سرای، عمارت، تۆورگی باغ
باغچه‌لی شهرینگ داشیندا قورالان
اولی جای.

کوشیدن kušidan. مص. ل. تلاش
اتمک تقلا اتمک، قارا باغرين بولماق،
آلادا اتمک، جان یانديرماق.

کوفتن kuftan. مص. م. آوراتماق،
ینچمک، زوال یتیرمک، مایب اتمک.
کوکب tkokab. [ع] ییلدیز، کواکب
جمع.

کومه tkume. اوراچا، اویسون، چاتما،
پارخو، کومه.

کوه tkuh. داغ.

کوهان tkuhān. اورکیچ.

کوهپایه tkuh-pāye. مر. دامان، داغ
اته‌کی.

کوهستان tkuhestān. داغلیق.

کوه‌نورد kuh-naward. ص. فا.
داغلارینگ دله‌سینه قله‌سینا
بارماغی باشاریان و اوندان گچیان آدم،
داغا چیقیان آدم.

کوی tkui. محله اولی گینگ یول

کوچه، شاه یولی.

کویر kawir: ۱. ۱. دوزلیک شور یر،
شور یر، شورلیق ۲. قاهارجنگ
یولبارس معنیده.

کهکشان kah-kešān: ۱. مر. بیر توپ
ییلدیز، اول «آق مایانینگ سویدی»
آدیندا.

کهنسال kohansāl: ص. مر. یاشی
قایدان قارری، یاش اولی، کمپیر.

کهنه kohne: ص. اسگی، کونه
ایشله‌نن، پیدالانیلن.

کیان kiyān: ۱. جمع کی، اولی پادشاه
معنیده، شاهنامه داستانی بوینچا
ایران پادشاه‌لارینینگ سلسله‌سی
بۇلان پیشدادیان لاردان سۇنگ
قوییلان آد.

کیسه tkise. زات قویماق اوچین
تیکیلن هالتا، کیسه.

کیش tkiš. دین، مذهب.

کیش tkiš. کتندن دوقلان پارچانینگ
بیر گۆرنوشی.

کیفر kayfar: ۱. جزا، مکافات.

کیفر kayfar: ۱. قدیم وقتدا قالانگ
دیواری‌نینگ اوستونده دۇشمان
چوزیش ائنده کله‌سینه اورماق
اوچین بورجی‌نینگ اوستونده

قویولیان داش.

کیفرخواست t.kifar-xāst.مر.

دادستانینگ جزا ایسلگی. ادعا

نامه‌سی.

کیفیت t.kifyat. [ع] دۆرمۆش یاغدای،

حال، هیل، کیفیات جمع.

کیمیا t.kimiyā. یونانی چشمه‌دن،

آلنان، دگیشمه معنیده قدیم

اصطلاح‌ده سوویق‌لیق بیلن میسی

قیزیلہ اوورولیان اکن و اونگا اکسیر

هم دیییلیار، اما شیلہ اکسیر شو

وقته چنلی اله گلماندیر. عربچا

معنی‌سی شیمی، علم دیر. اما

فارسچا مکیر و حیلہ و اویلان‌شیق

آلداویچ دییپ آیدیلیپ دیر.

کینه t.kine. دُشمان‌لیق، یورک قارالیق،

عداوت.

کیهان t.keyhān. عالم، دنیا، جهان،

روزگار.

گ

میهمانخانه نینگ و نهار خانانینگ،
رستورانینگ خدمتکاری.

گاری t:gāri. آرابا.

گاز t:gāz. ۱. دیش، گاز گرفتن:
دیشله مک.

گاز t:gāz. ۱. [فر] گاز، یاقیلیان گاز.

گازوئیل t:gāzo'il. ۱. [فر] نفت ده:
چیقاریلیان یانغیچ اول دینگه دیزلی
موتورلار اوچین اولانیلیار.

گال t:gāl. [فر] دری کسلی، انداما
دوومه-دوومه بۆلۆپ اوریان
ناخوشلیق گيجيله ووکلی ناخوشلیق

گ ge: عرب الیب بی نینگ یگیریم
آلتینجی حرفی ابجد حسابیندا کاف
یرینه (۲۰). سانیندا کلیار.

گاراژ t:gārāž. [فر] ماشین لرینگ
دورالغا جایی، دوریان یری، گاراژ.

گارد t:gārd. [فر] ۱. قاراویل لیک،
ساقلايچى لیک، ۲. قاراویل و
ساقلايچى ۳. بیر تۇپار نظامی اۇيادا
ساقلايچى لیک و قاراویل لیک اتماکه
مأمور ایديلمه گی.

گارسن t:gārson. ۱. [فر] اوغلان،
ییکیت، شاگرد، یۇرتاویل،

گام gām: ا. قدم، آرديم، آرديمينگ
آراسی.

گاو gāw: ا. سيفير، قارا مال.
گاو آهن gāw-āhan: مر. دمير آزال،
ير سوروليان دمير آزال.

گاو بند gāw-band: ص. فا. جفت
سيفيرلی، دايخان، کشاورزی
آدالغاسينده سيفير ايه سی،
گاو بندی: سيفير بند اتمه،
اوتاکچی دن ثروت مال اله گتيرماگه
ديل بيریکديرمه.

گاو چران gāw-čerān: ص. فا. سيفير
چوپان، سيفير باقیان.

گاو ميش gāw-miš: سيفيردن
اولی راق حيوان، گاميش.

گاه gāh: په وقت، چاغ، زمان.
گاه gāh: په جا - مکان پادشاليق
تختی.

گاهواره gahwāre: سالانچاق.
گبر gabr: زردشتی، زردشتی دینی نی
قبول ادن لر، بو آد اسلام دان سؤنگ
اولارا داقيليب دير.

گدا gedā: ص. سایل، قافیچی ایل گزن،
پاتاجی، گدای.

گداختن godāxtan: مص. م.
دمیریالی زادی اريتکم، کوز اتمک.

گذاردن gozārdan: مص. م. (=)
گذاشتن) بير زادی بير یرده قويماق،
جایلاماق.

گذر کردن gozar-kardan: گجيب
گیتکم، اوتکم.

گذرگاه gozar-gāh: مر. اوتوليان یر،
کچیلیان یر، گچلگه، اوتلگه، گجیت.
گذرنامه gozar-nāme: مر.

سرحددن اوتکم اوچین رخصت
خطی انتظامی ادارانگ طرافیندان
داشاری یوردا گیتکم اوچین بریلیان
دفترچه، تذکره، پاسپورت.

گذشت کردن gozašt-kardan:
ا. مص. اوتکم، گچمک.

گذشتن gozaštan: مص. اوتکم،
گچمک.

گرامر gerāmer: [فر] دیل قاعده سی
سؤزدستوری، صرف و نحو.

گرامی gerāmi: ص. عزیز، حرمتلی،
سیلاغلی، بلند مرتبه لی.

گران gerān: بهاء، قمت، آغیر، ارزان
بؤلمادیق.

گرانها gerān-bahā: مر. بهالی

قمت، تاپیلمايان، بها زات، قيمات زات.

گرانمايه gerān-māye: مر.

بهالی، اهميتلی، قمتلی، عزیز،

دگرلی.

گرانی tgerāni: مص. بها بؤلماق، آغیر

بؤلماق.

گرایش gerāyeš: ا. مص. میللنمک،

هوؤسلنمک، دوپولماق، قیشارماق.

گره gorbe: ميشيك، پیشیک.

گره صحرائی gorbe-sahrā'i:

کوؤوک، یابان ميشيك.

گره وحشی gorbe-wahši: مر.

کوؤوک.

گرد gerd: ص. توغلاق، تگه لک، گولله

شکلینده بؤلان زات، هر زادینک

توؤرگی ۲. بیر زادینک اطراپی دیان

معنیده.

گرد tgard: توت توزان، چانگ، تۆز.

گرد gord: ص. باتیر، پهلوان، ادرمن.

گرد آمدن gerd āmadan: مص. ل.

ییینانماق، توپلانماق، جملنمک،

اویشمک.

گرد آوردن gerd-āwardan: مص. م.

ییینانماق، اوشیرمک، جمله مک.

گرداب tgerdāb: مر. دنکیزده

سووینگ آیلای، آقار سووینگ

آیلانیان یری. بورغان، بورغون،

اویغون.

گردان tgardan: جم. پهلوان لار،

باتیرلار، ادرمن لر.

گردان gardan: ص. فا. آیلانماق،

داشینا آیلانیب دولانماق.

گرداندن gardan-dan: مص. م.

آیلاندیریجی، دولاندیریجی،

آیلاندیریان، حرکت برمک،

اویتگتمک.

گردباد gerd-bād: ا. مر. توهلای، بیردن

قاتی کلیپ گچیان یل، تیز کلیپ

ساویلپ گچیان یل.

گردش tgardeş: مص. گزه لنج جای،

بیکار وقتینک بارپ آیلانک چایلانک

ادیلیان جای، پارک.

گردگیر gard-gir: ص. فا. توت توزان

توتیان، توت توزان چکیان.

گردن tgardan: بویون.

گردن بند tgardan-band: مر.

زنان لرینک بونینه داقیان قیزیلی،

انسانا دونولیار و کا وقت اول،
سوری لی قویونا اؤزونی اؤرۇپ ناچا
قویونی اولدوروب وس ویران ادیب
گیدیار.

گرم tgeram. [فر] فرانسه نینگ آغرام
اؤلچه گی، اؤنؤنگ باش گرمی بیر
مثقالا برابر بؤلمالی.

گرم garm: ص. قیزغین، ایسسی.
گرما tgermā. هوانینگ قیزغین لیغی،
ایسسی لیغی.

گرما به tgermābe. مر. حمام، سووه
دوشمک اوچین یوریته بجرلن جای،
بانیه.

گرما گرم tgermā-garm. ق. جینبا
جیغ، قیزدی قیزی دا، قیزغین لی
حالتده.

گرم سیر tgerm-sir. هواسی ایسسی
یر، چاروا دارلار قیشینا قیشلاماق
اوچین گوچیان یری.

گرو tgerow. دراگینه قوییلان زات.
گروه tgoruh. دسته، توپار، بؤلک،
جماعت.

گرویدن garawidan: مص. ل. ایمان
کتیرمک، اینانماق، عقیده تاپماق.

بویؤن قیزیلی، عیال لارینگ بویینه
داقیان قیزیل شایی.

گردنکش gardan-keš: ص. فا.
بویروق سیز، کله سی نینگ اوغرینا،
یاغی، بوینی یوغین.

گردنه tgardane. داغینگ اوچیت
یری، اگرلیان آیلانچاقلی یری.
گردو tgerdu. هوز، قوز.

گردو خاک gardoxāk: کیرشن، قوم
توزان، توت توزان.

گردون tgerdun. فلک، آسمان.

گورز tgorza. چوقماق، توقماق.

گورسنه gorosne: ص. قارنی بوش، آج،
قارنی آج.

گرفتار gereftār: ص. توتولما، اله
دوشما، آلما. گرفتاری : اله دوشما،
کوپ قین چیلغه و عذابا قالما، قین و
زحمتلی ایشلی.

گرفتن geref-tan: مص. م. آلماق، اله
سالماق، اله کتیرمک، قولا سالماق،
اوشلاماق.

گرگ tgorg. بؤری، مۆجک، قورت،
وحشی بیرتیجی حیوان ایت یالی اما
ایتدن زورلی آج وقتیندا حیوانلارا و



گره

گره نه t:gezane: دالاماز.

گزیدن gozidan: مص.م. دیشله مک،
چاقماق، دیش بیله توتماق، زهرلی
ایگنه سوقماق.

گزیدن gozidan: مص.م. بللامک،

حالاماق، سایلماق، انتخاب اتمک.
گستاخ gostāx: ص. باتیر، غایراتلی،
قورقمازاق، کله پروای، اوتانچ سیز،
گودک، عارسیز، ادب سیز، اوتانمازاق،
یوزی قالینگ، یوزی یرتیق، اوستاخ و
بیستاخ هم دیلیلیدیر.

گستردن gostardan: مص.م. دوشک
یا آیری نارسانی یازماق یایراتماق،
دوشه گی یازماق.

گسستن gosastan: مص.م. بولمک،
آراسینی آچماق، کسمک، بییری
بیریندن آیرماق.

گسیل t:gosil: ص. یولا دوشن، ایبرلن،
روانا بۆلان.

گسیل داشتن gosil-dāştan: بیرینی
بیر یریک ایبرمک، روانا اتمک.

گشاده رو gošāde-ru: گولر یوز، آچیق
یوز.

گشایش t:gošāyş: مص. آچیلماق،

گره t:gerreh: دووین، دوگون.

گریان geryān: ص. آغلایان حالتدا،
آغلایان، گوز یاش دوکیان، آغی،
انگشه شیک.

گریبان t:garibān: یاقا.

گریزان gorizān: ص. فا. قاجماق،
قاجماق، قاجیان، قاجاق، بیزار.

گрім grim: تناتر ده یوز کشبینی یاش
یا قارری لار یا باشغا هیلی صورتا
کشه چیقاریپ منگزتمک لیک.

گزاردن gozārdan: مص.م. یرینه
یتیرمک، انجام برمک.

گزارش t:gozāreş: مص. قویماق،
یرینه یتیرمک، عرضا، بیر واقانی بیان
اتمه، خبر برمک.

گزارشگر gozāreş-gar: ص. فا.
عرضه بریجی، خبر بریجی،
تاریخ چی خبرچی، یورجی، دیش
یورجی.

گزاف، گزافه gazāf-(e): ص. قاتی
حساب سیز، بیهوده، پوچ بیدرک سۆز،
حساب سیز، حددن آشا بیچاق.

گزلیک t:gazlik: [ت] پچاق، دسته لی
پچاق، یاراغ.



گره

گینگلمک.

گشتن gaštan: مص. ل. تماشا اتمک،

آیلانماق، دولانماق، گزالنج اتمک.

گشودن gošudan: مص. م. آچماق،

گوبرمک، بوشاتماق.

گفتار t:goftār: مص. ۱. کپلامک، سۆز

آیتماق ۲. گپ معنیده ده آیدیلیار.

گفتگو t:goft-gu: مص. گوررینگدش

بۆلماق، بیله گوررینگ اتمک،

صحبتدش بۆلماق، صحبتدشلیک.

گفتن gortan: مص. م. کپله مک،

سۆزله مک، سۆز آیتماق، یرینه

پتیرمک.

گل t:gol: آچیلان غنچه، گل.

گل آلود gelālud: لوقور، لایلانچ،

پالچیقلیق، لای.

گلاب t:golāb: مر. گلینگ سۆوی گل

محمدی نینگ سوویندن بجرلن

گلینگ سۆوی، گلاب آدیندا.

گلایی t:golābi: آرمیت، میوه نینگ بیر

هیلى، بیرگورنوشی.

گل استکانی t:gol-e-estekāni: ۱.

جانگ گلی.

گلاویز gal-āwiz: ص. مر. آسفیلی،

ساللانان. گلاویز شدن: بیررینگ

یاقاسیندن توتماق، ایکی آدمینگ یاقا

توتوشیپ یومریقلاشماقی.

گلبرک t:gol-barg: مر. گل یاپراق.

گل پنجه کلاغ t:gol-panje-kalāq:

دورنا آیاغی.

گلچهره gol-čehre: ص. مر. گورکلی

گوزل، آوادان، گورمه گوی، گورنیکلی،

گل یوزلی، کۆپلنچ عیال لارا

خاصلانیار.

گلچین gol-čin: ص. فا. گل یغیان، هر

زادینگ اینگ قاوی سینی سایلاماق.

گل خطمی t:gol-e-xatmi: خطمی

فرنگی.

گل خنجری t:gol-e-xanjari: مر.

یاپراقلاری اولی قالینگ بوی ایکی

متره یتیان اوت، اول ایسیسی یرلرده

عمله گلیار.

گل دکمه t:gol-e-dokme: سولمازاق.

گلرخ gol-rox: ص. مر. گل یوزلی، گل

منکزلی، گله منگزش.

گل رعنا t:gol-e-ra'nā: خیتای

بیلدیزی.

گلزار gol-zār: ۱. مر. گلستان، گل بیلن

اورتیلن.

گل زبان در قفا gol-e-zabān-dar-qafa:

ساری چوب.

گلستان t.gol-estān. مر. گلینگ کوپ

یری، گلشن، گلزارلیق.

گل سرخ t.gol-sorx. مر. مشهور بۆلن

گل لرینگ بیرری، اول هر قسمده، هر

تویسلسی سی بولیار اؤنؤنگ قرمز

آچیق راق هر رنگده بۆلن قیزیل گل.

گلشن t.gol-šan. گلستان، گلزارلیق،

گلینگ کوپ بیتن یری.

گلغذار gol-'ozār. ص. مر. گل یوزلی،

کل منگزلی، گل صورتلی.

گلگون gol-gun. ص. مر. قرمز ارنگک

کل سرخ یالی.

گلنار t.gol-nār. مر. نارینگ گلی.

گلو t.galu. مر. بوقیرداق، بویؤن، بوغاز.

گلوبند galu-band. ا. مر. بویؤن باغی،

عیال قیزلارینگ بویؤن لارینا داقیان

قیزیل شایلاری، بویؤنا داقیلیان

کوموشدن ادیلن زنجیر، بزاگ اوچین

بویونه داقیلیان زات.

گلوگاه t.galu-gāh. مر. بوقیرداق،

بوغاز، اییمیت گچیان یری.

گلوله golule. ا. ۱. توغلاق نارسه، نخ

یالی زادینگ توی؛ ۲. گولله، توپنگ

یا توپونگ و ش.م. یاراقلارینگ

گولله سی.

گله gele: عرضه، شکایت، کؤنگول

قالما، کینه، اویکه.

گله galle: سوری قویون و سیغیر.

گله دار t.galle-dār. ص. سوری ماللی،

سوری قویونلی.

گله مند galle-mand. ص. بیریندن

کونگلی قالان، بیریندن اینجان،

اویکه لی.

گلیم t.gelim. کیلیم، پالاسینگ

کیچی سی، یونگ یا نخدان دوقالان

یوقا دوشک.

گلین t.gelin. [ت] گلین، تازه دورمیشه

چیقان قیز، تازه آلینان قیز.

گلین gelin. ص. ن. پالچیغا و توپراغا

باغلی بۆلن، پالچیق دان یاسالان،

قومدان ادیلن پالچیغا دگیشلی

نارسه.

گم gom. ص. ییتن، گوزدن داش،

دوشوپ تاپیلمايان، گوزه گورینمه یان

زات، یتگی.

گماردن gomārdan. ص. م.

قویماق، بیر جایده بیر ایشده قویماق،

بلله مک، ایشه بلله مک.

گماشتن gomāštan. ص. م. بیر

- ایشه قویماق، بیر ایش تابشیرماق.
گمان *gomān*: اوی فکر، چن، چاق خیال، اندیشه.
- گمراه** *gomrāh*: ص. مر. یؤلونی ییتیرن، یولدان آزاشان، دوغری یولدان چیقان، گمراه.
- گمرک** *gomrok*: ا. ترکی دیلدن آیینان سؤز، داشاری یورتدن گلن یا گیدیان ماللاردان آیینان مالیات، سالغیت، گمرک.
- گمنام** *gomnām*: ص. مر تانیلمایان آدسیز، گوردیم بیلدیم بؤلمادیق، آدسیز و شهرت سیز آدم.
- گناه** *gonāh*: عاصی چیلیق، تله که ایش، یازیق، یاراماز ایش.
- گناهکار** *gonāh-kār*: ص. فا. گناه ایش ادن، عاصی چیلیق ادن، پیس ایش ادن، گناهکار.
- گنبد** *gonbad*: ا. قاتی بییک دیک جای، داش بیلن اوریلن، کؤپلنچ مسجد و زیارتگاهلارینگ اوستینه سالینیان گنبد.
- گنج** *ganj*: خزینه، قیزیل کومیش، بهالی قمتلی زاتلار. گنج باد آورده: زحمت سیز اله گلن، خسرو پرویزنینگ گنج لرنینگ بیرى.
- گنجاندن** *gonjandan*: مص. م. (= گنجانیدن) سییغدیрмаق، جایلاشدیرماق، بیر زادی بیر جایده یا بیر زادینگ آراسیندا یرلشدیرمک.
- گنجایش** *gonjāyš*: مص. سیغیم سیغیش، گنج و گنجا دییپ-ده آیدیلیپدیر.
- گنجشک** *gonješk*: آوینجاق قوشلار توپاریندن، سرچه.
- گنجشک صحرائی** *gonješk-e-sahrā'i*: ا. چول سرچه.
- گنجینه** *ganjine*: گنجه دگیشلی بولان، گنج مالی، خزینه بهالی زادلاری ساقلانیان یر.
- گند** *gand*: پیس ایس، پورسی.
- گند** *gond*: خایا، قوتداق.
- گندآب** *gand-āb*: مر. (= گندابه) پورسی سو، ایسله نن سؤو، پورسی سؤوینگ جملنن یری، یاتا سو.
- گندم** *gandom*: بوغداى.
- گندمگون** *gandom-gun*: ص. مر. بوغداى ارنگده بولان آدم، بوغداى ارنگلی آدم.
- گندیدن** *gandidan*: مص. ل. ایسلنمک، پورساماق، پورسیماق.
- گنگ** *gong*: یرینگ آشاغیندن سؤو

گچرمک اوچین قویلیان پلانه.

گنگ gong: ص. دیل سیز، کیلاب

بیلمه یان، لال، پلتک.

گنهکار gonah-kār: ص. فا. عاصی،

یازیقلی، گناهکار.

گو gau: ص. سیس، باتیر، پهلوان،

گوریشجنگ.

گو t.gou: توپ یالی توغلاق زات.

گوارا gowārā: ص. فا. طغاملی و

سویجی ایلیپ ایچیلیان اییمیتلر،

تیز سینگیان اییمیت، داتلی اییمیت.

گواه gowāh: ص. آگاه، خبردار، خبرلی،

شایات، گوالیق.

گواهی نامه t.gowāhi-nāme: مر.

شهادت نامه، گواه نامه، گواه خطی.

گوجه t.goje: هلچک، آلوچا.

گوجه فرنگی t.goje-farangi: مر.

پومازور.

گود god: ص. چوقیر، اوی، قوواق،

قورپ.

گودال t.godāl: چوقیر، اوی، قورپ.

گور t.gur: اولی جایلانیان چوقیر، قبر،

کوز، مزار.

گورخر t.gur-e-xar: قۇلان.

گورستان t.gurestān: مر قبرستان

مزارچیلیق، قونامچیلیق.

گورکن t.gurkan: ساققار تورسیق.

گوریل t.guril: [فر] میمونینگ بیر

کۆرنوشی.

گوزن t.gawazn: سوغون، داغ

سیغیری.

گوزپشت guž-pošt: کویکی، بویکیر.

گوساله t.gusāle: آردانا، تانا، گوله.

گوسفند gusfand: کوسپند-ا. قویون،

داوار.

گوسفنددو ساله gusfand-e-do-sāle:

ایششک.

گوسفندنرکوهی gusfand-e-nar-e-kuhi:

آرغالی.

گوش t.guṣ: قولاق.

گوش بر guṣ-bor: ص. فا. کنایه

سۆزی حيله و زرنګلیک بیلن بیر

زادی بیریندن یولماق، قولاق کسیان،

قولاق کبسن.

گوشت t.gušt: ات.

گوشت خالص gušt-e-xāles:

چیلقا.

گوشتخوار gušt-xār: ص. فا.

مخصوص ات ایییان حیوانلار.

گوشمالی guṣ-māli: ا. مص. قولاق

آوقالاما، کنایه: ادب اتمکلیک.

گوشماهی guṣ-māhi: ا. مر. صدف،



گوریل



گود



گوجه



گوجه فرنگی



گوشماهی

دريا قولاغى، دادران - چانگلاق يالى.
گوشه guše: ۱. چت، قيراق، بۇرچ،
كونج.

گوشه گير guše-gir: ص. فا. يکه مزک،
اوزىنى قيراغا چکيان، آدملاردان داش
دورىان، چتده دوريان، چتده ياشايان.
گوگرد t:gugerd: کوکورت.

گوناگون gunāgun: ص. مسر. دورلى
دومن، تويسلى، هر هيللى، هر جوره،
دوره گوى.

گون خان gun-xān: اۇغۇزخانينک
اوغلى.

گونه t:gunē: ۱. يانگاق، يوز، کشب
يوزينک بير قاپدالى، ۲. رنگ و هيل
معنيده.

گونى t:guni: کنفدان ايرى دوقولان
کيسه، قالينک پارچه تاويره نارسه.
گوهر t:gohar: تويس توخيم و هم ده
قمتلى داش، مرواريد نخل، الماس،
ياقوت يالى، گوهر.

گويا guyā: ص. فا. کيله يان کپليجى،
سۆزله يجى، ناطق و گويا ديمه گى،
گمان اتمه، اَشکارا.

گويش guyeš: ۱. مص. کلام، کپ،
سۆزله ييش، سۆز آيتماق، گورله مه.
گهريا t:gohar-bā: هنجى نينگ بير
گۆرنوشى.

گهواره gahwāre: گاهواره - ۱.
سالانچاق.

گياه t:giyāh: اوت، اؤسومليک.
گياه مگس کش giyāh-e-magas-koš:
ييلمه شک اؤت.

گيتى giti: ۱. جهان، دونيا عالم.
گيج gjz: ص. چاشان، هوش سيز حيران،
سنگسه، آلجرانگ، کله سانگ.

گيرودار gir-o-dār: ۱. مر. دارا - ديره.
گيس gis: (= گيسو) ۱. عيال قيزلارينک
اوزين ساچى، عياللارينک اوزين
اوريملى ساچى.

گيلاس gilās: ۱. ميه ونينک بير
گۆرنوشى، گيلاس.

گيلکى gilaki: گيلانلى نينگ ديلى،
گيلان ده ياشايان ايلاتينک ديلى.

گيوه t:giwe: اوستى آق پاميق دن بولان
نخى کووش، توميس کووش.

گيهان t:geyhān: کيهان، دنيا، جهان.





ل le: عرب الیہبی نینگ ییگیریم
 یدینجی حرفی ابجد حسابیندن ۳۰.
 لا ابالی lāobāli: [ع] ۱. (در عربی
 متکلم وحده از فعل مضارع) قورقیم
 یوق، ۲. فارسچا: قورقمازاق،
 کلّه پروای آدم.
 لاقل lā'aqal: [ع] آزیندن،
 اینگباریسی.
 لائحہ tlā'eh-e: [ع] مؤنث لائح،
 لایحه، دولی یازغی، خط، کامل
 یازغی، نامه، قانون تاسلاماسی،
 مجلس شورای اسلاما دولت طرفدان
 قوللانیپ یعنی تصویب اتمک اوچین
 بریلیان حساب یازغیسی.

لابد lābod: [ع] چاره سیز،
 علاج سیز.
 لبراتوار lābrātowār: ۱. [فر] سینا و
 جای، علمی سینا و لارا مخصوص
 بۆلن جای.
 لات lāt: ص. فقیر آدم، حور زادسیز
 آدم، غریب آدم.
 لات lāt: ۱. [ع] عرب لارینگ اسلام دان
 اونگ سیغینیان بُتی.
 لاجرم lājaram: ق. [ع] چاره سیز،
 علاج سیز.
 لاحول lāhowl: [ع] مخفف لاحول و
 لا قوة الا بالله سۆزی، یعنی گویچ و
 قورپ دینگه خدای تعالی دان غیریغا

یوق دیر.

لال lāl:ص. لال، دیل سیز، کیلاپ

بیلمه یان.

لادن lādan: باغچه ده اکیلیان اونگات

ایسلی ساری گل.

لال lāl: لعل. قیزیل رنگ، قرمیز

دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

لازم lāzem: [فاع] واجب، گر

ضرور، درواییس.

لاله lāle:ل. آياقلى شمع قويوليان

بلوردان بۇلان چراغ.

لاش lāš: لاش، میت، حیوانینگ

ماسلیغی، ۲. عجیز، هوردیپ-ده

لاله lāle: آله، کۆیلنچ چیغ یرلرده

بیتیان کیچی اوسوملیک، چگیلدم.

آیدیلیپ دیر.

لاله زار lāle-zār: مر. گل لاله نینگ

کوپ اونیان بیتیان یری.

لاشخور lāš-xor: ص. حیوانلارینگ

ماسلیغنی اییان، ییرتیجی قوشلار

لاله عباسی lāle-'abbasi: ۱. آغشام

کلی.

بیله کی لاش ایییان حیوان لار و

قوشلار.

لام lām: ۱. مر. تیغ، یوقا نازک دمیر.

لاشه lāše: نکا، لاش؛ ماسلیق.

لاما lāmā: ۱. درویشلرینگ زینت

اوچین اۇرۇنیان قۇشاغی، ۲. لاف

لاعلاج lā'la:ق. [ع] چاره سیز،

علاج سیز، ایم سیز، تاقاداسیز.

پارداق دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

لاغر lāqar: ص. [ع] انسان یا

حیوانینگ هوری، آرینگی.

لاما lāmā: [فر] اورکوچ سیز دیه، گون

اۇرتا امریکاده تاپیلار، بوی بۇلسا،

بیر متردن کۆپ بولمالی دال.

لاف lāf: بیهوده کپ، پوچ کپ، بیدرک

کپ، بۇلغی سیز کپ.

لامپا lāmpā: مأخوذ از لامپ فرانسه،

نفت بیله یانیان چرا.

لاقید lāqiya: ص. [ع] پروای سیز،

بولغی سیز، بی پروای.

لامع lāme: ص. [فاع] یالدریاق،

پارلاق، یالدریایچی.

لاک lāk: هندوستانده آغاچدان اونیان

قیزغیلت زات.

لامکان lāmakān: ص. [ع] مکان سیز،

تونک سیز، جای سیز، یرسیز.

لاک پشت lāk-pošt: پشیشباقا،

پیشدیل.

لانه lāne: اوی، کتک، آری نینگ

لباس :lebās. [ع] اگین اشیک، البسه

جمع.

لبخند :lab-xand. مر. بیلغیرما، دوداق

گولمه، دوداق دینگه بیر بیریندن
آچیلما گولکی.

لبن :laban. [ع] سویت، انسانینگ

حیوانینگ سویدی، البان جمع.

لیک :lābbeyk. [ع] تلبیه مقامده،

قبول اطاعت ادیارین سنینگ
امرینگی دیمک.

لتکه :lotke. امر. ناو، گامی.

لهپه :lape. ا. نوخودینگ یاریسی لهپه

آدیندا.

لجاجت :lejājat. مصر. [ع]

چکه لشیک اتمک، جدل اتمک،

کجال لیق، ارجه شیک.

لجام :lejām. ا. [ع] (= لگام) آطینگ

آغیزدریغی، اویانی.

لجن :lajan. لای، پالچیق.

لجوج :lajuj. مصر. [ع] کجال، جدلچی،

اونگوشمازاق، ساواشجانگ.

لچک :lačak. اوج بورچ یالیق،

عیال لارینگ باشینا آتیان یالینی،

قینکاج.

لحاظ :lahāz. [ع] گوزینگ چتی،

قیاغی.

خانه سی، آلا نه هم دیلیپ دیر.

لاهیجی :lāhiji. ص. ن. لاهیجانلی،

لاهیجانا باغلی.

لایتناهی :lā-yatanāhi. ص. [ع]

چاک سیز، سونگ سیز، بیچاق.

لایزال :lā-yazāl. ص. [ع]

زوال سیز، همیشه لیک، بدی لیک،

توکه نک سیز.

لایعقل :lā-y'qel. ص. [ع] عقل سیز،

دوشنوم سیز، بیلیم سیز، سامسیق،

نادان.

لایق :la-yeq. ص. [ع] یاراشیقلی،

گلشیکی، مناسب، لایق.

لاینحل :lā-yanhal. ص. [ع] چوزیب

بؤلما یان، حل بؤلما یان.

لاینفک :lā-yanfak. ص. [ع]

آیریلما سیز، آچیلما سیز.

لاینقطع :lā-yanqate. ص. [ع] ایزلی

ایزینا، همیشه، ایزا گیدرلی.

لؤلؤ :lo'-lo'. [ع] دُر، مرمر، مروارید،

قیمت بهالی داش.

لب :lab. دوداق. لب به لب: پُرپر،

آغزیندان.

لباب :lobāb. ص. [ع] سایلانان،

خالص، الین، حوز و بادام یالی

زادینگ مغزی و ش.م.



لجام

- لحاظ lahāz: مص. [ع] گۆز قياغی بیلن
باقماق، آگاه بولماق.
- لحاف lahāf: ا. [ع] یۇرغان.
- لحد lahad: ا. [ع] گور، قبر، الحاد و
لحدود جمع.
- لحظه tlahze: [ع] سالییم وقت،
آزسالییم، گۆز آچیپ یومیانچانگ، بیر
دم.
- لحن tlahn: [ع] آواز، هنگ، حوش
سس، الحان و لحون جمع.
- لخت loxt: یالانگاج، چیبلاق، اشیگی
یوقا.
- لخت tlaxt: ا. تیکه، بۆلک، بیر
زادینگ بولهگی، ۲. گرز دییپ-ده
آیدیلیپ دیر.
- لخته tlaxte: تیکه، بۆلک، بیرزادینگ
تیکهسی قان یالی، لخته خون، لخته
جگر یالی.
- لدن ladon: [ع] دوویر، زمان یانی
معنی ده علم لدنی: ذاتی طبیعی
بیلیم، استادسیز اوورنیلن علم، قۇیما
قۇرساق.
- لذت lezzat: ا. [ع] لذت، حوزیر،
حوشلیق، لذات جمع.
- لذیذ laziz: ص. [ع] طاماملی، داتلی،
لذائذ جمع.
- لر lor: ا. ۱. مراد، مقصد ۲. قۇزی
معنیده هم آیدیلیپ دیر.
- لر lar: ا. جوب، پورسی سۇو.
- لرد lard: ا. صحرا، چول، بیابان، آط
چاپغی میدان.
- لرز larz: مص. تیتیرهه، قیمیلدی،
جنبش.
- لرزاندن larzāndan: مص. م.
تیتیرتمک، قیملداتماق.
- لرزه larze: ا. مص. نگا. لرز، تیتیرهه.
- لرزیدن larz-idan: مص. ل.
قاقشماق، تیتیرهه، قیمیلداما.
- لزوم lozum: مص. [ع] واجب بۇلماق،
ضرور تاپماق، گرک بۇلماق.
- لژ lož: ا. [فر] ۱. آغاچدان اوتاق، کچی
اتساق، ۲. تماشاخانه لاردا اووکی
اوتورلغیچ، اووکی ردیف.
- لسان tlešn: [ع] دیل، السنه جمع.
- لسان الغیب lešn-ol-qayb: امر. [ع]
ایچکی گیزلین سیری آیدیان، آدلی
شاعر خواجه شمس الدین محمد
حافظ شیرازی نینگ لقبی.
- لشکر laškar: ا. جم ارتش، حربی
قوشونینگ بیر بولهگی، اون ایکسی
مونگ سربازدان عبارت.
- لطافت letāfat: مص. [ع] یومشاق،

نازیک، آوادنلیق، گۆزللیک، یومشاق،
اونگات سۆز.

لطمه latme: ۱. [ع] صدمه، ایلکی
تپانچه اۇرماق، شاپپاق، آزار، مصیبت،
لطمات جمع.

لطیف latif: ص. [ع] یومشاق، نازیک،
مهربان، مهرلی، ایسنیشیق، اونگات
قیلیق لی، یاقیملی لیق.

لطیفه latife: ص. [ع] مؤنث لطیف،
اونگات سۆز، شادلیق شاوخینلی
گپ، شادلیق گتیریان گپ، لطائف
جمع، دگیشمه.

لعل la'l: ۱. [ع] قمت بهالی داش.

لعل la'all: ق. [ع] کاشکی، شاید، مگر،
بلکی.

لعن la'n: مص. [ع] قارقیش اتمک،
سوومک، قاوماق.

لعنت la'nat: ۱. [ع] قارقیشلاماق،
لعنت، عذاب، سووینچ، لعان و لعنات
جمع.

لعین la'in: ص. [ع] ملعون، لعنت
ادیلن، قارقیش سینگن.

لغت loqat: [ع] سۆزلوک، مشکیل
سۆز، لغت.

لغزش laqzeš: ۱. تایما، سوروشمه.

لغو laqw: [ع] بیدرک سۆز، باطل پوچ

کپ، بولغی سیز کپ، حسابا سانا
کلمه یان زات.

لغوی loqawi: ص. [ع] لغته دگیشلی
باغلی، علم لغتی بیلیان.

لغافه laf(f)āfe: ۱. [ع] زادینگ داشینا
دولانیان زات، لغائف جمع.

لفظ lafz: ۱. [ع] سۆز، کپ، آغیزدان
چیققیان کپ، الفاظ جمع.

لقب laqab: ۱. [ع] اؤز اصلی آدیندن
آیری باشغا بیر آدا شهرت تاپان،
لاقام، لقب.

لقمه loqme: ۱. [ع] بیر آغیز سالیم
اییمیت، لقمه، بیر لقمه.

لک lak: مینک، اگین اشیکه دگیان هاپا.
لکام lokām: ص. ۱. حیاسیز،

تربییه سیز، اوتانچ سیز، ۲. قاتی
یوغین هیکللی آدم.

لک لک lak-lak: آفاق لاری و بویون
اوزین اوچیجی قوش.

لکنت loknat: مص. [ع] لکنته، دیل
توتوق لیق، دیلی باسیق، دیلی پلنتک.

لکه lakke: ۱. مینک.

لگام leqām: آطینگ آغیزدریغی،
اویان.

لمس lams: مص. [ع] ال چکیپ
گۆرمک، ال بیله سیپاپ گۆرمک،

سىپالاماق.

لمع 'lam: مص. [ع] يىلدىراماق،

ياغتى لانماق، يانماق، شۆھلەلنمک.

لمعه 'lom'e: ا. [ع] ۱. اول اوتونگ

آراسىنداقى قۇراق اوت، ۲. آق مېڭ ۳.

ياشايشىڭ آز عشرتى، لمع و لماع

جمع.

لم يزرع 'lam-yazra: ص. [ع] اکماگه

ياراشىقلى يىر بۇلمادىق، زراعت

بىتتىرمە يان يىر.

لنبر lonbar: ص. ۱. سمىز، يوغىن

هیکللى، دایاو ۲. بۇت.

لنچ lenj: ا. دانەسى آیریلان اوزومىڭ

خوشەسى.

لنچ lanj: ا. مص. ناز، يول يوردا،

گىتمک.

لنجه کردن lonje-kardan: مص. م.

اززىقلىق اتمه، قايالاشماق،

چكەلشمک، سودا ادنسونگ قايتادان

اززىقلىق اتمک.

لنگ leng: ا. ۱. انسانىڭ بىر آياغى،

بوددان بارماغا چىنلى ۲. بىر تى

كووش، بىر لنگه.

لنگ lang: ص. چايشىق، آغساق،

پايتىق، انسان يا حيوانىڭ آياغىنا

آزار يىتىپ دوغرى يۇرىپ

بىلمەسىزلىگى.

لنگرگاه tlangar-gāh: مر. پوروخود،

يعنى گامىلرېڭ دريا لايىر اوقلاپ

دوينه مەگى.

لنگه lenge: ا. يکه، يالنگىز، بىر تى

كووش.

لنگیدن langidan: مص. ل. آغساماق.

لو law: ا. دۇداق.

لو law: بىر هیل حالوا.

لو law: ا. دپه، تپه.

لوائح lawā'eh: [ع] جمع لائحہ.

لوازم lawāzem: [ع] جمع

گرکلى لیکلر.

لواط lewāt: مص. [ع] ارکک آدم بیلن

اوغلانینگ اربت ایش اتمەگى.

لویا lubiyā: ا. نۇبیا.

لوت lut: ص. يالنگاچ، لخت.

لوٹ laws: مص. [ع] بولاشدیرماق،

قاوی زادی اربد زات بیلن یوغورماق.

لوزتین lawzatayn: [ع] ایکی سانی

بوغازده بۇلان بادام یالی ماز.

لوس lus: ص. يالچی، کلچیک، کأس،

سۇوچىق، غنى، يوف، يالبارما،

جای سیز يره اؤزونى کىچلتمک.

لوط lawt: ا. [ع] ۱. چادر، دون، ۲. قاتی

چالت آدم، شاتیر آدم.

لوکس luku: ۱. [فر] آوادان، هر زادینگ
آوادانی، قشنگی.

لولا law-lā: «لو» و «لا» بـیـلـن
یوغورلان، یعنی اگر یوق لولاک یعنی
اگر سن بولماسانگ، پیغمبرمیز
معروف حدیثینه اشاره، لولاک لما
خلقت الافلاک یعنی اگر سن
بولماسایدینگ دونیانی یعنی
فلک‌نی، عرش-کرسی دۆرتمزدیم
دییار.

لولو lulu: ۱. قۇرقۇنچ شكىلى،
اوغلانلارینگ قورقیان هیکی.

لوله lule: ۱. پتله.

لوم lawm: مص. [ع] کائیمک، ملامت
اتمک.

لون lawn: ۱. [ع] ایرنگک، هیل، کشپ،
الوان جمع.

لوند lawand: ص. هر جانی عیال،
مسخره و لاوړا عیال.

لهب lahab: ۱. [ع] ۱. هاور، یالین ۲.
توران توزان.

لهجه lahje: ۱. [ع] شیوه، کپله شیک،
دیل، سۆزله‌مه‌گینگ یولی، تلفظ.

لیاقت liyāqat: مص. [ع] یاراشیقلى
لیق، گلشیکلى لیک، دوشوملى لیک.

لیبرال liberāl: ص. [فر] آزادلیقى

ایسلیجی، ایسله‌یان، ارکین‌لیگی
سویان.

لیتر liter: ۱. [فر] بیر دسیمتر مکعب
مقطر سؤو بیلن برابر بۇلان اؤلچک،
تخمیناً بیر کیلو آغرام‌لیقده بۇلان
پیمانہ.

لیث lays: ۱. [ع] ۱. ارکک آرسلان،
یولبارس ۲. کلبلی موینگ بیر
حیلنه‌ده آیدیلیار.

لیدر lider: ۱. [فر] رهبر، یولباشچی،
باشلیق، حزبینگ باشلیغی و
یولباشچی‌سی.

لیر lir: ۱. [فر] ایتالیا یوردی‌نینگ پولی.

لیره lire: ۱. انگلستانده و ترکیه‌ده
یوریان قیزیل بۇلان بیر بۆلک سکه،
هر بیر انگلیسی لیره پیگرم شلینگ و
ترکیه لیره سی یوز پیاستر بیلن برابر
و شول یوردلرینگ پول برلیگی.

لیریکی liriği: عشقی قوشنی،
عشقی شعر.

لیز خوردن liz-xordan: مص. ل.
سوروشمک، یرہ کله دگمک،
سوروشیب ییقلماق، بودریمک،
تایماق.

لیسانس lisāns: ۱. [فر] رخصت خطی،
یوقاری بیلیم آلان آداما بریلیان

- علمی درجه، دکتری درجه سیندن
اونگ، یعنی آشاق درجه ده بولان
علم لی یعنی لیسانس اوقونی قوتاران
آدام.
- لیسانسیه lisānsiye: ص. [فر]
دانشنامه و لیسانسینی آلان آدام.
- لیست list: ا. [فر] حساب دفتری،
آدلارینگ صورتی.
- لیسیدن lisidan: مص.م. یالاماق.
- لیقه liqe: ا. [ع]. بیر بۆلک نخى و
یوپکدن عبارات بۆلان اونى مرکب
قویولیب دواته سالینیار.
- لیل ley: ا. [ع] گیجه، آغشام.
- لیمو leymu: ا. لیمون.
- لیموناد leymu-nād: ا. [فر] لیمو
عمانی، تورشیجا، گازلی لیمون
سؤوی بیلن شکر دیر، شربتدن
بجرلان ایچمه لی نارسه.
- لیوان liwān: ا. سؤو ایچیلیان
کوروشکه تاویره آیراتین سؤو
ایچیلیان قاپ.
- لیوه liwe: ص. ۱. آلداوچی، یالچی،
آقماق و سامسیق، نادان و هرزه ۲.
سالاخ، سِلکی.



م me: عرب الیپبسی نینگ ییگیریم
سکیزینجی حرفی، ابجد حسابیندان
۴۰.

مائده t.mā'ede: [ع] مائدة، بزەلین
سفره، طعام، مائدات و موائد جمع.
مابعد māba'd: ص.ع. اوندان سونگ.
ماقی mābaqi: قالان زات، قالانی،
آرتیب قالان.

مایین mā-beyn: [ع] اورتاده، آزاداکی.
مات māt: ص. سرگزدان، آلجرانگ،
آنڭالان. مات شدن: آنڭالماق.
ماتریالیست māter-i'ylist: ص. مر.

مادی، دهری و ماتریالیسم لاردان
ایزارلایانلار؛ ماتریالیسم: اولار

روحیات و معنویات منکره دینگه اولار
مادی نی -- انیایارلار، دنیانی باقی و
ابدی بیلیانلر، یعنی ماتریالیستدن
ایزارلایانلار.

ماتم tmātam: یاس، مصیبت، آغسی،
اولوم گورن آدم.

ماتم mātām: [ع] جماعتینگ
ییغنانیان یری، یاس و عزا توتما.

مآثر mā'sser: [ع] قاوی اونگات
ایشلر، حالانان ایشلر، جمع مآثره.

ماجرا tmājerā: [ع] باشا دوشن،
بۇلان و اقا، باشا گلن.

ماجراجو mājarāju: ص. فا. شر
باشی، حادثه تۇرۇزیان، فتنه چی،

بولغا يېچى.

ماچ t:māč. اوغشاما، اۋىمە،

اوغشايىش.

مادام t:mādām. [فر] خانم، عيال.

مادر t:mād. اجە، نانە.

مادراندر t:mādar-andar. مر. اۋۋى

انە، اۋۋى اجە.

مادر بزرگ t:mādar-bozorg. مر.

ماما، دادنگ اجەسى.

مادە t:māde. [ع] هر زادىنگ مايەسى،

اصلى.

مادە t:māde(h). ص. اورقاچى، چاغا

دوغورىان حيوان، عيال.

مادى t:mādi. ياشايشا دگىشلى بۇلان

مال.

ماديان t:mādiyān. ا. بايتال.

ماديان نازا t:mādiyān-e-nāzā.

دوغورمازاق، قيسر بايتال.

مار t:mār. ا. ييلان.

مارپىچ t:mār-pič. ا. مر. ۱. توقاغلاق

زادىنگ داشينا آيلانان دميره يول

آيلوى ۲. ييلانىنگ يردن اگره ئىپ

گيدىشى يالى.

مارچوبە t:māčube. سرسپيل.

مارس t:mārs. [فر] فرنگى يىلىنگ

اوچىنجى آيى.

مارشال t:mār-šāl. [فر] سردار،

سپهبد.

مارك t:mār. ا. [فر] آلمانىنگ پولى

بىر فرانك و ۲۵. سانىم فرانسه

ياقىن دگرلى.

مارك t:mār. ا. [فر] نشان، ايز، بلگى،

كارخانه لرىنگ چىقارىان

اۋنوم لرىنىنگ اۋستونه اورىان

بلگىسى، علامتى، نشانى.

ماركسىست t:mār-k-sist. ص. فر.

ماركسىسم يۇلۇنى ايزارلاب قبول

اڭدىان آدم، ماركسىسم يولىنه گىرن.

مارگرىت t:mār-garit. ا. [فر] مينا

كلى.

مارگىر t:mār-gir. ا. ص. يىلانى دىرى

تۇتىان آدم، يىلان تۇتۇجى.

مارماهى t:mār-māhi. ا. مر. يىلان

تاويرە بالىق، يىلانا منگىزىش بالىق.

مارى t:māri. ص. اولن، هلاک بۇلان.

مازاد t:māzād. [ع] گىرکلىكدن

آرتىقماچ بۇلان، زياده گلن زات،

آرتىقماچ.

ماژىك t:māzik. ص. فر. اگىرت، گنگ،

انايى، جادىجى چىلىق.

ماساژ t:māsāz. مر. اوقلاما، اندامى

اوقالاماق.

ماست māst: ۱. قاتیق، یوغورت.

ماسک māsk: ۱. [فر] یوز اورتگی،

نقاب، یوزونگ بوره یان زاتلار.

ماسوا māsaawā: [ع] اوندان غیرى،

اوندان باشغا، ماسوی الله: خدای

تعالی دان غیرى، الله تعالی دان

غیری.

ماسه māse: ۱. چاگه.

ماش māš: ۱. ماش، عدسه منگزش

عربچه ده ماش دیلیار فارسچه بنو

سیاه ده دیلیب دیر.

ماشالله mā-šā-āllāh: [ع] خدایینک

ایسته ماگنه گورا، کؤپلنچ قاوی

تانیماقلیق و حیران قالماق لیق مقام دا

آیدیلیار، برک الله، تووهلمه.

ماشین māšin: ۱. [فر] آرابا، آقتامایل،

آقتامیل، ماشین.

ماضی māzi: [ف.ع] گچن وقت، گچن

زمان.

ماعون mā'un: [ع] ۱. قاویلیق،

خیر-احسان، پیدالانیان زات ۲. پس

پال لیک مطیع لیق معنیده.

مافات māfāt: [ع] الدن گیدن، گچن

زات، اولن.

ما فوق mā-fowq: ص. [ع] یوقاری ده

بۇلانال، اوستونال، اوزینگدن یوقاری

درجه ده بۇلان آدم.

ماقبل mā-qabl: ص. [ع] اونگ گچن،

اوندان اونگ.

ماکارونی mākāruni: ۱. [فر] اونلی

آش، فرنگی رشته.

ماکت māket: [فر] گورکزمه اوچون

قالینک کاغذدان آغاچ دان بجرلن اوی.

ماکو māku: ۱. خیاطی، تکيجی لیک

ماشینینگ آبرالی. ۲. دوقیجی لیق

دستگانینگ قورالی.

ماکیان mākiyān: ۱. تاوویق، قوشینگ

ماکیانی، ارکک دال.

مال māl: [ع] بایلیق، آدامینگ الینده

بۇلان ملکی، پولی.

مالاریا mālāriyā: ۱. ایسییتما و

قیزدیرما کسلی.

مالامال māl-ā-m-āl: ص. مر. دۇپ

دۇلی، قیرماقیراد، قاتی کوپ.

مالت mālt: [فر] آریانینگ باش

چیقارماغی، آریا.

مالدار māal-dār: ص. مر. بای،

قوریلی، کۆپ ماللی.

مالش māleš: ۱. مص. اندامی

آوقالاما، آوقالاما.

مالک mālek: ص. [ع] ایه، خدای

تعالی، مُلک ایه سی، بیر زادینگ



ماسک



ماش



ماکیان

ایه سی بۆلن. بخوجایین.

مالیات māiyāt: عربی دیلدن آلینان،

باج، سالفیت آلمیت، مالیه اداره
سنینگ قانون یوزونسدن آداملاردان
آلیان پولی.

مالیدن māl-idan: مص.م.

سویکامک، سیفاماق، بیر زادینگ
یوزونه ال چکمک، چالماق، بیر
زادینگ یوزونه رنگ و یا یاغ چالماق.

مالیه māiyāe: ۱. بایلیق.

ماما māmā: ۱. گویک انه، قابله.

مامان māmān: ۱. [فر] ۱. اجه، انه ۲.

زادینگ آوادانینا هم آیدیلیان،
فارسجه گورنیکلی آوادان معنیده.

مامک tmāmak: کیچی انه، اجه.

مان mān: ۱. اوی، اوی اسبابی.

مان mān: منگزش.

مان mān: ص. ضمیره باغلی سوز،
بیرینجی شخص جمع: «کتابمان/
کتابیمیز».

مانتو mānto: ۱. [فر] یاغین گچیرمیان

اوزین اشیک، یاغین گچیرمیان پالتو.

ماندگار mānd-(e)-gār: ص.فا.

همیشه لیک قالجاق، قالمالی، برک
ماکام، اویتگه مه سیز، بیر یاغدایدا
اویتگه مان قالیان.

ماندن mān-dan: مص.ل. منگزامک،
اوغشاماق.

ماندن mān-dan: مص.ل. قالماق،
دورماق، قویماق، بۇلماق، دوینه مک.

مانژ mānž: آط ترتیبی، یوریته آط

تربیه لمک، آط چاپماق و ورزش
اوچین اوستی باسسیریلنی جای،
باسسیرغیلی جای.

مانع māne': ۱. [فاع] ساقلایجی، اونگه

گچیجی، بووت بولیجی،
آسیلجانگلیق، سلتنگ بریجی،
پاسگل چیلک

مانند mānand: منگزش، منگزتمه،
چالیمداش.

مانور mānowr: ۱. [فر] قیمیلدی،

اؤرۇش عمل لرنی تمرین و اندیک
اتمک یولی بیلن گچیریلیان
سیناوجیلیق، ارتشینگ اؤرۇش نقشه
سینه دورلی بۆلک لرده ادیلیان
قیمیلدی، حرکت.

ماورا māwarā: ۱. [ع] آرقا طرف،
آنگرسی، ینگسه طرفی.

ماه māh: ۱. آی.

ماه آب tmāh-āb: مر. آبان، آبان آی.

ماهانه māhāne: ق. آیلیغنا، آی به آی

بریلیان حق.

ماہتاب māhtāb: ا.مر. آیینگ یاغتی
سی، آیینگ شعلہ سی، آیینگ
یالقیمی.

ماہر māher: ص.[ع] چپر، استاد، ازیر،
زیرک، ایش بیلن اوکده.

ماہرخ māh-rox: ماهر، آوادان
گورنیکلی و آی یالی، آیا منگزش
دیپ-ده آیدیلیار، آی یوزلی.

ماہروی māh-ruy: ا. آی یوزلی،
آوادان، آی یالی.

ماہ نو māh-e-naw: ا.مر. یانگی تازه
دوغان آی، آیینگ آوالقی دوغان
گیجہ سی.

ماہو māhu: زینت، بزک.

ماہوت māhut: بگرس.

ماہور māhur: ا. بیکلی و چوککلی
یر، داغ لیق درہلیک یر.

ماہور māhur: ا. ایرانی آہنگ لرینگ
بیر گورنوشی، سازلرینگ بیر هیلی،
بیر تویسلی سی.

ماہی māhi: ا. بالیق.

ماہیانہ māhiyāne: ق. آلیق، آی بہ
آی ایشکارلرہ یعنی آیدا بیر گزک
بریلیان حق، ماہگانہ و ماہکانی
دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

ماہیت māhiyat: ا.[ع] ہرزادینگ

طبیعی و حقیقی دورایشی، بولیشی،
ہر زادینگ دویبی توتوش بولوش
اصلی، حقیقی بولوشی، ماہیات
جمع.

ماہی خاویار māhi-xāwiyār: ا.
ایشبیللی بالیق.

ماہی سفید māhi-sefid: ا. آق بالیق.
ماہی سوف māhi-suf: ا. سیلہ.

ماہی کپور t.māhi-kapur: کپیر.

ماہی کفال māhi-kafāl: قارا بالیق.

ماہیگیر māhi-gir: ا.ص. بالیق توتیان
صیاد، بالیقچی، ایشی پیشہ سی
بالیق توتماق بیلہ بۆلن، آوچی.

ماہیحتاج māyohtāj: ا.[ع] اُتیاج
ضرور بۆلیان زات، گِرکلی بۆلن زات.

ماہی مایع māye: ص.[ع] آقیم، آقیان
جسم، ارگین، سوویق لیق.

ماہیل māyel: مائل - ص.[ع] میل لی
ایشدالی، ہوس لی، بیر زادہ میل
ادیچی، گووینجنگ.

ماہیملک mā-yomlak: ا.[ع]
بیرینینگ اختیاریندہ بۆلن،
بیرینینگ ارکیندہ بۆلن، بیرینینگ
بایلینی.

ماء الشعیر t.ma'-oš-ša'ir: مر. آرہا
سووندن عملہ گلیان مایع، آرہا



سؤوی .

ماخذ māxaz: ا. [ع] جمع مأخذ، بیر
زادینگ جای آماغی یول و یول
یوردا، یۆزلگه.

مؤثر tmo'asser: [فاع] اثر ادیجی،
ایز قالدیریجی.

مؤدب mo'addab: ا.مف [ع] ادب
آلان، ادب اووره-نن، تربیت تاپان،
ادبلی، تربیه لی، مدنیت لی.

مؤدی mo'addi: ا.فا [ع] یرینه
یتیریجی، بیتیریجی، اداء ادیجی،
بزمک.

مؤذن mo'azzen: ا.فا [ع] آذان
آیدیان، آذانچی، آذان چکیجی.

مؤسس mo'asses: ا.فا [ع]
قورماقلیق، قورایجی، آچیجی،
اساسینی قوران و دیکلدن، دویبونو
تؤتان، قورنان.

مؤکد mo'akkad: ا.مف [ع]
تاکیدلنن، ماقوللانان، نیغتانیلن،
ماکام و برک.

مؤلف mo'allef: ا.فا [ع] تالیف بۆلان،
کتایینگ یازغیسینی ییغان، کتابی
یازان، یازوچی سی.

مؤلف mo'allef: ا. [فاع] تالیف
ادیجی، کتایینگ مطالبنی ییغان

توپلان.

مؤلم mo'lem: ا.فا. [ع] درد گتیریجی،
آغیری گتیریجی، آغیرلی، دردلی،
قایغی لی.

مؤمن mo'men: ص.فا. [ع] ایمان لی،
ایمانی بار بۆلان، ایمان گتیرن، تقوا.

مؤید mo'ayyad: ا.مف. [ع]
نیغتانیلان، گویج بریلن، ماقوللانان،
برکیلن.

مأمور ma'mur: ا.مف. [ع] امر بۆلان،
بویروق بریلن، بیر ایشی بیتیرماگنه
ایبرلن آدم، قوللو قچی.

مأموم tma'mum: مف. [ع] نمازده
امامه اویوب دورماق.

مأمون ma'mun: ا.مف [ع] امانلی،
قورقی سیز، خوف سیز.

مأنوس tma'nus: مف. [ع]
اووره-نیشن، عادت لاشان،
اندیکله شن.

مأوی ma'wā: ا. [ع] جای یر، بوقی یر.
مأیوس ma'yus: ا.مف [ع] امیدینی
اوزن، امید سیز، ناامید بۆلان، سوس.

مباح mobāh: ا.مف [ع] حلال ادیلن،
جایز، رواه حلال.

مباحثه mobāhese: م.ص [ع]
بحث دش، بیله بحث اتمک،

جدل لشمک.

مباد ma-bād: دعا سوزی.

مبادا ma-bād-ā: خدا ایله مه سین،

یوق بؤلسون.

مبادرت mobāderat: مص. [ع]

مبادرة، اونگه گچمک، هاولیقماق،

تیزلشدیرماق، بیر ایشه یوزلنمک، بیر

ایشه یوز اورماق.

مبادله mobādele: مص. [ع] مبادلة،

بیری بيله بیرزادی آیش بریش

اتمک، چالشماق، آتمان تابار اتمک،

عوض اتمک، مال بيله مال سودا

اتمک، آلیشیک چالیشیق.

مبارزه mobārez-e: مص. [ع]

ساواشماق، اوروشماق، دیرجاشماق،

چالیشماق بیر بسیرینگ بيله

چکه لشمک.

مبارک mobārak: ص. [ع] برکتلی،

برکت تافان، قوتلی.

مباشرت mobāšerat: مص. [ع]

مباشرة، اوز الینگ بيله ایشله مک،

بیر ایشه یوزلانمک، جماع اتمک،

یاناشماق.

مبالات mobādelāt: مص. [ع] بیر

ایشده اویلانماق، تقلا اتمک، کوشش

اتمک.

مبالغه mobāleqe: مص. [ع] مبالغة،

بیر ایشه ایشنگگیر قاتناشماق، بیر

ایشده قاتی گیتمک، حددن آشماق،

بیرینی تارپیلاماقداد حددن گچمک،

چندن چیقماق، اولاتما.

مبانى mabāni: [ع] بنالار، جای لار،

ساختمان لار، تام لار، جمع مبنی.

مباهات mobāhāt: مص. [ع] مباهاة،

قؤوانماق، ایشانماق، بویسانماق

بیرینه یا بیرزاده قالقینماق.

مباهى mobāhi: ص. [ع] بویسانجی،

قؤوانیجی، ایشانیجی.

مبتدى mobtadi: ا.فا. [ع] مبتدء، تازه

ایشه باشلان، باشلايیجی، اوورنجه.

مبتذل mobtazal: ا.مف. [ع] اهلی

آدمینگ گورن زادی بؤلمالی، آياق

آستینا قسالان، یاراماز، پس

حالانمادیق، بولغی سیز، ییگره نیلن،

أتبریلن، حرمتی قاچیران.

مبتکر mobtaker: ا.فا. [ع] تازه بیر

زادی دؤره دن آدم، اویلاب تاپان بیر

تازه زادی دؤره دن.

مبتلا mobtalā: ا.مف. [ع] مبتلى بلا و

دردسره دوشن، درده بلا قالان، آزاره

دوچار بۇلان.

مبتنى mobtani: ا.فا. [ع] دیکالیدیجی،

بنا اديجى، قۇرئۇجى.

مېشوت mabsus: ا.مف [ع] يازماق،

يازىلان، يايرادىلان.

مېدأ 'mabda: ا. [ع] باشلاما، علت

اصل، سبب، باشلانغىچ، مبادى جمع.

مېدع 'tmabde: [ع] بىر زادى

تازەدن تاپىپ الە آلان آدم، بىر زادى

اوزى دورەدن آدم.

مېدل mobaddel: ا.مف [ع] بدل

ادىلن، چالیشان، اويتگە دىلن.

مېذول mabzul: ا.مف [ع]

باغىشلانان، قناعتلاندىرلان.

مېرا mobrrā: ا.مف [ع] گناھدان

يوويلان، گناھسىز چىقان، گناھدن پاك

بۇلان، تھمتدن پاك بۇلان.

مېرز mabraz: ا.اف [ع] قضا حاجت

سۇو دوکوليان قويى، آياق يولىنە

اوتوريليان یر.

مېرز mobarrāz: ا.اف [ع] گورنىب

دوران، آيدىنگ آشکار، يولا دوشن،

اوستونلىک.

مېرم tmobaram: ا.مف [ع] ماکام، برک،

دوزىنقىلى.

مېرھن tmobarhan: ا.مف [ع] آشکار،

دليللى، سببلى.

مېسوط mabsut: ا.مف [ع] آچىلان

يايران، شرح بريب گىنگلدىلان،

يايرادىلان.

مېشر tmobaššer: [ع] بوشلايچى،

گۆز آيدىنگ دىيچى.

مېصر tmobasser: [ع] ساقچى،

قاراوول، ساقلايچى، گۆزۇجى.

مېصر mobser: ا. [ع] گوريچىلىك،

ياغتىلاندىريچى، داناليق بىلن.

مېبث mab'as: ا. [ع] اىبرىلمەگى

زمانى و مكاني، پىغمبر خدانىنگ

پىغمبرلىغا يتن گونى، اول گون، رجب

آيينگ يىگرم ىدىسى بۇلمالى.

مېعوث tmab'us: ا.مف [ع] اىبرلن،

يوللانان، گوندرلن، روانە ادىلن.

مېبل tmobl: [فر] اۋى اسبابى، ميز و

صندلى و آيرى آغاچدان ادىلن زاتلار.

مېبلغ mablaq: ا. [ع] حددە يىتمک،

زادىنگ آنگرى چاگى، چن چاقا

يىتمک، پۇلۇنگ اندازەسى و مقدارى

مبالغ جمع.

مېبلغ moballeq: ا. [ع] تبليغ اديان،

اۋويان، يىتيريچى، يىتيريان بىر

بويرىغى يادە حکمى عقيدانى باشغا

بيريئە يىتيريان آدم.

مېنى mabnā: ا. [ع] مېناء، بنا ادىلن

يرى و زادىنگ کوکى، پايا و اساس .

مبني mabni: ا. مف [ع] تكيلىن لر

ياسالان لار، بنا اديلن لر.

مبهم mobham: ص. مف [ع]

گومورتىك، باسسيرغىلى اورتىگىلى،

چىلىشىرىملى، بللى سىز، دوشنىك

سىز ايش، نابللى، بللى بۇلما دىق.

مبهوت mabhut: ص. مف [ع]

آلجراىك، چاشان، آنگالان، حيران

بۇلان، اۇزونى يىتيرن.

مبين mobayyen: ا. فاع [ع] اشكار

اىچىق، آچىق اىچىق، آچىق و بللى

اىچىق.

مبين mobin: م. فاع [ع] بيان اديلن،

اشكار اديلن.

متابعه motābe'at: م. ص. فاع [ع] متابعه،

ايزارلاماق، ايزىندان گىتمك، تابع

بۇلماق، بۇيۇن بۇلماق.

متاركة motāreke: م. ص. فاع [ع] متاركة،

ترك اتمك، قويىپ قايتماق، بىرى

بىرىنگان ال چكمك، ال چكمك.

متاع matā': ا. فاع [ع] متا، قوش، اسباب

زات، آلپ ساتىليان زات، ساتىليپ

نپ گورىليان زات.

متانت metānat: م. ص. فاع [ع] متانة،

ماكام بۇلماق، برى بۇلماق، قايم

بۇلماق، قوجورلىق، سىكىنلىك،

آغراسلىق.

متأثر mota'asser: ا. فاع [ع] اثر اديان،

اثر اديجى، قايفىلى اينجان،

توقاتلى قايفىلى، حسرتلى

متأسف mota'ssef: ص. فاع [ع]

اوكونچلى، قايفىلى، غملى، دردلى.

متألم mota'allem: ص. فاع [ع] دردلى،

اينجىلى، دويدانسىز بۇلان واقسادان

آغىرى قالان، درد تاپان.

متأمل mota'ammel: ص. فاع [ع] بير

ايشده اويلانيان و بوكدنيان آدم.

متأنى mota'nni: ص. فاع [ع] ساقلانما

بير ايشده اويلانيان و بوكدنيان آدم،

اويلانشىقلى آدم.

متأهل mota'ahhel: ص. فاع [ع] عياللى

فرزندلى بۇلان، اويله نن.

متبحر motbahher: م. ص. فاع [ع] قاتى

دانا، كۆپ بىلملى علمى آدم.

متبرك motbarrek: ص. فاع [ع]

بركتلى خىرلى و مبارك.

متبسم motebassem: ص. فاع [ع] گولر

يوز، گولجى، آچىق يوز، گولك

متجاوز motajāwez: ا. فاع [ع] چن و

چاقدن چىقيجى، اوز حدديندن اونگه

گىدن، توقونان، حددن آشان.

متجلى motjalli: ا. فاع [ع] اشكار بۇلان،

باشی آیلانان.

متخاصم motaxāsem: ا. [فاع.]

دوشمانلیق اتمه، بیرری باشغا بیرری
بیله دعوالاشمان، اورووش اتمه،
اوروشجانگ، جنگ پاران.

متخذ mottaxaz: ا. مف. [ع] آلینان،
آلما.

متخصص motaxasses: ص. فا. [ع]

آیراتین، بیرر ایشده چپرچیلیگی و
اوکدهچیلیگی بۇلان آدم.

متخلف motaxallef: ا. [فاع.]

یالنگیش و بولفی سیز ایش ادیجی،
خلاف ایش ادیجی، یالنگیشرلیق
گوپیریان.

متد metod: ا. [فر] دستور، دوزگون

یۆزلگه علمی یۆرۆشه تاره

متداعی motadā'i: ا. [فاع.] بیرکیشی

آیری بیرری بیلن داعواگار بولماغی.

متداول motadāwel: ا. [ع] داب بۇلان

زات، یۆنگ بۇلان زات، الدن اله آیلانان
زات، یایران زات، داپ و عادت بولان
زات.

متدین motadayyen: ا. [ع]

دیندارلیق، ایمانلیلیق، دینلیلیک،
تقوالیق.

متذکر motazakker: ا. [فاع.] بیر

آچیق آیدینگ، بللی، گۆرکزیجی،

عیان ادیجی.

متحاشی mothāši: ا. فا. [ع] بیر طرفا

آیریلان و جدا بۇلان داشدا دوران.

متحد mottahed: ا. [فاع.] بیررگمک،

بیری یا بیر زات بیرری بیلن بیررگن،
بولسون، بیرلشمه.

متحدالشکل mottahed-ol-šekl:

ص. مر. منگزش بولماق، شکل دش
بولماق، منگزه مک.

متحد شدن mottahed-šodan:

اوتغاشماق، بیررگمک، بیرلشمک.

متحرک moteharrek: ا. فا. [ع]

قیمیلدا یجی، حرکت ادیجی،
قوزغالما.

متحصن motehassen: ا. [فاع.]

داشینا آیلانلن، بیرینه پناه گتیرن،
بیری نینگ بیر جایده پناه گتیرمه گی،
بیری بیر یره بارپ ارقا توتونماغی.

متحقق motahaqqeq: ا. [فاع.]

دوغری و گونی بولان، بولوجی،
چینلاقایلیق.

متحمل motehammel: ا. [فاع.] یوک

گوتاریجی، صبرلی، جیداملی.

متحیر motahayyer: ا. [فاع.] حیران،

آواره، سرگردان، آلجرانگ، آنگلان،

زادی یاد ادیجی، یادلاما، یادینه
گتريجي، یادینه ساقلایان، خاطرینه
گتريجي.

مترادف moterādef: ا. [فاع]

سیرغین، ایزلی ایزینا، بیرری
بیرینینگ ایزینده یرلهشن و ایزینده
قرار تاپان، بیر ناچه کلمه معنی بیله
آیدیلیپ و یازیلان بولسون.

متراکم moterākem: ا. [فاع] اوستی

اوستونه اوتسوران، اوست اوستونه
بیغنانان، کوپ اویشن، کویلوک.

مترجم t.motarjem: ا. [فاع]

ترجمهچی، بیر دیلدن آیری دیله
ترجمه ادیان.

متردد t.motaraded: ا. [فاع] کلیم

کیدیملی، بیر زادا شکلی بۇلان، ایکی
کونگلی، یایدانجانگ.

مترصد t.motarassed: ا. [فاع] گوز

یولدا لیق، قاراشما.

مترقی t.moteraqqi: ا. [فاع] یوقار

گوتاریلما، قالپ یوقار گیتمه، اووه
گیتمه.

مترو t.metro: [فر] برقی ترن و یر

آشاغیندن قاتنادیان، آیاغ اولاغ.

متروک matruk: ا. م.ف. [ع]

تابشیریلان، بیرری نینگ ارکینده

قوییلان، ترک ادیلان، قالدیریلان،
قالان.

متساوی motsāwi: ا. [فاع] برابر،

دنگ، بیله قیرادنگ.

متشاعر t.motš'er: ا. [فاع] اوزینی شاعر

بیلیان و شاعر اوی ادیان، پارداق.

متشاغل t.motšāqel: ا. [فاع] بیرایشه

گویمنیان آدم، ایشلی آدم.

متشخص motešaxes: ا. [فاع] اولی

آدم، آیراتین بییک آدم، بللی

سیلاغلی آدم، تانیلیان آدم.

متشکر motašakker: ا. [فاع] منت

دار، ساغ بول دیمک، منت دارلیق

بیلدیرمک.

متشکل motešakkel: ا. [فاع] شکل

تایدان قبول ادیلن، آیراتین گورنیشه

صوراتا چیقان بۇلمالی.

متشنج motešannej: ا. [فاع]

تیتره یجی لیک، ساویقدان یا باشغا

بیر علتدن قالان اوشوتمه، تیتره مه.

متصادف motesādef: ا. [فاع] یوزبه

یوز بولیجی، دوشیجی، ساتاشیجی.

متصادم motesādem: ا. [فاع] بیرری

یا بیرزادینگ بیرری بیرری بیله

چاقیشماغی، بیرری بیرینه اورماغی،

دگماگی.

متصاعد t:motesā'ed: [فاع] یوقار
گیدیجی، بییک‌لیگه چیقیجی.

متصالح mote-sāleh: ا. [فاع] بیرری
آیری بیر کیشی بیلن اونگیشماغی،
ایلالاشماغی، باشغا بیررینینگ
طرفیندان بیر مالی یا ملکی اؤنؤنگ
بیلن ایلالاشیان آدم.

متصدی motasaddi: ا. [فاع] غرامت
کش، باشلیق، مسئول، بیر ایشینگ
باشین تۇتیان، باش تۇتانی.
متصف t:mottasef: [فاع] صفتلی،
دورמוש کشبی بۇلان آدم، صفته ایه
بۇلان.

متصل mottasef: ا. فا. ایزلی ایزنه،
ایزی گیدرلی، سبله‌نن، جیبیسله‌نن،
مداما همیشه باغلانان.

متصور motasawwer: ا. مف [ع]
گمانلی، شک ادیجی، تصوّر ادیجی.
متصور motesawwer: ا. فا [ع] بیر
زادی اوز خیالینگده گوز اونگینه
گتیرمه و گتیريلمه.

متصوف motesawwef: ا. فا [ع]
درویشلیگی صوفی چیلیغی آشکار
ادیپ گورکزیپ، بیان اتمه.

متضمن motazammen: ا. فا [ع]
شامل، اوز ایچینه آلما.

متظلم motezallem: ا. فا [ع] ازیلن،
ستم گورن، بیریندن شکایت ادیپ
حقینگ سوراما.

متعادل mote'adel: ا. [فاع] بیر
آغرامده بۇلان، برابر، دنگ،
بیرآغیرلیقدا.

متعاقب mote'aqeb: ا. [فاع]
بیری نینگ ایزیندان گیدیان آدم،
ایزارلایجی، ایزیندان گیدیجی، تابع.

متعالم mote'al: ص [ع] یوقاری
بییک، قاتی اولی، بلند، خدای
تعالی نینگ صفت لارینینگ بیرری.

متعامل mote'amel: ا. فا [ع] بیرری
بیری بیلن آلیش بریش ایدیان، بیرری
آیری بیر کیشی بیلن سودا ساتیق
یدیان آدم، ساتیان و آلیان، ساتیجی و
آلیجی.

متعدد mote'aded: ص. [ع] سانسیز،
قاتی کوپ، کوپ سانلی، کوپ
مقدارده بۇلان زات.

متعدی mote'adi: ا. [فاع] توقینجی
توقینما، آزار بریجی، ازیجی، ستم
ادیجی، ایزاوی.

متعرض t:motarez: [فاع] بیرری آیری
بیرینه قارشى بولوپ ال اوزاتماغی،
سؤومه‌گی یا بیر ایشه ال اورماغی.

متعصب mote'aseb: ا. فا [ع]

تعصیبالی، تعصیب کش، نامیس جانگ، بیرینینگ بیر ایش درکلی بیرینه تعصیب گورکزمه گی.

متعفن mote'afen: ا. فا [ع] پورسی،

آنگقما، ارید ایسلی.

متعلق mote'aleq: ا. فا [ع] باغلاغلی،

ساللاغلی، آسیغیلی ساپغیلی، همیشه، دگیشلی، باغلی.

متعلقه mote'aleqe: ا. فا [ع] مونث

متعلق، عیال، ارکک آدمینگ عیالی.

متعمق mot'ameq: ا. فا [ع] داشدان

گوریان، زادینگ سونگونوا اویلانیان آدم، اویلانشیقلی.

متعهد mote"ahed: ا. فا [ع] عهد

باغلان، شرطنامه باغلان، بیر زادی بویون آلان، بیر غرامتی گوته رن.

متغیر mote'qair: ا. [ع] بیرینینگ یا

بیر زادینگ یاغداایی دگیشمه گی، اویتگان، آنگلان، چاشان، قهارلی.

مفاوت mote'fawet: ا. فا [ع]

تفاوتلی بولما، فرقلی بولما، جدا، آیری.

متفحص motefahes: ا. فا [ع]

آغتاریجی، بارلایجی، یرغازیجی، دؤریجی.

متفرد motefared: ا. فا [ع] یک

یالنکیز، بیر طرف بولوجی.

متفرق motefareq: ا. فا [ع] پتیرانگ،

پتیراب داشا دوشن، یایران بیرى بیریندن آیرا دوشن.

متفق motefaq: ا. فا [ع] رای داشلیق،

سازلاشیق، رای داش، بیله همراه بولما، آغیز بیر بولما، بیرلشن.

متفکر motefaker: ا. فا [ع]

اویلانیجی، بیرى بیرزات درکلی اویلانیان، فکر ایدیان.

متقابل moteqābel: ا. فا [ع] یوز به

یوز بولما، دوشیشما، یوز به یوز کلمه، دنگ، ساتاشما، برابر کلمه.

متقارن t: motaren: ا. فا [ع] باغلی و بیر

بیری بیله بیریکمه، بیرلشما، اوتناشما، آغیز بیر بولما.

متقاضی t: moteqāzi: ا. فا [ع]

ایسله یجی، بیرى بیریندن بیرزادی خواهیش اتمک.

مقاطع moteqāte': ا. فا [ع] بیر زات

بیر زادینگ اوستیندن گچمه، ایکی خط بیرى بیرینه یتیب کسیپ

گچمه، بیرى بیرینی بولمه، ایکی یولونگ چاقناشیان نقطه سی،

چاتریق.

متقاعد moteqā'ed: ۱. [فاع] اوز

حقينه راضى و قانع بۇلۇپ يىرىندە
اوتوران، ايشىندىن ال چكىب اوتوران
آدم، ايشىدن قالان.

مقتال moteqābel: ۱. [فاع] عربى

چشمەدن، نخىدن دو قوليان آق
پارچە، آق ماتا.

مقتبل moteqābel: ۱. [فاع]

حالايچى، قبول اديجى، بىرايشى
بۇيۇن آلان، قبول ادن آدم.

مقتلب moteqaleb: ۱. [فاع] ۱. آيرى

تويسلى بۇلما، آيرى رنگە اۋورۇلمە،
اويستگايچى. ۲. دوغرى ليق بيله
ايشلەمەيان آدم، هيتىر، حيله گار،
نادوغرى دغل آدم.

مقتى mottaqi: ۱. [فاع] تقوا،

خدائىلىقلى، دوغورچىل، ناميسلى
ديندار.

مكتا mottakā: ۱. [ع] ياسىق، كوپچك.

مكتبر motbaker: ۱. [فاع] بويىنى

يوغىن، منلىك چى، اوزىنى اولى
تۇتايان، دىنگە اوزىنى گورىان، اوزىنە
بويسانيان، اولومسى اووينجىنگ.

متكفل motekafel: ۱. [فاع] بىرايشى

بۇيۇن آلان آدم، هوتدالەنن، غرامتى
قبول ادن آدم.

متكلف motekalef: ۱. [فاع] بير

ايشى بۇيۇن آليپ اوزىنى عذابە قىن
چىلىغە ساليان، آدم.

متكلم motekalem: ۱. [فاع]

گوررونكىچى، سخنور، گوررونك
برىان.

متكى motaki: ۱. [فاع] ديانيچى،

سويانيچى، اينانيان، بيرينه سويانيپ
اينانيان آدم، ياسسانيچى.

متلاشى motelāši: ۱. [فاع] دارغان،

دارغانىپ پيتران، درى داغىن بۇلان.

متلاطم motelātem: ۱. [فاع] تولقین،

دزيانينگ دنگيزينگ جوشغىنى،
قومى، قوم قالپ آشاق يوقارى
اورماغى.

متمادى motmāde: ۱. [فاع] مدتلى،

كوپ واقتلى، هميشە ليگ، مدامالىق،
اۋزاق و قتلاب، دوواملى.

متمايز motemāyez: ۱. [فاع] آيرى

آدملاردان آيراتين ليقى بۇلان، آيىل
سايىل سايلانان آدم.

متمايل motemāyel: ۱. [فاع] اگيلن،

اگرالن، قيشارىچى، بوكرالن،
مىللى، بيرزادا ھۇۋسى بۇلان.

متمدن motemaden: ۱. [فاع] شھردە

اوتورىملى، شھردە اوتورىپ مدنيت

تاپان، شهرده یاشایان، بازار سسوونی
ایچن، مدنیتلی تمدنلی.

متمرد motamarred: ا. [فاع] هواالانگ، بویروق سیز، آزعین، یولدان
چیقان، بوینی یوغین.

متمکن motemakken: ا. [فاع] جای
آلیجی، گینگیشرلیکلی، جای آلان،
قوجورلی، بایلیغی کوپ بۇلان آدم.

متملق motemaleq: ا. [فاع] یالچی
لیق، دیلی سویجی لیک،
یالینجانگ، یارانجانگ لیق.

متمم motamam: ا. [فاع] تمام
ادیجی، قوتاریجی، بوتین لیجی، بیر
زادینگ کامل بۇلماغینا سبب بۇلۇپ
آیری زادی قوتارماق.

متمنی motemanni: ع. [ع] ایسله یجی،
آرزو ادیجی، خوایشی و آرزوسی بار
بۇلان، خوایش ایدیان.

متمول motamawwel: ا. [فاع] ماللی،
بای، دولتلی، پوللی، قورپلی.

متمهد motamahhed: ا. [فاع] یایرانگ
لیجی، یایبانگ لیجی،
قوواتلی، زورلی، گویچلی، قورپلی.

متن matn: ا. [ع] آرقا، بیر زادینگ
ایچی، بییک بلند یر، کتابینگ
ایچینداکی یازغیسی، متان و متون

جمع.

متناسب motenāseb: ا. [فاع] آیری
بیری یا باشغا بیر زات بیلن
ایلته شیگی یا منگزشرلیگی بار بۇلان
آدم، یاراشیقلی، گلشیکی بۇلما.

متناقض motenāqez: ا. [فاع] بیری
بیرینه قارشى، اونگوشمازلیق،
قارشى بۇلما، ترس دوشمه.

متناوب motenāweb: ا. [فاع] ایزلی
ایزینا، گزکمه گزک، بیری، اول
بیریندن سۇنگ.

متناول motenāwel: ا. [فاع] بیر
زادی آلیجی، آلیپ اییجی،
اییه جن لیک.

متناوم motenāwem: ا. [فاع] اوزینی
اوقلاب یاتان گورکزمه، اوقلان کیش
بۇلما، اوزینه یالاندان اۇقا اورمه.

متناهی motenāhi: ا. [فاع] سۇنگۇنا
یستن، بیر زادینگ آخری بۇلۇپ
سۇنگۇنا یتمک.

متنبه motenabe: ا. [فاع] اوقی دان
اویانان، توران، اویا، آگاه، ساق.

متنفذ motenafez: ا. [فاع] نفوذلی،
آیدانی بولیان، بیری نینگ امری و
حکمی بیله کی لره گۇرا یورپ اثر
اتمه گی و اوستم بۇلماغی.

متنفر motenaffer: ۱. [فاع] ييگرنجى

لىك، ييگرنجى، بىزار، قاچماق،
بىرىنى ييگرنىان، قاچا دوريان.

متنور motenawer: ۲. [فاع] يانيجى،

يانان، ياغىلىق تاپيچى.

متنوع mote-nawe: ۱. فا [ع] جور به

جور دورلى دورلى و ناچه گۇرئوشده
بۇلان زات.

متواری mote-wāri: ۱. [فاع] قاچاق،

گىزلنمه، اوستى اورتگىلى گىزلەنن،
ساللاخ، قاچىپ يوپن، قاچماق.

متوازی mote-wāzi: ۱. [فاع] بىرى

بىرى بىله دنگ، بىرى بىرى بىله
برابر و نه قدر چكسنگ اوزاىپ بىرى

بىرىنه يتميان ايكي چيزيق.

متواصل mote-wāsel: ۱. فا [ع] بىرى

بىرىنه يتن، بىرى بىرىنه باغلى، بىله
سافيلا، قۇشۇلان.

متواضع motewāze: ۲. [فاع] كيچى

گووينلى، اوزىنى كيچى تۇتيان،
منلىكى بۇلمادىق، اوزىنى اولى

توتميان، پس پال، ساليقاتلى.

متوالى motewāli: ۱. [فاع] ايزلى

ايزنه، بىرى بىرىنىنگ ايزىندان آرقا
به آرقا.

متوجه motewajje: ۱. [فاع] يوز

توتيجى، آنگشيريچى، يوز تۇتيان،

بىر زاده يوز تۇتيان، اسهوان اديجى،
آنكيان، اونس بريان، يوزلنيجى.

متوحش motewahheš: ۱. فا [ع]

قورقان، بىرىنىنگ بىر زاتدان
دارىغىپ قۇرقىسى بۇلان، درىسى
داغىن و ويران بۇلان جاى.

متورط motewarret: ۱. فا [ع]

چوميجى، اتهگه گيديجى، چتين
مشكل ايشه دوستن.

متورم motewarrem: ۱. [فاع]

چيشن، چيشمك، پوكگرن و
توممەن، قالبانگ، چيشگين.

متوسط motewasset: ۱. [فاع] اولى ده

دال كيچى ده، اورتا، اورتا يۇرۇش نه
ياغشى نه يامان، نه اۇزين و نه ده

كوله، آرا ميان.

متوسل motewassel: ۱. فا [ع]

بىرىنىنگ سىنىندن تۇتۇپ كمك
طما اتمه، كمكى تاپجاق بۇلما،

يارداملىق طما اتمه، كمك طلب اتمه.

متوفى motewaffi: ۲. مذ [ع] اولن،

يوغلان، دنيا دن اوتن.

متوقف motewaqqef: بىر جايدە

قالان، توغتان، بىر ياغدايدە دوران،

آياق اوستنا دوران.

متوکل t.motewakkel [فاع] توکل

ادیجی، خدایا توکل اِدیان، تانگرا
توکل اِدیان، اینام ادیجی لیک.

متولد motewalled: ا.فا [ع] دوغیلان،
دوغیلما.

متولی motewalli: ا.فا [ع] باشلیق،

ایشی دولاندیریان، ایشی یولا
سالیان، بیر ایش تابشیرلان آدم.

متون motun: [ع] جمع متن.

مته matte: ا.اوشکی.

متهم mottaham: ا.مف. [ع] تهمت

اورلان، تله که ایش اتدی دییپ
مجابت تونکگلان، یاراماز ایشه
باغلی بیلینن آدم، گناه تونگکه لن
آدم، قارالانان.

متین matin: ص. [ع] ماکام، برک، قایم،

قورس، سارسماز، پایخاسلی،
اوقیپلی، چیداملی.

متینگ mating: ا. [فر] جمعیت

چیلیک عمومی مسئله لر باراده کوپ
چیلیگینگ اویشوپ ییغنانیپ
گوزرینگ اتمه گی.

مثال mesāl: ا. [ع] منگزش، بویروق

حکم، مقدار، مجبر، قصاص، اندازه،
یالی، کیمین، ائله و مثل جمع.

مـثـانـه masāne: ا. [ع] (= مثانة)

سیدیک لیک، قاسیقدا پشه و
هالتاسی.

مثبت mosbet: ا.فا [ع] برکیدجی،

ماکام لیجی، برقرار ساقلا یجی.

مثبت mosbat: ا.مف. [ع] ماکام بۆلان،

برکیین، قایم لانان، پوختالانان.

مثقال tmesqāl: [ع] آغرام اولچگی،

۲۴. نخود آغراملیقده، سیرینگ اون

آلتی دان بیرى، بیر مثقال، مثاقیل

جمع.

مثل masal: ا. [ع] یالی، یاناق، کمین،

گورا.

مثالث mosallas: ا.مف. [ع] اوچ بورچ،

اوچ بورچلی، اوچ نقطه لی و اوچ

حرکتلی بۆلان سوز.

مثمر mosmer: ا.فا [ع] میوه بریجی،

ایمیش بریان آغاچ، پیدالی نپلی،

میوه لی.

مـثـنـوی masnawi: [ع] ایکسی

مصراع سی هم قافیه لی بۆلان شعر،

ایکی مصراع سی قافیه لاشیب گلیان

شعر، ایکی لیک، ایکی ایکی ایکی ایکی

مصراع سی قافیه لاشیان شعر،

اؤنؤنگ ایکینجی مصراع سی نینگ

قافیه سی بیرینجی مصراع سی نینگ

قافیه سینه منگزش بۆلۆپ گلیار

مثلاً: فردوسی نینگ شاهنامه سی و

مولوی نینگ مثنوی سی یالی.

مجادله mojādele: مص. [ع] مجادله،

بیری بيله دوشمانلیق اتمک، بیری

بیلن جدل لشمک، چکه له شیک، دعوا

جنجل و اوروş اتمک، گورش

مجارى mjāri: [ع] سوو آقار، اؤتیلگه،

گچلگه، جمع مجرى.

مجاز tmojāz: مف. [ع] رخصت بریلن،

اجازه لی، رخصت لی، روا، جایز.

مجازات mojāzāt: مص. [ع] جزا

برمک، یاغشی یامان آلیان اجرینگ و

مزدینگ، تنبی برمک، جزا،

جزالاندیرماق.

مجازى majāzi: ص. [ع] غیر حقیقی،

آنیق بولمادیق، گوچه معنولی

مجال majāl: ا. [ع] ایکى یانا آط

چاپدیرلیان یر، آط گویدرلیان میدان،

آط آیلام، ایش اتماکه فرصت، آماق.

مجالس majāles: [ع] جمع مجلس،

میلسرلر، مجلسلر، اوتورشیق لار.

مجالس majāles: ا. [ف.ع] بيله

اوتورشیق ایدیان آدم، بيله اوتورشیان.

مجامع majāme': [ع] جمع مجمع.

یيغنانشیلان یرلر.

مجاور maojāwer: ا. [ف.ع] یاناشیق،

همسایه، قونگشی.

مجاورت maojāwerat: مص. [ع]

یاناشیق لیق، قونگشی لیق اتمه،

بیری نینگ قولای یانینده قونگشی

بؤلۆپ یاشاماق.

مجاهد maojāhed: ا. [ف.ع] تقلا

ادیجی، قارا باغرىن بۆلان، تقلا ایدیان،

دوشمان بیلن اوروş ایدیان، دوشمان

بيله جنگ ایدیان، دین یولوندا

اوروشیان، سووشیان.

مجبور majbur: ا. مف. [ع] ناچار

ناعلاج، گویچ بيله بیر ایشه قوییلان،

زور سالینان، قیسیسالان، مجبور،

چاره سیز.

مجتبى mojtabā: ا. مف. [ع] حالانان،

بلله نن، سایلانان.

مجمع mojtama': ا. [ع]

یيغنانشیلان جای، یيغنانیلان یر،

یيغنانشیق ایدیجی لیک، بيله

اوشیلان، یيغنانشیق ایدیلیان یر،

یيغنانشیب بيله ایشلانیان یر.

مجمع mojtame': ا. [ف.ع]

اوشمه لنگ یر، یيغنانشیق ایدیلیان

جای.

مجتهد mojtahed: ا. [ف.ع] تقلا

ادیجی، شرع مسئله لرینی قرآن دن

گناهلی، یازىقلىق.

مجرور majruh: ا.مف. [ع] يارالى،

يارالانان، يارا دوشن.

مجرى mojri: ا. [ف.ع] اوغراىجى،

يورىدىجى، بير ايشى يرينه يتيريان

آدم.

مجرى mojra: ا.مف. [ع] يرينه يتن،

اجرا بولان، آقديران.

مجرى majra: ا. [ع] گچلگه، اولوم،

سووينگ و چايينگ سووى نينگ

آقيان يرى، سوو آقار، مجارى جمع.

مجرى mejri: ا. سانديجاق، آغاچدان،

دميردان بولان كيچى سانديق.

مجسم mojasam: ا.مف. [ع] اينى

بوى چونگلىنى بار بولان جسم،

جسم شكلينه اوريلن، گوز اونگينه

گتيرمه، جسم شكلينه اوويريلمه.

مجسمه mojasame: ا.مف. [ع] گچدن

يا داشدن، فلزدن آدم يا حيوان

شكلينده بجرلن، پيكر، هيكل.

مجلس majles: ا. [ع] ميلس،

مهمانچليغه ضيافتا گورريتگ اوچين

اوتورشيق اديليان جاي، ميلس ير،

پيغناق.

مجلل mojlaal: ا.مف. [ع] اولى

توتولان، اولى بولان، درجهلى و

چيقاريپ دوشونديريپ بيليان عالم،

دينى مسئلهلرينى و دينى علمنى

بير كمسيز بيليان و اجتهاد

درجهسینه يتن مجتهد، مجتهد

درجهسینه يتيشن عالم، علمده بير

حدده يتن آدم.

مجد majd: ا. [ع] اولۇلىق، بيبك ليك،

جومارتلىق، امجاد جمع.

مجد mojedd: ا. [ف.ع] تلاشاديجى،

تلاشلى، تقلالى، ايشنگرلىك،

هجوليق.

مجدد mojadad: ا.مف. [ع] تازه له‌نن،

تازه تاپيلن، ايلكىنجى گزك، تازه‌دن

دوران، ايكي‌لاب.

مجدوب majzub: ا.مف. [ع] چكىلن،

اؤزونه چكىلن، دارتيلان، عقلنى

آلديران، آلجرائك، كونگول برن، يورك

برن، عاشق.

مجرر mojarab: ا.مف. [ع] تجربه

آلان، ايش اوورهنن آدم، تجربيه‌لى،

اوورهنن، اوكدهلان، باشارجانگ، چپر.

مجرد mojarad: ا.مف. [ع] عيال

سيزاركك، يالانگاج، يالنگيز، يكه،

عيال سيز.

مجرم mojrem: ا. [ف.ع] عاصى ليغا و

گناه ايشه يوز اوران، گناه‌كار آدم،



اولی بۆلۈن، عزتلى حرمتلارنان،

دگرلى، امجاد جمع.

مج دست moč-dast: ۱. قوشار.

محارب mahāreb: ۱. [ف.ع.]

اورشيجانگ، ساواشجانگ، اوروş

اديجى، اوروشيان، اورشاغان.

محاسب mahāseb: ۱. [ف.ع.] حساب

اديجى، حساب ساقلايچى.

محاسن mahāsen: [ع.] ۱. جمع

حسن، اونكاتلى ليقلار، ياغشى ليقلار

۲. گورنيكلي انداملى ۳. همده

ساققال معنيده.

محاصره mohāsere: مص. [ع.] (=

محاصرة) بيري نينگ داشينا

آيلانماق، بيري نى دار يرده غاباب

توورك داشيني آماق، بير يري و

شهرى قورشاپ آماق داشيني

قاباما، قاباساما.

محافظ mohāfez: ۱. [ف.ع.]

قاراول ليق، ساقلايچى، قورايچى،

ساقلاو، ساقچى

محافل mahāfel: [ع.] جمع محفل،

ميلس، انجمن، ييغناق، اوتورشيق.

محاکم mohākem: [ع.] محكمه لر،

قاضى لارينگ ايشه يتشيكليك اديان

يرى.

مرتبه لى، حرمتلى دابارالى، بزه لن.

مجمع majma': ۱. [ع.] جملشيليان ير،

ييغنائيليان ير، ييغنائشيق، ييغندى،

مجامع جمع.

مجموع majmu': ۱. مف. [ع.] ييغنانان،

ييغنائيلن، اويشولن، جمله نن، جم

اديلن، مجاميع جمع.

مجموعه majmu'e: ۱. مف. [ع.]

اويشرلن، ييغنائيلان، بير يريك

ييغنائيلان زاتلار، ييغندى.

مجنون majnun: ص. [ع.] ديوانه،

تلبه، مجانين جمع.

مجوز mojawez: ۱. ف.ع.] اجازه

بريچى، رخصت بريچى.

مجوس majus: ۱. مر. گونه سيغينيان،

اوده سيغينيان، چوقونيان، گبر، اود

پاراز.

مجنون majun: مص. [ع.] قاتى ايرى و

قورقمازاق ليق، حيا شرم سيزليك،

ماسخاراليق.

مجهز mojahaz: ۱. مف. [ع.] تاييارلارنان،

تاييار، آماده، اوپجين ياراغ شايا

تاييارلارنان، ياراغلارنان.

مجهول majhul: ۱. مف. [ع.] ناماليم،

نابللى، تانيلميان، بيلينمه يان فاقاتيش

مجيد majid: ص. [ع.] بلند درجه لى،

محاكمه mohākeme: مص. [ع] بیری

بیله دادگاه بارماق و شکایت لاشیب
دعوا توتماق.

محال mahāl: ص. [ع] بؤلماسیز زات،

بؤلماچاق زات، بولارلی دال، ممکن
بؤلما دیق زات، بؤلماچاق نارسه.

محبت mohabbat: ا. مص. [ع] (=

محبة) سویگی لیک، دوستلوق،
مهرلی لیک، بیر زادا یا آداما بؤلان
طبیعی هووس، اخلاص، علاقه،
سویگی، مهر، قاوی گورمه.

محبس mahbas: ا. [ع] توستاق خانه،

زندان، تورمه.

محبوب mahbub: ا. مف. [ع]

سویگیلی، مغشوق، قاوی گوریلیان،
دوست، عاشق بولینن.

محبوس mahbus: ا. مف. [ع] توستاق،

توستاق ادیلن زندانه دوشن،
ساققلانان، بندی ادیلن.

محتاج mohtāj: ص. [ع] اُتیاجلی،

ماتاج، زار، غلاج.

محتاط mohtāt: [ع] بیر ایشه

اویسلان شیقلی، چملشیان آدم،
احتیاطلی، سونگینی سایقاریپ ایش
اتمک.

محترف mohtaref: ا. [ع] حرفه لی،

ایشلی، کاسب.

محترق mohtareq: ا. فا. [ع] اود آلمان،

یانغینلی، توتاب دوران.

محترم mohtaram: ا. مف. [ع] حرمتی

گرک بؤلان آدم، حرمتلی معزتلی،
حرمتی بار بؤلان، حرمت ادیلمه لی.

محشم mohtašam: ا. [ع] ۱.

قههارلی، قهارجانگ، ۲. حیالی،
نامیسرلی، حاشاماتلی، شرم لی.

محقر mohtaqar: ا. مف. [ع]

خوارلانا، عجیز گورلن، کم ساییلان.

محتر mohtaker: ا. [ع] ۱.

آنبارلایجی، آریا بؤغدایی یا باشغا بیر
زادی ییغناپ قویپ بها ساتیان آدم،
بها ساتماق اوچین مالی ییغناپ
آنبارلاب ساققلایان آدم.

محتمل mohtamal: ا. مف. [ع] بولاری

بؤلمازی گمانه، شکلی بؤلان،
بولجاغینی بؤلماجاغینی چن چاق
اؤرما.

محتوم mahtum: ا. مف. [ع] واجب

ادیلن، ماکام، برک.

محتوی mohtawā: ا. [ع] ۱. اوز

ایچینه آلمان، بیر زات آیری بیر زادی
اوز ایچینه آماغی، باشغا بیر زادی اوز
ایچینه آلیان زات، ایچینداکی،

محتوی کتاب: کتابینگ ایچینداکی.

محبوب mahjub: ا.مف. [ع] پرده‌لی،

حیالی، اورتگولی، شرم‌لی،
اوتانجانگ، چکینجنگ.

محدث mohades: ا.مف. [ع] تازه

تاپیلان زات، کتاب‌ده و اجماع سنت‌ده
مشهور بۆلمادیق زات‌لار، محدثان
جمع.

محدث mohades: ا. [فاع] حدیث‌دن

نقل ایدیان آدم، پیغمبر اکرمینگ
سوزلرینی نقل ایدیان کیشی، علم
حدیثه عالم آدم یعنی عالم به علم
حدیث.

محدود mahdud: ا.مف. [ع] حدی

چاگی بللی، سونگلی، محروم، آزا
چاگی، بلله‌نن زات، چاکلندیرلن،
تۆورگی قابالان یر یورت، محروم.

محراب mehrāb: ا. [ع] تامینگ

یوقارسی، میلسینگ تۆری و یوقار
باشی. محراب مسجد: مسجدینگ
محرابی، امامینگ دوریان یری قبله،
محاریب جمع.

محرر moharrer: ا. [فاع] یازیجی،

آزاد ادیجی، ارکین ادیجی.

محرز mohraz: ا.مف. [ع] اله گتیرلین،

اله آلینان، ساقلانان، بللی، عیان،

آچیق.

محرک mohrrek: ا. [فاع] [ع]

قوزغایجی، حرکت‌اتدیریجی،
قیملدادیجی، حرکت‌گتیریجی،
آزدیرغیچ.

محرم mahram: ا. [ع] اوزینگی و

یاقین قارینداشینگ، بیر خانوادهدان
اؤنؤنگ بیلّه اؤیلنمک‌لیک حرام
بۆلۆپ، نکاح دوشمه‌یان قارینداش،
محارم جمع.

محرم mohrem: ا. [فاع] حجینگ

احرامینی باغلان، احرام اگین اشیگنی
گین، احرام باغلان.

محرم moharram: ا. [ع] هجری

قمری ییل حسابی بوینچا اولینجی
آیی، محرم الحرام، شهرالحرام‌غا
دیییلیار.

محروم mahrum: ا.مف. [ع]

امیدسیز، پای‌سیز قالان، محروم.

محزون mahzun: [ع] قایغیلی،

غم‌لی، غصالی، توقات.

محسن mohsen: ا. [فاع] یاغشی‌لیق

ادیجی، خیر ایشده بۆلان، قاوی‌لیق،
آدم کارچیلیک.

محسوب mahsub: [ع] سانالان، سانا

گتیرلن، حسابلانان.

محسود mahsud: ا. مف. [ع] گوریپ-

چیلیک ادیلن، بخیل چیلیق ادیلن.

محسوس mahsus: ا. مف. [ع]

دوییلان، دویولما، بیر زادینگ بارلیغی

واثری دویولماق، ایزی دویولماغی.

محشر mahšar: ا. [ع] آدامسلارینگ

ییغنانمالی جای، اهلی آدمسلارینگ

ییغنانجاق یری، قیامت گونی،

محشر گونی.

محصل mohassel: ا. [فاع] بیرزادی

اله گتیریجی، اله گتیریان، آلفی

ییغنائیان، اوقوؤ اوقایان، مکتب

شاگردی، اوقوؤچی.

محسن mohsan: ا. مف. [ع] عیال آلان

آدم، عیاللی آدم.

محصور mahsur: ا. مف. [ع] دیفارلی،

داشینده دیفار چکیلن یر، قبالان یر.

محصول mahsul: ا. مف. [ع] أونیم،

دایخانچیلیق دان آلیننیاں أونیم،

حاصل.

محضر mahzar: ا. [ع] حضور تاپمالی

جای، حکملری و سندلری ثبت

ادیلیان دفترخانه، محاضر جمع.

محفل mahfel: ا. [ع] دوستلرینگ

ییغنائیان یری، میلس، ییغناق،

اویشلیان یر، محافل جمع.

محفوظ mafhuz: ا. مف. [ع] ساقلانان،

قوریلان، برکیدلن، ساقلاولی

محقر mohaquer: ا. مف. [ع] عجیز

بۇلان، عجیزله نین، کیچالدیلن،

خوارلانان، کوله، ارید.

محقق mohaqaq: ا. مف. [ع]

بارلایجی، ایزارلایجی، بیر زادینگ

حقیقتینا یتن، ماکام، مرتب و دوغری

و برک.

محقق mohaqqaq: ا. [فاع] حقیقته

باغلانان، حقیقته بیریکن، حقیقتینگ

ایزینده گزبان، تحقیق لایجی،

بارلایجی، حقیقی.

محک mahak: ا. [ع] عیارنی یعنی

اصلنی سیناماق و آنیقلاماق اوچین

قیزیلا و کومیشه سویرکیلیان اولچک

محکم mohkam: ص. [ع] قاتی برک،

قایم، ماکام.

محکمه mahkame: ا. [ع] (=)

محکمة) دادگاهده دعوا و شکایته

یتیشیکلیک ادیلیان یر، محاکم جمع.

محکوم mahkum: ا. مف. [ع]

دادگاهده ضررینه حکم بریلن یعنی

بویروق صادر بۇلان، گناکار حسابلانان

آدم، دادگاهده اونونگ ترسینه یعنی

ضررینه حکم بریلن آدم.

محل mahal: ا. [ع] جای، یر، مکان.

محل mohell: ا. فا. احرامدان چیقان آدم، احراما یا شرطه باغلی بولمادیق.

محلل mohallel: ا. [فاع] حلال

ادیجی، اوچ طلاق ادیلن عیالی آری یانگادان آلمالی بولسا، ایلکی باشفا بیر آدم و قتلایینچا نیکاح لاپ برمه‌لی، اول طلاق دن سونگ، دسلابقی آری، ینه قایتادان نیکاح لاپ آلیپ بیلیر، اکینجی آره محلل دیلیار.

محلول mahlul: ا. م. ف. [ع]

قاتیشدیریلان، هر زادینگ سووق زات بیلن قاریلماغی، هر زات سوویق زاده اری—دیلب قاریلماغی قاتیشدیریلمای، یوقوریلمای.

محله mahale: ا. [ع] محله، آیلاغ،

آیلاغ یرلشیان یر، دوشله نیلیان یر، شهرینگ بیر بوله‌گی، برزن، محله، یاشالیان یر.

محمد mohammad: [ع] تاریفلانان،

اوویلن، یاغشی قیلیقلی، قاوی صفتلی و اسلامینگ ایلکی پیغمبرینگ آدی.

محمل mahmel: ا. [ع] بیر زادی یا

بیرینی شونونگ بیلن اکیدیلک،

حمل ادیلک، کجابه، محامل جمع.

محمود mahmud: ا. م. ف. [ع] اوویلن،

آلایش آلان، ماغتلان، تآریپلانا.

محمول mahmul: ا. م. ف. [ع]

کوتهریلن، آرقاآلینان یوک.

محنت mehnat: ا. [ع] محنة، اورغی

ایزا، بلا، آزار، قایغی سیناغ، عذاب.

گوزگی، کؤسنمه، رنج، محن جمع.

محور mehwar: ا. [ع] تیگرینگ

چاغیریریغی، بیر باشی دمیر قازیق،

قطبده بیر باشی گون اورتا قطبدا

بولان خط، چیزیق یر، اول اوز حرکت

دورمیشنی خطینگ اؤستونده انجام

بریار یعنی یرینه یتیریار.

محوطه mahwate: [ع] داشینه دیفار

چکیلن یر.

محول mohawwal: ا. [فاع]

اویتگدیجی، اویتگدیان، دگشیریان،

گچیریان، بیر یاغدایدن آیری بیر

یاغدا یا گچیریان.

محول mohawwel: ا. م. ف. [ع]

اوورولن دگیشلن، اویتگدیلن،

دگیشدیرلن، حواله بریلن.

محول الاحوال mohawwel-ol-ahwāl:

خدای تعالی نینگ صفتلارینگ

بیری.



دوشمانلیق ادیجی، اوروشیجی،

ساواش ادیجی.

مخاط **moxāt**: ۱. بورون سووی

مانگقا.

مخاطب **moxāteb**: ۱. م.ف. [ع]

کپلشیان طرفینک، گوررینگداشینگ،

گوررینگد ش بولیان آدمینگ، یوزلنیان

آدمینگ.

مخاطره **moxātere**: م.ص. [ع]

مخاطرة، اوزونگی خطرہ اوqlاماق،

اوزونگی خطرہ سالماق، اوزینگى

خوفا سالماق.

مخالف **moxālef**: ۱. [ف.ع.] قارشى،

ترسینه بۇلان، قاپماقارشى،

اونگوۋشمازاق، قارشى لىق قارشى.

مخالفت **moxālefāt**: م.ص. [ع]

مخالفة، اونگشاماسىزلىق،

ساواشماق، اوروشماق، قارشى لىق

گورکزىمک.

مخبر **moxber**: ۱. [ف.ع.] خبر برىجى،

آگاه ادیجى، خبرچى، خبر برىجى.

مختار **moxtār**: ص. [ع] ارکلى،

اختيارلى، سايلا ب سچىجى،

سايلايان، سايلانان.

مخترع **moxtare**: ۱. [ف.ع.] تازه

دورادىجى، چىقارىجى، اويلا ب

محیط **mohit**: ۱. [ف.ع.] تۋۋرگ داشا

آيلانان، بيرزات آيرى بير زادىنگ

داشىنى قورشاماغى، انسانىنگ

ياشايان جايى، شهرى، اوباسى.

مخ **mox**: ۱. ۱. اله اوۋورەنشە دىك آطا

سالىنان اويان ۲. اود، آرى، خرما

آغاجى دىيپ-دە آيدىليپ دىر.

مخ **moxx**: ۱. [ع] پىنى، كلآنىنگ

مانگىزى، هرزادىنگ الىنى يەنى

خالصى سونگكىنگ يىلىگى، هر بير

زادىنگ قارىنجاسىز و قوشانت

سىزلىغى، خالصى، باش مانگىزىنگ

ايكى دىنگ يارىم تىلك بۇلوننى.

مخابره **moxābere**: م.ص. [ع] (=

مخابرة) خبر برمک، تلفن يا تلگراف

بىلن کپلشمک، خبر آلماق

خبرلاشماق.

مخارج **maxārej**: ۱. [ع] ۱. جمع

مخرج، چىقىليان ير، ۲. فارسى چه

خرج لار، چىقداجى لار، هر کىمىنگ اوز

مالىندان يوۋىليان خرج اديان

مقدارىنا آيدىليان.

مخازن **maxāzen**: [ع] جمع مخزن،

خزە، آنبازلار، زاد خزىنه اديليان

جايلار، مالى جايلانان يرلر.

مخاصم **moxāsem**: ۱. [ف.ع.]

تاپیجی، تازه بیر زادی او یلاب تاپان
آدم.

مختص moxtas: ا.مف. [ع] حاصلانان،
آیراتین لاشان، مخصوص.

مختل moxtal: ا.مف. [ع] چاشان،
آنگالان، ضایه بۇلان، بولاشان.

مختلط moxtalet: ا. [فاع] یوغورلان،
قاتیشان، قاتیشیق، قاریشان.

مختلف moxtalef: ا.ف. [ع]
قارشلیق ادیجی، دورلی دورلی، هر
حیللی.

مختوم maxtum: ا.مف. [ع] مهرله نین،
پتجتله نین، آخره یتیرلن، سؤنگ
لانا، آخینه چنلی یرینه یتیرلن،
تمام بۇلان.

مخدوش maxduş: ا.مف. [ع] دیرمانن
دیرمالانا، سوریلن، سییجیرلان.

مخدوم maxdum: ا.مف. [ع] قوللیق
ادیلن، آقا، باشلیق، قولى بار بۇلان،
نوکرلی.

مخرج maxraj: ا. [ع] داشار
چیقیلیانیر، داش چیقمه جای،
مخارج جمع.

مخروط maxrut: ا.مف. [ع] یونۇلان،
خراطی بۇلان، هندسه شکل لردن، کله
قنده منگزش جسم.

مخزن maxzan: ا. [ع] آنبار، خزنه،
خزینه، مال ساقلانیانیر، مال ییغناپ
قویلیان جای، مخازن جمع.

مخصوص maxsus: ا.مف. [ع] خاص
آیراتین لانا، یوریتله نین.

مخفف moxafef: [ع] آزالدیلن،
آزالدیجی، ینگلیدیجی، ینگلشن.

مخفی maxfi: ص. [ع] اورتیگی
بوقییر، قاجالغایر، یاشیرین، گیزلین.

مخلص moxles: ص. [ع] آراسسا و
ریاسیز ایش ادیان آدم، آراسسا و پاک
یورکلی دوست، قاراباغیرین،
جانیبکش.

مخلوط maxlut: ا.مف. [ع] قاتیشیق،
قاتیشیان، قاریشان، یوغورلان، قاریم
قاتیم، قاتیلان.

مخلوع maxlu': ا.مف. [ع] قوفاریلان،
اؤرنۇندان مقامیندان آشاق دوشان،
اؤرنۇندان دوشورلن آدم.

مخلوق maxluq: یارادیلانلار،
دوره دیلن لر.

مخمس tmoxmes: ا.مف. [ع] باشله مه،
باشلیک، باش بورج، هریندی باش
مصراع دان (سטר دن) عبارت بۇلان
قوشنی.

مخمصه maxmase: ص. [ع] (=)

مخمصة) معدەنینگ اییمتدن بوش
بۇلماغی، قارنى آچ بۇلماق، عذابدا
رنجده زحمتده بۇلماق.

مخمل maxmal: [ع] قاتى نفیس،
یومشاق؛ نازک، لطیف و ظریف
پارچه.

مخمور tmaxmur: مف. [ع] مست
خمار، بولاشیق، هافالیق.

مخنت moxannas: ص. [ع] عیال
صفتلی، نامارد، قورقاق، بی نامیس،
عیال تاویرلی آدم، عیال یالی کیشی.

مخوف maxuf: ص. [ع] قورقینچلی،
قورقیلی، قورقی گتیریجی، خوفلی.

مد tmad(d): تار، سیم، خورشیدی
حسابی بیلن هر آیىنینگ آلتینجی
گونینینگ آدی.

مد mad: مصص. [ع] ۱. چکمک،
اوزالتماق، گینگلتمک ۲. سیل و
داشغین دریانینگ قالماغی معنیده.

مد tmad: [ع] شیلە علامتی ﴿﴾
الفنینگ یوقارسینده مده قویلیار.

مد modd: ۱. [ع] عراقده ۱۸ لیتر
مچبرینده پیماناسی، اۆلچگی.

مد tmod: [فر] سلیقه، یۆلگه، شیوه،
رسم، داب.

مداح maddāh: ص. [ع] مدح ادیجی،

اوویجی، ارته کیچی.

مداخله modāxele: مصص. [ع] (=)

مداخله) گیریشمه، بیرایشه یا باشغا
سوزه قاتیشماق لیق، باشغا
بیرینینگ ایشینه قاتیشماق لیق،
گیریشمک لیک، قوشولما.

مداد medād: [ع] قارداش، مداد.

مدارس madāres: [ع] جمع مدرسه،
مکتبلر، مدرسه لر، اوقو جای لار.

مدارک madārek: [ع] جمع مدرک،
مدرک لر، سندلر.

مدافع tmodāfe: [فاع] ساقلايچی،
قورایجی، داشینی چالیان، قوراب
ساقلايان آدم.

مدال tmedāl: [فر] قۇوانچ نشانی،
ادن ایشینه بها بریب هودورلنیان
نیشان، مدال، سیلاغ.

مدام tmodām: [ع] ۱. می، ایچگی،
شراب، همیشه یاغیان یاغین ۲.
مداما و همیشه معنیده.

مداووم tmodāwem: [فاع] دوام
بریجی، ایشی همیشه انجام بریان
آدم.

مداین madāyen: [ع] شهرلر، جمع
مدینه و قدیمی تیسفون شهرینگ
آدی.

- مدبر** modabber: ۱. فا. [ع] آرقا
بريجی، ایزه گیدیچی.
- مدبر** modabar: ص. مف. [ع] آرقا
بریلن، باختی یاتان، بدبخت، بیچاره،
بوکرالن.
- مدبر** tmodabber: [فاع] اویلانیشیچی، اویلانیشیان،
اویلانشیقلی، هر زادینگ سونگینی
سایغاریان آدم، هر ایشنگ آخیرینا
اویلانیب اونگیندن چاره گوریان آدم.
- مدت** tmoddat: [ع] وقت، زمان، بللی
وقت، آزلی کوپلی وقتینگ بیر
بوله گی، مدت.
- مدح** madh: مص. [ع] اووگی، اوومه.
- مدخل** tmadxal: [ع] گیریلن جای،
گیرلگه، سؤمؤلگه.
- مدخل** modxal: ۱. ناکس، هیچ زاد
سین، باشی آشاق ۲. اووی اوغول
معنیده.
- مدرس** tmedras: [ع] درس بریلیان
کتاب، درس بریلیان جای، مدرسه،
مکتب.
- مدرس** tmodarres: [فاع] درس
بريجی، معلم، استاد.
- مدرسه** tmadrase: [ع] مکتب، درس
برلیان جای، اوکوو اوکوودیلیان یر.
- مدرك** tmdrak: [ع] ۱. زمان، مکان،
دوشینجه ۲. سند دییپ-ده
آیدیلیپ دیر، مدارک جمع.
- مدرك** tmdrek: [فاع] بیر زادا
دوشینیان، دوشینیان درک ایدیان آدم.
- مدرن** modern: ص. فر. تازه زات، شو
واقتقی حالانان و یاراشیقلی بۇلان
زات، شو گونکی مناسیب حالانان
زات، حاضر زمانداکی.
- مدعی** tmoda'a: مف. [ع] دعوا
ادیچی، ایسلگ چی، بیرینینگ
آیری بیرى بیلن دعواسی بۇلان آدم،
دعواسی دوشن آدم، ایسله یان، ادعا
یدیان، دعوا لاشیان.
- مدعی** tmoda'a: ۱. [فاع] ایسله نن،
بیری بیلن دعواسی بۇلان.
- مدعی العلوم** tmoda'i-ol-'ulum:
دادستان.
- مدفوع** tmadfu: مف. [ع] قایلان،
انسانینگ اندامیندان چیققیان و
آیریلیان نارسه، ناپاک لیک،
بولاشیق لیق.
- مدفون** tmadfun: مف. [ع] گومیلن،
اوستینه قوم اورتیلیپ گومیلن، یر
آستینده گیزلین زات.
- مدل** tmodell: [فاع] دلالت ایدیان،

دلالت ادیجی، یول گورکزمه اوزینه
اینامی بۇلان.

مدل model.t. [فر] گورکزمه، گۆزلده،
الگو.

مدنی madani:ص. [ع] مدینه باغلی
بۇلان، مدنیت لشن.

مدنیت madani-yat: ا. [ع] شهرده
اوتوریملی خلقلار.

مدور modawwar:ص. [ع] تگه‌لک،
هر زادینک تگه‌لک زادی، توغلاق
نارسه منگزش بۇلماغی.

مدهوش tmadhū:مف. [ع] ۱. باشی

آیلانان، آجیران، سرگردان، چاشان،
۲. فارسی‌چه بیهوش هوش‌سیز

دیپ-ده آیدیلیار.

مدیحه tmadih-e: [ع] مدیحه،
اووگی، تاریپ.

مدید madid:ص. [ع] چکیلن، اوزین،
فاعلاتن فاعلن فاعلاتن آغرامیندا
بۇلان شعر، قۇشغی.

مدیر tmodir: [فاع] یوریدیان، بیر
ایشی یولا سالیان آدم، دولاندریان،
اداره ایدیان.

مدینه tmadine: [ع] مدینه، شهری،
عربستانده بیر شهرینگ آدی، مدائن
جمع.

مذاق tmazāq: [ع] طغام، دادلی، دیل
گویجی بیله طغامینگ مزّه‌سینی
بیلمه، دادما.

مذاکره mozākere: مص. [ع] بیر
ایش بارادا بیرى بیله گوررینگدش
بۇلماق، گپله شیک گچیرمکه صحبتدش
مذبوح tmazbuh: مف. [ع]
بوقورداغی کسیلن، اولدیریلن، آرادان
چیقارلان.

مذکر mozakkar:ص. [ع] ارکک آدم،
عیال دال، عیالینگ ترسینه.

مذکور tmazkur: مف. [ع] یادلانان،
آدی توتولان.

مذلت mazallat: مص. [ع]
عجیزلیک، دلیل لیک، پسه دوشن،
حورلیق، حورلانماق.

مذهب tmazhab: [ع] دین اوغری،
یول یورده، یۆزلگه، مذاهب جمع.

مذهب tmozahhab: مف. [ع] قیزیل
ایشلنن، طیللا چاییلان، زر چاییلان.

مرابحه morābehe: مص. [ع]
پیداسینه پول برمک، پول بریب
اوستینه بیر زات چکمک، بهره‌سینه
پول برمک.

مراتب marāteb: - [ع] جمع مرتبه،
درجه‌لر، مرتبه‌لر، اورونلار.

معنیده، ۲. باشقا بیر سوزده منگراش
بۇلان کلمه.

مرارت marārat: مص. [ع] آجی لیق،

آجی بۇلماق، تلخ لیق، گورگی، ایزا.

مراسله morāsele: مص. [ع] مراسله،

بیر بیرینگه خط یازیشماق، خط

ایبرمک، خط، مکتوب، سلام خطی.

مراسم marāsem: [ع] جمع مرسوم،

یول یودالار، یول یۆزلگه لر دستورلار،

داب لر، داپارا.

مراش tmarāš: قوسماق، قایتارماق،

هراش و مراش هم دییلیپ دیر.

مراشد marāšed: [ع] دوغری یول لار.

مراعات morā'at: مص. [ع] ۱. بیر

بیرینگ یاغدینی گوزله مک، بیر

بیرینگ یاغداینا سر اتمک،

ساقلاماق، بیر زادا ساق بۇلماق، ۲.

بیر ایشی و بویروغی نظیرینگدا

توتماق.

مراعی morā'i: [ع] اوری میدان

یا لیلیم، جمع مرعی.

مراغه tmarāqe: [ع] مال قارالارینگ

قومینگ اوستونده آغینیان یری

یعنی توغالانیان یری، فارسجه

توغالانماق هم دییلیپ دیر.

مراقب tmarāqeb: [ف.ع.]

مراتع 'marāte: [ع] جمع مرتع، مال

اوتلاغ جایلار، یا لیلیم لار، اوری

میدان لار، جلگه لر.

مراجع 'marāje: [ع] جمع مرجع، یوز

توتولیان آدم لار. مراجع تقلید: شرعی

تکلیف لره و مسئله لره یوز توتولیان،

و همده اولارینگ اده نینی ادیب تقلید

ادیلیان روحانی عالم لار.

مراجع 'tmarāje: [ف.ع.] اری اولن

عیال، اونونگ سونگ او یلارینه

قایدیپ بارماغی.

مراجعت morāj'eat: مص. [ع] ایزینا

کلمک، دولانماق، فارسجه مراجعت،

اوویرلمک لیک، دولانماق لیق،

قایتماق لیق.

مراحل marāhel: [ع] جمع مرحله،

منزل، گچیلیان یرلر، دوشولیان یرلر،

یولاغچی نینگ بیر گونده گچیان یول

لاری و آزالیق لاری.

مراد tmarad: م.ف. [ع] ایسله نن،

مقصود، مقصد.

مرادف tmarādef: [ف.ع.] ۱. بیر

زادینگ ایزینا و اونونگ ردیفینده

بۇلماق، آردلاشماق، بیر نینگ ایزینا

مینمک، بیر زادینگ ایزینده و

شونینگ خطارینده بۇلان زات

مربع 'moraba' ص. [ع] ۱. دورتله‌مه، دورت بورچ، دورت چت، دورت طرفی دنگ و دورت دینگ بورچلی هندسی شکل، ۲. فارسجه «چهار سو» یعنی دورت طرف دورت یول چاتریق هم دیلیار، ۳. شاعرینگ دورتلمه قوشغی‌سی.

مربوط tmarbut. مف. [ع] باغلانان، باغلی، باغلانشیقلی، دگیشلی‌لیک، باغلی‌لیق.

مرئی t. morabi. [فاع] تربیت‌چی، تربیه‌چی، تربیت بریجی، تربیت تاپان، تربیت‌له‌نین، سیس‌له‌نین.

مرتب t. moratab. مف. [ع] ترتیب بریلن، بللی، جای به جای، اوزیرینده قوییلان زات، نظم و ترتیب‌لی، دوزگونلی.

مرتبه martabe: ۱. [ع] مقام: اورون، پایه، درجه.

مرتجع 'tmortaje'. [فاع] اوویریجی، دولانیجی، کونه پرست، کونه پسند، کونه‌نی حالایان، کونه‌نی قبول ادیان. مرتد mortad: ص. [ع] دین‌دان چیقان، یولدان آزاشان، دین‌سیز کافر، مرتد.

مرتضی morteza: ص. [ع] ۱. حالانان، خشنود، بلله‌نین ۲.

ساقلاچی، قازاویل، ساقچی، سرادیجی، خبردار، ایدگ‌چی قورایجی.

مراقبت morāqebat: ص. [ع] ایدگ‌چیلیک اتمک، ساقلاماق، قراویل‌لیق اتمک، گوز آستینا آلماق، گوزگچیلیک اتمک، گوزگچیلیک.

مراکز marākez: [ع] جمع مرکز، مرکزله، اورتالار، اورتا گوروپ‌لار.

مرال t. marāl. [ت] ترک دیلدن آلینان، کییک، جرن، مارال.

مرام t. marām. [ع] مراد، مقصد، آرمان، ایسلک، مسلک.

مراوده morāwede: ص. [ع] مراوده، ایسله‌مک، بیر بیرینگ بيله دوستلوقده و قاتناشیقده بولماق، قاتناشیق اتمک.

مراهم marāhem: [ع] جمع مراهم، مرهم‌لر، یارا چالینیان مرهم.

مرآت t. marāt. [ع] مرآة، گوز دیکمه، سراتمه.

مرآت t. merāt. [ع] مرآة، آینا، مریا جمع.

مرئی mar'i: ص. [ع] عیان، آشکار، گورنیپ دوران زات، گورینیان زات.

مریا ۱. [ع] مریا.



مر

امیرالمومنین نینگ لقمی، علی مرتضوی، مرتضی علی غا باغلی.
 مرتق 'tmarta'. [ع] اوری میدان، اوری یایلیم، اوتلیق میدان، تدریم سیز.
 مرتفع 'tmortafa'. [ف.ع] یوقاری قالیجی، بییک، بلندة قالیجی.
 مرتکب 'tmortakeb'. [ف.ع] ۱. بیر ایشه یوزلنیجی، بیر ایشی یرینه یتیریان، ۲. عاصی چیلیق یدن، یازیقلى، گناهلى.
 مرجان 'tmarjān'. [ع] قرمز رنگلى مونجیق، دریادان چیقیان بهالى نارسه، مرجن.
 مرجح 'tmorajjah'. [ع] یوقار بها بریلن، یوقار درجه بریلن، بلندلیک بریلن، آرتیقماچ لیق بریلن.
 مرجع 'tmarja'. [ع] یانگادان اوویرلیان جای، یوز توتولیان یر، اوویرلیان یر، مراجع جمع.
 مرجوع 'tmarju'. [ع] اوویرلن، یانگادان اوویرلن، نامانگ جوابی، ایزینا گلن، و ایزینا گلیان زات، مراجیع جمع.
 مرحله 'tmarhale'. [ع] منزیل، دوشلگه، گۆچلگه، قونالغا، مسافرینگ ایکی یر آرایلیغینداقی

اوزاقلینی، کسگیتله مه دور،
 مرحمت 'tmarhemat'. [ع] رحمت، مهربان لیق، یاغشی لیق، مراحم جمع.
 مرحوم 'tmarhum'. [ع] ۱. یالقانان، مهربانلیق ادیلن، کنایه سۆزی، ۲. اولن، وفات بۆلن، آرادان چیقان.
 مرخص 'tmoraxas'. [ع] رخصت بریلن، آزاد بۆلن، اجازه بریلن، آنکسات لاشان.
 مرد 'tmard'. ۱. انسان، ارکک جنسلى انسان، آروات دال ۲. قورقمازاق، باتیر دوغوملى، ادرمن، جیداملى، مرد ماغنالارده.
 مرداب 'mordāb': ۱. مر. گول سو، باتقالیق، یاتا سوو، یالچی، ایسله نن یاتاسوو، دریانگ سوونینگ قارایره گیرمگی، دریانگ سووی یره طرف آغماغی، اوزماغی.
 مرداد 'tmordād'. شمسى ییل نینگ باشینجی آی نینگ آدی.
 مردار 'tmord-ār'. ص. اولن حیوان یاراماز هاپا اولن جاندار، داماغی چالینمانی اوزی اولن حیوان.
 مردار خوار 'mord-ār-xār': ص. فا. اولن حیوانلارینگ اتینی اییان جانور،

لاشخور حیوان لار.

مردانه mardāne: ص. ن. ۱. ارکگه

باغلی، ارکگه مناسیب بۇلان زاتلار، ۲. قایدوسیز، ادرمن، مثال اوچین: لباس

مردانه - ارکگ گیمی.

مردد moraddad: ص. [ع] ایکی

گۆنگلی، آلجرانگ، سرگردان، سرگزبان، یایدانما، شک گتیرمه.

مردم mardom: انسان، آدملا،

کۆپلنچ جمع یرینه اولانیلیار.

مردم آزار mardom-āzār: ص. فا.

رحمسیز، ستم کش، هیچکیم بیلن اونگیشمایان، تله که قیلیقلى، آدملا را آزار بریان.

مردم دار mardom-dār: ص. فا.

آدملا بیلن قاوی چیقیشیان، اونگات قاتناشیان، آدملا بیلن یاغشی اخلاق بیلن قاتناشیق ایدیان، ایلا لاشیان.

مردمک mardomak: گۆزونگ

بابه نه گى، گۆزونگ گۆزه جى.

مردن mordan: مص. ل. وفات بۇلماق،

اۆلمک، جان برمک، دنیادن اۆتمک، جان تسلیم اتمک.

مردود tmardud: مف. [ع] رد ادیلن،

اوویریلن، ایزینا اوویریلن، ایزینا دولانان، ایزینا قایتارلان، سیناغدان

امتحان دان گچمان قالان.

مرده tmaradah: باش انگمه زک،

بوینی یوغین، جمع مارده، تکبرلی، کونگلی یوقاری و فارسی ده مرید یرینه اولانیلیار.

مرده morde: ص. اولن، وفات بۇلان.

مرده شو morde-šu: ا. ص. بابالی اؤلی یۇویان، مرده شور.

مرز tmarz: ۱. اکیلنیر، سرحد،

سامان، چاک، آرا چاک و ۲. مرزو و مرزوی دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

مرزبان tmarz-bān: ص. سرحدچی، سرحد ساقلایان، مرزی ساقلایان، مرز ساقلاوی.

مرزدار tmarz-dār: ص. نظامی

مامورلری مرزده یوریته مرزی ساقلاماق اوچین قویۇلیان تۇپار، مرز ساقلاوی، سرحد ساقلاوی.

مرزوبوم tmarzobum: مر. مرز

یرینگ قیراسی یوردۇنگ سرحدی معنی ده.

مرسل tmorsel: مف. [ع] ایبرلن،

گونداریلن، سارغیت گتیرن، ایلچی.

مرسوم tmarsum: مف. [ع] رسم

بۇلان، خط فرمان، بویروق، یول یوردا عادت، یۆرلگه، دأب بۇلان، رسم بۇلان،



مردم

مرغ انجیرخوار morq-e-anjir-xār:

۱. انجیر قوشی.

مرغ خانگی t.morq-e-xānegi: نگا.

ماکیان، ماکیان، اوی تاویقی.

مرغ دریائی t.morq-e-dariyā'i:

چارلاق.

مرغزار t.morq-e-zār: مر. گوکلیک،

چمن لیک، گوکلیک، گوک اووسیپ

دوران یر، گوک اوتلیق میدان.

مرغ زنبورخوار morq-e-zanbur-xār:

۱. داراقلی قوش.

مرغ سحر t.morq-e-sahar: مر. مونگ

دستانلی بلبل، حوراز دیپ-ده

آیدیلیار.

مرغ سلیمان morq-e-soleymān:

۱. مر. هدهد، قیزلار، قوش، هویک

هویک، پیک.

مرغ شاخدار morq-e-šāxdār: ۱. مر

شاخیلجه تاویق، تاویق یالی اتی

سوویجی ییلده ۱۰۰ الی ۱۵۰

یومردغا قوزلایار، اویده ساقلاب

اوندان چویچه کشی هم ادیلیار.

یعنی چویچه چیقاریلیار.

مرغ ماهیخوار morq-e-māhi-xār:

قوتان

مرغ نوروزی morq-e-nawruzi:

والی و حاکم طرافیندان بریلن فرمان

مراسم و مراسیم جمع، خلیفه

مرشد t.moršed: فا. یول گورکوزیجی،

رهبر، یولباشچی.

مرصاد t.mersād: [ع] یول، بوقی یر

گجیت، گچلکه، قراویلینگ جای.

مرصع t.morassa' mf: [ع] گوهر

نشانلی جوهر قاتیشینی بۆلن زات،

گوهر ایشله نن قمت بهالی داشلار.

مرض t.maraz: [ع] سیرقاوولیک،

ناخوشلیق، ناساغلیق مرض، امراض

جمع.

مرض قند maraz-qand: ۱. مر. نگا.

دیابت، سوویجی کسل.

مرطوب martub: [ع] تر، چیغلی،

اول، ایزغارلی، ایغاللی.

مرعشی mar'aši: ص. ن. مرعشه

باغلی، سوریه ده بیر شهر.

مرعوب t.mar'ub: م. [ع] قورقان،

قورقیزلان.

مرغ t.morq: اهلی اوچیجی قاناتلی

قوشلار.

مرغ آتش خوار morq-e-ātašxār:

شتر مرغ، دویه قوش.

مرغابی t.morqābi: مر. اوردک، سودا

یوزیان اوردک، سوو قوشی.



۱. آق چارلاق.

مرغوب tmarqub. مف. [ع] حالان،

ایسله نن، هر زادینگ اینگ قاوی سی.

مرفه moraffah: ص. [ع] دینچلیقده

راحتلیقده بؤلما، قاوی یاشاشده

بؤلما، قورپلی.

مرفین t. morfin. [فر] تریاگینگ

جوهری.

مرقد marqad: ۱. [ع] ابدی لیک جای،

قبر، مزار، مراقد جمع.

مرقوم t. marqum. مف. [ع] یازیلان،

خطلی.

مرکب t. morakkab. مذ. [ع] یوغورلان،

یوغوریلما، یکی زادینگ بیر بیرینه

یوغوریلماغی، قاتیشیق.

مرکز t. markaz. [ع] تگلک چیزیفینگ

اورتاسی، اورتا آرا، اولی حاکملارینگ

دوینایان یری مرکزی. مراکز جمع.

مرگ t. marg. اولوم.

مرگبار marg-bār: ص. فا. اولومه

سبب بولیان، اولوم یاغدی ریجی.

مرمت maremat: مص. [ع] بجرمک،

تیمارلاماق، آباد اتمک.

مروژ t. marmuz. مف. سیرلی، رازلی،

گیزلین ایکی آدم آراسیندا ایم اشاره

بیلن بلله نیلن بؤلمالی.

مروارید t. morwārid. اول بیر

ییلدیراویق آق گوهر،

مروارید صدف ایچیندن عمله کلیار

اول خلیج فارس و اقیانوس هندده

آولانیان بؤلمالی.

مروت t. morowat. مص. [ع] مروء -

جومارتلیق، آدمکارچیلیک، مردلیک،

یاغشی لیق، یورک یومشاقلیق.

مروج t. morawwej. [فاع] رواج

بریجی، یورگون لیک بریان، رواج

بریان.

مرور morur: مص. [ع] گیتمک و

گچمک، گچیب گیتمک، اوتمک،

کتابی قیسساقلی اوقیپ گچمک.

مرهم t. marham. [ع] عموماً یارا

چالینیان درمان، یارا چالینیان ملهم.

مراهم جمع.

مرهون t. marhun. مف. [ع] گروبریلن،

گرووه گیدن، گرووه قوییلان.

مريخ merix: [ع] بهرام ییلدیزی، یردن

کیچی راک، اول یردن سؤنگ قرار

تاپیپ دیر، اؤنؤنگ کوچیپ قونمه سی

ایکی ییله داغی چکمه لی، اؤنؤنگ

شعله سی یاغتیسی ایکی اسسه

عطاردان و زهره ییلدیزینگ یارسی

اونونگ قوچیان وقتی ایکی ییلا-د



آسیل جانگ، پاسگل چیلیک، باشغا
بیرینه زحمت بریان آدم.

مزار t.mazār: [ع] زیارت جایی
زیارتگاه، زیارت ادیلیان جایی،
فارسچه گور و قبر دیپ-ده آیدیلیار.
مزارع 'mazāre': [ع] جمع مزرعه،
اکیلیان یرلر، کیچی اکیش یر، اکیش
اکیلیان یرلر.

مزاوجت mozāwejat: مص. [ع]
مزاوجة، بیله جفت لشمک، اوینمک،
عیال آلماق.

مزایا mazāyā: [ع] جمع مزیت،
اوسسم لیکلر، آرتیق لیق، یوقار
درجده بؤلماق، علمدا، صنعتده و
عقلدا و ش.م. ده آرتیقماچ لیق لار.

مزایده mozāyede: [ع] بیر بیرینگن
آرتیق گلمک، بیر زادی ساتلیفه
قولاندا هر کیم یوقار بهاء بیلن آلسا
شونگا بریلمه لی ادیلن، یوقار آلا نه برمه
مزبور t.mazbur: مف. [ع] یازغا اشاره،
یازیلن یازغا اشاره بؤلن.

مزخرف t.mozaxraf: مف. [ع]
آلداویچ زادلر بیلن بزهن، چینا
منگز ایدی دوزیلن، یالان و پوچ
باطل سوز.

مزد t.mozd: اجیر، ال عذاب ایش

باریان، فارسچه بخون یعنی بهرام هم
دییلیپ دیر. کونه روایت لارا گورا اونگا
اوروشینگ خدایی هم دییلیپ دیر.

مرید t.morid: [فاع] اخلاصی،
سویوجی، ایسله یجی، مخلص، اراده
ادیجی.

مرید morid: ص. [ع] خبیث هولانگ،
شردن قاجمایان بوینی یوغین.

مریض mariz: ص. [ع] ناساغ، ناخوش
سیرقاو، سؤکل، سنجوو، خسته،
مریض، سیرقاوچیلیق

مریم گلی t.maryam-goli: ماوی
گل.

مزاج mezāj: ۱. بیر زاد بیلن
یوغرولما، شراب یالی سوو بیلن
یوغرولان بؤلسون. ۲. طبیعی یاغدا ی
بولوش، طبیعی یارادلیش، امزجه
جمع.

مزاح mozāh: مص. [ع] بیله اوین
اتمک، دگیشمک.

مزاح mezāh: ا. مص. [ع] دگیشمه،
اوین، مسخره لیق.

مزاح mezzāh: ص. [ع] قاتی
دکشه کن، گولکی لی

مزاحم t.mozāhem: [فاع] آزار
یتیریان، زحمته سبب بولیان،

مس mes: ۱. میس.

مسائل masā'el: [ع] جمع مسئله، ضرورلر، گرکلی لیکلر، ایسلگلر، مسئلهلر.

مساجد masājed: [ع] جمع مسجد، مسجدرلر.

مساحت masāhat: مص. [ع] مساحه، یری اولچه مکلیک، یرینگ اینی بویی، یا هر بیر زادینگ اینینه بویینه خاصلانیار.

مساعد mosā'ed: [فاع] اویون داش، دوست و یار، جبیس دشر، اونگایلی. مساعدت mosā'edat: مص. [ع] ۱. کمک اتمک، یولداشلیق اتمک، یاران بؤلماق، ۲. فارسجه یاری اتمک، اونگیندن بریلیان پول.

مساعی mosā'i: [ع] جمع سعی، تقلالار، ارجل لیکلر، تلاشلار، جمع سعی.

مسافت masāfat: [ع] آرالیق، داشلیق، یؤلونگ اوزین لیغی، ایکی مکانینگ اوزاقلیغی، آراچاگی.

مسافر mosāfer: [فاع] سفر ادیجی، سفره گیدیجی، یولاغچی.

مسافرت mosāferat: مص. [ع] (= مسافرة) یولاغچیلیق اتمک، بیر

حق، عذابینگ زحمتینگ قارشى سینده آلینیان حق، ایش اوچین آلینیان پول.

مزدور mozdur: مص. بیرى اوچین ایش ادیب مزد آلیان، گونه مزد، کسانا، مزد آلیجی.

مزرعه t.mazra'e: [ع] مزرعة اکرانچیلیق، اکین اکیلیان یر، مزارع جمع.

مزروع t.mazru': مف. [ع] اکیلن یر، تخم سپپ اکیلن یر.

مزلت mazelat: مص. [ع] سوروشیپ ییقیلماق، سوروشمه.

مزمن t.mozmen: [فاع] کونه، ایرکی، کوپ زمان گچن، ناساغلیق کونه خسته لیک، کونه سیرقاو لیک، اندامدن چیقمان قالان سیرقاو لیک، اندامده جایلاشان کونه خسته لیک، ناساغ لیک، سوکل لیک، سنجو لیک.

مزن t.mozayyan: [فاع] زینت بریجی، زینتله نین.

مژدگانى t.moždegāni: بوشلانیب آلینیان نارسا، قولاق بوشلیق، خوش خبر و بوشلیق اوچین بریلیان پول.

مژده možde: سویونجی، بوشلوق.

مژگان t.možgān: کیریپک.

شهردن آیری بیر شهره گیتمک،
مسافرلیق.

مساكن masāken: [ع] جمع مسكن،
مكانلار، مسكنلر.

مسالمت mosālemat: مص. [ع] (=)
مسالمة) یاراشماق، اونگیشماق،
ایسلاشیلق، خوش قیلیقلیق،
آزارسیزلیق.

مسامحه mosāmeḥ: مص. [ع] (=)
مسامحة) آنکسات توتماق، ینگل
توتماق، آنکساد دیب فکر اتمک
یومشاقلیق و خوشامایلیق بیلن
ایش اتمک، بویون تاوولماق، مدارا
اتمک، گچریملیک.

مسامع mosāme': [ع] قولاقلار، جمع
مسمع و مسمعه.

مساوی mosāwi: ص. [ع] برابر، دنگ،
قیرادنک.

مسئلت mas'alat: مص. [ع] خوایش
اتمک، ایسله مک، ترخوس. مسائل
جمع.

مسئله mas'ale: [ع] مسئله، حاجت،
ایسلگ، مهله، مسائل جمع.

مسئولیت mas'uliyat: [ع] مسؤولیة
بویون آلنان غرامت، آدمینگ بویون
آلان غرامتی، جوابکارچیلیک.

مسئول mas'ul: مسئل-ا. مف. [ع]
سورالان، ایسله نن، جوابکارلی،
جوغابکارلی بۇلان.

مسبب tmosabab: [ف.ع] سبب کأن
سبب بولجی، سبب بولیان علت،
مسبب الاسباب: خدای تعالی دیر.

مسبوق tmasbuq: مف. [ع] اونگ
بۇلۇپ گچن، اونگ، سابقه لی، اونگ
أورهلان، سابقه سی بۇلان،
اونگه دوشن.

مست mast: ص. مس، سرخوش، بیان،
الکلی، ایچگی ایچیب اوز عقلینده
بۇلمان بیهوش بۇلان، اسریک، مست.
مستأجر tmosta'jer: [ف.ع] اجاره
ادیجی، کرانه اوتوریان اوی دیر دکان
یا ش.م. آیلیغنه اوتوران آدم.

مستبد tmostabed: [ف.ع] اوز
کله سینه گورا بۇلان، اوز کله سینه
کله نینی ادیان، اوز کله سینه گورأ،
دیینگه اوز بیله نینی ادیان،
مصلحت سیز ایش ادیان.

مستبعد tmostabe'd: مف. [ع]
داشلاشان، نظره قارشى گلیان، داش
گلیان زات، بۇلماجاق زات.

مستثنى mostasnā: ا. مف. [ع]
مستثنا، کۇچولیگینگ چیز یغیندان

چیقپ کناره گیدن، آیراتین لانان،
دوزگوندن چیقان.

مستجاب tmostajāb. مف. [ع]

جوغاب بریلن، قبول بۇلان، حالانان.

مستجد tmostajedd. [فاع] تازه له نین،
تازه ادیجی، تازه ادیلن.

مستجد tmostajadd. مف. [ع] تازه
بۇلان، تازه اوویرلن.

مستجیر tmostajir. [فاع] اجازه،

رخصت اسلاجی، جواز ایسله یجی،
جایزه ایسله یجی کیشی.

مستحب tmostahab. مف. [ع] دوست

گوریلن، دوست گورمه لی،

یدلمه گینده ثواب بۇلۇپ، اما ترک

ادیلنی بیلن گناه کارلیگی یوق عمل.

مستحضر tmostahzar. [فاع] حاضر

ادیجی، تاییارلایجی، خبرلی، آگاه.

مستحق mostahaq. ص. [ع]

یاراشیقلی، گلشیکلی، لایق، حقلی.

مستحکم mostahkam. ص. [ع]

ماکام، برک، قایم.

مستخدم tmostaxdem. مف. [ع]

ایشگار، قوللوقچی، خدمتکار.

مستخرج tmostaxraj. [فاع] داشار

چیقارجی، داشار گتیرجی.

مستخلص tmostaxlas. مف. [ع]

خلاص بۇلان، آزاد بۇلان، ارکلی بۇلان.
مستدام tmostadam. مف. [ع] دوام

تاپان، برکیین، برقرار بۇلان، دواملی.

مستدعی mostadā'i. ا. [فاع]

ایسله یجی، خوایش ایدیان، تقاضا

ایدیان، تمنّا ایدیان، ترخوس ادیجی.

مستراح mostarāh. [ع] دینچ جای،

فارسچه حاجت خانه، توالت

معنیده.

مسترد tmostard(d). مف. [ع]

اوویریب آلینان، ایزینا بریلمه،

قایتاریپ برمه.

مستزاد tmostazād. مف. [ع] آرتان

آرتدیرلان، کؤپلدیلن، بدیع علم

آدالغاسینده هر بیر مصراع نینگ

آغرامیندن ناچه کلمه آرتیقماچ

گستیرلیان قوشغی، ادبیات

تئوری سینده هر بیر مصراع نینگ

آخیرنده اوز باشداق بیر ناچه سؤز

گتیریلیان شعر فورمی، اول سؤز لر اوز

آرا قافیه لاشیب گلیار.

مستشار tmostašār. مف. [ع] صلاح

مشورت ادیلن آدم، مصلحت

سورالان آدم، مصلحت چی،

مصلحت ادیلن طرف.

مستشرق tmostašarq. [فاع]

طلب اتمک.

مستعمره tmostamere. مف. [ع]

کسه کی بیگانه دولت طرافیندن

ایه له نن یورت، باسیب آیینان یورت.

مستعمل tmosta'mel. مف. [ع] ایشه

قوییلان، ایشله نن، الدن اله دگن،

کؤنه، اولانیلما.

مستغرق tmostaqraq. فاع. [ع] سوودا

چومیچی، قاتی ایشه اویلانپ

قیزیقلانان آدم، سوودا باتیچی.

مستغفر tmostaqfer. فاع. [ع]

یالقاویق، ایستیچی، بخشش

ایستیچی یالقانماق لبق ایسله یان.

مستغنی tmostaqnā. فاع. [ع] پوللی،

با، قۇجۇرلی، قورپلی.

مستفیض tmostafiz. فاع. [ع] باخشش

طلب ادیچی، فیض ایسله مکلیک.

مستقبل tmostaqbal. مف. [ع]

گلجک، گلجک زمان.

مستقبل tmostaqbel. فاع. [ع] قارشى

آلیچی، اونگیندن چیقیقی، حوش

گلدینگ دیمه.

مستقر tmostaqar. فاع. [ع] یرلشمه،

جایده قرار آماق، جای آلان

جایلاشان، یرلشن، قرار تاپان.

مستقل tmostaqel. فاع. [ع] اؤز ایشینی

گوندوغار یورتلرنینگ دۇرمۇش

یاغداینا تانیش و دانا آدم، شرق

شناس، گوندوغار شناس، گوندوغار

یورتلرنینگ دورموشینی اونگات

بیلیان عالم، گوندوغار یورتلرنینگ

علمینه تاریخینا یاقیندان یتیک آدم.

مستضعف tmostaz'af. مف. [ع]

عجیز ساییلان، حور، پس گورولن،

عجیز ضعیف بیلینن.

مستطاب mostatāb. ص. [ع] پاک،

آراسسا گلیدیدر، خوش گلیپ دیر.

مستعار tmosta'ār. مف. [ع] امانت،

پیدالانماق اوچین وقتلاین بیریندن

آیینان و ایسله نن زات ء گیزلین آت .

مستعان tmosta'ān. مف. [ع] یارادام

ایسله نن، کمک سورالان آدم.

مستعجل tmosta'jel. فاع. [ع]

قیساقلی، هااولیقان ایش،

هاولیقماچلیق بیله ادیلیان و

ایدلمه لی ایش.

مستعد mosta'ed. ا. [فاع] تایین،

اوقیپلی، بیر ایش اتمآگه قۇربی

بۇلان، بیر ایشه تایین بۇلان آدم.

مستغفی tmosta'fi. فاع. [ع] ایشدن

قیراغا چیقماق، ایشدن بوشاماق،

ایشدن ال چکمک، گچریم لی لیک

ارکلی لیک بیلن دولاندیریان آدم،
 ایشنه آیری آدما قوشولماغا حق
 برمه یان، آزاد، ارکلی لیکاء قاراش سیز
 مستقیم mostaqim: ص. [ع] دوغری،
 گۆنی، برک، قایم.
 مستکبر tmostakber: [ف.اع]
 منلیکلی، اوزینه بویسانیان، اوزینه
 کونگلی یتیان، اوزینی اولی ساییان،
 قاباریجی.
 مستلزم tmostalzam: [ف.اع] باشقا
 بیر زاده ضرور بولیان زات، باشقا زادا
 گرکلی بولان زات.
 مستمر tmostamer: [ف.اع] ایمیقلی
 یۆرگونلی. مداما، همیشه لیک، ایزی
 گیدرلی، مستمری: آیلیقلی،
 حقوقلی، همیشه مواجیبلی بۆلن.
 مستمسک tmostamsak: [ف.اع]
 پنجه اوريجی، بهانا، توتاریق،
 سایالاقچی.
 مستمسک tmostamsek: م.ف. [ع]
 بیر زادا پنجه سینی اوریان، بهانا.
 مستملک tmostamlak: م.ف. [ع] بیر
 جایی اوز ملکیم دییپ اؤزینه گچیرن
 آدم، اؤزینه اوویرن آدم، اؤزونه
 خاصلان آدم.
 مستمند mostamand: ص. عجیز،

بیچاره زادسیز، یوغسول، قایغیلی
 کونگلی قالان.
 مستند mostanad: ا.م.ف. [ع] سندی
 آرقا توتما، سویانمه، مدرک، دلیل.
 مستنطق mostantaq: ا. [ف.اع] باشقا
 بیرینی کپلیدیان گورله یان آدم، بازپرس
 استنطاق ایدیان، سوراغ ایدیان،
 سوراغچی.
 مستنکف mostankaf: ا. [ف.اع]
 ایشدن یوز اوویریان، ایشدن
 ساقلانیان، منلیک یوزوندن ایشدن
 قالیان و ساقلانیان، ایشدن بؤیون
 قاجیریان، ساقلانما.
 مستوجب mostujeb: ا. [ف.اع]
 یاراشیقلی، گلشیکلی دوشوملی،
 مناسب بۆلن.
 مستوحش mostuheş: ا. [ف.اع]
 بیریندن قورقولی، بیریندن اینعجان،
 قورقونچلی.
 مستور mastur: ا.م.ف. [ع] اورنگلی،
 اورتولگی، نامیسلی، پردهلی،
 یاشیرین، مساتیر جمع.
 مستوره masture: ا.م.ف. [ع] پردهلی
 عیال، آراسا پاک نامیسلی عیال.
 مستوفی mostufi: ا. [ف.اع] ۱. آلیجی،
 اهلی حق آلیان، حق آلیجی ۲.

مسخر tmasxar. مف. [ع] بؤیون

اگدیرن، مطیع ادن، اوستون چیقمه.

مسخره masxare: ص. [ع] مسخرة،

اوینالمار، گولینمد، یوییلانیان آدم،

بیری نینگ ساققالینا گولمد

اوستیندان گولینیان آدم، گولکیلی

ایشلر ادیان آدم، گولکونچ.

مسدس mosaddes: ص. [ع] آلتی

چتلی، آلتی بورچلی، آلتی خطلی،

آلتی چیزیقلی.

مسدود tmasdud. مف. [ع] باغلی

بۇلان، اونگی باغلانان، برک ادیب

ساققلانان، باغلانان، سد ادیلن.

مسرت moserat: ص. [ع] شاد

بۇلماق شادلیق، شادیانلیق،

خوشلیق.

مسرف tmasaref. [ف.ع.]

تیغشیت سیز خرچله یان، چن

چاق سیز خرچلایان.

مسرور tmasrur. مف. [ع] شاد،

شادیان، خوش، بگنجد.

مسروق tmasruq. مف. [ع]

اوغیرلاناتان، اوغیرلاناتان مال، زادی

اوغیرلاناتان آدم.

مصری mosri: ص. یوقاشیجی،

بیریندن آیری آدما کسلینگ

خزینانینگ حسابدارى و دفتردارى،

حساب و دفتر بیلن قیزیقلانیان.

مستولی mostuli: ا. [ف.ع.] مسلط

بۇلان، اوستون چیقان، بیر زادی

دولی لیغنا کامل اله سالان، ینگن.

مستهلك tmostahlak. مف. [ع] یوق

بۇلان نابود بۇلان.

مسجد masjed: ا. [ع] سجده ادیلیان

جای، عبادت یری، نماز جمعه

اوقولیان مسجد.

مسجل tmosajjal. مف. [ع] مهر

اوریلان سنده، مهر اوریلان قبالة،

پچات اورولیپ ثبت بۇلان مدرک.

مسجل tmosajel. [ف.ع.] سجل

یازیان، قاضی نینگ حکم لرنی قبالة

یازیب پچات اوریان.

مسح mash: ص. [ع] آراسسالاماق،

بیر زادینگ ایزینى یعنی اثرنى بیر.

زاتدن آیرماق، سیفالاماق یوزونگه و

آیاغینگا طهارت ادنگده ال چکمک، ال

بیلن سیپاماق.

مسح tmesh. [ع] پالاس، دون، قالینگ

اشیک، امساح و مسوح جمع.

مسخ masx: ص. [ع] شکلینگ ارید

صورتده اویتگتمک و ارید گورنیشه

چیقاریلماق، یانگیسلاماق.

سیرقاو لیغینگ یوقۇشماغی.

سطح t.masatah.مف. [ع] یایرانگ
دوز، تکیز، گینگ و تکیز یایرادیلن و
گینگلن، اوستی یایرانگ و تکیز زات.
سطور t.mastur.مف. [ع] یازغی،
یازیلان.

سطوره t.masture.مف. [ع] نمونه
گورکزمه، بیر یردن بیر یره التیب
ایبرلیان زادینگ گورکزمه سی، عربچه
مسطره.

مسعود mas'ud.ص. [ع] خوش
بختلی، اقباللی، بختی گلن،
باغتی یار.

مسقط t.masqat. [ع] آشاق اینمه
جای، ییقیلماق جای، آشاق دوشمه،
یوقاردن آشاق دوشمه، مساقط جمع.
مسکن t.maskan. [فاع] یاشالیان
مکان، یاشالیان یر، اوی، مسکن،
مساکن جمع.

مسکن t.mosaken. [فاع] اینجالیق
بریجی، دینچلیق بریجی، آغیرینی
دردی کوشیتدیران درمان.

مسکوت maskut. [ع] سونن،
سونوپ دیر، ساکت بۇلان، دینن،
سونیک ساکت بۇلان، دینن، حرکتدان
دوشوریلمه قالدیریلما.

مسکوک t.maskuk.مف. [ع] قیران
پول، قارا پول، زیککه قاقیلان پول.
مسکه meske.ا. کره. مسکه یاغ.
مسکین t.meskin.ص. [ع] یوغسول،
غریب، زادسیز، درویش، بیچاره،
فقیر، ماتاج آدم، مساکین جمع.
مسگر t.mesgar.ص. میس قاپلاری
یاسایان.

مسلم mosalah.ص. [ع] یاراغ،
یاراغلی، یاراغلانان، یاراغ داقینان،
یانی یاراغلی.
مسلم شدن mosalah-sodan.
یاراغلانماق.

مسلمت mosalat.ص. [ع] اوستون لیک
تافان، ازیر، باشارجانگ، اوکده چیقان،
ینگن.

مسلمک t.moslek. [ع] یول یوردا،
یورلگه، طریقه، کار، هوناره

مسلم t.mosallem.مف. بۇیۇن بۇلان،
ثبوت بۇلان، آنیق بۇلان، اینانیلان،
حکمان.

مسلم moslem.ص. [ع] مسلمان،
دیندار، اسلاما اویان، مطیع بولان.

مسلمان mosalmān.ص. اسلام
دینی ایزارلایان، اسلام دینینده
بۇلان، اسلام دینینی قبول ادن.

مسلوب tmaslub. مف. [ع] قوفاریلان،
یولینان، گوترلن.

مسلول maslul. ص. [ع] اینچه
کسللی، اینچه کسل ناخوشلیقا
دوچار بۇلان.

مسمع 'tmosama. [ع] قولاق. مسامع
جمع.

مسموع 'tmosmu. مف. [ع] اشیدن،
اشیدیلن.

مسموم tmasmum. مف. [ع] آوی
ایین، زهر ایچن، زهر اندامینه یایران،
زهرلنن.

مسمی tmosammā. مف. [ع] بللی،
مالیم، آدلانان.

مسن tmesan(n). [ع] پچاق چالینیان
نارسا، پچاق چالینیان داش، فسان و
فسن.

مسن mosen(n). ص. [ع] قاری،
یاشی کیدن، یاش اولی، قوجا.

مسواک tmeswāk. [ع] دیش
یوویلیان چوتگه جیک، مسواک.

مسهل tmoshel. [ف.ع] ایچ
آراسسالایان، ایچی پاکله یان، ایچ
کجریان یاغ.

مسیح masih. ص. [ع] مقدس یاغ بیلن
پاک بۇلان آدم، دوعری کیشی، کوپ

سیاحت ادیجی آدم و حضرت
عیسی (ع) نینگ لاقامی.

مسیر masir. ص. [ع] گیتک، روانا
بۇلماق، یوله دوشمک، سیر سیاحت
جایی، گزالنج جایی.

مشابه mošābeh. ص. [ع] منگزش،
چالیمداش زات، باشقا بیرزاده منگزش
بۇلان نارسا.

مشابه mašābeh. [ع] جمع شبه،
منگزشر.

مشاجره mošājere. ص. [ع]
مشاجرة، بیرری بیرینگ بيله
اوروشماق، بیرری بیرینگه
دوشمانچیلیق اتمک، داوالاشماق،
غالماغال ادیشمک.

مشارق mošareq. [ع] جمع مشرق،
گون دوغار.

مشارکت mošārekat. ص. [ع] بيله
اورتاق بۇلما، بيله شاریک بۇلماق، بیر
ایشه قاتیشماق، قوشولماق.

مشاع mošā. ص. [ع] اورتاق ملک،
پولاشیلمه دیک، بولینمه دیک یر،
ناچه نفرینگ آدینه آرالاری آچیلما
قالان ملک.

مشاعره mošā'ere. ص. [ع]
مشاعرة، قوشفی اوقوشماق، یاریش

صورتده بيله قوشنى اوقوشماق.

مشاغل mošāqel: [ع] جمع مشغله

ایشلر، گویمنچلر، گویمندیریان
زاتلار، مشغولاندیریان زات.

مشام tmašām: [ع] ایس بیلجی

گویج، بورونلر، بورون.

مشاور tmošāwer: [فاع] بيله گنگش

ادیلمه، مصلحت ادیجی، گنگش
ادیجی، مصلحت ادیلیان طرف،
گنگشچی.

مشاهده mošāhede: مص. [ع]

مشاهده، گوز بيله گورمک، باقماق،
گوزله مک، سر اتمک، سینلامه

مشاهیر mašāhir: [ع] بناملار، جمع

مشهور، شهراتلیلر، مشهورلر، آد
قازانانلار.

مشایعت mošāey'at: مص. [ع]

مشایعة، ایزیندان گیتمک، یوله
سالماق، میخمانی آتارماق، میخمانی
یوله سالماق، میخمان یا یولاغچی
یوله سالنان وقتده اؤنؤنگ بيله بیر آز
یره بيله گیتمک.

مشت tmošt: یومروق. ال پنجه سی،

ال دوومه.

مشت tmešt: آقار سو، آریق.

مشتاق moštāq: ص. [ع] شوقلی،

هوسرنگ، میللی بیر زاده هوسینگ

بؤلماق، آرزولی.

مشرک moštarek: ا.مف. [ع] اورتاق،

شاریک، بيله لیکده ایش توتونماق،

ناچا آدمینگ اورتاق مالی بؤلماق،

ناچا آدمینگ پایی بؤلماق.

مشری tmoštari: [فاع] آلیجی، زات

آلیجی، خریدار، ساتین آلووچی.

مشری tmoštari: خ. ایکینجی

مرتبه ده بؤلان ییلدیز یعنی زهرمدن

سؤنگ.

مشتعل tmošta'el: [فاع] اود

یاندیرما، توتاشدیرما، شعله لندیرمه.

مشتق tmoštaq: مف. [ع] یاریلیپ جدا

بؤلان، زادینگ بیر آیری زاتدان جدا

بؤلماغی، بیر سؤز آیری بیر سؤزدان

آلینب یاسالان بؤلسؤن.

مشتمل tmoštamel: [فاع] اوز

ایچینه آلیجی، غابایجی، غاباماق، اؤز

ایچینه آلماق.

مشجر tmašjar: [ع] آغاچ بیتن یر،

آغاچلیق یر، مشاجر جمع.

مشجر mošajjar: ا.مف. [ع] آغاچلی،

باغلی، آغاچ اکیلن یر، آغاچا منگزش

زاتلار.

مشخص tmošaxas: مف. [ع] بللی،

اولی سالاما چرا، چرا قویولیان،
مشاعل جمع.

مشغله mašqale: [ع] ایش، پیشه
گویمه یان زات، مشاعل جمع.

مشغول mašqul: [ع] ایشه گویمنیان
آدم، آلینیاں جای، ایهله نن اورون.

مشفق tmoštaq: [ع] یاغشلیق
ادیان، یوره گی یانیاں، مهربانلیق

ادیجی، جانبیکش، همراق، نازیک،
مشق mašq: مص. [ع] هر بیر ایشی

کوپ ادیب اندیک اتمک، یازماق
اندیک اتمک، ایشه شاراب بؤلماق،
بیر ایشی کان ادیب، اؤکدهلمک،
یازماق.

مشقت mašequat: مص. [ع] ایشینگ
قین بؤلماغی، قین چیلیق، زحمت،
عذاب، مشاق و مشقات جمع.

مشک tmošk: مشک کیگینگ
گوبه گیندن عمله گلیان اونگات ایس،
عربچه مسک دیلیار.

مشک tmošk: مشک
مشک čupān: tmošk-
آلاستلمه.

مشکل mošakka: [ع] شکللی، یوز
گۆزه منگران زات بؤلمالی.

مشکل tmoške: [ع] قین ایش،

بللی بۆلان، بیرری بیریندن سایلانان،
آییل-ساییل بۆلان.

مشرف mošref: ا. [ع] اولی جای،
بلند جای، مشارف جمع.

مشرف tmošaraf: مف. [ع] اولؤلوق،
حرمتلیلیق، بلند درجه لی بۆلان،
اوستونلیکده بۆلان، بلند درجه ده
بۆلان

مشرق tmašreq: [ع] گون دوغار،
گونونگ دوغیان اوغری دوغی،
یوقاری، مشارق جمع.

مشرک mošrek: ص. [ع] خدایی
اورتاغلی بیلیان آدم، خدایی اورتاغلی
شریکلی بیلیان آدم، خدای
تعالی نینگ شریکی بار دیر دییپ
گمان ادیان آدم، ناچه خدایا
عقیده سی بار بۆلان.

مشروب mašrub: [ع] ایچیلیان
ایچگی (سؤو و شراب و چاقیر و
ش.م.لر).

مشروط tmašrut: مذ. [ع] شرط ادیلن،
شرط ادیلمه که باغلانان.

مشروع mašru: [ع] شرعه مطابق
بۆلان زات، شرع تاییدان جایز و دوغری
بۆلان زات.

مشعل tmaš'al: [ع] مشعله، قندیل،

گچیلیان زات ۲. جمعه گونی و قیامت گونی معنیده هم آیدیلیپ دیر.

مشهور mašhur: [ع] ادلی، شهراتلی، آدی آدملارینگ آراسیندا بللی بۇلان، آدیغان، شهرت غازانان مشاهیر جمع. **مصاحبه** mosāhebe: [ع] بیرى بيله گوررینگینگ بۇلماق، دوست و یار بۇلماق، گپلشمک، گوررینگکداش بۇلماق، گوررونغدشلیک گچیرمک.

مصادره mosādere: [ع] بیرینینگ مالینی زور بيله آلماق، جریمه و تاوان آلماق، ایزینا آلماق.

مصادف mosādef: [ع] بیرى یا باشقا بیر زات بيله یوزبه یوز بۇلۇپ چاقیشماق، بیرى بیرینه دگمک، یوزبه یوز دگمک، بیرى بیرینه ضربلی دگمک.

مصادم tmosādem: [فاع] بیرى یا بیر زات باشقا بیر زات بیلن چاقیشیب صدمه یتیرمهگی، آزار یتیرمهگی، دگمهگی.

مصارف mosāref: [ع] جمع مصرف، خرجلامالار، چیقداجیلار.

مصالح tmasāleh: [فاع] ایلالاشماق، یاراشماق، انسانینگ صلاحینه و پیداسینه بۇلان زاتلار.

اوستى ياپيق، چوزيلمگی قین مسئله، آغیر.

مشكل پسند moškel-pasand: ایش دالناجی، اینجیق، آد داقاغان، دالناغار، دالناجی.

مشكل گشا moškel-goša: قین ایشی باشاریان، قینچیلیغی چوزیان. **مشکوک** tmaškuk: مذ [ع] گمان ادیلن، بیر زاده شک ادیلن و گمانلی بۇلان.

مشکی meški: ص. قارا یاغیز، قره، قره رنگ.

مشمول mašmul: تۈۈرگی آلینان، داشینی آلدیران، قابالانان، دگیشلی بۇلان.

مشورت tmašwerat: م.ص. [ع] مشورة، صلاح اتمک، گنگش اتمک، اویلانشیق، مصلحت، اوندو.

مشوق tmošaweq: [فاع] آرزولی، هوس جنگلیک، هوس لندریان.

مشهد mašhad: [ع] محضر، حضور تاپمالی یر، شهید بولینیان یر، اماملارینگ بیرینینگ مزارى ابدی لیک جای، مشاهد جمع.

مشهود mašhud: [ع] ۱. حاضر بولینن، گورینن، گورینیان اونگا گواه

مصدق t.mosaddaq. مذ [ع]

تصدیق‌لانان، اینانیلان، شهادت‌لانان.

مصدوم masdum: [ع] صدمه

گوریجی، آورانان، ضربه دگن، صدمه گوران، زیان گوران، آغیران، اینجان.

مصراع t.mesrā'. [ع] قافینگ بیرتایی،

بیر بیت شعرینگ یاریسی مصاربع جمع.

مصرف t.masraf. [ع] خرج ادیلن یر،

یؤیؤلان یر، چیقداجی چیقارلان یر، خرچلاما.

مصطفی mostafā: ص. [ع] سایلانان،

حضرت رسولینگ لقب‌لرینگ بیرى.

مصطلح t.mostalah. مذ [ع] اؤز

بولوشلی معنی‌سیندن آیری بیر مخصوص سؤزه دأب بؤلؤپ قبول ادیلن کلمه.

مصلحت t.maslehat. [ع] گنگش،

صلاح، آدم‌لارینگ خیرینه و پیداسینه و راحتلیغینا سبب بولیان اؤز آرا گچرلیان گورونگ گنگش صلاح، مصالح جمع.

مصلی t.mosalā. [ع] نماز اوقولیان

جای، نماز و دعانینگ جایی آیراتین گونلرده آدم‌لارینگ شهردن داشرده نماز اوقایان یرلری.

مصالح ساختمان masāleh-e:

sāxtemān- جای سالماق اوچین

پیدالانیلیان کرییچ داش، گچ، سیمان، حلب و آغاچ و ش.م. جای سالماق اوچین گِرک بؤلان زات‌لار.

مصالحه mosālehe: مص. [ع] بيله

اونگیشماق، یاراشماق ایلاشماق.

مصباح t.mesbāh. [ع] چرا، ارتیرلیک

اییلیان یا ایچیلیان قاب، ارتیرینه اییپ ایچیلیان اییمیت‌نینگ قابی.

مصحح t.mosahheh. [ع] فـا.

دوزالديجی، چاپ اتمک اوچین کتابینگ غلط‌لرینی دوزالديان آدم.

مصدق t.mesdāq. [ع] بیرى نینگ

دوغرى کپینی تصدیق لاما، شاید بولیان آدم، بیر آدمینگ دوغرى سؤزینی تصدیق‌لایان آدم.

مصدر t.masdar. [ع] دولانماق یری

اوویرلمک جایی، اوویریلیان یر، صادر بولان یر، بیر کلمه‌نی اصلیندان چیقاریپ یارینی آلماق، یعنی بیر سؤزی آیری کلمه‌دن چیقارماق.

مصدق t.mosaddeq. [ف.ع] تصدیق،

اینانیجی، تصدیق‌لایجی، و (بفتح دال مشدد) تصدیق بؤلان، اینانیلان، تصدیقلانان.

مصمم tmosammem [فاع]

قایدوسیزلیق، توتومی و اراده سی بار
بۇلان، بیر ایشی اتماگی یوره گنه
دوون، تصمیم توتان آدم.

مصمم tmosammam [فاع] بیر

ایشه اراده ادیلن، توتوملیلیق،
دۇروملیلیق.

مصنوع tmasnu' مف. یاسالان،

بجرلن، دوزه دیلن.

مصوب tmosawab مف. [ع] قبول

ادیلن، بیر آغیزدان قبول ادیلن.
دوغری لیغینا و حقیقت دیغینا حکم
بریلن زات.

مصور tmosawer [فاع] نقاش،

صورتکش.

مصور tmosawar مف. [ع]

نقش لانان، شکللی، صورتلی، یوز
کشبللی، نقش بۇلان، صورت ادیلیب
چکیلن.

مصیبت tmosibat [ع] یاس، ایزا،

رنج، قین چیلیق، و عذاب، قایغی غم،
گورگی، تاوقی. مصائب جمع.

مضاربہ mozārebe: مبص. [ع]

قاقینشماق، بیرینینگ پولی بیلن
تجارت اتمک، آلیش بریش اتماکه
مال بیرینه برمک.

مضاعف mozā'f: ص. [ع] ایکی

دوقان، ایکی اسسه.

مضامین mazāmin: [ع] مضمونینگ

جمی، مضمونلار، اصلی مطلبلر.

مضایقه mozāeqe: [ع] بیرینی دارة

غاباماق و قاتی توتماق، بیرینه
قین چیلیق دوراتمک، آیاوینچ.

مضحک tmazhak: [فاع] گولمه لی،

گولکلی لی، گولکونچ لی بۇلان،
گولکولیک.

مضر tmozer [فاع] زیان، نقصان

یتیرجی، ضرر گتیرجی، زیانلی.

مضروب tmazrub مف. [ع] اوریلان،

ینجیلن، ضربه اوریلان.

مضطرب tmoztareb [فاع]

چاشغین، آجرانگ، اینجالیق سیز،
توقات.

مضمحل mozmahal: ص. [ع]

دارغان، آزادان چیقان، پتیران و
اورتادان گیدن، یوق بۇلان، یوغالان.

مضموم mazmum: مف. [ع] بیغنانان،

جمله نن، ضمه لی، ضمه حرکتی
بولان حرف.

مضمون mazmun: [ع] اورتا آلینان،

کلام دن آنکلانان زات، سؤزدن فهم
آلما، بیر زادینگ اساسینی دوزیان

فكر، معنى، يازغى نينگ معنى سى،
كتابينگ ايچينداكىلر، مضامين
جمع.

مضيقه mozāeyqe: ا. [ع]
داريشغانلىق، دارلىق ير، قىيساسقا
بۇلماقلىق.

مطابق motābeq: ص. [ع] جبيس،
قىرادنگ، برابر، دنگ ۋ جيس ۋ

مطالب matāleb: [ع] جمع مطلب،
مطلبلار، ايسله نديكلر، آرزولار،
مقصدلار، علمى مسئلهلر.

مطالبه motālebe: ص. [ع]
ايسته مك، اۆز حقينكى ايسسته مك،
سورماق، حقينكى طلب اتمك.

مطالعه motāle'e: ص. [ع] كوب
اويلانماق بيلن بير زاتدان خبرلى
بۇلماق، كتابى يا يازغىنى اوقاماق،
كتاب يا بير يازغىنى دقت بيلن
اوقاماق، درنگو، درنگو اتمك.

مطب matab: [ع] درمـانگاه،
طبيب چيليك اديليان ير، درمان
اديليان ير، دكترينگ ايش جايى.

مطبـخ tmatbax: [ع] ايميميت،
بشيريلىان جاي، آش اۋى، مطابخ
جمع.

مطبـوخ tmatbux: مف. بشيريلن،

قايناديلان.

مطبوع tmatbu: مف. [ع] چاپ بۇلان،
آدمينگ حالايان زادى، چاپ اديلن ۋ

مطرب tmotreb: [فاع] دمبك اوريان،
آيديم اوقايان، اويونچى، تانسچى.

مطرح matrah: [ع] تاسلاما دوزيليان

ير، اونگه اوقلنيان جاي، بير
مسئلهنى اونگه سوريب اورتا آتيليان

ير، اورتا آتماق، مطرح جمع.

مطروـد tmatrud: مف. [ع] قاويلان،
داشا ساليان، آرادان چيقارلان.

مطعم tmat'am: [ع] ايميميت ايليان ير،
ايميميت، مطاعم جمع.

مطلب matlab: [ع] ايسلگ، آرزو
ايسله نيلين ير، مقصد طلب اديليان
ير، علمى مسئله لرينگ بيرى،
مطالب جمع.

مطلع tmotale: [فاع] دانا، هشير،
پايخاسلى، صبرلى، خبردار، آگاه.

مطلق motlaq: ص. [ع] اركين، آزاد،
سالتيق، آلا داسيز، اۆز اركينده بۇلان،
شرط سيز، بير زات بيلن
چاكلنمه ديك، مطلق العنان: اۆز
كله سينه گۇزا باشينا كيدن.

مطلقه motlaqe: ص. [ع] بوشاديلن
عيال، طلاق بريلن، اري گويبرن عيال،

خطی بریلن.

مطلوب tmatlub. مف. [ع] ایسله نن

زات، ایسله نن، ایسله نن آدم، ایسلگ،

مقصود، آرزو.

مطمئن motma'n. ص. [ع] دینج آلان،

اینجالیق تاپان، خیالی راحت بؤلان،

آرقاین.

مطهر tmotahher. [ف.ع.]

آراسلایجی، پاک لیجی.

مطهر tmotahhar. [ف.ع.] آراسسا

بؤلان، آراسسالانان، پاک و آراسسا،

مطیع moti'. [ع] بویون بؤلان، تایین

بولوجی، تایین بؤلان، بویروغی یرینه

یتیریان، خبرلی.

مضان mazān(n). [ع] جمع مظنه،

گمان ادیلن یرلر، ایچینده بیر زات بار

دیپ گمان ادیلن یرلر، جمع مظنه.

مظاهر mazāher. [ف.ع.] حمایت

ادیجی، آرقادایانچ، یاردام بریجی.

مظروف mazruf. مف. [ع] بیر زادینگ

قابا سالینماغی، قابا سالینان زات.

مظفر mozafar. ص. [ع] ینگن،

ینگیشه دوش بؤلان، ینگجی.

مظلوم mazlum. مف. [ع] ازیلن،

ظلم ادیلن، ظلم واقع بؤلان.

مزنون maznun. [ع] گمان ادیلن بد

گمان بولینان آدم، شک ادیلن آدم.

مزنه mazane. [ع] گمان ادیلن یر، بیر

زادینگ باردیغینه گمان ادیلن جای،

فارسچا مالینگ نرخسی و باهاسی،

چاق اتمه دیپ-ده آیدیلیار.

مظهر mazhar. [ع] آیدینگ بؤلان یر،

آچیق بؤلان جای، ظاهر بولینیان

جای، مظاهر جمع.

معارب ma'āber. [ع] جمع معبر، گذر،

اوتیب گچیلیان یرلر، گذرلر،

گچلگه لر، اوتلگه لر.

معاد ma'ād. [ع] اوویریلمه،

اوویریلمک جای، قیامت، آخرت.

معادل mo'ādel. [ع] برابر، دنگ گلن،

دنگ بؤلان، آغرامسی دنگ بؤلان،

آغرامداس.

معادن ma'āden. [ع] معدنلر، یر

آستی بایلیق.

معارج ma'ārej. [ع] جمع معراج،

باسغانجاق، یوقار چیقیلیان قورال.

معارض ma'ārez. ص. [ع] قارشسی،

قارشسی ظرف.

معارف ma'āref. [ع] جمع معرف

علملار، بیلیملر، مشهور آدملار، ادلی

کیشیلر، علم و فضل ایهلری،

فضیلتلار.

- معاش** ma'āš: [ع] یاشاما، یاشایش، یاشایش تتاریگی، یاشایش اوچین
 گِرک بۆلن زاتلار، اییمیت اییپ
 ایچمه یالی، اکلە تیش آیلیق،
معاشرت ma'ašerat: مص. [ع] (= معاشره) بیرری بیرینگ بیلە یاشاماق،
 باریش گلیش اتمک، قاتناشماق،
 یاناشماق.
معاصر mo'āser: [ع] زمانداش،
 عصرداش، دوویرداش.
معاضدت mo'zedat: مص. [ع] قول،
 بیرک بیرگه قول برمک، کمک اتمک،
 قولداماق.
معاف tmo'āf: مف. [ع] باغیشلانتان،
 باغشلایش / بوشتادیلان،
معافیت mo'āfiyat: مص. [ع]
 باغیشلانماق، لیق / بوشتاما.
معاقب tmo'āqab: مف. [ع] ازیلن، آزار
 یترن، عذاب بریلن.
معاقب tmo'āqeb: [ف.ع] عذاب
 بریجی، ایزارلایجی.
معالج tmo'ālej: [ف.ع] کسلی
 بجریجی، علاج ادیجی، چاره ادیجی
 طبیب، درمان ادیجی.
معالجه mo'āleje: مص. [ع] علاج
 اتمک، ام اتمک، درمان اتمک.
- معالجه** mo'āleje: مص. [ع] علاج
 اتمک، ام اتمک، درمان اتمک.
معالم ma'ālem: [ع] نشانلار، گورکزمه
 برمک اوچین یولدا قوییلان بلگی لر.
معالی ma'āle: [ع] جمع معلاة، شرف،
 آبرای، بلند مرتبه معنیده.
معامله mo'āmele: مص. [ع] بیلە
 آلیش بریش اتمک، آلماق، ساتماق
 سودا اتمک.
معانی ma'āni: [ع] جمع معنی،
 دوشونجه لر، فهم لر.
معاودت mo'āwedat: مص. [ع]
 معاودة، اوویریلیمک، دولانماق.
معاون mo'āwen: ا. [ف.ع] کمک
 ادیجی، یاردام ادیجی، یاران بولیجی،
 اورون باسار، کمک چی، قولدا یجی.
معاونت mo'āwenat: مص. [ع]
 بیرری بیرینگه کمک اتمک، یاردام
 اتمک.
معاودة mo'āhede: مص. [ع] بیلە
 شرطنامه باغلاشماق، قسم اتمک،
 آنت ایچمک.
معاینه mo'āeyne: مص. [ع] گۆز بیلە
 گۆزیمک، یوز به یوز بیر زادی گۆزیمک،
 باقماق، سر اتمک.
معبد tma'bad: [ع] عبادت یری

عبادت ادیلیان یر، عبادتگاه.

معبد tmo'abbad. مف. [ع] ۱. سیلاب

ساقلان، ۲. دوزلانن و اورادیلان یول.

معبر tme'bar. [ع] گچلگه، گذر، اوتیب

گچیلیان یر، قاتنانیلیان یر، اؤلوم.

معبر tmoa'bber. [فاع] یوروجی،

دیش یوریان.

معبود tma'bud. مف. [ع] چوقونیلان،

سیفنیلان، عبادت ادیلن، عبادتا

مناسیب گوریلن.

معتاد mo'tād. ص. [ع] عادت ادیجی،

بیری بیر ایشه یا بیر زاده عادت ادن،

اندیک ادن، اؤوره نشیب اوزیلیپ

آیریلیشیپ بیلمه یان.

معتبر mo'tabar. ص. [ع] عبرت آلان،

ایناملی، امین، اینامدار، اعتبارلی،

اینام یر، ایناملی.

معتدل mo'tadel. ص. [ع] گۆنی،

دنگ، دۇغری، اورتاچا، برابر، اورتا،

اورتا گیدیش، سالقین، اورتا یاغدا

معترض tmo'tarez. ف. [ع]

عیب لایجی، آد داقیجی، دادگستری

آدالغاسینده بریلن حکمه قارشى

بۇلماق، ترس بۇلماق.

معترف tmo'taref. [فاع] بۇیۇن

آلیجی، اقرار ادیجی، بۇیۇن آلان، اقرار

ادن.

معتقد tmo'taqedd. [فاع] عقیده لی،

عقیده سی بۇلان، اینانچلی بۇلان،

ایناملی بۇلان.

معتقد tmo'taqedd. [ع] عقیده،

اعتقاد آدمینگ اونگا اینانجی بۇلان،

ایناملی بۇلان.

معتکف tmo'takef. [فاع] قیراغا

چیقان، عبادت اوچین مسجده یا بیر

چتده یرلشن، اعتکافا اؤتوران.

معتمد mo'tamad. [ع] اینام ادیجی،

باشغا بیرینه اینام ادیان، اینام ادیلن،

اعتماد ادیلن.

معتمد tmo'tamed. مف. [ع]

اینانیلان، اینامدار بۇلۇپ ایش

تابشیرلان.

معجزه tmo'jeze. [ع] انایی، اگیرت

نارسا، باشغا آدما ممکن بۇلما دیق

زات، عجایب حال، گنگ زات، قدرت.

معجون tma'jun. مف. [ع] ناچه

درماندان قاتیشدیرلیپ خمیر ادیلن،

یوغورلان، مأجون، معاجین جمع.

معدل tmo'addel. [فاع] دنگله مه،

دوغورلاما.

معدل mo'addal. [ع] دنگلمک و

آغرامی دنگ بۇلان، آرالیق اورتا، هر

زادینگ اور تاجه سی نمره لرینگ

معدلی، نمره لرینگ اور تا سانی.

معدن tma'dan [ع] کان، زادینگ

مرکزی، داش دیر دمیر یالی یر آستی

یر اوستی طبیعی بایلینی، معادن

جمع.

معدود ma'dud [ع] سانالان، سانالیب

گچیلن، آن، آز مقدار، سانلیجا.

معدوم tma'dum [ع] یوغالان،

ییتن، یتگی، یوق بۆلان، اولدیرلن،

اعدام ادیلن.

معه me'de [ع] آش قازان، ماده

(معه)، ایشینگ باریان یری.

معذرت tma'zerat [ع] معذرة،

گچیریم، اوتونج، اوتونج سورامه.

معراج tme'raj [ع] باساسانجاق

یوقاری چیقیلیان قورال، نرده وان،

نردبان، معارج و معاریج جمع. شب

معراج: خدای تعالی نینگ بویروغی

بویونچا محمد (ص) سویگیلی

پیغمبر میزینگ آسمانه چیقان

گیجه سی.

معرف tmo'arref [ع] تانیدیجی،

تانیش ادیجی، تانییدیان، تاریپلایان.

معرفت ma'refat [ع] مص. معرفه،

بیر زادی تانیماق، تانیلمه، علم،

بیلیم، دانش.

معروف tma'ruf [ع] ۱. تانیلان،

آدلی، مشهور ۲. یاغشی لیق، و

یاغشی ایش معنیده.

معزول tma'zul [ع] ایشدن

آیریلان، ایش سیز اویده اوتوران،

ایشدن بوشادیلان.

معزی tmo'zze [ع] یاسرلی،

مصیبتلی.

معشوق tma'suq [ع] سۆیلن،

محبت بیلدیرلن، دلبر، سۆیگیلی،

سۆیولن قیز.

معشوقه tma'suqe [ع] مؤنث

معشوق، بیر کیشی نینگ

سۆیگیلی سی بۆلان عیال، قیز.

معصوم tma'sum [ع] گناه دن

پاک، گناه دن یوویلان، عمرینده گناه

اتمه دیک آدم، مغصیم، گناه سیز.

معصیت tma'siyat [ع] معصية،

یازوقلیق، گناه، عاصی چیلیق،

معاصی جمع.

معطر mo'ater [ع] اونگات

ایسلی، ایسلی، یاقیملی ایسلی،

عطر ایسلی.

معطل tmo'ttal [ع] تعطیل

ادیجی، خدای تعالی نینگ وجودینه

انكار اديان و شريعتى باطل بيليان.

معطل tmo'ttal. مف. [ع] بيكار،

ايشرسيز قالان، معطل.

معطل شدن ma'tal-šodan:

بوكدانمك، اكلنمك، مأطل بۇلماق.

معطوف tma'tuf. مف. [ع] انگيلن،

مايل بۇلان، اونس بريلن، اونس

مرکزینده بۇلان، سر اديلن، گۆز

اونگينه آلنان، اونگكى كلمه بيلن

آيرى كلمانى باغلانيشديرماق.

معظم mo'azam. ص. [ع] اولى، اولى

توتولان، ببيك، هر بير زادينگ قاوى

راق و اولى راق بۇلەگى، معاظم جمع.

معظم mo'azzam. ا. مف. [ع] اولان،

اولى ساييلان، اولى ساييلان كيشى،

معظم له : اولى بيلينن.

معقد mo'aqed. [ع] سوقاشيق،

دووينلى، دوويلن، گيزلين كپ

تاوانچاقلى سۆز.

معقول tma'qul. مف. [ع] عقلا

سينيان، عقله گيريان زات، عقلا گلن،

ماقول، دوغرى حسابلاناتان، معقولات

جمع.

معكوس ma'kus. ص. [ع] باش آشق،

دونگيريلما، آغاريلما.

معلا mo'allā. نكا. معلى؛ بلند مرتبه،

بلنده قالان.

معلق tmo'alaq. مف. [ع] آسيلغى،

آسيلغى، ساللانيپ دوران، ساللاناتان.

معلل tma'tal. مف. [ع] سببلى،

علتلى، دليللى بۇلان.

معلل tmo'ttal. [ف.اع] علتى بيان

ايديجى، سبابى دوشونديريجى.

معلم mo'allam. [ع] اوورهنن، تعليم

بريلن، اوورهديلن.

معلم mo'allem. [ع] اورايديجى، معلم،

اوقوديجى، اوورهتيان، اوقوتيان.

معلم tma'lam. [ع] گوركمك اوچين

يول لارينگ كناريندا قويوليان بلگى.

معلول tma'lul. مف. [ع] ۱. علتلى،

سببلى، و سببدن اوترى ثابت اديلن

زات، ۲. ناخوش ماييپ معنيده هم

آيديارلار.

معلوم tma'lum. مف. [ع] بيله بيله

آشكار، آچيق آيدينگ، عيان بۇلۇپ

دوران و بيلينن و دوشينيلن.

معمار tme'mār. ص. [ع] عمارت

ايديجى، عمارت ديكلديجى، جاي

اؤستاسى، تام اؤستاسى.

معمر mo'ammār. ص. [ع] اۇزاق

ياشان، ياشى قايدان، قارى، قارران.

معمم mo'ammām. ص. [ع] سللهلى،

باشينا سله قوييان، كله سينه سله
اورايان، پشلى.

معمور tma'mur. مف. [ع] آباد اديلن،
آباد.

معمول ma'mul: [ع] عمل بۇلان،
ايشلەنن، بجريلن، يول يوردا، رسم،
دستور.

معنا ma'nā: [ع] معنى، دوشونديرش،
مقصد، دليل، سۆز، سۆزۈنگ
مضمونى معنىسى، بير زاتدان
چيقيان نتيجه.

معنوى ma'nawī: ص. ن. [ع]
دوشينديرشه باغلى بۇلان، معنا
دگيشلى ايچكىن، حقيقى، روحى.
معوج mo'waj: [ع] قيشيق، اكره لن،
بوكره لن، اكرى.

معوق mo'wwaq: [ع] ايزه غالان، ايزه
قالديرلان.

معهدا ma'a-hāzā: [ع] شونليقدا،
شونينگ بيلن، هر حالده، شونينگ
بيلن بيرليكه، شيله ليكه.

معهود ma'hud: ا. مف. [ع] عهد اديلن،
آدلى، گوريلن و تانيلان، قديم قى و
كونه.

معيار me'yār: [ع] اۆلچك و اۆلچاليان
زات، محك داش و تره زى، معاير

جمع.

معيت ma'iyyat: ص. جمع [ع]
يولداشلىق اتمك، بيله بۇلماق.

معيشت tma'iṣat: [ع] ياشايش،
اونگالغا، گذران، ياشايش تتاريگى،
ايمك ايچمك نارسه لر، اكلنچ،
معایش جمع.

معين mo'ayyan: [ع] يارادام اديجى،
ياران، ياور، كمكچى.

معين ma'in: [ع] آقيم، آقيان،
چشمه نينگ آقيب دوران سۇوى.

معين mo'in: [ع] آچيق، مالم، بللى.
معيوب tma'yub: مف. [ع] مايب،
عيبلى، شكست تاپان، نقصانلى،
كم چيليكلى.

مع moq: ا. زرتشتى لرينگ عالمى،
آخونى، زرتشتى لرينگ مذهب تايدان
بولان رهبرى.

مع maq: ا. ص. ۱. چوقير، اۇى. ۲. آقار
سوو معنيده هم آيديليپدير.

مغازه maqāze: ا. [فر] دكان، انبار.

مغاير moqāyer: [ع] ۱. قارشى،
باشغا هيللى، اويتگان ۲.
دگيشيكلىك آغداريلما معنيده هم
آيديليار.

مغايرت moqāyrat: ص. [ع]

مغايرة، بىر بىرىنگە قارشى بۇلماق،
بىر بىرىنگە قارشى بۇلماق، بىر
بىرىنگە يوز بە يوز بۇلماق، قاپما
قارشى بۇلماق، ترس بولماق.

مفتتم moqtanam: ۱. مف. [ع] غنيمت
سايىلان، غنيمت آلىنان آماتلى
ياغداى.

مغرب tmaqreb: [ع] گون باتار،
گونونگ ياشيان اۇغرى يانى، باتى.
مغرض moqrez: ص. [ع] بىرىنىنگ
قصدى و غرضى بۇلان، پيس اريد
قىلىقلى، اريدلىك ايسلەيان.

مغرور maqrur: ص. [ع] باطله طرف
گيديان و گوز تيكيان، آلدانان، اوتيلان،
اولومسى، من منلىك اديان.
مغز tmaqz: پينى، مانگيز.

مغشوش tmaqşuş: مف. [ع] بولاشيق،
قاتيشيق، الين بۇلماديق، يوغورلان.

مغضوب tmaqzub: مف. [ع] قهار
اديلن، غضبه اوچران، غضبه دچار
اديلن، غضب لانان.

مغفرت maqferat: مص. [ع] معفرة،
يالقاما، يالقايىش، بىرىنىنگ
گناسىنى گچمه، بىرىنىنگ
گناسىندان گوز يومماق.

مغفور tmaqfur: مف. [ع] يالقانان،

باغيشلانان.

مفلق tmoqlaq: مف. [ع] باغلانان، كلام
مفلق: دوشينجهسى چتتين بۇلان
سۆز.

مفلوب maqlub: [ع] اوتديران،
اوتيلان، ينگىلماگە سزاوار بۇلان، ينگىلن.
مفيلان tmoqilān: تيكنلى آغاچ،
تيكنلرى اكرى ايرى آغاچ، تيكنلرى
ايلكى گوك، سونگاباقا قارا و قيزيل
رنگە اۋوروليار، اۋنۇنگ ميوهسى
باغالا منگزش بۇلۇپ هر دويىينده
باشردن دوققوزه چنلى دانەسى بوليار
عربلار اونگا «ام غيلان» ديبارلار.

مفاخر mafāxer: [ع] جمع مفاخره،
قۇوانارلى، بويسانارلى.

مفاد tmafād: [ع] معنى، مضمون،
دوشونديرش.

مفاسد mafāsed: [ع] جمع مفسده،
اريدلىگە پيسرلىگە سبب بۇلان.

مفاصل mafāsel: [ع] جمع مفصل،
فصل، بوغونلار، سونگكلرينگ
سپيشن يرى، فصل بۇلان، بۆلك
بۆلك بۇلان، بىرى بىرىندىن جدا بۇلان،
آچىقلاپ گىنگلتمك.

مفاهيم mafāhim: [ع] جمع مفهوم،
فهملر، بيلنن، آنغلانان، دوشونيلن.

- مفت mofit: ص. موغت، پولسيز، بهاسيز، اله گليان زات، يونه زات.
- مفتاح tmeftāh: [ع] آچار.
- مفتح tmeftah: [ع] آچار، مفاتح جمع.
- مفتح tmofatteh: [ع] فا، آچيجی.
- مفتخر tmoftaxer: [ف.ع] بويسانيجی، قووانيجی.
- مفتري tmoftari: [ف.ع] تهمت اوريجی، قاراليجی.
- مفتوح tmaftuh: مذ [ع] آچيلان.
- مفتون tmaftun: مف. فتنه اوقلانان، عاشق، هوشینی آلدیران.
- مفتی tmofti: [ف.ع] پاتا بریان، فتوا بریان.
- مفخر tmofaxer: [ع] فخر اديلمکينگ جایی، نازلنماگه، قووانماغا يرليکلی.
- مفرح tmofarah: فا. شاد، گووين آچيق، يورهگه قوات بریان درمان.
- مفرد tmofrad: ص. [ع] يکه، يالنگيز، بير، تاک.
- مفرط tmofrat: [ف.ع] چن چاقدان چيقمه، حددن گچمه، اۇران کۆپ، زياد.
- مفصل tmeḥsal: بوغون.
- مفعول tmeḥal: مف. [ع] ادیلن، بيری نينگ و يا بير زادينگ باشينا بير
- ايش دوشن.
- مفقود tmafqud: مف. [ع] يیتن، يیتگی، يۇق بۇلان، يیتيرلن.
- مفقودالثر mafqud-ol-asr: گوردیم يیلدیم بۇلماديق، اثری بۇلماديق، نام نشان بۇلماديق، گوریم جیریم بۇلان، يیتن.
- مفلس mofles: ص. [ع] زادسیز، الی دار، یوغسول، بیچاره، غریب، فقیر.
- مفهوم tmafhum: مف. [ع] دوشونیلن، بیلینلن، ایزینا یتیلن زات، دوشونیلن و دویولان نارسه.
- مفید tmofid: [ف.ع] فايда بریجی، خیرلی، پیدالی، بافیدلی.
- مقابر maqāber: [ع] جمع مقبره، قبرلار.
- مقابل morābel: [ع] برابر، دنگ، یوز به یوز، قارشى به قارشى، قارشى، اونگ، قاریشدا دوران.
- مقاتل tmoqatel: [ف.ع] اولدوریجی، اوروشجانگ، ساواشجانگ، اۇرۇش تۇرۇزیان.
- مقادیر maqādir: [ع] جمع مقدار، اؤلچکلر، بیر بۆلک زات، مقدارلار، مجبرلر.

مقاربت moqā2rebat: مص. [ع]

مقاربة. بیله یاقینلاشماق،
قولایلاماق، بیله یاتماق.

مقارن maqāren: ص. [ع] همدم،

همرا، یاقین، یۇلداش، بیله بیرگیشن
و دوست بۇلان.

مقاصد maqāsed: [ع] جمع مقصد،

نیتلر، آرزو ادیلن یر، قصد جای.

مقاطع maqāte: [ع] جمع مقطع، ۱.

کسیلنلر، کسیلن یرلر، آیریلان، ۲.

سۆزۆنگ آخری ۳. قصیدانینگ یا

غزالینگ آخرقی بیتلرینه

آدلانديريليار.

مقاله maqāle: مص. [ع] سۆز آیتماق

سۆزله مک، گپله مک، کتابینگ بیر

بوله گی، مقاله.

مقام maqām: [ع] یرلشمه، مکان،

زمان، مقام.

مقام maqām: [ع] ۱. اوتوریلان یر،

اورون، جای، درجه مرتبه، جایگاه، ۲.

فارسجه هنگ، آهنگ، سازینگ

پرده سی دیپ-ده آیدیلیان.

مقامات maqāmāt: [ع] جمع مقامة،

۱. مجلس، میلّیس، ۲. معنیده

روایت، خطبه.

مقاوم moqāwem: [ف.ع] برک

دوروملی، قایم دوریان، پوخته

دوریان، قایدوسیز دوریجی.

مقاومت moqāwemat: مص. [ع]

دوریملیلیق، دیرانمکلیک، قارشى

دورماق قارشیلیق گوزمه.

مقایسه moqāyese: مص. [ع] ایکی

زادی بیرى بیرى بیله اؤلچه مک،

درنگه مک، سـلجـرمکلیک،

دنگشدرمک. ~~دنگشدرمک~~

مقبره maqbare: [ع] گور، قبر،

قبرستان.

مقبول maqbul: مف. [ع] حالانان،

قبول ادیلن، قبول بۇلان، یاقیملى،

مقتدا moqtadā: مف. [ع] آدم لارینگ

اۇنگا اۇیيان آدمسى، رهبرى.

مقتدر moqtadar: ص. [ع] قدترتلى،

گويچلى، قوجورلى، چاسلى،

قۇرپلى.

مقتدی moqtadi: [ع] (مقتدا) ایزینه

دوريب اوييليان آدم، امام، پيش نماز،

يولباشچى.

مقتصد moqtased: ص. [ع] اورته

يوريملى، تغشيدلى، اورتاچا صرف

اڊيان آدم.

مقتضى moqtazā: مف. [ع] اولن،

اولديريلن.

بۇلان حکمانى، ممکن، ایش
ممکن چیلیگی بۇلان.

مقر maqarr: ا. [ع] قرار تاپماق،
یرلشمک، قالماق، دینچ جای.

مقر moqedrr: ا. [فاع] اقرار ادیجی،
بویۇن آلیجی.

مقرب tmoqarrab: مف. [ع] یاقینلان،
یاقینلاشان، بیرىنینگ یانینه
یاقینلاشیپ اۇنۇنگ یانیندا اوروون
تاپان.

مقرر tmoqarrar: مف. [ع] دۇرنۇقلى،
برکیشن، برک بۇلۇپ یرلەشن، مأکام
بۇلان، قویولان، قرار تاپان، برقرار
بۇلان، بیان ادیلن، قرارا گلنن،
چوزیلن.

مقروض tmaqruz: مف. [ع] برگیلی،
بورچلی.

مقرون tmaqrūn: مف. [ع]
یاقینلاشان، بیرى بیرینه یاقینلان،
بیرى بیرینه بیرىگن، سپیشن.

مقسوم tmaqsum: مف. [ع] بولینن،
پایلاشیلان، پولشدیریلن.

مقصد tmaqsad: ا. [ع] قصد ادیلن
جای، ایسلگ، آرزو، نیت، مقاصد
جمع.

مقصر moqaser: ا. [فاع] یازیقلى،

مقدار tmeqdār: [ع] اۆلچگ، مچبر،
بیر زادینگ بوله گى، اۆلچه لیب اله
گلیان زات.

مقدار زیاد meqdār-e-ziyād:
اپپاسلى، یونگ سیز.

مقدر tmoqadār: مف. مانگلیا

یازیلان، تقدیر، تالی، یازغیت، نصیبه.
مقدس moqaddas: ا. [ع] آراسسا و
پاک جای، پاک و آراسسا یر، مقدس.

مقدم maqdam: مصص. [ع]
یوللاغچیلیق دن قایدیب گلکم، آباق
باسان وقتینگ، گلن وقتینگ قایدیب
گلکم.

مقدم moqaddam: ا. [فاع] قوریلی،
باتیر، اقدام ادیجی، بیر ایشه یوز
اوران آدم، جرأتلى، باتیرغای،
هجولی.

مقدم moqdem: [ع] اونگه دوشن،
اونگه گیدن، اونگه سوریلن، اونگ،
اونگه گیدیجی، اونگده باریجی.

مقدمه moqaddame: [ع] باشلانغیچ،
اونگه گیدیجی لیک، هر زادینگ اونگی
گیریش، سۆز باشی، دسلابی.

مقدور tmaqdur: مف. [ع] گویچ
بريلمه، گویجینده و قدرتینده بۇلان
زات، قدرت بریلن، بیر زاده گویجی

اورتگی.

مقنن moqannan: [ع.فاع] قانون

دوزیجی، قانون شناس.

مقنی moqanni: [ع] قوی قازان،

کاریز قازان.

مقوا moqawwā: [ع] قالینگ قاتی

کاغذ، کتاب جلد اتمک اوچین

اولانیلیان کاغذ.

مقوی moqawwi: [ع.ف.ا]

گویچلندیریجی، گویچ بریجی، قوات

بریجی.

مقید moqayyad: [ع.مف.] باغلانان،

دوشاقلانان.

مقیم moqim: [ع.فاع] آباق اوستونده

بۇلان، اوتوریملی، آباق اوستونده

اوتوران، یرلهشن، جایلاشان، بیر یرده

جای مکان تۇتۇپ اوتوران آدم.

مکاتب mokāteb: [ع] جمع مکتب،

مکتبلر، مدرسه لر.

مکاتبه mokātebe: مص. [ع] (=

مکاتبه) بیرى - بیرینگه خط یازماق،

خط آلیپ بریشمه، خط یازیشما.

مکار makār: ص. [ع] حیلہ گر،

آلداوچی، اوران مکیر.

مکاره makāre: [رو.] روسی

سؤزوندن: بازار مکاره: هر بیله ناچا

گناهکار، عاصی، قایرا دوران، اؤز

بورجینی یرینه یتیرمکده یالتالیق

ایدیان آدم.

مقصود maqsud: [ع.مف.] قصد و

نیت بۇلان، ایسلگ، ایسله نن،

نیتله نن.

مقطع maqta': [ع] کسیلن،

تؤورگینی کسلیپ آوادانلانماق.

مقطوع maqtu': [ع.مف.] کسیلما،

کسیلن، بۇلونن.

مقعد moqed: [ع] اوتوریلیان یر،

اوتورقیچ، مقاعد جمع.

مقعر maq'ar: ص. [ع] اوی، قورپ،

چونگ، سیق دال.

مقلد moqallad: [ع.فاع] بیرى نینگ

اده نینی اتمک، بیرى نینگ ادن

عملینی اؤوره نیپ اوندان ایزارلاماق،

اویکنمک، اویکونجی.

مقلد moqalled: [ع.مف.] عالم، دین

یولباشچی سی، اهلی آدملار اونونگ

اده نینی ادیپ ایزلایانی.

مقلوب maqlub: [ع.مف.] اوویرلن،

دونگدیرلن، بیله سی بیلاک چوویرلن.

مقنع meqna': [ع] قانع ادیجی،

قناعت ادیجی، قناعت لی.

مقنعه maqna'e: بورونچک، باش

گون یۇرتدا قورالیان بازار و آیری
یورتلاردن مال ماتا ساتماق اوچین
گتیریلمکلیک.

مکاشفه mokāšefe: مص. [ع]

مکاشفه، بارلاماق، آنیق لاماق، بیر
زادی یوزه چیقارماق.

مکافات mokāfāt: مص. [ع] مکافاة،

اجیر برمک، مزد برمک، جزا، جزا
برمک، تممی برمک.

مکالمه mokāleme: مص. [ع]

گپلشمک، بیرری بیرینگ بیله
گوررینگ اتمک، بیله گوررینگدش
بؤلماق.

مکان makān: [ع] جای، یر، اورون،

یاشالیان یر، منزل، مکان.

مکانیک mekānik: ص. فر. ماشین

تعمیرچیسی، ماشین بحریان آدم،
عادتن داشاری اؤز ارکینه ایشلیان
آدم.

مکتب maktab: [ع] یازو اوقو جایی،

مدرسہ، مکتب، مکاتب جمع.

مکتوب maktub: مص. [ع] یازیلان،

یازغی، خط، سلام خطی.

مکتوم maktum: مص. [ع] گیزله نین،

اورتگی لی، یاشرین، گیزلین.

مکت کردن maks-kardan:

مص. [ع] ساقینماق، دورماق،

ساگینمک، کونگورمک، تینگقارماق.

مکدر tmokadar: مص. [ع] قارالاشان،

قارالما، فارسجه اینجان، توقات لانان،
کونگلی قالان، اویکه لآن معنیده.

مکرر tmokarar: مص. [ع] قایتالانان،

ایکیلانن، تکرارلانان، گزکله نین.

مکرم mokaram: ص. [ع] عزیز،

حرمتلی، اولی ساییلان، سیلاغلی.

مکروه makruh: ص. [ع] حالانمادیق،

قبول ایدلمه دیک، پیسریک، شر،
جایز بؤلما دیک.

مکشوف tmakšuf: مص. [ع]

چیقاریلان، آچیق بؤلان،

آیدینگ لاشان، یالنگاچ لانان، اویلانیب
تاپیلان، آشکار بؤلان.

مکفی mokfi: ص. [ع] بس، کافی،

یترلیک.

مکلف mokalef: ص. [ع] آزاره

دوشن، بیر بورجی یا بیر ایشی بویون

آلان، شرع بویونچا بیر ایشی یرینه

یتیریان، بویون آلان ایشینی شرع

بویونچا یرینه بیتیریان آدم. بورجلی

مکمل tmokammel: [ع] فاع]

دولی لایجی، سونگلایجی،

کامل لیجی، تمام لایجی، یرینه

یتريجي.

مکمل tmokammal. مف. [ع] کامل

بۇلان، تمام بۇلان.

مکنت tmeknat. [ع] مکنة.

قوریللیق، گویج، قوجور، بایلیق،

مال.

مکیدن makidan: مص. م. سۇرماق.

مگر magar: ۱. عادتدان داشارده شک

گمان اؤرنۇندا ۲. شاید معنیده

آیدیلیپدیر، ترکمن دیلینده «می»

سوراغ قوشۇلماسینی انگلادیار،

مثلاً: مگر نیامد؟ گله نوق می؟ دییان

یالی.

مگس tmagas. سینگک.

ملا molā: ۱. دینی درس اوقان،

سوادلی، اصلینده «مولی» مییش ۲.

آقا، باشلیق معنیده.

ملاح molāh: مص. [ع] گامیچی،

کشتی سورجی، گامی سورجی،

ملوان.

ملاحظه molāheze: مص. [ع] بیرى-

بیرینگی گؤزوتگ آشاغیندان سر

اتمک، اسوان اتمک، گؤزله مک،

باقماق، سراتمک، تارایشه

ملازمه molāzeme: مص. [ع] (=)

ملازمت؛ بیرینه بیریکمک،

بیری نینگ خدمتنده بۇلماق، همیشه

باغلی لیق.

ملاغه tmalāqe. چمچه، قازان دان

آلیپ قویولیان نارسه، چمچه،

سۇساق.

ملافه tmalāfe. یورغان دوشه گینگ

داشینا چکیلیان آق پارچه ماتا.

ملاقات molāqāt: مص. [ع] بیرى

بیله دوشیشماق، بیرى بیرینگ بیله

یوزلشمک، ساتاشماق، گؤروشمک،

دیدارلاشماق، دوشوشیق.

ملاک tmelāk: [ع] هر زادینگ اوزه نی،

مایه سی واصلی.

ملال malāl: مص. [ع] بیزار بۇلماق.

یاداماق، پتنک بۇلماق، عجیزله مک،

قایفی، غم.

ملالت malālat: مص. [ع] ملاله

بیزارلاماق، اینجاماق، یورک قیسم.

ملاّت malāmat: مص. [ع] کاییمک،

کاینچ، زیرانچ.

ملایم molāyem: [ع] ایلا لاشیق، میله

گورا، مناسیب، یوقیملی لیق؛

یوواش لیق، آرام، موافق.

ملبس molbbas: [ع] کیمیم گجیم،

گیلیان کیمیم، اگین اشیک، ملابس

جمع.

- ملبس mollbes:ص. [ع] گیزلین،
یوغورلیب گیین، فارسچه گیلن گییم
معنیده آیدیلیار.
- ملت t.melät: [ع] شریعت، یۆزلگه،
یول یۆردا، آدملا، بیر یوردینگ
آدملاری، ملل جمع.
- ملترم t.molätzam: [فاع] اۆزینگه
ضرور بیلمه، بۆیۆن آما، هوتدهلنمه،
بیر ایشی بۆیۆن آماق.
- ملتفت t.moltafet: [فاع] بیر زادا
باقیجی، آنکشریجی، بیر زاده طراف
سرا، اؤیرلیپ بیر زادا طرف
باقسین، یوزلنسن.
- ملجا t.meljā: [ع] بۆقی یز، بۆقی، پناه
کتیرلیان یز، بوقولغا یز.
- ملحق t.molhaq:ص. [ع] بیریکن،
ایلتشن، ساییلان، باغلانان، آرا
باغلانشیق، بیر یز یا بیر زادینگ
بیرینه باغلی بولماغی.
- ملزم t.molzam:ص. [ع] بیرینه بیر
ایش یا بیر بویروق واجب بۆلان
بولسون.
- ملزوم malzum: [ع] لازم بۆلان، بیر
زات لازم بۆلان بولسون.
- ملعون mal'un: [ع] قارغیشلانان،
قاویلان، قارغیش سینگن، لعنتلهنن،
- شیطان، عزازیل، ملعون.
- ملقب t.moqaleb:ص. [ع] لقبی بار
بۆلان، لقبی، لقب بریلن.
- ملک t.malek: [ع] شخصینگ
آدمینگ ارکینده بۆلان زاتلار، یر یا
باشقا زاتلار، املاک جمع.
- ملک malak: ا. [ع] فرشته ملائکه
جمع.
- ملک الموت malak-ol-mawt:
ا.مر. [ع] عزرائیل، جان آلیان فرشته.
- ملکه malake: [ع] ملکه، ملک و کوچ
قوات، قوجور، بایلیق، انسانینگ
نفسینده بۆلان دۆرنوقلیق صفتی،
تورگونلشیک نتیجه سینده انسان
طبیعتنده یوزه چیقان ایشه
اوقیبیلیق یا تیز دوشینجه لی.
- ملکه t.maleke: [ع] ملکه، شاهینگ
عیالی، شهبانو.
- ملل melal: [ع] جمع ملت، ملتله.
- ملل malal: ص. [ع] بیزارلاماق، ملال.
- ملنگ malang: ص. مست، سرخوش،
پیان، یکه، اوینمه دیک.
- ملوس malus: ص. صفایی، یومشاق
آوادان، گۆزل، گۆرنوکلی، زیبا.
- ملول malul: ص. [ع] توقات، بیزارلان،
قایغیلی، غمیلی، غصالی.

مليون meleyonn: [ع] ملتگه باغلی

بۇلان توپار.

مليون million: فر. میلیون، ساندان

مونگ مونگ.

مليونر milioner: ص. فر. بیر

مليون دان بايلىنى كوپ بۇلان آدم.

مومات tmomāt: [ع] اولوم، فرصت،

زمان.

موماس tmomās: مف. [ع] بیر بیرنه

سوریلن، آوقالانان، دگپ دوران.

ممالک mamālek: [ع] یوردلر،

مملکتلر، جمع مملکت.

ممانعت momāne't: مص. [ع] (=

ممانعة)، بیرینی ایشیندن ساقلاماق،

ساقلاماق، اونگینی آلماق، بووت

بۇلماق.

ممتاز momtāz: [ع] آیراتینلار،

تفاوتلیق، بللەنن، سایلانان، یوقار

درجەلیک، بلندلیک.

ممتد tmomtad(d): مف. [ع] اوزالیپ

گیینن، چکیلن، اوزالان، و

قوشنى نینگ بیر وزنى نینگ آدى:

«فاعلن، فاعلاتن، فاعلن».

ممتنع tmomtana: [فاع] ساقلايانان،

ممکن بۇلمادیق، یوز دۇنیریان بۇیۇن

قاچیریان، بیر ایشدان بۇیۇن تاوایان

آدم، ممکن دال، بولارلی دال.

ممدوح tmamduh: مف. [ع] اوویلن،

تارییلانان.

ممدود tmamdud: مف. [ع] مد بریلن

چکیلن، اوزین مدهلی بلگی.

ممکن momken: ص. [ع] میسر،

دوغری، جایز، آنگسات، بولارلی.

ممکن tmomken: مف. [ع] ثابت،

دۇرنۇقلی، برک، قایم، برقرار،

ماکاملەنن، برکیدیلن.

مملکت mamlekat: [ع] پادشانینگ

عزتی و گویدی، پادشانینگ سورایان

یری و یووردی، یۇرت، وطن، ممالک

جمع.

مملو mamlow: ص. [ع] مملوء، دولی،

دولديريلان، پُر پر.

ممنوع tmamnu': مف. [ع] ساقلايانان،

قدغن ادیلن، اونگی آلینان، قاداتان.

ممنون tmamnun: مف. [ع] نعمت

بریلن، منت قوییلان، راضی کسیلن،

واوزیلن معنیده هم گلیار.

من tman: اوج کیلودن عبارت بۇلان

آگرام اؤلچگی.

من man: [ع] خدای تعالی نینگ

باغیشلاب برن زادی، بیرى نینگ

باشغا بیرینه بریان زادی.

منابع 'manābe': [ع] جمع منبع،

چشمه لر، سووینگ جوشوپ چیقیان

یرلری، دویبی و چیقیان یری.

مناجات monājāt: [ع] یورکداسی

سیرینگی آیتما، دعا اتمه، خدای

تعالی غا زارینلاب یالبارما.

منادی tmonādi: [ف.ع] قیغیرجی،

جارچی، ندا ادیجی، چاغیرجی.

منادی tmonādā: [ع] ایسله نن،

ایسلگ بیلدیرلن، قیغیرلان.

منار tmenār: [ع] یاغتیلیق، نور جایی،

چراغ یا بلگی قویولماق، یول
اوغرینده قویولیان برج یالی نارسه.

مناره menāre: [ع] نور جایی،

گلدسته، دینگه مسجدلرده آذان

اوچین چراغ اوچین بجریلیان برج.

مناور و منائر جمع.

منازع tmonāze': [ف.ع] شرچی،

اورشاغان، دعواچی، دعوآدان

قاچمایان، بیرى بیلن دوشمانچیلیق

اڊیان آدم.

منازل manāzel: [ع] منزل لر، اوی لر،

جمع منزل.

مناسب monāseb: [ع] شکل دش،

گلشیکلی، منگزش، بیرى بیرینه

یاقین، یاراشیقلى.

مناسک manasek: [ع] جمع منسک،

قربانلیق ادیلیان جای، مناسک حج:

حج اعمالی و عبادتی، کعبه طواف

اتمه و صفا مروه نینگ آراسیندا

یورتماق یالی اعمال لارا آیدیلیار.

مناطق manateq: [ع] جمع منطقه،

بیل قوشاق یوب، آرا، آرا باغ،

منطقه لار.

مناظره monāzere: [ع] مصص،

مناظره، بیر ایشده بيله بحث دش

بؤلماق، گوررینگ اتمک، جلد لشمک.

منافات monāfāt: [ع] منافاة، بیرى

بیرینگی قاوماق، بیر بیرینگه قارشى

بؤلماق.

منافع manāfe': [ع] جمع منفعت،

پیدالار، خیولر، نپلر.

منافق monāfeq: [ع] یوزونگه

دوست ایزینگدا دوشمان آدم، ایکى

یوزلى، ظاهرى بيله باطنى بیر

بؤلماڊیق، یوره گى بيله دیلى بیر

بؤلماڊیق.

مناقصه monāqeze: [ع] مصص،

مناقصة، کملتک، آزالتماق، بیر

زادینگ بهاسینی آزالتماقدا بیرى

بیرینگ بیلن باسداشلیق اڊیب رقابت

اتمک.

منان mannān:ص. [ع] ۱. منت قویوجی، اونگات ایش ایدیجی، باغیشلايیجی ۲. خدای تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.

منت mennat:ص. [ع] (= منة)، ۱. بیر خیر ایشی و یاغشی لیغی بیرینه ادیب اونگا شیلە اتدیم دیب دیلە گتیریپ منت قویماق و یوزونه اورماق ۲. احسان معنیده، منن جمع.

منتج t.montaj: [فاع] نتیجه بریجی، پیدالی، خیرلی، نتیجه لی، نپلی. منتخب t.montaxeб: فا. سچیان، بلله یان، سایلایان.

منتسب t.montasab: مف. [ع] باغلانیشدیرماق، یاقینلاشدیرماق، ایلقتشدیرمک.

منتشر t.montaşer: [فاع] یایراتما و پتراتما، آشکارا تمة، آچیق اتمە. منتصب t.montasab: [فاع] برک، قایم، پوخته دیکلدیلن، بلله نن.

منتظر t.montazer: [فاع] بیرینه یا بیر زاده قاراشیان، گوزی یولدالیق، قاراشماق لیق.

منتظم t.montazem: [فاع] گونی دوغری نظمه گتیرمه، دوزگونه سالما، تربیت لی.

منتفی t.montafi: [فاع] یوق بۇلان، یوغلان، داشا دوشن، قاویلان. منتقد t.montaqed: [فاع] عیب لایجی کتاب دیر یا بیر مقالانیگ کم چیلیگنی بیان اتمک.

منتقل montaql: یر به یر بۇلان، بیر یردن باشغا بیر یره گچن، بیر یردن باشغا بیر جایا گیدن، گوچن، یرلەشن.

منتھی t.monthā: [فاع] سونگه یتن، قوتاران، زادینگ سونگی. آخری. منتھی t.monthi: مف. [ع] سونگه یتن، آخر، سۇنگ.

منجر t.monjar: مف. [ع] چکیلن، بیر یره و یا بیر زاده چکیلن.

منجلاب t.manjelāb: پورسی سؤو یاتا سو، یاتا پورسان سو.

منجمد monjamed: ص. [ع] دونگان، بوز، دونگدیرلان، باغلان، قاتی ساویغینگ اثریندن سووینگ دونگماغی.

منجی t.monji: [فاع] نجات بریجی، آزاد ایدیجی، دینداریجی، بوشادیجی. منجی t.monjā: [ع] نجات یری، بوشادیلما جای، ارکین لیک جای.

منحرف t.monharef: [فاع] اۇریلن،

ایبریلن.

منزلت tmanzelat. [ع] منزله، مقام
اورون، درجه، مرتبه.

منزوی monzawi: ص. [ع] خلقه
قاتیشمایان، یکه مزک، اویدن
چیقمایان، چوله‌لینی حالایان.

منسوب mansub: [ع] باغلانان،
نسبت بریلن، باغلانیشیقلی،
دگیشلی.

منسوخ mansux: ا.مف. [ع] آزادان
چیقاریلان، یاتیرلان، آیریلان، رد
ادیلن.

منشاء tmanša': [ع] بیر زادینگ یوزه
چیقیان یری، بیر زادینگ پیدا بولیان
یری، گلیپ چیقیشی، بیر زادینگ
گوگریپ اوسدیریلیان یری.

منشور tmanšur: [ع] فرمان، بویروق،
پادشالیق حکمی، یارلیق، آچیق خط.
منصرف tmonsaref: [فاع] ایزینا
اویریلیجی، اؤز قصدیندن اویریلیب
یایان، اؤز مقصدیندن ال چکیپ یایان.

منصف tmonsef: [فاع] انصاف
بریجی، انصاف ادیجی، عدالت
یوزوندن ایشی کسیان.

منصوب tmansub: مف. [ع] تیکیلن،
قرار تاپان، بیر ایشه مقاما و اورونه

آزغین، یؤلونی ییترن، دولانان،
اگرهلن، یولدان چیقان، آزان، ترس یولا
دوشن.

منحصر monhaser: چاکلی بۆلن،
چاکلانیان داش غابالان، محدود، دیفار
چکیلن، توارگنه دیفار آیلانان.

منحط mohatt: ص. [ع] آشاق دوشن،
آشاق اینن، پسه دوشن.

منحل monhal: ص. [ع] چوزیلن
آچیلان، فارسچا: گوتریلن، آزادان
گیدیپ‌دیر دییپ آلینیار.

منحوس monhus: [ع] شوم، نجس،
ارید.

منداب شتری tmandāb-e-šotori.
شادانه، چاپران.

مندرج mondarej: ص. [ع] یازیلان،
گیرن سیر زاده گیریب اورنایشان،
گیزله‌نن.

مندرس mondares: ص. [ع] کونه،
کونه‌لن، کونه گیمیم، ییرتیق گیمیم
گجیم.

منزجر monzajer: [ع] قاویلن،
قورقوزیلان ییگرنج بیلدیرلن.

منزل tmanzel: [ع] اؤی، یاشالیان
جای، دوشلگه.

منزل tmonzal: مف. [ع] آشاق اینن،

قویولان، بلله نیلن.

منصور tmansur: مف. [ع] یاری لیق

بریلن، یارانلیق ادیلن.

منطبق montabeq: ص. [ع] اۆست

اۆستونه قوییلان، دنگشدیریلن،

برابریق، دنگلیک.

منطق manteq: مص. [ع] سۆز آیتماق،

سۆزله مه اۆلچهلن و دلیللی سۆز.

اول بیر علمینگ آدی اویلانیپ

سۆزله ننده، سۆز اۆلچه گینی

قاعده لارینی نظره آلیپ سۆزلنسه

آدمی هر بیر خطادان یالنگیشدان

آمان ساقلاجاقدیغی ایکی

اوچ سیزدیر.

منظره tmanzare: [ع] سر ادیلیان یر،

باشدن گورونیان، گورنوش، گوز یتیم،

گوز یتیان یر.

منظم monazzam: ا. [ع] ترتیبلی و

دوزگونه بزمّن و ترتیبلی بولان.

منظم manzem: ا. [ع] مکان دوزگون

جایی، مناظم جمع.

منظور tmanzur: مف. [ع] نظره

آلینان گورینن، نظرده توتولان، گوز

اۆنگونه گتیرلن.

منظوم tmanzum: مف. [ع] یوفا

دوزیلن، ترتیبه سالنان، اۆلچکلی

آغراملی سۆزه دوزیلن؛ شیفریلن یازیلان.

منع man': مص. [ع] ساقلاماق، بووت

بۆلماق، بیرینی بیر ایشدن قویماق.

منعقد tmon'aqed: مف. [ع] باغلی،

باغلانان، باغلانان شرطناما.

منعکس tmon'akes: [ف.ع] اؤوریلن،

دونگدیریلن، سؤو آینه و ش.م.لر بیر

زادینگ شکلی باشغا بیر زادا دوشوپ

گورینمه گی.

منفجر tmonfajer: [ف.ع] آقان سو،

یاریلان، آچیلان، پاتلانما، بوسیلان.

منفرد monfared: ص. [ع] یکه

یالنگیز، بیر، تاک.

منفصل tmonfasel: [ف.ع] کسیلن،

بۆلک بۆلک بۆلن.

منفعت tmanfe'at: [ع] منفعه، پیدای،

نپ، دۆشه وینت، گیرده گی، منافع

جمع.

منفور tmanfur: مف. [ع] یگرنجی،

یگره نیلن، حاللانمایان، داش دوشن،

قاویلان، ایلخانچ، یگره نیلن.

منفی tmanfā: [ع] تبعید یری، داش

دوشورلن، بیر شهردن باشغا شهرده

یاشاماغی مجبور ادیلمه، تبعید

جایی تبعید گاه.

منفی manfi: ص. [ع] داش دوشن،

یوغلان، قاویلان.

اینانمیان، انکار ایدیان.

منکر tmanqār: [ع] چونت، اوچ،

تاونیغینگ چونتى، اوجى، ۲. چونت

مىنگ mang: ص. آقماق، گىچ، كم

هوش، هوش سىز، چاشان، اوغرى،

يول اورىجى معنیده ده آيدىلىپدير.

مىنگ tmang: ۱. قمار، قاعده دوزگون

۲. لاف دىيپ-ده آيدىلىپدير.

مىنگنه tmangane: فشار بىلن يعنى

زور بىلن كتاب يا كلید يالى زادی

مىنگنه اتمه، سىقىپ سېله مك.

مىنژىت menanžit: همشك.

مىنال tmanwāl: [ع] يۇرلگه، طرز و

دوقىجى لىق دستگاسى.

مىنور manawwar: ص. [ع] نورلى،

ياغتى لاتان، يىلدىراويق، يالقيملى،

پارلاق.

مىنوط manut: ا.مف. [ع] باش آشاق

باغلى، بىر زاده آسغىلى، آسغىلى.

مىنھج tmanhai: [ع] دوغرى يول،

آچىق يول گىنگ و آچىق يول، مناهج

جمع.

مىنھدم monhadem: ص. [ع] خراب،

بوزوق، ويران، درى داغىن.

مىنى tmani: م.ص. من دىمك،

اولومسى من من دىمك، اوزونكى

مىنقار tmenqār: [ع] ۱. چونت، اوچ،

تاويغىنگ چونتى، اوجى، ۲. چونت

يالى دمىر، اۇنۇنگ بىلن داش يا آغاچ

يالى زادلارى غازىليار.

مىنقرض tmonqarez: [ف.ع] ارادان

گىدن، يوغلان، وفات بۇلان.

مىنقش tmonaqasš: م.ف. [ع]

نقش لاناتان، بىسلەنن، گورك له نىن،

رنگ له نىن.

مىنقضى tmanzey: [ف.ع]

سونگلایجى، گچن، نابود بولىجى.

مىنقطع tmonqata: ف.ا. كسىلن،

اوزىلن، چورت كسىك.

مىنقلب tmonqaleb: [ف.ع] اوورۇلن،

بىرى بىرىنه دگن، دگىش، حالى

دگىشن، حالى اويستگان، بولاشان،

چاشان.

مىنقوش tmanquš: م.ف. [ع]

نقش لاناتان، بزالن.

مىنقول manqul: [ع] گوجورىلن،

جايلاشان، آيدىلان، گورىنگ ادىلن،

روايت ادىلن، يرىندان اويتگه دىب، بىر

يردن باشغا يره گچىرىپ بوليان زات.

مىنكر tmonker: [ف.ع] بۇيۇن آلمايان،

دانىيان، بىر زادی اقرار اتمه يان آدم،

اولی سایماق، غرورلیق.

منی tmaneyy [ع] یانگرینگدن

چیقیان مایع، اول جماع یا احتلام

شیطان بولانگده آدمینگ وجودیندن

چیقیان زات.

مو tmu. قیل، ساچ، زولف.

موات mawāt: ص. [ع] جان سیز،

اؤلی، اؤلن، قوراق و اکیلمه یان یر

ایه سیز قوراق اکیلمه یان یر.

مواجب mawājeb: [ع] ۱. واجب

بۇلۇپ قرار ادیلن لر آیلیق یا یللیق

بلله نن حق، ۲. جمع موجب، حقلار،

همده اولوم معنیده.

مواجه mowāje: ص. [ع] یوز به یوز

بۇلماق، دوشوشماق، دوش گلک.

مواخذة moāxeze: مص. [ع] باز

خواست اتمک، بهانا اتمک، سوراغ.

مواد manwād: [ع] جمع ماده،

ایلیکینجی مواد، یر آستی یر اوستی

بایلیقدان اله گلیان زاتلار.

مواد سوختی manwād-suxtani: ۱.

[ع.فا] یانغیچ.

مواد مخدر manwād-moxader: ۱.

[ع] ناشالی مادّه.

موازنه mowazene: مص. [ع]

دنگله مک، ایکی زادی بیرری بیله برابر

اتمک، دنگ آغرام اتمک، ایکی زادی

اؤلچأب، اولاری برابر اتمک دنگ

اتمک ایکی زادی آغرام داش قیلماق

ایکی زادی آغرام تایدان دنگ آغرامدا

مواصلت mowāselat: مص. [ع]

بیله بیرگمک، بیله دۇشۇشماق،

وصلت اتمک.

مواظب t.mowāzeb: [فاع] سر

ادیجی، ساقچی بیر زاده

قاراویل چیلیق ایدان، ایده مک،

ساقلاماق، انتی بیت.

موافق mowāfeq: ص. [ع] یۇلداش،

آغیز بیر، رای داش، ایلا لاشیجی،

قارشى بۇلمادیق.

موالید mawālid: [ع] جمع مولود،

مولودلار، دۇغولانلار، چاغلار، جمع

مولود.

موج t.mawj: [ع] تولقون، قوم، ییل،

قایینک اثریندن دورایان قوم، امواج

جمع.

موجر mujer: [ع] انبار دیر و یا جایی

دکانی اجاره بریان کره یینه بریان،

ملک ایه سی.

موجود t.mojud: مف. [ع] وجوده گلن،

بۇلان، دورادیلن، بار بۇلان.

موجه mowajjah: ص. [ع] اورون و

مقام ایہ سی اونگات حالاتان.

موحد mowahed: ص. [ع]

خدایلیق لی، بیر الله ایمانی بۇلان
آدم، خدایہ سیغینیان، الله نینگ
بیرلیگینه اینانیب ایمان گتیریان آدم.

موحش mowāheš: ص. [ع]

قورقنچ لی، قورقیزیان، آییلغانج لی.

مودت mawaddat: م. ص. [ع]

دوستلۇق اتمک، محبت، عشق،
ایسنیشیق، دوستلوق.

مور mur: مورچه، قارینچا، قارینچا.

مورث tmures: [ع] سبب، علت.

مورث mowarres: ا. [فاع] ارث

یتریجی، اؤزوندن ارث قویان آدم،
ارث بریجی، ارث قویان آدم.

مورخ mowarex: [ع] تاریخ یازیجی،

دنیا ده بۇلۇپ گچیان و اقالاری یازیان
و تاریخی بیلیان آدم، تاریخ چی.

مورد tmored: [ع] گیرالگه، ایسالگه،

سوه طرف یول، موارد جمع.

موروث mowrus: ا. م. ف. [ع] بیرینه

ارث یتن مال، ارث اوزیندن قویان آدم.

موزع tmowazze: [فاع] پیتراتیان،

پخش ادیان، یایرادیان.

موزون tmozun: م. ف. [ع] آغرامی

آلینیان، آغرامی اؤلچهلن، سالداملی.
موزه tmuze: چکمه، دورقی اوزین
ادیک.

موزه tmuze: [فر] قدیمی باستانی
اثرلرینگ ساقلانیان یری، موزه لی
جای.

موسم tmawsem: [ع] وقت، زمان،
فصل، بیر زادینگ وقتی آدملارینگ
حجغه جملانیان وقتی، مواسم جمع.

موسوم tmawsum: م. ف. [ع]
گورکزیلن داغ قوییلان، آد قوییلان
آدلانديريلان.

موش tmuš: سیچان.

موش خرما muš-xormā: پورسی
گۆزن.

موش خوارسیاه muš-xār-e-siyāh:
چای.

موشکافی mu-šekāfi: ک.

سینلاماق، بیر زادی دقت ادیب
اینچه دن سینلاماق، اینچه دن
ایزارلاماق.

موش مزرعه muš-e-mazra'e: آقا،
آلانگقیرت.

موصوف mawsuf: [ع] وصف بۇلان،
ماغتالانان، تارییلانان، وصف ادیلن.

موضع tmawze: [ع] یر، اورون، جای

مغايرة، بير بيرينگه قارشى بۇلماق،
بير بيرينگه قارشى بۇلماق، بير
بيرينگه يوز به يوز بۇلماق، قايما
قارشى بۇلماق، ترس بولماق.

مغتنم moqtanam: ا.مف. [ع] غنيمت
ساييلان، غنيمت آلينان آما تلى
ياغداى.

مغرب tmaqreb: [ع] گون باتار،
گونونگ ياشيان اۇغرى يانى، باتى.
مغرض moqrez: ص. [ع] بيرى نينگ
قصدى و غرضى بۇلان، پيس اريد
قيليقلى، اريدلىك ايسله يان.

مغرور maqrur: ص. [ع] باطله طرف
گيديان و گوز تيكيان، آلدانان، اوتيلان،
اولومسى، من منليك اديان.
مغز tmaqz: پينى، مانگيز.

مغشوش tmaqşuş: مف. [ع] بولاشيق،
قاتيشيق، الين بۇلماديق، يوغورلان.
مغضوب tmaqzub: مف. [ع] قهار
اديلن، غضبه اوچران، غضبه دچار
اديلن، غضب لانان.

مغفرت maqferat: مص. [ع] معفرة،
يالقاما، يالقاييش، بيرى نينگ
گناسينى گچمه، بيرى نينگ
گناسيندان گوز يومماق.
مغفور tmaqfur: مف. [ع] يالقانان،

باغيشلانان.

مغلق tmoqlaq: مف. [ع] باغلانان، كلام
مغلق: دوشينجهسى چتين بۇلان
سوز.

مغلوب maqlub: [ع] اوتديران،
اوتيلان، ينگيلماگه سزاوار بۇلان، ينگيلان.
مغيلان tmoqilān: تيكنلى آغاچ،
تيكن لرى اگري ايرى آغاچ، تيكن لرى
ايلكى گوک، سونگاباقا قارا و قيزيل
رنگه اؤروليار، اؤنؤنگ ميوهسى
باغالا منگزش بۇلۇپ هر دويبينده
باشردن دوققوزه چنلى دانهسى بوليار
عربلار اونگا «ام غيلان» دييارلار.

مفاخر mafāxer: [ع] جمع مفاخره،
قۇوانارلى، بويسانارلى.

مفاد tmafād: [ع] معنى، مضمون،
دوشونديرش.

مفاسد mafāsed: [ع] جمع مفسده،
اريدلىگه پيس ليگه سبب بۇلان.

مفاصل mafāsel: [ع] جمع مفصل،
فصل، بوغونلار، سوننگلرينگ
سپيشن يرى، فصل بۇلان، بۇلك
بۇلك بۇلان، بيرى بيريندن جدا بۇلان،
آچيقلاپ گينگلتمك.

مفاهيم mafāhim: [ع] جمع مفهوم،
نهملر، بيلنن، آنغلانان، دوشونيلن.

مفت mofit: ص. موغت، پولسيز،

بھاسيز، الھ گليان زات، يۇنھ زات.

مفتاح tmeftah. [ع] آچار.

مفتح tmeftah. [ع] آچار، مفتح جمع.

مفتح tmofatteh. [ع] فا، آچيجى.

مفتخر tmoftaxer. [ف.ع] بويسانيجى، قۇوانيجى.

مفتري tmoftari. [ف.ع] تھمت

اوريجى، قاراليجى.

مفتوح tmaftuh. مذ [ع] آچيلان.

مفتون tmaftun. مف. قتنھ اوقلانان،

عاشق، ھوشىنى آلديرانھ

مفتى tmofti. [ف.ع] پاتا بريان، فتوا

بريان.

مفخر tmofaxer. [ع] فخر اديلمگينگ

جايى، نازلنماگھ، قۇوانماغا يرليکلى.

مفرح tmofarah. فا. شاد، گۇوين

آچيق، يورھگھ قوات بريان درمان.

مفرد tmofrad. ص. [ع] يکھ، يالنگيز،

بيير، تاک.

مفرط tmofrat. [ف.ع] چن چاقدان

چيقمھ، حددن گچمھ، اۇران كۇپ،

زياد.

مفصل tmaf sal. بوغون.

مفعول tmaf eol. مف. [ع] اديلن،

بييرى نينگ و يا بيير زادينگ باشينا بيير

ايش دوشن.

مفقود tmafqud. مف. [ع] ييتن،

ييتكى، يۇق بۇلان، يييتيرلن.

مفقود الاثر mafqud-ol-asr: گورديم

بييلديم بۇلماديق، اثرى بۇلماديق، نام

نشان بۇلماديق، گوريم جيريم بۇلان،

ييتن.

مفلس mofles: ص. [ع] زادسيز،

الى دار، يوغسول، بيچارھ، غريب،

فقير.

مفهوم tmafhum. مف. [ع] دوشونيلن،

بييلينلن، ايزينا يتيلن

زات، دوشونيلن و دويولان نارسھ.

مفيد tmofid. [ف.ع] فايدا بريجى،

خيرلى، پيدالى، بافيدلى.

مقابر maqāber: [ع] جمع مقبرھ،

قبرلار.

مقابل morābel: [ع] برابر، دنگ، يوز

بھ يوز، قارشى بھ قارشى، قارشى،

اونگ، قاريشدا دوران.

مقاتل tmoqatel. [ف.ع] اولدوريجى،

اوروشجانگ، ساواشجانگ، اورۇش

تۇرۇزيان.

مقادير maqādir: [ع] جمع مقدار،

اۇلچكلر، بيير بۇلك زات، مقدارلار،

مچبرلر.

مقاربت moqā2rebat: مص. [ع]

مقاربة. بيله ياقينلاشماق،
قولايلاماق، بيله ياتماق.

مقارن maqāren: ص. [ع] همدم،

همرا، ياقين، يۇلداش، بيله بيريگشن
و دوست بۇلان.

مقاصد maqāsed: [ع] جمع مقصد،

نيتلر، آرزو اديلن ير، قصد جايى.

مقاطع maqāte': [ع] جمع مقطع، ۱.

كسيلنلر، كسيلن يرلر، آيريلان، ۲.

سۆزونگ آخرى ۳. قصيدانينگ يا

غزالينگ آخرقى بيتلرينه

آدلانديريليار.

مقاله maqāle: مص. [ع] سۆز آيتماق

سۆزله مك، گپله مك، كتابينگ بير

بوله گى، مقاله.

مقام maqām: [ع] يرلشمه، مكان،

زمان، مقام.

مقام maqām: ۱. اوتوريليان ير،

اورون، جاي، درجه مرتبه، جايگاه، ۲.

فارسچه هنگ، آهنگ، سازينگ

پردهسى ديپ-ده آيديليار.

مقامات maqāmāt: [ع] جمع مقامة،

۱. مجلس، ميليس، ۲. معنیده

روايت، خطبه.

مقاوم maqāwem: [ف.ع] برک

دوروملى، قايم دوريان، پوخته

دوريان، قايدوسيز دوريجى.

مقاومت moqāwemat: مص. [ع]

دوريملى ليق، ديرانمك ليك، قارشى

دورماق قارشىلىق گوزمه.

مقايسه moqāyese: مص. [ع] ايكى

زادى بيرى بيرى بيله اولچه مك،

درنگه مك، سـلجـرمك ليك،

دنگشديرمك، دنگشگلهيپ گوزمك

مقبره maqbare: [ع] گور، قبر،

قبرستان.

مقبول maqbul: مف. [ع] حالانان،

قبول اديلن، قبول بۇلان، ياقيملى.

مقتدا moqtadā: مف. [ع] آدم لارينگ

اۇنگا اۇبيان آدمسى، رهبرى.

مقتدر moqtadar: ص. [ع] قدرتلى،

گويچلى، قوجورلى، چاسلى،

قۇرپلى.

مقتدى moqtadi: [ع] (مقتدا) ايزينده

دوريب اوييليان آدم، امام، پيش نماز،

يولباشچى.

مقتصد moqtased: ص. [ع] اورته

يورپلى، تخشيدلى، اورتاچا صرف

اڊيان آدم.

مقتضى moqtazā: مف. [ع] اولن،

اولديريلن.

مقدار meqdār: [ع] اۆلچگ، مچبر،
بیر زادینگ بوله گى، اۆلچه لیب اله
گلیان زات.

مقدار زیاد meqdār-e-ziyād:
اپپاسلى، یونگ سیز.

مقدر tmoqadār: مف. مانگلايا
يازىلان، تقدیر، تالی، یازغیت، نصیبه.
مقدس moqaddas: ا. [ع] آراسسا و
پاک جای، پاک و آراسسا یر، مقدس.
مقدم maqdam: مصص. [ع]
یوللاغچیلیق دن قایدیب گلک، آياق
باسان وقتینگ، گلن وقتینگ قایدیب
گلک.

مقدم moqaddam: ا. [فاع] قورپلى،
باتیر، اقدام ادیجى، بیر ایشه یوز
اوران آدم، جرأتلى، باتیرغای،
هجولى.

مقدم moqdem: [ع] اونگه دوشن،
اونگه گیدن، اونگه سوریلن، اونگ،
اونگه گیدیجى، اونگده باریجى.

مقدمه moqaddame: [ع] باشلانغیچ،
اونگه گیدیجى لیک، هر زادینگ اونگی
گیریش، سۆز باشى، دسلابی.

مقدور tmaqdur: مف. [ع] گویچ
بريلمه، گویجینده و قدرتینده بۆلان
زات، قدرت بریلن، بیر زاده گویجى

بۆلان حکمانى، ممکن، ایش
ممکن چیلیگی بۆلان.

مقر maqarr: ا. [ع] قرار تاپماق،
یرلشمک، قالماق، دینچ جای.

مقر tmoqedrr: [فاع] اقرار ادیجى،
بویۇن آلیجى.

مقرب tmoqarrab: مف. [ع] یاقینلان،
یاقینلاشان، بیرى نینگ یانینه
یاقینلاشیپ اۇنۇنگ یانیندا اورون
تاپان.

مقرر tmoqarrar: مف. [ع] دۇرنۇقلى،
برکیشن، برک بۇلۇپ یرلەشن، ماکام
بۆلان، قویولان، قرار تاپان، برقرار
بۆلان، بیان ادیلن، قرارا گلنن،
چوزیلن.

مقروض tmaqrüz: مف. [ع] برگیلی،
بورچلى.

مقرون tmaqrün: مف. [ع]
یاقینلاشان، بیرى بیرینه یاقینلان،
بیرى بیرینه بیرىگن، سپیشن.

مقسوم tmaqsum: مف. [ع] بولینن،
پایلاشیلان، پولشدیریلن.

مقصد tmaqsad: ا. [ع] قصد ادیلن
جای، ایسلگ، آرزو، نیت، مقاصد
جمع.

مقصر moqaser: ا. [فاع] یازیقلى،

اورتگی.

مقنن moqannan: [فاع] قانون

دوزیجی، قانون شناس.

مقنی moqanni: [ع] قوی قازان.

کاریز قازان.

مقوا moqawwā: [ع] قالینگ قاتی

کاغذ، کتاب جلد اتمک اوچین

اولانیلیان کاغذ.

مقوی moqawwi: [فـا] قوی

گویچلندیریجی، گویچ بریجی، قوات

بریجی.

مقید tmoqayyad: [ع] باغلانان،

دوشاقلانان.

مقیم moqim: [فاع] آياق اوستونده

بۇلان، اوتوریملی، آياق اوستونده

اوتوران، یرلشن، جایلاشان، بیر یرده

جای مکان تۇتۇپ اوتوران آدم.

مکاتب mokāteb: [ع] جمع مکتب،

مکتب‌لر، مدرسه‌لر.

مکاتبه mokātebe: مص. [ع] (=)

مکاتبه) بیرى - بیرینگه خط یازماق،

خط آلیپ بریشمه، خط یازیشما.

مکار makār: ص. [ع] حیلہ‌گر،

آلداوچی، اوران مکیر.

مکاره makāre: [رو] روسی

سؤزوندن: بازار مکاره: هر بیله ناچا

گناهکار، عاصی، قایرا دوران، اؤز

بورجینی یرینه یتیرمکه یالتالیق

ایدیان آدم.

مقصود maqsud: ا. مف. [ع] قصد و

نیت بۇلان، ایسلگ، ایسله‌نن،

نیت‌لەنن.

مقطع maqta': ا. مف. [ع] کسیلن،

تۇررگینی کسلیپ آوادانلانماق.

مقطوع maqtu': ا. مف. [ع] کسیلما،

کسیلن، بۇلونن.

مقعد moqed: ا. [ع] اوتوریلیان یر،

اوتورقیچ، مقاعد جمع.

مقعر maq'ar: ص. [ع] اوی، قورپ،

چونگ، سیق دال.

مقلد tmoqallad: [فاع] بیرى نینگ

اده‌نینی اتمک، بیرى نینگ ادن

عملینی اؤوره‌نیپ اوندان ایزارلاماق،

اویکنمک، اویکونجی.

مقلد tmoqalled: مف. [ع] عالم، دین

یولباشچی‌سی، اهلی آدم‌لار اونونگ

اده‌نینی ادیپ ایزلایانی.

مقلوب tmaqlub: مف. اوویرلن،

دونگدیرلن، بیله‌سی بیلاک چوویرلن.

مقنع tmeqna': [ع] قانع ادیجی،

قناعت ادیجی، قناعت‌لی.

مقنعه maqna'e: بورونچک، باش

مص. [ع] ساقينماق، دورماق،

ساگينمك، كوتگورمك، تينگقراماق.

مكدر t.mokadar. مف. [ع] قارالاشان،

قارالما، فارسچه اينجان، توقات لانان،

كونگلى قالان، اويكه لان معنيده.

مكرر t.mokarar. مف. [ع] قايتالانان،

ايكيلانن، تكارالانان، گزكله نين.

مكرم mokaram. ص. [ع] عزيز،

حرمتلى، اولى ساييلان، سيلاغلى.

مكروه makruh. ص. [ع] حالانماديق،

قبول اديلمه ديك، پيسرلىك، شر،

جايى بولماديق.

مكشوف t.makšuf. مف. [ع]

چيقاريلان، آچيق بولان،

ايدینگ لاشان، يالنگاچ لانان، اويلانيب

تاپيلان، آشكار بولان.

مكفى mokfi. ص. [ع] بس، كافى،

يترلىك.

مكلف mokalef. ص. [ع] آزاره

دوشن، بير بورجى يا بير ايشى بويون

آلان، شرع بويونچا بير ايشى يرينه

يتيريان، بويون آلان ايشينى شرع

بويونچا يرينه بيتيريان آدم. بورچلى

مكمل t.mokammel. [ف.ع.]

دولى لايىجى، سونگلايىجى،

كامل لايىجى، تمام لايىجى، يرينه

گون يورتدا قوراليان بازار و آيرى

يورتلاردن مال ماتا ساتماق اوچين

گتيريلمكلىك.

مكاشفه mokāšefe. مص. [ع]

مكاشفه، بارلاماق، آنيق لاماق، بير

زادى يوزه چيقارماق.

مكافات mokāfāt. مص. [ع] مكافاة،

اجير برمك، مزد برمك، جزا، جزا

برمك، تممى برمك.

مكالمه mokāleme. مص. [ع]

گيلشمك، بيرى بيرينگ بيله

گوررينگ اتمك، بيله گوررينگدش

بولماق.

مكان t.makān. [ع] جاي، ير، اورون،

ياشاليان ير، منزل، مكان.

مكانيك mekānik. ص. فر. ماشين

تعميرچىسى، ماشين بسجريان آدم،

عادتن داشارى اوز ارکينه ايشليان

آدم.

مكتب t.maktab. [ع] يازو اوقو جايى،

مدرسه، مكتب، مكاتب جمع.

مكتوب t.maktub. مف. [ع] يازيلان،

يازغى، خط، سلام خطى.

مكتوم t.maktum. مف. [ع] گيزله نين،

اورتگىلى، ياشرين، گيزلين.

مكث كردن maks-kardan:

یتريجي.

مکمل tmokammal. مف. [ع] کامل

بۇلان، تمام بۇلان.

مکنت tmeknat. [ع] مکنة،

قوریللیق، گویج، قوجور، بایلیق،

مال.

مکیدن makidan: مص. م. سۇرماق.

مگر magar: ۱. عادتدان داشارده شک

گمان اۇرنۇندا ۲. شاید معنیده

آیدیلیپدیر، ترکمن دیلینده «می»

سوراغ قۇشۇلماسینی انگلادیار،

مثلاً: مگر نیامد؟ گله نوق می؟ دییان

یالی.

مگس tmagas. سینک.

ملا molā: ص. ۱. دینی درس اوقان،

سوادلی، اصلینده «مولی» میس ۲.

آقا، باشلیق معنیده.

ملاح molāh: ص. [ع] گامیچی،

کشتی سورجی، گامی سورجی،

ملوان.

ملاحظه molāheze: مص. [ع] بیرى-

بیرینگی گۇزۇنگ آشاغیندان سر

اتمک، اسوان اتمک، گۇزله مک،

باقماق، سراتمک، تارایش.

ملازمه molāzeme: مص. [ع] (=)

ملازمت، بیرینه بیریکمک،

بیری نینگ خدمتنده بۇلماق، همیشه

باغلیلیق.

ملاغه kmalāqe. چمچه، قازان دان

آلیپ قویولیان نارسه، چمچه،

سۇساق.

ملافه kmalāfe. یورغان دوشه گینگ

داشینا چکیلیان آق پارچه ماتا.

ملاقات molāqāt: مص. [ع] بیرى

بیله دوشیشماق، بیرى بیرینگ بیله

یوزلشمک، ساتاشماق، گۇروشکم،

دیدارلشماق، دوشوشیق.

ملاک kmelāk. [ع] هر زادینگ اوزه نی،

مایه سی و اصلی.

ملال malāl: مص. [ع] بیزار بۇلماق.

یاداما، پتنگ بۇلماق، عجیزله مک،

قایغی، غم.

ملالت malālat: مص. [ع] ملاله

بیزارلاماق، اینجاماق، یورک قیسم.

ملاّت malāmat: مص. [ع] کأییّمک،

کأینج، زیرانچ.

ملایم molāyem: [ع] ایلا لاشیق، میله

گورا، مناسیب، یوقیملیلیق،

یوواشلیق، آرام، موافق.

ملبس molbbas: [ع] گییّم گجیم،

گیلیان گییّم، اگین اشیک، ملابس

جمع.

ملبس mollbes:ص. [ع] گیزلین،

یوغورلیب گیین، فارسچه گیلن گییم

معنیده آیدیلیار.

ملت t.melāt: [ع] شریعت، یۆزلگه،

یول یۆردا، آدملا، بیر یوردینگ

آدملاری، ملل جمع.

ملترم t.molāt zam: [فاع] اؤزینگه

ضرور بیلمه، بؤیؤن آما، هوتدهلنمه،

بیر ایشی بؤیؤن آماق.

ملتفت t.moltafet: [فاع] بیر زادا

باقیجی، آنکشریجی، بیر زاده طراف

سرا، اؤویرلیپ بیر زادا طرف

باقسین، یوزلنسین.

ملجا t.meljā: [ع] بۇقى یز، بۇقى، پناه

کتیرلیان یز، بوقولنا یز.

ملحق t.molhaq:ص. [ع] بیریکن،

ایلتشن، ساییلان، باغلانان، آرا

باغلانشیق، بیر یز یا بیر زادینگ

بیرینه باغلی بولماغی.

ملزم t.molzam:ص. [ع] بیرینه بیر

ایش یا بیر بویروق واجب بۇلان

بولسون.

ملزوم malzum: [ع] لازم بۇلان، بیر

زات لازم بۇلان بولسون.

ملعون mal'un: [ع] قارغیشلانان،

قاویلان، قارغیش سینگن، لعنتله نین،

شیطان، عزازیل، ملعون.

ملقب t.moqaleb:ص. [ع] لقبی بار

بۇلان، لقبلی، لقب بریلن.

ملک t.malek: [ع] شخصینگ

آدمینگ ارکینده بۇلان زاتلار، یر یا

باشقا زاتلار، املاک جمع.

ملک malak: ا. [ع] فرشته ملائکه

جمع.

ملک الموت malak-ol-mawt:

ا.مر. [ع] عزرائیل، جان آلیان فرشته.

ملکه malake: [ع] ملکه، ملک و گویچ

قوات، قوجور، بایلیق، انسانینگ

نفسینده بۇلان دۇرنۇقلی لیق صفتی،

تورگونلشیک نتیجه سینده انسان

طبیعتنده یوزه چیقان ایشه

اوقییلی لیق یا تیز دوشینجه لی لیک.

ملکه t.maleke: [ع] ملکه، شاهینگ

عیالی، شهبانو.

ملل melal: [ع] جمع ملت، ملتلر.

ملل malal: ص. [ع] بیزارلاماق، ملال.

ملنگ malang: ص. مست، سرخوش،

پیان، یکه، اوینلنمهدیک.

ملوس malus: ص. صفایی، یومشاق

آوادان، گۆزل، گۆرنوکلی، زیبا.

ملول malul: ص. [ع] توقات، بیزارلان،

قایغی لی، غملی، غصالی.

مليون meleyonn: [ع] ملتگه باغلى

بۇلان توپار.

مليون million: فر. ميليون، ساندان

مونگ مونگ.

مليونر milioner: ص. فر. بير

مليون دان بايلىقى كوپ بۇلان آدم.

ممآ tmomāt: [ع] اولوم، فرصت،

زمان.

ممآ tmomās: مف. [ع] بير بيرنه

سوريلن، آوقالانان، دگيپ دوران.

ممالک mamālek: [ع] يوردلر،

مملكتلر، جمع مملكت.

ممانعت momāne't: مص. [ع] (=

معانعة)، بيرىنى ايشىندىن ساقلاماق،

ساقلاماق، اونگىنى آلماق، بووت

بۇلماق.

ممتاز momtāz: [ع] آيراتىن لانان،

تفاوتلىلىق، بللەنن، سايلانان، يوقار

درجەلىك، بلندلىك.

ممتد tmomtad(d): مف. [ع] اوزاليپ

گىدىن، چكىيلن، اوزالان، و

قوشغىنىنىڭ بير وزنىنىڭ آدى:

«فاعلن، فاعلاتن، فاعلن».

ممتنع tmomtana: [فاع] ساقلانان،

ممکن بۇلمايدىق، يوز دۇندىريان بۇيۇن

قاچىريان، بير ايشدان بۇيۇن تاو لايان

آدم، ممکن دال، بولارلى دال.

ممذوح tmamduh: مف. [ع] اوويلن،

تاريپلانان.

ممذود tmamdud: مف. [ع] مد بريلن

چكىلن، اوزىن مدهلى بلگى.

ممکن momken: ص. [ع] مىسر،

دوغرى، جايز، آنگسات، بولارلى.

ممکن tmomken: مف. [ع] ثابت،

دۇرنۇقلى، برک، قايم، برقرار،

ماكام له نن، برکيدىلن.

مملکت mamlekat: [ع] پادشانيڭ

عزتى و گويجى، پادشانيڭ سوراين

يرى و يووردى، يۇرت، وطن، ممالک

جمع.

مملو mamlow: ص. [ع] مملوء، دولى،

دولديريلان، پُر پر.

ممنوع tmamnu': مف. [ع] ساقلانان،

قدغن ادىلن، اونگى آلىنان، قاداغان.

ممنون tmamnun: مف. [ع] نعمت

بريلن، منت قوييلان، راضى كسىلن،

واوزىلن معنيده هم گليار.

من tman: اوج كيلودن عبارت بۇلان

آغرام اۇلچگى.

من man: [ع] خداى تعالى نىڭ

باغيшлаپ برن زادى، بيرى نىڭ

باشغا بيرينه بريان زادى.

منابع 'manābe': [ع] جمع منبع،

چشمه‌لر، سووینگ جوشوپ چیقیان

یرلری، دویبی و چیقیان یری.

مناجات monājāt: [ع] یورکداکی

سیرینگی آیتما، دعا اتمه، خدای

تعالی‌غا زارینلاب یالبارما.

منادی tmonādi: [ف.ع] قیغیرجی،

جارچی، ندا ادیجی، چاغیرجی.

منادی tmonādā: [ع] ایسله‌نن،

ایسلگ بیلدیرلن، قیغیرلان.

منار tmenār: [ع] یاغتیلیق، نور جایی،

چراغ یا بلگی قویولماق، یول

اوغرینده قویولیان برج یالی نارسه.

مناره menāre: [ع] نور جایی،

گلدسته، دینگه مسجدلرده آذان

اوچین چراغ اوچین بجریلیان برج.

مناور و منائر جمع.

منازع tmonāze': [ف.ع] شرچی،

اورشاغان، دعواچی، دعوآدان

قاچمایان، بیر ییلن دوشمانچیلیق

ادیان آدم.

منازل manāzel: [ع] منزللر، اوی‌لر،

جمع منزل.

مناسب monāseb: [ع] شکل‌دش،

گلشیکی، منگزش، بیر یییرینه

یاقین، یاراشیقلی.

مناسک manasek: [ع] جمع منسک،

قربانلیق ادیلیان جای، مناسک حج:

حج اعمالی و عبادتی، کعبه طواف

اتمه و صفا مروهنینگ آراسیندا

یورتماق یالی اعمال‌لارا آیدیلیار.

مناطق manateq: [ع] جمع منطقه،

بیل قوشاق یوب، آرا، آرا باغ،

منطقه‌لار.

مناظره monāzere: [ع] مصص،

مناظره، بیر ایشده بیله بحث‌دش

بؤلماق، گوررینگ اتمک، جدل‌لشمک.

منافات monāfāt: [ع] منافاة، بیر

بیرینگی قاوماق، بیر بیرینگه قارش

بؤلماق.

منافع manāfe': [ع] جمع منفعت،

پیدالار، خیرلر، نپلر.

منافق monāfeq: [ع] یوزونگه

دوست ایزینگدا دوشمان آدم، یکی

یوزلی، ظاهری بیله باطنی بیر

بؤلماقیق، یوره‌گی بیله دیلی بیر

بؤلماقیق.

مناقصه monāqeze: [ع] مصص،

مناقصه، کملتمک، آزالتماق، بیر

زادینگ بهاسینی آزالتماقدا بیر

بیرینگ ییلن باسداشلیق ادیب رقابت

اتمک.

منتفی t.montafi. [فاع] يۇق بۇلان،

يوغلان، داشا دوشن، قاويلان.

منتقد t.montaqed. [فاع] عيبلايىچى

كتاب دير يا بير مقلانينىڭ كم

چىلىگىنى بيان اتمك.

منتقل montaql. ير به ير بۇلان، بير

يردن باشقا بير يره گچن، بير يردن

باشقا بير جايا گيدن، گوچن،

يرلەشن.

منتھی t.monthā. [فاع] سونگە يتن،

قوتاران، زادينىڭ سونگى. آخرى.

منتھی t.monthi. مف. [ع] سونگە يتن،

آخر، سۇنگ.

منجر t.monjar. مف. [ع] چكىلن، بير

يره و يا بير زاده چكىلن.

منجلاب t.manjelāb. پورسى سۇو

ياتا سو، ياتا پورسان سو.

منجمد monjamed. ص. [ع] دونگان،

بوز، دونگديرلان، باغلان، قاتى

ساويغينىڭ اثيريندن سـووينىڭ

دونگماغى.

منجى t.monji. [فاع] نجات بريچى

آزاد اديچى، دينداريچى، بوشاديچى.

منجى t.monjā. [ع] نجات يىرى،

بوشاديلما جايى، اركىن ليك جايى.

منحرف t.monharef. [فاع] اۋريلن،

منان mannān. ص. [ع] ۱. مننت

قويوجى، اونگات ايش اديچى،

باغيشلايچى ۲. خدای تعالى نينىڭ

آدلارى نينىڭ بيرى.

منت mennat. مص. [ع] (= منة)، ۱.

بير خير ايشى و ياغشى ليغى بيرينه

اديب اونگا شيله اتديم ديب ديله

گتيريب منت قويماق و يوزونه اورماق

۲. احسان معنيده، منن جمع.

منتج t.montaj. [فاع] نتيجه بريچى،

پيدالى، خيرلى، نتيجهلى، نپلى.

منتخب t.montaxe. فا. سچيان،

بللە يان، سايلان.

منتصب t.montasab. مف. [ع]

باغلانيشديرماق، ياقينلاشديرماق،

ايلتشديرمك.

منتشر t.montašer. [فاع] يايراتما و

پتراتما، اشكار اتمه، آچيق اتمه.

منتصب t.montasab. [فاع] برک،

قايم، يوخته دىکلدىلن، بللەنن.

منتظر t.montazer. [فاع] بيرينه يا بير

زاده قاراشيان، گوزى يولدا ليق،

قاراشماق ليق.

منتظم t.montazem. [فاع] گونى

دوغرى نظمه گتيرمه، دوزگونه

سالما، تربيتلى.

ایبریلن.

منزلت tmanzelat. [ع] منزله، مقام
اورون، درجه، مرتبه.

منزوی monzawi. ص. [ع] خلقه
قاتیشمایان، یکه مزک، اویسن
چیقمایان، چوله لیفی حالایان.

منسوب mansub. [ع] باغلانان،
نسبت بریلن، باغلانیشیقی،
دگیشلی.

منسوخ mansux. ا. مف. [ع] آزادان
چیقاریلان، یاتیرلان، آیریلان، رد
ادیلن.

منشاء tmanša'. [ع] بیر زادینگ یوزه
چیقیان یری، بیر زادینگ پیدا بولیان
یری، گلیپ چیقیشی، بیر زادینگ
گوگریپ اوسدیریلیان یری.

منشور tmanšur. [ع] فرمان، بویروق،
پادشالیق حکمی، یارلیق، آچیق خط.

منصرف tmonsaref. [فاع] ایزینا
اویریلیجی، اؤز قصدیندن اویریلیب
یایان، اؤز مقصدیندن ال چکیپ یایان.
منصف tmonsef. [فاع] انصاف
بریجی، انصاف ادیجی، عدالت
یوزوندن ایشی کسیان.

منصوب tmansub. مف. [ع] تیکیلن،
قرار تاپان، بیر ایشه مقاما و اورونه

آزغین، یؤلونی ییترن، دولانان،
اگره لن، یولدان چیقان، آزان، ترس یولا
دوشن.

منحصر monhaser: چاکلی بۆلن،
چاکلانا داش غابالان، محدود، دیفار
چکیلن، توارگنه دیفار آیلانان.

منحط mohatt. ص. [ع] آشاق دوشن،
آشاق اینن، پسه دوشن.

منحل monhal. ص. [ع] چوزیلن
آچیلان، فارسچا: گوتریلن، آزادان
کیدپ دیر دیپ آیینار.

منحوس monhus. [ع] شوم، نجس،
ارید.

منداب شتری tmandāb-e-šotori.
شادانه، چاپراز.

مندرج mondarej. ص. [ع] یازیلان،
گیرن بیر زاده گیریب اورناشان،
گیزله نن.

مندرس mondares. ص. [ع] کونه،
کونه لن، کونه گیم، ییرتیق گیم
گیم.

منزجر monzajer. [ع] قاولن،
قورقوزیلان بیگرنج بیلدیرلن.

منزل tmanzel. [ع] اووی، یاشالیا
جای، دوشلگه.

منزل tmonzal. مف. [ع] آشاق اینن،

- قویولان، بلله نیلن.
- منصور tmansur. مف. [ع] یاری لیق
بریلن، یارانلیق ادیلن.
- منطبق montabeq: ص. [ع] اوست
اوستونه قوییلان، دنگش دیریلن،
برابریق، دنگ لیک.
- منطق manteq: مص. [ع] سۆز آیتماق،
سۆزله مه اۆلچهلن و دلیللی سۆز.
اول بیر علمینگ آدی اویلان یپ
سۆزله ننده، سۆز اۆلچه گینى
قاعده لارینى نظره آلیپ سۆزلنسه
آدمى هر بیر خطادان یالنگیشدان
آمان ساقلا جاق دینى ایکی
اوج سیز دیر.
- منظره tmanzare. [ع] سر ادیلیان یر،
باشدن گورونیان، گورنوش، گوز یتیم،
گوز یتیان یر.
- منظم monazzam: ا. [ع] ترتیبلی و
دوزگونه بزمن و ترتیبلی بولان.
- منظم manzem: ا. [ع] مکان دوزگون
جایی، مناظم جمع.
- منظور tmanzur. مف. [ع] نظره
آلینان گورینن، نظرده توتولان، گوز
اؤنگونه گتیرلن.
- منظوم tmanzum. مف. [ع] یوفا
دوزیلن، ترتیبه سالنان، اۆلچگلی
- آغراملی سۆزه دوزیلن، شیفریلن یازیلان.
- منع man: مص. [ع] ساقلاماق، بووت
بۆلماق، بیرینی بیر ایشدن قویماق.
- منعقد tmon'aqed. مف. [ع] باغلی،
باغلانان، باغلانان شرطناما.
- منعکس tmon'akes. [ف.ع] اؤوریلن،
دونگدیریلن، سؤو آینه و ش.م. لر بیر
زادینگ شکلی باشغا بیر زادا دوشوپ
گورینمه گی.
- منفجر tmonfajer. [ف.ع] آقان سو،
یاریلان، آچیلان، پاتلانما، بوسییلان.
- منفرد monfared: ص. [ع] یکه
یالنگیز، بیر، تاک.
- منفصل tmonfasel. [ف.ع] کسیلن،
بۆلک بۆلک بۆلن.
- منفعت tmanfe'at. [ع] منفعه، پیدا،
نپ، دۆشه وینت، گیرده جی، منافع
جمع.
- منفور tmanfur. مف. [ع] یگرنجی،
یگره نیلن، حاللانمایان، داش دوشن،
قاویلان، ایلخانچ، یگره نیلن.
- منفی tmanfā. [ع] تبعید یری، داش
دوشورلن، بیر شهردن باشغا شهرده
یاشاماگی مجبور ادیلمه، تبعید
جایی تبعید گاه.
- منفی manfi: ص. [ع] داش دوشن،

یوغلان، قاویلان.

منقار tmenqār. [ع] ۱. چونت، اوچ،

تاوینینگ چونتى، اوجى، ۲. چونت

یالى دمیر، اؤنؤنگ بیلن داش یا آغاچ

یالى زادلاری غازیلیار.

منقرض tmonqarez. [فاع] آرآدان

کیدن، یوغلان، وفات بۆلن.

منقش tmonaqasš. مفف. [ع]

نقش لانا، بسله نن، گورک له نن،

رنگ له نن.

منقضى tmanzey. [فاع] [ع]

سونگلایجی، گچن، نابود بولیجی.

منقطع tmonqata'. فا. کسیلن،

اوزیلن، چورت کسیک.

منقلب tmonqaleb. [فاع] اؤورۆلن،

بیری بیرینه دگن، دگیش، حالی

دگیشن، حالی اویستگان، بولاشان،

چاشان.

منقوش tmanquš. مفف. [ع]

نقش لانا، بزالن.

منقول manqul. [ع] گوچوریلن،

جایلاشان، آیدیلان، گوررینگ ادیلن،

روایت ادیلن، یریندان اویتگه دیب، بیر

یردن باشغا یره گچیریب بولیان زات.

منکر tmonker. [فاع] بویۆن آلمایان،

دانیا، بیر زادی اقرار اتمه یان آدم،

اینانمیان، انکار ادیان.

منکر mankar. ص. [ع] اربد ایش

حالانمادیق ایش، منکرات جمع.

منگ mang. ص. آقماق، گیج، کم

هوش، هوش سیز، چاشان، اوغری،

یول اوريجی معنیده ده آیدیلیپدیر.

منگ t. mang. ۱. قمار، قاعده دوزگون

۲. لاف دیپ-ده آیدیلیپدیر.

منگنه tmangane. فشار بیلن یعنی

زور بیلن کتاب یا کلید یالى زادی

منگنه اتمه، سیقپ سبله مک.

منثريت menanžit. همشک.

منوال tmanwāl. [ع] یۆرلگه، طرز و

دوقیجی لیق دستگاسی.

منور manawwar. ص. [ع] نورلی،

یاغتی لانا، ییلدیراویق، یالقیملی،

پارلاق.

منوط manut. ا. مفف. [ع] باش آشق

باغلی، بیر زاده آسغیلی، آسغیلی.

منهج tmanhai. [ع] دوغری یول،

آچیق یول گینگ و آچیق یول، مناهج

جمع.

منهدم monhadem. ص. [ع] خراب،

بوزوق، ویران، دربی داغین.

منی tmani. م. من دیمک،

اولومسی من من دیمک، اؤزۆنگی

اولی سایماق، غرورلیق.

منی tmaneyy [ع] یانگرینگدن

چیقیان مایع، اول جماع یا احتلام

شیطان بولانگده آدمینگ وجودیندن

چیقیان زات.

مو tmu. قیل، ساج، زولف.

موات mawāt:ص. [ع] جانسیز،

اؤلی، اؤلن، قوراق و اکیلیمه یان یر

ایه سیز قوراق اکیلیمه یان یر.

مواجب mawājeb: [ع] ۱. واجب

بؤلۆپ قرار ادیلن بر آلیق یا یللیق

بلله نن حق، ۲. جمع موجب، حقلار،

همده اولوم معنیده.

مواجه mowāje:ص. [ع] یوز به یوز

بؤلماق، دوشوشماق، دوش کلمک.

مواخذة moāxeze:ص. [ع] باز

خواست اتمک، بهانا اتمک، سوراغ.

مواد manwād: [ع] جمع ماده،

ایلکینجی مواد، یر آستی یر اوستی

بایلیقدان اله گلیان زاتلار.

مواد سوختی manwād-suxtani: ۱.

[ع.فا] یانغیج.

مواد مخدر manwād-moxader: ۱.

[ع] ناشالی ماده.

موازنه mowazene:ص. [ع]

دنگله مک، ایکی زادی بیر ی بیله برابر

اتمک، دنگ آغرام اتمک، ایکی زادی

اؤلچاب، اولاری برابر اتمک دنگ

اتمک ایکی زادی آغرام داش قیلماق

ایکی زادی آغرام تایدان دنگ آغرامدا

مواصلت mowāselat:ص. [ع]

بیله بیرگمک، بیله دوشوشماق،

وصلت اتمک.

مواظب tmowāzeb: [ع.فاع] سر

ادیجی، ساقچی بیر زاده

قاراویل چیلیق ایدیان، ایده مک،

ساقلاماق، انتی بیت.

موافق mowāfeq:ص. [ع] یۆلداش،

آغیز بیر، رای داش، ایلا لاشیجی،

قارش ی بۆلما دیق.

موالید mawālid: [ع] جمع مولود،

مولودلار، دؤغولانلار، چاغلار، جمع

مولود.

موج tmawj: [ع] تولقون، قوم، ییل،

قایینک اثریندن دورایان قوم، امواج

جمع.

موجر mujer: [ع] انبار دیر و یا جایی

دکانی اجاره بریان کره یینه بریان،

ملک ایه سی.

موجود tmojud:مف. [ع] وجوده کلن،

بۆلان، دورادیلن، بار بۆلان.

موجه mowajjah:ص. [ع] اورون و

مقام ایہ سی اونگات حالاتان.

موحد mowahed: ص. [ع]

خدایلیقلى، بیر الله ایمانى بۇلان
آدم، خدایه سیغینیان، الله نینگ
بیرلیگینه اینانیب ایمان گتیریان آدم.

موحش mowāheš: ص. [ع]

قورقنچلى، قورقیزیان، آییلغانچلى.

مودت mawaddat: مصر. [ع]

دۇستلۇق اتمک، محبت، عشق،
ایسنیشیق، دوستلوق.

مور mur: مورچه، قارینچقا، قارینچا.

مورث tmures: [ع] سبب، علت.

مورث mowarres: ا. [فَاع] ارث

یتریجی، اؤزوندن ارث قوییان آدم،
ارث بریجی، ارث قویان آدم.

مورخ mowarex: [ع] تاریخ یازجی،

دنیا ده بۇلۇپ گچیان و اقلاری یازیان
و تاریخی بیلیان آدم، تاریخ چی.

مورد tmored: [ع] گیرالگه، ایسالگه،

سوه طرف یول، موارد جمع.

موروث mowrus: ا. مف. [ع] بیرینه

ارث یتن مال، ارث اوزیندن قویان آدم.

موزع 'tmowazze: [فَاع] پیتراتیان،

پخش ادیان، یایرادیان.

موزون tmozun: مف. [ع] آغرامی

آلینیان، آغرامی اؤلچهلن، سالداملی.

موزه tmuze: چکمه، دورقى اوزین
ادیک.

موزه tmuze: [فر] قدیمی باستانی
اثرلرینگ ساقلانیان یری، موزه لی
جای.

موسم tmawsem: [ع] وقت، زمان،

فصل، بیر زادینگ وقتى آدملا رینگ
حجغه جملانیان وقتى، مواسم جمع.

موسوم tmawsum: مف. [ع]

گورکزیلن داغ قوییلان، آد قوییلان
آدلان دیرییلان.

موش tmuš: سیچان.

موش خرما muš-xormā: پورسى
گۆنن.

موش خوارسیاه muš-xār-e-siyāh:

جای.

موشکافی mu-šekāfi: ک.

سینلاماق، بیر زادى دقت ادیب
اینچهدن سینلاماق، اینچهدن

ایزارلاماق.

موش مزرعه muš-e-mazra'e: آلاقا،

آلانگقیرت.

موصوف mawsuf: [ع] وصف بۇلان،

ماغتالانان، تارییلانان، وصف ادیلن.

موضع 'tmawze: [ع] یر، اورون، جای

قویماق، جا قوییلیان یر، مواضع جمع.

موضوع 'tmowzu:mf. [ع] قوییلان،

یرلشدیریلن، باراسنده بحث ادیلن زات، گورونگ بولیان زات، مواضع و موضوعات جمع.

موظف 'mowazze:cf. [ع] وظیفه

بریلن، وظیفه‌لی، تکلف‌لی، بورچلی، ایشکار.

موعد 'tmow'ed. [ع] وعده ادیلن یر،

وعده ادیلن یر و وقت، عهد و پیمان، مواعد جمع.

موعظه 'tmow'eze. [ع] اؤویت،

نصیحت، کلام، واعظ و عظم ادیجی مواعظ جمع.

موعود 'tmow'ud. mf. [ع] وعده

بریلن وعده ادیلن، یوم الموعود: قیامت گونی.

موفق 'mowaffaq:cf. [ع] ینگیش

قازانان، توفیق تاپان، اوستونلیک تاپان، پیدالانان، قازانیان ینگن.

موقت 'mowaqqat:cf. [ع]

وقت لایین، بللی وقت، آنقرسی گؤرنوپ دوران، بللی وقت، چاکلی.

موقر 'mowaqqar:cf. [ع] عقللی،

فراستلی آدم، دانا آدم، سیکین،

پایخاسلی، کیچی گؤینلی، ادبلی.

موقع 'mowqe:a. [ع] ایش دوشن یر،

آشاق اینیلن جای، ییقیلنن جای، قرار تاپان جای، مواقع جمع.

موکل 'tmowakkel:cf. [ع] فا. وکیل

ادیجی، اؤزونه وکیل توتان، اوزینه وکیل بلان آدم، آقلاچی.

موکل 'tmowakkal:mf. [ع] ایش

تابشیرلان آدم، بیر ایشی بؤیؤن آلان آدم.

موکول 'mawkul:cf. [ع] تابشیریلان و

قوییلان، بیرینه باغلی بؤلان. مولد 'tmawled:cf. [ع] دوغیلان وقت

دوغان یری، بیرینینگ دوغان یری، دوغیلان یر، مولد جمع.

مولد 'tmowalled:cf. [ع] وجوده

کتیریجی، دورادیجی، اوندیریجی، دوغولان، بیریندن یا بیز زاتدن اؤنس

زات.

مولود 'tmawlud:mf. [ع] دوغیلان،

بأبک، مولید جمع. مولوی 'mawlawi:cf. n. [ع] مولی

باغلی بؤلان، باشلیفا باغلی بؤلان، حرمتلانیان آدما باغلی بؤلان.

مولویه 'mawlawiye:cf. اوزین پاپاق و یا

کیچی سلّه.

مہ tme. [فر] فرنگی، ییلینگ
باشینجی آیی.

مہاجر tmohājer. [فاع] وطن دان
داش دوشن، وطن دان آیریلیب باشغا
بیر شہرہ گیدیپ شول یردہ یرلہ شن،
یورت آلان آدم، گلیمیشک.

مہاجم tmohājem. [فاع] بیردن اط
سالما، چوزیش ادیجی، بیردن
دوفولیجی، هجوم ادیجی.

مہار tmahār. [ع] دیہ بورونلیفی
بویلی.

مہارب mahāreb. [ع] جمع مہرب
قاجالفا.

مہارت mahārat: مص. [ع] ایشدہ
استادلیفی بۇلان، دانالیق، بیر ایشدہ
چاققانلیق، ایشدہ چپرچیلیک،
اؤکدہلیک، استادلیق.

مہتاب tmahtāb. ف. آی آیدینگلیق،
آیینگ آیدینگلیفی، آیینگ یالقیمی،
مہشید یعنی آیینگ یاغتی سی
دیپ-دہ آیدیلیار.

مہتر tmehtar. ص. ت. اولی راق، قاتی
اولاقان، کلانتیر، بیر قومینگ سرداری
و باشلیفی.

مہتر tmehtar. ص. آطینگ سیسیسی،
آطی تیمارلاب قوللیق ایدیان آدم، آط

مولی tmowlā. [ع] ملکلی، سیس،
دوست، بندہ، ارکلی آزاد بولان بندہ،
موالی جمع، مولانا، صاحب و یا
بیزینگ آتامیز.

موم tmum. بال، آری نینگ
اویجوگیندہ بال قاتیشیقلی نارسہ،
موم.

مونس tmunes. [فاع] اؤرہ نیشن،
ہمدم، ایسناشان، دوست.

موہبت mawhebat. [ع] موہبتہ،
بیرینہ باغیشلانیان زات، باغیشلاما،
بریم، باغیشلاماق، باغیشلانا زات،
بریلن اونگات نعمت لار و باشغا
زات لار، جمع مواہب.

موہن tmuhēn. [فاع] عجیزلدیجی،
پسلدیجی، پسہ سالیجی،
توہین لیجی، عجیز ادیجی.

موہوم tmowhum. مف. [ع] وہم لی
بۇلان، گمان لی بۇلان، خیال لی بۇلان،
قورقیلی بۇلان.

موہون mowhun. ص. [ع] سوس،
آریق، پس، عجیز، ہور.

موی سر tmuye-sar. ساچ، زۇلف.
مہ tmeh. اؤمیر.

مہ tmah. مخفف ماہ، آیی ینگلیدیپ
آیتما.



شناس.

مہجور mahjur: [ع] ایرادوشن، داش
دوشن.

مہد mahd: [ع] سالانچاق، مہود
جمع.

مہد mahd: ہندی چشمہ دن آیینان،
بیر ہیل یابان اوت.

مہدی tmehdi. مف. [ع] دوغری یولا
گونوگن، خدای تعالی نینگ دوغری
یولہ گونیکدیرن آدمسی.

مہر mehr: دوستلوق، محبت،
ہمراقلیق، جانب کش لیک.

مہر tmehr: گون، زرتشت ملتی یوزہ
چیقمازدان اؤنگ خدای لارینگ بیر
-نینگ آدی، و اؤنی رب النوع گون
-گونش بیلیان اکن لر.

مہر mehr: شمس ییلینگ یدینجی
آیی.

مہربان mehrbān: ص. مہر و
محبتلی، دوستلوق، مہربان، مہرلی.
مہرگیاہ tmehr-giyāh: سنلمہ لیک.

مہشید tmahšid: آیینگ یاغتیسسی،
آیینگ یالقیمی، آیینگ شعلہ سی.

مہلت mohlat: مم. [ع] مہلہ، زمان
برمک، آسسالیق بیلن وقت برمک،
کسگیتلی وقت، بیر ایشی یرینہ

یتیرمک اوچین بریلن مہلت، فرصت،
پوریجا.

مہلک tmohlek: [ع] فا. ہلاک لیجی،
ہلاک ادیجی، یوق ادیجی
اولدوریجی، نابود ادیجی.

مہلکہ tmahlake: [ع] مہلکہ، ہلاک
یری، یوق ادیلیان یر، خطر یری،
مہالک جمع.

مہم mohem: ص. [ع] چتین ایش،
اولی ایش، اہمیتلی آغیر ایش، مہا،
جمع.

مہمات mohemāt: [ع] جمع مہمہ
مؤنٹ مہم، فارسی دہ اؤرۇش آہزاری
اسبابلاری دیپ آیدیلیار.

مہمان mehmān: ص. میخان، قوناق.
مہمل mohmal: ص. [ع] بیہودہ و پوچ
یاتان زات، پوچ سؤز، یؤنہ قویولان
زات، ایشلمہ یان.

مہوش mah-waš: ص. آی یالی، آوادان
گوزل، آی یوزلی، آی دک.

مہیا mohayyā: ص. [ع] اوچین ایش،
حاضر تیار ایش.

مہیج tmohayyej: [ف.ع] اگیرت،
تولقون دیریجی، انایی، ہیجانہ
گتیریجی، ایچگی دویغینی
اویاندیریجی زات، قیزیقلاندیریجی.



مـیراٹ tmir-ās: [ع] مـیراٹ
دوشرلرینه اؤلی دن قالان مال، میراٹ،
ارٹ، مواریت جمع.

میرزا tmir-zā: ۱. امیر زاده، قدیم لار
شاهزاده لارینگ آدی نینگ ایزیندان
گلیارمیش، احمد میرزا دیین یالی
ارکک آدم لارینگ کا بیرر نینگ
آدی نینگ باشینا آرتدیریلیان اکن، ۲.
یازبجی معنیده هم آیدیلیپ دیر.

میرشَب tmir-šab: ص. گیجه گزیان،
گیجه قاراویل چیلیق چکیان لرینگ
باشلیغی.

مـیرشکار tmir-šekār: ص. آو
میدانینگ قراویلی و باشلیغی، شکار
تتاریگنی طیارلایانینگ مسئولی و
مأموری.

میرغضب tmir-qazab: مر. جلاد،
اؤلیم بویروغنی یرینه یتیریان آدم.

میزان mizān: [ع] ۱. ترهزی، اؤلچک
مقدار، موازین جمع، ۲. اون ایکی لیک
فلکی ییلینگ یدینجی آیی نینگ
آدی.

میش tmiš: اورقاجی قویون.

میعاد tmi'ād: [ع] وعده جایی، وعده
زمانی، دوشوشیق وقتی و وعده
ادیلن یر.

مھین meh-in: ص. ن. اولی راق، بییک
راک، قاتی اولی.

مھین mah-in: ص. ن. آیا باغلی، آیا
دگیشلی، زنان لارینگ آدی نینگ
بیری.

مھین mah-in: ص. [ع] پست، عجیز.
میادین mayādin: [ع] میدان لار،
آلام لار، جمع میدان.

میان tmiyān: کمر، بیل، اورتا، بیر
زادینگ ایچی.

میانجی tmiyānji: آراچی، ایکی
آدامینگ آراسینا دوشیپ دعواسینی
یاراشدیریان، باریشدیرجی، آرا
دؤزدلیان آدم.

میانه tmiyāne: اورتا، آرا، بیر زادینگ
اورتاسینده جای توتان زات.

میت mayyet: ص. [ع] اؤلی، جسد،
میت.

میثاق tmišāq: [ع] عهد، پیمان، قرار،
میثاق و میثاق جمع.

میخ tmiš: چوی.

میدان meydān: آط چاپنی میدان،
آیلام، گینگ یر، میدان، آیلاو.

میراب tmir-āb: ص. سؤو قراویلی،
سؤو ساقچی سی، سؤو پایلایان،
میراب.

مىقات tmiqāt. [ع] وقت، ايش وقتى
يىغنانشىغا بلله نىلن جاي مواقیت
جمع.

مىكائیل tmikā'el. [خ.ع]
فرشته لرينگ بيرى نينگ آدى، مىكال
ديپ-ده آيدىلپ دیر.

مىكروب tmikrob. [فر] گۆزه
گورينمه يان قاتى مايدا كيچى زات،
گۆزىلن گۆرينمه يان آوينجاق دىرى
نارسه، اول همه ىرده بۆلمالى، اول
انسان ده حيوانده مريض چىلىك
دورادىان جانلى.

مىل meyl. [ع] اگرمه، اورىلمه، هوس
اتمک، هوس، ايسلگ، ميل، انگگيت.

مىلاد milād. [ع] ۱. دۇغان وقتى،
دۇغان گونى، دۇغۇلان وقتى ۲.
حضرت عيسى نينگ دۇغان گونى،
مىلاد مسيح.

مىليارد melyārd. فر. مونگ مىليون،
بیر مىليارد.

مىليارددر melyārder. ص. فر. بير
مىليارد دان کوپ بايلىغى بۇلان آدم.
مىمون meymun. مايمين، بيجين.
مىمون meymun. [ع] مبارک، قوتلاق،
قوتلى، ميامين جمع.

ميوه miwe. ايميش، ميوه، ثمره.
ميهن mihan. دۇغلان ىرينگ، وطن
يۇرت.



مىلاد



مىلاددر



مىمون



ناب nāb: ص. صاف و پاک، آراسسا،
الین، خالص، تويس.

ناب knāb: [ع] دیش اوجی، اوجی
ییتی دیش، انیاب جمع.

ناباب nābāb: ص. یساراشیق سیز،
حالانمایان، یاراماز، داپ بولمادیق.

نابغه nābeqe: ص. [ع] قاتی دانا و
بیلیملی آدم، اولی و شانی بییک
حددن آشا عقللی و پراساتلی آدم،
نوابغ جمع.

نابکار nābekār: ص. بسدکار، اربت
ایشلی، حاصل سیز، پیداسیز، پوچ،
بیکار.

نابود nābud: ص. یوغلان، آرادان

ن ne: عرب الیب بی نینگ ییگرم
دوقوزینجی حرفی، ابجد حسابیندا
(۵۰).

نا nā: پیشوند؛ کلمه نینگ باشیندا
کلیار. کلمه گی بیلن معنی سینی
اویتگدیار. مثلاً «ناگاه/ آگاه سیز»،
«ناتوان/ قوجیر سیز»، «ناشناس/
ناتانیش»، «نابینا/ گوزی گورمه یان».
نا آشنا nā-āšenā: ص. ناتانیش، غریبه،
کسه کی، یاد، دل.

نائل nā'el: [فاع] تاییجی، پیدالی
مقصودینه و مطلوبینه یتشن
ایسلگینه یتن، اوستونلیک قازانان.
نائم nā'em: ص. [ع] یاتان، اووقا گیدن.

کیدن، یوق بۇلان.

نابودی nābudi: یوقلیق، آرادان

گیتمکلیک، یوق بۇلماق لیک.

نابینا nābinā: ص. کور، گۆزی باطل،

گۇراجیندن محروم بۇلان گۆزی

گۆرمه یان.

نابایدار nāpāydār: همیشه لیک دال،

دۇرنۇقسیز، دوام سیز، آلا قایم.

نابخته nāpoxte: ص. بیشمه دیک،

چیک، کنایه سۆزی بۇلۇپ

تجربه سیز آدما دیییلیار.

ناتوان nātāwān: ص. عاجیز، حور،

یاراوسیز، عجیز، حال سیز، یاغدا ی

سیز، گویچ سیز.

ناجور nājur: ص. یاراشیق سیز،

آلدیغی، اۇنگۇشماشیز بیر زات بیلن

دوغری گلمه دیک.

ناچار nāc'ār: ص. بیچاره، علاج سیز،

چاره سیز، گۆرگولی.

ناخن nāxon: ا. دیرناق.

ناخن گیر nāxon-gir: ا. دیرناق

آلینیان.

ناخوانده nāxunde: ص.

ایســــــلنمه دیک،

چاغیریلما دیق، چاقیلیق سیز

میخمانچیلیغنه باران ۲. درس

اوقیما دیق بی سواد آدم، اوقیویمادیق

سواد سیز.

ناخوش nāxoš: ص. ناخوش، سیرقاو،

مريض حالی پس ۲ ناساغ ،

نادان nādān: ص. بیسواد، عقل سیز،

ارّه، بیلیم سیز، دوشنوم سیز،

دوشینجه سیز، گدی، سامسیق.

نادر nāder: ص. [ع] تاپیلما یان زات،

غیت، آز زات، اوز سوز، آز بولسون اوز

بولسون.

نادرست nādorost: ص. ۱. دۇوی لن،

عیبلی، نادوغری، ۲. پس و اربت آدم

حقده.

نادم nādem: ص. [ع] اوکونچلی،

پشمان ایدیان، قینانچلی.

نادیده nādide: ص. گۆرینمه دیک،

گۆزه گۆرینمه دیک زات، گۆرمه دیک.

نار nār: ا. انارینگ مخففی نار، انار

سۆزونینگ کملتمه گی.

نار nār: [ع] اود.

ناراحت nārāhat: بی اینجالیق،

بی مزا، قالا قوپ، اینجالیق سیز.

ناراضی nārāzi: ناگیله، راضی

بۇلما دیق، ناراضی، کۇنگلی قالان.

ناردان nārdān: ا. مر. نارینگ دانه سی،

ناردان.



نارس nāres: ص. بیشمديک،

يتيشمه دیک، چيگ، تال.

نارسائی nāresā-i: ص. يتمزچيلیک.

نارنج tnārenj: نارنگ، تورنيچ.

نارنگی tnārengi: تورنيچ دان و

پرتقال دان کچيراک ميوه، نارنگی.

ناروا nārwa: ص. حرام، نادوغری،

حالانماديق، جايز بولماديق.

نازا nāsezā: ص. قيسير عيال و حيوان.

نازپرور nāz-parwar: ناز نعمتده

ياشان، ناز نعمتده اونيب اوسن.

نازپرورده nāz-parwarde: لايک

تربييه له نن، ناز بيلن تربييه له نن،

سؤجيق.

نازک nāzok: ص. اينچه يۇقا، يوغين

و اينلى دال.

نازک اندام nāzok-andām: ص. مر.

آرريق سيراتلى، اينچه ميک، اينچه

ساغيت.

نازک بدن nāzok-badan: ص. مر.

اندامينينگ دريسى يوشاق و

ييلماناق بۇلان آدم.

نازک بين nāzok-bin: ص. اينچه دن

گۇريان، دقيق، اينجيق سينگه دن

سايفاريان.

نازک شدن nāzok-šodan: مص.

يۇوقالماق، اينچلمک.

نازل tnāzel: [فاع] آشاق اينن، اتهگه

اينيجى، آشاق دوشوجى.

نازنین nāzanin: ص. نازلى، سيراتلى

آوادان گۇرمه گى گۇزل، يورک آليجى.

ناساز nāsāz: ص. قارشى، ناجور،

اونگيشمايان.

ناسازگار nāsāz-gār: ص. قارشى،

باشغالار بيله قارشى بۇلۇپ

اونگيشمايان، تلهگه چليک اديان،

دوزگونه قارشى بوليان.

ناسخ tnāsex: [فاع] باطل اديجى،

کتابينگ يا بير يازغى نينگ يوزوندان

گوچورمه، نسخه آليان، نساخ جمع.

ناسزا nāsezā: کاينج، سووينچ.

ناسيونال nāsiyonāl: ص. فر. مىلى

قوما و ملتہ باغلى.

ناسيوناليست nāsiyonālist: ص. فر.

ملت پرست، اؤز مليت و قوميتنى

ايسته يان، مليت چى، مىلى تعصيبى

بۇلان.

ناشايست nāšāyest-(e): ناشايسته

ص. لايىق بۇلماديق، حالانماديق،

اوصليب سيز، ياراشيق سيز، اريت،

پيس، ياراماز.

ناشتا nāštā: ص. آچ، ارتيرليگنى

ایمه دیک آدم، آج او دینه لیک.

ناشتایی nāštā-i: ارتیرلیک، ارتیرلیک اییمتی.

ناشر nāšer: [ع] نشر ادیجی، یارادادیجی، پایلادیجی.

ناشناس nāšenās: ص. ناتانیش، کسه کی، غیری، تانیلمایان.

ناشنا nāšenawā: ص. ۱. کر ۲. کنایه سؤزوندن: اوویت نصیحت قولا ق آسمایان آدم.

ناشی nāši: ص. تازه اووره نجه، ایش گۆرمه دیک، اوکده چلیگی بۆلمادیق، ایشه چیرچیلیگی بۆلمادیق.

ناصر nāser: [ف.ع] کمکچی، یاردام ادیجی، نصار و انصار جمع.

ناطق nateq: ف.ع. گورلادیجی، نطق ادیجی، آیدادیجی، گوررینگچی، کپه چپر.

ناطور nātur: [ع] باغبان، اکینینگ ساقچی سی، نواطیر جمع.

ناظر nāzer: [ف.ع] سر ادیجی، گوره جی، باقیجی، قوزایجی، آیدادیجی، نظار جمع.

ناظم nāzem: [ف.ع] دوزگونه گتیردیجی، بیر ایشی یا بیر زادی ترتیبه سالیان آدم، نظم و ترتیب

بریان.

ناف nāf: کویک.

نافرجام nāfarjām: ص. ۱. سونگی

ارید بۆلان، ایشی نینگ سونگی قاوی بۆلمادیق، ۲. بیهوده پیداسیز معنی دا.

نافرمان nāfarmān: ص. باشینه گیدن، کپه گیدمه یان، کلّه سی نینگ اوغرینه گیدیان، بویونی یوغین، دوزگونه بویون بۆلمایان، انگمه یان.

نافع nāfe: [ف.ع] نپ یتیردیجی، پیدا ادیجی، پیدالی.

نافی nāfi: [ف.ع] داشا سالیجی، داشلادیان، قاویان، ساویان، یوق ایدیان، داشلادیان.

ناقابل nāqabel: دگسیرسیر، اوقیپ سیر، یاراشیق سیر، ارزش سیر.

ناقص nāqes: ص. [ع] آز قوتارمادیق، یتمه دیک، کماله یتمه دیک زات، یرینه یتمه دیک، نقصانلی، کم چیلیک لی.

ناقل nāqel: [ف.ع] نقل ادیجی روایت ادیجی، یربه یر ادیجی، نقله جمع.

ناقوس nāqus: [ع] کلیسالارده قویولیان اولی جانگ زنگ، بت خانانینگ جانگی، نواقیس جمع.



ناکام nākām: ص. محروم، مراده
یتمه دیک، آرزوسینا یتمه دیک،
آرمانلی.

ناکردار nākerdār: دیلمه دیک،
اتمه دیک.

ناکس nākes: ص. نالایق، قیلیق سیز،
نامارد، پس.

ناگاه nāgāh: ق. بیوقت، بی موقع،
خبرسیز، بیردن، اوسمازلیقدا،
توتاندن.

ناگزیر nāgozīr: ص. ناچار، چاره سیز،
ناعلاج، علاج سیز، ایم سیز.

ناگفته nāgofte: آیتمان، دویمان.
ناگهان nāgahān: ق. بی وقت،

خبرسیز، بیردن،
اوسمازلیقدا، بیردنکأ، دویدانسیز،
توتاندن.

نالان nālān: ص. اولییان، ناله چکیان،
آخ چکیان، انگرایان، زارینلایان،
چینگسیان.

نالیدن nālidan: م. ل. اولیمک،
چینگسیماق، اینگراماق، زارینلاماق،
آغیری دان و اینجی دان انگراماق، ناله
اتمک، جوورنمک.

نام nām: آد، بیر زاده یا بیر آدمآ
قویلییان آد. آت.

نام آور nām-āwar: ص. آدلی،
شهراتلی، آدلی آوازهللی.

نامادری nā-mādari: ص. اووی انه
اووی اجه.

نامبرده nām-borde: ص. آدی
توتولان، آدی چکیلن، یادلانان.

نامحدود nāmahdud: ص. فسا.
چاکسیز، سانسیز، سونگسیز.

نامدار nāmdār: ص. [فاع] آدلی،
شهراتلی، آبرایلی.

نامراد nāmorād: ص. [فاع] محروم،
آرزونه یتمه دیک، مرادینه یتمه دیک.

نامرد nāmard: ص. نامارد، قورقاق،
غیرات سیز.

نامزد nām-zad: ص. بیر ایش اوچین
نظره آیینان، اوغلان بیله قیزی بیر
بیرینه آداماق، بلله مک.

نامشروع nāmašru: [ع] شرعی
بۆلمادیق، ادیلمه لی دال ایش.

نامور nāmur: ص. آدیغان، آدلی،
آبرایلی، شهراتلی، معروف.

ناموس nāmus: [ع] نامیس، شرف،
آبرای، وجدان، یورک سیری، ایچکی

ایشه خبرلی، پاراساتلی، عفت،
نوامیس جمع.

نامه nāme: یازغی، خط، سلام خطی،

یازیلان کاغیذ، کیتاپ.

نامه رسان nāme-resān: ا. ص. پست

اداره طرافیندان خط قاتنادیان،

خطلری ایه لرینه یتیریان مامور، خط

یتیریان.

نامه نگار nāme-negār: ص. فا. خط

یازجی، نامه یازیان.

نامی nāmi: فا. ص. آدلی، شهرات لی،

آد گتیرن، مشهور، آدیغان.

نامی nāmi: [ع] اوسیان، اولالیان.

نامیدن nāmīdan: مص. آد قویماق،

آد داقماق، آدلاندیرماق.

نان nān: چوراک.

نانوا nānwā: ص. چورک خانه، چورک

ساتیان، چورک بیشیریپ ساتیان آدم،

چورکچی.

ناو nāw: پاراخود، ناو، اوروش

گامی سی، ناوگان جمع.

ناهار nāhār: ص. آج، ارتیردن زات

ایمه دیگ، گون اورتا اییمتی، اویلان

اییلیان اییمیت.

ناهوار nāhamwār: ص. دوز و صاف

بۆلمادیق یر، چاقیر چوقورلی یر،

تکیز دال یر، پوتورسوتور، آنکقی

تؤنگی.

ناهنجار nāhanjār: ص. تکیز

بۆلمادیق، قیشیق، گلشیک سیز،

پیس، اربت، یول سیز، قاداسیز،

یاراشیق سیز.

ناهید nāhid: ا. زهره ییلدیز.

نای nāy: بوقیرداق، قیزیل اؤزک

(اؤدک).

نای nāy: نی، قارقى تویدیک.

نایاب nāyāb: قیت، تاپیلمايان.

نایب nayeab: اورین باسار، کمک چی.

نابات nābāt: نبات.

نباتات nabātāt: اوسوملیک.

نبات الربیع 'nabāt-ol-rabi': [ع]

قاماق.

نبرد nabard: ا. اوروش، ساواش،

اوروش میدانی.

نبش nabš: مص. [ع] قبری قازماق،

یری غازیب بیر زات چیقارماق،

ساختمانینگ جایینگ چتی، بورجی.

نبض nabz: مص. [ع] یورک حرکتی

یورک اورماسی، دامار اورمه قانینگ

یورکده و دامارلارده آیلانیش یاغدا یی،

دامارینگ دامار حرکتی .

نبوت nobowwat: مص. [ع]

خدای تعالی نینگ الهام اتمه گی بیلن

گلجکدن و غیبدن خبر برمک،

پیغمبرلیق.

نجیب najib: ص. [ع] اصللی، شریف،
آبرایلی، حرمتلی ۲. سایلانان دویه
معنیده، نجباء جمع.

نخاله tnoxāle: [ع] کفک، اؤن
الأنینگده اله گینگ گوتونده قالیان
زات.

نخجیر tnaxjir: آو، شکار ادیلیان
حیوان.

نخجیرگاه tnaxjir-gāh: م. آو میدانی
شکارگاه، شکار ادیلیان میدان یا
جنگل.

نخست tnoxost: بیرینجی، تاک، بیر،
بیرینجی، ایلکی، دستلاب.

نخست وزیر tnoxost-wazir: وزیرلرینگ
باشلیغی، دولتینگ
باشلیغی، باش وزیر.

نخستین noxostin: اولینجی،
دستلابقی، ایلکینجی.

نخل tnaxl: [ع] خرما آغاجی.

نדה nedā: مص. [ع] قینیرماق،
سسلنمک.

ندامت nedāmat: مص. [ع] اوکونج،
اوکونجلی بؤلماق، پشمان بؤلماق،
اوکونمک، آخمیردا بولماق.

ندانم کاری nadānam-kāri:
بیلمه سیزلیک، بیلمزلیک.

نبوغ nobuq: مص. [ع] پیدا بؤلماق
گورینمک، هشیارلیق، دوشینجه لیک.

نبی nabi: [ع] خدای تعالی نینگ الهام
اتمگی بیلن غیبدن خبر برمک،
پیغمبر، خدای تعالی نینگ الهام
اتمگی بیلن غیبدن خبر بریان.

نبره knabire: آغتیق، چاولیق، نبره.

نیل nabil: ص. [ع] آبرایلی، شریف
آدم، دانا، دوشنیان آدم، دوشینجه لی.
نتایج natāyej: [ع] جمع نتیجه، اؤنوم،
نپ، آلینیان پیدا.

نتیجه knatije: [ع] دوغوش، بیر زاتدن
اله گلیان زات، نتیجه، نایج جمع.

نثر nasr: ص. [ع] یازماق، پتراتماق،
یتیرمک، یایراتماق، نظمی بؤلماقدیق
کلام، قافییه سیز اؤلچک سیز سؤز.

نجابت nejābat: مص. [ع] اصیل و
سوی و اصلی پاک، نامیس جانگ،
اولی حرمتلی بؤلماق، چیقالغا.

نجات nejāt: مص. [ع] خلاص، آزاد،
گوییریلیمک، آزاد بؤلماق، قوتولماق.

نجبا nojbā: مص. [ع] جمع نجیب،
آراسسالار، پاک لر.

نجس najes: ص. [ع] ناپاک، بولاشیق،
آراسسا بؤلماقدیق، نجیس، انجاس
جمع.

ندرت tnodrat. مص. [ع] قیت زات،

کاته کاته تاپیلیان زات، آز تاپیلیان زات.

ندیم nadim. ص. [ع] گوررونکدش،

همدم، هام چام، ندماء جمع.

نذر nazr. مص. [ع] صدقه، بریلیان

چیقاریلیان صدقه، آدم اؤزی اوچین خدای یولینا بریان صدقه سی.

نذور nozur. [ع] جمع نذر، صدقه لار،

خیرات لار.

نرخ tnerx. بهاء، بیر زادینگ دگری،

قیمت، نرخ.

نردبان tnardebān. باسنانچاق، پله.

نرده tnarde. باغچانینگ تۆورگینه یا

تامینگ ایوانینا چکیلیان آغاچدان یا

دمیردن بجریلن تاریم، چفه ری.

نرگس tnarges. ساری یاپراقلی

آوادان ایسلی آقجه گل، نرگیز، و

کنایه سۆزی بۆلۆپ «سویگیلینگ

گوزونه» هم دیییلیار.

نرم narm. ص. یومشاق، اون و یا

تالخان یالی دؤویلن یا اله نن یومشاق

زات، قاتی بۆلمادیق.

نریمان narimān. ص. غیرات لی

پهلوان و سام دییان پهلوانینگ داده

سینینگ آدی و رستمینگ آتاسی

دیپ ده آیدیلیار.

نزاع nezā'ne. مص. [ع] چکه لشیك،

اوروشماق، سواشماق، سؤوینچ،

دعوا، جنجل، اؤرۇش.

نزاكت tnezākat. آراسالیق، ادب لیک،

گوزل لیک، نازک لیک گولر یوزلی لیک،

اخلاق لیق، صفائی لیق.

نزاہت nezāhat. مص. [ع] عیب بدن

آراسا بۇلماق لیق، اربت لیک بدن داش

بۇلماق لیق، پاک لیک، تقوالیق.

نزدیک tnazdik. ص. ۱. یاقین،

آراسی یاقین بولان یر، داش دال، ۲.

قارینداش معنا سینده کس. «نزدیکان/

قارینداشلار».

نزول nozul. [ع] اینمک، اته گه

دوشمک، بییک لیکدن آشاق اینمک.

نژاد tnežād. اصل، توخوم، نسب.

نژادپرست nežād-parast. تیره پاراز.

نسب nasab. [ع] قارینداش لیک،

یاقین لیک، انساب جمع.

نسبت nesbat. ۱. نسبه، یاقین لیک،

قارینداش لیک ایکی زادینگ آرایغی،

ایکی زادینگ باغلی لیغی،

دگیشلی لیک.

نستوه nastuh. ص. یادامایان،

اوروشدان یادامایان، یادامازاق، ایشدن

يادامايان.

نسخه nosxe: [ع] يازغى، بىر كىتابىنگ
يوزوندن يازىليان مطلب، قوليازما،
كىتابىنگ يوزوندن گوچىرىلن، نسخ
جمع.

نسل nasl: ۱. [ع] فرزند، اوغول و قىز،
نسل، انسال جمع.

نسيم tnasim: [ع] ملايم هوا،
ساويچاق هوا، يۇواشجا اوسيان يل،
شمال.

نشاط nešāt: مص. [ع] شادلىق،
شادىانلىق، خوشلىق.

نشان tnešan: ايز، بلگى، اتر، علامت،
اونكات قوللىق ادنلىگى اوچين دولت
طرافىندان بىرىليان سيلاغ، اول
دمىردن و رنگلى سويشه دن دورلى
شكده ياساليان بلگى، بللىك.

نشاندن، نشانىدن nešan(i)dan:
مص. م. ۱. اوتورتماق بىرىنى

اوتورماغنا مجبور اتمك، اككم ۲.
اودى سوندىرمك معنيده هم
اولانىليان.

نشانه tnešāne: بللك، بللگ چلىك.

نشانى tnešāni: ن. علامت، آدرس،
ايكىنگ آراسيندا بللەنن بلگى،
بىرىنى يا بىر زادى شونىنگ بىلن

تانىليان علامت.

نشر nešr: [ع] يازماق، يايوراتماق،
دىرلتمك، قىامتدا اۇلىلرى
دىرلتمك. يوم النشر: قىامت گونى.

نشستن nešastan: مص. ل. جاي
آلماق، دىنج بۇلماق، اۇتۇرماق جايدة
دوينه مك.

نشو našw: نشو و يا نش عربى
چشمه دن، گوگرمك، اكلنمكلىك،
گوگرمكلىك.

نشيب tnašib: ص. باش آشق، اينيش،
اتهگه اينيش، اينمه.

نشيمان tnešiman: اوتورىليان ير،
ياشاليان جاي، اۇى، ياتاق، سكى،
كتك.

نصاب tnesāb: [ع] ۱. بىر زادينگ
بللى حدى، واجب بولان مقدارده
زكات دوشيان مال ۲. مال و سرمايه
معنيده.

نصايح nesāyeh: [ع] اۇويتلر،
نصيحتلر، جمع نصيحت.

نصب nosb: مص. [ع] ۱. دىكمك،
دىكلتمك، بللەمك، قويماق ۲. نحو
آدالقاسينده آخرقى حرفينه اوستون
(فتح) سسى بىرلەمەگى.

نصب knosob: [ع] بىر دىكالدېليب

کېلامک، کپله يېش، سۆز، سوزلمه .
نظارت tnezārat. مص. [ع]
 گۆزگچيلىك، ايسىدگلىك،
 سراديشرلىك.

نظاره tnezāre. [ع] تماشاجىلار، كوپ
 بۇلۇپ بىر زادى گۆزلەيان آدملا، سر
 اديانلار قارايلانلار.

نظافت nezāfat. مص. [ع]
 آراسسالىق، پاكيزهلىك، تمىيزلىك،
 پاك بۇلماقلىق، آراسسا بۇلماقلىق.

نظام nezām. مص. [ع] دوزگون،
 ترتيب، دوز گونلشديرمك، بزامك،
 مرواريدى يوپه دوزمك، يۇرلگه،
 يۇرۇش، مرواريد دوزولن يوپى، آغاچ
 صفى، فارسچا ارتش و سپاه
 ديىپ-ده آيدىليان.

نظر nazār. مص. [ع] گوزلمك، سر
 اتمك، باقماق، فكرلنمك و اويلانماق،
 گوريش.

نظم nazm. مص. [ع] دوزگونلمه،
 بزامك، تىرتيبه سالما،
 دوزگونلشديرمك، مرواريدى يوپه
 دوزمك، ۲. اؤلچگلى و قافيهلى
 سوز، شعر، نثر دال.

نظميه nazm-ıyy-e. شهربانى،
 انتظامى اداره.

قوييليان زات، باغلاما، بكمه، بت يا
 شولار يالى زادا سيفينيليان زات.
نصر nasr. مص. [ع] ۱. ياردام برمك
 ياردام اتمك، كمك اتمك ۲. كمك
 اديجى معنيده.

نصرانى nasrāni. ص. ن. [ع] عيسوى
 مذهب، مسيحي، مسيح دينينه
 اوييان، ناصره شهرينه باغلى حضرت
 عيسى بيلن وطنداش بولانلار، جمع
 نصارى.

نصرت tnosrat. مص. [ع] كمك
 اتمك، يارانلىق اتمك، ياردام، ينگيش.
نصف tnesf. [ع] ياريم، يارتى، زادينگ
 يارى.

نصفت tnesfat. [ع] انصاف، عدل،
 دنگلىك، بىرلىك.

نصوح nosuh. ص. [ع] اوويت بريجى،
 يوركداش و بىريا دوست، چين
 دوست. توبه نصوح: ابد هرگز
 دويلمه يان چين توبا، حقيقى توبا.

نصيب tnasib. [ع] بخت و اقبال
 نصيب، پاى، نصب «بضمتين» و
 انصبه جمع.

نصيحت tnasihat. مص. [ع] نصيحة
 اوويت، نصيحت، نصايح جمع.

نطق notq. مص. [ع] گوررينگ اتمك،

نظير nazir: ص. [ع] منگزش، منگزتمه،
يالى، نظراء جمع.

نظيف nazif: ص. [ع] آراسسا، پاکيزه،
پاک.

نعش tna's: [ع] جنازه، اولی، میت.

نعمات na'amāt: [ع] نعمت‌لار.

نعمت tne'mat: [ع] احسان،
ياغشلیق، پیدا و حوشلیق، مال،
ایرسغال، اییمیت، نعمت، نعمات
جمع.

نعناع وحشی tna'na'wahši: پونه،
نارپیز.

نعیم na'im: [ع] ۱. نعمت، مال بایلیق،
ایرسغال، حوشلیق و حوش
گچیرمک‌لیک.

نغز naqz: ص. قاوی‌لیق، یاغشلیق،
اونگات.

نغمه tnaqme: [ع] آوان، آهنگ،
سایرایش، آیدیم، هنگ، نعمات جمع.
نفاق nefāq: مص. [ع] ایکی
یوزلی‌لیک، مکر، حيله، آغیز آلا‌لیق،
دوشمان‌لیق.

نفاق nafāq: مص. [ع] رواج آلاماق، آلو
ساتو، بازارینگ یورگینلی‌لیگی.

نفاق nefāq: [ع] جمع نفقه.

نفت tnaft: نفت.

نفر nafar: [ع] مردم، آدم‌لار، بیر بۆلک
آدم، بیر بۆلک آدم اوچدن اونه باریانچا
و فارسی دیلده بیر آدما خاصلانیار.

نفر nafr: مص. [ع] ۱. داش بۆلماق،
داسا دوشمک، اورکمک ۲. حاجی
لارینگ منی‌دان مکه یولا
دوشمک‌لیک لری. يوم النفرة: ذیحجه
آیی‌نینگ اون‌ایکی‌سینه
حاجی‌لارینگ منی‌دان مکه طرف
حرکت ادیان گون‌لری.

نفرت tnefrat: [ع] بیزار بۆلماق،
یگرانمک، بیگرنه‌چ.

نفرت داشتن nefrat dāštan:
یگرانمک، بیزارلاماق.

نفرین tnefrin: سووینچ، بد دعا،
قارغیش.

نفس tnafas: [ع] جان، قان، تن، جسد،
انسان، هر زادینگ دوغریسی، نفوس
و انفس جمع.

نفساء nafsā': ص. [ع] تازه اوغلان
(چاغا) دوغران عیال.

نفل tnafl: [ع] واجب بۆلما‌دیق عبادت،
فرايضینگ داشیندن آرتیق یرینه
یتیریلیان عبادات.

نفوذ nofuz: مص. [ع] اوق نشانا
دگیب بارسیندن گیریپ آنگرسیندن

چيىقماق، بويروق و حكيمينگ
يوريمگى يورگونلىك، سينگمك،
اورناشماق.

نفوس nofus: [ع] نفسلر، جمع نفس.
نفيس nafis: ص. [ع] چپر، اينچه دن
اديلن، كوپ مال هر زادينگ قاويسى
نازك و بهاسى قيمتلىسى، نپيس.

نقاب neqāb: [ع] پرده، يوزه
اورتيليان پارچه، توتى، ياشماق.

نقاب neqāb: ص. [ع] نفوذى قاتى
كوپ آدم، اينجيق و دقيق آدم.

نقاھت neqāhat: مـصـ. [ع]
دوشونمك، سیرقاوлықدان قوتوليپ
قاوى بولماق، آينگلالماق،
ناخوشليقدان قوتولوپ باريان وقتى.

نقره noqre: [ع] كوموش.

نقش بند naqš-band: ص. فـا. [ع]
نقاش، صورتى و شكلى بير زادينگ
يوزونه نقش اديان. نقش بند،
نقشبنديه صوفى چيليقدا بير
سلسله نينگ يعنى نسل به نسل آرقا
با آرقا قايديان شيخ بهاءالدين
نقشبنديه دگيشلى. آيديارلار
نقشبند بخارانينگ تووره گينده شيخ
بهاءالدينينگ ياشايان اوباسى
بولمالى. شو سببدن شيخ بو ادا

شهرت تاپيار. قاليبىرسه ده اول
الله نينگ آدينى چاك سيز ذكر
اتمه گى و تهليل اتمه گى نتيجه سينده
اونونگ قلوبندا حقينگ ذكرى نقش
باغلاماغى سبابلى نقشبندى گه
معروف بوليوار. بير شعرده شيله
آيديليپدير:

اي برادر در طريق نقشبند

ذكر حق را بر دل خود نقش بند.

نقش بندى naqš-bandi: صوفى
چيليقدا بهاءالدين آدى دورادن و
شول اوغرا اويانلار.

نقشه naqše: [ع] يوزونه بولك يرينگ
يا شهرينگ يا يوردينگ شكلينى
گوركزيان بولك كاغذ، بير صحيفه
كاغذينگ يوزونه اويينگ شكلينى يا
باشفا بير زادى گوركزمك، نقشه
آديندا.

نقص naqs: مـصـ. [ع] آزالماق، كملمك،
آزليق، كم ليك، كم چيليك.

نقصان naqsān: مـصـ. [ع] كملمك،
كم چيليك، آزالماق، آزليق كمليگى يا
كم چيليك بولماق، زيان، ضرر.

نقض naqz: مـصـ. [ع] دؤومك، ويران
اتمك، عهد پيمانى سيندارماق،
بوزماق، شرطى بوزماق.

نقطه tnoqte. [ع] نـوقاط،

حروف‌لارینگ اوستینه یا آشاغینا
قویولیان توغالاجیق کیچی علامت
نقط آدیندا و نقاط جمع. ونقطه
شونونگ (.) یالی.

نقطه نظر noqte-nazar: ایسلگه گؤرأ،
مقصدا گؤرأ، نوغتا ناظار.

نقل naql: مصص. [ع] بیر زادی
جایلاشدیرماق، بیر یردن باشغا بیر
یره اکیتمک، بیر سؤزی باشغا بیرینه
آیتماق، گوچمک.

نقلیه naql-iy-e. ۱. [ع] یوک اکیدیلماگه
باغلی بۇلان زات، یوک چکمه.

نقیصه tnaqise. [ع] عیب، کمچیلیک،
تلکه قلیق، پیس اخلاق، اربت عادت،
نقائص جمع.

نکبت knekbat. [ع] مصیبت، یاس،
قاینی، قسینچیلیق، عجیزلیک،
حورلیق، نکبات جمع.

نکته nokte. [ع] آق زادینگ یوزینداکی
قارا نقطه، نقاط یا آق نقطه قارا
زادینگ یوزینده، آدما گویچلی تاثیر
ادیان سؤز، چونگ معنالی فکر و
ییتی معنالی سؤز، آیدیلان سؤز،
نازک معنالی سؤز نکت و نکات جمع.
نکوھش tnekuheš. کاییمک،

زیرانمک، ملامت اتمک.

نکیر nakeyr: [ع] انکار، قین و قاتی
ایش.

نکیر و منکر nakir-o-monker: آدم
اؤلندان سؤنگ قبره گلیان ایکی
فرشته‌نینگ آدلاری، اولار دنیاده ادن
اتمیشینگی سندن سوراجاق‌لار.

نگارش tnegāreš. مصص. یازماق.
نگاه tnegāh. باقیش، آنکشریش،
گوزله‌مه، سراتمه.

نگاهبان tnegāhbān. صص. پاسبان،
ساقچی، قاراویل.

نگاهداشت negāh-dāštan: ساقلاماق،
اونگینه گچمک، اونگینی
ساقلاماق، اؤنگونی آلماق.

نگران negarān: انکیس، گؤزلی در.
نگون negun: صص. اکره‌لن، بوکره‌لن،
دؤندریلن، باش آشاق دؤنگدیریلن.

نگون بخت negun-baxt: باختی
قایدن، بدبخت.

نگهبان tnegahbān. صص. قاراویل،
ساقلاچی، ساقچی، قارایچی.

نگین tnegin. یوزوگینگ قاشی، قاش.
نما tnamā. هر زادینگ داشقی
گؤرنوشی، جایینگ عمارتینگ
گورینیان داش طرفی، سوماق.

نماء 'namā: [ع] آرتماق، كويلمك، اولالماق.

نماز tnamāz. نماز، بندهليك و باشى
آشاق انكم، انگيلپ قالماق، هر
گونده باش وقت نمازى يرينه
يتيريليان دينى بورچ، دينى وظيفه.

نمازگزار namāz-gozār: ص. نماز
اوقيان، نماز اوقايان، نمازخوان.
نمايان namāyān: ص. فا. اشكار،
آچيق، آيدينگ، بللى گورينپ دوران،
اشكار بۇلماق.

نماياندن namāyāndan: ص. م.
گورگزمك، اشكار اتمك،
آيندينگ لاشديرماق، آچيقلاماق.

نمايشگاه tnamāyešgāh: مر. سرگى،
گورگزيليان جاي، اوى اسبابى و
اكرانچليق شايى و ش.م. لرينگ
ساتيليان و گورگزيليان يرى.

نمايشنامه tnamāyešnāme: م.
تئاترده اويناماق اوچين دوزيليب
يازيلان داستان.

نماينده tnamāyande: ص. ۱.
گورگزيجى و وكيل و نايب،
بيرى نينگ طرفيندن بير ايشى يرينه
يتيرمك اوچين بللان ۲. علامت،
بلگى معناده.

نمد tnamad: كچه.

نمدار nam-dār: ص. فا. اول، چيغ،
ايزغارلى، نملى.

نمره nomre: ا. مر. سان، شماره.

نمك tnamak: دوز.

نمك پرورده namak-parwarde:
ص. مر. بيرى نينگ دوزينى چوراگنى
اييپ و شونينگ اوينده اولان آدم،
دوز-امك بۇلان.

نمكدان tnamak-dān: دوز قاب، دوز
توريه.

نمكزار tnamak-zār: دوزليق،
شورليق، دوز اۇنيان ير، دوز چيقيان
ير، دوزلاغ.

نمناك namnāk: ص. اول، چيغلى،
ايزغارلى، ايغاللى.

نمو nemow: [ع] اولالماق، بيگلمك،
اوسمك، كۇپلمك.

نمودار nemudār: ا. ص. اشكار
گورينپ دوران، گورگزيلن، گورنيكلي،
آچيق لانان، منگزش، نشان، علامت.

نمونه nemune: ص. ۱. نسخه،
منگزشليك، گورگزمه، تمام
بۇلماديق، ايشدن قالان ۲. اريد
معنىده آيديليپ دير، ۳. حاصيل يا
اؤنومينگ و ش.م. لرينگ يوقار يا

- آشاقدادیغینی بیلدیریان خط.
- نگ** nang: ۱. شرم و حیا، اویات، آبرای، حرمت ۲. پیس، اربت، رسوالیق معنیده‌ام آیدیلیپ دیر.
- نگین** nanging: ن. اویات‌لی، بدنام، اربت، اوتانچلی.
- نوآموز** now-āmuz: ص. اوقوه تازه باشلان اوغلان، اووره‌نجه، تازه هنر اووره‌نیان آدم، باشلانقیچ مکتبینگ اوقوچی‌سی.
- نوا** nawā: ۱. هنگ، سس، نغمه، آواز ۲. ایرانی سازلارینگ بیرینینگ آدی ۳. یاشایش اسبابی، یورگون‌لی لیک و یاغشلیق، ۴. گرو توتمه معناده هم آیدیلیپ دیر.
- نواختن** nawā-xtan: مص. [ع] ۱. گووین لیک برمک، الله قوات اتمک، ساز چالماق ۲. بیر زادی یره اورماق معنیده هم آیدیلیار.
- نواده** nawāde: آغتیق، اوغولینگ اوغلانی، فرزندینگ فرزندی.
- نوازش** nawāzeš: مص. عزیز گورمک، سویمک، سییلاماق.
- نوبت** nowbat: [ع] ۱. فرصت، ایشینگ یا بیر زادینگ وقتی، نوبتی ۲. کرت و مرتبه معنیده.
- نوبر** now-bar: ص. تازه یتیشن میوه، تازه بازاره گلن میوه (اییمیش) نوبر کردن: تازه یتن ایمیشی ایلکی گزک اییمک.
- نوبهار** now-bahār: ۱. یاز فصلی، آلا یاز، بهار گیرن وقتی، بهارینگ باشلان وقتی ۲. بلخ‌ده بیر معبدینگ آدی.
- نوجوان** now-jawān: ص. یاش ییگیت، ییگیت‌لیگه یتن اوغلان یتگینجک.
- نوچه** now-če: ص. ییگیت، یاش ییگیت، تازه باشلان بؤکه، باستانی ورزش‌لرده اولی پهلوان لرینگ الینینگ آشاغیندا ایشله‌یان یاش پهلوان، یاش بؤکه.
- نوحه** now-he: [ع] . آغلاما، آنگراما، اؤلانه آغلاما.
- نوخاسته** now-xāste: ص. مر. یاش ییگیت، تازه یتیشن، تازه اکیلن آغاچ، یاش آغاچ.
- نور** nowr: [ع] یاختی‌لیق، چراغینگ و

یا-ده آیینگ-گونونگ یاغتی سی،
نور، انوار جمع.

نورس now-ras: ص. تازه یتیشن، تازه
یتن ایمیش، یاش آغاچ، یاش بیگیت.
نورسیده now-reside: ص. تازه
یتیشن، تازه گلن، تازه گورونن.

نورمال nowrmāl: دوزگونا جور
گلیان، قاعدا جیبیس گلیان.

نوروز now-ruz: تازه گون، فروردین
آیینگ ایلکینجی گونی ایرانی
لارینک ملی عیدی، نوروز بایرامی.

نوزاد now-zād: ص. تازه دوغان، تازه
دنیا اینن، تازه بۆلن چاغما.

نوساز، نوساخت now-sāz-(sāxt):
ص. تازه سالینان، تازه یاسالان، تازه
بجرلن، تازه سالینان اوی جای.

نوسان nawasān: [ع] بیر زادینک
دوران یرینده قیمیلداماسی دیواری
ساعتنگ قیمیلداماسی یالی،
ایرغیلداماق.

نوشاندن، نوشانیدن now-šān(i)dan:
مص. ایچیرمک، ایچگی ایچیرمک،

نوشاننده: سؤو یا شراب یالی زادی
ایچیرجی، ایچگی (سو، شراب

یالی) زادی ایچیرجی ایچیریان.
نوشتافزار t.nawešt-afraz: یازو
اسباب لاری، یازماغا گِرک بۆلن
زاتلار، کاغذ، قلم مداد و سر قلم
یالی، لوازم التحریر دیب آیدیلیار.
نوشتن neweštan: مص. یازماق،
کاغذینک یوزونه قلم بیله زات یازماق.
نوشیدن nušidan: مص. ایچمک،
ایچگی ایچمک.

نوشین nošin: ص. ن. سویجی داتلی
یارارلی.

نوع no': صورت، هیل، پؤرؤم.
نوغان t.nowqān: یوویک
قورچیفینیک توخمی.

نوک nok: ا. چونت، قوشونک چونت.
نوک زدن nok zadan: مص. م.
چوقماق.

نوکیسه now-kise: ک. کنایه سؤزی
بؤلۆپ، تازه بایان، تازه کوپ پوله و
ماله یتن آدم، تازه بایلیغا یتن.

نوم nowm: [ع] اؤقی، یاتماق،
اؤقلاماق.

نون t.known: شو وقت، ایندی، حال،
شو چاق.

نون t:nun. آغاچینگ گؤوره سی و نرد

ناراد دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

نون t:known. [ع] قیلیچ و قلیچینگ

اوجی، هم-ده بالیق معنادا؛ ذوالنون:

۱. یونس پیغمبرینگ لقمی ۲.

مصرلی بیر زاهدینگ لقمی.

نونهال now-nahāl:ص. یاش آغاچ،

تازه نهال، تازه بیتن آغاچ، یاش باغ.

نوه nawe:۱. اوغلانینگ اوغلانی، آغتیق

چاولیق.

نوید t:nawid. بوشلیق، مژده خوش

خبر.

نویسنده newisande: یازیجی.

نوین nowin:ص. تازه، تازهجه.

نه na: یوق.

نه noh: ساندان دوقوز (۹).

نهاد t:nahād. دوغوش، قیلیق، بولوش،

ایچکین، باطن، زات، اساس.

نهادن nahādan: مصص.

جایلاشدیرماق، قویماق، بیر زادی

یرینده قویماق، اؤتورتماق.

نهار nahār: [ع] گوندیز، فارسچا اوپله

اییمتی، گون اورتان ایلیان اییمیت.

نهال t:nahāl. یاش آغاچ، تازه بیتن یا

اکیلن آغاچ، نهال.

نهان nahān:ص. اوغرین، اورتگیلی،

گیزلین، یاشرین.

نهان داشتن nahān-dāštan:

گیزله مک، یاشیرماق، گیزلین

ساقلاماق.

نهایی nahāi:ص.ن. منسوب به نها،

سونگ، زادینگ سونگی، آنگری باش.

نهایت nahāyat: [ع] سونگ، آخر بیر

زادینگ یا بیر ایشینگ سونگی

آخری، آخرسونگی

نهر nahr: [ع] آقار سو، آریق، چای، آرنا،

آقبا.

نهضت nehzat: [ع] قالماق، آیاغا

قالماق، قیمیلدی، حرکت قوزغالانگ.

نهفتن nehoftan: مصص. یاشیرماق،

گیزگه مک.

نهیب t:nahib. خوف، قورقی، اورکی.

نیت، زانت، پال.

نیابت niyābat: [ع] اورون باسار

بؤلماق، بیرینینگ یرینه بیر ایشی

یرینه یتیرمک، بیرینینگ یریندا

اؤتورماق، بیرینینگ یرینه اؤتورپ

بیر ایشی یرینه یتیرمک.

نیاز t.naiyāz. حاجت، خواهش، ایسلگ. گرا کلی.

نیازمند naiyāz-mand. ضرورلیق، ماتاچ، حاجتی بۆلان.

نیایش t.naiyāyeš. ممس. دعا، آلقیش، سیغینماق، یالباریب دعا اتمک.

نیرنگ t.nyerang. مکر، حیلہ، آلداو، هیتیرلیق.

نیرو niru. گویچ، اوقیپ، قووات.

نیرومند nirumand. ص. زورلی، قوجورلی، قدرتلی، گویچلی، گرچک.

نیز niz. باغلی سۆز، یعنی ایضاً، ینه ده.

نیسان naysān. ص. قارغا منگزش، قارغا چالیمداش قوش.

نیسان naysān. سریانی آی لارینگ یدینجیسی و یازینگ اکینجی آی.

نیست nist. ا. ص. یوق، یتیک.

نیستان tney-estān. قامیشلیق، قارقلیق.

نیستی nisti. یوق اولماق، آرادان گیتمک، یوقلوق.

نیش t.niš. چونت، دیش هر زادینگ اوجی و چونت، نایزا، حیوان لارینگ

آغزینداقی زهرلی عضوی مثلاً ییلانینگ، ایچیانینگ زهرلی دیشی یا چاقیان دیشی.

نیشکر tneyšekar. شکرچینگریک.

نیک nik. ص. یاغشی، گۆزل آوادان و خیرلی آدم معنیده هم آیدیارلار.

نیک پی nik-pey. ص. اصللی، اصلی اونگات آدم، خوش قدم، مبارکلیگی ایزارلایجی.

نیکخواه nik-xāh. ص. فا. خوش نیتلی، قاوی لیق ایسته یان، قارری نیتلی.

نیکزاد nik-zād. ص. مر. اصللی، اصل زاده، تویس، خانازات.

نیکنام nik-nām. ص. یاغشی آدلی، آدی یاخشا چکیلیان، قاوی لیقدا

آدی چیقان.

نیک نهاد nik-nahād. ص. مر. یاغشی قیلیقلی، اخلاقی اونگات

بۆلان اصللی.

نیکوتین nikotin. فر. توتونینگ یاپراغیندا بۆلان آوی ماده.

نیکوکار nikukār. ص. دوغری چیل و یاغشی قیلیقلی، اونگات ایشلی.



بشر

نیل neyl: مصر. [ع] آرزوایتمک، مقصد

مراداایتمک، اؤزونگه مقصد ا دینمک.

نیلگون nilgun: مصر. ماوی رنگده

بۆلان گل.

نیلوفر nilufar: آق پیچک، ماوی

گللی.

نیلوفر وحشی tnilufar-wahši.

توقای چیرماشیق، ماوی گل.

نیم nim: ا. یارتی، بیر زادینگ یاریسی.

نیم تنه nim-tane: ا. مر. قیسفا گیم.

نیم دار nim-dār: ص. ایشله نن، گیلن

گیم.

نیمرخ nim-rox: ا. مر. صورتینگ

یاریسینی گؤرکزیان یارتی صؤرات.

نیم سوز nim-suz: ص. مر. یاری یانان.

نیو niw: ص. ۱. ییگیت، غیراتلی

قوجورلی، قوجورلی، ۲. ناو و ناودان

معنیده.

نیوشا niyuš-ā: ص. فا. اشیدیان، قولاق

آسیان.

نیوشنده tniyušande: فا. قولاق

آسیان، اشیدیجی، دینگلیجی،

اشیدیان، دینگله یان.

نیوه tniwe: آغی، انگشه شیک، آغلاما،

نالا.





و we: عرب اليب بى نىنگ اوتوزىنجى

حرفى، ابجد حسابىندا (۶).

وابسته wābaste: ص. باغلى،

دگىشلى، باشقا بىرىنە باغلى بۇلان،

باشقا بىرى بىلە باغلانشىقلى و آرا

قاتناشىقلى بۇلان آدم، اۇنۇنگ

جمعى وابستگان (قارىنداشلار).

وابستگى: علاقه، ايقجاملىق،

باغلىلىق.

واپس twāpas: ص. ايز، سىرت، ايزا

كلمه

واپس رفتن wāpas-raftan: ايزه

گىتمك، ايزا اۇورولمك.

واپس آمدن wāpas-āmadan: يىنە

اۇوروليپ كلمك.

واپسين wāpasin: آخرقى، سونگقى.

واثق twāseq: [فاع] مأكام، برک، قايم،

اينانيجى، بيل باغلايچى، اينام

بيلديريجى، اينانان.

واجب wājeb: ص. [ع] لازم، گرکلى

بۇلان، ضرور، بۇلان يىرينە

يتيريلمەگى لازم و ترک اديلمەگى

گناهلى بۇلان نارسه لر.

واجد twājed: [فاع] تاپيچى، بارلى،

ایزارلایجی، قوریلی.

واحد wāhed: [ع] بیر، بیر، سانی، یکه.

واحه twāhe: [ع] چولده بۆلن

کیچی جک اویه، بیابانده بۆلن اوتلی،

سؤولی گینگ بیر بۆلک یر؛ واحات

جمع.

واخواست twāxast: مـصـ.

قارشیلیق، عیب لاما؛ بانک

آدالغاسینده برات بریلیمان

ساقلانماغی سبابلی واخواست

بۆلماق، ایزینا قایتماق.

وادار کردن wādār-kardan: مـصـ.

مجبور اتمک، بیرینه بیر ایشی

زورلاپ اتدیرمک، حرکتک سالماق.

وارث wāres: [ع] میراث دوشر، ارث

آلیجی، بیریندن ارث آلیان، میراث

دوشیان آدم، ورثه و وراث جمع.

وارد twāred: [فاع] ۱. گیرجی

گیریان، یتیشن، گلیان مسافرتدان

گلیان، ۲. اؤکده معتادا.

وارسته wāraсте: مـصـ. آزاد، گویریلن،

بوشان، آزاد بۆلن، دینچ و اؤزارکینده

بۆلن.

وارو wāru: مـصـ. ۱. آغداریلان،

دونگیریلن، بیله سی بیلاک بۆلن ۲.

دونگیریلمه معنادا.

واژگون wāžgun: مـصـ. واژگونه، باش

آشاق، ترسینه، دونگیریلن، «باژگون،

باژگونه و باشگونه و واژون و واژونه»

دیپیپده آیدیلیپدیر.

واسطه wāsete: مـصـ. [ع] مؤنث واسط،

۱. آراچی، آزاده بۆلن آدم ۲. علت

سبب دیپی-ده آیدیارلار.

واصف twāsef: [فاع] وصف ادیجی،

تعریف لایجی، اوویجی.

واصل twāsel: [فاع] بیر زاده باغلی

بۆلن، بیر زات یا بیرری باشغا بیرینه

بیرریگن بۆلسؤن، یتیشن، قاویشان،

قاویشمه.

واضح wāzeh: مـصـ. [ع] آشکار، آچیق،

آیدینگ، گورنوپ دوران، آپ آشکار.

واعظ twā'ez: [فاع] وعظ ادیجی،

اؤویت بریجی، نصیحت بریجی.

وافر wāfer: مـصـ. [ع] ۱. کوپ، کان،

قوشغی ۲. اؤلچکلری-نینگ

بیری-نینگ آدی.

واقع 'twāqe'. [فاع] ۱. هوادان آشاق

اینن، قرار تاپان، برک و قایم ۲.

ایشینگ حقیقتی معنیده.

واقعہ 'twāqe'e. [فاع] مؤنث واقع،

قوبغین، اووه گلن، باشا دوشن، بیردن

تاپیلان واقا، بۆلن ایش، حادثه،

قیامت معناسینده هم گلیب دیر، واقا.

واقف 'twāqef'. [فاع] بیلجی و

خبردار بۆلۆپ دوران، خبرلی آگاه،

حرکتدن قالان، دوران.

واکنش 'twākoneş. مص. بیر آدمینگ

ایشینینگ یا حرکتینینگ ترسینه

آیری بیر آدمینگ ایدیان حرکتی یا

ایشی، (عکس العمل)، قارشى سینا

دورماقلیق.

واگیر 'wāgir. مص. یوقانچ کسل،

بیریندن باشغا بیرینه یوقۇشیان

کسل - بیماری.

واگیر 'wāgir: یوقانچ ناخوشلیق.

وال 'twāl. بالن.

وال 'twāl. بیر هیلی یوپک پارچا، والا و

واله هم آیدیلیپ دیر.

والا 'wālā. مص. یوقاری، بلند یوقاری

مرتبه‌لی، یوقار درجه‌لی.

والده 'wālede. [ع] مؤنث والد، انه،

اجه.

واله 'wāle. ص. [ع] قایغیلی، توقات‌لی،

آلجیرانگ، عشقا دوشن.

والی 'wālī. [ع] حاکم، قدرت و اختیار

ایه‌سی، استاندار ولاه جمع.

وام 'twām. قرض، برگی، بورج.

وامخواه 'wām-xāh. ص. باشغا

بیریندن پول قرض آلان، قرض آلان

آدامدن آلفی‌سینی ایسته‌یان آدم.

وامدار 'wām-dār. ص. برگیلی،

بورچلی.

وامق 'wāmeq. [ع] ۱. دوست، سوییان

عاشق ۲. عذرا آدلی قیزه عاشق بۆلن

یگیدینگ آدی، بو ایکی عاشق

معشوقینگ داستانی گوندوغار خلق

-لاری نینگ آراسیندا «داستان وامق و

عذرا» آدی بیلن تانیلیپ یایراپ

شهرات تاپیپ دیر.

واهمه 'wāheme. [ع] قورقی، تشویش

آدامینگ گوران و گورمه‌دیک یالان

یاشیریق ژادلاری نینگ گوز اؤنگونده

تصویرلہ نیپ قورقی دوردیان

دوینی سی.

واہی wāhi: ص. [ع] سوس، پایہ سیز،

پوچ، کونہ، چویریک.

وباء twabā': [ع] مرگ میرلی کسل،

اؤلوم بیتیم لی خاستالیق، قیرغین.

وبال twabāl: [ع] قینچلیق، عذاب

عاقبتی تلہ کہ بؤلان یازیق.

وئوق wosūq: مص. [ع] برکلیک،

قایم لیق، اینام، خاطر جمع لیک،

بیرینہ اینانماق، بیل باغلاماق، اعتماد

اتمک.

وئیقہ twasiqe: ص. [ع] مؤنث وثیق ۱.

مأکام، برک، قایم ۲. اینانلیان زات

عهد نامہ و گرو دیپ دہ آیدیلیار،

وثایق جمع.

وجاہت wejāhat: مص. [ع] مقام لی،

عزت لی، حرمت لی، آبرایی و آچیق

یوزلی، گوزل لیک، آوادانلیق.

وجب twajab: قاریش، گول بی بی

بارماق بیلہ باشام بارماغینگ آرا

اؤلچگی.

وجد wajad: مص. [ع] بیرینی

سویمک، شادلیق، ذوقی صفالیق.

وجدان wojdan: مص. [ع] نفس و

زانت و آدمینگ ایچگی گویچ

دوینی، ایچگی دوینی سی، شیلہ دہ

آدمزاد شونونگ بیلن یاغشی یامانی

درک ادیب دوشونیار.

وجود wujud: [ع] ۱. بارلیق،

یوقلیغینگ ترسی ۲. گورہ و بدن

معنادا.

وجوہ wojuh: [ع] ۱. وجہ لر، پول لر ۲.

یوزلر معنیدہ، وجوہ جمع.

وحدانیت wahdāniyyat: ۱. [ع] (=

وحدانیہ) یکہ لیک، یالنگیزلیق،

تای سیزلیق، تاک لیک.

وحدت wahdat: [ع] یکہ لیک،

بیر لیک، بیر بؤلماق.

وحش wahš: [ع] چول حیوانی، دوز

جانوری، وحشی حیوان، وحوش

جمع.

وحشت wahšat: [ع] خـوفلیق،

یکہ لیک، قایفی، قورقی و یکہ لیکدن

یوروگہ قورقی گتیریلیب داریقما.

وحشت wahšat-āwar آور

ایمنجی، قورقینجلی.

وحشتناک wahšat-nāk الهنج،

قورقینج، حویلی، قورقیلی.

وحی wahi: [ع] خدای تعالی

طرفیندان پیغمبره بۆلن الهام، ام و
اشاره و سارغیت.

وخامت waxāmat: [ع] قینلیق،

قینچیلیق، اونگیشماسیزلیق،

پیسرلیک، و طعامینگ و یا مکانینگ

قاوی بۆلماسیزلیغی، جانینگا

یارامازلیغی، و هیم لی.

وخیم waxim: ص. [ع] قاتی، قین،

آغیر، اونگوشارلی بولمادیق، توفیق

تایمادیق کیشی.

وداع wedā': [ع] خوشلاشماق، خوشلاشیق. اوچین یکهلیکده یا کوپ چیلیکلین

ودیعه wadi'e: [ع] مؤنث و دیمع،

تابشیریلان، بیرینه تابشیرلان مال،

بیری نینگ الینده قوییلان مال ماتا،

ودائع جمع.

وراثت werāsat: مص. [ع] میراث

آلماق، اولن کیشی دن چاغالارینا

قالان زات.

وراجی کردن werrāji-kardan

یانگراماق، کوپ کیله مک،

ساقیرداماق.

ورد tward: [ع] گل، قرمز گل.

ورد twerd: [ع] دعا، آلقیش، گیجه

گوندیزده انسانینگ اوقامالی

قرآنی نینگ بیر بوله گی، اوراد جمع.

ورز warz: ا. مص. ایش، کسب،

اکرانچیلیق.

ورزش twardzeš: مص. ورزش اتمه،

اندیک اتمه، عادت و اندیک اوچین بیر

ایشی ایزی گیدرلی اتمک، بدن

عصبلا رینی و عضولارینی

گویچ لندیرمک اوچین ایزی گیدرلی

حرکت اتدیرمک، بدن ساغلیغی

ورشکستن war-šekastan: مص.

ورشکسته بۆلماق، شکست ایتمک،

زیان گورمک، تجارتده زیان چکمک.

ورشکسته war-šekaste: تجارت

آلیش بریشده کوپ زیان گوروپ

برگینگ آشاغینا گیرمک لیک.

ورم waram: [ع] چیش، چیشمه،

قابارما، انداما ضربا یتیب یا باشغا
ناخوشلیق دن قابارماق لیق.

ورزش twazeş: مص. وزیدن: اوسمک،

یل دوشمک، یل اؤسمک.

وزن wazn: مص. [ع] اولچه مک، بیر

زادینگ آغرامی، سالدام.

وزیدن wazidan: مص. اوسمک، یل

دوشمک، یلینگ یا شمالینگ
اوسمه گی، یل تورماق.

وزیر wazir: [ع] وزارت خانانینگ

باشلیفی، وزیر، مینیستر.

وزین wazin: [ع] آغیر، بهاء، آغراس،

سالدام

وسائط wesā'at: [ع] واسطه لر،

آراچی لر، آرا دوشن لر، سببلر،

علت لر، سبابلار، وسیله لر، جمع

واسطه و وسیطه.

وسائل wasā'el: [ع] وسیله لر، آفاق

اولاغلار، شای لر، اسبابلار، جمع

وسيله.

وساطت wasātat: مص. [ع] آرا

دوشمک، آراچی بولماق.

وسط wasat: [ع] اورتا، آرا، بیر زادینگ

اورتاسی، اوساط جمع.

وسطی wosta: ص. [ع] مؤنث اوسط:

آرا، اورتا.

وسعت wos'at: [ع] گینگ لیک،

اوسیش، جاینگ میدانینگ

گینگ لیگی، یایبانگ لیمی، گینگش لیک

وسواس waswās: [ع] یوره گه دوشن

اریت اوی، فکر، انته شه، یکی
گونگلی لیک، شیطانی فکر.

وسوسه waswase: [ع] واسواسالیق،

حوصله دوشمک، اربت اویلانماق،

انسانینگ یوره گینده تاپیلیان تله که

اریت فکر، شیطانی قوزغالانگ.

وسیع wasi': [ع] اوسیش، گینگ،

یایراب یاتان، یایبانگ، ایمقر.

وسيله wasile: [ع] سبب، توتاریق

شونینگ بیلن باشغا بیرینه یاقینلیق

تاپیلیان زات، وسائل جمع.

وش twaş: ۱. هوزه، هوزده پامیق و

پامیق دانه سی ۲. یوپکدن دوقالان

بیر هیلی پارچه.

وصاف wassāf: [ع] وصف ادیجی ۱.

تعریف لایجی، وصفی حالینی بیان
 ایدیان عارف ۲. طیب، پزشک معنادا.
وصال wesāl: [ع] بیریمک، بیرری
 بیرینه یتیشمک، بیرری بیرینه
 قاویشماق، دوشوشماق.

وصایا wasāyā: [ع] جمع وصیت:
 وصیتلر.

وصف wasf: مص. [ع] تارپیلاماق،
 صفتنی آیتماق، بیر زادینگ و یا
 بیررینینگ دورمیشینی و یا یاغداینی
 بیان اتمک دورمیشی و یاغداینی
 آیتماق وصف اتمک، اومک.

وصل wasl: مص. [ع] سېله مک،
 بیریمک، بیرری بیرینگه ساپماق،
 باغلاماق.

وصله wasle: یاما، اوروندی.
وصله دار wasle-dār: یامالی، یاماق
 -یاماق، یاماقلی.

وصله دوز wasle-duz: یاما یامایان،
 یاماقچی.

وصول wosul: مص. [ع] یتیشمک،
 یتمک، اله گتیرمک، بیریندان بیر زات
 یا پول آلماق.

وصیت twasi'at: [ع] اوویت
 نصیحت، تابشیرغی، اولمه زیندن
 اونگ آدمینگ آیدانینی اتجک آدما
 وصیت اتمک، وصیتنگ آیتماق،
 آدمینگ اولندن سؤنگ ایدلمه لی
 ایشی نینگ تابشیرغی سی.

وضو wozu: مص. [ع] نماز اوچین
 طهارت قیلماق، ال آباق یووماق
 پاکلنمک، وضو، طارت.

وضوح wozuh: مص. [ع] آشکار
 بۇلماق، آپ آشکار بۇلماق، تاپیلماق،
 آچیق لانماق، آیدینگ لبق.

وطن twatan: [ع] آدامینگ دوغوب
 اونیپ اوسن و یاشان یری، میهن،
 یورت، وطن.

وظیفه wazife: [ع] بورچ، گونده کی،
 جیره، ایرسفال، ایدلمه لی قوللیق،
 آدame بیتیرلمه کی تکلیف بۇلان
 ایش، وظائف جمع.

وعظ wa'z: مص. [ع] اوویت برمک،
 نصیحت اتمک، اوویت، نصیحت،
 اوندאו.

وفاء wafā': مص. [ع] سؤزونگده

تاپيلماق، وعدانگی يرينه يتيرمک،

وعدانگده دورماق، ادن شرطينگده

تاپيلماق، عهد و پيمان ساقلاماق،

دوستليغی برکيتمک.

وفات wafāt: [ع] مرگ، الوم، يوغالما،

اولمه، وفیات جمع.

وفق wefq: مص. [ع] ياراشيقلی و

اونگيشماقلىق، ايکي زادی بير بيرينه

درنگاب گورمک؛ وفق دادن: دوز-دنگ

گتيرمک، ايلالاشديرماق.

وفور wofur: مص. [ع] کوپ بۇلماق،

زياد بۇلماق، کانليک، کۇپلوک.

وفادار wafādar: ص. مر. وفالی،

سوزينده دوريان، ياران، وفالی-بولان.

وقاحت weqāhat: مص. [ع]

بی-حيالیق، حياسيزليق، ادب

سيزليک، اوتانچ سيزليق، وجررا،

کأس، سووچيق.

وقار waqār: مص. [ع] يواشليق،

صبرلی لیق، آغراش لیق، اولۇلیق،

صبرلی بۇلماق، سيکين ليکه آغراس لیق.

وقائع waqā'e: وقایع - [ع] حادثه لر،

آسيبلار، باشدن گچن لر، اۇرۇشدان

يتن صدمه لان، جمع وقيعه.

وقت t.waqt: [ع] بير آز پله زماندن بير

آن، بير مقدار زمان، وقت، اوقات جمع.

وقف waqf: مص. [ع] ۱. دورماق

گوزلاب دوران وقتينگ بير از

کودگريب يانگادان باشلاماق ۲. بيری

ماليندن بۇلوپ کوپونگ خيرينه

برمک.

وقفه t.waqfe: [ع] بير گزک دورماق،

ساقلاماق، کودگيرمک، شېبه و

شک.

وقیع waqih: ص. [ع] شرم سيزليک،

حياسيزليق، بی-حيالیق.

وکالت t.wekālat: مص. [ع]

وکيل چيلیک، بيرينه بير ايشی

اينانيب برمک.

وکیل t.wakil: [ع] وکیل، قوييلان،

باشغا بيری نينگ طارافيندان بير

ايشه بلله نن آدم، بير حزينگ يا بير

کوپچيلیگينگ طارافيندن بلله نیلن

آدم، وکلاء جمع.

ول wel: ص. آزاد، ارکلی، گوييريلن.

ول کردن wel-kardan: آزاد اتمک،

بوشاتماق، گوييرمک.

ولو welow:ص. آزاد، بوش، پتيران،

ولادت welādat: مـص. [ع]

چاشغين، سرلمه.

دوغورماق، دوغولوش، دوغولماق،

ولى wali: اونگه گورا، شيله ده، ولى،

دوغوش، دوغولان وقتينگ.

ليکن، اما.

ولايت welāyat: [ع] يـورتدا بير

ولى wali: [ع] ۱. دوست گـوريان،

والى نينگ حکم سوريان يرلرى،

ياغشى گوريان، ياردام و مدد اديجى،

جغرافيا آدالفا سينده استانينگ -

باشغا بيرى نينگ ايشنى بۇيۇن آلان

اياتينگ بير ناچه شهرلريندن و

آدم ۲. خداى تعالى غا مقرب ياقين

اوبالاريندان عبارت بۇلان ىرى

بندهسى، اولياء جمع، گراماتلى.

بۇلەگى، حاضرکى وقتده استان

ولى الله waliolāh:ص. [ع] خدايىنگ

ديييليار، ولايات جمع.

دوستى، خدايا ياقين اولياء.

ولايت welāyat: [ع] ۱. حکومت

وهاب wahāb:ص. [ع] قاتى ساخى،

اتمک، حاکم ليک اتمک، پادشاهليق و

جـومات، خداى تعالى نينگ

حکم سوروليان ىرى ۲. دوست

آدلارى نينگ بيرى.

ساقلاماqliق، قارينداشليق معنيده.

وهله twahle: [ع] بير زادينگ باشى،

ولد twald: [ع] فرزند، چاغا، اولاد

هر زادينگ اولى، هر زادينگ

جمع.

ايلکينجىسى.

ولدالزنا wald-oz-zanā: [ع]

وهم wahn: مـص. [ع] يورکده بۇلۇپ

حرامزاده، حرام سیديکدن اونن

گچيان دويىنى، هيچ هيلي ارک و

اوغول قيز.

نيت سيز بير زادى خيال اتمک، گمان،

ولگرد welgard:ص. فا. ساللاخ، بيکار،

خيال اوهام جمع.

هرزه، يونه ايغيب گزيب يوران،

وېترين twitrin: [فر] آينه لى جعبه،

سلىكى.

شيشه لى قفسه.

ایسلگ، مطلوب و انسانینگ
ایسته‌یان زادی.

ویل twayl. مص. [ع] ۱. تله‌که‌لیگینگ

و شرینگ یتیشمه‌گی، قین چیلیق،
هلاک، مصیبت ۲. وای سانگا معنیده
بؤلۇپ نفرین، قارغیش ۳. جهنم‌ده
بیر قوی آدی.

ویل twil. ینگیش، اۆستون‌لیک،

همه‌دن اونگ بیر زادی اله گتیرمک.

ویلا wilā: ۱. [فر] بیلاغی اؤی، بیلاغی
کۆشک.

ویلان weylān. ص. آلج‌رانگ،

سرگزدان، چاشغین، گمراه و باشی
چاشان، دریدر.

ویولون twiyolon. [فر] کیریشلی

ساز قورال‌لاری نینگ بیرینینگ آدی،

سسی قیجاغینگ سسینه منگزش
ساز.

ویر twir. ۱. یادکش‌لیک، دوشینجه

هوش ۲. وای و ویل، ناله و قیقیلیق
معنیده.

ویران wirān. ص. خراب، بی باد،

بی‌قیق، وارخام تارخام، درسی‌داغین،
بوزوق‌لیق، بوزوق‌چیلیق.

ویرانه wirāne. بی‌قیق یومریق، یقان
یومری.

ویرگول twil-gul. [فر] بو بلگی (۱)

سۆزلیک‌لرینگ آراسیندا آراسینی
آچماق اوچین قویولیان علامت بلگی.

ویزیت twizit. [فر] گورمک،

دوشیشماق، ساتاشماق، ناخوشی
سورماق.

ویژه wiže. ص. یوریته، ایراتین،

مخصوص، الین، سایلانان بیژه و
آویژه دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

ویس twis. [ع] درویش‌لیک ۲.



ه he: فارس الیب بى نینگ اوتوز
بیرینجی حرفى نینگ آدى، ابجد
حسابیندا (۵).

ها hā: جواب سۆزى، بلى، هاوا.
ها hā: «-لار، -لر» (جمع علامتى
جان سیز زات لاردا)؛ مثال: «سنگ ها/
داش لار»، «خانه ها / اوى لر».

هاتف hātef: [فاع] آواز برىجى،
سس اديجى، قيقىلىق اديان، سسى
اشيدىلىپ اۇزى گۆنمه يان.

هاجر hājar: [فاع] جدالىق اديجى،

لايق و اوستم اۇز جنسىندن آرتىقماچ،
بيله كىلردن آرتىقماچ بۇلان،
اۇزگه لردان قاوى راق بۇلان.

هادم thādem: [فاع] بوزوق چى،
جايى بى باد اديجى، خراب اديجى،
بنانى و جايى ويران اديان.

هادى thādi: [فاع] دوغرى غا
گونىكدىريان، دوغرى يوله اكىديان،
يول سالغى بريان هدايت اديان، هداه
جمع.

هار hār: ۱. ۱. مرواريدىنگ باغى، يوپه

دوزوپ گردنہ داقیلیان لعل، یاقوت
یالی یوپہ دوزولیان بهالی داشلاردان
گردن بندہ ۲. بویوندن آسیلیان و
بویون دییپ-دہ آیدیلیپ دیر.

ھار hār: [ع] قودوز ایت، قودوزلان ایت،
قودوز ایت ھر کیمی یارسہ اونونگ
میکروبی یاران آدامسینا یوقوشیپ
اونی دا قودوزلادیار.

ھاروت hārut: ۱. [ع] فرشتہ نینگ
آدی ینہ بیر فرشتہ بار اول ھر ماروت،
بابل چایینا باش آشاق ساللانیپ
قویلان.

ھارون hārūn: ۱. [ع] حضرت
موسی نینگ دوغانی نینگ آدی،
فارسچا ساقچی، قافیچی و یومیش
اوغلان ساوچی و قاصد دییپ-دہ
آیدیلیپ دیر.

ھاشم thāšēm: [فاع] ۱. آورادیجی،
دوویجی، چۆرہگی دواجہ سالیپ
دویان ۲. عمرو عمروالعلی عبد
مناف نینگ اوغلی حضرت رسولینگ
جدی دییپ آیدیلیار.

ھاضمہ thāzeme: [فاع] مونث

ھاضم، سینگدیریان، جھاز ھاضمہ
آغیز، قیزیل اؤدک، قارین آش قازان، و
ایچہ گہ لردن عبارت، اییمتی معدہ
یومشادیپ سینگدیریان اعضاء.

ھالو hālu: ص.ل. سادہ کۆنگول، مون
یورک، اینانجانگ.

ھامون hāmūn: چول، تکیز یر.

ھامی hāmi: ص. حیران، سرگزدان،
چاشغین، باشی آیلانان، آلجرانگ.

ھاون thāwan: دووچ، سوقی.

ھاویہ thāwiye: [ع] ھاویہ، دوزخ،
جہنم، تامی، تموغ.

ھای ھوی hāy-huy: قیقیلیق، قیق
چیق، شاغلانگ.

ھوبوب hobub: مص. [ع] اؤسمک، یل
اؤسمک.

ھتک hatk: مص. [ع] ۱. پردانی
بیرتمک، پردانی جاینندان چکمک و
قوفارماق ۲. بیرینی رسوا و بی آبرای
اتمک.

ھتل thotel: فر میخمانخانہ، میخمان
اوی.

ھجا hejā: مص. [ع] ۱. سؤومک،

سوگمگ بیربینگ عیبینی ساناماق

۲. حرفلاری آستین اوستونلی

هتجکله مک، حروف هجاء: الف

بی نینگ اولیندن آخرینه تهجی

دیپ-ده آیدیلیار.

هجر hejr: مص. [ع] داشلیق، جدالیق،

آیرالیق، بیریندن جدا دوشمکلیک.

هجران hejran: مص. [ع] جدالیق

اتمک، آرانی آچماق، دوست یاردان

داش دوشمکلیک. آیرالیق. هجران

هجرت hejrat: مص. [ع] | هجره.

وطن دان داش دوشمک، وطنینگدان

گوچیپ باشغا بیر یره گیتمک، بیر

شهردن باشغا شهره گیدیپ و شول

یرده وطن توتماق و مسلمانلارینگ

تاریخی نینگ باشی بولمالی، شول

بیل حضرت رسول اکرم مکه دن مدینا

هجرت ادیب دیر میلادی حسابی

بویونچا ۶۲۲-نجی ییلینه قابات

گلیار، هجری یغمبریمیزینگ

هجرتینه دگیشلی، هجری ییلی

دییللیار.

هجو hajw: مص. [ع] ایزیندان

یامانلاماق، بیرى نینگ عیبینی آیتماق،

فاش اتمک، عیبینی آچماق.

هجوم hojum: مص. [ع] دويدانسیز

چوزیش اتمک، توتاندن حمله اتمک،

دوفولیش، دوفولماق، اؤقداریلماق.

هجير hajir: [ع] اويله، گون اورتا،

قاتی ایسیسی، اويله وقتی گون اورتان

ایسیسی سی.

هدايا hadāyā: [ع] سوغات، سریای،

سیلاغ، سوغاتلار.

هدایت hedayyat: مص. [ع]

اوغریقدیрма، هدایت اتمک، یول

گورکزمک، دوغری یول گورکزمک،

دوغری یوله گونیکدیرمک، گوزونی

آچماق.

هدر hadar: مص. [ع] باطل بۇلماق.

ضایع بۇلماق، بیدرک، بی صرفه توتولان.

هدف hadaf: [ع] مقصد، بلگی، نیت،

نشانه سی، اهداف جمع.

هدهد hod-hod: [ع] هدهد، هوک

هوک، اوتاغالی قوش، سلیمانینگ

تاوغی، قیزلار قوش، پوپ و پوپک.

هدی hodā: [ع] دوغری لیق، دوغری

هرج و مرج harj-o-marj:

بولاغايچیلیق، قاتیشیق لیق،
دۆزگون سیزلیک، دوکوم ساجیم لیق،
باش سیز بارات.

هرچند har-čand: ق. هر ناچه، هر
قدر.

هرچه har-če: هر نامه، هر هیللی.

هرروز har-ruz: گون ساین، هر گون.

هرزگی har-zegi: سامراب یورمک،
تله که ایشده بولماق، یاراماز ایشلر
بیلن گزمک، یازاماز ایشلر بیلن
مشغول بولماق، لولی لیق.

هرزه harz-(e): ص. بیهوده،
بیکار، ساللاخ، وجرآ، پوتور، کأس،
لاوزا، بولفی سیز.

هرزه گرد harze-gard: ص. فا. آواره،
ایقلاب یوران، ساللاخ، بیهوده آیلانیب
یوران، سلکی.

هرکجا har-kojā: ق. هر یرده، هر
جایدا.

هرگاه har-gāh: ف. ۱. هر وقت، هر
هاچان، هر زمان ۲. شرط سوژی،
اگر ده، شيله ده.

یول گورکزمک لیک، گۆنی یول.

هدی thadi: [ع] قربانلیق، قوینی نی
مکه ایبرمک حاجی لار دویا یا قویونی
مکه ده قربانلیق اتمگی.

هدیه thadye: [ع] ساوغات، سرپای،
هدایا جمع.

هذا hāzā: [ع] عرب دیلینده «شو»،
«یو» دیدیگی.

هذیان hazyān: مص. [ع] اوقی ده یا
دیشده هاوایی گورله مک، پوچ کپ
بیهوده کپ سامراماق، آغزا گلینی
سامراماق، باسیرغانیب گپله مک،
ساماسا اولماق.

هراس harās: مص. قورقی، خوف.
هراساندن harāsāndan: مص.

قورقیزماق، خوف اتدیرمک،
اویشندیرمک.

هراسیدن harāsīdan: مص. ل.
قورقماق، خوف اتمک.

هرج harj: مص. [ع] فتنه،
بولاغايچیلیق، دوشماق.

هرجائی har-jā'i: ص. آواره، سرگردان،
ساللاخ، هرزه، آلبیرانگ، بی پیار.

هرگز hargez ق. ۱. هيچ وقت، ابد،

اصلا، معنیده ۲. همیشه، ایزی

گیدرلی دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

هزار hezār: مونگ، مونگ

سانی (۱۰۰۰).

هزار افشان hezār-afšān: آندیز

(اوتونگ آدی). آندیزلی اویده آط

اولمز (نقلی).

هزارپا thezār-pā: قیرق آياق، بدنی

کوب خلقلاردان دوزیلن هر حلقه دن

ایکی آياغی بؤلمالی و اوزین لیغی اون

سانتیمتره یتیان ساری رنگکده بؤلان

موجه جک، قولاق گیرجی.

هزار چشمه thezār-češme: مر.

سرطان کسلی، قیل بوقیرداق کسلی،

هووره کسل.

هزاره hezare: ۱. مونگه باغلی

بؤلان، مونگینجی، مونگلنجی، بیر

گورنیکی آدمینگ دوغیلان یا آرادان

چیقان گونی نینگ مونگینجی ییلی

مناسبتلی گچیریلیان دابارالی

ییفناق لار، مراسملار، مونگ ییل لیلیق

دوره، ۲. افغانستانده بؤلان بیر

طایفانینگ آدی، اول طایفه کویلنچ

هزارجات داغلارینده یاشاماق لاری

اوچین هزاره دیلیار.

هزل hazl: [ع] شورته سؤز، دگیشمک،

شوخی، اویون اتمک، دگیشمه کپ،

چین لاقای بؤلما دیق سؤز بیهوده

سؤز.

هزیل hazil: ص. [ع] آریق، هور.

هزینه hazine: ۱. خرج، چیقدا جی.

هست hast: ۱. مص. بار، بارلیق.

هسته haste: ۱. شانیک، اریک شفتالی

و ش. م. لرینگ شانیکگی.

هستی hasti: ۱. مص. ۱. بؤلماق، بارلیق،

۲. بایلیق و سرمایه دیپ-ده

آیدیلیار.

هشام thešām: [ع] باغیشلاما،

سخی لیق، جوماردلیق، جومارد.

هشت hašt: ۱. سان. سکیز «۸».

هشتاد hašt-ād: ۱. سان. «۸۰».

هشتصد hašt-sad: ۱. سان. «۸۰۰».

هشتم hašt-om: ۱. سان. سکیزینجی.

هشيار hoš-yār: ص. پایخاسلی،

فراستلی، ذهینلی، زرنگ، بیلیجی،



اوقیپلی.

شاهنامه نینگ داستانلاری نینگ

بیری، اول رستمینگ مازندران

سفریندا باشیندا گچن گونلری،

کیکوس مازندراندا بندى بولاندا

رستم اونى آزاد اتمک اوچین یولدا

بارشینا کۆپ مشقتلار سزاوار بولیار

یعنى یدی مهم واقا اونگا دوش گلیار،

اولاردان رستم ساغ آمان گچیپ

اولاری ینگپ، شیله لیک بیلن هفت

خوان نقلی شو واقادان سونگ، بیزه

نقل بولوپ قالیار.

هفته t:hafte. یدی گون، شنبه،

یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه،

چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه.

هفده thefdh:ون یدی (۱۷).

هکتار thektār:مر. اون مونگ متر

مربعدن عبارت بۇلان اۆلچک.

هلاک halāk:مص. [ع] یوغالمق، بیر

اتفاق بیله اولمک، بیر بولار بۇلماز

ایش بیله اولمک.

هلال t:helāl.[ع] تازه دوغان آی،

آیینگ اولقى گونوندن اوچ گونه

چنلى یای صورتدا بۇلۇپ گۇرونیار.

هضم hazm:مص. [ع] ۱. آش قازاندا

اییمیت سینگمک، اورناماق ۲.

دؤومک و ستم اتمک معنیده.

هفتاد t:haftād. یتمیش (۷۰).

هفت اقلیم haft-eqlim:۱.مر. یدی

یورت، کنایه سؤزوندن اوزال یرینگ

یوزینداکی بوتین یوردلری یدی

اقلیما بولیار اکنلر.

هفت اندام haft-andām:۱.مر.

آدامینگ اندامینینگ یدی بوله گی

باش، قورساق، قارین ایکی ال ایکی

آباقدان عبارت.

هفت برادران haft-barādarān:۱.

مر. یدی ییلدیز، یدی گن، هفت اورنگ

دیپ-ده آیدیلیار.

هفت تیر haft-tir:۱.مر. ایچینده یدی

اوق جایلاشیان کیچی یاراغ.

هفت خزینه haft-xazine:۱.مر. کنایه

سؤزی اون ایکی اندام مغز، یورک،

معه، باغیر، اویکن، یوورک اؤددن

عبارت.

هفت خوان haft-xān:۱.مر. هفتخان،

هلو holu: ۱. شفتالی نینگ هیلیندن

بۇلان اما اوندان اولى راق سۇولى و

سويجى راک ميوه.

هم آواز ham-āwāz: ص. آهنگدش،

هنگدش.

همان hamān: ق. شول، اول، داش يره

اشاره.

همانا hamānā: ق. نيغتاماق حقدە هم

گليار يالى منگزش، اوغشاش.

هما homā: ۱. (= همای) قاوی قوش،

بورکيت تاويره قوش اييمتى سونگک

بۇلمالى، شيله روابت اديارلر اول

قوشينگ سايه سى هر کمينگ

اوستينه دوشسه، اولى بخته يتيار

ميشين ديپ آيديليار.

همانند hamanand: ص. بيله

منگزش، بيريرى بيله منگزه، بيله

منگزش ليک.

همايون homāyun: ص. قوتلى،

مبارک، بختلى.

همايون thomāyun: ايرانى

سازلرينگ بيرى نينگ آدى.

همبازى ham-bāzi: ص. بيله

اوينايان، اويون داش.

همپايه ham-pāye: ص. بيرى بيله بير

درجده و اورونده بۇلان آدم.

هم پيشه ham-piše: ص. ايشديش،

کاردش، ايشى بيله بولانلار.

هم پيمان ham-peymān: ص. پيمان

دش، بيله عهد باغلاشان، بيله قرار

ادن.

همت themat: [ع] قصد، نيت، تقلا،

قوجير، غايرات، خوش نيت لى ليک.

همتا hamtā: ص. شريک، شارک،

اورتاق، دنگ، برابر، عيال آر.

همجوار ham-jawār: ص. فا.

همسايه، قونگشى.

هم چشم ham-češm: ص. رقيب،

حريف، بيرى بيله بير ايشده

باسداشليک اديان، باسديش.

هم چشمى ham-češmi: منجه-

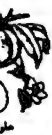
شیک ليک، شاوريق، شاشاو.

همچنين ham-čenin: ق. شونينگ

يالى، شيله، شونگا منگزش.

همخواب ham-xāb: ص. (=)

همخوابه) اری بيلن بير دوشکده



ياتيان عيال، بيله ياتيان،
ياسسيق داش.

همدرد hamdard: ص. درد داش،
دردلری بيله بولوپ غم و غصه لارینی
پایلاشیان.

همدست ham-dast: ص. اورتاق،
یول داش، بیرری بیرری نینگ کمگی بیلن
ایشله یان آدم لار، الی بیر ایشده بۇلان
آدم لار، کار داش، ایش داش، دوست یار.
همدم ham-dam: ص. یول داش،
صحبت داش، سیر داش، گورینگ داش.

همراز ham-rāz: ص. سرداش، درد
داش، همراق، بیرری بیرری بيله یاشیر
یوشیر سۆزی بۇلما دیق.

همراه ham-rāh: ص. یول داش، دوست
یار، بيله سفره گیدیان.

همرنگ ham-rang: ص. منگزش،
ایکی زادینگ بیر ارنگده بۇلما غی،
رنگ داش.

همزلف ham-zolf: ی. باجا، عیال
لاری دوغان بۇلان

همزیستی t.ham-zisti: مص. ۱. بيله
یاشاماق، ایکی یوردینگ آدم لاری.

بیری بیرری نینگ اقتصادی، سیاسی،
کمگی بیلن ایلا لاشیب یاشاماق لاری
۲. اوت تانیجی لیقدا اوسوملیگی نینگ
یاشا یشده اورتاق بۇلماق لیغی.

همسال ham-sāl: ص. یاش داش،
یاشی بيله بۇلان آدم لار.

همسایه ham-sāye: ص. قونگشی،
یاناشیق، یانتاشیق.

همسر ham-sar: ص. ۱. دنگ، برابر،
قدر و مرتبه لری دنگ بۇلان، ۲. ار،
هلی معنیده.

همشهری ham-šahri: ص. بیر
شهرده بيله یاشایان لار، شهر داش،
اوباداش، ایل داش.

همشیره ham-šire: ا. ص. قیز دوغان،
بیر امجکدن سوید امن ایکی چاغا.

همکار ham-kār: ص. ایش داش،
کار داش، ایشی بيله بۇلان، بیر ایشده
بۇلان ایکی آدم، ایشی بیر بۇلان

همکاری ham-kāri: بيله ایشلایان،
ایشده بیرری بیرینه کمک ایدیان،
ایش داش لیک.

همکام ham-kām: ص. آرزوسی بيله

بۇلان، ايکى آدمينگ مقصدى بير
بۇلان، مقصددش.

همکيش ham-kiš: ص. مذهبدهش،
بير دينده بير مذهبده بۇلان ايکى
آدم.

همگام ham-gām: ص. قېدم دش،
آرديم دش، همراه، يۇلداش.

همگان hamegān: همەسى، اهلى
جمعى.

همگى hamegi: ق. هممه، بوتين،
اهلى.

همنام ham-nām: آدداش، آدى بير
بۇلان، آدلارى بير بۇلان ايکى يا بير
ناچه آدم لار.

همنشين ham-nešin: ص. بيله
اۆتۈرپ تورشيان، صحبتدهش،
گوررينگ دش، دوست، يار، بيله
اۆتۈرپ تورشيان.

هم نمک ham-namak: ک. بيله دوز
چورک ايین، ايکى و يا ناچا آدم.

هموار ham-wār: ص. مناسيب، تکيز،
صاف، دوز.

همواره ham-wāre: ق. هميشه،

المدام، ايزى گيدرلى، ايزلى ايزينا،
زول.

همه hame: ق. تمام، بوتين، همه.
همه کاره hame-kāre: ص. هر بير
ايش اليئندن گليان، هر ايشه
اوکدهليگى بۇلان.

همهمه hamhame: ا. [ع] آدم
حيوانينگ قاتيشيقلى سسرلىرى،
حيوان و انسانينگ سسرلىرى.

هميشه hamiše: ق. مداما، ايزى
گيدرلى، هميشه، زول، يالانگ، المدام.
هميشه بهار hamiše-bahār: ا. مر.
سارى رنگده بۇلان گل، بوتين
توميسدا گلله يار، قيشده هم گوک.

همين hamin: شونونگ اۈزى، شۈى.
هندوانه hendewāne: ق. ص. قارفيز.
هندوانه ابوجهل: آجى قارپيز.

هندى hendi: ص. ن. هندلى، هندلا
باغلى بۇلان، هندوستانلى.

هنر honar: ا. صۇنغات، پيشه، هونار.
هنرآموز thonar-āmuz: ص. هنر
اۋورنيان، هنرستانينگ شاگيردى.

هنرپیشه honar-piše: ص. هنرمند،



سازده نقاشی ده تئاترده استادلیغی
بۇلان، آرتیست.

هنرمند honar-mand: ص. هنرلی،
هنارلی، آرتیست.

هنرور honar-war: ص. هنرلی بۇلان،
هنرمند، هنرلی.

هنگ thang: زور، گویچ، قدرت،
آغیرلیق، آغراس، آغرام، هوش،
دوشونجه، قصد.

هنگ thang: بۇلک، تۇپار، طایفه، اوچ
گرداندن عبارت بۇلان قوشون
بۇلومی، بوله کی.

هنگام thangām: دوور، ایام، دوران،
زمان، فصل.

هنگفت hengoft: ص. یوغین،
قالینک، کوپ، کان.

هنوز hanuz: ق. هنیز، شو وقته
چنلی، شومحاله چنلی، انتک.

هوا thawā: [ع] آرزو، میل ایسلک،
اهواء جمع.

هواپما hawā-pymā: ا. مر. اوچیان،
اوچاق، بالون.

هواخواه hawā-xāh: ص. [فاع]

حمایتچی طرفدار، یاردامچی،
کمکچی، باشغا بیرینی قولدایان.

هوارى thawāri: اولی چادر، بارگاه.
هواء 'thawā: رنگ سیز گاز اکسیژن،

ازت، بوغ و گاز کربنیک و ایلاکی گازلر
بیله یر یوزونی تۇتۇپ دوران اما گوزه
گورونمهیار. دینگه ورزش ادیلنده
باردیغی دویلیار.

هور thur: ۱. گون، گونش ۲. ییلدیز،
بخت و طالع دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

هورا thurā: [فر] شادلیق شاغلانک.

هوس thawas: [ع] بیر هیلی

ییلدیرگه مک، ینگیللیک، عقل
ینگیللیک، خوابیش، هوس، میل،
اۇرج.

هوش huš: عقل، دوشونجه،

دوشنوم، بیلگی، ذهن، فهم، جان.

هوش huš: ا. مرگ، اؤلوم، هلاک.

هوشیار hušyār: ص. هوشلی، زرنک،
دانا، آگاه، هوشکار.

هولناک hol-nāk: ص. [ع] آییلغانچ

خطرلی، خوفلی، قورقینچلی،

آدمینگ اونی گورنده ایمنیان زادی.

هوو huw: ۱. بیر اری بۆلن یکی عیال،
بیر ارلی یکی عیال.

هویت howiyat: [ع] آدمینگ
بولیشی، دورمیشی، شخصیت یا
آیری بیر زادینگ حقیقتی و مایه سی
بارلیق و بولیش.

هویج thawij. کاشیر.

هویدا howeydā: ص. گورنیب دوران،
اشکار، آچیق، آیدینگ.

هیئت hey'at: [ع] ۱. بیر زادینگ

یاغدایی و دورمیشی، بیر زادینگ
دورموشی، یاغدایی، گورنوشی، شکل

۲. بیر بۆلک آدم معنیده، هیئات جمع.

هیاھو thayāhu. غوغا، قیقیلیق،
جنجل، قیق چیق، داد بیداد.

هیبت theybat: [ع] قورقی، قورقنچ،
اؤلؤلوق، هایبات.

هیجان hayejān: [ع] مص. ۱.

تولقینماق، قالاغوپلیق،

جوشغونلیق، اوجیگمک، لرزانہ

دوشمک، جوشما، قالا قولی یاغدایا

سالماق.

هیج hič: ص. ۱. یوقلیق، از ۲. بیهوده
و آز انتک معنیده ۳. ایچ دییپ-ده
آیدیلیار.

هیراد hey'rād: ص. خوش اخلاق آدم،
آچیق یوزلی، گولر یوزلی.

هیربد thir-bod. زرتشت دینی نینگ
یولباشچی سی، زرتشتی مذهبینگ

قاضی سی و رهبری.

هیز hiz: ص. مخنث، تله که، حیاسیز،
اوتانچ سیز، لاوزا، سوومسیز.

هیزم hizom: اودون.

هیزم کش hizom-keš: ص.

اودون چی، اودون گترب ساتیان.

هیکل heykal: [ع] بیک جای، یوغین

آغاچ، یوغین حیوان یا آدم، آدمینگ

پیکری، یوزی و اندامی فارسچا

مجسمه بت خانه معنادا آیدیلیپ

دیر هیاکل جمع.

هیئات heyhāt: [ع] ۱. فعل آدی،

یعنی داش دیر ۲. دیدیگی فارسچا:

اوکونچ، حسرت، آرمان و دارینا

معنالاردا.



یاب yāb: بیر یوز بیلن گلنده تاپیجی، تاپیلیان معنادا گلیار، مثلاً: کمیاب - آز تاپیلیان زات، یاب، یافتن تاپماق. یابنده yābende: ا.فا. تاپماق، تاپیجی. یابو tyābu: ص. یابی، یوکچی آط. یاد tyād: ذهن، دوشونجه، یاد، یادکش لیک.	ی ye: فارسی الیب بی نینگ اوتوز ایکینجی حرفی، ابجد حسابیندا (۱۰). یا yā: دگیشلی حرف و جواب حرف اغلب اختیار، ارک و شک شبهه‌نی یتیریار، بو یا اول یا الوم، یا نجات معنیده.
یاد آمدن yād-āmadan: یادینگا کلمک. یادآوری yād-āwari: یادلاما، یاده کتیرمه.	یا yā: [ع] ندا حرفی، داش یاقینا. یاب yāb: ص. ضایع، بیهوده، پوچ، بیدرک، ایشه یارامایان، درده دگمه یان.

يادبود tyād-bud. مر. يادگار، يادگار.

اوچين بيرينه بريليان زات.

ياددادن yād-dadan. اوورتمک.

يادداشت yād-dāšt. ۱. يادا سالماق

اوچين يازيليان علامت و بلگی و

دورلی زاتلار يازيليان دفترچه

اونتمازليق اوچين يازيليان مطلب و

آدرس.

يادگار yād-gār. ۱. بيرينه يادلاماق

اوچين بريليان زات، يديگار بيری

اوزيندن اثر باقی قويماق.

يار tyār. ص. ۱. دوست، يولداش همدم،

سويگيلي، مددکار ۲. منگزهش

دييپ-ده آيديليپ دير ياور معنيده

هم اولانييلار.

يارد tyārd. انگل انگلستانده و

آمریکاده اوزين ليق اولچهگی، اول ۳۶

اينچ يا ۹۲ سانتيمتره برابر اوزين

ليقده بۇلان.

ياس tyās. انگل گلدارنده ساقلانيان و

آوادان و ياقيملی ايسلی بۇلان گلينگ

آدی.

ياس yās. [ع] اميدسيز، امیدی

بۇلماديق.

ياسان yāsān. ص. لایق، ياراشيقلی.

ياسر yāser. [ع] ص. ۱. آنگسات و

سهل ۲. ديه اولدوريپ اونۇنگ اتنى

بۆلك-بۆلك ليان آدم، بوليان آدم.

ياسمين tyāsamin. بوی چکيان

کيچی جک آغاچ اونۇنگ دورلی قسم

اونگات ايسلی گلی بار اول آق ساری

رنگده بوليان.

ياشماق yāšmāq. ۱. [ت] نقاب،

عيال لارينگ يوزونه و آغزينه چکيان

ياشماغی.

ياغی yāqi. ت. مغوللار سؤزوندن

بويروغا بۇيۇن اگمەيان باشينا گيدن،

بوينی يوغين؛ ياغيگری؛ باشينه

گيتمک ليک، بوينی يوغين ليق، فرمانا

بويون انگمزليک.

يافتن yāftan. مص. قۇلا سالماق،

تاپماق.

يافث yāfec. ۱. نوح پيغمبرينگ اوغلی.

ياقوت yāqut. [ع] قیمت بهالی

داشلارينگ بيری، يواقيت جمع.

يال yāl. ۱. بويون، مالينگ يالی.

ياور yāwar: ص. مددچی، کمکچی، قولداوچی، آرقالاشیان، حربی قوشون اصطلاحینده یعنی آدالغاسینده سرگرد درجه سینده بولان.

ياور tyāwar: دووچ سایی، دووچ دسته سی.

ياوه tyāwe: ص. بیهوده، پوچ معنی سیز سۆز، سامراما، یانگرا، یاوه گوه، بی معنی سامراما، پوچ گپ، وارریق، وارساقی گپ.

ياجوج و ماجوج ya'juj we ma'juj: [ع] نقل ادیارلر کوله بوی، مغول طایفه سیندان بۆلان، اولکه لره لودبیری بؤلاغایلیق سالجاق فسادچی ایکسی طایفانینگ آدی دستاندا آیدیلشنه گورا قارشى سیندا، چوزیش اتمکلری نینگ اونگینی آلماق مقصدی بیلن ذوالقرنین سد چکیب دیر. اولار قفقاز داغلارنینگ آنقرسینده مسکن توتان بؤلمالی.

ييوست yobust: [ع] قوراقلیق، ایچ قاتاماقلیق.

يتيم yatim: [ع] ۱. داده سى اولن

اوغلان، چاغا، یتیم، ایتام جمع، ۲. هر زاتدن قالان یکه یالنکیز معنادا. در یتیم: تایی سیز بهالی مروارید.

يحيى yahyā: ذکر یا پیغمبرینگ اوغلی.

يخ tyax: غیراو، بوز.

يخ بندان yax-bandān: ۱. دونگاق، قاتی ساویق بؤلۆپ سؤولارینگ دونگماغی، آنکراق.

يخچال tyax-čāl: بوز انباری،

قییش لاردا اوستی باسیرغیلی چوقورلارینگ ایچینده بوز ساقلانیان انبار، یخچال برقی: برق بیلن اییمتی و زات لاری ساویق ساقلایان دستگاه، یخچال.

يخدان tyax-dan: بوز جایی، یخچال بوز ساقلانیان صندوق.

يدكى tyadaki: ص. زاپاس زاتلار.

يراغ yarāq: یورغا، اوستی یومشاق سارسدیرمایان و هم ده یووروک آط.

يراق yarāq: ت. ترک سؤزۆندن، ۱. قیلیچ و قالقان اوق یای و تفنگ و

شولایالی یازاق ۲. آط سبابی اییر

شای و آط قولانگی و اورش اسبابینی
گیبپ اورشا ساواشا تاییار بۆلان آدم.
یرقان yaraqān: ۱. [ع] ساری باغیر
زردی آدیندا بۆلان، مریض چیلیک.
یساول yasāwol: ۱. [ت] ۱. قاراویل،
ساقچی و جلوداری قدیمده کوموش
عصا بیلن کوشکینگ قافی سینده
دوریمان آدم ۲. پادشاه ارکان
دولت لرینگ داشینا قوراپ اولار بیلن
بیر اوغرا بیلله گیدیان ساقچی.
یعنی ya'ni: [ع] سۆزلرده توضیح
برمک و آچیقلاماق اوچین اولانیلیان
سۆز، بیر سۆزی یا جملانی دولی
دوشیندیرمک اوچین اولانیلیان سۆز،
یعنی.
یغما tyaqmā. تالانگ چیلیق، باسیب
آلما، غارت.
یغمای yaqmā-i: ص.ن. یغما
اولکه سینه باغلی بۆلان، ترکستانده
یعنی بؤ اوبا آوادان یوزلی لیکده
شهرت تاپان اولکه.
یقین yaqin: [ع] شبهه سیز، و گمان
سیز بۆلان، آچیق بۆلان، آنیق.

یکان yekān: ص. یکه، تایی سیز،
یالنگیز.
یکایک yekā-yek: ق. بیر بیر، یکه
یکه، یکان یکان.
یکبارگی yekbāregi: دویدانسیزلیق،
همه لر، اهلی.
یکباره yek-bāre: ق. دویدانسیز،
بیردن کا، اؤسمازلیقدا.
یکپارچه yek-pārçe: ص. بتین، کامل،
تمام.
یکتا yektā: ص. یکه یالنگیز، تایی سیز.
یکجا yekjā: ص. همه، بیلله، کولتوم،
لوممای، همه لر، باری یوغی، بوتین.
یکدست yek-dast: ص. بیر ال لی،
یکه الی بۆلان، بیر الی ماییپ،
یالنگیز، بیر الی.
یکدست yek-dast: ص. ۱. یکسان،
همه سی دنگ، اندیگان، غیرادنگ،
آونیق لی، ایرلی بۆلما دیق ۲. تمام،
دولی، کامل دوغری معناده.
یکدل yek-del: ص. یکدله - آغیز
بیرلیک، ایلا لاشیق، ریاسیز، یورکدن
بیر بۆلان، ظاهر باطنی بیر بۆلان، داش

وايچ گورنيشى بىر بۇلان.

يكرنگ yek-rang: ص. بىر زادىنگ

باشغا بىر زات بىلە منگزش بۇلماغى،
كنايه سۆزۈندىن قاوى و يۈرگىش
دوستە ھەم دىيىلىار.

يکسان yek-sān: ص. دنگ، برابر،
ھىلى بىر.

يکسرە yek-sare: ق. ۱. بىردىن كا،
بىردىن، ۲. ھەمەسى، بار يوغى و ھەملر
معنادا.

يکسو yek-su: ص. بىر قىراق، بىر
چت.

يکلا yek-lā: ص. بىر قات،
ايچلىك سىز، اينسىز پارچا.

يکناوخت yek-nawāxt: ص. قىرا
دنگ، بىر رنگە بۇلان، بىر پۈرۈمدا،
منگزش بۇلان.

يکە خوردن yeke-xordan: مص.ل.
بىر ياراماز زادى بىردىن كا گورۈپ يا
اشدىپ تىسگە نىپ قورقماق.

يگانگى yegānegi: ۱. بىرلىك،
يکەلىك ۲. دۈستلۇق و باغلىلىق.

يگانه yegāne: ص. مخفف یک‌گانه،

تک، يکە، تاي سىز، اۋنۇنگ يالى
بۇلمازلىق، منگزشى يۇقلىق.

يىل yal: ص. باتير، پهلوان، بوکە،
قۇجۇرلى، غايراتلى.

يىلدا tyal-dā: ۱. ميلاد معنادە دوغالما
وقت حضرت عيسى نىنگ دوغۇلان
يىلى ۲. فارسچا: گۈيز آخردا اينىگ
اۋزاق گىجانيىنگ آدى.

يىمن tyaman: [ع] خير و برکت
بختلىلىق، مبارکلىک.

يىمين tyamin: [ع] ساغ طاراپ، ساغ ال،
ايمان و ايامن و ايامين جمع.

يىمين tyamin: [ع] آنت، ايمان جمع.
يىنگە tyenge: ص. گلين يانىنىگ
ھىملارلى، يىنگە.

يىواش yawāš: ق. ص. ترک سۈزى
آستا، يواش.

يىواش کار کردن yawāš:
kār-kardan مىقىلداماق، قاوشاق و
ھاياال ايشلەمک.

يۇرت tyort: ترک سۈزى، يۇرت،
مسکن اوى، اما ترکمن دىليندە اوى و
ھەم کشور، مملکت معنادا.

يورتىمە yurtme: ۱. تركى سۆزۈندىن:

يورغالاپ يۇرۇيان آت، يۇرغا آت.

يورۇش yureš: ۱. تركى دىلدىن آلىنغان:

چۈزۈش، سۈرھە سۈرۈتمەك، آت

اوقدارماق، آت قويماق معنادا.

يۈزباشى tyuz-bāši: مەرت. يۈز آدمما

باش بۇلان، يۈز آدمىنىڭ باشى، يۈز

آدم اركىندە بۇلان دولت مامورى.

يۈز پىلنگ yuzpalang (= يۈز) ۱.

يېرتىجى، يابانى حيوانى، آلاجا

بارس.

يۈسە tyuse: يېچىنى، آغاچ اوستانىنىڭ

يېچىنىسى.

يۈشەن yowšan: يۈشەن.

يۈغ tyowq: يۈر سۈرۈندە سىغىر لارىنىڭ

دۈشۈنە قويلىيان آغاچ، بويۇندىرىق.

يۈم yowm: [ع] گۈن، ايام جمع.

يۈم الحساب tyowm-ol-hesāb: مەر.

رۈز قىامت، قىامت گۈنى.

يۈم الدىن tyowm-ol-din: مەر. جزا

گۈنى، محشر گۈنى.

يۈن tyon: ۱. ايه، ايه رىنگ اوستىندىن

گلىان قايش، ايه رىنگ كچەسى ۲.

يۈنگ معنادا هم آيدىلىپ دىر.

يۈنجە yonje: تركى دىلدىن آلىنغان،

يۈرىنجە، مال اوتى.

يۈنسكو yonesko: ۱. انگلە مدنىتلى

قورامما، اۋل بىرلەشەن مەلتەر

قوراماسىنا دگىشلى ۱۹۴۶-نجى

يىلدە قورالدى.

يەھۇد yahud: ۱. [ع] بنى اسرائيل

حضرت موسى نىنگ ايزىنى

ايزارلايانلار، حضرت موسى نىنگ

دىنىنى قبول اديانلار، يەھۇد، جەھۇد.

يەھۇدى yahudi: ۱. [ع] بىر يەھۇد،

جەھۇد، كلىمى، موسى پىغمبىرىنگ

دىنىندە بولان.

يىلاق yeylāq: ت. ساويق يىر، آب و

ھواسى قاۋى يىر، يايلامالى يىر، يايلاغ.

خاکستری Varanus griseus: زمزن،

گچی امن.

بوآی شنی باریک، کورمار شنی

Eryx elegans: داغ گومولگنی.

بوآی شنی تاتاری، کورمار تاتاری

Eryx tataricus tataricus: تاقیر

گومولگنی.

بوآی شنی کوتوله، کورمار

Eryx miliaris: قوم

گومولگنی.

سوسن مار Telescopus fallax

iberus: پیشیک گوز بیلان.

قمچه مار Culuber najadum

najadum: قونگقوز بیلان.

کبرا، کفچه مار Naja Okiana: کپچه

باش، کپچه کله.

گرزه مار Macrovipera lebetina

obtusa: گؤک لوزس.

گکوی انگشت سحابی

Crossobaron: آس.

گکوی قفقازی Agama caucasica

پاشلاق.

گوند ماریون Elaphe dione

تیتره ووک بیلان.

نام علمی خزندگان

سؤیره نیجی لر

آگاما Agama: هاژریق.

آگامای خورشید پرست

Phrynocephalus helioscopus

تاقیر عالمی، تاقیر پاتماسی.

آگامای سر وزغی تورانی

Phrynocephalus mystaceus: قیزار

قیزار، قیزار قولاق، قیزیل قولاق.

آگامای وزغی شانه صورتی

Phrynocephalus intterscapalaris

قوم عالمی، قوم پاتماسی.

آلوسر Boiga trigonatum

melanocephala: اشک گریش

بیلان.

ارمیا س آسیای مرکزی Eremias

velox velox: چالاسین

سووولغانجیق.

اسکینگ علفزار طلایی Mabuya

aurata: بیلان چیر.

بزمچه (وارانوس) بیابانی

آلاجا ییلان.

مار موشخوار خاوری Ptyas
mucosus: قاراغا ییچاق، قارا قاقاق.

پستانداران سۆید امدیر یجیلر

آهو Gazella subgutturosa: چره،

دۆز کییگی، آقجا

بیر Panthera tigris: قاپلانگ

بچه خرگوش: چبشک.

بچه خوک: جوجوق، چوچغا.

پازن Capra aegagrus aegagrus: داغ

گچی سی، اومغا، داغ تکه سی.

پلنگ Panthera pardus: بارس، آلاجا

قاپلانگ

جریل بزرگ، جرد بزرگ

Rhombomys opimus: یوزسیچان

جریل نیمروز Meriones

meridianus: قیزیلجا سیچان.

خارپشت Erinaceus: کیری: قویون

کیری.

لاسر تا Lacerta: سووولغان.

لاک پشت برکه ای اروپایی Emys
orbicularis: باتقالیق، دریا

پیشدیلی.

لاک پشت برکه ای خزری

Mauremys caspica caspica:

کاسپی پیشدیلی.

لوس مار، لو Ophisaurus apodus.

پیغاممار قامچی سی، آغاچ ییلان،

اوت ییلان.

مار پلنگی Coluber ravergieri

ravergieri: قارا باش ییلان.

مار جعفری سندی Echis carinatus

sochureki: هاژلاویق، آلا هووره،

کسه یوران.

مار خالدار Coluber carelini

آلا ییلان.

مار درفشی Lytorhynchus

ridgerwayi: قونگقورجا ییلان.

مار سوجه Coluber jugularis

jugularis: قیزیل ییلان.

مار قیطانی coluber rhodorachis

آت ییلان.

مار گرگی Lycodon striatus

سنجاب زمینی، کلاهو

Spermophilus Fulvus: یومران.

شنگ معمولی Lutra lutra: قوندوز

شتر نردوکوهانه Camelus

bactianus: بغرا، ایک

اؤرکۆچلی دۆیه.

شیر Felis Leo: یولبارس، آرسلان.

فک Phoce: دۆولن.

قوچ اوریال Ovis ammon: داغ

قوچی، آیراق.

کارا کال Caracal caracal: قاراقولاق.

کفتار Hyaena hyaena: سیرتلان.

گراز ماده Sus scrofa: مِکجین.

گراز نر Sus scrofa: یکه قاپان، قاپان،

یابان دونگقوز.

گره جنگلی Felis Chaus: قامیش

پیشیگی، یابان پیشیک.

گره شنی Felis Margarita: کوووک،

قوم پیشیگی.

گرگ Canis lupus: مۆجک، قورت،

بۆری.

گورخر Equus hemionus: قولان.

گوساله: گۆله، تانا، هۆجک، اۆجک.

گوساله ماده دوساله: قولاجین.

خرس سیاه Ursus thibetanus: قارا
آیی.

خرس قهوه ای Ursus drctas:
قونگقور آیی.

دوپا Dipodidae: آتاسار، یالمان، آت
یالمان.

راسو Mustela nivalis: قوروم
قورادان.

روباه ترکمنی، روباه گرساک
Vulpes corsac: تیلکی.

رودک عسل خوار Mellivora
Capensis: ایت آیی.

رودک معمولی، گورکن Meles
meles: ساققار تۆرسوق

زردیر Vormela peregusna: آلاجا

گۆزن، پۆرسی گۆزن، آلاجا
جۆوزن، آلاجا جۆوجن.

سمور سنگی، سمور کوهی
Martes foina: قایاسامیری.

سنجاب Sciurus vulgaris: آوی
سیدیک.

سنجاب ناخن دراز
Spermophilopsis

Leptodactylus: آلاقا

مرال Cervus: سوغون، بَره سیغیر.

موش بزرگ، موش ورامین

Nesokia indica: گیردهن.

ئۇل حفار شمالی، ئۇل حفار

تـرکمنی Ellobius talpinus:

کۆرگامه، یارغانات، کۆر سیچان،

یاراسا، کۆرمال سیچان، یرسیچان،

کۆر شپک، گبیجه گزهگن،

یرشپک.

یوزپلنگ Acinonyx jubatus: آلاجا

بارس.

اسامی پرندگان

فارسی - ترکمنی

آبچلیک تکزی Tringa

Ochropus: چولوق.

آبیار Scolopax rusticola: یابان

تاووق.

آنقوت Tadorna Ferruginea: آنق،

قیزیل اۆردک، انگقیت.

اردک اردهای Anas strepera: چال

اۆردک، قاراگۆت.

اردک بلوطی Aythya nyroca: قارا

اۆردک

اردک تاجدار Netta rufina: آلمان

باش، آلا اۆردک.

اردک سـرحـنائی Aythya

ferina: آلاجا اۆردک، قیزیل باش.

اردک سـرـسفید Oxyura

leucocephala: کۆرجه

اردک سیاه کاکل Aythya fuligula:

ککیللی.

اردک مـرمری Marmaronata

angustirostris: اکینچی اۆردک.

اکراس سیاه Plegadis falcinellus:

قاما بورون.

اگرت بزرگ Casmerodius albus:

آق هوکار.

بادکوبه‌ای Tadorna tadorna:

آلاغان، آلاجا غاز.

باکلان بزرگ Phalacrocorax

carbo: چوئتون.

بالابان Falco cherrug: اوتلگی.

بحری Falco peregrinus: باخارین،

توغان.

بلبل معمولی Luscinia

megarhynchos: بیلبل، قیزیل

توکا <i>Turdus</i> : جوق - جوقی	قویروق.
توکای سیاه <i>Turdus merula</i> : قارا	بلدرچین <i>Coturnix coturnix</i> : بدهنه.
جوقچوقی، قارا تاووق.	بوتیمار بزرگ <i>Botaurus stellaris</i> :
تیهو <i>Ammoperdix griseogularis</i> :	حاقگی، قاوقوش.
چیل کاکلیک.	بوتیمار کوچک <i>Ixobrychus</i>
جغد کوچک <i>Athene noctua</i> :	minutus: کؤگه باقار.
بای قوش.	پاشلک بزرگ <i>Gallinago</i>
جغد گوش دراز <i>Asio otus</i> : شاخلی	media: جنگل اوردک.
بایغوش.	پاشلک معمولی <i>Gallinago</i>
چکچک دشتی <i>Oenanthe</i>	gallinago: اوهک.
isabellina: چکیک.	پرستوی دریای خزر <i>Sterna</i>
چکچک کوهی <i>Oenanthe</i>	Caspia: ساقاو چارلاق.
oenanthe: آق گوت.	پرستوی دریایی گونه سفید
چلچله کوهی <i>Neophron</i>	Chlidonias hybridas: قارا
rupcnopterus: داز زارکیل.	بالیقچی.
چنگر <i>Fulica atra</i> : باراق.	پرستوی دریایی معمولی <i>Sterna</i>
ساققار باراق.	hirunda: چریک.
چنگر نوک سرخ <i>Gallinula</i>	پرستوی معمولی <i>Hirundo rustica</i> :
chloropus: باراکلبه	قارلاواج.
چوب پا <i>Himantopus himantopus</i> :	پری شاهرخ <i>Oriolus oriolus</i> :
قیزیل اینجیک، قیزیل آیاق.	سارغیلداق.
حواصیل ارغوانی <i>Ardea</i>	پری شاهرخ ترکستانی <i>Oriolus</i>
purpurea: قیزیلجا هوکار.	turkestanicus: سیقلیق.
حواصیل شب <i>Nycticorax</i>	پلیکان <i>Pelicanus</i> : قوتان.

دیوار خَرَزَک <i>Tichodroma muraria</i> :	<i>nycticorax</i> : ماوقان.
دیوار قوش.	خروس کولی <i>Vanellus vanellus</i> :
زاغ نوک سرخ <i>Pyrhocorax</i> :	بززیلتیک <i>Bezziltik</i> .
<i>pyrrhocorax</i> : قارا زاغ.	خروس کولی دم سفید <i>Vanellus leucurus</i> : تکه جیللیک.
زاغی <i>Pica pica</i> : آلاهیکی، آلاهیگه.	خوتکا <i>Anas Cressa</i> : جوئکی
زرد پره مزرعه <i>Emberiza caladra</i> :	اؤردک، جوړره اؤردک.
چیرلاق.	دارکوب خالدار بزرگ
زنبورخور معمولی <i>Merops apiaster</i> :	<i>Dendrocopos major</i> : داش ده شن
<i>apiaster</i> : داراقلیق، قیزلار قوش.	دارکوب یال سفید <i>Dendrocopos leucopterus</i> : دونگقوزقوش.
رنگوله بال <i>Tetrax tetrax</i> : بز بلتک	دال معمولی <i>Gyps Fulvus</i> : کل همچ
<i>Bezbeltek</i> .	<i>Kelhemeç</i> : تومزاق.
سارگیه پا بلند <i>Buteo rufinus</i> :	دال سیاه <i>Aegyptius monachus</i> :
سیچان چی.	قاجار، قاجیر، قارا قوش.
سار معمولی <i>Sturnus vulgaris</i> :	دراج <i>Francolinus francolinus</i> :
قاراسار.	توراج.
سبز قبا <i>Coracias garrulus</i> : گوگ	دُرناي معمولی <i>Grus grus</i> : دورنا.
آرچین، گوگ قارغا.	دلیجه معمولی <i>Falco tinnun calus</i> :
سرسبز <i>Anas platyrhynchos</i> : یاشیل	گووه نک.
باش.	دُم جنبانک معمولی <i>Motacilla falva</i> : قویون قوشی.
سسک درختی کوچک	دُم سرخ سیاه <i>Phoenicurus ochruros</i> : چاقیق.
<i>Hippolais Caligata</i> : جیک -	
جیکی، شیغ - شیغی، سۆم - سۆم.	
سقر خاکستری <i>Circus cyaneus</i> :	
پکه.	

سليم کوچک Charadrius

alexandrius: كبز Kebez.

سنگ چشم پشت سرخ Lanius

collurio: آلا توغان.

سهره سياه Mycerebas cornipes:

آرچاسار، پالتا تومشيق.

شاه بوف Bubo bubo: هووی،

هووی قوشی.

شبرگرد معمولی Caprimulgus

curopaeus: گوندیز کور، چوپان

آلدار، آياق سيز پادشاه، قويانا.

شتر مرغ Struthio camelus: دوپه

قوشی.

طاووسک Porphyrio porphyrio:

سولطان تاووق، آفتالا.

طرلان Accipiter gentilis: قارچغای.

عقاب طلائی Aquila chrysaetus:

بۆر گۆت.

غاز پيشانی سفید کوچک Anser

erythropus: قاراجا غاز.

غراب Corvus corax: چول قارغا.

فلامینگوی بزرگ

Phoenicopterus ruber: قیزیل غاز،

قیزیل آياق غاز.

فیلوش Anas acuta: جیغالی.

قرقاول Phasianus: سولگون،

قیرقاول، میدان تاووق، داغ هوراز،

يابان تاووق، دره هوراز.

قرقی Accipiter nisus: قیرغی.

کاکایی بزرگ Larus ichthyaeus:

قاراباش، چارلاق.

کاکایی نوک سبز Larus canus: آق

چارلاق.

کبک چیل Perdix perdix: کاکیلیک.

کبک دری دریای خزر

Tetragallus caspicus: اولار.

کبوتر جنگلی Columba palumbus:

حال کپدری.

کبوتر چاهی Columba livia:

گوگرچین.

کرکس Neophron percnopterus:

داز زار کل.

کشیم بزرگ Podiceps cristatus:

قورجان، قورجان کل.

کشیم کوچک Rodiceps ruficollis:

ترس آياق.

کفچه نوک Platalea Leucorodia:

قاشیق چی، قلام ليق.

- کلاغ ابلق *Corvus corone*: آلا قارغا.
- کور کور سیاہ *Milvus migrans*: چای کِل، چای، چای چانگگالاق.
- کوکردم دراز: *Syrhaptus paradoxus*: دیک - دیکی.
- کوکر شکم سفید *Pterocles alchata*: قیل قوروق، آق باغیر.
- کوکر شکم سیاہ *Pterocles orientalis*: باغیر تلاق، قارا باغیر.
- گنجشک *Passer*: سرچہ، سۆتی، چیمچیک.
- گنجشک تاغی *Passer ammodendri*: سازاق سرچہ سی.
- گنجشک درختی *Passer montanus*: میدان سرچہ سی.
- گنجشک کویری *Passer simplex*: چؤل سرچہ.
- گنجشک معمولی *Passer domesticus*: قاراداماغ سرچہ، اووی سرچہ سی.
- گیلار *Anas penelope*: ساققارجا.
- لک لک سفید *Ciconia*: آق لک لک، حاجی لک لک.
- لیل *Falco subbuteo*: توز لوتای.
- میش مرغ *Otis tarda*: توقلی تایی.
- نوک پهن *Anas clypeata*: تامدیرا.
- اؤردک، سۇرق-سۇرق.
- هُد هُد *Upupa epops*: ملا قوش، هۆپ - هۆپپیک.
- هوبره *Otis undulata*: توغدارئ.
- هما *Gypaetus barbatus*: ماسلیقچی.
- یلوه خال دار *Porzana porzana*: جۆیجه - یلبه.

نام علمی گیاهان (فارسی - ترکمنی)

اطلسی *Petunia hybrida*: چیراگول،

منگ باش چیرماشیق.

افرای قرمز *Acer rubrum*: قیزیل

کِرکُوو، قیزیل کِرکاو، قیزیل گوللی

چچک، قیزیل چچک.

افرای قندی *Acer saccharum*:

شکر چچگی، غاتی کِرکُوو.

افعی گیاه *Echium*: بیلان گول.

اکلیل الملک *Melilotus officinalis*:

اشک یورونجا.

اگیر *Acorus calamus*: آجی پورروق،

آجیلیق، پورروقلی.

انجدان *Ferula*: آق شاییر، کییک

اوقارا، سونبول، جیبیش اوتاران.

انگور خرس *Arbutus uva_ursi*:

آیی اوزومی.

«ب»

بابونه حقیقی *Chamomilla*

recutita: آق گول، چوپان تلپک،

توپ باش.

بابونه گاوچشم *Chrysanthemum*

parthenium: چوپیر تلپک.

بادام وحشی *Amygdalus*

آب تره *Nasturtium officinalis*:

قاران اوتی.

آفتاب پرست *Heliotropium*: گونہ

بییک، آشیف اوتی.

آلاله *Ranunculus*: چرریک.

آنقوزه *Ferula assa-foetida*:

چوموچ، یاپیلداق.

آهو ماش زرد *Lotus corniculatus*:

داغ یورونجا، میدان ماش.

«ا»

أزمکی *Draba*: آجی بالغان،

تویبانباش.

أژدر باشی *Drancocephalum*:

أژدارها گولی.

اسپرسی *Hedysarum*: شایلی اوت.

اسپرک زرد رنگ *Reseda*

Luteola: سییاق.

استلاریا *Stellaria*: ییلدیز لیجا.

scorparia: سوۆسهلى بادام.

Plantago major: بارهنگ بالغوشا.

Alisma plantago: بارهنگ آبى

ساموق.

Plantago: بارهنگ سرنيزه‌هاى

lanceolata: قوزى قولاق، آت

قولاق.

Ferula gummosa: باريجه پور

سانگگيز.

Arctium lappa: برگ بابا آدم

ياسسى ياپراق، خان ياپراق،

غولاقلی.

Lachnophyllum: برگ پنبه‌اى

ياپراقليجا.

Hyoscyamus niger: بذر البنج

مانگفیرلاق، مانگيرداق، چاقجا

غوندون، قابير تيقليق، آلا گۆز،

كوويرتيكليک.

Pluchea capsica: بنفش غاماق، آق

باش.

Achillea millefolium: بو ماداران

بويبودرون، بويبادوران.

Gnaphalium: بوف تاج كچه گۆل.

Erophila: بهار دوست بهار اوتى.

Agropyrum repens: بيد گياه چايير،

ايچ گيدر.

«پ»

Primula: پامچال نؤوروز گۆلى.

Tussilago farfara: پاى خر اجه-

اجه‌ليک.

Acantus mollis: پاى خرس نرم

آبى پنجه‌سى.

Lachnolama: پنبه‌اى يۆنگ

توخومليجا.

Potentilla: پينج انگشت غايتارما،

بارماق اوتى.

Chenopodium: پنجه غازى سلّمه،

غاز آياغى.

Malva: پيرک ماما مۆنجوق.

Malva neglecta: پيرک گرد برگ

مامام كۆكه، مامام تيتيره، مامام

چۆره‌ك.

convolvulus: پيچك صحرايى

arvensis: پچك، آق پچك.

Erigeron: پير بهار سيغير غويروق.

Senecio vulgaris: پيرگياه سارى

سۆلماز، پاپير.

جگن نہری

Butomusumbellatus: سوو اوقی.

جنتیانا Gentiann: یریاخاسی، اشک تورپی.

جہیرہ Hypecoum procumbens: گچی امچک، قوش جوڭگلی، گچمچک.

چسبک Caulalis: ایلیشیک.

چغندر گاوی Beta vulgaris var.

altissima: اییم شوغوندور.

چنتہ چوپان Capsella bursa

pastoris: چوپانچی، گچی -

گچی، پولچی، گچی - گچی.

چوبک Acanthophyllum: قاراپچ.

حشیة الصلیب Phuopsis stylosa:

شن اوت، خاچ اوتی.

«خ»

خارخر Ononis spinosa: دمیرلی،

پولاتلی.

خارلنگری Lappula: ماوی گول،

یابیشاق.

خاکشیر Sisymbrium officinale:

دوڭگوز اوت.

«ت»

تاتوره Datura stramonium: دانہ

گرچک، ایت اولدورگیچ.

تاج خروس Amaranthus: بدن اوت.

تاج خروس برگشته Amaranthus

retroflexus: هولپا، خولپا، کوڭجی

اوت.

ترب شیر Leontice: دوڭگوز.

ترتیزک Lepidium: سیغیر سیدیک،

ات یارما.

ترشک Rumex: تورشوجا،

تورشيجا.

ترشک باریک Rumex

obtusifolius: آت قولاغی.

ترشک درشت Rumex Acetosa:

بیده‌نک، گچی قولاق.

تره Allium porrum: کبر.

تلخه Centaurea repens: ککره، آجی

ککره.

«ج»

جام زرین Sternbergia lutea:

نارغیز.

دُم موشک <i>Myosurus minimus</i> : سیچان غویروق.	خرشوف بری <i>Carlina vulgaris</i> : تیکنلی اوت.
دوبندی <i>Diarrhron</i> : قوش گوزلی، سؤو دوغان.	خرقه <i>Portulaca oleraria</i> : سَمیزهک، سَمره تی، غویون سمرهک، سمیزهک.
دو دندان <i>Bidens tripartita</i> : قوشادیش.	خرماش <i>Agriophyllum</i> : قومداری، قوش داری، خومارجیق، ایشک اوت.
دیمهاج کوچک <i>Lycopsis arvensis</i> : اگری گؤل.	ختمی سه رنگ <i>Hibiscus trionum</i> : غویون گوزی.
«ر»	ختمی گل سرخ <i>Alcea rosea</i> : قیزیل گؤل، گؤل خاتما.
رازیانه <i>Foeniculum vulgare</i> : گرمس بادییان.	ختمی طبی <i>Altheae officinalis</i> : چربییه، گؤل خاییر.
رازک <i>Humulus lupulus</i> : هوشلی غونچا.	خلر عطر <i>Lathyrus odoratus</i> : ایسلی دالیجه ماش، ایسلی توخوت.
روناس <i>Rubia tinctorum</i> : قیزیل بویا، چؤپ بویا، شن.	خلر غده دار <i>Lathyrus tuberosus</i> : ایشک ماشی.
ریحان <i>Ocimum basilicum</i> : نازیای گؤل، ریحان.	خیارک <i>Ixiolliriontataricum</i> : جؤمجؤمه.
ریواس <i>Rheum</i> : قارا یاپراق، چوقرا، چوقری، ایشغین.	خوشا ریزه <i>Echinophora</i> : تیکنلیجه.
«ز»	دُم شیر <i>Leonurus cardiaca</i> : شیر غویروق، چؤلچه، یؤرهک سلمه.
زاغک <i>Hieracium</i> : لاجین گؤلی.	
زبان در قفا <i>Delphinium</i> : آق	

تاتران.	گۆللى، گلینچک، دیری سۆنلگ،
سراستیوم Cerastium: شاخلیجا.	ساری چۆپ.
سرخان Centaurium erythraea:	زعفران Crocus sativum: زفرن،
یدی گوچ، ساندراما، یرساری،	زاعپیران.
تۆپى قیزیل.	زلف عروس Celosia cristata: هوراز
سرگجشكى Euclidium: یاباغان.	ککچ، تاجی هوراز.
سرىش Eremurus: چیریش.	زنجیل شامى Inula helenium:
سگ شلن Atropa belladonna: آق	قوزى قولاق.
سامرا.	زیبای شورەزار مردار
سس Cuscuta: یزیت ایچهگه، مرض	Halocharis spida: آق سیرقین.
چۆپ.	زیره سیاه Carum carvi: گرمس.
سنبل Hyacinthus: سۆنبۆل.	«س»
سنبل ییابانى Eremostachys: سیغیر	ساسک Corispermum: دۆیه اۆتى.
دیلى.	سایان Petasites: اوسگۆله ووک
سوزن چوپان جنگلی Anthriscus	اۆتى، کل اۆتى، غیرغین کۆکی.
silvestris: تورغای کویپیری،	سبد نقره Asperugo procumbens:
تورغای چوپان اینگگهسى.	آق پامیق.
سوسن Lilium: سوغان گۆل.	سپرى Peltaria alliaceae:
سیاهدانه Nigella sativa: قارا چۆرک	غالقانلیجا.
اۆتى.	سپید تاک Bryonia alba: آق آندیز.
سیاهدانه دمشقى Nigella	سُدابی Haplophyllum: پنیِرچک،
damasvena: چۆرهک اۆتى.	پۇرسى کرت، پۇرسى چۆپ.
سیر خرس Allium ursinum: دره	سپیده Crambe: دادران، دنگیز کلم،
سوغانی.	

سیر طلائی Allium moly: آلتین ساریمساق.

سیرک Allium petiolata: ساریسماقچی.

سیر وحشی Allium vineale: ایت یؤوا.

سیلن Silene: یلمه شک.

«ش»

شاترا Stachys: تیلکی چای.

شاخ شاخی Octoceras: سکیز شاخ.

شانه چوپان Dipsacus: غوش اوقارا، دؤنگوز داراق غوزاسی.

شاه بلوط اسبی Aesculus hippocastanum: آت قاشتانی.

شاه تره Fumaria officinalis: شاترنه.

شب بوی صحرایی Malcolmia: قیزیل غوزالاق، بؤومهلجه، یاباغان، بننه Bennew.

شبدر Trifolium: یؤرونجا.

شبدر باتلاقی Menyanthes trifolata: اؤچ یاپراقلی.

شبدر صحرایی Trifolium arvense:

ایت یؤرونجا.

شقاقیق Glaucium: (گؤگ) گؤلألک،

گچی غاماق.

شکاغی Onopordon: آلاتیکن، دورنا

دابان، تیکنک، چاقیر تیکن.

شکر تیقال Echinops: گؤگ تیکن.

شنبليله Trigonella: اؤچ یاپراقلیجا.

شن جار Psammogeton: کییک

بورچا، چاگه سؤیه گن.

شنگ اسبی Scorzonera:

غارلا، بورچا، غارلاج.

شنگ اسبی گون Epilasia: یلمیک،

آت یلمیک.

شور پشمالو Salsola lanata: بالیق

گؤز، غوش گؤز.

شوکران باغی Physospermum:

چیشیک تۇخوملیجا.

شوکران کییر Conium maculatum:

بالدییرغان، قوماق.

شیر پنیر Galium verum: تیلکی

سوما، پیشیک-پیشیک، شان

اؤتی، شن اؤت.

شیرین بیان Glycyrrhiza: بؤیان

کؤکی، غان ساقلایان، سؤیجی بؤیان.

عنبر *Amberboamoschata*: باغاياپير،
پيشدیل اۆتى.

شير مرغ چترى *Ornithogalum umbellatum*:
خونچاليجا.

«ص»

«غ»

غازاياغى *Falcaria*: غاز آياق.

صابونى *Saponaria officinulis*:

صابين اۆتى، چۆغان كۆكى.

غاز اياغى بدبو *Chenopodium*:

صبر *Aloe vera*: سابير.

vulvaria: پۇرسى سلّمه.

ظريفه *Leptaleum filifolium*: چتير

غافث *Agrimonia eupatoria*:

بۇينوز.

بۆرمك.

«ع»

«ف»

فراسيون *Marrubium vulgare*: يۇل

عجوه بى گرك *Halothamnus*:

hispidulus: چۆغان، چۆغان اۆق.

غوتلى، خال مورات اۆت.

علف دندان *Plumbago europaea*:

فراسيون آبى *Lycopus europaeus*:

غورشون گۆلى.

مۆجك آياق.

علف شاخى *Ceratophyllum*: شاخ

فرفيون *Euphorbia*: آوى تَرَنَك، قارا

ياپراق.

داغ چايى، سيدةك، سؤودهك،

علف شور *Salsola*: كَتگن، شۇر، غارا

سؤيتليجه، چيمپيلغان.

زور، چركز.

فرفيون شَمَاطَه *Euphorbia*:

علف شير *Galium aparine*:

helioscopia: گونه باقار، سيدةك

چؤلا شيق.

فرنل *Lythrum Salicaria*: گلين

علف فتق *Herniaria*: اينگگيليجه.

گۆلى.

علف هفت بند *Polygonum*:

فرنجمشك *Melissa officinalis*:

aviculare: غيرق بۇغون.

ایشغینلی.

کدو حلوائی *Cucurbita moschata*:

بال بۇرانی، بوغوملى بۇرانی.

کدو قلیانی *Lagenaria Siceraria*:

ناس کادی، سوو کادی، سویت کادی.

کدو مسمای *Cucurbita pepo*: داش

کادی.

کک کش *Pulicaria*: بۆره لیجه.

کلاغک *Muscari*: ییلان سۇغانی.

کلاه میر حسن *Acantholimon*: کپیه

گۆوهن.

کنف *Hibiscus cannabinus*: کینپ.

کنگر *Cirsium*: غالغان.

کنگر اوتی *Carduus*: قیزغان.

کنگر علوفه ای *Gundelia*: کینغار.

کمای ییابانی *Schamannia karelini*:

کوسۆک.

«گ»

گچ دوست *Gypsophila*: پشمک.

گز نه *Lamuiom*: دالاماز.

گز نه سفید *Lamium album*: آق

دالاماز.

گشنیز *Coriandrum sativum*: قینزا.

گل استکانی *Campanula*: جانگ

«ق»

قاشقک *Scutellaria*: قیزیل شورا.

قاصدک *Taraxacum vulgare*:

شیردیش، شکرک، توزغا، گۆل بابا=

بایاتلپک.

قلیا *Salicornia europaea*: یاتا،

غورشون اوتی.

قندران *Chondrilla juncea*:

یرساقیچ.

«ک»

کاجره *Carthamus tinctorius*: گۆل

غادجارا.

کاسنی *Cichorium intybus*:

سیچراتغی.

کاهو *Lactuca sativa*: کؤو،

کؤوره ییک.

کاهوی خادار *Lactuca serriola*:

سۆیتلنگلیچ، سۆیتلی غالغان.

کتان *Linum usitatissimum*: زیغیر.

کرفس *Apium gravealeus*: قارا اوق،

پورسی گۆزن.

- گۆلى. sphondylium: آيى پنجهسى.
- گل ريزک Cephalaria: باشليجا.
- گل شپش Pedicularis: بيتليجه.
- گل فراموشم مکن Myosotis: سيچان غولاق.
- گل کتانی Linania vulgaris: زيغير.
- بالداق، يابانى زيغير.
- گل عروسک Roemeria: قيزيل.
- بالداق، پاق پاقى.
- گل عشق Agapanthus orientalis: مَاهير گۆلى.
- گل ناز Sedum acre: تۈۈشان كىلىمى.
- گل هميشه بهار Calendula: سارى.
- سۇلمان، ديزناقليجا، ديرناق گۆل.
- گل مرواريد Alyssum: چاپراز، مايا.
- دانه، شادانه.
- گل مهميزى Corydalis: تورغاي.
- اۋتى.
- گوشاب Potamogeton: كىلپ، سوو.
- كېرى.
- گوش موش Parietaria erecta: غايا.
- اۋتى.
- گون سَمى Oxytropis: ساقار.
- يۈرونجا.
- گۆلى.
- گلایول Gladiolus communis: گۆجهله، قىليچ اۋتى، قارغا سۇغانى.
- گل بى مرگ Helichrysum: غورت.
- غیران، ياشى اوزىن،
- اگر-اگر، سۇلمازاق.
- گل پیامبر Arnebia pulchra: قيزيل.
- دۈبپ، چکه نه ي لیک.
- گل تب بر Ajuga: مورت.
- گل جالیز Orobanche: غارغى.
- چوموچ، يۇقانچ گۆل، يیلان دۇداق،
- يیلان چوموچ.
- گل جالیز منشعب Orobanche ramosa: غاوون گۆل.
- گل حسرت Colchicum: بى واغيت.
- اۋت.
- گل حسرت غول آسا Merenda robusta: دالى گۆجهله.
- گل حنا Impatiens balsamina: خيناگۆل، حينه گۆل.
- گل راعى Hypericum perforatum: چره باي، هوش برهن، سارى گۆل.
- گلپر رسمى Heracleum

گياه ابلک Ceratocarpus: سېته، آق داماق.

گياه تورنسل Chrozophora tinctoria: آشېغ اوتى، اشک اوت، اشک سېلمه.

گياه جارو Kochia scoparia: سۆسە، سۆسەلىك، سۆسەلىك.

گياه قردمانا Chaerophyllum: شادييان ياپراق، چيشيك ياپراق.
گياه مسنگ چوپان Chenopodium botrys: آلا سېلمه، يلمه شگن سېلين.

«ل»

لاله Tulipa: لاله، چيگيلدم، قيزيل سۇغان گۆل.

لاله واژگون Fritillaria: آلمان، آلمانچىق، حالى چيگيلدهم.
ليف Luffa: مازى، ده سېسم مايا، سورتچ كادى.

«م»

مارچوبه Asparagus officinalis: سرسپيل.

مرزنگوش خزرى Origanum vulgare: ياقيمليجا، ايس ياقيم.

مریم گلی Salvia officinalis: آق كمينچه.

مشك گياه Adoxa moschata: يوسسان چۆى تيكنى.

منداب Eruca sativa: ايندهو

مهرگياه Mandragora officinarum: سېلمه ليك.

موسک Sideritis: دميره ووک.

ميخک Dianthus: ميخاق، گۆللە مەديک، چۆى تيكن.

ميناي چيني Callistephus chinensis: خيتاي ييلديزي.

«ن»

نجم طلا Gagea: غار سۇغانى.

نعل اسبی Hippocrepis: مال اوتى.
نعناي گربه Nepeta cataria: پيشيك اوت.

نوک عقابی Horaninovia: غاراغير، سارى تيكن، ساغان.

نوک لک لکی هرز Erodium cicutarium: تمليک، چولوق.

نیلوفر آبی سفید *Nymphaea alba*:

آق سوو سۇغان گۆلى.

نیلوفر وحشى *Culystegia sepium*:

توقاي چيرماشينى.

«ي»

يونجه تاجى *Coronilla varia*: آجى

يوزونجا.

«و»

وسمه *Isatis tinctoria*: غاناتليجا،

كۆنجيلىك.

وشق *Dorema ammoniacum*:

غاماق.

خزردنگيزينده ياشايان بللى
باليق لارينگ آدى

كولمه: چاپاق.

كفال: قارا باليق، چونتالى، كفال.

كپور: كپير.

ماهى سفيد: آق باليق.

سياه كولى: چوى.

سوف: سيله

سُس ماهى: اورگنج.

زالون: تاقناز.

تاس ماهى ايرانى: بكرة، قره بورون.

شَيپ: تۇپ.

فيل ماهى: دوقى.

اوزون بورون: تيرانا.

تاس ماهى روسى: گوش.

ماهى آزاد: آزاد ماهى.

دهان گرد: يدى گوز.

«ه»

هزارپاي *Koelpinia*: باش بارماق،

پيشيك ديرناق، بۆرمكليجه، باش بارماق.

هزارگره *Polygonatum afficinale*:

اگرى، اگريجه.

هسپريس بانوان *Hesperis*

matronalis: ميس گۆلى.

هل *Elettaria cardelmomum*: غار

دامار.

هولوستوم *Holosteum*:

جۆتكليجه.

هندوانه ابوجهل *Citrullus*

colocynthis: آجى غارپيز.

داوار و قارامالارینگ
بیرنیچه سینک آدلاری
(نام بعضی دامها)

گوسفند: قویون

بره ۶ ماهه: غوزی

بره از ۶ تا ۱۲ ماهه: توقلی

دو ساله: اششک

۳ ساله: اووچ

۴ ساله: مانگ

۵ ساله: مانگراماز

۶ ساله: انگراماز

۷ ساله: ملامز

قوچ: قوچ

گوسفند دمه دار: دالاق قویون

گوسفند بی دمه: ارک قویون

گوسفند پرواری: باغ قویون

گوسفند اخته: ارکک قوین،

بیچلیگی.

بُز: گچی

بزغاله تا ۶ ماهه: آلاق

بُز یک ساله: چبیش

یکسال بیالا: دوغ

بز اخته: ارکج

بز بیضه دار: تکه

گاو: سیغر

گوساله: تانا - گوله بوزاو

یکسال بیالا: آردانا

دو ساله: کشر

۳ ساله: قاچار

۳ سال بیالا: تنووه

گاو نر دو ساله جوانه: اوکوزچه،

جوانه

گاو نر: بوغا

گاو میش: گامیش

تا ۶ ماهه: گدک

گاو میش نر: بوغا

اهلی حیوانلارینگ بیر
نیچه سی نینگ آدلاری
نام بعضی حیوانات اهلی

اسب: آط

کره اسب: تایچاناق، کورره.

کره اسب یک ساله: تای

اسب دو ساله: کیچی غونان

اسب دو تا سه ساله نر: غونان.

مادیال: بایتال.
 مادیان نازا: قیسر بایتال.
 اسب نر: هوور آط.
 کورره ماده: قیسراق.
 اسب سه ساله: اوچ یاشار.
 اسب سفید: بوژ آط.
 اسب نیله: گوک قیر آط.
 اسب کهر: دور آط.
 اسب کهر: قارا یاغیز آط.
 اسب کرند: آل قویی ساری آط.
 اسب ابرش: مله آط، آق خاللی آط.
 اسب ابلق: آلا آط.
 اسب اسقر: آل آط.
 اسب چیرمه: چپیار آط.
 اسب سمند: ساری آط.
 اسب خاکستری: چال آط، بوز آط.
 نژاد اصیل اسب: ایگدش.
 خر: اشک.
 کره: کورره.
 دراز گوش یک ساله: سیپا.
 قاطر: قاطیر.
 سگ: ایت.
 بچه سگ: کوچیک.

مرغ: تاوویق.
 جوجه: جویچه.
 ماکیان: ماکیان.
 خروس: هورواز.
 گربه: پشیک.
 تازی: آوایتی، تازی.

اسامی شتران (فارسی - ترکمنی)

شتر نر یک کوهانه‌ای که از شتر نر
 یک کوهانه (اینر) و شتر ماده یک
 کوهانه (آروانا) بدنیا آمده باشد:
گوفارد

شتر ماده یک کوهانه که از شتر نر
 یک کوهانه (اینر) و شتر ماده دو
 کوهانه (مایا) بدنیا آمده باشد:
کأردری

شتر نر یک کوهانه که از شتر ماده دو
 کوهانه (بوغرا) و شتر ماده یک
 کوهانه (آروانا) بدنیا آمده باشد:
اینر

شتر ماده دو کوهانه‌ای که از شتر نر
 دو کوهانه (بوغرا) و شتر ماده یک

کوهانه (آروانا) بدنیا آمده باشد: شتر نر یک کوهانه: اینر
مایا شتر ماده سفید: آق مایا

شتری که از شتر نر دوکوهانه
(بوغرا) و شتر حاصل از شتر نر و
ماده یک کوهانه (کاردری) بدنیا
آمده باشد: قوشماق

شتر نر یک کوهانه‌ای که از شتر نر
دوکوهانه (بوغرا) و شتر ماده
دوکوهانه (مایا) بدنیا آمده باشد:
اینر

شتر ماده دوکوهانه‌ای که از شتر نر
دوکوهانه (بوغرا) و شتر ماده
دوکوهانه (مایا) بدنیا آمده باشد:
ارک

شتر: دیه، دویه
تا ۶ ماهه: کوشاک
تا ۱۲ ماهه: توروم
تا دو ساله: اوغشیق
تا سه ساله: کشر - دولوچ
شتر دوکوهانه: بوغرا - ایکی
اورگچ‌لی
شتر کچ کوهانه: غامغیل
شتر یک کوهانه ماده: آروانا،
اینن دویه

ترکمنچه بیر ناچه درمان اوتلار

- ۱- ایشغین، آط قولاق. آش قازانا پیدالی.
- ۲- جرن اوتی بوی دانه. عیال اوغرا دگیشلی.
- ۳- داغ چایی. مکه قورساق، کاکیلیک اوتی، دمیر تیکن، شیر قویروق، بورجاق، یورک آغیرا درمان.
- ۴- زیتون، باغینگ یا پراغی و حوزینگ یا پراغی، سویجی کسله پیدالی ام بولیار.
- ۵- ایشغین، بورجاق، دم قیسمه ام بولیار.
- ۶- یوشان، قورچینا پیدالی.
- ۷- شیر قویروق یورک آغیرا دگیشلی.
- ۸- یانداق، بوی بودران، ایچی آغیری.
- ۹- کاکیلیک اوتی، قاقیلینی آیریار.
- ۱۰- اشک یورنجا، ساری گل. قیرق بوغان، ذریک ساری بوغا. یدی

- گویچ، باغیراویکنه ام بولیار.
- ۱۱- گوبیل، باباسیل کسله درمان.
 - ۱۲- لیمون نارقیز، کونه کسله ام.
 - ۱۳- ماوی گل، دامازی یومشادیار.
 - ۱۴- چوپان تلفک، کله آغیرا، ام
 - ۱۵- شیر قویروق، قان فشارینگی بیرمدار ساقلایار.
 - ۱۶- قارا هیلیه، ایچ یلنی چیقاریار.
 - ۱۷- باگل، آجی دری آیریار.
 - ۱۸- باشی آشاق، گوزی آراسالایار.
 - ۱۹- چنگللی، پروستاده پیدالی، پشو یولنی آچیار.
 - ۲۰- چوب بویا، دوویگه ام.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Barbus brachycephalus caspius* Berg, 1914

نام علمی:

English name : Caspian barbel

نام فارسی: سس ماهی خزری

Local name : Sas, Zardepar

نام محلی: سس، زرده پر (اورگنچ)



S.L : 46 cm

DIII-IV 7; A III 5; L.I. 65 $\frac{12-14}{8-10}$ 77; G.r. 18-21

مشخصات کلیدی:

بدن کشیده و باریک، دهان تحتانی و بزرگ دارای دو جفت سیلیک دراز، سر نسبتاً کوتاه و باریک بوده و تفاوت ظاهری با سس ماهی سر بزرگ در فرم بدنی کشیده و نزدیکتر بودن باله پشتی به سر است.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه بوده و دارای مهاجرت بهاره و پائیزه می‌باشند. در دریا و در اعماق ۲۰-۲۵ متری یافت می‌شوند. در ۴-۵ سالگی بالغ شده و تخم‌ریزی از اردیبهشت تا مردادماه صورت می‌گیرد. از بی‌مهرگان کفزی و تخم و بچه سایر ماهیان تغذیه می‌نمایند.

اندازه: بیشینه طول ۱۰۳ سانتیمتر و وزن ۱۴/۵ کیلوگرم؛ میانگین ۳۹ سانتیمتر و وزن ۴۲۰ گرم.

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Rutilus rutilus caspicus* (Jakowlew, 1870)

نام علمی:

English name : North Caspian roach, Astrakhan vobla

نام فارسی: کرلمه خزری

Local name : Koolmeh

نام محلی: کرلمه (چاپاق)



S.L : 13 cm

DIII 8-10; A III 8-10; L.I. 42 $\frac{6.5-8}{4-4.5}$ 47; vert. 39

مشخصات کلیدی:

دندان حلقی یک ردیفی ۵-۶، دهان نیم تحتانی، فلس‌ها نسبتاً بزرگ، بدن نیمه پهن و طول ساقه دمی ۱۸-۲۴ درصد طول بدن و ارتفاع بدن ۲۵-۳۶ درصد طول بدن می‌باشد.

خصوصیات زیستی: از ماهیان نیمه مهاجر بوده و دارای دو نوع مهاجرت، یکی از دریا به رودخانه جهت تخم‌ریزی (بهاره) و دیگری در داخل دریا جهت زمستان‌گذرانی (پائیزه) می‌باشد. نژادی از این زیرگونه تحت عنوان *R.r.c. natio Kurensis* Berg, 1932 در مناطق مطالعاتی شناسایی شده است. در اسفندماه و بر روی ریشه و ساقه گیاهان آبزی تخم‌ریزی می‌کند. از نرم‌تنان، سخت پوستان ریز و لارو حشرات تغذیه می‌نماید.

اندازه: بیشینه طول ۳۰ سانتیمتر و وزن معمولاً ۲۰۰ گرم، ندرتاً تا ۸۰۰ گرم؛ میانگین ۱۵ سانتیمتر و وزن ۸۰ گرم.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Rutilus frisii kutum* Kamenskii, 1901

نام علمی:

English name : Kutum (White fish)

نام فارسی: ماهی سفید

Local name : Mahi - sefid

نام محلی: ماهی سفید (آق بالیق)



S.L : 35 cm

DIH9; A III 10; L.I. 53 $\frac{9.5-10}{4.5-5}$ 62; G.r. 8-12

مشخصات کلیدی:

دندان حلقی یک ردیفی ۵-۶، گاهی ۵-۵ یا ۶-۶، دهان نیم زیرین، فلس‌ها متوسط، ارتفاع بدن کمتر از طول سر یا برابر آن، طول باله مخرجی بزرگتر از ارتفاع آن است.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه بوده و دارای دو شکل بهاره و پاییزه می‌باشند. فرم پاییزه از اوایل آبان تا اسفندماه و فرم بهاره از اوایل اسفند تا اواخر اردیبهشت وارد رودخانه‌های حوزه جنوبی دریای خزر شده و تخم‌ریزی در فصل بهار انجام می‌گیرد. در سن ۳-۴ سالگی بالغ شده و از نرم‌تنان، سخت پوستان ریز و لارو حشرات تغذیه می‌نماید. اندازه: بیشینه طول ۷۱ سانتیمتر و وزن ۴ کیلوگرم؛ میانگین ۴۵ سانتیمتر و وزن ۱۱۰۰ گرم.

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Cyprinus carpio* Linnaeus, 1758

نام علمی:

English name : Common (European) carp

نام فارسی: کپور معمولی یا وحشی

Local name : Kapour

نام محلی: کپور (کپیر)



S.L : 46 cm

DIII-IV(15) 16-21(22); A III 5(6); L.I. (32)33 $\frac{5-6}{5-6}$ 41

مشخصات کلیدی:

Vert. 36-38, G.r. 21-29 ، دندان حلقی سه ردیفی به صورت ۲.۲.۱ - ۱.۲.۳ ، دارای یک شعاع سخت مضرس در باله‌های پشتی و مخرجی، فلس‌ها بزرگ، بدن ضخیم. رنگ معمولاً زرد تیره و دارای دو جفت سبیلک می‌باشد.

خصوصیات زیستی: دارای دو فرم، یکی نیمه مهاجر که اکثریت را شامل گشته و دیگری نوع رودخانه‌ای می‌باشد. از نظر شکل بدن دو فرم کشیده (وحشی) و پهن (پرورشی) دارد. در ۳-۴ سالگی به بلوغ می‌رسد. تخم‌ریزی در مناطق کم عمق رودخانه و با جریان آبی کند، در طی ماه‌های اردیبهشت تا نیمه دوم خرداد و در آب با دمای ۱۸-۲۰ درجه سانتیگراد انجام می‌گیرد. بچه ماهیان از پلانکتون‌های گیاهی و جانوری، سخت پوستان و روتاتورها و ماهیان بزرگتر از ۱۸ میلیمتر، و سایر کفزیان و دتریت‌ها تغذیه می‌نماید.

اندازه: بیشینه طول ۱۵۰ سانتیمتر و وزن ۱۲ کیلوگرم؛ میانگین ۳۸ سانتیمتر و وزن ۱۳۰۰ گرم.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : ACIPENSERIDAE

خانواده: تاس ماهیان

Scientific name : *Acipenser guldenstadti* Brandt, 1833

نام علمی:

English name : Russian sturgeon, Osetr

نام فارسی: تاس ماهی روسی

Local name : Chalbash

نام محلی: چالباش (گوش)



S.L : 147 cm

Du 27-51; Au 18-33; SD 8-18; SL 24-50; SV 6-13; Sp.br 15-31

مشخصات کلیدی:

پوزه کوتاه و گرد، خارهای آبششی کمتر از ۲۰ عدد، سیبک‌ها نزدیک انتهای پوزه و بدون رشته، لب پائینی در وسط دارای بریدگی و بر روی بدن آن ۵ ردیف صفحات استخوانی وجود داشته که بین آنها برجستگی‌های استخوانی ریز دیده می‌شود.

خصوصیات زیستی: از ماهیان ساکن منطقه شیب قاره و در آب‌های لب شور باقی می‌ماند. مهاجر به رودخانه بوده و دارای دو فرم بهاره و پائیزه می‌باشد. نرها در ۱۱ تا ۱۳ سالگی و ماده‌ها در ۱۲ تا ۱۶ سالگی بالغ شده و تخم‌ریزی در اردیبهشت و خرداد و بندرت تا مرداد یا شهریور انجام می‌گیرد. بچه ماهیان ابتدا از موجودات بی‌مهره، سخت‌پوستان و کرم‌ها و بالغین از نرم‌تنان و ماهیان تغذیه می‌نمایند.

اندازه: بیشینه طول ۲۱۵ سانتیمتر و وزن ۶۵ کیلوگرم؛ میانگین ۱۲۸ سانتیمتر و وزن ۲۰ کیلوگرم.

Family : ACIPENSERIDAE

خانواده: تاس ماهیان

Scientific name : *Huso huso* (Linnaeus, 1758)

نام علمی:

English name : Great white sturgeon, Beluga, Hausen

نام فارسی: فیل ماهی خزری (دوقی)

Local name : Chalbash

نام محلی: فیل ماهی، بلوگا



S.L : 195 cm

Du 48-81; Au 22-41; SD 9-17; SL 37-53; SV 7-14; Sp.br 17-36

مشخصات کلیدی:

سر بسیار بزرگ و دارای پوزه‌ای تیز و کوتاه، بدن کشیده و دراز، دهان بزرگ، نیمه هلالی و تمام سطح زیرین پوزه را شامل می‌گردد. پرده‌های برانشی بهم متصل، سیبک‌ها پرک مانند و از دو پهلو فشرده، اولین مهره پشتی، کوچکتر از سایر مهره‌هاست.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه (Anadromus) و دارای دو شکل مهاجر بهاره و پائیزه می‌باشد. در قسمت‌های عمیق رودخانه با جریان شدید آبی و بسترهای سنگلاخی تخم‌ریزی می‌کند. نرها در ۱۴-۱۲ و ماده‌ها در ۱۸-۱۶ سالگی بالغ شده و در اواسط بهار تخم‌ریزی می‌نمایند. بچه ماهیان از بی‌مهرگان و بالغین در دریا از ماهیان و در رودخانه از بی‌مهرگان تغذیه می‌کنند.

اندازه: بیشینه طول ۶۰۰ سانتیمتر و وزن ۱۵۰۰ کیلوگرم، میانگین ۱۹۸ سانتیمتر و وزن ۸۷ کیلوگرم.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : ACIPENSERIDAE

خانواده: تاس ماهیان

Scientific name : *Acipenser nudiventris* (Lovetsky, 1828)

نام علمی:

English name : Ship sturgeon, Spiny(bastard) sturgeon

نام فارسی: شیپ

Local name : Ship

نام محلی: شیپ (تُپ)



S.L : 147 cm

مشخصات کلیدی: Du 39-57; Au 23-37; SD 11-17; SL 49-74; SV 11-17; Sp.br 24-45

لب پائینی یک پارچه، فاقد چاک، سبیلک‌ها رشته‌ای و نخستین صفحه استخوانی پشتی، بزرگتر از سایر صفحات می‌باشد.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه بوده و دارای مهاجرت‌های بهاره و پائیزه می‌باشد. جهت تخم‌ریزی وارد رودخانه‌ها می‌گردد. این ماهی در دریا، به علت رفتارهای تغذیه‌ای خود، در ارتباط با آب‌های ساحلی باقی مانده و در بسترهای گلی تا اعماق حدود ۵۰ متری زیست می‌نماید. ماده‌ها در ۸-۱۲ و نرها در سن ۹-۱۸ سالگی بالغ شده و تخم‌ریزی آنها در بهار (اردیبهشت تا خرداد) می‌باشد. از لارو حشرات، نرم‌تنان، سخت‌پوستان و ماهیان کوچک (گاوماهیان) تغذیه می‌کنند.

اندازه: بیشینه طول ۲۰۳ سانتیمتر و وزن ۵۸ کیلوگرم، میانگین ۱۴۷ سانتیمتر و وزن ۲۵ کیلوگرم.

GAZY SÖZLÜGY

PARSCA-TÜRKMENCE

YAZAN:

HAJY MYRATDURDY GAZY

GÜNBET 2002